

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جامع الأحادیث

دنیا

حدیث ۳۶۲۴

۱۷۲۱ سر عنوان (موضوع فرعی)

با ترجمه‌ی فارسی در صفحه‌ی مقابل

علیرضا برازش



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۴

فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِينَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا^۱

اگر مردم با زیبایی‌های کلام ما آشنا می‌شدند، از ما پیروی می‌کردند.

علی بن موسی الرضا علیه السلام

محتوای کتاب دقیقاً همان است که از نام کتاب بر می‌آید «جامع الأحادیث»؛ یعنی مؤلف در پی آن بوده است همه‌ی روایات پیرامون یک موضوع را از میان احادیث نقل شده در کتب محدثین و مؤلفین شیعی استخراج و به نحوی که مشاهده می‌کنید تدوین و تا جزئی‌ترین لایه‌ها، تبویب و فصل‌بندی نموده، به تشنگان معارف اهل بیت عصمت علیهم السلام ارائه کند.

هدف از تألیف این مجموعه، شناساندن معارف ناب اسلامی با برداشت مستقیم از آیات و روایات است.

شک نیست که با الهام از «وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ»^۲، «فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ»^۳ و «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»^۴ و «أَمَّا إِنَّهُ شَرٌّ عَلَيْكُمْ أَنْ تَقُولُوا بِشَيْءٍ مَا لَمْ تَسْمَعُوهُ مِنَّا»^۵ و ده‌ها آیه و حدیث و دلایل عقلی، برای دستیابی به معارف الهی، راهی جز مراجعه به بیانات مخاطبان وحی نیست.

و البته پرواضح است هرچقدر دامنه‌ی مأخذ وسیع‌تر و نیز هرچه محقق عمیق‌تر باشد، امکان دستیابی به نظر شارح و انطباق نظریه‌ی حاصله با آن بیشتر خواهد بود.

ضرورت تألیف

شیخ کلینی در قرن سوم و چهارم با امکانات و محدودیت‌های زمانه‌ی خود، کتاب شریف «کافی» را تدوین و تبویب نمود. پس از گذشت هشت قرن، علّامه مجلسی به ده‌ها بلکه صدها

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۹۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱.

۳. همان.

۴. سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۷.

۵. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۷۰.

﴿مقدمه﴾

اثر حدیثی دیگر دست یافت و بر آن شد ضمن پذیرفتن کلیات نقشه‌ی جامع ابواب معارف که شیخ کلینی گسترده و حدود شانزده هزار حدیث خود را در آن تنظیم کرده بود، با توجه به در اختیار داشتن چندین برابر بیشتر از احادیثی که کلینی در اختیار داشت، همان نقشه را گسترش دهد و از بعضی فصول، بخش‌ها و ابواب جدید منشعب کند.

نگاهی به فهرست کتاب‌های «کافی» هشت جلدی و «بحارالانوار» یکصد و ده جلدی بیانگر حقیقت فوق‌الذکر است.

هر چند قائلیم نایافته‌های مجلسی در مقابل یافته‌های او بسیار اندکند، ولی سخت معتقدیم حتی در محدوده‌ی خود کتاب عظیم بحارالانوار، می‌توان احادیث بسیاری یافت که در غنای محتوای ابواب دیگر همان کتاب - جز آن بابی که هم اکنون حدیث را دربر گرفته است - بتواند نقش مؤثری ایفا کند.

مزیت نسبی زمانه‌ی مجلسی به زمانه‌ی کلینی، امکان گردآوری و ادغام صدها جلد کتاب حدیثی را فراهم آورد.

لکن مزیت نسبی زمان حال به زمان تألیف بحارالانوار نیز این فرصت را در اختیار من و سایر مؤلفین قرار داده است که حتی بدون در نظر گرفتن کتب و احادیث تازه‌یافته، یعنی حتی در همان محدوده‌ی احادیث یافت‌شده و مورد قبول مؤلفان و محدثانی چون مجلسی، حرّ عاملی، فیض کاشانی و محدّث نوری، دست به تألیفاتی بزنند که هرچند در همان نقشه‌ی مهندسی ابواب دین که آن بزرگان طراحی کرده‌اند می‌گنجد، ولی به دلیل دستیابی به ده‌ها برابر حدیث در هر فصل و بخش و باب، این امکان در اختیار مؤلف قرار می‌گیرد تا به فصل‌بندی و تبویبی بسیار جزئی‌تر دست زند.

اگر باب شکر در کتاب شریف «کافی» دارای ۳۰ حدیث و باب شکر در دایرةالمعارف بحارالانوار حاوی حدود ۸۰ حدیث - بدون فصل‌بندی داخلی - است، دستیابی به بیش از دو هزار حدیث از همان مأخذ مورد قبول مجلسی و دیگر محدّثین، یقیناً امکانی چند برابر برای تبویبی ده‌ها برابر جزئی‌شده در اختیار مؤلف قرار داده است.

مقایسه‌ی هر اثر با آثار مشابه هم‌عصر یا آثار گذشتگان ما را بر وجود یا فقدان نوآوری در اثر مورد نظر آگاه می‌کند.

توان و حوصله‌ی مؤلف برای گردآوری بیش از سی برابر احادیث یافت‌شده در فصل و باب مشابه در دایرةالمعارف بحارالانوار و وجود فهرست چند ده صفحه‌ای و چند هزار سطری برای موضوعی که در کتاب‌های شریف کلینی و مجلسی، تقریباً هیچ زیرفصلی را به خود اختصاص

﴿مقدمه﴾

نداده‌اند، بیانگر آن است که طالب دریافت معارف از سرچشمه‌ی آیات و روایات، با بهره‌گیری مناسب از این مجموعه، با وسعت و جزئیات بسیار بیشتری به گنجینه‌ی معارف دست خواهد یافت، هدفی که در تقدّسش هیچ شبهه‌ای روا نیست.

تفاوت بارز این اثر با کارهای مشابه، در گستره‌ی روایات مورد استناد و استخراج زیرموضوع و تبویب بسیار جزئی احادیث است. مقایسه‌ی فهرست تفصیلی اثر حاضر که برای یک صفت اخلاقی تا بیش از هزار شاخه و زیرشاخه ترسیم و احادیث را در آن نظم داده است، با فهرست باب الشکر در کافی، بحارالأنوار، میزان الحکمة و یا کتب مستقل پیرامون این موضوع، بهترین بیانگر این تفاوت‌هاست.

مخاطب این مجموعه کسی است که می‌خواهد و می‌تواند مستقیماً احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) را مطالعه کند. استخراج بیشترین حدیث پیرامون یک موضوع و تبویب جزئی، به نحوی است که حتی مطالعه‌ی فهرست تفصیلی هر جلد از این مجموعه، خواننده را تا حدود زیادی بیش از آنچه تاکنون درباره‌ی آن موضوع می‌دانست، با آن آشنا می‌کند. کنار هم قرار گرفتن احادیث قریب‌المعنی، در نزدیک کردن معانی احادیث به فهم خواننده، بی‌تأثیر نیست. در هر صورت این مجموعه جز حدیث نیست و از آنجا که مطالعه‌ی احادیث اخلاقی نسبت به احادیث کلامی، فقهی و حتی تاریخی، برای اقشار غیر متخصص، سهل‌تر می‌باشد، در مرحله‌ی اول به موضوعات اخلاقی پرداختیم.

مجموعه‌ی حاضر جز از منابع معتبر حدیث شیعی استفاده نکرده است، لذا اعتبار آن به اعتبار مأخذی است که در پایان کتاب در بخش فهرست مأخذ ذکر کرده‌ایم. هر قدر به کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب، استبصار، بحارالأنوار، وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل و وافی اعتماد می‌کنید به این مجموعه اتکا کنید.

هر قدر به راحتی از شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ طوسی، علّامه مجلسی، شیخ حرّ عاملی، فیض کاشانی و سید بن طاووس حدیث نقل می‌کنید و به امام معصوم (علیه‌السلام) نسبت می‌دهید از این مجموعه نیز نقل کنید؛ و اگر در جایگاهی هستید که برای افتاء و اظهار نظر دقیق دینی، به بررسی تک‌تک زوایای احادیث می‌پردازید و با به‌کار بستن معیارهای علم رجال و درایه و فقه‌الحديث، روایات را ردّ و قبول می‌کنید، با این مجموعه نیز همان کنید که با سایر کتب حدیث.

بزرگان ما به‌راحتی در سخنرانی و نوشته‌ها و درس و بحث خود از کافی، نهج‌البلاغه، وسائل الشیعه، وافی، بحارالأنوار، غررالحکم و... نقل حدیث می‌کنند و با بردن نام نهج‌البلاغه، به

﴿مقدمه﴾

اعتبار سید رضی رحمته الله علیه و با بردن نام کافی به اعتبار کلینی رحمته الله علیه، این باور را در شنونده و خواننده پدید می‌آورند که آنچه می‌گوییم و می‌نویسم، نقل قول از معصوم علیه السلام است. این مجموعه نیز حرفی و کلمه‌ای خارج از آنچه کلینی‌ها و صدوق‌ها نقل کرده‌اند در خود ننگ‌جاده است. ولی آنچه در اختیار کلینی و صدوق و مجلسی و... نبوده و مزیت زمان حاضر است، اعم از کتاب‌های خوش‌چاپ و کم‌غلط، نرم‌افزارهای جدید، امکانات جستجوی ترکیبی با سرعت بسیار، امکان مقایسه و جستجو در صدها هزار صفحه، همه و همه این امکان را به ما داده است تا بدون خدشه به وثاقت و استحکام مطالب، با در اختیار گرفتن صدها برابر حدیث نسبت به محدثان متقدم، تبویبی بسیار جزئی و غیر قابل مقایسه با دیگر آثار ارائه دهیم و البته ویژگی این مجموعه و جلوه‌ی اثر وجودی مؤلف نیز همین بخش است - تبویب و دسته‌بندی -؛ فلذا اگر دانش مؤلف در فهم موضوع حدیث و قدرت استخراج زیرموضوع از دل روایات، مورد خدشه‌ی جدی نباشد، مجموعه‌ی حاضر، ابواب جدیدی را پیش روی طالب علم می‌گشاید و به دانش‌پژوه فرصت می‌دهد تا نقشه‌ی وسیع‌تر و جزئی‌تری از هر یک از موضوعات اخلاقی را دریافت و مطالعه کند. نقطه‌ی آغازین ایده‌ی «جامع‌الاحادیث» در اواخر دهه‌ی ۶۰ و بعد از انتخاب «معجم فهرس اصول کافی» به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی در سال ۶۸ بود. مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر در دوره‌ی مدیریت آقای حسین انواری و ریاست حضرت آیت‌الله جنتی بر سازمان تبلیغات اسلامی، طرح «جامع‌الاحادیث» را به مؤلف پیشنهاد و مرحله‌ی اول آن از آغاز سال ۱۳۶۹ شروع شد.

مجموعه‌ی معاجم کتب روایی در ۷۰ مجلد و بالغ بر پنجاه هزار صفحه از ثمرات جانبی مرحله‌ی اول این طرح بود؛ چراکه برای تألیف کتابی که جامع همه‌ی احادیث باشد وجود معاجم حدیثی ضروری می‌نمود و در آن تاریخ جز بر اصول کافی و نهج‌البلاغه معجم حدیثی قابل ذکر دیگری نبود. هرچند ترشحات و تولیدات جنبی طرح «جامع‌الاحادیث» با استقبال جامعه‌ی علمی و حوزوی مواجه شد و رهبر معظم انقلاب و آیه‌الله مکارم شیرازی و آیه‌الله هاشمی رفسنجانی و آیه‌الله جنتی هریک بر یکی از آثار تقریظ نگاشتند و دو دوره‌ی دیگر نیز بخش‌هایی از این مجموعه به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی برگزیده شد. لکن به دلیل تغییر مدیریت در سازمان تبلیغات اسلامی و مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر و نیز محول شدن برخی مسؤولیت‌های اجرایی از جمله معاونت فرهنگی وزارت ارشاد، مدیریت کتابخانه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی و مدیریت شبکه‌ی یک سیما به مؤلف، اجرای مراحل پایانی این پروژه‌ی بزرگ به تأخیر افتاد. شروع دوباره‌ی این طرح مدیون مدیرعامل وقت مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر برادر گرامی جناب آقای احمد نثاری است که تحت ارشادات ریاست سازمان تبلیغات اسلامی، حجة الاسلام

﴿مقدمه﴾

والمسلمین دکتر سیدمهدی خاموشی طرح به فراموشی سپرده شده‌ی «جامع‌الاحادیث» را احیا کردند و توفیق سروکارداشتن با احادیث اهل بیت علیهم‌السلام را بعد از وقفه‌ای نسبتاً طولانی دگربار به من بخشیدند. البته در طول این سال‌ها با ورود کامپیوتر به عرصه‌ی تحقیقات مذهبی و تأسیس و توسعه‌ی موسسات پر تعداد و در رأس آنان «مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی»، روش دستیابی به احادیث، نسبت به سال‌های شروع طرح در دهه‌ی شصت، به کلی دگرگون شده است. البته علی‌رغم جمع‌شدن مجموعه‌ی منابع روایی در یک لوح فشرده باز هم نیاز به «جامع‌الاحادیث» احساس می‌شد و با شکل‌گرفتن اولین مجلدات آن و امکان مقایسه‌ی آن با کتاب‌ها و نرم‌افزارهای موجود، این فرضیه بیشتر و بیشتر تقویت شد.

این مجموعه که از موضوعات اخلاقی، عقیدتی آغاز کرده است و راه طولانی‌ای در پیش دارد، با ارائه‌ی اولین مجلدات و اولین موضوعات، خود را در معرض نقد و پیشنهاد اساتید فن و کلیه‌ی علاقمندان به گسترش کلام معصومین علیهم‌السلام قرار می‌دهد. چه در انتخاب و ترتیب موضوعات و چه در نحوه‌ی دسته‌بندی و ارائه‌ی آن.

دست‌اندرکاران تهیه‌ی این اثر، خود را از راهنمایی علاقمندان به نشر روایات معصومین علیهم‌السلام بی‌نیاز نمی‌دانند و این مجموعه را به مثابه برگ سبزی به سلسله‌ی نورانی اهل بیت عصمت علیهم‌السلام تقدیم می‌کنند؛ به امید آنکه در بهره‌برداری نسل حاضر و نسل‌های آینده از بیانات ارزشمند ایشان و تطبیق هرچه بیشتر زندگی با راهنمایی‌های آن پیشوایان راستین گامی هرچند ناچیز برداشته باشند.

مقدمه را با فقراتی برگزیده از کلام فقیه و محدث معاصر و مؤسس مرکز پژوهشی دارالحدیث، آیه‌الله محمدی ری‌شهری مؤلف موسوعه‌ی حدیثی «میزان‌الحکمة»، در شأن حدیث، جایگاه آن و اهمیت تنظیم موضوعی احادیث به پایان می‌برم.

❁ حدیث، بهترین وسیله برای تبلیغ دین و آشناکردن مردم با اسلام ناب است.

❁ قرآن کریم، به مثابه قانون اساسی اسلام، بیشتر کلیات را بیان کرده و تبیین

تفاصيل و جزئیات را به روایات واگذار کرده است. از این رو، روایات، پس از

قرآن، مهم‌ترین منبع شناخت دین به‌شمار می‌آید.

❁ حدیث، به دلیل انتساب آن به معصوم علیهم‌السلام و وحیانی‌بودن محتوای آن،

حجت است.

❁ احادیث اسلامی نه تنها در میان عموم مردم، بلکه در میان خواص حوزه‌های

علمیه، جایگاه شایسته‌ی خود را ندارند.

﴿مقدمه﴾

❁ اگر برآیند صحیح قرآن و حدیث به زبان روز برای مردم جهان بیان شود، در عصر حاضر، اسلام بیش از هر وقت دیگر هوادار خواهد داشت.

❁ احادیث اسلامی، مانند آیات قرآن مفسّر یکدیگرند و تنظیم احادیث به صورت موضوعی، به خصوص در کنار ارائه‌ی موضوعی آیات قرآن، علاوه بر آنکه می‌تواند در تشخیص میزان صحت و یا سقم احادیث مؤثر باشد، موجب فهم دقیق رهنمودهای خداوند متعال و پیشوایان بزرگ اسلام نیز می‌شود و افزون بر این، دسترسی پژوهشگران و عموم علاقمندان به اسلام راستین را آسان می‌سازد.

در پایان لازم می‌دانم از همه‌ی همکاران محترم بخش‌های مختلف که در روند آماده‌سازی این مجموعه‌ی گرانسنگ تلاش کرده‌اند و به‌ویژه همکاران اصلی بخش ترجمه: حجت الاسلام والمسلمین سید رسول بهشتی‌نژاد، حجت الاسلام والمسلمین هابیل جوانی و حجت الاسلام والمسلمین حسین خداپرست و آقای مصطفی خلّاش؛ سرویراستار؛ سرکار خانم زینب فرهادی و صفحه‌آرا؛ سرکار خانم محبوبه فیضی و سایر همکاران در بخش‌های استخراج، مصدربابی، ویرایش خانم‌ها: سمیه الله‌دادی، رویا حائری، اقدس السّادات حسینی، محبوبه روشنی، فائزه سیبویه، محبوبه شمشیرگرها، سهیلا عباسی، منصوره علیمردانی، مریم ناصرالملکی و آقای مجید قاسمی اقدم کمال تقدیر و سپاس را داشته و از خداوند قادر و متعال ادامه‌ی توفیقات آنان را خواستارم.

ایرادها، کاستی‌ها و اشکالات این اثر اندک نیست ولی امیدوارم عزیزان فرهیخته و نکته‌سنج، نظرات اصلاحی خویش را از ما دریغ نکنند.

و من الله التوفیق
علیرضا برازش

دنیا ❁

الفهرسُ المُوجز

١٣٢	الفصلُ الأوَّل: مَا الدُّنْيَا؟
١٣٢	١-١- مَعْنَى الدُّنْيَا وَتَمَانِيلُهُ.....
١٥٤	١-٢- الدُّنْيَا المَمْدُوحَةُ.....
١٧٢	١-٣- الدُّنْيَا التَّحَوُّلُ وَ الزَّوَالُ.....
٢٢٢	١-٤- الدُّنْيَا البَلَاءُ.....
٢٧٦	١-٥- الدُّنْيَا المَتَاعُ وَ اللَّذَّةُ.....
٢٩٨	١-٦- الدُّنْيَا الخَدُوعَةُ.....
٣١٤	١-٧- الدُّنْيَا الهَوَانَةُ.....
٣٤٢	١-٨- جَنَّةُ الكُفَّارِ، دَارُ الْأَشْقِيَاءِ.....
٣٤٤	١-٩- الدُّنْيَا الجَهْلُ وَ الحُمَقُ.....
٣٤٦	١-١٠- مَعْرِفَةُ الدُّنْيَا مِنْ طَرِيقِ مَعْرِفَةِ العَلَاقَةِ بَيْنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.....
٣٨٠	الفصلُ الثَّانِي: أَهَمِّيَّةُ الْإِهْتِمَامِ بِمَوْضُوعِ الدُّنْيَا.....
٣٨٠	٢-١- الْأَمْرُ بِمَعْرِفَةِ الدُّنْيَا كَنَهْ مَعْرِفَتِهَا، بُغْضُ الدُّنْيَا عَمَلٌ وَاحِدٌ لِحُبِّ اللَّهِ، النَّاسُ كُلُّهُمْ أَتْنَاءُ الدُّنْيَا.....
٣٨٠	٢-٢- الْقِيَاسُ.....
٣٨٨	٢-٣- الرَّأْسُ وَ الْأَصْلُ.....
٣٨٨	٢-٤- الشَّرُّ، السُّوءُ، الْخُبْثُ.....
٣٩٠	٢-٥- اللَّعْنُ.....
٣٩٤	٢-٦- فَضِيلَةُ تَرْكِ الدُّنْيَا.....
٣٩٨	٢-٧- الْأَمْرُ بِتَهْوِينِ الدُّنْيَا وَ الزُّهْدِ عَنْهَا.....
٤٠٠	٢-٨- لَا يُحِبُّهَا اللَّهُ، لَمْ يَرْضَهَا اللَّهُ، أَرْهَدَ اللَّهُ عَنْهَا.....
٤٠٠	٢-٩- النَّهْيُ عَنِ الدُّنْيَا وَ حُبِّهَا.....
٤٢٠	٢-١٠- الدِّمُّ وَ الْعَيْبُ.....
٤٢٢	٢-١١- خِلَافُ الْإِيمَانِ وَ الْعَقْلِ.....

فهرست مختصر

فصل ۱: دنیا چیست؟.....	۱۳۳
۱-۱- معنای دنیا و تمثیل‌های آن.....	۱۳۳
۱-۲- دنیای پسندیده.....	۱۵۵
۱-۳- دنیای دگرگونی و ازبین‌رفتن.....	۱۷۳
۱-۴- سرای بلا و گرفتاری.....	۲۲۳
۱-۵- دنیای بهره‌مندی و لذت.....	۲۷۷
۱-۶- دنیای حيله‌گر.....	۲۹۹
۱-۷- دنیای بی‌ارزش.....	۳۱۵
۱-۸- بهشت کافران، سرای بدبختان.....	۳۶۳
۱-۹- دنیای نادانی و حماقت.....	۳۶۵
۱-۱۰- شناخت دنیا از طریق شناخت ارتباط دنیا و آخرت.....	۳۶۷
فصل ۲: اهمیت توجه به موضوع دنیا.....	۳۸۱
۲-۱- فرمان به شناخت عمیق دنیا، دشمنی با دنیا تنها عمل برای جلب دوستی خدا، همه‌ی مردم فرزندان دنیایند.....	۳۸۱
۲-۲- مقایسه.....	۳۸۱
۲-۳- منشأ و ریشه.....	۳۸۹
۲-۴- بدی و شومی و پلیدی.....	۳۸۹
۲-۵- لعن و نفرین.....	۳۹۱
۲-۶- فضیلت ترک دنیا.....	۳۹۵
۲-۷- امر به بی‌ارزش‌شمردن دنیا و بی‌رغبتی نسبت به آن.....	۳۹۹
۲-۸- خدا دوست ندارد، خدا راضی نیست، خداوند بی‌رغبتی ایجاد می‌کند.....	۴۰۱
۲-۹- نهی از دنیا و دنیادوستی.....	۴۰۱
۲-۱۰- نکوهش و عیب.....	۴۲۱
۲-۱۱- مقابل ایمان و عقل.....	۴۲۳

﴿الفهرسُ الموجز﴾

٢-١٢	التَّهْدِيدُ وَرَاجِعُ: الفصل الخامس؛ عواقب الإهتمام بالدُّنيا	٤٢٤
٢-١٣	الفصل الثالث: عَوَامِلُ حُبِّ الدُّنْيَا وَإِثَارَهَا عَلَى الْآخِرَةِ	٤٢٤
٣-١	مَا يَرْتَبِطُ بِاللَّهِ	٤٢٤
٣-٢	الشَّيْطَانُ، إِبْلِيسُ، الْجِنُّ	٤٢٤
٣-٣	الطَّاغُوتُ، السُّلْطَانُ، الْمُلُوكُ	٤٢٨
٣-٤	الْغَفْلَةُ	٤٣٠
٣-٥	عَدَمُ تَفَرُّغِ الْقَلْبِ لِلْعِبَادَةِ	٤٣٠
٣-٦	الْفُجُورُ	٤٣٠
٣-٧	الطَّبْعُ، الشَّقَاءُ	٤٣٢
٣-٨	الْهَوَى	٤٣٢
٣-٩	الْأَمَلُ	٤٣٤
٣-١٠	تَعْظِيمُ الدُّنْيَا	٤٣٤
٣-١١	الْعُرُورُ، الْأَمْنُ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ	٤٣٤
٣-١٢	فَقْدُ الْإِيمَانِ، الْكُفْرُ، فَقْدُ الْيَقِينِ، الْمُرُوقُ	٤٣٤
٣-١٣	فَقْدُ الْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ وَالْفَقْهِ وَالْفَهْمِ وَالْعَقْلِ	٤٣٤
٣-١٤	الِاسْتِكْبَارُ	٤٣٨
٣-١٥	النِّفَاقُ	٤٣٨
٣-١٦	التَّفَرُّقُ	٤٤٠
٤-١	الفصل الرابع: عَوَامِلُ عَدَمِ الْإِهْتِمَامِ بِالدُّنْيَا	٤٤٢
٤-١	مَا يَرْتَبِطُ بِاللَّهِ	٤٤٢
٤-٢	الْمَعْرِفَةُ	٤٤٤
٤-٣	الْعِلْمُ، الْحِكْمَةُ، الْفَقْهُ	٤٤٤
٤-٤	الْعَقْلُ وَالْكَيَاسَةُ	٤٤٨
٤-٥	الْإِيمَانُ وَالْيَقِينُ	٤٥٢
٤-٦	الدِّينُ	٤٥٤
٤-٧	تَفْوِيضُ التَّدْبِيرِ عَلَى اللَّهِ	٤٥٤
٤-٨	الدُّعَاءُ، الْإِسْتِعَاذَةُ، الْإِسْتِغَاثَةُ	٤٥٤
٤-٩	الذِّكْرُ	٤٦٠
٤-١٠	حُبُّ اللَّهِ	٤٦٢
٤-١١	حُبُّ الْأَنْثَمَةِ ^{الطَّيِّبَةِ} وَلَا يَتِيهِمْ	٤٦٢
٤-١٢	كَرَامَةُ النَّفْسِ	٤٦٤
٤-١٣	الْحَزْمُ	٤٦٤

﴿فهرست مختصر﴾

۴۲۵.....	۲-۱۲- تهدید و ربه: فصل ۵: عواقب دنیادوستی و دنیاخواهی
۴۲۷.....	فصل ۳: عوامل دنیادوستی و ترجیح آن بر آخرت
۴۲۷.....	۳-۱- آنچه به خداوند مربوط می‌شود
۴۲۷.....	۳-۲- شیطان، ابلیس، جن
۴۲۹.....	۳-۳- طاغوت، سلاطین و پادشاهان
۴۳۱.....	۳-۴- غفلت
۴۳۱.....	۳-۵- آماده‌نکردن قلب برای عبادت
۴۳۱.....	۳-۶- گناه
۴۳۳.....	۳-۷- سرشت، بدبختی
۴۳۳.....	۳-۸- هوس
۴۳۵.....	۳-۹- آرزو
۴۳۵.....	۳-۱۰- بزرگداشت دنیا
۴۳۵.....	۳-۱۱- فریب، ایمنی از مکر الهی
۴۳۷.....	۳-۱۲- بی‌ایمانی، کفر، نداشتن یقین، خروج از دین
۴۳۷.....	۳-۱۳- دوری از دانش و شناخت و درک و خرد
۴۳۹.....	۳-۱۴- استکبار
۴۳۹.....	۳-۱۵- نفاق
۴۴۱.....	۳-۱۶- جداسدن از جمع
۴۴۳.....	فصل ۴: عوامل بی‌توجهی به دنیا
۴۴۳.....	۴-۱- آنچه به خداوند مربوط می‌شود
۴۴۵.....	۴-۲- شناخت
۴۴۷.....	۴-۳- دانش، حکمت، فهم عمیق
۴۴۹.....	۴-۴- عقل و زیرکی
۴۵۳.....	۴-۵- ایمان و یقین
۴۵۷.....	۴-۶- دین
۴۵۷.....	۴-۷- سپردن تدبیر به خداوند
۴۵۷.....	۴-۸- دعا، پناه‌بردن، فریادری
۴۶۱.....	۴-۹- یاد
۴۶۳.....	۴-۱۰- دوست‌داشتن خدا
۴۶۳.....	۴-۱۱- دوستی ائمه علیهم‌السلام و ولایت ایشان
۴۶۵.....	۴-۱۲- کرامت نفس
۴۶۵.....	۴-۱۳- دوراندیشی

﴿الفهرسُ الموجزُ﴾

٤٦٦	٤-١٤- الحُرِّيَّةُ.....
٤٦٦	٤-١٥- الخَوْفُ مِنْ اللَّهِ.....
٤٦٦	٤-١٦- الزُّهْدُ، الصَّبْرُ، الْقَنَاعَةُ، الْغِنَاءُ.....
٤٦٨	٤-١٧- التَّقْوَى، الْوَرَعُ.....
٤٧٠	٤-١٨- الْعَمَلُ.....
٤٧٠	٤-١٩- مَعْرِفَةُ الْآخِرَةِ وَالرَّغْبَةُ فِيهَا.....
٤٧٤	الفصلُ الخامسُ: عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا.....
٤٧٤	٥-١- إِثْبَارُ الدُّنْيَا.....
٤٧٦	٥-٢- الْبَلَاءُ وَالتَّعَبُ.....
٤٨٤	٥-٣- الْحُزْنُ وَالْحَسْرَةُ.....
٤٩٠	٥-٤- الْأَقْبَةُ وَالْفَسَادُ وَالْخُسْرَانُ وَالْهَلَاكَةُ.....
٥١٦	٥-٥- الْخَطَأُ وَالذَّنْبُ وَالصِّفَاتُ الذَّمِيمَةُ.....
٥٥٦	٥-٦- مَا يَرْتَبِطُ بِالْمُعَامَلَةِ مَعَ النَّاسِ.....
٥٦٠	٥-٧- الْعَوَاقِبُ الْآخِرَوِيَّةُ.....
٥٨٢	٥-٨- جَمْعُ الْمَالِ، التَّوْفِيقُ، الْإِحَاطَةُ.....
٥٨٤	الفصلُ السَّادِسُ: ثَمَرَاتُ عَدَمِ الرَّغْبَةِ بِالدُّنْيَا وَرَاجِعُ: كِتَابِ الزُّهْدِ ثَمَرَاتُ الزُّهْدِ.....
٥٨٤	٦-١- الْعَقْلُ وَالْعِلْمُ.....
٥٨٦	٦-٢- مَا يَرْتَبِطُ بِالدِّينِ.....
٥٨٨	٦-٣- الْإِيمَانُ، الْوَرَعُ، الصَّبْرُ.....
٥٨٨	٦-٤- الْإِصْلَاحُ.....
٥٩٠	٦-٥- الْخَيْرُ وَالنَّفْعُ.....
٥٩٢	٦-٦- الرَّاحَةُ وَالسَّلَامَةُ.....
٥٩٤	٦-٧- الْغِنَى، الْكِفَايَةُ.....
٥٩٦	٦-٨- مَا يَرْتَبِطُ بِالدُّنْيَا.....
٥٩٨	٦-٩- عَدَمُ النِّقْصِ مِنْ قِسْمِ اللَّهِ.....
٦٠٠	٦-١٠- مَا يَرْتَبِطُ بِالْآخِرَةِ.....
٦٠٤	٦-١١- الْمَغْفِرَةُ وَالرَّحْمَةُ.....
٦٠٦	٦-١٢- النَّجَاةُ وَالْأَمْنُ.....
٦٠٨	٦-١٣- الثَّوَابُ وَالْأَجْرُ.....
٦١٠	٦-١٤- الْجَنَّةُ.....
٦١٢	٦-١٥- السَّعَادَةُ وَالْفَوْزُ.....
٦١٢	٦-١٦- الْعِزُّ وَالرَّفْعَةُ.....

﴿فهرست مختصر﴾

۴۶۷.....	۴-۱۴_ آزادی
۴۶۷.....	۴-۱۵_ ترس از خدا
۴۶۷.....	۴-۱۶_ زهد، صبر، قناعت، بی‌نیازی
۴۶۹.....	۴-۱۷_ تقوی، ورع
۴۷۱.....	۴-۱۸_ عمل
۴۷۱.....	۴-۱۹_ شناخت آخرت و رغبت به آن
۴۷۵.....	فصل ۵: پی‌آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا
۴۷۵.....	۵-۱_ پشت‌کردن دنیا
۴۷۷.....	۵-۲_ بلا و سختی
۴۸۵.....	۵-۳_ اندوه و حسرت
۴۹۱.....	۵-۴_ آفت و فساد و زیان و هلاکت
۵۱۷.....	۵-۵_ خطا و گناه و صفات نکوهیده
۵۵۷.....	۵-۶_ آنچه به رفتار با هم‌نوعان مربوط می‌شود
۵۶۱.....	۵-۷_ عواقب اخروی
۵۸۳.....	۵-۸_ جمع‌شدن ثروت، دریافت کامل، دستیابی
۵۸۵.....	فصل ۶: نتایج عدم تمایل به دنیا و ر.به: کتاب زهد؛ نتایج زهد
۵۸۵.....	۶-۱_ خرد و دانش
۵۸۷.....	۶-۲_ آنچه با دین مرتبط است
۵۸۹.....	۶-۳_ ایمان، ورع، صبر
۵۸۹.....	۶-۴_ عمل شایسته و مناسب
۵۹۱.....	۶-۵_ خیر و سود
۵۹۳.....	۶-۶_ آرامش و سلامتی
۵۹۵.....	۶-۷_ بی‌نیازی، کفایت
۵۹۷.....	۶-۸_ آنچه به دنیا مربوط است
۵۹۹.....	۶-۹_ کاسته‌نشدن از سهمی که خداوند مقدر کرده است
۶۰۱.....	۶-۱۰_ آنچه که به آخرت مربوط است
۶۰۵.....	۶-۱۱_ آموزش و رحمت
۶۰۷.....	۶-۱۲_ نجات و امان
۶۰۹.....	۶-۱۳_ پاداش الهی
۶۱۱.....	۶-۱۴_ بهشت
۶۱۳.....	۶-۱۵_ سعادت و رستگاری
۶۱۳.....	۶-۱۶_ عزت و بلندی مرتبه

﴿فَهْرَسُ الْمُوجِزِ﴾

٦١٤	١٧-٦- القُرْبُ، و الرِّضَاءُ.....
٦٢٠	الفصل السابع: الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا.....
٦٢٠	١-٧- الحُبُّ.....
٦٣٦	٢-٧- الرِّغْبَةُ.....
٦٤٤	٣-٧- الطَّلَبُ.....
٦٦٠	٤-٧- الذِّكْرُ.....
٦٦٠	٥-٧- النَّظَرُ.....
٦٦٢	٦-٧- التَّعْظِيمُ.....
٦٦٤	٧-٧- كَثْرَةُ الْأَكْلِ وَ الضَّحْكِ وَ النَّوْمِ وَ الْفَرَحِ.....
٦٦٨	٨-٧- الْوُثُوقُ.....
٦٧٦	٩-٧- اللَّذَّةُ.....
٦٨٢	١٠-٧- الْإِشْتِغَالُ عَنِ الْآخِرَةِ.....
٦٨٨	١١-٧- الْعَمَلُ لِلدُّنْيَا.....
٦٩٢	١٢-٧- الْعُمَرَانُ.....
٦٩٤	١٣-٧- إِثَارُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ.....
٧٠٤	١٤-٧- إِثَارُ الدُّنْيَا عَلَى الدِّينِ.....
٧٠٦	١٥-٧- الْإِفْرَاطُ وَ الْإِكْتِنَارُ.....
٧١٢	١٦-٧- الْحِرْصُ.....
٧٢٠	١٧-٧- الْعِبَادَةُ.....
٧٣٠	١٨-٧- الطَّاعَةُ.....
٧٣٠	١٩-٧- إِجْتِلَابُ الدُّنْيَا.....
٧٣٢	٢٠-٧- مَجَالَسَةُ أَثْنَاءِ الدُّنْيَا.....
٧٣٤	٢١-٧- الْمُنَافَسَةُ عَلَى الدُّنْيَا.....
٧٣٨	٢٢-٧- التَّذَلُّلُ.....
٧٣٨	٢٣-٧- الْحُزْنُ وَ الْأَسَى وَ الْأَسَفُ.....
٧٤٤	٢٤-٧- تَرَمُّكُ الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا.....
٧٤٦	٢٥-٧- اللَّعْنُ وَ السَّبُّ.....
٧٤٨	٢٦-٧- الْمُصَارَعَةُ مَعَ الدُّنْيَا.....
٧٤٨	٢٧-٧- الْإِغْتِرَارُ.....
٧٥٨	٢٨-٧- الْعَقْلَةُ وَ عَدَمُ التَّدْبِيرِ.....
٧٥٨	٢٩-٧- تَرَمُّكُ الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ.....
٧٦٢	الفصل الثامن: الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا.....

﴿فهرست مختصر﴾

۶۱۵.....	۱۷- ۶- تقرّب و رضایت الهی.....
۶۲۱.....	فصل ۷: شیوه‌های نادرست در مواجهه با دنیا.....
۶۲۱.....	۷-۱- دنیا دوستی.....
۶۳۷.....	۷-۲- میل و رغبت.....
۶۴۵.....	۷-۳- خواست.....
۶۶۱.....	۷-۴- یاد.....
۶۶۱.....	۷-۵- چشم‌دوختن.....
۶۶۳.....	۷-۶- بزرگدانستن.....
۶۶۵.....	۷-۷- فراوانی خوراک و خنده و خواب و شادمانی.....
۶۶۹.....	۷-۸- اعتماد.....
۶۷۷.....	۷-۹- لذّت.....
۶۸۳.....	۷-۱۰- مشغول بودن به دنیا و غافل ماندن از آخرت.....
۶۸۹.....	۷-۱۱- کار برای دنیا.....
۶۹۳.....	۷-۱۲- آبادکردن.....
۶۹۵.....	۷-۱۳- مقدّم دانستن دنیا بر آخرت.....
۷۰۵.....	۷-۱۴- مقدّم دانستن دنیا بر دین.....
۷۰۷.....	۷-۱۵- زیاده‌خواهی.....
۷۱۳.....	۷-۱۶- حرص.....
۷۲۱.....	۷-۱۷- بندگی.....
۷۳۱.....	۷-۱۸- فرمانبرداری.....
۷۳۱.....	۷-۱۹- کشاندن دنیا به سوی خود.....
۷۳۳.....	۷-۲۰- همشینی با فرزندان دنیا.....
۷۳۵.....	۷-۲۱- مسابقه برای رسیدن به دنیا.....
۷۳۹.....	۷-۲۲- فروتنی.....
۷۳۹.....	۷-۲۳- حزن و ناراحتی و افسوس.....
۷۴۵.....	۷-۲۴- ترک دنیا برای کسب دنیا.....
۷۴۷.....	۷-۲۵- لعن و ناسزا.....
۷۴۹.....	۷-۲۶- زورآزمایی با دنیا.....
۷۴۹.....	۷-۲۷- فریفته شدن و فریب خوردن.....
۷۵۹.....	۷-۲۸- غفلت و بی‌تدبیری.....
۷۵۹.....	۷-۲۹- ترک دنیا به خاطر آخرت و رهبانیت.....
۷۶۳.....	فصل ۸: روش‌های برخورد مناسب با دنیا.....

﴿فَهْرَسُ الْمَوْجِزِ﴾

٧٤٢	١- الوَهْنُ.....
٧٨٨	٢- الزُّهْدُ وَ التَّرَكُّ وَ رَاجِعُ: كِتَابُ الزُّهْدِ.....
٨٤٨	٣- الإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا.....
٩١٠	الفَصْلُ التَّاسِعُ: مَصَادِقُ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الرَّاعِبِينَ عَنْهَا وَ رَاجِعُ: كِتَابُ الْحِرْصِ؛ مَصَادِقُ الْحُرْصَاءِ وَ كِتَابُ الزُّهْدِ؛ مَصَادِقُ الزُّهَادِ.....
٩١٠	١-٩- مَصَادِقُ أَهْلِ الدُّنْيَا.....
٩١٢	٢-٩- مَصَادِقُ الرَّاعِبِينَ عَنِ الدُّنْيَا.....
٩٢٦	الفَصْلُ الْعَاشِرُ: مَنْ أَقْبَلَ الدُّنْيَا عَلَيْهِمْ وَ ثَمَرَةُ الْإِقْبَالِ.....
٩٢٦	١-١٠- لَا تَنَالِ الدُّنْيَا بِحِيلَةٍ وَ لَا بِفِطْنَةٍ.....
٩٢٨	٢-١٠- أَغْدَاءُ اللَّهِ.....
٩٣٠	٣-١٠- مَنْ أَدْبَرَ عَنِ الدُّنْيَا.....
٩٣٢	٤-١٠- مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ.....
٩٣٤	٥-١٠- أَهْلُ الدِّينِ وَ التَّقْوَى.....
٩٣٦	٦-١٠- أَهْلُ الْمُسَالَمَةِ وَ الْإِحْسَانِ.....
٩٣٨	٧-١٠- أَهْلُ الْعِبَادَةِ وَ الذِّكْرِ.....
٩٣٨	٨-١٠- ثَمَرَةُ إِقْبَالِ الدُّنْيَا.....
٩٤٣	فَهْرَسْتُ مَنَاجِعَ.....

﴿فهرست مختصر﴾

۷۶۳.....	۸-۱ سبک‌شمردن و بی‌توجهی
۷۸۹.....	۸-۲ عدم رغبت و ترک و.ر.به: کتاب زهد
۸۶۹.....	۸-۳ بهره‌مندی از دنیا
	فصل ۹: مصادیق دنیاپرستان و دنیاگريزان و.ر.به: کتاب حرص؛ مصادیق زیاده‌خواهان و کتاب زهد؛ مصادیق زهدپیشگان
۹۱۱.....	۹-۱ مصادیق دنیاپرستان
۹۱۳.....	۹-۲ مصادیق دنیاگريزان
۹۲۷.....	فصل ۱۰: کسانی که دنیا به ایشان رو می‌کند و نتیجه‌ی روکردن دنیا
۹۲۷.....	۱۰-۱ دنیا با حيله و مکر و زرنگی به‌دست نمی‌آید
۹۲۹.....	۱۰-۲ دشمنان خداوند
۹۳۱.....	۱۰-۳ کسی که به دنیا پشت کند
۹۳۳.....	۱۰-۴ کسی که آخرت را بخواد
۹۳۵.....	۱۰-۵ اهل دیانت و پرهیزگاری
۹۳۷.....	۱۰-۶ اهل آشتی و نیکوکاری
۹۳۹.....	۱۰-۷ اهل عبادت و ذکر
۹۳۹.....	۱۰-۸ نتیجه‌ی روکردن دنیا
۹۴۳.....	فهرست منابع

الفهرس

١٣٢	الفصل الأول: مَا الدُّنْيَا؟
١٣٢	١-١- معنى الدُّنْيَا وَ تَمَائِيلُهُ
١٣٢	١-١-١ التَّمَائِيلُ الْمُخْتَلَفَةُ لِلدُّنْيَا
١٣٢	١-١-١-١ مَاءُ الْبَحْرِ
١٣٢	١-١-١-٢ الْحَيَّةُ
١٣٤	١-١-١-٣ الشَّوْكُ
١٣٤	١-١-١-٤ التَّوْبُ الْمَشْقُوقُ
١٣٤	١-١-١-٥ الْعَجُوزُ
١٣٤	١-١-١-٦ الظِّلُّ
١٣٤	١-١-١-٧ الصُّورَةُ
١٣٦	١-١-١-٨ إِمْرَأَةٌ عَلَيْهَا مِنْ كُلِّ زِينَةٍ
١٣٦	١-١-١-٩ السَّمُّ
١٣٦	١-١-١-١٠ مَا يَخْرُجُ مِنَ الْإِنْسَانِ
١٣٦	١-١-١-١١ الْقُبُورُ الْمُسَيَّدَةُ الَّتِي يُعْجِبُ النَّاطِرَ ظَهْرُهَا وَ دَاخِلُهَا عِظَامُ الْمَوْتَى
١٣٦	١-١-٢ مَا لَا يَجْتَمِعُ بِالدُّنْيَا أَوْ بِحُبِّ الدُّنْيَا
١٣٦	١-١-٢-١ اللَّهُ
١٣٨	١-١-٢-٢ الدِّيَانَةُ
١٣٨	١-١-٢-٣ التَّقْوَى
١٣٨	١-١-٢-٤ الْحِكْمَةُ
١٣٨	١-١-٢-٥ الْآخِرَةُ وَ رَاجِعُ: الفصل السادس؛ ما يرتبط بِالْآخِرَةِ
١٤٠	١-١-٣ مَا هِيَ الدُّنْيَا
١٤٠	١-١-٣-١ الْإِتِّفَاقُ
١٤٠	١-١-٣-٢ الْمَعْكُوسَةُ
١٤٠	١-١-٣-٣ إِعْطَاءُ الرِّزْقِ بِغَيْرِ عَمَلٍ

فهرست

فصل ۱: دنیا چیست؟.....	۱۳۳
۱-۱- معنای دنیا و تمثیل‌های آن	۱۳۳
۱-۱-۱- تمثیل‌های مختلف برای دنیا	۱۳۳
۱-۱-۱-۱- آب دریا.....	۱۳۳
۱-۱-۱-۲- مار.....	۱۳۳
۱-۱-۱-۳- خارستان	۱۳۵
۱-۱-۱-۴- لباس پاره.....	۱۳۵
۱-۱-۱-۵- پیرزن	۱۳۵
۱-۱-۱-۶- سایه	۱۳۵
۱-۱-۱-۷- چهره	۱۳۵
۱-۱-۱-۸- زنی با زیورآلات	۱۳۷
۱-۱-۱-۹- زهر.....	۱۳۷
۱-۱-۱-۱۰- آنچه از آدمی دفع می‌شود	۱۳۷
۱-۱-۱-۱۱- مانند قبرهای مجلل که بینندگان را به شگفتی وادارد ولی درون آن‌ها پر از استخوان‌های مردگان است	۱۳۷
۱-۱-۲- آنچه که با دنیا یا با حبّ دنیا جمع نمی‌شود	۱۳۷
۱-۱-۲-۱- الله.....	۱۳۷
۱-۱-۲-۲- دینداری	۱۳۹
۱-۱-۲-۳- پرهیزگاری	۱۳۹
۱-۱-۲-۴- دانش	۱۳۹
۱-۱-۲-۵- آخرت و.ر.به: فصل ششم؛ بخش مرتبط با آخرت.....	۱۳۹
۱-۱-۳- چیستی دنیا.....	۱۴۱
۱-۱-۳-۱- امور تصادفی	۱۴۱
۱-۱-۳-۲- واژگون	۱۴۱
۱-۱-۳-۳- دادن روزی نه بر مبنای عمل	۱۴۱

﴿الفهرس﴾

١٤٢	١-١-٣-٤- لا يُنالُ بحيلةٍ ولا بعملٍ.....
١٤٢	١-١-٣-٥- بَعْضُهَا يُشَبِّهُ بَعْضًا، مَا بَقِيَ كَمَا وَلَّى.....
١٤٢	١-١-٣-٥-١- بَعْضُهَا يُشَبِّهُ بَعْضًا.....
١٤٢	١-١-٣-٥-٢- مَا بَقِيَ كَمَا وَلَّى.....
١٤٢	١-١-٣-٦- مُطِيعَةٌ لِلَّهِ، مَاضِيَةٌ عَلَى سُنَنِ.....
١٤٢	١-١-٣-٧- فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَ فِي حَرَامِهَا عِقَابٌ.....
١٤٤	١-١-٣-٨- دَارُ عُقُوبَةٍ وَ لَيْسَتْ بِدَارِ ثَوَابٍ.....
١٤٤	١-١-٣-٩- دَارُ تَبَعَاتِهَا بَاقِيَةٌ.....
١٤٤	١-١-٣-١٠- مَا خُلِقْتُمْ لِلدُّنْيَا وَ رَاجِعُ: الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ.....
١٤٤	١-١-٣-١٠-١- مَا خُلِقْتُمْ لِلدُّنْيَا.....
١٤٤	١-١-٣-١٠-٢- خُلِقْتُمْ لِغَيْرِهَا.....
١٤٤	١-١-٣-١٠-٣- لَسْنَا خُلِقْنَا لِلدُّنْيَا.....
١٤٤	١-١-٤- وَصَفُ الدُّنْيَا وَ رَاجِعُ: تَمَثِيلُ الدُّنْيَا.....
١٥٠	١-١-٥- أَقْسَامُ الدُّنْيَا.....
١٥٠	١-١-٥-١- الدُّنْيَا دُنْيَا آن.....
١٥٢	١-١-٥-٢- الدُّنْيَا كَلِمَتَانِ.....
١٥٢	١-١-٥-٣- الدُّنْيَا طُورَانِ.....
١٥٢	١-١-٥-٤- الدُّنْيَا طَالِبَةٌ وَ مَطْلُوبَةٌ.....
١٥٢	١-١-٥-٥- الدُّنْيَا ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ.....
١٥٢	١-١-٥-٦- خَلْقَةُ الدُّنْيَا وَ عُمرُهَا.....
١٥٢	١-١-٥-٦-١- خَلْقَةُ الدُّنْيَا.....
١٥٤	١-١-٥-٦-٢- عُمرُ الدُّنْيَا.....
١٥٤	١-١-٥-٦-٣- مَوْقُوفَةٌ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ.....
١٥٤	١-٢- الدُّنْيَا الْمَمْدُوحَةُ.....
١٥٤	١-٢-١- الدُّنْيَا الْخَيْرُ.....
١٥٤	١-٢-١-١- نِعَمَ الدَّارِ.....
١٥٤	١-٢-١-٢- نِعَمَ الْعَوْنِ.....
١٥٤	١-٢-١-٣- نِعَمَ الْمَطِيَّةِ.....
١٥٤	١-٢-١-٤- دَارُ صِدْقٍ وَ عَافِيَةٍ وَ مَوْعِظَةٍ وَ غِنَى.....
١٥٤	١-٢-٢- اللَّهُ دُنْيَانَا وَ الدُّنْيَا مَمْلَكَةُ اللَّهِ.....
١٥٤	١-٢-٢-١- اللَّهُ دُنْيَانَا.....
١٥٨	١-٢-٢-٢- الدُّنْيَا لِلَّهِ.....
١٥٨	١-٢-٢-٣- الدُّنْيَا مَمْلَكَةُ اللَّهِ.....

﴿فهرست﴾

- ۱۴۳..... ۱-۱-۳-۴- با نقشه و حيله به دست نمى آيد.....
- ۱۴۳..... ۱-۱-۳-۵- حوادثى مشابه قبل، آنچه مانده مانند آنچه رفته [فانى] است.....
- ۱۴۳..... ۱-۱-۳-۵-۱- حوادثى مشابه قبل.....
- ۱۴۳..... ۱-۱-۳-۵-۲- آنچه مانده مانند آنچه رفته [فانى] است.....
- ۱۴۳..... ۱-۱-۳-۶- فرمانبر خدا، مجرى قوانين الهى.....
- ۱۴۳..... ۱-۱-۳-۷- در حلال آن حساب است و در حرام آن عذاب.....
- ۱۴۵..... ۱-۱-۳-۸- سراى عقوبت است نه سراى پاداش.....
- ۱۴۵..... ۱-۱-۳-۹- سرايى كه پيامدهايش ماندگار است.....
- ۱۴۵..... ۱-۱-۳-۱۰- براى دنيا آفريده نشده ايد و ر.به: دنياى بى ارزش.....
- ۱۴۵..... ۱-۱-۳-۱۰-۱- براى دنيا آفريده نشده ايد.....
- ۱۴۵..... ۱-۱-۳-۱۰-۲- براى غير خود آفريده شده.....
- ۱۴۵..... ۱-۱-۳-۱۰-۳- ما براى دنيا خلق نشده ايم.....
- ۱۴۵..... ۱-۱-۴- توصيف دنيا و ر.به: تمثيل هاى دنيا.....
- ۱۵۱..... ۱-۱-۵- انواع دنيا.....
- ۱۵۱..... ۱-۱-۵-۱- دنيا دو نوع است.....
- ۱۵۳..... ۱-۱-۵-۲- دنيا دو كلمه است.....
- ۱۵۳..... ۱-۱-۵-۳- دنيا دو گونه است.....
- ۱۵۳..... ۱-۱-۵-۴- طلب كننده و طلب شونده است.....
- ۱۵۳..... ۱-۱-۵-۵- دنيا سه روز است.....
- ۱۵۳..... ۱-۱-۶- آفرينش دنيا و عمر آن.....
- ۱۵۳..... ۱-۱-۶-۱- خلقت دنيا.....
- ۱۵۵..... ۱-۱-۶-۲- عمر دنيا.....
- ۱۵۵..... ۱-۱-۶-۳- معلق در بين آسمان و زمين.....
- ۱۵۵..... ۱-۲- دنياى پسنديده.....
- ۱۵۵..... ۱-۲-۱- دنياى خير و خوبى.....
- ۱۵۵..... ۱-۲-۱-۱- سراى خوب.....
- ۱۵۷..... ۱-۲-۱-۲- ياور خوب.....
- ۱۵۷..... ۱-۲-۱-۳- مركب نيكو.....
- ۱۵۷..... ۱-۲-۱-۴- خانه ي راستى، عافيت، پند، توانگرى.....
- ۱۵۷..... ۱-۲-۲- خدا دنياى ماست و دنيا مملكت خدا.....
- ۱۵۷..... ۱-۲-۲-۱- دنياى ما هم خداست.....
- ۱۵۹..... ۱-۲-۲-۲- دنيا متعلق به خداست.....
- ۱۵۹..... ۱-۲-۲-۳- دنيا مملكت خداست.....

﴿الفہرس﴾

﴿ ٢٤ ﴾

﴿فهرست﴾

- ۱-۲-۳- من صاحب دنیا هستم، کسی که دنیا را ترک کند از ما نیست..... ۱۵۹
- ۱-۲-۳-۱- من همنشین دنیا هستم..... ۱۵۹
- ۱-۲-۳-۲- کسی که دنیا را ترک کند از ما نیست..... ۱۵۹
- ۱-۲-۴- مهمان خانه‌ی دوستان خدا، مسجد پیامبران خدا، محلّ نزول وحی خدا، جایگاه نماز فرشتگان خدا، خانه‌ی دوستان خدا و محلّ تجارت یاران خدا و مسجد دوستانش..... ۱۵۹
- ۱-۲-۵- نگهبان دین و یاری‌گر آن..... ۱۵۹
- ۱-۲-۵-۱- نگهبان دین..... ۱۵۹
- ۱-۲-۵-۲- یاری‌گر دین..... ۱۶۱
- ۱-۲-۶- کشتزار و گذرگاه..... ۱۶۱
- ۱-۲-۶-۱- کشتزار آخرت..... ۱۶۱
- ۱-۲-۶-۲- فراهم‌آورنده‌ی آخرت..... ۱۶۱
- ۱-۲-۶-۳- گذرگاه آخرت..... ۱۶۱
- ۱-۲-۶-۴- رساننده به آخرت..... ۱۶۱
- ۱-۲-۶-۵- گذرگاه قیامت..... ۱۶۱
- ۱-۲-۶-۶- سرای عمل برای بعد از خود..... ۱۶۱
- ۱-۲-۷- تجارت..... ۱۶۱
- ۱-۲-۷-۱- داد و ستد..... ۱۶۱
- ۱-۲-۷-۲- دکان مومن..... ۱۶۳
- ۱-۲-۷-۳- بازار..... ۱۶۳
- ۱-۲-۷-۴- غنیمت افراد زیرک..... ۱۶۳
- ۱-۲-۷-۵- محلّ کسب بهشت و سود رحمت..... ۱۶۳
- ۱-۲-۷-۶- اصلاح‌کننده‌ی آخرت..... ۱۶۵
- ۱-۲-۷-۷- مؤمن به‌وسیله‌ی دنیا به نیکی‌ها می‌رسد و به‌وسیله‌ی آن از بدی‌ها نجات پیدا می‌کند..... ۱۶۵
- ۱-۲-۷-۸- جز به‌وسیله‌ی دنیا نمی‌توان به آخرت رسید..... ۱۶۵
- ۱-۲-۷-۹- دنیایی که توشه‌ی آخرت را در حدّ کفایت می‌رساند..... ۱۶۵
- ۱-۲-۸- اعمال عبادی و رفتارهای نیک..... ۱۶۵
- ۱-۲-۸-۱- نیکی و صله‌ی رحم..... ۱۶۵
- ۱-۲-۸-۲- مخارج خانواده، انفاق، صله‌ی رحم و حج..... ۱۶۵
- ۱-۲-۸-۴- تأمین مخارج خانواده..... ۱۶۷
- ۱-۲-۸-۴- کمک به برادران..... ۱۶۷
- ۱-۲-۸-۵- نیکی به همسایگان..... ۱۶۷
- ۱-۲-۸-۶- باقیات صالحات..... ۱۶۷

﴿الفهرس﴾

١٦٦	١-٢-٨٧- الصَّلَاةُ
١٦٦	١-٢-٨٨- الصَّوْمُ وَ الْجِهَادُ وَ إِطْعَامُ الضَّيْفِ
١٦٦	١-٢-٩- مِضْمَارُ الطَّاعَةِ وَ الْعَمَلِ وَ الْإِيمَانِ وَ الْإِحْلَاصِ
١٦٨	١-٢-٩-١- الطَّاعَةُ
١٦٨	١-٢-٩-٢- دَارُ الْعَمَلِ
١٦٨	١-٢-٩-٣- دَارُ الْأَعْمَالِ
١٦٨	١-٢-٩-٤- مَعْدِنُ الْعَمَلِ
١٦٨	١-٢-٩-٥- مِضْمَارُ الْمُؤْمِنِ
١٦٨	١-٢-٩-٦- مِضْمَارُ الْإِيمَانِ
١٧٠	١-٢-٩-٧- مِضْمَارُ الْإِسْلَامِ
١٧٠	١-٢-٩-٨- مِضْمَارُ الْإِحْلَاصِ
١٧٠	١-٢-١٠- مَطِيَّةُ الْمُؤْمِنِ
١٧٠	١-٢-١١- الْمَثَلُ وَ الْإِعْتِبَارُ
١٧٢	١-٣- الدُّنْيَا التَّحَوُّلُ وَ الزَّوَالُ
١٧٢	١-٣-١- التَّحَوُّلُ وَ التَّصْرِيفُ وَ التَّبَدُّلُ
١٧٢	١-٣-١-١- التَّحَوُّلُ
١٧٤	١-٣-١-٢- التَّصْرِيفُ
١٧٤	١-٣-١-٣- التَّبَدُّلُ
١٧٤	١-٣-٢- التَّغْيِيرُ
١٧٤	١-٣-٢-١- الْغَيْرُ
١٧٤	١-٣-٢-٢- التَّغْيِيرُ
١٧٤	١-٣-٢-٣- الزَّلْزَلُ
١٧٤	١-٣-٢-٤- التَّشْتُّ
١٧٤	١-٣-٢-٥- الطُّورَانِ
١٧٤	١-٣-٢-٦- الْمُتَقَلِّبَةُ
١٧٤	١-٣-٢-٧- لَا دَارَ اسْتِوَاءٍ
١٧٤	١-٣-٢-٨- لَيْسَ لِلدُّنْيَا ثُبُوتٌ
١٧٨	١-٣-٣- الْإِنْتِقَالُ
١٧٨	١-٣-٣-١- الْإِنْتِقَالُ
١٨٠	١-٣-٣-٢- التَّنْقِلُ
١٨٠	١-٣-٣-٣- دَارُ انْتِقَالٍ
١٨٠	١-٣-٣-٤- النُّقْلَةُ

﴿فهرست﴾

۱۶۷	 نماز ۱-۲-۸۷
۱۶۷	 روزه و جهاد و مهمان‌نوازی ۱-۲-۸۸
۱۶۷	 میدان فرمانبرداری و تلاش و ایمان و اخلاص ۱-۲-۹۰
۱۶۹	 فرمانبرداری ۱-۲-۹۱
۱۶۹	 سرای عمل ۱-۲-۹۲
۱۶۹	 سرای اعمال ۱-۲-۹۳
۱۶۹	 معدن عمل و تلاش ۱-۲-۹۴
۱۶۹	 میدان مسابقه‌ی مؤمن ۱-۲-۹۵
۱۶۹	 میدان مسابقه‌ی ایمان ۱-۲-۹۶
۱۷۱	 میدان مسابقه‌ی اسلام ۱-۲-۹۷
۱۷۱	 میدان مسابقه‌ی اخلاص ۱-۲-۹۸
۱۷۱	 وسیله‌ی حمل و نقل مؤمن ۱-۲-۱۰۰
۱۷۱	 دنیا مثل است برای عبرت‌گرفتن ۱-۲-۱۱
۱۷۳	 دنیای دگرگونی و ازبین‌رفتن ۱-۳
۱۷۳	 دگرگونی، تغییر، تبدیل ۱-۳-۱
۱۷۳	 دگرگونی ۱-۳-۱-۱
۱۷۵	 تغییر ۱-۳-۱-۲
۱۷۵	 تبدیل ۱-۳-۱-۳
۱۷۵	 دگرگونی و عدم ثبات ۱-۳-۲
۱۷۵	 دگرگونی ۱-۳-۲-۱
۱۷۷	 تغییر ۱-۳-۲-۲
۱۷۷	 تزلزل ۱-۳-۲-۳
۱۷۷	 تفاوت و چندگونگی ۱-۳-۲-۴
۱۷۷	 دو گونه ۱-۳-۲-۵
۱۷۷	 دگرگون‌شده ۱-۳-۲-۶
۱۷۷	 منزلگاه همیشگی نیست ۱-۳-۲-۷
۱۷۷	 دنیا ثبات ندارد ۱-۳-۲-۸
۱۷۹	 انتقال و جابه‌جایی ۱-۳-۳
۱۷۹	 انتقال ۱-۳-۳-۱
۱۸۱	 جابه‌جاشدن ۱-۳-۳-۲
۱۸۱	 سرای انتقال ۱-۳-۳-۳
۱۸۱	 محل گذر ۱-۳-۳-۴

﴿الفهرس﴾

١٨٠	١-٣-٣-٥	وَشَيْكَةُ الْإِنْتِقَالِ
١٨٠	١-٣-٣-٦	دَارُ دُولِ
١٨٢	١-٣-٣-٧	نَفْسُ تُوَلَّدُ وَ أُخْرَى تَتَلَفُ
١٨٢	١-٣-٤	السَّحَابُ وَ الْفَيْءُ الرَّائِلُ
١٨٢	١-٣-٤-١	السَّحَابُ
١٨٢	١-٣-٤-٢	الْغَيْمُ
١٨٢	١-٣-٤-٣	الْفَيْءُ الرَّائِلُ
١٨٢	١-٣-٥	الْوَدَاعُ
١٨٢	١-٣-٦	الْإِدْبَارُ
١٨٤	١-٣-٦-١	الْحَيُودُ
١٨٤	١-٣-٧	التَّرْكُ وَ الْفِرَاقُ
١٨٤	١-٣-٧-١	الْفِرَاقُ
١٨٦	١-٣-٧-٢	التَّرْكُ
١٨٦	١-٣-٧-٣	الْبَائِنُ
١٨٦	١-٣-٧-٤	مُطْلَقَةُ الْأَكْيَاسِ
١٨٨	١-٣-٨	الظُّعْنُ
١٨٨	١-٣-٨-١	الظُّعْنُ
١٨٨	١-٣-٨-٢	الطِّيُّ
١٨٨	١-٣-٨-٣	بَيِّتُ لَهُ بَابَانِ
١٨٨	١-٣-٨-٤	لَيْسَتْ بِدَارِ مَقَامٍ
١٨٨	١-٣-٨-٥	لَيْسَتْ بِمَحَلِّ إِقَامَةٍ
١٨٨	١-٣-٨-٦	لَيْسَتْ بِدَارِ قَرَارٍ
١٩٠	١-٣-٩	الرَّحِيلُ
١٩٠	١-٣-١٠	الْجَلَاءُ
١٩٠	١-٣-١٠-١	الْجَلَاءُ
١٩٢	١-٣-١٠-٢	دَارُ شُخُوصٍ
١٩٢	١-٣-١١	الرَّكْبُ وَ رَاجِعُ الرِّحِيلِ وَ السَّفَرِ
١٩٢	١-٣-١٢	دَارُ مَجَازٍ
١٩٤	١-٣-١٣	الْمَعْبَرَةُ وَ الْقَنْطَرَةُ
١٩٤	١-٣-١٣-١	السَّفَرُ
١٩٤	١-٣-١٣-٢	القَنْطَرَةُ
١٩٤	١-٣-١٣-٣	الْمَمَرُ

﴿فهرست﴾

۱۸۱	 ۱-۳-۳-۵ سریع منتقل شدن
۱۸۱	 ۱-۳-۳-۶ سرای تحویل
۱۸۳	 ۱-۳-۳-۷ کسی متولد می‌شود و کسی دیگر می‌میرد
۱۸۳	 ۱-۳-۴ ابر و سایه‌ی گذرا
۱۸۳	 ۱-۳-۴-۱ ابر
۱۸۳	 ۱-۳-۴-۲ ابر بزرگ
۱۸۳	 ۱-۳-۴-۳ سایه‌ای نابودشونده
۱۸۳	 ۱-۳-۵ وداع
۱۸۳	 ۱-۳-۶ پشت کردن و رفتن
۱۸۵	 ۱-۳-۶-۱ پشت کننده
۱۸۵	 ۱-۳-۷ ترک کردن و جداشدن
۱۸۵	 ۱-۳-۷-۱ جدایی
۱۸۷	 ۱-۳-۷-۲ رهاکردن
۱۸۷	 ۱-۳-۷-۳ جداشونده
۱۸۷	 ۱-۳-۷-۴ طلاق داده‌شده‌ی صاحبان عقل
۱۸۹	 ۱-۳-۸ وداع و کوچ
۱۸۹	 ۱-۳-۸-۱ کوچ
۱۸۹	 ۱-۳-۸-۲ در هم پیچیدن
۱۸۹	 ۱-۳-۸-۳ خانه‌ای با دو درب
۱۸۹	 ۱-۳-۸-۴ محل استقرار نیست
۱۸۹	 ۱-۳-۸-۵ محل اقامت نیست
۱۸۹	 ۱-۳-۸-۶ سرای ماندن نیست
۱۹۱	 ۱-۳-۹ کوچ
۱۹۱	 ۱-۳-۱۰ کوچ کردن
۱۹۱	 ۱-۳-۱۰-۱ کوچ کردن
۱۹۳	 ۱-۳-۱۰-۲ سرای رفتن
۱۹۳	 ۱-۳-۱۱ حرکت، سیر و ربه: کوچ و سفر
۱۹۳	 ۱-۳-۱۲ گذرگاه
۱۹۵	 ۱-۳-۱۳ گذرگاه، پل
۱۹۵	 ۱-۳-۱۳-۱ منزلگاه موقت مسافران
۱۹۵	 ۱-۳-۱۳-۲ پل
۱۹۵	 ۱-۳-۱۳-۳ گذرگاه

﴿الفهرس﴾

١٩٤.....	١-٣-١٣-٤- دارُ مَمَرٍ
١٩٤.....	١-٣-١٣-٥- دارُ التَّوَاءِ
١٩٤.....	١-٣-١٣-٦- المَعْبَرُ
١٩٤.....	١-٣-١٤- السَّلْبُ
١٩٤.....	١-٣-١٥- الإرتجاع
١٩٨.....	١-٣-١٦- الأَمَدُ و النَّفَادُ
١٩٨.....	١-٣-١٦-١- الأَمَدُ
١٩٨.....	١-٣-١٦-٢- النَّفَادُ
١٩٨.....	١-٣-١٦-٣- الإِنْتِهَاءُ
١٩٨.....	١-٣-١٧- الأَجَلُ، العَاجِلَةُ، السَّاعَةُ
١٩٨.....	١-٣-١٧-١- أَجَلٌ مَحْدُودٌ
١٩٨.....	١-٣-١٧-٢- أَجَلٌ حَاضِرٌ
٢٠٠.....	١-٣-١٧-٣- العَاجِلَةُ
٢٠٠.....	١-٣-١٧-٤- السَّاعَةُ و راجع: القِلَّةُ
٢٠٢.....	١-٣-١٨- الأُفُولُ و الزَّوَالُ
٢٠٢.....	١-٣-١٨-١- الزَّوَالُ
٢٠٤.....	١-٣-١٨-١-١- نَعِيمٌ زَائِلٌ
٢٠٤.....	١-٣-١٨-١-٢- ظِلٌ زَائِلٌ
٢٠٤.....	١-٣-١٨-١-٣- دارُ زَوَالٍ
٢٠٤.....	١-٣-١٨-١-٤- سَرِيعَةُ الزَّوَالِ
٢٠٤.....	١-٣-١٨-٢- الأُفُولُ
٢٠٤.....	١-٣-١٨-٣- اغْوَارَ الماءِ
٢٠٤.....	١-٣-١٨-٤- حَصْدُ النَّبَاتِ
٢٠٨.....	١-٣-١٨-٥- إِصْفَرَارُ النَّبَاتِ
٢٠٨.....	١-٣-١٨-٦- الإِضْمِحَالُ
٢٠٨.....	١-٣-١٨-٧- عَدَمُ الدَّوَامِ
٢١٠.....	١-٣-١٨-٨- عَدَمُ البَقَاءِ
٢١٠.....	١-٣-١٩- الإِنْقِضَاءُ
٢١٠.....	١-٣-١٩-١- الإِنْقِضَاءُ
٢١٠.....	١-٣-١٩-٢- المُنْقِضِيَّةُ
٢١٠.....	١-٣-١٩-٣- المَاضِي
٢١٠.....	١-٣-٢٠- الإِنْقِطَاعُ

﴿فهرست﴾

۱۹۵.....	۱-۳-۱۳-۴- خانه‌ی عبور.....
۱۹۷.....	۱-۳-۱۳-۵- جایگاه موقت.....
۱۹۷.....	۱-۳-۱۳-۶- گذرگاه.....
۱۹۷.....	۱-۳-۱۴- بازپس‌گیری.....
۱۹۷.....	۱-۳-۱۵- پس‌گرفته‌شدن.....
۱۹۹.....	۱-۳-۱۶- پایان و پایان‌پذیر.....
۱۹۹.....	۱-۳-۱۶-۱- پایان‌پذیر.....
۱۹۹.....	۱-۳-۱۶-۲- پایان.....
۱۹۹.....	۱-۳-۱۶-۳- انتها.....
۱۹۹.....	۱-۳-۱۷- زمان گذرا، امور زودگذر، لحظه.....
۱۹۹.....	۱-۳-۱۷-۱- فرصت محدود.....
۱۹۹.....	۱-۳-۱۷-۲- اکنون.....
۲۰۱.....	۱-۳-۱۷-۳- امور زودگذر.....
۲۰۱.....	۱-۳-۱۷-۴- یک لحظه و.ر.به: اندک‌بودن.....
۲۰۳.....	۱-۳-۱۸- افول و نابودی.....
۲۰۳.....	۱-۳-۱۸-۱- نابودی.....
۲۰۵.....	۱-۳-۱۸-۱-۱- نعمتی گذرا.....
۲۰۷.....	۱-۳-۱۸-۱-۲- سایه‌ای نابودشونده.....
۲۰۷.....	۱-۳-۱۸-۱-۳- سرای رو به زوال.....
۲۰۷.....	۱-۳-۱۸-۱-۴- سریع نابودشونده.....
۲۰۷.....	۱-۳-۱۸-۲- افول.....
۲۰۷.....	۱-۳-۱۸-۳- فروخشکیدن آب.....
۲۰۷.....	۱-۳-۱۸-۴- درو شدن گیاه.....
۲۰۹.....	۱-۳-۱۸-۵- زرد شدن گیاه.....
۲۰۹.....	۱-۳-۱۸-۶- نیستی و نابودی.....
۲۰۹.....	۱-۳-۱۸-۷- عدم دوام.....
۲۱۱.....	۱-۳-۱۸-۸- ناپایداری.....
۲۱۱.....	۱-۳-۱۹- به‌پایان‌رسیده.....
۲۱۱.....	۱-۳-۱۹-۱- زمان پایان.....
۲۱۱.....	۱-۳-۱۹-۲- خراب‌کننده.....
۲۱۱.....	۱-۳-۱۹-۳- گذشته.....
۲۱۱.....	۱-۳-۲۰- بریدن و قطع کردن.....

﴿الفهرس﴾

٢١٢.....	١-٣-٢٠-١- الإنقطاعُ
٢١٢.....	١-٣-٢٠-٢- البيود
٢١٢.....	١-٣-٢٠-٣- المِيلُ
٢١٢.....	١-٣-٢١- القَلْعُ و النَّزْعُ
٢١٢.....	١-٣-٢١-١- دَارُ قُلْعَةٍ
٢١٤.....	١-٣-٢١-٢- الإِنْقِلَاعُ
٢١٤.....	١-٣-٢١-٣- مَنَزَلُ قُلْعَةٍ
٢١٤.....	١-٣-٢١-٤- النَّزْوَعُ
٢١٤.....	١-٣-٢٢- الفَنَاءُ
٢١٤.....	١-٣-٢٢-١- دَارُ الْفَنَاءِ
٢١٤.....	١-٣-٢٢-٢- الْفَنَاءُ
٢١٨.....	١-٣-٢٢-٣- الْفَانِيَّةُ
٢٢٠.....	١-٣-٢٢-٤- الْفَانِيَّاتُ
٢٢٠.....	١-٣-٢٢-٥- الدَّارُ الْفَانِي
٢٢٠.....	١-٣-٢٢-٦- مَا يَقْنَى
٢٢٢.....	١-٤- الدُّنْيَا الْبَلَاءُ
٢٢٢.....	١-٤-١- الْبَلَاءُ
٢٢٢.....	١-٤-١-١- الْإِبْتِلَاءُ و الْإِخْتِبَارُ
٢٢٢.....	١-٤-١-٢- دَارُ بَلِيَّةٍ
٢٢٤.....	١-٤-١-٣- الْبَلَاءُ
٢٢٤.....	١-٤-١-٤- الرِّزْيَةُ
٢٢٨.....	١-٤-١-٥- الْمُصِيبَةُ و النَّائِبَةُ
٢٢٨.....	١-٤-١-٦- الْفِتْنَةُ
٢٣٠.....	١-٤-١-٧- الْمِخْنَةُ
٢٣٢.....	١-٤-١-٨- فَقْدُ الْأَمْنِ
٢٣٢.....	١-٤-١-٩- فَقْدُ الْعِصْمَةِ
٢٣٢.....	١-٤-١-١٠- فَقْدُ التَّمَتُّعِ بِهَا
٢٣٢.....	١-٤-١-١١- مَنَزَلُ جَدْبٍ
٢٣٢.....	١-٤-٢- الْفَجِيعَةُ
٢٣٢.....	١-٤-٢-١- الْفَجِيعَةُ
٢٣٤.....	١-٤-٢-٢- الْمُفْجِئَةُ
٢٣٤.....	١-٤-٢-٣- الْفَجَّاعَةُ

﴿فهرست﴾

۲۱۳.....	۱-۳-۲۰-۱- بریدن و قطع کردن.....
۲۱۳.....	۱-۳-۲۰-۲- نابودی.....
۲۱۳.....	۱-۳-۲۰-۳- انحراف و در شرف افتادن.....
۲۱۳.....	۱-۳-۲۱- کندن.....
۲۱۳.....	۱-۳-۲۱-۱- خانه‌ی کندن و رفتن.....
۲۱۵.....	۱-۳-۲۱-۲- فنا.....
۲۱۵.....	۱-۳-۲۱-۳- خانه‌ی غیرپایدار.....
۲۱۵.....	۱-۳-۲۱-۴- برکننده.....
۲۱۵.....	۱-۳-۲۲- فنا و نابودی.....
۲۱۵.....	۱-۳-۲۲-۱- خانه‌ی فنا و نابودی.....
۲۱۵.....	۱-۳-۲۲-۲- نابودی.....
۲۱۹.....	۱-۳-۲۲-۳- نابودشونده.....
۲۲۱.....	۱-۳-۲۲-۴- امور فانی.....
۲۲۱.....	۱-۳-۲۲-۵- خانه‌ی گذرا.....
۲۲۱.....	۱-۳-۲۲-۶- آنچه فانی خواهد شد.....
۲۲۳.....	۱-۴- سرای بلا و گرفتاری.....
۲۲۳.....	۱-۴-۱- آزمایش و گرفتاری.....
۲۲۳.....	۱-۴-۱-۱- آزمون.....
۲۲۳.....	۱-۴-۱-۲- سرای بلا.....
۲۲۵.....	۱-۴-۱-۳- بلا و گرفتاری.....
۲۲۷.....	۱-۴-۱-۴- مصیبت.....
۲۲۹.....	۱-۴-۱-۵- مصیبت و گرفتاری.....
۲۲۹.....	۱-۴-۱-۶- فتنه.....
۲۳۱.....	۱-۴-۱-۷- اندوه.....
۲۳۳.....	۱-۴-۱-۸- فقدان امنیّت.....
۲۳۳.....	۱-۴-۱-۹- عدم نگهداری و نگهداری.....
۲۳۳.....	۱-۴-۱-۱۰- عدم بهره‌گیری از آن.....
۲۳۳.....	۱-۴-۱-۱۱- سرزمین خشک.....
۲۳۳.....	۱-۴-۲- فاجعه و مصیبت.....
۲۳۳.....	۱-۴-۲-۱- فاجعه.....
۲۳۵.....	۱-۴-۲-۲- فجیع.....
۲۳۵.....	۱-۴-۲-۳- مصیبت‌بار.....

﴿الفهرس﴾

٢٣٤	١-٤-٢-٤ طَارِقَةٌ بِالْفَجَائِعِ
٢٣٤	١-٤-٢-٥ دَارُ فَجَائِعَ
٢٣٤	١-٤-٣ لَا رَاحَةَ فِيهَا
٢٣٤	١-٤-٣-١ الْعَيْشُ فِيهَا مَذْمُومٌ
٢٣٤	١-٤-٣-٢ دَارٌ لَا يَسْلَمُ نَزَالُهَا
٢٣٤	١-٤-٤ الْمَنْعُ
٢٣٤	١-٤-٥ النَّقْصُ وَفَقْدُ الْكَمَالِ
٢٣٤	١-٤-٥-١ النَّقْصُ
٢٣٤	١-٤-٥-٢ فَقْدُ الْكَمَالِ
٢٣٤	١-٤-٦ الْمُرُ
٢٣٤	١-٤-٦-١ الْمُرُ
٢٣٤	١-٤-٦-٢ الصَّبْرُ
٢٣٤	١-٤-٦-٣ التَّكْدُرُ
٢٣٨	١-٤-٦-٤ لَا تَصْفُو
٢٣٨	١-٤-٦-٥ مَشْرَعُ الدُّنْيَا رَدِغٌ وَرَنَقٌ مَشْرَبُهَا
٢٣٨	١-٤-٦-٦ النَّعْصُ
٢٣٨	١-٤-٦-٧ التَّنْغِصُ
٢٣٨	١-٤-٦-٨ الْمُتَهَجِّمَةُ
٢٤٠	١-٤-٧ الشَّوْكُ
٢٤٠	١-٤-٧-١ نَوْرُ الْوَرْدِ الْمَحْفُوفِ بِالشَّوْكِ
٢٤٠	١-٤-٨ الْإِعْسَارُ
٢٤٠	١-٤-٨-١ السَّجْنُ
٢٤٢	١-٤-٨-٢ الضِّيقُ
٢٤٢	١-٤-٨-٣ الْإِعْسَارُ
٢٤٢	١-٤-٩ الشَّرُّ وَالسُّوءُ
٢٤٢	١-٤-٩-١ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ
٢٤٢	١-٤-٩-٢ شَرُّهَا عَتِيدٌ
٢٤٤	١-٤-٩-٣ مَمْلُوءَةٌ مِنَ الشَّرِّ
٢٤٤	١-٤-٩-٤ مَزْرَعَةُ الشَّرِّ
٢٤٤	١-٤-٩-٥ النَّكَدُ
٢٤٤	١-٤-٩-٦ خَيْرُهَا زَهِيدٌ
٢٤٤	١-٤-٩-٧ السُّوءُ

﴿فهرست﴾

۲۳۵.....	۱-۴-۲-۴- فرارسنده با فاجعه‌ها.....
۲۳۵.....	۱-۴-۲-۵- سرای مصیبت‌ها.....
۲۳۵.....	۱-۴-۳- آسایش در دنیا نیست.....
۲۳۵.....	۱-۴-۳-۱- زندگی در آن نکوهیده است.....
۲۳۵.....	۱-۴-۳-۲- سرای ناامنی.....
۲۳۷.....	۱-۴-۴- مانع‌شدن.....
۲۳۷.....	۱-۴-۵- نقص و فقدان کمال.....
۲۳۷.....	۱-۴-۵-۱- نقص.....
۲۳۷.....	۱-۴-۵-۲- فقدان کمال.....
۲۳۷.....	۱-۴-۶- تلخ و ناگوار.....
۲۳۷.....	۱-۴-۶-۱- تلخ.....
۲۳۷.....	۱-۴-۶-۲- ناگوار.....
۲۳۷.....	۱-۴-۶-۳- تیرگی و کدورت.....
۲۳۹.....	۱-۴-۶-۴- گوارا نیست.....
۲۳۹.....	۱-۴-۶-۵- رودخانه‌اش گل و لای فراوان به همراه دارد و برای نوشیدن ناگوار.....
۲۳۹.....	۱-۴-۶-۶- کدورت.....
۲۳۹.....	۱-۴-۶-۷- گرفتاری و نکبت.....
۲۳۹.....	۱-۴-۶-۸- روی در هم کشیده.....
۲۴۱.....	۱-۴-۷- خارستان.....
۲۴۱.....	۱-۴-۷-۱- شکوفه‌ی گلی پیچیده در خار.....
۲۴۱.....	۱-۴-۸- سختی.....
۲۴۱.....	۱-۴-۸-۱- زندان.....
۲۴۳.....	۱-۴-۸-۲- تنگنا.....
۲۴۳.....	۱-۴-۸-۳- سختی.....
۲۴۳.....	۱-۴-۹- شرّ و بدی.....
۲۴۳.....	۱-۴-۹-۱- منشأ هر شرّی است.....
۲۴۳.....	۱-۴-۹-۲- بدی‌های آن آماده است.....
۲۴۵.....	۱-۴-۹-۳- آکنده از بدی.....
۲۴۵.....	۱-۴-۹-۴- کشتزار شر.....
۲۴۵.....	۱-۴-۹-۵- بی‌خیربودن.....
۲۴۵.....	۱-۴-۹-۶- خوبی‌های آن اندک است.....
۲۴۵.....	۱-۴-۹-۷- زشتی.....

﴿الفهرس﴾

٢٤٤	 ١-٤-٩-٨ النُّجُوسَةُ
٢٤٤	 ١-٤-٩-٩ المُنْكَرُ
٢٤٦	 ١-٤-٩-١٠ العَيْبُ
٢٤٦	 ١-٤-٩-١١ الآفَةُ
٢٤٦	 ١-٤-٩-١٢ الفَضَّاحَةُ
٢٤٦	 ١-٤-٩-١٣ الفَسَادُ
٢٤٦	 ١-٤-٩-١٣-١ مَرَضٌ مُفْسِدٌ
٢٤٦	 ١-٤-٩-١٣-٢ مَفْسَدَةُ الْإِيمَانِ
٢٤٦	 ١-٤-٩-١٣-٣ مَفْسَدَةُ الدِّينِ
٢٤٨	 ١-٤-١٠ الطُّغْيَانُ
٢٤٨	 ١-٤-١١ الضَّرُّ وَالْخُسْرَانُ
٢٤٨	 ١-٤-١١-١ الضَّرُّ
٢٤٨	 ١-٤-١١-٢ الخُسْرَانُ
٢٤٨	 ١-٤-١١-٣ صَفَقَةٌ مَعْبُونٌ
٢٤٨	 ١-٤-١٢ الْكِنُودُ الْعُنُودُ وَالصَّدُودُ الْجَحُودُ وَالْحَيُودُ الْمَيُودُ
٢٥٠	 ١-٤-١٣ الْغَوَايَةُ وَالضَّلَالَةُ
٢٥٠	 ١-٤-١٣-١ الْغَوَايَةُ
٢٥٠	 ١-٤-١٣-٢ الْمُضِلَّةُ
٢٥٠	 ١-٤-١٤ الْغَدْرُ وَعَدَمُ الْوَفَاءِ
٢٥٠	 ١-٤-١٤-١ الْغَدْرُ
٢٥٠	 ١-٤-١٤-٢ الْغَدَارَةُ
٢٥٠	 ١-٤-١٤-٣ تَخَلُّفُ الْوَعْدِ
٢٥٢	 ١-٤-١٤-٤ عَدَمُ الْوَفَاءِ
٢٥٢	 ١-٤-١٥ الْخِيَانَةُ
٢٥٢	 ١-٤-١٦ الشَّبَكَةُ، الشَّرْكُ
٢٥٢	 ١-٤-١٦-١ الشَّبَكَةُ
٢٥٤	 ١-٤-١٦-٢ الشَّرْكُ
٢٥٤	 ١-٤-١٧ الْجَرَّاحَةُ
٢٥٤	 ١-٤-١٧-١ آسِيَّةٌ جَرَّاحَةٌ
٢٥٤	 ١-٤-١٧-٢ الْكُسْرُ
٢٥٤	 ١-٤-١٨ الدَّاءُ
٢٥٤	 ١-٤-١٨-١ دَاءُ الدِّينِ

﴿فهرست﴾

۲۴۵.....	۱-۴-۹۸- نامبارکی
۲۴۵.....	۱-۴-۹۹- ناشایست
۲۴۷.....	۱-۴-۹۱۰- عیب و ننگ
۲۴۷.....	۱-۴-۹۱۱- آفت
۲۴۷.....	۱-۴-۹۱۲- رسوایی
۲۴۷.....	۱-۴-۹۱۳- فساد
۲۴۷.....	۱-۴-۹۱۳-۱- مرضی که فساد آورد
۲۴۷.....	۱-۴-۹۱۳-۲- فاسدکننده‌ی ایمان
۲۴۷.....	۱-۴-۹۱۳-۳- فاسدکننده‌ی دین
۲۴۹.....	۱-۴-۱۰- سرکشی
۲۴۹.....	۱-۴-۱۱- زیان و خسارت
۲۴۹.....	۱-۴-۱۱-۱- زیان
۲۴۹.....	۱-۴-۱۱-۲- زیان
۲۴۹.....	۱-۴-۱۱-۳- معامله و داد و ستدی زیان‌بار
۲۴۹.....	۱-۴-۱۲- ناسپاس حق‌ناشناس و دشمنی حيله‌گر و پشت‌کننده‌ای سرگردان
۲۵۱.....	۱-۴-۱۳- گمراهی
۲۵۱.....	۱-۴-۱۳-۱- گمراهی
۲۵۱.....	۱-۴-۱۳-۲- گمراهی
۲۵۱.....	۱-۴-۱۴- پیمان‌شکنی و بی‌وفایی
۲۵۱.....	۱-۴-۱۴-۱- پیمان‌شکنی
۲۵۱.....	۱-۴-۱۴-۲- بی‌وفایی
۲۵۱.....	۱-۴-۱۴-۳- خلف وعده
۲۵۳.....	۱-۴-۱۴-۴- بی‌وفایی
۲۵۳.....	۱-۴-۱۵- خیانت
۲۵۳.....	۱-۴-۱۶- دام
۲۵۳.....	۱-۴-۱۶-۱- دام
۲۵۵.....	۱-۴-۱۶-۲- دام
۲۵۵.....	۱-۴-۱۷- زخم‌زننده
۲۵۵.....	۱-۴-۱۷-۱- غم‌افزا و زخم‌زننده
۲۵۵.....	۱-۴-۱۷-۲- شکستن
۲۵۵.....	۱-۴-۱۸- درد
۲۵۵.....	۱-۴-۱۸-۱- درد دین

﴿الفهرس﴾

٢٥٤.....	١٨٢-١-٤- العناءُ
٢٥٤.....	١٨٣-١-٤- الألمُ
٢٥٤.....	١٨٤-١-٤- الوجعُ
٢٥٤.....	١٨٥-١-٤- السُّقمُ
٢٥٤.....	١٨٤-١-٤- مَرَضُ مُفْسِدٍ
٢٥٨.....	١٩-١-٤- دَارُ يُسَلِّطُ اللَّهُ فِيهَا عَدُوَّهُ
٢٥٨.....	١-١٩-٤- دَارُ سَلْبٍ وَ نَهْبٍ
٢٥٨.....	٢٠-١-٤- البئرُ
٢٥٨.....	٢١-١-٤- البَحْرُ
٢٥٨.....	١-٢١-٤- البَحْرُ
٢٥٨.....	٢-٢١-٤- بَحْرٌ عَمِيقٌ
٢٦٠.....	٣-٢١-٤- مَوْجُ الْبَحْرِ
٢٦٠.....	٢٢-١-٤- الموت و القتل
٢٦٠.....	١-٢٢-٤- القَاتِلُ
٢٦٠.....	٢-٢٢-٤- السَّمُ
٢٦٢.....	٣-٢٢-٤- الحُطَامُ الْمُؤَبِّ
٢٦٢.....	٤-٢٢-٤- الطَّوَّاحَةُ
٢٦٢.....	٥-٢٢-٤- الْأَكَّالَةُ
٢٦٢.....	٦-٢٢-٤- الْحَيَّةُ
٢٦٤.....	٧-٢٢-٤- الذَّنْبُ
٢٦٤.....	٨-٢٢-٤- ذُو الْأَنْيَابُ
٢٦٤.....	٩-٢٢-٤- الشُّجَاعُ الْأَرْقَمُ
٢٦٤.....	١٠-٢٢-٤- الْعَدُوُّ
٢٦٤.....	٢٣-١-٤- الْهَلَاكَةُ
٢٦٤.....	١-٢٣-٤- الْهَلَاكُ
٢٦٤.....	٢-٢٣-٤- الْمُؤَبِّقُ
٢٦٤.....	٣-٢٣-٤- الْوَبَالُ
٢٦٤.....	٤-٢٣-٤- الشَّقَاءُ
٢٦٤.....	٥-٢٣-٤- الْعَطْبُ
٢٦٤.....	٦-٢٣-٤- دَارُ خَبَالٍ
٢٦٤.....	٧-٢٣-٤- الْهُبُوطُ
٢٦٤.....	٨-٢٣-٤- الصَّرْعَةُ

﴿فهرست﴾

۲۵۵.....	۱-۴-۱۸۲- رنج.....
۲۵۷.....	۱-۴-۱۸۳- درد.....
۲۵۷.....	۱-۴-۱۸۴- درد.....
۲۵۷.....	۱-۴-۱۸۵- بیماری.....
۲۵۷.....	۱-۴-۱۸۶- مرضی که فساد می آورد.....
۲۵۹.....	۱-۴-۱۹- سرایی که خداوند در آن، دشمنش را چیره می گرداند.....
۲۵۹.....	۱-۴-۱۹-۱- سرای غارت شدن.....
۲۵۹.....	۱-۴-۲۰- چاه.....
۲۵۹.....	۱-۴-۲۱- دریا.....
۲۵۹.....	۱-۴-۲۱-۱- دریا.....
۲۵۹.....	۱-۴-۲۱-۲- دریای عمیق.....
۲۶۱.....	۱-۴-۲۱-۳- موج دریا.....
۲۶۱.....	۱-۴-۲۲- مرگ.....
۲۶۱.....	۱-۴-۲۲-۱- قاتل.....
۲۶۱.....	۱-۴-۲۲-۲- زهر.....
۲۶۳.....	۱-۴-۲۲-۳- جنسی که وبا می آورد.....
۲۶۳.....	۱-۴-۲۲-۴- هلاک کننده.....
۲۶۳.....	۱-۴-۲۲-۵- شکمبارہ.....
۲۶۳.....	۱-۴-۲۲-۶- مار.....
۲۶۵.....	۱-۴-۲۲-۷- گرگ.....
۲۶۵.....	۱-۴-۲۲-۸- نیش دار.....
۲۶۵.....	۱-۴-۲۲-۹- اژدهایی خوش خط و خال و زهرآلود.....
۲۶۵.....	۱-۴-۲۲-۱۰- دشمن.....
۲۶۵.....	۱-۴-۲۳- هلاکت و تباهی.....
۲۶۵.....	۱-۴-۲۳-۱- تباهی.....
۲۶۵.....	۱-۴-۲۳-۲- مهلک.....
۲۶۷.....	۱-۴-۲۳-۳- گرفتاری.....
۲۶۷.....	۱-۴-۲۳-۴- بدبختی.....
۲۶۷.....	۱-۴-۲۳-۵- هلاکت.....
۲۶۷.....	۱-۴-۲۳-۶- جایگاه هلاک.....
۲۶۷.....	۱-۴-۲۳-۷- سقوط.....
۲۶۷.....	۱-۴-۲۳-۸- به زمین زدن.....

﴿الفهرس﴾

٢٤٨.....	١-٤-٢٣-٩ الطَّيْحُ
٢٤٨.....	١-٤-٢٣-١٠ الثُّبُورُ
٢٤٨.....	١-٣-٢٤-١١ المَنَيا
٢٤٨.....	١-٤-٢٤ الدَّلَّةُ
٢٧٠.....	١-٤-٢٤-١ الذَّلُّ
٢٧٠.....	١-٤-٢٤-٢ الدَّلَّةُ
٢٧٠.....	١-٤-٢٤-٣ هَرَمٌ مُنْقِدٌ
٢٧٠.....	١-٤-٢٥ الحُزْنُ وَ النِّعَمُ
٢٧٠.....	١-٤-٢٥-١ النِّعَمُ
٢٧٠.....	١-٤-٢٥-٢ النِّعْمَةُ
٢٧٢.....	١-٤-٢٥-٣ البُؤْسُ
٢٧٢.....	١-٤-٢٥-٤ الحُزْنُ
٢٧٢.....	١-٤-٢٥-٥ الشَّرْقُ
٢٧٤.....	١-٤-٢٥-٦ الهمُّ
٢٧٤.....	١-٤-٢٥-٧ التَّرحُّ
٢٧٤.....	١-٤-٢٦ الحَسْرَةُ وَ النَّدَمُ
٢٧٤.....	١-٤-٢٦-١ الحَسْرَةُ
٢٧٤.....	١-٤-٢٦-٢ النَّدَمُ
٢٧٦.....	١-٥ الدنيا المَتَاعُ وَ اللَّذَّةُ
٢٧٦.....	١-٥-١ الخزائنُ وَ البركاتُ
٢٧٦.....	١-٥-١-١ خزائنُ الدنيا
٢٧٦.....	١-٥-١-٢ بَرَكَاتُ الأَرْضِ
٢٧٦.....	١-٥-٢ النُّعْمَةُ
٢٧٦.....	١-٥-٣ المَتَاعُ
٢٧٨.....	١-٥-٤ العُمُرُ
٢٧٨.....	١-٥-٥ الصِّحَّةُ
٢٧٨.....	١-٥-٦ الرِّزْقُ
٢٧٨.....	١-٥-٦-١ الرِّزْقُ
٢٧٨.....	١-٥-٦-٢ عَرَضٌ حَاضِرٌ
٢٧٨.....	١-٥-٦-٣ الحَرْثُ
٢٧٨.....	١-٥-٧ المَعِيشَةُ
٢٨٠.....	١-٥-٨ المَالُ

﴿فهرست﴾

۲۶۹	دورانداختن ۱-۴-۲۳-۹
۲۶۹	هلاکت ۱-۴-۲۰-۱۰
۲۶۹	گرفتاری و مرگ ۱-۳-۲۴-۱۱
۲۶۹	خواری ۱-۴-۲۴
۲۷۱	خواری ۱-۴-۲۴-۱
۲۷۱	ذلت ۱-۴-۲۴-۲
۲۷۱	پیری ای که زبونی آورد ۱-۴-۲۴-۳
۲۷۱	ناراحتی و غصه ۱-۴-۲۵
۲۷۱	غم ۱-۴-۲۵-۱
۲۷۱	غصه و گلوگیر ۱-۴-۲۵-۲
۲۷۳	گرفتاری ۱-۴-۲۵-۳
۲۷۳	ناراحتی ۱-۴-۲۵-۴
۲۷۳	گرفتاری ۱-۴-۲۵-۵
۲۷۵	اندوه ۱-۴-۲۵-۶
۲۷۵	اندوه ۱-۴-۲۵-۷
۲۷۵	حسرت و پشیمانی ۱-۴-۲۶
۲۷۵	حسرت ۱-۴-۲۶-۱
۲۷۵	پشیمانی ۱-۴-۲۳-۲
۲۷۷	دنایای بهره‌مندی و لذت ۱-۵
۲۷۷	خزانه‌ها و برکات دنیا ۱-۵-۱
۲۷۷	خزانه‌های دنیا ۱-۵-۱-۱
۲۷۷	برکات زمین ۱-۵-۱-۲
۲۷۷	نعمت ۱-۵-۲
۲۷۷	کالا ۱-۵-۳
۲۷۹	عمر ۱-۵-۴
۲۷۹	سلامتی ۱-۵-۵
۲۷۹	روزی ۱-۵-۶
۲۷۹	روزی ۱-۵-۶-۱
۲۷۹	سفره‌ای آماده ۱-۵-۶-۲
۲۷۹	زراعت ۱-۵-۶-۳
۲۷۹	زندگی ۱-۵-۷
۲۸۱	مال ۱-۵-۸

﴿الفهرس﴾

٢٨٠	١-٥-٨-١ المَالُ
٢٨٠	١-٥-٨-٢ الدِّينَارُ وَالدَّرْهَمُ
٢٨٠	١-٥-٨-٣ الذَّهَبُ وَالْفِضَّةُ
٢٨٠	١-٥-٩ السَّعَةُ
٢٨٠	١-٥-٩-١ السَّعَةُ
٢٨٢	١-٥-٩-٢ سَعَةُ الْمَنْزِلِ
٢٨٢	١-٥-٩-٣ الْفَضْلُ فِي الْخَدَمِ
٢٨٢	١-٥-١٠ الْمَأْكُولُ وَالْمَشْرُوبُ وَالْمَرْكُوبُ وَالْمَنْكُوحُ وَالْمَسْمُوعُ وَالْمَشْمُومُ وَالْمَلْبُوسُ
٢٨٤	١-٥-١١ الزَّيْنَةُ
٢٨٤	١-٥-١١-١ الزَّيْنَةُ
٢٨٨	١-٥-١١-٢ الْمُؤْنَقَةُ
٢٨٨	١-٥-١١-٣ زَهْرَةُ الدُّنْيَا
٢٨٨	١-٥-١١-٤ زُخْرُفُ الدُّنْيَا
٢٩٠	١-٥-١٢ الْحُلُوءُ
٢٩٠	١-٥-١٣ اللَّيْنَةُ
٢٩٠	١-٥-١٤ اللَّذَّةُ
٢٩٠	١-٥-١٤-١ اللَّذِيزُ
٢٩٠	١-٥-١٤-٢ الْمَحْبُوبَةُ
٢٩٢	١-٥-١٤-٣ الْمَطْلُوبَةُ
٢٩٢	١-٥-١٤-٤ الْمَرْغُوبُ
٢٩٢	١-٥-١٤-٥ الرُّوقُ
٢٩٢	١-٥-١٥ الشَّهْوَةُ
٢٩٢	١-٥-١٥-١ الشَّهْوَةُ
٢٩٢	١-٥-١٥-٢ الْمَخْضُوفُ بِالشَّهَوَاتِ
٢٩٤	١-٥-١٥-٣ حُبُّ الشَّهَوَاتِ
٢٩٤	١-٥-١٦ الْمَنْكُوحُ
٢٩٦	١-٥-١٧ الْبَنُونُ
٢٩٦	١-٥-١٨ كَثْرَةُ الْمُحْسِنِ
٢٩٦	١-٥-١٩ الْغَلْبَةُ
٢٩٨	١-٥-٢٠ التَّكَاثُرُ وَالتَّفَاخُرُ
٢٩٨	١-٥-٢١ الدُّنْيَا الْخَدُوعَةُ
٢٩٨	١-٥-٢٢ الدُّنْيَا الْخُدْعَةُ

﴿ فهرست ﴾

۲۸۱	 مال	۱-۵۸-۱
۲۸۱	 دینار و درهم	۱-۵۸-۲
۲۸۱	 طلا و نقره	۱-۵۸-۳
۲۸۱	 وسعت	۱-۵۹
۲۸۱	 وسعت	۱-۵۹-۱
۲۸۳	 وسعت منزل	۱-۵۹-۲
۲۸۳	 افزونی خدمتکاران	۱-۵۹-۳
۲۸۳	 خوردنی ها و آشامیدنی ها و وسایل سواری و همبستری و شنیدنی و بوییدنی و پوشیدنی	۱-۵۱۰
۲۸۵	 آراستگی	۱-۵۱۱
۲۸۵	 آراستگی	۱-۵۱۱-۱
۲۸۹	 دل فریب	۱-۵۱۱-۲
۲۸۹	 زیورهای درخشان دنیا	۱-۵۱۱-۳
۲۸۹	 زیورهای دنیا	۱-۵۱۱-۴
۲۹۱	 شیرینی	۱-۵۱۲
۲۹۱	 نرمی	۱-۵۱۳
۲۹۱	 لذت	۱-۵۱۴
۲۹۱	 لذت بخش	۱-۵۱۴-۱
۲۹۱	 دوست داشتنی	۱-۵۱۴-۲
۲۹۳	 خواستنی	۱-۵۱۴-۳
۲۹۳	 مطلوب و خواستنی	۱-۵۱۴-۴
۲۹۳	 خوش آمدن	۱-۵۱۴-۵
۲۹۳	 شهوت	۱-۵۱۵
۲۹۳	 شهوت	۱-۵۱۵-۱
۲۹۳	 پیچیده شده در شهوت ها	۱-۵۱۵-۲
۲۹۵	 دوست داشتن شهوت ها	۱-۵۱۵-۳
۲۹۵	 همبستری	۱-۵۱۶
۲۹۷	 فرزندان	۱-۵۱۷
۲۹۷	 دوستان زیاد	۱-۵۱۸
۲۹۷	 غلبه کردن	۱-۵۱۹
۲۹۹	 افزون طلبی و فخر فروشی	۱-۵۲۰
۲۹۹	 دنیای حيله گر	۱-۶
۲۹۹	 فریب	۱-۶-۱

﴿الفهرس﴾

٢٩٨.....	١-١-١-١-١ خُدْعَةُ الدُّنْيَا
٢٩٨.....	١-١-١-٢-١ الخَدُوعُ
٣٠٠.....	١-١-١-٣-١ الخَدَاعَةُ
٣٠٠.....	١-١-١-٤-١ الخَدِيعَةُ
٣٠٠.....	١-١-١-٥-١ دَائِمَةُ الْمَكْرِ
٣٠٠.....	١-١-١-٦-١ الْحَيَّةُ
٣٠٢.....	١-١-٢-٢-١ الْخَلْطُ
٣٠٢.....	١-١-٢-٢-١ الْخَلْطُ
٣٠٢.....	١-١-٢-٢-٢ الشُّوبُ
٣٠٢.....	١-١-٢-٣-١ نَوْرُ الْوَرْدِ الْمَحْفُوفِ بِالشَّوْكِ
٣٠٤.....	١-١-٢-٣-٢ الْكِذْبُ، الزُّورُ
٣٠٤.....	١-١-٣-١-١ الْكِذْبُ
٣٠٤.....	١-١-٣-٢-١ الزُّورُ
٣٠٤.....	١-١-٣-٢-٢ الزُّورُ
٣٠٤.....	١-١-٤-٢-١ النِّفَاقُ
٣٠٤.....	١-١-٤-٢-١ النِّفَاقُ
٣٠٤.....	١-١-٤-٢-٢ الْإِثْبَاسُ
٣٠٤.....	١-١-٤-٣-١ سَمَاعُهُ أَعْظَمُ مِنْ عِيَانِهِ
٣٠٤.....	١-١-٤-٣-٢ سَمَاعُهُ أَعْظَمُ مِنْ عِيَانِهِ
٣٠٤.....	١-١-٤-٤-١ الْغَفْلَةُ
٣٠٤.....	١-١-٤-٤-١ الْغَفْلَةُ
٣٠٤.....	١-١-٤-٤-٢ الْغَفْلَةُ
٣٠٤.....	١-١-٤-٤-٢ الْغَفْلَةُ
٣٠٤.....	١-١-٤-٤-٣ الشُّكُّ وَ الْارْتِيَابُ
٣٠٤.....	١-١-٤-٤-٣ الشُّكُّ وَ الْارْتِيَابُ
٣٠٤.....	١-١-٤-٤-٤ السَّحَرُ
٣٠٤.....	١-١-٤-٤-٤ السَّحَرُ
٣٠٤.....	١-١-٤-٤-٥ السَّحَرَةُ
٣٠٤.....	١-١-٤-٤-٥ السَّحَرَةُ
٣٠٤.....	١-١-٤-٤-٦ الْأَسْحَرُ
٣٠٤.....	١-١-٤-٤-٦ الْأَسْحَرُ
٣٠٤.....	١-١-٤-٤-٧ الْغُرُورُ
٣٠٤.....	١-١-٤-٤-٧ الْغُرُورُ
٣٠٤.....	١-١-٤-٤-٨ الْغُرُورُ
٣٠٤.....	١-١-٤-٤-٨ الْغُرُورُ
٣١٠.....	١-١-٤-٤-٩ دَارُ غُرُورٍ
٣١٠.....	١-١-٤-٤-٩ دَارُ غُرُورٍ
٣١٠.....	١-١-٤-٤-١٠ دَارُ غُرَارَةٍ
٣١٠.....	١-١-٤-٤-١٠ دَارُ غُرَارَةٍ
٣١٠.....	١-١-٤-٤-١١ الْغَرَارَةُ
٣١٠.....	١-١-٤-٤-١١ الْغَرَارَةُ
٣١٢.....	١-١-٤-٤-١٢ امْرَأَةٌ عَلَيْهَا مِنْ كُلِّ زِينَةٍ
٣١٢.....	١-١-٤-٤-١٢ امْرَأَةٌ عَلَيْهَا مِنْ كُلِّ زِينَةٍ
٣١٢.....	١-١-٤-٤-١٣ الْغُولُ
٣١٢.....	١-١-٤-٤-١٣ الْغُولُ
٣١٢.....	١-١-٤-٤-١٤ الْغَوَالَةُ
٣١٢.....	١-١-٤-٤-١٤ الْغَوَالَةُ

﴿فهرست﴾

۲۹۹.....	۱-۱-۱- فریب دنیا.....
۲۹۹.....	۱-۱-۲- فریب‌دهنده.....
۳۰۱.....	۱-۱-۳- پر از فریب و خدعه.....
۳۰۱.....	۱-۱-۴- نیرنگ.....
۳۰۱.....	۱-۱-۵- دارای مکر همیشگی.....
۳۰۱.....	۱-۱-۶- مار.....
۳۰۳.....	۱-۲- آمیختگی.....
۳۰۳.....	۱-۲-۱- آمیختگی.....
۳۰۳.....	۱-۲-۲- در هم آمیخته‌شده.....
۳۰۳.....	۱-۲-۳- شکوفه‌ی گل پیچیده‌شده با خار.....
۳۰۵.....	۱-۳- دروغ.....
۳۰۵.....	۱-۳-۱- دروغ.....
۳۰۵.....	۱-۳-۲- دروغ.....
۳۰۵.....	۱-۴- نفاق.....
۳۰۵.....	۱-۴-۱- نفاق.....
۳۰۵.....	۱-۴-۲- دگرگون جلوه‌دادن.....
۳۰۵.....	۱-۴-۳- صدای آن بزرگ‌تر از آن است که دیده می‌شود.....
۳۰۵.....	۱-۵- غفلت.....
۳۰۵.....	۱-۵-۱- خواب.....
۳۰۵.....	۱-۵-۲- غفلت.....
۳۰۷.....	۱-۶- شک و تردید.....
۳۰۷.....	۱-۶-۷- سحر و جادو.....
۳۰۷.....	۱-۶-۷-۱- ساحر.....
۳۰۷.....	۱-۶-۷-۲- سحرکننده‌ترین.....
۳۰۷.....	۱-۸- فریب.....
۳۰۷.....	۱-۸-۱- فریب.....
۳۱۱.....	۱-۸-۲- خانه‌ی فریب.....
۳۱۱.....	۱-۸-۳- سرایی فریب‌دهنده.....
۳۱۱.....	۱-۸-۴- بسیار فریبنده.....
۳۱۳.....	۱-۸-۵- زنی غرق در زیورآلات.....
۳۱۳.....	۱-۸-۶- فریب‌دهنده.....
۳۱۳.....	۱-۸-۷- فریب‌دهنده.....

﴿الفهرس﴾

٣١٢	١-٦-٩- مَزْرَعَةُ إِبْلِيسَ وَشَبَكَةُ الشَّيْطَانِ.....
٣١٤	١-٦-٩-١ مَزْرَعَةُ إِبْلِيسَ.....
٣١٤	١-٦-٩-٢ شَبَكَةُ الشَّيْطَانِ.....
٣١٤	١-٧- الدُّنْيَا الْهُوَآنَةُ.....
٣١٤	١-٧-١ الْحَقَارَةُ.....
٣١٦	١-٧-١-١ لَيْسَتْ بِأَهْلٍ كَرَامَةٍ.....
٣١٦	١-٧-١-٢ الْحَقِيرُ.....
٣١٦	١-٧-١-٣ خَرْدَلَةٌ.....
٣١٦	١-٧-١-٤ صَابَةُ الْإِنَاءِ.....
٣١٨	١-٧-١-٥ الْحُطَامُ.....
٣١٨	١-٧-١-٦ جَنَاحُ بُعُوضَةٍ.....
٣١٨	١-٧-١-٧ لُقْمَةٌ.....
٣١٨	١-٧-١-٨ وَرَقَةٌ فِي فَمِ جَرَادَةٍ.....
٣٢٠	١-٧-١-٩ بَيْتُ الْعُنْكَبُوتِ.....
٣٢٠	١-٧-١-١٠ النُّطْفَةُ.....
٣٢٠	١-٧-١-١١ الْمَيْتَةُ وَالْجَيْفَةُ.....
٣٢٢	١-٧-١-١٢ اللَّمَاطَةُ.....
٣٢٢	١-٧-١-١٣ الْهَشِيمُ.....
٣٢٤	١-٧-١-١٤ عُقُوبَةٌ عَجَلَتْ.....
٣٢٤	١-٧-١-١٥ عَقْلَةُ الْجَهَالِ.....
٣٢٤	١-٧-١-١٦ مُطْلَقَةُ الْأَكْيَاسِ.....
٣٢٤	١-٧-١-١٧ مَا آخَرَ اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا يُعْجَلُ مِنْهَا.....
٣٢٤	١-٧-١-١٨ لَا يَضُرُّكُمْ تَضْيِيعُ دُنْيَاكُمْ.....
٣٢٤	١-٧-١-١٩ مَا فَاتَكَ غَنِيمَةٌ.....
٣٢٤	١-٧-١-٢٠ لَيْسَتْ ثَمَنَ نَفْسِكَ.....
٣٢٤	١-٧-١-٢١ لَيْسَ لَكُمْ الدُّنْيَا.....
٣٢٤	١-٧-١-٢٢ عَدَمُ الْخَلْقِ لِلدُّنْيَا.....
٣٢٤	١-٧-١-٢٣ يُعْطِيهَا اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ وَمَنْ أَبْغَضَ.....
٣٢٤	١-٧-١-٢٤ يَا كُلُّ مِنْهُ الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ.....
٣٢٤	١-٧-١-٢٥ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُبَالِ بِنَعِيمِ الدُّنْيَا لِعَدُوِّهِ.....
٣٢٨	١-٧-١-٢٦ لَيْسَتْ بِعِقَابٍ وَلَا بِأَجْرٍ.....
٣٢٨	١-٧-٢ الدَّنَاءَةُ.....

﴿فهرست﴾

۳۱۳.....	۱-۶-۹- کشتزار ابلیس و دام شیطان.....
۳۱۵.....	۱-۶-۹-۱- کشتزار ابلیس.....
۳۱۵.....	۱-۶-۹-۲- دام شیطان.....
۳۱۵.....	۱-۷- دنیای بی‌ارزش.....
۳۱۵.....	۱-۷-۱- خوار و ناچیزبودن.....
۳۱۷.....	۱-۷-۱-۱- شایسته‌ی گرامی‌داشتن نیست.....
۳۱۷.....	۱-۷-۱-۲- ناچیز.....
۳۱۷.....	۱-۷-۱-۳- دانه‌ی خردل.....
۳۱۷.....	۱-۷-۱-۴- رطوبت ظرف.....
۳۱۹.....	۱-۷-۱-۵- مال بی‌ارزش.....
۳۱۹.....	۱-۷-۱-۶- بال پشه.....
۳۱۹.....	۱-۷-۱-۷- یک لقمه.....
۳۱۹.....	۱-۷-۱-۸- برگ‌ی در دهان ملخ.....
۳۲۱.....	۱-۷-۱-۹- خانه‌ی عنکبوت.....
۳۲۱.....	۱-۷-۱-۱۰- نطفه.....
۳۲۱.....	۱-۷-۱-۱۱- مردار.....
۳۲۳.....	۱-۷-۱-۱۲- پس‌مانده.....
۳۲۳.....	۱-۷-۱-۱۳- کاه خشکیده.....
۳۲۵.....	۱-۷-۱-۱۴- مجازات زودرس گناه.....
۳۲۵.....	۱-۷-۱-۱۵- غفلت بی‌خردان.....
۳۲۵.....	۱-۷-۱-۱۶- مطلقه‌ی صاحبان عقل.....
۳۲۵.....	۱-۷-۱-۱۷- آنچه خدا به تأخیر می‌اندازد، بهتر است از آنچه جلو می‌اندازد.....
۳۲۵.....	۱-۷-۱-۱۸- از دست‌دادن متاع دنیا، زبانی به شما وارد نمی‌کند.....
۳۲۵.....	۱-۷-۱-۱۹- چیز از دست رفته غنیمت است.....
۳۲۵.....	۱-۷-۱-۲۰- دنیا قیمت تو نیست.....
۳۲۵.....	۱-۷-۱-۲۱- دنیا برای شما نیست.....
۳۲۷.....	۱-۷-۱-۲۲- آفریده‌نشدن برای دنیا.....
۳۲۷.....	۱-۷-۱-۲۳- خداوند دنیا را به دوست و دشمنش می‌دهد.....
۳۲۷.....	۱-۷-۱-۲۴- نیک و بد از آن می‌خورند.....
۳۲۷.....	۱-۷-۱-۲۵- برای خداوند مهم نیست که دشمنش از نعمت دنیا بهره می‌برد.....
۳۲۹.....	۱-۷-۱-۲۶- دنیا نه جای عذاب است و نه جای پاداش.....
۳۲۹.....	۱-۷-۲- پستی و بی‌ارزش‌بودن.....

﴿الفهرس﴾

٣٢٨.....	١-٧-٢-١ الدَّناءَةُ.....
٣٣٠.....	١-٧-٢-٢ حَيَاةُ الدُّنْيَا.....
٣٣٠.....	١-٧-٢-٣ أَذْنَى مِنْ كُلِّ شَيْءٍ.....
٣٣٠.....	١-٧-٢-٤ الْأَنْزَرُ.....
٣٣٠.....	١-٧-٢-٥ الدُّنُو.....
٣٣٢.....	١-٧-٢-٦ الدِّيَّةُ.....
٣٣٢.....	١-٧-٣ السُّفْلُ وَ الْخَسَاسَةُ.....
٣٣٢.....	١-٧-٣-١ السُّفْلُ.....
٣٣٢.....	١-٧-٣-٢ الْخَسَاسَةُ.....
٣٣٢.....	١-٧-٣-٣ خَسِيسٌ عَيْشٌ.....
٣٣٤.....	١-٧-٤ الْهَوَانُ وَ الْإِسْتِخْفَافُ.....
٣٣٤.....	١-٧-٤-١ الْإِهَانَةُ.....
٣٣٤.....	١-٧-٤-٢ الْأَهْوَنُ.....
٣٣٦.....	١-٧-٤-٣ الْهَوَانُ.....
٣٣٦.....	١-٧-٤-٤ دَارُ هَوَانٍ.....
٣٣٦.....	١-٧-٤-٥ الْوَهْنُ.....
٣٣٦.....	١-٧-٤-٦ هَانَتْ عَلَى رَبِّهَا.....
٣٣٨.....	١-٧-٤-٧ الْإِسْتِخْفَافُ.....
٣٣٨.....	١-٧-٥ الْقِلَّةُ وَ الْيُسْرُ.....
٣٣٨.....	١-٧-٥-١ بَقَاءُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ.....
٣٣٨.....	١-٧-٥-٢ الْقِلَّةُ.....
٣٤٠.....	١-٧-٥-٣ الْقَلِيلُ.....
٣٤٢.....	١-٧-٥-٤ الْيُسْرُ.....
٣٤٢.....	١-٧-٥-٥ خَطَرُهَا يَسِيرٌ.....
٣٤٢.....	١-٧-٦ الْقَصْرُ.....
٣٤٢.....	١-٧-٦-١ الْقَصِيرُ.....
٣٤٢.....	١-٧-٦-٢ الْقَصِيرَةُ.....
٣٤٢.....	١-٧-٦-٣ قَصِيرَةُ الْعُمُرِ.....
٣٤٤.....	١-٧-٧ الصَّغَرُ.....
٣٤٤.....	١-٧-٨ الضَّعْفُ.....
٣٤٤.....	١-٧-٨-١ الرَّمُّ.....
٣٤٤.....	١-٧-٨-٢ سِنَادٌ مَائِلٌ.....

﴿فهرست﴾

۳۳۹.....	۱-۷-۲-۱- پستی.....
۳۳۱.....	۱-۷-۲-۲- زندگی پست و نزدیک.....
۳۳۱.....	۱-۷-۲-۳- پست‌تر از هر چیزی.....
۳۳۱.....	۱-۷-۲-۴- بی‌ارزش‌ترین.....
۳۳۱.....	۱-۷-۲-۵- نزدیکی.....
۳۳۳.....	۱-۷-۲-۶- پست.....
۳۳۳.....	۱-۷-۳- پستی.....
۳۳۳.....	۱-۷-۳-۱- پستی.....
۳۳۳.....	۱-۷-۳-۲- پستی.....
۳۳۳.....	۱-۷-۳-۳- زندگی پست و کم ارزش.....
۳۳۵.....	۱-۷-۴- پستی و سبکی.....
۳۳۵.....	۱-۷-۴-۱- پست‌شمردن.....
۳۳۵.....	۱-۷-۴-۲- بی‌ارزش‌تر.....
۳۳۷.....	۱-۷-۴-۳- پستی.....
۳۳۷.....	۱-۷-۴-۴- منزلی پست.....
۳۳۷.....	۱-۷-۴-۵- پست.....
۳۳۷.....	۱-۷-۴-۶- نزد خداوند پست و بی‌ارزش است.....
۳۳۹.....	۱-۷-۴-۷- کوچک‌شمردن.....
۳۳۹.....	۱-۷-۵- اندک و کم اهمیت‌بودن.....
۳۳۹.....	۱-۷-۵-۱- پایداری دنیا اندک است.....
۳۳۹.....	۱-۷-۵-۲- کمی.....
۳۴۱.....	۱-۷-۵-۳- اندک.....
۳۴۳.....	۱-۷-۵-۴- اندک.....
۳۴۳.....	۱-۷-۵-۵- کم اهمیت.....
۳۴۳.....	۱-۷-۶- کوتاهی.....
۳۴۳.....	۱-۷-۶-۱- کوتاه.....
۳۴۳.....	۱-۷-۶-۲- کوتاه.....
۳۴۳.....	۱-۷-۶-۳- دارای عمر کوتاه.....
۳۴۵.....	۱-۷-۷- کوچکی.....
۳۴۵.....	۱-۷-۸- ضعف.....
۳۴۵.....	۱-۷-۸-۱- پوسیدگی.....
۳۴۵.....	۱-۷-۸-۲- تکیه‌گاه معیوب.....

﴿الفہرس﴾

٣٤٤..... ١٧-٩-١- الْفَقْرُ

٣٤٤..... ١٧-٩-١- الْفَقْرُ

٣٤٤..... ١٧-٩-٢- فَقْرٌ مُنْسَى

٣٤٤..... ١٧-١٠- الْبُغْضُ

٣٤٤..... ١٧-١١- اللَّعْنُ

٣٤٤..... ١٧-١١-١- الدُّنْيَا الْمُلْعُونَةُ

٣٤٤..... ١٧-١٢- اللَّهْوُ وَ اللَّعِبُ

٣٤٤..... ١٧-١٢-١- اللَّهْوُ

٣٤٨..... ١٧-١٢-٢- التَّلَاعُبُ

٣٤٨..... ١٧-١٢-٣- الْهَزْلُ

٣٤٨..... ١٧-١٢-٤- ضَحْكَةٌ مُسْتَعِيرٌ

٣٤٨..... ١٧-١٢-٥- جِدُّ عَاطِلٌ

٣٥٠..... ١٧-١٣- الظِّلُّ وَ السَّرَابُ

٣٥٠..... ١٧-١٣-١- الظِّلُّ

٣٥٢..... ١٧-١٣-٢- السَّرَابُ

٣٥٢..... ١٧-١٣-٣- الشَّيْخُ

٣٥٢..... ١٧-١٣-٤- السُّلُوكُ فِي مَقَازَةِ غَبْرَاءَ

٣٥٢..... ١٧-١٣-٥- بِنَاءٌ عَلَى مَوْجِ الْبَحْرِ

٣٥٢..... ١٧-١٣-٦- دَارُ خَطَرَاتٍ

٣٥٢..... ١٧-١٣-٧- فِي الظُّلَالِ

٣٥٢..... ١٧-١٣-٨- فِي زَائِلٍ

٣٥٢..... ١٧-١٣-٩- لَيْسَ فِي الدُّنْيَا نَعِيمٌ حَقِيقِيٌّ

٣٥٤..... ١٧-١٤- أَحْلَامُ النَّائِمِ

٣٥٤..... ١٧-١٤-١- الْمَنَامُ

٣٥٤..... ١٧-١٤-٢- الْمَالُ فِي الْمَنَامِ

٣٥٤..... ١٧-١٤-٣- دَابَّةٌ رَكِبَتْهَا فِي الْمَنَامِ

٣٥٤..... ١٧-١٤-٤- حُلُمُ الْمَنَامِ

٣٥٤..... ١٧-١٤-٥- أَحْلَامُ النَّائِمِ

٣٥٤..... ١٧-١٥- الْأَمَلُ

٣٥٤..... ١٧-١٥-١- الْأَمَلُ

٣٥٤..... ١٧-١٥-٢- تَحَلَّتْ بِأَلَا مَالٍ

٣٥٤..... ١٧-١٥-٣- عُمِرَتْ بِأَلَا مَالٍ

﴿فهرست﴾

۳۴۵.....	۱-۷-۹ فقر
۳۴۵.....	۱-۷-۹-۱ فقر
۳۴۷.....	۱-۷-۹-۲ فقری که فراموشی می آورد
۳۴۷.....	۱-۷-۱۰ منفور بودن
۳۴۷.....	۱-۷-۱۱ نفرین شدن، طرد شدن
۳۴۷.....	۱-۷-۱۱-۱ دنیای نفرین شده
۳۴۷.....	۱-۷-۱۲ سرگرمی و بازی
۳۴۷.....	۱-۷-۱۲-۱ سرگرمی
۳۴۹.....	۱-۷-۱۲-۲ به بازی گرفتن
۳۴۹.....	۱-۷-۱۲-۳ بیهوده
۳۴۹.....	۱-۷-۱۲-۴ خنده‌ی گریه‌کنندگان
۳۴۹.....	۱-۷-۱۲-۵ گروهی بیهوده‌گرا
۳۵۱.....	۱-۷-۱۳ سایه و سراب
۳۵۱.....	۱-۷-۱۳-۱ سایه
۳۵۳.....	۱-۷-۱۳-۲ سراب
۳۵۳.....	۱-۷-۱۳-۳ شب
۳۵۳.....	۱-۷-۱۳-۴ حرکت در مسیری غبار آلود
۳۵۳.....	۱-۷-۱۳-۵ خانه‌ای بر روی موج دریا
۳۵۳.....	۱-۷-۱۳-۶ خانه‌ی اوهام
۳۵۳.....	۱-۷-۱۳-۷ سایه
۳۵۳.....	۱-۷-۱۳-۸ سایه‌ی زودگذر
۳۵۳.....	۱-۷-۱۳-۹ نعمت حقیقی در دنیا نیست
۳۵۵.....	۱-۷-۱۴ رؤیا و خواب‌های پریشان
۳۵۵.....	۱-۷-۱۴-۱ خواب و رؤیا
۳۵۵.....	۱-۷-۱۴-۲ دارایی‌ای در خواب
۳۵۵.....	۱-۷-۱۴-۳ مرکبی که انسان در خواب بر آن سوار می‌شود
۳۵۵.....	۱-۷-۱۴-۴ رویایی در خواب
۳۵۷.....	۱-۷-۱۴-۵ خواب‌های پریشان
۳۵۷.....	۱-۷-۱۵ آرزو
۳۵۷.....	۱-۷-۱۵-۱ آرزو
۳۵۷.....	۱-۷-۱۵-۲ با آرزوها آراسته شده
۳۵۷.....	۱-۷-۱۵-۳ با آرزوها آباد شده

﴿الفهرس﴾

٣٥٤.....	١٥-٧-١- مُنْبِئَةُ الْأَشْقِيَاءِ.....
٣٥٨.....	١٥-٧-١- الإِسْتِهْوَاءُ.....
٣٥٨.....	١٦-٧-١- الْمَوْتُ.....
٣٥٨.....	١٦-٧-١- الْمَوْتُ.....
٣٥٨.....	١٦-٧-١- بِالْمَوْتِ تُخْتَمُ.....
٣٥٨.....	١٦-٧-١- حَيَاتُ الدُّنْيَا مَوْتًا.....
٣٥٨.....	١٦-٧-١- مَوْتُ مُجْهَرٌ.....
٣٦٠.....	١٧-٧-١- لَا شَيْءَ.....
٣٦٠.....	١٧-٧-١- لَا شَيْءَ.....
٣٦٠.....	١٧-٧-١- كَأَنَّ لَمْ تَكُنْ.....
٣٦٠.....	١٧-٧-١- عَنْ قَلِيلٍ لَمْ يَكُنْ.....
٣٦٢.....	١٧-٧-١- أَى شَيْءٍ.....
٣٦٢.....	١٧-٧-١- لَيْسَتْ بِدَارٍ.....
٣٦٢.....	١٧-٧-١- لَيْسَتْ بِدَارٍ غِطَّةً.....
٣٦٢.....	١٧-٧-١- دَارٌ مَنْ لَا دَارَ لَهُ وَ مَالٌ مَنْ لَا مَالَ لَهُ.....
٣٦٢.....	١٧-٧-١- مَا لِي وَ لِلدُّنْيَا.....
٣٦٢.....	١٨-١- جَنَّةُ الْكُفَّارِ، دَارُ الْأَشْقِيَاءِ.....
٣٦٢.....	١٨-١- جَنَّةُ الْكَافِرِ.....
٣٦٤.....	١٨-١- دَارُ الْأَشْقِيَاءِ.....
٣٦٤.....	١٨-١- مَوْطِنُ الْأَشْقِيَاءِ.....
٣٦٤.....	١٨-١- مُنْبِئَةُ الْأَشْقِيَاءِ.....
٣٦٤.....	١٨-١- دَارُ الظَّالِمِينَ.....
٣٦٤.....	٩-١- الدُّنْيَا الْجَهْلُ وَ الْحُمُقُ.....
٣٦٤.....	٩-١- الْجَهْلُ.....
٣٦٤.....	٩-١- الْجَهَالَةُ.....
٣٦٤.....	٩-١- الْحُمُقُ.....
٣٦٤.....	٩-١- مُنْتَهَى بَصَرِ الْأَعْمَى.....
٣٦٤.....	١٠-١- مَعْرِفَةُ الدُّنْيَا مِنْ طَرِيقِ مَعْرِفَةِ الْعَلَاقَةِ بَيْنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.....
٣٦٤.....	١٠-١- مُضَادَّةُ الْآخِرَةِ.....
٣٧٦.....	١٠-١- أَذْنِي مِنَ الْآخِرَةِ.....
٣٧٦.....	١٠-١- عَدُوُّ الْآخِرَةِ.....
٣٧٦.....	١٠-١- نَعْمُ الْعَوْنُ عَلَى الْآخِرَةِ.....

﴿فهرست﴾

۳۵۷.....	۱-۷-۱۵-۴- آرزوی بدبختان.....
۳۵۹.....	۱-۷-۱۵-۵- هوایی کردن.....
۳۵۹.....	۱-۷-۱۶- مرگ.....
۳۵۹.....	۱-۷-۱۶-۱- مرگ.....
۳۵۹.....	۱-۷-۱۶-۲- با مرگ پایان می‌یابد.....
۳۵۹.....	۱-۷-۱۶-۳- زندگی آن عین مرگ است.....
۳۵۹.....	۱-۷-۱۶-۴- مرگی که به سرعت از پا درمی‌آورد.....
۳۶۱.....	۱-۷-۱۷- هیچ چیز.....
۳۶۱.....	۱-۷-۱۷-۱- هیچ چیز.....
۳۶۱.....	۱-۷-۱۷-۲- گویا نبوده.....
۳۶۱.....	۱-۷-۱۷-۳- به زودی نابود می‌شود.....
۳۶۳.....	۱-۷-۱۷-۴- دنیا چیست؟!.....
۳۶۳.....	۱-۷-۱۷-۵- دنیا مسکن نیست.....
۳۶۳.....	۱-۷-۱۷-۶- دنیا محل حسرت خوردن نیست.....
۳۶۳.....	۱-۷-۱۷-۷- خانه کسی است که خانه ندارد و دارایی کسی است که مالی ندارد.....
۳۶۳.....	۱-۷-۱۷-۸- مرا با دنیا چه کار؟!.....
۳۶۳.....	۱-۸- بهشت کافران، سرای بدبختان.....
۳۶۳.....	۱-۸-۱- بهشت کافر.....
۳۶۵.....	۱-۸-۲- خانه‌ی بدبختان.....
۳۶۵.....	۱-۸-۳- وطن بدبختان.....
۳۶۵.....	۱-۸-۴- خانه‌ی آرزوی بدبختان.....
۳۶۵.....	۱-۸-۵- خانه‌ی ستم‌پیشگان.....
۳۶۵.....	۱-۹- دنیای نادانی و حماقت.....
۳۶۵.....	۱-۹-۱- نادانی.....
۳۶۵.....	۱-۹-۲- جهالت.....
۳۶۵.....	۱-۹-۳- نادانی.....
۳۶۷.....	۱-۹-۴- نهایت چشم‌انداز فرد بی بصیرت.....
۳۶۷.....	۱-۱۰- شناخت دنیا از طریق شناخت ارتباط دنیا و آخرت.....
۳۶۷.....	۱-۱۰-۱- نقطه‌ی مقابل آخرت.....
۳۷۷.....	۱-۱۰-۲- کم‌ارزش‌تر از آخرت.....
۳۷۷.....	۱-۱۰-۳- دشمن آخرت.....
۳۷۷.....	۱-۱۰-۴- یاور خوبی برای رسیدن به آخرت است.....

﴿الفهرس﴾

٣٧٦.....	١-١٠-٥- دَلِيلٌ عَلَى الْآخِرَةِ.....
٣٧٦.....	١-١٠-٦- رَسْمُ الْآخِرَةِ.....
٣٧٦.....	١-١٠-٧- رَدِيفُ الْآخِرَةِ.....
٣٧٨.....	١-١٠-٨- مَعْبَرَةُ الْآخِرَةِ.....
٣٧٨.....	١-١٠-٩- بِالْدُّنْيَا تُحْرَزُ الْآخِرَةُ.....
٣٧٨.....	١-١٠-١٠- لَا تَنَالِ الْآخِرَةَ إِلَّا بِالْدُّنْيَا.....
٣٧٨.....	١-١٠-١١- الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ وَ الْآخِرَةُ مُحِيطَةٌ بِالْدُّنْيَا.....
٣٧٨.....	١-١٠-١٢- الْجَنَّةُ وَ النَّارُ فِي الدُّنْيَا.....
٣٧٨.....	١-١٠-١٣- لَيْسَ الْآخِرَةُ الدُّنْيَا.....
٣٧٨.....	١-١٠-١٤- مَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا.....
٣٨٠.....	الفصلُ الثَّاني: أَهْمِيَّةُ الْإِهْتِمَامِ بِمَوْضُوعِ الدُّنْيَا.....
٣٨٠.....	٢-١- الأمرُ بِمَعْرِفَةِ الدُّنْيَا كُنْهَ مَعْرِفَتِهَا، بَعْضُ الدُّنْيَا عَمَلٌ وَاحِدٌ لِحُبِّ اللَّهِ، الشُّمُولُ.....
٣٨٠.....	٢-١-١- الأمرُ بِمَعْرِفَةِ الدُّنْيَا كُنْهَ مَعْرِفَتِهَا.....
٣٨٠.....	٢-١-٢- بَعْضُ الدُّنْيَا عَمَلٌ وَاحِدٌ لِحُبِّ اللَّهِ.....
٣٨٠.....	٢-١-٣- الشُّمُولُ.....
٣٨٠.....	٢-٢- القِيَّاسُ.....
٣٨٠.....	٢-٢-١- الْأَفْضَلُ.....
٣٨٠.....	٢-٢-١-١- أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ رَفَضَ دُنْيَاهُ.....
٣٨٢.....	٢-٢-١-٢- أَفْضَلُ الْجِهَادِ الْفِطَامُ عَنْ لَذَاتِ الدُّنْيَا.....
٣٨٢.....	٢-٢-١-٣- أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ.....
٣٨٢.....	٢-٢-١-٤- أَفْضَلُ الطَّاعَاتِ.....
٣٨٢.....	٢-٢-١-٥- أَفْضَلُ الزِّيْنَةِ.....
٣٨٢.....	٢-٢-٢- تَرَكُ الدُّنْيَا أَتَبَرُّ.....
٣٨٢.....	٢-٢-٣- الْأَحَبُّ.....
٣٨٤.....	٢-٢-٤- الْأَحْسَنُ.....
٣٨٤.....	٢-٢-٥- الْأَخْوَجُ.....
٣٨٤.....	٢-٢-٦- الْأَكْبَسُ.....
٣٨٤.....	٢-٢-٧- الْأَنْفَعُ.....
٣٨٤.....	٢-٢-٨- الْأَوْزَعُ.....
٣٨٤.....	٢-٢-٩- الْأَشَدُّ.....
٣٨٤.....	٢-٢-٩-١- أَشَدُّ مَا يُتَخَوَّفُ.....
٣٨٤.....	٢-٢-٩-٢- أَشَدُّ الْحَسْرَةِ.....

﴿فهرست﴾

۳۷۷.....	۱-۱۰-۵- راهنمایی بر آخرت.....
۳۷۷.....	۱-۱۰-۶- نقش آخرت.....
۳۷۷.....	۱-۱۰-۷- در ردیف آخرت.....
۳۷۹.....	۱-۱۰-۸- گذرگاه آخرت.....
۳۷۹.....	۱-۱۰-۹- توشه‌ی آخرت با دنیا فراهم می‌شود.....
۳۷۹.....	۱-۱۰-۱۰- جز به وسیله‌ی دنیا نمی‌توان به آخرت رسید.....
۳۷۹.....	۱-۱۰-۱۱- دنیا در آخرت است و آخرت، این دنیا را در برگرفته است.....
۳۷۹.....	۱-۱۰-۱۲- بهشت و جهنم در این دنیا نیز است.....
۳۷۹.....	۱-۱۰-۱۳- آخرت، دنیا نیست.....
۳۷۹.....	۱-۱۰-۱۴- هرکس خواهان آخرت باشد، بهره‌ی خود را به طور کامل از دنیا می‌گیرد.....
۳۸۱.....	فصل ۲: اهمیت توجه به موضوع دنیا.....
۳۸۱.....	۲-۱- فرمان به شناخت عمیق دنیا، دشمنی با دنیا تنها عمل برای جلب دوستی خدا، همه‌ی مردم فرزندان دنیابند.....
۳۸۱.....	۲-۱-۱- فرمان به شناخت عمیق دنیا.....
۳۸۱.....	۲-۱-۲- دشمنی با دنیا تنها عمل برای جلب دوستی خدا.....
۳۸۱.....	۲-۱-۳- فراگیری.....
۳۸۱.....	۲-۲- مقایسه.....
۳۸۱.....	۲-۲-۱- برترین.....
۳۸۱.....	۲-۲-۱-۱- برترین مردم کسی است که دنیا را ترک کند.....
۳۸۳.....	۲-۲-۱-۲- برترین جهاد بریدن از لذت‌های دنیاست.....
۳۸۳.....	۲-۲-۱-۳- برترین اعمال.....
۳۸۳.....	۲-۲-۱-۴- برترین اطاعت.....
۳۸۳.....	۲-۲-۱-۵- برترین زینت.....
۳۸۳.....	۲-۲-۲- ترک دنیا بهتر است.....
۳۸۳.....	۲-۲-۳- دوست داشتنی‌تر.....
۳۸۵.....	۲-۲-۴- نیکوتر.....
۳۸۵.....	۲-۲-۵- نیازمندتر.....
۳۸۵.....	۲-۲-۶- زیرک‌تر.....
۳۸۵.....	۲-۲-۷- سودمندتر.....
۳۸۵.....	۲-۲-۸- با ورع‌تر.....
۳۸۵.....	۲-۲-۹- بیشترین.....
۳۸۵.....	۲-۲-۹-۱- بیشترین ترس.....
۳۸۵.....	۲-۲-۹-۲- بیشترین حسرت.....

﴿الفهرس﴾

٣٨٤.....	٢-٢-١٠- الأَعْظَمُ
٣٨٤.....	٢-٢-١٠-١- أَعْظَمُ الْخَطَايَا
٣٨٤.....	٢-٢-١٠-٢- أَعْظَمُ الْمَصَائِبِ
٣٨٤.....	٢-٢-١٠-٣- أَعْظَمُ النَّاسِ
٣٨٤.....	٢-٢-١١- الْأَبْغَضُ
٣٨٤.....	٢-٢-١٢- الْأَخْسَرُ
٣٨٤.....	٢-٢-١٣- الْأَخْوَفُ
٣٨٤.....	٢-٢-١٤- الْأَذَلُّ
٣٨٤.....	٢-٢-١٥- الْأَحْمَقُ
٣٨٤.....	٢-٢-١٦- الْأَشْقَى
٣٨٨.....	٢-٢-١٧- الْأَهْوَنُ
٣٨٨.....	٢-٢-١٨- الْأَضَرُّ
٣٨٨.....	٢-٢-١٩- الْأَوَّلُ
٣٨٨.....	٢-٣- الرَّأْسُ وَالْأَصْلُ
٣٨٨.....	٢-٣-١- رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ
٣٨٨.....	٢-٣-٢- أَصْلُ كُلِّ خَطِيئَةٍ
٣٨٨.....	٢-٣-٣- أَصْلُ كُلِّ مَعْصِيَةٍ
٣٨٨.....	٢-٣-٤- رَأْسُ الْفِتَنِ وَأَصْلُ الْمِحَنِ
٣٨٨.....	٢-٤- الشَّرُّ، السُّوءُ، الْخُبْثُ
٣٨٨.....	٢-٤-١- الشَّرُّ
٣٩٠.....	٢-٤-٢- السُّوءُ
٣٩٠.....	٢-٤-٣- مُضِرٌّ
٣٩٠.....	٢-٤-٤- الْحَرَامُ
٣٩٠.....	٢-٤-٥- الْخُبْثُ
٣٩٠.....	٢-٥- اللَّعْنُ
٣٩٠.....	٢-٥-١- اللَّعْنُ
٣٩٢.....	٢-٥-٢- الْأُفُّ
٣٩٢.....	٢-٥-٣- الْوَيْلُ
٣٩٢.....	٢-٥-٤- الْإِسْتِعَاذَةُ مِنْهَا
٣٩٤.....	٢-٥-٥- الدُّعَاءُ عَلَيْهَا
٣٩٤.....	٢-٥-٦- فَضِيلَةُ تَرْكِ الدُّنْيَا
٣٩٤.....	٢-٥-١- الْخَيْرُ

﴿فهرست﴾

۲۸۵.....	۲-۲-۱۰- بزرگ‌ترین.....
۳۸۵.....	۲-۲-۱۰-۱- بزرگ‌ترین خطاها.....
۳۸۷.....	۲-۲-۱۰-۲- بزرگ‌ترین مصیبت‌ها.....
۳۸۷.....	۲-۲-۱۰-۳- بزرگ‌ترین مردم.....
۳۸۷.....	۲-۲-۱۱- منفورترین.....
۳۸۷.....	۲-۲-۱۲- زیانکارترین.....
۳۸۷.....	۲-۲-۱۳- ترسناک‌ترین.....
۳۸۷.....	۲-۲-۱۴- ذلیل‌ترین.....
۳۸۷.....	۲-۲-۱۵- نادان‌ترین.....
۳۸۷.....	۲-۲-۱۶- بدبخت‌ترین.....
۳۸۹.....	۲-۲-۱۷- آسان‌ترین.....
۳۸۹.....	۲-۲-۱۸- زیان‌بارترین.....
۳۸۹.....	۲-۲-۱۹- اولین.....
۳۸۹.....	۲-۳- منشأ و ریشه.....
۳۸۹.....	۲-۳-۱- منشأ هر خطا.....
۳۸۹.....	۲-۳-۲- ریشه‌ی هر خطا.....
۳۸۹.....	۲-۳-۳- ریشه‌ی همه‌ی گناهان.....
۳۸۹.....	۲-۳-۴- منشأ فتنه‌ها و ریشه‌ی محنت‌ها.....
۳۸۹.....	۲-۴- بدی و شومی و پلیدی.....
۳۸۹.....	۲-۴-۱- شر.....
۳۹۱.....	۲-۴-۲- بد و شوم.....
۳۹۱.....	۲-۴-۳- زیانبار.....
۳۹۱.....	۲-۴-۴- حرام.....
۳۹۱.....	۲-۴-۵- پلیدی.....
۳۹۱.....	۲-۵- لعن و نفرین.....
۳۹۱.....	۲-۵-۱- لعن و نفرین.....
۳۹۳.....	۲-۵-۲- اف.....
۳۹۳.....	۲-۵-۳- وای.....
۳۹۳.....	۲-۵-۴- پناه‌بردن از آن.....
۳۹۵.....	۲-۵-۵- درخواست دورشدن از آن.....
۳۹۵.....	۲-۶- فضیلت ترک دنیا.....
۳۹۵.....	۲-۶-۱- بهتر.....

﴿الفهرس﴾

٣٩٨.....	٢-٦-٢- الفضلُ
٣٩٨.....	٢-٦-٣- الفضيلةُ
٣٩٨.....	٢-٦-٤- طوبى لهُ
٣٩٨.....	٢-٧- الأمرُ بتهوين الدنيا و الزهدِ عنها
٤٠٠.....	٢-٨- لا يُحبُّها اللهُ، لَمْ يَرْضَها اللهُ، أَزْهَدَ اللهُ عَنْهَا
٤٠٠.....	٢-٨-١- لا يُحِبُّ اللهُ
٤٠٠.....	٢-٨-٢- لَمْ يَرْضَ اللهُ
٤٠٠.....	٢-٨-٣- أَزْهَدَ اللهُ
٤٠٠.....	٢-٩- النَّهْيُ عَنِ الدُّنْيَا وَ حُبِّهَا
٤٠٠.....	٢-٩-١- لا تَكُونُوا مِنْ أَتْبَاءِ الدُّنْيَا
٤٠٢.....	٢-٩-٢- إِيَّاكَ وَ الدُّنْيَا
٤٠٢.....	٢-٩-٣- إِيَّاكَ أَنْ تَغْتَرَّ بِالدُّنْيَا
٤٠٢.....	٢-٩-٤- إِيَّاكُمْ وَ غَلَبَةَ الدُّنْيَا
٤٠٢.....	٢-٩-٥- إِيَّاكَ وَ طَلَبَ الدُّنْيَا
٤٠٢.....	٢-٩-٦- إِيَّاكَ وَ حُبَّ الدُّنْيَا
٤٠٢.....	٢-٩-٧- إِيَّاكَ وَ أَوْلَاةَ الدُّنْيَا
٤٠٢.....	٢-٩-٨- إِيَّاكُمْ وَ أَتْبَاءَ الدُّنْيَا
٤٠٤.....	٢-٩-٩- لا تَكُنِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّكَ
٤٠٤.....	٢-٩-١٠- لا تُؤَثِّرِ الدُّنْيَا
٤٠٤.....	٢-٩-١١- لا تَسْبِعُوا الْآخِرَةَ بِالدُّنْيَا
٤٠٤.....	٢-٩-١٢- أَتْرَكُوا مِنَ الدُّنْيَا مَا يَشْغَلُكُمْ عَنِ الْآخِرَةِ
٤٠٤.....	٢-٩-١٣- لا تَدْخُلْ فِي الدُّنْيَا
٤٠٤.....	٢-٩-١٤- لا أُوصِيكُمْ بِدَارِ الدُّنْيَا
٤٠٤.....	٢-٩-١٥- أَبْغِضِ الدُّنْيَا
٤٠٦.....	٢-٩-١٦- إِحْذَرِ الدُّنْيَا
٤٠٦.....	٢-٩-١٧- أَحْذَرِكُمُ الدُّنْيَا
٤٠٨.....	٢-٩-١٨- تَحَرَّزْ مِنَ الدُّنْيَا
٤٠٨.....	٢-٩-١٩- أَخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ
٤٠٨.....	٢-٩-٢٠- لا تَحْرُصْ عَلَى الدُّنْيَا
٤٠٨.....	٢-٩-٢١- إِدْفَعْ الدُّنْيَا
٤٠٨.....	٢-٩-٢٢- لا تَرْتَعِبُوا فِي الدُّنْيَا
٤٠٨.....	٢-٩-٢٣- أَرْفُضِ الدُّنْيَا

﴿فهرست﴾

۳۹۹.....	۲-۲۶-۲ فضیلت.....
۳۹۹.....	۲-۲۶-۳ فضیلت.....
۳۹۹.....	۲-۲۶-۴ خوش به حال او.....
۳۹۹.....	۲-۲۷- امر به بی‌ارزش شمردن دنیا و بی‌رغبتی نسبت به آن.....
۲۸.....	۲-۲۸- خداوند دنیا را دوست ندارد، خدا از دنیا راضی نیست، خداوند نسبت به دنیا بی‌رغبتی ایجاد می‌کند.....
۴۰۱.....	۲-۲۸-۱ خداوند دنیا را دوست ندارد.....
۴۰۱.....	۲-۲۸-۲ خدا از دنیا راضی نیست.....
۴۰۱.....	۲-۲۸-۳ خداوند نسبت به دنیا بی‌رغبتی ایجاد می‌کند.....
۴۰۱.....	۲-۲۹- نهی از دنیا و دنیا دوستی.....
۴۰۱.....	۲-۲۹-۱ از دنیا پرستان نباشید.....
۴۰۳.....	۲-۲۹-۲ از دنیا بر حذر باش.....
۴۰۳.....	۲-۲۹-۳ مبادا دنیا تو را بفریزد.....
۴۰۳.....	۲-۲۹-۴ مبادا دنیا بر شما غلبه کند.....
۴۰۳.....	۲-۲۹-۵ از دنیاخواهی بپرهیز.....
۴۰۳.....	۲-۲۹-۶ از دنیا دوستی بپرهیز.....
۴۰۳.....	۲-۲۹-۷ مبادا سرگشته‌ی دنیا شوی.....
۴۰۳.....	۲-۲۹-۸ از دنیا پرستان بر حذر باش.....
۴۰۵.....	۲-۲۹-۹ دنیا بزرگ‌ترین همت و کوشش تو نباشد.....
۴۰۵.....	۲-۲۹-۱۰ دنیا را مقدم مدار.....
۴۰۵.....	۲-۲۹-۱۱ آخرت را به دنیا نفروشید.....
۴۰۵.....	۲-۲۹-۱۲ کارهایی که در دنیا شما را از آخرت باز می‌دارد، واگذارید.....
۴۰۵.....	۲-۲۹-۱۳ وارد دنیا نشو.....
۴۰۵.....	۲-۲۹-۱۴ شما را به سرای دنیا توصیه نمی‌کنم.....
۴۰۵.....	۲-۲۹-۱۵ دنیا را دشمن بدار.....
۴۰۷.....	۲-۲۹-۱۶ از دنیا بر حذر باش.....
۴۰۷.....	۲-۲۹-۱۷ شما را از دنیا بر حذر می‌کنم.....
۴۰۹.....	۲-۲۹-۱۸ از دنیا دوری کن.....
۴۰۹.....	۲-۲۹-۱۹ قلب‌هایتان را از دنیا خالی کنید.....
۴۰۹.....	۲-۲۹-۲۰ بر دنیا حریص نباش.....
۴۰۹.....	۲-۲۹-۲۱ دنیا را دفع کن.....
۴۰۹.....	۲-۲۹-۲۲ میل و رغبت به دنیا نداشته باشید.....
۴۰۹.....	۲-۲۹-۲۳ دنیا را واگذار.....

﴿الفهرس﴾

٢-٩-٢٤	آمُرْكُم بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا.....	٤٠٨
٢-٩-٢٥	أَوْصِيْكُم بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا.....	٤١٠
٢-٩-٢٦	اسْتَبْدَلُوا الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ.....	٤١٠
٢-٩-٢٧	ارْهَدُوا فِي الدُّنْيَا.....	٤١٠
٢-٩-٢٨	كُنْ فِي الدُّنْيَا زَاهِدًا.....	٤١٠
٢-٩-٢٩	كُونُوا مِنَ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا.....	٤١٠
٢-٩-٣٠	كُونُوا عَنِ الدُّنْيَا نَزَاهًا.....	٤١٠
٢-٩-٣١	لَا تَرْكَنْ إِلَى الدُّنْيَا.....	٤١٠
٢-٩-٣٢	لَا يَشْغَلْكَ الدُّنْيَا.....	٤١٢
٢-٩-٣٣	إِصْرِفُوا أَنْفُسَكُمْ عَنِ الدُّنْيَا.....	٤١٢
٢-٩-٣٤	طَلَّقِ الدُّنْيَا ثَلَاثًا.....	٤١٢
٢-٩-٣٥	طَبِّ نَفْسًا عَنِ الدُّنْيَا وَانْطَوِّ عَنْهَا.....	٤١٢
٢-٩-٣٦	إِعْزِمْ عَلَى مَفَارِقَةِ الدُّنْيَا.....	٤١٢
٢-٩-٣٧	إِعْرِضْ عَنِ مَنْ لَمْ يَرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا.....	٤١٤
٢-٩-٣٨	تَعَوَّضُوا بِنَعِيمِ الْآخِرَةِ عَنْ شَقَاءِ الدُّنْيَا.....	٤١٤
٢-٩-٣٩	لَا تَغْبِطَ أَهْلَ الدُّنْيَا.....	٤١٤
٢-٩-٤٠	لَا تَعَرِّضْكُمْ الدُّنْيَا.....	٤١٤
٢-٩-٤١	لَا يَفْتِنَنَّكُمْ الدُّنْيَا.....	٤١٤
٢-٩-٤٢	لَا تَكْثُرْ مِنَ الدُّنْيَا.....	٤١٤
٢-٩-٤٣	لَا تُكْرِمُوا الدُّنْيَا.....	٤١٤
٢-٩-٤٤	فَرُوا مِنْ فُضُولِ الدُّنْيَا.....	٤١٤
٢-٩-٤٥	لَا تَكْثُرْثُ بِعَمَلِ الدُّنْيَا.....	٤١٤
٢-٩-٤٦	كُنْ عَاقِلًا فِي أَمْرِ دِينِكَ.....	٤١٤
٢-٩-٤٧	كُنْ عَنِ الدُّنْيَا عَلَى قُلْعَةٍ.....	٤١٤
٢-٩-٤٨	لَا تَمِيلُوا إِلَى زَهْرَةِ الدُّنْيَا.....	٤١٤
٢-٩-٤٩	لَا تَمْنَعْ مِنَ الزُّهْدِ إِلَى الدُّنْيَا.....	٤١٤
٢-٩-٥٠	لَا تُتَافَسَ عَلَى الدُّنْيَا.....	٤١٤
٢-٩-٥١	أُهْرَبُوا مِنَ الدُّنْيَا.....	٤١٤
٢-٩-٥٢	تَهَاوَنُوا بِالدُّنْيَا.....	٤١٨
٢-٩-٥٣	هَوِّنُوا عَلَى أَنْفُسِكُمُ الدُّنْيَا.....	٤١٨
٢-٩-٥٤	فَلَا تَتَّخِذُوا الدُّنْيَا قَرَارًا.....	٤١٨
٢-٩-٥٥	دَعُوا الدُّنْيَا.....	٤١٨

﴿فهرست﴾

۴۰۹.....	۲-۹-۲۴- شما را به ترک این دنیا امر می‌کنم.....
۴۱۱.....	۲-۹-۲۵- به شما توصیه می‌کنم تا این دنیا را ترک کنید.....
۴۱۱.....	۲-۹-۲۶- دنیا را با آخرت عوض کنید.....
۴۱۱.....	۲-۹-۲۷- در دنیا زهد پیشه کنید.....
۴۱۱.....	۲-۹-۲۸- نسبت به دنیا زاهد و بی‌میل باش.....
۴۱۱.....	۲-۹-۲۹- از زاهدان در دنیا باشید.....
۴۱۱.....	۲-۹-۳۰- از دنیا پاک و برکنار بمانید.....
۴۱۱.....	۲-۹-۳۱- به دنیا اعتماد نکنید.....
۴۱۳.....	۲-۹-۳۲- دنیا تو را مشغول نسازد.....
۴۱۳.....	۲-۹-۳۳- از دنیا روی برگردانید.....
۴۱۳.....	۲-۹-۳۴- دنیا را سه طلاقه کن.....
۴۱۳.....	۲-۹-۳۵- نفست را از آرزوهای دنیا پاک کن و از آن‌ها دوری کن.....
۴۱۳.....	۲-۹-۳۶- عزم جدایی از دنیا کن.....
۴۱۵.....	۲-۹-۳۷- از کسی که جز زندگی مادی دنیا را نمی‌طلبد، اعراض کن.....
۴۱۵.....	۲-۹-۳۸- بدبختی‌های دنیا را با نعمت‌های آخرت عوض کنید.....
۴۱۵.....	۲-۹-۳۹- به اهل دنیا غبطه نخور.....
۴۱۵.....	۲-۹-۴۰- دنیا شما را فریب ندهد.....
۴۱۵.....	۲-۹-۴۱- دنیا شما را فریب ندهد.....
۴۱۵.....	۲-۹-۴۲- به دنیا بسیار توجه نکن.....
۴۱۵.....	۲-۹-۴۳- دنیا را گرامی ندارید.....
۴۱۷.....	۲-۹-۴۴- از زیاده‌ی دنیا فرار کنید.....
۴۱۷.....	۲-۹-۴۵- به کارهای دنیا اعتنایی نکن.....
۴۱۷.....	۲-۹-۴۶- در امور دنیایی خود جاهل باش.....
۴۱۷.....	۲-۹-۴۷- در دنیا به حال کوچ باش.....
۴۱۷.....	۲-۹-۴۸- به زیور دنیا تمایل نداشته نباشید.....
۴۱۷.....	۲-۹-۴۹- از زهد در دنیا منع نکن.....
۴۱۷.....	۲-۹-۵۰- در کسب دنیا رقابت نکن.....
۴۱۷.....	۲-۹-۵۱- از دنیا بگریزد.....
۴۱۹.....	۲-۹-۵۲- دنیا را آسان بگیرد.....
۴۱۹.....	۲-۹-۵۳- دنیا را در نظر خود پست بدانید.....
۴۱۹.....	۲-۹-۵۴- دنیا را خانه‌ی آرامش خویش قرار ندهید.....
۴۱۹.....	۲-۹-۵۵- دنیا را رها کنید.....

﴿الفهرس﴾

٤١٨.....	٢-٩-٥٦- ضَعَّ عَنْكَ الدُّنْيَا.....
٤١٨.....	٢-٩-٥٧- يَنْبَغِي أَنْ يَجْتَنِبَ مُخَالَطَةَ أَتْنَاءِ الدُّنْيَا.....
٤١٨.....	٢-٩-٥٨- يَنْبَغِي أَنْ يَتَدَاوَى الْمَرءُ مِنْ أَدْوَاءِ الدُّنْيَا.....
٤٢٠.....	٢-٩-٥٩- تُوبُوا إِلَى اللَّهِ مِنْ فُضُولِ الدُّنْيَا.....
٤٢٠.....	٢-٩-٦٠- لَا تُؤْثِرَنَّ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا.....
٤٢٠.....	٢-١٠- الذَّمُّ وَالْعَيْبُ.....
٤٢٠.....	٢-١٠-١- الذَّمُّ.....
٤٢٠.....	٢-١٠-٢- الْعَيْبُ.....
٤٢٢.....	٢-١٠-٣- عَجَبُ الْإِمَامِ مِنْ عَامِرِ الدُّنْيَا.....
٤٢٢.....	٢-١١- خِلَافُ الْإِيمَانِ وَالْعَقْلِ.....
٤٢٢.....	٢-١١-١- الْإِطْمِئْنَانُ إِلَى الدُّنْيَا خِلَافُ الْإِيمَانِ.....
٤٢٢.....	٢-١١-٢- الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ.....
٤٢٢.....	٢-١١-٣- الْعَاقِلُ تَرَكَ فُضُولَ الدُّنْيَا.....
٤٢٢.....	٢-١١-٤- يَزْهَدُ الْعَاقِلُ فِي الدُّنْيَا.....
٤٢٢.....	٢-١١-٥- حُبُّ الدُّنْيَا يُفْسِدُ الْعَقْلَ.....
٤٢٤.....	٢-١٢- التَّهْدِيدُ وَرَاجِعُ: الْفَصْلُ الْخَامِسُ؛ عَوَاقِبُ الْإِهْتِمَامِ بِالْدُّنْيَا.....
٤٢٦.....	الْفَصْلُ الثَّالِثُ: عَوَامِلُ حُبِّ الدُّنْيَا وَإِثَارِهَا عَلَى الْآخِرَةِ.....
٤٢٦.....	٣-١- مَا يَرْتَبِطُ بِاللَّهِ.....
٤٢٦.....	٣-١-١- إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ شَرٍّ.....
٤٢٦.....	٣-١-٢- إِذَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بَابًا مِنَ الدُّنْيَا.....
٤٢٦.....	٣-١-٣- إِذَا وَكَّلَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ بِنَفْسِهِ.....
٤٢٦.....	٣-٢- الشَّيْطَانُ، إِبْلِيسُ، الْجِنُّ.....
٤٢٦.....	٣-٢-١- الشَّيْطَانُ.....
٤٢٨.....	٣-٢-٢- إِبْلِيسُ.....
٤٢٨.....	٣-٢-٣- الْجِنُّ.....
٤٢٨.....	٣-٣- الطَّاعُوتُ، السُّلْطَانُ، الْمُلُوكُ.....
٤٢٨.....	٣-٣-١- الطَّاعُوتُ.....
٤٣٠.....	٣-٣-٢- الدُّخُولُ عَلَى السُّلْطَانِ.....
٤٣٠.....	٣-٣-٣- مُصَاحَبَةُ الْمُلُوكِ.....
٤٣٠.....	٣-٤- الْعَقْلَةُ.....
٤٣٠.....	٣-٤-١- عَدَمُ رُؤْيَا الْأَجَلِ.....
٤٣٠.....	٣-٥- عَدَمُ تَفَرُّغِ الْقَلْبِ لِلْعِبَادَةِ.....

﴿فهرست﴾

۴۱۹.....	۲-۹۵۶- دنیا را رها کن.....
۴۱۹.....	۲-۹۵۷- شایسته است از مشارکت با دنیاپرستان کناره‌گیری کند.....
۴۱۹.....	۲-۹۵۸- سزاوار است که انسان دردهای دنیا را مداوا کند.....
۴۲۱.....	۲-۹۵۹- از زوائد دنیا به‌سوی خدا توبه کنید.....
۴۲۱.....	۲-۹۶۰- زندگی دنیوی را بر آخرت برتری نده.....
۴۲۱.....	۲-۱۰- نکوهش و عیب.....
۴۲۱.....	۲-۱۰-۱- نکوهش.....
۴۲۱.....	۲-۱۰-۲- عیب.....
۴۲۳.....	۲-۱۰-۳- تعجب امام از کسی که دنیا را آباد می‌کند.....
۴۲۳.....	۲-۱۱- مقابل ایمان و عقل.....
۴۲۳.....	۲-۱۱-۱- اطمینان به دنیا بر خلاف ایمان است.....
۴۲۳.....	۲-۱۱-۲- دنیا زندان مؤمن است.....
۴۲۳.....	۲-۱۱-۳- خردمند زیاده بر احتیاج دنیا را کنار می‌نهد.....
۴۲۳.....	۲-۱۱-۴- خردمند در دنیا زهد پیشه می‌کند.....
۴۲۳.....	۲-۱۱-۵- دنیادوستی عقل را فاسد می‌کند.....
۴۲۵.....	۲-۱۲- تهدید و ربه: فصل ۵: عواقب دنیادوستی و دنیاخواهی.....
۴۲۷.....	فصل ۳: عوامل دنیادوستی و ترجیح آن بر آخرت
۴۲۷.....	۳-۱- آنچه به خداوند مربوط می‌شود.....
۴۲۷.....	۳-۱-۱- آنگاه که خدا برای بنده‌ای شری را اراده کند.....
۴۲۷.....	۳-۱-۲- وقتی خدا دری از دنیا را به روی بنده‌ای می‌گشاید.....
۴۲۷.....	۳-۱-۳- وقتی خدا انسان را به حال خود رها کند.....
۴۲۷.....	۳-۲- شیطان، ابلیس، جن.....
۴۲۷.....	۳-۲-۱- شیطان.....
۴۲۹.....	۳-۲-۲- ابلیس.....
۴۲۹.....	۳-۲-۳- جن.....
۴۲۹.....	۳-۳- طاغوت، سلاطین و پادشاهان.....
۴۲۹.....	۳-۳-۱- طاغوت.....
۴۳۱.....	۳-۳-۲- رفت و آمد به دربار سلاطین.....
۴۳۱.....	۳-۳-۳- مصاحبت با پادشاهان.....
۴۳۱.....	۳-۴- غفلت.....
۴۳۱.....	۳-۴-۱- عدم توجه به نزدیک شدن اجل.....
۴۳۱.....	۳-۵- آماده‌نکردن قلب برای عبادت.....

﴿الفهرس﴾

٤٣٠	٣-٦- الفجورُ.....
٤٣٠	٣-٦-١- الفجورُ.....
٤٣٢	٣-٦-٢- سوءُ العملِ.....
٤٣٢	٣-٦-٣- الغائلة.....
٤٣٢	٣-٦-٤- سوءُ الاختيارِ.....
٤٣٢	٣-٧- الطَّبْعُ، الشَّقَاءُ.....
٤٣٢	٣-٧-١- الطَّبْعُ.....
٤٣٢	٣-٧-٢- الشَّقَاءُ.....
٤٣٢	٣-٨- الهَوَى.....
٤٣٢	٣-٨-١- إِطَاعَةُ الهَوَى.....
٤٣٢	٣-٨-٢- إِيثارُ الهَوَى.....
٤٣٤	٣-٨-٣- غَلَبَةُ الهَوَى.....
٤٣٤	٣-٩- الأَمَلُ.....
٤٣٤	٣-٩-١- طُولُ الأَمَلِ.....
٤٣٤	٣-٩-٢- التَّحْدِيثُ بِطُولِ العُمُرِ.....
٤٣٤	٣-١٠- تَعْظِيمُ الدُّنْيَا.....
٤٣٤	٣-١١- الغُرُورُ، الأَمْنُ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ.....
٤٣٤	٣-١١-١- الغُرُورُ.....
٤٣٤	٣-١١-٢- الأَمْنُ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ.....
٤٣٤	٣-١٢- فَقْدُ الأِيْمَانِ، الكُفْرُ، فَقْدُ اليَقِيْنِ، المَرْوُقُ.....
٤٣٤	٣-١٢-١- فَقْدُ الأِيْمَانِ.....
٤٣٤	٣-١٢-٢- الكُفْرُ.....
٤٣٤	٣-١٢-٣- فَقْدُ اليَقِيْنِ.....
٤٣٤	٣-١٢-٤- المَرْوُقُ.....
٤٣٤	٣-١٣- فَقْدُ العِلْمِ وَ المَعْرِفَةِ وَ الفِقْهِ وَ الفَهْمِ وَ العَقْلِ.....
٤٣٤	٣-١٣-١- فَقْدُ العِلْمِ.....
٤٣٨	٣-١٣-٢- فَقْدُ المَعْرِفَةِ.....
٤٣٨	٣-١٣-٣- فَقْدُ العَقْلِ.....
٤٣٨	٣-١٣-٤- الجَهْلُ.....
٤٣٨	٣-١٣-٥- الحُمُقُ.....
٤٣٨	٣-١٤- الإِسْتِكْبَارُ.....
٤٣٨	٣-١٥- النِّفَاقُ.....

﴿فهرست﴾

۴۳۱.....	۳-۶ گناه.....
۴۳۱.....	۳-۶-۱ گناه.....
۴۳۳.....	۳-۶-۲ بدکرداری.....
۴۳۳.....	۳-۶-۳ فساد.....
۴۳۳.....	۳-۶-۴ انتخاب بد.....
۴۳۳.....	۳-۷ سرشت، بدبختی.....
۴۳۳.....	۳-۷-۱ سرشت.....
۴۳۳.....	۳-۷-۲ بدبختی.....
۴۳۳.....	۳-۸ هوس.....
۴۳۳.....	۳-۸-۱ پیروی از هوس.....
۴۳۳.....	۳-۸-۲ مقدم دانستن هوس.....
۴۳۵.....	۳-۸-۳ غلبه‌ی هوس.....
۴۳۵.....	۳-۹ آرزو.....
۴۳۵.....	۳-۹-۱ آرزوی طولانی.....
۴۳۵.....	۳-۹-۲ وعده به عمر دراز.....
۴۳۵.....	۳-۱۰ بزرگداشت دنیا.....
۴۳۵.....	۳-۱۱ فریب، ایمنی از مکر الهی.....
۴۳۵.....	۳-۱۱-۱ فریب.....
۴۳۷.....	۳-۱۱-۲ ایمنی از مکر الهی.....
۴۳۷.....	۳-۱۲ بی‌ایمانی، کفر، نداشتن یقین، خروج از دین.....
۴۳۷.....	۳-۱۲-۱ بی‌ایمانی.....
۴۳۷.....	۳-۱۲-۲ کفر.....
۴۳۷.....	۳-۱۲-۳ نداشتن یقین.....
۴۳۷.....	۳-۱۲-۴ خروج از دین.....
۴۳۷.....	۳-۱۳ دوری از دانش و شناخت و درک و خرد.....
۴۳۷.....	۳-۱۳-۱ علم نداشتن.....
۴۳۹.....	۳-۱۳-۲ معرفت نداشتن.....
۴۳۹.....	۳-۱۳-۳ عقل نداشتن.....
۴۳۹.....	۳-۱۳-۴ نادانی.....
۴۳۹.....	۳-۱۳-۵ حماقت.....
۴۳۹.....	۳-۱۴ استکبار.....
۴۳۹.....	۳-۱۵ نفاق.....

﴿الفهرس﴾

٤٤٠	٣-١٦- التفرُّقُ
٤٤٢	الفصلُ الرَّابِعُ: عَوَامِلُ عَدَمِ الْإِهْتِمَامِ بِالدُّنْيَا
٤٤٢	٤-١- مَا يَرْتَبِطُ بِاللَّهِ
٤٤٢	٤-١-١- اخْتِيَارُ اللَّهِ
٤٤٢	٤-١-٢- عِنَايَةُ اللَّهِ
٤٤٢	٤-١-٣- مَحَبَّةُ اللَّهِ
٤٤٢	٤-١-٤- كِرَامَةُ اللَّهِ
٤٤٤	٤-٢- الْمَعْرِفَةُ
٤٤٤	٤-٢-١- الْمَعْرِفَةُ بِالدُّنْيَا
٤٤٤	٤-٢-٢- الْمَعْرِفَةُ بِالْآجَلِ وَسُرْعَتِهِ
٤٤٤	٤-٢-٣- مَعْرِفَةُ الْآخِرَةِ
٤٤٤	٤-٢-٤- الْمَعْرِفَةُ بِتَقَلُّبِ الدُّنْيَا
٤٤٤	٤-٣- الْعِلْمُ، الْحِكْمَةُ، الْفِقْهُ
٤٤٤	٤-٣-١- الْعِلْمُ
٤٤٨	٤-٣-١-١- الْعِلْمُ بِزَوَالِ الدُّنْيَا
٤٤٨	٤-٣-٢- الْحِكْمَةُ
٤٤٨	٤-٣-٣- الْفِقْهُ
٤٤٨	٤-٤- الْعَقْلُ وَ الْكِيَاسَةُ
٤٤٨	٤-٤-١- الْعَقْلُ
٤٥٢	٤-٤-٢- الْكِيَاسَةُ
٤٥٢	٤-٥- الْإِيمَانُ وَالْيَقِينُ
٤٥٢	٤-٥-١- الْإِيمَانُ
٤٥٤	٤-٥-٢- الْيَقِينُ
٤٥٤	٤-٥-٢-١- الْيَقِينُ بِالْآخِرَةِ
٤٥٤	٤-٥- الدِّينُ
٤٥٤	٤-٥-١- كِرَامَةُ الدِّينِ
٤٥٤	٤-٧- تَقْوِيضُ التَّدْبِيرِ عَلَى اللَّهِ
٤٥٤	٤-٨- الدُّعَاءُ، الْإِسْتِعَاذَةُ، الْإِسْتِغَاثَةُ
٤٥٤	٤-٨-١- الدُّعَاءُ وَ الْمَسْأَلَةُ
٤٥٨	٤-٨-٢- الْإِسْتِعَاذَةُ
٤٦٠	٤-٨-٣- الْإِسْتِغَاثَةُ
٤٦٠	٤-٩- الذِّكْرُ

﴿فهرست﴾

۳-۱۶	جداشدن از جمع.....	۴۴۱
فصل ۴: عوامل بی‌توجهی به دنیا..... ۴۴۳		
۴-۱	آنچه به خداوند مربوط می‌شود.....	۴۴۳
۴-۱-۱	گزینش خداوند.....	۴۴۳
۴-۱-۲	عنایت الهی.....	۴۴۳
۴-۱-۳	محبت الهی.....	۴۴۳
۴-۱-۴	کرامت الهی.....	۴۴۳
۴-۲	شناخت.....	۴۴۵
۴-۲-۱	شناخت دنیا.....	۴۴۵
۴-۲-۲	شناخت اجل و نزدیک‌شدن آن.....	۴۴۷
۴-۲-۳	شناخت آخرت.....	۴۴۷
۴-۲-۴	شناخت دگرگونی دنیا.....	۴۴۷
۴-۳	دانش، حکمت، فهم عمیق.....	۴۴۷
۴-۳-۱	دانش.....	۴۴۷
۴-۳-۱-۱	علم به زوال دنیا.....	۴۴۹
۴-۳-۲	حکمت.....	۴۴۹
۴-۳-۳	فهم عمیق.....	۴۴۹
۴-۴	عقل و زیرکی.....	۴۴۹
۴-۴-۱	عقل.....	۴۴۹
۴-۴-۲	زیرکی.....	۴۵۳
۴-۵	ایمان و یقین.....	۴۵۳
۴-۵-۱	ایمان.....	۴۵۳
۴-۵-۲	یقین.....	۴۵۷
۴-۵-۲-۱	یقین به آخرت.....	۴۵۷
۴-۶	دین.....	۴۵۷
۴-۶-۱	کرامت دین.....	۴۵۷
۴-۷	سپردن تدبیر به خداوند.....	۴۵۷
۴-۸	دعا، پناه‌بردن، فریادرسی.....	۴۵۷
۴-۸-۱	دعا و درخواست از خداوند.....	۴۵۷
۴-۸-۲	پناه‌بردن.....	۴۵۹
۴-۸-۳	فریادرسی.....	۴۶۱
۴-۹	یاد.....	۴۶۱

﴿الفهرس﴾

٤٦٠.....	٤-٩-١- ذِكْرُ اللَّهِ.....
٤٦٠.....	٤-٩-٢- ذِكْرُ الْآخِرَةِ.....
٤٦٠.....	٤-٩-٣- ذِكْرُ الْمَوْتِ.....
٤٦٢.....	٤-٩-٤- ذِكْرُ فِرَاقِ الدُّنْيَا.....
٤٦٢.....	٤-٩-٥- ذِكْرُ مِنَ الدِّينِ.....
٤٦٢.....	٤-١٠- حُبُّ اللَّهِ.....
٤٦٢.....	٤-١١- حُبُّ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَلَا يَتِيهِمْ.....
٤٦٤.....	٤-١٢- كَرَامَةُ النَّفْسِ.....
٤٦٤.....	٤-١٣- الْحَزْمُ.....
٤٦٤.....	٤-١٤- الْحُرِّيَّةُ.....
٤٦٤.....	٤-١٥- الْخَوْفُ مِنْ اللَّهِ.....
٤٦٤.....	٤-١٦- الزُّهْدُ، الصَّبْرُ، الْقَنَاعَةُ، الْغِنَاءُ.....
٤٦٤.....	٤-١٦-١- الزُّهْدُ وَرَاجِعُ: كِتَابُ الزُّهْدِ.....
٤٦٤.....	٤-١٦-٢- الصَّبْرُ.....
٤٦٤.....	٤-١٦-٣- الْقَنَاعَةُ.....
٤٦٨.....	٤-١٦-٤- الْغِنَاءُ بِمَا يَكْفِي.....
٤٦٨.....	٤-١٧- التَّقْوَى، الْوَرَعُ.....
٤٦٨.....	٤-١٧-١- التَّقْوَى.....
٤٦٨.....	٤-١٧-٢- الْوَرَعُ.....
٤٧٠.....	٤-١٨- الْعَمَلُ.....
٤٧٠.....	٤-١٨-١- الْإِشْتَغَالُ بِأَمْرِ اللَّهِ.....
٤٧٠.....	٤-١٨-٢- الْجِدُّ وَالْإِجْتِهَادُ.....
٤٧٠.....	٤-١٨-٣- الْأَرْبَعُونَ.....
٤٧٠.....	٤-١٨-٤- الْبِرُّ.....
٤٧٠.....	٤-١٩- مَعْرِفَةُ الْآخِرَةِ وَالرَّغْبَةُ إِلَيْهَا.....
٤٧٠.....	٤-١٩-١- مَعْرِفَةُ الْآخِرَةِ.....
٤٧٢.....	٤-١٩-٢- إِرَادَةُ الْآخِرَةِ.....
٤٧٢.....	٤-١٩-٣- نِيَّةُ الْآخِرَةِ.....
٤٧٢.....	٤-١٩-٤- الرَّغْبَةُ فِي الْآخِرَةِ.....
٤٧٢.....	٤-١٩-٥- النَّظَرُ إِلَى الْآخِرَةِ.....
٤٧٢.....	٤-١٩-٦- كَرَامَةُ الْآخِرَةِ.....
٤٧٤.....	الفصل الخامس: عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا.....

﴿فهرست﴾

۴۶۱.....	۴-۹-۱ یاد الهی
۴۶۱.....	۴-۹-۲ یاد آخرت
۴۶۱.....	۴-۹-۳ یاد مرگ
۴۶۳.....	۴-۹-۴ یاد ترک دنیا
۴۶۳.....	۴-۹-۵ یادی از دین
۴۶۳.....	۴-۱۰ دوست داشتن خدا
۴۶۳.....	۴-۱۱ دوستی ائمه علیهم السلام و ولایت ایشان
۴۶۵.....	۴-۱۲ کرامت نفس
۴۶۵.....	۴-۱۳ دوراندیشی
۴۶۷.....	۴-۱۴ آزادگی
۴۶۷.....	۴-۱۵ ترس از خدا
۴۶۷.....	۴-۱۶ زهد، صبر، قناعت، بی‌نیازی
۴۶۷.....	۴-۱۶-۱ زهد و ربه: کتاب زهد
۴۶۷.....	۴-۱۶-۲ صبر
۴۶۷.....	۴-۱۶-۳ قناعت
۴۶۹.....	۴-۱۶-۴ بی‌نیاز شدن با حداقل‌ها
۴۶۹.....	۴-۱۷ تقوی، ورع
۴۶۹.....	۴-۱۷-۱ پرهیزگاری
۴۶۹.....	۴-۱۷-۲ ورع
۴۷۱.....	۴-۱۸ عمل
۴۷۱.....	۴-۱۸-۱ مشغول شدن به دستورات الهی
۴۷۱.....	۴-۱۸-۲ جذبت و تلاش
۴۷۱.....	۴-۱۸-۳ چله‌گیری
۴۷۱.....	۴-۱۸-۴ نیکی
۴۷۱.....	۴-۱۹ شناخت آخرت و رغبت به آن
۴۷۱.....	۴-۱۹-۱ شناخت آخرت
۴۷۳.....	۴-۱۹-۲ آخرت‌خواهی
۴۷۳.....	۴-۱۹-۳ نیت آخرت
۴۷۳.....	۴-۱۹-۴ میل و رغبت به آخرت
۴۷۳.....	۴-۱۹-۵ توجه به آخرت
۴۷۳.....	۴-۱۹-۶ گرامی‌داشت آخرت
۴۷۵.....	فصل ۵: پی‌آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا

﴿الفهرس﴾

٤٧٤	٥-١-إِدْبَارُ الدُّنْيَا.....
٤٧٤	٥-١-١-عَدَمُ دَرَكِ الدُّنْيَا.....
٤٧٦	٥-١-٢-إِدْبَارُ الدُّنْيَا.....
٤٧٦	٥-١-٣-مَنْعُ الدُّنْيَا.....
٤٧٦	٥-١-٤-جَمْعُ الدُّنْيَا لِغَيْرِهِ.....
٤٧٦	٥-٢-البَلَاءُ وَالتَّعَبُ.....
٤٧٦	٥-٢-١-البَلَاءُ.....
٤٧٨	٥-٢-٢-المُصِيبَةُ.....
٤٧٨	٥-٢-٣-الْفِتْنُ.....
٤٨٠	٥-٢-٤-المِحْنُ.....
٤٨٠	٥-٢-٥-الرِّزْيَةُ.....
٤٨٠	٥-٢-٦-النَّائِبَةُ.....
٤٨٠	٥-٢-٧-التَّعَبُ.....
٤٨٢	٥-٢-٨-النَّصِيبُ.....
٤٨٢	٥-٢-٩-العَنَاءُ.....
٤٨٢	٥-٢-١٠-عَدَمُ الرَّاحَةِ.....
٤٨٢	٥-٢-١١-خِدْمَةُ الدُّنْيَا.....
٤٨٤	٥-٢-١٢-الْمَرَضُ الْمُفْسِدُ وَالهَرَمُ الْمُتَقِدُّ.....
٤٨٤	٥-٣-الْحُزْنُ وَالحَسْرَةُ.....
٤٨٤	٥-٣-١-الْحُزْنُ.....
٤٨٤	٥-٣-٢-عَدَمُ الْفَرَحِ.....
٤٨٦	٥-٣-٣-الْغَمُ.....
٤٨٦	٥-٣-٤-الْغَصَّةُ.....
٤٨٦	٥-٣-٥-الْهَمُّ.....
٤٨٨	٥-٣-٦-الْأَشْجَانُ.....
٤٨٨	٥-٣-٧-الْعِبْرَةُ.....
٤٨٨	٥-٣-٨-الحَسْرَةُ.....
٤٨٨	٥-٣-٩-النَّدَمُ.....
٤٩٠	٥-٤-الْآفَةُ وَالفَسَادُ وَالخُسْرَانُ وَالهَلَاكَةُ.....
٤٩٠	٥-٤-١-الْآفَةُ.....
٤٩٠	٥-٤-١-١-آفَةُ النَّفْسِ.....
٤٩٠	٥-٤-١-٢-رَأْسُ الْآفَاتِ.....

﴿فهرست﴾

۴۷۵.....	۱- پشت کردن دنیا.....
۴۷۵.....	۱-۱- به دست نیاوردن دنیا.....
۴۷۷.....	۱-۲- پشت کردن به دنیا.....
۴۷۷.....	۱-۳- ایجاد مانع در دستیابی به دنیا.....
۴۷۷.....	۱-۴- جمع کردن دنیا برای دیگران.....
۴۷۷.....	۲- بلا و سختی.....
۴۷۷.....	۲-۱- بلا.....
۴۷۹.....	۲-۲- مصیبت.....
۴۷۹.....	۲-۳- فتنه‌ها.....
۴۸۱.....	۲-۴- محنت‌ها.....
۴۸۱.....	۲-۵- نافرمانی.....
۴۸۱.....	۲-۶- بلا و گرفتاری.....
۴۸۱.....	۲-۷- سختی.....
۴۸۳.....	۲-۸- سختی.....
۴۸۳.....	۲-۹- رنج.....
۴۸۳.....	۲-۱۰- عدم آسودگی.....
۴۸۳.....	۲-۱۱- به استخدام دنیا درآمدن.....
۴۸۵.....	۲-۱۲- بیماری فاسدکننده و پیری زبون‌کننده.....
۴۸۵.....	۳- اندوه و حسرت.....
۴۸۵.....	۳-۱- اندوه.....
۴۸۵.....	۳-۲- ناراحتی.....
۴۸۷.....	۳-۳- غم.....
۴۸۷.....	۳-۴- غصه.....
۴۸۷.....	۳-۵- نگرانی.....
۴۸۹.....	۳-۶- اندوه.....
۴۸۹.....	۳-۷- اشک.....
۴۸۹.....	۳-۸- حسرت.....
۴۸۹.....	۳-۹- پشیمانی.....
۴۹۱.....	۴- آفت و فساد و زیان و هلاکت.....
۴۹۱.....	۴-۱- آفت.....
۴۹۱.....	۴-۱-۱- آفت نفس.....
۴۹۱.....	۴-۱-۲- سرمنشأ آفات.....

﴿الفهرس﴾

٤٩٠.....	٥-٤-٢-٢ الفسادُ
٤٩٠.....	٥-٤-٢-١ فسادُ الدينِ
٤٩٢.....	٥-٤-٢-٢ فسادُ الآخرةِ
٤٩٢.....	٥-٤-٢-٣ فسادُ اليقينِ
٤٩٢.....	٥-٤-٢-٤ فسادُ الإيمانِ
٤٩٢.....	٥-٤-٢-٥ فسادُ العقلِ
٤٩٤.....	٥-٤-٢-٦ فسادُ التقوى
٤٩٤.....	٥-٤-٣-٣ الفقرُ والعجزُ
٤٩٤.....	٥-٤-٣-١ الفقرُ
٤٩٤.....	٥-٤-٣-١-١ فقرُ الدنيا والآخرةِ
٤٩٤.....	٥-٤-٣-١-٢ فقرُ لا يدركُ غناهُ
٤٩٤.....	٥-٤-٣-١-٣ فقرُ مُنسى
٤٩٤.....	٥-٤-٣-١-٤ فقرُ لا غناءَ له
٤٩٤.....	٥-٤-٣-١-٥ فقرُ الآخرةِ
٤٩٤.....	٥-٤-٣-١-٦ ماتَ فقيراً
٤٩٤.....	٥-٤-٣-٢ العجزُ
٤٩٤.....	٥-٤-٣-٣ عدمُ الكفايةِ
٤٩٤.....	٥-٤-٣-٤ عدمُ الاستغناءِ
٤٩٨.....	٥-٤-٣-٥ الحرمانُ
٤٩٨.....	٥-٤-٣-٦ البعدُ من الرحمةِ
٤٩٨.....	٥-٤-٣-٧ الخيبةُ
٤٩٨.....	٥-٤-٤-٤ الذلةُ
٤٩٨.....	٥-٤-٤-١ الذلةُ
٤٩٨.....	٥-٤-٤-٢ الهوانُ
٥٠٠.....	٥-٤-٤-٣ المِهْنَةُ
٥٠٠.....	٥-٤-٤-٤ الإخمالُ
٥٠٠.....	٥-٤-٤-٥ اللؤمُ
٥٠٠.....	٥-٤-٤-٦ عدمُ الرِّقِّعِ
٥٠٠.....	٥-٤-٤-٧ الإرداءُ
٥٠٠.....	٥-٤-٤-٨ الصرعُ
٥٠٠.....	٥-٤-٤-٩ الفجیعةُ
٥٠٠.....	٥-٤-٤-١٠ الفاقرةُ

﴿فهرست﴾

۴۹۱.....	۵-۴-۲ فساد.....
۴۹۱.....	۵-۴-۲-۱ فاسدشدن دین.....
۴۹۳.....	۵-۴-۲-۲ فاسدشدن آخرت.....
۴۹۳.....	۵-۴-۲-۳ فاسدشدن یقین.....
۴۹۳.....	۵-۴-۲-۴ فاسدشدن ایمان.....
۴۹۳.....	۵-۴-۲-۵ فاسدشدن عقل.....
۴۹۵.....	۵-۴-۲-۶ فاسدشدن تقوا.....
۴۹۵.....	۵-۴-۳ فقر و ناتوانی.....
۴۹۵.....	۵-۴-۳-۱ فقر.....
۴۹۵.....	۵-۴-۳-۱-۱ فقر در دنیا و آخرت.....
۴۹۵.....	۵-۴-۳-۱-۲ فقری که به ثروت نخواهد رسید.....
۴۹۵.....	۵-۴-۳-۱-۳ فقری که نسیان آورد.....
۴۹۷.....	۵-۴-۳-۱-۴ فقری که بی‌نیازی ندارد.....
۴۹۷.....	۵-۴-۳-۱-۵ فقر آخرت.....
۴۹۷.....	۵-۴-۳-۱-۶ مرگ فقیرانه.....
۴۹۷.....	۵-۴-۳-۲ عجز.....
۴۹۷.....	۵-۴-۳-۳ در حدّ کفایت دریافت نکردن.....
۴۹۷.....	۵-۴-۳-۴ رفع نیاز نکردن.....
۴۹۹.....	۵-۴-۳-۵ محروم‌شدن.....
۴۹۹.....	۵-۴-۳-۶ دوری از رحمت.....
۴۹۹.....	۵-۴-۳-۷ ناامیدی.....
۴۹۹.....	۵-۴-۴ ذلّت و خواری.....
۴۹۹.....	۵-۴-۴-۱ ذلّت.....
۴۹۹.....	۵-۴-۴-۲ خواری.....
۵۰۱.....	۵-۴-۴-۳ رنج.....
۵۰۱.....	۵-۴-۴-۴ خوارکردن.....
۵۰۱.....	۵-۴-۴-۵ سرزنش.....
۵۰۱.....	۵-۴-۴-۶ بالانبردن.....
۵۰۱.....	۵-۴-۴-۷ هلاکت.....
۵۰۱.....	۵-۴-۴-۸ زمین‌خوردن.....
۵۰۱.....	۵-۴-۴-۹ فاجعه.....
۵۰۱.....	۵-۴-۴-۱۰ بدبختی بزرگ.....

﴿الفهرس﴾

٥٠٢	٥-٤-٤-١١- لَيْسَ لِلَّهِ فِيهِمْ حَاجَةٌ
٥٠٢	٥-٤-٤-١٢- الْوَكْلُ إِلَى نَفْسِهِ
٥٠٢	٥-٤-٤-١٣- لَا يَنْصُرُهُمُ اللَّهُ
٥٠٢	٥-٤-٤-١٤- نَزَعَ الْبَرَكَةَ عَنْهُ
٥٠٢	٥-٤-٤-١٥- لَيْسَ بِشَيْءٍ
٥٠٢	٥-٤-٥- الْخُسْرَانُ
٥٠٦	٥-٤-٥-١- الضَّر
٥٠٦	٥-٤-٥-٢- تَخْرِبُ الْمَالَ
٥٠٦	٥-٤-٥-٦- الْهَلَاكَةُ
٥٠٨	٥-٤-٥-١- التَّعَسُّ
٥٠٨	٥-٤-٥-٢- الْإِيْبَاقُ
٥٠٨	٥-٤-٥-٣- الشَّقَاءُ
٥١٠	٥-٤-٥-٤- الْقَهْقَرَى
٥١٠	٥-٤-٥-٥- الرَّدَى
٥١٢	٥-٤-٥-٧- الْمَوْتُ
٥١٢	٥-٤-٥-٧-١- الْحَتْفُ
٥١٢	٥-٤-٥-٧-٢- الْفَوْتُ
٥١٢	٥-٤-٥-٧-٣- الْقَتْلُ
٥١٤	٥-٤-٥-٧-٤- الْقَطْعُ
٥١٤	٥-٤-٥-٧-٥- الْقَلْعُ
٥١٤	٥-٤-٥-٧-٦- الْفَنَاءُ
٥١٤	٥-٤-٥-٨- تَفْرِيقُ الْأَمْرِ
٥١٦	٥-٤-٥-٨-١- الْغَيْرُ
٥١٦	٥-٤-٥-٨-٢- الشَّتَتُ
٥١٦	٥-٥- الْخَطَأُ وَالذَّنْبُ وَالصِّفَاتُ الذَّمِيمَةُ
٥١٦	٥-٥-١- الْخَطَأُ
٥١٨	٥-٥-١-١- الْعَيْبُ
٥١٨	٥-٥-١-٢- السَّيِّئَةُ
٥١٨	٥-٥-١-٣- الذَّنْبُ
٥١٨	٥-٥-١-٤- الشَّرُّ
٥١٨	٥-٥-١-٥- الْمَعْصِيَةُ
٥٢٠	٥-٥-١-٦- الْمَخْطُورُ

﴿فهرست﴾

۵۰۳.....	۵-۴-۴-۱۱ خدا به آنان نیازی ندارد.....
۵۰۳.....	۵-۴-۴-۱۲ واگذاری به خودش.....
۵۰۳.....	۵-۴-۴-۱۳ خدا آن‌ها را یاری نخواهد کرد.....
۵۰۳.....	۵-۴-۴-۱۴ گرفتن برکت از او.....
۵۰۳.....	۵-۴-۴-۱۵ چیزی نیست.....
۵۰۳.....	۵-۴-۵ زیان.....
۵۰۷.....	۵-۴-۵-۱ ضرر.....
۵۰۷.....	۵-۴-۵-۲ از بین بردن دارایی‌ها.....
۵۰۷.....	۵-۴-۶ هلاکت.....
۵۰۹.....	۵-۴-۶-۱ تباه شدن.....
۵۰۹.....	۵-۴-۶-۲ هلاک شدن.....
۵۰۹.....	۵-۴-۶-۳ بدبختی.....
۵۱۱.....	۵-۴-۶-۴ قهقرا و پس رفت.....
۵۱۱.....	۵-۴-۶-۵ هلاکت.....
۵۱۳.....	۵-۴-۷ مرگ.....
۵۱۳.....	۵-۴-۷-۱ مرگ.....
۵۱۳.....	۵-۴-۷-۲ از دست رفتن.....
۵۱۳.....	۵-۴-۷-۳ کشتن.....
۵۱۵.....	۵-۴-۷-۴ قطع شدن.....
۵۱۵.....	۵-۴-۷-۵ نابودی.....
۵۱۵.....	۵-۴-۷-۶ فنا.....
۵۱۵.....	۵-۴-۸ پریشان شدن کارها.....
۵۱۷.....	۵-۴-۸-۱ دگرگونی‌ها.....
۵۱۷.....	۵-۴-۸-۲ بی سامان.....
۵۱۷.....	۵-۵ خطا و گناه و صفات نکوهیده.....
۵۱۷.....	۵-۵-۱ خطا.....
۵۱۹.....	۵-۵-۱-۱ عیب.....
۵۱۹.....	۵-۵-۱-۲ بدی.....
۵۱۹.....	۵-۵-۱-۳ گناه.....
۵۱۹.....	۵-۵-۱-۴ شر.....
۵۱۹.....	۵-۵-۱-۵ گناه.....
۵۲۱.....	۵-۵-۱-۶ ممنوع.....

﴿الفهرس﴾

٥٢٠.....	٥-٥-١-٧- المَحَارِمُ
٥٢٠.....	٥-٥-١-٨- الطُّغْيَانُ
٥٢٠.....	٥-٥-٢- الذَّمُّ
٥٢٠.....	٥-٥-٢-١- بَشْسَ
٥٢٠.....	٥-٥-٢-٢- الْوَيْلُ
٥٢٢.....	٥-٥-٢-٣- الْمَلَامَةُ
٥٢٢.....	٥-٥-٣- الْكُفْرُ
٥٢٢.....	٥-٥-٣-١- الْجَحْدُ
٥٢٢.....	٥-٥-٣-٢- لَا دِينَ لَهُ
٥٢٤.....	٥-٥-٣-٣- نَزَعَ اللَّهُ مِنْهَا هَيْبَةَ الْإِسْلَامِ
٥٢٤.....	٥-٥-٣-٤- لَا يَجِدُ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ
٥٢٤.....	٥-٥-٣-٥- لَا يَعْرِفُ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ
٥٢٤.....	٥-٥-٣-٦- سَلَبُ الْيَقِينِ
٥٢٤.....	٥-٥-٣-٧- ضَعْفُ الْيَقِينِ
٥٢٤.....	٥-٥-٣-٨- تَحْرِيمُ التَّقْوَى
٥٢٤.....	٥-٥-٣-٩- تَعَرَّى مِنَ التَّقْوَى
٥٢٤.....	٥-٥-٤- ما يرتبط بالشَّيْطَانُ
٥٢٤.....	٥-٥-٤-١- طَاعَةُ الشَّيْطَانِ
٥٢٤.....	٥-٥-٤-٢- وَسْوَسةُ إِبْلِيسَ
٥٢٤.....	٥-٥-٥- ما يَرْتَبِطُ بِالطَّاعَةِ وَالْعِبَادَةِ
٥٢٤.....	٥-٥-٥-١- الْكَسْلَانُ عِنْدَ الطَّاعَةِ
٥٢٤.....	٥-٥-٥-٢- لَا يَكُونُ غَابِداً
٥٢٤.....	٥-٥-٥-٣- نَزَعَ حَلَاوَةَ الْعِبَادَةِ
٥٢٤.....	٥-٥-٥-٤- لَا يَجِدُ حَلَاوَةَ الْعِبَادَةِ
٥٢٤.....	٥-٥-٥-٥- يُذْهَبُ حَلَاوَةُ مُنَاجَاتِي
٥٢٤.....	٥-٥-٥-٦- لَمْ يَقْضَ مُفْتَرِضاً
٥٢٤.....	٥-٥-٥-٧- الصَّدُّ عَنْ مُنَاجَاةِ اللَّهِ وَذِكْرِهِ
٥٢٨.....	٥-٥-٦- الْخُرُوجُ مِنَ الْوَلَايَةِ
٥٢٨.....	٥-٥-٦-١- الْغَدْرُ وَالنَّقْضُ وَالْإِهْمَالُ بَعْدَ الْوَلَايَةِ
٥٢٨.....	٥-٥-٦-٢- الْبُعْدُ عَنِ الْإِمَامِ عليه السلام
٥٢٨.....	٥-٥-٦-٣- الْإِخْرَاجُ مِنْ أَمْنِ الرُّسُلِ
٥٢٨.....	٥-٥-٧- الْغَفْلَةُ وَالْجَهْلُ

﴿فهرست﴾

۵۲۱.....	۵-۱-۷ حرام‌ها.....
۵۲۱.....	۵-۱-۸ طغیان.....
۵۲۱.....	۵-۲ نکوهش.....
۵۲۱.....	۵-۲-۱ بد.....
۵۲۱.....	۵-۲-۲ وای.....
۵۲۳.....	۵-۲-۳ سرزنش.....
۵۲۳.....	۵-۳ کفر.....
۵۲۳.....	۵-۳-۱ انکار.....
۵۲۳.....	۵-۳-۲ دین ندارد.....
۵۲۵.....	۵-۳-۳ خداوند هیبت اسلام را از آن‌ها می‌گیرد.....
۵۲۵.....	۵-۳-۴ شیرینی ایمان را در نمی‌یابد.....
۵۲۵.....	۵-۳-۵ شیرینی ایمان را نمی‌فهمد.....
۵۲۵.....	۵-۳-۶ سلب یقین.....
۵۲۵.....	۵-۳-۷ ضعف یقین.....
۵۲۵.....	۵-۳-۸ حرام کردن تقوا.....
۵۲۵.....	۵-۳-۹ لباس تقوا را از تن جدا کرده است.....
۵۲۵.....	۵-۴ آنچه به شیطان مربوط می‌شود.....
۵۲۵.....	۵-۴-۱ اطاعت شیطان.....
۵۲۵.....	۵-۴-۲ وسوسه‌ی ابلیس.....
۵۲۷.....	۵-۵ در ارتباط با طاعت و عبادت.....
۵۲۷.....	۵-۵-۱ کسالت در اطاعت.....
۵۲۷.....	۵-۵-۲ بنده‌ی خدا نیست.....
۵۲۷.....	۵-۵-۳ بیرون کردن شیرینی عبادت.....
۵۲۷.....	۵-۵-۴ شیرینی عبادت را نمی‌یابد.....
۵۲۷.....	۵-۵-۵ شیرینی مناجات با مرا از بین می‌برد.....
۵۲۷.....	۵-۵-۶ واجبی را به‌جا نیاورده است.....
۵۲۷.....	۵-۵-۷ جلوگیری از مناجات و یاد خدا.....
۵۲۹.....	۵-۶ خروج از ولایت.....
۵۲۹.....	۵-۶-۱ کوتاهی در عهد ولایت.....
۵۲۹.....	۵-۶-۲ دوری از امام علیه السلام
۵۲۹.....	۵-۶-۳ اخراج از مقام امینان رسولان.....
۵۲۹.....	۵-۷ غفلت و نادانی.....

﴿الفهرس﴾

٥٢٨.....	٥-٥-٧-١- الغفلةُ
٥٣٠.....	٥-٥-٧-٢- النسيانُ
٥٣٠.....	٥-٥-٧-٣- الجهلُ و الحمقُ
٥٣٠.....	٥-٥-٨- الضلالةُ
٥٣٠.....	٥-٥-٨-١- حجابُ القلبِ
٥٣٢.....	٥-٥-٨-٢- موتُ القلبِ
٥٣٢.....	٥-٥-٨-٣- العميانُ
٥٣٢.....	٥-٥-٨-٤- الكمهُ
٥٣٤.....	٥-٥-٨-٥- إصمَامُ القلبِ
٥٣٤.....	٥-٥-٨-٦- الإبكاءُ
٥٣٤.....	٥-٥-٨-٧- التَّيْبَةُ
٥٣٤.....	٥-٥-٨-٨- الغوايةُ
٥٣٤.....	٥-٥-٨-٩- الضلالةُ
٥٣٤.....	٥-٥-٩- الإغترارُ
٥٣٨.....	٥-٥-٩-١- الإنخداعُ
٥٤٠.....	٥-٥-١٠- العجبُ
٥٤٠.....	٥-٥-١٠-١- يَحْمَدُونَ أَنْفُسَهُمْ و يدَّعُونَ بِمَا لَيْسَ لَهُمْ
٥٤٠.....	٥-٥-١٠-٢- عِنْدَ أَنْفُسِهِمْ عَقْلًا
٥٤٠.....	٥-٥-١٠-٣- عَظَمَةُ النَّفْسِ
٥٤٠.....	٥-٥-١١- الأملُ
٥٤٠.....	٥-٥-١١-١- أَمَلٌ لَا يُنَالُ مُنْتَهَاهُ
٥٤٠.....	٥-٥-١١-٢- الأملُ البعيدُ
٥٤٢.....	٥-٥-١١-٣- رَجَاءٌ لَا يُنَالُ
٥٤٢.....	٥-٥-١١-٤- التَّكَلُّمُ بِمَا يَتَمَنَّى
٥٤٢.....	٥-٥-١١-٥- الهوى
٥٤٢.....	٥-٥-١٢- التعاملُ بالدُّنيا
٥٤٢.....	٥-٥-١٢-١- الدُّنْيَا اسْتُخْدِمَتْهُ
٥٤٢.....	٥-٥-١٢-٢- الدُّنْيَا سَجَّتْهُ
٥٤٢.....	٥-٥-١٢-٣- الإشتغالُ بالدُّنيا
٥٤٤.....	٥-٥-١٢-٤- إيثَارُ الدُّنْيَا
٥٤٤.....	٥-٥-١٢-٥- عِبَادَةُ الدُّنْيَا
٥٤٤.....	٥-٥-١٢-٦- الهجرةُ إلى الدُّنيا

﴿فهرست﴾

۵۲۹.....	۵-۷-۱ غفلت.....
۵۳۱.....	۵-۷-۲ فراموشی.....
۵۳۱.....	۵-۷-۳ نادانی و حماقت.....
۵۳۱.....	۵-۸ گمراهی.....
۵۳۱.....	۵-۸-۱ پرده‌ی قلب.....
۵۳۳.....	۵-۸-۲ مرگ قلب.....
۵۳۳.....	۵-۸-۳ کوری.....
۵۳۳.....	۵-۸-۴ کوردلی.....
۵۳۵.....	۵-۸-۵ کر شدن قلب.....
۵۳۵.....	۵-۸-۶ لال شدن.....
۵۳۵.....	۵-۸-۷ سرگردانی.....
۵۳۵.....	۵-۸-۸ گمراهی.....
۵۳۵.....	۵-۸-۹ گمراهی.....
۵۳۵.....	۵-۹ فریب خوردن.....
۵۳۹.....	۵-۹-۱ فریب خوردن.....
۵۴۱.....	۵-۱۰ خودبزرگ بینی.....
۵۴۱.....	۵-۱۰-۱ خودستایی می کنند و ادّعی چیزی می کنند که ندارند.....
۵۴۱.....	۵-۱۰-۲ خود را عاقل می پندارند.....
۵۴۱.....	۵-۱۰-۳ خودبزرگ بینی.....
۵۴۱.....	۵-۱۱ آرزو.....
۵۴۱.....	۵-۱۱-۱ آرزویی که به پایان نمی رسد.....
۵۴۱.....	۵-۱۱-۲ آرزوی دور.....
۵۴۳.....	۵-۱۱-۳ امیدی دست نیافتنی.....
۵۴۳.....	۵-۱۱-۴ آنچه آرزو دارند می گویند.....
۵۴۳.....	۵-۱۱-۵ هوی و هوس.....
۵۴۳.....	۵-۱۲ تعامل با دنیا و تعامل دنیا با او.....
۵۴۳.....	۵-۱۲-۱ دنیا او را به خدمت می گیرد.....
۵۴۳.....	۵-۱۲-۲ دنیا او را در زندان افکنده است.....
۵۴۳.....	۵-۱۲-۳ مشغول شدن به دنیا.....
۵۴۵.....	۵-۱۲-۴ مقدّم شمردن دنیا.....
۵۴۵.....	۵-۱۲-۵ بندگی دنیا.....
۵۴۵.....	۵-۱۲-۶ هجرت به سوی دنیا.....

﴿الفہرس﴾

٥٢٧-٥-١٢-٥- أَعْبَدُ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ.....
٥٢٨-٥-١٢-٥- الْوَلَهُ بِالْذُّنْيَا.....
٥٢٩-٥-١٢-٥- اللَّهُجُ بِالْذُّنْيَا.....
٥٣٠-٥-١٢-٥- الْإِنْقِطَاعُ إِلَى الدُّنْيَا.....
٥٣١-٥-١٢-٥- الرِّغْبَةُ.....
٥٣٢-٥-١٢-٥- الطَّمَعُ.....
٥٣٣-٥-١٢-٥- الْجِرْصُ.....
٥٣٤-٥-١٢-٥- اللَّهُوُّ وَالْفَرْحُ.....
٥٣٥-٥-١٣-٥- الْفَرْحُ.....
٥٣٦-٥-١٣-٥- اللَّهُوُّ.....
٥٣٧-٥-١٤-٥- كَثْرَةُ الْأَكْلِ وَالضَّحْكَ وَالنَّوْمُ وَالْغَضَبُ وَالْكَلَامُ وَالْفَرْحُ.....
٥٣٨-٥-١٥-٥- عَدَمُ الصَّبْرِ.....
٥٣٩-٥-١٥-٥- لَا يَصْبِرُونَ.....
٥٤٠-٥-١٥-٥- الْجَزَعُ.....
٥٤١-٥-١٦-٥- فَقْدُ الْحُبِّ.....
٥٤٢-٥-١٦-٥- خُرُوجُ حُبِّ اللَّهِ.....
٥٤٣-٥-١٦-٥- نَزْعُ الْمَحَبَّةِ.....
٥٤٤-٥-١٦-٥- لَمْ يُحِبَّ اللَّهُ.....
٥٤٥-٥-١٦-٥- الصَّدُّ عَنْ مَحَبَّةِ اللَّهِ.....
٥٤٦-٥-١٧-٥- السَّخَطُ عَلَى رَبِّهِ.....
٥٤٧-٥-١٧-٥- السَّخَطُ لِقَضَاءِ اللَّهِ.....
٥٤٨-٥-١٧-٥- كَرَاهَةُ الْمَوْتِ.....
٥٤٩-٥-١٧-٥- قِلَّةُ الرِّضَا.....
٥٥٠-٥-١٨-٥- عَدَمُ الشُّكْرِ.....
٥٥١-٥-١٨-٥- يُصَغَّرُ نِعْمَةَ اللَّهِ.....
٥٥٢-٥-١٩-٥- قِلَّةُ الْخَوْفِ.....
٥٥٣-٥-١٩-٥- ذَهَابُ خَوْفِ الْآخِرَةِ.....
٥٥٤-٥-٢٠-٥- عَدَمُ مُحَاسَبَةِ النَّفْسِ.....
٥٥٥-٥-٢١-٥- فَقْدُ الْعِلْمِ وَالْعَقْلِ.....
٥٥٦-٥-٢١-٥- لَا يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ.....
٥٥٧-٥-٢١-٥- مَخْدُوعٌ عَنْ عَقْلِهِ.....
٥٥٨-٥-٢١-٥- مَا يَرْتَبِطُ بِالْمُعَامَلَةِ مَعَ النَّاسِ.....

﴿فهرست﴾

۵۴۵.....	۵-۱۲-۷ خروجش از آن بعیدتر است.....
۵۴۵.....	۵-۱۲-۸ شیفته‌ی دنیا.....
۵۴۷.....	۵-۱۲-۹ آتش عشق به دنیا.....
۵۴۷.....	۵-۱۲-۱۰ فقط به دنیا پرداختن.....
۵۴۷.....	۵-۱۲-۱۱ رغبت.....
۵۴۷.....	۵-۱۲-۱۲ طمع.....
۵۴۷.....	۵-۱۲-۱۳ حرص.....
۵۴۹.....	۵-۱۳ بازی و شادی.....
۵۴۹.....	۵-۱۳-۱ شادی.....
۵۴۹.....	۵-۱۳-۲ بازی.....
۵۵۱.....	۵-۱۴ فراوانی خوراک و خنده و خواب و خشم و سخن و شادمانی.....
۵۵۱.....	۵-۱۵ صبر نکردن.....
۵۵۱.....	۵-۱۵-۱ صبر نمی‌کنند.....
۵۵۱.....	۵-۱۵-۲ بی‌تابی.....
۵۵۳.....	۵-۱۶ عدم دوستی.....
۵۵۳.....	۵-۱۶-۱ بیرون رفتن محبت خداوند.....
۵۵۳.....	۵-۱۶-۲ جداکردن محبت.....
۵۵۳.....	۵-۱۶-۳ دوست نداشتن خدا.....
۵۵۳.....	۵-۱۶-۴ جلوگیری از محبت خدا.....
۵۵۳.....	۵-۱۷ بر خدا خشم گرفتن.....
۵۵۵.....	۵-۱۷-۱ ناخشنودی از قضای الهی.....
۵۵۵.....	۵-۱۷-۲ عدم تمایل به مرگ.....
۵۵۵.....	۵-۱۷-۳ خشنودی اندک.....
۵۵۵.....	۵-۱۸ عدم قدردانی.....
۵۵۵.....	۵-۱۸-۱ نعمت‌های الهی را کوچک جلوه می‌دهد.....
۵۵۵.....	۵-۱۹ کم ترسیدن.....
۵۵۷.....	۵-۱۹-۱ از بین رفتن ترس آخرت.....
۵۵۷.....	۵-۲۰ عدم محاسبه‌ی نفس.....
۵۵۷.....	۵-۲۱ دوری از دانش و خرد.....
۵۵۷.....	۵-۲۱-۱ اهل دانش نیست.....
۵۵۷.....	۵-۲۱-۲ عقلش فریب خورده است.....
۵۵۷.....	۵- آنچه به رفتار با هموعان مربوط می‌شود.....

﴿الفهرس﴾

٥٥٦.....	٥-٦-١- إكْرَامُ مَنْ مَكَّنَهُمْ
٥٥٦.....	٥-٦-٢- لَا يَقْبَلُ الْعُذْرَ.....
٥٥٨.....	٥-٦-٣- الاسْطِطَالَةُ و عدمُ التَّوَاضِعِ
٥٥٨.....	٥-٦-٤- يَذْكُرُونَ مَسَاوِي النَّاسِ.....
٥٥٨.....	٥-٦-٥- كَثْرَةُ الْغَضَبِ.....
٥٥٨.....	٥-٦-٦- زَوَالُ الْمَوَدَّةِ.....
٥٥٨.....	٥-٦-٧- لَمْ يُفَيْدْ.....
٥٥٨.....	٥-٦-٨- قَلَّةُ الْمُنْفَعَةِ.....
٥٥٨.....	٥-٦-٩- عدمُ نصيحةِ السُّلْطَانِ.....
٥٦٠.....	٥-٦-١٠- تَقَلُّبُ الْقَلْبِ.....
٥٦٠.....	٥-٦-١١- النِّفَاقُ.....
٥٦٠.....	٥-٧- العَوَاقِبُ الْآخِرِيَّةُ.....
٥٦٠.....	٥-٧-١- فِي الْقِيَامَةِ.....
٥٦٠.....	٥-٧-١-١- سُوءُ الْمُتَقَلِّبِ.....
٥٦٠.....	٥-٧-١-٢- لَا يُسْتَعْتَبُونَ.....
٥٦٠.....	٥-٧-١-٣- خُلُوُ الْمِيزَانِ.....
٥٦٠.....	٥-٧-١-٤- فَقْرُ الْآخِرَةِ.....
٥٦٠.....	٥-٧-١-٥- عَدَمُ الشَّفَاعَةِ وَالْوَلَايَةِ وَ عَدَمُ قَبُولِ الْعَدْلِ.....
٥٦٢.....	٥-٧-٢- تَحْرِيمُ الْجَنَّةِ.....
٥٦٢.....	٥-٧-٢-١- قَلَّةُ الْحَظِّ فِيهَا.....
٥٦٢.....	٥-٧-٢-٢- التَّأْخِيرُ فِي دُخُولِ الْجَنَّةِ.....
٥٦٢.....	٥-٧-٢-٣- لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ.....
٥٦٢.....	٥-٧-٢-٤- لَمْ يَكُنْ نَصِيبٌ فِي الْجَنَّةِ.....
٥٦٢.....	٥-٧-٣- الْبُعْدُ مِنْ اللَّهِ وَ عدمُ الْغُفْرَانِ.....
٥٦٤.....	٥-٧-٣-١- الْبُعْدُ مِنَ الْآخِرَةِ.....
٥٦٤.....	٥-٧-٣-٢- كَيْفَ تَرْجُو ثَوَابًا.....
٥٦٤.....	٥-٧-٣-٣- لَمْ يَأْجُرْهُ.....
٥٦٤.....	٥-٧-٣-٤- الْبُعْدُ مِنَ اللَّهِ.....
٥٦٤.....	٥-٧-٣-٥- لَا يُجَاوِرُ اللَّهَ.....
٥٦٦.....	٥-٧-٣-٦- الْمَنْعُ عَمَّا عِنْدَ اللَّهِ.....
٥٦٦.....	٥-٧-٣-٧- الصَّدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ.....
٥٦٦.....	٥-٧-٣-٨- الذُّهُولُ عَنِ التَّقَرُّبِ.....

﴿فهرست﴾

۵۵۷.....	۵۶-۱ گرامی داشتن آن که به آنان نفعی برساند.....
۵۵۷.....	۵۶-۲ عذر را نمی پذیرد.....
۵۵۹.....	۵۶-۳ گردن کشی و عدم فروتنی.....
۵۵۹.....	۵۶-۴ بدی های مردم را یادآوری کردن.....
۵۵۹.....	۵۶-۵ خشم زیاد.....
۵۵۹.....	۵۶-۶ از بین رفتن محبت و دوستی.....
۵۵۹.....	۵۶-۷ سودی نمی رساند.....
۵۵۹.....	۵۶-۸ منفعت اندک.....
۵۵۹.....	۵۶-۹ نصیحت نکردن سلطان.....
۵۶۱.....	۵۶-۱۰ زیر و رو شدن قلب.....
۵۶۱.....	۵۶-۱۱ نفاق.....
۵۶۱.....	۵۷-۵ عواقب اخروی.....
۵۶۱.....	۵۷-۱ در قیامت.....
۵۶۱.....	۵۷-۱-۱ عاقبت شوم.....
۵۶۱.....	۵۷-۱-۲ عذری از آن ها پذیرفته نمی شود.....
۵۶۱.....	۵۷-۱-۳ سبکی ترازو.....
۵۶۱.....	۵۷-۱-۴ فقر آخرت.....
۵۶۱.....	۵۷-۱-۵ عدم شفاعت و ولایت و عدم پذیرش عوض.....
۵۶۳.....	۵۷-۲ حرام کردن بهشت.....
۵۶۳.....	۵۷-۲-۱ بهره ای اندک از بهشت.....
۵۶۳.....	۵۷-۲-۲ دیر وارد بهشت شدن.....
۵۶۳.....	۵۷-۲-۳ بوی بهشت را نخواهد یافت.....
۵۶۳.....	۵۷-۲-۴ بهره ای از بهشت نخواهد داشت.....
۵۶۳.....	۵۷-۳ دور نگاه داشتن از خدا و عدم آمرزش.....
۵۶۵.....	۵۷-۳-۱ دوری از آخرت.....
۵۶۵.....	۵۷-۳-۲ چگونه امید پاداش دارد.....
۵۶۵.....	۵۷-۳-۳ اجر نمی دهد.....
۵۶۵.....	۵۷-۳-۴ دوری از خدا.....
۵۶۵.....	۵۷-۳-۵ همسایه ای خدا نخواهد شد.....
۵۶۷.....	۵۷-۳-۶ مانع شدن از رسیدن به آنچه نزد خداست.....
۵۶۷.....	۵۷-۳-۷ جلوگیری از دسترسی به وسیله ها.....
۵۶۷.....	۵۷-۳-۸ مانع شدن از تقرب.....

﴿الفهرس﴾

٥٦٦	 الوذر ٥-٧-٣-٩
٥٦٦	 لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْهُمْ ٥-٧-٣-١٠
٥٦٦	 لَا يَنْزِلُ مَنَازِلَ الْأَنْبَرَارِ ٥-٧-٣-١١
٥٦٦	 الْحِطُّ ٥-٧-٤
٥٦٨	 تَضْيِيعُ الزَّادِ ٥-٧-٤-١
٥٦٨	 النَّارُ ٥-٧-٥
٥٧٠	 الْجَحِيمُ ٥-٧-٥-١
٥٧٠	 الْعَذَابُ ٥-٧-٥-٢
٥٧٢	 الْعِقَابُ ٥-٧-٥-٣
٥٧٢	 الْمَقْتُ وَالْغَضَبُ وَالسَّخَطُ ٥-٧-٦
٥٧٢	 الْمَقْتُ ٥-٧-٦-١
٥٧٢	 الْغَضَبُ ٥-٧-٦-٢
٥٧٤	 سَخَطُ اللَّهِ ٥-٧-٦-٣
٥٧٤	 فَوْتُ الْآخِرَةِ ٥-٧-٧
٥٧٤	 إِخْرَابُ الْآخِرَةِ ٥-٧-٧-١
٥٧٤	 الْإِضْرَارُ بِالْآخِرَةِ ٥-٧-٧-٢
٥٧٦	 مَنَعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ ٥-٧-٧-٣
٥٧٦	 النِّقْصُ مِنْ حِطِّ الْآخِرَةِ ٥-٧-٧-٤
٥٧٦	 الْمَخْرُومُ مِنَ الْآخِرَةِ ٥-٧-٧-٥
٥٧٦	 جُوعُ الْآخِرَةِ ٥-٧-٧-٦
٥٧٦	 ذَهَابُ الْآخِرَةِ ٥-٧-٧-٧
٥٧٦	 سَخَطُ الْآخِرَةِ ٥-٧-٧-٨
٥٧٦	 بَيْعُ الْبَقَاءِ بِالْفَنَاءِ ٥-٧-٧-٩
٥٧٨	 عَدَمُ دَرْكِ الْآخِرَةِ وَعَدَمُ الرَّجَاءِ بِهَا ٥-٧-٧-١٠
٥٧٨	 فَوْتُ الْآخِرَةِ ٥-٧-٧-١١
٥٧٨	 فَوْتُ حِطِّ الْآخِرَةِ ٥-٧-٧-١٢
٥٧٨	 لَا نَصِيبَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ ٥-٧-٧-١٣
٥٧٨	 عَدَمُ الْعَمَلِ لِلْآخِرَةِ ٥-٧-٧-١٤
٥٨٠	 لَا يُعْطَى الْآخِرَةُ ٥-٧-٧-١٥
٥٨٠	 لَا يَعْمَلُ لِلْآخِرَةِ ٥-٧-٧-١٦
٥٨٠	 لَا يَنْفَعُ الْعَمَلُ لِلْآخِرَةِ ٥-٧-٧-١٧
٥٨٠	 مَا ظَفِرَ بِالْآخِرَةِ ٥-٧-٧-١٨

﴿فهرست﴾

۵۶۷.....	۵-۷-۳-۹ رهاکردن.....
۵۶۷.....	۵-۷-۳-۱۰ پذیرفته نمی‌شود.....
۵۶۷.....	۵-۷-۳-۱۱ به جایگاه نیکوکاران وارد نمی‌شود.....
۵۶۷.....	۵-۷-۴ از بین رفتن.....
۵۶۹.....	۵-۷-۴-۱ از بین رفتن توشه.....
۵۶۹.....	۵-۷-۵ آتش.....
۵۷۱.....	۵-۷-۵-۱ دوزخ.....
۵۷۱.....	۵-۷-۵-۲ عذاب.....
۵۷۳.....	۵-۷-۵-۳ عقوبت.....
۵۷۳.....	۵-۷-۶ خشم خداوند.....
۵۷۳.....	۵-۷-۶-۱ خشم و دشمنی.....
۵۷۳.....	۵-۷-۶-۲ خشم و غضب.....
۵۷۵.....	۵-۷-۶-۳ خشم الهی.....
۵۷۵.....	۵-۷-۷ از دست دادن آخرت.....
۵۷۵.....	۵-۷-۷-۱ خراب کردن آخرت.....
۵۷۵.....	۵-۷-۷-۲ زیان زدن به آخرت.....
۵۷۷.....	۵-۷-۷-۳ ممانعت از خیر آخرت.....
۵۷۷.....	۵-۷-۷-۴ کاستن از بهره‌ی آخرتش.....
۵۷۷.....	۵-۷-۷-۵ محروم شدن از آخرت.....
۵۷۷.....	۵-۷-۷-۶ گرسنگی آخرت.....
۵۷۷.....	۵-۷-۷-۷ از بین رفتن آخرت.....
۵۷۷.....	۵-۷-۷-۸ خشم آخرت.....
۵۷۷.....	۵-۷-۷-۹ فروختن چیز ماندنی به چیز از بین رفتنی.....
۵۷۹.....	۵-۷-۷-۱۰ دریافتن آخرت و امیدداشتن به آن.....
۵۷۹.....	۵-۷-۷-۱۱ از دست رفتن آخرت.....
۵۷۹.....	۵-۷-۷-۱۲ از درست رفتن بهره‌ی آخرتی.....
۵۷۹.....	۵-۷-۷-۱۳ بهره‌ای در آخرت ندارد.....
۵۷۹.....	۵-۷-۷-۱۴ کار نکردن برای آخرت.....
۵۸۱.....	۵-۷-۷-۱۵ آخرت را نمی‌دهد.....
۵۸۱.....	۵-۷-۷-۱۶ برای آخرت کار نمی‌کند.....
۵۸۱.....	۵-۷-۷-۱۷ کار برای آخرت فایده‌ای ندارد!.....
۵۸۱.....	۵-۷-۷-۱۸ به آخرت دست نمی‌یابد.....

﴿الفهرس﴾

٥٨٠	٥-٧-٧-١٩- ما لهُ في الآخرة نصيبُ.....
٥٨٠	٥-٧-٧-٢٠- مرارةُ الآخرة.....
٥٨٠	٥-٧-٧-٢١- منعُ الآخرة.....
٥٨٠	٥-٧-٧-٢٢- نقصُ الآخرة.....
٥٨٢	٥-٧-٧-٢٣- نقصُ حظِّ الآخرة.....
٥٨٢	٥-٧-٨- لا يُحبُّ اللهُ لقاءَه.....
٥٨٢	٥-٨- جمعُ المال، التوفية، الإحاطة.....
٥٨٢	٥-٨-١- جمعُ المال.....
٥٨٢	٥-٨-٢- التوفيةُ و عدمُ البُخس.....
٥٨٢	٥-٨-٣- الإحاطة.....
٥٨٤	الفصلُ السادسُ: ثمراتُ عدمِ الرغبةِ بالدُّنيا و.راجع: كتابُ الزُّهد؛ ثمراتُ الزُّهد.....
٥٨٤	٥-٨-٤- العقلُ و العلمُ.....
٥٨٤	٥-٨-٤-١- العقلُ.....
٥٨٤	٥-٨-٤-٢- العلمُ و الهدى.....
٥٨٤	٥-٨-٤-١-٢- علمُ بغيرِ تعلُّم و هدى بغيرِ هداية.....
٥٨٤	٥-٨-٤-٣- الحكمةُ و.راجع: العلم.....
٥٨٤	٥-٨-٤-٤- البصيرة.....
٥٨٤	٥-٨-٤-٥- ثباتُ الرأى.....
٥٨٤	٥-٨-٤-٦- عدمُ الإنخداع.....
٥٨٤	٥-٨-٤-٢- ما يرتبطُ بالدين.....
٥٨٤	٥-٨-٤-٢-١- قوامُ الدين.....
٥٨٤	٥-٨-٤-٢-٢- إخراجُ الدين.....
٥٨٤	٥-٨-٤-٢-٣- تخصُّصُ الدين.....
٥٨٨	٥-٨-٤-٢-٤- سلامةُ الدين.....
٥٨٨	٥-٨-٤-٢-٥- صلاحُ الدين.....
٥٨٨	٥-٨-٤-٣- الإيمان، الورع، الصبر.....
٥٨٨	٥-٨-٤-٣-١- الإيمان.....
٥٨٨	٥-٨-٤-٣-٢- الورع.....
٥٨٨	٥-٨-٤-٣-٣- الصبرُ على البلاء.....
٥٨٨	٥-٨-٤-٤- الإصلاح.....
٥٨٨	٥-٨-٤-٤-١- إنَّ اللهَ ينجِرُ له من وراءِ تجارتِه.....
٥٩٠	٥-٨-٤-٤-٢- الإصلاح.....

﴿فهرست﴾

۵۸۱	 ۵-۷-۱۹ در آخرت هیچ بهره‌ای نخواهد داشت
۵۸۱	 ۵-۷-۲۰ تلخی آخرت
۵۸۱	 ۵-۷-۲۱ مانع [رسیدن به] آخرت
۵۸۱	 ۵-۷-۲۲ نقصان در آخرت
۵۸۳	 ۵-۷-۲۳ ناقص شدن بهره‌ی آخرت
۵۸۳	 ۵-۷-۸ خدا دیدار او را نمی‌پسندد
۵۸۳	 ۵-۸ جمع‌شدن ثروت، دریافت کامل، دستیابی
۵۸۳	 ۵-۸-۱ جمع‌شدن ثروت
۵۸۳	 ۵-۸-۲ دریافت کامل بی‌کم‌وکاست
۵۸۳	 ۵-۸-۳ دستیابی
۵۸۵	 فصل ۶: نتایج عدم تمایل به دنیا و ر.به: کتاب زهد؛ نتایج زهد
۵۸۵	 ۱-۶ خرد و دانش
۵۸۵	 ۱-۱-۶ عقل
۵۸۵	 ۱-۲-۶ دانش و رهایی
۵۸۵	 ۱-۲-۱-۶ علمی بدون آموختن و راهیابی بدون راهنما
۵۸۵	 ۱-۳-۶ حکمت و ر.به: دانش
۵۸۷	 ۱-۴-۶ بصیرت و بینایی
۵۸۷	 ۱-۵-۶ ثبات رأی
۵۸۷	 ۱-۶-۶ فریب‌نخوردن
۵۸۷	 ۲-۶ آنچه با دین مرتبط است
۵۸۷	 ۲-۱-۶ پایداری دین
۵۸۷	 ۲-۲-۶ حفظ دین
۵۸۷	 ۲-۳-۶ محفوظ‌ماندن دین
۵۸۹	 ۲-۴-۶ سلامت در دین
۵۸۹	 ۲-۵-۶ اصلاح دین
۵۸۹	 ۳-۶ ایمان، ورع، صبر
۵۸۹	 ۳-۱-۶ ایمان
۵۸۹	 ۳-۲-۶ ورع
۵۸۹	 ۳-۳-۶ صبر بر بلا
۵۸۹	 ۴-۶ درست‌کردن
۵۸۹	 ۴-۱-۶ خدا به‌جای او معامله می‌کند
۵۹۱	 ۴-۲-۶ اصلاح

﴿الفہرس﴾

٥٩٠.....١-٢-٤-٦-صَلَحُ النَّفْسِ
٥٩٠.....١-٢-٤-٦-صَلَحُ الدِّينِ
٥٩٠.....٣-٤-٦-الْحَسَنَةُ
٥٩٠.....٤-٤-٦-الْخِدْمَةُ بِاللَّهِ
٥٩٠.....٥-٤-٦-عَدَمُ الْإِسْتِغَالِ بِغَيْرِ اللَّهِ
٥٩٠.....٥-٤-٦-الْخَيْرُ وَالنَّفْعُ
٥٩٠.....١-٥-٦-خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ
٥٩٢.....٢-٥-٦-النَّفْعُ
٥٩٢.....٣-٥-٦-الرَّيْبُ
٥٩٢.....٤-٥-٦-أَعْطَاهُ اللَّهُ مَا سَأَلَ
٥٩٢.....٦-٤-٦-الرَّاحَةُ وَالسَّلَامَةُ
٥٩٢.....١-٦-٦-السَّلَامَةُ
٥٩٤.....٢-٦-٦-الرَّاحَةُ
٥٩٤.....٧-٦-الْغِنَى، الْكَفَايَةُ
٥٩٤.....١-٧-٦-الْغِنَى
٥٩٦.....٢-٧-٦-الْكَفَايَةُ
٥٩٦.....٨-٦-٦-مَا يَرْتَبِطُ بِالدُّنْيَا
٥٩٦.....١-٨-٦-إِقْبَالُ الدُّنْيَا
٥٩٦.....٢-٨-٦-خِدْمَةُ الدُّنْيَا
٥٩٦.....٣-٨-٦-إِتِّبَاعُ الدُّنْيَا
٥٩٦.....٤-٨-٦-إِطَاعَةُ الدُّنْيَا
٥٩٦.....٥-٨-٦-إِيتَاءُ الدُّنْيَا
٥٩٦.....٦-٨-٦-طَلَبُ الدُّنْيَا
٥٩٦.....٧-٨-٦-قِيَامُ الدُّنْيَا إِلَيْهِ
٥٩٨.....٨-٦-٦-هَوْنُ الدُّنْيَا
٥٩٨.....٩-٨-٦-قَوَامُ عَيْشِ الدُّنْيَا
٥٩٨.....١٠-٨-٦-وُقُوفُ الدُّنْيَا
٥٩٨.....١١-٨-٦-خَرَابُ الدُّنْيَا
٥٩٨.....٩-٦-٦-عَدَمُ النَّقْصِ مِنْ قِسْمِ اللَّهِ
٥٩٨.....١-٩-٦-عَدَمُ الْقُوَّةِ
٥٩٨.....٢-٩-٦-عَدَمُ النَّقْصِ مِنْ قِسْمِ اللَّهِ
٦٠٠.....١٠-١-٦-مَا يَرْتَبِطُ بِالْآخِرَةِ

﴿فهرست﴾

۵۹۱.....	۴-۲-۱- اصلاح نفس
۵۹۱.....	۴-۲-۲- اصلاح دین
۵۹۱.....	۴-۳- نیکی
۵۹۱.....	۴-۴- خدمت به خداوند
۵۹۱.....	۴-۵- مشغول نبودن به غیر خدا
۵۹۱.....	۵- خیر و سود
۵۹۱.....	۵-۱- خیر دنیا و آخرت و همه‌ی خیر
۵۹۳.....	۵-۲- نفع، سود
۵۹۳.....	۵-۳- سود
۵۹۳.....	۵-۴- خداوند آنچه او بخواهد عطا می‌کند
۵۹۳.....	۶- آرامش و سلامتی
۵۹۳.....	۶-۱- سلامت
۵۹۵.....	۶-۲- آسودگی
۵۹۵.....	۷- بی‌نیازی، کفایت
۵۹۵.....	۷-۱- بی‌نیازی
۵۹۷.....	۷-۲- کفایت
۵۹۷.....	۸- آنچه به دنیا مربوط است
۵۹۷.....	۸-۱- روکردن دنیا
۵۹۷.....	۸-۲- خدمت دنیا
۵۹۷.....	۸-۳- تبعیت دنیا
۵۹۷.....	۸-۴- اطاعت دنیا
۵۹۷.....	۸-۵- روآوردن دنیا
۵۹۷.....	۸-۶- طلب دنیا
۵۹۷.....	۸-۷- ایستادن دنیا و حرکت به سوی او
۵۹۹.....	۸-۸- آسان‌گیری دنیا
۵۹۹.....	۸-۹- استحکام زندگی دنیا
۵۹۹.....	۸-۱۰- توقّف دنیا
۵۹۹.....	۸-۱۱- خراب‌شدن دنیا
۵۹۹.....	۹- کاسته‌نشدن از سهمی که خداوند مقدّر کرده است
۵۹۹.....	۹-۱- از دست ندادن
۵۹۹.....	۹-۲- عدم نقص سهمی که خداوند مقدّر کرده
۶۰۱.....	۱۰- آنچه که به آخرت مربوط است

﴿الفهرس﴾

٦٠٠.....	١٠-١-٤-الرَّغْبَةُ إِلَى الْآخِرَةِ.....
٦٠٠.....	١٠-٢-٤-تَقَرُّبُ الْآخِرَةِ.....
٦٠٠.....	١٠-٣-٤-دَرَكُ الْآخِرَةِ.....
٦٠٠.....	١٠-٤-٤-نَيْلُ الْآخِرَةِ.....
٦٠٠.....	١٠-٥-٤-تَحْصِيلُ الْآخِرَةِ.....
٦٠٢.....	١٠-٦-٤-رُجْحَانُ الْآخِرَةِ.....
٦٠٢.....	١٠-٧-٤-نِعْمَةُ الْآخِرَةِ.....
٦٠٢.....	١٠-٨-٤-حِظُّ الْآخِرَةِ.....
٦٠٢.....	١٠-٩-٤-حَلَاوَةُ الْآخِرَةِ.....
٦٠٢.....	١٠-١٠-٤-خَيْرُ الْآخِرَةِ.....
٦٠٢.....	١٠-١١-٤-ثَوَابُ الْآخِرَةِ.....
٦٠٤.....	١٠-١٢-٤-صِلَاحُ الْآخِرَةِ.....
٦٠٤.....	١٠-١٣-٤-عِزُّ الْآخِرَةِ.....
٦٠٤.....	١٠-١٤-٤-غِنَى الْآخِرَةِ.....
٦٠٤.....	١٠-١٥-٤-كَرَامَةُ الْآخِرَةِ.....
٦٠٤.....	١٠-١٦-٤-رَضَى الْآخِرَةِ.....
٦٠٤.....	١١-٤-٤-المَغْفِرَةُ وَالرَّحْمَةُ.....
٦٠٤.....	١١-١-٤-المَغْفِرَةُ.....
٦٠٤.....	١١-٢-٤-الرَّحْمَةُ.....
٦٠٤.....	١١-٣-٤-مَحْوُ السَّيِّئَةِ.....
٦٠٤.....	١١-٤-٤-رُدُّ غَضَبِ اللَّهِ.....
٦٠٤.....	١٢-٤-٤-النَّجَاةُ وَالْأَمْنُ.....
٦٠٤.....	١٢-١-٤-النَّجَاةُ.....
٦٠٤.....	١٢-٢-٤-الإِعْتِنَاقُ.....
٦٠٤.....	١٢-٣-٤-الْأَمْنُ.....
٦٠٤.....	١٢-٤-٤-الْأَمَانُ.....
٦٠٨.....	١٢-٥-٤-السَّلَامُ.....
٦٠٨.....	١٢-٦-٤-دَارُ السَّلَامِ.....
٦٠٨.....	١٢-٧-٤-عَدَمُ الْخَوْفِ.....
٦٠٨.....	١٢-٨-٤-الدَّوَاءُ.....
٦٠٨.....	١٣-٤-٤-الثَّوَابُ وَالْأَجْرُ.....
٦٠٨.....	١٣-١-٤-ثَوَابُ اللَّهِ.....

﴿فهرست﴾

۱۰-۱	عر رغبت به آخرت.....	۶۰۱
۱۰-۲	عر نزدیک شدن آخرت.....	۶۰۱
۱۰-۳	عر دریافت آخرت.....	۶۰۱
۱۰-۴	عر رسیدن به آخرت.....	۶۰۱
۱۰-۵	عر به دست آوردن آخرت.....	۶۰۱
۱۰-۶	عر سنگین شدن کفّهی آخرت.....	۶۰۳
۱۰-۷	عر بهره مندی از نعمت آخرت.....	۶۰۳
۱۰-۸	عر بهره ی آخرت.....	۶۰۳
۱۰-۹	عر شیرینی آخرت.....	۶۰۳
۱۰-۱۰	عر خیر آخرت.....	۶۰۳
۱۰-۱۱	عر ثواب آخرت.....	۶۰۳
۱۰-۱۲	عر اصلاح آخرت.....	۶۰۵
۱۰-۱۳	عر عزّت آخرت.....	۶۰۵
۱۰-۱۴	عر بی نیازی آخرت.....	۶۰۵
۱۰-۱۵	عر مقام عالی آخرت.....	۶۰۵
۱۰-۱۶	عر خشنودی آخرت.....	۶۰۵
۱۱	عر آموزش و رحمت.....	۶۰۵
۱۱-۱	عر آموزش.....	۶۰۵
۱۱-۲	عر رحمت.....	۶۰۵
۱۱-۳	عر از بین رفتن اثرات بدی ها.....	۶۰۵
۱۱-۴	عر دور کردن خشم خداوند.....	۶۰۷
۱۲	عر نجات و امان.....	۶۰۷
۱۲-۱	عر نجات.....	۶۰۷
۱۲-۲	عر آزاد کردن.....	۶۰۷
۱۲-۳	عر امن.....	۶۰۷
۱۲-۴	عر امان.....	۶۰۷
۱۲-۵	عر درود و امنیّت.....	۶۰۹
۱۲-۶	عر سرای امن.....	۶۰۹
۱۲-۷	عر عدم ترس.....	۶۰۹
۱۲-۸	عر دوا و درمان.....	۶۰۹
۱۳	عر پاداش الهی.....	۶۰۹
۱۳-۱	عر پاداش الهی.....	۶۰۹

﴿الفهرس﴾

٦٠٨.....	١٣-٢-٤- الأجرُ
٦١٠.....	١٤-٤- الجنةُ
٦١٢.....	١٥-٤- السَّعَادَةُ وَ الْفَوْزُ
٦١٢.....	١٥-١-٤- السَّعَادَةُ
٦١٢.....	١٥-٢-٤- الْفَوْزُ
٦١٢.....	١٥-٣-٤- طُوبَى لَهُ
٦١٢.....	١٥-٤-٤- فَرَحَةُ الْبَشَرِ
٦١٢.....	١٥-٥-٤- قُرُورَةُ الْعَيْنِ
٦١٢.....	١٦-٤-٤- الْعِزُّ وَ الرَّفْعَةُ
٦١٢.....	١٦-١-٤- الْعِزُّ
٦١٤.....	١٦-٢-٤- الرَّفْعَةُ
٦١٤.....	١٦-٣-٤- السُّمُو
٦١٤.....	١٦-٤-٤- الْخَطَرُ
٦١٤.....	١٦-٥-٤- الْقَدَرُ
٦١٤.....	١٧-٤-٤- الْقُرْبُ، وَ الرِّضَاءُ
٦١٤.....	١٧-١-٤- النَّيْلُ بِمَا عِنْدَ اللَّهِ
٦١٤.....	١٧-٢-٤- الْإِيْتَاءُ إِلَى اللَّهِ
٦١٤.....	١٧-٣-٤- جَوَارُ اللَّهِ
٦١٤.....	١٧-٤-٤- الْقُرْبُ
٦١٤.....	١٧-٥-٤- حُبُّ اللَّهِ
٦١٤.....	١٧-٥-١-٤- وَجْدَانُ حَلَاوَةِ حُبِّ اللَّهِ
٦١٨.....	١٧-٦-٤- لِقَاءُ اللَّهِ
٦١٨.....	١٧-٧-٤- نُورُ الْجَلَالِ
٦١٨.....	١٧-٨-٤- رِضَى اللَّهِ
٦٢٠.....	الفصلُ السَّابِعُ: الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمَوَاجَهَةِ بِالْدُّنْيَا
٦٢٠.....	٧-١-٤- الحُبُّ
٦٢٠.....	٧-١-١-٤- حُبُّ الدُّنْيَا
٦٣٠.....	٧-١-١-١-٤- غَلَبَةُ حُبِّ الدُّنْيَا عَلَى قُلُوبِهِمْ
٦٣٢.....	٧-١-٢-٤- مَوَدَّةُ أَتْنَاءِ الدُّنْيَا
٦٣٢.....	٧-١-٣-٤- تَوَكُّلِ الدُّنْيَا
٦٣٤.....	٧-١-٤-٤- حُبُّ الْمَالِ
٦٣٤.....	٧-١-٥-٤- الْوَلَةُ بِالْدُّنْيَا

﴿فهرست﴾

۶۰۹.....	۱۳-۲-ع-اجر.....
۶۱۱.....	۱۴-ع-بهشت.....
۶۱۳.....	۱۵-ع-سعادت و رستگاری.....
۶۱۳.....	۱۵-۱-ع-سعادت.....
۶۱۳.....	۱۵-۲-ع-رستگاری.....
۶۱۳.....	۱۵-۳-ع-خوشا به حال او.....
۶۱۳.....	۱۵-۴-ع-سرور و شادمانی.....
۶۱۳.....	۱۵-۵-ع-روشنی چشم.....
۶۱۳.....	۱۶-ع-عزت و بلندی مرتبه.....
۶۱۳.....	۱۶-۱-ع-عزت.....
۶۱۵.....	۱۶-۲-ع-ارتقاء درجه.....
۶۱۵.....	۱۶-۳-ع-اوج گرفتن.....
۶۱۵.....	۱۶-۴-ع-اهمیت.....
۶۱۵.....	۱۶-۵-ع-قدر و منزلت.....
۶۱۵.....	۱۷-ع-تقرب و رضایت الهی.....
۶۱۵.....	۱۷-۱-ع-رسیدن به آنچه نزد خداست.....
۶۱۵.....	۱۷-۲-ع-آمدن نزد خدا.....
۶۱۷.....	۱۷-۳-ع-همسایگی الهی.....
۶۱۷.....	۱۷-۴-ع-نزدیکی و تقرب.....
۶۱۷.....	۱۷-۵-ع-محبت الهی.....
۶۱۷.....	۱۷-۵-۱-ع-یافتن شیرینی دوستی خداوند.....
۶۱۹.....	۱۷-ع-دیدار خداوند.....
۶۱۹.....	۱۷-۷-ع-نور جلالت.....
۶۱۹.....	۱۷-۸-ع-رضایت الهی.....
۶۲۱.....	فصل ۷: شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا.....
۶۲۱.....	۷-۱-علاقه.....
۶۲۱.....	۷-۱-۱-دنیا دوستی.....
۶۳۱.....	۷-۱-۱-۱-غالب شدن دوستی دنیا در قلب‌هایشان.....
۶۳۳.....	۷-۱-۲-دوستی با فرزندان دنیا.....
۶۳۳.....	۷-۱-۳-دنیا دوست بودن.....
۶۳۵.....	۷-۱-۴-مال دوستی.....
۶۳۵.....	۷-۱-۵-سرگشتگی به دنیا.....

﴿الفهرس﴾

٦٣٤.....	٧-١-٦- الفتنةُ بالدُّنيا
٦٣٦.....	٧-١-٧- تعلقُ القلبِ بالدُّنيا
٦٣٦.....	٧-١-٨- التَّوَقُّعُ إِلَى الدُّنْيَا
٦٣٦.....	٧-٢- الرِّغْبَةُ
٦٣٦.....	٧-٢-١- الرِّغْبَةُ
٦٤٠.....	٧-٢-٢- الهَوَى
٦٤٢.....	٧-٢-٣- الإِقْبَالُ
٦٤٢.....	٧-٢-٤- المَيْلُ
٦٤٢.....	٧-٢-٥- النَّهْمَةُ
٦٤٤.....	٧-٢-٦- الشَّهْوَةُ
٦٤٤.....	٧-٢-٧- الأَمَلُ
٦٤٤.....	٧-٢-٨- العِظَةُ
٦٤٤.....	٧-٢-٩- الحَسْرَةُ
٦٤٤.....	٧-٣- الطَّلَبُ
٦٤٤.....	٧-٣-١- الطَّلَبُ
٦٥٠.....	٧-٣-٢- الإرَادَةُ
٦٥٢.....	٧-٣-٣- الإِثْنَاءُ
٦٥٢.....	٧-٣-٤- الإِثْمَاسُ
٦٥٢.....	٧-٣-٥- الأَرَبُ
٦٥٢.....	٧-٣-٦- الهمُّ
٦٥٦.....	٧-٣-٧- الهِجْرَةُ
٦٥٦.....	٧-٣-٨- النِّيَّةُ
٦٥٦.....	٧-٣-٩- الإِخْتِيَارُ
٦٥٨.....	٧-٣-١٠- الرِّضَا
٦٥٨.....	٧-٣-١١- القَنَاعَةُ بالدُّنْيَا
٦٦٠.....	٧-٣-١٢- صِيَانَةُ الدُّنْيَا بِالذِّينِ
٦٦٠.....	٧-٤- الذِّكْرُ
٦٦٠.....	٧-٤-١- الإِكْبَرَاتُ
٦٦٠.....	٧-٥- النَّظَرُ
٦٦٠.....	٧-٥-١- النَّظَرُ
٦٦٢.....	٧-٥-٢- مَدُّ الطَّرْفِ
٦٦٢.....	٧-٥-٣- مَدُّ الْعَيْنِ

﴿فهرست﴾

۶۳۵.....	۷-۱-۶- دل باختن به دنیا
۶۳۷.....	۷-۱-۷- دلدادگی به دنیا
۶۳۷.....	۷-۱-۸- هوس دنیا
۶۳۷.....	۷-۲- میل و رغبت
۶۳۷.....	۷-۲-۱- میل و رغبت
۶۴۱.....	۷-۲-۲- هوی و هوس
۶۴۳.....	۷-۲-۳- روکردن
۶۴۳.....	۷-۲-۴- میل و رغبت
۶۴۳.....	۷-۲-۵- گرسنگی
۶۴۵.....	۷-۲-۶- شهوت
۶۴۵.....	۷-۲-۷- آرزو
۶۴۵.....	۷-۲-۸- غبطه
۶۴۵.....	۷-۲-۹- حسرت و افسوس
۶۴۵.....	۷-۳- خواست
۶۴۵.....	۷-۳-۱- طلب
۶۵۱.....	۷-۳-۲- اراده و خواسته
۶۵۳.....	۷-۳-۳- خواستار بودن
۶۵۳.....	۷-۳-۴- التماس و خواهش
۶۵۳.....	۷-۳-۵- خواسته
۶۵۳.....	۷-۳-۶- تلاش
۶۵۷.....	۷-۳-۷- مهاجرت
۶۵۷.....	۷-۳-۸- نیت
۶۵۷.....	۷-۳-۹- برگزیدن
۶۵۹.....	۷-۳-۱۰- رضایت
۶۵۹.....	۷-۳-۱۱- قانع بودن به دنیا
۶۶۱.....	۷-۳-۱۲- حفاظت دین از دنیا
۶۶۱.....	۷-۴- یاد
۶۶۱.....	۷-۴-۱- اعتنا
۶۶۱.....	۷-۵- چشم دوختن
۶۶۱.....	۷-۵-۱- چشم دوختن
۶۶۳.....	۷-۵-۲- چشم دوختن
۶۶۳.....	۷-۵-۳- چشم دوختن

﴿الفهرس﴾

٦٦٢.....	٧-٥-٤- النَّظَرُ إِلَى مَنْ فَوْقَهُ.....
٦٦٢.....	٧-٥- النَّعْظِيمُ.....
٦٦٢.....	٧-٥-١- الإِعْجَابُ.....
٦٦٢.....	٧-٥-٢- النَّعْظِيمُ فِي الْعَيْنِ.....
٦٦٤.....	٧-٥-٣- الرَّوْفُ.....
٦٦٤.....	٧-٥-٤- الإِكْرَامُ.....
٦٦٤.....	٧-٧- كَثْرَةُ الْأَكْلِ وَالضَّحْكَ وَالنَّوْمُ وَالْفَرَحُ.....
٦٦٤.....	٧-٧-١- الْأَكْلُ.....
٦٦٦.....	٧-٧-٢- الشُّرْبُ.....
٦٦٦.....	٧-٧-٣- الشَّعْبُ.....
٦٦٦.....	٧-٧-٤- الْغِنَى.....
٦٦٦.....	٧-٧-٥- التَّنْعِيمُ.....
٦٦٦.....	٧-٧-٦- التَّمَتُّعُ.....
٦٦٦.....	٧-٧-٧- النَّصِيبُ.....
٦٦٨.....	٧-٧-٨- التَّنَاوُلُ.....
٦٦٨.....	٧-٨- الْوُثُوقُ.....
٦٦٨.....	٧-٨-١- حُسْنُ الظَّنِّ.....
٦٦٨.....	٧-٨-٢- الْأَمْنُ.....
٦٦٨.....	٧-٨-٣- السَّكَنُ.....
٦٦٨.....	٧-٨-٤- الْأَنْسُ.....
٦٧٠.....	٧-٨-٥- الرُّكُونُ.....
٦٧٢.....	٧-٨-٦- الإِطْمِئْنَانُ.....
٦٧٤.....	٧-٨-٧- الْيَقِينُ.....
٦٧٤.....	٧-٨-٨- الإِغْتِصَامُ.....
٦٧٤.....	٧-٨-٩- الإِغْنِمَادُ.....
٦٧٤.....	٧-٨-١٠- التَّمَسُّكُ.....
٦٧٤.....	٧-٨-١١- الْوُثُوقُ.....
٦٧٦.....	٧-٨-١٢- الْإِوَاءُ.....
٦٧٦.....	٧-٨-١٣- الإِحْكَامُ.....
٦٧٦.....	٧-٩- اللَّذَّةُ.....
٦٧٦.....	٧-٩-١- اللَّهْوُ.....
٦٧٨.....	٧-٩-٢- اللَّعْبُ.....

﴿فهرست﴾

۶۶۳.....	۷-۵-۴ نگاه به بالادست
۶۶۳.....	۷-۶ بزرگ‌دانستن
۶۶۳.....	۷-۶-۱ شیفتگی
۶۶۳.....	۷-۶-۲ در چشم بزرگ جلوه کردن
۶۶۵.....	۷-۶-۳ خوش آمدن
۶۶۵.....	۷-۶-۴ بزرگداشت
۶۶۵.....	۷-۷ فراوانی خواب و خوراک
۶۶۵.....	۷-۷-۱ خوردن
۶۶۷.....	۷-۷-۲ نوشیدن
۶۶۷.....	۷-۷-۳ سیر کردن خود
۶۶۷.....	۷-۷-۴ توانگری و دارایی
۶۶۷.....	۷-۷-۵ در نعمت بودن
۶۶۷.....	۷-۷-۶ بهره بردن
۶۶۷.....	۷-۷-۷ بهره برداری
۶۶۹.....	۷-۷-۸ دستیابی
۶۶۹.....	۷-۸ اعتماد
۶۶۹.....	۷-۸-۱ حسن ظن
۶۶۹.....	۷-۸-۲ اطمینان کردن
۶۶۹.....	۷-۸-۳ آرامش گرفتن
۶۶۹.....	۷-۸-۴ انس
۶۷۱.....	۷-۸-۵ اعتماد
۶۷۳.....	۷-۸-۶ اطمینان
۶۷۵.....	۷-۸-۷ یقین
۶۷۵.....	۷-۸-۸ چنگ زدن
۶۷۵.....	۷-۸-۹ اعتماد
۶۷۵.....	۷-۸-۱۰ آویختن
۶۷۵.....	۷-۸-۱۱ اعتماد
۶۷۷.....	۷-۸-۱۲ پناهگاه قرار دادن
۶۷۷.....	۷-۸-۱۳ محکم و استوار کردن
۶۷۷.....	۷-۹ لذت
۶۷۷.....	۷-۹-۱ سرگرمی
۶۷۹.....	۷-۹-۲ بازیچه

﴿الفهرس﴾

٦٧٨.....	٧-٩-٣- إِيْتَاذُ.....
٦٧٨.....	٧-٩-٤- الْفَرْحُ.....
٦٨٢.....	٧-٩-٥- الشَّعْفُ.....
٦٨٢.....	٧-٩-٦- السُّرُورُ.....
٦٨٢.....	٧-٩-٧- النَّشَاطُ.....
٦٨٢.....	٧-٩-٨- قُرُورَةُ الْعَيْنِ.....
٦٨٢.....	٧-١٠- الإِشْتِغَالُ عَنِ الْآخِرَةِ.....
٦٨٢.....	٧-١٠-١- الإِشْتِغَالُ.....
٦٨٦.....	٧-١٠-٢- مَنْ سَجَنَتْهُ الدُّنْيَا عَنِ الْآخِرَةِ.....
٦٨٦.....	٧-١٠-٣- غَلَبَةُ الدُّنْيَا عَلَى أَنْفُسِهِمْ.....
٦٨٦.....	٧-١٠-٤- مَلَكَتِ الدُّنْيَا زَمَامَ قُلُوبِهِمْ.....
٦٨٦.....	٧-١٠-٥- مَنْ مَلَكَتْهُ الدُّنْيَا.....
٦٨٨.....	٧-١٠-٦- يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ غَافِلُونَ.....
٦٨٨.....	٧-١١- الْعَمَلُ لِلدُّنْيَا.....
٦٨٨.....	٧-١١-١- الْعَمَلُ لِلدُّنْيَا.....
٦٩٠.....	٧-١١-٢- السَّعْيُ.....
٦٩٠.....	٧-١١-٣- الْخِدْمَةُ.....
٦٩٠.....	٧-١١-٤- الْمُبَادَرَةُ.....
٦٩٠.....	٧-١١-٥- الْوَتْبُ.....
٦٩٢.....	٧-١١-٦- الْإِجْتِهَادُ.....
٦٩٢.....	٧-١١-٧- التَّعَبُ.....
٦٩٢.....	٧-١٢- الْعُمُرَانُ.....
٦٩٢.....	٧-١٢-١- الْبِنَاءُ.....
٦٩٢.....	٧-١٢-٢- الْحَرْثُ.....
٦٩٢.....	٧-١٢-٣- التَّمْهِيدُ.....
٦٩٤.....	٧-١٢-٤- التَّوَسُّعُ.....
٦٩٤.....	٧-١٢-٥- الْعُمُرَانُ.....
٦٩٤.....	٧-١٢-٦- التَّزِينُ.....
٦٩٤.....	٧-١٢-٧- التَّنْعُشُ.....
٦٩٤.....	٧-١٣- إِيْتَارُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ.....
٦٩٤.....	٧-١٣-١- تَقْدِيمُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ.....
٦٩٤.....	٧-١٣-٢- إِيْتَارُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ.....

﴿فهرست﴾

۶۷۹.....	۷-۹-۳ لذت‌جویی.....
۶۷۹.....	۷-۹-۴ شادی.....
۶۸۳.....	۷-۹-۵ دلباخته.....
۶۸۳.....	۷-۹-۶ سرور.....
۶۸۳.....	۷-۹-۷ پرتحرک.....
۶۸۳.....	۷-۹-۸ روشن‌شدن دیدگان.....
۶۸۳.....	۷-۱۰- مشغول‌بودن به دنیا و غافل‌ماندن از آخرت.....
۶۸۳.....	۷-۱۰-۱ مشغول‌شدن.....
۶۸۷.....	۷-۱۰-۲ کسی که دنیای او را از سرای آخرت در زندان افکنده است.....
۶۸۷.....	۷-۱۰-۳ غالب‌شدن دنیا بر آن‌ها.....
۶۸۷.....	۷-۱۰-۴ دنیا افسار قلب آن‌ها را در دست گرفته.....
۶۸۷.....	۷-۱۰-۵ کسی که دنیا مالک او شده.....
۶۸۹.....	۷-۱۰-۶ فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند و از آخرت غافلند.....
۶۸۹.....	۷-۱۱- کار برای دنیا.....
۶۸۹.....	۷-۱۱-۱ کار برای دنیا.....
۶۹۱.....	۷-۱۱-۲ تلاش.....
۶۹۱.....	۷-۱۱-۳ خدمت.....
۶۹۱.....	۷-۱۱-۴ کوشش کردن.....
۶۹۱.....	۷-۱۱-۵ جهش برای دریافت.....
۶۹۳.....	۷-۱۱-۶ تلاش.....
۶۹۳.....	۷-۱۱-۷ سختی.....
۶۹۳.....	۷-۱۲- آبادکردن.....
۶۹۳.....	۷-۱۲-۱ بناکردن.....
۶۹۳.....	۷-۱۲-۲ کشت کردن.....
۶۹۳.....	۷-۱۲-۳ آماده کردن.....
۶۹۵.....	۷-۱۲-۴ وسعت‌دادن.....
۶۹۵.....	۷-۱۲-۵ آبادانی.....
۶۹۵.....	۷-۱۲-۶ آراستن.....
۶۹۵.....	۷-۱۲-۷ احیای مرده.....
۶۹۵.....	۷-۱۳- مقدم‌دانستن دنیا بر آخرت.....
۶۹۵.....	۷-۱۳-۱ پیش‌انداختن دنیا بر آخرت.....
۶۹۷.....	۷-۱۳-۲ مقدم‌دانستن دنیا بر آخرت.....

﴿الفهرس﴾

٧٠٠	٧-١٣-٣- تركُ الآخرةِ للدُّنيا
٧٠٠	٧-١٣-٤- يَبِيعُ الآخرةَ بالدُّنيا
٧٠٢	٧-١٣-٥- يَبِيعُ الآخرةَ بدُّنياً غيرَه
٧٠٢	٧-١٣-٦- تعويضُ الآخرةِ بالدُّنيا
٧٠٢	٧-١٣-٧- تبديلُ الآخرةِ بالدُّنيا
٧٠٤	٧-١٤- إيثَارُ الدُّنيا على الدِّينِ
٧٠٤	٧-١٤-١- تركُ الدِّينِ لِإِسْتِصْلَاحِ الدُّنيا
٧٠٤	٧-١٤-٢- مَنْ مَهَرَ الدُّنياَ دِينَهُ
٧٠٤	٧-١٤-٣- صِيَانَةُ الدُّنيا بالدِّينِ
٧٠٤	٧-١٤-٤- يَبِيعُ الدِّينَ بالدُّنيا
٧٠٤	٧-١٤-٥- وَقَايَةُ الدُّنيا بالدِّينِ
٧٠٦	٧-١٤-٦- تَخْصِيصُ الدُّنيا بالدِّينِ
٧٠٦	٧-١٤-٧- جَعْلُ الدُّنيا أَمَامَ الدِّينِ
٧٠٦	٧-١٤-٨- إِجْتِلَابُ الدُّنيا بالدِّينِ
٧٠٦	٧-١٥- الإفراطُ و الإكتنارُ
٧٠٦	٧-١٥-١- الزَّامُ الدُّنيا
٧٠٦	٧-١٥-٢- الإِخْلَادُ إِلَى الدُّنيا
٧٠٦	٧-١٥-٣- الْعُكُوفُ عَلَى الدُّنيا
٧٠٨	٧-١٥-٤- تَمْكِينُ أَتْنَاءِ الدُّنيا
٧٠٨	٧-١٥-٥- إِسْطِطَانُ الدُّنيا دَاراً
٧٠٨	٧-١٥-٥-١- كَانَ دُنْيَاكُمْ لَا تَزُولُ
٧٠٨	٧-١٥-٦- الإِشْتِبَاكُ فِي الدُّنيا
٧٠٨	٧-١٥-٧- الإِكْتِنَارُ مِنَ الدُّنيا
٧١٠	٧-١٥-٨- التَّكَاثُرُ
٧١٠	٧-١٥-٩- الإِسْتِكْنَارُ مِنَ الدُّنيا
٧١٠	٧-١٥-١٠- الإِتْرَافُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنيا
٧١٠	٧-١٥-١١- تَوْفِيرُ الْحَظِّ فِي الدُّنيا
٧١٠	٧-١٥-١٢- الإِصْرَارُ عَلَى الدُّنيا
٧١٠	٧-١٥-١٣- الإِكْبَابُ عَلَى الدُّنيا
٧١٠	٧-١٥-١٤- إِنَّمَا الْحَيَاةُ عِنْدَ بَعْضِهِم الدُّنيا
٧١٢	٧-١٥-١٥- الإِنْقِطَاعُ إِلَى الدُّنيا
٧١٢	٧-١٦- الحِرْصُ

﴿فهرست﴾

۷۰۱.....	۷-۱۳-۳- ترک آخرت برای کسب دنیا.....
۷۰۱.....	۷-۱۳-۴- آخرت را به دنیا فروختن
۷۰۳.....	۷-۱۳-۵- آخرت را به دنیای دیگران فروختن
۷۰۳.....	۷-۱۳-۶- عوض کردن آخرت با دنیا
۷۰۳.....	۷-۱۳-۷- بدل گرفتن دنیا در مقابل آخرت
۷۰۵.....	۷-۱۴- مقدم دانستن دنیا بر دین
۷۰۵.....	۷-۱۴-۱- ترک دین برای اصلاح دنیا
۷۰۵.....	۷-۱۴-۲- کسی که دین خود را کابین دنیا کند.....
۷۰۵.....	۷-۱۴-۳- حفظ دنیا به وسیله‌ی دین.....
۷۰۵.....	۷-۱۴-۴- فروختن دین و خریدن دنیا.....
۷۰۵.....	۷-۱۴-۵- حفاظت از دنیا به وسیله‌ی دین
۷۰۷.....	۷-۱۴-۶- نگهداری از دنیا به وسیله‌ی دین
۷۰۷.....	۷-۱۴-۷- قراردادن دنیا جلوتر از دین
۷۰۷.....	۷-۱۴-۸- دستیابی به دنیا به وسیله‌ی دین
۷۰۷.....	۷-۱۵- زیاده‌خواهی
۷۰۷.....	۷-۱۵-۱- ملازمت و همراهی با دنیا.....
۷۰۷.....	۷-۱۵-۲- میل به دنیا
۷۰۷.....	۷-۱۵-۳- سخت به دنیا چسبیدن
۷۰۹.....	۷-۱۵-۴- پذیرفتن فرزندان دنیا
۷۰۹.....	۷-۱۵-۵- دنیا را وطن گزیدن
۷۰۹.....	۷-۱۵-۵-۱- گویا دنیای شما پایان نمی‌پذیرد.....
۷۰۹.....	۷-۱۵-۶- درگیر دنیا بودن
۷۰۹.....	۷-۱۵-۷- توجه بسیار به دنیا
۷۱۱.....	۷-۱۵-۸- زیاده‌خواهی
۷۱۱.....	۷-۱۵-۹- طلب بسیار از دنیا
۷۱۱.....	۷-۱۵-۱۰- زندگی مرفّه و در ناز و نعمت دنیا
۷۱۱.....	۷-۱۵-۱۱- زیادی بهره از دنیا
۷۱۱.....	۷-۱۵-۱۲- اصرار بر دنیا
۷۱۱.....	۷-۱۵-۱۳- بر دنیا افتادن
۷۱۱.....	۷-۱۵-۱۴- زندگی در نزد بعضی فقط منحصر به دنیاست.....
۷۱۳.....	۷-۱۵-۱۵- دربرگرفتن دنیا
۷۱۳.....	۷-۱۶- حرص

﴿الفهرس﴾

٧١٢.....	٧-١٦-١- الطَّمَعُ.....
٧١٤.....	٧-١٦-٢- الحِرْصُ وَرَاجِعُ: كِتَابُ الحِرْصِ.....
٧٢٠.....	٧-١٦-٣- عَدَمُ الرِّضَا بِمَا يُجْزِيهِ مِنَ الدُّنْيَا.....
٧٢٠.....	٧-١٦-٤- عَدَمُ القَنَاعَةِ بِسِيرِ الدُّنْيَا.....
٧٢٠.....	٧-١٦-٥- الأَخْذُ فَوْقَ الكِفَايَةِ.....
٧٢٠.....	٧-١٦-٦- عَدَمُ المَبَالَاةِ بِحَرَامِ الدُّنْيَا.....
٧٢٠.....	٧-١٦-٧- البُخْلُ.....
٧٢٠.....	٧-١٦-٨- البُخْلُ بِالسَّيْرِ مِنَ الدُّنْيَا.....
٧٢٠.....	٧-١٧- العِبَادَةُ.....
٧٢٠.....	٧-١٧-١- اِتِّبَانُ الدُّنْيَا.....
٧٢٤.....	٧-١٧-٢- أَهْلُ الدُّنْيَا.....
٧٢٤.....	٧-١٧-٣- اِتِّخَاذُ الدُّنْيَا رِبًّا.....
٧٢٤.....	٧-١٧-٤- عِبْدُ الدُّنْيَا.....
٧٣٠.....	٧-١٨- الطَّاعَةُ.....
٧٣٠.....	٧-١٨-١- إِجَابَةُ الدُّنْيَا.....
٧٣٠.....	٧-١٨-٢- اِتِّبَاعُ الدُّنْيَا.....
٧٣٠.....	٧-١٩- اِجْتِلَابُ الدُّنْيَا.....
٧٣٠.....	٧-١٩-١- اِجْتِلَابُ الدُّنْيَا.....
٧٣٠.....	٧-١٩-٢- اَلْجَمْعُ مِنَ الدُّنْيَا.....
٧٣٠.....	٧-١٩-٣- أَخْذُ الدُّنْيَا.....
٧٣٢.....	٧-١٩-٤- الإِصَابَةُ مِنَ الدُّنْيَا.....
٧٣٢.....	٧-١٩-٥- الدُّخُولُ فِي الدُّنْيَا.....
٧٣٢.....	٧-٢٠- مُجَالَسَةُ أَتْنَاءِ الدُّنْيَا.....
٧٣٢.....	٧-٢٠-١- مُخَالَطَةُ أَتْنَاءِ الدُّنْيَا.....
٧٣٢.....	٧-٢٠-٢- مُجَالَسَةُ أَتْنَاءِ الدُّنْيَا.....
٧٣٢.....	٧-٢٠-٣- مَصَاحِبَةُ الدُّنْيَا.....
٧٣٤.....	٧-٢٠-٤- المَوَاصِلُ لِلدُّنْيَا، المَعْرِجُ عَلَى الدُّنْيَا.....
٧٣٤.....	٧-٢٠-٥- المَعْرِجُ عَلَى الدُّنْيَا.....
٧٣٤.....	٧-٢١- المُنَافَسَةُ عَلَى الدُّنْيَا.....
٧٣٤.....	٧-٢١-١- المُنَافَسَةُ عَلَى الدُّنْيَا.....
٧٣٤.....	٧-٢١-٢- التَّنَافُسُ.....
٧٣٤.....	٧-٢١-٣- المُسَارَعَةُ إِلَى الدُّنْيَا.....

﴿فهرست﴾

۷۱۳.....	۷-۱۶-۱..... طمع.....
۷۱۵.....	۷-۱۶-۲..... حرص و ور. به: کتاب حرص.....
۷۲۱.....	۷-۱۶-۳..... عدم رضایت به آن مقدار از دنیا که او را کفایت می کند.....
۷۲۱.....	۷-۱۶-۴..... قانع نشدن به سهم اندک.....
۷۲۱.....	۷-۱۶-۵..... بیشتر از نیاز خود کسب کردن.....
۷۲۱.....	۷-۱۶-۶..... بی باکی در استفاده از حرام دنیا.....
۷۲۱.....	۷-۱۶-۷..... بخل ورزیدن.....
۷۲۱.....	۷-۱۶-۷-۱..... بخل ورزیدن به مال اندک دنیا.....
۷۲۱.....	۷-۱۷..... بندگی.....
۷۲۱.....	۷-۱۷-۱..... دنیا پرست.....
۷۲۵.....	۷-۱۷-۲..... اهل دنیا.....
۷۲۷.....	۷-۱۷-۳..... دنیا را پروردگار خود قرار دادن.....
۷۲۷.....	۷-۱۷-۴..... بنده ی دنیا.....
۷۳۱.....	۷-۱۸..... فرمانبرداری.....
۷۳۱.....	۷-۱۸-۱..... اجابت کردن دنیا.....
۷۳۱.....	۷-۱۸-۲..... تبعیت از دنیا.....
۷۳۱.....	۷-۱۹..... کشاندن دنیا به سوی خود.....
۷۳۱.....	۷-۱۹-۱..... کشاندن دنیا به سوی خود.....
۷۳۱.....	۷-۱۹-۲..... جمع کردن دارایی های دنیوی.....
۷۳۱.....	۷-۱۹-۳..... دریافت دنیا.....
۷۳۳.....	۷-۱۹-۴..... هدف گیری دنیا.....
۷۳۳.....	۷-۱۹-۵..... ورود در دنیا.....
۷۳۳.....	۷-۲۰..... هم نشینی با فرزندان دنیا.....
۷۳۳.....	۷-۲۰-۱..... هم نشینی با فرزندان دنیا.....
۷۳۳.....	۷-۲۰-۲..... هم نشینی با فرزندان دنیا.....
۷۳۳.....	۷-۲۰-۳..... هم صحبتی با دنیا.....
۷۳۵.....	۷-۲۰-۴..... ارتباط به خاطر دنیا.....
۷۳۵.....	۷-۲۰-۵..... صاحبان مقامات دنیا.....
۷۳۵.....	۷-۲۱..... مسابقه برای رسیدن به دنیا.....
۷۳۵.....	۷-۲۱-۱..... رقابت بر سر دنیا.....
۷۳۷.....	۷-۲۱-۲..... مسابقه.....
۷۳۷.....	۷-۲۱-۳..... شتاب گرفتن به سوی دنیا.....

﴿الفهرس﴾

٧٣٦	٧-٢١-٤- التَّكَاثُبُ عَلَى الدُّنْيَا
٧٣٦	٧-٢١-٥- المُنَازَعَةُ
٧٣٨	٧-٢١-٦- الإِفْتِتَالُ عَلَى الدُّنْيَا
٧٣٨	٧-٢٢- التَّدْلُّ
٧٣٨	٧-٢٢-١- التَّدْلُّ
٧٣٨	٧-٢٢-٢- التَّضَعُّعُ
٧٣٨	٧-٢٣- الحُزْنُ وَالْأَسَى وَالْأَسْفُ
٧٣٨	٧-٢٣-١- الحُزْنُ
٧٣٨	٧-٢٣-١-١- الحُزْنُ عَلَى الدُّنْيَا
٧٤٠	٧-٢٣-١-٢- الحُزْنُ لِيُؤْسِ الدُّنْيَا
٧٤٠	٧-٢٣-١-٣- الحُزْنُ عَلَى مَا فَاتَ مِنَ الدُّنْيَا
٧٤٠	٧-٢٣-١-٤- الحُزْنُ عِنْدَ إِذْبَارِهَا
٧٤٠	٧-٢٣-١-٥- الحُزْنُ عِنْدَ إِصْرَافِ الدُّنْيَا
٧٤٠	٧-٢٣-٢- الْأَسَى
٧٤٢	٧-٢٣-٣- الْأَسْفُ
٧٤٢	٧-٢٣-٤- الْجَزَعُ مِنْ ضَرَاءِ الدُّنْيَا
٧٤٢	٧-٢٣-٥- الْقَلْقُ عَلَى قَوْتِ الْيَسِيرِ مِنَ الدُّنْيَا
٧٤٢	٧-٢٣-٦- الْحَنِينُ عَلَى مَا فَاتَ
٧٤٢	٧-٢٣-٧- سَخَاءُ النَّفْسِ عَمَّا فَاتَ مِنَ الدُّنْيَا
٧٤٤	٧-٢٣-٨- الْبُكَاءُ عَلَى الدُّنْيَا
٧٤٤	٧-٢٤- تَرْكُ الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا
٧٤٤	٧-٢٤-١- الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا
٧٤٤	٧-٢٤-٢- تَرْكُ الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا
٧٤٤	٧-٢٤-٣- خُتْلُ الدُّنْيَا
٧٤٤	٧-٢٤-٤- طَلَبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ
٧٤٤	٧-٢٥- اللَّعْنُ وَالسَّبُّ
٧٤٤	٧-٢٥-١- اللَّعْنُ
٧٤٤	٧-٢٥-٢- السَّبُّ
٧٤٤	٧-٢٥-٣- الدَّمُّ مِنْ غَيْرِ الْمَعْرِفَةِ
٧٤٨	٧-٢٦- الْمُصَارَعَةُ مَعَ الدُّنْيَا
٧٤٨	٧-٢٧- الإِغْتِرَارُ
٧٤٨	٧-٢٧-١- الإِغْتِرَارُ

﴿فهرست﴾

۷۳۷.....	۴-۲۱-۷- زد و خورد بر سر دنیا.....
۷۳۷.....	۵-۲۱-۷- ستیز کردن.....
۷۳۹.....	۶-۲۱-۷- کشتار بر سر دنیا.....
۷۳۹.....	۲۲-۷- احساس خواری در دنیا.....
۷۳۹.....	۱-۲۲-۷- فروتنی.....
۷۳۹.....	۲-۲۲-۷- تواضع.....
۷۳۹.....	۲۳-۷- حزن و ناراحتی و افسوس.....
۷۳۹.....	۱-۲۳-۷- حزن و ناراحتی.....
۷۳۹.....	۱-۱-۲۳-۷- حزن بر دنیا.....
۷۴۱.....	۲-۱-۲۳-۷- حزن بر سختی دنیا.....
۷۴۱.....	۳-۱-۲۳-۷- حزن بر آنچه از دنیا از دست می‌رود.....
۷۴۱.....	۴-۱-۲۳-۷- حزن و اندوه هنگام پشت کردن دنیا.....
۷۴۱.....	۵-۱-۲۳-۷- حزن و اندوه هنگام برگشتن دنیا.....
۷۴۱.....	۲-۲۳-۷- غمگین شدن.....
۷۴۳.....	۳-۲۳-۷- افسوس.....
۷۴۳.....	۴-۲۳-۷- عجز و درماندگی از گرفتاری‌های دنیا.....
۷۴۳.....	۵-۲۳-۷- اضطراب به خاطر اندک نصیبی از دنیا که از دست می‌رود.....
۷۴۳.....	۶-۲۳-۷- دل سوختن بر آنچه از دست رفته.....
۷۴۳.....	۷-۲۳-۷- مستحق دانستن خود به خاطر آنچه از دنیا از دست رفته.....
۷۴۵.....	۸-۲۳-۷- گریه برای دنیا.....
۷۴۵.....	۴-۲۴-۷- ترک دنیا برای کسب دنیا.....
۷۴۵.....	۱-۲۴-۷- زهدورزی به خاطر دنیا.....
۷۴۵.....	۲-۲۴-۷- ترک دنیا برای کسب دنیا.....
۷۴۷.....	۳-۲۴-۷- به دست آوردن دنیا با نیرنگ.....
۷۴۷.....	۴-۲۴-۷- درخواست رسیدن به دنیا با اعمال اخروی.....
۷۴۷.....	۲۵-۷- لعن و ناسزا.....
۷۴۷.....	۱-۲۵-۷- لعن.....
۷۴۷.....	۲-۲۵-۷- ناسزا.....
۷۴۷.....	۳-۲۵-۷- نکوهش بدون شناخت.....
۷۴۹.....	۲۶-۷- زورآزمایی با دنیا.....
۷۴۹.....	۲۷-۷- فریفته شدن و فریب خوردن.....
۷۴۹.....	۱-۲۷-۷- فریفته شدن.....

﴿الفهرس﴾

٧٤٨.....	٧-٢٧-٢- الغرورُ
٧٥٦.....	٧-٢٧-٣- الإغواءُ
٧٥٦.....	٧-٢٧-٤- الاستغواءُ
٧٥٦.....	٧-٢٧-٥- الإغراءُ
٧٥٦.....	٧-٢٧-٦- التزئيمُ
٧٥٦.....	٧-٢٧-٧- التلبيسُ
٧٥٨.....	٧-٢٨- الغفلةُ و عدمُ التدبُّرِ
٧٥٨.....	٧-٢٨-١- الغفلةُ
٧٥٨.....	٧-٢٨-٢- عدمُ التدبُّرِ
٧٥٨.....	٧-٢٩- تركُ الدنيا لِلآخرةِ
٧٥٨.....	٧-٢٩-١- تركُ الدنيا لِلآخرةِ
٧٥٨.....	٧-٢٩-٢- النسيانُ
٧٥٨.....	٧-٢٩-٣- الرهبانيةُ
٧٦٠.....	٧-٢٩-٤- الكسلانُ عَنِ أمرِ الدنيا
٧٦٠.....	٧-٢٩-٥- التفريطُ
٧٦٠.....	٧-٢٩-٦- رفضُ الدنيا
٧٦٢.....	الفصلُ الثَّامنُ: المَناهجُ المُصِيبَةُ فِي المَواجَهَةِ بِالدُّنْيَا
٧٦٢.....	٨-١- الوَهْنُ
٧٦٢.....	٨-١-١- التَّصْغِيرُ، التَّحْقِيرُ، التَّهْوِينُ، التَّقْصِيرُ
٧٦٢.....	٨-١-١-١- التَّصْغِيرُ
٧٦٢.....	٨-١-١-٢- التَّحْقِيرُ
٧٦٤.....	٨-١-١-٢-١- مَنْ لَمْ تَجْعَلِ الدُّنْيَا لِنَفْسِهِ فِي نَفْسِهِ خَطَرًا
٧٦٦.....	٨-١-١-٢-٢- مَنْ لَمْ يَجْعَلِ لِلدُّنْيَا عِنْدَهُ خَطَرًا
٧٦٦.....	٨-١-١-٢-٣- مَنْ لَمْ يَرِ الدُّنْيَا خَطَرًا لِنَفْسِهِ
٧٦٦.....	٨-١-١-٢-٤- لَا يَضُرُّكَ مَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا
٧٦٦.....	٨-١-١-٢-٥- مَا فَاتَكَ غَنِيمَةٌ
٧٦٦.....	٨-١-١-٢-٦- لَا يُبَالِي مَنْ أَكَلَ الدُّنْيَا
٧٦٦.....	٨-١-١-٢-٧- مَا يَسْرُنِي أَنَّ لِي الدُّنْيَا بِمَا فِيهَا
٧٦٦.....	٨-١-١-٢-٨- أَنْ تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَكَ سِجْنًا
٧٦٨.....	٨-١-١-٢-٩- أَنْ لَا نُعْطِيَ الدُّنْيَا خَيْرَ لَنَا
٧٦٨.....	٨-١-١-٢-١٠- ضَحَكَةُ مُسْتَعْبِرٍ
٧٦٨.....	٨-١-١-٢-١١- لَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا بِأَجْمَعِهَا لُقْمَةً فِي فَمِ طِفْلِ لَرَحْمَنَاهُ

﴿ فهرست ﴾

۷۴۹.....	۷-۲۷-۲- فریب
۷۵۷.....	۷-۲۷-۳- گمراهی
۷۵۷.....	۷-۲۷-۴- اغواکردن
۷۵۷.....	۷-۲۷-۵- فریب دادن
۷۵۷.....	۷-۲۷-۶- زینت دادن
۷۵۷.....	۷-۲۷-۷- مشتبّه کردن
۷۵۹.....	۷-۲۸- غفلت و بی تدبیری
۷۵۹.....	۷-۲۸-۱- غفلت
۷۵۹.....	۷-۲۸-۲- بی تدبیری
۷۵۹.....	۷-۲۹- ترک دنیا به خاطر آخرت و رهبانیت
۷۵۹.....	۷-۲۹-۱- ترک دنیا به خاطر آخرت
۷۵۹.....	۷-۲۹-۲- فراموشی
۷۵۹.....	۷-۲۹-۳- رهبانیت
۷۶۱.....	۷-۲۹-۴- کاهلی در کار دنیا
۷۶۱.....	۷-۲۹-۵- کم گذاشتن
۷۶۱.....	۷-۲۹-۶- ردّ کردن دنیا
۷۶۳.....	فصل ۸: روش های برخورد مناسب با دنیا
۷۶۳.....	۸-۱- سبک شمردن و بی توجهی
۷۶۳.....	۸-۱-۱- کوچک شمردن، پست کردن، خوار کردن، خوار و کوچک دانستن
۷۶۳.....	۸-۱-۱-۱- کوچک شمردن
۷۶۳.....	۸-۱-۱-۲- پست شمردن
۷۶۵.....	۸-۱-۲-۱- کسی که دنیا برای او در درونش مهم نباشد
۷۶۷.....	۸-۱-۲-۲- کسی که برای دنیا ارزش و مقام قائل نباشد
۷۶۷.....	۸-۱-۲-۳- کسی که دنیا را برای خود ارزشمند نداند
۷۶۷.....	۸-۱-۲-۴- چیزی که از دست داده ای به تو ضرر نخواهد زد
۷۶۷.....	۸-۱-۲-۵- چیزی که از دست رفت، غنیمت است
۷۶۷.....	۸-۱-۲-۶- مهم نیست که چه کسی دنیا را می خورد
۷۶۷.....	۸-۱-۲-۷- خوش ندارم که دنیا و ما فیهای آن برای من باشد
۷۶۷.....	۸-۱-۲-۸- دنیا نزد تو زندان باشد
۷۶۹.....	۸-۱-۲-۹- اگر دنیا به ما نرسد برای ما بهتر است
۷۶۹.....	۸-۱-۲-۱۰- خنده ی فرد گریان
۷۶۹.....	۸-۱-۲-۱۱- اگر تمام دنیا لقمه کوچک کودکانه و لذیذ باشد، آن را نمی خوریم

﴿الفهرس﴾

٧٦٨.....	٨١-٢-٣- التَّهْوِينُ.....
٧٧٢.....	٨١-٢-٣-١- الدُّنْيَا خُلِقَتْ لِعَيْرِهَا لَا لِنَفْسِهَا.....
٧٧٢.....	٨١-٢-٣-٢- مَا زُوِيَ عَنْ عَبْدٍ إِلَّا اخْتِبَارًا.....
٧٧٢.....	٨١-٢-٤- التَّقْصِيرُ.....
٧٧٢.....	٨١-٢-٤-١- إِقْتِصَارُ الْعُمْرِ.....
٧٧٢.....	٨١-٢-٤-٢- اِعْمَلْ بِقَدْرِ عُمْرِكَ.....
٧٧٢.....	٨١-٢-٤-٣- اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ بِقَدْرِ مَقَامِكَ فِيهَا.....
٧٧٤.....	٨١-٢-٥- التَّقْلِيلُ.....
٧٧٤.....	٨١-٢-٥-١- تَقْلِيلُ الْعُرْجَةِ عَلَى الدُّنْيَا.....
٧٧٤.....	٨١-٢- كَالظِّلِّ وَالْمَنَامِ.....
٧٧٤.....	٨١-٢-١- مِثْلُ الظِّلِّ.....
٧٧٤.....	٨١-٢-٢- مِثْلُ الْمَنَامِ.....
٧٧٤.....	٨١-٣- كَالنَّظَرِ بِالْحَقِيقَةِ.....
٧٧٤.....	٨١-٣-١- الْحَقِيقَةُ.....
٧٧٤.....	٨١-٣-٢- الْمَيِّتَةُ.....
٧٧٤.....	٨١-٤- كَالْعَابِرِ.....
٧٧٤.....	٨١-٤-١- الدُّنْيَا مَعْبَرٌ.....
٧٨٠.....	٨١-٤-٢- الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍ.....
٧٨٠.....	٨١-٤-٣- الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ فَنَظْرَةٍ.....
٧٨٠.....	٨١-٤-٤- الدُّنْيَا كَبَيْتٍ لَهُ بَابَانِ.....
٧٨٠.....	٨١-٤-٥- لَيْسَتْ الدُّنْيَا دَارَ قَرَارٍ.....
٧٨٠.....	٨١-٤-٦- سَاكِنُ الدُّنْيَا كَسَاكِنِ دَارٍ لَيْسَتْ لَهُ.....
٧٨٠.....	٨١-٤-٧- لَيْسَتْ الدُّنْيَا لَهُمْ بَدَارٌ.....
٧٨٠.....	٨١-٤-٨- خُلِقَتِ الدُّنْيَا مَجَازًا.....
٧٨٢.....	٨١-٤-٩- الدُّنْيَا كَمِثْلِ مَنْزِلٍ نَزَلَتْهُ سَاعَةً.....
٧٨٢.....	٨١-٤-١٠- الدُّنْيَا كَمَكَانٍ الْإِسْتِرَاحَةِ.....
٧٨٢.....	٨١-٥- كَالْمُرْتَجِلِ.....
٧٨٢.....	٨١-٥-١- يَرْتَجِلُ الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى رَبِّهِ.....
٧٨٢.....	٨١-٥-٢- كُونُوا فِي الدُّنْيَا أَضْيَافًا.....
٧٨٤.....	٨١-٥-٣- انْظُرُوا فِي الدُّنْيَا نَظَرَ الزَّاهِدِ الْمُفَارِقِ.....
٧٨٤.....	٨١-٥-٤- كُنْ عَنِ الدُّنْيَا عَلَى قُلْعَةٍ.....
٧٨٤.....	٨١-٥-٥- الْإِنْتِقَالَ.....

﴿فهرست﴾

۷۶۹.....	۸۱-۲-۳- خوار دانستن
۷۷۳.....	۸۱-۲-۳-۱- دنیا برای غیر خود خلق شده، نه برای خودش
۷۷۳.....	۸۱-۲-۳-۲- چیزی از وی جز امتحان گرفته نشد
۷۷۳.....	۸۱-۲-۴- خوار و کوچک دانستن
۷۷۳.....	۸۱-۲-۴-۱- کوتاهی عمر
۷۷۳.....	۸۱-۲-۴-۲- به اندازه‌ی عمرت، برای دنیا تلاش کن
۷۷۳.....	۸۱-۲-۴-۳- به اندازه‌ی مدتی که در دنیا خواهی ماند، برای آن تلاش کن
۷۷۵.....	۸۱-۲-۵- کم شمردن
۷۷۵.....	۸۱-۲-۵-۱- کم ماندن در دنیا
۷۷۵.....	۸۱-۲- مثل سایه و یا رؤیا
۷۷۵.....	۸۱-۲-۱- مثل سایه
۷۷۵.....	۸۱-۲-۲- مثل خواب
۷۷۷.....	۸۱-۳- همانند نگاه به مردار
۷۷۷.....	۸۱-۳-۱- مردار
۷۷۷.....	۸۱-۳-۲- مردار
۷۷۷.....	۸۱-۴- مانند رهگذر
۷۷۷.....	۸۱-۴-۱- دنیا گذرگاه است
۷۸۱.....	۸۱-۴-۲- دنیا محل عبور است
۷۸۱.....	۸۱-۴-۳- دنیا همچون پلی است
۷۸۱.....	۸۱-۴-۴- دنیا مانند یک خانه با دو در است
۷۸۱.....	۸۱-۴-۵- دنیا خانه‌ی آرامش نیست
۷۸۱.....	۸۱-۴-۶- ساکن دنیا همانند ساکن خانه‌ای است که ملک خودش نیست
۷۸۱.....	۸۱-۴-۷- دنیا خانه و مسکن آدمیان نیست
۷۸۱.....	۸۱-۴-۸- دنیا گذرگاه آفریده شده است
۷۸۳.....	۸۱-۴-۹- دنیا مانند منزلی است که لحظه‌ای در آن اتراق کرده‌ای
۷۸۳.....	۸۱-۴-۱۰- دنیا همچون استراحت‌گاه است
۷۸۳.....	۸۱-۵- همچون کوچ کننده
۷۸۳.....	۸۱-۵-۱- مؤمن از دنیا به سوی پروردگارش سفر می کند
۷۸۳.....	۸۱-۵-۲- در دنیا همچون مهمان باشید
۷۸۵.....	۸۱-۵-۳- به دنیا مانند زاهدان نظر کنید که از آن جدا می شود
۷۸۵.....	۸۱-۵-۴- دنیا را منزل موقت به حساب آور
۷۸۵.....	۸۱-۵-۵- جابه جایی

﴿الفهرس﴾

٧٨٤	٨١-٥-٦- التَّحَوُّلُ
٧٨٦	٨١-٥-٧- فَكُنْ فِي الدُّنْيَا غَرِيبًا
٧٨٦	٨١-٦- النَّظَرُ بِزَوَالِهِ
٧٨٦	٨١-٦-١- الزَّوَالُ
٧٨٦	٨١-٦-٢- الْفَنَاءُ
٧٨٦	٨١-٦-٢-١- الْيَقِينُ بِفَنَاءِ الدُّنْيَا
٧٨٨	٨١-٦-٢-٢- ذِكْرُ فَنَاءِ الدُّنْيَا
٧٨٨	٨١-٧- التَّعْوِيزُ وَالتَّنْذِيلُ وَالتَّصَرُّفُ وَالرَّدُّ
٧٨٨	٨١-٧-١- التَّعْوِيزُ
٧٨٨	٨١-٧-٢- التَّنْذِيلُ
٧٨٨	٨١-٧-٣- التَّصَرُّفُ
٧٨٨	٨١-٧-٤- الدُّنْيَا عِنْدَهُمْ وَدَيْعَةُ
٧٨٨	٨٢- الزُّهْدُ وَالتَّرْكُ وَرَاجِعُ كِتَابِ الزُّهْدِ
٧٨٨	٨٢-١- بَدَنُهُ فِي الدُّنْيَا وَقَلْبُهُ فِي الْآخِرَةِ
٧٩٠	٨٢-٢- يَبِيعُ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ
٧٩٠	٨٢-٣- تَرُكُ الدُّنْيَا
٧٩٤	٨٢-٤- التَّوْبَةُ
٧٩٤	٨٢-٥- تَجَرُّدُ الْخَوَاطِرِ
٧٩٤	٨٢-٦- جَعْلُ الدُّنْيَا شَوْكًا
٧٩٤	٨٢-٧- مُجَانَبَةُ شِبْهَاتِ الدُّنْيَا
٧٩٤	٨٢-٨- الْحَذَرُ
٧٩٨	٨٢-٩- التَّحَرُّجُ
٧٩٨	٨٢-١٠- التَّحَرُّزُ
٧٩٨	٨٢-١١- الْحُمَى
٧٩٨	٨٢-١٢- إِخْرَاجُ الْقَلْبِ مِنَ الدُّنْيَا
٨٠٠	٨٢-١٣- التَّخَلُّی
٨٠٠	٨٢-١٤- الإِدْبَارُ
٨٠٠	٨٢-١٥- الدَّفْعُ
٨٠٠	٨٢-١٦- الْمَدَاوَاةُ
٨٠٠	٨٢-١٧- الرَّدُّ عَلَى عَقِبِهَا
٨٠٠	٨٢-١٨- الرَّدْعُ
٨٠٠	٨٢-١٩- الرِّفْضُ

﴿فهرست﴾

۷۸۵.....	۸۱-۵۶ کوچ کردن
۷۸۷.....	۸۱-۵۷ در دنیا غریب باش
۷۸۷.....	۸۱-۶ توجه به ناپایداری دنیا
۷۸۷.....	۸۱-۶-۱ زوال
۷۸۷.....	۸۱-۶-۲ فنا
۷۸۷.....	۸۱-۶-۲-۱ یقین به فناء دنیا
۷۸۹.....	۸۱-۶-۲-۲ یاد فناء دنیا کردن
۷۸۹.....	۸۱-۷ تعویض و تبدیل و تغییر و رد کردن
۷۸۹.....	۸۱-۷-۱ عوض و مقابل
۷۸۹.....	۸۱-۷-۲ تبدیل کردن
۷۸۹.....	۸۱-۷-۳ تغییر
۷۸۹.....	۸۱-۷-۴ دنیا در نزدشان چون امانت است
۷۸۹.....	۸۲-۱ عدم رغبت و ترک و ربه: کتاب زهد
۷۸۹.....	۸۲-۱ جسمش همراه اهل دنیا اما دل و عقلش نگران آخرت است
۷۹۱.....	۸۲-۲ فروش دنیا در مقابل آخرت
۷۹۱.....	۸۲-۳ ترک دنیا کردن
۷۹۵.....	۸۲-۴ توبه کردن
۷۹۵.....	۸۲-۵ زدوده شدن خاطرات دنیا
۷۹۵.....	۸۲-۶ دنیا را خارستان حساب کردن
۷۹۷.....	۸۲-۷ دوری کردن از شبهه های دنیا
۷۹۷.....	۸۲-۸ حذر کردن
۷۹۹.....	۸۲-۹ دوری کردن
۷۹۹.....	۸۲-۱۰ دوری کردن
۷۹۹.....	۸۲-۱۱ دور شدن
۷۹۹.....	۸۲-۱۲ خارج کردن دل از دنیا
۸۰۱.....	۸۲-۱۳ خالی کردن
۸۰۱.....	۸۲-۱۴ پشت کردن
۸۰۱.....	۸۲-۱۵ دفع کردن
۸۰۱.....	۸۲-۱۶ مداوا کردن
۸۰۱.....	۸۲-۱۷ برگرداندن
۸۰۱.....	۸۲-۱۸ بازداشتن
۸۰۱.....	۸۲-۱۹ رها کردن

﴿الفهرس﴾

٨٠٤.....	٨٢-٢٠- رَفَعُ الْعَقْلُ.....
٨٠٤.....	٨٢-٢١- الزُّهْدُ وَرَاجِعُ: كِتَابُ الزُّهْدِ.....
٨٢٨.....	٨٢-٢٢- عَدَمُ الْأَسَى.....
٨٢٨.....	٨٢-٢٣- عَدَمُ الْحُزْنِ.....
٨٣٠.....	٨٢-٢٤- عَدَمُ الْفَرَحِ وَ السُّرُورِ.....
٨٣٠.....	٨٢-٢٤-١- عَدَمُ الْفَرَحِ.....
٨٣٠.....	٨٢-٢٤-٢- الْعُرْبَةُ.....
٨٣٠.....	٨٢-٢٤-٣- الْحُزْنُ.....
٨٣٢.....	٨٢-٢٥- عَدَمُ الْإِثْفَاتِ إِلَى خَرَابِهِ.....
٨٣٢.....	٨٢-٢٦- لَمْ يُبَالِ الدُّنْيَا فِي يَدٍ مَنْ كَانَتْ.....
٨٣٢.....	٨٢-٢٧- لَا يُبَالِي عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا.....
٨٣٢.....	٨٢-٢٨- لَا يُبَالِي مَنْ أَكَلَ الدُّنْيَا.....
٨٣٢.....	٨٢-٢٩- لَا يُبَالُونَ مَا انْتَقَصَ مِنْ دُنْيَاهُمْ.....
٨٣٤.....	٨٢-٣٠- مَا لِي وَلِلدُّنْيَا.....
٨٣٤.....	٨٢-٣١- لَمْ يُرِيدُوهَا.....
٨٣٤.....	٨٢-٣٢- لَا يَخْشَدُ عَلَى الدُّنْيَا.....
٨٣٤.....	٨٢-٣٣- سَخَا النَّفْسُ الدُّنْيَا.....
٨٣٤.....	٨٢-٣٤- السَّلَامَةُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا.....
٨٣٤.....	٨٢-٣٥- السَّلَامَةُ مِنْ عِلَاقِ الدُّنْيَا.....
٨٣٤.....	٨٢-٣٦- السَّلَوُ.....
٨٣٤.....	٨٢-٣٧- الصَّبْرُ.....
٨٣٤.....	٨٢-٣٨- الصَّرْفُ.....
٨٣٨.....	٨٢-٣٩- الإِطْرَاحُ.....
٨٣٨.....	٨٢-٤٠- الإِطْفَاءُ.....
٨٣٨.....	٨٢-٤١- الطَّلَاقُ.....
٨٤٠.....	٨٢-٤٢- طَيِّبُ النَّفْسِ عَنِ الدُّنْيَا وَ الْإِنْطَوَاءُ عَنْهَا.....
٨٤٠.....	٨٢-٤٣- الظِّلْفُ.....
٨٤٠.....	٨٢-٤٤- عَدَمُ الْإِطْمِئْنَانِ.....
٨٤٠.....	٨٢-٤٥- عَدَمُ الْإِشْتِغَالِ.....
٨٤٠.....	٨٢-٤٦- الْإِعْرَاضُ.....
٨٤٢.....	٨٢-٤٧- الْإِعْزَالُ.....
٨٤٢.....	٨٢-٤٨- الْعُرُوبُ.....

﴿فهرست﴾

۸۰۵.....	۸۲-۲۰ برداشتن دلبستگی.....
۸۰۵.....	۸۲-۲۱ زهد و ر.به: کتاب زهد.....
۸۲۹.....	۸۲-۲۲ غمگین نشدن.....
۸۲۹.....	۸۲-۲۳ غصه نخوردن.....
۸۳۱.....	۸۲-۲۴ عدم خوشحالی و شادمانی.....
۸۳۱.....	۸۲-۲۴-۱ عدم خوشحالی.....
۸۳۱.....	۸۲-۲۴-۲ احساس غربت.....
۸۳۱.....	۸۲-۲۴-۳ اندوه.....
۸۳۳.....	۸۲-۲۵ بی‌توجهی به خراب‌شدن دنیا.....
۸۳۳.....	۸۲-۲۶ برایش مهم نیست که دنیا در دستان کیست.....
۸۳۳.....	۸۲-۲۷ نسبت به زندگی دنیا بی‌تفاوت است.....
۸۳۳.....	۸۲-۲۸ برایش مهم نیست که چه کسی دنیا را می‌خورد.....
۸۳۳.....	۸۲-۲۹ برایشان مهم نیست که نقصی به دنیایشان وارد شود.....
۸۳۵.....	۸۲-۳۰ مرا با دنیا چکار؟!.....
۸۳۵.....	۸۲-۳۱ دنیا را نمی‌خواهند.....
۸۳۵.....	۸۲-۳۲ بر دنیا حسد نورزد.....
۸۳۵.....	۸۲-۳۳ دل‌بریدن از دنیا.....
۸۳۵.....	۸۲-۳۴ به سلامت گذاشتن از حبّ دنیا.....
۸۳۵.....	۸۲-۳۵ به سلامت گذاشتن از دنیاپرستی.....
۸۳۷.....	۸۲-۳۶ خارج کردن فکر از سر.....
۸۳۷.....	۸۲-۳۷ صبر.....
۸۳۷.....	۸۲-۳۸ روگرداندن.....
۸۳۹.....	۸۲-۳۹ با بی‌اعتنایی دورانداختن.....
۸۳۹.....	۸۲-۴۰ خاموش کردن.....
۸۳۹.....	۸۲-۴۱ طلاق.....
۸۴۱.....	۸۲-۴۲ پاک کردن نفس از آرزوهای دنیوی و دوری‌جستن از آن.....
۸۴۱.....	۸۲-۴۳ دور کردن.....
۸۴۱.....	۸۲-۴۴ عدم اطمینان.....
۸۴۱.....	۸۲-۴۵ مشغول نشدن.....
۸۴۱.....	۸۲-۴۶ پشت کردن.....
۸۴۳.....	۸۲-۴۷ دل‌بریدن.....
۸۴۳.....	۸۲-۴۸ دور شدن.....

﴿الفهرس﴾

٨٤٤	 العَزْفُ ٨٢-٤٩
٨٤٤	 التَّعَفُّفُ ٨٢-٥٠
٨٤٤	 العُصْبَانُ ٨٢-٥١
٨٤٤	 العَاقُ ٨٢-٥٢
٨٤٤	 الإِغْمَاضُ ٨٢-٥٣
٨٤٤	 العِنَى ٨٢-٥٤
٨٤٤	 الفِرَارُ ٨٢-٥٥
٨٤٤	 التَّفْرِغُ ٨٢-٥٦
٨٤٤	 الإِفْلَاتُ ٨٢-٥٧
٨٤٤	 القُبْضُ ٨٢-٥٨
٨٤٤	 القَرَضُ ٨٢-٥٩
٨٤٤	 قَصْرُ الْأَمَلِ ٨٢-٦٠
٨٤٤	 الْقَضْمُ ٨٢-٦١
٨٤٨	 الْقَطْعُ ٨٢-٦٢
٨٤٨	 الْقَعُودُ ٨٢-٦٣
٨٤٨	 مَنَعُ اللَّذَاتِ ٨٢-٦٤
٨٥٠	 إِمَانَةُ ذِكْرِ الدُّنْيَا فِي النَّفْسِ ٨٢-٦٥
٨٥٠	 النَّبْذُ ٨٢-٦٦
٨٥٠	 النَّزْعُ ٨٢-٦٧
٨٥٠	 التَّنْزِيهُ ٨٢-٦٨
٨٥٠	 نَسْيَانُ الذَّكْرِ ٨٢-٦٩
٨٥٢	 لَا يَنْظُرُونَ إِلَيْهَا ٨٢-٧٠
٨٥٢	 الْهَرَبُ ٨٢-٧١
٨٥٢	 الْوَحْشَةُ ٨٢-٧٢
٨٥٢	 الْوَدَاعُ ٨٢-٧٣
٨٥٤	 الْوَضْعُ ٨٢-٧٤
٨٥٤	 الْوُقُوفُ ٨٢-٧٥
٨٥٤	 الْإِتِّقَاءُ ٨٢-٧٦
٨٥٤	 التَّقْدِيمُ مِنَ الدُّنْيَا ٨٢-٧٧
٨٥٤	 الْيَأْسُ ٨٢-٧٨
٨٥٤	 الصَّوْمُ وَالْجُوعُ ٨٢-٧٩
٨٥٤	 الصَّوْمُ ٨٢-٧٩-١

﴿فهرست﴾

۸۴۵.....	۸۲-۴۹ دوری گزیدن
۸۴۵.....	۸۲-۵۰ پاکدامنی
۸۴۵.....	۸۲-۵۱ نافرمانی
۸۴۵.....	۸۲-۵۲ جلوگیری کردن
۸۴۵.....	۸۲-۵۳ چشم‌پوشی
۸۴۵.....	۸۲-۵۴ بی‌نیازی
۸۴۵.....	۸۲-۵۵ فرار
۸۴۷.....	۸۲-۵۶ فارغ کردن
۸۴۷.....	۸۲-۵۷ رهایی یافتن
۸۴۷.....	۸۲-۵۸ گرفتن و بهره‌بردن
۸۴۷.....	۸۲-۵۹ بریدن
۸۴۷.....	۸۲-۶۰ کوتاهی آرزو
۸۴۷.....	۸۲-۶۱ قناعت به حداقل‌ها
۸۴۹.....	۸۲-۶۲ قطع
۸۴۹.....	۸۲-۶۳ نشستن
۸۴۹.....	۸۲-۶۴ دوری از لذت‌جویی
۸۵۱.....	۸۲-۶۵ کشتن یاد دنیا در دل
۸۵۱.....	۸۲-۶۶ پشت سر گذاشتن
۸۵۱.....	۸۲-۶۷ کندن
۸۵۱.....	۸۲-۶۸ تنزیه و پاکی
۸۵۱.....	۸۲-۶۹ فراموشی یاد
۸۵۳.....	۸۲-۷۰ چشمی بر مال دنیا ندارند
۸۵۳.....	۸۲-۷۱ گریختن
۸۵۳.....	۸۲-۷۲ وحشت
۸۵۳.....	۸۲-۷۳ وداع
۸۵۵.....	۸۲-۷۴ رهاکردن
۸۵۵.....	۸۲-۷۵ ایستادن
۸۵۵.....	۸۲-۷۶ پرهیز
۸۵۵.....	۸۲-۷۷ پیش‌فرستادن دنیا
۸۵۵.....	۸۲-۷۸ امیدبردن
۸۵۵.....	۸۲-۷۹ روزه و گرسنگی
۸۵۵.....	۸۲-۷۹-۱ روزه

﴿الفهرس﴾

٨٥٦	٨٢-٧٩-٢ الجوعُ و العطشُ
٨٥٦	٨٢-٧٩-٣ الفِطَامُ
٨٥٦	٨٢-٧٩-٤ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ أَهْضَمَ كَشْحًا وَأَخْمَصَ بَطْنًا
٨٥٦	٨٢-٨٠ القَنَاعَةُ
٨٥٦	٨٢-٨٠-١ القَنَاعَةُ بِبَيْسِيرِ الدُّنْيَا
٨٥٦	٨٢-٨٠-٢ القَنَاعَةُ بِالْقَلِيلِ مِنْهَا
٨٥٦	٨٢-٨٠-٣ القَنَاعَةُ بِالْأَقْلِ
٨٥٨	٨٢-٨١ الرِّضَا
٨٥٨	٨٢-٨١-١ الرِّضَا بِالْيَسِيرِ
٨٥٨	٨٢-٨١-٢ الرِّضَا بِالذُّونِ
٨٥٨	٨٢-٨١-٣ الرِّضَا بِمَا يُجْزِيهِ
٨٥٨	٨٢-٨١-٤ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ
٨٥٨	٨٢-٨٢ الكِفَايَةُ
٨٦٠	٨٢-٨٢-١ الرِّضَا بِمَا يَكْفِيهِ
٨٦٠	٨٢-٨٢-٢ الْأَخْذُ بِقَدْرِ الْكِفَايَةِ
٨٦٠	٨٢-٨٣ الْعِنَاءُ
٨٦٠	٨٢-٨٤ الْأَخْذُ بِقَدْرِ الْكَفَافِ
٨٦٠	٨٢-٨٤-١ يَفْتَنَاتُ الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا بَبْطَنِ الْإِضْطِرَارِ
٨٦٠	٨٢-٨٤-٢ بِقَدْرِ الْكَفَافِ
٨٦٠	٨٢-٨٤-٣ خُذْ مِنَ الدُّنْيَا خَفًّا
٨٦٠	٨٢-٨٤-٤ خُذْ مِنَ الدُّنْيَا بُلْغَةً
٨٦٢	٨٢-٨٤-٥ لَمْ يُؤْتَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا قُوتًا
٨٦٢	٨٢-٨٤-٦ أَقْتَصِرْ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى مَا أَحَلَّ اللَّهُ
٨٦٢	٨٢-٨٤-٧ أَقَلُّ الْحِظِّ مِنَ الدُّنْيَا
٨٦٢	٨٢-٨٥ الْإِسْتِعَاذَةُ
٨٦٢	٨٢-٨٦ طَلَبُ الْعَوْنِ عَلَى الدُّنْيَا
٨٦٢	٨٢-٨٧ الْإِسْتِرْجَاعُ
٨٦٢	٨٢-٨٨ الْفَقْرُ
٨٦٢	٨٢-٨٩ الذَّلَّةُ
٨٦٤	٨٢-٩٠ الضَّعْفُ
٨٦٤	٨٢-٩١ الْجَهْلُ
٨٦٤	٨٢-٩٢ الدَّمُّ وَ الْعَيْبُ

﴿فهرست﴾

۸۵۷.....	۸۲-۷۹-۲ گرسنگی و تشنگی.....
۸۵۷.....	۸۲-۷۹-۳ جداکردن.....
۸۵۷.....	۸۲-۷۹-۴ رسول خدا ﷺ دو پهلوی بیش از هر کسی فرو رفته بود و شکمش از همه خالی تر بود.....
۸۵۷.....	۸۲-۸۰ قناعت.....
۸۵۷.....	۸۲-۸۰-۱ قناعت به مال اندک دنیا.....
۸۵۷.....	۸۲-۸۰-۲ قناعت به اندک دنیا.....
۸۵۷.....	۸۲-۸۰-۳ قناعت به کمترین.....
۸۵۹.....	۸۲-۸۱ رضایت.....
۸۵۹.....	۸۲-۸۱-۱ راضی بودن به اندک.....
۸۵۹.....	۸۲-۸۱-۲ رضایت به بهره‌ی اندک.....
۸۵۹.....	۸۲-۸۱-۳ رضایت از آنچه او را کفایت می‌کند.....
۸۵۹.....	۸۲-۸۱-۴ رضایت به قضای الهی.....
۸۵۹.....	۸۲-۸۲ در حدّ کفایت.....
۸۶۱.....	۸۲-۸۲-۱ رضایت به آنچه او را کفایت می‌کند.....
۸۶۱.....	۸۲-۸۲-۲ دریافت به مقدار کفایت.....
۸۶۱.....	۸۲-۸۳ بی‌نیازی.....
۸۶۱.....	۸۲-۸۴ به قدر کفاف برگرفتن.....
۸۶۱.....	۸۲-۸۴-۱ فرد مؤمن از دنیا در حدّ ضرورت بهره می‌گیرد.....
۸۶۱.....	۸۲-۸۴-۲ به قدر کفاف.....
۸۶۱.....	۸۲-۸۴-۳ از دنیا کم طلب کن.....
۸۶۱.....	۸۲-۸۴-۴ از دنیا به اندازه‌ی نیاز طلب کن.....
۸۶۳.....	۸۲-۸۴-۵ در دنیا جز به قدر خورد و خوراکشان به آن‌ها داده نمی‌شد.....
۸۶۳.....	۸۲-۸۴-۶ از دنیا بر حلال آن اکتفا کن.....
۸۶۳.....	۸۲-۸۴-۷ کمترین بهره از دنیا.....
۸۶۳.....	۸۲-۸۵ پناه‌بردن.....
۸۶۳.....	۸۲-۸۶ درخواست کمک علیه دنیا.....
۸۶۳.....	۸۲-۸۷ گفتن إِنَّا لِلّٰهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.....
۸۶۳.....	۸۲-۸۸ فقر.....
۸۶۳.....	۸۲-۸۹ ذَلَّتْ.....
۸۶۵.....	۸۲-۹۰ ناتوانی.....
۸۶۵.....	۸۲-۹۱ نادانی.....
۸۶۵.....	۸۲-۹۲ نکوهش و عیب‌دانستن.....

﴿الفهرس﴾

٨٦٤.....	٨٢-٩٣- السَّمْعُ بِأَذْنِ النَّفْثِ
٨٦٤.....	٨٢-٩٤- الإِكْبَابُ
٨٦٦.....	٨٢-٩٥- الإِفْسَادُ
٨٦٦.....	٨٢-٩٦- الإِخْرَابُ
٨٦٦.....	٨٢-٩٧- البَغْضُ
٨٦٦.....	٨٢-٩٧-١- البَغْضُ
٨٦٨.....	٨٢-٩٧-٢- الغَضَبُ
٨٦٨.....	٨٢-٩٧-٣- المَقْتُ
٨٦٨.....	٨٣- الإِسْتِمَاعُ مِنَ الدُّنْيَا
٨٦٨.....	٨٣-١- الإِغْتِنَامُ
٨٦٨.....	٨٣-١-١- الحِطُّ
٨٧٠.....	٨٣-١-٢- عَدَمُ تَرْكِ الدُّنْيَا لِآخِرَتِهِ
٨٧٠.....	٨٣-١-٣- خُذْ مِنَ الدُّنْيَا مَا آتَاكَ
٨٧٠.....	٨٣-١-٤- أَخْذُ الدُّنْيَا بِحَقِّهَا
٨٧٠.....	٨٣-١-٥- لَا تَنْسَ صِحَّتَكَ وَ قُوَّتَكَ وَ شَبَابَكَ وَ غِنَاكَ وَ نَشَاطَكَ
٨٧٠.....	٨٣-١-٦- لَا يَفُوتَنَّكُمْ خَيْرُ الدُّنْيَا
٨٧٠.....	٨٣-١-٧- الرَّجَاءُ بِاللَّهِ لِلدُّنْيَا
٨٧٠.....	٨٣-١-٨- اَعْمَلْ لِلدُّنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا
٨٧٠.....	٨٣-١-٩- اَعْطَاءُ حِظِّ الدُّنْيَا
٨٧٠.....	٨٣-١-١٠- ذَمُّ الْكَسَالَةِ فِي أُمُورِ الدُّنْيَا
٨٧٢.....	٨٣-١-١١- الدَّعَاءُ
٨٧٢.....	٨٣-١-١٢- الدَّعَاءُ لِلْبَرَكَةِ
٨٧٢.....	٨٣-١-١٣- السُّكُونَةُ بِأَفْضَلِ مَا سَكِنْتَ
٨٧٢.....	٨٣-١-١٤- الأَكْلُ
٨٧٢.....	٨٣-١-١٥- طَلَبُ خَيْرِ الدُّنْيَا
٨٧٢.....	٨٣-١-١٦- طَلَبُ الْحَلَالِ
٨٧٤.....	٨٣-١-١٧- مَثُوتُهُمْ مِنَ الدُّنْيَا عَظِيمَةٌ
٨٧٤.....	٨٣-٢- الإِتِّعَاضُ وَ الْمَعْرِفَةُ
٨٧٤.....	٨٣-٢-١- الإِتِّعَاضُ
٨٧٤.....	٨٣-٢-٢- البَصِيرَةُ
٨٧٦.....	٨٣-٢-٣- الإِغْتِبَارُ
٨٧٨.....	٨٣-٢-٤- التَّفَكُّرُ

﴿فهرست﴾

۸۶۵.....	۸۲-۹۳- شنیدن با گوش خصم لود.....
۸۶۵.....	۸۲-۹۴- به صورت بر زمین زدن
۸۶۷.....	۸۲-۹۵- فاسد کردن
۸۶۷.....	۸۲-۹۶- خراب کردن
۸۶۷.....	۸۲-۹۷- دشمنی
۸۶۷.....	۸۲-۹۷-۱- دشمنی
۸۶۹.....	۸۲-۹۷-۲- خشم
۸۶۹.....	۸۲-۹۷-۳- دشمن دانستن
۸۶۹.....	۸۳- بهره‌مندی از دنیا
۸۶۹.....	۸۳-۱- غنیمت شمردن
۸۶۹.....	۸۳-۱-۱- بهره‌بردن
۸۷۱.....	۸۳-۱-۲- عدم ترک کردن دنیا برای آخرت
۸۷۱.....	۸۳-۱-۳- از دنیا آنچه به‌سوی تو می‌آید، بگیر
۸۷۱.....	۸۳-۱-۴- مطابق حق و جایگاه واقعی دنیا با آن برخورد کردن
۸۷۱.....	۸۱-۱-۵- سلامتی و روزی و جوانی و بی‌نیازی از مردم و تلاشت را فراموش مکن
۸۷۱.....	۸۳-۱-۶- مبادا خیر دنیا از دست شما برود
۸۷۱.....	۸۳-۱-۷- برای کسب دنیا، امید به خدا بستن
۸۷۱.....	۸۳-۱-۸- چنان در دنیا زندگی کن که گویا تا ابد زنده‌ای
۸۷۱.....	۸۳-۱-۹- دادن سهم دنیا
۸۷۱.....	۸۳-۱-۱۰- نکوهش کسالت در امور دنیوی
۸۷۳.....	۸۳-۱-۱۱- دعا
۸۷۳.....	۸۳-۱-۱۲- دعا برای برکت
۸۷۳.....	۸۳-۱-۱۳- به بهترین شکل ساکن شدن
۸۷۳.....	۸۳-۱-۱۴- خوردن
۸۷۳.....	۸۳-۱-۱۵- درخواست خیر دنیا
۸۷۳.....	۸۳-۱-۱۶- طلب حلال
۸۷۵.....	۸۳-۱-۱۷- بهره‌ی آن‌ها از دنیا بزرگ است
۸۷۵.....	۸۳-۲- موعظه‌پذیری و شناخت
۸۷۵.....	۸۳-۲-۱- موعظه‌پذیری
۸۷۵.....	۸۳-۲-۲- بصیرت
۸۷۷.....	۸۳-۲-۳- عبرت گرفتن
۸۷۹.....	۸۳-۲-۴- فکر

﴿الفهرس﴾

٨٧٨.....	٨٣-٢-٥- التَّذِيرُ
٨٨٠.....	٨٣-٢-٦- المَعْرِفَةُ
٨٨٠.....	٨٣-٢-٧- العِلْمُ
٨٨٢.....	٨٣-٢-٨- التَّقْدِيرُ
٨٨٢.....	٨٣-٢-٩- الرُّؤْيَةُ وَالنَّظَرُ
٨٨٢.....	٨٣-٢-٩-١- النَّظَرُ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ
٨٨٢.....	٨٣-٢-٩-٢- النَّظَرُ إِلَى الْبَاطِنِ
٨٨٢.....	٨٣-٢-١٠- الْبَلَاغُ
٨٨٤.....	٨٣-٢-١١- ذِكْرُ مَا خَصَّكَ اللَّهُ
٨٨٤.....	٨٣-٣- المَشَارَكَةُ، الْمُعَاوَنَةُ
٨٨٤.....	٨٣-٣-١- المَشَارَكَةُ
٨٨٤.....	٨٣-٣-٢- الْمُعَاوَنَةُ
٨٨٤.....	٨٣-٤- المَعِيشَةُ
٨٨٤.....	٨٣-٤-١- الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ
٨٨٤.....	٨٣-٤-٢- بَيْتٌ يُظْلِكُ
٨٨٤.....	٨٣-٤-٣- سِتْرُ الْعَوْرَةِ
٨٨٤.....	٨٣-٤-٤- مَرْكَبٌ رَكِبْتَهُ أَوْ ثَوْبٌ لَبِسْتَهُ أَوْ امْرَأَةٌ أَصْبَتْهَا
٨٨٤.....	٨٣-٤-٥- دَابَّةٌ تَرْكَبُهَا
٨٨٤.....	٨٣-٤-٦- سَدُّ الْجُوعِ
٨٨٨.....	٨٣-٥- أَخْذُ الدُّنْيَا لِلْخَيْرِ
٨٨٨.....	٨٣-٥-١- الْعَمَلُ الصَّالِحُ
٨٨٨.....	٨٣-٥-٢- الإِصْلَاحُ
٨٩٠.....	٨٣-٥-٣- الإِسْتِعْفَافُ عَنِ الْمَسْأَلَةِ وَالْإِسْتِغْنَاءُ عَنِ النَّاسِ
٨٩٠.....	٨٣-٥-٤- إِطْفَاءُ بَاطِلٍ وَإِحْيَاءُ حَقٍّ
٨٩٠.....	٨٣-٥-٥- إِمَاتَةُ الْبَاطِلِ
٨٩٠.....	٨٣-٥-٦- الْإِنْفَاقُ
٨٩٢.....	٨٣-٥-٧- الطَّاعَةُ
٨٩٢.....	٨٣-٥-٨- الْخَيْرُ
٨٩٤.....	٨٣-٥-٩- الصَّدِيقُ الْمُسَاعِدُ
٨٩٤.....	٨٣-٥-١٠- التَّعَطُّفُ عَلَى الْجَارِ
٨٩٤.....	٨٣-٥-١١- إِطْعَامُ الضَّيْفِ وَالصَّوْمُ بِالضَّيْفِ وَالضَّرْبُ بِالسَّيْفِ
٨٩٤.....	٨٣-٥-١٢- آدَاءُ الْأَمَانَةِ

﴿فهرست﴾

۸۷۹.....	۸۳-۲-۵ تدبیر
۸۸۱.....	۸۳-۲-۶ شناخت
۸۸۱.....	۸۳-۲-۷ علم
۸۸۳.....	۸۳-۲-۸ اندازه‌سنجی
۸۸۳.....	۸۳-۲-۹ دیدن و نگاه کردن
۸۸۳.....	۸۳-۲-۹-۱ نگاه به زیر دست
۸۸۳.....	۸۳-۲-۹-۲ نگاه به حقیقت
۸۸۳.....	۸۳-۲-۱۰ رساننده به آخرت
۸۸۵.....	۸۳-۲-۱۱ یاد آنچه خدا به تو داده است
۸۸۵.....	۸۳-۳ مشارکت، همیاری
۸۸۵.....	۸۳-۳-۱ مشارکت
۸۸۵.....	۸۳-۳-۲ همیاری
۸۸۵.....	۸۳-۴ معیشت
۸۸۵.....	۸۳-۴-۱ همسر شایسته
۸۸۵.....	۸۳-۴-۲ خانه‌ای که سرپناه تو باشد
۸۸۷.....	۸۳-۴-۳ پوشاندن عورت
۸۸۷.....	۸۳-۴-۴ مرکبی برای سواری یا لباسی برای پوشیدن یا زنی برای تمتع
۸۸۷.....	۸۳-۴-۵ وسیله‌ی سواری
۸۸۷.....	۸۳-۴-۶ رفع گرسنگی
۸۸۹.....	۸۳-۵ دنیا را برای خیر گرفتن
۸۸۹.....	۸۳-۵-۱ عمل صالح
۸۸۹.....	۸۳-۵-۲ اصلاح
۸۹۱.....	۸۳-۵-۳ بی‌نیازی از درخواست از مردم، بینیزی از مردم
۸۹۱.....	۸۳-۵-۴ خاموش کردن باطل و زنده کردن حق
۸۹۱.....	۸۳-۵-۵ از بین بردن باطل
۸۹۱.....	۸۳-۵-۶ انفاق
۸۹۳.....	۸۳-۵-۷ اطاعت
۸۹۳.....	۸۳-۵-۸ خیر
۸۹۵.....	۸۳-۵-۹ دوست همراه
۸۹۵.....	۸۳-۵-۱۰ نیکی به همسایه
۸۹۵.....	۸۳-۵-۱۱ اطعام مهمان و روزه در تابستان و جنگ با شمشیر
۸۹۵.....	۸۳-۵-۱۲ بازگرداندن امانت

﴿الفہرس﴾

٨٩٤..... ٨٣-٦ مَا يَرْتَبِطُ بِالنَّفْسِ.....
٨٩٤..... ٨٣-٦-١ اخْتِيَارُ النَّفْسِ عَلَى الدُّنْيَا.....
٨٩٤..... ٨٣-٦-٢ مُحَارَبَةُ النَّفْسِ عَلَيْهَا.....
٨٩٤..... ٨٣-٦-٣ يَبِيعُ النَّفْسَ.....
٨٩٦..... ٨٣-٧ مَا يَرْتَبِطُ بِالذِّينِ.....
٨٩٦..... ٨٣-٧-١ مُعِينُ الدِّينِ.....
٨٩٦..... ٨٣-٧-٢ تَحْصِينُ الدِّينِ.....
٨٩٦..... ٨٣-٧-٣ إِحْرَارُ الدِّينِ.....
٨٩٦..... ٨٣-٧-٤ صِيَانَةُ الدِّينِ.....
٨٩٦..... ٨٣-٧-٥ وَفَايَةُ الدِّينِ.....
٨٩٦..... ٨٣-٧-٦ اَجْعَلْ دُنْيَاكَ تَبَعًا لِدِينِكَ.....
٨٩٦..... ٨٣-٧-٧ دِينُكُمْ أَمَامَ دُنْيَاكُمْ.....
٨٩٨..... ٨٣-٨ مَا يَرْتَبِطُ بِالْآخِرَةِ.....
٨٩٨..... ٨٣-٨-١ إِصْلَاحُ الْآخِرَةِ.....
٨٩٨..... ٨٣-٨-٢ مُعَايَنَةُ الْآخِرَةِ بِالْقَلْبِ.....
٨٩٨..... ٨٣-٨-٣ صِيَانَةُ الْآخِرَةِ.....
٨٩٨..... ٨٣-٨-٤ تِجَارَةُ الْآخِرَةِ.....
٩٠٠..... ٨٣-٨-٥ تَقْدِيمُ الْآخِرَةِ.....
٩٠٠..... ٨٣-٨-٦ الْأَخْذُ مِنَ الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ.....
٩٠٠..... ٨٣-٨-٧ الذُّخْرُ لِلْآخِرَةِ.....
٩٠٠..... ٨٣-٨-٨ التَّعَبُّ فِي الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ.....
٩٠٠..... ٨٣-٨-٩ جَعْلُ الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ.....
٩٠٠..... ٨٣-٨-١٠ مَا بَلَغَ بِهِ الْآخِرَةُ.....
٩٠٠..... ٨٣-٨-١١ الْإِنْفَاقُ عَلَى الْآخِرَةِ.....
٩٠٢..... ٨٣-٨-١٢ اخْتِيَارُ الْآخِرَةِ.....
٩٠٢..... ٨٣-٨-١٣ إِثَارُ أَمْرِ الْآخِرَةِ.....
٩٠٤..... ٨٣-٨-١٤ نَصِيبُ الْآخِرَةِ.....
٩٠٤..... ٨٣-٨-١٥ يَبِيعُ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ.....
٩٠٤..... ٨٣-٨-١٦ مَعْرِفَةُ الْآخِرَةِ.....
٩٠٤..... ٨٣-٨-١٧ الْعَمَلُ فِي الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ.....
٩٠٤..... ٨٣-٩ التَّزَوُّدُ.....
٩٠٤..... ٨٣-٩-١ التَّزَوُّدُ.....

﴿فهرست﴾

۸۹۵.....	۸۳۶- آنچه به نفس مربوط است.....
۸۹۵.....	۸۳۶-۱ خود را بر همه‌ی دنیا ترجیح دادن.....
۸۹۵.....	۸۳۶-۲ جنگ با نفس بر سر دنیا.....
۸۹۵.....	۸۳۶-۳ فروختن نفس.....
۸۹۷.....	۸۳۷- آنچه با دین ارتباط دارد.....
۸۹۷.....	۸۳۷-۱ کمک دین.....
۸۹۷.....	۸۳۷-۲ نگهداری از دین.....
۸۹۷.....	۸۳۷-۳ جمع کردن دین.....
۸۹۷.....	۸۳۷-۴ حفظ کردن دین.....
۸۹۷.....	۸۳۷-۵ نگهداری از دین.....
۸۹۷.....	۸۳۷-۶ دنیای خود را پیرو دین خود کن.....
۸۹۷.....	۸۳۷-۷ دینتان جلوتر از دنیاتان.....
۸۹۹.....	۸۳۸- آنچه به آخرت مربوط است.....
۸۹۹.....	۸۳۸-۱ اصلاح آخرت.....
۸۹۹.....	۸۳۸-۲ نگرستن به آخرت با چشم دل.....
۸۹۹.....	۸۳۸-۳ مراقبت از آخرت.....
۸۹۹.....	۸۳۸-۴ تجارت برای آخرت.....
۹۰۱.....	۸۳۸-۵ مقدم داشتن آخرت.....
۹۰۱.....	۸۳۸-۶ از دنیا برای آخرت توشه گرفتن.....
۹۰۱.....	۸۳۸-۷ ذخیره کردن برای آخرت.....
۹۰۱.....	۸۳۸-۸ به سختی افتادن در دنیا برای آخرت.....
۹۰۱.....	۸۳۸-۹ قرارداددن دنیا برای آخرت.....
۹۰۱.....	۸۳۸-۱۰ آنچه با آن به آخرت می توان رسید.....
۹۰۱.....	۸۳۸-۱۱ انفاق برای آخرت.....
۹۰۳.....	۸۳۸-۱۲ برگزیدن آخرت.....
۹۰۳.....	۸۳۸-۱۳ ترجیح امر آخرت.....
۹۰۵.....	۸۳۸-۱۴ بهره آخرت.....
۹۰۵.....	۸۳۸-۱۵ خریدن دنیا با آخرت.....
۹۰۵.....	۸۳۸-۱۶ شناخت آخرت.....
۹۰۵.....	۸۳۸-۱۷ کار در دنیا برای آخرت.....
۹۰۵.....	۸۳۹- توشه برداشتن.....
۹۰۵.....	۸۳۹-۱ توشه برداشتن.....

﴿الفهرس﴾

٩٠٦.....	٨٣-٩-١- التَّجْهِيزُ
٩٠٨.....	٨٣-٩-٢- مَنْ ابْتَغَى بِهِ وَجْهَ اللَّهِ.....
٩١٠.....	الفصلُ التاسعُ: مَصَادِيقُ أَهْلِ الدُّنْيَا وَالرَّاعِبِينَ عَنْهَا وَرَاجِعُ: كِتَابُ الْحِرْصِ؛ مَصَادِيقُ الْحُرْصَاءِ وَكِتَابُ الزُّهْدِ؛ مَصَادِيقُ الزُّهَادِ.....
٩١٠.....	٩-١- مَصَادِيقُ أَهْلِ الدُّنْيَا.....
٩١٠.....	٩-١-١- الْأَخْمَقُ.....
٩١٠.....	٩-١-٢- الْجَاهِلُ.....
٩١٠.....	٩-١-٣- الْكَافِرُ.....
٩١٠.....	٩-١-٤- الْمُكَذِّبُ.....
٩١٠.....	٩-١-٥- الْمُلُوكُ.....
٩١٢.....	٩-١-٦- النِّسَاءُ.....
٩١٢.....	٩-١-٧- بَنِي إِسْرَائِيلَ.....
٩١٢.....	٩-١-٨- النَّاسُ.....
٩١٢.....	٩-٢- مَصَادِيقُ الرَّاعِبِينَ عَنِ الدُّنْيَا.....
٩١٢.....	٩-٢-١- مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ.....
٩١٤.....	٩-٢-٢- أَهْلُ الْبَيْتِ الطَّيِّبِينَ.....
٩١٤.....	٩-٢-٣- امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.....
٩٢٠.....	٩-٢-٤- السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.....
٩٢٢.....	٩-٢-٥- الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ.....
٩٢٢.....	٩-٢-٦- فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ.....
٩٢٢.....	٩-٢-٧- عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ.....
٩٢٢.....	٩-٢-٨- أَوْلِيَاءُ اللَّهِ.....
٩٢٢.....	٩-٢-٩- الشَّيْعَةُ.....
٩٢٤.....	٩-٢-١٠- الْمُتَّقُونَ.....
٩٢٤.....	٩-٢-١١- الْعُقَلَاءُ.....
٩٢٤.....	٩-٢-١٢- الْعَالَمُ بِنَفْسِهِ.....
٩٢٤.....	٩-٢-١٣- الْأَبْرَارُ.....
٩٢٤.....	٩-٢-١٤- مِنْ أُمَّةٍ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ.....
٩٢٦.....	الفصلُ العاشرُ: مَنْ أَقْبَلَ الدُّنْيَا عَلَيْهِ وَثَمَرَةُ الْإِقْبَالِ.....
٩٢٦.....	١٠-١- لَا تُنَالُ الدُّنْيَا بِحِيلَةٍ وَلَا بِفِطْنَةٍ.....
٩٢٦.....	١٠-١-١- لَا تُنَالُ الدُّنْيَا بِحِيلَةٍ.....
٩٢٦.....	١٠-١-٢- لَا تُنَالُ الدُّنْيَا بِفِطْنَةٍ.....

﴿ فهرست ﴾

۹۰۷.....	۸۳-۹۱- توشه‌چینی.....
۹۰۹.....	۸۳-۹۲- به‌وسیله‌ی آن رضای خدا به دست آید.....
فصل ۹: مصادیق دنیاپرستان و دنیاگريزان و.ر.به: کتاب حرص؛ مصادیق زیاده‌خواهان و	
۹۱۱.....	کتاب زهد؛ مصادیق زهدپیشگان.....
۹۱۱.....	۹۱- مصادیق دنیاپرستان.....
۹۱۱.....	۹۱-۱- احمق.....
۹۱۱.....	۹۱-۲- نادان.....
۹۱۱.....	۹۱-۳- کافر.....
۹۱۱.....	۹۱-۴- تکذیب‌کننده.....
۹۱۱.....	۹۱-۵- پادشاهان.....
۹۱۳.....	۹۱-۶- زنان.....
۹۱۳.....	۹۱-۷- بنی اسرائیل.....
۹۱۳.....	۹۱-۸- مردم.....
۹۱۳.....	۹۲- مصادیق دنیاگريزان.....
۹۱۳.....	۹۲-۱- حضرت محمد ﷺ.....
۹۱۵.....	۹۲-۲- خاندان پیامبر ﷺ.....
۹۱۵.....	۹۲-۳- امیرالمؤمنین ﷺ.....
۹۲۱.....	۹۲-۴- امام سجّاد ﷺ.....
۹۲۳.....	۹۲-۵- امام رضا ﷺ.....
۹۲۳.....	۹۲-۶- فاطمه ﷺ.....
۹۲۳.....	۹۲-۷- عیسی ﷺ.....
۹۲۳.....	۹۲-۸- اولیای الهی.....
۹۲۳.....	۹۲-۹- شیعه.....
۹۲۵.....	۹۲-۱۰- پرهیزگاران.....
۹۲۵.....	۹۲-۱۱- عاقلان.....
۹۲۵.....	۹۲-۱۲- خودشناس.....
۹۲۵.....	۹۲-۱۳- نیکوکاران.....
۹۲۵.....	۹۲-۱۴- از امت رسول خدا ﷺ.....
۹۲۷.....	فصل ۱۰: کسانی که دنیا به ایشان رو می‌کند و نتیجه‌ی روکردن دنیا.....
۹۲۷.....	۱۰-۱- دنیا با حيله و مکر و زرنگی به‌دست نمی‌آید.....
۹۲۷.....	۱۰-۱-۱- دنیا با حيله و مکر به‌دست نمی‌آید.....
۹۲۷.....	۱۰-۱-۲- دنیا با زرنگی به‌دست نمی‌آید.....

﴿الفهرس﴾

٩٣٦.....	١٠-١-٣- كلُّ الْعِبَادِ يَأْخُذُونَ مَا كُتِبَ لَهُمْ
٩٣٦.....	١٠-١-٣-١- كلُّ الْعِبَادِ
٩٣٦.....	١٠-١-٣-٢- الْبِرِّ وَالْفَاجِرُ
٩٣٦.....	١٠-١-٣-٣- مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ وَابْغَضَ
٩٢٨.....	١٠-٢-١- أَعْدَاءُ اللَّهِ
٩٢٨.....	١٠-٢-٢- الْمُخَالِفُ لِلَّهِ
٩٢٨.....	١٠-٢-٣- الْكَافِرُ بِاللَّهِ
٩٢٨.....	١٠-٢-٤- أَعْدَاءُ اللَّهِ
٩٣٠.....	١٠-٢-٥- أَئِمَّةُ الصَّلَاةِ
٩٣٠.....	١٠-٢-٦- مَنْ أَرَادَ اللَّهُ عَذَابَهُ
٩٣٠.....	١٠-٢-٧- مَنْ أَهَانَهُ اللَّهُ
٩٣٠.....	١٠-٢-٨- أَهْلُ الدُّنْيَا
٩٣٠.....	١٠-٣-١- مَنْ أَذْبَرَ عَنِ الدُّنْيَا
٩٣٢.....	١٠-٣-٢- مَنْ تَرَكَ الدُّنْيَا
٩٣٢.....	١٠-٣-٣- مَنْ أَذْبَرَ عَنِ الدُّنْيَا
٩٣٢.....	١٠-٣-٤- مَنْ قَعَدَ عَنِ الدُّنْيَا
٩٣٢.....	١٠-٣-٥- مَنْ غَضِبَ الدُّنْيَا
٩٣٢.....	١٠-٤-١- مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ
٩٣٢.....	١٠-٤-٢- مَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ
٩٣٢.....	١٠-٤-٣- مَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ
٩٣٤.....	١٠-٤-٤- مَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هِمَّتَهُ
٩٣٤.....	١٠-٤-٥- مَنْ بَدَأَ بِنَصِيْبِهِ مِنَ الْآخِرَةِ
٩٣٤.....	١٠-٤-٦- مَنْ كَانَ عَلَى نِيَّةِ الْآخِرَةِ
٩٣٤.....	١٠-٤-٧- مَنْ كَانَ عَمَلُهُ لِلْآخِرَةِ
٩٣٤.....	١٠-٥-١- أَهْلُ الدِّينِ وَالتَّقْوَى
٩٣٤.....	١٠-٥-٢- الْمُتَّقَى
٩٣٤.....	١٠-٥-٣- أَهْلُ الدِّينِ
٩٣٤.....	١٠-٥-٤- الْعَامِلُ بِالْدِّينِ
٩٣٤.....	١٠-٥-٥- الْمُتَوَكِّلُ
٩٣٤.....	١٠-٥-٦- خَادِمُ اللَّهِ
٩٣٤.....	١٠-٥-٧- أَهْلُ الْمُسَالَمَةِ وَالْإِحْسَانِ

﴿فهرست﴾

۱۰-۱-۳	همه‌ی بندگان سهمِ مقدّر خود را دریافت می‌کنند.....	۹۳۷
۱۰-۱-۳-۱	همه‌ی بندگان.....	۹۳۷
۱۰-۱-۳-۲	هر نیک و بد.....	۹۳۷
۱۰-۱-۳-۳	هر که مورد حبّ و یا حتّیّ مورد بغض خداوند باشد.....	۹۳۷
۱۰-۲	دشمنان خداوند.....	۹۳۹
۱۰-۲-۱	مخالف خداوند.....	۹۳۹
۱۰-۲-۲	کافر به خداوند.....	۹۳۹
۱۰-۲-۳	دشمنان خداوند.....	۹۳۹
۱۰-۲-۴	پیشوایان گمراهی.....	۹۳۱
۱۰-۲-۵	کسی که خداوند عذابش را اراده کرده است.....	۹۳۱
۱۰-۲-۶	آن را که خداوند خوار شمرد.....	۹۳۱
۱۰-۲-۷	اهل دنیا.....	۹۳۱
۱۰-۳	کسی که به دنیا پشت کند.....	۹۳۱
۱۰-۳-۱	کسی که دنیا را ترک کند.....	۹۳۳
۱۰-۳-۲	کسی که به دنیا پشت کند.....	۹۳۳
۱۰-۳-۳	کسی که از دنیا دست بکشد.....	۹۳۳
۱۰-۳-۴	کسی که از دنیا خشمگین باشد.....	۹۳۳
۱۰-۴	کسی که آخرت را بخواهد.....	۹۳۳
۱۰-۴-۱	کسی که آخرت را بخواهد.....	۹۳۳
۱۰-۴-۲	کسی که امر آخرت خود را اصلاح نماید.....	۹۳۳
۱۰-۴-۳	کسی که آخرت را می‌طلبد.....	۹۳۳
۱۰-۴-۴	کسی که همتش آخرت باشد.....	۹۳۵
۱۰-۴-۵	کسی که شروع به دریافت بهره‌اش از آخرت کند.....	۹۳۵
۱۰-۴-۶	کسی که نیتش آخرت باشد.....	۹۳۵
۱۰-۴-۷	کسی که عملش به خاطر آخرت باشد.....	۹۳۵
۱۰-۵	اهل دیانت و پرهیزگاری.....	۹۳۵
۱۰-۵-۱	پرهیزگار.....	۹۳۵
۱۰-۵-۲	دین‌دار.....	۹۳۷
۱۰-۵-۳	عامل به دین.....	۹۳۷
۱۰-۵-۴	واگذارنده‌ی امور به خدا.....	۹۳۷
۱۰-۵-۵	خدمتگذار خداوند.....	۹۳۷
۱۰-۶	اهل آشتی و نیکوکاری.....	۹۳۷

﴿الفهرس﴾

٩٣٦.....	١٠-٦-١- حَسَنُ الْجَوَارِ
٩٣٦.....	١٠-٦-٢- الأَمِينُ
٩٣٨.....	١٠-٦-٣- أَهْلُ الْمُسَالَمَةِ
٩٣٨.....	١٠-٦-٤- الْمُحْسِنُ
٩٣٨.....	١٠-٧- أَهْلُ الْعِبَادَةِ وَالذِّكْرِ
٩٣٨.....	١٠-٧-١- مَنْ آمَنَ بَيَّتَ اللَّهَ
٩٣٨.....	١٠-٧-٢- مَنْ سَأَلَ اللَّهَ فِي مَكَّةَ
٩٣٨.....	١٠-٧-٣- مَنْ قَرَأَ سُورَةَ «يَس»
٩٣٨.....	١٠-٧-٤- مَنْ قَالَ «مَا شَاءَ اللَّهُ»
٩٣٨.....	١٠-٨- ثَمَرَةُ إِقْبَالِ الدُّنْيَا
٩٣٨.....	١٠-٨-١- أَعْطَتْهُ مَحَاسِنَ غَيْرِهِ
٩٤٠.....	١٠-٨-٢- أَعَارَتْهُمْ مَحَاسِنَ غَيْرِهِمْ
٩٤٠.....	١٠-٨-٣- كَسَتْهُ مَحَاسِنَ غَيْرِهِ
٩٤٣.....	فهرست منابع

﴿فهرست﴾

۹۳۷.....	۱-۶-۱- خوش رفتار با همسایگان.....
۹۳۷.....	۱-۶-۲- امانتدار.....
۹۳۹.....	۱-۶-۳- اهل مسالمت و آشتی.....
۹۳۹.....	۱-۶-۴- نیکوکار.....
۹۳۹.....	۱-۷- اهل عبادت و ذکر.....
۹۳۹.....	۱-۷-۱- کسی که قصد خانه‌ی خدا کند.....
۹۳۹.....	۱-۷-۲- کسی که در مکه از خدا درخواستی کند.....
۹۳۹.....	۱-۷-۳- کسی که سوره «یس» را بخواند.....
۹۳۹.....	۱-۷-۴- کسی که بگوید: «آنچه خدا خواسته».....
۹۳۹.....	۱-۸- نتیجه‌ی رو کردن دنیا.....
۹۳۹.....	۱-۸-۱- نیکی‌های دیگران را به او می‌دهد.....
۹۴۱.....	۱-۸-۲- محاسن دیگران را به عاریت گرفته و به آنها می‌دهد.....
۹۴۱.....	۱-۸-۳- محاسن دیگران را گرفته و به او می‌پوشاند.....
۹۴۳.....	فهرست منابع

الفصلُ الأوَّل: ما الدُّنْيَا؟

١-١- معنَى الدُّنْيَا وَ تَمَثِّلُهُ

﴿١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا سُمِّيَتِ الدُّنْيَا دُنْيَا لِأَنَّهَا أَدْنَى مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ سُمِّيَتِ الْآخِرَةُ آخِرَةً لِأَنَّ فِيهَا الْجَزَاءُ وَ الثَّوَابَ؛ بحار الأنوار، ج ١٠، ص ١٣

١-١-١- التَّمَاثِيلُ الْمُخْتَلِفَةُ لِلدُّنْيَا

١-١-١-١- مَاءُ الْبَحْرِ

﴿٢﴾ الصادق عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ أَزْدَادَ عَطَشًا حَتَّى يَفْتُلَهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٦

١-١-١-٢- الْحَيَّةُ

﴿٣﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ إِنَّ مَثَلَ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ مَسُّهَا لَيْنٌ وَ فِي جَوْفِهَا السَّمُّ الْقَاتِلُ يَخْذَرُهَا الرَّجَالُ ذَوُو الْعُقُولِ وَ يَهْوَى إِلَيْهَا الصَّبِيَانُ بِأَيْدِيهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣١١

﴿٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا كَالْحَيَّةِ لَيْنٌ مَسُّهَا قَاتِلٌ سَمُّهَا فَأَعْرِضْ عَمَّا يُعْجِبُكَ فِيهَا لِقَلَّةِ مَا يَصْحَبُكَ مِنْهَا وَ كُنْ أُنْسَ مَا تَكُونُ بِهَا أَخْذَرِ مَا تَكُونُ مِنْهَا؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

﴿٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ لَيْنٌ مَسُّهَا شَدِيدٌ نَهَشُهَا فَأَعْرِضْ عَمَّا يُعْجِبُكَ مِنْهَا لِقَلَّةِ مَا يَصْحَبُكَ مِنْهَا وَ كُنْ أَسْرَّ مَا تَكُونُ فِيهَا أَخْذَرِ مَا تَكُونُ لَهَا فَإِنَّ صَاحِبَهَا كُلَّمَا أَطْمَأَنَّ مِنْهَا إِلَى سُرُورِ أَشْخَصَهُ مِنْهَا إِلَى مَكْرُوهٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٠٥

﴿٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ لَيْنٌ مَسُّهَا وَ السَّمُّ النَّاقِعُ فِي جَوْفِهَا يَهْوَى إِلَيْهَا الْغَرُّ الْجَاهِلُ وَ يَخْذَرُهَا ذُو اللَّبِّ الْعَاقِلُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٢٩

فصل ۱: دنیا چیست؟

۱-۱- معنای دنیا و تمثیل‌های آن

﴿۱﴾ دنیا را دنیا نامیده‌اند چون پست‌تر از هر چیزی است و آخرت، آخرت نامیده شد چون در آنجا ثواب و پاداش داده می‌شود.

۱-۱-۱- تمثیل‌های مختلف برای دنیا

۱-۱-۱-۱- آب دریا

﴿۲﴾ مَثَل دنیا همچون آب دریایی است که شخص تشنه هرچه از آن بنوشد بر تشنگی وی افزوده می‌شود تا اینکه آب او را بکشد.

۱-۱-۱-۲- مار

﴿۳﴾ ای هشام، سرای دنیا همچون ماری است که دارای پوستی نرم است و درونش زهر کشنده دارد، [به همین خاطر] مردم صاحب‌دل و خردمند از آن حذر می‌کنند و کودکان دست خود را به‌سویش دراز می‌کنند.

﴿۴﴾ دنیا همچون ماری است که پوستی نرم ولی سمّی کشنده دارد. از هرچه که از دنیا خوش می‌آید، روی برگردان. چون مدّت اندکی همراه تو خواهد بود. و از هرچه که بیشتر با آن انس می‌گیری، بیشتر برحذر باش [تا تو را جذب دنیا نکند].

﴿۵﴾ دنیا همچون ماری است که پوستش نرم ولی سمّش کشنده است. پس از چیزی از دنیا که تو را شیفته ساخته دوری کن، زیرا مدّت کوتاهی با تو خواهد بود و هرچه بیشتر به آن تمایل پیدا کردی، بیشتر از آنچه برای اوست دوری کن. پس صاحب دنیا هرگاه به سرخوشی دنیا مشغول گردد دنیا او را به کدورتی مبتلا خواهد نمود.

﴿۶﴾ دنیا همچون ماری است؛ پوستش نرم است و در دَرونش سمّ کشنده نهفته است، انسان مغرور و جاهل به آن دست دراز می‌کند و انسان خردمند و عاقل از آن حذر می‌کند.

﴿مَعْنَى الدُّنْيَا وَ تَمَائِلُهَا﴾

٣-١-١- الشُّوك

﴿٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اجْعَلِ الدُّنْيَا شَوْكَاً وَ انْظُرْ اَيْنَ تَضَعُ قَدَمَكَ مِنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ٢٢

٤-١-١- التَّوْبُ الْمَشْقُوقُ

﴿٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: هَذِهِ الدُّنْيَا مِثْلُ تَوْبٍ شَقَّ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ فَيَبْقَى مُتَعَلِّقاً بِخَيْطٍ فِي آخِرِهِ

يُوشِكُ ذَلِكَ الْخَيْطُ أَنْ يَنْقَطِعَ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٤٨

٥-١-١- الْعَجُوزُ

﴿٩﴾ عيسى عليه السلام: وَ رَوَى أَنَّ عِيسَى عليه السلام كُوشِفَ بِالدُّنْيَا فَرَأَاهَا فِي صُورَةِ عَجُوزٍ عَتَمَاءَ يَعْنِي مُنْكَسِرَةَ الثَّنَائِيَا عَلَيْهَا مِنْ كُلِّ زِينَةٍ فَقَالَ لَهَا كَمْ تَزَوَّجْتَ فَقَالَتْ لَا أَحْصِيهِمْ قَالَ وَ كُلُّهُمْ مَاتَ عَنْكَ أَوْ كُلُّهُمْ طَلَّقَكَ فَقَالَتْ بَلْ كُلُّهُمْ قَتَلْتُ فَقَالَ عِيسَى عليه السلام بؤْساً لِمَا زَوَّجَكَ الْبَاقِينَ كَيْفَ تَهْلِكِينَهِمْ وَاحِداً وَاحِداً وَ لَمْ يَكُونُوا مِنْكَ عَلَى حَذَرٍ؛ قصص الأنبياء للجزائري، ص ٤١٨

﴿١٠﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: يُؤْتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالدُّنْيَا فِي صُورَةِ عَجُوزٍ شَمِطَاءَ زَرْقَاءَ أَتْيَابُهَا بَادِيَةٌ مُشَوَّهَةٌ خَلْقُهَا وَ تُشْرَفُ عَلَى الْخَلَائِقِ فَيَقَالُ تَعْرِفُونَ هَذِهِ فَيَقُولُونَ نَعُودُ بِاللَّهِ مِنْ مَعْرِفَةِ هَذِهِ فَيَقُولُ هَذِهِ الدُّنْيَا الَّتِي تَنَاجَزْتُمْ عَلَيْهَا وَ بِهَا تَقَاطَعْتُمْ الْأَرْحَامَ وَ بِهَا تَحَاسَدْتُمْ وَ تَبَاغَضْتُمْ وَ اغْتَرَبْتُمْ ثُمَّ تُقَدَفُ فِي جَهَنَّمَ فَيَقُولُ يَا رَبِّ أَيْنَ أَتْبَاعِي وَ أَشْيَاعِي فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْحَقُّوا بِهَا أَتْبَاعُهَا وَ أَشْيَاعُهَا؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٤٦

٦-١-١- الظِّلُّ

﴿١١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ الدُّنْيَا رَنَقٌ مَشْرَبُهَا رَدَغٌ مَشْرَعُهَا يُونِقُ مَنْظَرُهَا وَ يُوبِقُ مَخْبَرُهَا غُرُورٌ حَائِلٌ وَ ضَوْءٌ آفِلٌ وَ ظِلٌّ زَائِلٌ وَ سِنَادٌ مَائِلٌ حَتَّى إِذَا أَنْسَ نَافِرُهَا وَ أَطْمَأَنَّ نَاكِرُهَا قَمَصَتْ بِأَرْجُلِهَا وَ قَنَصَتْ بِأَحْبِلِهَا وَ أَقْصَدَتْ بِأَسْهُمِهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٦، ص ٨٢

﴿١٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا ظِلٌّ مَمْدُودٌ إِلَى أَجَلٍ مَعْدُودٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٥١

٧-١-١- الصُّورَةُ

﴿١٣﴾ الصادق عليه السلام: الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ صُورَةٍ رَأْسُهَا الْكِبَرُ وَ عَيْنُهَا الْحِرْصُ وَ أُذُنُهَا الطَّمَعُ وَ لِسَانُهَا الرِّيَاءُ وَ يَدُهَا الشَّهْوَةُ وَ رِجْلُهَا الْعُجْبُ وَ قَلْبُهَا الْعَفْلَةُ وَ كَوْنُهَا الْفَنَاءُ وَ حَاصِلُهَا الزَّوَالُ فَمَنْ أَحَبَّهَا

﴿مَعْنَى الدُّنْيَا وَتَمَاثِيلُهَا﴾

أَوْرَثَتْهُ الْكِبَرُ وَمَنْ اسْتَحْسَنَهَا أَوْرَثَتْهُ الْحِرْصَ وَمَنْ طَلَبَهَا (أَوْرَدَتْهُ إِلَى) الطَّمَعِ وَمَنْ مَدَحَهَا
أَلْبَسَتْهُ الرِّيَاءَ وَمَنْ أَرَادَهَا مَكَّنَتْهُ مِنَ الْعُجْبِ وَمَنْ أَطْمَأَنَّ إِلَيْهَا أَوْلَتْهُ الْغَفْلَةَ وَمَنْ أَعْجَبَهُ مَتَاعُهَا
أَفْنَتْهُ وَمَنْ جَمَعَهَا وَبَخِلَ بِهَا رَدَّتْهُ إِلَى مُسْتَقَرِّهَا وَهِيَ النَّارُ؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۷
۱-۱-۸- امرأة عليها من كل زينة

﴿۱۴﴾ الرسول ﷺ: ثُمَّ اسْتَقْبَلْتَنِي امْرَأَةٌ كَاشِفَةٌ عَنْ ذِرَاعَيْهَا وَعَلَيْهَا مِنْ كُلِّ زِينَةِ الدُّنْيَا فَقَالَتْ
يَا مُحَمَّدُ انْظُرْنِي حَتَّى أَكَلِمَكَ فَلَمْ أَلْتَفِتْ إِلَيْهَا ثُمَّ سِرْتُ فَسَمِعْتُ صَوْتًا أَفْزَعَنِي فَجَاوَزْتُ بِهِ
فَنَزَلَ بِي جِبْرِيلٌ... فَقَالَ لِي أَا فَكَلَّمْتَهَا فَقُلْتُ لَمْ أَكَلِّمْهَا وَلَمْ أَلْتَفِتْ إِلَيْهَا، فَقَالَ تِلْكَ الدُّنْيَا وَلَوْ
كَلَّمْتَهَا لَأَخْتَارَتْ أُمَّتَكَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ؛ تفسير القمي، ج ۲، ص ۳
۱-۱-۹- السَّمُّ

﴿۱۵﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا سَمٌ أَكَلَهُ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ؛ غرر الحكم، ص ۱۴۲
۱-۱-۱۰- مَا يَخْرُجُ مِنَ الْإِنْسَانِ

﴿۱۶﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا ضُرِبَتْ مَثَلًا لِابْنِ آدَمَ فَإِنْظُرْ مَا يَخْرُجُ مِنْ ابْنِ آدَمَ وَإِنَّ مَرْجَهُ وَ
مِلْحَهُ إِلَى مَا يَصِيرُ؛ مجموعة ورام، ج ۱، ص ۱۴۹
۱-۱-۱۱- الْقُبُورُ الْمُشِيدَةُ الَّتِي يُعْجِبُ النَّاطِرُ ظَهْرُهَا وَدَاخِلُهَا عِظَامُ الْمَوْتَى

﴿۱۷﴾ عيسى عليه السلام: يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ فِيكُمْ مَا لَيْسَ فِيكُمْ وَأَنْ يُشَارَ إِلَيْكُمْ
بِالْأَصَابِعِ يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا تَخْلُقُونَ رُءُوسَكُمْ وَتَقْصُرُونَ فُصُصَكُمْ وَتَنْكِسُونَ رُءُوسَكُمْ وَلَا تَنْزِعُونَ
الْغِلَّ مِنْ قُلُوبِكُمْ يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا مَثَلُكُمْ كَمَثَلِ الْقُبُورِ الْمُشِيدَةِ يُعْجِبُ النَّاطِرُ ظَهْرُهَا وَدَاخِلُهَا عِظَامُ
الْمَوْتَى مَمْلُوءَةٌ خَطَايَا؛ تحف العقول، ص ۵۰۱
۱-۱-۲- مَا لَا يَجْتَمِعُ بِالدُّنْيَا أَوْ بِحُبِّ الدُّنْيَا

۱-۱-۲-۱- اللَّهُ

﴿۱۸﴾ عيسى عليه السلام: لَا يَجْتَمِعُ لَكُمْ حُبُّ اللَّهِ وَحُبُّ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۰۷
﴿۱۹﴾ الصادق عليه السلام: فَاسْأَلْكَ... وَزُهْدًا فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ؛

تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۱۲۶

﴿معنای دنیا و تمثیل‌های آن﴾

هرکس دنیا را دوست بدارد، تکبر را برای او به ارث می‌گذارد، هرکس دنیا را بیسندد و از آن خوشش بیاید، حرص پیدا می‌کند، هرکس دنبال مال دنیا برود، در او طمع پدید می‌آید، هرکس دنیا را ستایش کند، ریا او را از پا در می‌آورد. هرکس بخواهد به دنیا برسد، عجب در او قدرت پیدا می‌کند، هرکس به دنیا اطمینان پیدا کند، غفلت بر او سوار می‌گردد. و هرکس متاع دنیا او را به شگفت وادارد، دنیا او را در آینده به خود مفتون می‌کند، هرکس مال دنیا را جمع کند و بخل بورزد او را به جایگاهش که آتش باشد، خواهد کشاند.

۱-۱-۸- زنی با زیورآلات

﴿۱۴﴾ [در شب معراج] زنی از روبروی من آمد که دست‌هایش تا آرنج عریان بود و از همه‌ی زینت‌های دنیا به خود آویخته بود و گفت: «ای محمد! به من نگاه کن تا با تو صحبت کنم». اما توجهی به او نکردم و به راه خود ادامه دادم تا اینکه صدایی شنیدم که مرا ترساند. جلوتر رفتم. جبرئیل نزد من آمد... پرسید: «آیا با او صحبت کردی؟» «گفتم: نه، هیچ سخنی نگفتم و توجهی به او نمودم». گفت: «آن دنیا بود، اگر با او صحبت می‌کردی، امت تو دنیا را بر آخرت ترجیح می‌داد».

۱-۱-۹- زهر

﴿۱۵﴾ دنیا زهر است و کسی آن را می‌خورد که متوجه آن نیست.

۱-۱-۱۰- آنچه از آدمی دفع می‌شود

﴿۱۶﴾ دنیا مثلی برای فرزندان آدم است؛ پس ببین که از فرزند آدم چه چیزی دفع می‌شود و شور و شیرین او به چه می‌انجامد.

۱-۱-۱۱- مانند قبرهای مجلل که بینندگان را به شگفتی وادارد ولی درون آن‌ها پر از استخوان‌های مردگان است

﴿۱۷﴾ ای بندگان دنیا! می‌پسندید که در مورد شما، آنچه نیستید بگویند و با انگشت به شما اشاره کنند [و مشهور شوید] ای بندگان دنیا! [از سر ریا و برای حرف مردم] سرهایتان را می‌تراشید و پیراهن‌هایتان را کم و ساده می‌کنید و سرهایتان را کج می‌کنید درحالی‌که حقد و کینه را از قلب‌هایتان نمی‌زدایید؟! ای بندگان دنیا! مثل شما مثل قبرهای برافراشته [و با ظاهری مجلل] است که بینندگان از دیدن ظاهر زیبای آن تعجب می‌کنند ولی داخل آن پر از استخوان‌های مرده است.

۱-۱-۲- آنچه که با دنیا یا با حب دنیا جمع نمی‌شود

۱-۱-۲-۱- الله

﴿۱۸﴾ حب خداوند و حب دنیا برای شما یک‌جا جمع نمی‌شوند.

﴿۱۹﴾ خداوند! از تو می‌خواهم... که به من در دنیا زهد عطا کنی و میل و رغبت مرا به آن چیزی قرار دهی که نزد توست و اعتماد مرا فقط به خودت جلب کنی.

﴿مَعْنَى الدُّنْيَا وَتَمَاثِيلُهَا﴾

﴿٢٠﴾ عيسى عليه السلام: وَكَثْرَةُ الذُّنُوبِ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا وَحُبِّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عليه السلام: إِنْ كُنْتَ تُحِبُّنِي فَأَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِكَ فَإِنَّ حُبِّي وَحُبَّهَا لَا يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٨

﴿٢١﴾ الرسول ﷺ: الدُّنْيَا حَرَامٌ عَلَى أَهْلِ الْآخِرَةِ وَالْآخِرَةُ حَرَامٌ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَهُمَا مَعًا حَرَامَانِ عَلَى أَهْلِ اللَّهِ؛ عوالي الآلي، ج ٤، ص ١١٩

﴿٢٢﴾ الرسول ﷺ: إِذَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ تَعَالَى اغْتَزَلَ الشَّيْطَانُ الدُّنْيَا عَنْهُمْ فَيَقُولُ الشَّيْطَانُ لِلدُّنْيَا لَا تَرَيْنَ مَا يَصْنَعُونَ فَتَقُولُ الدُّنْيَا دَعَهُمْ فَلَوْ قَدْ تَفَرَّقُوا أَخَذْتُ بِأَعْنَاقِهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧١، ص ١٨٩

﴿٢٣﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ عَلَى قَلْبِ ابْنِ آدَمَ لَهُ خُرْطُومٌ مِثْلُ خُرْطُومِ الْخَنْزِيرِ يُوسَّسُ لِابْنِ آدَمَ إِذَا أَقْبَلَ عَلَى الدُّنْيَا وَمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ فَإِذَا ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ انْخَسَ يُرِيدُ رَجَعَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٥، ص ٣٠٢

﴿٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَيْفَ يَدْعَى حُبَّ اللَّهِ مَنْ سَكَنَ قَلْبُهُ حُبَّ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١

﴿٢٥﴾ الصادق عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا وَحُبُّ اللَّهِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبٍ أَبَدًا؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٢١
١-٢-٢-١- الدِّيَانَةُ

﴿٢٦﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا رَأَيْتُمْ الْعَالَمَ مُحِبًّا لِلدُّنْيَا فَاتَّهَمُوهُ عَلَى دِينِهِ فَإِنَّ كُلَّ مُحِبٍّ لَيْسَ بِحَاطٍ إِلَّا مَا أَحَبَّ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٣٦

﴿٢٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَالَ عِيسَى: الدُّنْيَا دَاءُ الدِّينِ؛ وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ٢٥
١-٢-٢-٣- التَّقْوَى

﴿٢٨﴾ الرسول ﷺ: فَإِنَّ مَنْ رَغِبَ بِالتَّقْوَى زَهَدَ فِي الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٣٢٠
﴿٢٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قِيلَ لَهُ عَلَيْهِ السلام: مَا الزُّهْدُ قَالَ الرِّغْبَةُ فِي التَّقْوَى وَالزَّهَادَةُ فِي الدُّنْيَا؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٠٢
١-٢-٢-٤- الْحِكْمَةُ

﴿٣٠﴾ الكاظم عليه السلام: إِنَّ الْعَاقِلَ رَضِيَ بِالْدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَعَ الْحِكْمَةِ وَلَمْ يَرْضَ بِالْدُّنْيَا مِنَ الْحِكْمَةِ مَعَ الدُّنْيَا فَلِذَلِكَ رِبَحَتْ تِجَارَتُهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٩٩
١-٢-٢-٥- الْآخِرَةُ وَرَاجِعُ: الْفَصْلُ السَّادِسُ؛ مَا يَرْتَبِطُ بِالْآخِرَةِ

﴿معنای دنیا و تمثیل‌های آن﴾

﴿۲۰﴾ زیاده‌شدن گناهان بر اثر حبّ دنیا و حبّ دنیا سر رشته‌ی تمام لغزش‌هاست. خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی فرستاد که اگر مرا دوست داری، حبّ دنیا را از قلبت خارج کن که دوست‌داشتن من و دنیا در یک قلب جمع نمی‌شود.

﴿۲۱﴾ دنیا بر اهل آخرت حرام است و آخرت بر اهل دنیا حرام است و دنیا و آخرت بر اهل خدا حرام است.

﴿۲۲﴾ هنگامی که مردم گرد هم می‌آیند و ذکر خدای متعال را می‌گویند، شیطان و دنیا از آن‌ها کناره می‌گیرند، و شیطان به دنیا می‌گوید: «نمی‌بینی چه کار می‌کنند؟! دنیا می‌گوید: «آن‌ها را رها کن، زمانی که از هم جدا شدند، گردنشان را می‌گیرم».

﴿۲۳﴾ درباره‌ی سخن خداوند متعال: «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ»، می‌گوید: «مقصود، شیطان است که بر دل آدمیزاد است و خرطومی مانند خوک دارد و او را وسوسه می‌کند؛ به دنیا و آنچه که خداوند دوست ندارد، روی می‌آورد؛ اما وقتی به یاد خداوند عزّ و جل می‌افتد، روی برمی‌گرداند و می‌رود».

﴿۲۴﴾ چگونه کسی که حبّ دنیا ساکن قلبش شده، ادّعای حبّ خداوند را دارد.

﴿۲۵﴾ دوستی دنیا با دوست‌داشتن خداوند هیچ‌گاه در یک قلب جمع نمی‌شود.

۲-۱-۱-۲-۲ دینداری

﴿۲۶﴾ اگر عالمی را دیدید که دنیا دوست است، به دینش شک کنید؛ چون هر دوستداری بر محبوب خود احاطه می‌یابد.

﴿۲۷﴾ عیسی علیه السلام فرمود: «دنیا دردی برای دین است».

۳-۱-۱-۲-۳ پرهیزگاری

﴿۲۸﴾ هر کس خواستار تقوا باشد، از دنیا روی گردان می‌شود.

﴿۲۹﴾ به آن حضرت عرض شد: «زهد چیست؟» فرمود: «میل به پرهیزگاری و دست‌کشیدن از دنیا».

۴-۱-۱-۲-۴ دانش

﴿۳۰﴾ به‌راستی که فرد عاقل به بهره‌ی اندکی از دنیا که همراه حکمت و دانش باشد، راضی و خشنود است ولی به نصیب اندکی از حکمت که همراه دنیا باشد راضی نمی‌شود. به همین خاطر تجارت آن‌ها سود داده و فایده می‌بخشد.

۵-۱-۱-۲-۵ آخرت و ر.به: فصل ششم؛ بخش مرتبط با آخرت

﴿مَعْنَى الدُّنْيَا وَتَمَائِلُهَا﴾

﴿٣١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَمَشْغَلَةٌ عَنْ الْآخِرَةِ لَمْ يُصَبِّ صَاحِبُهَا مِنْهَا سَبَبًا إِلَّا فَتَحَتْ عَلَيْهِ حِرْصًا عَلَيْهَا وَلَهَجًا بِهَا؛ غررالحكم، ص ١٣٧

﴿٣٢﴾ الرسول ﷺ: طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِينَ فِي الْآخِرَةِ؛ مكارم الأخلاق، ص ٤٦٣

﴿٣٣﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ حَرِّثُ الْآخِرَةَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَحَرِّثُ الدُّنْيَا الْمَالُ وَالْبُنُونُ؛

بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٢

﴿٣٤﴾ الرسول ﷺ: فَقَالَ لَهُ جَبْرِئِيلُ إِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا وَالْأَمْوَالِ فِتْنَةٌ وَمَشْغَلَةٌ عَنِ الْآخِرَةِ؛

الكافي، ج ٥، ص ٣١٢

﴿٣٥﴾ الرسول ﷺ: قَدْ ضَيَعْنَا دَارًا تَبَقَى وَاسْتَوْطْنَا دَارًا تَفْنَى؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٧٢

١-١-٣- ماهية الدنيا

١-١-٣-١- الاتفاق

﴿٣٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا بِالْإِتِّفَاقِ وَالْآخِرَةُ بِالِاسْتِحْقَاقِ؛ غررالحكم، ص ١٤٨

﴿٣٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَحْوَالُ الدُّنْيَا تَتَّبِعُ الْإِتِّفَاقَ وَأَحْوَالُ الْآخِرَةِ تَتَّبِعُ الْإِسْتِحْقَاقَ؛

غررالحكم، ص ١٤٨

﴿٣٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا رُبَّمَا أَقْبَلَتْ عَلَى الْجَاهِلِ بِالْإِتِّفَاقِ وَأَذْبَرَتْ [عَلَى] الْعَاقِلِ بِالِاسْتِحْقَاقِ [مَعَ اسْتِحْقَاقٍ] فَإِنْ أَتَيْتَ مِنْهَا سَهْمَةً مَعَ جَهْلٍ أَوْ فَاتَيْتَ مِنْهَا بَغِيَةً مَعَ عَقْلٍ فَإِيَّاكَ أَنْ يَحْمِلَكَ ذَلِكَ عَلَى الرَّغْبَةِ فِي الْجَهْلِ وَالزُّهْدِ فِي الْعَقْلِ فَإِنَّ ذَلِكَ يُزِرُّ بِكَ وَيُرْدِيكَ؛

غررالحكم، ص ١٣١

١-١-٣-٢- المعكوسة

﴿٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا مَعْكُوسَةٌ مَنكُوسَةٌ لِدَاثِهَا تَنَغِيسُ وَمَوَاهِبِهَا تَغْصِيسُ وَ

عَيْشُهَا عَنَاءٌ وَبَقَاؤُهَا فَنَاءٌ تَجْمَعُ بِطَالِبِهَا وَتُرْدِي رَاكِبِهَا وَتَخُونُ الْوَاتِقَ بِهَا وَتُزْعِجُ الْمُطْمَئِنِّ

إِلَيْهَا وَإِنَّ جَمْعَهَا إِلَى انْصِدَاعٍ وَصَلِّهَا إِلَى انْقِطَاعٍ؛ غررالحكم، ص ١٢٧

١-١-٣-٣- إعطاء الرزق بغير عمل

﴿٤٠﴾ الصادق عليه السلام: قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عليه السلام: تَعْمَلُونَ لِلدُّنْيَا وَأَنْتُمْ تُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ عَمَلٍ وَلَا

تَعْمَلُونَ لِلْآخِرَةِ وَأَنْتُمْ لَا تُرْزَقُونَ فِيهَا إِلَّا بِالْعَمَلِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣١٩

﴿معنای دنیا و تمثیل‌های آن﴾

- ﴿۳۱﴾ دنیا انسان را از آخرت مشغول می‌دارد و به صاحب خود هیچ بهره‌ای نمی‌دهد؛ مگر آنکه او را نسبت به آن حریص و شیفته کند.
- ﴿۳۲﴾ خوشا به حال آنان که به آخرت رغبت دارند و در دنیا زاهدند.
- ﴿۳۳﴾ ای ابوذر! کشت برای آخرت، عمل صالح است و کشت دنیا، مال و فرزند است.
- ﴿۳۴﴾ جبرئیل به پیامبر ﷺ عرض کرد: «همانا محبت دنیا و اموال فتنه‌ای است که آدمی را از یاد آخرت غافل می‌سازد».
- ﴿۳۵﴾ ما خانه‌ی همیشگی را خراب و خانه‌ی از دست‌رفتنی را وطن گزیده‌ایم.

۳-۱-۱- چستی دنیا

۱-۳-۱- امور تصادفی

- ﴿۳۶﴾ دنیا با اتفاق حاصل می‌شود و در آن رعایت استحقاقی نشده و آخرت با استحقاق داده می‌شود و برای هرکس به اندازه‌ی استحقاق او خواهد بود.
- ﴿۳۷﴾ احوال دنیا تابع اتفاق است و اهلّیت و استحقاقی در آن معتبر نیست و احوال آخرت تابع اهلّیت و استحقاق است.
- ﴿۳۸﴾ دنیا گاهی، به‌صورت اتفاقی به جاهل رو می‌کند و از عاقل گرچه استحقاق دنیا را دارد، روی برمی‌گرداند. پس اگر سهمی از دنیا به تو رسید همراهش جهل نیز هست و اگر بدی‌ای از آن از تو دفع شد، عقل نیز همراه آن است؛ پس مبدا چیزی که به دست می‌آوری تو را ترغیب به کسب جهل و کم‌خواستن عقل کند که این کار موجب ملامت و هلاکت توست.

۲-۱-۳- واژگون

- ﴿۳۹﴾ به‌درستی که دنیا واژگون است، لذت‌های آن تمام‌شدنی است و بخشش‌های آن غصّه‌دادن و زندگانی آن رنج و بقای آن فانی‌شدن است. صاحب خود را به زور از خودش دور می‌کند و سواره‌ی خود را بر زمین می‌افکند. به کسی که به او اعتماد کرده خیانت می‌کند و کسی را که به او اطمینان کرده، پریشان می‌کند. اجتماعات آن رو به پراکندگی و ارتباطات آن رو به انقطاع است.

۳-۱-۳- دادن روزی نه بر مبنای عمل

- ﴿۴۰﴾ عیسی‌بن‌مریم علیه‌السلام به یاران خود فرمود: «شما برای دنیا کار می‌کنید، درحالی‌که روزی شما بدون کار هم در اینجا به‌دست می‌آید؛ ولی برای آخرت عمل نمی‌کنید درحالی‌که در آخرت بدون عمل چیزی به شما نمی‌دهند».

﴿مَعْنَى الدُّنْيَا وَتَمَائِلُهَا﴾

﴿٤١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَاعْجَبَا مِمَّنْ يَعْمَلُ لِلدُّنْيَا وَهُوَ يَرْزُقُ فِيهَا بَغَيْرِ عَمَلٍ وَلَا يَعْمَلُ لِلْآخِرَةِ وَهُوَ لَا يَرْزُقُ فِيهَا إِلَّا بِالْعَمَلِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٢٥
١-١-٣-٤- لَا يُنَالُ بِحِيلَةٍ وَلَا بِعَمَلٍ

﴿٤٢﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَسَّعَ فِي أَرْزَاقِ الْحَقَمَى لِيُعْتَبَرَ الْعُقَلَاءُ وَيَعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَ يُنَالُ مَا فِيهَا بِعَمَلٍ وَلَا حِيلَةٍ؛ الكافي، ج ٥، ص ٨٢
١-١-٣-٥- بَعْضُهَا يُشَبِّهُ بَعْضًا، مَا بَقِيَ كَمَا وَلَّى
١-١-٣-٥-١- بَعْضُهَا يُشَبِّهُ بَعْضًا

﴿٤٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: صَدَّقَ بِمَا سَلَفَ مِنَ الْحَقِّ وَاعْتَبَرَ بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ بَعْضَهَا يُشَبِّهُ بَعْضًا وَآخِرَهَا لَاحِقٌ بِأَوَّلِهَا؛ غرر الحكم، ص ٤٧١
﴿٤٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَأَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا الَّتِي لَمْ يَمْتَعْ بِهَا أَحَدٌ قَبْلَكُمْ وَلَا تَبْقَى لِأَحَدٍ بَعْدَكُمْ فَسَبِيلُ مَنْ فِيهَا سَبِيلُ الْمَاضِينَ مِنْ أَهْلِهَا؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ١٥٧
١-١-٣-٥-٢- مَا بَقِيَ كَمَا وَلَّى

﴿٤٥﴾ فَإِنَّ مَا بَقِيَ مِنَ الدُّنْيَا كَمَا وَلَّى مِنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٣٣٥
١-١-٣-٦- مُطِيعَةٌ لِلَّهِ، مَاضِيَةٌ عَلَى سُنَنِ

﴿٤٦﴾ الرسول ﷺ: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الدُّنْيَا أَمَرَهَا بِطَاعَتِهِ فَاطَّاعَتْ رَبَّهَا فَقَالَ لَهَا خَالِفِي مَنْ طَلَبِكِ وَوَاقِفِي مَنْ خَالَفَكَ فَهِيَ عَلَى مَا عَاهَدَ إِلَيْهَا اللَّهُ وَطَبَعَهَا عَلَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣١٥

﴿٤٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا مَاضِيَةٌ بِكُمْ عَلَى سُنَنِ وَأَنْتُمْ وَالْآخِرَةُ فِي قَرْنٍ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

١-١-٣-٧- فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَفِي حَرَامِهَا عِقَابٌ

﴿٤٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: عِظْنَا وَأَوْجِزْ فَقَالَ الدُّنْيَا حَلَالُهَا حِسَابٌ وَحَرَامُهَا عِقَابٌ وَأَنْتِ لَكُمْ بِالرُّوحِ وَلَمَّا تَأَسَّوْا بِسُنَّةِ نَبِيِّكُمْ تَطْلُبُونَ مَا يُطْغِيكُمْ وَلَا تَرْضَوْنَ مَا يَكْفِيكُمْ؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٥٩

﴿٤٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا بُنَيَّةُ إِنَّ الدُّنْيَا فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَفِي حَرَامِهَا عِقَابٌ... يَا بُنَيَّةُ الدُّنْيَا دَارُ غُرُورٍ وَدَارُ هَوَانٍ فَمَنْ قَدَّمَ شَيْئًا وَجَدَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٤٢، ص ٢٧٥
﴿١٤٢﴾

﴿معنای دنیا و تمثیل‌های آن﴾

﴿۴۱﴾ عجب از کسی که برای دنیایش تلاش می‌کند درحالی که در دنیا بدون تلاش او نیز به او روزی می‌دهند؛ اما برای آخرتش تلاش نمی‌کند حال آنکه در آن جز در ازای عمل، رزقی به او داده نمی‌شود.

۴-۱-۱- با نقشه و حيله به دست نمی‌آید

﴿۴۲﴾ خداوند بزرگ روزی احمقان و ابلهان را وسیع گردانید تا عاقلان عبرت گرفته و بدانند که دنیا با عقل و حيله به دست نمی‌آید.

۵-۱-۱- حوادثی مشابه قبل، آنچه مانده مانند آنچه رفته [فانی] است

۱-۱-۳-۵-۱- حوادثی مشابه قبل

﴿۴۳﴾ حقّی را که در زندگی گذشتگان بود تصدیق کن و از حوادث گذشته‌ی تاریخ برای آینده عبرت گیر که حوادث روزگار با یکدیگر همانند بوده و پایان دنیا به آغازش می‌پیوندد.

﴿۴۴﴾ شما را از دنیایی که مردم پیش از شما کامی از آن نگرفته و پس از شما نیز برای کسی باقی نخواهد ماند، برحذر می‌دارم. سرنوشت کسانی که در آن هستند، همان سرنوشت گذشتگان است. آگاه باشید.

۲-۱-۱-۳-۵- آنچه مانده مانند آنچه رفته [فانی] است

﴿۴۵﴾ هر آنچه در دنیا باقی مانده، مثل آن است که رفته و تمام شده است.

۶-۱-۱-۳- فرمان‌بر خدا، مجری قوانین الهی

﴿۴۶﴾ هنگامی که خداوند دنیا را آفرید، فرمان اطاعت از دستورهای خود را به او صادر فرمود. دنیا هم اطاعت و تسلیم خود را اظهار نمود. سپس خداوند به دنیا فرمود: «هرکس در طلب تو باشد، با او مخالفت کن و هرکس با تو مخالفت کرد، با او موافقت نما». در نتیجه‌ی این پیمان، دنیا بر طبق عهد و پیمان الهی و به اقتضای طبیعت خلقتش رفتار خواهد کرد.

﴿۴۷﴾ دنیا با قانونمندی خاصی می‌گذرد، شما با قیامت به رشته‌ای اتصال دارید.

۷-۱-۱-۳- در حلال آن حساب است و در حرام آن عذاب

﴿۴۸﴾ به امیرالمؤمنین علیه السلام گفته شد: ما را در یک کلام کوتاه موعظه کن. فرمود: «در حلال دنیا حساب و در حرامش عقاب است، کجا برای شما [از هراس‌های قیمت] آسایشی فراهم می‌گردد با اینکه به سنت پیغمبرتان عمل نکرده‌اید؟ آنچه شما را به سرکشی و طغیان برد، می‌جوید و به آنچه شما را کفایت می‌کند خشنود نیستید. [و بیش از حدّ کفایت می‌خواهید].

﴿۴۹﴾ به أمّ کلثوم فرمود: دختر عزیزم، در حلال دنیا حساب و در حرامش مجازات و عقاب است... دختر عزیزم، دنیا خانه‌ی غرور و پستی است، پس هرکس چیزی را که از پیش فرستد، آن را می‌یابد.

﴿مَعْنَى الدُّنْيَا وَتَمَاثِيلُهَا﴾

٨-٣-١- دارُ عُقُوبَةٍ وَ لَيْسَتْ بِدَارِ ثَوَابٍ

﴿٥٠﴾ الصّادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ فِي مُنَاجَاتِهِ لِمُوسَى عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ عُقُوبَةٍ عَاقَبْتُ فِيهَا آدَمَ عِنْدَ خَطِيئَتِهِ وَ جَعَلْتُهَا مَلْعُونَةً مَلْعُونٌ مَا فِيهَا إِلَّا مَا كَانَ فِيهَا لِي؛ ثَوَابُ الْأَعْمَالِ، ص ٢٢٠

﴿٥١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَجْعَلِ الدُّنْيَا ثَوَابًا لِمُؤْمِنٍ وَ لَا عُقُوبَةً لِكَافِرٍ وَ مَنْ سَخَفَ دِينَهُ وَ ضَعَفَ عَمَلُهُ قَلَّ بَلَاؤُهُ وَ أَنَّ الْبَلَاءَ أَسْرَعَ إِلَى الْمُؤْمِنِ التَّقِيِّ مِنَ الْمَطْرِ إِلَى قَرَارِ الْأَرْضِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٥٩

٩-٣-١- دارُ تَبَعَاتِهَا بَاقِيَةٌ

﴿٥٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَقِي لِصَاحِبٍ وَ لَا تَصْفُو لِشَارِبٍ نَعِيمُهَا يَنْتَقِلُ وَ أَحْوَالُهَا تَتَبَدَّلُ وَ لَذَاتُهَا تَفْنَى وَ تَبَعَاتُهَا تَبْقَى فَأَعْرِضْ عَنْهَا قَبْلَ أَنْ تُعْرِضَ عَنْكَ وَ اسْتَبْدِلْ بِهَا قَبْلَ أَنْ تَسْتَبْدِلَ بِكَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

١٠-٣-١- مَا خُلِقْتُمْ لِلدُّنْيَا وَ رَاجِع: الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ

١-٣-١-١- مَا خُلِقْتُمْ لِلدُّنْيَا

﴿٥٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا وَ لِلْفَنَاءِ لَا لِلْبَقَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٠٧

٢-٣-١-١- خُلِقْتَ لِغَيْرِهَا

﴿٥٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا خُلِقَتْ لِغَيْرِهَا وَ لَمْ تُخْلَقْ لِنَفْسِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣٣

٣-٣-١-١- لَسْنَا خُلِقْنَا لِلدُّنْيَا

﴿٥٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا وَ ابْتَلَى فِيهَا أَهْلَهَا لِيَعْلَمَ أَتْيَهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ لَسْنَا لِلدُّنْيَا خُلِقْنَا وَ لَا بِالسَّعْيِ لَهَا أَمْرُنَا وَ إِنَّمَا وَضِعْنَا فِيهَا لِنُبْتَلَى بِهَا وَ نَعْمَلَ فِيهَا لِمَا بَعْدَهَا؛ غرر الحكم، ص ١٢٨

٤-٣-١- وَصَفُ الدُّنْيَا وَ رَاجِع: تَمَاثِيلُ الدُّنْيَا

﴿٥٦﴾ صحف ادريس عليه السلام: فَكُرُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الَّتِي تَفْتِنُ بِزِبْرِجٍ زَخَارِيفُهَا وَ تَخْدَعُ بِحَلَاوَةٍ تَصَارِيفُهَا وَ لَذَاتُهَا شَبِيهَةٌ بِنُورِ الْوَرْدِ الْمُخْفُوفِ بِالشُّوْكِ الْكَثِيرِ فَهُوَ مَا دَامَ زَاهِرًا يَرُوقُ الْعُيُونُ وَ

﴿معنای دنیا و تمثیل‌های آن﴾

۸-۳-۱-۱- سرای عقوبت است نه سرای پاداش

﴿۵۰﴾ خدای عزّ و جل در مناجاتش با موسی (علیه السلام) فرمود: «دنیا محلّ عقوبت است که آدم را وقتی که خطا کرد، در دنیا عقوبت کردم. من دنیا را دور از رحمت خود قرار دادم و هر چیزی در دنیا که برای خاطر من نباشد، ملعون و دور از رحمت من است».

﴿۵۱﴾ خداوند متعال دنیا را برای هیچ مؤمنی پاداش عمل قرار نداده است و برای هیچ کافری هم محلّ عقوبت قرار نداده است. و هرکس در دینش سست و در کارهای نیک ضعیف باشد، گرفتاری‌هایش کم می‌گردد، بلا و گرفتاری به مؤمن باتقوا از باران بر زمین‌های پست و گودال‌ها زودتر می‌رسد.

۹-۳-۱-۱- سرایی که پیامدهایش ماندگار است

﴿۵۲﴾ دنیا به همراه خود وفا نمی‌کند و برای کسی که از نعمت‌های آن بهره می‌برد اهل صفا نیست، روزگارش در تغییر است و لذّت‌هایش رو به فناست اما تبعات آن باقی خواهد ماند، پس از دنیا قبل از آنکه از تو برگردانده شود، روی برگردان و قبل از آنکه به آخرت تبدیل شود، خودت آن را به آخرت مبذّل کن.

۱۰-۳-۱-۱- برای دنیا آفریده نشده‌اید و.ر.به: دنیای بی‌ارزش

۱-۳-۱۰-۱- برای دنیا آفریده نشده‌اید

﴿۵۳﴾ پسرم! بدان که تو برای آخرت آفریده شده‌ای نه برای دنیا، و برای رفتن از دنیا خلق شده‌ای نه برای پایدارماندن در آن.

۲-۳-۱۰-۱- برای غیر خود آفریده شده

﴿۵۴﴾ دنیا برای جای دیگر خلق شده و برای خودش آفریده نشده است.

۳-۳-۱۰-۱- ما برای دنیا خلق نشده‌ایم

﴿۵۵﴾ همانا خداوند سبحان دنیا را برای آخرت قرار داده و مردم را در دنیا آزمایش کرده تا روشن شود که کدامیک نیکوکارترند. ما برای دنیا خلق نشده‌ایم و امر به تلاش برای رسیدن به آن نشده‌ایم. به دنیا آمده‌ایم تا در آن آزمایش گردیم و در آن برای آنچه بعد از آن است، عمل کنیم.

۴-۳-۱-۱- توصیف دنیا و.ر.به: تمثیل‌های دنیا

﴿۵۶﴾ در این دنیا اندیشه کنید که به‌وسیله‌ی زینت زیبایی‌هایش می‌فریبد و به شیرینی حوادث و لذّت‌ش نیرنگ می‌کند، همچون شکوفه‌ی گل سرخی است که با خارها پیچیده شده و پیوسته شکوفاست و چشم‌ها را خیره می‌کند و جان‌ها را شادی می‌بخشد ولی با این حال، دور از دسترس است و آن به دلیل خاری است که دست طالب آن را مجروح می‌کند و بعد از لحظاتی اندک، گل پرپر می‌شود و خار می‌ماند. دنیای خیانتکار از بین‌رفتنی، چنین است، زندگی‌اش مرگ را به دنبال دارد و جوانی‌اش رو به پیری است و سلامتی‌اش در لفافه بیماری‌هاست و بی‌نیازی‌اش

﴿مَعْنَى الدُّنْيَا وَتَمَاثِيلُهَا﴾

يَسِرُّ النَّفُوسَ وَهُوَ مَعَ ذَلِكَ مُمْتَنِعٌ بِالشَّوْكِ الْمُفْرِحِ يَدُ مُتَنَاوِلِهِ فَإِذَا مَضَتْ سَاعَاتُ قَلِيلَةٍ انْتَشَرَ الزَّهْرُ وَبَقِيَ الشَّوْكَ كَذَلِكَ الدُّنْيَا الْخَائِنَةُ الْفَانِيَةُ فَإِنَّ حَيَاتَهَا مُتَعَبٌّ بِالْمَوْتِ وَشَبَابُهَا صَائِرٌ إِلَى الْهَرَمِ وَصِحَّتُهَا مَحْفُوفَةٌ بِالْمَرَضِ وَغِنَاهَا مُتَبَوِّعٌ بِالْفَقْرِ وَمُلْكُهَا مَعْرُضٌ لِلزَّوَالِ وَعِزُّهَا مَقْرُونٌ بِالذُّلِّ وَلَذَاتُهَا مُكَدَّرَةٌ بِالشَّوَابِّ وَشَهَوَاتُهَا مُمْتَزَجَةٌ بِمَضَضِ النَّوَائِبِ شَرُّهَا مُحْضٌ وَخَيْرُهَا مُمْتَزَجٌ مِنْ حُبِّ مِنْهَا بِشَيْءٍ مِنْ شَهَوَاتِهَا لَمْ يَحُلْ مِنْ غُصَصِ مَرَارَاتِهَا وَخَوْفِ عُقُوبَاتِهَا وَخَشْيَةِ تَبْعَاتِهَا وَمَا يَعْزُضُ فِي الْحَالِ مِنْ آفَاتِهَا هَذِهِ حَالُ فَازٍ مِنْ سَعْدِهَا فَمَا تَقُولُ فِيمَنْ لَمْ يَحْظُ بِطَائِلِ مِنْهَا الصَّحِيحُ فِيهَا يَخَافُ السُّقْمَ وَالْغِنَى يَخْشَى الْفَقْرَ وَالشَّابُّ يَتَوَقَّعُ الْهَرَمَ وَالْحَيُّ يَنْتَظِرُ الْمَوْتَ مَنْ اعْتَمَدَ عَلَيْهَا وَاسْتَنَامَ إِلَيْهَا كَانَ مِثْلَ الْمُسْتَنْدِ إِلَى جَبَلٍ شَاهِقٍ مِنَ الثَّلَجِ يَعْظُمُ فِي الْعُيُونِ عَرْضُهُ وَطَوْلُهُ وَسَمْكُهُ فَإِذَا أَشْرَقَتْ شَمْسُ الصَّيْفِ عَلَيْهِ ذَابَ غَفْلَةُ وَسَالَ وَبَقِيَ الْمُسْتَنْدُ إِلَيْهِ وَالْمُسْتَنْدِرُ لَهُ بِالْعَرَاءِ فَكَذَلِكَ مَصِيرُ هَذِهِ الدُّنْيَا إِلَى زَوَالٍ وَاضْمِحْطَالٍ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٦٨

﴿٥٧﴾ زيارة الرسول ﷺ: الدُّنْيَا مُتَنَكِّرَةٌ لِأَهْلِهَا مُنْقَلِبَةٌ عَلَى أُنْبَائِهَا ثَمَرُهَا الْفِتْنُ وَطَعَامُ أَهْلِهَا الْجَنَفُ وَشِعَارُهَا الْخَوْفُ وَدِتَارُهَا السَّيْفُ قَدْ مَزَقَتْ أَهْلَهَا كُلَّ مُمَزَّقٍ وَطَرَدَتْهُمْ كُلَّ مُطْرَدٍ وَاعْتَمَتْ عُيُونُهُمْ وَأَشْجَتْ قُلُوبُهُمْ وَشَغَلَتْهُمْ بِقَطْعِ الْأَرْحَامِ وَعِبَادَةِ الْأَصْنَامِ وَخِدْمَةِ النَّيْرَانِ وَاسْتَأْصَلَتْ الْكُفْرَ وَهَدَمَتْ الشُّرُكَ وَمَحَقَّتْ الضَّلَالَةَ وَنَفَيْتِ الْجَهَالََةَ وَكَشَفَ اللَّهُ عَنْهُمْ بَكَ الْبَلَاءِ وَرَدَّ عَنْ دِيَارِهِمْ بَكَ الْأَعْدَاءِ وَرَفَعَ مِنْ بَيْنِهِمُ الْعِدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَأَعَادَ الرَّحْمَةَ إِلَى صُدُورِهِمْ وَفَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ النِّعَمِ وَالْبَسَهُمْ حُلَّ الْعِزِّ وَالْكَرَمِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ١٧٧

﴿٥٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ الدُّنْيَا رَنَقُ مَشْرَبِهَا رَدْعُ مَشْرَعِهَا يُونَقُ مَنْظَرُهَا وَيُوبَقُ مَخْبَرُهَا غُرُورٌ حَائِلٌ وَضَوْءٌ أَفِلٌ وَظِلٌّ زَائِلٌ وَسِنَادٌ مَائِلٌ حَتَّى إِذَا أَنْسَ نَافِرُهَا وَاطْمَأَنَّ نَاكِرُهَا قَمَصَتْ بِأَرْجُلِهَا وَقَنَصَتْ بِأَحْبِلِهَا وَأَقْصَدَتْ بِأَسْهَمِهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٦، ص ٨٢

﴿٥٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا قَدْ نَعَتَتْ لَكَ نَفْسَهَا وَتَكَشَّفَتْ لَكَ عَنْ مَسَاوِيهَا وَإِيَّاكَ أَنْ تَغْتَرَّ بِمَا تَرَى مِنْ إِخْلَادِ أَهْلِهَا إِلَيْهَا وَتَكَالِبِهِمْ عَلَيْهَا فَإِنَّهُمْ كِلَابٌ عَاوِيَةٌ وَسِبَاعٌ ضَارِيَةٌ يَهْرُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَأْكُلُ عَزِيزُهَا ذَلِيلَهَا وَيَقْهَرُ كَبِيرُهَا صَغِيرَهَا نَعْمُ مُعَقَّلَةٌ وَأُخْرَى مُهْمَلَةٌ قَدْ أَضَلَّتْ عُقُولَهَا وَرَكِبَتْ مَجْهُولَهَا؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ٧٧

﴿معنای دنیا و تمثیل‌های آن﴾

فقر را به دنبال دارد و فرمانروایی‌اش در معرض نابودی، و عزّتش به همراه ذلّت است و لذّت‌هایش با آلودگی‌ها تیره می‌شود و دوست‌داشتنی‌هایش با سوزش مصیبت‌ها آمیخته است، شرّ آن خالص و خیر آن آمیخته است، هرکس به چیزی از شهوات آن بهره‌مند گردد از تلخی غصّه‌های آن و ترس شکنجه‌ها و عواقب و آسیب‌هایی که بر آن وارد شود، در امان نیست. این حالتی است که هرکس در آن سعادتمند گردید، رستگار شد؛ پس چه می‌گویی در حقّ کسی که از آن فایده‌ای نمی‌برد، در دنیا سالم از بیماری می‌ترسد، بی‌نیاز از فقر بیم دارد و جوان در انتظار پیری است و زنده منتظر مرگ است. هرکس بر آن تکیه کند و از آن آرامش بجوید، همچون کسی است که بر کوهی بلند از یخ تکیه زده است که پهناور و ارتفاع و بلندی آن در چشمش بسیار است، ولی هنگامی که خورشید تابستان بر آن بتابد ناگهان آب می‌شود و روان می‌گردد و کسی که بر آن تکیه کرده و پناه بسته در صحرا می‌ماند. و اینچنین سرنوشت دنیا رو به نیستی و نابودی و انتقال به خانه دیگری است.

﴿۵۷﴾ دنیا برای اهلش لباس مبدل بر تن کرده و بر اهلش دگرگون شده است، میوه‌اش فتنه، طعام اهلش مردار، جامه‌ی زیرینش خوف و جامه‌ی رویش شمشیر است، اهلش را تگّه تگّه کرده و به شدّت آواره ساخته، چشمانشان را نابینا و دل‌هایشان را اندوهگین کرده است و به قطع روابط خویشاوندی، پرستش‌بت‌ها و خدمت به نیران مشغول ساخته است. و [تو، ای پیامبر] کفر را ریشه‌کن، شرک را نابود، ضلالت را محو و جهالت را دور کردی و خداوند به وسیله‌ی تو بلا را از آنان برطرف کرد و دشمنان را از دیار آنان دور و دشمنی و کینه را از میانشان مرتفع و میان دل‌هایشان الفت برقرار کرد و مهربانی را به دل‌هایشان بازگردانید و درهای نعمت را بر آنان گشود و جامه‌های عزّت و کرم را بر آنان پوشاند.

﴿۵۸﴾ دنیا همواره تیره و گل‌آلود است. منظره‌ای دل‌فریب و سرانجامی خطرناک دارد، فریبنده و زیباست، امّا دوامی ندارد، نوری است در حال غروب‌کردن، سایه‌ای نابودشدنی و ستونی در حال خراب‌شدن است. هرگاه کسی از [روی غریزه عقل] از آن دوری کرد و به آن دل نبست، به آن انس گرفت و مطمئن گردید و دنیا همچون اسب چموش پاها را بلند کرده و سوار خود را بر زمین می‌کوبد و با دام‌های خود آن‌ها را گرفتار می‌کند و تیرهای خود را به‌سوی آنان پرتاب می‌نماید.

﴿۵۹﴾ دنیا خود را برای تو وصف کرد و بدی‌هایش را آشکار ساخته است، مبدا به دلیل دلبستگی و اعتماد اهل دنیا به آن و حرص و دشمنی آنان بر سر دنیا، گول دنیا را بخوری چرا که آنان سگ‌های پارس‌کننده و درندگان شکاری هستند، بعضی از آن‌ها از بعضی ناراحت شده و فریاد می‌زند و توانایشان ناتوان را می‌خورد و بزرگ آن‌ها با زور به کوچکشان زیان می‌رساند، چهارپایانی هستند که بسته شده و بعضی دیگر چهارپایانی رها شده هستند که عقل و خرد را از دست داده و در بیراهه سوار مرکب نادانی خود هستند.

﴿مَعْنَى الدُّنْيَا وَتَمَاثِيلُهَا﴾

﴿٦٠﴾ الصادق عليه السلام: الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ صُورَةِ رَأْسِهَا الْكِبَرُ وَعَيْنُهَا الْحِرْصُ وَأَذُنُهَا الطَّمَعُ وَلِسَانُهَا الرِّيَاءُ وَيَدُهَا الشَّهْوَةُ وَرِجْلُهَا الْعُجْبُ وَقَلْبُهَا الْغَفْلَةُ وَكُونُهَا الْفَنَاءُ وَحَاصِلُهَا الزَّوَالُ فَمَنْ أَحَبَّهَا أَوْرَثَتْهُ الْكِبَرُ وَمَنْ اسْتَحْسَنَهَا أَوْرَثَتْهُ الْحِرْصُ وَمَنْ طَلَبَهَا (أَوْرَدَتْهُ إِلَى) الطَّمَعِ وَمَنْ مَدَحَهَا أَلْبَسَتْهُ الرِّيَاءَ وَمَنْ أَرَادَهَا مَكَّنَتْهُ مِنَ الْعُجْبِ وَمَنْ أَطْمَأَنَّ إِلَيْهَا أَوَلَّتْهُ الْغَفْلَةُ وَمَنْ أَعْجَبَهُ مَتَاعُهَا أَفْتَنَتْهُ وَمَنْ جَمَعَهَا وَبَخِلَ بِهَا رَدَّتْهُ إِلَى مُسْتَقَرِّهَا وَهِيَ النَّارُ؛ مستدرك الوسائل، ج ١٢، ص ٣٧

﴿٦١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اجْعَلِ الدُّنْيَا شَوْكًا وَانْظُرْ أَيْنَ تَضَعُ قَدَمَكَ مِنْهَا فَإِنَّ مِنْ رَكْنٍ إِلَيْهَا خَذَلَتْهُ وَمِنْ أُنْسٍ فِيهَا أَوْحَشَتْهُ وَمِنْ يَرْغَبُ فِيهَا أَوْهَنْتَهُ وَمَنْ انْقَطَعَ إِلَيْهَا قَتَلَتْهُ وَمَنْ طَلَبَهَا أَرْهَقَتْهُ وَمَنْ فَرَحَ بِهَا أَتْرَحَتْهُ وَمَنْ طَمِعَ فِيهَا صَرَعَتْهُ وَمَنْ قَدَّمَهَا أَخَّرَتْهُ وَمَنْ أَلْزَمَهَا أَهَانَتْهُ وَمَنْ أَتَرَهَا بَاعَدَتْهُ مِنَ الْآخِرَةِ وَمَنْ بَعُدَ مِنَ الْآخِرَةِ قَرُبَ إِلَى النَّارِ فَهِيَ دَارُ عُقُوبَةٍ وَزَوَالٍ وَفَنَاءٍ وَبَلَاءٍ نُورُهَا ظُلْمَةٌ وَعَيْشُهَا كَدْرٌ وَغَنِيَّتُهَا فَقِيرٌ وَصَحِيحُهَا سَقِيمٌ وَعَزِيزُهَا ذَلِيلٌ فَكُلُّ مُنْعَمٍ بَرَغْدِهَا شَقِيٌّ وَكُلُّ مَغْرُورٍ بِزِينَتِهَا مَفْتُونٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٢

﴿٦٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: احْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا دَارُ شُحُوصٍ وَمَحَلَّةٌ تَنْغِيصُ سَاكِنِيهَا ظَاغِنٌ وَقَاطِنٌ بَابُ تَمِيدٍ بِأَهْلِهَا مِيدَانُ السَّقِينَةِ تَعْصِفُهَا الْعَوَاصِفُ فِي لُجَجِ الْبِحَارِ فَمِنْهُمْ الْغَرِقُ الْوَبْقُ وَمِنْهُمْ النَّاجِي عَلَى مِثْوَنِ الْأَمْوَاجِ تَحْفِزُهُ الرِّيَّاحُ بِأَذْيَالِهَا وَتَحْمِلُهُ عَلَى أَهْوَالِهَا فَمَا غَرِقَ مِنْهَا فَلَيْسَ بِمُسْتَدْرِكٍ وَمَا نَجَا مِنْهَا فَإِلَى مَهْلِكٍ عِبَادَ اللَّهِ الْآنَ فَاعْمَلُوا وَالْآنَسُ مُطْلَقَةٌ وَالْأَبْدَانُ صَحِيحَةٌ وَالْأَعْضَاءُ لَذَنَةٌ وَالْمُتَقَلِّبُ فَسِيحٌ وَالْمَجَالُ عَرِيضٌ قَبْلَ إِرْهَاقِ الْفُوتِ وَحُلُولِ الْمَوْتِ فَحَقِّقُوا عَلَيْكُمْ نَزْوِلَهُ وَلَا تَنْتَظِرُوا قُدُومَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣٣

﴿٦٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: احْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّ فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَفِي حَرَامِهَا عِقَابٌ وَأَوَّلُهَا عَنَاءٌ وَآخِرُهَا فَنَاءٌ مِنْ صَحٍّ فِيهَا هَرَمٌ وَمِنْ مَرَضٍ فِيهَا نَدِيمٌ وَمِنْ اسْتِغْنَى فِيهَا فِتْنٌ وَمِنْ افْتِقَارٍ فِيهَا حَزَنٌ وَمِنْ آتَاهَا فَاتَتْهُ وَمِنْ بَعْدَ عَنْهَا آتَتْهُ وَمَنْ نَظَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتْهُ وَمَنْ بَصُرَ بِهَا بَصَّرَتْهُ إِنْ أَقْبَلَتْ غَرَّتْ وَإِنْ أَدْبَرَتْ ضَرَّتْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٣

معنای دنیا و تمثیل‌های آن

﴿۶۰﴾ دنیا مانند آدمی است که سر آن تکبر، دیدگانش حرص، گوشش طمع، زبانش ریا، دستش شهوت، پاهایش عجب، قلبش غفلت، وجودش فنا و محصول او نابودی می‌باشد. هرکس دنیا را دوست بدارد، تکبر را برای او به ارث می‌گذارد، هرکس دنیا را بپسندد و از آن خوشش بیاید، حرص پیدا می‌کند، هرکس دنبال مال دنیا برود، در او طمع پدید می‌آید، هرکس دنیا را ستایش کند، ریا او را از پا در می‌آورد. هرکس بخواهد به دنیا برسد، عجب در او قدرت پیدا می‌کند، هرکس به دنیا اطمینان پیدا کند، غفلت بر او سوار می‌گردد. و هرکس متاع دنیا او را به شگفت وادارد، دنیا او را در آینده به خود مفتون می‌کند، هرکس مال دنیا را جمع کند و بخل بورزد او را به جایگاه آتش، خواهد کشاند.

﴿۶۱﴾ دنیا را خارستانی حساب کن، متوجه باش پای خود را کجا می‌گذاری. هرکس به آن اعتماد کند، دنیا او را خوار می‌نماید و هرکس به آن انس بگیرد او را به وحشت می‌اندازد. و هرکس به او دل ببندد، او را بی‌ارزش می‌کند و هرکس او را در بر گیرد او را می‌کشد و هرکس در جستجویش باشد، به دشواری می‌اندازد و هرکس مسرور به دنیا شود، او را محزون می‌کند و هرکس در آن طمع پیدا کند، او را به زمین می‌زند و هرکس دنیا را مقدم دارد، دنیا او را عقب می‌زند و هرکس ملازم دنیا باشد، او را خوار می‌کند و هرکس دنیا را بر آخرت برگزیند، از آخرت دور می‌شود، و هرکس از آخرت فاصله بگیرد به آتش جهنم نزدیک می‌شود. پس دنیا خانه‌ی کيفر و زوال و فنا و بلاست؛ روشنی آن تاریکی و زندگی آن ملال‌انگیز و ثروت آن فقر و سالم آن بیمار و عزیز آن ذلیل است. هر دنیاداری که در وسعت و فراخی زندگی است، بدبخت است و هرکس فریب زینت دنیا را بخورد، در فتنه قرار گرفته است.

﴿۶۲﴾ شما را از گرایش به دنیا برحذر می‌دارم؛ دنیا شما را ناراحت می‌کند و زندگی شما را بر هم می‌زند، کسانی که روی زمین زندگی می‌کنند، از اینجا خواهند رفت و همه آنجا را ترک خواهند گفت؛ زمین ساکنان خود را به جنبش و اضطراب وامی‌دارد همانگونه که کشتی در دریا مضطرب می‌شود، باده‌ها و طوفان‌ها آن را در دریاها غرق می‌کنند، گروهی در آب هلاک می‌شوند، و دسته‌ای هم خود را از امواج خروشان نجات می‌دهند. باده‌ها موج آب را به این طرف و آن طرف می‌برند و آدمیان را در وحشت و اضطراب قرار می‌دهند، آن‌ها که غرق شده‌اند دیگر نمی‌توانند برگردند، و آن‌ها که رهایی یافته‌اند، در معرض هلاکت و نابودی می‌باشند و احتمال غرق آن‌ها نیز هست. ای بندگان خدا، اکنون که زبان‌ها باز می‌باشند، کاری کنید. اینک بدن‌ها سالم هستند و اعضاء و جوارح کار می‌کنند، و مجال فرصت هست و دست و بال شماها باز می‌باشد. در فکر خود باشید، هنوز مرگ نیامده و وقت عمل نگذشته است. اکنون آمدن مرگ را یقین بدانید و منتظر او نباشید؛ قبل از اینکه مرگ بیاید شما فکر خود را بکنید.

﴿۶۳﴾ از دنیا بپرهیزید که در حلال آن حساب و در حرامش کيفر، ابتدای آن رنج و آخرش فناست. هرکس سالم باشد، پیر می‌شود؛ هرکس مریض باشد پشیمان می‌شود؛ هرکس به دنبال بی‌نیازی باشد، فریفته‌ی دنیا می‌شود؛ هرکس فقیر باشد، محزون می‌گردد؛ هرکس به دنبالش رود، از دستش می‌رود؛ هرکس فاصله بگیرد، به دنبالش می‌آید؛ هرکس چشم به دنیا بدوزد، کورش می‌کند و هرکس بینش از دنیا بخواهد بینایش می‌کند. اگر رو آورد فریب می‌دهد و اگر پشت کند زیان می‌رساند.

﴿مَعْنَى الدُّنْيَا وَتَمَائِيلُهَا﴾

﴿٦٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا مَثَلُ مَنْ خَبَرَ الدُّنْيَا كَمَثَلِ قَوْمٍ سَفَرُوا بِهَمٍّ مَنَزَلٌ جَدِيدٌ فَأَمُّوا مَنَزِلًا خَصِيبًا وَجَنَابًا مَرِيحًا فَاحْتَمَلُوا وَغَنَاءَ الطَّرِيقِ وَفِرَاقَ الصَّدِيقِ وَخُشُونَةَ السَّفَرِ وَجُشُوبَةَ الْمَطْعَمِ لِيَأْتُوا سَعَةً دَارِهِمْ وَمَنَزِلَ قَرَارِهِمْ فَلَيْسَ يَجِدُونَ لَشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَلَمًا وَلَا يَرَوْنَ نَفَقَةً فِيهِ مَغْرَمًا وَلَا شَيْءَ أَحَبُّ إِلَيْهِمْ مِمَّا قَرَّبَهُمْ مِنْ مَنَزِلِهِمْ وَأَذْنَاهُمْ [إِلَى] مِنْ مَحَلَّتِهِمْ وَمَثَلُ مَنْ اغْتَرَّ بِهَا كَمَثَلِ قَوْمٍ كَانُوا بِمَنَزِلٍ خَصِيبٍ فَنَبَا بِهِمْ إِلَى مَنَزِلٍ جَدِيدٍ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَهَ إِلَيْهِمْ وَلَا أَفْطَحَ عِنْدَهُمْ مِنْ مُفَارَقَةٍ مَا كَانُوا فِيهِ إِلَى مَا يَهْجُمُونَ عَلَيْهِ وَيَصِيرُونَ إِلَيْهِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٠٣

﴿٦٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنْ مِنْ نَكَدِ الدُّنْيَا أَنَّهَا لَا تَبْقَى عَلَى حَالَةٍ وَلَا تَخْلُو مِنْ اسْتِحَالَةٍ تُصْلِحُ جَانِبًا بِفَسَادِ جَانِبٍ وَتَسُرُّ صَاحِبَهَا بِمَسَاءَةِ صَاحِبٍ فَالْكُونُ فِيهَا خَطَرٌ وَالثَّقَةُ بِهَا غَرَرٌ وَالْإِخْلَادُ إِلَيْهَا مُحَالٌ وَالْإِعْتِمَادُ عَلَيْهَا ضَلَالٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

﴿٦٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: هِيَ الصَّدُودُ الْعُنُودُ وَالْحَيُودُ الْمَيُودُ وَالْخُدُوعُ الْكُنُودُ؛ غرر الحكم، ص ١٣٦

﴿٦٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَالدُّنْيَا مُتَهَجِّمَةٌ فِي وُجُوهِ أَهْلِهَا مُكْفَهَرَةٌ مُدْبِرَةٌ غَيْرُ مُقْبِلَةٍ ثَمَرَتُهَا الْفِتْنَةُ وَطَعَامُهَا الْحَيْفَةُ وَشِعَارُهَا الْخَوْفُ وَدِتَارُهَا السَّيْفُ؛ الكافي، ج ١، ص ٦٠

﴿٦٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَالَ لَهُ: صِفْ لَنَا الدُّنْيَا؛ فَقَالَ: أَوَّلُهَا عَنَاءٌ وَآخِرُهَا بَلَاءٌ حَالُهَا حِسَابٌ حَرَامُهَا عِقَابٌ مَنْ صَحَّ فِيهَا أَمِنْ وَمَنْ مَرَضَ فِيهَا نَدِمَ وَمَنْ اسْتَعْنَى فِيهَا فُتِنَ وَمَنْ افْتَقَرَ فِيهَا حَزَنَ وَمَنْ سَاعَاها فَاتَتْهُ وَمَنْ قَعَدَ عَنْهَا أَتَتْهُ وَمَنْ نَظَرَ إِلَيْهَا أَلْهَتْهُ وَمَنْ تَهَاوَنَ بِهَا نَصَرَتْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٩١

﴿٦٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَالْقَرِيبُ كُلُّ مَا هُوَ آتٍ وَالْأَقْرَبُ هُوَ الْمَوْتُ وَالْعَجَبُ هُوَ الدُّنْيَا وَغَفَلَتْنَا فِيهَا أَعْجَبُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣١

١-١-٥- أقسام الدنيا

١-١-٥-١- الدنيا دنيا ان

﴿٧٠﴾ السَّجَادُ عليه السلام: الدُّنْيَا دُنْيَا ان دُنْيَا بَلَاغٍ وَدُنْيَا مَلْعُونَةٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٠

﴿معنای دنیا و تمثیل‌های آن﴾

﴿۶۴﴾ داستان آنان که دنیا را آزموده‌اند داستان مسافرانی است که در جایی خراب و همراه با قحطی و تنگ‌دستی منزل گرفته‌اند و عزم رفتن به سرزمینی دارند که در آنجا آسایش و رفاه فراهم است. پس مشکلات راه را تحمل می‌کنند و جدایی دوستان را می‌پذیرند، سختی سفر و ناگواری غذا را با جان و دل قبول می‌کنند، تا به جایگاه وسیع، و منزلگاه امن، با آرامش قدم بگذارند، و از تمام سختی‌های طول سفر احساس ناراحتی ندارند و هزینه‌های مصرف‌شده را غرامت نمی‌شمارند و هیچ چیز برای آنان دوست‌داشتنی نیست جز آنکه به منزل امن و محل آرامش برسند. اما داستان دنیاپرستان همانند گروهی است که از جایگاهی پر از نعمت‌ها می‌خواهند به سرزمین خشک و بی‌آب و علف کوچ کنند، پس در نظر آنان چیزی ناراحت‌کننده‌تر از این نیست که از جایگاه خود جدا می‌شوند، و ناراحتی‌ها را باید تحمل کنند.

﴿۶۵﴾ از علائم بی‌خیربودن دنیا این است که در یک حالت باقی نمی‌ماند و همواره دچار دگرگونی می‌شود، برای اصلاح یک طرف، طرف دیگری را خراب می‌کند و دارنده‌ای را با بدبخت کردن دارنده‌ای دیگر شاد می‌کند. ماندن در دنیا خطر و اعتمادکردن به آن، فریفته‌شدن و میل به آن محال و تکیه به آن، گمراهی است.

﴿۶۶﴾ [دنیا] ستیزه‌جویی حيله‌گر است مانند شتری که به راه نمی‌آید و کج می‌رود و از راه عقب می‌ماند و مکاری است که کفران نعمت می‌کند.

﴿۶۷﴾ دنیا بر رخسار مردم عبوس و روی در هم کشیده بود، به آن‌ها پشت گردانیده و روی خوش نشان نمی‌داد، میوه‌ی دنیا آشوب و خوراکش مردار بود. نهانش ترس و آشکارش شمشیر بود.

﴿۶۸﴾ به امام علیه السلام عرض کردند: «دنیا را برای ما توصیف نمایید». فرمود: «دنیا ابتدایش رنج و انتهایش بلاست، حلالش دارای حساب و حرامش عقاب است؛ هرکس در دنیا سالم بود در امان است و هرکس بیمار باشد، پشیمان است. و هرکس ثروتمند شود، فریفته می‌شود. کسی که فقیر گردد محزون است. هرکس برای دنیا کوشش کند آن را از دست می‌دهد. و هرکس کناره‌گیری کند، دنیا به‌سویش می‌آید و هرکس دنیا را تماشا کند، دل به او می‌بندد و هرکس دنیا را سبک شمارد، دنیا به یاری‌اش می‌شتابد».

﴿۶۹﴾ هر آینده‌ای نزدیک است و نزدیک‌تر مرگ است. شگفت دنیاست و غفلت ما در دنیا شگفت‌آورتر است.

۱-۱-۵- انواع دنیا

۱-۱-۵-۱- دنیا دو نوع است

﴿۷۰﴾ دنیا دوگونه است: دنیایی که در حدّ کفایت است و دنیایی که نفرین شده است».

﴿مَعْنَى الدُّنْيَا وَتَمَائِيلُهَا﴾

٢-١-٥-١- الدُّنْيَا كِلِمَتَانِ

﴿٧١﴾ السَّجَّادُ عليه السلام: اجْعَلِ الدُّنْيَا دِرْهَمَيْنِ دِرْهَمًا أَنْفَقْتَهُ عَلَى عِيَالِكَ وَدِرْهَمًا قَدَّمْتَهُ لِآخِرَتِكَ وَالثَّالِثُ يَضُرُّ وَلَا يَنْفَعُ لَا تُرْذِهِ اجْعَلِ الدُّنْيَا كِلِمَتَيْنِ كِلِمَةً فِي طَلَبِ الْحَلَالِ وَكِلِمَةً لِلْآخِرَةِ وَالثَّانِيَةُ تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ لَا تُرْذِهَا؛ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، ج ٢، ص ٢٨٢

﴿٧٢﴾ الْكَاظمُ عليه السلام: اجْعَلِ الدُّنْيَا كِلِمَتَيْنِ كِلِمَةً فِي طَلَبِ الْحَلَالِ وَكِلِمَةً لِلْآخِرَةِ وَالثَّانِيَةُ تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ فَلَا تُرْذِهَا؛ بِحَارِ الْأَنْوَار، ج ٦٨، ص ٢٧٨

٣-١-٥-١- الدُّنْيَا طَوْرَانِ

﴿٧٣﴾ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: وَالدُّنْيَا طَوْرَانِ فَمِنْهُمَا لَكَ وَمِنْهُمَا عَلَيْكَ فَمَا كَانَ مِنْهُمَا لَكَ أَتَاكَ عَلَى ضَعْفِكَ وَمَا كَانَ مِنْهُمَا عَلَيْكَ لَمْ تَدْفَعْهُ بِقُوَّتِكَ؛ أَعْلَامُ الدِّين، ص ٨٤

٤-١-٥-١- الدُّنْيَا طَالِبَةٌ وَمَطْلُوبَةٌ

﴿٧٤﴾ الْكَاظمُ عليه السلام: الدُّنْيَا طَالِبَةٌ وَمَطْلُوبَةٌ وَالْآخِرَةُ طَالِبَةٌ وَمَطْلُوبَةٌ فَمَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَوْفِيَ مِنْهَا رِزْقَهُ وَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَتْهُ الْآخِرَةُ فَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ فَيُفْسِدُ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَآخِرَتَهُ؛ بِحَارِ الْأَنْوَار، ج ٧٥، ص ٣٠٢

٥-١-٥-١- الدُّنْيَا ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ

﴿٧٥﴾ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ يَوْمٌ مَضَى بِمَا فِيهِ فَلَيْسَ بِعَائِدٍ وَيَوْمٌ أَنْتَ فِيهِ يَحِقُّ عَلَيْكَ اغْتِنَامُهُ وَيَوْمٌ لَا تَدْرِي [هَلْ أَنْتَ] مِنْ أَهْلِهِ وَلَعَلَّكَ رَاحِلٌ فِيهِ وَأَمَّا أَمْسٌ فَحَكِيمٌ مُؤَدَّبٌ وَأَمَّا الْيَوْمُ فَصَدِيقٌ مُودِّعٌ وَأَمَّا غَدًا فَإِنَّمَا فِي يَدِكَ مِنْهُ الْأَمَلُ فَإِنْ يَكُ أَمْسٌ سَبَّكَ بِنَفْسِهِ فَقَدْ أَبْقَى فِي يَدَيْكَ حِكْمَتَهُ وَإِنْ يَكُ يَوْمُكَ هَذَا أَنْسَكَ بِقُدُومِهِ فَقَدْ كَانَ طَوِيلَ الْغَيْبَةِ عَنْكَ وَهُوَ سَرِيعُ الرَّحِيلَةِ عَنْكَ فَتَزَوَّدْ مِنْهُ وَأَحْسِنْ وَدَاعَهُ؛ مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِل، ج ١٢، ص ١٥٠

٦-١-١- خِلْقَةُ الدُّنْيَا وَعُمْرُهَا

١-١-٦-١- خِلْقَةُ الدُّنْيَا

﴿٧٦﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: يَا مُحَمَّدُ فَأَخْبِرْنِي عَنِ الدُّنْيَا لَمْ سُمِّيَتْ دُنْيَا قَالَ يَا ابْنَ سَلَامٍ لِأَنَّ الدُّنْيَا خُلِقَتْ مِنْ دُونِ الْآخِرَةِ وَلَوْ خُلِقَتْ مَعَ الْآخِرَةِ لَمْ تَقَنَّ كَمَا لَمْ تَقَنَّ الْآخِرَةُ... قَالَ فَأَخْبِرْنِي لَمْ

معنای دنیا و تمثیل‌های آن

۲-۵-۱-۱- دنیا دو کلمه است

﴿۷۱﴾ دنیا را دو درهم قرار بده، درهمی که آن را برای خانواده‌ات خرج می‌کنی و درهمی که برای آخرت خود پیش می‌فرستی، درهم سوّم زیان می‌رساند و سودی ندارد، پس آن را طلب نکن. دنیا را در دو کلمه قرار بده. کلمه‌ای برای طلب حلال و کلمه‌ی دیگر برای آخرت؛ سوّمی نه سود می‌رساند و نه زیان؛ و خود را در آن وارد نکن.

﴿۷۲﴾ دنیا را در دو کلمه قرار بده. کلمه‌ای برای طلب حلال و کلمه‌ی دیگر برای آخرت؛ سوّمی نه سود می‌رساند و نه زیان و خود را در آن وارد نکن.

۳-۵-۱-۱- دنیا دو گونه است

﴿۷۳﴾ دنیا دو مرحله دارد، مرحله‌ای که به نفع توست و مرحله‌ای که به ضرر توست، آن مرحله‌ای که به نفع توست به تو خواهد رسید، گرچه در کسب آن ضعیف باشی و آن مرحله‌ای که به ضرر توست نیز به تو خواهد رسید و تو علیرغم قوی بودن نمی‌توانی با قدرت خودت آن را دفع کنی.

۴-۵-۱-۱- طلب‌کننده و طلب‌شونده است

﴿۷۴﴾ دنیا هم طالب است و هم مطلوب و آخرت نیز هم طالب است و هم مطلوب. در نتیجه هرکس که خواهان آخرت باشد، بهره‌ی خود را به طور کامل از دنیا می‌گیرد. و هرکس که جویای دنیا باشد، آخرت او را طلب می‌کند و مرگش فرا می‌رسد، و دنیا و آخرتش تباہ می‌گردد.

۵-۵-۱-۱- دنیا سه روز است

﴿۷۵﴾ دنیا سه روز است: روزی که با آنچه در آن بود گذشت و برنخواهد گشت و روزی که اکنون تو در آن هستی که غنیمت‌شمردن آن بر تو لازم است و روزی که نمی‌دانی آیا آن را درک می‌کنی یا نه و شاید در آن روز بمیری. اما روزی که گذشت، حکیمی تأدیب‌گر است و روزی که در آن هستی دوستی است که با تو وداع می‌کند. و اما فردا، روزی است که آرزوی آن در دست توست. اگر دیروز خود بر تو گذشت، حکمت آن را در دست تو باقی گذاشته و اگر امروز تو، با آمدنش با تو انس گرفته، بسیار از تو دور بوده و به زودی نیز از پیش تو می‌رود؛ پس از آن توشه بگیر و با آن به نیکی وداع کن!

۶-۱-۱- آفرینش دنیا و عمر آن

۱-۶-۱- خلقت دنیا

﴿۷۶﴾ [عبدالله بن سلّام به پیامبر ﷺ گفت:] «ای محمّد! مرا از دنیا خبر ده که چرا دنیا نامیده شد؟» فرمود: «زیرا دنیا پست آفریده شده و بی‌ارزش‌تر از آخرت است. اگر با آخرت خلق می‌شد اهل آن فانی نمی‌شد». ... پرسید: «مرا از آخرت خبر ده که چرا آخرت نام گرفته است؟» فرمود:

﴿الدُّنْيَا الْمَمْدُوحَةُ﴾

سُمِّيَتْ الْآخِرَةُ آخِرَةً قَالَ لِأَنَّهَا مُتَأَخِّرَةٌ عَنْهَا بَعْدَ الدُّنْيَا لَا يُوصَفُ سِنُوهَا وَلَا تُحْصَى أَيَّامُهَا وَلَا يَمُوتُ سَاكِنُهَا... فَأَخْبَرَنِي عَنْ أَوَّلِ يَوْمٍ خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى الدُّنْيَا فِيهِ قَالَ يَوْمَ الْأَحَدِ... يَا مُحَمَّدُ فَالْإِثْنَيْنِ لَمْ سَمَّى إِثْنَيْنِ قَالَ لِأَنَّهُ ثَانِي يَوْمِ الدُّنْيَا قَالَ فَالثَّلَاثَاءُ لَمْ سَمَّى ثَلَاثَاءَ قَالَ لِأَنَّهُ ثَالِثُ يَوْمِ الدُّنْيَا قَالَ فَالرَّابِعَاءُ لَمْ سَمَّى أَرْبَعَاءَ قَالَ لِأَنَّهُ رَابِعُ يَوْمِ الدُّنْيَا قَالَ فَالْخَمِيسُ لَمْ سَمَّى خَمِيسًا قَالَ لِأَنَّهُ خَامِسُ يَوْمِ الدُّنْيَا قَالَ فَالْجُمُعَةُ لَمْ سَمَّى جُمُعَةً قَالَ لِأَنَّهُ يَوْمُ مَجْمُوعٍ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمُ مَشْهُودٍ وَهُوَ سَادِسُ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ الدُّنْيَا... قَالَ فَأَخْبَرَنِي مَا بَالُ سَمَاءِ الدُّنْيَا خَضِرَاءُ قَالَ يَا ابْنَ سَلَامٍ اخْضَرَّتْ مِنْ جَبَلٍ قَافٍ؛ بحار الأنوار، ج ٥٧، ص ٢٤٦

﴿٧٧﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ مُوسَى سَأَلَ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُعَرِّفَهُ بَدْءَ الدُّنْيَا مِنْذُ كَمْ خَلَقْتَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مُوسَى تَسَاءَلْنِي عَنْ غَوَامِضِ عِلْمِي فَقَالَ يَا رَبُّ أَحِبُّ أَنْ أَعْلَمَ ذَلِكَ فَقَالَ يَا مُوسَى خَلَقْتُ الدُّنْيَا مِنْذُ مِائَةِ أَلْفِ عَامٍ عَشَرَ مَرَّاتٍ...؛ بحار الأنوار، ج ٥٤، ص ٣٣٠

١-١-٦-٢- عُمرُ الدُّنْيَا

﴿٧٨﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): فَكَمْ عُمرُ الدُّنْيَا قَالَ (عليه السلام) يُقَالُ سَبْعَةُ آلَافٍ ثُمَّ لَا تَحْدِيدُ؛ بحار الأنوار،

ج ١٠، ص ١٢٦

١-١-٦-٣- مَوْقُوفَةٌ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

﴿٧٩﴾ الرسول ﷺ: الدُّنْيَا مَوْقُوفَةٌ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ مِنْذُ خَلَقَ اللَّهُ الدُّنْيَا لَا يَنْظُرُ إِلَيْهَا وَتَقُولُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا رَبِّ اجْعَلْنِي لِأَذْنَى أَوْلِيَايَكَ نَصِيبًا الْيَوْمَ فَيَقُولُ اسْكُنِي يَا لَا شَيْءَ إِنِّي لَمْ أَرْضَكَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا أَرْضَاكَ لَهُمُ الْيَوْمَ؛ التحصين لابن فهد الحلبي، ص ٢٩

١-٢- الدُّنْيَا الْمَمْدُوحَةُ

١-٢-١- الدُّنْيَا الْخَيْرُ

١-٢-١-١- نِعَمَ الدَّارُ

﴿٨٠﴾ الباقر (عليه السلام): إِنَّ فِيمَا نَاجَى اللَّهُ تَعَالَى بِهِ مُوسَى (عليه السلام) أَنْ قَالَ: إِنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ بِثَوَابٍ لِلْمُؤْمِنِ بِعَمَلِهِ وَلَا نِقْمَةٌ لِلْفَاجِرِ بِقَدْرِ ذَنْبِهِ هِيَ دَارُ الظَّالِمِينَ إِلَّا الْعَامِلُ فِيهَا بِالْخَيْرِ فَإِنَّهَا لَهُ نِعْمَتِ الدَّارُ؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٣٥٣

﴿دنیای پسندیده﴾

«چون به دنبال دنیا و متأخر از آن است و سال‌هایش و روزهایش به شماره نمی‌آید و ساکنانش نمی‌میرند». گفت: «راست گفتی ای محمد! بگو نخستین روزی که خداوند متعال دنیا را در آن روز آفرید، کدام است؟» فرمود: «روز یک‌شنبه». ... پرسید: «چرا دوشنبه اثنین نامیده شد؟» فرمود: «چون روز دوم دنیا بود». پرسید: «پس چرا سه‌شنبه ثلاث نام گرفت؟» فرمود: «چون روز سوم دنیا بود». پرسید: «چرا چهارشنبه اربعاء نامیده شد؟» فرمود: «چون چهارمین روز دنیا بود». پرسید: «چرا پنج‌شنبه خمیس نام گرفت؟» فرمود: «چون روز پنجم دنیا بود». پرسید: «چرا جمعه را جمعه نامیدند؟» فرمود: «چون روزی است که همه‌ی مردم جمع می‌شوند و روزی است که همه آن را مشاهده می‌کنند و روز ششم دنیاست». ... پرسید: «چرا آسمان دنیا سبز است؟» فرمود: «از اثر کوه قاف سبز شده است».

﴿۷۷﴾ موسیٰ ﷺ از پروردگارش خواست که به او بفهماند از چه زمانی دنیا را آغاز کرده است. خداوند به موسیٰ وحی کرد: «آیا تو از پیچیدگی‌های دانشم از من می‌پرسی؟» گفت: «پروردگارا! دوست دارم آن را بدانم». فرمود: «ای موسی! ده برابر صد میلیون سال است که دنیا را آفریده‌ام...».

٢-٦-١-١- عمر دنيا

﴿٧٨﴾ «پیرمردی از امام علی (علیه السلام) پرسید: «عمر دنیا چقدر است»؟ فرمود: «هفت هزار؛ و بلکه می‌توان گفت: حدی برایش نیست. شاید پاسخ اول از زمان خلقت آدم (علیه السلام) تا زمان امام و پاسخ دوم از آغاز خلقت را می‌فرماید».

۳-۶-۱-۱- معلق در بین آسمان و زمین

﴿۷۹﴾ دنیا، بین آسمان و زمین [رها شده] است و از زمانی که خداوند دنیا را آفریده به آن نظر [و توجه] نکرده است. دنیا روز قیامت می‌گوید: «ای پروردگار من! برای دوستانی از خودت که در مرتبه‌ی پایینی هستند، بهره‌ای از من قرار بده [و آن‌ها را در من ساکن کن]». خداوند می‌فرماید: «ای ناچیز! ساکت شو. آن زمانی که در دنیا بودند راضی نشدم که تو را به آن‌ها بدهم، حالا امروز راضی شوم؟!»

۲-۱- دنیای پسندیده

۱-۲-۱- دنیای خیر و خوبی

۱-۱-۲-۱- سرای خوب

﴿۸۰﴾ در نجوی خداوند با موسی (علیه السلام) آمده که خداوند فرمود: دنیا ثواب مؤمن در قبال عمل او نیست و عذاب بر گناهکار نیز به قدر گناهش نمی‌باشد. دنیا سرای ظالمان است؛ مگر کسی که در آن به خیر عمل کند؛ و چه خوب سرائی برای آنان است.

﴿الدُّنْيَا الْمَمْدُوحَةُ﴾

﴿٨١﴾ الباقر عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ قَالَ: الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ١٦
١-٢-١-٢- نِعْمَ الْعَوْنُ

﴿٨٢﴾ الباقر عليه السلام: نِعْمَ الْعَوْنُ الدُّنْيَا عَلَى طَلَبِ الْآخِرَةِ؛ الكافي، ج ٥، ص ٧٣

﴿٨٣﴾ الصادق عليه السلام: نِعْمَ الْعَوْنُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ؛ الكافي، ج ٥، ص ٧٢
١-٢-١-٢- نِعْمَ الْمُطِيبَةُ

﴿٨٤﴾ الرسول ﷺ: لَا تَسُبُّوا الدُّنْيَا فَنِعِمَّتْ مَطِيبَةُ الْمُؤْمِنِ فَعَلَيْهَا يَبْلُغُ الْخَيْرَ وَبِهَا يَنْجُو مِنَ الشَّرِّ إِنَّهُ إِذَا قَالَ الْعَبْدُ لَعَنَ اللَّهُ الدُّنْيَا قَالَتِ الدُّنْيَا لَعَنَ اللَّهُ أَغْصَانًا لِرَبِّهِ فَأَخَذَ الشَّرِيفُ الرِّضِيُّ بِهَذَا الْمَعْنَى فَنَظَّمَهُ يَتِيماً؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٠
١-٢-١-٢- دَارُ صِدْقٍ وَ عَافِيَةٍ وَ مَوْعِظَةٍ وَ غِنَى

﴿٨٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ عَرَفَهَا وَ مِصْمَارُ الْخُلَاصِ لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا فِي مَهَبِطٍ وَحَى اللَّهُ تَعَالَى وَ مَتَجَرُّ أَوْلِيَائِهِ اتَّجَرُوا تَرَبُّحُوا الْجَنَّةَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٢٠
﴿٨٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَجَاءَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَشَكََا إِلَيْهِ الدُّنْيَا وَ ذَمَّهَا فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِنَّ الدُّنْيَا مَنْزِلُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا وَ دَارُ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا وَ دَارُ عَاقِبَةٍ لِمَنْ فَهِمَ عَنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٢٥

﴿٨٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا وَ دَارُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهِمَ عَنْهَا وَ دَارُ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا وَ دَارُ مَوْعِظَةٍ لِمَنْ اتَّعَظَ بِهَا قَدْ أَذْنَتْ بَيْنَهَا وَ نَادَتْ بِفِرَاقِهَا وَ نَعَتْ نَفْسَهَا وَ أَهْلَهَا فَمَثَلَتْ لَهُمْ بِلَاءُهَا الْبَلَاءَ وَ شَوَقَتْهُمْ بِسُرُورِهَا إِلَى السُّرُورِ رَاحَتْ بِعَافِيَةٍ وَ تَبَكَّرَتْ [اِبْتَكَّرَتْ] بِفَجِيعَةِ تَرْغِيْبٍ وَ تَرْهِيْبٍ وَ تَخْوِيفٍ وَ تَحْذِيرٍ فَذَمَّهَا رِجَالُ غَدَاةِ النَّدَامَةِ وَ حَمَدَهَا آخَرُونَ ذَكَرْتَهُمْ فَذَكَرُوا وَ حَدَّثَتْهُمْ فَصَدَقُوا وَ عَظَّمَتْهُمْ فَاتَّعَظُوا مِنْهَا الْغَيْرَ وَ الْعِبَرَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٢

١-٢-٢- الله دُنْيَانَا وَ الدُّنْيَا مَمْلُوكَةُ اللَّهِ

١-٢-٢-١- الله دُنْيَانَا

﴿٨٨﴾ السَّجَّاد عليه السلام: يَا نَعِيمِي وَ جَنَّتِي وَ يَا دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٤٧

﴿الدُّنْيَا الْمَمْدُوحَةُ﴾

١-٢-٢-٢- الدُّنْيَا لِلَّهِ

﴿٨٩﴾ الرسول ﷺ: لَكَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي إِلَيْكَ مَرْجِعِي وَ مُنْقَلِبِي؛

بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ١٧٦

١-٢-٢-٣- الدُّنْيَا مَمْلُوكَةُ اللَّهِ

﴿٩٠﴾ السَّجَّادُ ﷺ: أَرَى الدُّنْيَا كُلَّهَا بِحَذَائِيرِهَا مَمْلُوكَةَ اللَّهِ وَ أَرَى الْخَلْقَ كُلَّهُمْ عِبِيدَ اللَّهِ وَ إِمَاءَهُ وَ عِيَالَهُ وَ أَرَى الْأَسْبَابَ وَ الْأَرْزَاقَ بِيَدِ اللَّهِ وَ أَرَى قَضَاءَ اللَّهِ نَافِذًا فِي كُلِّ أَرْضٍ اللَّهُ؛

بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ٣٨

١-٢-٣- أَنَا صَاحِبُ الدُّنْيَا، لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ الدُّنْيَا

١-٢-٣-١- أَنَا صَاحِبُ الدُّنْيَا

﴿٩١﴾ امير المؤمنين ﷺ: أَنَا شَجَرَةُ النَّدَى وَ حِجَابُ الْوَرَى وَ صَاحِبُ الدُّنْيَا وَ حُجَّةُ الْأَنْبِيَاءِ؛

بحار الأنوار، ج ٤١، ص ٥

١-٢-٣-٢- لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ الدُّنْيَا

﴿٩٢﴾ الصَّادِقُ ﷺ: لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَ لَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ١٥٦

﴿٩٣﴾ الرضا ﷺ: لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِدِينِهِ وَ دِينَهُ لِدُنْيَاهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٢٢٣

١-٢-٤- مُضِيفُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مَسْجِدُ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ مَهْبِطُ وَحْيِهِ وَ مُصَلَّى مَلَائِكَتِهِ وَ مَسْكَنُ أَحِبَّائِهِ وَ مُتَجَرُّ أَوْلِيَائِهِ وَ مَسْجِدُ أَحِبَّائِهِ

﴿٩٤﴾ الصَّادِقُ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ دَارًا وَ خَلَقَ لَهَا أَهْلًا وَ هِيَ الدُّنْيَا وَ جَعَلَ أَوْلِيَاءَهُ أَضْيَافًا

عَلَيْهِمْ؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٩٦

﴿٩٥﴾ امير المؤمنين ﷺ: الدُّنْيَا مَنْزِلُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا وَ مَسْكَنُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهَمَ عَنْهَا وَ دَارُ غِنَى

لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا فِيهَا مَسْجِدُ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ مَهْبِطُ وَحْيِهِ وَ مُصَلَّى مَلَائِكَتِهِ وَ مَسْكَنُ أَحِبَّائِهِ وَ مُتَجَرُّ أَوْلِيَائِهِ اكَتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَ رَبِحُوا مِنْهَا الْجَنَّةَ فَمَنْ ذَا يَذُمُّ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٠٠

﴿٩٦﴾ امير المؤمنين ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا ... مَسْجِدُ أَحِبَّاءِ اللَّهِ وَ مَهْبِطُ وَحْيِ اللَّهِ وَ مُصَلَّى مَلَائِكَتِهِ وَ

مُتَجَرُّ أَوْلِيَائِهِ اكَتَسَبُوا فِيهَا الْجَنَّةَ وَ رَبِحُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٢٥

١-٢-٥- صَائِنُ الدِّينِ وَ مُعِينُهُ

١-٢-٥-١- صَائِنُ الدِّينِ

﴿دنیای پسندیده﴾

۱-۲-۲-۲- دنیا متعلق به خداست

﴿۸۹﴾ زندگی و مرگ و دنیا و آخرت در دست تو و بازگشت و برگشتن نیز به سوی توست.

۱-۲-۲-۳- دنیا مملکت خداست

﴿۹۰﴾ من تمام دنیا را با همه‌ی اطراف و اکنافش مملکت خدا می‌دانم و تمام مردم را بنده و کنیز و افراد تحت تکفل او و ارزاق و وسایل را در دست خدا می‌بینم و فرمان او را در هر چیز نافذ و جاری می‌یابم.

۱-۲-۳- من صاحب دنیا هستم، کسی که دنیا را ترک کند از ما نیست

۱-۲-۳-۱- من همنشین دنیا هستم

﴿۹۱﴾ من درخت بخشش و پوشش مردم، همنشین دنیا و حجت انبیاء علیهم‌السلام هستم.

۱-۲-۳-۲- کسی که دنیا را ترک کند از ما نیست

﴿۹۲﴾ کسی که دنیای خود را برای آخرت رها کند، یا آخرت خود را برای دنیا از دست دهد، از ما نیست.

﴿۹۳﴾ کسی که دنیایش را به خاطر دین و دینش را به خاطر دنیا ترک کند، از ما نیست. (باید دینش را حفظ و بهره‌اش را از دنیا داشته باشد)

۱-۲-۴- مهمان‌خانه‌ی دوستان خدا، مسجد پیامبران خدا، محلّ نزول وحی خدا، جایگاه نماز فرشتگان خدا، خانه‌ی دوستان خدا و محلّ تجارت یاران خدا و مسجد دوستانش

﴿۹۴﴾ خداوند خانه‌ای آفرید و برای آن ساکنینی قرار داد، آن خانه دنیاست و دوستانش را مهمان اهل دنیا قرار داد.

﴿۹۵﴾ دنیا خانه‌ی راستی است برای کسی که در آن راستی جوید. و خانه‌ی سلامتی است برای کسی که آن را بفهمد و خانه‌ی توانگری است برای کسی که از آن توشه بگیرد. مسجد پیامبران خداوند متعال و محلّ نزول وحی خدا و جایگاه نماز فرشتگان خدا و خانه دوستان خدا و محلّ تجارت یاران خدا در آن است. در دنیا رحمت را به دست آورده و بهشت را از آن سود بردند. پس چه کسی دنیا را نکوهش می‌کند.

﴿۹۶﴾ مسجد دوستان خداوند متعال و محلّ نزول وحی خدا و جایگاه نماز فرشتگان خدا و محلّ تجارت یاران خدا در آن است.

۱-۲-۵- نگهبان دین و یاری‌گر آن

۱-۲-۵-۱- نگهبان دین

﴿الدُّنْيَا الْمَمْدُوحَةُ﴾

﴿٩٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: صُنِ الدِّينَ بِالدُّنْيَا يُنْجِكَ وَلَا تَصْنِ الدُّنْيَا بِالدِّينِ فَتُرْدِيكَ؛

غررالحكم، ص ١٣٠

١-٢-٥-٢- مُعِينُ الدِّينِ

﴿٩٨﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ أَغْنِنِي عَلَى دِينِي بِالدُّنْيَا وَ

عَلَى آخِرَتِي بِالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ٣١٥

١-٢-٤- المَزْرَعَةُ وَ الْمَعْبَرَةُ

١-٢-٤-١- مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ

﴿٩٩﴾ الرسول عليه السلام: الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ؛ عوالي اللآلي، ج ١، ص ٢٦٧

١-٢-٤-٢- مُحَرَّرُ الْآخِرَةِ

﴿١٠٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: بِالدُّنْيَا تُحَرَّرُ الْآخِرَةُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٢٤٠

١-٢-٤-٣- مَعْبَرَةُ الْآخِرَةِ

﴿١٠١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مَعْبَرَةُ الْآخِرَةِ؛ غررالحكم، ص ١٤٧

١-٢-٤-٤- مُنِيلُ الْآخِرَةِ

﴿١٠٢﴾ الرضا عليه السلام: وَلَا يَفُوتَنَّكُمْ خَيْرُ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْآخِرَةَ لَا تُلْحَقُ وَلَا تُتَالُ إِلَّا بِالدُّنْيَا؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٤٦

١-٢-٤-٥- جَوَازُ الْقِيَامَةِ

﴿١٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: بِالْمَوْتِ تُخْتَمُ الدُّنْيَا وَ بِالدُّنْيَا تَجُوزُ الْقِيَامَةُ وَ بِالْقِيَامَةِ تُزْلَفُ الْجَنَّةُ

وَ الْجَنَّةُ حَسْرَةٌ أَهْلِ النَّارِ وَ النَّارُ مَوْعِظَةٌ الْمُتَّقِينَ وَ التَّقْوَى سُنْحُ الْإِيمَانِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٠

١-٢-٤-٦- دَارُ الْعَمَلِ لِمَا بَعْدَهَا

﴿١٠٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا وَ ابْتَلَى فِيهَا أَهْلَهَا لِيَعْلَمَ أَتَيْهِمْ

أَحْسَنُ عَمَلًا وَ لَسْنَا لِلدُّنْيَا خُلُقْنَا وَ لَا بِالسَّعْيِ لَهَا أَمْرًا وَ إِنَّمَا وَضِعْنَا فِيهَا لِنُبْتَلَى بِهَا وَ نَعْمَلَ فِيهَا

لِمَا بَعْدَهَا؛ غررالحكم، ص ١٢٨

١-٢-٧- التَّجَارَةُ

١-٢-٧-١- التَّجَارَةُ

﴿١٠٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْأَعْمَالُ فِي الدُّنْيَا تِجَارَةٌ الْآخِرَةِ؛ غررالحكم، ص ١٤٧

﴿١٦٠﴾

﴿دنیای پسندیده﴾

﴿۹۷﴾ دین را با دنیا حفظ کن تا نجات یابی اما دنیا را با دینت حفظ نکن که هلاک می‌گردد.

۱-۲-۵-۲ یاری‌گر دین

﴿۹۸﴾ از تو می‌خواهم بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام درود فرست، خدایا با امکانات دنیا مرا بر دینم و با تقوا بر آخرتم یاری کن.

۱-۲-۶-۱ کشتزار و گذرگاه

۱-۲-۶-۱ کشتزار آخرت

﴿۹۹﴾ دنیا مزرعه‌ی آخرت است.

۱-۲-۶-۲ فراهم‌آورنده‌ی آخرت

﴿۱۰۰﴾ با دنیا، توشه‌ی آخرت فراهم می‌شود.

۱-۲-۶-۳ گذرگاه آخرت

﴿۱۰۱﴾ دنیا گذرگاه آخرت است.

۱-۲-۶-۴ رساننده به آخرت

﴿۱۰۲﴾ مبدا خیر دنیا از دست شما برود؛ زیرا جز به وسیله‌ی دنیا نمی‌توان به آخرت رسید.

۱-۲-۶-۵ گذرگاه قیامت

﴿۱۰۳﴾ با مرگ دنیا تمام می‌شود و با اتمام دنیا، قیامت آغاز می‌شود و با برپایی قیامت، بهشت نزدیک می‌شود؛ بهشتی که حسرت اهل آتش است و آتش موعظه‌ای برای پرهیزکاران است و تقوی اصل ایمان است.

۱-۲-۶-۶ سرای عمل برای بعد از خود

﴿۱۰۴﴾ همانا خداوند سبحان دنیا را برای آخرت قرار داده و مردم را در دنیا آزمایش کرده تا روشن شود که کدام یک نیکوکارترند. ما برای دنیا خلق نشده‌ایم و امر به تلاش برای رسیدن به آن نشده‌ایم. به دنیا آمده‌ایم تا در آن آزمایش گردیم. و در آن برای آنچه بعد از آن است، عمل کنیم.

۱-۲-۷-۱ تجارت

۱-۲-۷-۱ داد و ستد

﴿۱۰۵﴾ اعمال و کردارها در دنیا تجارت برای آخرت است.

﴿۱۶۱﴾

﴿الدُّنْيَا الْمَمْدُوحَةُ﴾

﴿١٠٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الدُّنْيَا دَارُ تِجَارَةٍ وَرَبْحُهَا أَوْ خُسْرُهَا الْآخِرَةُ فَالْسَّعِيدُ مَنْ كَانَتْ بَضَاعَتُهُ فِيهَا الْأَعْمَالُ الصَّالِحَةَ وَمَنْ رَأَى الدُّنْيَا بَعِيْنَهَا وَقَدَّرَهَا بِقَدْرِهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٦، ص ١٣٣

﴿١٠٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مَنْزِلٌ صِدْقٌ لِمَنْ صَدَقَهَا وَمَسْكَنٌ عَافِيَةٌ لِمَنْ فَهِمَ عَنْهَا وَدَارٌ غِنًى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا فِيهَا مَسْجِدُ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَمَهْبِطٌ وَحْيِهِ وَمَصَلًى مَلَائِكَتِهِ وَمَسْكَنٌ أَحِبَّائِهِ وَمَتَجَرٌ أَوْلِيَائِهِ اكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَرَبِحُوا مِنْهَا الْجَنَّةَ فَمَنْ ذَا يَذُمُّ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٠٠

١-٢-٧-٢- حَانُوتُ الْمُؤْمِنِ

﴿١٠٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْمُؤْمِنُ يَكُونُ صَادِقًا فِي الدُّنْيَا... قَاتِلَ الْهَوَى زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا رَاغِبًا فِي الْآخِرَةِ... وَلَا يَفْتَخِرُ بِمَالِ الدُّنْيَا مَشْغُولٌ بِغُيُوبِ نَفْسِهِ... التَّقْوَى زَادَهُ وَالدُّنْيَا حَانُوتُهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٧٤

١-٢-٧-٣- السُّوقُ

﴿١٠٩﴾ الهادي عليه السلام: الدُّنْيَا سُوقٌ رِبِحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَخَسِرَ آخَرُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٦٦

﴿١١٠﴾ السَّجَّاد عليه السلام: وَالدُّنْيَا سُوقُ الْآخِرَةِ وَالنَّفْسُ تَاجِرَةٌ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٥٩

﴿١١١﴾ السَّجَّاد عليه السلام: وَالدُّنْيَا سُوقُ الْآخِرَةِ وَالنَّفْسُ تَاجِرٌ وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ رَأْسُ الْمَالِ وَالْمَكْسَبُ الْجَنَّةُ وَالْخُسْرَانُ النَّارُ؛ أعلام الدين، ص ٩٦

﴿١١٢﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا سُوقٌ مِنَ الْأَسْوَاقِ مِنْهَا خَرَجَ قَوْمٌ بِمَا يَنْفَعُهُمْ وَمِنْهَا خَرَجُوا بِمَا يَضُرُّهُمْ وَكَمْ مِنْ قَوْمٍ قَدْ غَرَّتْهُمْ بِمِثْلِ الَّذِي أَصْبَحْنَا فِيهِ حَتَّى آتَاهُمُ الْمَوْتُ فَاسْتَوْعَبُوا فَخَرَجُوا مِنْ الدُّنْيَا مَلُومِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ٣٢٦

١-٢-٧-٤- غَنِيمَةُ الْأَكْيَاسِ

﴿١١٣﴾ الدُّنْيَا غَنِيمَةُ الْأَكْيَاسِ وَغَفْلَةُ الْجُهَّالِ لَمْ يَعْرِفُوهَا حَتَّى خَرَجُوا مِنْهَا فَسَأَلُوا الرَّجْعَةَ فَلَمْ يَرْجِعُوا؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٩، ص ٣٢٦

١-٢-٧-٥- مَكْتَسِبُ الْجَنَّةِ وَ مَرَبِحُ الرَّحْمَةِ

﴿١١٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا... مَتَجَرٌ أَوْلِيَائِهِ اكْتَسَبُوا فِيهَا الْجَنَّةَ وَرَبِحُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٢٥

﴿دنیای پسندیده﴾

﴿۱۰۶﴾ اما بعد! دنیا سرای تجارتی است که سود یا زیان آن آخرت است؛ پس سعادت‌مند کسی است که متاعش در آن اعمال صالح باشد و کسی باشد که دنیا را دقیق ببیند و اندازه‌ی آن را به میزان آن اندازه‌گیری کند.

﴿۱۰۷﴾ دنیا خانه‌ی راستی است برای کسی که در آن راستی جوید. و خانه‌ی سلامتی است برای کسی که آن را بفهمد و خانه‌ی توانگری است برای کسی که از آن توشه بگیرد. مسجد پیامبران خداوند متعال و محلّ نزول وحی خدا و جایگاه نماز فرشتگان خدا و خانه دوستان خدا و محلّ تجارت یاران خدا در آن است. در دنیا رحمت را به دست آورده و بهشت را از آن سود بردند. پس چه کسی دنیا را نکوهش می‌کند.

۲-۷-۱-۲-۱ دکان مومن

﴿۱۰۸﴾ مؤمن در دنیا راستگوست... هوای نفسش را می‌کشد، به دنیا بی‌رغبت و به آخرت میل دارد... به دارایی‌های دنیایش تفاخر نمی‌کند، [به‌جای رسیدگی به دنیا و عیوب دیگران] مشغول به عیب‌های خویش است... توشه‌اش تقوا و دنیا دکان خرید و فروش اوست.

۳-۷-۱-۲-۱ بازار

﴿۱۰۹﴾ دنیا بازاریست که گروهی سود برده و گروهی زیان دیده‌اند.
﴿۱۱۰﴾ دنیا بازار آخرت و نفس انسان تاجر است.
﴿۱۱۱﴾ دنیا بازار آخرت و نفس تاجر آن و شب و روز سرمایه‌ی اصلی است. و سود این تجارت بهشت و زیان آن آتش جهنّم است.
﴿۱۱۲﴾ دنیا بازاری از بازارهاست که بعضی از این بازار سود می‌برند و برخی زیان می‌بینند. چه بسا افرادی که این دنیا فریشان داد؛ مثل وضعیتی که در آن هستیم تا اینکه مرگ گریبان آن‌ها را گرفت. و با سرزنش از دنیا خارج شدند.

۴-۷-۱-۲-۱ غنیمت افراد زیرک

﴿۱۱۳﴾ دنیا غنیمت افراد زیرک و باعث غفلت بی‌خردان است که دنیا را نمی‌شناسند تا از آنجا بیرون روند، آنگاه درخواست بازگشت می‌کنند، اما بازگردانده نمی‌شوند.

۵-۷-۱-۲-۱ محلّ کسب بهشت و سود رحمت

﴿۱۱۴﴾ دنیا محلّ تجارت یاران خداست. در دنیا بهشت را به دست آورده و رحمت را از آن سود بردند.

﴿الدُّنْيَا الْمَمْدُوحَةُ﴾

١-٢-٧-٦- مُصْلِحُ الْمُتَوَيِّ

﴿١١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا لَكَ مِنْ دُنْيَاكَ مَا أَصْلَحْتَ بِهِ مَتَوَاكَ فَأَنْفِقْ فِي حَقِّ وَ لَا تَكُنْ حَازِنًا لِغَيْرِكَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢١٢
١-٢-٧-٧- الْمُؤْمِنُ يُبْلَغُ الْخَيْرَ عَلَيْهَا وَيَنْجُو بِهَا مِنَ الشَّرِّ

﴿١١٦﴾ الرسول ﷺ: لَا تَسُبُّوا الدُّنْيَا فَنِعَمَتْ مَطِيَّةُ الْمُؤْمِنِ فَعَلَيْهَا يُبْلَغُ الْخَيْرَ وَ بِهَا يَنْجُو مِنَ الشَّرِّ إِنَّهُ إِذَا قَالَ الْعَبْدُ لَعَنَ اللَّهُ الدُّنْيَا قَالَتِ الدُّنْيَا لَعَنَ اللَّهُ أَغْصَانًا لِرَبِّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٠
١-٢-٧-٨- لَا تَنَالُ الْآخِرَةَ إِلَّا بِهَا

﴿١١٧﴾ الرضا عليه السلام: وَ لَا يَقْوَتَنَّكُمْ خَيْرُ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْآخِرَةَ لَا تُلْحَقُ وَ لَا تَنَالُ إِلَّا بِالدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٤٦
١-٢-٧-٩- الدُّنْيَا الْبَلَاغُ

﴿١١٨﴾ السجاد عليه السلام: الدُّنْيَا دُنْيَا بَلَاغٍ وَ دُنْيَا مَلْعُونَةٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٠
﴿١١٩﴾ الرسول ﷺ: بَارَكَ لِي فِي دُنْيَايَ الَّتِي بِهَا بَلَاغِي وَ أَصْلَحَ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مَعَادِي وَ اجْعَلْ دُنْيَايَ زِيَادَةً فِي كُلِّ خَيْرٍ؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ٣١٠

﴿١٢٠﴾ الرسول ﷺ: الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ وَ مَنْزِلُ بُلْغَةٍ وَ عَنَاءٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٧
﴿١٢١﴾ السجاد عليه السلام: لَا تَرْكُنُوا إِلَى زَهْرَةِ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا رُكُونٌ مَنْ اتَّخَذَهَا دَارَ قَرَارٍ وَ مَنْزِلَ اسْتِبْطَانٍ فَإِنَّهَا دَارُ بُلْغَةٍ وَ مَنْزِلُ قُلْعَةٍ وَ دَارُ عَمَلٍ فَتَزَوَّدُوا الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ فِيهَا قَبْلَ تَفَرُّقِ أَيَّامِهَا وَ قَبْلَ الْإِذْنِ مِنَ اللَّهِ فِي خَرَابِهَا فَكَانَ قَدْ أَخْرَبَهَا الَّذِي عَمَرَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ ابْتَدَأَهَا وَ هُوَ وَلِيُّ مِيرَاثِهَا؛ الكافي، ج ١٥، ص ١٨٩

١-٢-٨- الْعِبَادَاتُ وَ أَعْمَالُ الْبِرِّ

١-٢-٨-١- الْبِرُّ وَ صِلَةُ الْأَرْحَامِ

﴿١٢٢﴾ الرسول ﷺ: الْبِرُّ وَ صِلَةُ الْأَرْحَامِ عِمَارَةُ الدُّنْيَا وَ زِيَادَةُ الْأَعْمَارِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٥، ص ١٤٤

١-٢-٨-٢- النِّفَقَةُ وَ الصَّدَقَةُ وَ الصَّلَةُ وَ الْحَجُّ

﴿١٢٣﴾ الصادق عليه السلام: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: وَ اللَّهُ إِنَّا لَنَطْلُبُ الدُّنْيَا وَ نَحِبُّ أَنْ نُؤْتَاهَا فَقَالَ تَحِبُّ أَنْ تَصْنَعَ بِهَا مَا ذَا قَالَ أَعُوذُ بِهَا عَلَى نَفْسِي وَ عِيَالِي وَ أَصِلُ بِهَا وَ أَتَصَدَّقُ بِهَا وَ أَحْجُّ وَ أَعْتَمِرُ فَقَالَ عليه السلام: لَيْسَ هَذَا طَلَبُ الدُّنْيَا هَذَا طَلَبُ الْآخِرَةِ؛ الكافي، ج ٥، ص ٧٢

﴿١٦٤﴾

﴿دنیای پسندیده﴾

۶-۷-۱-۲-۱- اصلاح کننده‌ی آخرت

﴿۱۱۵﴾ همانا برای تو از دنیا آنقدر وجود دارد که آینده‌ات را شایسته کنی؛ پس در راه حق انفاق کن و خزانه‌دار دیگران نباش.

۷-۷-۲-۱- مؤمن به وسیله‌ی دنیا به نیکی‌ها می‌رسد و به وسیله‌ی آن از بدی‌ها نجات پیدا می‌کند

﴿۱۱۶﴾ به دنیا ناسزا نگویند که دنیا مرکبی نیکو برای مؤمن است که به وسیله‌ی آن به نیکی‌ها می‌رسد و از بدی‌ها نجات پیدا می‌کند. همانا هرگاه بنده می‌گوید: «خدا دنیا را لعنت کند»، دنیا می‌گوید: «خدا نافرمان‌تر از من نسبت به پروردگار را لعنت کند»!

۸-۷-۲-۱- جز به وسیله‌ی دنیا نمی‌توان به آخرت رسید

﴿۱۱۷﴾ مبدا خیر دنیا از دست شما برود؛ زیرا جز به وسیله‌ی دنیا نمی‌توان به آخرت رسید.

۹-۷-۲-۱- دنیایی که توشه‌ی آخرت را در حدّ کفایت می‌رساند

﴿۱۱۸﴾ دنیا دوگونه است: دنیایی که در حدّ کفایت می‌رسد و دنیایی که نفرین شده است.

﴿۱۱۹﴾ دنیایم را که در آن توشه‌ام می‌رسد، مبارک ساز و آخرتم را که بازگشت من است

شایسته بگردان و دنیایم را موجب افزایش در هر خیری بگردان.

﴿۱۲۰﴾ دنیا سرای بلا و جایگاه توشه‌برداری و رنج است.

﴿۱۲۱﴾ به فریندگی‌های دنیا و هر آنچه در آن است، چونان کسی که دنیا را منزلگاه رسیدن

به آرامش و خانه‌ی همیشگی خود برمی‌گزیند، تکیه ندهید؛ چراکه دنیا منزلی موقت و مکان توشه‌برداری و جولانگاه عمل کردن است. پس قبل از آنکه روزهایش سپری گردد، کارهای شایسته را توشه‌ی راه خود قرار دهید؛ پیش از آنکه پروردگار متعال فرمان ویرانی آن را صادر کند؛ زیرا همان کسی دنیا را ویران می‌کند که آن را ساخت و خودش می‌داند که چه کسی وارث آن خواهد بود.

۸-۲-۱- اعمال عبادی و رفتارهای نیک

۱-۲-۸-۱- نیکی و صله‌ی رحم

﴿۱۲۲﴾ نیکی و صله‌ی رحم موجب آبادانی دنیا و زیادی عمر است.

۲-۲-۸-۱- مخارج خانواده، انفاق، صله‌ی رحم و حج

﴿۱۲۳﴾ فردی به امام صادق علیه السلام گفت: «ما دنیا را طلب می‌کنیم و دوست داریم هر خیری به

ما برسد». امام صادق علیه السلام فرمود: «دوست داری با دنیا چه کنی؟» گفت: «با مال دنیا به خودم و

خانواده‌ام برسم و صدقه بدهم و به واسطه‌ی آن صله‌ی رحم کنم و به حج بروم». امام صادق علیه السلام

فرمود: «این کارها طلب دنیا نیست، طلب آخرت است».

﴿الدُّنْيَا الْمَمْدُوحَةُ﴾

﴿١٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا لَكَ مِنْ دُنْيَاكَ مَا أَصْلَحْتَ بِهِ مَتَوَاكَ فَأَنْفِقْ فِي حَقِّهِ وَلَا تَكُنْ خَازِنًا لِغَيْرِكَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢١٢

١-٢-٨-٣ - نَفَقَةُ الْعِيَالِ

﴿١٢٥﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّا لَنُحِبُّ الدُّنْيَا فَقَالَ لِي تَصْنَعْ بِهَا مَاذَا قَالَ قُلْتُ أَتَزَوِّجُ مِنْهَا وَانْفِقُ عَلَى عِيَالِي وَأَنْبِلُ إِخْوَانِي وَآتُصَدِّقُ قَالَ لِي لَيْسَ هَذَا مِنَ الدُّنْيَا هَذَا مِنَ الْآخِرَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ١٦

١-٢-٨-٤ - مُعَاوَنَةُ الْأَخْوَانِ

﴿١٢٦﴾ الرضا عليه السلام: وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَا تَشْكُرُونَ اللَّهَ بِشَيْءٍ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَبَعْدَ الْإِغْتِرَافِ بِحُقُوقِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنْ مُعَاوَنَتِكُمْ لِأَخْوَانِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى دُنْيَاهُمْ الَّتِي هِيَ مَعْبَرٌ لَهُمْ إِلَى جَنَّاتِ رَبِّهِمْ فَإِنْ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مِنْ خَاصَّةِ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٥٥

١-٢-٨-٥ - التَّعَطُّفُ عَلَى الْجَارِ

﴿١٢٧﴾ الرسول ﷺ: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالًا اسْتَعْفَافًا عَنِ الْمَسْأَلَةِ وَسَعْيًا عَلَى عِيَالِهِ وَتَعَطُّفًا عَلَى جَارِهِ لَقِيَ اللَّهَ وَوَجْهَهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ١٧

﴿١٢٨﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا اسْتِعْنَاءً عَنِ النَّاسِ وَتَعَطُّفًا عَلَى الْجَارِ لَقِيَ اللَّهَ وَوَجْهَهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ؛ بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٨

١-٢-٨-٦ - الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ

﴿١٢٩﴾ الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا؛ (الكهف / ٤٦)

١-٢-٨-٧ - الصَّلَاةُ

﴿١٣٠﴾ الرسول ﷺ: حُبَّ إِلَى مِنَ الدُّنْيَا ثَلَاثُ النِّسَاءِ وَالطَّيِّبُ وَجُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ؛ وسائل الشيعة، ج ٢، ص ١٤٤

١-٢-٨-٨ - الصَّوْمُ وَالْجِهَادُ وَإِطْعَامُ الضَّيْفِ

﴿١٣١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حُبَّ إِلَى مِنَ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثُ؛ إِطْعَامُ الضَّيْفِ وَالصَّوْمُ بِالصَّيْفِ وَالضَّرْبُ بِالسَّيْفِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ٢٥٩

١-٢-٩ - مِضْمَارُ الطَّاعَةِ وَالْعَمَلِ وَالْإِيمَانِ وَالْإِخْلَاصِ

«دنیای پسندیده»

﴿۱۲۴﴾ همانا برای تو از دنیا آنقدر وجود دارد که آینده‌ات را شایسته کنی؛ پس در راه حق انفاق کن و خزانه‌دار دیگران نباش.

۴-۸-۲-۱- تأمین مخارج خانواده

﴿۱۲۵﴾ ابن ابی‌یعفور گوید: به امام صادق (علیه‌السلام) عرض کردم: «ما دنیا را دوست داریم». حضرت (علیه‌السلام) به من فرمود: «با آن چه کار می‌کنی؟» عرض کردم: «از آن ازدواج می‌کنم و حج به جا می‌آورم و بر خانواده انفاق می‌کنم و به برادرانم قرض داده و صدقه می‌دهم». حضرت (علیه‌السلام) به من فرمود: «این‌ها دنیوی نیست بلکه اخروی است».

۴-۸-۲-۱- کمک به برادران

﴿۱۲۶﴾ بدانید که شما خداوند را بعد از ایمان به خدا و پیامبرش و اعتراف به حقوق اولیای خدا از آل محمد (علیهم‌السلام) به چیزی بهتر از کمک به برادران مؤمن خود در مسائل دنیا که راهی به‌سوی بهشت برین است، شکر نمی‌کنید. هرکس چنین کاری کند، از اولیای خاص خداست.

۵-۸-۲-۱- نیکی به همسایگان

﴿۱۲۷﴾ هرکس به خاطر بی‌نیازی از مردم و به خاطر تلاش برای رفاه خانواده‌اش و عطوفت و مهربانی به همسایه‌اش دنیای حلال را طلب کند، در روز قیامت خداوند را در حالی ملاقات می‌کند که صورتش چون ماه شب چهارده می‌درخشد.

﴿۱۲۸﴾ کسی که دنیا را برای بی‌نیازی از مردم و نیکی به همسایه طلب کند، در روز قیامت خداوند را در حالی ملاقات می‌کند که صورتش چون ماه شب چهارده می‌درخشد.

۶-۸-۲-۱- باقیات صالحات

﴿۱۲۹﴾ مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست و باقیات صالحات [ارزش‌های پایدار و شایسته] ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است!

۷-۸-۲-۱- نماز

﴿۱۳۰﴾ سه چیز از دنیا را دوست دارم؛ زنان، عطر و نور چشمم نماز.

۸-۸-۲-۱- روزه و جهاد و مهمان‌نوازی

﴿۱۳۱﴾ از دنیای شما سه چیز را دوست دارم: اطعام مهمان، روزه در تابستان و جنگ با شمشیر.

۹-۲-۱- میدان فرمان‌برداری و تلاش و ایمان و اخلاص

﴿الدُّنْيَا الْمَمْدُوحَةُ﴾

١-٢-٩-١- الطَّاعَةُ

﴿١٣٢﴾ يَا عِيسَى عليه السلام إِنَّ الدُّنْيَا خُلُوعٌ وَإِنَّمَا اسْتَغْمَلْتُكَ فِيهَا لِتُطِيعَنِي فَجَانِبْ مِنْهَا مَا حَذَرْتُكَ وَخُذْ مِنْهَا مَا أُعْطَيْتُكَ عَفْوَاً؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٢٩٨

١-٢-٩-٢- دَارُ الْعَمَلِ

﴿١٣٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فِي الدُّنْيَا عَمَلٌ وَلَا حِسَابٌ؛ غرر الحكم، ص ١٤٨
﴿١٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَعْمَالُ الْعِبَادِ فِي الدُّنْيَا نَصَبٌ أَعْيُنُهُمْ فِي الْآخِرَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٥٦
﴿١٣٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَرَحَّلَتْ مُدْبِرَةً وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ تَرَحَّلَتْ مُقْبِلَةً وَلِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا بَنُونَ فَكُونُوا مِنْ أَتْبَاءِ الْآخِرَةِ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابٌ وَغَدًا حِسَابٌ وَلَا عَمَلٌ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٣٥٤

﴿١٣٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا وَابْتَلَى فِيهَا أَهْلَهَا لِيَعْلَمَ أَتْيَهُمْ أَحْسَنَ عَمَلًا وَلسْنَا لِلدُّنْيَا خُلُقْنَا وَلَا بِالسَّعْيِ لَهَا أَمْرُنَا وَإِنَّمَا وَضَعْنَا فِيهَا لِنُبْتَلَى بِهَا وَنَعْمَلَ فِيهَا لِمَا بَعْدَهَا؛ غرر الحكم، ص ١٢٨

﴿١٣٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَأَكْثِرُوا عِبَادَةَ اللَّهِ اجْتَهِادَكُمْ فِيهَا بِالتَّزَوُّدِ مِنْ يَوْمِهَا الْقَصِيرِ لِيَوْمِ الْآخِرَةِ الطَّوِيلِ فَإِنَّهَا دَارُ الْعَمَلِ وَالدَّارُ الْآخِرَةُ دَارُ الْقَرَارِ وَالْجَزَاءِ فَتَجَافَوْا عَنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٩

١-٢-٩-٣- دَارُ الْأَعْمَالِ

﴿١٣٨﴾ الرُّسُولُ عليه السلام: وَكَفَيْتَهُ جَعَلَ الدُّنْيَا دَارَ الْأَعْمَالِ وَجَعَلَ الْآخِرَةَ دَارَ الْقَرَارِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى؛ بحار الأنوار، ج ٢٨، ص ٥٤

١-٢-٩-٤- مَعْدِنُ الْعَمَلِ

﴿١٣٩﴾ الرُّسُولُ عليه السلام: وَالْعَمَلُ كَنْزٌ وَالدُّنْيَا مَعْدِنٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٥

١-٢-٩-٥- مِضْمَارُ الْمُؤْمِنِ

﴿١٤٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْمُؤْمِنُ الدُّنْيَا مِضْمَارُهُ وَالْعَمَلُ هِمَّتُهُ وَالْمَوْتُ تُخَفَّتُهُ وَالْجَنَّةُ سُبْقَتُهُ؛ غرر الحكم، ص ٩٠

١-٢-٩-٦- مِضْمَارُ الْإِيمَانِ

﴿١٤١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مِضْمَارُهُ (الِإِيمَانِ) وَالْقِيَامَةُ حَلْبَتُهُ وَالْجَنَّةُ سُبْقَتُهُ وَالنَّارُ نَقِمَتُهُ وَالتَّقْوَى عُدَّتُهُ وَالْمُحْسِنُونَ... بِالْمَوْتِ تُخْتَمُ الدُّنْيَا وَبِالدُّنْيَا تُحْذَرُ الْآخِرَةُ... وَمَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمُصِيبَاتُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ٣٨٢

﴿١٦٨﴾

﴿دنیای پسندیده﴾

۱-۲-۹-۱- فرمان برداری

﴿۱۳۲﴾ ای عیسی! به راستی که دنیا شیرین است و من فقط به خاطر اینکه مرا پرستش کنی، تو را در آن به کار گرفته‌ام، بنابراین از آنچه تو را بر حذر داشته‌ام، دوری کن و از آنچه از روی کرم خویش به تو بخشیده‌ام، بهر مند شو.

۱-۲-۹-۲- سرای عمل

﴿۱۳۳﴾ در دنیا [امکان] عمل هست اما حساب نیست.
﴿۱۳۴﴾ اعمال بندگان در دنیا، پیش چشمشان در روز قیامت حاضر خواهد شد.
﴿۱۳۵﴾ آگاه باشید که دنیا پشت کرده و در حال کوچ کردن است و آخرت روی آورده و در شرف رسیدن است، و هریک از آن دو فرزندی دارند. شما فرزندان آخرت باشید. امروز وقت عمل است و نه حساب و فردا وقت حساب است نه عمل.
﴿۱۳۶﴾ همانا خداوند سبحان دنیا را برای آخرت قرار داده و مردم را در دنیا آزمایش کرده تا روشن شود که کدام یک نیکوکارترند. ما برای دنیا خلق نشده‌ایم و امر به تلاش برای رسیدن به آن نشده‌ایم. به دنیا آمده‌ایم تا در آن آزمایش گردیم. و در آن برای آنچه بعد از آن است، عمل کنیم.

﴿۱۳۷﴾ هرچه می‌توانید در روزهای کوتاه دنیا جدیت کنید و برای روز طولانی آخرت توشه بگیرید. زیرا دنیا سرای عمل و آخرت پایگاه پایدار و پاداش است. از دنیا جانب تهی کنید.

۱-۲-۹-۳- سرای اعمال

﴿۱۳۸﴾ ولی خداوند دنیا را محل انجام اعمال و آخرت را سرای پاداش قرار داده است. تا بدکاران را به کیفر کارهای بدشان برساند و نیکوکاران را در برابر اعمال نیکشان پاداش دهد.

۱-۲-۹-۴- معدن عمل و تلاش

﴿۱۳۹﴾ رفتار و کردار گنج و دنیا معدن است.

۱-۲-۹-۵- میدان مسابقه‌ی مؤمن

﴿۱۴۰﴾ دنیا میدان مؤمن و عمل همّت او و مرگ تحفه‌ی او و بهشت مدال مسابقه‌ی اوست.

۱-۲-۹-۶- میدان مسابقه‌ی ایمان

﴿۱۴۱﴾ دنیا میدان ایمان، رستخیز محل گردآمدنش، بهشت جایزه‌اش، دوزخ انتقامش، پرهیزگاری ساز و برگش، نیکوکاران سوارکارانش هستند... با مردن دنیا پایان می‌پذیرد به دنیا از آخرت حذر کنند... هرکس در دنیا زهد ورزد، آسیب‌های دنیا بر او آسان شود.

﴿الدُّنْيَا الْمَمْدُوحَةُ﴾

٧-٩-٢-١- مِضْمَارُ الْإِسْلَامِ

﴿١٤٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى شَرَعَ الْإِسْلَامَ وَ سَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ وَ أَعَزَّ أَرْكَانَهُ لِمَنْ حَارَبَهُ... فَذَلِكَ الْحَقُّ سَبِيلُهُ الْهُدَى... وَالْفَقْهُ مَصَابِيحُهُ وَ الدُّنْيَا مِضْمَارُهُ وَ الْمَوْتُ غَايَتُهُ... وَ بِالْمَوْتِ تُخْتَمُ الدُّنْيَا وَ بِالدُّنْيَا تَجُوزُ الْقِيَامَةُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٩

٨-٩-٢-١- مِضْمَارُ الْإِخْلَاصِ

﴿١٤٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ عَرَفَهَا وَ مِضْمَارُ الْإِخْلَاصِ لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا فِي مَهَبٍ وَ خَى اللَّهَ تَعَالَى وَ مَتَجَرَّ أَوْلِيَائِهِ اتَّجَرُوا تَرْبُحُوا الْجَنَّةَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٤٢٠

١٠-٩-٢-١- مَطِيَّةُ الْمُؤْمِنِ

﴿١٤٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مَطِيَّةُ الْمُؤْمِنِ عَلَيْهَا يَرْتَحِلُ إِلَى رَبِّهِ فَأَصْلَحُوا مَطَابِكُمْ تَبْلُغْكُمْ إِلَى رَبِّكُمْ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣١٧

﴿١٤٥﴾ الرسول ﷺ: لَا تَسُؤُوا الدُّنْيَا فَنِعِمَّتْ مَطِيَّةُ الْمُؤْمِنِ فَعَلَيْهَا يَبْلُغُ الْخَيْرَ وَ بِهَا يَنْجُو مِنَ الشَّرِّ إِنَّهُ إِذَا قَالَ أَعْبُدْ لَعَنَ اللَّهُ الدُّنْيَا قَالَتِ الدُّنْيَا لَعَنَ اللَّهُ أَعْصَانَا لِرَبِّهِ فَأَخَذَ الشَّرِيفُ الرِّضِيُّ بِهَذَا الْمَعْنَى فَنَظَّمَهُ نَبِيئًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٠

١١-٩-٢-١- الْمَثَلُ وَ الْإِعْتِبَارُ

﴿١٤٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ عَنَاءٍ وَ فَنَاءٍ وَ غَيْرٍ وَ عِبَرٍ وَ مَحَلُّ فِتْنَةٍ وَ مِخْنَةٍ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

﴿١٤٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنْ أَرَدْتَ الْعِبْرَةَ فَالدُّنْيَا تَكْفِيكَ وَ إِنْ أَرَدْتَ الْعَمَلَ فَالْعِبَادَةُ تَكْفِيكَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٢٤٤

﴿١٤٨﴾ السَّجَادُ عليه السلام: لَا تَرْكُنُوا إِلَى مَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا رَكُونَ مَنْ أَعَدَّهَا دَارًا وَ قَرَارًا بِاللَّهِ إِنْ لَكُمْ مِمَّا فِيهَا عَلَيْهَا دَلِيلًا مِنْ زِينَتِهَا وَ تَصْرِيفِ أَيَّامِهَا وَ تَغْيِيرِ انْقِلَابِهَا وَ مَثَلَاتِهَا وَ تَلَاغِيهَا بِأَهْلِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٤٨

﴿١٤٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الدُّنْيَا بَعَيْنِ الْإِعْتِبَارِ وَ يَقْتَاتُ مِنْهَا بِبَطْنِ الْإِضْطِرَّارِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣١

﴿١٥٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: صَدَقَ بِمَا سَلَفَ مِنَ الْحَقِّ وَ اغْتَبَرَ بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ بَعْضَهَا يُشَبِّهُ بَعْضًا وَ آخِرَهَا لَاحِقُ بَأَوَّلِهَا؛ غرر الحكم، ص ٤٧١

﴿١٧٠﴾

﴿دنیای پسندیده﴾

۷-۹-۱- میدان مسابقه‌ی اسلام

﴿۱۴۲﴾ اما بعد، خداوند تبارک و تعالی اسلام را تشریع کرد و قانون‌های آن را برای آن کس که به دین اسلام وارد شود، آسان کرد و ارکانش را برای آن کس که با دینش به نبرد برخیزد، مستحکم کرده است... این است حق که راهش، هدایت... و فقه، چراغ‌های آن و دنیا، میدان مسابقه‌ی آن و مرگ، پایان آن است... با مرگ، دنیا پایان می‌پذیرد و به وسیله‌ی دنیا از قیامت می‌گذرند.

۸-۹-۱- میدان مسابقه‌ی اخلاص

﴿۱۴۳﴾ دنیا سرای راستی است برای کسی که آن را بشناسد و میدان مسابقه‌ی خلاصی است برای کسی که از آن توشه بر دارد، در محلّ نزول وحی خدای متعال، محلّ بازرگانی مردان خداست، پس تجارت کنید که سودش بهشت است.

۱۰-۹-۱- وسیله‌ی حمل و نقل مؤمن

﴿۱۴۴﴾ دنیا وسیله‌ی حمل و نقل مؤمن است که بر آن سوار شده و به سوی خدایش می‌رود. پس وسیله‌ی حمل و نقل خود را درست کنید تا شما را به پروردگارتان برساند. ﴿۱۴۵﴾ به دنیا ناسزا نگوئید که دنیا مرکبی نیکو برای مؤمن است که به وسیله‌ی آن به نیکی‌ها می‌رسد و از بدی‌ها نجات پیدا می‌کند. همانا هرگاه بنده می‌گوید: «خدا دنیا را لعنت کند»، دنیا می‌گوید: «خدا نافرمان‌تر از من نسبت به پروردگار را لعنت کند»!

۱۱-۹-۱- دنیا مثل است برای عبرت گرفتن

﴿۱۴۶﴾ به درستی که دنیا خانه‌ی تعب و فنا و تغییرات و عبرت‌هاست. و جایگاه فتنه و محنت است.

﴿۱۴۷﴾ اگر عبرت می‌خواهی، دنیا کافیت و اگر عمل می‌خواهی عبادت کافیت. ﴿۱۴۸﴾ به آنچه در این سراسر مانند کسی که آن را خانه‌ی ابدی و قرارگاه همیشگی ساخته اعتماد نکنید و به خدا سوگند، برای شما آنچه در دنیاست بر علیه خود شهادت می‌دهد [که عبارتند از:] جلوه‌گری ظاهرش، دگرگونی انقلابش، موارد عبرت‌آمیز آن، و بازیگری‌های با اهلش. ﴿۱۴۹﴾ فقط بنده‌ی مؤمن است که با دیده‌ی عبرت به دنیا می‌نگرد و از آن به میزان ضرورت غذا می‌خورد.

﴿۱۵۰﴾ حقّی را که در زندگی گذشتگان بود تصدیق کن و از حوادث گذشته‌ی تاریخ برای آینده عبرت گیر که حوادث روزگار با یکدیگر همانند بوده و پایان دنیا به آغازش می‌پیوندد.

﴿الدُّنْيَا التَّحَوُّلُ وَ الزَّوَالُ﴾

﴿١٥١﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا ضُرِبَتْ مَثَلًا لِابْنِ آدَمَ فَإِنْظُرْ مَا يَخْرُجُ مِنْ ابْنِ آدَمَ وَإِنْ مَرْجَهُ وَمِلْحَهُ إِلَى مَا يَصِيرُ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٤٩

١-٣- الدُّنْيَا التَّحَوُّلُ وَ الزَّوَالُ

١-٣-١- التَّحَوُّلُ وَ التَّصْرِيفُ وَ التَّبَدُّلُ

١-٣-١-١- التَّحَوُّلُ

﴿١٥٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا سَرِيعَةُ التَّحَوُّلِ كَثِيرَةُ التَّنْقُلِ شَدِيدَةُ الْعَدْرِ دَائِمَةُ الْمَكْرِ فَأَحْوَالُهَا تَتَزَلُّزَلُ وَ نَعِيمُهَا يَتَبَدَّلُ وَ رَخَاوُهَا يَتَنَفَّصُ وَ لَذَائُهَا تَتَنَغَّصُ وَ طَالِبُهَا يَذَلُّ وَ رَاكِبُهَا يَنْزَلُ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

﴿١٥٣﴾ الباقر عليه السلام: أَنْزَلَ الدُّنْيَا عِنْدَكَ كَمَنْزِلِ نَزْلَتِهِ ثُمَّ أَرَدْتَ التَّحَوُّلَ عَنْهُ مِنْ يَوْمِكَ أَوْ كَمَالِ اكْتِسَابِهِ فِي مَنَامِكَ وَ لَيْسَ فِي يَدِكَ مِنْهُ شَيْءٌ وَإِذَا حَضَرْتَ فِي جَنَازَةٍ فَكُنْ كَأَنَّكَ الْمَحْمُولُ عَلَيْهَا وَ كَأَنَّكَ سَأَلْتَ رَبَّكَ الرَّجْعَةَ إِلَى الدُّنْيَا فَرَدَّكَ فَأَعْمَلْ عَمَلًا مَنْ قَدْ عَاقَبَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٣٧٤

﴿١٥٤﴾ الزهراء عليها السلام: يَا مَنْ جَعَلَ أَيَّامَ الدُّنْيَا تَزُولُ وَ شُهُورَهَا تَحُولُ وَ سِنِيهَا تَدُورُ؛ بحار الأنوار،

ج ٨٣، ص ١٠٢

﴿١٥٥﴾ الصادق عليه السلام: كَانَ أَبُو ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ فِي خُطْبَتِهِ يَا مُبْتَغِي الْعِلْمِ كَانَ شَيْئًا مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ شَيْئًا إِلَّا مَا يَنْفَعُ خَيْرُهُ وَ يَضُرُّ شَرُّهُ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ... الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةُ كَمَنْزِلٍ تَحَوَّلَتْ مِنْهُ إِلَى غَيْرِهِ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٤

﴿١٥٦﴾ الباقر عليه السلام: يَا جَابِرُ أَنْزَلَ الدُّنْيَا مِنْكَ كَمَنْزِلِ نَزْلَتِهِ تُرِيدُ التَّحَوُّلَ وَ هَلِ الدُّنْيَا إِلَّا دَابَّةٌ رَكِبَتْهَا فِي مَنَامِكَ فَاسْتَيْقَظْتَ وَ أَنْتَ عَلَى فِرَاشِكَ غَيْرَ رَاكِبٍ وَ لَا أَحَدٌ يَعْبَأُ بِهَا أَوْ كَثُوبٌ لَبَسَتْهُ أَوْ كَجَارِيَةٍ وَطِئَتْهَا يَا جَابِرُ الدُّنْيَا عِنْدَ ذَوِي الْأَلْبَابِ كَفَى الظَّلَالِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ١٨٢

﴿١٥٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: غَرَارَةُ ضَرَارَةٍ حَائِلَةٍ زَائِلَةٍ نَائِدَةٌ نَافِدَةٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٦

﴿١٥٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ اعْتَبِرْ بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا مَا بَقِيَ مِنْهَا فَإِنَّ بَعْضَهَا يُشَبِّهُ بَعْضًا وَ

آخِرَهَا لِأَحَقِّ بِأَوَّلِهَا وَ كُلُّهَا حَائِلٌ مُفَارِقٌ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٠٨

﴿١٧٢﴾

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

﴿۱۵۱﴾ دنیا مثلی برای فرزندان آدم است؛ پس بین که از فرزند آدم چه چیزی دفع می‌شود و شور و شیرین او به چه می‌انجامد.

۳-۱- دنیای دگرگونی و ازبین رفتن

۱-۳-۱- دگرگونی، تغییر، تبدیل

۱-۳-۱-۱ دگرگونی

﴿۱۵۲﴾ دنیا سریع دگرگون می‌شود و بسیار جابه‌جا می‌گردد، مکرهایش شدید و نیرنگ‌هایش دائمی است. روزگارش متزلزل و نعمت‌هایش در حال تبدیل است. آرامش آن کاسته شده و لذت‌های آن منع می‌شوند، طلب‌کننده‌ی دنیا ذلیل می‌شود و سواره‌ی بر مرکب دنیا، خواهد لرزید. ﴿۱۵۳﴾ در دنیا مثل کسی باش که وارد آن شده و همان روز قصد رفتن دارد، دنیا [و مقامات آن را] مانند کمالاتی بدان که در خواب کسب کرده‌ای ولی در بیداری چیزی در دست نداری. وقتی بر سر جنازه‌ای حاضر می‌شوی، فکر کن، جنازه‌ای که حمل می‌شود تویی و فرض کن که از خداوند التماس کرده‌ای که تو را به دنیا بازگرداند و او نیز تو را بازگردانده [و فرصت زندگی مجدد داده] پس مانند کسی که مرگ را دیده، در دنیا زندگی کن [و هر لحظه آمادگی آن را داشته باش]. ﴿۱۵۴﴾ ای کسی که روزهای دنیا را گذرا و زوال‌پذیر، و ماه‌هایش را جابجا شونده و سال‌هایش را دورزننده قرار داده است.

﴿۱۵۵﴾ ابوذر در سخنرانی خود اینچنین گفت: «ای طالب علم! هرچه در دنیا هست، خیرش نفع می‌دهد و شرش ضرر می‌رساند؛ مگر آنکه خداوند رحم کند... دنیا و آخرت مانند خانه‌هایی هستند که از یکی به دیگری می‌روی».

﴿۱۵۶﴾ ای جابر! دنیا را منزل خویش کن، مانند منزلی که در آن ساکن می‌شوی و سپس می‌خواهی از آن کوچ کنی. آیا دنیا جز این است که در خوابت بر حیوانی سوار شده‌ای و چون بیدار می‌شوی تو بر رختخوابت هستی و سواره نیستی که هیچ‌کس به آن اعتنا نمی‌کند. و یا دنیا همچون لباس است که آن را می‌پوشی یا زنی که با آن نزدیکی می‌کنی. ای جابر! دنیا در نزد خردمندان و خداشناسان مانند سایه‌ی بعد از ظهر است.

﴿۱۵۷﴾ دنیا فریبکاری مضر است که دائماً تغییر می‌کند و از بین می‌رود و نابود می‌شود و تمام می‌گردد.

﴿۱۵۸﴾ و از حوادث گذشته‌ی تاریخ، برای آینده عبرت بگیر، که حوادث روزگار شبیه یکدیگر بوده و پایان دنیا به آغازش می‌پیوندد، و همه‌ی آن دگرگون‌شونده و ازبین‌رفتنی است.

﴿الدُّنْيَا التَّحُولُ وَ الزَّوَالُ﴾

١-٣-١-٢- التصريفُ

﴿١٥٩﴾ السَّجَّادُ (عليه السلام): لَا تَرْكُنُوا إِلَى مَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا رُكُونًا مِّنْ أَعَدَّهَا دَارًا وَ قَرَارًا بِاللَّهِ إِنَّ لَكُمْ مِمَّا فِيهَا عَلَيْهَا دَلِيلًا مِّنْ زِينَتِهَا وَ تَصْرِيفِ أَيَّامِهَا وَ تَغْيِيرِ انْقِلَابِهَا وَ مَثَلَاتِهَا وَ تَلَاغِيهَا بِأَهْلِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٤٨

﴿١٦٠﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): إِنَّ الدُّنْيَا خِدَاعَةٌ صِرَاعَةٌ مَّكَارَةٌ غَرَارَةٌ سَحَابَةٌ ... دَارَتْ عَلَيْكُمْ بَصُرُوفُهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٧٣

﴿١٦١﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): إِنَّمَا الدُّنْيَا أَحْوَالٌ مُّخْتَلِفَةٌ وَ تَارَاتُ مُتَصَرِّفَةٌ وَ أَغْرَاضٌ مُّسْتَهْدِفَةٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

﴿١٦٢﴾ الحسين (عليه السلام): الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ الدُّنْيَا فَجَعَلَهَا دَارَ فَنَاءٍ وَ زَوَالَ مُتَصَرِّفَةً بِأَهْلِهَا حَالًا بَعْدَ حَالٍ فَالْمَغْرُورُ مِّنْ غَرَّتِهِ وَ الشَّقِيُّ مِّنْ فَنَنَتِهِ فَلَا تَغْرَنَكُمْ هَذِهِ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا تَقْطَعُ رَجَاءَ مَنْ رَكَنَ إِلَيْهَا وَ تُخَيِّبُ طَمَعَ مَنْ طَمَعَ فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٥، ص ٥

١-٣-١-٣- التَّيْدُلُ

﴿١٦٣﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَفْنَى لِصَاحِبٍ وَ لَا تَصْفُو لِشَارِبٍ نَعِيمُهَا يَنْتَقِلُ وَ أَحْوَالُهَا تَتَبَدَّلُ وَ لَذَاتُهَا تَفْنَى وَ تَبْعَاتُهَا تَبْقَى فَأَعْرِضْ عَنْهَا قَبْلَ أَنْ تُعْرِضَ عَنْكَ وَ اسْتَبْدِلْ بِهَا قَبْلَ أَنْ تَسْتَبْدِلَ بِكَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

١-٣-٢- التَّغْيِيرُ

١-٣-٢-١- الْغَيْرُ

﴿١٦٤﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): إِنَّمَا الدُّنْيَا فَنَاءٌ وَ عَنَاءٌ وَ غَيْرٌ وَ غَيْرٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٥٧

﴿١٦٥﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): إِنَّ الدُّنْيَا تُدْنِي الْأَحَالَ وَ تُبَاعِدُ الْأَمَالَ وَ تَبِيدُ الرِّجَالَ وَ تَغْيِرُ الْأَحْوَالَ مَنَ غَالِبَهَا غَلَبَتْهُ وَ مَنَ صَارَعَهَا صَارَعَتْهُ وَ مَنَ عَصَاهَا أَطَاعَتْهُ وَ مَنَ تَرَكَهَا أَتَتْهُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

﴿١٦٦﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): إِنَّ الدُّنْيَا تُعْطَى وَ تَرْتَجَعُ وَ تَنْقَادُ وَ تَمْتَنِعُ وَ تُوحِشُ وَ تُؤْنِسُ وَ تُطْمِعُ وَ تُؤْيِسُ يُعْرِضُ عَنْهَا السُّعْدَاءُ وَ يَرْغَبُ فِيهَا الْأَشْقِيَاءُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٨

﴿١٦٧﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): الدُّنْيَا مَحَلُّ الْغَيْرِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

۲-۱-۳-۱- تغییر

«۱۵۹» به آنچه در این سراسر مانند کسی که آن را خانه‌ی ابدی و قرارگاه همیشگی ساخته اعتماد نکنید و به خدا سوگند، برای شما آنچه در دنیاست بر علیه خود شهادت می‌دهد [که عبارتند از:] جلوه‌گری ظاهرش، دگرگونی انقلابش، موارد عبرت‌آمیز آن.

«۱۶۰» همانا دنیا فریبنده، سقوط‌دهنده، گول‌زننده، نیرنگ‌باز و ساحر است ... درحالی که با دگرگونی‌هایش بر شما چرخیده است.

«۱۶۱» دنیا احوالش دگرگون و حالاتش گذرنده است و اهل آن همواره هدف تیرهای بلا هستند. «۱۶۲» ستایش مخصوص آن خدایی است که دنیا را سرای فنا و زوال قرار داد و اهل آن را در هر لحظه در حالتی قرار داد. کسی فریب می‌خورد که دنیا او را فریب دهد. شقی کسی است که دنیا او را دچار امتحان نماید. مبدا این دنیا شما را فریب دهد، زیرا این دنیا امید کسی را که به آن دلبستگی داشته باشد، قطع می‌کند و طمع هر کسی را که به آن طمع کند، نابود می‌نماید.

۳-۱-۳-۱- تبدیل

«۱۶۳» دنیا به همراه خود وفا نمی‌کند و برای کسی که از نعمت‌های آن بهره می‌برد اهل صفا نیست، روزگارش در تغییر است و لذت‌هایش رو به فناست اما تبعات آن باقی خواهد ماند، پس از دنیا قبل از آنکه از تو برگردانده شود، روی بگردان و قبل از آنکه به آخرت تبدیل شود، خودت آن را به آخرت مبدل کن.

۲-۱-۳-۱- دگرگونی و عدم ثبات

۱-۳-۲-۱- دگرگونی

«۱۶۴» دنیا سرای نیستی، رنج، دگرگونی و عبرت است. «۱۶۵» دنیا، اجل‌ها را نزدیک و دستیابی به آرزوها را دور می‌کند، مردم را هلاک و حالات را دگرگون می‌کند، هرکس بر دنیا غلبه کند، دنیا بر او غلبه خواهد کرد، و هرکس با دنیا جنگید، دنیا به جنگ او برمی‌خیزد، هرکس با دنیا مخالفت کرد، دنیا از او اطاعت می‌کند و هرکس که دنیا را ترک کرد، دنیا به سراغ او می‌رود.

«۱۶۶» به‌درستی که دنیا می‌آید و می‌رود، عطا می‌کند و مطیع می‌شود؛ سپس مانع شده، پس می‌گیرد، وحشی شده و گاه رام می‌شود، سعادتمندان از دنیا روی برمی‌گردانند و بدبختان به آن تمایل نشان می‌دهند.

«۱۶۷» دنیا محلّ دگرگونی و اتفاقات روزگار است.

﴿الدُّنْيَا التَّحُولُ وَ الزَّوَالُ﴾

﴿١٦٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ مِنْ نَكَدِ الدُّنْيَا أَنَّهَا لَا تَبْقَى عَلَى حَالَةٍ وَلَا تَخْلُو مِنْ اسْتِحَالَةٍ تُصْلِحُ جَانِبًا بفسَادِ جَانِبٍ وَ تَسْرُ صَاحِبَهَا بِمَسَاءَةِ صَاحِبٍ فَالْكُونُ فِيهَا خَطَرٌ وَ الثَّقَةُ بِهَا غَرَرٌ وَ الْإِخْلَادُ إِلَيْهَا مُحَالٌ وَ الْاعْتِمَادُ عَلَيْهَا ضَلَالٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

﴿١٦٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اغْتَبَرَ بِغَيْرِ الدُّنْيَا قَلَّتْ مِنْهُ الْأَطْمَاعُ؛ غرر الحكم، ص ٤٧٣
١-٣-٢-٢ التَّغْيِيرُ

﴿١٧٠﴾ السَّجَادُ عليه السلام: لَا تَرْكُنُوا إِلَى مَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا رَكُونَ مَنْ أَعَدَّهَا دَارًا وَ قَرَارًا بِاللَّهِ إِنَّ لَكُمْ مِمَّا فِيهِمَا عَلَيْهَا دَلِيلًا مِنْ زِينَتِهَا وَ تَصْرِيفِ أَيَّامِهَا وَ تَغْيِيرِ انْقِلَابِهَا وَ مَثَلَاتِهَا وَ تَلَاعِبِهَا بِأَهْلِهَا ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٤٨
١-٣-٢-٣ الزَّوَالُ

﴿١٧١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُلُّ أَحْوَالِ الدُّنْيَا زَلْزَالٌ وَ مَلِكُهَا سَلَبٌ وَ انْتِقَالٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤
١-٣-٢-٤ التَّشْتُّ

﴿١٧٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا شَيْخُ إِنَّ الدُّنْيَا خَضِرَةٌ حُلُوَّةٌ وَ لَهَا أَهْلٌ وَ إِنَّ الْآخِرَةَ لَهَا أَهْلٌ ظَلَفَتْ أَنْفُسُهُمْ عَنْ مُفَاخَرَةِ أَهْلِ الدُّنْيَا لَا يَتَنَافَسُونَ فِي الدُّنْيَا... فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ أَمَا مَا تَرَوْنَ إِلَى أَهْلِ الدُّنْيَا يُمَسُّونَ وَ يُصْبِحُونَ عَلَى أَحْوَالٍ شَتَّى فَيَبْنِي صَرِيحٌ يَتَلَوَّى؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٨٩
١-٣-٢-٥ الطُّورَانُ

﴿١٧٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ الدُّنْيَا طَوْرَانِ فَمِنْهُمَا لَكَ وَ مِنْهُمَا عَلَيْكَ فَمَا كَانَ مِنْهُمَا لَكَ أَتَاكَ عَلَى ضَعْفِكَ وَ مَا كَانَ مِنْهُمَا عَلَيْكَ لَمْ تَدْفَعْهُ بِقُوَّتِكَ؛ أعلام الدين، ص ٨٤
١-٣-٢-٦ الْمُتَقَلِّبَةُ

﴿١٧٤﴾ زيارة الرسول صلى الله عليه وآله: وَ الدُّنْيَا مُتَنَكِّرَةٌ لِأَهْلِهَا مُتَقَلِّبَةٌ عَلَى أُنْبَائِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ١٧٧
١-٣-٢-٧ لَا دَارَ اسْتِوَاءٍ

﴿١٧٥﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا دَارُ فِرَاقٍ وَ دَارُ التَّوَاءِ لَا دَارَ اسْتِوَاءٍ عَلَى أَنْ لِفِرَاقٍ الْمَأْلُوفِ حُرْقَةً لَا تُدْفَعُ وَ لَوْعَةً لَا تُرَدُّ؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٧٩
١-٣-٢-٨ لَيْسَ لِلدُّنْيَا ثُبُوتٌ

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

﴿۱۶۸﴾ از علائم بی‌خیربودن دنیا این است که در یک حالت باقی نمی‌ماند و همواره دچار دگرگونی می‌شود، برای اصلاح یک طرف، طرف دیگری را خراب می‌کند و دارنده‌ای را با بدبخت کردن دارنده‌ای دیگر شاد می‌کند. ماندن در دنیا خطر و اعتمادکردن به آن، فریفته‌شدن و میل به آن محال و تکیه به آن، گمراهی است.

﴿۱۶۹﴾ هرکس از غیر دنیا (آخرت) عبرت بگیرد، طمع‌ها در او کم می‌شود.

۱-۳-۲-۲- تغییر

﴿۱۷۰﴾ به آنچه در این سراسر مانند کسی که آن را خانه‌ی ابدی و قرارگاه همیشگی ساخته اعتماد نکنید و به خدا سوگند، برای شما آنچه در دنیاست بر علیه خود شهادت می‌دهد [که عبارتند از:] جلوه‌گری ظاهرش، دگرگونی انقلابش، موارد عبرت‌آمیز آن، و بازیگری‌های با اهلش.

۱-۳-۲-۳- تزلزل

﴿۱۷۱﴾ همه‌ی احوال دنیا در حال تزلزل و دگرگونی است. و دارایی‌های دنیوی سلب شده و

به دیگری منتقل می‌شوند.

۱-۳-۲-۴- تفاوت و چندگونگی

﴿۱۷۲﴾ ای پیرمرد! دنیا سبز و شیرین است و اهلی دارد و آخرت نیز اهلی دارد که خود را از مفاخره‌ی اهل دنیا مخفی کردند و در دنیا با هم مسابقه نداشتند... حضرت روی به اصحاب خود کرده و فرمود: «ای مردم! آیا نمی‌بینید که اهل دنیا داخل در صبح و شام می‌شوند درحالی‌که احوال متفاوتی دارند؟ پس گروهی به خاک افتاده و بر خود می‌پیچند».

۱-۳-۲-۵- دو گونه

﴿۱۷۳﴾ دنیا دو مرحله دارد، مرحله‌ای که به نفع توسست و مرحله‌ای که به ضرر توسست، آن مرحله‌ای که به نفع توسست به تو خواهد رسید، گرچه در کسب آن ضعیف باشی و آن مرحله‌ای که به ضرر توسست نیز به تو خواهد رسید و تو علیرغم قوی بودنت نمی‌توانی با قدرت خودت آن را دفع کنی.

۱-۳-۲-۶- دگرگون شده

﴿۱۷۴﴾ دنیا برای اهلش لباس می‌دل بر تن کرده و بر اهلش دگرگون شده است.

۱-۳-۲-۷- منزلگاه همیشگی نیست

﴿۱۷۵﴾ دنیا محلّ جدایی و جایگاه موقّتی است نه منزلگاه همیشگی فراق عزیزان، داغی است که نمی‌توان مانعش شد و سوزی است که جلوی آن را نمی‌توان گرفت.

۱-۳-۲-۸- دنیا ثبات ندارد

﴿الدُّنْيَا التَّحُولُ وَ الزَّوَالُ﴾

﴿١٧٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا فَنَاءٌ لَيْسَ لِلدُّنْيَا ثُبُوتٌ، إِنَّمَا الدُّنْيَا كَيْتٌ نَسَجْتُهُ

الْعَنْكَبُوتُ؛ دِيوان الإمام علي عليه السلام، ص ١١٦

١-٣-٣- الإِنْتِقَالُ

١-٣-٣-١- الإِنْتِقَالُ

﴿١٧٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا بُنَيَّ إِنِّي قَدْ أَنْبَأْتُكَ عَنِ الدُّنْيَا وَحَالِهَا وَزَوَالِهَا وَانْتِقَالِهَا وَ أَنْبَأْتُكَ عَنِ الْآخِرَةِ وَمَا أُعِدُّ لَأَهْلِهَا وَضَرَبْتُ لَكَ فِيهِمَا الْأَمْثَالَ لِتَعْتَبَرَ بِهَا وَتَحْذَرُ عَلَيْهَا إِنَّمَا مَثَلُ مَنْ خَبَرَ الدُّنْيَا كَمَثَلِ قَوْمٍ سَفَرُوا بِبِهِمْ مَنْزِلُ جَدِيدٍ فَأَمَوْا مَنْزِلًا خَصِيْبًا وَجَنَابًا مَرِيْعًا فَاحْتَمَلُوا وَغَنَاءَ الطَّرِيقِ وَفِرَاقَ الصَّدِيقِ وَخُسُونَةَ السَّفَرِ وَجُشُوبَةَ الْمَطْعَمِ لِيَأْتُوا سَعَةَ دَارِهِمْ وَ مَنْزِلَ قَرَارِهِمْ فَلَيْسَ يَجِدُونَ لَشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَلْمًا وَلَا يَرَوْنَ نَفَقَةً فِيهِ مَغْرَمًا وَلَا شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيْهِمْ مِمَّا قَرَّبَهُمْ مِنْ مَنْزِلِهِمْ وَأَذْنَاهُمْ إِلَى مَحَلَّتِهِمْ وَمَثَلُ مَنْ اغْتَرَبَ بِهَا كَمَثَلِ قَوْمٍ كَانُوا بِمَنْزِلٍ خَصِيْبٍ فَنَبَا بِهِمْ إِلَى مَنْزِلٍ جَدِيدٍ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَهَ إِلَيْهِمْ وَلَا أَفْظَعَ عِنْدَهُمْ مِنْ مُفَارَقَةِ مَا كَانُوا فِيهِ إِلَى مَا يَهْجُمُونَ عَلَيْهِ وَيَصِيرُونَ إِلَيْهِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٦، ص ٨٢

﴿١٧٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَهِيَ الْكُنُودُ الْعُنُودُ وَالصَّدُودُ الْجَحُودُ وَالْحَيُودُ الْمَيُودُ حَالُهَا انْتِقَالٌ وَ سَكُونُهَا زَلْزَالٌ وَ عِزُّهَا ذُلٌّ وَ جَدُّهَا هَزَلٌ وَ كَثْرَتُهَا قَلٌّ وَ غُلُوُّهَا سِفْلٌ أَهْلُهَا عَلَى سَاقٍ وَ سِيَاقٍ وَ لِحَاقٍ وَ فِرَاقٍ وَ هِيَ دَارُ حَرْبٍ وَ سَلْبٍ وَ نَهْبٍ وَ عَطَبٍ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

﴿١٧٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا كَالْعُغُولِ تُغَوَّى مِنْ أَطَاعِهَا وَ تُهْلِكُ مَنْ أَجَابَهَا وَ إِنَّمَا لِسَرِيْعَةِ الزَّوَالِ وَ شَيْكَةِ الْإِنْتِقَالِ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

﴿١٨٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَقْبَلُ لِصَاحِبٍ وَلَا تَصْفُو لِشَارِبٍ نَعِيمُهَا يَنْتَقِلُ وَ أَحْوَالُهَا تَتَبَدَّلُ وَ لَذَاتُهَا تَفْنَى وَ تَبْعَاتُهَا تَبْقَى فَأَعْرِضْ عَنْهَا قَبْلَ أَنْ تُعْرِضَ عَنْكَ وَ اسْتَبْدِلْ بِهَا قَبْلَ أَنْ تَسْتَبْدِلَ بِكَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

﴿١٨١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا أَقْرَبَ الدُّنْيَا مِنَ الذَّهَابِ وَ الشَّيْبِ مِنَ الشَّبَابِ وَ الشَّكِّ مِنَ

الْإِرْتِيَابِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٣

﴿١٨٢﴾ الرسول ﷺ: لَمَّا بَعَثَ اللَّهُ نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ بَعَثَهُ وَ هُوَ ابْنُ خَمْسِينَ وَ مِائَتِي سَنَةٍ وَ لَبِثَ فِي قَوْمِهِ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا وَ عَاشَ بَعْدَ الطُّوفَانِ مِائَتِي سَنَةٍ فَلَمَّا آتَاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ قَالَ لَهُ يَا نُوحُ يَا أَكْبَرَ الْأَنْبِيَاءِ يَا طَوِيلَ الْعُمُرِ يَا مُجَابَ الدَّعْوَةِ كَيْفَ رَأَيْتَ الدُّنْيَا قَالَ مِثْلَ رَجُلٍ لَهُ بَيْتٌ لَهُ بَابَانِ فَدَخَلَ مِنْ وَاحِدٍ وَ خَرَجَ مِنْ وَاحِدٍ؛ إعلام الوري، ص ٤٧٣

﴿١٧٨﴾

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

﴿۱۷۶﴾ دنیا فانی است و برایش ثبوتی نیست، و مانند خانه‌ای است که عنکبوت آن را بافته است.

۱-۳-۳-۱-۱ انتقال و جابه‌جایی

۱-۳-۳-۱-۱ انتقال

﴿۱۷۷﴾ فرزندانم، من تو را از دنیا و تغییراتش و از نابودی و دست به دست گردیدنش آگاه و باخبر ساختم؛ تو را از آن سرا و آنچه برای اهلش فراهم شده آگاه کردم و برای تو درباره‌ی هر دو مَثَل‌ها زدم تا از آن عبرت بگیری و آن را دنبال کنی. همانا مثل آنان که دنیا را نگرستند و شناختند، همچون گروهی مسافرنده که در منزلی ناسازگار و بی‌آب و علف بار افکندند و آهنگ منزلی خَرَم و سرزمینی سرسبز کنند. پس مشکلات راه را تحمّل می‌کنند، و جدایی دوستان را می‌پذیرند، و سختی سفر، و ناگواری غذا را با جان و دل قبول می‌کنند، تا به جایگاه وسیع و منزلگاه اَمَن، با آرامش قدم بگذارند، و از تمام سختی‌های طول سفر احساس ناراحتی ندارند و هزینه‌های مصرف شده را غرامت نمی‌شمارند، و هیچ چیز برای آنان دوست‌داشتنی نیست جز آنکه به منزل اَمَن و محلّ آرامش برسند. اما داستان دنیاپرستان همانند گروهی است که از جایگاهی پر از نعمت‌ها می‌خواهند به سرزمین خشک و بی‌آب و علف کوچ کنند، پس در نظر آنان چیزی ناراحت‌کننده‌تر از این نیست که از جایگاه خود جدا می‌شوند، و ناراحتی‌ها را باید تحمّل کنند.

﴿۱۷۸﴾ به‌درستی که دنیا ناسپاس، حق‌شناس، دشمنی حیل‌گر، پشت‌کننده‌ای سرگردان، حالاتش متزلزل، سکونش متزلزل، و عزّتش خواری، تلاشش بیهوده و زیاد آن کم و بلندی آن سقوط است. سرمنشأ ناآرامی است، جایگاه ملاقات‌ها و جدایی‌هاست و خانه‌ی جنگ و غارتگری، تبهکاری و هلاکت است.

﴿۱۷۹﴾ به‌درستی که دنیا مانند غولی است که اطاعت‌کنندگان خود را فریب می‌دهد و اجابت‌کنندگان را هلاک می‌کند. سریع از بین می‌رود و بلاها را به دیگران منتقل می‌کند.

﴿۱۸۰﴾ دنیا به همراه خود وفا نمی‌کند و برای کسی که از نعمت‌های آن بهره می‌برد اهل صفا نیست، روزگارش در تغییر است و لذّت‌هایش رو به فناست اما تبعات آن باقی خواهد ماند، پس از دنیا قبل از آنکه از تو برگردانده شود، روی بگردان و قبل از آنکه به آخرت تبدیل شود، خودت آن را به آخرت مبذّل کن.

﴿۱۸۱﴾ چقدر دنیا به مرگ و پیری به جوانی و شک به دودلی نزدیک است.

﴿۱۸۲﴾ وقتی نوح علیه السلام به‌سوی قوم خود برانگیخته شد، دویست و پنجاه سالش بود، نهصد و پنجاه سال در میان قوم خود بود و بعد از طوفان نیز دویست سال زنده بود، هنگامی که ملک‌الموت به سراغ او رفت گفت: «ای نوح علیه السلام، ای بزرگ پیامبران و ای صاحب عمر طولانی و ای کسی که دعایش مستجاب است! دنیا را چگونه دیدی؟» فرمود: «مَثَل مردی که خانه‌ای دارد با دو در که از یکی وارد و از دیگری خارج می‌شود».

﴿الدُّنْيَا التَّحُولُ وَ الزَّوَالُ﴾

﴿١٨٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مُنْتَقِلَةٌ فَإِنَّهُ إِنِ بَقِيَتْ لَكَ لَمْ تَبْقَ لَهَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٣
 ﴿١٨٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُلُّ أَحْوَالِ الدُّنْيَا زَلْزَالٌ وَمِلْكُهَا سَلْبٌ وَانْتِقَالٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤
 ١-٣-٣-٢- التَّنْقُلُ

﴿١٨٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا سَرِيعَةُ التَّحُولِ كَثِيرَةُ التَّنْقُلِ شَدِيدَةُ الْغَدْرِ دَائِمَةُ الْمَكْرِ فَاحْوَالُهَا تَزَلْزَلُ وَنَعِيمُهَا يَتَبَدَّلُ وَرَخَاوُهَا يَتَنَفَّصُ وَلَدَائِمُهَا تَتَنَغَّصُ وَطَالِبُهَا يَذِلُّ وَرَاكِبُهَا يَزِلُّ؛
 غرر الحكم، ص ١٣٤
 ١-٣-٣-٣- دَارُ انْتِقَالٍ

﴿١٨٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ خَبَالٍ وَوَبَالٍ وَزَوَالٍ وَانْتِقَالٍ، لَا تُسَاوِي لَدَائِمُهَا تَغْيِصَهَا، وَلَا يَفِي سُعُودُهَا بُحُوسَهَا وَلَا يَقُومُ صُعُودُهَا بِهُبُوطِهَا؛ غرر الحكم، ص ١٢٨
 ١-٣-٣-٤- النُّقْلَةُ

﴿١٨٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِذَا كَانَتِ النُّقْلَةُ مِنَ الْحَيَاةِ إِلَى الْمَوْتِ ظَاهِرَةً، كَانَتِ الْآخِرَةُ هِيَ دَارَ الْحَيَوَانِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ، وَذَلِكَ أَنَّ الدُّنْيَا نُقْلَةٌ وَالْآخِرَةُ حَيَاةٌ وَمَقَامٌ مِثْلُ ذَلِكَ النَّائِمِ، وَذَلِكَ أَنَّ الْجِسْمَ يَنَامُ وَالرُّوحَ لَا تَنَامُ، وَالْبَدَنُ يَمُوتُ وَالرُّوحُ لَا تَمُوتُ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ
 ١-٣-٣-٥- وَشَيْكَةِ الْإِنْتِقَالِ

﴿١٨٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: لَا تَكُونُوا مِمَّنْ خَدَعْتُهُ الْعَاجِلَةُ وَغَرَّتْهُ الْأُمْنِيَّةُ فَاسْتَهْوَتْهُ الْخُدْعَةُ فَرَكَنَ إِلَى دَارِ سُوءٍ سَرِيعَةِ الزَّوَالِ وَشَيْكَةِ الْإِنْتِقَالِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٥
 ١-٣-٣-٦- دَارُ دُولٍ

﴿١٨٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا دُولٌ فَاطْلُبْ حَظَّكَ مِنْهَا بِأَجْمَلِ الطَّلَبِ؛ وسائل الشريعة، ج ١٧، ص ٤٧

﴿١٩٠﴾ الباقر عليه السلام: الدُّنْيَا دُولٌ فَمَا كَانَ لَكَ فِيهَا أَتَاكَ عَلَى ضَعْفِكَ وَمَا كَانَ مِنْهَا عَلَيْكَ أَتَاكَ وَلَمْ تَمْتَنِعْ مِنْهُ بِقُوَّةٍ ثُمَّ أَتْبَعَ هَذَا الْكَلَامَ بِأَنْ قَالَ مَنْ يَسَّ مِمَّا فَاتَ أَرَاكَ بَدَنَهُ وَمَنْ قَنَعَ بِمَا أُوتِيَ قَرَّتْ عَيْنُهُ؛ روضة الواعظين، ج ٢، ص ٤٤١

﴿دنیای دگرگونی و ازبین رفتن﴾

﴿۱۸۳﴾ دنیا می‌رود و فانی می‌شود. اگر دنیا برای تو ماند، تو برای دنیا نمی‌مانی.

﴿۱۸۴﴾ همه‌ی احوال دنیا در حال تزلزل و دگرگونی است. و دارایی‌های دنیوی سلب شده و

به دیگری منتقل می‌شوند.

۱-۳-۳-۲- جابه‌جاشدن

﴿۱۸۵﴾ دنیا سریع دگرگون می‌شود و بسیار جابه‌جا می‌گردد، مکرهایش شدید و نیرنگ‌هایش دائمی است. روزگارش متزلزل و نعمت‌هایش در حال تبدیل است. آرامش آن کاسته شده و لذت‌های آن منع می‌شوند، طلب‌کننده‌ی دنیا ذلیل می‌شود و سواره‌ی بر مرکب دنیا، خواهد لرزید.

۱-۳-۳-۳- سرای انتقال

﴿۱۸۶﴾ به‌درستی که دنیا جایگاه هلاک و گریبان‌گیری و زوال و جابه‌جایی است، و لذت‌های آن به‌قدر گرفتاری و نکبت آن نیست، نیکی آن به‌قدر نحسی آن و بلندی آن به‌قدر سقوط [در] آن نیست.

۱-۳-۳-۴- محلّ گذر

﴿۱۸۷﴾ وقتی انتقال از زندگی به‌سوی مرگ ظاهر شود، اگر آگاه بودند متوجّه می‌شدند که آخرت، سرای زندگانی خواهد بود؛ زیرا دنیا محلّ گذر و آخرت، سرای زندگی و محلّ اقامت است. و مثال آن، انسان خوابیده است؛ زیرا جسم آدمی می‌خوابد، ولی روح بیدار است. بدن آدمی می‌میرد و روح زنده می‌ماند، خداوند بلندمرتبه می‌فرماید: اگر آگاه بودند متوجّه می‌شدند که آخرت، سرای زندگانی خواهد بود.

۱-۳-۳-۵- سریع منتقل‌شدن

﴿۱۸۸﴾ از آنان نباشید که دنیا فرییشان داده؛ آرزوها مغرورشان کرده؛ غرور به فریادشان

آورده، آنگاه به‌سوی سرای بد و زودگذر میل کرده‌اند.

۱-۳-۳-۶- سرای تحوّل

﴿۱۸۹﴾ دنیا در حال نقل و انتقال است و برای کسی ثابت نیست، اکنون با بهترین وسیله از آن به نفع خود بهره‌برداری کنید.

﴿۱۹۰﴾ دنیا در حال نقل و انتقال است، اگر مال دنیا مقدر باشد با همه‌ی ضعفی که تو داری، به تو خواهد رسید و اگر به ضررت باشد، باز هم به تو می‌رسد؛ تو نمی‌توانی جلوی آن را بگیری... هرکس به خاطر چیزی که از دست داده، مأیوس شد، راحت می‌شود و هرکس قناعت کند دیدگانش روشن می‌شود.

﴿الدُّنْيَا التَّحَوُّلُ وَ الزَّوَالُ﴾

﴿١٩١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ أَنَّ الدُّنْيَا دَارُ دُولٍ فَمَا كَانَ مِنْهَا لَكَ أَتَاكَ عَلَى ضَعْفِكَ وَ مَا كَانَ مِنْهَا عَلَيْكَ لَمْ تَدْفَعْهُ بِقُوَّتِكَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٤٩٨
١-٣-٣-٧- نفسُ تُولَدُ وَ أُخْرَى تَتَلَفُ

﴿١٩٢﴾ الصادق عليه السلام: أَنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَزَلْ وَ لَا تَزَالُ شَجَرَةً تَنْبُتُ وَ أُخْرَى تَسْقُطُ نَفْسُ تُولَدُ وَ أُخْرَى تَتَلَفُ؛ بحار الأنوار، ج ٣، ص ١٥٢
١-٣-٤- السَّحَابُ وَ الْفَيْءُ الزَّائِلُ
١-٣-٤-١- السَّحَابُ

﴿١٩٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا مَتَاعُ أَيَّامٍ قَلِيلٍ ثُمَّ تَزُولُ كَمَا يَزُولُ السَّرَابُ وَ تَقْنَعُ كَمَا يَقْنَعُ السَّحَابُ [وَ تَقْشَعُ كَمَا يَقْشَعُ السَّحَابُ]؛ غرر الحكم، ص ١٣٤
١-٣-٤-٢- الْغَيْمُ

﴿١٩٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَمَا مَثَلُ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي إِلَّا كَمَثَلِ غَيْمٍ عَلَا فَاسْتَعْلَى، ثُمَّ اسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى، ثُمَّ تَمَزَّقَ فَانْجَلَى؛ بحار الأنوار، ج ٢٩، ص ١٤٠
١-٣-٤-٣- الْفَيْءُ الزَّائِلُ

﴿١٩٥﴾ يَا عِيسَى... لَا تَغْتَرَّ بِالصِّحَّةِ وَ لَا تُغْبِطَ نَفْسَكَ فَإِنَّ الدُّنْيَا كَفَى زَائِلٍ وَ مَا أَقْبَلَ مِنْهَا كَمَا أَذْبَرَ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٢٩٨
﴿١٩٦﴾ رَأَيْتُ بَنَى الدُّنْيَا كَأَحْلَامٍ نَائِمٍ وَ كَأَلْفَيْ يَدْنُو ظِلَّهُ ثُمَّ يَقْلِصُ، وَ كُلُّ مُقِيمٍ فِي الْحَيَاةِ وَ عَيْشِهَا، بَلَا شَكٍّ يَوْمًا أَنَّهُ سَوْفَ يَشْخَصُ؛ بلاغات النساء، ص ٨٥
١-٣-٥- الْوَدَاعُ

﴿١٩٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ أَذْبَرَتْ وَ أَذْنَتْ أَهْلَهَا بِوَدَاعٍ... فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَخْرُجُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا مِنَ النَّارِ؛ الغارات، ج ٢، ص ٤٣٥
١-٣-٦- الإِدْبَارُ

﴿١٩٨﴾ الرضا عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَرَحَّلَتْ مُدْبِرَةً وَ إِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ تَرَحَّلَتْ مُقْبِلَةً وَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا بُنُونٌ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣١٤

﴿١٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: آلا إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَنَكَّرَتْ وَ أَذْبَرَتْ وَ أَحْلَوَلَتْ وَ أَذْنَتْ بِوَدَاعٍ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٥١٤

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

«۱۹۱» به درستی که دنیا سرای تحول است، و آنچه که به نفع توست هرچند ناتوان باشی، به تو خواهد رسید و آنچه که به زیان توست، هرچند توانا باشی، نمی توانی آن را دفع کنی.

۱-۳-۳-۷ کسی متولد می شود و کسی دیگر می میرد

«۱۹۲» دنیا همواره و همیشه مانند درختی است که می روید و زمانی دیگر می افتد؛ کسی متولد می شود و کسی دیگر می میرد.

۱-۳-۴ ابر و سایه ی گذرا

۱-۳-۴-۱ ابر

«۱۹۳» به درستی که دنیا متاعی است که بعد از چند روز اندک مانند از بین رفتن سراب، از بین می رود و مانند پراکنده شدن ابرها، پراکنده می گردد.

۱-۳-۴-۲ ابر بزرگ

«۱۹۴» بدانید که دنیای شما در نظر من، مانند ابری است که در هوا برخاسته و پهن و ضخیم گشته [و سپس بدون هیچ بارشی] پراکنده می شود.

۱-۳-۴-۳ سایه ای نابودشونده

«۱۹۵» ای عیسی! به سلامتی خویش مغرور نشو و طوری رفتار نکن که دیگران به تو غبطه خورند چرا که دنیا مانند سایه ای در حال زائل شدن است و آنچه از نعمت های دنیا به انسان روی می آورد، مانند آن هایی است که به او پشت کرده اند.

«۱۹۶» فرزندان دنیا را مانند افرادی می دانم که خواب آشفته می بینند و مانند سایه ی اجسام سر ظهر است که از یک طرف باز می شود و از طرف دیگر جمع می گردد، هرکس که در دنیا و زندگی آن اقامت گزید، لاجرم روزی از آن برخواد خواست.

۱-۳-۵ وداع

«۱۹۷» ای مردم، همانا دنیا پشت نموده و اعلان جدایی به اهل خود داده و آخرت روی آورده و اعلام فرارسیدن کرده است... از دنیا برای فردای خود توشه بگیرید تا بتواند شما را از آتش در امان نگه دارد.

۱-۳-۶ پشت کردن و رفتن

«۱۹۸» دنیا حرکت کرده و به طرف زوال و فنا می رود و آخرت حرکت نموده و به طرف ما می آید. هریک از آنها نیز فرزندان و دلبستگانی دارد.

«۱۹۹» دنیا دگرگون گشته و پشت کرده و رفتنش نزدیک شده و خبر از جدایی می دهد.

﴿الدُّنْيَا التَّحْوُلُ وَ الزَّوَالُ﴾

﴿٢٠٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا تُقْبَلُ إِقْبَالَ الطَّالِبِ وَ تُدْبَرُ إِدْبَارَ الْهَارِبِ وَ تَصِلُ مُوَاصَلَةَ الْمُلُوكِ [الْمُلُوكِ] وَ تَفَارِقُ مُفَارَقَةَ الْعَجُولِ؛ غررالحكم، ص ١٣٤

﴿٢٠١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ دُنْيَاكَ سَتُدْبَرُ عَنْكَ وَ سَتَعُودُ حَسْرَةً عَلَيْكَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٨٤

﴿٢٠٢﴾ لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ إِنَّكَ اسْتَدْبَرْتَ الدُّنْيَا مِنْ يَوْمٍ نَزَلَتْهَا وَ اسْتَقْبَلْتَ الْآخِرَةَ فَأَنْتَ إِلَى دَارٍ تَقْرَبُ مِنْهَا أَقْرَبُ مِنْ دَارٍ تَبَاعَدُ مِنْهَا؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣٨

﴿٢٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِذَا أَقْبَلْتَ الدُّنْيَا أَقْبَلْتُ عَلَى حِمَارٍ قَطُوفٍ وَإِذَا أَدْبَرْتَ أَدْبَرْتُ عَلَى الْبُرَاقِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٩٣

﴿٢٠٤﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: إِنَّ الدُّنْيَا تَوَلَّتْ وَ إِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ أَظَلَّتْ فَاعْمَلْ صَالِحًا جَعَلَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكَ مِنْ خَافِهِ بِالْغَيْبِ وَ يَعْمَلُ لِرِضْوَانِهِ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ الأمالي للمفيد، ص ٣٤٧

﴿٢٠٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَتَيْهَا النَّاسُ إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ أَدْبَرَتْ وَ آذَنْتْ أَهْلَهَا بِوَدَاعٍ... فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا مِنَ النَّارِ؛ الغارات، ج ٢، ص ٤٣٥

﴿٢٠٦﴾ الرسول ﷺ: هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ ارْتَحَلَتْ مُدْبِرَةً وَ هَذِهِ الْآخِرَةُ قَدْ ارْتَحَلَتْ مُقْبِلَةً وَ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا بَنُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٩٠

﴿٢٠٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَالْدُّنْيَا مُتَهَجِّمَةٌ فِي وَجْهِ أَهْلِهَا مُكْفِهَةٌ مُدْبِرَةٌ غَيْرُ مُقْبِلَةٍ؛ الكافي، ج ١، ص ٦٠

١-٣-٦-١- الحيود

﴿٢٠٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَهِيَ الْكُنُودُ الْعُنُودُ وَ الصَّدُودُ الْجَحُودُ وَ الْحَيُودُ الْمَيُودُ حَالُهَا انْتِقَالٌ وَ سُكُونُهَا زَلْزَالٌ وَ عِزُّهَا ذُلٌّ وَ جِدُّهَا هَزَلٌ وَ كَثْرَتُهَا قَلٌّ وَ عُلوُّهَا سُفْلٌ أَهْلُهَا عَلَى سَاقٍ وَ سِيَاقٍ وَ لِحَاقٍ وَ فِرَاقٍ وَ هِيَ دَارُ حَرْبٍ وَ سَلْبٍ وَ نَهْبٍ وَ عَطَبٍ؛ غررالحكم، ص ١٢٧

١-٣-٧-١- التَّوَكُّلُ وَ الْفِرَاقُ

١-٣-٧-١- الْفِرَاقُ

﴿٢٠٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ لَيِّنٌ مَسْهًا قَاتِلٌ سَمُهَا فَاعْرِضْ عَمَّا يُعْجِبُكَ فِيهَا لِقَلَّةِ مَا يَصْحَبُكَ مِنْهَا وَ ضَعْ عَنْكَ هُمُومَهَا لِمَا أَتَقَنَّتْ بِهِ مِنْ فِرَاقِهَا وَ كُنْ أَنْسًا مَا تَكُونُ بِهَا أَحْذَرًا مَا تَكُونُ مِنْهَا فَإِنَّ صَاحِبَهَا كُلَّمَا اطمأنَّ فِيهَا إِلَى سُرُورٍ أَشْخَصَتْهُ عَنْهُ إِلَى مَخْذُورٍ أَوْ إِلَى إِيْنَاسٍ أَرَاثَتْهُ عَنْهُ إِلَى إِيْحَاشٍ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٤٨٤

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

«۲۰۰» به درستی که دنیا چون طلب کنندگان رو می کند و چون گریزان می گریزد، چون پادشاهان می پیوندند و چون شتابزدگان جدا می شود.

«۲۰۱» دنیایت بر تو پشت خواهد کرد و حسرت به سویت خواهد آمد.

«۲۰۲» ای پسر! تو از روزی که به دنیا آمده ای، به دنیا پشت کرده ای و رو به آخرت داری؛ پس نسبت به منزلی که به سوی آن می روی نزدیک تری تا سرایی که از آن دور می شوی.

«۲۰۳» وقتی دنیا به من رو می کند، من سوار الاغ کندرویی می شوم (احتیاط می کنم و آهسته می روم) اما وقتی به من پشت می کند، بر اسب تیزرو سوار می شوم.

«۲۰۴» به درستی که دنیا پشت کرده [و می رود] و آخرت سایه می گستراند [و می آید]، خداوند من و تو را از کسانی قرار دهد که در خلوت خود از او بیمناک هستند و در پنهان و آشکار خود، برای رضای او تلاش می کنند، و خداوند بر هر کاری تواناست.

«۲۰۵» ای مردم، همانا دنیا پشت نموده و اعلان جدایی به اهل خود داده و آخرت روی آورده و اعلام فرارسیدن کرده است... از دنیا برای فردای خود توشه بگیرید تا بتواند شما را از آتش در امان نگه دارد.

«۲۰۶» این دنیا پشت کرده می رود و آخرت رو کرده و می آید و هر کدام از آن ها فرزندی دارند.

«۲۰۷» دنیا بر رخسار مردم عبوس و روی در هم کشیده بود، به آن ها پشت گردانیده و روی خوش نشان نمی داد.

۱-۳-۶-۱- پشت کننده

«۲۰۸» به درستی که دنیا ناسپاس، حق شناس، دشمنی حيله گر، پشت کننده ای سرگردان، حالاتش متزلزل، سکونش متزلزل، و عزتش خواری، تلاشش بیهوده و زیاد آن کم و بلندی آن سقوط است. سرمنشأ ناآرامی است، جایگاه ملاقات ها و جدایی هاست و خانه ی جنگ و غارتگری، تبهکاری و هلاکت است.

۱-۳-۷-۱- ترک کردن و جداشدن

۱-۳-۷-۱- جدایی

«۲۰۹» دنیا همچون ماری است که پوستی نرم و زهری کشنده دارد، پس از جاذبه های فریبنده ی آن روی بگردان، زیرا زمان کوتاهی در آن خواهی ماند و اندوه آن را از سر بیرون کن چراکه یقین به جدایی و دگرگونی حالات آن داری و زمانی که به دنیا خو گرفته ای بیشتر بترس، چراکه دنیا پرست زمانی که به خوشگذرانی اطمینان کرد، زود دنیا او را به تلخ کامی کشاند و هرگاه که به دنیا انس گرفت و آسوده شد، ناگهان به وحشت دچار گشت.

﴿الدُّنْيَا التَّحْوُلُ وَ الزَّوَالُ﴾

﴿٢١٠﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا دَارُ فِرَاقٍ وَ دَارُ التَّوَالٍ لَهَا دَارُ اسْتِوَاءٍ عَلَى أَنْ لِفِرَاقٍ أَلْمَالُوفِ حُرْقَةٍ لَا تُدْفَعُ وَ لَوْعَةٍ لَا تُرَدُّ؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٧٩

﴿٢١١﴾ السَّجَّاد عليه السلام: انْظُرُوا فِي الدُّنْيَا نَظَرَ الزَّاهِدِ الْمَفَارِقِ لَهَا فَإِنَّهَا تُزِيلُ الثَّائِي السَّكِينِ وَ تَفْجَعُ الْمُتَرَفِّفَ الْأَمِينَ لَا يُرْجَى مِنْهَا مَا تَوَلَّى فَادْبَرَ وَ لَا يُدْرَى مَا هُوَ أَتٍ مِنْهَا فَيَنْتَظِرُ وَصِلَ الْبَلَاءُ مِنْهَا بِالرَّخَاءِ وَ الْبَقَاءُ مِنْهَا إِلَى فَنَاءٍ فَسُرُورُهَا مَشُوبٌ بِالْحُزْنِ وَ الْبَقَاءُ فِيهَا إِلَى الضَّعْفِ وَ الْوَهْنِ فَهِيَ كَرَوْضَةٍ اغْتَمَّ مَرْعَاهَا وَ أَعْجَبَتْ مَنْ يَرَاهَا عَذْبُ شَرِبِهَا طَيِّبُ تَرَبُّهَا تَمُجُّ غُرُوقُهَا الثَّرَى وَ تَنْطَفُ فُرُوعُهَا النَّدى حَتَّى إِذَا بَلَغَ الْعُشْبُ إِبَانَهُ وَ اسْتَوَى بَنَانُهُ هَاجَتْ رِيحٌ تَحْتَ الْوَرَقِ وَ تَفَرَّقَ مَا اتَّسَقَ فَأَصْبَحَتْ كَمَا قَالَ اللَّهُ هَشِيمًا تَذَرُوهُ الرِّيحُ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا انْظُرُوا فِي الدُّنْيَا فِي كَثْرَةِ مَا يُعْجِبُكُمْ وَ قَلَّةِ مَا يَنْفَعُكُمْ؛ الكافي، ج ٨، ص ١٧

﴿٢١٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا تُقْبَلُ إِقْبَالَ الطَّالِبِ وَ تُدْبَرُ إِدْبَارَ الْهَارِبِ وَ تَصِلُ مُوَاصَلَةَ الْمُلُوكِ [الْمُلُوكِ] وَ تَفَارِقُ مُفَارَقَةَ الْعَجُولِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤
٢-٧-١٣- الثَّرَكُ

﴿٢١٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَمْرُكُمْ بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةِ لَكُمْ الزَّائِلَةِ عَنْكُمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣١

﴿٢١٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أُوصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ اغْتِنَامِ مَا اسْتَطَعْتُمْ عَمَلًا بِهِ مِنْ طَاعَتِهِ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ وَ بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةِ كُمْ وَ إِنْ لَمْ تَكُونُوا تُحِبُّونَ تَرْكَهَا وَ الْمُثْلِيَّةَ لَكُمْ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٤٢٧
٣-٧-١٣- الْبَائِنُ

﴿٢١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ شُخُوصٍ وَ مَحَلَّةُ تَنْغِيصٍ، سَاكِنُهَا ظَاعِنٌ وَ قَاطِنُهَا بَائِنٌ وَ بَرَقُهَا خَالِبٌ وَ نَظَقُهَا كَاذِبٌ وَ أَمْوَالُهَا مَحْرُوبَةٌ وَ أَعْلَاقُهَا مَسْلُوبَةٌ وَ هِيَ الْمُتَصَدِّقَةُ لِلْعُيُونِ وَ الْجَامِحَةُ الْحُرُونُ وَ الْمَانِيَةُ الْخَثُونُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧
٤-٧-١٣- مُطْلَقَةُ الْأَكْيَاسِ

﴿٢١٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مُطْلَقَةُ الْأَكْيَاسِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

﴿۲۱۰﴾ دنیا محلّ جدایی و جایگاه موقتی است نه منزلگاه همیشگی فراق عزیزان، داغی است که نمی‌توان مانعش شد و سوزی است که جلوی آن را نمی‌توان گرفت.

﴿۲۱۱﴾ به دنیا مانند زاهدان نظر کنید که از آن جدا می‌شود زیرا دنیا اهل خود را از جای برمی‌کند و خوشگذران آسوده‌دل را داغدار می‌کند، آنچه که از دنیا رفته، امیدی به بازگشت آن نیست، و آینده‌ی آن نیز روشن نیست که انتظارش را می‌برند، به آسایش آن بلا و گرفتاری و به بقایش فنا و نیستی بسته است، خوشی آن آمیخته به اندوه و بقای در آن آمیخته به سستی است، دنیا چون بستانی است که چراگاهش حرم و سرسبز است و نظر بیننده را به خود جلب کند، نوشیدنی‌اش گوارا و خاکش خوشبوست، از ریشه‌هایش آب می‌چکد و شاخه‌هایش نمناک می‌باشد تا این گیاه زمانش فرا رسد [و به ثمر برسد] و بندهای آن محکم گردد؛ بادی می‌وزد که برگ‌ها را می‌کند و بندها را از هم می‌گسلد پس چنان می‌شود که خداوند فرموده است: «هَشِيماً تَذْرُوهُ الرِّيحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا»؛ بنگرید در دنیا که چیزهای جالب برای شما بسیار دارد ولی کمتر چیزی از آن به شما سود دهد.

﴿۲۱۲﴾ به‌درستی که دنیا چون طلب‌کنندگان رو می‌کند و چون گریزان می‌گریزد، چون پادشاهان می‌پیوندد و چون شتاب‌زدگان جدا می‌شود.

۱-۳-۷-۲-رهاکردن

﴿۲۱۳﴾ شما را به ترک این دنیایی امر می‌کنم که شما را ترک خواهد کرد و از نزد شما خواهد رفت.

﴿۲۱۴﴾ ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم؛ هرچه می‌توانید از اعمال نیک در این دنیا و در این مدّت زمان باقیمانده انجام دهید، این دنیایی که شما را علیرغم میل شما ترک خواهد کرد، رها کنید که آزمایشی برای شماست

۱-۳-۷-۳-جداشونده

﴿۲۱۵﴾ به‌درستی که دنیا خانه‌ی رفتن است و جایگاه کدورت، ساکن آن رونده است و اقامت‌کننده‌ی آن جداشونده است. و برق آن فریب‌دهنده است و گفته‌ی آن دروغ است. و اموال آن گرفته شده است. و کالاهایش ربوده شده است. آگاه باش و دنیا چون چهارپایی است پرستیز و با جست و خیز و خیانت‌کار.

۱-۳-۷-۴-طلاق داده‌شده‌ی صاحبان عقل

﴿۲۱۶﴾ دنیا مطلقه‌ی صاحبان عقل و کیاست است.

﴿الدُّنْيَا التَّحُولُ وَ الزَّوَالُ﴾

٨-٣-١- الظَّنُّ

٨-٣-٨-١- الظَّنُّ

﴿٢١٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ شُخُوصٍ وَ مَحَلَّةٌ تَنْغِيصُ، سَاكِنُهَا ظَاعِنٌ وَ قَاطِنُهَا بَائِنٌ وَ بَرَقُهَا خَالِبٌ وَ نَطَقُهَا كَاذِبٌ وَ أَمْوَالُهَا مَحْرُوبَةٌ وَ أَعْلَاقُهَا مَسْلُوبَةٌ وَ هِيَ الْمُتَصَدِّيقَةُ لِلْعُيُونِ وَ الْجَامِحَةُ الْخُرُونُ وَ الْمَانِيَةُ الْخَثُونُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

٨-٣-٨-٢- الظَّنُّ

﴿٢١٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الْمَوْتَ لَمَعْقُودٌ بِنَوَاصِيكُمْ وَ الدُّنْيَا تُطْوَى مِنْ خَلْفِكُمْ؛

غرر الحكم، ص ١٦٤

٨-٣-٨-٣- بَيَّتْ لَهُ بَابَانِ

﴿٢١٩﴾ الصادق عليه السلام: اعْتَبِرُوا بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا هَلْ بَقِيَ عَلَى أَحَدٍ أَوْ هَلْ [أَحَدٌ] فِيهَا بَاقٍ مِنَ الشَّرِيفِ وَ الْوَضِيعِ... لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا بَلَاءٌ وَ فِتْنَةٌ وَ مَا نَجَا مَنْ نَجَا إِلَّا بِصِدْقِ الْإِتِّجَاءِ... وَ جَدْتُ الدُّنْيَا كَيْتَبٌ لَهُ بَابَانِ دَخَلْتُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَ خَرَجْتُ مِنَ الْآخَرِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٨٥

٨-٣-٨-٤- لَيْسَتْ بِدَارٍ مُقَامٍ

﴿٢٢٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ اَعْمَلُوا لِلْجَنَّةِ عَمَلَهَا فَإِنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَخْلُقْ لَكُمْ دَارَ مُقَامٍ بَلْ خُلِقَتْ لَكُمْ مَجَازًا لَتَزَوَّدُوا مِنْهَا الْأَعْمَالُ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ فَكُونُوا مِنْهَا عَلَى أَوْفَارٍ وَ قَرَّبُوا الظُّهُورَ لِلزِّيَالِ؛

شرح نهج البلاغة، ج ٨، ص ١٣٢

٨-٣-٨-٥- لَيْسَتْ بِمَحَلٍّ إِقَامَةٍ

﴿٢٢١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ بِدَارٍ قَرَارٍ وَ لَا مَحَلٍّ إِقَامَةٍ إِنَّمَا أَنْتُمْ فِيهَا كَرَكِبٍ عَرَسُوا وَ ارْتَاخُوا ثُمَّ اسْتَقْلُوا فَعَدَوْا وَ رَاخُوا دَخَلُوهَا خِفَافًا وَ ارْتَحَلُوا عَنْهَا ثِقَالًا فَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا نَزْوعًا وَ لَا إِلَى مَا تَرَكُوا بِهَا رُجُوعًا جَدَّ بِهِمْ فَجَدُّوا وَ رَكَنُوا إِلَى الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٨

٨-٣-٨-٦- لَيْسَتْ بِدَارٍ قَرَارٍ

﴿٢٢٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ بِدَارٍ قَرَارٍ وَ لَا مَحَلٍّ إِقَامَةٍ إِنَّمَا أَنْتُمْ فِيهَا كَرَكِبٍ عَرَسُوا وَ ارْتَاخُوا ثُمَّ اسْتَقْلُوا فَعَدَوْا وَ رَاخُوا دَخَلُوهَا خِفَافًا وَ ارْتَحَلُوا عَنْهَا ثِقَالًا فَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

۸-۳-۱- وداع و کوچ

۱-۳-۸-۱- کوچ

«۲۱۷» به درستی که دنیا خانه‌ی رفتن است و جایگاه کدورت، ساکن آن رونده است و اقامت‌کننده‌ی آن جداشونده است. و برق آن فریب‌دهنده است و گفته‌ی آن دروغ است. و اموال آن گرفته شده است. و کالاهایش ربوده شده است. آگاه باش و دنیا چون چهارپایی است پرستیز و با جست و خیز و خیانت‌کار.

۲-۳-۸-۱- در هم پیچیدن

«۲۱۸» به درستی که مرگ به پیشانی‌تان بسته شده است (به شما بسیار نزدیک است و همیشه همراهتان است) و دنیا چون طوماری، از عقب شما پیچیده می‌شود [و جمع می‌گردد].

۳-۳-۸-۱- خانه‌ای با دو درب

«۲۱۹» از گذشته‌ی دنیا عبرت بگیرید. آیا کسی را نگه داشت؟! همه رفتند. و آیا از رئیس و مافوق و زیردست، از ثروتمند و مستمند، از دوست و دشمن کسی باقی ماند؟!... پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «از دنیا جز فتنه و گرفتاری چیزی باقی نمانده است. و کسی جز از طریق پناه با صدق و صفا به خداوند، نجات پیدا نمی‌کند». حضرت نوح علی‌ه السلام فرمود: «دنیا را مانند یک خانه دو دری (در دخول و در خروج) دیدم که از یک در داخل و از در دیگر خارج شدم».

۴-۳-۸-۱- محل استقرار نیست

«۲۲۰» برای رسیدن به بهشت جاویدان رفتاری متناسب با آن انجام دهید، زیرا دنیا برای زندگی همیشگی شما آفریده نشده؛ بلکه گذرگاهی است تا در آن زاد و توشه‌ی آخرت را بردارید. پس با شتاب آماده‌ی کوچ کردن باشید و مرکب‌های راهوار را برای حرکت مهیا کنید.

۵-۳-۸-۱- محل اقامت نیست

«۲۲۱» دنیا دار قرار و محل اقامت نیست، شما در دنیا مانند کاروانی هستید که برای استراحت پیاده شده و تجدید نیرو کرده، بر سر نشاط آمده و سپس کوچ می‌کند. سبک وارد شده سنگین خارج می‌شود. چاره‌ای از جداشدن ندارند و بازگشتی به‌سوی آنچه نهاده‌اند، نمی‌یابند. به کوشش واداشته شدند، کوشش کردند و دل به دنیا بستند. آماده نشدند تا بالآخره نفس آن‌ها را گرفتند و رهسپار خانه‌ای شدند که از بیشتر ساکنان آن خانه‌ها خبر و اثری نیست.

۶-۳-۸-۱- سرای ماندن نیست

«۲۲۲» دنیا دار قرار و محل اقامت نیست، شما در دنیا مانند کاروانی هستید که برای استراحت پیاده شده و تجدید نیرو کرده، بر سر نشاط آمده و سپس کوچ می‌کند. سبک وارد شده

﴿الدُّنْيَا التَّحُولُ وَ الرِّوَالُ﴾

نَزُوعًا وَ لَا إِلَى مَا تَرَكَوْا بِهَا رُجُوعًا جَدَّ بِهِمْ فَجَدُّوْا وَ رَكَنُوا إِلَى الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥.

ص ١٨

٩-٣-١- الرَّحِيلُ

﴿٢٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَاللَّهِ مَا دُنْيَاكُمْ هَذِهِ إِلَّا كَسَفَرٍ عَلَى مَنْهَلٍ حَلُّوْا إِذْ صَاحَ بِهِمْ سَائِقُهُمْ فَارْتَحَلُوا... وَ لَقَدْ رَقَعْتُ مِدْرَعَتِي هَذِهِ حَتَّى اسْتَحْيَيْتُ مِنْ رَاقِعِهَا وَ قَالَ لِي أَقْدِفْ بِهَا قَدْفَ الْأُتُنِ لَا يَرْتَضِيهَا لِيَرَفَعَهَا فَقُلْتُ لَهُ اغْزُبْ عَنِّي فَعِنْدَ الصَّبَاحِ يَحْمَدُ الْقَوْمُ السُّرَى وَ تَنْجَلِي عَنَّا غَلَّالَاتُ الْكُرَى؛ مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٢٧١

﴿٢٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ الدُّنْيَا دَارُ مَضَى لَهَا الْفَنَاءُ وَ لِأَهْلِهَا مِنْهَا الْجَلَاءُ وَ هِيَ حُلُوءٌ خَصِرَةٌ قَدْ عَجَلَتْ لِلطَّالِبِ وَ التَّبَسَّتْ بِقَلْبِ النَّاطِرِ فَارْتَحَلُوا عَنْهَا بِأَحْسَنِ مَا بِحَضْرَتِكُمْ مِنَ الزَّادِ وَ لَا تَسْأَلُوا فِيهَا فَوْقَ الْكَفَافِ وَ لَا تَطْلُبُوا مِنْهَا أَكْثَرَ مِنَ الْبَلَاغِ؛ روضة الواعظين، ج ٢، ص ٤٤٠

﴿٢٢٥﴾ الرسول ﷺ: ابْنِ آدَمَ جَعَلْتُ لَكُمْ الدُّنْيَا دَلَالًا عَلَى الْآخِرَةِ... أَ حَسِبْتُمْ أَنِّي خَلَقْتُكُمْ عَبَثًا إِنِّي إِنَّمَا جَعَلْتُ الدُّنْيَا رَدِيفَ الْآخِرَةِ فَسَدُّوْا وَ قَارِبُوا وَ اذْكُرُوا رَحْلَةَ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٩

﴿٢٢٦﴾ السَّجَادُ عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ ارْتَحَلَتْ مُدْبِرَةً وَ إِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ ارْتَحَلَتْ مُقْبِلَةً وَ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا بُنُونٌ فَكُونُوا مِنْ أَتْبَاءِ الْآخِرَةِ وَ لَا تَكُونُوا مِنْ أَتْبَاءِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٤٣

﴿٢٢٧﴾ الصادق عليه السلام: فَأَنْزَلَ الدُّنْيَا كَمَنْزِلِ نَزْلَتِهِ فَارْتَحَلَتْ عَنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٦٢

﴿٢٢٨﴾ الكاظم عليه السلام: كُنْ فِي الدُّنْيَا كَسَاكِنٍ دَارٍ لَيْسَتْ لَهُ إِنَّمَا يَنْتَظِرُ الرَّحِيلُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣١١

﴿٢٢٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَعَاشِرَ شَيْعَتِي احْذَرُوا فَقَدْ عَضَّتْكُمْ الدُّنْيَا بِأَنْيَابِهَا تَخْطِفُ مِنْكُمْ نَفْسًا بَعْدَ نَفْسٍ كَذَنَابِهَا وَ هَذِهِ مَطَايَا الرَّحِيلِ قَدْ أُتِيخَتْ لِرُكَابِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٣٤٥

١٠-٣-١- الْجَلَاءُ

١-١٠-٣- الْجَلَاءُ

﴿٢٣٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا دَارُ كَتَبَ اللَّهُ لَهَا الْفَنَاءَ وَ لِأَهْلِهَا مِنْهَا الْجَلَاءُ؛

من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٥١٤

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

سنگین خارج می‌شود. چاره‌ای از جداشتن ندارند و بازگشتی به‌سوی آنچه نهاده‌اند، نمی‌یابند. به کوشش واداشته شدند، کوشش کردند و دل به دنیا بستند. آماده نشدند تا بالاخره نفس آن‌ها را گرفتند و رهسپار خانه‌ای شدند که از بیشتر ساکنان آن خانه‌ها خبر و اثری نیست.

۹-۳-۱- کوچ

«۲۲۳» به خدا قسم! دنیای شما در نزد من مانند منزلگاه مسافران است که بر سر آب فرود آمده‌اند و هنگامی که قافله‌سالار بر آن‌ها بانگ زند، باید کوچ کنند... من این پیراهن خود را آنقدر وصله زدم که از وصله‌کن آن شرم کردم. در آخر به من گفت: «آن را چون سنگ سوخته به دور انداز». و از وصله‌زدن کراحت داشت. گفتم: «از من دور شو! هنگام صبح مردمی که در شب سیر کرده‌اند و راه و مسافت را پیموده‌اند، مورد ستایش قرار می‌گیرند. و رنج خواب از من برطرف می‌شود».

«۲۲۴» دنیا سرایی است که پایان آن فنا و اهلش از آن کوچ می‌کنند. و دنیا شیرین و خرم به‌سوی خواهان خود می‌شتابد و در دل بیننده‌ی خود منزل می‌کند پس از این دنیا با بهترین توشه‌ای که فراهم نموده‌اید کوچ کنید و از دنیا بیش از نیاز خود نخواهید و بیش از حد کفاف از آن طلب نکنید.

«۲۲۵» ای پسر آدم! دنیا را برای شما، راهنمایی بر آخرت قرار دادم... گمان می‌کنید شما را عبت آفریدم؟ من همانا دنیا را در ردیف آخرت قرار دادم. پس صبر کنید و به من نزدیک شوید و زمان کوچ از دنیا را به یاد آورید.

«۲۲۶» دنیا پشت کرده و می‌رود و آخرت رو کرده و می‌آید و هرکدام از آن‌ها فرزندان دارند. پس شما از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید.

«۲۲۷» در این سرا چنان بار پهن کن که گویا از آن سرزمین در کوچ هستی.

«۲۲۸» در سرای دنیا همچون کسی که خانه از آن او نیست و فقط چشم به راه کوچ است،

«۲۲۹» ای شیعیانم! بر حذر باشید که دنیا شما را با دندان‌های نیشدار خود گاز گرفته و همچون گرگ‌هایش شما را به نوبت شکار می‌کند. این‌ها مرکب‌های کوچ هستند که برای مسافران پهلوی گرفته‌اند.

۱۰-۳-۱- کوچ کردن

۱-۱۰-۳- کوچ کردن

«۲۳۰» دنیا سرایی است که فانی‌بودن آن قطعی است و بر اهلش کوچ کردن از آن مقدّر شده است.

﴿الدُّنْيَا التَّحَوُّلُ وَ الزَّوَالُ﴾

﴿٢٣١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ الدُّنْيَا دَارُ مَضَى لَهَا الْفَنَاءُ وَ لِأَهْلِهَا مِنْهَا الْجَلَاءُ وَ هِيَ حُلُوءٌ خَضِرَةٌ قَدْ عَجَّلَتْ لِلطَّالِبِ وَ التَّيَسُّتِ بَقْلَبِ النَّاطِرِ فَارْتَحِلُوا عَنْهَا بِأَحْسَنِ مَا بِحَضْرَتِكُمْ مِنَ الزَّادِ وَ لَا تَسْأَلُوا فِيهَا فَوْقَ الْكَفَافِ وَ لَا تَطْلُبُوا مِنْهَا أَكْثَرَ مِنَ الْبَلَاغِ؛ روضة الواعظين، ج ٢، ص ٤٤٠

﴿٢٣٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ رَضِيَ اللَّهُ لِأَهْلِهَا الْفَنَاءَ وَ قَدَّرَ عَلَيْهِمْ مِنْهَا الْجَلَاءَ وَ كُلُّ مَا فِيهَا نَافِدٌ وَ كُلُّ مَنْ يَسْكُنُهَا بَائِدٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ١٥٦
١٠-١-١٠-٢-١-٣- دَارُ شُخُوصٍ

﴿٢٣٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ شُخُوصٍ وَ مَحَلَّةٌ تَنْغِيصُ، سَاكِنُهَا طَاعِنٌ وَ قَاطِنُهَا بَائِنٌ وَ بَرَقُهَا خَالِبٌ وَ نَطَقُهَا كَاذِبٌ وَ أَمْوَالُهَا مَحْرُوبَةٌ وَ أَغْلَاقُهَا مَسْلُوبَةٌ وَ هِيَ الْمُتَصَدِّقَةُ لِلْعُيُونِ وَ الْجَامِحَةُ الْحُرُونَ وَ الْمَانِيَةُ الْخُنُونُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧
١١-٣-١- الرِّكْبُ وَ رَاجِعُ الرِّحِيلِ وَ السَّفَرِ

﴿٢٣٤﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: وَ هُوَ الْقَائِلُ مَا لِي وَ لِلدُّنْيَا إِنَّمَا مَتْلَى وَ الدُّنْيَا كَرَائِبٍ أَذْرَكَهُ الْمَقِيلُ فِي أَصْلِ شَجَرَةٍ فَقَالَ فِي ظِلِّهَا سَاعَةٌ وَ مَضَى؛ بحار الأنوار، ج ١٦، ص ١١٦
﴿٢٣٥﴾ الرسول ﷺ: مَا لِي وَ لِلدُّنْيَا وَ مَا أَنَا وَ الدُّنْيَا إِلَّا كَرَائِبٍ اسْتَظَلَّ تَحْتَ شَجَرَةٍ ثُمَّ رَاحَ أَوْ تَرَكَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٦٨

﴿٢٣٦﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ دَخَلَ عَلَيْهِ عُمَرُ وَ هُوَ عَلَى حَصِيرٍ قَدْ أَثَرَفَ فِي جَنَّتَيْهِ فَقَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ لَوْ اتَّخَذْتَ فِرَاشًا فَقَالَ مَا لِي وَ لِلدُّنْيَا مَا مَتْلَى وَ مَثَلُ الدُّنْيَا إِلَّا كَرَائِبٍ سَارَ فِي يَوْمٍ صَائِفٍ فَاسْتَظَلَّ تَحْتَ شَجَرَةٍ سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ ثُمَّ رَاحَ وَ تَرَكَهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٦، ص ٢٣٩
﴿٢٣٧﴾ الرسول ﷺ: مَا لِي وَ لِلدُّنْيَا إِنَّمَا مَتْلَى وَ مَثَلُهَا كَمَثَلِ الرَّائِبِ رُفِعَتْ لَهُ شَجَرَةٌ فِي يَوْمٍ صَائِفٍ فَقَالَ تَحْتَهَا ثُمَّ رَاحَ وَ تَرَكَهَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٤
١٢-٣-١- دَارُ مَجَازٍ

﴿٢٣٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارُ مَجَازٍ وَ الْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّكُمْ لِمَقَرِّكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣٤

﴿٢٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَمْ تُخْلَقْ لَكُمْ دَارَ مَقَامٍ [وَ لَا مَحَلَّ قَرَارٍ] وَ إِنَّمَا جُعِلَتْ لَكُمْ مَجَازًا لِتَزَوَّدُوا مِنْهَا الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ لِدَارِ الْقَرَارِ فَكُونُوا مِنْهَا عَلَى أَوْفَازٍ وَ لَا تَخْدَعَنَّكُمْ مِنْهَا الْعَاجِلَةُ وَ لَا يَغُرَّنَّكُمْ فِيهَا الْفِتْنَةُ؛ غرر الحكم، ص ١٤٩

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

﴿۲۳۱﴾ دنیا سرایی است که پایان آن فنا و اهلش از آن کوچ می‌کنند. و دنیا شیرین و خرم به‌سوی خواهان خود می‌شتابد و در دل بیننده‌ی خود منزل می‌کند پس از این دنیا با بهترین توشه‌ای که فراهم نموده‌اید کوچ کنید و از دنیا بیش از نیاز خود نخواهید و بیش از حد کفاف از آن طلب نکنید. ﴿۲۳۲﴾ دنیا سرایی است که خداوند برای اهل آن فنا را رقم زده، و کوچ کردن از آن را برایشان مقرر فرموده است. پس هرچه در آن است نابودشدنی و هرکس در آن سکونت کند فناپذیر است.

۱۰-۳-۱-۲ سرای رفتن

﴿۲۳۳﴾ به‌درستی که دنیا خانه‌ی رفتن است و جایگاه کدورت، ساکن آن رونده است و اقامت‌کننده‌ی آن جداشونده است. و برق آن فریب‌دهنده است و گفته‌ی آن دروغ است. و اموال آن گرفته شده است. و کالاهایش ربوده شده است. آگاه باش و دنیا چون چهارپایی است پرستیز و با جست و خیز و خیانت‌کار.

۱۱-۳-۱-۱ حرکت، سیر و ربه: کوچ و سفر

﴿۲۳۴﴾ [پیامبر ﷺ] پیوسته می‌فرمود: «مرا با دنیا چه کار؟ مَثَل من و دنیا همچون اسب‌سواری است که به استراحتگاه کنار درختی رسیده است، ساعتی در سایه‌ی آن درخت می‌آرامد و به راه می‌افتد».

﴿۲۳۵﴾ مرا با دنیا چه کار؟! مَثَل من و دنیا، مَثَل سواره‌ای است که زیر سایه‌ی درختی [استراحت کند] و سپس برود و آن درخت را جا بگذارد.

﴿۲۳۶﴾ عمر بن خطاب نزد رسول خدا ﷺ آمد درحالی که ایشان بر روی حصیری نشسته بود که بر پهلوی ایشان نیز آثارش نمایان بود، عمر به پیامبر ﷺ عرض کرد: «ای نبی خدا چرا فرشی برای خود تهیه نمی‌کنی؟» پیامبر ﷺ فرمود: «مرا با دنیا چه کار؟! مَثَل من و دنیا حکایت سواره‌ای است که در دل یک روز گرم و سوزان ساعتی در سایه‌ی درختی می‌نشیند و سپس آن را ترک می‌کند».

﴿۲۳۷﴾ مرا با دنیا چه کار؟! مَثَل من و دنیا مانند شخص سواره‌ای است که در روز گرمی درختی برایش به‌پا شده و او در زیر آن درخت خواب قیلوله‌ی (کوتاهی) نموده، سپس کوچ کرده و درخت را وا گذاشته است.

۱۲-۳-۱-۱ گذرگاه

﴿۲۳۸﴾ ای مردم! دنیا محلّ گذر و آخرت محلّ استقرار است. پس از گذرگاه خود برای جایگاه خود توشه بردارید.

﴿۲۳۹﴾ به‌درستی که دنیا برای شما خانه‌ی اقامت و جایگاه قرار خلق نشده، بلکه گذرگاهی است که شما باید از آن اعمال صالح را برای سرای قرار توشه بردارید. پس در این جهان شتابان به کار بپردازید و [لذت‌های] زودگذر آن شما را فریب ندهد و فتنه‌های آن شما را مغرور نگرداند.

﴿۱۹۳﴾

﴿الدُّنْيَا التَّحُولُ وَ الزَّوَالُ﴾

﴿٢٤٠﴾ جبرئيل عليه السلام: أَنَّ جَبْرَائِيلَ قَالَ لِنُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَطُولَ الْأَنْبِيَاءِ عُمرًا كَيْفَ وَجَدْتَ الدُّنْيَا قَالَ كَدَارَ لَهَا بَابَانِ دَخَلْتُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَخَرَجْتُ مِنَ الْآخَرِ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣١

١٣-٣-١- المعبرة و القنطرة

١٣-٣-١- السفر

﴿٢٤١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَاللَّهِ مَا دُنْيَاكُمْ هَذِهِ إِنَّمَا كَسَفَرٌ عَلَى مَنْهَلٍ حُلُوا إِذْ صَاحَ بِهِمْ سَائِقُهُمْ فَأَرْتَحَلُوا... وَلَقَدْ رَفَعْتُ مِذْرَعَتِي هَذِهِ حَتَّى اسْتَحْيَيْتُ مِنْ رَاقِعِهَا وَقَالَ لِي أَفْذِفْ بِهَا قَذْفَ الْأَتَنِ لَا يَرْتَضِيهَا لِيرْقِعَهَا فَقُلْتُ لَهُ اغْزُبْ عَنِّي فَعِنْدَ الصَّبَاحِ يَحْمَدُ الْقَوْمُ السُّرَى وَتَنْجَلِي عَنَّا غَلَالَاتُ الْكُرَى؛ مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٢٧١

١٣-٣-٢- القنطرة

﴿٢٤٢﴾ الصادق عليه السلام: وَلَا تَكُنْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ شَاةٍ وَقَعَتْ فِي زَرْعٍ أَخْضَرَ فَأَكَلَتْ حَتَّى سَمِنَتْ فَكَانَ حَقُّهَا عِنْدَ سِمَنِهَا وَلَكِنْ اجْعَلِ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ قَنْطَرَةٍ عَلَى نَهَرٍ جُرَّتْ عَلَيْهَا وَتَرَكْتَهَا وَلَمْ تَرْجِعْ إِلَيْهَا آخِرَ الدَّهْرِ أَخْرِبْهَا وَلَا تَعْمُرْهَا فَإِنَّكَ لَمْ تُؤْمَرْ بِعِمَارَتِهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٤٢٥

﴿٢٤٣﴾ السَّجَّاد عليه السلام: قَالَ الْمَسِيحُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْحَوَارِيِّينَ: إِنَّمَا الدُّنْيَا قَنْطَرَةٌ فَاعْبُرُوهَا وَلَا تَعْمُرُوهَا؛

بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٩٢

١٣-٣-٣- الممر

﴿٢٤٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُلَّمَا لَا يَنْفَعُ شَيْءٌ يَضُرُّ وَالدُّنْيَا مَعَ حَلَاوَتِهَا تَمُرُّ وَالْفَقْرُ مَعَ الْغِنَى

بِاللَّهِ لَا يَضُرُّ؛ غرر الحكم، ص ١٩٦

﴿٢٤٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا تَغُرُّ وَتَضُرُّ وَتَمُرُّ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

١٣-٣-٤- دار ممر

﴿٢٤٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍّ وَالْآخِرَةُ دَارُ مُسْتَقَرٍّ فَخُذُوا مِنْ

مَمَرِّكُمْ لِمُسْتَقَرِّكُمْ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٩

﴿٢٤٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍّ وَالْآخِرَةُ دَارُ مَقَرٍّ فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّكُمْ لِمَقَرِّكُمْ؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦٧

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

﴿۲۴۰﴾ جبرئیل به حضرت نوح علیه السلام گفت: «ای پیامبری که از همه پیامبران عمر بیشتری کردی، دنیا را چگونه دیدی؟» فرمود: «همچون خانه‌ای که دو در دارد، از دری وارد و از دری خارج شدم».

۱۳-۳-۱- گذرگاه، پل

۱-۱۳-۳-۱- منزلگاه موقت مسافران

﴿۲۴۱﴾ به خدا قسم! دنیای شما در نزد من مانند منزلگاه مسافران است که بر سر آب فرود آمده‌اند و هنگامی که قافله سالار بر آن‌ها بانگ زند، باید کوچ کنند... من این پیراهن خود را آنقدر وصله زدم که از وصله کن آن شرم کردم. در آخر به من گفت: «آن را چون سنگ سوخته به دور انداز». و از وصله زدن کراهت داشت. گفتیم: «از من دور شو! هنگام صبح مردمی که در شب سیر کرده‌اند و راه و مسافت را پیموده‌اند، مورد ستایش قرار می‌گیرند. و رنج خواب از من برطرف می‌شود».

۲-۱۳-۳-۱- پل

﴿۲۴۲﴾ در این دنیا همچون گوسفندی نباش که در کشتزار سبزی قرار گرفته و خورده تا چاق گردیده است. پس کشتش به خاطر چاق شدن اوست. ولی دنیا را همچون پلی بدان که بر روی رودخانه‌ای قرار گرفته که در حال عبور از آن هستی و آن را ترک می‌کنی و تا آخر روزگار دیگر به آن باز نمی‌گرددی. آن را خراب کن ولی آباد نکن که تو به آباد کردن آن دستور داده نشده‌ای... و بر آنچه از دنیا بر تو گذشته ناامید نباش. پس بهره‌ی اندک دنیا پایدار نمی‌ماند.

﴿۲۴۳﴾ عیسی علیه السلام به حواریون فرمود: «دنیا مانند پلی است؛ از آن بگذرید و آبادش نکنید».

۳-۱۳-۳-۱- گذرگاه

﴿۲۴۴﴾ هرآنچه سود نرساند، مضر است و دنیا با شیرینی آن تلخ می‌شود اما فقر وقتی همراه بی‌نیازی الهی [در قلب انسان] باشد، هیچ ضرری نمی‌زند.

﴿۲۴۵﴾ دنیا فریب می‌دهد، زیان می‌رساند و می‌گذرد و بقایی ندارد.

۴-۱۳-۳-۱- خانه‌ی عبور

﴿۲۴۶﴾ ای مردم! دنیا خانه عبور است و آخرت خانه قرار و سکون. از گذرگاه برای محل

استقرار خود توشه بردارید

﴿۲۴۷﴾ دنیا خانه‌ای در گذرگاه ولی آخرت جایگاه پایدار است. از گذرگاه خود برای قرارگاه

خود توشه بردارید!

﴿الدُّنْيَا التَّحَوُّلُ وَ الزَّوَالُ﴾

﴿٢٤٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍّ إِلَى دَارٍ مَقَرٍّ وَ النَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ رَجُلٌ بَاعَ نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا وَ رَجُلٌ أَتْبَعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣٠
١٣-١٣-١- دَارُ التَّوَاءِ

﴿٢٤٩﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا دَارُ فِرَاقٍ وَ دَارُ التَّوَاءِ لَهَا دَارُ اسْتِوَاءٍ عَلَى أَنْ لِفِرَاقٍ الْمَأْلُوفِ حُرْقَةٌ لَا تُدْفَعُ وَ لَوْعَةٌ لَا تُرَدُّ؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٧٩
١٣-١٣-١- الْمَعْبَرُ

﴿٢٥٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مَعْبَرَةٌ الْآخِرَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٧
﴿٢٥١﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ اخْضَعْ عَنِّي مَا أُوصِيكَ بِهِ تَكُنْ سَعِيداً فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ... يَا أَبَا ذَرٍّ كُنْ كَأَنَّكَ فِي الدُّنْيَا غَرِيبٌ أَوْ كَعَابِرِ سَبِيلٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٧٥
١٣-١٣-١- السَّلْبُ

﴿٢٥٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا ظِلُّ الْغَمَامِ وَ حُلْمُ الْمَنَامِ وَ الْفَرَحُ الْمَوْصُولُ بِالْغَمِّ وَ الْعَسَلُ الْمَشُوبُ بِالسَّمِّ، سَلَابَةُ النِّعَمِ أَكَالَةُ الْأَمَمِ جَلَابَةُ النِّقَمِ؛ غرر الحكم، ص ١٢٨
﴿٢٥٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: جُودُ الدُّنْيَا فَنَاءٌ وَ رَاحَتُهَا عَنَاءٌ وَ سَلَامَتُهَا عَطَبٌ وَ مَوَاهِبُهَا سَلْبٌ؛ غرر الحكم، ص ١٢٨

﴿٢٥٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُلُّ أَحْوَالِ الدُّنْيَا زَلْزَالٌ وَ مِلْكُهَا سَلْبٌ وَ انْتِقَالٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤
﴿٢٥٥﴾ عيسى عليه السلام: فَمَا ذَا يُغْنِي عَنْ الْمَيِّتِ طِيبُ رِيحِ حُطُوطِهِ وَ بَيَاضُ أَكْفَانِهِ وَ كُلُّ ذَلِكَ يَكُونُ فِي التُّرَابِ كَذَلِكَ لَا يُغْنِي عَنْكُمْ بَهْجَةُ دُنْيَاكُمْ الَّتِي زَيْنَتْ لَكُمْ وَ كُلُّ ذَلِكَ إِلَى سَلْبٍ وَ زَوَالٍ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٠٧

﴿٢٥٦﴾ الرسول ﷺ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: إِنِّي جَعَلْتُ الدُّنْيَا بَيْنَ عِبَادِي قَرْضًا فَمَنْ أَقْرِضَنِي مِنْهَا قَرْضًا أَغْطَيْتُهُ بِكُلِّ وَاحِدَةٍ عَشْرًا إِلَى سَبْعِمِائَةٍ ضِعْفٍ وَ مَا شِئْتُ مِنْ ذَلِكَ وَ مَنْ لَمْ يَقْرِضْنِي مِنْهَا قَرْضًا فَأَخَذْتُ مِنْهُ شَيْئًا قَسْرًا؛ الكافي، ج ٢، ص ٩٢
١٥-١٣-١- الإِرْتِجَاعُ

﴿٢٥٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَسْبَابُ الدُّنْيَا مُنْقَطِعَةٌ وَ عَوَارِيهَا مُرْتَجِعَةٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤
﴿٢٥٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اتَّقُوا غُرُورَ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا تَسْتَرْجِعُ [تترجع] أَبَدًا مَا خَدَعَتْ بِهِ مِنْ الْمَحَاسِنِ وَ تَرْجِعُ الْمُطْمَئِنِّ إِلَيْهَا وَ الْقَاطِنِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥
﴿١٩٦﴾

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

﴿۲۴۸﴾ دنیا خانه‌ای است که باید از آن عبور کرد و در جایی دیگر مستقر شد، مردم در دنیا دو نفر بیش نیستند، مردی که خود را فروخت و هلاک ساخت و مردی که جانش را خرید و آزاد نمود.

۱-۳-۱۳-۵- جایگاه موقت

﴿۲۴۹﴾ دنیا محلّ جدایی و جایگاه موقّتی است نه منزلگاه همیشگی فراق عزیزان، داغی است که نمی‌توان مانعش شد و سوزی است که جلوی آن را نمی‌توان گرفت.

۱-۳-۱۳-۶- گذرگاه

﴿۲۵۰﴾ دنیا گذرگاه آخرت است.

﴿۲۵۱﴾ ای ابوذر! وصیّت مرا حفظ و عمل کن تا در دنیا و آخرت سعادتمند باشی... و ای ابوذر! در دنیا چون غریبان یا رهگذران باش.

۱-۳-۱۴- بازپس‌گیری

﴿۲۵۲﴾ به‌درستی که دنیا چون سایه‌ی ابرها و رؤیایی در خواب است [که زود می‌گذرند]، شادی آن به غصّه متّصل و عسل آن آغشته به سمّ است، نعمت‌ها را سلب می‌کند و اَمّت‌های گوناگون را در خود می‌بلعد و گرفتاری و نعمت را به خود جذب می‌کند.

﴿۲۵۳﴾ بخشندگی دنیا نیستی و آسایش آن رنج و سلامتی آن هلاکت و بخشش‌های آن سلب‌شونده است.

﴿۲۵۴﴾ همه‌ی احوال دنیا در حال تزلزل و دگرگونی است. و دارایی‌های دنیوی سلب شده و به دیگری منتقل می‌شوند.

﴿۲۵۵﴾ بوی مطبوع کافور و سفیدی کفن چه سودی به شخص مرده می‌رساند، حال آنکه همه در خاک می‌باشند؛ به همین ترتیب زیبایی و بهجت دنیایی که برای شما زینت داده شده هیچ سودی به شما نمی‌رساند، چراکه رو به زوال است و پس گرفته می‌شود.

﴿۲۵۶﴾ خدای عزّ و جلّ می‌فرماید: «من دنیا را مانند قرضی به بندگان دادم که اگر از آن قرض، بخشی را به من بدهند، به ازای هر واحد آن بین ده تا هفت‌صد برابر و هرچه که بخواهم به او می‌دهم. امّا اگر کسی به من قرض ندهد، به زور از او خواهم گرفت».

۱-۳-۱۵- پس‌گرفته‌شدن

﴿۲۵۷﴾ اسباب دنیا بریده‌شده و منقطع است و عاریه‌های آن باز می‌گردند.

﴿۲۵۸﴾ از فریب دنیا بپرهیزید؛ زیرا دنیا همواره خوبی‌های فریبنده‌ی خود را پس می‌گیرد و کسی را که به آن دل‌بسته و در آن جا خوش کرده است، بیرون می‌راند.

﴿الدُّنْيَا التَّحْوُلُ وَ الزَّوَالُ﴾

١٦-٣-١- الأمد و النفاذ

١٦-٣-١-١- الأمد

﴿٢٥٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا أَمَدٌ آخِرَةٌ أَبَدٌ؛ غررالحكم، ص ١٣٤

١٦-٣-١-٢- النفاذ

﴿٢٦٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا لَكُمْ وَ الدُّنْيَا فَمَتَاعُهَا إِلَى انْقِطَاعٍ وَ فُخْرُهَا إِلَى وَبَالٍ وَ زِينَتُهَا إِلَى زَوَالٍ وَ نَعِيمُهَا إِلَى بُؤْسٍ وَ صِحَّتُهَا إِلَى سَقَمٍ أَوْ هَرَمٍ وَ مَالٌ مَا فِيهَا إِلَى نَفَادٍ وَ شَبَابٌ قَرِيبٌ كُلُّ مُدَّةٍ فِيهَا إِلَى مُنْتَهَى وَ كُلُّ حَيٍّ فِيهَا إِلَى مُقَارَنَةِ الْبَلَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٩

﴿٢٦١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ رَضِيَ اللَّهُ لَأَهْلِهَا الْفَنَاءِ وَ قَدَّرَ عَلَيْهِمْ مِنْهَا الْجَلَاءَ وَ

كُلُّ مَا فِيهَا نَافِذٌ وَ كُلُّ مَنْ يَسْكُنُهَا بَائِدٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ١٥٦

﴿٢٦٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنِّي أَحَذَّرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا حُلُوءَةٌ خَضِرَةٌ حَفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ وَ تَحَبَّبَتْ بِالْعَاجِلَةِ وَ عُمِّرَتْ بِالْآمَالِ وَ تَزَيَّنَتْ بِالْغُرُورِ لَا تَدُومُ حَبْرَتُهَا وَ لَا تُوَمِّنُ فِجْعَتُهَا غَرَارَةٌ ضَرَارَةٌ زَائِلَةٌ نَافِذَةٌ أَكَالَةُ غَوَالَةٍ لَا تَعْدُو إِذَا هِيَ تَنَاهَتْ إِلَى أُمْنِيَّةِ أَهْلِ الرِّغْبَةِ فِيهَا وَ الرِّضَا؛ تحف العقول،

ص ١٨٠

﴿٢٦٣﴾ الرسول ﷺ: إِنَّمَا هُوَ خَيْرٌ يُرْجَى أَوْ شَرٌّ يُتَّقَى أَوْ بَاطِلٌ عَرَفَ فَاجْتَنَبَ أَوْ حَقٌّ يَتَعَيَّنُ فَطَلَبَ وَ آخِرَةٌ أَظْلَمَ إِقْبَالُهَا فَسَعَى لَهَا وَ دُنْيَا عَرَفَ نَفَادَهَا فَأَعْرَضَ عَنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤،

ص ١٨٤

١٦-٣-١-٣- الإنتهاء

﴿٢٦٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُلُّ مُدَّةٍ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى انْتِهَاءٍ وَ كُلُّ حَيٍّ فِيهَا إِلَى مَمَاتٍ وَ فَنَاءٍ؛

غررالحكم، ص ١٣٣

١٦-٣-١-١٧- الأجل، العاجلة، الساعة

١٦-٣-١-١٧-١- أَجَلٌ مَحْدُودٌ

﴿٢٦٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا يَغُرَّنْكَ مَا أَصْبَحَ فِيهِ أَهْلُ الْغُرُورِ بِالدُّنْيَا فَإِنَّمَا هُوَ ظِلٌّ مَمْدُودٌ

إِلَى أَجَلٍ مَحْدُودٍ؛ غررالحكم، ص ٣٦٧

١٦-٣-١-١٧-٢- أَجَلٌ حَاضِرٌ

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

۱۶-۳-۱- پایان و پایان پذیر

۱-۳-۱۶-۱- پایان پذیر

«۲۵۹» دنیا پایان پذیر و آخرت بی پایان است.

۲-۳-۱۶-۱- پایان

«۲۶۰» شما را با دنیا چه کار؟! متاع آن نابودشدنی و افتخار به آن ننگ است و زینت دنیا زوال پذیر و نعمتش همراه با گرفتاری و صحت آن هم آغوش با درد و پیری است؛ و برگشت آن به سوی پایان سریع و فزاینده است. هر چیزی زمان محدودی دارد و هر زنده ای به گرفتاری ها تحویل می شود.

«۲۶۱» دنیا سرایی است که خداوند برای اهل آن فنا را رقم زده، و کوچ کردن از آن را برایشان مقرر فرموده است. پس هر چه در آن است نابودشدنی و هر کس در آن سکونت کند فناپذیر است.

«۲۶۲» من شما را از دنیا بر حذر می دارم؛ زیرا در کام انسان شیرین است و در دیده سبز و خرم و در هاله ای از خواهش های نفسانی قرار گرفته است و به جهت نقدبودنش دلپذیر و چشم نواز و پر از آرزوهای دراز و دارای آرایش فریب دهنده است؛ ولی شادی آن گذراست و از آسایش امانی نیست؛ بسیار فریبنده، زیان رساننده، زوال یابنده، پایان پذیر، شکمبار و مرگبار است؛ اگر شیفتگان و خشنودان خود را به آرزویی برسانند، و با خواهش های آنان دم ساز شود، می فهمند که جز سرابی بیش نیست.

«۲۶۳» عبدالله بن عمر گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمود: «همانا آن خوبی ای است که به آن امید می رود، یا شری است که از آن پرهیز می شود، یا باطلی است که شناخته می شود؛ پس از آن دوری کن. یا حق مسلم است؛ پس آن را جستجو کن. و آخرتی است که رو آوردنش سایه افکنده؛ پس به سویش کوشش کن. و دنیا نابودیش شناخته شده؛ پس از آن دوری کن».

۳-۳-۱۶-۱- انتها

«۲۶۴» هر دوره و زمانی در دنیا رو به پایان و هر زنده ای محکوم به فنا و مرگ است.

۱۷-۳-۱- زمان گذرا، امور زودگذر، لحظه

۱-۳-۱۷-۱- فرصت محدود

«۲۶۵» مبدا آنچه فریب خوردگان دنیا انجام می دهند تو را فریب دهد، زیرا آنچه آنان دارند

سایه ای است که تا یک فرصت محدود گسترده شده است.

۲-۳-۱۷-۱- اکنون

﴿الدُّنْيَا التَّحْوُلُ وَ الزَّوَالُ﴾

﴿٢٦٦﴾ وَإِنَّ الدُّنْيَا أَجَلٌ حَاضِرٌ يَأْكُلُ مِنْهَا الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٢٤١
١٧-٣-١٤- العاجلة

﴿٢٦٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ إِنَّكُمْ وَمَا تَأْمَلُونَ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا أَثْوِيَاءُ مُوجَلُونَ وَمَدِينُونَ مُقْتَضُونَ أَجَلٌ مَقْصُوفٌ وَعَمَلٌ مَحْفُوظٌ... أَلَيْسَ قَدْ ظَعَنُوا جَمِيعاً عَنْ هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّيَّةِ وَالْعَاجِلَةِ الْمُنْقِضِيَّةِ؛ بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ١٠٨

﴿٢٦٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خُفَّتِ الدُّنْيَا بِالشَّهَوَاتِ وَتَحَبَّيْتُ بِالْعَاجِلَةِ وَتَزَيَّنَتْ بِالْغُرُورِ وَتَحَلَّتْ بِالْأَمَالِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

﴿٢٦٩﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يُحِبَّ هَذِهِ الدُّنْيَا وَعَاجِلَهَا لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَلَمْ يُرَغِّبْهُمْ فِيهَا وَفِي عَاجِلِ زَهْرَتِهَا وَظَاهِرِ بَهْجَتِهَا ... فَارْهَدُوا فِيمَا زَهَدَكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ مِنْ عَاجِلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ أعلام الدين، ص ٢٢٥
١٧-٣-١٤- السَّاعَةُ وَرَاجِعُ الْقِلَّةِ

﴿٢٧٠﴾ الرسول ﷺ: مَنْ اسْتَوَى يَوْمَاهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ الدُّنْيَا دَارُ مِخْنَةِ الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَاجَعَلُوهَا طَاعَةً؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٦٦

﴿٢٧١﴾ الصادق عليه السلام: اصْبِرُوا عَلَى الدُّنْيَا فَإِنَّمَا هِيَ سَاعَةٌ فَمَا مَضَى مِنْهُ فَلَا تَجِدْ لَهُ أَلَمًا وَلَا سُرُورًا وَمَا لَمْ يَجِئْ فَلَا تَذَرِ مَا هُوَ وَإِنَّمَا هِيَ سَاعَتُكَ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا فَاصْبِرْ فِيهَا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَاصْبِرْ فِيهَا عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٥٤

﴿٢٧٢﴾ الرسول ﷺ: الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَاجْعَلْهَا طَاعَةً وَبَابُ ذَلِكَ كُلُّهُ مُلَازِمَةُ الْخُلُوعِ بِمُدَاوَمَةِ الْفِكْرِ وَ سَبَبُ الْخُلُوعِ الْقَنَاعَةُ وَ تَرْكُ الْفُضُولِ مِنَ الْمَعَاشِ وَ سَبَبُ الْفِكْرِ الْفَرَاغُ وَ عِمَادُ الْفَرَاغِ الزُّهْدُ وَ تَمَامُ الزُّهْدِ التَّقْوَى وَ بَابُ التَّقْوَى الْخَشْيَةُ وَ دَلِيلُ الْخَشْيَةِ التَّعْظِيمُ لِلَّهِ وَ التَّمَسُّكُ بِتَخْلِيصِ طَاعَتِهِ وَأَوَامِرِهِ وَالْخَوْفُ وَالْحَذَرُ وَالْوُقُوفُ عَنْ مَحَارِمِهِ وَ دَلِيلُهَا الْعِلْمُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٦٨

﴿٢٧٣﴾ الباقر عليه السلام: فَأَنْزَلَ نَفْسَكَ مِنَ الدُّنْيَا كَمَثَلِ مَنْزِلِ نَزَلَتْهُ سَاعَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٥

﴿٢٧٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنَّهُ قَالَ فِي كَلَامٍ طَوِيلٍ فِي ذِمَّةِ الدُّنْيَا إِنَّمَا الدُّنْيَا ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ يَوْمٌ مَضَى بِمَا فِيهِ فَلَيْسَ بِعَائِدٍ... أَنَّ الدُّنْيَا سَاعَةٌ بَيْنَ سَاعَتَيْنِ سَاعَةٌ مَضَتْ وَ سَاعَةٌ بَقِيَتْ وَ سَاعَةٌ أَنْتَ فِيهَا...

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

﴿۲۶۶﴾ دنیا زمان اکنون است که نیکوکار و زشت کردار از آن برخوردارند.
۳-۱۷-۱-۳- امور زودگذر

﴿۲۶۷﴾ بندگان خدا، شما و آنچه از این دنیا آرزومندید، مهمانانی هستید که مدّتی معین برای شما قرار داده شده، بدهکارانی هستید که مهلت کوتاهی در پرداخت آن دارید، و اعمال شما همگی حفظ می‌شود... آیا جز این است که همگی رخت بستند و رفتند و از این جهان پست و گذران و تیره‌کننده‌ی عیش و شادمانی گذشتند؟!

﴿۲۶۸﴾ دنیا با شهوت‌ها پوشیده شده و با آرزوهای زودگذر دوست‌داشتنی شده و با فریب زینت داده شده و با آرزوها آراسته گشته است.

﴿۲۶۹﴾ خداوند این دنیا و گذرابودن آن را محبوب هیچ‌یک از دوستان خود قرار نداده و هیچ‌کدام را نسبت به دنیا و زیورهای زودگذر و شادی‌های ظاهری‌اش تشویق نکرده است... پس در آن اموری از دنیا که خداوند امر به زهد در آن کرده، زاهد باشید.

۴-۱۷-۱-۳- یک لحظه ور. به: اندک‌بودن

﴿۲۷۰﴾ هرکس دو روزش مساوی باشد مغبون است. دنیا سرای اندوه است و دنیا یک ساعت است آن را هم اطاعت قرار دهید.

﴿۲۷۱﴾ در دنیا [بر معصیت] شکبیا باشید که آن ساعتی است، زیرا آنچه که از دنیا گذشته [اکنون] نه دردی از آن احساس می‌کنی و نه شادی، و آنچه نیامده که نمی‌دانی چیست! همانا دنیای تو آن ساعتی است که در آن هستی؛ پس در آن یک ساعت بر طاعت خدا صبر کن و از نافرمانی خداوند شکبیا باش [و خود را نگاه دار].

﴿۲۷۲﴾ زندگی دنیا چون ساعتی است. پس آن یک ساعت را در طاعت خدا صرف کن. و این متوقف در خلوت نشستن و فکرکردن است، خلوت قناعت می‌آورد و زیادی معاش را ترک می‌کند، فراغ موجب می‌شود که آدمی تفکر کند و فراغ ستون زهد به شمار می‌رود و همه‌ی زهد هم تقوی می‌باشد. باب تقوی خشیت است، و خشیت موجب تعظیم خداوند می‌باشد، اخلاص در طاعت از اوامر خداوند می‌باشد و ترس و احتیاط و توقف از محرّمات می‌باشد. و دلیل آن هم علم می‌باشد خداوند فرموده است: إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ.

﴿۲۷۳﴾ در این دنیا چنین منزل‌گزین که آن را همچون باراندازی در نظر گیری که در آن بار انداخته و ساعتی بعد کوچ خواهی کرد.

﴿۲۷۴﴾ امام علی(ع) در صحبتی طولانی در مذمت دنیا فرمود: «دنیا سه روز است روزی که گذشت و هرچه در آن بود گذشت و دیگر باز نخواهد گشت... دنیا لحظه‌ای بین دو لحظه است،

﴿الدُّنْيَا التَّحُولُ وَ الزَّوَالُ﴾

قِيلَ لَهُ هَذِهِ الدُّنْيَا [مِنْ] أَوَّلِهَا إِلَى آخِرِهَا نَجْعَلُهَا لَوَلَدِكَ الَّذِينَ لَمْ يَكُنْ لَكَ هَمٌّ غَيْرُهُمْ أَوْ يَوْمٌ نَرُدُّهُ إِلَيْكَ فَتَعْمَلُ فِيهِ لِنَفْسِكَ لَأَخْتَارَ يَوْمًا... مَا أَسْلَفَ عَلَى جَمِيعِ الدُّنْيَا يَوْمُهَا لَوَلَدِهِ؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٥٠

﴿٢٧٥﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ اصْبِرْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَاصْبِرْ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ فَإِنَّمَا الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَمَا مَضَى مِنْهَا فَلَيْسَ تَجِدُ لَهُ سُرُورًا وَلَا حُزْنَ وَمَا لَمْ يَأْتِ مِنْهَا فَلَيْسَ تَعْرِفُهُ فَاصْبِرْ عَلَى تِلْكَ السَّاعَةِ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا فَكَأَنَّكَ قَدْ اغْتَبَطْتَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣١١

١٨-٣-١-الأقول و الزوال

١٨-٣-١-١-الزوال

﴿٢٧٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا لَكُمْ وَ الدُّنْيَا فَمَتَاعُهَا إِلَى انْقِطَاعِ وَ فَخْرُهَا إِلَى وَبَالٍ وَ زِينَتُهَا إِلَى زَوَالٍ وَ نَعِيمُهَا إِلَى بُؤْسٍ وَ صِحَّتُهَا إِلَى سَقَمٍ أَوْ هَرَمٍ وَ مَالٌ مَا فِيهَا إِلَى نَفَادٍ وَ شَيْكٍ وَ فَنَاءٍ قَرِيبٍ كُلُّ مَدَّةٍ فِيهَا إِلَى مُنْتَهَى وَ كُلُّ حَيٍّ فِيهَا إِلَى مُقَارَنَةِ الْبَلَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٩

﴿٢٧٧﴾ المجتبی عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ وَ فِتْنَةٍ وَ كُلُّ مَا فِيهَا إِلَى زَوَالٍ وَ قَدْ نَبَّأَنَا اللَّهُ عَنْهَا كَيْمَا نَعْتَبِرَ فَقَدْ دَمَّ إِلَيْنَا بِالْوَعْدِ كَيْ لَا يَكُونَ لَنَا حُجَّةٌ بَعْدَ الْإِنْذَارِ فَارْهَدُوا فِيمَا يَفْنَى وَ ارْغَبُوا فِيمَا يَبْقَى وَ خَافُوا اللَّهَ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ؛ التوحيد، ص ٦٠

﴿٢٧٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا كَالْعُغُولِ تُغْوَى مَنْ أَطَاعَهَا وَ تُهْلِكُ مَنْ أَجَابَهَا وَ إِنَّهَا لَسَرِيعَةُ الزَّوَالِ وَ شَيْكَةِ الْإِنْتِقَالِ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

﴿٢٧٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا مَتَاعٌ أَيَّامٌ قَلِيلٌ ثُمَّ تَزُولُ كَمَا يَزُولُ السَّرَابُ وَ تَفْنَعُ كَمَا يَفْنَعُ السَّحَابُ [وَ تَفْنَعُ كَمَا يَفْنَعُ السَّحَابُ]؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

﴿٢٨٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي لِمَنْ عَلِمَ سُرْعَةَ زَوَالِ الدُّنْيَا أَنْ يَزْهَدَ فِيهَا؛ غرر الحكم،

ص ١٣٩

﴿٢٨١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا ظِلٌّ زَائِلٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

﴿٢٨٢﴾ الكاظم عليه السلام: وَ خَلَقَ خَلْقَهُ لِلْفَنَاءِ أَسْكَنَهُمْ دُنْيَا سَرِيعًا زَوَالُهَا قَلِيلًا بَقَاؤُهَا وَ جَعَلَ لَهُمْ

مَرْجِعًا إِلَى دَارٍ لَا زَوَالَ لَهَا وَ لَا فَنَاءَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٨، ص ١٣٤

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

لحظه‌ای که گذشت و لحظه‌ای که باقی مانده [و خواهد آمد] و لحظه‌ای که تو در آن هستی... به او گفته شد: «این دنیا را از اول تا آخرش برای فرزندان تو قرار داده‌ایم؛ فرزندانی که هم و غمی جز آن‌ها نداشتی. یا [برای] روزی [کارکن] که [ثمره‌ی کارت را] به‌سوی تو بازخواهیم گرداند، پس در دنیا برای خودت کارکن تا آن روز را انتخاب کنی هر آنچه که از دنیا باقی مانده، به فرزندان می‌رسد».

«۲۷۵» ای هشام، بر طاعت خداوند صبر کن و از نافرمانی‌اش خودداری کن. که سرای دنیا فقط ساعتی است که آنچه گذشته عاری از هر شادی و غمی است و آینده‌اش مجهول است، پس بر این ساعت که در آن هستی آن‌گونه صبر کن که گویا دیگران آرزوی مقام تو را دارند.

۱۸-۳-۱- افول و نابودی

۱۸-۳-۱-۱- نابودی

«۲۷۶» شما را با دنیا چه کار؟! متاع آن نابودشدنی و افتخار به آن ننگ است و زینت دنیا زوال‌پذیر و نعمتش همراه با گرفتاری و صحت آن هم‌آغوش با درد و پیری است؛ و برگشت آن به‌سوی پایان سریع و فانی نزدیک است. هر چیزی زمان محدودی دارد و هر زنده‌ای به گرفتاری‌ها تحویل می‌شود.

«۲۷۷» به‌درستی که دنیا خانه‌ی زحمت و آزمایش است و هرچه در آن است، به‌سوی زوال و نیستی می‌رود و خداوند این مطلب را به ما خبر داده تا عبرت بگیریم و در این مورد برای ما تهدیدهایی بیان کرده تا بعد از این انذارها، دیگر بهانه‌ای برای ما موجود نباشد. پس در منزلی که فانی است، زاهد باشید و به آنچه باقی است، رغبت نشان دهید و از خدا در پنهان و آشکارتان بترسید.

«۲۷۸» به‌درستی که دنیا مانند غولی است که اطاعت‌کنندگان خود را فریب می‌دهد و اجابت‌کنندگان را هلاک می‌کند. سریع از بین می‌رود و بلاها را به دیگران منتقل می‌کند.

«۲۷۹» به‌درستی که دنیا متاعی است که بعد از چند روز اندک مانند از بین رفتن سراب، از بین می‌رود و مانند پراکنده‌شدن ابرها، پراکنده می‌گردد.

«۲۸۰» سزاوار است برای کسی که می‌داند دنیا چقدر زودگذر است، در دنیا زاهد باشد.

«۲۸۱» دنیا سایه‌ای است که از بین خواهد رفت.

«۲۸۲» موجودات جهان را فانی آفرید. آن‌ها را در دنیای زودگذر ساکن کرد که بقایش مدّت

کمی است. ولی بازگشت ایشان را به جهانی پایدار که زوال و فناپی در آن نیست، منتهی فرمود.

﴿الدُّنْيَا التَّحُولُ وَ الزَّوَالُ﴾

﴿٢٨٣﴾ عيسى عليه السلام: فَمَا ذَا يُغْنِي عَنِ الْمَيِّتِ طَيْبُ رِيحِ حُنُوطِهِ وَ بَيَاضُ أَكْفَانِهِ وَ كُلُّ ذَلِكَ يَكُونُ فِي التُّرَابِ كَذَلِكَ لَا يُغْنِي عَنْكُمْ بَهْجَةُ دُنْيَاكُمْ الَّتِي زَيَّنْتُمْ لَكُمْ وَ كُلُّ ذَلِكَ إِلَى سَلْبٍ وَ زَوَالٍ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٠٧

﴿٢٨٤﴾ يَا عِيسَى... فَإِيَّاكَ وَ الدُّنْيَا فَكُلُّ نَعِيمِهَا يَزُولُ وَ مَا نَعِيمُهَا إِلَّا قَلِيلٌ؛ أعلام الدين، ص ٢٣١

﴿٢٨٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَمْرُكُمْ بِالرَّقْصِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةِ لَكُمْ الزَّائِلَةِ عَنْكُمْ؛

مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣١

﴿٢٨٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَعَاشِرَ آلِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لَيْسَ لَكُمْ الدُّنْيَا إِنَّمَا لَكُمْ الْآخِرَةُ وَ مِيعَادُكُمْ الْجَنَّةَ مَا تَصْنَعُونَ بِالدُّنْيَا فَإِنَّهَا زَائِلَةٌ غَرَارَةٌ؛ المناقب، ج ٣، ص ٣٣٩

﴿٢٨٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَقَدْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّهُمْ لَمْ يَفَارِقُونَا مِنْ جَوْرٍ وَ لَا لَجُئُوا إِذْ فَارَقُونَا إِلَى عَدْلِ، وَ لَمْ يَلْتَمِسُوا إِلَّا دُنْيَا زَائِلَةً عَنْهُمْ كَانَتْ قَدْ فَارَقُوها، وَ لَيْسَالْنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلِلِدُنْيَا أَرَادُوا أَمْ لِلَّهِ عَمَلُوا؛ بحار الأنوار، ج ٢٩، ص ٤٩٥

﴿٢٨٨﴾ الزهراء عليها السلام: يَا مَنْ جَعَلَ أَيَّامَ الدُّنْيَا تَزُولُ وَ شُهُورَهَا تَحُولُ وَ سَنِيهَا تَدُورُ؛ بحار الأنوار،

ج ٨٣، ص ١٠٢

﴿٢٨٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنِّي أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا حُلُوءَةٌ خَضِرَةٌ حُفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ وَ تَحَبَّبَتْ بِالْعَاجِلَةِ وَ عُمِّرَتْ بِالْأَمَالِ وَ تَزَيَّنَتْ بِالْعُرُورِ لَا تَدُومُ حَبْرَتُهَا وَ لَا تُؤْمَنُ فِجَعَتُهَا غَرَارَةٌ ضَرَارَةٌ زَائِلَةٌ نَافِذَةٌ أَكَالَةُ غَوَالَةٍ لَا تَعْدُو إِذَا هِيَ تَنَاهَتْ إِلَى أُمْنِيَّةِ أَهْلِ الرَّغْبَةِ فِيهَا وَ الرِّضَا؛ تحف العقول،

ص ١٨٠

﴿٢٩٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ الدُّنْيَا عَنْكَ زَائِلَةٌ وَ إِنَّكَ رَاجِعٌ إِلَى الْآخِرَةِ وَ إِنَّ اللَّهَ مُجَازِيكَ بِعَمَلِكَ وَ مُحَاسِبُكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٤٤٨

﴿٢٩١﴾ صفاء ادريس عليه السلام: فَكَّرُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الَّتِي ... مُلْكُهَا مَعْرُضٌ لِلزَّوَالِ؛ بحار الأنوار،

ج ٩٢، ص ٤٦٨

﴿٢٩٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا بُنَيَّ إِنِّي قَدْ أَتْبَأْتُكَ عَنِ الدُّنْيَا وَ حَالِهَا وَ زَوَالِهَا وَ انْتِفَالِهَا؛

شرح نهج البلاغة، ج ١٦، ص ٨٢

١-١٨-٣-١- نَعِيمٌ زَائِلٌ

﴿٢٩٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ الدُّنْيَا لَا يَدُومُ نَعِيمُهَا وَ لَا تُؤْمَنُ فِجَاعَتُهَا غُرُورٌ حَائِلٌ وَ شَبَحُ

فَائِلٌ وَ سِنَادٌ مَائِلٌ وَ نَعِيمٌ زَائِلٌ وَ جِيدٌ عَاطِلٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦٥

﴿٢٠٤﴾

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

﴿۲۸۳﴾ بوی مطبوع کافور و سفیدی کفن چه سودی به شخص مرده می‌رساند، حال آنکه همه در خاک می‌باشند؛ به همین ترتیب زیبایی و بهجت دنیایی که برای شما زینت داده شده هیچ سودی به شما نمی‌رساند، چراکه رو به زوال است و پس گرفته می‌شود.

﴿۲۸۴﴾ پس از دنیا بر حذر باش که هر نعمتی در آن از بین رفتنی است و تمام نعمت‌های دنیا اندک است.

﴿۲۸۵﴾ شما را به ترک این دنیایی امر می‌کنم که شما را ترک خواهد کرد و از نزد شما خواهد رفت.

﴿۲۸۶﴾ پیامبر ﷺ فرمود: «ای گروه عبدالمطلب! دنیا برای شما نیست، بلکه آخرت برای شما می‌باشد، وعده‌گاه شما بهشت است. دنیا را برای چه می‌خواهید؟! در صورتی که از بین رفتنی و فریبنده است».

﴿۲۸۷﴾ خدا می‌داند که آن‌ها به خاطر ظلم از ما جدا نشدند و وقتی از ما جدا شدند به عدالت پناه نبردند. جز دنیایی که از دست آن‌ها رفتنی است و از آن جدا می‌شوند، نخواستند. و در قیامت پرسیده خواهند شد: «برای دنیا خواستند یا برای خدا عمل کردند?».

﴿۲۸۸﴾ ای کسی که روزهای دنیا را گذرا و زوال‌پذیر، و ماه‌هایش را جابجا شونده و سال‌هایش را دورزننده قرار داده است.

﴿۲۸۹﴾ من شما را از دنیا بر حذر می‌دارم؛ زیرا در کام انسان شیرین است و در دیده سبز و خرم و در هاله‌ای از خواهش‌های نفسانی قرار گرفته است و به جهت نقذبودنش دلپذیر و چشم‌نواز و پر از آرزوهای دراز و دارای آرایش فریب‌دهنده است؛ ولی شادی آن گذراست و از آسایش امانی نیست؛ بسیار فریبنده، زیان‌رساننده، زوال‌یابنده، پایان‌پذیر، شکمبار و مرگبار است؛ اگر شیفتگان و خشنودان خود را به آرزویی برسانند، و با خواهش‌های آنان دم‌ساز شود، می‌فهمند که جز سرابی بیش نیست.

﴿۲۹۰﴾ دنیا از دستت زایل می‌شود و تو به آخرت باز می‌گردی و خداوند به سبب کردارت به تو جزا می‌دهد و برای آنچه که مرتکب شده‌ای تو را بازخواست خواهد کرد.

﴿۲۹۱﴾ در این دنیا اندیشه کنید که ... فرمانروایی‌اش در معرض نابودی است.

﴿۲۹۲﴾ فرزندانم، من تو را از دنیا و تغییراتش و از نابودی و دست به دست گردیدنش آگاه و باخبر ساختم.

۱-۱۸-۳-۱- نعمتی گذرا

﴿۲۹۳﴾ نعمت دنیا دوامی ندارد و ضمانتی در مقابل فجایع و دشواری‌هایش نیست. فریبی است که از واقعیت بازمی‌دارد و سایه‌ای ضعیف و تکیه‌گاهی کج شده و نعمتی فناپذیر و گروهی بیهوده‌گرا است.

﴿الدُّنْيَا التَّحَوُّلُ وَ الزَّوَالُ﴾

٢-١٨-١-٣- ظلُّ زَائِلٌ

﴿٢٩٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ الدُّنْيَا رَتَقُ مَشْرِبُهَا رَدْعُ مَشْرَعُهَا يُونِقُ مَنْظَرُهَا وَيُوبِقُ مَخْبَرُهَا غُرُورٌ حَائِلٌ وَضَوْءٌ آفِلٌ وَظِلٌّ زَائِلٌ وَسِنَادٌ مَائِلٌ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٦، ص ٨٢

٣-١٨-١-٣- دَارُ زَوَالٍ

﴿٢٩٥﴾ الباقر عليه السلام: يَا جَابِرُ الْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ وَالدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ وَزَوَالٍ وَلَكِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا أَهْلُ غَفَلَةٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٢

﴿٢٩٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ خَبَالٍ وَوَبَالٍ وَزَوَالٍ وَانْتِقَالٍ، لَا تُسَاوِي لَدَانَتَهَا تَغْيِصَهَا، وَلَا يَفِي سَعُودُهَا بِنَحُوسِهَا وَلَا يَقُومُ صُعُودُهَا بِهُبُوطِهَا؛ غرر الحكم، ص ١٢٨

٤-١٨-١-٣- سَرِيعَةُ الزَّوَالِ

﴿٢٩٧﴾ الرسول ﷺ: لَا تَكُونُوا مِمَّنْ خَدَعَتْهُ الْعَاجِلَةُ وَغَرَّتْهُ الْأُمْنِيَّةُ فَاسْتَهْوَتْهُ الْخُدْعَةُ فَرَكَنَ إِلَى دَارِ سَوْءٍ سَرِيعَةُ الزَّوَالِ وَشَبِيكَةُ الْإِنْتِقَالِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٥

٢-١٨-١-٣- الْأُفُولُ

﴿٢٩٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ الدُّنْيَا رَتَقُ مَشْرِبُهَا رَدْعُ مَشْرَعُهَا يُونِقُ مَنْظَرُهَا وَيُوبِقُ مَخْبَرُهَا غُرُورٌ حَائِلٌ وَضَوْءٌ آفِلٌ وَظِلٌّ زَائِلٌ وَسِنَادٌ مَائِلٌ حَتَّى إِذَا أَنْسَ نَافِرُهَا وَاطْمَأَنَّ نَاكِرُهَا قَمَصَتْ بِأَرْجُلِهَا وَقَنَصَتْ بِأَحْبِلِهَا وَأَقْصَدَتْ بِأَسْهَمِهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٦، ص ٨٢

٣-١٨-١-٣- اغْوَرَارِ الْمَاءِ

﴿٢٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَالدُّنْيَا كَاسِفَةُ النُّورِ ظَاهِرَةُ الْغُرُورِ عَلَى حِينِ اصْفِرَارٍ مِنْ وَرَقِهَا وَإِيَّاسٍ مِنْ ثَمَرِهَا وَاغْوَرَارٍ مِنْ مَائِهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٨، ص ٢١٨

٤-١٨-١-٣- حَصْدُ النَّبَاتِ

﴿٣٠٠﴾ إِنَّمَا مِثْلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أُنْزِلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْيَنْتَ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرٌ نَالِيلاً أَوْ نَهَاراً فَجَعَلْنَاهَا حَصِيداً كَأَنْ لَمْ تَغْنِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ (يونس / ٢٤)

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

۲-۱۸-۱-۳-۱- سایه‌ای نابودشونده

«۲۹۴» دنیا همواره تیره و گل‌آلود است. منظره‌ای دل‌فریب و سرانجامی خطرناک دارد، فریبده و زیباست، اما دوامی ندارد، نوری است در حال غروب‌کردن، سایه‌ای نابودشدنی و ستونی در حال خراب‌شدن است.

۳-۱۸-۱-۳-۱- سرای رو به زوال

«۲۹۵» ای جابر، آخرت محل آرام‌گرفتن و دنیا محل نابودی است؛ ولی مردم دنیا غافل هستند. «۲۹۶» به‌درستی که دنیا جایگاه هلاک و گریبان‌گیری و زوال و جابه‌جایی است، و لذت‌های آن به‌قدر گرفتاری و نکبت آن، نیکی آن به‌قدر نحسی آن و بلندی آن به‌قدر سقوط [در] آن نیست. ۴-۱۸-۱-۳-۱- سریع نابودشونده

«۲۹۷» از آنان نباشید که دنیا فریشتان داده؛ آرزوها مغرورشان کرده؛ غرور به فریادشان آورده، آنگاه به‌سوی سرای بد و زودگذر میل کرده‌اند.

۲-۱۸-۱-۳-۱- افول

«۲۹۸» دنیا همواره تیره و گل‌آلود است. منظره‌ای دل‌فریب و سرانجامی خطرناک دارد، فریبده و زیباست، اما دوامی ندارد، نوری است در حال غروب‌کردن، سایه‌ای نابودشدنی و ستونی در حال خراب‌شدن است. هرگاه کسی از [روی غریزه عقل] از آن دوری می‌کرد و به آن دل نمی‌بست، به آن انس گرفت و مطمئن گردید و دنیا همچون اسب چموش پاها را بلند کرده و سوار خود را بر زمین می‌کوبد و با دام‌های خود آن‌ها را گرفتار می‌کند و تیرهای خود را به‌سوی آنان پرتاب می‌نماید.

۳-۱۸-۱-۳-۱- فروخشکیدن آب

«۲۹۹» دنیا، بی‌نور و پر از مکر و فریب گشته بود. برگ‌های درخت زندگی به زردی گراییده و از میوه آن خبری نبود، آب آن فروخشکیده بود.

۴-۱۸-۱-۳-۱- درو شدن گیاه

«۳۰۰» مثل زندگی دنیا، همانند آبی است که از آسمان نازل کرده‌ایم که در پی آن، گیاهان [گوناگون] زمین - که مردم و چهارپایان از آن می‌خورند - می‌روید تا زمانی که زمین، زیبایی خود را یافته و آراسته می‌گردد، و اهل آن مطمئن می‌شوند که می‌توانند از آن بهره‌مند گردند، [ناگهان] فرمان ما، شب‌هنگام یا در روز، [برای نابودی آن] فرامی‌رسد [سرما یا صاعقه‌ای را بر آن مسلط می‌سازیم] و آن‌چنان آن را درو می‌کنیم که گویی دیروز هرگز [چنین کشتزاری] نبوده است! این‌گونه، آیات خود را برای گروهی که می‌اندیشند، شرح می‌دهیم!

﴿الدُّنْيَا التَّحُولُ وَ الزَّوَالُ﴾

١٨-٣-١- إصفرارُ النَّبات

﴿٣٠١﴾ اَعْلَمُوا أَنَّهَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ هُوَ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْعُرُورِ؛ (الحديد/٢٠)

١٨-٣-١-٤- الإِضْمِحْلَالُ

﴿٣٠٢﴾ صحف ادریس عليه السلام: فَكَّرُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الَّتِي ... الصَّحِيحُ فِيهَا يَخَافُ السُّقْمَ وَ الْغِنَى يَخْشَى الْفَقْرَ وَ الشَّابُّ يَتَوَقَّعُ الْهَرَمَ وَ الْحَيُّ يَنْتَظِرُ الْمَوْتَ مِنْ اعْتِمَادِ عَلَيْهَا وَ اسْتِنَامِ إِلَيْهَا كَانَ مِثْلَ الْمُسْتَنْدِ إِلَى جَبَلٍ شَاهِقٍ مِنَ الثَّلَجِ يَعْظُمُ فِي الْعُيُونِ عَرْضُهُ وَ طُولُهُ وَ سَمَكُهُ فَإِذَا أَشْرَقَتْ شَمْسُ الصَّيْفِ عَلَيْهِ ذَابَ غَفْلَةً وَ سَالَ وَ بَقِيَ الْمُسْتَنْدُ إِلَيْهِ وَ الْمُسْتَذِرُ لَهُ بِالْعَرَاءِ فَكَذَلِكَ مَصِيرُ هَذِهِ الدُّنْيَا إِلَى زَوَالٍ وَ اِضْمِحْلَالٍ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٦٨

١٨-٣-١-٧- عَدَمُ الدَّوَامِ

﴿٣٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَهَوْتَ عَنِ الْفَنَاءِ وَ أَنْتَ تَفْنَى، فَمَا شَيْءٌ مِنَ الدُّنْيَا يَدُومُ؛

بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ٤٤٤

﴿٣٠٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنِّي أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا حُلُوءَةٌ خَصِرَةٌ حُفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ وَ تَحَبَّبَتْ بِالْعَاجِلَةِ وَ عُمِّرَتْ بِالْأَمَالِ وَ تَزَيَّنَتْ بِالْعُرُورِ لَا تَدُومُ حَبْرَتُهَا وَ لَا تُؤْمَنُ فُجْعَتُهَا غَرَارَةٌ ضَرَارَةٌ زَائِلَةٌ نَافِذَةٌ أَكَالَةٌ غَوَالَةٌ لَا تَعْدُو إِذَا هِيَ تَنَاهَتْ إِلَى أُمْنِيَةِ أَهْلِ الرَّغْبَةِ فِيهَا وَ الرِّضَا؛ تحف العقول،

ص ١٨٠

﴿٣٠٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَعْرُوفَةٌ وَ بِالْغَدْرِ مَوْصُوفَةٌ لَا تَدُومُ أَحْوَالُهَا وَ لَا يَسْلُمُ نَزَائِلُهَا الْعَيْشُ فِيهَا مَذْمُومٌ وَ الْأَمَانُ فِيهَا مَعْدُومٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

﴿٣٠٦﴾ الباقر عليه السلام: لَا تَأْسَ عَلَى مَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ قَلِيلَ الدُّنْيَا لَا يَدُومُ بَقَاؤُهُ وَ كَثِيرُهَا لَا

يُؤْمَنُ بَلَاؤُهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٤

﴿٣٠٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ الدُّنْيَا لَا يَدُومُ نَعِيمُهَا وَ لَا تُؤْمَنُ فُجَائِعُهَا غُرُورٌ حَائِلٌ وَ شَبَحُ

فَائِلٌ وَ سِنَادٌ مَائِلٌ وَ نَعِيمٌ زَائِلٌ وَ جِدٌّ عَاطِلٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦٥

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

۱۸-۳-۱-۵- زردشدن گیاه

«۳۰۱» بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخر فروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرومی برد، سپس خشک می شود به گونه ای که آن را زرد رنگ می بینی سپس تبدیل به کاه می شود! و در آخرت، عذاب شدید است یا مغفرت و رضای الهی و [به هر حال] زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست!

۱۸-۳-۱-۶- نیستی و نابودی

«۳۰۲» در این دنیا اندیشه کنید که... در آن سالم از بیماری می ترسد، بی نیاز از فقر بیم دارد و جوان در انتظار پیری است و زنده منتظر مرگ است. هرکس بر آن تکیه کند و از آن آرامش بجوید، همچون کسی است که بر کوهی بلند از یخ تکیه زده است که پهنای و ارتفاع و بلندی آن در چشمش بسیار است، ولی هنگامی که خورشید تابستان بر آن بتابد ناگهان آب می شود و روان می گردد و کسی که بر آن تکیه کرده و پناه بسته در صحرا می ماند. و اینچنین سرنوشت دنیا رو به نیستی و نابودی و انتقال به خانه دیگری است.

۱۸-۳-۱-۷- عدم دوام

«۳۰۳» نابودشدن را بازیچه می دانی و در مسیر نابودی هستی، توجّه داشته باش که هیچ چیز دنیا دوام ندارد.

«۳۰۴» من شما را از دنیا بر حذر می دارم؛ زیرا در کام انسان شیرین است و در دیده سبز و خرم و در هاله ای از خواهش های نفسانی قرار گرفته است و به جهت نقبودنش دلپذیر و چشم نواز و پر از آرزوهای دراز و دارای آرایش فریب دهنده است؛ ولی شادی آن گذراست و از آسایش امانی نیست؛ بسیار فریبنده، زیان رساننده، زوال یابنده، پایان پذیر، شکمبار و مرگبار است؛ اگر شیفتگان و خشنودان خود را به آرزویی برسانند، و با خواهش های آنان دم ساز شود، می فهمند که جز سرابی بیش نیست.

«۳۰۵» به درستی که دنیا منزلی است که به بلاهایش شناخته شده و معروف است و با مکر و نیرنگ هایش توصیف می شود، احوال آن ماندگار نیست و ساکنان آن در امان و سلامت نیستند، زندگی در آن نکوهیده است و امانت در آن موجود نیست.

«۳۰۶» بر آنچه از دنیا بر تو گذشته ناامید نباش. پس بهره ای اندک دنیا پایدار نمی ماند و بسیار آن از بلا ایمن نمی باشد.

«۳۰۷» نعمت دنیا دوامی ندارد و ضمانتی در مقابل فجایع و دشواری هایش نیست. فریبی است که از واقعیّت بازمی دارد و سایه ای ضعیف و تکیه گاهی کج شده و نعمتی فناپذیر و گروهی بیهوده گرا است.

﴿الدُّنْيَا التَّحُولُ وَ الزَّوَالُ﴾

١٨-٣-١- عَدَمُ الْبَقَاءِ

﴿٣٠٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكُمْ إِنْ رَغِبْتُمْ فِي الدُّنْيَا أَفْنَيْتُمْ أَعْمَارَكُمْ فِي مَا لَا تَبْقُونَ لَهُ وَلَا يَبْقَى لَكُمْ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

﴿٣٠٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مُنْتَقِلَةٌ فَإِنَّهُ إِنْ بَقِيَ لَكَ لَمْ تَبْقَ لَهَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٣

﴿٣١٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنْ مِنْ نَكَدِ الدُّنْيَا أَنَّهَا لَا تَبْقَى عَلَى حَالَةٍ وَلَا تَخْلُو مِنْ اسْتِحَالَةٍ تُصْلِحُ جَانِبًا بِفَسَادِ جَانِبٍ وَ تَسْرُ صَاحِبَهَا بِمَسَاءَةِ صَاحِبٍ فَالْكَوْنُ فِيهَا خَطَرٌ وَ الثَّقَةُ بِهَا غَرَرٌ وَ الْإِخْلَادُ إِلَيْهَا مُحَالٌ وَ الْإِعْتِمَادُ عَلَيْهَا ضَلَالٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

﴿٣١١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا الَّتِي لَمْ يَمْتَعْ بِهَا أَحَدٌ قَبْلَكُمْ وَ لَا تَبْقَى لِأَحَدٍ بَعْدَكُمْ فَسَبِيلُ مَنْ فِيهَا سَبِيلُ الْمَاضِينَ مِنْ أَهْلِهَا أَلَا وَ إِنَّهَا قَدْ تَصَرَّمتْ وَ آذَنْتْ بِانْقِضَاءِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ١٥٧

١٩-٣-١- الْإِنْقِضَاءُ

١٩-٣-١- الْإِنْقِضَاءُ

﴿٣١٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا كَيَوْمٍ مَضَى وَ شَهْرٍ انْقَضَى؛ غرر الحكم، ص ١٣٣

﴿٣١٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لِكُلِّ شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا انْقِضَاءٌ وَ فَنَاءٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٣

﴿٣١٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا الَّتِي لَمْ يَمْتَعْ بِهَا أَحَدٌ قَبْلَكُمْ وَ لَا تَبْقَى لِأَحَدٍ بَعْدَكُمْ فَسَبِيلُ مَنْ فِيهَا سَبِيلُ الْمَاضِينَ مِنْ أَهْلِهَا أَلَا وَ إِنَّهَا قَدْ تَصَرَّمتْ وَ آذَنْتْ بِانْقِضَاءِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ١٥٧

١٩-٣-٢- الْمُنْقِضِيَّةُ

﴿٣١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ إِنَّكُمْ وَ مَا تَأْمُلُونَ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا أَتَوِيَاءُ مُوَجَّحُونَ وَ مَدِينُونَ مُقْتَضُونَ أَجَلٌ مُنْقُوصٌ وَ عَمَلٌ مُحْفُوظٌ... أَلَيْسَ قَدْ ظَعَنُوا جَمِيعاً عَنْ هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّيَّةِ وَ الْعَاجِلَةِ الْمُنْقِضِيَّةِ؛ بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ١٠٨

١٩-٣-٣- الْمَاضِي

﴿٣١٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا كَيَوْمٍ مَضَى وَ شَهْرٍ انْقَضَى؛ غرر الحكم، ص ١٣٣

٢٠-٣-١- الْإِنْقِطَاعُ

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

۱۸۸-۱-۳-۱ ناپایداری

«۳۰۸» به درستی که اگر شما به دنیا رغبت نشان دهید عمرتان را برای چیزی تلف می کنید که نه شما با آن باقی خواهید ماند و نه آن با شما باقی می ماند.

«۳۰۹» دنیا می رود و فانی می شود. اگر دنیا برای تو ماند، تو برای دنیا نمی مانی.

«۳۱۰» از علائم بی خیربودن دنیا این است که در یک حالت باقی نمی ماند و همواره دچار دگرگونی می شود، برای اصلاح یک طرف، طرف دیگری را خراب می کند و دارنده ای را با بدبخت کردن دارنده ای دیگر شاد می کند. ماندن در دنیا خطر و اعتمادکردن به آن، فریفته شدن و میل به آن محال و تکیه به آن، گمراهی است.

«۳۱۱» شما را از دنیایی که مردم پیش از شما کامی از آن نگرفته و پس از شما نیز برای کسی باقی نخواهد ماند، برحذر می دارم. سرنوشت کسانی که در آن هستند، همان سرنوشت گذشتگان است. آگاه باشید گویا دنیا پایان یافته و وداع خویش را اعلام کرده است.

۱۹-۱-۳-۱ به پایان رسیده

۱۹-۱-۳-۱ زمان پایان

«۳۱۲» دنیا مانند روزی است که رفته باشد و ماهی است که به سر آمده باشد.

«۳۱۳» هر چیزی در دنیا زمان پایان و اتمامی دارد.

«۳۱۴» شما را از دنیایی که مردم پیش از شما کامی از آن نگرفته و پس از شما نیز برای کسی باقی نخواهد ماند، برحذر می دارم. سرنوشت کسانی که در آن هستند، همان سرنوشت گذشتگان است. آگاه باشید گویا دنیا پایان یافته و وداع خویش را اعلام کرده است.

۱۹-۲-۳-۱ خراب کننده

«۳۱۵» بندگان خدا، شما و آنچه از این دنیا آرزومندید، مهمانانی هستید که مدتی معین برای شما قرار داده شده، بدهکارانی هستید که مهلت کوتاهی در پرداخت آن دارید، و اعمال شما همگی حفظ می شود... آیا جز این است که همگی رخت بستند و رفتند و از این جهان پست و گذران و تیره کننده ی عیش و شادمانی گذشتند؟!

۱۹-۳-۱-۳ گذشته

«۳۱۶» دنیا مانند روزی است که رفته باشد و ماهی است که به سر آمده باشد.

۲۰-۱-۳-۱ بریدن و قطع کردن

﴿الدُّنْيَا التَّحُولُ وَ الزَّوَالُ﴾

١-٣-٢٠-١- الإنقِطَاعُ

﴿٣١٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا لَكُمْ وَ الدُّنْيَا فَمَتَاعُهَا إِلَى انْقِطَاعٍ وَ فَخْرُهَا إِلَى وَبَالٍ وَ زِينَتُهَا إِلَى زَوَالٍ وَ نَعِيمُهَا إِلَى بُؤْسٍ وَ صِحَّتُهَا إِلَى سَقَمٍ أَوْ هَرَمٍ وَ مَالٌ مَا فِيهَا إِلَى نَفَادٍ وَ شَيْكٍ وَ فَنَاءٍ قَرِيبٍ كُلُّ مَدَّةٍ فِيهَا إِلَى مُنْتَهَى وَ كُلُّ حَيٍّ فِيهَا إِلَى مُقَارَنَةِ الْبَلَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٩

﴿٣١٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَ مَتَاعُ الدُّنْيَا بَطِيءُ الْاجْتِمَاعِ قَلِيلُ الْإِنْتِفَاعِ سَرِيعُ الْإِنْقِطَاعِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٠١

﴿٣١٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَسْبَابُ الدُّنْيَا مُنْقَطِعَةٌ وَ عَوَارِيهَا مُرْتَجِعَةٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

﴿٣٢٠﴾ الرسول الله: هَذِهِ الدُّنْيَا مِثْلُ ثَوْبٍ شَقَّ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ فَيَبْقَى مُتَعَلِّقًا بِخَيْطٍ فِي آخِرِهِ يُوشِكُ ذَلِكَ الْخَيْطُ أَنْ يَنْقَطِعَ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٤٨

﴿٣٢١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مَصَائِبُ مُفْجِعَةٌ وَ مَنَایَا مُوجِعَةٌ وَ عِبَرٌ [عِبْرَةٌ] مُقْطَعَةٌ [مفصصة]؛ غرر الحكم، ص ١٣٢

﴿٣٢٢﴾ الباقر عليه السلام: فَقَالَ آخِرُ إِنْ عَذَابَ الدُّنْيَا لَهُ مَدَّةٌ وَ انْقِطَاعٌ وَ عَذَابُ الْآخِرَةِ دَائِمٌ لَا انْقِطَاعَ لَهُ فَلَسْنَا نَخْتَارُ عَذَابَ الْآخِرَةِ الدَّائِمَ الشَّدِيدِ عَلَى عَذَابِ الدُّنْيَا الْمُتَقَطِّعِ الْفَانِي قَالَ فَاخْتَارَا عَذَابَ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٥٦، ص ٣١٨

﴿٣٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَلَا تَتَنَافَسُوا فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَ فَخْرُهَا وَ لَا تَعْجَبُوا بِزِينَتِهَا وَ نَعِيمِهَا وَ لَا تَجْزَعُوا مِنْ ضَرَائِهَا وَ بُؤْسِهَا فَإِنَّ عِزَّ الدُّنْيَا وَ فَخْرَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٤٢٧

١-٣-٢٠-٢- البيود

﴿٣٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: غَرَارَةُ ضَرَارَةٍ حَائِلَةٌ زَائِلَةٌ بَائِدَةٌ نَافِذَةٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٦

﴿٣٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنْ الدُّنْيَا دَارُ رَضِيَ اللَّهُ لِأَهْلِهَا الْفَنَاءَ وَ قَدَّرَ عَلَيْهِمْ مِنْهَا الْجَلَاءَ وَ كُلُّ مَا فِيهَا نَافِذٌ وَ كُلُّ مَنْ يَسْكُنُهَا بَائِدٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ١٥٦

١-٣-٢٠-٣- المِيلُ

﴿٣٢٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا غُرُورٌ حَائِلٌ وَ سَرَابٌ زَائِلٌ وَ سِنَادٌ مَائِلٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

١-٣-٢١- القُلْعُ وَ النَّزْعُ

١-٣-٢١-١- دَارُ قُلْعَةٍ

﴿٣٢٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ أَحَذَّرَكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا دَارُ قُلْعَةٍ وَ لَيْسَتْ بِدَارِ نُجْعَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٢٣

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

۱-۳-۲۰-۱- بریدن و قطع کردن

«۳۱۷» شما را با دنیا چه کار؟! متاع آن نابودشدنی و افتخار به آن ننگ است و زینت دنیا زوال پذیر و نعمتش همراه با گرفتاری و صحت آن هم آغوش با درد و پیری است؛ و برگشت آن به سوی پایان سریع و فنای نزدیک است. هر چیزی زمان محدودی دارد و هر زنده‌ای به گرفتاری‌ها تحویل می‌شود.

«۳۱۸» زندگی دنیا همانند کالایی است که کُند جمع می‌شود، سود کم می‌دهد و سریع از بین می‌رود.

«۳۱۹» اسباب دنیا بریده شده و منقطع است و عاریه‌های آن باز می‌گردند.

«۳۲۰» حکایت این دنیا مانند لباسی است که از اوّل تا آخرش پاره شده و فقط به یک نخ وصل است و هر لحظه نزدیک است که آن نخ پاره شود.

«۳۲۱» دنیا مصیبت‌هایی فجیع، مرگ‌هایی دردناک و عبرت‌هایی قاطع و برّنده است.

«۳۲۲» [در مکالمه هاروت و ماروت آمده است:] دیگری گفت: «عذاب دنیا اندازه دارد و تمام‌شدنی است و عذاب آخرت پیوسته و بی‌نهایت است و نباید عذاب آخرت را بر عذاب دنیا برگزینیم که تمام‌شدنی است»، پس عذاب دنیا را اختیار کردند.

«۳۲۳» پس در کسب عزّت و تفاخرهای دنیا باهم مسابقه ندهید، زینت‌ها و نعمت‌های دنیا شما را شگفت‌زده نکند و گرفتاری‌ها و بلاهای آن شما را عاجز و درمانده نکند که عزّت و تفاخرهای دنیا رو به زوال و فناست.

۱-۳-۲۰-۲- نابودی

«۳۲۴» دنیا فریبکاری مضرّ است که دائماً تغییر می‌کند و از بین می‌رود و نابود می‌شود و تمام می‌گردد.

«۳۲۵» دنیا سرایی است که خداوند برای اهل آن فنا را رقم زده، و کوچ کردن از آن را برایشان مقررّ فرموده است. پس هرچه در آن است نابودشدنی و هرکس در آن سکونت کند فناپذیر است.

۱-۳-۲۰-۳- انحراف و در شرف افتادن

«۳۲۶» دنیا فریب‌دهنده‌ی فراگیر، و سرایی زایل‌شونده و تکیه‌گاهی نابودشدنی است.

۱-۳-۲۱- کندن

۱-۳-۲۱-۱- خانه‌ی کندن و رفتن

«۳۲۷» از دنیا برحذر باشید! چراکه آن خانه‌ی کندن و گذر است و خانه‌ی آسایش نیست.

﴿الدُّنْيَا التَّحُولُ وَ الزَّوَالُ﴾

٢-٢١-١-٣- الإِنْقِلَاعُ

﴿٣٢٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ أَذْبَرَتْ وَ أَذْنَتْ بِإِنْقِلَاعِهَا وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ أَقْبَلَتْ وَ أَذْنَتْ بِإِطْلَاعِهَا... وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ تَزَوَّدُوا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٩٤

٣-٢١-١-٣- مَنَزَلُ قُلْعَةٍ

﴿٣٢٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ أَحَدَرَكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا مَنَزَلُ قُلْعَةٍ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٧، ص ١١٢

٤-٢١-١-٣- النُّزُوعُ

﴿٣٣٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَاحْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا غَدَارَةٌ غَرَارَةٌ خَدُوعٌ مُعْطِيةٌ مَنْوَعٌ مُلْبِسَةٌ نَزُوعٌ لَا يَدُومُ رَخَاوُهَا وَ لَا يَنْقُضِي عَنَاوُهَا وَ لَا يَرُكِّدُ بِلَاوُهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٨٣

٢-٢٢-١-٣- الْفَنَاءُ

١-٢٢-١-٣- دَارُ الْفَنَاءِ

﴿٣٣١﴾ الرسول ﷺ: الدُّنْيَا دَارُ الْفَنَاءِ وَ لَأَهْلُهَا مِنْهَا الْجَنَاءُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٣٢٠

﴿٣٣٢﴾ الباقر عليه السلام: يَا جَابِرُ الْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ وَ الدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ وَ زَوَالٍ وَ لَكِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا أَهْلُ

غَفْلَةٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٢

﴿٣٣٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ثُمَّ إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ وَ عَنَاءٍ وَ غَيْرٍ وَ عِبَرٍ فَمِنْ الْفَنَاءِ أَنَّ الدَّهْرَ

مُوتِرٌ قَوْسَهُ لَا تَخْطِي سَهَامُهُ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٧، ص ١١٣

﴿٣٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنَّ الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ وَ فَنَاءٍ وَ الْآخِرَةُ دَارُ جَزَاءٍ وَ بَقَاءٍ فَمَنْ اسْتَطَاعَ

أَنْ يُؤَثِّرَ مَا يَبْقَى عَلَى مَا يَفْنَى فَلْيَفْعَلْ فَإِنَّ الْآخِرَةَ تَبْقَى وَ الدُّنْيَا تَفْنَى؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٤٢

﴿٣٣٥﴾ الحسين عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ الدُّنْيَا فَجَعَلَهَا دَارَ فَنَاءٍ وَ زَوَالٍ مُتَصَرِّفَةً بِأَهْلِهَا

حَالًا بَعْدَ حَالٍ فَالْمَغْرُورُ مِنْ غَرَّتِهِ وَ الشَّقِيُّ مِنْ فِتْنَتِهِ فَلَا تَغْرَنَّكُمْ هَذِهِ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا تَقْطَعُ رَجَاءَ مَنْ

رَكَنَ إِلَيْهَا وَ تَخَيِّبُ طَمَعَ مَنْ طَمَعَ فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٥، ص ٥

٢-٢٢-١-٣- الْفَنَاءُ

﴿٣٣٦﴾ العسكري عليه السلام: الْعَاقِبَةُ الْآخِرَةُ وَ الْفَنَاءُ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٢١

﴿٣٣٧﴾ الرسول ﷺ: عَنْ بَزِيدِ بْنِ سَلَامٍ أَنَّهُ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ... قَالَ فَأَخْبَرَنِي عَنِ الدُّنْيَا لَمْ سُمِّيَتْ

الدُّنْيَا قَالَ لِأَنَّ الدُّنْيَا دَنِيَّةٌ خُلِقَتْ مِنْ دُونِ الْآخِرَةِ وَ لَوْ خُلِقَتْ مَعَ الْآخِرَةِ لَمْ يَفْنِ أَهْلُهَا كَمَا لَا

يَفْنَى أَهْلُ الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٩، ص ٣٠٤

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

۲-۲۱-۳-۱- فنا

«۳۲۸» آگاه باشید! دنیا روی گردانده و فنای خویش را اعلام داشته، سرای آخرت روی آورده و آمدنش آشکار شده است... و در راه خدا توسط اموال و جان هایتان جهاد و کوشش کنید. از این دنیا زاد و توشه‌ای بردارید که خود را با آن حفظ کنید.

۳-۲۱-۳-۱- خانه‌ی غیر پایدار

«۳۲۹» شما را از [دوستی] دنیا بر حذر می‌دارم که منزلی پایدار نیست.

۴-۲۱-۳-۱- برکننده

«۳۳۰» از دنیا بر حذر باشید، که حيله‌گر و فریبنده و نیرنگ‌باز است، بخشنده‌ای بازپس گیرنده، و پوشنده‌ای برهنه‌کننده است، آسایش دنیا بی‌دوام و سختی‌هایش بی‌پایان و بلاهایش دائمی است.

۲-۲۲-۳-۱- فنا و نابودی

۱-۲۲-۳-۱- خانه‌ی فنا و نابودی

«۳۳۱» دنیا دار فناست و بر اهلش رفتن از آن مقدر شده است،

«۳۳۲» ای جابر، آخرت محل آرام‌گرفتن و دنیا محل نابودی است؛ ولی مردم دنیا غافل

هستند.

«۳۳۳» دنیا خانه‌ی فنا و رنج و تغییر و پند است. از فنای دنیا همین است که می‌بینی روزگار

پیوسته کمان را آماده کرده و تیر بر آن نهاده است

«۳۳۴» دنیا سرای بلا و فنا و آخرت دار جزا و بقاست. پس اگر کسی بتواند باقی را بر فانی

ترجیح دهد، باید چنین کند که آخرت می‌ماند و دنیا فانی است.

«۳۳۵» ستایش مخصوص آن خدایی است که دنیا را سرای فنا و زوال قرار داد و اهل آن را

در هر لحظه در حالتی قرار داد. کسی فریب می‌خورد که دنیا او را فریب دهد. شقی کسی است

که دنیا او را دچار امتحان نماید. مبدا این دنیا شما را فریب دهد، زیرا این دنیا امید کسی را که

به آن دلبستگی داشته باشد، قطع می‌کند و طمع هر کسی را که به آن طمع کند، نابود می‌نماید.

۲-۲۲-۳-۱- نابودی

«۳۳۶» عاقبت عبارت از آخرت است و فنا عبارت از دنیاست.

«۳۳۷» یزید بن سلّام گوید: عبدالله از پیامبر ﷺ پرسید:... «مرا خبر ده که چرا دنیا، دنیا نامیده

شده است؟» فرمود: «زیرا دنیا پست آفریده شده و بی‌ارزش‌تر از آخرت است. اگر با آخرت خلق

می‌شد اهل آن فانی نمی‌شد».

﴿الدُّنْيَا التَّحُولُ وَ الزَّوَالُ﴾

﴿٣٣٨﴾ الرسول ﷺ: تَفَنَّى الدُّنْيَا قَرْنًا قَرْنًا مَا مِنْ يَوْمٍ يَمْضِي عَنَّا إِلَّا تَهْوَى مِنَّا رُكْنًا قَدْ ضَيَّعْنَا دَارًا تَبْقَى وَ اسْتَوْطَنَّا دَارًا تَفْنَى؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٧٢

﴿٣٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ الدُّنْيَا دَارٌ كَتَبَ اللَّهُ لَهَا الْفَنَاءَ وَ لِأَهْلِهَا مِنْهَا الْجَلَاءَ؛

من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٥١٤

﴿٣٤٠﴾ الرسول ﷺ: أَتَقْنُوا مِنَ الدُّنْيَا بِالْفَنَاءِ وَ مِنَ الْآخِرَةِ بِالْبَقَاءِ وَ اعْمَلُوا لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ

فَكَانَكُمْ بِالدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ وَ بِالْآخِرَةِ لَمْ تَزَلْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٩

﴿٣٤١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ رَضِيَ اللَّهُ لِأَهْلِهَا الْفَنَاءَ وَ قَدَّرَ عَلَيْهِمْ مِنْهَا الْجَلَاءَ وَ

كُلُّ مَا فِيهَا نَافِدٌ وَ كُلُّ مَنْ يَسْكُنُهَا بَائِدٌ... أَلَا وَ إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَنَكَّرَتْ وَ أَذْبَرَتْ وَ أَذْنَتْ بِوَدَاعٍ؛

مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ١٥٦

﴿٣٤٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ لَيْسَ فَنَاءُ الدُّنْيَا بَعْدَ ائْتِدَائِهَا بِأَعْجَبَ مِنْ اِئْتِدَائِهَا وَ اخْتِرَاعِهَا إِلَى

قَوْلِهِ وَ إِنَّهُ سُبْحَانَهُ يَعُودُ بَعْدَ فَنَاءِ الدُّنْيَا وَ خُذْهُ لَا شَيْءَ مَعَهُ كَمَا كَانَ قَبْلَ ائْتِدَائِهَا؛ بحار الأنوار،

ج ٥٤، ص ٣٠

﴿٣٤٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا فَنَاءٌ وَ عَنَاءٌ وَ غَيْرٌ وَ عِبْرٌ فَمِنْ فَنَائِهَا أَنْتَ تَرَى الدَّهْرَ

مُوتِرًا قَوْسَهُ مُفَوِّقًا نَبْلَهُ لَا تُحْطِي سِهَامُهُ وَ لَا تُشْفِي جِرَاحَهُ يَرْمِي الصَّحِيجَ بِالسَّقَمِ وَ الْحَيَّ

بِالْمَوْتِ... فَسُبْحَانَ اللَّهِ مَا أَعَزَّ سُرُورَهَا وَ أَظْمَأَ رَيْبَهَا وَ أَصْحَى فَيْئَهَا فَكَانَ مَا كَانَ مِنَ الدُّنْيَا لَمْ

يَكُنْ وَ كَانَ مَا هُوَ كَائِنٌ قَدْ كَانَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٥٧

﴿٣٤٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا عَنَاءٌ وَ فَنَاءٌ وَ عِبْرٌ وَ غَيْرٌ فَمِنْ فَنَائِهَا أَنَّ الدَّهْرَ مُوتِرٌ

قَوْسَهُ مُفَوِّقٌ نَبْلَهُ تُصِيبُ الْحَيَّ بِالْمَوْتِ وَ الصَّحِيجَ بِالسَّقَمِ وَ مِنْ عَنَائِهَا أَنَّ الْمَرْءَ يَجْمَعُ مَا لَا يَأْكُلُ

وَ يَبْنِي مَا لَا يَسْكُنُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٤٠٦

﴿٣٤٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ أَوَّلُهَا عَنَاءٌ وَ آخِرُهَا فَنَاءٌ فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَ فِي

حَرَامِهَا عِقَابٌ، مَنْ اسْتَعْنَى فِيهَا فُتِنَ وَ مَنْ افْتَقَرَ فِيهَا حَزَنَ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

﴿٣٤٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَقَى لِصَاحِبٍ وَ لَا تَصْفُو لِشَارِبٍ نَعِيمُهَا يَنْتَقِلُ وَ

أَحْوَالُهَا تَتَبَدَّلُ وَ لِدَاتُهَا تَفْنَى وَ تَبْعَاتُهَا تَبْقَى فَأَعْرِضْ عَنْهَا قَبْلَ أَنْ تُعْرِضَ عَنْكَ وَ اسْتَبْدِلْ بِهَا قَبْلَ

أَنْ تَسْتَبْدِلَ بِكَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

«۳۳۸» دنیا قرن قرن فانی می‌شود. هیچ روزی از ما نمی‌گذرد مگر آنکه دنیا ستونی از ما را خراب می‌کند. ما خانه‌ی همیشگی را رها و خانه‌ی از دست‌رفتنی را وطن گزیده‌ایم.

«۳۳۹» دنیا دارِ فناست و بر اهلش کوچ کردن از آن مقدر شده است.

«۳۴۰» به نابودی دنیا و جاودانی‌بودن آخرت یقین آورید؛ و برای پس از مرگ عمل کنید، آن‌گونه که گویا در دنیا نبوده‌اید و آخرت است که پابرجاست.

«۳۴۱» دنیا سرایی است که خداوند برای اهل آن فنا را رقم زده، و کوچ کردن از آن را برایشان مقرر فرموده است. پس هرچه در آن است نابودشدنی و هرکس آن را می‌پیماید، فناپذیر است... هشیار باشید که دنیا ناآشنا شده و روی برتافته و سپری گشته و اعلام وداع نموده است.

«۳۴۲» نابودی و نیستی این دنیا پس از پیدایش آن از آفرینش و ایجاد آن شگفت‌آورتر نیست. به‌درستی که خداوند پس از نابودی این دنیا باز تنها می‌شود و چیزی همراه او نخواهد بود. همان‌طوری که پیش از آفرینش جهان، تنها بوده است.

«۳۴۳» دنیا سرای نیستی، رنج، دگرگونی و عبرت است. نشانه‌ی نیستی آن است که می‌بینی روزگار کمان خود را به زه کرده و بر آن تیر نشانده است و تیرهایش به خطا نمی‌رود، و زخمش درمان نمی‌پذیرد. انسان‌های تندرست را هدف تیر بیماری قرار می‌دهد، و زنده‌ها را با تیر مرگ از پا درمی‌آورد... سبحان الله! شادی دنیا چه فریبنده و سیراب‌کردنش چه تشنگی‌آور و سایه‌اش چه زودگذر است! گویا آنچه بوده اصلاً نبوده و گویا آنچه هست قبلاً وجود داشته است.

«۳۴۴» همانا دنیا خانه‌ی رنج و نابودی است، سرای دگرگونی و پند است. از جمله‌ی نابودی‌های دنیا این است که تیرش را در کمان گذاشته، زهش را بالا برده و به زنده مرگ و به تندرست بیماری می‌رساند. و از رنج دنیا است که انسان چیزی را که جمع کرده نمی‌خورد و در خانه‌ای که ساخته جایگزین نمی‌شود.

«۳۴۵» دنیا خانه‌ای است که ابتدای آن سختی و مشقت و پایان آن نابودی است. در حلال دنیا حساب و در حرام آن عذاب است. کسی که ثروتمند گردد، فریب می‌خورد. و آن‌کس که نیازمند باشد اندوهناک است.

«۳۴۶» دنیا به همراه خود وفا نمی‌کند و برای کسی که از نعمت‌های آن بهره می‌برد اهل صفا نیست، روزگارش در تغییر است و لذت‌هایش رو به فناست اما تبعات آن باقی خواهد ماند، پس از دنیا قبل از آنکه از تو برگردانده شود، روی بگردان و قبل از آنکه به آخرت تبدیل شود، خودت آن را به آخرت مبذل کن.

﴿الدُّنْيَا التَّحُولُ وَ الزَّوَالُ﴾

﴿٣٤٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ الدُّنْيَا دَارُ مَضَى لَهَا الْفَنَاءُ وَ لِأَهْلِهَا مِنْهَا الْجَلَاءُ وَ هِيَ حُلُوءٌ خَضِرَةٌ قَدْ عَجَلَتْ لِلطَّالِبِ وَ التَّبَسَّتْ بِقَلْبِ النَّاطِرِ فَارْتَحِلُوا عَنْهَا بِأَحْسَنِ مَا بِحَضْرَتِكُمْ مِنَ الزَّادِ وَ لَا تَسْأَلُوا فِيهَا فَوْقَ الْكَفَافِ وَ لَا تَطْلُبُوا مِنْهَا أَكْثَرَ مِنَ الْبَلَاغِ؛ روضة الواعظين، ج ٢، ص ٤٤٠

﴿٣٤٨﴾ السَّجَاد عليه السلام: فَانْظُرْ بَعَيْنَ قَلْبِكَ إِلَى مَصَارِعِ أَهْلِ الْبَذَخِ وَ تَأَمَّلْ مَعَاقِلَ الْمُلُوكِ وَ مَصَانِعَ الْجَبَّارِينَ وَ كَيْفَ عَرَكْتَهُمُ الدُّنْيَا بِكُلِّ الْفَنَاءِ وَ جَاهَرْتَهُمُ بِالْمُنْكَرَاتِ وَ سَحَبْتَ عَلَيْهِمُ أَذْيَالَ الْبَوَارِ وَ طَحْتَهُمْ طَحْنَ الرَّحَى لِلْحَبِّ وَ اسْتَوْدَعْتَهُمْ هَوَجَ الرِّيحِ تَسْحَبُ عَلَيْهِمُ أَذْيَالَهَا فَوْقَ مَصَارِعِهِمْ فِي فَلَوَاتِ الْأَرْضِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٥٥

﴿٣٤٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: جُودُ الدُّنْيَا فَنَاءٌ وَ رَاحَتُهَا عَنَاءٌ وَ سَلَامَتُهَا عَطَبٌ وَ مَوَاهِبُهَا سَلَبٌ؛

غرر الحكم، ص ١٢٨

﴿٣٥٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: غَايَةُ الدُّنْيَا الْفَنَاءُ؛ غرر الحكم، ص ١٣٣

﴿٣٥١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُلُّ مُدَّةٍ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى انْتِهَاءٍ وَ كُلُّ حَيٍّ فِيهَا إِلَى مَمَاتٍ وَ فَنَاءٍ؛

غرر الحكم، ص ١٣٣

﴿٣٥٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا مَعْكُوسَةٌ مَنُكُوسَةٌ لِّذَاتِهَا تَنْغِيصُ وَ مَوَاهِبُهَا تَغْصِيصُ وَ عَيْشُهَا عَنَاءٌ وَ بَقَاؤُهَا فَنَاءٌ تَجْمَعُ بِطَالِبِهَا وَ تُرَدِّي رَاكِبِهَا وَ تَخُونُ الْوَائِقَ بِهَا وَ تُزْعِجُ الْمُطْمَئِنِّ إِلَيْهَا وَ إِنِّ جَمْعُهَا إِلَى انْصِدَاعٍ وَ وَصْلُهَا إِلَى انْقِطَاعٍ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

﴿٣٥٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَهَوْتُ عَنْ الْفَنَاءِ وَ أَنْتَ تَقْنَى، فَمَا شَيْءٌ مِنَ الدُّنْيَا يَدُومُ؛

بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ٤٤٤

﴿٣٥٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لِكُلِّ شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا انْقِصَاءٌ وَ فَنَاءٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٣

﴿٣٥٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: بِالْفَنَاءِ تُخْتَمُ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٦١

٣-٢٢-١- الفانية

﴿٣٥٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا فَانِيَةٌ لَا بَقَاءَ لَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢١

﴿٣٥٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا عَيْشُهَا قَصِيرٌ وَ خَيْرُهَا يَسِيرٌ وَ إِقْبَالُهَا حَدِيثَةٌ وَ إِذْبَارُهَا

فَجِيعةٌ وَ لَذَائِهَا فَانِيَةٌ وَ تَبَعَاتُهَا بَاقِيَةٌ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

﴿۳۴۷﴾ دنیا سراییی است که پایان آن فنا و اهلش از آن کوچ می کنند. و دنیا شیرین و خرم به سوی خواهان خود می شتابد و در دل بیننده‌ی خود منزل می کند پس از این دنیا با بهترین توشه‌ای که فراهم نموده‌اید کوچ کنید و از دنیا بیش از نیاز خود نخواهید و بیش از حد کفاف از آن طلب نکنید.

﴿۳۴۸﴾ متکبران و طاغوتیان زمان را با دیده‌ی دل نگاه کن که چگونه به زمین خوردند و قصرهای پادشاهان و ساخته و پرداخته‌های ستمگران را بادقت تماشا کن. چگونه دنیا با دگرگونی‌های خود و فنا و زوال، آن‌ها را جذب نموده و با زشتی‌ها روبرو کرده و دامن نیستی را بر سر آن‌ها افکنده است. و مانند دانه‌ی گندم آن‌ها را آسیاب کرده و در معرض طوفان‌های شدید قرار داده که بادهای سهمگین بر مزار آن‌ها در بیابان می‌وزد.

﴿۳۴۹﴾ بخشندگی دنیا نیستی و آسایش آن رنج و سلامتی آن هلاکت و بخشش‌های آن سلب‌شونده است.

﴿۳۵۰﴾ غایت دنیا فناست.

﴿۳۵۱﴾ هر دوره و زمانی در دنیا رو به پایان و هر زنده‌ای محکوم به فنا و مرگ است.

﴿۳۵۲﴾ به‌درستی که دنیا معکوس منکوس است، لذت‌های آن تمام‌شدنی است و بخشش‌های آن غصه‌دادن و زندگانی آن رنج و بقای آن فانی‌شدن است. صاحب خود را به زور از خودش دور می‌کند و سواری خود را بر زمین می‌افکند. به کسی که به او اعتماد کرده خیانت می‌کند و کسی را که به او اطمینان کرده، پریشان می‌کند. اجتماعات آن رو به پراکندگی و ارتباطات آن رو به انقطاع است.

﴿۳۵۳﴾ نابودشدن را بازیچه می‌دانی و در مسیر نابودی هستی، توجه داشته باش که هیچ چیز دنیا دوام ندارد.

﴿۳۵۴﴾ هر چیزی در دنیا زمان پایان و اتمامی دارد.

﴿۳۵۵﴾ دنیا ختم به فنا می‌شود.

۳-۲۲-۱- نابودشونده

﴿۳۵۶﴾ دنیا فانی است و بقایی ندارد.

﴿۳۵۷﴾ زندگی در دنیا کوتاه و خیر دنیا اندک است، و اقبال دنیا [به انسان] نوعی نیرنگ و پشت‌کردن دنیا فاجعه است. لذت‌های دنیا فانی و تبعات آن (کردار بد) که در قیامت گریبان‌گیر می‌شود، باقی است.

﴿الدُّنْيَا التَّحُولُ وَ الزَّوَالُ﴾

﴿٣٥٨﴾ الباقر عليه السلام: فَقَالَ آخِرُ إِنِّ عَذَابَ الدُّنْيَا لَهُ مُدَّةٌ وَ انْقِطَاعٌ وَ عَذَابُ الْآخِرَةِ دَائِمٌ لَا انْقِطَاعَ لَهُ فَلَسْنَا نَخْتَارُ عَذَابَ الْآخِرَةِ الدَّائِمَ الشَّدِيدَ عَلَى عَذَابِ الدُّنْيَا الْمُنْقَطِعِ الْفَانِي قَالَ فَاخْتَارَا عَذَابَ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٥٦، ص ٣١٨

﴿٣٥٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْعَاقِلُ مَنْ زَهَدَ فِي دُنْيَا فَانِيَةٍ دَنِيَّةٍ [دَنِيَّةٍ فَانِيَةٍ] وَ رَغِبَ فِي جَنَّةٍ سَنِيَّةٍ خَالِدَةٍ عَالِيَةٍ [عَالِيَةٍ]؛ غرر الحكم، ص ٥٤
﴿٣٦٠﴾ الرسول ﷺ: وَ اتَّبِعْنُمُ الدُّنْيَا الْفَانِيَةَ وَ بِعْنُمُ الْآخِرَةَ الْبَاقِيَةَ... وَ لَا يَمُوتُ سَاكِنُهَا بِقَلِيلٍ مِنَ الدُّنْيَا فَانٍ؛ اليقين، ص ١٢٦

﴿٣٦١﴾ صحف ادریس عليه السلام: فَكَّرُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا ... الْخَائِنَةُ الْفَانِيَةُ فَلِإِنَّ حَيَاتَهَا مُتَعَقِّبٌ بِالْمَوْتِ وَ شَبَابُهَا صَائِرٌ إِلَى الْهَرَمِ وَ صِحَّتُهَا مُحْفُوفَةٌ بِالْمَرَضِ وَ غِنَاهَا مُتَّبِعٌ بِالْفَقْرِ وَ مُلْكُهَا مَعْرُضٌ لِلزَّوَالِ وَ عِزُّهَا مَقْرُونٌ بِالذَّلِّ وَ لَذَاتُهَا مُكَدَّرَةٌ بِالشَّوَابِ وَ شَهَوَاتُهَا مُمْتَرَجَةٌ بِمَضَضِ النَّوَابِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٦٨

﴿٣٦٢﴾ صلاة التوبة: وَ بَدَّلْ لِي الدُّنْيَا الْفَانِيَةَ بِالْآخِرَةِ الْبَاقِيَةِ؛ فلاح السائل، ص ٢٦٢
﴿٣٦٣﴾ الصادق عليه السلام: وَ إِن كَانَتْ الدُّنْيَا فَانِيَةً فَالطَّمَأْنِينَةُ إِلَيْهَا لِمَا ذَا؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٩٣
﴿٣٦٤﴾ الرسول ﷺ: وَ أَنَّ لَا تُؤَثِّرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ لِأَنَّ الدُّنْيَا فَانِيَةٌ وَ الْآخِرَةُ بَاقِيَةٌ؛

بحار الأنوار، ج ٢، ص ١٥٤

﴿٣٦٥﴾ الدُّنْيَا فَانِيَةٌ وَ الْآخِرَةُ بَاقِيَةٌ خُذْهَا إِلَيْكَ مِنَ السَّلَامِ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ وَ صَهْرُ الْمُرْسَلِ الْأَوَّاهِ؛ بشارة المصطفى، ص ٢٥٤
١-٣-٢٢-٤ الْفَانِيَاتُ

﴿٣٦٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: السُّجُودُ النَّفْسَانِي فَرَاغُ الْقَلْبِ مِنَ الْفَانِيَاتِ... وَ قَطْعُ الْعَلَائِقِ الدُّنْيَوِيَّةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٤، ص ٤٨٦

١-٣-٢٢-٥ الدَّارُ الْفَانِي

﴿٣٦٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ الدَّارُ الْفَانِيَةُ هِيَ الدُّنْيَا وَ بَعْضُ الْمَالِ الَّذِي مَلَكَهُ مَوْلَاهُ هُوَ الْاسْتِطَاعَةُ الَّتِي مَلَكَ ابْنُ آدَمَ... وَ أَمَّا وَعْدُهُ فَالنَّعِيمُ الدَّائِمُ وَ هِيَ الْجَنَّةُ وَ أَمَّا الدَّارُ الْفَانِيَةُ فَهِيَ الدُّنْيَا وَ أَمَّا الدَّارُ الْآخِرَى فَهِيَ الدَّارُ الْبَاقِيَةُ؛ تحف العقول، ص ٤٧٠

١-٣-٢٢-٦ مَا يَفْنَى

﴿٣٦٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: بِيَعُوا مَا يَفْنَى بِمَا يَبْقَى وَ تَعَوَّضُوا بِنَعِيمِ الْآخِرَةِ عَنْ شَقَاءِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤٧

«دنیای دگرگونی و ازبین رفتن»

﴿۳۵۸﴾ [در مکالمه هاروت و ماروت آمده است:] دیگری گفت: «عذاب دنیا اندازه دارد و تمام شدنی است و عذاب آخرت پیوسته و بی‌نهایت است و نباید عذاب آخرت را بر عذاب دنیا برگزینیم که تمام شدنی است»، پس عذاب دنیا را اختیار کردند.

﴿۳۵۹﴾ عاقل کسی است که از دنیای پست و زودگذر بگذرد و به بهشت برین و ماندگار و جایگاه بلند، میل و رغبت نشان دهد.

﴿۳۶۰﴾ از دنیای زودگذر تبعیت کردید و آخرت ماندگار را فروختید... ساکن آن (آخرت) نمی‌میرد و اندک دنیا نیز از بین می‌رود.

﴿۳۶۱﴾ در این دنیا اندیشه کنید که ... زندگی‌اش مرگ را به دنبال دارد و جوانی‌اش رو به پیری است و سلامتی‌اش در لفافه بیماری‌هاست و بی‌نیازی‌اش فقر را به دنبال دارد و فرمانروایی‌اش در معرض نابودی، و عزتش به همراه ذلت است و لذت‌هایش با آلودگی‌ها تیره می‌شود و دوست‌داشتنی‌هایش با سوزش مصیبت‌ها آمیخته است.

﴿۳۶۲﴾ دنیای فانی را برای من به خانه‌ی آخرت پادار مبدل فرما.

﴿۳۶۳﴾ اگر دنیا فانی است، پس اطمینان به آن چرا؟!؟

﴿۳۶۴﴾ دنیا را بر آخرت مقدم نداشته باش، چراکه دنیا فانی و آخرت باقی است.

﴿۳۶۵﴾ دنیا گذرا و آخرت باقی است و برای رسیدن به آن نردبانی چون علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام که دعوت‌کننده به سوی خدا و داماد پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل توبه به درگاه خداوند است، برگزین.

۱-۳-۲۲-۴- امور فانی

﴿۳۶۶﴾ سجود نفسانی فارغ‌بودن دل از امور فانی... و بریدن پیوندهای دنیوی است.

۱-۳-۲۲-۵- خانه‌ی گذرا

﴿۳۶۷﴾ دنیا، خانه‌ی فناست و بعضی از اموالی که خداوند به انسان سپرده به قدر استطاعت [و نیاز] فرزندان آدم است... اما وعده‌ی نعمت دائمی که داده شده، همان بهشت است و دنیا خانه‌ی فناست و خانه‌ی ماندگار، خانه‌ی آخرت است.

۱-۳-۲۲-۶- آنچه فانی خواهد شد

﴿۳۶۸﴾ دنیای فانی را بفروشید تا آنچه باقی است (آخرت) بخرید و دشواری‌ها و بدبختی‌های دنیا را با نعمت‌های آخرت عوض کنید.

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

١-٤- الدُّنْيَا الْبَلَاءُ

١-٤-١- البَلَاءُ

١-٤-١-١- الإِبْتِلَاءُ وَ الإِخْتِبَارُ

﴿٣٦٩﴾ الباقِرُ عليه السلام: وَإِنَّمَا خَلَقْتُكَ وَ خَلَقْتُهُمْ لِأَبْلُوكَ وَ أَبْلُوهُمْ أَتِيَكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا فِي دَارِ الدُّنْيَا فِي حَيَاتِكُمْ وَ قَبْلَ مَمَاتِكُمْ فَلِذَلِكَ خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ...؛ بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ١١٦

﴿٣٧٠﴾ العسكري عليه السلام: وَ فِيهَا أَيْضًا بِالْبَلَايَا يَمْتَحِنُكُمْ يُلْذِذُكُمْ بِنَعِيمِ الدُّنْيَا تَارَةً لِتَذْكُرُوا نَعِيمَ الْآخِرَى الْخَالِصَ مِمَّا يُنْغَصُ نَعِيمَ الدُّنْيَا وَ يُبْطِلُهُ وَ يَزْهَدُ فِيهِ وَ يُصْغِرُهُ وَ يُحَقِّرُهُ وَ يَمْتَحِنُكُمْ تَارَةً بِلَايَا الدُّنْيَا الَّتِي قَدْ تَكُونُ فِي خِلَالِهَا الرَّحِمَاتُ؛ بحار الأنوار، ج ١١، ص ١٩٣

﴿٣٧١﴾ الرسول ﷺ: إِنَّمَا خَلَقَ اللَّهُ الدُّنْيَا... وَ خَلَقَ أَهْلَهَا لِيَبْلُوَهُمْ فِيهَا أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا لِآخِرَتِهِ؛ أعلام الدين، ص ٢٢٥

﴿٣٧٢﴾ السَّجَّادُ عليه السلام: تَرَكْنَا إِلَى مَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا رُكُونَ مَنْ أَعَدَّهَا دَارًا وَ قَرَارًا بِاللَّهِ إِنَّ لَكُمْ مِمَّا فِيهَا عَلَيْهَا دَلِيلًا مِنْ زِينَتِهَا وَ تَصْرِيفِ أَيَّامِهَا وَ تَغْيِيرِ انْقِلَابِهَا وَ مَثَلَاتِهَا وَ تَلَاغِبِهَا بِأَهْلِهَا إِنَّهَا لَتَرْفَعُ الْخَمِيلَ وَ تَضَعُ الشَّرِيفَ وَ تُورِدُ النَّارَ أَقْوَامًا غَدًا فِي هَذَا مُعْتَبَرٌ وَ مُخْتَبَرٌ وَ زَاجِرٌ لِمُنْتَبِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٤٨

﴿٣٧٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ أَنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ لِتَسْتَقِيمَ إِلَّا عَلَى مَا خَلَقَهَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيْهِ مِنَ النِّعْمَةِ وَ الْإِثْلَاءِ وَ الْجَزَاءِ فِي الْمَعَادِ أَوْ مَا شَاءَ مِمَّا لَا نَعْلَمُ؛ تحف العقول، ص ٧١

﴿٣٧٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا وَ ابْتَلَى فِيهَا أَهْلَهَا لِيَعْلَمَ أَتِيَهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ لَسْنَا لِلدُّنْيَا خُلُقْنَا وَ لَا بِالسَّعْيِ لَهَا أَمْرُنَا وَ إِنَّمَا وَضِعْنَا فِيهَا لِنُبْتَلَى بِهَا وَ نَعْمَلَ فِيهَا لِمَا بَعْدَهَا؛ غرر الحكم، ص ١٢٨

١-٤-١-٢- دَارُ بَلِيَّةٍ

﴿٣٧٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ اعْلَمْ أَنَّ الدُّنْيَا دَارُ بَلِيَّةٍ لَمْ يَفْرُغْ صَاحِبُهَا قَطُّ فِيهَا سَاعَةً إِلَّا كَانَتْ فَرَغَتْهُ عَلَيْهِ حَسْرَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أَنَّهُ لَنْ يُغْنِيكَ عَنِ الْحَقِّ الشَّيْءُ أَبَدًا وَ مِنَ الْحَقِّ عَلَيْكَ حِفْظُ نَفْسِكَ وَ الْإِحْسَابُ عَلَى الرَّعِيَةِ بِجَهْدِكَ فَإِنَّ الَّذِي يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ مِنَ الَّذِي يَصِلُ بِكَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥١١

﴿سرای بلا و گرفتاری﴾

۴-۱- سرای بلا و گرفتاری

۱-۴-۱- آزمایش و گرفتاری

۱-۴-۱-۱- آزمون

﴿۳۶۹﴾ همانا تو و دیگران را آفریدم تا تو و دیگران را آزمایش کنم، تا معلوم شود که کدامیک در این دنیا و در زندگی و پس از مرگشان نیکو عمل کرده‌اند. و از این رو دنیا و آخرت را آفریدم. ﴿۳۷۰﴾ در زمین به وسیله‌ی بلاها امتحانتان می‌کند و گاهی با نعمت دنیا شما را به لذات می‌رساند تا نعمت‌های خالص آخرت را به یاد آورید که نعمت‌های دنیا را تلخ کرده و آن‌ها را باطل می‌کند و از آن کم می‌کند و آن را کوچک و حقیر جلوه می‌دهد. گاهی شما را با بلاهای دنیایی امتحان می‌کند که در خلال آن، رحمت‌هاست. ﴿۳۷۱﴾ خداوند دنیا و اهل آن را خلق کرده تا... آن‌ها را بیازماید که کدامشان برای آخرتشان بهتر عمل می‌کنند.

﴿۳۷۲﴾ به آنچه در این سراسر مانند کسی که آن را خانه‌ی ابدی و قرارگاه همیشگی ساخته اعتماد نکنید و به خدا سوگند، برای شما آنچه در دنیاست بر علیه خود شهادت می‌دهد [که عبارتند از:] جلوه‌گری ظاهرش، دگرگونی انقلابش، موارد عبرت‌آمیز آن، و بازیگری‌های با اهلش، و آنکه چگونه افراد گمنام و وامانده را بلند آوازه می‌کند، و افراد شریف را کوچک می‌سازد، و در آن روز گروه‌هایی را به آتش می‌افکند. پس در این امور مطالبی برای عبرت گرفتن و آزمایش و پرهیز شخص و آگاه و بیدار است.

﴿۳۷۳﴾ بدان که جهان جز به همان سنتی که خداوند تبارک و تعالی آفریده، برپا نمی‌ماند که نعمت است و ابتلا و سرانجام پاداش روز جزا یا هرچه او بخواهد و ما خبر نداریم.

﴿۳۷۴﴾ همانا خداوند سبحان دنیا را برای آخرت قرار داده و مردم را در دنیا آزمایش کرده تا روشن شود که کدامیک نیکوکارترند. ما برای دنیا خلق نشده‌ایم و امر به تلاش برای رسیدن به آن نشده‌ایم. به دنیا آمده‌ایم تا در آن آزمایش گردیم. و در آن برای آنچه بعد از آن است، عمل کنیم.

۲-۴-۱- سرای بلا

﴿۳۷۵﴾ بدان که دنیا سرای آزمایش است و دنیاپرست ساعتی در آن نمی‌آساید جز آنکه در روز قیامت به خاطر آن افسوس می‌خورد و هرگز چیزی تو را از حق بی‌نیاز نمی‌گرداند. و از جمله حقی که بر توسل آن است که نفس خویش را نهبان باشی و به اندازه‌ی توان خود در امور رعیت تلاش کنی، زیرا آنچه در این راه نصیب تو می‌شود، برتر از آن است که از نیروی بدنی خود از دست می‌دهی.

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

﴿٣٧٦﴾ الهادي عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الدُّنْيَا دَارَ بَلْوَى وَالْآخِرَةَ دَارَ غُفْبَى وَجَعَلَ بَلْوَى الدُّنْيَا لِنَوَابِ الْآخِرَةِ سَبَبًا وَثَوَابَ الْآخِرَةِ مِنْ بَلْوَى الدُّنْيَا عَوَضًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٦٥

﴿٣٧٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَلِيلُ الدُّنْيَا لَا يَدُومُ بَقَاؤُهُ وَكَثِيرُهَا لَا يُؤْمَنُ بِلَاؤُهُ؛ غرر الحكم،

ص ١٤٣

١-٣-١٤-البلاء

﴿٣٧٨﴾ المجتبى عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ وَفِتْنَةٍ وَكُلُّ مَا فِيهَا فَالِي زَوَالٍ وَاضْمِحَالٍ؛

بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ٥٤

﴿٣٧٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ مَعْرُوفَةٌ وَبِالْغَدْرِ مَوْصُوفَةٌ لَا تَدُومُ أَحْوَالُهَا وَ لَا يَسْلُمُ نَزَائِلُهَا الْعَيْشُ فِيهَا مَذْمُومٌ وَالْأَمَانُ فِيهَا مَعْدُومٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

﴿٣٨٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا غَرَارَةٌ خَدُوعٌ مُعْطِيَةٌ مُنَوِّعٌ مُلْبَسَةٌ نَزُوعٌ لَا يَدُومُ رَحَاؤُهَا وَ لَا يَنْقُضِي عَنَاؤُهَا وَ لَا يَرُكِّدُ بِلَاؤُهَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

﴿٣٨١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا أَحْوَالٌ مُخْتَلِفَةٌ وَ تَارَاتُ مُتَصَرِّفَةٌ وَ أَعْرَاضُ مُسْتَهْدِفَةٌ؛

غرر الحكم، ص ١٣٤

﴿٣٨٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا يُنْعَمُ بِنَعِيمِ الْآخِرَةِ إِلَّا مَنْ صَبَرَ عَلَى بَلَاءِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم،

ص ٢٨٤

﴿٣٨٣﴾ العسكري عليه السلام: أَمَّا الْبِشْرُ فَالدُّنْيَا مَمْلُوءَةٌ آفَاتٍ وَ بَلَايَا وَ شُرُورٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ٣٩٩

﴿٣٨٤﴾ الباقر عليه السلام: وَ لَا تَأْسَ عَلَى مَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ قَلِيلَ الدُّنْيَا لَا يَدُومُ بَقَاؤُهُ وَ كَثِيرُهَا لَا يُؤْمَنُ بِلَاؤُهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٤

﴿٣٨٥﴾ العسكري عليه السلام: وَ فِيهَا أَيْضًا بِالْبَلَايَا يَمْتَحِنُكُمْ يُلْذَذُّكُمْ بِنَعِيمِ الدُّنْيَا تَارَةً لِيَتَذَكَّرُوا نَعِيمَ الْآخِرَى الْخَالِصَ مِمَّا يُنْغَصُ نَعِيمَ الدُّنْيَا وَ يُبْطِلُهُ وَ يُزْهَدُ فِيهِ وَ يُصْغِرُهُ وَ يُحْقِرُهُ وَ يَمْتَحِنُكُمْ تَارَةً

بِبَلَايَا الدُّنْيَا الَّتِي قَدْ تَكُونُ فِي خِلَالِهَا الرَّحِمَاتُ؛ بحار الأنوار، ج ١١، ص ١٩٣

﴿٣٨٦﴾ الصادق عليه السلام: اعْتَبِرُوا بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا هَلْ بَقِيَ عَلَى أَحَدٍ أَوْ هَلْ [أَحَدٌ] فِيهَا بَاقٍ مِنَ

الشَّرِيفِ وَ الْوَصِيعِ... لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا بَلَاءٌ وَ فِتْنَةٌ وَ مَا نَجَا مِنْ نَجَا إِلَّا بِصِدْقِ الْإِتِّجَاءِ... وَ جَدْتُ

الدُّنْيَا كَبَيْتٍ لَهُ بَابَانِ دَخَلْتُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَ خَرَجْتُ مِنَ الْآخَرِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٨٥

«سرای بلا و گرفتاری»

﴿۳۷۶﴾ به راستی که خداوند دنیا را سرای آزمون و امتحان و آخرت را سرای پاداش و جزا قرار داده و امتحان دنیا را موجب پاداش آخرت و پاداش آخرت را عوض امتحان دنیا قرار داده است.

﴿۳۷۷﴾ مال اندک دنیا، همیشه نیست و اگر زیاد باشد گرفتاری می آورد.

۳-۱-۴-۱- بلا و گرفتاری

﴿۳۷۸﴾ دنیا جای مصیبت و آزمایش است، هرچه در دنیاست در معرض فنا و نابودی است.

﴿۳۷۹﴾ به درستی که دنیا منزلی است که به بلاهایش شناخته شده و معروف است و با مکر و نیرنگ هایش توصیف می شود، احوال آن ماندگار نیست و ساکنان آن در امان و سلامت نیستند، زندگی در آن نکوهیده است و امنیت در آن موجود نیست.

﴿۳۸۰﴾ به درستی که دنیا فریب دهنده و حيله گر است، می بخشد و باز پس می گیرد، می پوشاند و درمی آورد، آرامش آن ماندگار نیست و دردهای آن پایان ندارد و بلاهای آن آرام نمی گیرد.

﴿۳۸۱﴾ دنیا احوالش دگرگون و حالاتش گذرنده است و اهل آن همواره هدف تیرهای بلا هستند.

﴿۳۸۲﴾ به کسی نعمت های آخرت عطا نمی شود، مگر آنکه بر بلاهای دنیا صبر کند.

﴿۳۸۳﴾ اما چاه همان دنیاست که پر از بلا، گرفتاری و ناراحتی است.

﴿۳۸۴﴾ و بر آنچه از دنیا بر تو گذشته ناامید نباش. پس بهره ی اندک دنیا پایدار نمی ماند و بسیار آن از بلا ایمن نمی باشد.

﴿۳۸۵﴾ در زمین به وسیله ی بلاها امتحان تن می کند و گاهی با نعمت دنیا شما را به لذت می رساند تا نعمت های خالص آخرت را به یاد آورید که نعمت های دنیا را تلخ کرده و آن ها را باطل می کند و از آن کم می کند و آن را کوچک و حقیر جلوه می دهد. گاهی شما را با بلاهای دنیایی امتحان می کند که در خلال آن، رحمت هاست.

﴿۳۸۶﴾ از گذشته ی دنیا عبرت بگیرید. آیا کسی را نگه داشت؟! همه رفتند. و آیا از رئیس و مافوق و زبردست، از ثروتمند و مستمند، از دوست و دشمن کسی باقی ماند؟!... پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «از دنیا جز فتنه و گرفتاری چیزی باقی نمانده است. و کسی جز از طریق پناه با صدق و صفا به خداوند، نجات پیدا نمی کند». حضرت نوح علیّه السلام فرمود: «دنیا را مانند یک خانه دو دری (در دخول و در خروج) دیدم که از یک در داخل و از در دیگر خارج شدم».

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

﴿٣٨٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنْظَرُوا إِلَى الدُّنْيَا نَظَرَ الزَّاهِدِينَ فِيهَا... مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الدُّنْيَا عَنْ قَلِيلٍ لَمْ يَكُنْ وَكَانَ مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الْآخِرَةِ لَمْ يَزُلْ وَكُلُّ مَا هُوَ آتٍ قَرِيبٌ إِلَّا وَإِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا يُسَلَّمُ مِنْهَا إِلَّا فِيهَا وَلَا يُنْجَى بِشَيْءٍ كَانَ لَهَا ابْتُلِيَ النَّاسُ بِهَا فِتْنَةً؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١١٨

﴿٣٨٨﴾ السَّجَّاد عليه السلام: إِلَهِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا هُمُومٌ وَأَحْزَانٌ وَغُمُومٌ وَبَلَاءٌ وَفِي الْآخِرَةِ حِسَابٌ وَعِقَابٌ فَأَيْنَ الرَّاحَةُ وَالْفَرَجُ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٢٨

﴿٣٨٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَمْ تُظَلَّ أَمْرٌ مِنَ الدُّنْيَا دِيمَةً رَحَاءً إِلَّا هَتَنْتَ عَلَيْهِ مُرْنَةً بَلَاءٍ؛ غرر الحكم، ص ١٣١

﴿٣٩٠﴾ الرسول عليه السلام: إِنَّمَا بَقِيَ مِنَ الدُّنْيَا بَلَاءٌ وَفِتْنَةٌ وَإِنَّمَا مَثَلُ عَمَلٍ أَحَدِكُمْ مَثَلُ أَوْعَاءٍ إِذَا طَابَ أَغْلَاهُ طَابَ أَسْفَلُهُ وَإِذَا خَبَثَ أَغْلَاهُ خَبَثَ أَسْفَلُهُ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٤٨

﴿٣٩١﴾ المجتبي عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ وَفِتْنَةٍ وَكُلُّ مَا فِيهَا فَلِإِلَى زَوَالٍ وَاضْمِحْلَالٍ؛ بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ٥٤

﴿٣٩٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنَّ الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ وَفَنَاءٍ وَالْآخِرَةُ دَارُ جَزَاءٍ وَبَقَاءٍ فَمَنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يُؤَثِّرَ مَا يَبْقَى عَلَى مَا يَفْنَى فَلْيَفْعَلْ فَإِنَّ الْآخِرَةَ تَبْقَى وَالدُّنْيَا تَفْنَى؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٤٢

﴿٣٩٣﴾ الرسول عليه السلام: الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ وَمَنْزِلُ بُلْغَةٍ وَعَنَاءٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٧

﴿٣٩٤﴾ المجتبي عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ وَفِتْنَةٍ وَكُلُّ مَا فِيهَا إِلَى زَوَالٍ وَقَدْ نَبَّأَنَا اللَّهُ عَنْهَا كَيْمَا نَعْتَبِرَ فَقَدِمَ إِلَيْنَا بِالْوَعِيدِ كَيْ لَا يَكُونَ لَنَا حُجَّةٌ بَعْدَ الْإِنْذَارِ فَازْهَدُوا فِيمَا يَفْنَى وَارْغَبُوا فِيمَا يَبْقَى وَخَافُوا اللَّهَ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ؛ التوحيد، ص ٦٠

﴿٣٩٥﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام... أَفَّ لِلدُّنْيَا إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ يُسَلِّطُ اللَّهُ فِيهَا عَدُوَّهُ عَلَى وَلِيِّهِ وَإِنْ بَعْدَهَا دَارًا لَيْسَتْ هَكَذَا فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَآيُنَ تِلْكَ الدَّارُ فَقَالَ هَاهُنَا وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى الْأَرْضِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٣٠٤

﴿٣٩٦﴾ العسكري عليه السلام: أَمَّا الْبُرُّ فَالدُّنْيَا مَمْلُوءَةٌ آفَاتٍ وَبَلَايَا وَشُرُورٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٩٩

١-٤-١-٤- الرِّزِّيَّة

﴿٣٩٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا غُرُورٌ حَائِلٌ وَظِلٌّ زَائِلٌ وَسِنَادٌ مَائِلٌ تَصِلُ الْعُطْيَةُ بِالرِّزْيَةِ وَالْأُمْنِيَّةُ بِالْمَنِيَّةِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

﴿سرای بلا و گرفتاری﴾

﴿۳۸۷﴾ به دنیا با نگاه زاهدان نگاه کنید ... گویا آنچه از دنیا اکنون وجود دارد، به زودی نابود می‌شود و آنچه از امر آخرت محقق می‌شود، پیوسته خواهد بود؛ و هر چیزی که می‌آید، نزدیک است؛ بدانید دنیا سرایی است که کسی از آن سالم رد نمی‌شود مگر در آن سالم مانده باشد و با چیزی که متعلق به دنیا باشد، نجات میسر نیست. مردم به دنیا سخت آزمایش می‌شوند.

﴿۳۸۸﴾ خدایا، در این دنیا اندوه و ناراحتی و نگرانی و بلاهاست و در آخرت حساب و مجازات است، پس آسایش و گشایش کجاست؟!

﴿۳۸۹﴾ هیچ بنده‌ای به آسایش در دنیا عادت نخواهد کرد، مگر اینکه تلخی بلا را چشیده باشد.

﴿۳۹۰﴾ از دنیا جز بلا و فتنه چیزی باقی نمی‌ماند، مثل اعمال شما مثل یک ظرف است که اگر سر آن تمیز باشد حتماً کف آن نیز تمیز است ولی اگر سر آن کثیف باشد ته آن نیز کثیف خواهد بود.

﴿۳۹۱﴾ دنیا جای مصیبت و آزمایش است، هرچه در دنیا است در معرض فنا و نابودی است. ﴿۳۹۲﴾ دنیا سرای بلا و فنا و آخرت دار جزا و بقاست. پس اگر کسی بتواند باقی را بر فانی ترجیح دهد، باید چنین کند که آخرت می‌ماند و دنیا فانی است.

﴿۳۹۳﴾ دنیا سرای بلا و جایگاه زندگی [در حدّ کفایت] و رنج است.

﴿۳۹۴﴾ به‌درستی که دنیا خانه‌ی زحمت و آزمایش است و هرچه در آن است، به‌سوی زوال و نیستی می‌رود و خداوند این مطلب را به ما خبر داده تا عبرت بگیریم و در این مورد برای ما تهدیدهایی بیان کرده تا بعد از این انذارها، دیگر بهانه‌ای برای ما موجود نباشد. پس در منزلی که فانی است، زاهد باشید و به آنچه باقی است، رغبت نشان دهید و از خدا در پنهان و آشکارتان بترسید. ﴿۳۹۵﴾ ولیدبن صبیح از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «...أف بر این دنیا، أف بر این دنیا! همانا دنیا سرای بلایی است که خداوند در آن، دشمنش را بر دوستش چیره می‌گرداند و پس از آن سرایی در پیش است که چنین نیست». عرض کردم: «فدایت شوم! این سرا کجاست؟» فرمود: «اینجا» و با دست به زمین اشاره کرد.

﴿۳۹۶﴾ آن چاه دنیا است که از بلاها و آفت‌ها و مصیبت‌ها آکنده است.

۴-۱-۴-۱- مصیبت

﴿۳۹۷﴾ به‌درستی که دنیا فریب‌دهنده و تغییریابنده است و سایه‌ای است گذرا و تکیه‌گاهی است که فرومی‌ریزد. و عطایای آن به عزا و آرزوها به مرگ ختم می‌گردد.

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

١-٤-١-٥- المصيبةُ و النَّائبَةُ

﴿٣٩٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مَصَائِبُ مُفْجِعَةٌ وَمَنَايَا مُوجِعَةٌ وَعِبْرٌ [عِبْرَةٌ] مُقَطَّعَةٌ [مفصعة]؛ غرر الحكم، ص ١٣٢

﴿٣٩٩﴾ السَّجَّاد عليه السلام: إِنِّي لَأَكْرَهُ أَنْ يُعَافَى الرَّجُلُ فِي الدُّنْيَا وَلَا يُصِيبَهُ شَيْءٌ مِنَ الْمَصَائِبِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٤

﴿٤٠٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا جُمَّةُ الْمَصَائِبِ مَرَّةَ الْمَشَارِبِ لَا تُمَتَّعُ صَاحِبًا بِصَاحِبٍ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٧١

﴿٤٠١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مَلِيئَةٌ بِالْمَصَائِبِ طَارِقَةٌ بِالْفَجَائِعِ وَالنَّوَائِبِ؛ غرر الحكم، ص ١٣١

﴿٤٠٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الْمَرْءُ فِي الدُّنْيَا غَرَضٌ تَنْتَضِلُ فِيهِ الْمَنَايَا وَنَهْبٌ تُبَادِرُهُ الْمَصَائِبُ وَمَعَ كُلِّ جُرْعَةٍ شَرَقٌ وَفِي كُلِّ أَكْلَةٍ غَصَصٌ وَلَا يَنَالُ الْعَبْدُ نِعْمَةً إِلَّا بِفِرَاقٍ أُخْرَى وَلَا يَسْتَقْبِلُ يَوْمًا مِنْ غَمْرِهِ إِلَّا بِفِرَاقٍ آخَرَ مِنْ أَجَلِهِ فَنَحْنُ أَعْوَانُ الْمُنُونِ وَأَنْفُسُنَا نَصَبُ الْحُتُوفِ فَمِنْ أَيْنَ نَرْجُو الْبَقَاءَ وَهَذَا اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ لَمْ يَرْفَعَا مِنْ شَيْءٍ شَرَفًا إِلَّا أَسْرَعَا الْكُرَّةَ فِي هَدْمِ مَا بَنَيْنَا وَتَفْرِيقِ مَا جَمَعْنَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣٠

﴿٤٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَهْلُ الدُّنْيَا عَرَضُ النَّوَائِبِ وَذُرِّيَّةُ الْمَصَائِبِ وَنَهْبُ الرِّزَايَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٧

١-٤-١-٦- الْفِتْنَةُ

﴿٤٠٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: شَرُّ الْفِتَنِ مَحَبَّةُ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٩

﴿٤٠٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَمُفْسِدَةٌ الدِّينِ مُسْلِبَةُ الْيَقِينِ وَإِنَّهَا لِرَأْسُ الْفِتَنِ وَأَصْلُ الْمِحَنِ؛ غرر الحكم، ص ١٢٨

﴿٤٠٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ مِحْنٍ وَمَحَلُّ فِتْنٍ مِنْ سَاءَ مَا فَاتَتْهُ وَمَنْ قَعَدَ عَنْهَا وَاتَّهَتْ وَمَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتْهُ وَمَنْ بَصُرَ بِهَا بَصَرَتْهُ؛ غرر الحكم، ص ١٣٩

﴿٤٠٧﴾ زيارة الرسول صلى الله عليه وآله: وَالدُّنْيَا مُتَنَكِّرَةٌ لِأَهْلِهَا مُنْقَلِبَةٌ عَلَى أُنْبَائِهَا ثَمَرُهَا الْفِتْنُ؛ بحار الأنوار، ج ٩٧، ص ١٧٧

﴿٤٠٨﴾ عيسى عليه السلام: كَيْفَ يَنْجُو مِنْ فِتْنِ الدُّنْيَا مَنْ لَمْ يُدَاوِهَا بِالْجِدِّ وَالْاجْتِهَادِ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٠٩

«سرای بلا و گرفتاری»

۵-۱-۴-۱- مصیبت و گرفتاری

﴿۳۹۸﴾ دنیا مصیبت‌هایی فجیع، مرگ‌هایی دردناک و عبرت‌هایی قاطع و برّنده است.
﴿۳۹۹﴾ نمی‌پسندم انسان همیشه در دنیا در عافیت زندگی کند و به هیچ مصیبتی گرفتار نشود.

﴿۴۰۰﴾ دنیا آکنده از مصیبت است. آبشخورهایش تلخ است و دوستی را از دوستی بهره‌مند نمی‌گرداند.

﴿۴۰۱﴾ دنیا آکنده از مصیبت‌هاست و با فاجعه‌ها و رویدادهای تلخ، فرامی‌رسد.
﴿۴۰۲﴾ انسان در دنیا هدفی است که کمان‌های مرگ برای او کشیده شده‌اند و غنیمتی است که گرفتاری‌ها بر او پیشی می‌گیرند. و با هر جرعه آبی گرفتاری و با هر لقمه غذایی، غصّه‌هایی است. و بنده به نعمتی نمی‌رسد مگر با از دست‌دادن نعمتی دیگر. و هیچ روزی از عمرش را درک نمی‌کند مگر با از دست‌دادن روزی دیگر از عمر خود. پس ما یاران مرگ هستیم و جان‌های ما هدف نابودی است. پس از کجا به بقا امید داریم؟! و این شب و روز، شرافت چیزی را بالا نمی‌برند، مگر اینکه در نابودی آنچه بنیان نهاده‌اند و پراکنده‌ساختن آنچه جمع کرده‌اند، شتاب کنند.

﴿۴۰۳﴾ اهل دنیا در معرض گرفتاری‌ها و فرزندان مصیبت‌ها و دریافت‌کننده‌ی عزاه‌ها هستند.

۶-۱-۴-۱- فتنه

﴿۴۰۴﴾ بدترین فتنه‌ها حبّ و دوستی دنیا است.
﴿۴۰۵﴾ همانا دنیا هرآینه فاسدکننده‌ی دین و زایل‌کننده‌ی یقین است و به‌درستی که آن سر منشأ فتنه‌ها و اصل محنت‌هاست.

﴿۴۰۶﴾ دنیا جایگاه اندوه‌ها و منزل فتنه‌هاست. هرکس با آن مخالفت کند آن را از دست خواهد داد و هرکس به دنبال آن نرود، دنیا مطیعش می‌شود. هرکس به دنیا چشم بدوزد کور می‌شود و هرکس که بصیرت به خرج دهد چشمش به [حقیقت] دنیا بینا می‌گردد.
﴿۴۰۷﴾ دنیا برای اهلش لباس مبذل بر تن کرده و بر اهلش دگرگون شده است، میوه‌اش فتنه است.

﴿۴۰۸﴾ چگونه کسی که مصیبت‌ها و فتنه‌های دنیا با جدّ و جهد و کوشش درمان نمی‌کند از گرفتارشدن در دام آن‌ها رهایی می‌یابد؟!

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

﴿٤٠٩﴾ يَا مُوسَى الدُّنْيَا وَ أَهْلُهَا فِتْنٌ بَعْضُهَا لِبَعْضٍ فَكُلُّ مُزِينٍ لَهُ مَا هُوَ فِيهِ؛ بحار الأنوار، ج ١٣،

ص ٣٣٥

﴿٤١٠﴾ المجتبي (عليه السلام): إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ وَ فِتْنَةٍ وَ كُلُّ مَا فِيهَا فَإِلَى زَوَالٍ وَ اضْمِحْلَالٍ؛

بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ٥٤

﴿٤١١﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): كَثْرَةُ الدُّنْيَا قِلَّةٌ وَ عِزُّهَا ذِلَّةٌ وَ زَخَارِفُهَا مُضِلَّةٌ وَ مَوَاهِبُهَا فِتْنَةٌ؛

غرر الحكم، ص ١٢٩

﴿٤١٢﴾ الرسول (صلى الله عليه وآله): فَقَالَ لَهُ جِبْرِيلُ إِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا وَ الْأَمْوَالِ فِتْنَةٌ وَ مَشْغَلَةٌ عَنِ الْآخِرَةِ؛

الكافي، ج ٥، ص ٣١٢

﴿٤١٣﴾ الصادق (عليه السلام): لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا بَلَاءٌ وَ فِتْنَةٌ وَ مَا نَجَا مِنْ نَجَا إِلَّا بِصِدْقِ الْإِنِّجَاءِ؛

مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٨٥

﴿٤١٤﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): أَنْظَرُوا إِلَى الدُّنْيَا نَظَرَ الزَّاهِدِينَ فِيهَا... مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الدُّنْيَا عَنْ

قَلِيلٍ لَمْ يَكُنْ وَ كَانَ مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الْآخِرَةِ لَمْ يَزَلْ وَ كُلُّ مَا هُوَ آتٍ قَرِيبٌ إِلَّا وَ إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ لَا

يُسَلِّمُ مِنْهَا إِلَّا فِيهَا وَ لَا يُنْجَى بِشَيْءٍ كَانَ لَهَا ابْتِلَى النَّاسُ بِهَا فِتْنَةً؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١١٨

﴿٤١٥﴾ الرسول (صلى الله عليه وآله): إِنَّمَا بَقِيَ مِنَ الدُّنْيَا بَلَاءٌ وَ فِتْنَةٌ وَ إِنَّمَا مَثَلُ أَحَدِكُمْ مَثَلُ الْوِعَاءِ إِذَا

طَابَ أَغْلَاهُ طَابَ أَسْفَلُهُ وَ إِذَا خَبِثَ أَغْلَاهُ خَبِثَ أَسْفَلُهُ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٤٨

﴿٤١٦﴾ السَّجَّاد (عليه السلام): أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الطَّوَاغِيتُ وَ اتَّبَاعُهُمْ مِنْ أَهْلِ الرَّغْبَةِ فِي الدُّنْيَا

الْمَائِلُونَ إِلَيْهَا الْمُقْتُونُونَ بِهَا الْمُقْبِلُونَ عَلَيْهَا وَ عَلَى حُطَامِهَا الْهَامِدِ وَ هَشِيمِهَا الْبَائِدِ غَدًا؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٤٨

﴿٤١٧﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): فَالدُّنْيَا مُتَهَجِّمَةٌ فِي وَجْهِ أَهْلِهَا مُكْفَهَرَةٌ مُدْبِرَةٌ غَيْرُ مُقْبِلَةٍ ثَمَرَتُهَا

الْفِتْنَةُ؛ الكافي، ج ١، ص ٦٠

﴿٤١٨﴾ الرسول (صلى الله عليه وآله): فَلَيْسَتْ الدُّنْيَا بِأَهْلٍ كَرَامَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ تَدْعُو إِلَى فِتْنَةٍ وَ خَسَارٍ؛

أعلام الدين، ص ٢٧٩

١-٧-١-٤-١- المحنة

﴿٤١٩﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ مِحْنٍ وَ مَحَلُّ فِتْنٍ مِنْ سَاءِهَا فَاتَتْهُ وَ مَنْ قَعَدَ عَنْهَا

وَأَتَتْهُ وَ مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتْهُ وَ مَنْ بَصَرَ بِهَا بَصَّرَتْهُ؛ غرر الحكم، ص ١٣٩

﴿سرای بلا و گرفتاری﴾

﴿۴۰۹﴾ ای موسی دنیا و مردم آن برای یکدیگر فتنه هستند، هر کدام خودش را برای دیگری می‌آراید.

﴿۴۱۰﴾ دنیا جای مصیبت و آزمایش است، هرچه در دنیاست در معرض فنا و نابودی است.

﴿۴۱۱﴾ بسیاری دنیا کمی و عزّت آن خواری است. و آرایش‌های آن گمراه‌کننده و بخشش‌های آن فتنه است.

﴿۴۱۲﴾ جبرئیل به پیامبر ﷺ عرض کرد: «همانا محبّت دنیا و اموال فتنه‌ای است که آدمی را از یاد آخرت غافل می‌سازد».

﴿۴۱۳﴾ از دنیا جز فتنه و گرفتاری چیزی باقی نمانده است. و کسی جز از طریق پناه با صدق و صفا به خداوند، نجات پیدا نمی‌کند.

﴿۴۱۴﴾ به دنیا با نگاه زاهدان نگاه کنید ... گویا آنچه از دنیا اکنون وجود دارد، به زودی نابود می‌شود و آنچه از امر آخرت محقّق می‌شود، پیوسته خواهد بود؛ و هر چیزی که می‌آید، نزدیک است؛ بدانید دنیا سرایی است که کسی از آن سالم رد نمی‌شود مگر در آن سالم مانده باشد و با چیزی که متعلّق به دنیا باشد، نجات میسر نیست. مردم به دنیا سخت آزمایش می‌شوند.

﴿۴۱۵﴾ از دنیا جز بلا و فتنه چیزی باقی نمی‌ماند، مثّل اعمال شما مثّل یک ظرف است که اگر سر آن تمیز باشد حتماً کف آن نیز تمیز است ولی اگر سر آن کثیف باشد ته آن نیز کثیف خواهد بود.

﴿۴۱۶﴾ مؤمنان! مبدا این سرکشان و پیروانشان، از آرزومندان دنیا که دلباخته و شیفته‌ی آن هستند، آنان که به دنیا و کالای پوسیده‌ی ناچیزش و گیاه خشکیده‌ی نابودشدنی‌اش در فردا روی نهاده‌اند، شما را بفریبند.

﴿۴۱۷﴾ دنیا بر رخسار مردم عبوس و روی در هم کشیده بود، به آن‌ها پشت گردانیده و روی خوش نشان نمی‌داد، میوه‌ی دنیا آشوب بود.

﴿۴۱۸﴾ دنیا شایسته‌ی گرامی‌داشتن نیست که هر روز فتنه و خسارتی به بار می‌آورد.

۷-۱-۴-۱-اندوه

﴿۴۱۹﴾ دنیا جایگاه اندوه‌ها و منزل فتنه‌هاست. هرکس با آن مخالفت کند آن را از دست خواهد داد و هرکس به دنبال آن نرود، دنیا مطیعش می‌شود. هرکس به دنیا چشم بدوزد کور می‌شود و هرکس که بصیرت به خرج دهد چشمش به [حقیقت] دنیا بینا می‌گردد.

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

﴿٤٢٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَمُفْسِدَةٌ الدِّينِ مُسْلِبَةٌ الْيَقِينِ وَإِنَّهَا لِرَأْسُ الْفِتَنِ وَأَصْلُ الْمِحَنِ؛ غرر الحكم، ص ١٢٨

﴿٤٢١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ عَنَاءٍ وَفَنَاءٍ وَغَيْرٍ وَعَبْرٍ وَمَحَلُّ فِتْنَةٍ وَمِخْنَةٍ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

﴿٤٢٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا دَارُ الْمِحَنِ؛ غرر الحكم، ص ١٣١

﴿٤٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا دَارُ الْمِخْنَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٣١

١-٨-١-٤-١-٨ فَقَدْ الْأَمْنُ

﴿٤٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ الْبَلَاءِ مَعْرُوفَةٌ وَبِالْغَدْرِ مَوْصُوفَةٌ لَا تَدُومُ أَحْوَالُهَا وَلَا يَسْلُمُ نَزَائِلُهَا الْعَيْشُ فِيهَا مَذْمُومٌ وَالْأَمَانُ فِيهَا مَعْدُومٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

﴿٤٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ الدُّنْيَا لَا يَدُومُ نَعِيمُهَا وَلَا تُوْمَنُ فَجَائِعُهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦٥
١-٩-١-٤-١-٩ فَقَدْ الْعِصْمَةُ

﴿٤٢٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تَعْصِمُ الدُّنْيَا مَنْ لَجَأَ إِلَيْهَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٠
١-١٠-١-٤-١-١٠ فَقَدْ التَّمَتُّعُ بِهَا

﴿٤٢٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَاحْذَرِكُمُ الدُّنْيَا الَّتِي لَمْ يُتَمَنَّعْ بِهَا أَحَدٌ قَبْلَكُمْ وَلَا تَبْقَى لِأَحَدٍ بَعْدَكُمْ فَسَبِيلُ مَنْ فِيهَا سَبِيلُ الْمَاضِينَ مِنْ أَهْلِهَا أَلَا وَإِنَّهَا قَدْ تَصَرَّمَتْ وَأَذَتْ بِانْقِضَاءٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ١٥٧

١-١١-١-٤-١-١١ مَنَزَلٌ جَذْبُ

﴿٤٢٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا بُنَيَّ إِنِّي قَدْ أَنْبَأْتُكَ عَنِ الدُّنْيَا وَحَالِهَا وَزَوَالِهَا وَانْتِقَالِهَا ... مَثَلُ مَنْ اغْتَرَّ بِهَا كَمَثَلِ قَوْمٍ كَانُوا بِمَنْزِلٍ خَصِيبٍ فَنَبَا بِهِمْ إِلَى مَنْزِلٍ جَدِيبٍ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَهَ إِلَيْهِمْ وَلَا أَقْطَعَ عِنْدَهُمْ مِنْ مُفَارَقَةٍ مَا كَانُوا فِيهِ إِلَى مَا يَهْجُمُونَ عَلَيْهِ وَيَصِيرُونَ إِلَيْهِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٦، ص ٨٢

١-٢-١-٤-١-٢ الفَجِيعَةُ

١-٢-١-٤-٢-١ الفَجِيعَةُ

﴿٤٢٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا عَيْشُهَا قَصِيرٌ وَخَيْرُهَا يَسِيرٌ وَإِقْبَالُهَا خَدِيعَةٌ وَإِدْبَارُهَا فَجِيعَةٌ وَلَذَاتُهَا فَانِيَةٌ وَتَبَعَاتُهَا بَاقِيَةٌ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

﴿٢٣٢﴾

﴿سرای بلا و گرفتاری﴾

﴿۴۲۰﴾ همانا دنیا هرآینه فاسدکننده‌ی دین و زایل‌کننده‌ی یقین است و به‌درستی که آن سر منشأ فتنه‌ها و اصل محنت‌هاست.

﴿۴۲۱﴾ به‌درستی که دنیا خانه‌ی تعب و فنا و تغییرات و عبرت‌ها؛ و جایگاه فتنه و محنت است.

﴿۴۲۲﴾ دنیا سرای محنت‌هاست.

﴿۴۲۳﴾ دنیا خانه‌ی رنج و محنت است.

۱-۴-۱-۸- فقدان امنیّت

﴿۴۲۴﴾ به‌درستی که دنیا منزلی است که به بلاهایش شناخته شده و معروف است و با مکر و نیرنگ‌هایش توصیف می‌شود، احوال آن ماندگار نیست و ساکنان آن در امان و سلامت نیستند، زندگی در آن نکوهیده است و امنیّت در آن موجود نیست.

﴿۴۲۵﴾ بندگان خدا! تقوای خدا را پیشه کنید، در طلب بکوشید و پیش از آنکه علاقه‌ها قطع شود و مرگ فرارسد و پراکنده‌کننده‌ی اجتماعات جلو آید، عمل کنید؛ زیرا نعمت دنیا دوامی ندارد و امنیتی در مقابل فجایع و دشواری‌هایش نیست.

۱-۴-۱-۹- عدم نگهبانی و نگهداری

﴿۴۲۶﴾ دنیا کسی را که به‌سوی آن پناه برده باشد، نگهداری نمی‌کند.

۱-۴-۱-۱۰- عدم بهره‌گیری از آن

﴿۴۲۷﴾ شما را از دنیایی که مردم پیش از شما کامی از آن نگرفته و پس از شما نیز برای کسی باقی نخواهد ماند، برحذر می‌دارم. سرنوشت کسانی که در آن هستند، همان سرنوشت گذشتگان است. آگاه باشید گویا دنیا پایان یافته و وداع خویش را اعلام کرده است.

۱-۴-۱-۱۱- سرزمین خشک

﴿۴۲۸﴾ فرزندانم، من تو را از دنیا و تغییراتش و از نابودی و دست به دست گردیدنش آگاه و باخبر ساختم ... اما داستان دنیاپرستان همانند گروهی است که از جایگاهی پر از نعمت‌ها می‌خواهند به سرزمین خشک و بی‌آب و علف کوچ کنند، پس در نظر آنان چیزی ناراحت‌کننده‌تر از این نیست که از جایگاه خود جدا می‌شوند، و ناراحتی‌ها را باید تحمل کنند.

۱-۴-۲- فاجعه و مصیبت

۱-۴-۲-۱- فاجعه

﴿۴۲۹﴾ زندگی در دنیا کوتاه و خیر دنیا اندک است، و اقبال دنیا [به انسان] نوعی نیرنگ و پشت‌کردن دنیا فاجعه است. لذت‌های دنیا فانی و تبعات آن (کردار بد) که در قیامت گریبان‌گیر می‌شود، باقی است.

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

١-٤-٢-٢- المَفْجَعَةُ

﴿٤٣٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مَصَائِبُ مَفْجَعَةٌ وَمَنَايَا مُوجِعَةٌ وَعِبْرٌ [عِبْرَةٌ] مَقْطَعَةٌ

[مفصعة]؛ غرر الحكم، ص ١٣٢

١-٤-٢-٣- الْفَجَاعَةُ

﴿٤٣١﴾ الصادق عليه السلام: يَا بَنِي آدَمَ اهْرَبُوا مِنَ الدُّنْيَا إِلَى اللَّهِ وَآخِرُجُوا قُلُوبَكُمْ عَنْهَا فَإِنَّكُمْ لَا تَصْلُحُونَ لَهَا وَلَا تَصْلُحُ لَكُمْ وَلَا تَبْقَى فِيهَا وَلَا تَبْقَى لَكُمْ هِيَ الْخَدَاعَةُ الْفَجَاعَةُ الْمَغْرُورُ مَنْ اغْتَرَبَهَا الْمَغْبُورُ مَنْ اطْمَنَّ إِلَيْهَا الْهَالِكُ مَنْ أَحَبَّهَا وَارَادَهَا فَتَوَبَّأُوا إِلَى بَارِئِكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٢٨٨

١-٤-٢-٤- طَارِقَةٌ بِالْفَجَائِعِ

﴿٤٣٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مَلِيئَةٌ بِالْمَصَائِبِ طَارِقَةٌ بِالْفَجَائِعِ وَالنَّوَابِ؛ غرر الحكم، ص ١٣١

١-٤-٢-٥- دَارُ فَجَائِعَ

﴿٤٣٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ فَجَائِعَ مَنْ غَوَجَلَ فِيهَا فُجِعَ بِنَفْسِهِ وَمَنْ أُمْهَلَ فِيهَا

فُجِعَ بِأَحْيَتِهِ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

١-٤-٣- لَا رَاحَةَ فِيهَا

﴿٤٣٤﴾ السَّجَاد عليه السلام: مَنْ طَلَبَ الْغِنَى وَالْأَمْوَالَ وَالسَّعَةَ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّمَا يَطْلُبُ ذَلِكَ لِلرَّاحَةِ وَالرَّاحَةَ لَمْ تَخْلُقْ فِي الدُّنْيَا وَلَا لِأَهْلِ الدُّنْيَا إِنَّمَا خُلِقَتِ الرَّاحَةُ فِي الْجَنَّةِ وَلِأَهْلِ الْجَنَّةِ وَالتَّعَبُ وَالنَّصَبُ خُلِقَا فِي الدُّنْيَا وَلِأَهْلِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٩٢

﴿٤٣٥﴾ الرسول ﷺ: وَوَضَعْتُ الرَّاحَةَ فِي الْجَنَّةِ وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَهَا فِي الدُّنْيَا فَلَا يَجِدُونَهَا؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٠١

﴿٤٣٦﴾ السَّجَاد عليه السلام: إِلَهِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا هُمُومٌ وَآخْزَانٌ وَغُمُومٌ وَبَلَاءٌ وَفِي الْآخِرَةِ حِسَابٌ

وَعِقَابٌ فَأَيْنَ الرَّاحَةُ وَالْفَرَجُ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٢٨

١-٤-٣-١- الْعَيْشُ فِيهَا مَذْمُومٌ

﴿٤٣٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ بِلْبَاءٍ مَعْرُوفَةٌ وَبِالْغَدْرِ مَوْصُوفَةٌ لَا تَدُومُ أَحْوَالُهَا وَ

لَا يَسْلَمُ نَزَالُهَا الْعَيْشُ فِيهَا مَذْمُومٌ وَالْأَمَانُ فِيهَا مَعْدُومٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

١-٤-٣-٢- دَارٌ لَا يَسْلَمُ نَزَالُهَا

﴿٤٣٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ بِلْبَاءٍ مَعْرُوفَةٌ وَبِالْغَدْرِ مَوْصُوفَةٌ لَا تَدُومُ أَحْوَالُهَا وَ

لَا يَسْلَمُ نَزَالُهَا الْعَيْشُ فِيهَا مَذْمُومٌ وَالْأَمَانُ فِيهَا مَعْدُومٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

«سرای بلا و گرفتاری»

۲-۴-۱- فجیع

﴿۴۳۰﴾ دنیا مصیبت‌هایی فجیع، مرگ‌هایی دردناک و عبرت‌هایی قاطع و برّنده است.

۳-۴-۱- مصیبت‌بار

﴿۴۳۱﴾ عیسی بن مریم علیه السلام به اصحابش فرمود: «ای فرزندان آدم، از دنیا به‌سوی خدا بگریزید و دل از آن بردارید که آن را نمی‌توانید اصلاح کنید و آن هم شما را اصلاح نمی‌کند، در دنیا نخواهید ماند و دنیا نیز برای شما نخواهد ماند. و دنیا پر از فریب و خدعه است. کسی که به دنیا مغرور شود، فریب خورده است. آن که به آن دل دهد، مغبون است و آن که آن را دوست دارد و بخواهد، هلاک است. پس به‌سوی خدا توبه کنید.

۴-۴-۱- فرار‌سنده با فاجعه‌ها

﴿۴۳۲﴾ دنیا آکنده از مصیبت‌هاست و با فاجعه‌ها و رویدادهای تلخ، فرامی‌رسد.

۵-۴-۱- سرای مصیبت‌ها

﴿۴۳۳﴾ به‌درستی که دنیا خانه‌ی مصیبت‌هاست؛ هرکس در دنیا عجله کند، در آن مصیبت‌زده می‌شود و هرکس در آن مهلت داده شود، دوستانش مصیبت‌زده می‌شوند.

۳-۴-۱- آسایش در دنیا نیست

﴿۴۳۴﴾ کسی که خواهان بی‌نیازی و اموال و وسعت در دنیا است، برای فراهم کردن آسودگی به دنبال این امور است. و آسایش در دنیا و برای اهل دنیا خلق نشده است؛ آسودگی در بهشت و برای اهل بهشت خلق شده است. و سختی و دشواری برای دنیا و اهل دنیا خلق شده‌اند.

﴿۴۳۵﴾ من آرامش را در بهشت قرار دادم، اما مردم آن را در دنیا طلب می‌کنند و نمی‌یابند.

﴿۴۳۶﴾ خدایا، در این دنیا اندوه و ناراحتی و نگرانی و بلاهاست و در آخرت حساب و مجازات

است، پس آسایش و گشایش کجاست؟!

۱-۴-۳- زندگی در آن نکوهیده است

﴿۴۳۷﴾ به‌درستی که دنیا منزلی است که به بلاهایش شناخته شده و معروف است و با مکر و نیرنگ‌هایش توصیف می‌شود، احوال آن ماندگار نیست و ساکنان آن در امان و سلامت نیستند، زندگی در آن نکوهیده است و امنيّت در آن موجود نیست.

۲-۴-۳- سرای ناامنی

﴿۴۳۸﴾ به‌درستی که دنیا منزلی است که به بلاهایش شناخته شده و معروف است و با مکر و نیرنگ‌هایش توصیف می‌شود، احوال آن ماندگار نیست و ساکنان آن در امان و سلامت نیستند، زندگی در آن نکوهیده است و امنيّت در آن موجود نیست.

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

١-٤-٤- المنع

﴿٤٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَاحْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا غَدَارَةٌ غَرَارَةٌ خَدُوعٌ مُعْطِيَةٌ مَنْوَعٌ مُلْبِسَةٌ نَزُوعٌ لَا يَدُومُ رَخَاؤُهَا وَلَا يَنْقُضِي عَنَاؤُهَا وَلَا يَرُكُّدُ بِلَاؤُهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٨٣

١-٤-٥- النقص و فَقْدُ الْكَمَالِ

١-٤-٥-١- النقص

﴿٤٤٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَحَقُّ النَّاسِ بِالزَّهَادَةِ مَنْ عَرَفَ نَقْصَ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ٢٧٥

١-٤-٥-٢- فَقْدُ الْكَمَالِ

﴿٤٤١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْكَمَالُ فِي الدُّنْيَا مَفْقُودٌ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

١-٤-٦- المر

١-٤-٦-١- المر

﴿٤٤٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا خَيْرُهَا زَهِيدٌ وَشَرُّهَا عَتِيدٌ وَلَذَّتْهَا قَلِيلَةٌ وَحَسْرَتُهَا طَوِيلَةٌ تَشُوبُ نَعِيمَهَا بُؤْسٌ وَتَقْرِنُ سُعُودَهَا بِنُحُوسٍ وَتَصِلُ نَفْعَهَا بِضُرٍّ وَتَمَزِجُ خُلُوقَهَا بِمُرٍّ؛ غرر الحكم، ص ١٣١

﴿٤٤٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا جُمَّةُ الْمَصَائِبِ مَرَّةً الْمَشَارِبِ لَا تُمَتَّعُ صَاحِبًا بِصَاحِبٍ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٧١

﴿٤٤٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَرَارَةُ الدُّنْيَا حَلَاوَةُ الْآخِرَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٧

﴿٤٤٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: دُنْيَا عَدِمْتُكَ مَا أَمَرَكِ، لِمُكْثَرِينَ فَمَا أَضْرَكَ، مَا ذَاقَ خَيْرَكَ ذَاقُ، إِلَّا صَبَّتَ عَلَيْهِ شَرُّكَ؛ ديوان الإمام علي عليه السلام، ص ١٩٦

١-٤-٦-٢- الصبر

﴿٤٤٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خُلُوْ الدُّنْيَا صَبْرٌ وَغَدَاؤُهَا سِمَامٌ وَأَسْبَابُهَا رِمَامٌ؛ غرر الحكم، ص ١٢٨

١-٤-٦-٣- التكدّر

﴿٤٤٧﴾ الرسول ﷺ: هَبْطَ إِلَى جَبْرِئِيلَ عليه السلام فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ الْحَقُّ يُفْرُتُكَ السَّلَامُ وَيَقُولُ لَكَ إِنِّي أَوْحَيْتُ إِلَى الدُّنْيَا أَنْ تَمَرَّرَى وَتَكْدَرِي وَتَصْبِقِي وَتَشْدَدِي عَلَى أَوْلِيَائِي حَتَّى يُحِبُّوا لِقَائِي وَتَيْسَرِي وَتَسَهِّلِي وَتَطْيِبِي لِأَعْدَائِي حَتَّى يُبْغِضُوا لِقَائِي فَإِنِّي جَعَلْتُ الدُّنْيَا سِجْنًا لِأَوْلِيَائِي وَجَنَّةً لِأَعْدَائِي؛ بحار الأنوار، ج ٧٨، ص ١٩٤

﴿سرای بلا و گرفتاری﴾

۴-۴-۱- مانع شدن

﴿۴۳۹﴾ از دنیا برحذر باشید، که حيله گر و فریبنده و نیرنگ باز است، بخشنده‌ای بازپس گیرنده، و پوشنده‌ای برهنه کننده است، آسایش دنیا بی دوام و سختی‌هایش بی پایان و بلاهایش دائمی است.

۴-۴-۵- نقص و فقدان کمال

۱-۴-۵-۱- نقص

﴿۴۴۰﴾ کسی که به بی‌ارزشی و نقص‌های دنیا آگاه است، سزاوار است که زاهدانه‌تر زندگی کند.

۲-۴-۵-۱- فقدان کمال

﴿۴۴۱﴾ کمال در دنیا گم شده‌ای است.

۴-۴-۶- تلخ و ناگوار

۱-۴-۶-۱- تلخ

﴿۴۴۲﴾ نیکی‌های دنیا اندک و بدی‌های آن مهیا [و همیشگی] است، لذت‌های آن کم و حسرت‌های آن طولانی است، نعمت‌های آن به سختی آغشته و نیک‌بختی آن با نحسی همراه است، منافع آن ختم به ضرر شده و شیرینی آن با تلخی مخلوط می‌شود.

﴿۴۴۳﴾ دنیا آکنده از مصیبت است. آب‌شخورهای تلخ است و دوستی را از دوستی بهره‌مند نمی‌گرداند.

﴿۴۴۴﴾ تلخی دنیا شیرینی آخرت است.

﴿۴۴۵﴾ ای دنیا! تو را کنار می‌گذارم، چقدر تلخی! چقدر برای کسی که در طلب تو بسیار می‌کوشد زیانباری. هیچ کس طعم خیر و نیکی تو را نچشیده مگر آنکه شرّ را بر او ریخته باشی.

۲-۴-۶-۱- ناگوار

﴿۴۴۶﴾ شیرینی و [لذات] دنیا تلخ و غذاهای آن، چون سمّ کشنده و اسباب و علل آن پوسیده [و غیرقابل اعتماد است].

۳-۴-۶-۱- تیرگی و کدورت

﴿۴۴۷﴾ پیامبر ﷺ فرموده است: جبرئیل علیه السلام در نیکوترین شکل بر من فرود آمد و گفت: ای محمد، خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: «به دنیا وحی نموده‌ام نسبت به اولیای من تلخ و مکدر باش و آنان را در تنگنا و سختی قرار ده تا ملاقات مرا دوست بدانند. و برای دشمنانم سهل و آسان و گوارا باش تا از ملاقات من متنفر باشند، به راستی که دنیا را زندان دوستان و بهشت دشمنان خویش قرار داده‌ام».

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

﴿٤٤٨﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَطْلُعُ عَلَى الدُّنْيَا فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ فَيَقُولُ يَا دُنْيَا أَنْتِ دَنِيَّةٌ فَتَكْدِرِي عَلَى عَبْدِي الْمُؤْمِنِ وَلَا تَحْلِي لَهُ فَيَفْتِنَ مَنْ خَدَمَكَ فَاسْتَخْدِمِيهِ وَمَنْ خَدَمَنِي فَاحْدِمِيهِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢٠٠
٤-٤-١- لَا تَصْفُو

﴿٤٤٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا لَا تَصْفُو لِشَارِبٍ وَلَا تَقِي لِصَاحِبٍ؛ غرر الحكم، ص ١٣٧
٤-٤-١- مَشْرَعُ الدُّنْيَا رَدْغٌ وَرَبْقٌ مَشْرَبُهَا

﴿٤٥٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا وَهْنٌ مَطْلَبُهَا رَبْقٌ مَشْرَبُهَا رَدْغٌ مَشْرَعُهَا غَرُورٌ مَاحِلٌ وَسَمٌ قَاتِلٌ وَسِنَادٌ مَائِلٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١١٦
٤-٤-١- النَّغْصُ

﴿٤٥١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا سَرِيعَةُ التَّحَوُّلِ كَثِيرَةُ التَّنْقُلِ شَدِيدَةُ الْغَدْرِ دَائِمَةُ الْمَكْرِ فَاحْوَالُهَا تَنْزَلُ وَنَعِيمُهَا يَتَبَدَّلُ وَرَخَاوُهَا يَنْقُصُ وَلَذَاتُهَا تَنْغْصُ وَطَالِبُهَا يَذِلُّ وَرَاكِبُهَا يَزِلُّ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

﴿٤٥٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ شُخُوصٍ وَمَحَلَّةٌ تَنْغِصُ، سَاكِنُهَا ظَاعِنٌ وَقَاطِنُهَا بَائِنٌ وَبَرَقُهَا خَالِبٌ وَنُطْقُهَا كَاذِبٌ وَأَمْوَالُهَا مَحْرُوبَةٌ وَأَعْلَاقُهَا مَسْلُوبَةٌ وَهِيَ الْمُتَصَدِّقَةُ لِلْعِيُونِ وَالْجَامِحَةُ الْحُرُونِ وَالْمَانِيَةُ الْخَثُونِ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

﴿٤٥٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَغَلَبَةُ الدُّنْيَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ فَإِنْ عَاجَلَهَا نَغْصَةٌ وَآجَلَهَا غُصَّةٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٦
٤-٤-١- التَّنْغِصُ

﴿٤٥٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ خَبَالٍ وَوَبَالٍ وَزَوَالٍ وَانْتِقَالٍ، لَا تُسَاوِي لَذَاتُهَا تَنْغِصَهَا، وَلَا يَفِي سَعُودُهَا بِنُحُوسِهَا وَلَا يَقُومُ صُعُودُهَا بِهَبْوَطِهَا؛ غرر الحكم، ص ١٢٨
﴿٤٥٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَأَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا دَارُ شُخُوصٍ وَمَحَلَّةٌ تَنْغِصُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣٣

٤-٤-١- الْمُتَهَجِّمَةُ

﴿٤٥٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَالدُّنْيَا مُتَهَجِّمَةٌ فِي وُجُوهِ أَهْلِهَا مُكْفَهَرَةٌ مُدْبِرَةٌ غَيْرُ مُقْبِلَةٍ؛ الكافي، ج ١، ص ٦٠

﴿سرای بلا و گرفتاری﴾

﴿۴۴۸﴾ خداوند عزّ و جل روزی یک یا دو بار به دنیا سرکشی می‌کند و می‌فرماید: «ای دنیا! تو پست هستی، پس بر بنده‌ی مؤمن من مکدر [و سخت] باش و خود را برای او زینت نده که فریب نخورد. هرکس به تو خدمت کرد تو نیز به او خدمت کن و هرکس به من خدمت کرد من خودم به او خدمت می‌کنم».

۴-۶-۱- گوارا نیست

﴿۴۴۹﴾ دنیا برای کسی که آن را بنوشد، گوارا نیست و به صاحب خود وفا نمی‌کند.

۴-۶-۱- رودخانه‌اش گل و لای فراوان به همراه دارد و برای نوشیدن ناگوار

﴿۴۵۰﴾ طلب دنیا وهن و نوشیدن از آن کدر است و رودخانه‌اش گل و لای فراوان به همراه دارد؛ فریبی است که با سخن‌چینی نیرنگ می‌زند و سمّی کشنده دارد و معیوبی است که متمایل به فروافتادن است.

۴-۶-۱- کدورت

﴿۴۵۱﴾ دنیا سریع دگرگون می‌شود و بسیار جابه‌جا می‌گردد، مکرهایش شدید و نیرنگ‌هایش دائمی است. روزگارش متزلزل و نعمت‌هایش در حال تبدیل است. آرامش آن کاسته شده و لذّت‌های آن منع می‌شوند، طلب‌کننده‌ی دنیا ذلیل می‌شود و سواره‌ی بر مرکب دنیا، خواهد لرزید.

﴿۴۵۲﴾ به‌درستی که دنیا خانه‌ی رفتن است و جایگاه کدورت، ساکن آن رونده است و اقامت‌کننده‌ی آن جداشونده است. و برق آن فریب‌دهنده است و گفته‌ی آن دروغ است. و اموال آن گرفته شده است. و کالاهایش ربوده شده است. آگاه باش و دنیا چون چهارپایی است پرستیز و با جست و خیز و خیانت‌کار.

﴿۴۵۳﴾ از غلبه‌ی دنیا بر نفس‌هایتان بپرهیزید، پس به‌درستی که امور زودگذر آن زیان می‌زند و اموری که در دسترس نیست، فقط غصّه به همراه می‌آورد.

۴-۶-۱- گرفتاری و نکبت

﴿۴۵۴﴾ به‌درستی که دنیا جایگاه هلاک و گریبان‌گیری و زوال و جابه‌جایی است، و لذّت‌های آن به‌قدر گرفتاری و نکبت آن، نیکی آن به‌قدر نحسی آن و بلندی آن به‌قدر سقوط [در] آن نیست.

﴿۴۵۵﴾ شما را از گرایش به دنیا برحذر می‌دارم؛ دنیا شما را ناراحت می‌کند و زندگی شما را بر هم می‌زند.

۴-۶-۱- روی در هم کشیده

﴿۴۵۶﴾ دنیا بر رخسار مردم عبوس و روی در هم کشیده بود، به آن‌ها پشت گردانیده و روی خوش نشان نمی‌داد.

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

٧-٤-١- الشَّوْكُ

﴿٤٥٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اجعل الدنيا شوكةً وانظر أين تضع قدمك منها؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٢

١-٧-٤-١- نَوْرُ الْوَرْدِ الْمَحْفُوفِ بِالشَّوْكِ

﴿٤٥٨﴾ صحف ادريس عليه السلام: فكروا في هذه الدنيا التي تفتن بزبرج زخارفها وتخدع بحلاوة تصاريفها ولذاتها شبيهة بنور الورد المحفوف بالشوك الكثير فهو ما دام زاهراً يروق العيون ويسر النفوس وهو مع ذلك ممتنع بالشوك المفرح يد متناوله فإذا مضت ساعات قليلة انتشر الزهر وبقي الشوك؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٦٨

٨-٤-١- الإغسارُ

١-٨-٤-١- السَّجْنُ

﴿٤٥٩﴾ لقمان عليه السلام: يا بني اجعل الدنيا سجنك فتكون الآخرة جنتك؛ بحار الأنوار، ج ١٣،

ص ٤٢٧

﴿٤٦٠﴾ الرسول ﷺ: يا أبا ذر الدنيا سجن المؤمن وجنة الكافر وما أصبح فيها مؤمن إلّا وهو حزين فكيف لا يحزن وقد أوعد الله أنه وارد جهنم؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٥٥

﴿٤٦١﴾ الصادق عليه السلام: عن محمد بن عجلان قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام فشكا إليه رجل

الحاجة فقال له اصبر... أما علمت أنّ الدنيا سجن المؤمن؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٥٠

﴿٤٦٢﴾ الرسول ﷺ: إنّ الدنيا سجن المؤمن لأن الموت غير مطلوب للمؤمن لذاته إنّما يطلبه

للحياة المتعقبة له؛ شرح نهج البلاغة، ج ٨، ص ٢٩٠

﴿٤٦٣﴾ الرسول ﷺ: الدنيا سجن المؤمن وجنة الكافر وقال لو كان المؤمن في جحر فارة

لقيض الله فيه من يؤذيه وقال المؤمن مكفر؛ بحار الأنوار، ج ٦٤، ص ٢٣٨

﴿٤٦٤﴾ الصادق عليه السلام: الدنيا سجن المؤمن فأى سجن جاء منه خير؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٥٠

﴿٤٦٥﴾ الرسول ﷺ: الدنيا سجن المؤمن وجنة الكافر فأما المؤمن فيروغ فيها وأما الكافر

فيمتّع فيها؛ بحار الأنوار، ج ٦٤، ص ٢٤٢

﴿٤٦٦﴾ يا عيسى الدنيا سجن ضيق تنن الرياح وحسن فيها ما قد ترى ممّا يتذابح عليه

الجبارون؛ أعلام الدين، ص ٢٣١

﴿٤٦٧﴾ عيسى عليه السلام: يا عيسى عليه السلام إنّ الدنيا سجن ضيق متين الرياح وخشِنُ الأمالي للصدق، ص ٥١٧

«سرای بلا و گرفتاری»

۷-۴-۱- خارستان

﴿۴۵۷﴾ دنیا را خارستانی حساب کن، متوجه باش پای خود را کجا می گذاری.

۱-۴-۷-۱ شکوفه‌ی گلی پیچیده در خار

﴿۴۵۸﴾ در این دنیا اندیشه کنید که به وسیله‌ی زینت زیبایی‌هایش می‌فریبد و به شیرینی حوادث و لذتش نیرنگ می‌کند، همچون شکوفه‌ی گل سرخی است که با خارها پیچیده شده و پیوسته شکوفاست و چشم‌ها را خیره می‌کند و جان‌ها را شادی می‌بخشد ولی با این حال، دور از دسترس است و آن به دلیل خاری است که دست طالب آن را مجروح می‌کند و بعد از لحظاتی اندک، گل پرپر می‌شود و خار می‌ماند.

۸-۴-۱- سختی

۱-۴-۸-۱ زندان

﴿۴۵۹﴾ ای پسر، دنیا را زندان خودت قرار بده تا آخرت بهشت تو شود.
﴿۴۶۰﴾ ای ابوذر! دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است، هیچ مؤمنی در آن نمی‌آید مگر آنکه محزون می‌گردد. چگونه محزون نگردد درحالی که خداوند وعده داده که همه وارد جهنم می‌گردند.

﴿۴۶۱﴾ محمد بن عجلان گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) بودم که مردی از نیازمندی به ایشان شکایت کرد، امام (علیه السلام) به او فرمود: «صبر کن آیا نمی‌دانی که دنیا زندان مؤمن است؟»
﴿۴۶۲﴾ دنیا زندان مؤمن است؛ مرگ مطلوب ذاتی انسان مؤمن نیست. بلکه قصد مؤمن از طلب مرگ رسیدن به حیاتی است که پس از مرگ وجود دارد.
﴿۴۶۳﴾ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است». و فرمود: «اگر مؤمن در سوراخ موشی باشد، خداوند در آنجا کسی را که آزارش بدهد؛ برپا می‌دارد». و فرمود: «مؤمن مکفر است». (کفاره‌ی گناهانش داده شده است).

﴿۴۶۴﴾ دنیا زندان مؤمن است و از کدام زندان تاکنون خیری رسیده است؟!
﴿۴۶۵﴾ دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است. مؤمن در آن می‌هراسد و کافر از آن بهره می‌برد.

﴿۴۶۶﴾ ای عیسی! دنیا زندانی تنگ و بدبو است اگر چیز زیبایی در آن می‌بینی ثمره‌ی کشت و کشتار جباران است.

﴿۴۶۷﴾ ای عیسی! دنیا زندانی تنگ و بدبو و ناهموار است.

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

٢-٨-٤-١- الضَّيْقُ

﴿٤٦٨﴾ الرسول ﷺ: هَبَطَ إِلَى جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ الْحَقُّ يُثْرُوكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ إِنِّي أَوْحَيْتُ إِلَى الدُّنْيَا أَنْ تَمَرَّي وَ تَكْدَرِي وَ تَضَيَّقِي وَ تَشَدَّي عَلَى أَوْلِيَائِي حَتَّى يُحِبُّوا لِقَائِي وَ تَيْسَّرِي وَ تَسَهَّلِي وَ تَطْيَبِي لِأَعْدَائِي حَتَّى يُبَغِضُوا لِقَائِي فَإِنِّي جَعَلْتُ الدُّنْيَا سَجْنًا لِأَوْلِيَائِي وَ جَنَّةً لِأَعْدَائِي؛ بحار الأنوار، ج ٧٨، ص ١٩٤

٣-٨-٤-١- الإِغْسَارُ

﴿٤٦٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُلُّ يَسَارِ الدُّنْيَا إِغْسَارٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣١

٩-٤-١- الشَّرُّ وَ السُّوءُ

﴿٤٧٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مَعْدِنُ الشَّرِّ وَ مَحَلُّ الْغُرُورِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥
 ﴿٤٧١﴾ الصادق عليه السلام: أَعُوذُ بِكَ يَا إِلَهِي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ شَرِّ مَا فِيهَا لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَى سَجْنًا وَ لَا فِرَاقَهَا عَلَى حُزْنًا أَخْرِجْنِي مِنْ فِتْنَتِهَا مَرْضِيًّا عَنِّي مَقْبُولًا فِيهَا عَمَلِي إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ وَ مَسَاكِينِ الْآخِيَارِ وَ أَبْدِلْنِي بِالدُّنْيَا الْفَانِيَةِ نَعِيمِ الدَّارِ الْبَاقِيَةِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٥٣
 ﴿٤٧٢﴾ العسكري عليه السلام: أَمَّا الْبُيُوتُ فَالدُّنْيَا مَمْلُوءَةٌ آفَاتٍ وَ بَلَايَا وَ شُرُورٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٩٩

﴿٤٧٣﴾ الصادق عليه السلام: وَ كُلَّمَا أَنْقَصَ مِنَ الْقَنَاعَةِ زَادَ فِي الرِّغْبَةِ وَ الطَّمَعُ فِي الدُّنْيَا أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ وَ صَاحِبُهَا لَا يَنْجُو مِنَ النَّارِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٥، ص ٢٢٤
 ﴿٤٧٤﴾ السَّجَّاد عليه السلام: فَاحْذَرُوا زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ غُرُورَهَا وَ شُرُورَهَا وَ تَذَكَّرُوا ضَرَرَ عَاقِبَةِ الْأَمَلِ إِلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٢٨
 ﴿٤٧٥﴾ الرضا عليه السلام: بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا أَرْجُو النَّجَاةَ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا؛ وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ٢٠٣
 ١-٩-٤-١- أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ

﴿٤٧٦﴾ الصادق عليه السلام: وَ كُلَّمَا أَنْقَصَ مِنَ الْقَنَاعَةِ زَادَ فِي الرِّغْبَةِ وَ الطَّمَعُ فِي الدُّنْيَا أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ وَ صَاحِبُهَا لَا يَنْجُو مِنَ النَّارِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٥، ص ٢٢٤
 ٢-٩-٤-١- شَرُّهَا عَتِيدٌ

﴿٤٧٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا مَنَزَلُ قَلْعَةٍ وَ لَيْسَتْ بِدَارِ نُبْجَةٍ، خَيْرُهَا زَهِيدٌ وَ شَرُّهَا عَتِيدٌ وَ مَلِكُهَا يُسْلَبُ وَ عَامِرُهَا يُخْرَبُ؛ غرر الحكم، ص ١٣٢
 ﴿٤٧٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خَيْرُ الدُّنْيَا زَهِيدٌ وَ شَرُّهَا عَتِيدٌ؛ غرر الحكم، ص ١٤٣

«سرای بلا و گرفتاری»

۲-۸-۴-۱- تنگنا

﴿۴۶۸﴾ پیامبر ﷺ فرموده است: جبرئیل علیه السلام در نیکوترین شکل بر من فرود آمد و گفت: ای محمد، خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: «به دنیا وحی نموده‌ام نسبت به اولیای من تلخ و مکدر باش و آنان را در تنگنا و سختی قرار ده تا ملاقات مرا دوست بدارند. و برای دشمنانم سهل و آسان و گوارا باش تا از ملاقات من متنفر باشند، به‌راستی که دنیا را زندان دوستان و بهشت دشمنان خویش قرار داده‌ام».

۳-۸-۴-۱- سختی

﴿۴۶۹﴾ هر آسانی دنیا عین سختی است.

۹-۴-۱- شرّ و بدی

﴿۴۷۰﴾ دنیا معدن شرّ و محلّ اقامت آن و جایگاه فریب است.
﴿۴۷۱﴾ بارالها از شرّ دنیا و شرّ اهل دنیا به تو پناه می‌برم. دنیا را برای من زندان و فراق آن را برایم اندوه قرار نده و مرا از فتنه‌ی آن پناه ده؛ درحالی‌که از من راضی هستی و علمم در آن مقبول باشد و مرا در دار الحیوان (بهشت برین) و مسکن برگزیدگان پناه ده و نعمت سرای جاودان را برایم جایگزین دنیای فانی کن.

﴿۴۷۲﴾ اما چه همان دنیاست که پر از بلا، گرفتاری و ناراحتی است.
﴿۴۷۳﴾ هر اندازه که از قناعت فرد کم شود، میل و رغبت و طمعش به دنیا بیشتر می‌گردد که اصل و منشأ هر شرّی است و صاحب این صفت از آتش نجات نخواهد یافت، مگر آنکه توبه کند.
﴿۴۷۴﴾ پس از خوشی‌های نقد دنیا و فریب و آسیبش برحذر باشید و هوشیار! و سرانجام زیانبار میل به دنیا را به خاطر بیاورید.
﴿۴۷۵﴾ امیدوارم با زهد و پارسایی از شرّ دنیا آسوده شوم .

۱-۹-۴-۱- منشأ هر شرّی است

﴿۴۷۶﴾ هر اندازه که از قناعت فرد کم شود، میل و رغبت و طمعش به دنیا بیشتر می‌گردد که اصل و منشأ هر شرّی است و صاحب این صفت از آتش نجات نخواهد یافت، مگر آنکه توبه کند.

۲-۹-۴-۱- بدی‌های آن آماده است

﴿۴۷۷﴾ دنیا جایگاه رفتن است و جایگاه ماندن نیست، خوبی‌های آن اندک و بدی‌های آن مهیّا [و همیشگی] است، دارایی‌های آن پس گرفته می‌شود و آبادانی‌های آن خراب می‌گردد.
﴿۴۷۸﴾ خیر دنیا اندک است و شرّ آن آماده است.

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

٣-٩-١-٤- مَمْلُوءَةٌ مِنَ الشَّرِّ

﴿٤٧٩﴾ العسكري عليه السلام: أَمَّا الْبَشَرُ فَالدُّنْيَا مَمْلُوءَةٌ أَفَاتٍ وَبَلَايَا وَشُرُورٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ٣٩٩

٤-٩-١-٤- مَزْرَعَةُ الشَّرِّ

﴿٤٨٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الشَّرِّ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

٥-٩-١-٤- النَّكَدُ

﴿٤٨١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ مِنْ نَكَدِ الدُّنْيَا أَنَّهُ لَا تَبْقَى عَلَى حَالَةٍ وَلَا تَخْلُو مِنْ اسْتِحَالَةٍ تُضْلِحُ جَانِبًا بِفَسَادِ جَانِبٍ وَتَسْرِ صَاحِبَهَا بِمَسَاءَةِ صَاحِبٍ فَالْكُونُ فِيهَا خَطَرٌ وَالثَّقَةُ بِهَا غَرَرٌ وَالْإِخْلَادُ إِلَيْهَا مُحَالٌ وَالْإِعْتِمَادُ عَلَيْهَا ضَلَالٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

٦-٩-١-٤- خَيْرُهَا زَهِيدٌ

﴿٤٨٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا مَنْزِلُ قُلْعَةٍ وَليست بدارِ نُجْعَةٍ، خَيْرُهَا زَهِيدٌ وَشَرُّهَا عَتِيدٌ وَملِكُهَا يُسَلَّبُ وَعَامِرُهَا يُخْرَبُ؛ غرر الحكم، ص ١٣٢

﴿٤٨٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خَيْرُ الدُّنْيَا زَهِيدٌ وَشَرُّهَا عَتِيدٌ؛ غرر الحكم، ص ١٤٣

٧-٩-١-٤- السُّوءُ

﴿٤٨٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَا يُدْلِكُ عَلَى مَسَاوِي الدُّنْيَا وَ

عُيُوبِهَا؛ نهج البلاغة، ص ٢٢٨

٨-٩-١-٤- النُّحُوسَةُ

﴿٤٨٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ خَبَالٍ وَوَبَالٍ وَزَوَالٍ وَانْتِقَالٍ، لَا تُسَاوِي لَدَائِهَا تَنْغِيصَهَا، وَلَا يَفِي سُعُودُهَا بِنُحُوسِهَا وَلَا يَقُومُ صُعُودُهَا بِهُبُوطِهَا؛ غرر الحكم، ص ١٢٨

﴿٤٨٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا خَيْرُهَا زَهِيدٌ وَشَرُّهَا عَتِيدٌ وَلَدَّتْهَا قَلِيلَةٌ وَحَسَرَتْهَا طَوِيلَةٌ تَشُوبُ نَعِيمَهَا بِؤُسٍ وَتَقْرِنُ سُعُودَهَا بِنُحُوسٍ وَتَصِلُ نَفْعَهَا بِضُرٍّ وَتَمْرُجُ حُلُوهَا بِمُرٍّ؛ غرر الحكم، ص ١٣١

٩-٩-١-٤- الْمُنْكَرُ

﴿٤٨٧﴾ السَّجَادُ عليه السلام: فَانْظُرْ بَعَيْنَ قَلْبِكَ إِلَى مَصَارِعِ أَهْلِ الْبَذَخِ وَتَأَمَّلْ مَعَاقِلَ الْمُلُوكِ وَ مَصَانِعَ الْجَبَّارِينَ وَ كَيْفَ عَرَكْتَهُمُ الدُّنْيَا بِكُلِّ الْفَنَاءِ وَ جَاهَرَتْهُمْ بِالْمُنْكَرَاتِ وَ سَحَبَتْ عَلَيْهِمُ ﴿٢٤٤﴾

﴿سرای بلا و گرفتاری﴾

۳-۹-۴-۱- آکنده از بدی

﴿۴۷۹﴾ آن چاه دنیاست که از بلاها و آفت‌ها و مصیبت‌ها آکنده است.

۴-۹-۴-۱- کشتزار شر

﴿۴۸۰﴾ دنیا کشتزار شرّ است.

۵-۹-۴-۱- بی‌خیربودن

﴿۴۸۱﴾ از علائم بی‌خیربودن دنیا این است که در یک حالت باقی نمی‌ماند و همواره دچار دگرگونی می‌شود، برای اصلاح یک طرف، طرف دیگری را خراب می‌کند و دارنده‌ای را با بدبخت کردن دارنده‌ای دیگر شاد می‌کند. ماندن در دنیا خطر و اعتمادکردن به آن، فریفته‌شدن و میل به آن محال و تکیه به آن، گمراهی است.

۶-۹-۴-۱- خوبی‌های آن اندک است

﴿۴۸۲﴾ دنیا جایگاه رفتن است و جایگاه ماندن نیست، خوبی‌های آن اندک و بدی‌های آن مهیّا [و همیشگی] است، دارایی‌های آن پس گرفته می‌شود و آبادانی‌های آن خراب می‌گردد. ﴿۴۸۳﴾ خیر دنیا اندک است و شرّ آن آماده است.

۷-۹-۴-۱- زشتی

﴿۴۸۴﴾ در رسول خدا ﷺ نشانه‌هایی هست که زشتی‌ها و کاستی‌های دنیا را به تو می‌نمایاند.

۸-۹-۴-۱- نامبارکی

﴿۴۸۵﴾ به‌درستی که دنیا جایگاه هلاک و گریبان‌گیری و زوال و جابه‌جایی است، و لذّت‌های آن به‌قدر گرفتاری و نکبت آن، نیکی آن به‌قدر نحسی آن و بلندی آن به‌قدر سقوط [در] آن نیست.

﴿۴۸۶﴾ نیکی‌های دنیا اندک و بدی‌های آن مهیّا [و همیشگی] است، لذّت‌های آن کم و حسرت‌های آن طولانی است، نعمت‌های آن به سختی آغشته و نیک‌بختی آن با نحسی همراه است، منافع آن ختم به ضرر شده و شیرینی آن با تلخی مخلوط می‌شود.

۹-۹-۴-۱- ناشایست

﴿۴۸۷﴾ متکبران و طاغوتیان زمان را با دیده‌ی دل نگاه کن که چگونه به زمین خوردند و قصرهای پادشاهان و ساخته و پرداخته‌های ستمگران را بادقّت تماشا کن. چگونه دنیا با

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

أَذْيَالُ الْبُورِ وَطَحَنَتُهُمْ طَحْنَ الرَّحَى لِلْحَبِّ وَاسْتَوْدَعَتْهُمْ هَوَجَ الرِّيحِ تَسْحَبُ عَلَيْهِمْ أَذْيَالُهَا فَوْقَ مَصَارِعِهِمْ فِي فُلُوتِ الْأَرْضِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٥٥
١٠-٩-١-٤-١- العيبُ

﴿٤٨٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَا يُدْلِكُ عَلَى مَسَاوِي الدُّنْيَا وَغُيُوبِهَا؛ نهج البلاغة، ص ٢٢٨
١١-٩-١-٤-١- الآفةُ

﴿٤٨٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مَحَلُّ آفَاتٍ؛ غرر الحكم، ص ١٣١
﴿٤٩٠﴾ العسكري عليه السلام: أَمَّا الْبَشَرُ فَالدُّنْيَا مَمْلُوءَةٌ آفَاتٍ وَبَلَايَا وَشُرُورٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٩٩

﴿٤٩١﴾ الرسول ﷺ: اَمَلْنَا قُلُوبَهُمْ حَيَاءً مِنْكَ حَتَّى يَسْتَحْيُوا مِنْكَ كُلَّ وَقْتٍ وَتُبْصِرُهُمْ بِآفَاتِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦
﴿٤٩٢﴾ الصادق عليه السلام: لَا تَتَّخِذُوا الدُّنْيَا رَبًّا فَتَتَّخِذَكُمْ عِبِيدًا اكْنِزُوا كَنْزَكُمْ عِنْدَ مَنْ لَا يُضَيِّعُهُ فَإِنَّ صَاحِبَ كَنْزِ الدُّنْيَا يُخَافُ عَلَيْهِ الْآفَةُ وَصَاحِبُ كَنْزِ اللَّهِ لَا يُخَافُ عَلَيْهِ الْآفَةُ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٧
١٢-٩-١-٤-١- الفَضَّاحَةُ

﴿٤٩٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا طَوَاحٍ طَرَّاحَةٌ فَضَّاحَةٌ أَسِيَّةٌ جَرَّاحَةٌ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٧١
١٣-٩-١-٤-١- الْفَسَادُ
١-١٣-٩-١-٤-١- مَرَضُ مُفْسِدٍ

﴿٤٩٤﴾ الرسول ﷺ: وَمَا يَنْتَظَرُ أَحَدُكُمْ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا غَنًى مُطْغِيًّا أَوْ فَقْرًا مُنْسِيًّا أَوْ مَرَضًا مُفْسِدًا أَوْ هَرَمًا مُنْقِدًا أَوْ مَوْتًا مُجْهِزًا؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٥٨
٢-١٣-٩-١-٤-١- مَفْسَدَةُ الْإِيمَانِ

﴿٤٩٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: احْذَرِ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا شَبَكَةُ الشَّيْطَانِ وَمَفْسَدَةُ الْإِيمَانِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٨
٣-١٣-٩-١-٤-١- مَفْسَدَةُ الدِّينِ

﴿٤٩٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا أَفْسَدَ الدِّينَ كَالدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٠
﴿٢٤٦﴾

﴿سرای بلا و گرفتاری﴾

دگرگونی‌های خود و فنا و زوال، آن‌ها را جذب نموده و با زشتی‌ها روبرو کرده و دامنِ نیستی را بر سر آن‌ها افکنده است. و مانند دانه‌ی گندم آن‌ها را آسیاب کرده و در معرض طوفان‌های شدید قرار داده که بادهای سهمگین بر مزار آن‌ها در بیابان می‌وزد.

۱۰-۹-۴-۱- عیب و ننگ

﴿۴۸۸﴾ در رسول خدا ﷺ نشانه‌هایی هست که زشتی‌ها و کاستی‌های دنیا را به تو می‌نمایاند.

۱۱-۹-۴-۱- آفت

﴿۴۸۹﴾ دنیا محلّ آفت‌هاست.

﴿۴۹۰﴾ اما چاه همان دنیاست که پر از بلا، گرفتاری و ناراحتی است.

﴿۴۹۱﴾ خداوند! ... دل‌های [پارسایان] را از حیات پر کن تا هر زمانی از تو حیا کنند [و دنبال گناه نروند] و آن‌ها را به آفات دنیا بینا گردان.

﴿۴۹۲﴾ دنیا را پروردگار [خود] قرار ندهید که شما را بندگان خویش می‌گرداند، گنج خود را نزد کسی اندوخته سازید که آن را ضایع نکند، به‌راستی که صاحبِ گنج دنیا از آفت‌زدگی آن هراس دارد و صاحبِ گنج خداوند از آفت‌زدگی آن هراس ندارد.

۱۲-۹-۴-۱- رسوایی

﴿۴۹۳﴾ دنیا هلاک‌کننده است و اهل خود را دور می‌افکند. رسواکننده‌ای غم‌افزا و زخم‌زننده.

۱۳-۹-۴-۱- فساد

۱-۱۳-۹-۴-۱- مرضی که فساد آورد

﴿۴۹۴﴾ از دنیا چه انتظار دارید، جز غنایی که طغیان آورد یا فقری که نسیان آورد یا مرضی که فساد آورد یا پیری‌ای که زبونی آورد یا مرگی که به‌سرعت از پا درآورد.

۲-۱۳-۹-۴-۱- فاسدکننده‌ی ایمان

﴿۴۹۵﴾ از دنیا برحذر باش! پس به‌درستی که آن دام شیطان و جایگاه فساد ایمان است.

۳-۱۳-۹-۴-۱- فاسدکننده‌ی دین

﴿۴۹۶﴾ هیچ‌چیز مانند دنیا، دین را فاسد و تباه نمی‌کند.

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

١٠-٤-١- الطُّغْيَان

﴿٤٩٧﴾ الرسول ﷺ: وَمَا يَنْتَظِرُ أَحَدُكُمْ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا غَنًى مُطْغِيًّا أَوْ فَقْرًا مُنْسِيًّا أَوْ مَرَضًا مُفْسِدًا أَوْ هَرَمًا مُنْقِدًا أَوْ مَوْتًا مُجْهِزًا؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٥٨

١١-٤-١- الضَّرُّ وَالْخُسْرَانُ

١١-٤-١- الضَّرُّ

﴿٤٩٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا خَيْرُهَا زَهِيدٌ وَشَرُّهَا عَتِيدٌ وَلَذَّتْهَا قَلِيلَةٌ وَحَسَرَتْهَا طَوِيلَةٌ تَشُوبُ نَعِيمَهَا بُؤْسٌ وَتَقْرِنُ سُعُودَهَا بِنُحُوسٍ وَتَصِلُ نَفْعَهَا بِضُرٍّ وَتَمَزِجُ خُلُوقَهَا بِمُرٍّ؛ غرر الحكم، ص ١٣١

﴿٤٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا شَرَكُ النَّفُوسِ وَقَرَارَةُ كُلِّ ضُرٍّ وَبُؤْسٍ؛ غرر الحكم، ص ١٣١

﴿٥٠٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَمْ يَلْقَ أَحَدٌ مِنْ سَرَاءِ الدُّنْيَا بَطْنًا إِلَّا مَنَحَتْهُ مِنْ ضَرَائِهَا ظَهْرًا؛ غرر الحكم، ص ١٣١

﴿٥٠١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا تَغُرُّ وَتَضُرُّ وَتَمُرُّ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

﴿٥٠٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا تَضُرُّ آخِرَةً تَسُرُّ؛ غرر الحكم، ص ١٤٠

١٢-٤-١- الخُسْرَانُ

﴿٥٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا خُسْرَانٌ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

﴿٥٠٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا سُوقُ الْخُسْرَانِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

﴿٥٠٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُلُّ أَرْبَاحِ الدُّنْيَا خُسْرَانٌ؛ غرر الحكم، ص ١٤٣

﴿٥٠٦﴾ الرسول ﷺ: فَلَيْسَتْ الدُّنْيَا بِأَهْلٍ كَرَامَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ تَدْعُو إِلَى فِتْنَةٍ وَخَسَارٍ؛

أعلام الدين، ص ٢٧٩

٣-١١-٤- صَفَقَةُ مَغْبُورٍ

﴿٥٠٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا صَفَقَةُ مَغْبُورٍ وَالْإِنْسَانُ مَغْبُورٌ بِهَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

١٢-٤-١- الْكَنُودُ الْعَنُودُ وَالصَّدُودُ الْجَحُودُ وَالْحَيُودُ الْمَيُودُ

﴿٥٠٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَهِيَ الْكَنُودُ الْعَنُودُ وَالصَّدُودُ الْجَحُودُ وَالْحَيُودُ الْمَيُودُ حَالُهَا انْتِقَالٌ وَسُكُونُهَا زَلْزَالٌ وَعِزُّهَا ذُلٌّ وَجَدُّهَا هَزَلٌ وَكَثْرَتُهَا قَلٌّ وَعُلُوُّهَا سِفْلٌ أَهْلُهَا عَلَى سَاقٍ وَسَيَاقٍ وَلِحَاقٍ وَفِرَاقٍ وَهِيَ دَارُ حَرْبٍ وَسَلْبٍ وَنَهْبٍ وَعَطَبٍ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

﴿سرای بلا و گرفتاری﴾

۱۰-۴-۱- سرکشی

﴿۴۹۷﴾ از دنیا چه انتظار دارید، جز غنایی که طغیان آورد یا فقری که نسیان آورد یا مرضی که فساد آورد یا پیری‌ای که زبونی آورد یا مرگی که به سرعت از پا درآورد.

۱۱-۴-۱- زیان و خسارت

۱-۴-۱۱-۱- زیان

﴿۴۹۸﴾ نیکی‌های دنیا اندک و بدی‌های آن مهیا [و همیشگی] است، لذت‌های آن کم و حسرت‌های آن طولانی است، نعمت‌های آن به سختی آغشته و نیک‌بختی آن با نحسی همراه است، منافع آن ختم به ضرر شده و شیرینی آن با تلخی مخلوط می‌شود.

﴿۴۹۹﴾ دنیا دام نفس‌هاست و جایگاه هر زیان و امر سنگین گرانی است.

﴿۵۰۰﴾ هیچ‌کس به بطن سرای دنیا دست پیدا نمی‌کند مگر آنکه از رنج‌های آشکار دنیا، آزرده شود.

﴿۵۰۱﴾ دنیا فریب می‌دهد، زیان می‌رساند و می‌گذرد و بقایی ندارد.

﴿۵۰۲﴾ دنیا زیان می‌رساند و آخرت شاد می‌کند.

۲-۴-۱۱-۱- زیان

﴿۵۰۳﴾ دنیا سرای زیان است.

﴿۵۰۴﴾ دنیا بازار زیان‌کاری است.

﴿۵۰۵﴾ همه سودهای دنیا زیان است.

﴿۵۰۶﴾ دنیا شایسته‌ی گرامی‌داشتن نیست، زیرا که هر روز فتنه و خسارتی به بار می‌آورد.

۳-۴-۱۱-۱- معامله و داد و ستدی زیان‌بار

﴿۵۰۷﴾ دنیا معامله و دادوستدی زیان‌بار است و این انسان است که در این معامله زیان می‌کند.

۱۲-۴-۱- ناسپاس حق‌ناشناس و دشمنی حيله‌گر و پشت‌کننده‌ای سرگردان

﴿۵۰۸﴾ به‌درستی که دنیا ناسپاس، حق‌ناشناس، دشمنی حيله‌گر، پشت‌کننده‌ای سرگردان، حالاتش متزلزل، سکونش متزلزل، و عزتش خواری، تلاشش بیهوده و زیاد آن کم و بلندی آن سقوط است. سرمنشأ ناآرامی است، جایگاه ملاقات‌ها و جدایی‌هاست و خانه‌ی جنگ و غارتگری، تبه‌کاری و هلاکت است.

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

١٣-١-٤- الغَوَايَةُ وَالضَّلَالَةُ

١٣-١-٤- الغَوَايَةُ

﴿٥٠٩﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ غَرَّتَنَا وَاشْتَغَلَّتْنَا وَاسْتَهْوَتَْنَا وَاسْتَلْهَتَْنَا وَاسْتَغْوَتَْنَا؛

بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٧٢

١٣-١-٤- المِضْلَةُ

﴿٥١٠﴾ امير المؤمنين ﷺ: كَثْرَةُ الدُّنْيَا قَلَّةٌ وَعِزُّهَا ذَلَّةٌ وَزَخَارِفُهَا مُضِلَّةٌ وَمَوَاهِبُهَا فِتْنَةٌ؛

غرر الحكم، ص ١٢٩

١٤-١-٤- الغَدْرُ وَعَدَمُ الْوَفَاءِ

١٤-١-٤- الغَدْرُ

﴿٥١١﴾ امير المؤمنين ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ الْبَلَاءِ مَعْرُوفَةٌ وَبِالْغَدْرِ مَوْصُوفَةٌ لَا تَدُومُ أَحْوَالُهَا وَ

لَا يَسْلَمُ نَزَالُهَا الْعَيْشُ فِيهَا مَذْمُومٌ وَالْأَمَانُ فِيهَا مَعْدُومٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

﴿٥١٢﴾ امير المؤمنين ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا سَرِيعَةُ التَّحَوُّلِ كَثِيرَةُ التَّنَقُّلِ شَدِيدَةُ الْغَدْرِ دَائِمَةُ الْمَكْرِ

فَأَحْوَالُهَا تَتَزَلُّزَلُ وَنَعِيمُهَا يَتَبَدَّلُ وَرَخَاوُهَا يَنْتَقِصُ وَلَذَائِهَا تَتَنَغَّصُ وَطَالِبُهَا يَذِلُّ وَرَاكِبُهَا يَزِلُّ؛

غرر الحكم، ص ١٣٤

٢-١٤-١- الغَدَارَةُ

﴿٥١٣﴾ امير المؤمنين ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا خَدَاعَةٌ صِرَاعَةٌ مَكَارَةٌ غَرَارَةٌ سَحَارَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤،

ص ٣٧٣

﴿٥١٤﴾ امير المؤمنين ﷺ: فَاحْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا غَدَارَةٌ غَرَارَةٌ خَدُوعٌ مُعْطِيَةٌ مَنْوَعٌ مُلْبِسَةٌ

نَزُوعٌ لَا يَدُومُ رَخَاوُهَا وَ لَا يَنْقُضِي عَنَاوُهَا وَ لَا يَرُكِّدُ بَلَاوُهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٨٣

﴿٥١٥﴾ امير المؤمنين ﷺ: احْذَرُوا هَذِهِ الدُّنْيَا الْخَدَاعَةَ الْغَدَارَةَ الَّتِي قَدْ تَزَيَّنَتْ بِحُلِيِّهَا...

فَارْتَحَلًا جَمِيعًا مِنَ الدُّنْيَا بِغَيْرِ زَادٍ وَ قَدِمًا عَلَى غَيْرِ مِهَادٍ فَاحْذَرُوا الدُّنْيَا الْحَذَرَ كُلَّهُ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٠، ص ١٠٨

٣-١٤-١- تَخَلُّفُ الْوَعْدِ

﴿٥١٦﴾ السَّجَادُ ﷺ: وَ حَتَّى مَتَى تَعْدُبِي الدُّنْيَا فَتُخْلِفُ وَ أَتُؤْمِنُهَا فَتَخُونُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ١٥٤

﴿سرای بلا و گرفتاری﴾

۱۳-۴-۱- گمراهی

۱-۱۳-۴-۱- گمراهی

﴿۵۰۹﴾ دنیا ما را مغرور و به خود مشغول ساخته و هوایی کرده است و ما را به لهو و بازی واداشته و اغوا کرده است.

۲-۱۳-۴-۱- گمراهی

﴿۵۱۰﴾ بسیاری دنیا کمی و عزّت آن خواری است. و آرایش‌های آن گمراه‌کننده و بخشش‌های آن فتنه است.

۱۴-۴-۱- پیمان‌شکنی و بی‌وفایی

۱-۱۴-۴-۱- پیمان‌شکنی

﴿۵۱۱﴾ به‌درستی که دنیا منزلی است که به بلاهایش شناخته شده و معروف است و با مکر و نیرنگ‌هایش توصیف می‌شود، احوال آن ماندگار نیست و ساکنان آن در امان و سلامت نیستند، زندگی در آن نکوهیده است و امنیّت در آن موجود نیست.

﴿۵۱۲﴾ دنیا سریع دگرگون می‌شود و بسیار جابه‌جا می‌گردد، مکرهایش شدید و نیرنگ‌هایش دائمی است. روزگارش متزلزل و نعمت‌هایش در حال تبدیل است. آرامش آن کاسته شده و لذّت‌های آن منع می‌شوند، طلب‌کننده‌ی دنیا ذلیل می‌شود و سواره‌ی بر مرکب دنیا، خواهد لرزید.

۲-۱۴-۴-۱- بی‌وفایی

﴿۵۱۳﴾ همانا دنیا فریبنده، سقوط‌دهنده، گول‌زننده، نیرنگ‌باز و ساحر است .

﴿۵۱۴﴾ از دنیا برحذر باشید، که حيله‌گر و فریبنده و نیرنگ‌باز است، بخشنده‌ای بازپس‌گیرنده، و پوشنده‌ای برهنه‌کننده است، آسایش دنیا بی‌دوام و سختی‌هایش بی‌پایان و بلاهایش دائمی است.

﴿۵۱۵﴾ از این دنیای مکار و خائن بر حذر باشید که با زیورهای خود تزئین شده است... [طالبان دنیا چه آنان که پیروز شده و چه آنان که قبل از رسیدن به حاجات از دنیا رفته‌اند؛ هر دو دسته] بدون توشه از دنیا کوچ نمودند و بر محلی که فاقد آرامش است، وارد شدند. پس با تمام توان از دنیا حذر کنید.

۳-۱۴-۴-۱- خلف وعده

﴿۵۱۶﴾ تا چه زمانی دنیا به من وعده می‌دهد و خلف وعده می‌کند و تا کی به او اعتماد کنم و او خیانت کند.

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

٤-١٤-١- عَدَمُ الْوَفَاءِ

﴿٥١٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَفِي لِصَاحِبٍ وَلَا تَصْفُو لِشَارِبٍ نَعِيمُهَا يَنْقُطُ وَ أَحْوَالُهَا تَتَبَدَّلُ وَلِذَٰلِكَهَا تَفْنَىٰ وَ تَبْعَانُهَا تَبْقَىٰ فَأَعْرِضْ عَنْهَا قَبْلَ أَنْ تُعْرِضَ عَنْكَ وَ اسْتَبْدِلْ بِهَا قَبْلَ أَنْ تَسْتَبْدِلَ بِكَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

﴿٥١٨﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): الدُّنْيَا لَا تَصْفُو لِشَارِبٍ وَلَا تَقْفِي لِصَاحِبٍ؛ غرر الحكم، ص ١٣٧

١٥-١٤-١- الخيانة

﴿٥١٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اِزْهَدُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الرَّاهِدَةِ فَيَكُمُ فَنَافِعُهَا غَرَارَةٌ دَارُ فَنَاءٍ وَ زَوَالٍ كَمِ
مِنْ مُغْتَرٍّ فِيهَا قَدْ أَهْلَكْتَهُ وَ كَمِ مِنْ وَاتِقٍ بِهَا قَدْ خَانَتْهُ وَ كَمِ مِنْ مُعْتَمِدٍ عَلَيْهَا قَدْ خَدَعَتْهُ؛

بحار الأنوار، ج ٣٨، ص ٩٩

﴿٥٢٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ شُحُوصٍ وَ مَحَلَّةٌ تَنْغِيصُ، سَاكِنُهَا ظَاغِنٌ وَ قَاطِنُهَا بَائِسٌ وَ بَرَفُهَا خَالِبٌ وَ نَطَقُهَا كَاذِبٌ وَ أَمْوَالُهَا مَحْرُوبَةٌ وَ أَغْلَاقُهَا مَسْلُوبَةٌ وَ هِيَ الْمَتَصَدِّيةُ لِلْعُيُونِ وَ الْحَامِحةُ الْحَرُونِ وَ الْمَانِةُ الْخَثُونُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

﴿٥٢١﴾ السَّجَادِ الْكَبِيرَةِ: وَحَتَّى مَتَى تَعِدُنِي الدُّنْيَا فَتُخْلَفُ وَ أَتَتَمْنَهَا فَتَخُونُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥.

ص ۱۵۴

﴿٥٢٢﴾ صفحہ ادريس عليه السلام: فَكْرُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا ... الْخَائِئَةِ الْفَانِيَةِ فَإِنَّ حَيَاتَهَا مُتَعَقِبٌ بِالْمَوْتِ وَشَبَابُهَا صَائِرٌ إِلَى الْهَرَمِ وَصِحَّتُهَا مَحْفُوفَةٌ بِالْمَرَضِ وَغَنَاهَا مُتَّبِعٌ بِالْفَقْرِ وَمُلْكُهَا مَعْرُضٌ لِلزَّوَالِ وَعِزُّهَا مَقْرُونٌ بِالذَّلِّ وَلَذَاتُهَا مُكَدَّرَةٌ بِالشَّوَابِ وَشَهَوَاتُهَا مُمْتَزَجَةٌ بِمَضَضِ

النَّوَائِبُ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٦٨

١٦-٤-١ الشَّيْكََةُ، الشَّرْكُ

١-١٦-٤-١ الشَّكَّةُ

﴿٥٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: احذر الدنيا فإنها شبكة الشيطان ومفسدة الإيمان؛ غرر الحكم،

ص ۱۳۸

﴿٥٢٤﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): إِنَّ الدُّنْيَا كَالشَّبَكَةِ تَلْتَفُ عَلَى مَنْ رَغِبَ فِيهَا وَتَحَرَّرَ عَنْهَا أَعْرَضَ عَنْهَا فَلَا تَمِيلُ إِلَيْهَا بِقَلْبِكَ وَلَا تُقْبَلُ عَلَيْهَا بِوَجْهِكَ فَتَوْقَعْ فِي شَبَكِهَا وَتَلْقَيْكَ فِي هَلَكَتِهَا؛

غررالحكم، ص ١٢٨

﴿سرای بلا و گرفتاری﴾

۱۴-۴-۱- بی‌وفایی

﴿۵۱۷﴾ دنیا به همراه خود وفا نمی‌کند و برای کسی که از نعمت‌های آن بهره می‌برد اهل صفا نیست، روزگارش در تغییر است و لذت‌هایش رو به فناست اما تبعات آن باقی خواهد ماند، پس از دنیا قبل از آنکه از تو برگردانده شود، روی بگردان و قبل از آنکه به آخرت تبدیل شود، خودت آن را به آخرت مبذل کن.

﴿۵۱۸﴾ دنیا برای کسی که آن را بنوشد، گوارا نیست و به صاحب خود وفا نمی‌کند.

۱۵-۴-۱- خیانت

﴿۵۱۹﴾ پیامبر ﷺ فرمود: «خداوند متعال به دنیا وحی کرد که خادم خود را به سختی بیندازد و به کسی که تو را ترک کرده خدمت کن». سپس فرمود: «بر شما باد ورع و تلاش و عبادت. به این دنیایی که به شما رغبت ندارد، بی‌رغبت باشید. پس آن بسیار فریبنده و محلّ نابودی و زوال است. چه بسیار فریب‌خوردگانی که دنیا نابودشان کرد و چه بسیار تکیه‌کنندگان به دنیا که به آن‌ها خیانت نمود و چه بسیار اعتمادکنندگان بر دنیا که به آن‌ها نیرنگ زد و تسلیمشان نمود».

﴿۵۲۰﴾ به‌درستی که دنیا خانه‌ی رفتن است و جایگاه کدورت، ساکن آن رونده است و اقامت‌کننده‌ی آن جداشونده است. و برق آن فریب‌دهنده است و گفته‌ی آن دروغ است. و اموال آن گرفته شده است. و کالاهایش ربوده شده است. آگاه باش و دنیا چون چهارپایی است پرستیز و با جست و خیز و خیانت‌کار.

﴿۵۲۱﴾ تا چه زمانی دنیا به من وعده می‌دهد و خلف وعده می‌کند و تا کی به او اعتماد کنم و او خیانت کند.

﴿۵۲۲﴾ در این دنیا اندیشه کنید که ... زندگی‌اش مرگ را به دنبال دارد و جوانی‌اش رو به پیری است و سلامتی‌اش در لفافه بیماری‌هاست و بی‌نیازی‌اش فقر را به دنبال دارد و فرمانروایی‌اش در معرض نابودی، و عزّت‌ش به همراه ذلّت است و لذت‌هایش با آلودگی‌ها تیره می‌شود و دوست‌داشتنی‌هایش با سوزش مصیبت‌ها آمیخته است.

۱۶-۴-۱- دام

۱-۱۶-۴-۱- دام

﴿۵۲۳﴾ از دنیا برحذر باش! پس به‌درستی که آن دام شیطان و جایگاه فساد ایمان است.

﴿۵۲۴﴾ دنیا همچون دامی است که هرکس را که به آن تمایل پیدا کند در خود گرفتار می‌سازد، و از کسی که از آن دوری جوید کناره می‌گیرد؛ از این رو از دل به آن تمایل نداشته باش، و روی خوش به آن نشان نده، که تو را گرفتار خود می‌سازد و رو به تباهی می‌برد.

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

٢-١٦-١- الشَّرْكُ

- ﴿٥٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا شَرْكٌ وَقَعَ فِيهِ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥
- ﴿٥٢٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا شَرْكُ النُّفُوسِ وَ قَرَارَةٌ كُلِّ ضَرٍّْ وَ بُؤْسٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣١
- ١٧-١٦-١- الجِرَاحَةُ
- ١-١٧-١-١٦-٤- آسِيَّةُ جِرَاحَةٍ

﴿٥٢٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا طَوَاحَةٌ طَرَّاحَةٌ فَضَّاحَةٌ آسِيَّةُ جِرَاحَةٍ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠،

ص ٢٧١

٢-١٧-١-١٦-٤- الْكَسْرُ

﴿٥٢٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا كَمَا تَجْبُرُ تَكْسِيرٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

١٨-١٦-٤- الدَّاءُ

﴿٥٢٩﴾ الباقر عليه السلام: مَا أَجْمَلَ عَبْدٌ ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا إِلَّا زَهَّدَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الدُّنْيَا وَ بَصَّرَهُ دَاءَهَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٦

﴿٥٣٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْعَالَمُ طَيِّبُ الْأَمَّةِ وَ الدُّنْيَا الدَّاءُ فَإِذَا رَأَيْتَ الطَّيِّبَ يَجُرُّ الدَّاءَ إِلَى نَفْسِهِ فَاتَّهَمَهُ فِي عِلْمِهِ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ الَّذِي لَا يُوثِقُ بِهِ فِيمَا يَقُولُ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٦

﴿٥٣١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ذِكْرُ الدُّنْيَا أَدْوَاءُ الْأَدْوَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٣

﴿٥٣٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي أَنْ يَتَدَاوَى الْمَرءُ مِنْ أَدْوَاءِ الدُّنْيَا كَمَا يَتَدَاوَى ذُو الْعِلَّةِ وَ يَحْتَمِي مِنْ شَهَوَاتِهَا وَ لَذَائِهَا كَمَا يَحْتَمِي الْمَرِيضُ؛ غرر الحكم، ص ٢٤٠

١-١٨-١٦-٤- دَاءُ الدِّينِ

﴿٥٣٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَالَ عِيسَى: الدُّنْيَا دَاءُ الدِّينِ؛ وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ٢٥

٢-١٨-١٦-٤- الْعَنَاءُ

﴿٥٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا فَنَاءٌ وَ عَنَاءٌ وَ غَيْرٌ وَ عِبْرٌ فَمِنْ فَنَائِهَا أَنْكَ تَرَى الدَّهْرَ مُوتِرًا قَوْسَهُ مُفَوَّقًا نَبْلَهُ لَا تُحْطِئُ سِهَامُهُ وَ لَا تُشْفَى جِرَاحُهُ يَرْمِي الصَّحِيحَ بِالسَّقَمِ وَ الْحَيَّ بِالْمَوْتِ... فَسُبْحَانَ اللَّهِ مَا أَعَزَّ سُرُورَهَا وَ أَظْمَأَ رَيْبَهَا وَ أَضْحَى فَيْئَهَا فَكَأَنَّ مَا كَانَ مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ وَ كَانَ مَا هُوَ كَائِنٌ قَدْ كَانَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٥٧

﴿٢٥٢﴾

﴿سرای بلا و گرفتاری﴾

۲-۱۶-۴-۱- دام

﴿۵۲۵﴾ به درستی که دنیا مانند دامی است که کسی که آن را نمی‌شناسد، در آن افتاده است.

﴿۵۲۶﴾ دنیا دام نفس‌هاست و جایگاه هر زیان و امر سنگین گرانی است.

۱۷-۴-۱- زخم‌زننده

۱-۴-۱۷-۱- غم‌افزا و زخم‌زننده

﴿۵۲۷﴾ دنیا هلاک‌کننده است و اهل خود را دور می‌افکند. رسواکننده‌ای غم‌افزا و زخم‌زننده.

۲-۴-۱۷-۱- شکستن

﴿۵۲۸﴾ دنیا، همان‌طوری که شکستگی‌ها را اصلاح می‌کند، آن را مجدداً می‌شکند.

۱۸-۴-۱- درد

﴿۵۲۹﴾ اگر بنده‌ای تا چهل روز به طور نیکو و صحیح به یاد خداوند عزّ و جل باشد، خداوند به پاداش این تمرین و مراقبت کامل، حالت زهد در دنیا و شناخت کامل دنیا را به او عنایت می‌فرماید؛ تمام دردها و درمان‌های دنیا را با بصیرت کامل به او نشان می‌دهد.

﴿۵۳۰﴾ عالم طبیب امتّ است و دنیا درد است. هرگاه دیدی طبیب درد را به‌سوی خود می‌کشد، یعنی طالب دنیا است پس او را در ادّعا و روش و سیره‌اش متّهم کنی و به علم او اهمیّت ندهی. و بدانی که او عالمی است که به گفتار او اعتمادی نیست و آنچه می‌گوید اعتباری به آن نیست، چون خود به گفته‌ی خود ایمان ندارد و گرنه بر خلاف آن عمل نمی‌کرد.

﴿۵۳۱﴾ یاد دنیا بدترین بیماری‌هاست.

﴿۵۳۲﴾ سزاوار است که انسان دردهای دنیا را مداوا کند، همان‌طوری که مریض برای دردهایش دارو مصرف می‌کند و باید از شهوت‌ها و لذّت‌ها پرهیز کند، همان‌طوری که مریض از چیزهایی که برایش مضرّ است، پرهیز می‌کند.

۱-۴-۱۸-۱- درد دین

﴿۵۳۳﴾ عیسی علیه السلام فرمود: «دنیا دردی برای دین است».

۲-۴-۱۸-۱- رنج

﴿۵۳۴﴾ دنیا سرای نیستی، رنج، دگرگونی و عبرت است. نشانه‌ی نیستی آن است که می‌بینی روزگار کمان خود را به زه کرده و بر آن تیر نشانده است و تیرهایش به خطا نمی‌رود، و زخمش درمان نمی‌پذیرد. انسان‌های تندرست را هدف تیر بیماری قرار می‌دهد، و زنده‌ها را با تیر مرگ از پا درمی‌آورد... سبحان الله! شادی دنیا چه فریبنده و سیراب‌کردنش چه تشنگی‌آور و سایه‌اش چه زودگذر است! گویا آنچه بوده اصلاً نبوده و گویا آنچه هست قبلاً وجود داشته است.

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

﴿٥٣٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا عَنَاءٌ وَفَنَاءٌ وَغِبْرٌ وَغَيْرٌ فَمِنْ فَنَائِهَا أَنَّ الدَّهْرَ مُوتَرٌ قَوْسُهُ مَفُوقٌ نَبْلُهُ تُصِيبُ الْحَيَّ بِالْمَوْتِ وَالصَّحِيحَ بِالسُّقْمِ وَ مِنْ غَنَائِهَا أَنَّ الْمَرْءَ يَجْمَعُ مَا لَا يَأْكُلُ وَيَبْنِي مَا لَا يَسْكُنُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٤٠٦

﴿٥٣٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: جُودُ الدُّنْيَا فَنَاءٌ وَ رَاحَتُهَا عَنَاءٌ وَ سَلَامَتُهَا عَطَبٌ وَ مَوَاهِبُهَا سَلَبٌ؛

غرر الحكم، ص ١٢٨

﴿٥٣٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ أَوَّلُهَا عَنَاءٌ وَ آخِرُهَا فَنَاءٌ فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَ فِي حَرَامِهَا عِقَابٌ، مَنْ اسْتَعْنَى فِيهَا فُتِنَ وَ مَنْ افْتَقَرَ فِيهَا حَزَنَ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

﴿٥٣٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا مَعْكُوسَةٌ مَنكُوسَةٌ لِدَانَتِهَا تَنَغِيصٌ وَ مَوَاهِبُهَا تَغْصِيصٌ وَ عَيْشُهَا عَنَاءٌ وَ بَقَاؤُهَا فَنَاءٌ تَجْمَحُ بِطَالِبِهَا وَ تُرْدِي رَاكِبِهَا وَ تَخُونُ الْوَاتِقَ بِهَا وَ تُزْعِجُ الْمُطْمَئِنِّ إِلَيْهَا وَ إِنَّ جَمْعَهَا إِلَى انْصِدَاعٍ وَ وَصْلَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

﴿٥٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ثُمَّ إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ وَ عَنَاءٍ وَ غِبْرٍ وَ غَيْرٍ فَمِنْ الْفَنَاءِ أَنَّ الدَّهْرَ مُوتَرٌ قَوْسُهُ لَا تُخْطِئُ سَهَامُهُ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٧، ص ١١٣

﴿٥٤٠﴾ الرسول ﷺ: الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ وَ مَنْزِلُ بُلْغَةٍ وَ عَنَاءٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٧

٣-١٨-١٤-١-الألَمُ

﴿٥٤١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: صِحَّةُ الدُّنْيَا اسْقَامٌ وَ لِدَانَتُهَا آلامٌ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

٤-١٨-١٤-١-الْوَجَعُ

﴿٥٤٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مَصَائِبُ مُفْجِعَةٌ وَ مَنَايَا مُوجِعَةٌ وَ غِبْرٌ مُقْطَعَةٌ؛ غرر الحكم،

ص ١٣٢

٥-١٨-١٤-١-السُّقْمُ

﴿٥٤٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: صِحَّةُ الدُّنْيَا اسْقَامٌ وَ لِدَانَتُهَا آلامٌ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

﴿٥٤٤﴾ العسكري عليه السلام: وَجَدْتُ الدُّنْيَا حَيَاتِهَا مَوْتًا وَ غَنَاهَا فَقْرًا وَ فَرَحَهَا تَرْحًا وَ صِحَّتَهَا

سَقَمًا وَ قُوَّتَهَا ضَعْفًا وَ عِزَّهَا ذُلًّا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٨٣

﴿٥٤٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حَيُّ الدُّنْيَا بَعْرَضٍ مَوْتٍ وَ صَحِيحُهَا عَرَضٌ [عَرَضٌ] الْأَسْقَامِ وَ

دَرِيئَةُ الْجِمَامِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٣

٦-١٨-١٤-١-مَرَضٌ مُفْسِدٌ

﴿سرای بلا و گرفتاری﴾

﴿۵۳۵﴾ همانا دنیا خانه‌ی رنج و نابودی است، سرای دگرگونی و پند است. از جمله‌ی نابودی‌های دنیا این است که تیرش را در کمان گذاشته، زهش را بالا برده و به زنده مرگ و به تندرست بیماری می‌رساند. و از رنج دنیاست که انسان چیزی را که جمع کرده نمی‌خورد و در خانه‌ای که ساخته جایگزین نمی‌شود.

﴿۵۳۶﴾ بخشنده‌ی دنیا نیستی و آسایش آن رنج و سلامتی آن هلاکت و بخشش‌های آن سلب‌شونده است.

﴿۵۳۷﴾ دنیا خانه‌ای است که ابتدای آن سختی و مشقت و پایان آن نابودی است. در حلال دنیا حساب و در حرام آن عذاب است. کسی که ثروتمند گردد، فریب می‌خورد. و آن‌کس که نیازمند باشد اندوهناک است.

﴿۵۳۸﴾ به‌درستی که دنیا معکوس منکوس است، لذت‌های آن تمام‌شدنی است و بخشش‌های آن غصه‌دادن و زندگانی آن رنج و بقای آن فانی‌شدن است. صاحب خود را به زور از خودش دور می‌کند و سواره‌ی خود را بر زمین می‌افکند. به کسی که به او اعتماد کرده خیانت می‌کند و کسی را که به او اطمینان کرده، پریشان می‌کند. اجتماعات آن رو به پراکندگی و ارتباطات آن رو به انقطاع است.

﴿۵۳۹﴾ دنیا خانه‌ی فنا و رنج و تغییر و پند است. از فنای دنیا همین است که می‌بینی روزگار پیوسته کمان را آماده کرده و تیر بر آن نهاده است.

﴿۵۴۰﴾ دنیا سرای بلا و جایگاه زندگی [در حدّ کفایت] و رنج است.

۳-۱۸-۴-۱-درد

﴿۵۴۱﴾ صحت و درستی دنیا، بیماری‌ها و لذت‌های آن دردهاست.

۴-۱۸-۴-۱-درد

﴿۵۴۲﴾ دنیا مصیبت‌هایی فجیع، مرگ‌هایی دردناک و عبرت‌هایی قاطع و برّنده است.

۵-۱۸-۴-۱-بیماری

﴿۵۴۳﴾ صحت و درستی دنیا، بیماری‌ها و لذت‌های آن دردهاست.

﴿۵۴۴﴾ دریافتم که حیات دنیا مرگ و غنای آن فقر و شادی آن اندوه و سلامتی آن بیماری و قوت آن ضعف و عزّت آن خواری است.

﴿۵۴۵﴾ زنده‌ی دنیا در معرض مرگ و تندرست دنیا هدف بیماری‌ها و آماج مرگ و

بلاهاست.

۶-۱۸-۴-۱-مرضی که فساد می‌آورد

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

﴿٥٤٦﴾ الرسول ﷺ: وَمَا يَنْتَظِرُ أَحَدُكُمْ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا غَنًى مُطْعِياً أَوْ فَقْرًا مُنْسِياً أَوْ مَرَضًا مُفْسِداً أَوْ هَرَمًا مُنْقِداً أَوْ مَوْتًا مُجْهَزاً؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٥٨
١٩-٤-١- دَارُ يُسَلِّطُ اللَّهُ فِيهَا عَدُوَّهُ

﴿٥٤٧﴾ الصادق ﷺ: عَنْ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ... أَفَّ لِلدُّنْيَا إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ يُسَلِّطُ اللَّهُ فِيهَا عَدُوَّهُ عَلَى وَلِيِّهِ وَإِنْ بَعْدَهَا دَارًا لَيْسَتْ هَكَذَا فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَآئِينَ تِلْكَ الدَّارُ فَقَالَ هَاهُنَا وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى الْأَرْضِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٣٠٤
١٩-٤-١- دَارُ سَلْبٍ وَنَهْبٍ

﴿٥٤٨﴾ امير المؤمنين ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا لَهِيَ الْكُنُودُ الْعُنُودُ وَالصَّدُودُ الْجَحُودُ وَالْحَيُودُ الْمَيُودُ حَالُهَا انْتِقَالٌ وَسُكُونُهَا زَلْزَالٌ وَعِزُّهَا ذُلٌّ وَجَدُّهَا هَزَلٌ وَكَثْرَتُهَا قَلٌّ وَعُلُوُّهَا سِفْلٌ أَهْلُهَا عَلَى سَاقٍ وَسَيْاقٍ وَلِحَاقٍ وَفِرَاقٍ وَهِيَ دَارُ حَرْبٍ وَسَلْبٍ وَنَهْبٍ وَعَطَبٍ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧
٢٠-٤-١- الْبُشْرُ

﴿٥٤٩﴾ العسكري ﷺ: أَمَّا الْبُشْرُ فَالدُّنْيَا مَمْلُوءَةٌ آفَاتٍ وَبَلَايَا وَشُرُورٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٩٩
٢١-٤-١- الْبَحْرُ
١-٢١-٤- الْبَحْرُ

﴿٥٥٠﴾ الصادق ﷺ: وَآمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَ نَارٌ حَامِيَةٌ وَمَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْبَحْرِ وَالْمَلَّاحِ وَالسَّفِينَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٦، ص ٢٤٩
﴿٥٥١﴾ الكاظم ﷺ: كَانَ لِقَمَانٌ يَقُولُ لِإِثْنَيْ يَا بُنَيَّ إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ وَقَدْ غَرِقَ فِيهَا جِيلٌ كَثِيرٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ١٥
٢-٢١-٤- بَحْرٌ عَمِيقٌ

﴿٥٥٢﴾ لقمان ﷺ: يَا بُنَيَّ إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ قَدْ هَلَكَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ فَاجْعَلْ سَفِينَتَكَ فِيهَا الْإِيمَانَ؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٤١١

﴿٥٥٣﴾ الرسول ﷺ: أَنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ قَدْ غَرِقَ فِيهَا خَلْقٌ كَثِيرٌ وَأَنَّ سَفِينَةَ نَجَاتِهَا آلُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ هَذَا وَوَلَدَاهُ اللَّذَانِ رَأَيْتُمُوهُمَا سَيَكُونَانِ وَسَائِرُ أَفَاضِلِ أَهْلِ فَمَنْ رَكِبَ هَذِهِ السَّفِينَةَ نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ؛ بحار الأنوار، ج ١٧، ص ٢٤٢
﴿٢٥٨﴾

﴿سرای بلا و گرفتاری﴾

﴿۵۴۶﴾ از دنیا چه انتظار دارید، جز غنایی که طغیان آورد یا فقری که نسیان آورد یا مرضی که فساد آورد یا پیری ای که زبونی آورد یا مرگی که به سرعت از پا درآورد.

۱۹-۴-۱- سرایی که خداوند در آن، دشمنش را چیره می گرداند

﴿۵۴۷﴾ ولید بن صبیح از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: «...أف بر این دنیا، أف بر این دنیا! همانا دنیا سرای بلایی است که خداوند در آن، دشمنش را بر دوستش چیره می گرداند و پس از آن سرایی در پیش است که چنین نیست». عرض کردم: «فدایت شوم! این سرا کجاست؟» فرمود: «اینجا» و با دست به زمین اشاره کرد.

۱-۴-۱۹-۱ سرای غارت شدن

﴿۵۴۸﴾ به درستی که دنیا ناسپاس، حق شناس، دشمنی حيله گر، پشت کننده ای سرگردان، حالاتش متزلزل، سکونش متزلزل، و عزتش خواری، تلاشش بیهوده و زیاد آن کم و بلندی آن سقوط است. سرمشاً ناآرامی است، جایگاه ملاقات ها و جدایی هاست و خانه ی جنگ و غارتگری، تبهکاری و هلاکت است.

۲۰-۴-۱- چاه

﴿۵۴۹﴾ اما چاه همان دنیا است که پر از بلا، گرفتاری و ناراحتی است.

۲۱-۴-۱- دریا

۱-۴-۲۱-۱ دریا

﴿۵۵۰﴾ وَ أَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ وَ مَا أَذْرَاكَ مَا هِيَه نَارُ حَامِيَةٍ؛ مَثَل دنیا مثل دریا و ملوان و کشتی است.

﴿۵۵۱﴾ لقمان به پسرش می فرمود: «ای پسر! دنیا مانند دریایی است که نسل زیادی از مردم در آن غرق شده اند.

۲-۴-۲۱-۲ دریای عمیق

﴿۵۵۲﴾ ای پسر، دنیا دریای عمیقی است، عالمان زیادی در آن هلاک شده اند. کشتی نجات خود را ایمان به خدا [قرار بده].

﴿۵۵۳﴾ بدانید دنیا دریایی ژرف است که مردم بسیاری در آن غرق می شوند؛ اما کشتی نجاتش آل محمد طه هستند، یعنی این علی علیه السلام و آن دو فرزندش که دیدید و خواهند آمد و نیز دیگر بزرگان اهل بیت من؛ هرکس بر این کشتی سوار شود نجات می یابد و هرکس از آن بازماند، غرق می شود.

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

﴿٥٥٤﴾ الكاظم عليه السلام: يَا بُنَيَّ إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ قَدْ غَرِقَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ فَلْتَكُنْ سَفِينَتَكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهَ؛ الكافي، ج ١، ص ١٥
١-٢١-٢١-٤-١- مَوْجُ الْبَحْرِ

﴿٥٥٥﴾ السَّجَّاد عليه السلام: أَمَا بَلَّغَكُمْ مَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عليه السلام لِلْحَوَارِيِّينَ قَالَ لَهُمُ الدُّنْيَا قَنْطَرَةٌ فَاعْبُرُوهَا وَلَا تَعْمُرُوهَا وَقَالَ أَيُّكُمْ يَبْنِي عَلَى مَوْجِ الْبَحْرِ دَارًا تَلْكُمُ الدَّارُ الدُّنْيَا فَلَا تَتَّخِذُوهَا قَرَارًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٠٧
١-٢٢-٤-١- الموت و القتل

١-٢٢-٢٢-١- الْقَاتِلُ

﴿٥٥٦﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ إِنَّ مَثَلَ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ مَسَّهَا لَيْنٌ وَفِي جَوْفِهَا السَّمُّ الْقَاتِلُ يَحْذَرُهَا الرَّجَالُ ذَوُو الْعُقُولِ وَيَهْوَى إِلَيْهَا الصُّبَّانُ بِأَيْدِيهِمْ ... يَا هِشَامُ مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ ازْدَادَ عَطْشًا حَتَّى يَقْتُلَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣١١

﴿٥٥٧﴾ عِيسَى عليه السلام: وَرَوَى أَنَّ عِيسَى عليه السلام كُوشِفَ بِالدُّنْيَا فَرَأَاهَا فِي صُورَةِ عَجُوزٍ عَتَمَاءَ يَعْنِي مُنْكَسِرَةَ الثَّنَائِيَا عَلَيْهَا مِنْ كُلِّ زِينَةٍ فَقَالَ لَهَا كَمْ تَزَوَّجْتَ فَقَالَتْ لَا أَحْصِيهِمْ قَالَ وَكُلُّهُمْ مَاتَ عَنْكَ أَوْ كُلُّهُمْ طَلَّقَكَ فَقَالَتْ بَلْ كُلُّهُمْ قَتَلْتُ فَقَالَ عِيسَى عليه السلام بُؤْسًا لَأَزْوَاجِكَ الْبَاقِينَ كَيْفَ تُهْلِكِينَهِمْ وَاحِدًا وَاحِدًا وَلَمْ يَكُونُوا مِنْكَ عَلَى حَذَرٍ؛ قصص الأنبياء للجزائري، ص ٤١٨

﴿٥٥٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ لَيْنٌ مَسَّهَا قَاتِلٌ سَمُّهَا فَأَعْرَضَ عَمَّا يُعْجِبُكَ فِيهَا لِقَلَّةِ مَا يَصْحَبُكَ مِنْهَا وَكُنْ أَنْسَ مَا يَكُونُ إِلَيْهَا أَوْحَشَ مَا تَكُونُ مِنْهَا فَإِنْ صَاحِبَهَا كُلَّمَا أَطْمَأَنَّ مِنْهَا إِلَى سُرُورٍ أَشْخَصَتْهُ إِلَى مَكْرُوهٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٠
١-٢٢-٢-٤-١- السَّمُّ

﴿٥٥٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ السَّمِّ يَأْكُلُهُ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٩

﴿٥٦٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا ظِلُّ الْغَمَامِ وَحُلْمُ الْمَنَامِ وَالْفَرَحُ الْمَوْصُولُ بِالْغَمِّ وَالْعَسَلُ الْمَشُوبُ بِالسَّمِّ، سَلَابَةُ النِّعَمِ أَكَالَةُ الْأُثْمِ جَلَابَةُ النِّقَمِ؛ غرر الحكم، ص ١٢٨

﴿٥٦١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خُلُوْ الدُّنْيَا صَبْرٌ وَغِذَاؤُهَا سِمَامٌ وَآسْبَابُهَا رِمَامٌ؛ غرر الحكم، ص ١٢٨

﴿سرای بلا و گرفتاری﴾

﴿۵۵۴﴾ فرزندم! دنیا چون دریایی عمیق است که عده‌ی زیادی در آن غرق شده‌اند.

۱-۴-۲۱-۳ موج دریا

﴿۵۵۵﴾ آیا به شما آنچه عیسی بن مریم به حواریون فرمود، نرسیده است؟! به آن‌ها فرمود: «دنیا مانند پلی است پس از آن بگذرید و آبادش نکنید». فرمود: «کدام یک از شما بر موج دریا خانه می‌سازد؟ این همان خانه دنیا است پس آن را جای ماندن نگیرید.

۱-۴-۲۲ مرگ

۱-۴-۲۲-۱ قاتل

﴿۵۵۶﴾ ای هشام، سرای دنیا همچون ماری است که دارای پوستی نرم است و درونش زهر کشنده دارد، [به همین خاطر] مردم صاحب‌دل و خردمند از آن حذر می‌کنند و کودکان دست خود را به سویش دراز می‌کنند ... ای هشام، سرای دنیا مانند آب دریاست، که هرچه فرد تشنه از آن بنوشد، تشنه‌تر می‌شود تا آنجا که هلاکش می‌کند.

﴿۵۵۷﴾ روایت شده که عیسی علیه السلام درخواست کرد دنیا را به صورت اصلی ببیند، پس او را به صورت پیرزنی بی‌دندان مشاهده کرد که انواع زینت‌ها را به خود آویخته بود. عیسی علیه السلام به او گفت: «چند بار ازدواج کرده‌ای؟» دنیا گفت: «حساب آن را ندارم». عیسی علیه السلام فرمود: «آیا همه‌ی همسران تو مرده‌اند یا تو را طلاق داده‌اند؟» دنیا گفت: «خیر، بلکه من همه‌ی آن‌ها را کشته‌ام». عیسی علیه السلام گفت: «وای بر دامادهای دیگر تو که آن‌ها را یکی‌یکی خواهی کشت و با این همه از تو حذر نمی‌کنند».

﴿۵۵۸﴾ دنیا همچون ماری است که پوستی نرم دارد اما زهرش کشنده است. از چیزهایی که در دنیا خوشایند توست، به واسطه‌ی عمر کوتاهی که دارد، کناره بگیر. و از هرچه در دنیا بیشتر خوشت می‌آید، بیشتر فرار کن؛ زیرا دنیا داران به هرچه بیشتر متمایل شوند، [آن را] با ناراحتی تحویل می‌دهند.

۱-۴-۲۲-۲ زهر

﴿۵۵۹﴾ دنیا همچون سمّ است که هرکس آن را نشناسد، می‌نوشد [و آسیب می‌بیند]. ﴿۵۶۰﴾ به درستی که دنیا چون سایه‌ی ابرها و رؤیایی در خواب است [که زود می‌گذرند]، شادی آن به غصّه متصل و عسل آن آغشته به سمّ است، نعمت‌ها را سلب می‌کند و امت‌های گوناگون را در خود می‌بلعد و گرفتاری و نعمت را به خود جذب می‌کند.

﴿۵۶۱﴾ شیرینی و [لذات] دنیا تلخ و غذاهای آن، چون سمّ کشنده و اسباب و علل آن پوسیده [و غیرقابل اعتماد است].

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

﴿٥٦٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا سَمٌ أَكَلَهُ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

﴿٥٦٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: غِذَاءُ الدُّنْيَا سِمَامٌ وَأَسْبَابُهَا رَمَامٌ؛ غرر الحكم، ص ١٤٣

﴿٥٦٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا وَهْنٌ مَطْلُبُهَا رَتَقٌ مَشْرِبُهَا رَدَغٌ مَشْرَعُهَا غَرُورٌ مَاحِلٌ وَسَمٌ قَاتِلٌ وَسِنَادٌ مَائِلٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١١٦
١-٢٢-٣-٤ الحُطَامُ الْمُؤَبِّ

﴿٥٦٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَتَاعُ الدُّنْيَا حُطَامٌ مُؤَبِّ فِتْنَتُهَا مَرَعَاهُ قُلْعَتُهَا أَحْطَى مِنْ طُمَأْنِينَتِهَا وَبَلْعَتُهَا أَرْكَى مِنْ ثَرَوَتِهَا؛ غرر الحكم، ص ١٤٣
١-٢٢-٤-١ الطَّوَاخَةُ

﴿٥٦٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا طَوَاخَةٌ طَرَاخَةٌ فَضَاخَةٌ أَسِيَّةٌ جَرَّاحَةٌ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٧١

١-٢٢-٥-١ الأَكَالَةُ

﴿٥٦٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنِّي أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا حُلُوهٌ خَضِرَةٌ حُقَّتْ بِالشَّهَوَاتِ وَتَحَبَّبَتْ بِالْعَاجِلَةِ وَغُمِّرَتْ بِالْأَمَالِ وَتَزَيَّنَتْ بِالْغُرُورِ لَا تَذُومُ حَبْرَتُهَا وَلَا تُؤْمَنُ فُجْعَتُهَا غَرَارَةٌ ضَرَارَةٌ زَائِلَةٌ نَافِذَةٌ أَكَالَةٌ غَوَالَةٌ؛ تحف العقول، ص ١٨٠
١-٢٢-٦-١ الْحَيَّةُ

﴿٥٦٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا كَالْحَيَّةِ لَئِنْ مَسَّهَا قَاتِلٌ سَمَّهَا فَأَعْرَضَ عَمَّا يُعْجِبُكَ فِيهَا لِقَلَّةِ مَا يَصْحَبُكَ مِنْهَا وَكُنْ أَنْسَ مَا تَكُونُ بِهَا أَحْذَرُ مَا تَكُونُ مِنْهَا؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

﴿٥٦٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ لَئِنْ مَسَّهَا شَدِيدٌ نَهَشَهَا فَأَعْرَضَ عَمَّا يُعْجِبُكَ مِنْهَا لِقَلَّةِ مَا يَصْحَبُكَ مِنْهَا وَكُنْ أَسْرَّ مَا تَكُونُ فِيهَا أَحْذَرُ مَا تَكُونُ لَهَا فَإِنَّ صَاحِبَهَا كَلَّمَا أَطْمَأَنَّ مِنْهَا إِلَى سُرُورٍ أَشْخَصَهُ مِنْهَا إِلَى مَكْرُوهٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٠٥
﴿٥٧٠﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ مَسَّهَا لَئِنْ وَفَى جَوْفُهَا السَّمُّ الْقَاتِلُ يَحْذَرُهَا

الرَّجُلُ الْعَاقِلُ وَيَهْوَى إِلَيْهَا الصَّبِيَانُ بِأَيْدِيهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٢٤

﴿٥٧١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ لَئِنْ مَسَّهَا وَ السَّمُّ النَّاقِعُ فِي جَوْفِهَا يَهْوَى إِلَيْهَا الْغَرُّ الْجَاهِلُ وَيَحْذَرُهَا ذُو اللَّبِّ الْعَاقِلُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٢٩
﴿٢٦٢﴾

﴿سرای بلا و گرفتاری﴾

﴿۵۶۲﴾ دنیا زهر است و کسی آن را می‌خورد که متوجه آن نیست.

﴿۵۶۳﴾ خورش دنیا زهرها و اسباب آن ریسمان کهنه‌هاست.

﴿۵۶۴﴾ طلب دنیا وهن و نوشیدن از آن کدر است و رودخانه‌اش گل و لای فراوان به همراه دارد؛ فریبی است که با سخن‌چینی نیرنگ می‌زند و سمّی کشنده دارد و معیوبی است که متمایل به فروافتادن است.

۳-۲۲-۴-۱- جنسی که وبا می‌آورد

﴿۵۶۵﴾ ای مردم، مال دنیا و لذّت آن وبا می‌آورد؛ از آن اجتناب کنید، اگر از آن دل ببرید گوارتر است از اینکه به آن اطمینان پیدا کنید. اگر در دنیا به اندازه‌ی احتیاج مال پیدا کنید، بهتر از این است که ثروت زیاد به دست آورید.

۴-۲۲-۴-۱- هلاک‌کننده

﴿۵۶۶﴾ دنیا هلاک‌کننده است و اهل خود را دور می‌افکند. رسواکننده‌ای غم‌افزا و زخم‌زننده.

۵-۲۲-۴-۱- شکمبار

﴿۵۶۷﴾ من شما را از دنیا بر حذر می‌دارم؛ زیرا در کام انسان شیرین است و در دیده سبز و خرم و در هاله‌ای از خواهش‌های نفسانی قرار گرفته است و به جهت تقدیر و دلپذیر و چشم‌نواز و پر از آرزوهای دراز و دارای آرایش فریب‌دهنده است؛ ولی شادی آن گذراست و از آسایش امانی نیست؛ بسیار فریبنده، زیان‌رساننده، زوال‌یابنده، پایان‌پذیر، شکمبار و مرگبار است.

۶-۲۲-۴-۱- مار

﴿۵۶۸﴾ دنیا همچون ماری است که پوستی نرم ولی سمّی کشنده دارد. از هرچه که از دنیا خوش می‌آید، روی برگردان. چون مدّت اندکی همراه تو خواهد بود. و از هرچه که بیشتر با آن انس می‌گیری، بیشتر بر حذر باش [تا تو را جذب دنیا نکند].

﴿۵۶۹﴾ دنیا همچون ماری است که پوستش نرم ولی سمّش کشنده است. پس از چیزی از دنیا که تو را شیفته ساخته دوری کن، زیرا مدّت کوتاهی با تو خواهد بود و هرچه بیشتر به آن تمایل پیدا کردی، بیشتر از آنچه برای اوست دوری کن. پس صاحب دنیا هرگاه به سرخوشی دنیا مشغول گردد دنیا او را به کدورتی مبتلا خواهد نمود.

﴿۵۷۰﴾ دنیا همچون ماری است؛ پوستش نرم است ولی درونش سمّ کشنده نهفته است.

انسان عاقل از آن دوری می‌کند و کودکان با دست به سمت آن می‌روند.

﴿۵۷۱﴾ دنیا همچون ماری است؛ پوستش نرم است و درونش سمّ کشنده نهفته است،

انسان مغرور و جاهل به آن دست دراز می‌کند و انسان خردمند و عاقل از آن حذر می‌کند.

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

٧-٢٢-١-٤- الدُّنْبُ

﴿٥٧٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَعَاشِرَ شِيعَتِي احْذَرُوا فَقَدْ عَصَتْكُمْ الدُّنْيَا بِأَنْيَابِهَا تَخْطِفُ مِنْكُمْ نَفْسًا بَعْدَ نَفْسٍ كَذَبَابِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٩٤
٨-٢٢-١-٤- ذُو الْأَنْيَابِ

﴿٥٧٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَعَاشِرَ شِيعَتِي احْذَرُوا فَقَدْ عَصَتْكُمْ الدُّنْيَا بِأَنْيَابِهَا تَخْطِفُ مِنْكُمْ نَفْسًا بَعْدَ نَفْسٍ كَذَبَابِهَا وَ هَذِهِ مَطَايَا الرَّحِيلِ قَدْ أُنِيختْ لِرُكَّابِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٣٤٥
٩-٢٢-١-٤- الشُّجَاعُ الْأَرْقَمُ

﴿٥٧٤﴾ الصادق عليه السلام: آهٍ آهٍ عَلَى قُلُوبٍ حُشِيَتْ نُورًا وَإِنَّمَا كَانَتْ الدُّنْيَا عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الشُّجَاعِ الْأَرْقَمِ وَالْعَدُوِّ الْأَعْجَمِ... طُوبَى لِعَبْدٍ لَمْ يَغْبِطِ الْخَاطِئِينَ عَلَى مَا أُوتُوا مِنْ نَعِيمِ الدُّنْيَا وَ زَهَرَتْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٧٩
١٠-٢٢-١-٤- الْعَدُوُّ

﴿٥٧٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: احْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا عِدُوَّةٌ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ وَ عِدُوَّةٌ أَعْدَائِهِ أَمَّا أَوْلِيَاؤُهُ فَعَمَّتْهُمْ وَ أَمَّا أَعْدَاؤُهُ فَغَرَّتْهُمْ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١١٥
﴿٥٧٦﴾ الصادق عليه السلام: آهٍ آهٍ عَلَى قُلُوبٍ حُشِيَتْ نُورًا وَإِنَّمَا كَانَتْ الدُّنْيَا عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الشُّجَاعِ الْأَرْقَمِ وَالْعَدُوِّ الْأَعْجَمِ... طُوبَى لِعَبْدٍ لَمْ يَغْبِطِ الْخَاطِئِينَ عَلَى مَا أُوتُوا مِنْ نَعِيمِ الدُّنْيَا وَ زَهَرَتْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٧٩
٢٣-١-٤- الْهَلَاكَةُ

١-٢٣-١-٤- الْهَلَاكُ

﴿٥٧٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا كَالشَّبَكَةِ تَلْتَفُ عَلَى مَنْ رَغِبَ فِيهَا وَ تَتَحَرَّزُ عَمَّنْ أَعْرَضَ عَنْهَا فَلَا تَمِلُ إِلَيْهَا بِقَلْبِكَ وَ لَا تُقْبِلُ عَلَيْهَا بِوَجْهِكَ فَتَوَقَّعْ فِي شَبَكَتِهَا وَ تَلْقَيْكَ فِي هَلَكَتِهَا؛ غرر الحكم، ص ١٢٨
٢-٢٣-١-٤- الْمُؤَبِقُ

﴿٥٧٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا يُونَقُ مِنْظَرُهَا وَ يُوبَقُ مَخْبَرُهَا، قَدْ تَزَيَّتْ بِالْغُرُورِ وَ غَرَّتْ بِزِينَتِهَا، دَارٌ هَانَتْ عَلَى رَبِّهَا فَخَلَطَ حَلَالُهَا بِحَرَامِهَا وَ خَيْرُهَا بِشَرِّهَا وَ خُلُوها بِبُرِّهَا لَمْ يُصِفْهَا اللَّهُ لِأَوْلِيَائِهِ وَ لَمْ يَضِنَّ بِهَا عَلَى أَعْدَائِهِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

﴿سرای بلا و گرفتاری﴾

۷-۲۲-۴-۱- گرگ

﴿۵۷۲﴾ ای گروه شیعیان من! بترسید که دنیا شما را با دندان‌های نیشدار خود گاز گرفته و مانند گرگ‌ها به سرعت نفسی را پس از نفسی از شما می‌برد.

۸-۲۲-۴-۱- نیش‌دار

﴿۵۷۳﴾ ای شیعیانم! بر حذر باشید که دنیا شما را با دندان‌های نیشدار خود گاز گرفته و همچون گرگ‌هایش شما را به نوبت شکار می‌کند. این‌ها مرکب‌های کوچ هستند که برای مسافران پهلوی گرفته‌اند.

۹-۲۲-۴-۱- ازدهایی خوش خط و خال و زهرآلود

﴿۵۷۴﴾ آه! آه! بر دل‌های آکنده از نور که دنیا در نظرشان تنها به مانند ازدهایی خوش خط و خال و زهرآلود و دشمنی زبان نافهم است... خوشا به حال بنده‌ای که هیچ‌گونه غبطه و حسرتی بر نعمت و بهره‌های دنیایی خطاکاران نخورد!

۱۰-۲۲-۴-۱- دشمن

﴿۵۷۵﴾ از دنیا بر حذر باشید که هم دشمن دوستان خداست و هم دشمن دشمنانش؛ دوستان خدا را غمگین می‌سازد و دشمنانش را فریب می‌دهد.

﴿۵۷۶﴾ آه! آه! بر دل‌های آکنده از نور که دنیا در نظرشان تنها به مانند ازدهایی خوش خط و خال و زهرآلود و دشمنی زبان نافهم است... خوشا به حال بنده‌ای که هیچ‌گونه غبطه و حسرتی بر نعمت و بهره‌های دنیایی خطاکاران نخورد!

۲۳-۴-۱- هلاکت و تباهی

۱-۲۳-۴-۱- تباهی

﴿۵۷۷﴾ دنیا همچون دامی است که هرکس را که به آن تمایل پیدا کند در خود گرفتار می‌سازد، و از کسی که از آن دوری جوید کناره می‌گیرد؛ از این رو از دل به آن تمایل نداشته باش، و روی خوش به آن نشان نده، که تو را گرفتار خود می‌سازد و رو به تباهی می‌برد.

۲-۲۳-۴-۱- مهلک

﴿۵۷۸﴾ به‌درستی که دنیا منظره‌ای دل‌فریب و سرانجامی مهلک دارد، با فریب‌های دنیوی زینت داده شده و با زیبایی‌هایش فریب می‌دهد. خانه‌ای که در نزد خداوند پست شمرده شده، حلالش در حرام و خیرش در شرّ و زندگی آن در مرگ و شیرینی آن در تلخی آمیخته شده است. [و همواره باهم هستند]. خداوند دنیا را برای دوستان خود توصیف [و توصیه] نکرده و از عطای آن به دشمنانش بخل نورزیده است.

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

٣-٢٣-١-٤- الوَبَالُ

﴿٥٧٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا لَكُمْ وَ الدُّنْيَا فَمَتَاعُهَا إِلَى انْقِطَاعٍ وَ فَخْرُهَا إِلَى وَبَالٍ وَ زِينَتُهَا إِلَى زَوَالٍ وَ نَعِيمُهَا إِلَى بُؤْسٍ وَ صِحَّتُهَا إِلَى سَقَمٍ أَوْ هَرَمٍ وَ مَالُ مَا فِيهَا إِلَى نَفَادٍ وَ شَيْكٍ وَ فَنَاءٍ قَرِيبٍ كُلُّ مُدَّةٍ فِيهَا إِلَى مُنْتَهَى وَ كُلُّ حَيٍّ فِيهَا إِلَى مُقَارَنَةِ الْبَلَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٩

﴿٥٨٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ خَبَالٍ وَ وَبَالٍ وَ زَوَالٍ وَ انْتِقَالٍ، لَا تُسَاوِي لَذَائِهَا تَنْغِيصَهَا، وَ لَا يَفِي سَعُودُهَا بِنَحْوِ سَهَا وَ لَا يَقُومُ صُعُودُهَا بِهَبُوطِهَا؛ غرر الحكم، ص ١٢٨

٣-٢٣-١-٤- الشَّقَاءُ

﴿٥٨١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: بِيَعُوا مَا يَفْنَى بِمَا يَبْقَى وَ تَعَوَّضُوا بِنَعِيمِ الْآخِرَةِ عَنْ شَقَاءِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤٧

٣-٢٣-١-٤- الْعَطَبُ

﴿٥٨٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَهِيَ الْكَنُودُ الْعُنُودُ وَ الصَّدُودُ الْجَحُودُ وَ الْحَيُودُ الْمَيُودُ حَالُهَا انْتِقَالٌ وَ سُكُونُهَا زَلْزَالٌ وَ عِزُّهَا ذُلٌّ وَ جَدُّهَا هَزْلٌ وَ كَثْرَتُهَا قَلٌّ وَ غُلُوبُهَا سِفْلٌ أَهْلُهَا عَلَى سَاقٍ وَ سِيَاقٌ وَ لِحَاقٌ وَ فِرَاقٌ وَ هِيَ دَارُ حَرْبٍ وَ سَلْبٍ وَ نَهَبٍ وَ عَطَبٍ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

﴿٥٨٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: جُودُ الدُّنْيَا فَنَاءٌ وَ رَاحَتُهَا عَنَاءٌ وَ سَلَامَتُهَا عَطَبٌ وَ مَوَاهِبُهَا سَلْبٌ؛ غرر الحكم، ص ١٢٨

٣-٢٣-١-٤- دَارُ خَبَالٍ

﴿٥٨٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ خَبَالٍ وَ وَبَالٍ وَ زَوَالٍ وَ انْتِقَالٍ، لَا تُسَاوِي لَذَائِهَا تَنْغِيصَهَا، وَ لَا يَفِي سَعُودُهَا بِنَحْوِ سَهَا وَ لَا يَقُومُ صُعُودُهَا بِهَبُوطِهَا؛ غرر الحكم، ص ١٢٨

٣-٢٣-١-٤- الْهَبُوطُ

﴿٥٨٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ خَبَالٍ وَ وَبَالٍ وَ زَوَالٍ وَ انْتِقَالٍ، لَا تُسَاوِي لَذَائِهَا تَنْغِيصَهَا، وَ لَا يَفِي سَعُودُهَا بِنَحْوِ سَهَا وَ لَا يَقُومُ صُعُودُهَا بِهَبُوطِهَا؛ غرر الحكم، ص ١٢٨

٣-٢٣-١-٤- الصَّرْعَةُ

﴿٥٨٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا تُدْنِي الْأَجَالَ وَ تُبَاعِدُ الْأَمَالَ وَ تُبِيدُ الرِّجَالَ وَ تُغَيِّرُ الْأَحْوَالَ مَنْ غَالَبَهَا غَلَبَتْهُ وَ مَنْ صَارَعَهَا صَرَعَتْهُ وَ مَنْ عَصَاهَا أَطَاعَتْهُ وَ مَنْ تَرَكَهَا أَتَتْهُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

﴿سرای بلا و گرفتاری﴾

۳-۲۳-۴-۱- گرفتاری

﴿۵۷۹﴾ شما را با دنیا چه کار؟! متاع آن نابودشدنی و افتخار به آن ننگ است و زینت دنیا زوال‌پذیر و نعمتش همراه با گرفتاری و صحت آن هم‌آغوش با درد و پیری است؛ و برگشت آن به‌سوی پایان سریع و فنای نزدیک است. هر چیزی زمان محدودی دارد و هر زنده‌ای به گرفتاری‌ها تحویل می‌شود.

﴿۵۸۰﴾ به‌درستی که دنیا جایگاه هلاک و گریبان‌گیری و زوال و جابه‌جایی است، و لذت‌های آن به‌قدر گرفتاری و نکبت آن، نیکی آن به‌قدر نحسی آن و بلندی آن به‌قدر سقوط [در] آن نیست.

۴-۲۳-۴-۱- بدبختی

﴿۵۸۱﴾ دنیای فانی را بفروشید تا آنچه باقی است (آخرت) بخرید و دشواری‌ها و بدبختی‌های دنیا را با نعمت‌های آخرت عوض کنید.

۵-۲۳-۴-۱- هلاکت

﴿۵۸۲﴾ به‌درستی که دنیا ناسپاس، حق‌نشناس، دشمنی‌حیله‌گر، پشت‌کننده‌ای سرگردان، حالاتش متزلزل، سکونش متزلزل، و عزتش خواری، تلاشش بیهوده و زیاد آن کم و بلندی آن سقوط است. سرمنشأ ناآرامی است، جایگاه ملاقات‌ها و جدایی‌هاست و خانه‌ی جنگ و غارتگری، تبهکاری و هلاکت است.

﴿۵۸۳﴾ بخشندگی دنیا نیستی و آسایش آن رنج و سلامتی آن هلاکت و بخشش‌های آن سلب‌شونده است.

۶-۲۳-۴-۱- جایگاه هلاک

﴿۵۸۴﴾ به‌درستی که دنیا جایگاه هلاک و گریبان‌گیری و زوال و جابه‌جایی است، و لذت‌های آن به‌قدر گرفتاری و نکبت آن، نیکی آن به‌قدر نحسی آن و بلندی آن به‌قدر سقوط [در] آن نیست.

۷-۲۳-۴-۱- سقوط

﴿۵۸۵﴾ به‌درستی که دنیا جایگاه هلاک و گریبان‌گیری و زوال و جابه‌جایی است، و لذت‌های آن به‌قدر گرفتاری و نکبت آن، نیکی آن به‌قدر نحسی آن و بلندی آن به‌قدر سقوط [در] آن نیست.

۸-۲۳-۴-۱- به‌زمین‌زدن

﴿۵۸۶﴾ دنیا، اجل‌ها را نزدیک و دستیابی به آرزوها را دور می‌کند، مردم را هلاک و حالات را دگرگون می‌کند، هرکس بر دنیا غلبه کند، دنیا بر او غلبه خواهد کرد، و هرکس با دنیا جنگید، دنیا به جنگ او برمی‌خیزد، هرکس با دنیا مخالفت کرد، دنیا از او اطاعت می‌کند و هرکس که دنیا را ترک کرد، دنیا به سراغ او می‌رود.

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

﴿٥٨٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ مَلَكَتْهُ الدُّنْيَا كَثُرَ صَرْعُهُ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

﴿٥٨٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا خِدَاعَةٌ صِرَاعَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٧٣

﴿٥٨٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مَصْرَعُ الْعُقُول؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

﴿٥٩٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا وَهْنٌ مَطْلَبُهَا رِنَقٌ مَشْرِئُهَا رَدْعٌ مَشْرَعُهَا غُرُورٌ مَاجِلٌ وَسَمٌّ قَاتِلٌ وَسِنَادٌ مَائِلٌ تُرِيقُ مَطَرُفُهَا وَتُرْدِي مُسْتَزِيدُهَا وَتَصْرِعُ مُسْتَفِيدُهَا بِإِنْفَادٍ لَدَيْهَا وَمُوبِقَاتٍ شَهَوَاتِهَا وَأَسْرَ نَافِرِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١١٦
٩-٢٣-١-٤-الطَّرح

﴿٥٩١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا طَوَاحَةٌ طَرَّاحَةٌ فَضَّاحَةٌ أَسِيَّةٌ جَرَّاحَةٌ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٧١

١٠-٢٣-١-٤-الثُّبُورُ

﴿٥٩٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: سُرُورُ الدُّنْيَا غُرُورٌ وَمَتَاعُهَا ثُبُورٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٦

﴿٥٩٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُلُّ نَعِيمِ الدُّنْيَا ثُبُورٌ؛ غرر الحكم، ص ١٤٣

١١-٢٤-١-٣-الْمَنَآيَا

﴿٥٩٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الْمَرْءُ فِي الدُّنْيَا غَرَضٌ تَنْتَضِلُ فِيهِ الْمَنَآيَا وَنَهْبٌ تَبَادِرُهُ الْمَصَائِبُ وَمَعَ كُلِّ جُرْعَةٍ شَرَقٌ وَفِي كُلِّ أَكْلَةٍ غَصَصٌ وَلَا يَنَالُ الْعَبْدُ نِعْمَةً إِلَّا بِفِرَاقٍ أُخْرَى وَلَا يَسْتَقْبِلُ يَوْمًا مِنْ عُمْرِهِ إِلَّا بِفِرَاقٍ آخَرَ مِنْ أَجَلِهِ فَتَحْنُ أَغْوَانُ الْمُنُونِ وَأَنْفُسُنَا نُصَبُ الْخُتُوفِ فَمِنْ أَيْنَ نَرْجُو الْبَقَاءَ وَهَذَا اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ لَمْ يَرْفَعَا مِنْ شَيْءٍ شَرْفًا إِلَّا أَسْرَعَا الْكِرَّةَ فِي هَدْمِ مَا بَنَيْنَا وَتَفْرِيقِ مَا جَمَعْنَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣٠

﴿٥٩٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا خِدَاعَةٌ صِرَاعَةٌ مَكَارَةٌ غَرَّارَةٌ سَحَّارَةٌ أَنْهَارُهَا لَامِعَةٌ وَثَمَرَاتُهَا يَانِعَةٌ ظَاهِرُهَا سُرُورٌ وَبَاطِنُهَا غُرُورٌ تَأْكُلُكُمْ بِأَضْرَاسِ الْمَنَآيَا وَتُبِيرُكُمْ بِإِتْلَافِ الرِّزَايَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٧٣

﴿٥٩٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا غُرُورٌ حَائِلٌ وَظِلٌّ زَائِلٌ وَسِنَادٌ مَائِلٌ تَصِلُ الْعَطِيَّةُ بِالرِّزْيَةِ وَالْأُمْنِيَّةُ بِالْمُنْيَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥
٢٤-٤-١-الدَّلَّةُ

﴿سرای بلا و گرفتاری﴾

﴿۵۸۷﴾ هر کس دنیا مالک او شود، دردسرهايش بسيار می‌شود.

﴿۵۸۸﴾ همانا دنیا فریبنده و سقوط‌دهنده است.

﴿۵۸۹﴾ دنیا میدان افتادن و لغزیدن عقل‌هاست.

﴿۵۹۰﴾ طلب دنیا وهن و نوشیدن از آن کدر است و رودخانه‌اش گل و لای فراوان به همراه دارد؛ فریبي است که با سخن‌چيني نیرنگ می‌زند و سمّی کشنده دارد و معیوبی است که متمایل به فروافتادن است و دارایی آن روشن و صاف است و زیاده‌طلب را پست و هلاک می‌کند و کسی که از آن بهره بگیرد، با تمام‌شدن لذّتش و با شهوات هلاک‌کننده‌اش و اسیرکردن گریزنده از آن را به خاک می‌افکند.

﴿۹-۲۳-۱-۴-۱﴾ دورانداختن

﴿۵۹۱﴾ دنیا هلاک‌کننده است و اهل خود را دور می‌افکند. رسواکننده‌ای غم‌افزا و زخم‌زننده.

﴿۱۰-۲۰-۱-۴-۱﴾ هلاکت

﴿۵۹۲﴾ شادمانی دنیا فریب است و متاع آن هلاکت است.

﴿۵۹۳﴾ تمام نعمت‌های دنیا هلاکت است.

﴿۱۱-۲۴-۱-۳-۱﴾ گرفتاری و مرگ

﴿۵۹۴﴾ انسان در دنیا هدفی است که کمان‌های مرگ برای او کشیده شده‌اند و غنیمتی است که گرفتاری‌ها بر او پیشی می‌گیرند. و با هر جرعه آبی گرفتاری و با هر لقمه غذایی، غصّه‌هایی است. و بنده به نعمتی نمی‌رسد مگر با از دست‌دادن نعمتی دیگر. و هیچ روزی از عمرش را درک نمی‌کند مگر با از دست‌دادن روزی دیگر از عمر خود. پس ما یاران مرگ هستيم و جان‌های ما هدف نابودی است. پس از کجا به بقا امید داریم؟! و این شب و روز، شرافت چیزی را بالا نمی‌برند، مگر اینکه در نابودی آنچه بنیان نهاده‌اند و پراکنده‌ساختن آنچه جمع کرده‌اند، شتاب کنند.

﴿۵۹۵﴾ همانا دنیا فریبنده، سقوط‌دهنده، گول‌زننده، نیرنگ‌باز و ساحر است؛ نه‌رهائيش درخشنده، میوه‌هایش رسیده، ظاهرش شادی و باطنش فریب است؛ شما را با دندان‌های گرفتاری می‌خورد و با مصیبت‌ها نابود می‌کند.

﴿۵۹۶﴾ به‌درستی که دنیا فریب‌دهنده و تغییر‌یابنده است و سایه‌ای است گذرا و تکیه‌گاهی است که فرومی‌ریزد. و عطایای آن به عزا و آرزوها به مرگ ختم می‌گردد.

﴿۲۴-۴-۱﴾ خواری

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

١-٢٤-١- الدُّلُّ

﴿٥٩٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: سُلْطَانُ الدُّنْيَا ذُلٌّ وَ غُلُوهَا سُفْلٌ؛ غرر الحكم، ص ٣٤٣
 ﴿٥٩٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ جَدَّ الدُّنْيَا هَزَلٌ وَ عِزُّهَا ذُلٌّ وَ غُلُوهَا سُفْلٌ؛ غرر الحكم، ص ١٢٨
 ﴿٥٩٩﴾ العسكري عليه السلام: وَجَدْتُ الدُّنْيَا حَيَاتَهَا مَوْتًا وَ غَنَاهَا فَقْرًا وَ فَرَحَهَا تَرْحًا وَ صِحَّتَهَا سُقْمًا وَ قُوَّتَهَا ضَعْفًا وَ عِزُّهَا ذُلٌّ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٨٣
 ١-٢٤-٢- الدَّلَّةُ

﴿٦٠٠﴾ كَثْرَةُ الدُّنْيَا قَلَّةٌ وَ عِزُّهَا ذِلَّةٌ وَ زَخَارِفُهَا مُضِلَّةٌ وَ مَوَاهِبُهَا فِتْنَةٌ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩
 ١-٢٤-٣- هَرَمٌ مُنْقِدٌ

﴿٦٠١﴾ الرسول ﷺ: وَ مَا يَنْتَظِرُ أَحَدُكُمْ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا غِنًى مُطْغِيًا أَوْ فَقْرًا مُنْسِيًا أَوْ مَرَضًا مُفْسِدًا أَوْ هَرَمًا مُنْقِدًا أَوْ مَوْتًا مُجْهِزًا؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٥٨
 ١-٢٤-٢٥- الحُزْنُ وَ الْعَمُّ
 ١-٢٥-١- الْعَمُّ

﴿٦٠٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا ظِلُّ الْعَمَامِ وَ حُلُمُ الْمَنَامِ وَ الْفَرَحُ الْمَوْصُولُ بِالْغَمِّ وَ الْعَسَلُ الْمَشُوبُ بِالسَّمِّ، سَلَابَةُ النِّعَمِ أَكَالَةُ الْأَمَمِ جَلَابَةُ النِّقَمِ؛ غرر الحكم، ص ١٢٨
 ﴿٦٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَالَ جَابِرٌ: مَا تَقُولُ فِي دَارِ الدُّنْيَا؟ قَالَ: مَا تَقُولُ فِي دَارِ أَوَّلِهَا غَمٌّ وَ آخِرُهَا الْمَوْتُ قَالَ: فَمَنْ أَغْبَطُ النَّاسَ؟ قَالَ: جَسَدٌ تَحْتَ التُّرَابِ أَمِنُ مِنَ الْعِقَابِ وَ يَرْجُو الثَّوَابَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ١٦

﴿٦٠٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اخْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا عَدُوَّةُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ عَدُوَّةُ أَعْدَائِهِ أَمَّا أَوْلِيَاؤُهُ فَعَمَتُهُمْ وَ أَمَّا أَعْدَاؤُهُ فَعَرَّتُهُمْ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١١٥
 ﴿٦٠٥﴾ السَّجَادُ عليه السلام: إِلَهِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا هُمُومٌ وَ أَحْزَانٌ وَ غُمُومٌ وَ بَلَاءٌ وَ فِي الْآخِرَةِ حِسَابٌ وَ عِقَابٌ فَأَيُّنَ الرَّاحَةِ وَ الْفَرَجِ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٢٨
 ١-٢٥-٢- الْغُصَّةُ

﴿٦٠٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ لِلدُّنْيَا مَعَ كُلِّ شَرْبَةٍ شَرْقًا وَ مَعَ كُلِّ أَكْلَةٍ غَصَصًا لَا تُنَالُ مِنْهَا نِعْمَةٌ إِلَّا بِفِرَاقٍ أُخْرَى وَ لَا يَسْتَقْبِلُ فِيهَا الْمَرْءُ يَوْمًا مِنْ غَمِّهِ إِلَّا بِفِرَاقٍ آخَرَ مِنْ أَجْلِهِ وَ لَا يَحْيَا لَهُ فِيهَا أَثَرٌ إِلَّا مَا تَلَهُ أَثَرٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣١
 ﴿٢٧٠﴾

﴿سرای بلا و گرفتاری﴾

۱-۴-۲۴-۱- خواری

﴿۵۹۷﴾ سلطنت دنیا خواری و بلندمرتبتی آن پستی است.

﴿۵۹۸﴾ به درستی که جدّ دنیا بازی و عزّت آن خواری و بلندی آن پستی است.

﴿۵۹۹﴾ دریافتیم که حیات دنیا مرگ و غنای آن فقر و شادی آن اندوه و سلامتی آن بیماری و قوّت آن ضعف و عزّت آن خواری است.

۱-۴-۲۴-۲- ذلت

﴿۶۰۰﴾ بسیاری دنیا کمی و عزّت آن خواری است. و آرایش‌های آن گمراه‌کننده و بخشش‌های آن فتنه است.

۱-۴-۲۴-۳- پیری‌ای که زبونی آورد

﴿۶۰۱﴾ از دنیا چه انتظار دارید، جز غنایی که طغیان آورد یا فقری که نسیان آورد یا مرضی که فساد آورد یا پیری‌ای که زبونی آورد یا مرگی که به سرعت از پا درآورد.

۱-۴-۲۵- ناراحتی و غصه

۱-۴-۲۵-۱- غم

﴿۶۰۲﴾ به درستی که دنیا چون سایه‌ی ابرها و رؤیایی در خواب است [که زود می‌گذرند]، شادی آن به غصّه متصل و عسل آن آغشته به سمّ است، نعمت‌ها را سلب می‌کند و امت‌های گوناگون را در خود می‌بلعد و گرفتاری و نعمت را به خود جذب می‌کند.

﴿۶۰۳﴾ جابر به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: «نظرتان در مورد دنیا چیست؟» امام علیه السلام فرمود: «چه بگویم درباره‌ی خانه‌ای که آغازش غم و سرانجامش مرگ و ماتم است؟» عرض کرد: «مورد غبطه‌ترین مردم کیست؟» فرمود: «جسم زیر خاک که آسوده از کیفر و امیدوار به ثواب است.»

﴿۶۰۴﴾ از دنیا بر حذر باشید که هم دشمن دوستان خداست و هم دشمن دشمنانش؛ دوستان خدا را غمگین می‌سازد و دشمنانش را فریب می‌دهد.

﴿۶۰۵﴾ خدایا، در این دنیا اندوه و ناراحتی و نگرانی و بلاهاست و در آخرت حساب و مجازات است، پس آسایش و گشایش کجاست؟!

۱-۴-۲۵-۲- غصّه و گلوگیر

﴿۶۰۶﴾ دنیا با هر نوشیدنی که همراه شود، در گلو می‌پرد و با هر لقمه‌ای گلوگیر است، با نعمتی از دنیا همراه نمی‌شود مگر آنکه از نعمتی دیگر جدا شود. و آدمی به استقبال روزی از عمر خود نمی‌رود مگر با جداشدن از روزی دیگری از عمرش. برای او در این دنیا اثری زنده نمی‌گردد مگر اینکه اثر دیگری از او خواهد مرد.

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

﴿٦٠٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الْمَرْءُ فِي الدُّنْيَا غَرَضٌ تَنْتَظِلُ فِيهِ الْمَنَايَا وَنَهَبُ تَبَادُرِهِ الْمَصَائِبُ وَمَعَ كُلِّ جُرْعَةٍ شَرَقَ وَفِي كُلِّ أَكْلَةٍ غَصَصٌ وَلَا يَنَالُ الْعَبْدُ نِعْمَةً إِلَّا بِفِرَاقٍ أُخْرَى وَلَا يَسْتَقْبِلُ يَوْمًا مِنْ غَمِّهِ إِلَّا بِفِرَاقٍ آخَرَ مِنْ أَجَلِهِ فَتَحْنُ أَغْوَانُ الْمُتَوَنِّينَ وَأَنْفُسُنَا نُسَبُّ الْخُتُوفِ فَمِنْ أَيْنَ نَرْجُو الْبَقَاءَ وَهَذَا اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ لَمْ يَرَفَعَا مِنْ شَيْءٍ شَرَفًا إِلَّا أَسْرَعَا الْكُرَّةَ فِي هَدْمِ مَا بَنَيْنَا وَتَفْرِيقِ مَا جَمَعْنَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣٠

﴿٦٠٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَغَلَبَةَ الدُّنْيَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ فَإِنْ عَاجَلَهَا نَعَصَةٌ وَآجَلَهَا غُصَّةٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٦

﴿٦٠٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ أَصْبَحْتُمْ أَغْرَاضًا تَنْتَظِلُ فِيكُمْ الْمَنَايَا وَأَمْوَالُكُمْ نَهَبٌ لِمَصَائِبِ مَا طَعِمْتُمْ فِي الدُّنْيَا مِنْ طَعَامٍ فَلَكُمْ فِيهِ غَصَصٌ وَمَا شَرِبْتُمْ مِنْ شَرَابٍ فَلَكُمْ فِيهِ شَرَقٌ وَ أَشْهَدُ بِاللَّهِ مَا تَنَالُونَ مِنَ الدُّنْيَا نِعْمَةً تَفْرَحُونَ بِهَا إِلَّا بِفِرَاقٍ أُخْرَى تَكْرَهُونَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٠٦

٣-٢٥-١-٤-البؤس

﴿٦١٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا لَكُمْ وَالدُّنْيَا فَمَتَاعُهَا إِلَى انْقِطَاعٍ وَفَخْرُهَا إِلَى وَبَالٍ وَزِينَتُهَا إِلَى زَوَالٍ وَنَعِيمُهَا إِلَى بُؤْسٍ وَصِحَّتُهَا إِلَى سَقَمٍ أَوْ هَرَمٍ وَمَالٌ مَا فِيهَا إِلَى نَفَادٍ وَشَيْكٌ وَفَنَاءٌ قَرِيبٌ كُلُّ مَدَّةٍ فِيهَا إِلَى مُنْتَهَى وَكُلُّ حَيٍّ فِيهَا إِلَى مُقَارَنَةِ الْبَلَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٩

﴿٦١١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا خَيْرُهَا زَهِيدٌ وَشَرُّهَا عَتِيدٌ وَلَذَّتْهَا قَلِيلَةٌ وَحَسَرَتُهَا طَوِيلَةٌ تَشُوبُ نَعِيمَهَا بِبُؤْسٍ وَتَقْرَنُ سُعُودَهَا بِنُحُوسٍ وَتَصِلُ نَفْعُهَا بِضَرٍّ وَتَمْرُجُ حُلُوهَا بِمُرٍّ؛ غرر الحكم، ص ١٣١

﴿٦١٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا شَرَكُ النُّفُوسِ وَقَرَارَةُ كُلِّ ضَرٍّ وَبُؤْسٍ؛ غرر الحكم، ص ١٣١

٤-٢٥-١-٤-الحزن

﴿٦١٣﴾ السَّجَادُ عليه السلام: إِلَهِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا هُمُومٌ وَأَحْزَانٌ وَغُمُومٌ وَبَلَاءٌ وَفِي الْآخِرَةِ حِسَابٌ وَعِقَابٌ فَأَيْنَ الرَّاحَةُ وَالْفَرَجُ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٢٨

٥-٢٥-١-٤-الشرق

﴿٦١٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الْمَرْءُ فِي الدُّنْيَا غَرَضٌ تَنْتَظِلُ فِيهِ الْمَنَايَا وَنَهَبُ تَبَادُرِهِ الْمَصَائِبُ وَمَعَ كُلِّ جُرْعَةٍ شَرَقَ وَفِي كُلِّ أَكْلَةٍ غَصَصٌ وَلَا يَنَالُ الْعَبْدُ نِعْمَةً إِلَّا بِفِرَاقٍ أُخْرَى وَلَا

﴿٢٧٢﴾

﴿سرای بلا و گرفتاری﴾

﴿۶۰۷﴾ انسان در دنیا هدفی است که کمان‌های مرگ برای او کشیده شده‌اند و غنیمتی است که گرفتاری‌ها بر او پیشی می‌گیرند. و با هر جرعه آبی گرفتاری و با هر لقمه غذایی، غصّه‌هایی است. و بنده به نعمتی نمی‌رسد مگر با از دست‌دادن نعمتی دیگر. و هیچ روزی از عمرش را درک نمی‌کند مگر با از دست‌دادن روزی دیگر از عمر خود. پس ما یاران مرگ هستیم و جان‌های ما هدف نابودی است. پس از کجا به بقا امید داریم؟! و این شب و روز، شرافت چیزی را بالا نمی‌برند، مگر اینکه در نابودی آنچه بنیان نهاده‌اند و پراکنده‌ساختن آنچه جمع کرده‌اند، شتاب کنند.

﴿۶۰۸﴾ از غلبه‌ی دنیا بر نفس‌هایتان بپرهیزید، پس به‌درستی که امور زودگذر آن زیان می‌زند و اموری که در دسترس نیست، فقط غصّه به همراه می‌آورد.

﴿۶۰۹﴾ ای مردم! شما هدف‌هایی هستید که کمان‌های مرگ برای شما کشیده شده و اموال شما برای گرفتاری‌ها از بین می‌رود. در دنیا غذایی نمی‌خورید مگر آنکه در آن برای شما غصّه‌هایی است و آبی نمی‌نوشید مگر اینکه در آن برای شما گرفتاری است. و به خداوند متعال شهادت می‌دهم که در دنیا به هیچ نعمتی نمی‌رسید که شما را خوشحال کند، مگر اینکه نعمت دیگری از دست می‌رود که موجب ناراحتی شما می‌گردد.

۳-۲۵-۴-۱- گرفتاری

﴿۶۱۰﴾ شما را با دنیا چه کار؟! متاع آن نابودشدنی و افتخار به آن ننگ است و زینت دنیا زوال‌پذیر و نعمتش همراه با گرفتاری و صحت آن هم‌آغوش با درد و پیری است؛ و برگشت آن به‌سوی پایان سریع و فنای نزدیک است. هر چیزی زمان محدودی دارد و هر زنده‌ای به گرفتاری‌ها تحویل می‌شود.

﴿۶۱۱﴾ نیکی‌های دنیا اندک و بدی‌های آن مهیا [و همیشگی] است، لذّت‌های آن کم و حسرت‌های آن طولانی است، نعمت‌های آن به سختی آغشته و نیک‌بختی آن با نحسی همراه است، منافع آن ختم به ضرر شده و شیرینی آن با تلخی مخلوط می‌شود.

﴿۶۱۲﴾ دنیا دام نفس‌هاست و جایگاه هر زیان و امر سنگین گرانی است.

۴-۲۵-۴-۱- ناراحتی

﴿۶۱۳﴾ خدایا، در این دنیا اندوه و ناراحتی و نگرانی و بلاهاست و در آخرت حساب و مجازات است، پس آسایش و گشایش کجاست!؟

۵-۲۵-۴-۱- گرفتاری

﴿۶۱۴﴾ انسان در دنیا هدفی است که کمان‌های مرگ برای او کشیده شده‌اند و غنیمتی است که گرفتاری‌ها بر او پیشی می‌گیرند. و با هر جرعه آبی گرفتاری و با هر لقمه غذایی، غصّه‌هایی

﴿الدُّنْيَا الْبَلَاءُ﴾

يَسْتَقْبِلُ يَوْمًا مِنْ عُمْرِهِ إِلَّا بِفِرَاقٍ آخَرَ مِنْ أَجَلِهِ فَخُنُّ أَغْوَانِ الْمُنُونِ وَانْفُسُنَا نُصَبُ الْخُتُوفِ فَمِنْ
أَيْنَ نَرْجُو الْبَقَاءَ وَهَذَا اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ لَمْ يَرَفَعَا مِنْ شَيْءٍ شَرَفًا إِلَّا أَسْرَعَا الْكِرَّةَ فِي هَدْمِ مَا بَنَيْنَا وَ
تَفْرِيقِ مَا جَمَعْنَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣٠

﴿٦١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ لِلدُّنْيَا مَعَ كُلِّ شَرْبَةٍ شَرْقًا وَمَعَ كُلِّ أَكْلَةٍ غَصَصًا لَا تُنَالُ مِنْهَا
نِعْمَةٌ إِلَّا بِفِرَاقٍ أُخْرَى وَلَا يَسْتَقْبِلُ فِيهَا الْمَرْءُ يَوْمًا مِنْ عُمْرِهِ إِلَّا بِفِرَاقٍ آخَرَ مِنْ أَجَلِهِ وَلَا يَحْيَا لَهُ
فِيهَا أَثَرٌ إِلَّا مَاتَ لَهُ أَثَرٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣١

﴿٦١٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ أَصْبَحْتُمْ أَغْرَاضًا تَنْتَضِلُ فِيكُمْ الْمَنَايَا وَأَمْوَالُكُمْ نَهَبٌ
لِلْمَصَائِبِ مَا طَعِمْتُمْ فِي الدُّنْيَا مِنْ طَعَامٍ فَلَكُمْ فِيهِ غَصَصٌ وَمَا شَرِبْتُمْ مِنْ شَرَابٍ فَلَكُمْ فِيهِ شَرْقٌ وَ
أَشْهَدُ بِاللَّهِ مَا تَنَالُونَ مِنَ الدُّنْيَا نِعْمَةً تَفْرَحُونَ بِهَا إِلَّا بِفِرَاقٍ أُخْرَى تَكْرَهُونَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠،
ص ١٠٦

١-٤-٢٥-٦- الهَمُّ

﴿٦١٧﴾ السَّجَادُ عليه السلام: إِلَهِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا هُمُومٌ وَأَحْزَانٌ وَغُمُومٌ وَبَلَاءٌ وَفِي الْآخِرَةِ حِسَابٌ
وَعِقَابٌ فَأَيُّنِ الرَّاحَةُ وَالْفَرَجُ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٢٨

١-٤-٢٥-٧- التَّرَحُّ

﴿٦١٨﴾ العسكري عليه السلام: وَجَدْتُ الدُّنْيَا حَيَاتَهَا مَوْتًا وَغَنَاهَا فَقْرًا وَفَرَحَهَا تَرَحًّا وَصِحَّتَهَا
سُقْمًا وَقُوَّتَهَا ضَعْفًا وَعِزَّهَا ذُلًّا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٨٣

١-٤-٢٦- الحَسْرَةُ وَالنَّدَمُ

١-٤-٢٦-١- الحَسْرَةُ

﴿٦١٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خَيْرُ الدُّنْيَا حَسْرَةٌ وَشَرُّهَا نَدَمٌ؛ غرر الحكم، ص ١٤٣

﴿٦٢٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا خَيْرُهَا زَهِيدٌ وَشَرُّهَا عَتِيدٌ وَلَدَّتْهَا قَلِيلَةٌ وَحَسَرَتْهَا
طَوِيلَةٌ تَشُوبُ نَعِيمَهَا بُؤْسٌ وَتَقْرِنُ سُعُودَهَا بِنُحُوسٍ وَتَصِلُ نَفْعَهَا بِضُرٍّ وَتَمُزِجُ خُلُوقَهَا بِمُرٍّ؛
غرر الحكم، ص ١٣١

١-٤-٢٣-٢- النَّدَمُ

﴿٦٢١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خَيْرُ الدُّنْيَا حَسْرَةٌ وَشَرُّهَا نَدَمٌ؛ غرر الحكم، ص ١٤٣

﴿سرای بلا و گرفتاری﴾

است. و بنده به نعمتی نمی‌رسد مگر با از دست‌دادن نعمتی دیگر. و هیچ روزی از عمرش را درک نمی‌کند مگر با از دست‌دادن روزی دیگر از عمر خود. پس ما یاران مرگ هستیم و جان‌های ما هدف نابودی است. پس از کجا به بقا امید داریم؟! و این شب و روز، شرافت چیزی را بالا نمی‌برند، مگر اینکه در نابودی آنچه بنیان نهاده‌اند و پراکنده‌ساختن آنچه جمع کرده‌اند، شتاب کنند.

﴿۶۱۵﴾ دنیا با هر نوشیدنی که همراه شود، در گلو می‌پرد و با هر لقمه‌ای گلوگیر است، با نعمتی از دنیا همراه نمی‌شود مگر آنکه از نعمتی دیگر جدا شود. و آدمی به استقبال روزی از عمر خود نمی‌رود مگر با جداشدن از روزی دیگری از عمرش. برای او در این دنیا اثری زنده نمی‌گردد مگر اینکه اثر دیگری از او خواهد مرد.

﴿۶۱۶﴾ ای مردم! شما هدف‌هایی هستید که کمان‌های مرگ برای شما کشیده شده و اموال شما برای گرفتاری‌ها از بین می‌رود. در دنیا غذایی نمی‌خورید مگر آنکه در آن برای شما غصه‌هایی است و آبی نمی‌نوشید مگر اینکه در آن برای شما گرفتاری است. و به خداوند متعال شهادت می‌دهم که در دنیا به هیچ نعمتی نمی‌رسید که شما را خوشحال کند، مگر اینکه نعمت دیگری از دست می‌رود که موجب ناراحتی شما می‌گردد.

۱-۴-۲۵-۶ اندوه

﴿۶۱۷﴾ خدایا، در این دنیا اندوه و ناراحتی و نگرانی و بلاهاست و در آخرت حساب و مجازات است، پس آسایش و گشایش کجاست؟!

۱-۴-۲۵-۷ اندوه

﴿۶۱۸﴾ دریافتم که حیات دنیا مرگ و غنای آن فقر و شادی آن اندوه و سلامتی آن بیماری و قوت آن ضعف و عزت آن خواری است.

۱-۴-۲۶-۱ حسرت و پشیمانی

۱-۴-۲۶-۱ حسرت

﴿۶۱۹﴾ خیر دنیا حسرت و شرّ آن پشیمانی است.

﴿۶۲۰﴾ نیکی‌های دنیا اندک و بدی‌های آن مهیا [و همیشگی] است، لذت‌های آن کم و حسرت‌های آن طولانی است، نعمت‌های آن به سختی آغشته و نیک‌بختی آن با نحسی همراه است، منافع آن ختم به ضرر شده و شیرینی آن با تلخی مخلوط می‌شود.

۱-۴-۲۳-۲ پشیمانی

﴿۶۲۱﴾ خیر دنیا حسرت و شرّ آن پشیمانی است.

﴿۲۷۵﴾

﴿الدُّنْيَا الْمَتَاعُ وَ اللَّذَّةُ﴾

١-٥- الدُّنْيَا الْمَتَاعُ وَ اللَّذَّةُ

١-٥-١- الخَزَائِنُ وَ الْبَرَكَاتُ

١-٥-١-١- خَزَائِنُ الدُّنْيَا

﴿٦٢٢﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ جَبْرِئِيلَ أَتَانِي بِخَزَائِنِ الدُّنْيَا عَلَى بَغْلَةٍ شَهْبَاءَ فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ خَزَائِنُ الدُّنْيَا وَ لَا يَنْقُصُكَ مِنْ حَظِّكَ عِنْدَ رَبِّكَ فَقُلْتُ يَا حَبِيبِي جَبْرِئِيلُ لَا حَاجَةَ لِي فِيهَا إِذَا شَبِعْتُ شَكَرْتُ رَبِّي وَ إِذَا جُعْتُ سَأَلْتُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٢

١-٥-١-٢- بَرَكَاتُ الْأَرْضِ

﴿٦٢٣﴾ الرسول ﷺ: إِنِّي أَكْثَرُ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ مَا يُخْرِجُ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ فَقِيلَ وَ مَا بَرَكَاتُ الْأَرْضِ قَالَ زَهْرَةُ الدُّنْيَا؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣٣

﴿٦٢٤﴾ السَّجَادُ ﷺ: وَ أَبَاحَكَ الدُّنْيَا كُلَّهَا فَمَلَكَكَ نَفْسَكَ وَ حَلَّ أَسْرَكَ وَ فَرَّغَكَ لِعِبَادَةِ رَبِّكَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٦٢

١-٥-٢- النِّعْمَةُ

﴿٦٢٥﴾ امير المؤمنين ﷺ: وَ أَنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ لِتَسْتَقِيمَ إِلَّا عَلَى مَا خَلَقَهَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيْهِ مِنَ النِّعْمَاءِ وَ الْإِثْمَاءِ وَ الْجَزَاءِ فِي الْمَعَادِ أَوْ مَا شَاءَ مِمَّا لَا نَعْلَمُ؛ تحف العقول، ص ٧١

١-٥-٣- الْمَتَاعُ

﴿٦٢٦﴾ اللَّهُ يَسْطُرُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ وَ فَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ؛ (الرعد / ٢٦)

﴿٦٢٧﴾ يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَ إِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ؛ (غافر / ٣٩)

﴿٦٢٨﴾ الرسول ﷺ: مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ...؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٢٨

﴿٦٢٩﴾ الرسول ﷺ: إِنَّمَا الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَ خَيْرُ مَتَاعِ الدُّنْيَا الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ؛ الجعفریات، ص ٩١

﴿٦٣٠﴾ امير المؤمنين ﷺ: إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَ مَتَاعُ الدُّنْيَا بَطِيءُ الْجَمْعِ قَلِيلُ الْإِنْتِفَاعِ

سَرِيعُ الْإِنْقِطَاعِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٠١

﴿٦٣١﴾ امير المؤمنين ﷺ: إِنَّمَا الدُّنْيَا مَتَاعٌ أَيَّامٌ قَلَالٍ ثُمَّ تَزُولُ كَمَا يَزُولُ السَّرَابُ وَ تَفْنَعُ كَمَا يَفْنَعُ السَّحَابُ [وَ تَفْنَعُ كَمَا يَفْنَعُ السَّحَابُ]؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

﴿٢٧٦﴾

«دنیای بهره‌مندی و لذت»

۱-۵-۱ دنیای بهره‌مندی و لذت

۱-۵-۱-۱ خزانه‌ها و برکات دنیا

۱-۵-۱-۱-۱ خزانه‌های دنیا

«۶۲۲» ای ابوذر! جبرئیل همه‌ی گنجینه‌های دنیا را بر پشت استری برای من آورد و به من گفت: «این خزانه‌های دنیاست و با قبول آن، از ثواب و مقام تو در نزد خداوند نخواهد کاست». گفتم: «ای حبیب من جبرئیل! من به این‌ها نیازی ندارم، چراکه وقتی سیر باشم خدا را شکر می‌کنم و زمانی که گرسنه شوم از او غذا طلب می‌کنم.

۱-۵-۱-۲ برکات زمین

«۶۲۳» پیامبر ﷺ فرمود: «من بیش از هر چیز نسبت به شما از آنچه خداوند برای شما از برکات زمین بیرون می‌آورد، بیمناک و ترسانم». پرسیدند: «یا رسول الله! برکات زمین چیست؟» فرمود: «جلوه‌ی دنیا».

«۶۲۴» [کسی که تو را آفریده] تمام دنیا را برایت مباح [و آزاد] کرده و تو را مالک خودت ساخته و از اسارت رهایت کرده و برای پرستش پروردگارت آسودگی بخشیده است.

۱-۵-۲ نعمت

«۶۲۵» بدان که جهان جز به همان سنتی که خداوند تبارک و تعالی آفریده، برپا نمی‌ماند که نعمت است و ابتلا و سرانجام پاداش روز جزا یا هرچه او بخواهد و ما خبر نداریم.

۱-۵-۳ کالا

«۶۲۶» خدا روزی را برای هرکس بخواهد [و شایسته بداند] وسیع، برای هر کس بخواهد [و مصلحت بداند] تنگ قرار می‌دهد ولی آن‌ها [کافران] به زندگی دنیا، شاد [و خوشحال] شدند درحالی‌که زندگی دنیا در برابر آخرت، متاع ناچیزی است!

«۶۲۷» ای قوم من! این زندگی دنیا، تنها متاع زودگذری است و آخرت سرای همیشگی است!

«۶۲۸» زندگی دنیا در برابر آخرت متاع ناچیزی است.

«۶۲۹» دنیا کالایی است، و بهترین کالای دنیا زن خوب و صالح است.

«۶۳۰» زندگی دنیا همانند کالایی است که کُند جمع می‌شود، سود کم می‌دهد و سریع از

بین می‌رود.

«۶۳۱» به‌درستی که دنیا متاعی است که بعد از چند روز اندک مانند از بین رفتن سراب، از بین

می‌رود و مانند پراکنده‌شدن ابرها، پراکنده می‌گردد.

﴿الدُّنْيَا الْمَتَاعُ وَاللَّذَّةُ﴾

﴿٦٣٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ الدُّنْيَا عَرَضٌ حَاضِرٌ يَأْكُلُ مِنْهَا الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ، وَإِنَّ الْآخِرَةَ وَغَدُ صَادِقٌ يَقْضِي فِيهَا مَلِكٌ قَادِرٌ؛ بحار الأنوار، ج ٣٠، ص ٣٨
١-٥-٤- العمرُ

﴿٦٣٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا نِعْمَةَ فِي الدُّنْيَا أَعْظَمُ مِنْ طُولِ الْعُمْرِ وَصِحَّةِ الْجَسَدِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٤١
١-٥-٥- الصِّحَّةُ

﴿٦٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا نِعْمَةَ فِي الدُّنْيَا أَعْظَمُ مِنْ طُولِ الْعُمْرِ وَصِحَّةِ الْجَسَدِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٤١
١-٥-٦- الرِّزْقُ
١-٥-٦-١- الرِّزْقُ

﴿٦٣٥﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ إِنَّ الْعُقَلَاءَ زَهَدُوا فِي الدُّنْيَا وَرَغِبُوا فِي الْآخِرَةِ لِأَنَّهُمْ عَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا طَالِبَةٌ وَمَطْلُوبَةٌ وَالْآخِرَةُ طَالِبَةٌ وَمَطْلُوبَةٌ فَمَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَوْفِيَ مِنْهَا رِزْقَهُ وَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَتْهُ الْآخِرَةُ فَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ فَيُفْسِدُ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَآخِرَتَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٩٩
١-٥-٦-٢- عَرَضٌ حَاضِرٌ

﴿٦٣٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا عَرَضٌ حَاضِرٌ يَأْكُلُ مِنْهُ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ وَالْآخِرَةُ دَارُ حَقٍّ يَحْكُمُ فِيهَا مَلِكٌ قَادِرٌ؛ غرر الحكم، ص ١٤٨
١-٥-٦-٣- الْحَرْثُ

﴿٦٣٧﴾ زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ؛ (آل عمران / ١٤)
١-٥-٧- الْمَعِيشَةُ

﴿٦٣٨﴾ أَهْمُ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ؛ (الزخرف / ٣٢)

﴿٦٣٩﴾ الصادق عليه السلام: وَأَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعِيشَتِي وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مُنْقَلَبِي... وَاكْفِنِي أَمْرَ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي بِمَا كَفَيْتَ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَخَيْرَتَكَ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٨٣، ص ١٠٧

«دنیای بهره‌مندی و لذت»

«۶۳۲» این دنیا متاعی آماده است که نیکوکار و بدکار از آن می‌خورند و آخرت وعده‌ای صادق است که خداوند توانا در آن حکم می‌کند.

۴-۵-۱- عمر

«۶۳۳» هیچ نعمتی در دنیا بزرگ‌تر از عمر طولانی همراه با سلامت جسم نیست.

۵-۵-۱- سلامتی

«۶۳۴» هیچ نعمتی در دنیا بزرگ‌تر از عمر طولانی همراه با سلامت جسم نیست.

۶-۵-۱- روزی

۱-۶-۵-۱- روزی

«۶۳۵» ای هشام، به‌راستی که خردمندان دل از دنیا کنده و به آخرت پیوسته‌اند؛ چرا که آن‌ها دانسته‌اند دنیا هم طالب است و هم مطلوب و آخرت نیز هم طالب است و هم مطلوب. در نتیجه هرکس که خواهان آخرت باشد، بهره‌ی خود را به طور کامل از دنیا می‌گیرد. و هرکس که جویای دنیا باشد، آخرت او را طلب می‌کند و مرگش فرا می‌رسد، و دنیا و آخرتش تباه می‌گردد.

۲-۶-۵-۱- سفره‌ای آماده

«۶۳۶» دنیا سفره‌ای آماده است که نیک و بد از آن می‌خورند، اما آخرت خانه‌ی حق است و پادشاهی مقتدر در آن حکمرانی می‌کند.

۳-۶-۵-۱- زراعت

«۶۳۷» محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است [تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند ولی] این‌ها [در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند،] سرمایه زندگی پست [مادی] است و سرانجام نیک [و زندگی والا و جاویدان]، نزد خداست.

۷-۵-۱- زندگی

«۶۳۸» آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟! ما معیشت آن‌ها را در حیات دنیا در میانشان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مسخر کرده [و با هم تعاون نمایند] و رحمت پروردگارت از تمام آنچه جمع‌آوری می‌کنند بهتر است!

«۶۳۹» دینم را که عصمت کارم است شایسته بگردان و دنیایم را که زندگی‌ام در آن است، برایم سامان ده؛ و آخرتم را که بازگشتم به آن است، نیکو بنما... در کار دنیا و آخرتم، با آنچه که دوستداران و برگزیدگان از میان بندگان نیکت را کفایت کردی، مرا نیز بسنده باش.

﴿الدُّنْيَا الْمَتَاعُ وَاللَّذَّةُ﴾

١-٥-٨- المَالُ

١-٥-٨-١- المَالُ

﴿٤٠﴾ الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا؛

(الكهف / ٤٦)

﴿٤١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ حَرْثُ الْآخِرَةِ؛

غرر الحكم، ص ١٥٤

﴿٤٢﴾ السَّجَادُ عليه السلام: مَنْ طَلَبَ الْغِنَى وَالْأَمْوَالَ وَالسَّعَةَ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّمَا يَطْلُبُ ذَلِكَ لِلرَّاحَةِ وَالرَّاحَةَ لَمْ تَخْلُقْ فِي الدُّنْيَا وَلَا لِأَهْلِ الدُّنْيَا إِنَّمَا خُلِقَتِ الرَّاحَةُ فِي الْجَنَّةِ وَلِأَهْلِ الْجَنَّةِ وَالتَّعَبُ وَالنَّصَبُ خُلِقَا فِي الدُّنْيَا وَلِأَهْلِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٩٢

﴿٤٣﴾ الهادي عليه السلام: النَّاسُ فِي الدُّنْيَا بِالْأَمْوَالِ وَفِي الْآخِرَةِ بِالْأَعْمَالِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٦٩

﴿٤٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الْمَالَ وَالْبَنِينَ حَرْثُ الدُّنْيَا وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ حَرْثُ الْآخِرَةِ وَقَدْ

يَجْمَعُهُمَا اللَّهُ لِأَقْوَامٍ؛ الكافي، ج ٥، ص ٥٧

﴿٤٥﴾ الباقر عليه السلام: سَلَامَةُ الدِّينِ وَصِحَّةُ الْبَدَنِ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ وَالْمَالُ زِينَةٌ مِنَ زِينَةِ الدُّنْيَا

حَسَنَةً؛ الكافي، ج ٢، ص ٢١٦

١-٥-٨-٢- الدِّينَارُ وَالْدَّرْهَمُ

﴿٤٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَمَنْ أَحَبَّ الدِّينَارَ وَالْدَّرْهَمَ فَهُوَ عَبْدُ الدُّنْيَا؛ وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ٢٥

١-٥-٨-٣- الذَّهَبُ وَالْفِضَّةُ

﴿٤٧﴾ زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَ

الْحَيْلِ الْمُسَوِّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثُ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ؛ (آل عمران / ١٤)

١-٥-٩- السَّعَةُ

١-٥-٩-١- السَّعَةُ

﴿٤٨﴾ السَّجَادُ عليه السلام: مَنْ طَلَبَ الْغِنَى وَالْأَمْوَالَ وَالسَّعَةَ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّمَا يَطْلُبُ ذَلِكَ لِلرَّاحَةِ وَ

الرَّاحَةَ لَمْ تَخْلُقْ فِي الدُّنْيَا وَلَا لِأَهْلِ الدُّنْيَا إِنَّمَا خُلِقَتِ الرَّاحَةُ فِي الْجَنَّةِ وَلِأَهْلِ الْجَنَّةِ وَالتَّعَبُ وَالنَّصَبُ خُلِقَا فِي الدُّنْيَا وَلِأَهْلِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٩٢

«دنیای بهره‌مندی و لذت»

۸-۵-۱- مال

۱-۸-۵-۱- مال

«۶۴۰» مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست و باقیات صالحات [ارزشهای پایدار و شایسته] ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است!

«۶۴۱» مال و فرزندان زینت‌های زندگی دنیایی هستند، و کردار شایسته توشه و ثمره‌ای برای آخرت است.

«۶۴۲» کسی که خواهان بی‌نیازی و اموال و وسعت در دنیاست، برای فراهم کردن آسودگی به دنبال این امور است. و آسایش در دنیا و برای اهل دنیا خلق نشده است؛ آسودگی در بهشت و برای اهل بهشت خلق شده است. و سختی و دشواری برای دنیا و اهل دنیا خلق شده‌اند.

«۶۴۳» مردم، در دنیا با اموالشان و در آخرت با کردارشان سنجیده می‌شوند.

«۶۴۴» مال و فرزندان کشت و زرع این دنیاست و کردار شایسته کشت و زرع آخرت است. و خداوند گروهی را از [محصول] آن دو برخوردار ساخته است.

«۶۴۵» سلامت دین و تندرستی، بهتر از مال است و مال زینتی از زینت‌های خوب دنیاست.

۲-۸-۵-۱- دینار و درهم

«۶۴۶» هرکس عاشق پول و درهم و دینار باشد، بنده‌ی دنیاست.

۳-۸-۵-۱- طلا و نقره

«۶۴۷» محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است [تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند ولی] این‌ها [در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند،] سرمایه زندگی پست [مادی] است و سرانجام نیک [و زندگی والا و جاویدان]، نزد خداست.

۹-۵-۱- وسعت

۱-۹-۵-۱- وسعت

«۶۴۸» کسی که خواهان بی‌نیازی و اموال و وسعت در دنیاست، برای فراهم کردن آسودگی به دنبال این امور است. و آسایش در دنیا و برای اهل دنیا خلق نشده است؛ آسودگی در بهشت و برای اهل بهشت خلق شده است. و سختی و دشواری برای دنیا و اهل دنیا خلق شده‌اند.

﴿الدُّنْيَا الْمَتَاعُ وَاللَّذَّةُ﴾

٢-٩-٥-١- سَعَةُ الْمَنْزِلِ

﴿٤٩٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام فِي حَلَقَةٍ فَتَذَاكَرُوا عَيْشَ الدُّنْيَا فَذَكَرَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مَعْنَى فَسِيلِ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ سَعَةُ الْمَنْزِلِ وَالْفَضْلُ فِي الْخَدَمِ؛ وسائل الشيعة، ج ٥، ص ٣٠٠

﴿٤٥٠﴾ الكاظم عليه السلام: وَسِيلَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ أَفْضَلِ عَيْشٍ فِي الدُّنْيَا قَالَ سَعَةُ الْمَنْزِلِ وَكَثْرَةُ الْمُجِيبِينَ؛ مكارم الأخلاق، ص ١٢٥
٣-٩-٥-١- الْفَضْلُ فِي الْخَدَمِ

﴿٤٥١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام فِي حَلَقَةٍ فَتَذَاكَرُوا عَيْشَ الدُّنْيَا فَذَكَرَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مَعْنَى فَسِيلِ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ سَعَةُ الْمَنْزِلِ وَالْفَضْلُ فِي الْخَدَمِ؛ وسائل الشيعة، ج ٥، ص ٣٠٠

١٠-٥-١- الْمَأْكُولُ وَالْمَشْرُوبُ وَالْمَرْكُوبُ وَالْمَنْكُوحُ وَالْمَسْمُوعُ وَالْمَشْمُومُ وَالْمَلْبُوسُ

﴿٤٥٢﴾ زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَ الْحَيْلِ الْمُسَوِّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ؛ (آل عمران / ١٤)
﴿٤٥٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا جَابِرُ مَاذَا الدُّنْيَا سَبْعَةُ الْمَأْكُولُ وَالْمَشْرُوبُ وَالْمَلْبُوسُ وَالْمَنْكُوحُ وَالْمَرْكُوبُ وَالْمَشْمُومُ وَالْمَسْمُوعُ فَالَّذُ الْمَأْكُولَاتِ الْعَسَلُ وَهُوَ بَصَقٌ مِنْ ذُبَابَةٍ وَ أَخْلَى الْمَشْرُوبَاتِ الْمَاءُ وَكَفَى بِإِبَاحَتِهِ وَ سِبَاحَتِهِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ وَ أَعْلَى الْمَلْبُوسَاتِ الدِّيَابِجُ وَهُوَ مِنْ لُعَابِ دُوْدَةٍ وَ أَعْلَى الْمَنْكُوحَاتِ النِّسَاءُ وَهُوَ مَبَالٌ فِي مَبَالٍ وَ مِثَالٌ لِمِثَالٍ وَ إِنَّمَا يُرَادُ أَحْسَنُ مَا فِي الْمَرْأَةِ لِأَقْبَحِ مَا فِيهَا وَ أَعْلَى الْمَرْكُوبَاتِ الْخَيْلُ وَهُوَ قَوَاتِلٌ وَ أَجَلُ الْمَشْمُومَاتِ الْمِسْكُ وَهُوَ دَمٌ مِنْ سُرَّةِ دَابَّةٍ وَ أَجَلُ الْمَسْمُوعَاتِ الْغِنَاءُ وَ التَّرْنَمُ وَهُوَ إِثْمٌ فَمَا هَذِهِ صِفَتُهُ لَمْ يَتَنَفَّسْ عَلَيْهِ عَاقِلٌ قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ فَوَ اللَّهُ مَا خَطَرَتِ الدُّنْيَا بَعْدَهَا عَلَى قَلْبِي؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١

﴿٤٥٤﴾ الصادق عليه السلام: يَا ثَوْرِي مَا الدُّنْيَا وَمَا عَسَى أَنْ تَكُونَ هَلِ الدُّنْيَا إِلَّا أَكْلٌ أَكَلْتَهُ أَوْ ثَوْبٌ لَبِسْتَهُ أَوْ مَرْكَبٌ رَكِبْتَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٦٢

﴿٤٥٥﴾ الباقر عليه السلام: يَا جَابِرُ مَا الدُّنْيَا وَمَا عَسَى أَنْ تَكُونَ الدُّنْيَا هَلْ هِيَ إِلَّا طَعَامٌ أَكَلْتَهُ أَوْ ثَوْبٌ لَبِسْتَهُ أَوْ امْرَأَةٌ أَصَبْتَهَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٢

«دنیای بهره‌مندی و لذت»

۲-۹-۱-۵-۱-وسعت منزل

«۶۴۹» امام رضا علیه السلام در جلسه‌ای بود که در مورد زندگی دنیا در آن صحبت می‌شد و هر کس مطلبی گفت، از امام علیه السلام در این مورد سؤال کردند، حضرت فرمود: «عیش دنیا یعنی خانه‌ی بزرگ و افزونی خدمتکاران».

«۶۵۰» از امام کاظم علیه السلام سؤال شد: «بالاترین لذت و عیش در دنیا چیست؟» فرمود: «وسعت خانه و داشتن دوستان زیاد».

۳-۹-۱-۵-۱-افزونی خدمتکاران

«۶۵۱» امام رضا علیه السلام در جلسه‌ای بود که در مورد زندگی دنیا در آن صحبت می‌شد و هر کس مطلبی گفت، از امام علیه السلام در این مورد سؤال کردند، حضرت فرمود: «عیش دنیا یعنی خانه‌ی بزرگ و افزونی خدمتکاران».

۱۰-۱-۵-۱-خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و وسایل سواری و همبستری و شنیدنی و بوییدنی و پوشیدنی

«۶۵۲» محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است [تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند ولی] این‌ها [در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند،] سرمایه زندگی پست [مادی] است و سرانجام نیک [و زندگی والا و جاویدان]، نزد خداست.

«۶۵۳» امام علی علیه السلام به جابر فرمود: «ای جابر، آنچه در دنیا موجب لذت می‌شود، هفت نوع است: خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها، پوشیدنی‌ها، همبستری، وسایل سواری، بوییدنی‌ها و شنیدنی‌ها؛ بهترین خوردنی‌ها عسل است که بزاق حشره‌ای است؛ بهترین نوشیدنی‌ها آب است که روی زمین جاری است؛ بهترین پوشیدنی‌ها حریر است که لعاب دهان کرمی است، بهترین همبستری با زن است که تداخل دو مسیر ادرار است، و آدمی بهترین خواسته‌اش از زن را از زشت‌ترین راه ارضا می‌کند؛ بهترین وسیله‌ی سواری اسب است که قاتل سوارکار است؛ بهترین شنیدنی‌ها غنا و موسیقی است که آن‌هم گناه است. پس عاقل برای چیزی که دارای چنین مشخصاتی باشد، نباید آه بکشد!» جابر گفت: «به خدا قسم! بعد از آن دیگر دنیا برایم ارزشی نداشت».

«۶۵۴» ای ثوری، دنیا چیست؟! و به فردایش چه امیدی است؟! آیا دنیا جز لقمه‌ای است که خوردی و جامه‌ای که پوشیدی و مرکبی است که سوارش شدی؟! «۶۵۵» ای جابر، دنیا چیست؟ و امید داری که چه چیزی باشد؟ آیا آن غیر از خوراکی است که خوردی و لباسی است که پوشیدی و زنی است که به آن رسیدی؟

﴿الدُّنْيَا الْمَتَاعُ وَاللَّذَّةُ﴾

﴿٦٥٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا سِتَّةُ أَشْيَاءَ مَطْعُومٌ وَمَشْرُوبٌ وَمَلْبُوسٌ وَمَرْكُوبٌ وَمَنْكُوحٌ وَمَشْمُومٌ فَأَشْرَفُ الْمَطْعُومِ الْعَسَلُ وَهُوَ مَذَقَةُ ذُبَابٍ وَأَشْرَفُ الْمَشْرُوبِ الْمَاءُ وَيَسْتَوِي فِيهِ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ وَأَشْرَفُ الْمَلْبُوسِ الْحَرِيرُ وَهُوَ نَسْجُ دَوْدَةَ وَأَشْرَفُ الْمَرْكُوبِ الْفَرَسُ وَعَلَيْهِ تُقْتَلُ الرِّجَالُ وَأَشْرَفُ الْمَنْكُوحِ الْمَرْأَةُ وَهُوَ مَبَالُ فِي مَبَالٍ وَأَشْرَفُ الْمَشْمُومِ الْمِسْكُ وَهُوَ دَمٌ حَيَوَانٌ؛ بحار الأنوار، ج ٦١، ص ٢٤٠

﴿٦٥٧﴾ الرسول ﷺ: مَا أَحَبُّ مِنْ دُنْيَاكُمْ إِلَّا النِّسَاءُ وَالطَّيِّبُ؛ الكافي، ج ٥، ص ٣٢١

﴿٦٥٨﴾ الرسول ﷺ: حُبِّ إِلَى مِنَ الدُّنْيَا ثَلَاثُ النِّسَاءِ وَالطَّيِّبِ وَجُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ؛

وسائل الشيعة، ج ٢، ص ١٤٤

﴿٦٥٩﴾ الباقر عليه السلام: هَلِ الدُّنْيَا إِلَّا دَابَّةٌ رَكِبَتْهَا فِي مَنَامِكَ فَاسْتَيْقَظْتَ وَأَنْتَ عَلَى فِرَاشِكَ غَيْرَ رَاكِبٍ وَلَا أَحَدٌ يَغْبُهَا بِهَا أَوْ كَتُوبٌ لِبِسْتَهُ أَوْ كَجَارِيَةٍ وَطِئْتَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٨٢

﴿٦٦٠﴾ الصادق عليه السلام: مَا الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا هَلْ هِيَ إِلَّا سَدُّ فُورَةٍ أَوْ سِتْرُ عَوْرَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٦٥

١١-٥-١- الزينة

١١-٥-١-١- الزينة

﴿٦٦١﴾ وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا؛ (الكهف / ٢٨)

﴿٦٦٢﴾ الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا؛ (الكهف / ٤٦)

﴿٦٦٣﴾ وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ (القصص / ٦٠)

﴿٦٦٤﴾ أَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَهُوَ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمَتَاعٌ الْغُرُورِ؛ (الحديد / ٢٠)

﴿٦٦٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَدْ تَزَيَّنَتِ الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا وَغَرَّتْ بِزِينَتِهَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٦

«دنیای بهره‌مندی و لذت»

«۶۵۶» دنیا شش چیز است: خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها، پوشیدنی‌ها، وسایل سواری، همبستری و بوییدنی‌ها؛ بهترین خوراک عسل است که از زنبور عسل به وجود می‌آید، بهترین نوشیدنی آب است که نیک و بد در آن یکسان هستند، بهترین جامه دیباست که بافته‌ی کرم است، بهترین مرکوب اسب است که بر او مردم سوار و حمل می‌شوند، و بهترین همبستری با زنان است که چیزی داخل در مشابه خود می‌شود و بهترین بوییدنی مشک است که خون جانوری است.

«۶۵۷» از دنیای شما فقط زنان و عطر خوش را دوست دارم.

«۶۵۸» سه چیز از دنیا را دوست دارم؛ زنان، عطر و نور چشمم نماز.

«۶۵۹» آیا دنیا جز این است که در خوابت بر حیوانی سوار شده‌ای و چون بیدار می‌شوی تو بر رختخوابت هستی و سواره نیستی که هیچ‌کس به آن اعتنا نمی‌کند. و یا دنیا همچون لباس است که آن را می‌پوشی یا زنی که با آن نزدیکی می‌کنی.

«۶۶۰» مگر دنیا و متاع دنیا چیست؟ جز رفع التهاب معده و پوشش عورت چیزی است؟

۱۱-۵-۱- آراستگی

۱۱-۵-۱-۱- آراستگی

«۶۶۱» با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می‌خوانند، و تنها رضای او را می‌طلبند؛ و هرگز به خاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آن‌ها برنگیر! و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن! همان‌ها که از هوای نفس پیروی کردند، و کارهایشان افراطی است.

«۶۶۲» مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست و باقیات صالحات [ارزش‌های پایدار و شایسته] ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است!

«۶۶۳» آنچه به شما داده شده، متاع زندگی دنیا و زینت آن است و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است آیا اندیشه نمی‌کنید؟

«۶۶۴» بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل‌پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرومی‌برد، سپس خشک می‌شود به‌گونه‌ای که آن را زردرنگ می‌بینی سپس تبدیل به کاه می‌شود! و در آخرت، عذاب شدید است یا مغفرت و رضای الهی و [به هر حال] زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست!

«۶۶۵» قطعاً دنیا با فریب خود آراسته شده است و با همین آراستگی‌ها فریب می‌دهد.

﴿الدُّنْيَا الْمَتَاعُ وَالدَّذَّةُ﴾

﴿٤٦٦﴾ عيسى عليه السلام: وَ رَوَى أَنَّ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ كُوشِفَ بِالدُّنْيَا فَرَأَاهَا فِي صُورَةٍ عَجُوزَ عَتَمَاءَ يَعْنِي مُنْكَسِرَةَ الثَّنَائِيَا عَلَيْهَا مِنْ كُلِّ زِينَةٍ فَقَالَ لَهَا كَمْ تَزَوَّجْتِ فَقَالَتْ لَا أُحْصِيهِمْ قَالَ وَ كُلُّهُمْ مَاتَ عَنْكَ أَوْ كُلُّهُمْ طَلَّقَكَ فَقَالَتْ بَلْ كُلُّهُمْ قَتَلْتُ فَقَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بُؤْسًا لِأَزْوَاجِكَ الْبَاقِينَ كَيْفَ تُهْلِكِينَهِمْ وَاحِدًا وَاحِدًا وَ لَمْ يَكُونُوا مِنْكَ عَلَى حَذَرٍ؛ قصص الأنبياء للجزائري، ص ٤١٨

﴿٤٦٧﴾ السَّجَّاد عليه السلام: لَا تَرْكُنُوا إِلَى مَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا رُكُونَ مَنْ أَعَدَّهَا دَارًا وَ قَرَارًا بِاللَّهِ إِنَّكُمْ مِمَّا فِيهِمَا عَلَيْهَا دَلِيلًا مِنْ زِينَتِهَا وَ تَصْرِيفِ أَيَّامِهَا وَ تَغْيِيرِ انْقِلَابِهَا وَ مَثَلَاتِهَا وَ تَلَاغِيهَا بِأَهْلِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٤٨

﴿٤٦٨﴾ السَّجَّاد عليه السلام: فَاحْذَرُوا زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ غُرُورَهَا وَ شُرُورَهَا وَ تَذَكَّرُوا ضَرَرَ عَاقِبَةِ الْمَيْلِ إِلَيْهَا فَإِنَّ زِينَتَهَا فِتْنَةٌ وَ حُبُّهَا خَطِيئَةٌ ... ثُمَّ ضَرَبَ لَكُمْ الْأَمْثَالَ فِي كِتَابِهِ وَ صَرَّفَ الْآيَاتِ لِتَحْذَرُوا عَاجِلَ زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا... قَالَ اعْلَمُوا أَنَّهَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ... وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٢٨

﴿٤٦٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَ مَنْ أَرَادَ كَرَامَةَ الْآخِرَةِ فَلْيَدَعْ زِينَةَ الدُّنْيَا فَإِذَا كُنْتَ كَذَلِكَ أَصَبْتَ وَلَايَةَ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٤

﴿٤٧٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قَدْ حَقَّرَ (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ) الدُّنْيَا وَ صَغَّرَهَا وَ أَهْوَنَ بِهَا وَ هَوَّنَهَا وَ عَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ زَوَّاهَا عَنْهُ اخْتِيَارًا وَ بَسَطَهَا لِغَيْرِهِ اخْتِقَارًا فَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا بِقَلْبِهِ وَ أَمَاتَ ذِكْرَهَا مِنْ نَفْسِهِ وَ أَحَبَّ أَنْ تَغِيبَ زِينَتُهَا عَنْ عَيْنِهِ لِكَيْلَا يَتَّخِذَ مِنْهَا رِيَاشًا أَوْ يَرْجُوَ فِيهَا مَقَامًا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٧، ص ٢١٧

﴿٤٧١﴾ الباقر عليه السلام: يَا جَابِرُ مَنْ دَخَلَ قَلْبُهُ خَالِصُ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ شُغْلَ عَمَّا فِي الدُّنْيَا مِنْ زِينَتِهَا إِنَّ زِينَةَ زَهْرَةِ الدُّنْيَا إِنَّمَا هُوَ لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٥

﴿٤٧٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَلَا تَتَنَافَسُوا فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَ فَخْرِهَا وَ لَا تَعْجَبُوا بِزِينَتِهَا وَ نَعِيمِهَا وَ لَا تَجَزَّعُوا مِنْ ضَرَائِهَا وَ بُؤْسِهَا فَإِنَّ عِزَّ الدُّنْيَا وَ فَخْرَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٤٢٧

«دنیای بهره‌مندی و لذت»

«۶۶۶» روایت شده که عیسی علیه السلام درخواست کرد دنیا را به صورت اصلی ببیند، پس او را به صورت پیرزنی بی‌دندان مشاهده کرد که انواع زینت‌ها را به خود آویخته بود. عیسی علیه السلام به او گفت: «چند بار ازدواج کرده‌ای؟» دنیا گفت: «حساب آن را ندارم». عیسی علیه السلام فرمود: «آیا همه‌ی همسران تو مرده‌اند یا تو را طلاق داده‌اند؟» دنیا گفت: «خیر، بلکه من همه‌ی آن‌ها را کشته‌ام». عیسی علیه السلام گفت: «وای بر دامادهای دیگر تو که آن‌ها را یکی‌یکی خواهی کشت و با این همه از تو حذر نمی‌کنند».

«۶۶۷» به آنچه در این سراسر مانند کسی که آن را خانه‌ی ابدی و قرارگاه همیشگی ساخته اعتماد نکنید و به خدا سوگند، برای شما آنچه در دنیاست بر علیه خود شهادت می‌دهد [که عبارتند از:] جلوه‌گری ظاهرش، دگرگونی انقلابش، موارد عبرت‌آمیز آن، و بازیگری‌های با اهلش. «۶۶۸» پس از خوشی‌های نقد دنیا و فریب و آسایش برحذر باشید و هوشیار! و سرانجام زیانبار میل به دنیا را به خاطر بیاورید؛ که بی‌شک زیور و زینت دنیا فتنه است و دل‌دادن به آن گناه!... سپس برای شما در کتابش مثل‌هایی زد، و آیه‌های گوناگونی آورده تا از خوش‌گذرانی چند روزه‌ی این دنیا برحذر باشید... اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُوَ وَ زِينَةٌ... وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ.

«۶۶۹» هرکس مقام عالی آخرت را بخواهد، باید زیور دنیا را رها کند که اگر چنین باشی به ولایت خدا نایل گشته‌ای.

«۶۷۰» پیامبر صلی الله علیه و آله دنیا را کوچک شمرد و در چشم دیگران آن را ناچیز جلوه داد. آن را خوار می‌شمرد و در نزد دیگران خوار و بی‌مقدار معرفی نمود. و می‌دانست که خداوند برای احترام به ارزش او دنیا را از او دور ساخت و آن را برای ناچیزبودنش به دیگران بخشید. پیامبر صلی الله علیه و آله از جان و دل به دنیا پشت کرد و یاد آن را در دلش کشت. دوست داشت که زینت‌های دنیا از چشم او دور نگهداشته شود، تا از آن لباس فاخری تهیه نسازد، یا اقامت در آن را آرزو نکند.

«۶۷۱» ای جابر! هرکس پاکی حقیقت ایمان بر دلش وارد شود، دیگر کمتر توجهی به هیچ زیور دنیایی نخواهد کرد. به راستی زیور دنیا فقط و فقط بازی و سرگرمی است، و بی‌شک سرای آخرت، زندگانی [راستین] است.

«۶۷۲» پس در کسب عزت و تفاخرهای دنیا باهم مسابقه ندهید، زینت‌ها و نعمت‌های دنیا شما را شگفت‌زده نکند و گرفتاری‌ها و بلاهای آن شما را عاجز و درمانده نکند که عزت و تفاخرهای دنیا رو به زوال و فناست.

﴿الدُّنْيَا الْمَتَاعُ وَ اللَّذَّةُ﴾

﴿٦٧٣﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِذَا رَأَيْتَ آخَاكَ قَدْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا فَاسْتَمِعْ مِنْهُ فَإِنَّهُ يُلْقَى الْحِكْمَةَ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَزْهَدُ النَّاسِ قَالَ مَنْ لَمْ يَنْسَ الْمَقَابِرَ وَالْبَلَى وَ تَرَكَ فَضْلَ زِينَةِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٢
١-٥-١١-٢- المُوْنِقَةُ

﴿٦٧٤﴾ امير المؤمنين ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا يُوثَقُ مِنْظَرُهَا وَيُوبَقُ مَخْبَرُهَا، قَدْ تَزَيَّنَتْ بِالْغُرُورِ وَ غَرَّتْ بِزِينَتِهَا، دَارٌ هَانَتْ عَلَى رَبِّهَا فَخَلَطَ حَلَالُهَا بِحَرَامِهَا وَ خَيْرُهَا بِشَرِّهَا وَ حُلُوْهَا بِمُرِّهَا لَمْ يُصِفْهَا اللَّهُ لِأَوْلِيَائِهِ وَ لَمْ يَضِنَّ بِهَا عَلَى أَعْدَائِهِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥
١-٥-١١-٣- زَهْرَةُ الدُّنْيَا

﴿٦٧٥﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يُحِبَّ هَذِهِ الدُّنْيَا وَ عَاجِلَهَا لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَ لَمْ يُرَغِّبْهُمْ فِيهَا وَ فِي عَاجِلِ زَهْرَتِهَا وَ ظَاهِرِ بَهْجَتِهَا؛ أعلام الدين، ص ٢٢٥

﴿٦٧٦﴾ امير المؤمنين ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا خَضِرَةٌ حُلُوْةٌ وَ لَهَا أَهْلٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٧٨
﴿٦٧٧﴾ الرسول ﷺ: الدُّنْيَا خَضِرَةٌ حُلُوْةٌ وَ اللَّهُ مُسْتَعْمِلُكُمْ فِيهَا فَانْظُرُوا كَيْفَ تَعْمَلُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٧١

﴿٦٧٨﴾ الباقر ﷺ: يَا جَابِرُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَرْكُنَ وَ يَطْمِئَنَّ إِلَى زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٥

﴿٦٧٩﴾ السَّجَّاد ﷺ: إِنَّ الْعَامِلَ لِثَوَابِ الْآخِرَةِ هُوَ الزَّاهِدُ فِي عَاجِلِ زَهْرَةِ الدُّنْيَا الْآخِذُ لِمَمَوْتٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٢٨

﴿٦٨٠﴾ السَّجَّاد ﷺ: فَقَدِّمُوا أَمْرَ اللَّهِ وَ طَاعَتَهُ وَ طَاعَةَ مَنْ أَوْجَبَ اللَّهُ طَاعَتَهُ بَيْنَ يَدَيِ الْأُمُورِ كُلِّهَا وَ لَا تُقَدِّمُوا الْأُمُورَ الْوَارِدَةَ عَلَيْكُمْ مِنْ طَاعَةِ الطَّوَاعِغِ وَ فِتْنَةِ زَهْرَةِ الدُّنْيَا بَيْنَ يَدَيِ أَمْرِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ وَ طَاعَةِ أَوْلَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٤٨
١-٥-١١-٤- زُخْرُفُ الدُّنْيَا

﴿٦٨١﴾ امير المؤمنين ﷺ: وَ لَقَدْ كَانَ ﷺ يَا كُلُّ عَلَى الْأَرْضِ وَ يَجْلِسُ جُلْسَةَ الْعَبْدِ وَ يَخْصِفُ بِيَدِهِ نَعْلَهُ وَ يَرْقُعُ بِيَدِهِ ثَوْبَهُ وَ يَرْكَبُ الْحِمَارَ الْعَارِيَّ وَ يُرْدِفُ خَلْفَهُ وَ يَكُونُ السُّتْرُ عَلَى بَابِ بَيْتِهِ تَكُونُ فِيهِ التَّصَاوِيرُ فَيَقُولُ يَا فُلَانَةُ لِإِخْدَى أَرْوَاجِهِ غَيْبِيهِ عَنِّي فَإِنِّي إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ ذَكَرْتُ الدُّنْيَا وَ زَخَارِفَهَا؛ مكارم الأخلاق، ص ٨

«دنیای بهره‌مندی و لذت»

﴿۶۷۳﴾ ای ابوذر! هنگامی که برادر مسلمانی را دیدی که نسبت به دنیا زهد می‌ورزد و بی‌رغبت است. حرف او را گوش کن که به تو حکمت می‌آموزد». گفتم: «ای رسول خدا! زاهدترین مردم کیست؟» فرمود: «آن کس که قبر و پوسیدگی تن در خاک را فراموش نکند، زینت‌های دنیا و اضافی بر ضرورت را رها می‌کند.

۲-۱۱-۵-۱- دل‌فریب

﴿۶۷۴﴾ به‌درستی که دنیا منظره‌ای دل‌فریب و سرانجامی خطرناک دارد، با فریب‌های دنیوی زینت داده شده و با زیبایی‌هایش فریب می‌دهد. خانه‌ای که در نزد خداوند پست شمرده شده، حلالش در حرام و خیرش در شرّ و زندگی آن در مرگ و شیرینی آن در تلخی آمیخته شده است. [و همواره باهم هستند]. خداوند دنیا را برای دوستان خود توصیف [و توصیه] نکرده و از عطای آن به دشمنانش بخل نورزیده است.

۳-۱۱-۵-۱- زیورهای درخشان دنیا

﴿۶۷۵﴾ خداوند این دنیا و گذرابودن آن را محبوب هیچ‌یک از دوستان خود قرار نداده و هیچ‌کدام را نسبت به دنیا و زیورهای زودگذر و شادی‌های ظاهری‌اش تشویق نکرده است.

﴿۶۷۶﴾ امیرالمؤمنین علیه السلام دنیا سبز و شیرین است و اهلی دارد.

﴿۶۷۷﴾ دنیا سبزه‌زاری زیباست که خداوند در اختیار شما قرار داده پس نگاه کنید که در آن چه می‌کنید.

﴿۶۷۸﴾ ای جابر! شایسته‌ی فرد مؤمن نیست که به زیبایی‌های زندگی این سرا تکیه و اعتماد کند.

﴿۶۷۹﴾ کسی که برای پاداش فردا می‌کوشد به خوشی نقد دنیا بی‌رغبت و برای مرگ آماده است.

﴿۶۸۰﴾ پس انجام دستور و طاعت خدا را بر هر کاری مقدّم بدارید؛ و نیز طاعت آن که خداوند انجام دستورانش را واجب ساخته است. و کارهای دیگری چون طاعت سرکشان و فریفتگی شکوه و جلوه‌ی دنیا را بر دستور و طاعت خدا و طاعت صاحبان امرتان مقدّم ندارید.

۴-۱۱-۵-۱- زیورهای دنیا

﴿۶۸۱﴾ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بر روی زمین غذا می‌خورد و مثل بندگان دیگر می‌نشست و خود نعلینش را پینه می‌کرد و لباسش را وصله می‌زد، مرکبش الاغ بی‌پالان بود و دیگران را بر ترکش می‌نشانند. بر خانه‌ی یکی از همسرانش پرده‌ای با نقش و نگار آویخته شده بود؛ حضرت به او فرمود: «این پرده را بردار که چون به آن می‌نگرم به یاد دنیا و زیورهایش می‌افتم».

﴿الدُّنْيَا الْمَتَاعُ وَاللَّذَّةُ﴾

١٢-٥-١- الحُلُوةُ

﴿٦٨٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا شَيْخُ إِنَّ الدُّنْيَا خَضِرَةٌ حُلُوةٌ؛ الْأَمَالِيُّ لِلصَّدُوقِ، ص ٣٩٣
 ﴿٦٨٣﴾ يَا عِيسَى إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوةٌ وَإِنَّمَا اسْتَعْمَلْتَك فِيهَا لِتُطِيعَنِي فَجَانِبُ مِنْهَا مَا حَذَرْتُكَ وَ
 خَذُ مِنْهَا مَا أَعْطَيْتُكَ عَفْوَاً؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٢٩٨
 ﴿٦٨٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ الدُّنْيَا حُلُوةٌ الْحَلَاوَةِ لِمَنِ اغْتَرَبَ بِهَا مِنَ الشَّقْوَةِ وَ النَّدَامَةِ عَمَّا قَلِيلٍ؛
 بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٢٢١

﴿٦٨٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا خَضِرَةٌ حُلُوةٌ وَلَهَا أَهْلٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٧٨
 ﴿٦٨٦﴾ الرُّسُولُ ﷺ: الدُّنْيَا حُلُوةٌ خَضِرَةٌ وَإِنَّ اللَّهَ يَسْتَعْمِلُكُمْ فِيهَا فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ؛
 بحار الأنوار، ج ٧٢، ص ٣٥٣
 ﴿٦٨٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا حُلُوةٌ خَضِرَةٌ فَمَنْ أَخَذَهَا بِحَقِّهَا بُورِكَ لَهُ فِيهَا؛
 شرح نهج البلاغة، ج ١٨، ص ١٢٧
 ١٣-٥-١- اللَّيْنَةُ

﴿٦٨٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مِثْلُ الْحَيَّةِ لَّيْنٌ مَسُّهَا قَاتِلٌ سَمُّهَا فَأَعْرِضْ عَمَّا يُعْجِبُكَ فِيهَا
 لِقَلَّةٍ مَا يَصْحَبُكَ مِنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٠
 ١٤-٥-١- اللَّذَّةُ
 ١-١٤-٥- اللَّذِيزُ

﴿٦٨٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ظَلَفَ النَّفْسِ عَنْ لَذَاتِ الدُّنْيَا هُوَ الزُّهْدُ الْمَحْمُودُ؛ غرر الحكم،
 ص ٢٧٦
 ﴿٦٩٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: [الْمُتَّقُونَ] سَكَنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَكِنَتْ وَ أَكَلُوهَا بِأَفْضَلِ مَا
 أَكَلَتْ شَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ... وَ رَكِبُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَرْكَبُونَ أَصَابُوا لَذَّةَ الدُّنْيَا مَعَ أَهْلِ
 الدُّنْيَا؛ الْأَمَالِيُّ لِلْمَفِيدِ، ص ٢٦٣
 ٢-١٤-٥- الْمَحْبُوبَةُ

﴿٦٩١﴾ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حَبَّبَ إِلَيْهِ الْآخِرَةَ كَمَا حَبَّبَ إِلَيْنَا الدُّنْيَا فَهُوَ يَنْظُرُ إِلَى الْآخِرَةِ كَمَا
 نَنْظُرُ إِلَى الدُّنْيَا فَهَلْ رَأَيْتَ أَحَدًا تَرَكَ وَجْهًا حَسَنًا لَوَجْهِ قَبِيحٍ وَ طَعَامًا طَيِّبًا لَطَعَامٍ مُرٍّ وَ ثَوْبًا
 لَيِّنًا لِثَوْبٍ خَشِنٍ وَ نِعْمَةً دَائِمَةً بَاقِيَةً لِدُنْيَا زَائِلَةٍ فَانِيَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٢٥، ص ١٩٢
 ﴿٢٩٠﴾

«دنیای بهره‌مندی و لذت»

۱۲-۵-۱- شیرینی

«۶۸۲» ای پیرمرد! دنیا سبز و شیرین است.

«۶۸۳» ای عیسی! به‌راستی که دنیا شیرین است و من فقط به خاطر اینکه مرا پرستش کنی، تو را در آن به کار گرفته‌ام، بنابراین از آنچه تو را برحذر داشته‌ام، دوری کن و از آنچه از روی کرم خویش به تو بخشیده‌ام، بهره‌مند شو.

«۶۸۴» این سرای چند روزه از خوشی و شیرینی دور است و لذت‌های ظاهری آن آلوده به زحمت و گرفتاری و فشار بوده و آنان که فریب ظاهر و زینت‌های دنیا را می‌خورند در حقیقت محروم و مغبون شده و در آخر ندامت و پشیمانی سودی به حال ایشان نخواهد داشت.

«۶۸۵» دنیا سبز و شیرین است و اهلی دارد.

«۶۸۶» دنیا شیرین و خرم است و خدا شما را در آن به کار می‌گیرد تا ببیند که چه می‌کنید.

«۶۸۷» دنیا شیرین و سرسبز است و هرکس مطابق حق و جایگاه واقعی دنیا با آن برخورد کند، در دنیا برایش برکت حاصل می‌شود.

۱۳-۵-۱- نرمی

«۶۸۸» دنیا همچون ماری است که پوستی نرم دارد اما زهرش کشنده است. از چیزهایی که در دنیا خوشایند توست، به واسطه‌ی عمر کوتاهی که دارد.

۱۴-۵-۱- لذت

۱-۱۴-۵- لذت‌بخش

«۶۸۹» دور کردن نفس از لذت‌های دنیا همان زهد ستوده شده است.

«۶۹۰» [پرهیزکاران] ... به بهترین وجه در دنیا سکونت جسته و به نیکوترین صورت از آن بهره‌مند شده‌اند و با اهل دنیا در دنیایشان شریک هستند... برترین سواری‌ها را سوار می‌شوند؛ با اهل دنیا و مثل آنان از لذت دنیا بهره می‌برند.

۲-۱۴-۵- دوست‌داشتنی

«۶۹۱» خداوند آخرت را مورد توجه امام قرار داده چنانچه دنیا را مورد توجه ما قرار داده است؛ او متوجه آخرت است همان‌طور که ما متوجه دنیا می‌باشیم. آیا کسی چیز بهتری را رها می‌کند و به چیز بدتری روی می‌آورد؛ غذای خوشمزه‌ای را رها می‌کند و غذای تلخ را می‌خورد، لباس نرم را رها می‌کند و لباس خشن و زبر می‌پوشد و نعمت پایدار آخرت را به دنیای فانی و زوال‌پذیر مبادله می‌کند؟!

﴿الدُّنْيَا الْمَتَاعُ وَاللَّذَّةُ﴾

٣-١٤-١-٥- المَطْلُوبَةُ

﴿٦٩٢﴾ الرسول ﷺ: أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ طَالِبَتَانِ وَمَطْلُوبَتَانِ فَطَالِبُ الْآخِرَةِ تَطْلُبُهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ رِزْقَهُ وَطَالِبُ الدُّنْيَا تَطْلُبُهُ الْآخِرَةُ حَتَّى يَأْخُذَهُ الْمَوْتُ بَغْتَةً؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٩٠

﴿٦٩٣﴾ الصادق عليه السلام: الدُّنْيَا طَالِبَةٌ وَمَطْلُوبَةٌ فَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَهُ الْمَوْتُ حَتَّى يُخْرِجَهُ مِنْهَا وَمَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا حَتَّى تُوقِيَهُ رِزْقَهُ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤٠٩

٤-١٤-١-٥- المَرْغُوبُ

﴿٦٩٤﴾ السَّجَّاد عليه السلام: أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الطَّوَاغِيتُ وَاتَّبَاعُهُمْ مِنْ أَهْلِ الرَّغْبَةِ فِي الدُّنْيَا الْمَائِلُونَ إِلَيْهَا الْمُقْتُونُونَ بِهَا الْمُقْبِلُونَ عَلَيْهَا وَعَلَى حُطَامِهَا الْهَامِدِ وَهَشِيمِهَا الْبَائِدِ غَدًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٤٨

﴿٦٩٥﴾ مواظب المسيح عليه السلام في الإنجيل: يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا كَيْفَ يُذَكِّرُ الْآخِرَةَ مَنْ لَا تَنْقُصُ شَهْوَتُهُ مِنَ الدُّنْيَا وَلَا تَنْقَطِعُ مِنْهَا رَغْبَتُهُ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣١٥

٥-١٤-١-٥- الرُّوقُ

﴿٦٩٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ رَاقَهُ زُبْرُجُ الدُّنْيَا أَغْقَبَ نَاطِرِيهِ كَمَها؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

﴿٦٩٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوءَةٌ نَضِرَةٌ حَفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ وَرَاقَتْ بِالْقَلِيلِ وَتَحَلَّتْ بِالْأَمَالِ وَتَزَيَّنَتْ بِالْغُرُورِ لَا تَدُومُ حَبْرَتُهَا وَلَا تُؤْمَنُ فُجْعَتُهَا غَرَارَةٌ ضَرَّارَةٌ حَائِلَةٌ زَائِلَةٌ نَافِدَةٌ بَائِدَةٌ أَكَّالَةٌ غَوَّالَةٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

١٥-١-٥- الشَّهْوَةُ

١-١٥-١-٥- الشَّهْوَةُ

﴿٦٩٨﴾ مواظب المسيح عليه السلام في الإنجيل: يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا كَيْفَ يُذَكِّرُ الْآخِرَةَ مَنْ لَا تَنْقُصُ شَهْوَتُهُ مِنَ الدُّنْيَا وَلَا تَنْقَطِعُ مِنْهَا رَغْبَتُهُ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣١٥

٢-١٥-١-٥- المَحْفُوفُ بِالشَّهَوَاتِ

﴿٦٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوءَةٌ نَضِرَةٌ حَفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ وَرَاقَتْ بِالْقَلِيلِ وَتَحَلَّتْ بِالْأَمَالِ وَتَزَيَّنَتْ بِالْغُرُورِ لَا تَدُومُ حَبْرَتُهَا وَلَا تُؤْمَنُ فُجْعَتُهَا غَرَارَةٌ ضَرَّارَةٌ حَائِلَةٌ زَائِلَةٌ نَافِدَةٌ بَائِدَةٌ أَكَّالَةٌ غَوَّالَةٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

«دنیای بهره‌مندی و لذت»

۳-۱۴-۱- خواستنی

«۶۹۲» آگاه باش که دنیا و آخرت دو جوینده دارد؛ پس جوینده‌ای آخرت را در دنیا می‌جوید تا روزی‌اش را کامل کند و جوینده‌ای دنیا را در آخرت می‌جوید تا اینکه مرگ ناگهانی‌اش فرا رسد. «۶۹۳» دنیا چیزی است که هم طلب می‌شود و هم طلب می‌کند، [به این معنا که] هرکس طالب دنیا باشد، مرگ او را می‌طلبد و از دنیا خارجش می‌کند، اما هرکس طالب آخرت باشد، دنیا او را طلب می‌کند تا رزق و روزی او را به‌طور کامل به او بدهد.

۴-۱۴-۱- مطلوب و خواستنی

«۶۹۴» مؤمنان! مبدا این سرکشان و پیروانشان، از آرزومندان دنیا که دلباخته و شیفته‌ی آن هستند، آنان که به دنیا و کالای پوسیده‌ی ناچیزش و گیاه خشکیده‌ی نابودشدنی‌اش در فردا روی نهاده‌اند، شما را بفریبند.

«۶۹۵» ای بندگان دنیا، کسی که میزان شهوتش از دنیا کاهش نیابد و تمایلش به آن قطع نگردد، چگونه می‌تواند آخرت را درک کند و به نعمت‌های آن دست یابد؟

۵-۱۴-۱- خوش‌آمدن

«۶۹۶» هرکس از زینت دنیا خوشش بیاید، میراثی که به او می‌دهد کوری چشم [و دل] اوست.

«۶۹۷» به‌درستی که دنیا شیرین و نیکو صورت است و به شهوت‌ها پیچیده شده و با [بهره‌ی] اندک به شگفت آورده و با آرزوها آراسته و با فریب آرایش داده شده است. خوشی دنیا پایدار نبوده و از مصیبت آن آسودگی نیست؛ بسیار فریبنده و بسیار زیان‌رسان، دگرگون و زوال‌پذیر، پایان‌پذیر و تباه‌شونده، درنده و هلاک‌کننده است.

۱۵-۱- شهوت

۱-۱۵-۱- شهوت

«۶۹۸» ای بندگان دنیا، کسی که میزان شهوتش از دنیا کاهش نیابد و تمایلش به آن قطع نگردد، چگونه می‌تواند آخرت را درک کند و به نعمت‌های آن دست یابد؟

۲-۱۵-۱- پیچیده‌شده در شهوت‌ها

«۶۹۹» به‌درستی که دنیا شیرین و نیکو صورت است و به شهوت‌ها پیچیده شده و با [بهره‌ی] اندک به شگفت آورده و با آرزوها آراسته و با فریب آرایش داده شده است. خوشی دنیا پایدار نبوده و از مصیبت آن آسودگی نیست؛ بسیار فریبنده و بسیار زیان‌رسان، دگرگون و زوال‌پذیر، پایان‌پذیر و تباه‌شونده، درنده و هلاک‌کننده است.

﴿الدُّنْيَا الْمَتَاعُ وَاللَّذَّةُ﴾

﴿٧٠٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنِّي أَحَذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا حُلُوَّةٌ خَصِرَةٌ خُفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ؛

تحف العقول، ص ١٨٠

﴿٧٠١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خُفَّتِ الدُّنْيَا بِالشَّهَوَاتِ وَتَحَبَّبَتْ بِالْعَاجِلَةِ وَتَزَيَّنَتْ بِالْغُرُورِ وَ

تَحَلَّتْ بِالْأَمَالِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

١٥-١-١٥-٣- حُبُّ الشَّهَوَاتِ

﴿٧٠٢﴾ زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَ

الْحَيْلِ الْمُسَوِّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاَبِ؛ (آل عمران / ١٤)

١٦-١-١٥-١٦- الْمُنْكَوْحُ

﴿٧٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا سِتَّةُ أَشْيَاءَ مَطْعُومٌ وَمَشْرُوبٌ وَمَلْبُوسٌ وَمَرْكُوبٌ وَ

مُنْكَوْحٌ وَمَشْمُومٌ فَأَشْرَفُ الْمَطْعُومِ الْعَسَلُ وَهُوَ مَذْقَةُ ذُبَابٍ وَأَشْرَفُ الْمَشْرُوبِ الْمَاءُ وَيَسْتَوِي فِيهِ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ وَأَشْرَفُ الْمَلْبُوسِ الْحَرِيرُ وَهُوَ نَسْجُ دَوْدَةَ وَأَشْرَفُ الْمَرْكُوبِ الْفَرَسُ وَعَلَيْهِ تُقْتَلُ الرِّجَالُ وَأَشْرَفُ الْمُنْكَوْحِ الْمَرْأَةُ وَهُوَ مَبَالٌ فِي مَبَالٍ وَأَشْرَفُ الْمَشْمُومِ الْمِسْكُ وَهُوَ دَمٌ

حَيَوَانٌ؛ بحار الأنوار، ج ٤١، ص ٢٤٠

﴿٧٠٤﴾ الصادق عليه السلام: تَمَثَّلَتِ الدُّنْيَا لِعِيسَى عليه السلام فِي صُورَةِ امْرَأَةٍ زَرْقَاءَ فَقَالَ لَهَا كَمْ تَزَوَّجْتَ

قَالَتْ كَثِيرًا قَالَ فَكُلُّ طَلَّقَكَ قَالَتْ بَلْ كُلَّا قَتَلْتُ قَالَ فَوَيْحَ أَرْوَاجِكَ الْبَاقِينَ كَيْفَ لَا يَعْتَبِرُونَ

بِالْمَاضِينَ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٣٠

﴿٧٠٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا رَوَاهُ الصَّادِقُ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام أَنَّهُ قَالَ: إِنِّي كُنْتُ بِفَدَكٍ فِي بَعْضِ

حَيْطَانِهَا وَقَدْ صَارَتْ لِفَاطِمَةَ عليها السلام إِذَا أَنَا بِامْرَأَةٍ... قَالَتْ أَنَا الدُّنْيَا فَقَالَ عليه السلام ارْجِعِي فَاطِمَةُ زَوْجًا

غَيْرِي فَلَسْتُ مِنْ شَأْنِي؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٣٢٨

﴿٧٠٦﴾ الباقر عليه السلام: يَا جَابِرُ مَا الدُّنْيَا وَمَا عَسَى أَنْ تَكُونَ الدُّنْيَا هَلْ هِيَ إِلَّا طَعَامٌ أَكَلْتَهُ أَوْ

تَوْبٌ لِبَسْتَهُ أَوْ امْرَأَةٌ أَصَبْتَهَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٢

﴿٧٠٧﴾ الباقر عليه السلام: يَا جَابِرُ أَنْزَلَ الدُّنْيَا مِنْكَ كَمَنْزَلِ نَزْلَتِهِ تُرِيدُ التَّحَوُّلَ وَهَلِ الدُّنْيَا إِلَّا دَابَّةٌ

رَكِبْتَهَا فِي مَنَامِكَ فَاسْتَيْقَظْتَ وَأَنْتَ عَلَى فِرَاشِكَ غَيْرَ رَاكِبٍ وَلَا أَحَدٌ يَعْبَأُ بِهَا أَوْ كَثُوبٌ

لِبَسْتَهُ أَوْ كَجَارِيَةٍ وَطِئْتَهَا يَا جَابِرُ الدُّنْيَا عِنْدَ ذَوِي الْأَلْبَابِ كَفَى الظَّلَالِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ١٨٢

«دنیای بهره‌مندی و لذت»

﴿۷۰۰﴾ من شما را از دنیا بر حذر می‌دارم؛ زیرا در کام انسان شیرین است و در دیده سبز و خرم و در هاله‌ای از خواهش‌های نفسانی قرار گرفته است.

﴿۷۰۱﴾ دنیا با شهوت‌ها پوشیده شده و با آرزوهای زودگذر دوست‌داشتنی شده و با فریب زینت داده شده و با آرزوها آراسته گشته است.

۳-۱۵-۱- دوست‌داشتن شهوت‌ها

﴿۷۰۲﴾ محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است [تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند ولی] این‌ها [در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند] سرمایه زندگی پست [مادی] است و سرانجام نیک [و زندگی والا و جاویدان]، نزد خداست.

۱۶-۱۵-۱- همبستری

﴿۷۰۳﴾ دنیا شش چیز است: خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها، پوشیدنی‌ها، وسایل سواری، همبستری و بوییدنی‌ها؛ بهترین خوراک عسل است که از زنبور عسل به وجود می‌آید، بهترین نوشیدنی آب است که نیک و بد در آن یکسان هستند، بهترین جامه دیباست که بافته‌ی کرم است، بهترین مرکوب اسب است که بر او مردم سوار و حمل می‌شوند، و بهترین همبستری با زنان است که چیزی داخل در مشابه خود می‌شود و بهترین بوییدنی مشک است که خون جانوری است.

﴿۷۰۴﴾ دنیا برای عیسی بن مریم علیه السلام به صورت زنی زاغ چشم ظاهر شد، عیسی علیه السلام به او فرمود: «چند بار شوهر کردی؟» گفت: «شوهر زیادی داشته‌ام». عیسی علیه السلام پرسید: «همه تو را طلاق داده‌اند؟» گفت: «خیر همه را کشته‌ام». عیسی علیه السلام فرمود: «وای بر شوهران تو! چگونه از سرنوشت گذشتگان عبرت نگرفتند».

﴿۷۰۵﴾ امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام نقل کرده که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: من در یکی از بستان‌های فدک بودم که به فاطمه علیها السلام تعلق داشت که ناگهان زنی را دیدم... آن زن گفت: «من دنیا هستم!» به او گفتم: «برو و همسری غیر من طلب کن که تو در شأن من نیستی!»

﴿۷۰۶﴾ ای جابر، دنیا چیست؟ و امید داری که چه چیزی باشد؟ آیا آن غیر از خوراکی است که خوردی و لباسی است که پوشیدی و زنی است که به آن رسیدی؟

﴿۷۰۷﴾ ای جابر! دنیا را منزل خویش کن، مانند منزلی که در آن ساکن می‌شوی و سپس می‌خواهی از آن کوچ کنی. آیا دنیا جز این است که در خوابت بر حیوانی سوار شده‌ای و چون بیدار می‌شوی تو بر رختخواب هستی و سواره نیستی که هیچ‌کس به آن اعتنا نمی‌کند. و یا دنیا همچون لباس است که آن را می‌پوشی یا زنی که با آن نزدیکی می‌کنی. ای جابر! دنیا در نزد خردمندان و خداشناسان مانند سایه‌ی بعد از ظهر است.

﴿الدُّنْيَا الْمَتَاعُ وَاللَّذَّةُ﴾

﴿٧٠٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: رَبِّ دَعْتَنِي دَوَاعِيَ الدُّنْيَا مِنْ حَرْثِ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ فَاجْتَبُهُمَا سَرِيعًا... اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا سَعْيِي لَكَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١١٠

﴿٧٠٩﴾ الرسول ﷺ: مَا أَحَبُّ مِنْ دُنْيَاكُمْ إِلَّا النِّسَاءُ وَالطُّيْبُ؛ الكافي، ج ٥، ص ٣٢١

﴿٧١٠﴾ الرسول ﷺ: حُبِّبَ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا ثَلَاثُ النِّسَاءِ وَالطُّيْبُ وَجُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ؛ وسائل الشيعة، ج ٢، ص ١٤٤

١٧-٥-١- البُنُونُ

﴿٧١١﴾ زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَ الْحَيْلِ الْمُسَوِّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ؛ (آل عمران/ ١٤)

﴿٧١٢﴾ الْمَالُ وَالْبُنُونُ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمَلًا؛ (كهف / ٤٦)

﴿٧١٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: رَبِّ دَعْتَنِي دَوَاعِيَ الدُّنْيَا مِنْ حَرْثِ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ فَاجْتَبُهُمَا سَرِيعًا... اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا سَعْيِي لَكَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١١٠

﴿٧١٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْمَالُ وَالْبُنُونُ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ حَرْثُ الْآخِرَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٥٤

﴿٧١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الْمَالَ وَالْبَنِينَ حَرْثُ الدُّنْيَا وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ حَرْثُ الْآخِرَةِ وَقَدْ يَجْمَعُهُمَا اللَّهُ لِأَقْوَامٍ؛ الكافي، ج ٥، ص ٥٧

١٨-٥-١- كَثْرَةُ الْمُحِبِّينَ

﴿٧١٦﴾ الرضا عليه السلام: سُئِلَ عَنْ فَضْلِ عَيْشِ الدُّنْيَا قَالَ سَعَةُ الْمَنْزِلِ وَ كَثْرَةُ الْمُحِبِّينَ؛ الكافي، ج ٦، ص ٥٢٦

١٩-٥-١- الْغَلْبَةُ

﴿٧١٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا تُدْنِي الْأَجَالَ وَ تُبَاعِدُ الْأَمَالَ وَ تُبِيدُ الرَّجَالَ وَ تُغَيِّرُ الْأَحْوَالَ مَنْ غَالَبَهَا غَلَبَتْهُ وَ مَنْ صَارَعَهَا صَرَعَتْهُ وَ مَنْ عَصَاهَا أَطَاعَتْهُ وَ مَنْ تَرَكَهَا أَتَتْهُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

«دنیای بهره‌مندی و لذت»

﴿۷۰۸﴾ پروردگارا، انگیزه‌های دنیا از آمیزش زنان و نیز فرزندان مرا به‌سوی خود خواند و من به سرعت دعوتش را پذیرفتم... خدایا از تو می‌خواهم چنان مقرر کنی که کوشش‌م در این دنیا خالص برای تو باشد.

﴿۷۰۹﴾ از دنیای شما فقط زنان و عطر خوش را دوست دارم.

﴿۷۱۰﴾ سه چیز از دنیا را دوست دارم؛ زنان، عطر و نور چشمم نماز.

۱۷-۵-۱- فرزندان

﴿۷۱۱﴾ محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است [تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند ولی] این‌ها [در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند،] سرمایه زندگی پست [مادی] است و سرانجام نیک [و زندگی والا و جاویدان]، نزد خداست.

﴿۷۱۲﴾ مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست و باقیات صالحات [ارزش‌های پایدار و شایسته] ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است!

﴿۷۱۳﴾ پروردگارا، انگیزه‌های دنیا از آمیزش زنان و نیز فرزندان مرا به‌سوی خود خواند و من به سرعت دعوتش را پذیرفتم... خدایا از تو می‌خواهم چنان مقرر کنی که کوشش‌م در این دنیا خالص برای تو باشد.

﴿۷۱۴﴾ مال و فرزندان زینت‌های زندگی دنیایی هستند، و کردار شایسته توشه و ثمره‌ای برای آخرت است.

﴿۷۱۵﴾ مال و فرزندان کشت و زرع این دنیاست و کردار شایسته کشت و زرع آخرت است. و خداوند گروهی را از [محصول] آن دو برخوردار ساخته است.

۱۸-۵-۱- دوستان زیاد

﴿۷۱۶﴾ از امام رضا علیه السلام سؤال شد: «بهترین زندگی در دنیا چیست؟» فرمود: «داشتن خانه‌ای بزرگ و داشتن دوستان زیاد».

۱۹-۵-۱- غلبه کردن

﴿۷۱۷﴾ دنیا، اجل‌ها را نزدیک و دستیابی به آرزوها را دور می‌کند، مردم را هلاک و حالات را دگرگون می‌کند، هرکس بر دنیا غلبه کند، دنیا بر او غلبه خواهد کرد، و هرکس با دنیا جنگید، دنیا به جنگ او برمی‌خیزد، هرکس با دنیا مخالفت کرد، دنیا از او اطاعت می‌کند و هرکس که دنیا را ترک کرد، دنیا به سراغ او می‌رود.

﴿الدُّنْيَا الْخُدُوعَةُ﴾

٢٠-٥-١- التَّكَاثُرُ وَ التَّفَاخُرُ

﴿٧١٨﴾ اَعْلَمُوا أَنَّهَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ هُوَ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهْبِجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ؛ (الحديد / ٢٠)

﴿٧١٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا خَضِرَةٌ خُلُوعٌ وَ لَهَا أَهْلٌ وَ إِنَّ الْآخِرَةَ لَهَا أَهْلٌ ظَلَفَتْ أَنْفُسُهُمْ عَنْ مَفَاخِرَةِ أَهْلِ الدُّنْيَا لَا يَتَنَافَسُونَ فِي الدُّنْيَا وَ لَا يَفْرَحُونَ بِغَضَارَتِهَا وَ لَا يَحْزَنُونَ لِبُؤْسِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٧٨

﴿٧٢٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَلَا تَتَنَافَسُوا فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَ فَخْرِهَا وَ لَا تَعْجَبُوا بِزِينَتِهَا وَ نَعِيمِهَا وَ لَا تَجْزَعُوا مِنْ ضَرَائِهَا وَ بُؤْسِهَا فَإِنَّ عِزَّ الدُّنْيَا وَ فَخْرَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٤٢٧

١-٦- الدُّنْيَا الْخُدُوعَةُ

١-٦-١- الخُدْعَةُ

١-٦-١-١- خُدْعَةُ الدُّنْيَا

﴿٧٢١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ خَدَعَتْنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا وَ نَفْسِي بِخِيَانَتِهَا؛ إقبال الأعمال، ص ٧٠٦

﴿٧٢٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ رَاقَهُ زُبْرُجُ الدُّنْيَا مَلَكَتْهُ الْخُدْعُ؛ غرر الحكم، ص ١٣٦

﴿٧٢٣﴾ الرسول ﷺ: إِزْهَدُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الزَّاهِدَةِ فَيَكُمُ فَإِنَّهَا غَرَارَةٌ دَارُ فَنَاءٍ وَ زَوَالٍ؛ كَمْ مِنْ مُعْتَرٍ فِيهَا قَدْ أَهْلَكَتْهُ وَ كَمْ مِنْ وَائِقٍ بِهَا قَدْ خَانَتْهُ وَ كَمْ مِنْ مُعْتَمِدٍ عَلَيْهَا قَدْ خَدَعَتْهُ؛

بحار الأنوار، ج ٣٨، ص ٩٩

١-٦-١-٢- الخُدُوعُ

﴿٧٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا غَرَارَةٌ خُدُوعٌ مُعْطِيَةٌ مَنْوَعٌ مُلْبِسَةٌ نَزُوعٌ لَا يَدُومُ رَخَاؤُهَا

وَ لَا يَنْقُضِي عَنَاؤُهَا وَ لَا يَرُكِّدُ بِلَاؤُهَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

﴿٧٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَاحْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا غَدَارَةٌ غَرَارَةٌ خُدُوعٌ مُعْطِيَةٌ مَنْوَعٌ مُلْبِسَةٌ

نَزُوعٌ لَا يَدُومُ رَخَاؤُهَا وَ لَا يَنْقُضِي عَنَاؤُهَا وَ لَا يَرُكِّدُ بِلَاؤُهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٨٣

﴿٧٢٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا يَسْتَفِزُّ خُدْعُ الدُّنْيَا الْعَالَمَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٦

﴿٢٩٨﴾

«دنیای حيله گر»

۲۰-۵-۱- افزون طلبی و فخرفروشی

﴿۷۱۸﴾ بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرومی برد، سپس خشک می شود به گونه ای که آن را زرد رنگ می بینی سپس تبدیل به کاه می شود! و در آخرت، عذاب شدید است یا مغفرت و رضای الهی و [به هر حال] زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست!

﴿۷۱۹﴾ دنیا سبز و شیرین است و اهلی دارد. و آخرت نیز اهلی دارد که خود را از مفاخرهی اهل دنیا مخفی کردند و در دنیا با هم رقابت نکردند و به شادابی دنیا شادمان نشدند و از گزند آن نیز محزون نگشتند.

﴿۷۲۰﴾ پس در کسب عزت و تفاخرهای دنیا باهم مسابقه ندهید، زینتها و نعمت های دنیا شما را شگفت زده نکند و گرفتاری ها و بلاهای آن شما را عاجز و درمانده نکند که عزت و تفاخرهای دنیا رو به زوال و فناست.

۶-۱- دنیای حيله گر

۱-۶-۱- فریب

۱-۶-۱-۱- فریب دنیا

﴿۷۲۱﴾ دنیا با ظواهر فریبنده اش و نفسم با خیانتش مرا گول زدند.
﴿۷۲۲﴾ هرکس از زینت دنیا خوشش بیاید، فریب های دنیا بر او مالک می شود.
﴿۷۲۳﴾ به این دنیایی که به شما رغبت ندارد، بی رغبت باشید. پس آن بسیار فریبنده و محل نابودی و زوال است. چه بسیار فریب خورندگانی که دنیا نابودشان کرد و چه بسیار تکیه کنندگان به دنیا که به آن ها خیانت نمود و چه بسیار اعتماد کنندگان بر دنیا که به آن ها نیرنگ زد و تسلیمشان نمود».

۲-۱-۶-۱- فریب دهنده

﴿۷۲۴﴾ به درستی که دنیا فریب دهنده و حيله گر است، می بخشد و باز پس می گیرد، می پوشاند و درمی آورد، آرامش آن ماندگار نیست و دردهای آن پایان ندارد و بلاهای آن آرام نمی گیرد.
﴿۷۲۵﴾ از دنیا برحذر باشید، که حيله گر و فریبنده و نیرنگ باز است، بخشنده ای بازپس گیرنده، و پوشنده ای برهنه کننده است، آسایش دنیا بی دوام و سختی هایش بی پایان و بلاهایش دائمی است.
﴿۷۲۶﴾ فریب های دنیا دانا را ناآرام نمی کند.

﴿الدُّنْيَا الْخَدُوعَةُ﴾

﴿٧٢٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ نَجَا مِنْ خِدَاعِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٦٢
 ﴿٧٢٨﴾ السَّجَّاد عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دُنْيَاهُمْ
 الْخَدَاعَةَ الْغُرُورَ، وَأَمَحْ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفُتُونِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام الدعاء ٢٧
 ١-٦-١-٣ الخَدَاعَةُ

﴿٧٢٩﴾ الصادق عليه السلام: يَا بَنِي آدَمَ اهْرَبُوا مِنَ الدُّنْيَا إِلَى اللَّهِ وَآخِرْجُوا قُلُوبَكُمْ عَنْهَا فَإِنَّكُمْ لَا تَصْلُحُونَ لَهَا وَلَا تَصْلُحُ لَكُمْ وَلَا تَبْقَى فِيهَا وَلَا تَبْقَى لَكُمْ هِيَ الْخَدَاعَةُ الْفَجَاعَةُ الْمَغْرُورُ مَنْ اغْتَرَبَهَا الْمَغْبُورُ مَنْ أَطْمَأَنَّ إِلَيْهَا الْهَالِكُ مَنْ أَحَبَّهَا وَارَادَهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٢٨٨
 ﴿٧٣٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اخْذَرُوا هَذِهِ الدُّنْيَا الْخَدَاعَةَ الْغَدَارَةَ الَّتِي قَدْ تَزَيَّنَتْ بِحُلِيِّهَا؛
 بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٠٨

﴿٧٣١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا خَدَاعَةٌ صِرَاعَةٌ مَكَارَةٌ غَرَارَةٌ سَحَّارَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٧٣

﴿٧٣٢﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ خَدَعَتْ قَوْمًا فَأَرْقُوهَا أَسْرَعَ مَا كَانُوا إِلَيْهَا وَأَكْثَرَ مَا كَانُوا اغْتِبَاطًا بِهَا طَرَفَتُهُمْ أَجَالُهُمْ بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٧، ص ١٨٨
 ١-٦-١-٤ الْخَدِيعَةُ

﴿٧٣٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا عَيْشُهَا قَصِيرٌ وَخَيْرُهَا يَسِيرٌ وَإِقْبَالُهَا خَدِيعَةٌ وَإِدْبَارُهَا فَجِيعَةٌ وَلَذَاتُهَا فَانِيَةٌ وَتَبَعَاتُهَا بَاقِيَةٌ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧
 ١-٦-١-٥ دَائِمَةُ الْمَكْرِ

﴿٧٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا سَرِيعَةُ التَّحَوُّلِ كَثِيرَةُ التَّنَقُّلِ شَدِيدَةُ الْغَدْرِ دَائِمَةُ الْمَكْرِ فَأَحْوَالُهَا تَتَزَلُّزَلُ وَنَعِيمُهَا يَتَبَدَّلُ وَرَخَاؤُهَا يَتَنَقَّصُ وَلَذَاتُهَا تَتَنَقَّصُ وَطَالِبُهَا يَذِلُّ وَرَاكِبُهَا يَزِلُّ؛
 غرر الحكم، ص ١٣٤
 ١-٦-١-٦ الْحَيَّةُ

﴿٧٣٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا كَالْحَيَّةِ لَئِنْ مَسَّهَا قَاتِلٌ سَمُّهَا فَأَعْرَضَ عَمَّا يُعْجِبُكَ فِيهَا لِقَلَّةِ مَا يَصْحَبُكَ مِنْهَا وَكُنْ أَنْسَ مَا تَكُونُ بِهَا أَخْذَرَ مَا تَكُونُ مِنْهَا؛ غرر الحكم، ص ١٢٧
 ﴿٧٣٦﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ مَثَلَ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ مَسَّهَا لَئِنْ وَفَى جَوْفُهَا السَّمُّ الْقَاتِلُ يَحْذَرُهَا الرَّجُلُ الْعَاقِلُ وَيَهْوِي إِلَيْهَا الصَّبِيَانُ بِأَيْدِيهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٢٤
 ﴿٣٠٠﴾

«دنیای حيله گر»

﴿۷۲۷﴾ هرکس مرگ را بسیار یاد کند، از مکر دنیا رستگاری می‌یابد.

﴿۷۲۸﴾ خدایا! بر محمد و آل او درود بفرست و به هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای مکار فریبنده را از خاطر مرزدارانمان بزدای و اندیشه‌های مال فتنه‌انگیز را از دل‌هایشان محو کن .

۱-۶-۳-۱-۶-۱ پر از فریب و خدعه

﴿۷۲۹﴾ عیسی بن مریم علیه السلام به اصحابش فرمود: «ای فرزندان آدم، از دنیا به‌سوی خدا بگریزید و دل از آن بردارید که آن را نمی‌توانید اصلاح کنید و آن هم شما را اصلاح نمی‌کند، در دنیا نخواهید ماند و دنیا نیز برای شما نخواهد ماند. و دنیا پر از فریب و خدعه است. کسی که به دنیا مغرور شود، فریب خورده است. آن که به آن دل دهد، مغبون است و آن که آن را دوست دارد و بخواهد، هلاک است.

﴿۷۳۰﴾ از این دنیای مکار و خائن بر حذر باشید که با زیورهای خود تزیین شده است.

﴿۷۳۱﴾ همانا دنیا فریبنده، سقوط‌دهنده، گول‌زننده، نیرنگ‌باز و ساحر است.

﴿۷۳۲﴾ این دنیا گروهی را فریب داده که در جمع‌آوری آن زیاد تلاش می‌کردند و زندگی تجملی خیلی شیرین داشته‌اند. ناگهان شب‌هنگام که در خواب بودند، اجلشان فرا رسید.

۱-۶-۴-۱-۶-۴ نیرنگ

﴿۷۳۳﴾ زندگی در دنیا کوتاه و خیر دنیا اندک است، و اقبال دنیا [به انسان] نوعی نیرنگ و پشت‌کردن دنیا فاجعه است. لذت‌های دنیا فانی و تبعات آن (کردار بد) که در قیامت گریبان‌گیر می‌شود، باقی است.

۱-۶-۵-۱-۶-۵ دارای مکر همیشگی

﴿۷۳۴﴾ دنیا سریع دگرگون می‌شود و بسیار جابه‌جا می‌گردد، مکرهایش شدید و نیرنگ‌هایش دائمی است. روزگارش متزلزل و نعمت‌هایش در حال تبدیل است. آرامش آن کاسته شده و لذت‌های آن منع می‌شوند، طلب‌کننده‌ی دنیا ذلیل می‌شود و سواره‌ی بر مرکب دنیا، خواهد لرزید.

۱-۶-۶-۱-۶-۶ مار

﴿۷۳۵﴾ دنیا همچون ماری است که پوستی نرم ولی سمی کشنده دارد. از هرچه که از دنیا خوش می‌آید، روی برگردان. چون مدت اندکی همراه تو خواهد بود. و از هرچه که بیشتر با آن انس می‌گیری، بیشتر بر حذر باش [تا تو را جذب دنیا نکند].

﴿۷۳۶﴾ دنیا همچون ماری است؛ پوستش نرم است ولی در درونش سم کشنده نهفته است. انسان عاقل از آن دوری می‌کند و کودکان با دست به سمت آن می‌روند.

﴿الدُّنْيَا الْخَدُوعَةُ﴾

﴿٧٣٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ لَئِنْ مَسَّهَا وَ السَّمُ النَّاقِعُ فِي جَوْفِهَا يَهْوِي إِلَيْهَا الْغَرُّ الْجَاهِلُ وَ يَخْذَرُهَا ذُو اللَّبِّ الْعَاقِلُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٢٩

١-٢-٦-١- الخَلَطُ

١-٢-٦-١- الخَلَطُ

﴿٧٣٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا يُونَقُ مَنْظَرُهَا وَ يُوبِقُ مَخْبَرُهَا، قَدْ تَزَيَّتْ بِالْغُرُورِ وَ غَرَّتْ بِزِينَتِهَا، دَارُ هَانَتْ عَلَى رَبِّهَا فَخَلَطَ حَلَالُهَا بِحَرَامِهَا وَ خَيْرُهَا بِشَرِّهَا وَ خُلُوهَا بِمُرِّهَا لَمْ يُصِفْهَا اللَّهُ لَا وَلِيَّائِهِ وَ لَمْ يَصْنَعْ بِهَا عَلَى أَعْدَائِهِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

﴿٧٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا مَنْزِلُ قُلْعَةٍ وَ لَيْسَتْ بِدَارِ نَجْعَةٍ هَانَتْ عَلَى رَبِّهَا فَخَلَطَ خَيْرَهَا بِشَرِّهَا وَ خُلُوهَا بِمُرِّهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤

﴿٧٤٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا مَنْزِلُ قُلْعَةٍ وَ لَيْسَتْ بِدَارِ نَجْعَةٍ قَدْ تَزَيَّتْ بِغُرُورِهَا وَ غَرَّتْ بِزِينَتِهَا دَارُ هَانَتْ عَلَى رَبِّهَا فَخَلَطَ حَلَالُهَا بِحَرَامِهَا وَ خَيْرُهَا بِشَرِّهَا وَ حَيَاتُهَا بِمَوْتِهَا وَ خُلُوهَا بِمُرِّهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٧، ص ١١٢

١-٢-٦-٢- الشُّوبُ

﴿٧٤١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله هَلْ سُرِرْتُ يَا بَنِيَّةُ قَالَتْ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ سُرِرْتَنِي وَ أَحْزَنْتَنِي قَالَ كَذَلِكَ أُمُورُ الدُّنْيَا يَشُوبُ سُورُورُهَا بِحُزْنِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٢٢، ص ٤٩٦

﴿٧٤٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا خَيْرُهَا زَهِيدٌ وَ شَرُّهَا عَتِيدٌ وَ لَذَّتُهَا قَلِيلَةٌ وَ حَسْرَتُهَا طَوِيلَةٌ تَشُوبُ نَعِيمَهَا بِبُؤْسٍ وَ تَقْرَنُ سُعُودَهَا بِنُحُوسٍ وَ تَصِلُ نَفْعُهَا بِضُرٍّ وَ تَمُزْجُ خُلُوهَا بِمُرٍّ؛ غرر الحكم، ص ١٣١

١-٢-٦-٣- نَوْرُ الْوَرْدِ الْمَحْفُوفِ بِالشَّوْكِ

﴿٧٤٣﴾ صحف ادریس عليه السلام: فَكَّرُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الَّتِي تَفْتِنُ بِزُجْجِ زَخَارِيفِهَا وَ تَخْدَعُ بِحَلَاوَةِ تَصَارِيفِهَا وَ لَذَاتِهَا شَبِيهَةٌ بِنَوْرِ الْوَرْدِ الْمَحْفُوفِ بِالشَّوْكِ الْكَثِيرِ فَهُوَ مَا دَامَ زَاهِرًا يَرُوقُ الْعُيُونُ وَ يَسِرُّ النُّفُوسَ وَ هُوَ مَعَ ذَلِكَ مُمْتَنِعٌ بِالشَّوْكِ الْمُفْرِحِ يَدُ مَتَنَاوِلِهِ فَإِذَا مَضَتْ سَاعَاتُ قَلِيلَةٍ انْتَشَرَ الزَّهْرُ وَ بَقِيَ الشَّوْكَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٦٨

«دنیای حيله گر»

﴿۷۳۷﴾ دنیا همچون ماری است؛ پوستش نرم است و در درونش سمّ کشنده نهفته است، انسان مغرور و جاهل به آن دست دراز می‌کند و انسان خردمند و عاقل از آن حذر می‌کند.

۲-۱-۶-۱- آمیختگی

۱-۲-۶-۱- آمیختگی

﴿۷۳۸﴾ به‌درستی که دنیا منظره‌ای دل‌فریب و سرانجامی خطرناک دارد، با فریب‌های دنیوی زینت داده شده و با زیبایی‌هایش فریب می‌دهد. خانه‌ای که در نزد خداوند پست شمرده شده، حلالش در حرام و خیرش در شرّ و زندگی آن در مرگ و شیرینی آن در تلخی آمیخته شده است. [و همواره باهم هستند]. خداوند دنیا را برای دوستان خود توصیف [و توصیه] نکرده و از عطای آن به دشمنانش بخل نورزیده است.

﴿۷۳۹﴾ شما را از دنیادوستی برحذر می‌دارم؛ زیرا دنیا جایگاه ناپایدار است نه چراگاه همواره؛ نزد خدا بسیار بی‌ارزش است. خوبی و بدی و تلخی و شیرینی آن در هم آمیخته است.

﴿۷۴۰﴾ شما را از [دوستی] دنیا بر حذر می‌دارم که منزلی پایدار نیست و سکونت در آن به صلاح نیست. با فریب‌های دنیایی زینت شده و با زیبایی‌هایش فریب می‌دهد، خانه‌ای است که در نزد خداوند پست شمرده شده، حلالش در حرام و خیرش در شرّ و زندگی آن در مرگ و شیرینی آن در تلخی آمیخته شده است.

۲-۲-۱-۶- در هم آمیخته شده

﴿۷۴۱﴾ رسول خدا ﷺ [پس از بیان فضائل خود و امیرالمؤمنین علی علیه السلام به حضرت زهرا علیها السلام] فرمود: «ای دخترم! آیا تو را شاد کردم». عرض کرد: «بله ای رسول خدا! مرا شاد کردی و اندوهگین ساختی». پیامبر ﷺ فرمود: «امور دنیا اینچنین هستند، شادی آن با حزنش در هم آمیخته شده است».

﴿۷۴۲﴾ نیکی‌های دنیا اندک و بدی‌های آن مهیا [و همیشگی] است، لذت‌های آن کم و حسرت‌های آن طولانی است، نعمت‌های آن به سختی آغشته و نیک‌بختی آن با نحسی همراه است، منافع آن ختم به ضرر شده و شیرینی آن با تلخی مخلوط می‌شود.

۳-۲-۱-۶- شکوفه‌ی گل پیچیده شده با خار

﴿۷۴۳﴾ در این دنیا اندیشه کنید که به‌وسیله‌ی زینت زیبایی‌هایش می‌فریبد و به شیرینی حوادث و لذاتش نیرنگ می‌کند، همچون شکوفه‌ی گل سرخی است که با خارها پیچیده شده و پیوسته شکوفاست و چشم‌ها را خیره می‌کند و جان‌ها را شادی می‌بخشد ولی با این حال، دور از دسترس است و آن به دلیل خاری است که دست طالب آن را مجروح می‌کند و بعد از لحظاتی اندک، گل پرپر می‌شود و خار می‌ماند

«دنیای حيله گر»

۳-۱-۶-۱ دروغ

۱-۳-۶-۱ دروغ

«۷۴۴» به درستی که دنیا خانه‌ی رفتن است و جایگاه کدورت، ساکن آن رونده است و اقامت کننده‌ی آن جداشونده است. و برق آن فریب‌دهنده است و گفته‌ی آن دروغ است. و اموال آن گرفته شده است. و کالاهایش ربوده شده است. آگاه باش و دنیا چون چهارپایی است پرستیز و با جست و خیز و خیانت کار.

۲-۳-۶-۱ دروغ

«۷۴۵» ارزش دنیا اندک و ثمره‌ی آن ناچیز و شادمانی آن دروغین و بخشش‌های آن فریب است.

۴-۱-۶-۱ نفاق

۱-۴-۶-۱ نفاق

«۷۴۶» حرص داشتن نسبت به دنیا از علائم نفاق است.

۲-۴-۶-۱ دگرگون جلوه دادن

«۷۴۷» دنیا سرایی است که پایان آن فنا و اهلش از آن کوچ می‌کنند. و دنیا شیرین و خرم به‌سوی خواهان خود می‌شتابد و در دل بیننده‌ی خود منزل می‌کند پس از این دنیا با بهترین توشه‌ای که فراهم نموده‌اید کوچ کنید و از دنیا بیش از نیاز خود نخواهید و بیش از حد کفاف از آن طلب نکنید.

۳-۴-۶-۱ صدای آن بزرگ‌تر از آن است که دیده می‌شود

«۷۴۸» صدای هر چیزی از دنیا بزرگ‌تر از آن است که دیده می‌شود.

۵-۱-۶-۱ غفلت

۱-۵-۶-۱ خواب

«۷۴۹» دنیا مثل خوابی است و آخرت بیداری؛ و ما در این میان خواب پریشان می‌بینیم.

۲-۵-۶-۱ غفلت

«۷۵۰» ای جابر، آخرت محل آرام گرفتن و دنیا محل نابودی است؛ ولی مردم دنیا غافل

هستند.

«۷۵۱» بدان که دنیاپرستان همان جماعت غافل و فریبکار و نادان هستند.

﴿الدُّنْيَا الْخَدُوعَةُ﴾

١-٦-٦- الشُّكُّ وَارْتِيَابُ

﴿٧٥٢﴾ ابن عباس رضي الله عنه: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ شُكُوكٍ وَارْتِيَابٍ وَخَطَرَاتٍ؛ بحار الأنوار، ج ٤، ص ٤٥

١-٦-٧- السَّحَرُ

١-٦-٧-١- السَّحَارَةُ

﴿٧٥٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا خَدَاعَةٌ صِرَاعَةٌ مَكَارَةٌ غَرَارَةٌ سَحَّارَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤،

ص ٣٧٣

١-٦-٧-٢- الْأَسْحَرُ

﴿٧٥٤﴾ الرسول ﷺ: اخْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَسْحَرُ مِنْ هَارُوتَ وَمَارُوتَ؛ مجموعة ورام، ج ١،

ص ١٣١

١-٦-٨- الْغُرُورُ

١-٦-٨-١- الْغُرُورُ

﴿٧٥٥﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ

الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ؛ (آل عمران / ١٨٥)

﴿٧٥٦﴾ اعْلَمُوا أَنَّما الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَهُوَ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ

كَمَثَلٍ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ بَبَائِهِ ثُمَّ يَهْبِجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ

مَعْفَرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ؛ (الحديد / ٢٠)

﴿٧٥٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَالَ: فَأَيُّ النَّاسِ أَثْبَتُ رَأْيًا؟ قَالَ: مَنْ لَمْ يَغْرِهُ النَّاسُ مِنْ نَفْسِهِ وَلَمْ

تَغْرِهُ الدُّنْيَا بِتَشَوُّفِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٧٨

﴿٧٥٨﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ غَرَّتْنَا وَاشْتَغَلَّتْنَا وَاسْتَهْوَتْنا وَاسْتَلْهَتْنا وَاسْتَغَوَتْنا؛

بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٧٢

﴿٧٥٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا تَغْرِ الْمُؤْمِلَ لَهَا وَالْمُخْلِذَ إِلَيْهَا، وَلَا تَنْفَسُ بِمَنْ نَافَسَ

فِيهَا، وَتَغْلِبُ مَنْ غَلَبَ عَلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٢٩، ص ٥٩٦

﴿٧٦٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا غُرُورٌ حَائِلٌ وَظِلٌّ زَائِلٌ وَسِنْدٌ مَائِلٌ تَصِلُ الْعَطِيَّةُ بِالرِّزْيَةِ

وَالْأُمْنِيَّةُ بِالْمَنِيَّةِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

﴿٧٦١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَالدُّنْيَا كَاسِفَةُ النُّورِ ظَاهِرَةُ الْغُرُورِ عَلَى حِينِ اصْفَرَارٍ مِنْ وَرَقِهَا وَ

إِيَّاسٍ مِنْ ثَمَرِهَا وَاعْوَارٍ مِنْ مَائِهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٨، ص ٢١٨

﴿٣٠٦﴾

«دنیای حيله گر»

۱-۶-۶-۱ شک و تردید

«۷۵۲» دنیا خانه‌ی شک‌ها و تردیدها و اوهام است.

۱-۶-۷-۱ سحر و جادو

۱-۶-۷-۱-۱ ساحر

«۷۵۳» همانا دنیا فریبنده، سقوط‌دهنده، گول‌زننده، نیرنگ‌باز و ساحر است.

۱-۶-۷-۲ سحرکننده‌ترین

«۷۵۴» از دنیا برحذر باشید که آن از هاروت و ماروت، جادوگرتر است.

۱-۶-۸-۱ فریب

۱-۶-۸-۱-۱ فریب

«۷۵۵» هر کسی مرگ را می‌چشد و شما پاداش خود را به طور کامل در روز قیامت خواهید گرفت آن‌ها که از آتش [دوزخ] دور شده، و به بهشت وارد شوند نجات یافته و رستگار شده‌اند و زندگی دنیا، چیزی جز سرمایه فریب نیست!

«۷۵۶» بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل‌پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرومی‌برد، سپس خشک می‌شود به گونه‌ای که آن را زردرنگ می‌بینی سپس تبدیل به کاه می‌شود! و در آخرت، عذاب شدید است یا مغفرت و رضای الهی و [به هر حال] زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست!

«۷۵۷» پرسید: «کدامیک از مردم پایدارتر است؟» فرمود: «شخصی که مردم او را با چاپلوسی و تعریف‌های نابجا، نسبت به خود مغرور سازند و در برابر آرایش دنیا، خود را نیازد».

«۷۵۸» دنیا ما را مغرور و به خود مشغول ساخته و هوایی کرده است و ما را به لهو و بازی واداشته و اغوا کرده است.

«۷۵۹» دنیا آرزومند آن و آرام‌گیرنده‌ی در آن را فریب می‌دهد و به کسی که در آن رقابت کند، مهلت نمی‌دهد و بر کسی که بر آن غلبه کرده، غلبه می‌کند.

«۷۶۰» به‌درستی که دنیا فریب‌دهنده و تغییریابنده است و سایه‌ای است گذرا و تکیه‌گاهی است که فرومی‌ریزد. و عطایای آن به عزا و آرزوها به مرگ ختم می‌گردد.

«۷۶۱» دنیا، بی‌نور و پر از مکر و فریب گشته بود. برگ‌های درخت زندگی به زردی گراییده و از میوه آن خبری نبود، آب حیات فروخشکیده بود.

﴿الدُّنْيَا الْخَدُوعَةُ﴾

﴿٧٦٢﴾ الحسين عليه السلام: وَإِذَا صَاحَ الثَّغْلَبُ يَقُولُ الدُّنْيَا دَارُ غُرُورٍ؛ بحار الأنوار، ج ٦١، ص ٢٧
 ﴿٧٦٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اخذروا الدنيا فإنها عدوة أولياء الله و عدوة أعدائه أما أوليائوه فغمتهم و أما أعداؤه فغرتهم؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١١٥
 ﴿٧٦٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خطر الدنيا يسير و حاصلها حقير و بهجتها زور و مواهبها غرور؛

غرر الحكم، ص ١٢٨

﴿٧٦٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدنيا تغر و تضر و تمر؛ غرر الحكم، ص ١٣٥
 ﴿٧٦٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدنيا معدن الشر و محل الغرور؛ غرر الحكم، ص ١٣٥
 ﴿٧٦٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خفت الدنيا بالشهوات و تحببت بالعاجلة و تزينت بالغرور و تحلت بالآمال؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

﴿٧٦٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: سرور الدنيا غرور و متاعها ثبور؛ غرر الحكم، ص ١٣٦
 ﴿٧٦٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قد تزينت الدنيا بغرورها و غرت بزینتها؛ غرر الحكم، ص ١٣٦
 ﴿٧٧٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: من وثق بغرور الدنيا [فقد] أمن مخوفه؛ غرر الحكم، ص ١٤٢
 ﴿٧٧١﴾ الرسول ﷺ: إذا حمل عدو الله إلى قبره نادى حملة أ لا تسمعون يا إخواني أني أشكو إليكم... و أشكو إليكم دنيا غرتني حتى إذا اطمأنت إليها صرعتني و أشكو إليكم أخلاء الهوى؛ الكافي، ج ٣، ص ٢٣٣

﴿٧٧٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إن الدنيا خداعة صراعة مكارة غرارة سحارة؛ بحار الأنوار، ج ٧٤،

ص ٣٧٣

﴿٧٧٣﴾ الباقر عليه السلام: و اعلم أن أبناء الدنيا هم أهل غفلة و غرور و جهالة؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ١٦٥

﴿٧٧٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إن الدنيا حلوة نضرة خفت بالشهوات و راقت بالقليل و تحلت بالآمال و تزينت بالغرور لا تدوم حبرتها و لا تؤمن فجعها غرارة ضرارة حائلة زائلة نافدة بآئدة أكالة غوالة؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

﴿٧٧٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إن الدنيا كالغول تغوي من أطاعها و تهلك من أجابها و إنها لسريعة الزوال و شيكة الانتقال؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

«دنیای حيله گر»

﴿۷۶۲﴾ و هنگامی که روباه فریاد می‌زند، می‌گوید: «دنيا خانه‌ی فریب است».

﴿۷۶۳﴾ از دنیا بر حذر باشید که هم دشمن دوستان خداست و هم دشمن دشمنانش؛ دوستان خدا را غمگین می‌سازد و دشمنانش را فریب می‌دهد.

﴿۷۶۴﴾ ارزش دنیا اندک و ثمره‌ی آن ناچیز و شادمانی آن دروغین و بخشش‌های آن فریب است.

﴿۷۶۵﴾ دنیا فریب می‌دهد، زیان می‌رساند و می‌گذرد و بقایی ندارد.

﴿۷۶۶﴾ دنیا معدن شرّ و محلّ اقامت آن و جایگاه فریب است.

﴿۷۶۷﴾ دنیا با شهوت‌ها پوشیده شده و با آرزوهای زودگذر دوست‌داشتنی شده و با فریب زینت داده شده و با آرزوها آراسته گشته است.

﴿۷۶۸﴾ شادمانی دنیا فریب است و متاع آن هلاکت است.

﴿۷۶۹﴾ قطعاً دنیا با فریب خود آراسته شده است و با همین آراستگی‌ها فریب می‌دهد.

﴿۷۷۰﴾ هرکس بر فریب دنیا اعتماد کند از آنچه باید ترس داشته باشد [ندانسته] خود را ایمن دانسته است.

﴿۷۷۱﴾ رسول خدا ﷺ فرمود: چون دشمن خدا را برداشتند تا به‌سوی قبرش ببرند با صدای بلند به آنان که جنازه‌اش را می‌برند، می‌گوید: «برادرانم! مگر نمی‌شنوید که من به شما گلایه می‌کنم؟!... از دست دنیا شکایت می‌کنم که مرا فریب داد، وقتی به آن دل بستم، ناگهان مرا به زمین زد. به شما شکایت می‌کنم از دوستانم که اهل هوی و هوس بودند».

﴿۷۷۲﴾ همانا دنیا فریبنده، سقوط‌دهنده، گول‌زننده، نیرنگ‌باز و ساحر است.

﴿۷۷۳﴾ بدان که دنیاپرستان همان جماعت غافل و فریبکار و نادان هستند.

﴿۷۷۴﴾ به‌درستی که دنیا شیرین و نیکو‌صورت است و به شهوت‌ها پیچیده شده و با [بهره‌ی] اندک به شگفت آورده و با آرزوها آراسته و با فریب آرایش داده شده است. خوشی دنیا پایدار نبوده و از مصیبت آن آسودگی نیست؛ بسیار فریبنده و بسیار زیان‌رسان، دگرگون و زوال‌پذیر، پایان‌پذیر و تباه‌شونده، درنده و هلاک‌کننده است.

﴿۷۷۵﴾ به‌درستی که دنیا مانند غولی است که اطاعت‌کنندگان خود را فریب می‌دهد و اجابت‌کنندگان را هلاک می‌کند. سریع از بین می‌رود و بلاها را به دیگران منتقل می‌کند.

﴿الدُّنْيَا الْخَدُوعَةُ﴾

﴿٧٧٦﴾ يَا مُوسَى... لَا تَغُرَّنِكَ زِينَةُ الدُّنْيَا وَزَهْرَتُهَا؛ الْكَافَى، ج ٨، ص ٤٧

﴿٧٧٧﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا وَإِنْ أَمْنَعْتَ بِيَهْجَتِهَا وَغَرَّتْ بِزُجْرِجِهَا فَإِنَّ آخِرَهَا لَا يَعْدُو أَنْ يَكُونَ كَأَخِرِ الرَّبِيعِ الَّذِي يَرُوقُ بِخُضْرَتِهِ ثُمَّ يَهْيِجُ عِنْدَ انْتِهَائِهِ مُدَّتِهِ وَعَلَى مَنْ نَصَحَ لِنَفْسِهِ وَعَرَفَ حَقَّ مَا عَلَيْهِ وَلَهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهَا نَظَرَ مَنْ عَقَلَ عَنْ رَبِّهِ جَلَّ وَعَلَا وَحَذَرَ سُوءَ مُنْقَلَبِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٧، ص ١٨٨

﴿٧٧٨﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): إِنَّ الدُّنْيَا وَهْنٌ مُطْلَبُهَا رَنَقٌ مُشْرِبُهَا رَدَغٌ مُشْرِعُهَا غُرُورٌ مَاحِلٌ وَسَمٌ قَاتِلٌ وَسِنَادٌ مَائِلٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١١٦

﴿٧٧٩﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): فَإِنَّ الدُّنْيَا لَا يَدُومُ نَعِيمُهَا وَلَا تَوْمَنُ فِجَائِعُهَا غُرُورٌ حَائِلٌ وَشَيْخٌ فَائِلٌ وَسِنَادٌ مَائِلٌ وَنَعِيمٌ زَائِلٌ وَجِدٌ عَاطِلٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦٥
٢-٨-١- دارُ غُرُورٍ

﴿٧٨٠﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): يَا بُنَيَّةُ إِنَّ الدُّنْيَا فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَفِي حَرَامِهَا عِقَابٌ... يَا بُنَيَّةُ الدُّنْيَا دَارُ غُرُورٍ وَدَارُ هَوَانٍ فَمَنْ قَدَّمَ شَيْئًا وَجَدَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٤٢، ص ٢٧٥
﴿٧٨١﴾ الرَّسُولُ (ﷺ): وَمَنْ يَخْلُلْ عَلَيْهِ غَضَبُ مَنْ رَبِّهِ فَقَدْ هَوَى وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْغُرُورُ؛ الْأُمَالِي لِلصَّدُوقِ، ص ٢١٦

﴿٧٨٢﴾ السَّجَّادُ (عليه السلام): فَاحْذَرُوا زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَغُرُورَهَا وَشُرُورَهَا وَتَذَكَّرُوا ضَرَرَ عَاقِبَةِ الْمَيْلِ إِلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٢٨
﴿٧٨٣﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا حُلُوءَةٌ خَصِرَةٌ حَفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ وَرَاقَتْ بِالْقَلِيلِ وَتَحَبَّبَتْ بِالْعَاجِلَةِ وَعُمِّرَتْ بِالْأَمَالِ وَتَزَيَّنَتْ بِالْغُرُورِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١١٢
٣-٨-١- دارُ غُرَّارَةٍ

﴿٧٨٤﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكُمْ سَيَّارَةٌ قَدْ حَدَا بِكُمْ الْهَادِي وَحَدَا لِخَرَابِ الدُّنْيَا حَدَايَ وَنَادَاكُمْ لِلْمَوْتِ مُنَادِي فَلَا تَغُرَّنَكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا دَارُ غُرَّارَةٍ... وَفَارَقَ الدُّنْيَا مَسْلُوبًا لَا يَمْلِكُونَ لَهُ نَفْعًا وَلَا لِمَا حَلَّ بِهِ دَفْعًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٧٥

٤-٨-١- الغرَّارَةُ

«دنیای حيله گر»

﴿۷۷۶﴾ ای موسی! مبدا که آرایش دنیا تو را فریب دهد.

﴿۷۷۷﴾ دنیا گرچه زیبا و فریب دهنده است؛ ولی عاقبت مانند بهارِ سرسبز و خرم است که به پاییز می‌گراید و زود خشک می‌شود. کسی که خیرخواه خود باشد و حلال و حرام را تشخیص دهد، باید از روی بینایی و عقل خداداد دقت کند و از گرفتاری عاقبت برحذر باشد.

﴿۷۷۸﴾ طلب دنیا وهن و نوشیدن از آن کدر است و رودخانه‌اش گل و لای فراوان به همراه دارد؛ فریبی است که با سخن‌چینی نیرنگ می‌زند و سمی کشنده دارد و معیوبی است که متمایل به فروافتادن است.

﴿۷۷۹﴾ نعمت دنیا دوامی ندارد و ضمانتی در مقابل فجایع و دشواری‌هایش نیست. فریبی است که از واقعیت بازمی‌دارد و سایه‌ای ضعیف و تکیه‌گاهی کج شده و نعمتی فناپذیر و گروهی بیپه‌ده‌گرا است.

۲-۸-۱- خانه‌ی فریب

﴿۷۸۰﴾ به اُمّ کلثوم فرمود: ... دختر عزیزم! در حلال دنیا حساب و در حرامش مجازات و عقاب است... دختر عزیزم! دنیا خانه‌ی غرور و پستی است، پس هرکس چیزی را که از پیش فرستد، آن را می‌یابد.

﴿۷۸۱﴾ آنکه مغضوب پروردگارش شود، [سقوط کرده] و به هلاکت افتاده است و این زندگی دنیوی جز لذتی دروغین نیست.

﴿۷۸۲﴾ پس از خوشی‌های نقد دنیا و فریب و آسایش برحذر باشید و هوشیار! و سرانجام زیانبار میل به دنیا را به خاطر بیاورید.

﴿۷۸۳﴾ من شما را از دنیا می‌ترسانم! زیرا در کام، شیرین و در دیده‌ی انسان، سبز و رنگارنگ است. در شهوات پوشیده شده و با نعمت‌های زودگذر دوستی می‌ورزد؛ در لباس آرزوها خود را نشان می‌دهد و با زینت غرور، خود را می‌آراید.

۳-۸-۱- سرایی فریب‌دهنده

﴿۷۸۴﴾ ای مردم؛ شما روندگانی هستید که راهنما شما را صدا می‌زند و فریادکننده‌ای شما را برای ویرانی دنیا فریاد می‌زند! و صدازنده‌ای شما را برای مرگ صدا می‌زند. پس برحذر باشید که زندگی دنیا شما را فریب ندهد! به خدا آگاه باش که دنیا سرایی فریب دهنده و مکار است... [دنیا دوست] از دنیای تاراج‌شده جدا می‌شود؛ نه سود و نه زیانی را مالک است و نه توان دفع بلایی را دارد که بر او وارد می‌شود.

۴-۸-۱- بسیار فریبنده

«دنیای حيله گر»

«۷۸۵» پس فریب دنیا را نخورید که اهل خود را بسیار می‌فریبد و کسی که به آن دل ببندد، شیفته و فریفته است، پایان آن نیستی و فناست.

«۷۸۶» به‌درستی که دنیا فریب‌دهنده و حيله گر است، می‌بخشد و باز پس می‌گیرد، می‌پوشاند و درمی‌آورد، آرامش آن ماندگار نیست و دردهای آن پایان ندارد و بلاهای آن آرام نمی‌گیرد.

«۷۸۷» ای خاندان عبدالمطلب! دنیا برای شما نیست و در مقابل آن آخرت را برای شما مهیا کرده‌اند و وعده‌گاه شما بهشت است، دنیا را برای چه می‌خواهید درحالی که از بین رفتنی و بسیار فریبنده است.

«۷۸۸» مبدا فریب دنیا را بخورید. زیرا دنیا بسیار فریبنده است. هرکس فریفته‌ی او شود، زیانکار و دوران آن رو به زوال است.

«۷۸۹» دنیا ... بسیار فریبنده، زیان‌رساننده، زوال‌یابنده، پایان‌پذیر، شکمبار و مرگبار است.

«۷۹۰» امام علی (علیه السلام) برای عمروبن‌عاص نوشت: از بنده‌ی خدا علی امیرمؤمنان به عمروبن‌عاص: اما بعد آنچه که از دنیا دیده‌ای تو را شیفته کرده است و به آنچه که از دنیا به آن اطمینان کرده‌ای بر تو دگرگون خواهد شد، پس به دنیا اطمینان نکن که آن بسیار فریبنده است.

۵-۶-۱- زنی غرق در زیورآلات

«۷۹۱» [در شب معراج] زنی از روبروی من آمد که دست‌هایش تا آرنج عریان بود و از همه‌ی زینت‌های دنیا به خود آویخته بود و گفت: «ای محمد! به من نگاه کن تا با تو صحبت کنم». اما توجهی به او نکردم و به راه خود ادامه دادم تا اینکه صدایی شنیدم که مرا ترساند. جلوتر رفتم. جبرئیل نزد من آمد... پرسید: «آیا با او صحبت کردی؟» «گفتم: نه، هیچ سخنی نگفتم و توجهی به او ننمودم». گفت: «آن دنیا بود، اگر با او صحبت می‌کردی، اَمّت تو دنیا را بر آخرت ترجیح می‌داد».

۶-۶-۱- فریب‌دهنده

«۷۹۲» به‌درستی که دنیا مانند غولی است که اطاعت‌کنندگان خود را فریب می‌دهد و اجابت‌کنندگان را هلاک می‌کند. سریع از بین می‌رود و بلاها را به دیگران منتقل می‌کند.

۷-۶-۱- فریب‌دهنده

«۷۹۳» من شما را از دنیا بر حذر می‌دارم؛ زیرا ... بسیار فریبنده، زیان‌رساننده، زوال‌یابنده، پایان‌پذیر، شکمبار و مرگبار است.

۹-۶-۱- کشتزار ابلیس و دام شیطان

﴿الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ﴾

١-٩-١-١- مَزْرَعَةُ إِبْلِيسَ

﴿٧٩٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ إِبْلِيسَ وَأَهْلِهَا أَكْرَهُ حَرَاثُونَ لَهُ فِيهَا؛ شرح نهج البلاغة.

ج ٢٠، ص ٣٢٥

١-٩-٢- شَبَكَةُ الشَّيْطَانِ

﴿٧٩٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اخْذِرِ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا شَبَكَةُ الشَّيْطَانِ وَمَقْسَدَةُ الْإِيمَانِ؛ غرر الحكم.

ص ١٣٨

﴿٧٩٦﴾ الرسول ﷺ: إِذَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ تَعَالَى اغْتَزَلَ الشَّيْطَانُ وَالدُّنْيَا عَنْهُمْ فَيَقُولُ الشَّيْطَانُ لِلدُّنْيَا أَلَا تَرَيْنَ مَا يَصْنَعُونَ فَتَقُولُ الدُّنْيَا دَعَهُمْ فَلَوْ قَدْ تَفَرَّقُوا أَخَذْتُ بِأَغْنَائِهِمْ؛

بحار الأنوار، ج ٧١، ص ١٨٩

١-٧- الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ

١-٧-١- الْحَقَارَةُ

﴿٧٩٧﴾ يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ؛ (غافر / ٣٩)

﴿٧٩٨﴾ الصادق عليه السلام: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي: مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا قَدْرًا؟ فَقَالَ: مَنْ لَمْ تَجْعَلِ الدُّنْيَا

لِنَفْسِهِ فِي نَفْسِهِ خَطَرًا؛ الحكايات، ص ٩٧

﴿٧٩٩﴾ الرسول ﷺ: مَا أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِي غَنِيٌّ وَلَا فَقِيرٌ إِلَّا وَهُوَ يَوَدُّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَّهُ لَمْ يُؤْتَ مِنَ

الدُّنْيَا إِلَّا قَوْقًا [قُوتًا]؛ الجعفریات، ص ١٥٥

﴿٨٠٠﴾ الرسول ﷺ: أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَأَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَبَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَ

تَفَرَّغَ لَهَا فَهُوَ لَا يُبَالِي عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى عُسْرٍ أَمْ عَلَى يُسْرٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ٨٣

﴿٨٠١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا عِنْدَ اللَّهِ مَحْمُودًا لَأَخْتَصَّ بِهَا أَوْلِيَاءَهُ لَكِنَّهُ صَرَفَ

قُلُوبَهُمْ عَنْهَا وَمَحَا عَنْهُمْ مِنْهَا الْمَطَامِعَ؛ غرر الحكم، ص ١٤٣

﴿٨٠٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَسِيرُ الدُّنْيَا خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِهَا وَبُلْغَتُهَا أَجْدَرُ مِنْ هَلَكَتِهَا؛ غرر الحكم.

ص ٣٦٦

﴿٨٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُلُّ مُؤْنِ الدُّنْيَا خَفِيفَةٌ عَلَى الْقَانِعِ وَالْعَفِيفِ؛ غرر الحكم، ص ٣٩٣

﴿دنیای بی ارزش﴾

۱-۹-۱- کشتزار ابلیس

﴿۷۹۴﴾ دنیا محلّ کشت ابلیس است و اهل آن، کشاورزان آن هستند که در آن برای شیطان کشت می کنند.

۱-۹-۲- دام شیطان

﴿۷۹۵﴾ از دنیا برحذر باش! پس به درستی که آن دام شیطان و جایگاه فساد ایمان است.
﴿۷۹۶﴾ هنگامی که مردم گرد هم می آیند و ذکر خدای متعال را می گویند، شیطان و دنیا از آن ها کناره می گیرند، و شیطان به دنیا می گوید: «نمی بینی چه کار می کنند؟! دنیا می گوید: «آن ها را رها کن، زمانی که از هم جدا شدند، گردنشان را می گیرم».

۱-۷- دنیای بی ارزش

۱-۷-۱- خوار و ناچیزبودن

﴿۷۹۷﴾ ای قوم من! این زندگی دنیا، تنها متاع زودگذری است و آخرت سرای همیشگی است!

﴿۷۹۸﴾ از امام صادق (علیه السلام) روایت است که فرمود: «مردی به پدرم گفت: «با عظمت ترین مردم در دنیا از نظر قدر و منزلت چه کسی است؟» پدرم فرمود: «کسی که دنیا برای او در درونش مهم نباشد».

﴿۷۹۹﴾ همه ی افراد امت من چه فقیر و چه غنی روز قیامت آرزو می کنند که ای کاش در دنیا جز به قدر خورد و خوراکشان به آن ها داده نمی شد.

﴿۸۰۰﴾ بافضیلت ترین مردم آن کسی است که شیدا و دلباخته ی عبادت باشد و با آن ملازم گردد، و از دل و جان شیفته ی عبادت باشد و با فکر فارغ، جسم خود را از انجام آن باز ندارد. چنین شخصی نسبت به زندگی دشوار یا آسان بی تفاوت است.

﴿۸۰۱﴾ اگر دنیا نزد خداوند قابل ستایش بود، هر آینه دوستان خود را به آن اختصاص می داد؛ ولی خداوند دنیا را از قلب های دوستانش برگرداند و طمع آنان به دنیا را از قلب هایشان محو کرد.
﴿۸۰۲﴾ اندک دنیا بهتر از بسیار آن است، و قدری از آن که می توان به آن اکتفا کرد، سزاوارتر از قدری است که باعث هلاکت شود.

﴿۸۰۳﴾ همه ی مؤونه های دنیا در نزد فرد قانع و عقیف، اندک است.

﴿الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ﴾

﴿٨٠٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَلَا فَمَا يَصْنَعُ بِالْدُّنْيَا مَنْ خُلِقَ لِلْآخِرَةِ وَ مَا يَصْنَعُ بِالْمَالِ مَنْ عَمَّا قَلِيلٍ يَسْلُبُهُ وَ يَبْقَى عَلَيْهِ تَبِعَتُهُ وَ حَسَابُهُ عِبَادَ اللَّهِ إِنَّهُ لَيْسَ لِمَا وَعَدَ اللَّهُ مِنَ الْخَيْرِ مَتْرُكٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٤٣١

﴿٨٠٥﴾ يَا دَاوُدُ... مَا لِأَوْلِيَائِي وَ أَلْهَمَ بِالْدُّنْيَا إِنَّ أَلْهَمَ يَذْهَبُ حَلَاوَةً مُنَاجَاتِي مِنْ قُلُوبِهِمْ يَا دَاوُدُ إِنَّ مَحَبَّتِي مِنْ أَوْلِيَائِي أَنْ يَكُونُوا رُوحَانِيْنَ لَا يَغْتَمُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٩، ص ١٤٣

﴿٨٠٦﴾ الرسول عليه السلام: لَقَتْلُ الْمُؤْمِنِ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ زَوَالِ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٨، ص ٢٠٧

﴿٨٠٧﴾ الرسول عليه السلام: زَوَالُ الدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ إِرَاقَةِ دَمٍ مُسْلِمٍ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ٨٥

﴿٨٠٨﴾ الرسول عليه السلام: لَزَوَالِ الدُّنْيَا أَيْسَرُ عَلَى اللَّهِ مِنْ قَتْلِ الْمُؤْمِنِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٨، ص ٢٠٩

١-٧-١-١- لَيْسَتْ بِأَهْلٍ كَرَامَةٍ

﴿٨٠٩﴾ الرسول عليه السلام: تَهَاوَنُوا بِالْدُّنْيَا تَهْنُ عَلَيْكُمْ وَ أَهْنُوها تُكْرَمُ الْآخِرَةُ إِلَيْكُمْ وَ لَا تُكْرِمُوا الدُّنْيَا فَتَهْنُوا الْآخِرَةُ عَلَيْكُمْ فَلَيْسَتْ الدُّنْيَا بِأَهْلٍ كَرَامَةٍ؛ أعلام الدين، ص ٢٧٩

١-٧-١-٢- الْحَقِيرُ

﴿٨١٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خَطَرُ الدُّنْيَا يَسِيرٌ وَ حَاصِلُهَا حَقِيرٌ وَ بَهْجَتُهَا زُورٌ وَ مَوَاهِبُهَا غُرُورٌ؛ غرر الحكم، ص ١٢٨

﴿٨١١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تُنَافِسْ فِي مَوَاهِبِ الدُّنْيَا فَإِنَّ مَوَاهِبَهَا حَقِيرَةٌ؛ غرر الحكم، ص ١٤٣

﴿٨١٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا أَصْغَرُ وَ أَحَقَرُ وَ أَنْزَرُ مِنْ أَنْ تُطَاعَ فِيهَا الْأَحْقَادُ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

١-٧-١-٣- خَرْدَلَةٌ

﴿٨١٣﴾ العسكري عليه السلام: فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اقْتَرَحُوا لِأَوْلِيَائِكُمْ هَؤُلَاءِ مَا تُغْنُونَهُمْ بِهِ فَنَقْتَرِحْ لَهُمْ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا يَكُونُ قَدْرُ الدُّنْيَا كُلِّهَا فِيهِ كَقَدْرِ خَرْدَلَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فَيُعْطِيهِمُ اللَّهُ تَعَالَى إِيَّاهُ وَ يُضَاعِفُهُ لَهُمْ أَضْعَافاً مُضَاعَفَاتٍ؛ بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٣٩٠

١-٧-١-٤- صَابَةُ الْإِنَاءِ

﴿٨١٤﴾ الحسين عليه السلام: إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ تَغَيَّرَتْ وَ تَنَكَّرَتْ وَ آذْبَرَ مَعْرُوفُهَا فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صَابَةُ كَصَابَةِ الْإِنَاءِ وَ خَسِيسُ عَيْشٍ كَالْمَرْغَى الْوَبِيلِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١٦

﴿٣١٦﴾

«دنیای بی ارزش»

«۸۰۴» آگاه باشید با دنیا چه می کند کسی که برای آخرت آفریده شده است و با اموال دنیا چه کار دارد آن که به زودی همه ی اموال او را مرگ می رباید و تنها کیفر حسابرسی آن بر عهده ی انسان باقی خواهد ماند. بندگان خدا! خیری را که خدا وعده داده، رهاکردنی نیست.

«۸۰۵» به دوستان من چه شده که در گرفتاری های دنیا اندوهگین می شوند؟ که اندوه شیرینی مناجات مرا از دل هایشان می برد. ای داوود! محبت من از آن دوستانی است که روحانی باشند و اندوه دنیا را نداشته باشند.

«۸۰۶» کشتن مؤمن نزد خدای متعال بزرگتر از زوال کل دنیا است.

«۸۰۷» نابودی و زوال دنیا در نزد خداوند کم ارزش تر از ریختن خون مسلمان است.

«۸۰۸» زوال و نابودی دنیا نزد خداوند، آسان تر از کشته شدن مؤمن است.

۱-۷-۱-۱- شایسته ی گرامی داشتن نیست

«۸۰۹» دنیا را آسان بگیرید تا بر شما آسان بگیرد، آن را پست در نظر بگیرید تا آخرت برای شما بلندمرتبه گردد؛ و آن را گرامی ندارید که آخرت در چشمتان پست می گردد. دنیا شایسته ی گرامی داشتن نیست.

۱-۷-۱-۲- ناچیز

«۸۱۰» ارزش دنیا اندک و ثمره ی آن ناچیز و شادمانی آن دروغین و بخشش های آن فریب است.

«۸۱۱» در بخشش های دنیا رقابت نکن، پس به درستی که بخشش های آن کوچک است.

«۸۱۲» دنیا کوچک تر و خوارتر و بی ارزش تر از آن است که به خاطر آن از کینه ها پیروی شود.

۱-۷-۱-۳- دانه ی خردل

«۸۱۳» خداوند کریم در روز قیامت به ما می فرماید: «اینک برای این دوستان خود هرچه مایلید درخواست کنید که بی نیاز شوند». ما برای آن ها از خدا چیزهایی را درخواست می کنیم که ارزش دنیا در مقابل ارزش آن ها به اندازه یک دانه ی خردل در مقابل آسمان ها و زمین است. خداوند به آن ها عطا می کند و چندین برابر به ایشان می دهد.

۱-۷-۱-۴- رطوبت ظرف

«۸۱۴» به راستی که این دنیا دگرگون گشته و تغییر قیافه داده و خوبی هایش رو به زوال است و جز رطوبتی که بر ته کاسه نشیند و جز یک زندگی پست و کم ارزش مانند چراگاهی که جز گیاه زیان بخش و بیمارکننده در آن چیز دیگری نمی روید، از آن باقی نمانده است.

﴿الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ﴾

١-٥-١-٧- الحُطَامُ

﴿٨١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَتَاعُ الدُّنْيَا حُطَامٌ مُوبِئٌ فَتَجَنَّبُوا مَرَعَاهُ قَلَعَتْهَا أَحْظَى مِنْ طُمَأْنِينَتِهَا وَبُلْغَتْهَا أَرْكَى مِنْ ثَرَوَتِهَا... وَإِنَّمَا يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الدُّنْيَا بِعَيْنِ الْإِعْتِبَارِ وَيَقْتَاتُ مِنْهَا بَبْطُنِ الْإِضْطِرَارِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣١

﴿٨١٦﴾ الصادق عليه السلام: وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ الْعَالَمُ الْمُتَّبَعِيُّ بِعِلْمِهِ حُطَامُ الدُّنْيَا؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٢١

﴿٨١٧﴾ الرسول ﷺ: قُلْتُ فَمَا تَفْسِيرُ الزُّهْدِ؟ قَالَ: يُحِبُّ مَنْ يُحِبُّ خَالِقَهُ وَيُبْغِضُ مَنْ يُبْغِضُ خَالِقَهُ وَيَتَحَرَّجُ مِنْ حَلَالِ الدُّنْيَا وَلَا يَلْتَفِتُ إِلَى حَرَامِهَا فَإِنَّ حَلَالَهَا حِسَابٌ وَحَرَامِهَا عِقَابٌ... وَ يَتَحَرَّجُ عَنْ حُطَامِ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا كَمَا يَتَجَنَّبُ النَّارَ أَنْ يَغْشَاهَا؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ١٩٥

١-٦-١-٧- جَنَاحُ بَعُوضَةٍ

﴿٨١٨﴾ الرسول ﷺ: وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ الدُّنْيَا كَانَتْ تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ مَا سَقَى الْفَاجِرَ مِنْهَا شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٥٥

﴿٨١٩﴾ الصادق عليه السلام: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ فِي الْأَرْضِ فِي أَطْرَافِهَا مُؤْمِنِينَ مَا قَدَّرَ الدُّنْيَا كُلُّهَا عِنْدَهُمْ تَعْدِلُ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ وَلَوْ أَنَّ الدُّنْيَا بِجَمِيعِ مَا فِيهَا وَعَلَيْهَا ذَهَبَةٌ حُمْرَاءُ عَلَى عُنُقِ أَحَدِهِمْ ثُمَّ سَقَطَ عَنْ عُنُقِهِ مَا شَعَرَ بِهَا أَيْ شَيْءٍ كَانَ عَلَى عُنُقِهِ وَلَا أَيْ شَيْءٍ سَقَطَ مِنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ٣٥٠

١-٧-١-٧- لُقْمَةٌ

﴿٨٢٠﴾ بَعْضُ أَهْلِ الْبَيْتِ عليهم السلام: لَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا بِأَجْمَعِهَا لُقْمَةً فِي فَمِ طِفْلِ لَرَحِمْنَاهُ؛

مصباح الشريعة، ص ١٣٧

﴿٨٢١﴾ الرسول ﷺ: لَوْ أَنَّ الدُّنْيَا كُلُّهَا لُقْمَةٌ وَاحِدَةٌ فَآكَلَهَا الْعَبْدُ الْمُسْلِمُ ثُمَّ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ لَكَانَ قَوْلُهُ ذَلِكَ خَيْرًا لَهُ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٢١٦

١-٨-١-٧- وَرَقَةٌ فِي فَمِ جَرَادَةٍ

﴿٨٢٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لَأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمِ جَرَادَةٍ تَقْضِمُهَا مَا لِعَلَى وَ نَعِيمٍ يَفْنَى وَلَذَّةٍ لَا تَبْقَى نَعُودُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ الْعَقْلِ وَقُبْحِ الزَّلَلِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ؛ بحار الأنوار، ج ٤١، ص ١٦٢

«دنیای بی ارزش»

۵-۱-۷-۱- مال بی ارزش

«۸۱۵» ای مردم، کالای دنیا هیز می و بادار است. پس از چراگاه آن دوری کنید که دل کندن از آن سودمندتر از دل بستن به آن است و بهره‌ی کم از آن پاک‌تر از مال بسیار است... فقط بنده‌ی مؤمن است که با دیده‌ی عبرت به دنیا می‌نگرد و از آن به میزان ضرورت غذا می‌خورد. «۸۱۶» عالمی که با علمش در طلب مال بی‌ارزش دنیا باشد عذابی دردناک در پیش خواهد داشت.

«۸۱۷» پیامبر ﷺ فرمود: به جبرئیل گفتم: «معنای زهد و پارسایی چیست؟» گفت: «پارسایی این است که هرکس را که خالقش او را دوست دارد، دوست بدارد و هرکس را که خدایش او را دشمن می‌دارد، دشمن دارد؛ از حلال دنیا دوری کند و توجه به حرام دنیا نکند، زیرا حلالش حساب دارد و حرامش عقاب و مجازات... و از مال بی‌ارزش دنیا و آراستگی‌های آن دوری کند، آن چنان که از آتش دوری می‌کند که مبدا آتش او را فرا گیرد».

۶-۱-۷-۱- بال پشه

«۸۱۸» قسم به آن که جان محمد در دست اوست، اگر دنیا در نزد خداوند به اندازه‌ی بال پشه‌ای باشد، شخص گناهکار به قدر قطره‌ی آبی از آن سهم نمی‌برد و نمی‌نوشد. «۸۱۹» سوگند به آنکه جانم به دست اوست، در اطراف زمین مؤمنانی وجود دارند که با وجود آن‌ها همه‌ی دنیا ارزش بال پشه‌ای را ندارد؛ و اگر دنیا با همه‌ی آنچه در آن است و بر آن است، طلای سرخ باشد و گردن‌بند یکی از آن‌ها باشد و از گردنش بیفتد، او توجه نمی‌کند که چه بر گردن داشته و چه چیزی از گردنش افتاده، از بس که [دنیا و ارزش‌های آن] نزد او خوار است.

۷-۱-۷-۱- یک لقمه

«۸۲۰» اگر تمام دنیا لقمه‌ی کوچک کودکانه و لذیذ باشد، ما اهل بیت آن را نمی‌خوریم و به دور می‌افکنیم.

«۸۲۱» اگر تمام دنیا یک لقمه باشد و آن را بنده‌ی مؤمن بخورد و سپس الحمد لله گوید، این سخن او از دنیا و هر آنچه در آن است، بهتر خواهد بود.

۸-۱-۷-۱- برگی در دهان ملخ

«۸۲۲» به راستی که دنیای شما نزد من از برگی در دم ملخی که آن را می‌جود، خوارتر است. علی را با نعمت نابودشدنی و لذت ناپایدار چه کار؟! از بی‌هوشی خرد و زشتی لغزش به خدا پناه می‌بریم و از او یاری می‌جوییم.

﴿الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ﴾

٩-٧-١- بَيَّتُ الْعُنْكَبُوتُ

﴿٨٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا فَنَاءٌ لَيْسَ لِلدُّنْيَا ثُبُوتٌ، إِنَّمَا الدُّنْيَا كَيْتٌ نَسَجَتْهُ الْعُنْكَبُوتُ؛ ديوان الإمام علي عليه السلام، ص ١١٦
١٠-٧-١- النُّطْفَةُ

﴿٨٢٤﴾ يَا مُوسَى... الدُّنْيَا نُطْفَةٌ لَيْسَتْ بِثَوَابٍ لِلْمُؤْمِنِ وَلَا نِقْمَةٍ مِنْ فَاجِرٍ؛ الكافي، ج ٨، ص ٤٧
١١-٧-١- المَيْتَةُ وَالْجَيْفَةُ

﴿٨٢٥﴾ الصادق عليه السلام: مَا أَنْزَلْتُ الدُّنْيَا مِنْ نَفْسِي إِلَّا بِمَنْزِلَةِ الْمَيْتَةِ إِذَا اضْطَرَّتْ إِلَيْهَا أَكَلَتْ مِنْهَا؛ وسائل الشيعة، ج ٢٤، ص ١٠٣

﴿٨٢٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَهَؤُلَاءِ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ وَأَصْفِيَائُهُ... الزَمُوا أَنْفُسَهُمُ الصَّبْرَ وَأَنْزِلُوا الدُّنْيَا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَالْمَيْتَةِ الَّتِي لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَشْبَعَ مِنْهَا إِلَّا فِي حَالِ الضَّرُورَةِ إِلَيْهَا وَآكَلُوا مِنْهَا بِقَدَرِ مَا أَبْقَى لَهُمُ النَّفْسَ وَأَمْسَكَ الرُّوحَ وَجَعَلُوهَا بِمَنْزِلَةِ الْجَيْفَةِ الَّتِي اشْتَدَّ تَنَنُّهَا فَكُلُّ مَنْ مَرَّ بِهَا أَمْسَكَ عَلَى فِيهِ فَهُمْ يَتَبَلَّغُونَ بِأَذَى الْبَلَاغِ وَلَا يَنْتَهُونَ إِلَى الشَّيْءِ مِنَ النَّتَنِ وَتَتَعَجَّبُونَ مِنَ الْمُتَمَلِّئِ مِنْهَا شَبَعًا وَالرَّاضِيَ بِهَا نَصِيبًا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥٣

﴿٨٢٧﴾ المجتبی عليه السلام: فَأَنْزَلَ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ الْمَيْتَةِ خَذَ مِنْهَا مَا يَبْقَى فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ حَلَالًا كُنْتُ قَدْ زَهَدْتُ فِيهَا وَإِنْ كَانَ حَرَامًا لَمْ يَكُنْ فِيهِ وَزُرٌّ فَأَخَذْتُ كَمَا أَخَذْتُ مِنَ الْمَيْتَةِ وَإِنْ كَانَ الْعِتَابُ فَإِنَّ الْعِتَابَ يَسِيرُ وَاعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥١

﴿٨٢٨﴾ العسكري عليه السلام: قَالَ بَلَوْهُرُ: فَمَثَلُ الْجَيْفَةِ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَمَثَلُ صُنُوفِ الْكِلَابِ ضُرُوبُ الرِّجَالِ الَّذِينَ يَقْتَتِلُونَ عَلَى الدُّنْيَا وَيُهْرَقُونَ دِمَاءَهُمْ وَيُنْفَقُونَ لَهَا أَمْوَالَهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٠٣

﴿٨٢٩﴾ الرسول ﷺ: فَرُؤَا مِنْ فَضُولِ الدُّنْيَا كَمَا تَفْرُونَ مِنَ الْحَرَامِ وَهَوُّوا عَلَى أَنْفُسِكُمُ الدُّنْيَا كَمَا تَهَوُّونَ الْجَيْفَةَ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ مِنْ فَضُولِ الدُّنْيَا وَسَيِّئَاتِ أَعْمَالِكُمْ تَنْجُوا مِنْ شِدَّةِ الْعَذَابِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥٣

﴿٨٣٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا جَيْفَةٌ وَالْمُتَوَاخُونَ [الْمُؤَاخُونَ] عَلَيْهَا أَشْبَاهُ الْكِلَابِ فَلَا تَمْنَعُهُمْ أَخَوَتُهُمْ لَهَا مِنَ التَّهَارُشِ [التَّهَاوُشِ] عَلَيْهَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٧

«دنیای بی ارزش»

۹-۱-۷-۱- خانه‌ی عنکبوت

«۸۲۳» دنیا فانی است و برایش ثبوتی نیست. دنیا مانند خانه‌ای است که عنکبوت آن را بافته است.

۱۰-۱-۷-۱- نطفه

«۸۲۴» ای موسی! ارزش دنیا معادل نطفه‌ای که نه شایسته‌ی پاداش مؤمن است و نه کیفر خطاکاران.

۱۱-۱-۷-۱- مردار

«۸۲۵» ارزش و منزلت دنیا نزد من مانند چیزی جز مردار نیست و فقط در صورت اضطرار از آن می‌خورم.

«۸۲۶» این‌ها همان انبیا و برگزیدگان خدا هستند که... خود را ملزم به صبر کردند و دنیا را نسبت به خود به منزله‌ی مرداری در نظر گرفتند که برای کسی حلال و جایز نیست از آن سیر بخورد جز در حال اضطرار به آن؛ و از آن به قدری که تنفسشان باقی بماند و زنده بمانند، خوردند و دنیا را به منزله‌ی لاشه‌ای انگاشتند که بوی گند آن شدت گرفته و هرکس از کنار آن عبور می‌کند، دهان خود را از آن می‌گیرد؛ پس آنان به کمترین حدّ ممکن اکتفا می‌کنند و به خاطر بوی بد آن، از آن سیر نمی‌شوند و از کسی که از آن سیر خورده و از حیث نصیب و بهره به آن راضی گشت، تعجب می‌کنند.

«۸۲۷» دنیا را مانند مرداری فرض کن و به قدر کفایت از آن بهره ببر، اگر این مقدار که گرفتی حلال باشد از زهد دنیا محسوب خواهی شد، و اگر حرام باشد مسئولیتی نداری، زیرا گویا از میته به قدر احتیاج استفاده نموده‌ای. و اگر عتاب در کار باشد سهل و آسان است. برای دنیا به نحوی کار کن که گویا دائماً می‌خواهی در دنیا بمانی ولی برای عالم آخرت به نحوی کار کن که گویا فردا خواهی مرد.

«۸۲۸» بلوهر گفت: «مثل آن مردار مَثَل متاع دنیاست و آن سگ‌های رنگارنگ مثل انواع اهل دنیاست که برای دنیا با یکدیگر نزاع می‌کنند و خون یکدیگر را می‌ریزند و اموال خود را برای تحصیل اعتبارات آن صرف می‌کنند.

«۸۲۹» از زیاده‌ی دنیا (امور مباح که ضرورتی به آن‌ها نیست) همان‌گونه که از حرام‌های دنیا فرار می‌کنید، فرار کنید. و دنیا را در نظر خود مانند لاشه‌ی پست و بی‌ارزش، پست کنید. و از فضولات دنیا و اعمال بد خود به‌سوی خدا توبه کنید تا از شدت عذاب نجات یابید.

«۸۳۰» دنیا چون لاشه‌ای است که افرادی مانند سگان بر آن حمله می‌کنند و قصد آن می‌کنند اما به خاطر رابطه‌ی [برادری] که باهم دارند، نمی‌توانند بر یکدیگر پارس کنند [لذا باهم کنار می‌آیند و همه بر آن لاشه حمله می‌کنند].

﴿الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ﴾

﴿٨٣١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَالدُّنْيَا مُتَهَجِّمَةٌ فِي وُجُوهِ أَهْلِهَا مُكْفَهَرَةٌ مُدْبِرَةٌ غَيْرُ مُقْبِلَةٍ تَمَرَّتْهَا الْفِتْنَةُ وَطَعَامُهَا الْجِيفَةُ؛ الكافي، ج ١، ص ٦٠

﴿٨٣٢﴾ الرسول ﷺ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالسُّوقِ وَأَقْبَلَ يُرِيدُ الْعَالِيَةَ وَالنَّاسُ يَكْتَنِفُهُ فَمَرَّ بِجَدْيٍ أَسَكَ عَلَى مَرْبَلَةٍ مُلْقَى وَهُوَ مَيِّتٌ فَأَخَذَ بِأُذُنِهِ فَقَالَ أَيُّكُمْ يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ هَذَا لَهُ بِدَرَاهِمٍ قَالُوا مَا نَحِبُّ أَنَّهُ لَنَا بَشْيٌ وَمَا نَصْنَعُ بِهِ قَالَ أَفَتَحِبُّونَ أَنَّهُ لَكُمْ قَالُوا لَا حَتَّى قَالَ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَقَالُوا وَاللَّهِ لَوْ كَانَ حَيًّا كَانَ عَيِّبًا فَكَيْفَ وَهُوَ مَيِّتٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ أَهْوَنُ مِنْ هَذَا عَلَيْكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ١٦، ص ٢٨٢

﴿٨٣٣﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ مَرَّ عَلَى سَخْلَةٍ مُنْبُوذَةٍ عَلَى ظَهْرِ الطَّرِيقِ فَقَالَ آ تَرَوْنَ هَذِهِ هَيْئَةً عَلَى أَهْلِهَا فَوَاللَّهِ الدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَذِهِ عَلَى أَهْلِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٢٢

﴿٨٣٤﴾ الرسول ﷺ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِجَدْيٍ أَسَكَ مُلْقَى عَلَى مَرْبَلَةٍ مَيِّتًا فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ كَمْ يُسَاوِي هَذَا فَقَالُوا لَعَلَّهُ لَوْ كَانَ حَيًّا لَمْ يُسَاوِ دَرَاهِمًا فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لِلدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَذَا الْجَدْيِ عَلَى أَهْلِهِ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٢٩

١-٧-١-١٢- اللَّمَازَةُ

﴿٨٣٥﴾ الكاظم عليه السلام: وَانْظُرْ فِي تَصَرُّفِ الدَّهْرِ وَاحْوَالِهِ فَإِنَّ مَا هُوَ آتٍ مِنَ الدُّنْيَا كَمَا وَلَّى مِنْهَا فَاعْتَبِرْ بِهَا... قَالَ أَوْ لَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَازَةَ لِأَهْلِهَا يَعْنِي الدُّنْيَا... فَلَيْسَ لِنَفْسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٤٤

١-٧-١-١٣- الْهَشِيمُ

﴿٨٣٦﴾ السَّجَّاد عليه السلام: انْظُرُوا فِي الدُّنْيَا نَظَرَ الزَّاهِدِ الْمَفَارِقِ لَهَا فَإِنَّهَا تُزِيلُ الثَّوَابَ السَّائِكِينَ وَتَفْجَعُ الْمُتَرَفِّعَ الْأَمِينَ لَا يُرْجَى مِنْهَا مَا تَوَلَّى فَادَّبَرَ وَلَا يُدْرَى مَا هُوَ آتٍ مِنْهَا فَيَنْتَظِرُ وَصِلَ الْبَلَاءُ مِنْهَا بِالرَّخَاءِ وَالْبَقَاءُ مِنْهَا إِلَى فَنَاءٍ فَسُرُورُهَا مَشُوبٌ بِالْحُزَنِ وَالْبَقَاءُ فِيهَا إِلَى الضَّعْفِ وَالْوَهْنِ فَهِيَ كَرَوْضَةٍ اعْتَمَ مَرْعَاهَا وَأَعْجَبَتْ مَنْ يَرَاهَا عَذْبُ شَرِبُهَا طَيِّبُ تَرَبُّهَا تَمُجُّ غُرُوقُهَا الثَّرَى وَتَنْطَفُ فُرُوعُهَا النَّدَى حَتَّى إِذَا بَلَغَ الْعُشْبُ إِبَانَهُ وَاسْتَوَى بَنَانُهُ هَاجَتْ رِيحٌ تَحْتَ الْوَرَقِ وَتُفَرِّقُ مَا اتَّسَقَ فَاصْبَحَتْ كَمَا قَالَ اللَّهُ: هَشِيمًا تَذَرُوهُ الرِّيحُ؛ الكافي، ج ٨، ص ١٧

«دنیای بی ارزش»

﴿۸۳۱﴾ دنیا بر رخسار مردم عبوس و روی در هم کشیده بود، به آن‌ها پشت گردانیده و روی خوش نشان نمی‌داد، میوه‌ی دنیا آشوب و خوراکش مردار بود.

﴿۸۳۲﴾ [جابر رضی الله عنه گفت:] پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از بازار گذشت و به سمت بالای آن رفت و مردم گرد حضرت جمع بودند. از کنار مردار بزغاله‌ای که در زباله‌دان افتاده بود، گذشت، گوش آن را گرفت و فرمود: «کدام‌یک از شما دوست دارد که این را به یک درهم بخرد؟» مردم گفتند: «آن را به هیچ قیمتی نمی‌خواهیم. با آن مردار چه کار می‌توانیم بکنیم؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا دوست دارید که آن (مردار) مال شما باشد؟» گفتند: «خیر». و پیامبر صلی الله علیه و آله سه بار این سؤال را پرسید. مردم گفتند: «به خدا سوگند! اگر زنده بود، بی‌ارزش بود، حال آنکه مرده است». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دنیا در نزد خداوند بی‌ارزش‌تر از این در نزد شماست».

﴿۸۳۳﴾ رسول اکرم صلی الله علیه و آله از کنار مرداری که کنار راه انداخته بودند، عبور می‌کرد؛ در این هنگام فرمود: «آیا می‌بینید که صاحبان این مردار به خاطر بی‌اعتنایی آن را در اینجا افکنده‌اند، به خدا سوگند! دنیا در نزد اهلش از این هم پست‌تر است».

﴿۸۳۴﴾ رسول خدا صلی الله علیه و آله از کنار بزی که گوشش را بریده و به صورت مرداری در زباله‌دان انداخته بودند، عبور کرد. در آن هنگام به یارانش فرمود: «ارزش این مردار چقدر است؟» گفتند: «اگر زنده بود، یک درهم ارزش داشت». فرمود: «قسم به آن که جانم به دست اوست، دنیا در نزد اهلش از این مردار هم پست‌تر است».

۱۲-۱-۷-۱- پس مانده

﴿۸۳۵﴾ در تغییرات و دگرگونی‌های روزگار و حالات زمانه نظاره کن، زیرا از دنیا آنچه آید، همانی است که رفته و گذشته، پس از آن درس و عبرت گیر... آیا مرد آزاده‌ای نیست که این پس مانده‌ی [دنیا] را برای اهلش واگذارد؟! که بهای جان شما جز بهشت نیست، آن را به غیر آن نفروشید.

۱۳-۱-۷-۱- کاه خشکیده

﴿۸۳۶﴾ به دنیا مانند زاهدان نظر کنید که از آن جدا می‌شود زیرا دنیا اهل خود را از جای برمی‌کند و خوشگذران آسوده‌دل را داغدار می‌کند، آنچه که از دنیا رفته، امیدی به بازگشت آن نیست، و آینده‌ی آن نیز روشن نیست که انتظارش را می‌برند، به آسایش آن بلا و گرفتاری و به بقایش فنا و نیستی بسته است، خوشی آن آمیخته به اندوه و بقای در آن آمیخته به سستی است، دنیا چون بستانی است که چراگاهش خرم و سرسبز است و نظر بیننده را به خود جلب کند، نوشیدنی‌اش گوارا و خاکش خوشبوست، از ریشه‌هایش آب می‌چکد و شاخه‌هایش نمناک می‌باشد تا این گیاه زمانش فرا رسد [و به ثمر برسد] و بندهای آن محکم گردد؛ بادی می‌وزد که برگ‌ها را می‌کند و بندها را از هم می‌گسلد پس چنان می‌شود که خداوند فرموده است: کاه خشکیده‌ای که باد آن را می‌پراکند.

﴿الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ﴾

١٤-١-٧-١- عُقُوبَةُ عَجَّلَتْ

﴿٨٣٧﴾ يَا مُوسَى... إِذَا رَأَيْتِ الدُّنْيَا مُقْبِلَةً عَلَيْكَ فَقُلْ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ عُقُوبَةُ عَجَّلَتْ فِي الدُّنْيَا وَإِذَا رَأَيْتِ الدُّنْيَا مُدْبِرَةً عَنْكَ فَقُلْ مَرْحَبًا بِشِعَارِ الصَّالِحِينَ؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٣٦١

١٥-١-٧-١- غَفْلَةُ الْجُهَّالِ

﴿٨٣٨﴾ الدُّنْيَا غَنِيمَةُ الْاَكْيَاسِ وَ غَفْلَةُ الْجُهَّالِ لَمْ يَعْرِفُوهَا حَتَّى خَرَجُوا مِنْهَا فَسَأَلُوا الرَّجْعَةَ فَلَمْ يَرْجِعُوا؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٩، ص ٣٢٦

١٦-١-٧-١- مُطْلَقَةُ الْاَكْيَاسِ

﴿٨٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مُطْلَقَةُ الْاَكْيَاسِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

١٧-١-٧-١- مَا آخَرَ اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا يُعَجِّلُ مِنْهَا

﴿٨٤٠﴾ الرضا عليه السلام: لَمَّا آخَرَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ مِمَّا يَطْلُبُونَ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا خَيْرٌ لَهُمْ مِمَّا عَجَّلَ لَهُمْ مِنْهَا، وَ أَى شَيْءٍ الدُّنْيَا؟!... وَاللَّهُ مَا آخَرَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا خَيْرٌ لَهُ مِمَّا يُعَجِّلُ مِنْهَا؛ قرب الإسناد، ص ١٧١

١٨-١-٧-١- لَا يَضُرُّكُمْ تَضْيِيعُ دُنْيَاكُمْ

﴿٨٤١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَلَا وَ إِنَّهُ لَا يَضُرُّكُمْ تَضْيِيعُ شَيْءٍ مِنْ دُنْيَاكُمْ بَعْدَ حِفْظِكُمْ قَائِمَةَ دِينِكُمْ. أَلَا وَ إِنَّهُ لَا يَنْفَعُكُمْ بَعْدَ تَضْيِيعِ دِينِكُمْ شَيْءٌ حَافِظُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاكُمْ، أَخَذَ اللَّهُ بِقُلُوبِنَا وَ قُلُوبِكُمْ إِلَى الْحَقِّ وَ أَلْهَمَنَا وَ إِيَّاكُمْ الصَّبْرَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ٢٤٨

١٩-١-٧-١- مَا فَاتَكَ غَنِيمَةٌ

﴿٨٤٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُلَّمَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْءٌ فَهُوَ غَنِيمَةٌ؛ غرر الحكم، ص ١٤٣

٢٠-١-٧-١- لَيْسَتْ ثَمَنَ نَفْسِكَ

﴿٨٤٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَيْسَ الْمُتَجَرُّ أَنْ تَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِكَ ثَمَنًا وَ مِمَّا لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عِوَضًا؛ غرر الحكم، ص ١٤٣

﴿٨٤٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَيْسَ عَنِ الْآخِرَةِ عِوَضٌ وَ لَيْسَتِ الدُّنْيَا لِلنَّفْسِ بَثْمَنٌ؛ غرر الحكم، ص ٢٣٢

٢١-١-٧-١- لَيْسَ لَكُمْ الدُّنْيَا

﴿٨٤٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُونُوا قَوْمًا عِلْمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ بِدَارِهِمْ فَاسْتَبَدُّوا؛ غرر الحكم، ص ١٤٣

«دنیای بی ارزش»

۱-۷-۱-۱۴ مجازات زودرس گناه

«۸۳۷» ای موسی، اگر دیدی که دنیا به سوی تو روی می آورد، بگو که ما از خداوند هستیم و به سوی او بازمی گردیم، مجازات زودرس گناهی است که انجام دادیم و اگر دیدی که دنیا به تو پشت کرده، بگو: درود به شعار انسان های صالح.

۱-۷-۱-۱۵ غفلت بی خردان

«۸۳۸» دنیا غنیمت افراد زیرک و باعث غفلت بی خردان است که دنیا را نمی شناسند تا از آنجا بیرون روند، آنگاه درخواست بازگشت می کنند، اما بازگردانده نمی شوند.

۱-۷-۱-۱۶ مطلقه ی صاحبان عقل

«۸۳۹» دنیا مطلقه ی صاحبان عقل و کیاست است.

۱-۷-۱-۱۷ آنچه خدا به تأخیر می اندازد، بهتر است از آنچه جلو می اندازد.

«۸۴۰» بزنطی گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند آنچه خدای عزّ و جل برای مؤمنین از آنچه می خواهند، به تأخیر بیندازد بهتر است برای آنان از آنچه که زود به آنها عطا کند، و دنیا چیست؟... به خدا قسم آنچه خدا برای مؤمن از این دنیا به تأخیر می اندازد، برای او بهتر است از آنچه برای او جلو می اندازد و به او عطا می کند».

۱-۷-۱-۱۸ از دست دادن متاع دنیا، زیانی به شما وارد نمی کند

«۸۴۱» آگاه باشید! در صورتی که پایه ی دین خود را حفظ نموده باشید، از دست دادن متاع دنیا، زیانی به شما وارد نمی کند. و بدانید در صورت تباه کردن دین آنچه از دنیایتان حفظ کرده اید، به شما سودی نمی دهد. خداوند دل های ما و شما را متوجّه حق کند و شکیبایی را به ما و شما ارزانی دارد.

۱-۷-۱-۱۹ چیز از دست رفته غنیمت است

«۸۴۲» اگر چیزی از دنیا از دست رفت، آن را غنیمت شمار.

۱-۷-۱-۲۰ دنیا قیمت تو نیست

«۸۴۳» تجارت در دنیا به این معنی نیست که دنیا را سرمایه ی خود بدانی و آنچه در نزد توست را در عوض آنچه در نزد خداست، سرمایه ی خود تلقّی کنی.

«۸۴۴» هیچ چیزی هم ارز و عوض آخرت نیست و دنیا ارزش و قیمت انسان را ندارد.

۱-۷-۱-۲۱ دنیا برای شما نیست

«۸۴۵» از آن گروهی باشید که می دانستند دنیا منزل آنها نیست، پس آن را [با آخرت] تعویض کردند.

﴿الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ﴾

﴿٨٤٦﴾ الرسول ﷺ: مَعَاشِرَ آلِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لَيْسَ لَكُمْ الدُّنْيَا إِنَّمَا لَكُمْ الْآخِرَةُ وَمِيعَادُكُمْ الْجَنَّةُ مَا تَصْنَعُونَ بِالدُّنْيَا فَإِنَّهَا زَائِلَةٌ غَرَارَةٌ؛ المناقب، ج ٣، ص ٣٣٩
١-٧-١-٢٢- عَدَمُ الْخَلْقِ لِلدُّنْيَا

﴿٨٤٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَابْتَلَى فِيهَا أَهْلَهَا لِيَعْلَمَ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَسْنَا لِلدُّنْيَا خُلُقْنَا وَلَا بِالسَّعْيِ فِيهَا أَمْرُنَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ١١٦
﴿٨٤٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَأَعْلَمَ يَا بُنَيَّ أَنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا وَلِلْفَنَاءِ لَا لِلْبَقَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٠٧

﴿٨٤٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكُمْ إِنَّمَا خُلِقْتُمْ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا وَلِلْبَقَاءِ لَا لِلْفَنَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٠
﴿٨٥٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكَ لَنْ تُخْلَقَ لِلدُّنْيَا فَازْهَدْ فِيهَا وَاعْرِضْ عَنْهَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٨
١-٧-١-٢٣- يُعْطِيهَا اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ وَمَنْ أَبْغَضَ

﴿٨٥١﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا يُعْطِيهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ أَحَبَّ وَمَنْ أَبْغَضَ وَإِنَّ الْإِيمَانَ لَا يُعْطِيهِ إِلَّا مَنْ أَحَبَّهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٢١٥
١-٧-١-٢٤- يَأْكُلُ مِنْهُ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ

﴿٨٥٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا عَرَضٌ حَاضِرٌ يَأْكُلُ مِنْهُ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ وَالْآخِرَةُ دَارُ حَقٍّ يَحْكُمُ فِيهَا مَلِكٌ قَادِرٌ؛ غرر الحكم، ص ١٤٨
﴿٨٥٣﴾ الرسول ﷺ: إِنَّهُ سُبْحَانَهُ يُعْطِي الدُّنْيَا لِمَنْ يُحِبُّ وَيُبْغِضُ وَلَا يُعْطِي الْآخِرَةَ إِلَّا أَهْلَ صِفْوَتِهِ وَمَحَبَّتِهِ وَإِنَّهُ يَقُولُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لِيُخَذَرَ عَبْدِي الَّذِي يَسْتَبْطِئُ رِزْقِي أَنْ أَغْضَبَ فَأَفْتَحَ عَلَيْهِ بَابًا مِنَ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٨، ص ١٩٥
﴿٨٥٤﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا يُعْطِيهَا اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ وَأَبْغَضَ وَإِنَّ الْإِيمَانَ لَا يُعْطِيهِ إِلَّا مَنْ أَحَبَّ؛ مشكاة الأنوار، ص ٣٩

﴿٨٥٥﴾ الرسول ﷺ: وَأَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِي الدُّنْيَا الْبَرَّ وَالْفَاجِرَ وَإِنَّ هَذَا الْأَمْرَ الَّذِي أَنْتَ فِيهِ إِنَّمَا يُعْطِيهِ اللَّهُ صَفْوَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ؛ كتاب سليم بن قيس، ص ٨٢٦
١-٧-١-٢٥- إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُبَالِ بِنَعِيمِ الدُّنْيَا لِعَدُوِّهِ

﴿٨٥٦﴾ الصادق عليه السلام: أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يُبَالِ بِضُرِّ الدُّنْيَا لَوَلِيَّهِ سَاعَةً... وَأَنَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يُبَالِ بِنَعِيمِ الدُّنْيَا لِعَدُوِّهِ سَاعَةً وَلَوْ لَا ذَلِكَ مَا كَانَ أَغْدَاؤُهُ يَقْتُلُونَ أَوْلِيَاءَهُ؛ مسكن الفوائد، ص ١٢٦

«دنیای بی ارزش»

﴿۸۴۶﴾ پیامبر ﷺ فرمود: «ای گروه عبدالملک! دنیا برای شما نیست، بلکه آخرت برای شما می باشد، وعده گاه شما بهشت است. دنیا را برای چه می خواهید؟! در صورتی که از بین رفتنی و فریبنده است.»

۱-۷-۱-۲۲- آفریده نشدن برای دنیا

﴿۸۴۷﴾ مردم را در دنیا به آزمایش گذاشت تا روشن شود کدام یک نیکوکارتر است. ما را برای دنیا نیافریده اند و تنها به خاطر دنیا، امر به تلاش نشده ایم.

﴿۸۴۸﴾ پسر! بدان که تو برای آخرت آفریده شده ای نه برای دنیا، و برای رفتن از دنیا خلق شده ای نه برای پایدار ماندن در آن.

﴿۸۴۹﴾ قطعاً شما برای آخرت خلق شده اید نه برای دنیا و برای بقاء خلق شده اید نه برای فنا.

﴿۸۵۰﴾ تو برای دنیا خلق نشده ای! پس در آن زاهد باش و از آن روی بگردان.

۱-۷-۱-۲۳- خداوند دنیا را به دوست و دشمنش می دهد

﴿۸۵۱﴾ همانا خداوند دنیا را به هر کسی که دوستش داشته باشد یا با او دشمنی کند، می دهد،

ولی ایمان را جز به افراد برگزیده از آفریده هایش نمی دهد.

۱-۷-۱-۲۴- نیک و بد از آن می خورند

﴿۸۵۲﴾ دنیا سفره ای آماده است که نیک و بد از آن می خورند، اما آخرت خانه ای حق است و

پادشاهی مقتدر در آن حکمرانی می کند.

﴿۸۵۳﴾ خداوند سبحان دنیا را به کسانی که دوستشان دارد و همچنین به کسانی که

دشمنشان می دارد، می بخشد. ولی آخرت را جز به بندگان برگزیده و مورد محبت خویش نمی بخشد. خداوند سبحان می فرماید: «بنده ای من که رزق و روزی ام را طلب می کند بر حذر باشد از اینکه خشمگین شوم و دری از درهای دنیا را به روی او بگشایم».

﴿۸۵۴﴾ همانا خداوند دنیا را به هر دوست و دشمنی می دهد، اما ایمان را فقط به کسی که

دوستش دارد، می دهد.

﴿۸۵۵﴾ بدان که خدای متعال دنیا را به نیک و بد می دهد، ولی این امر ولایت که تو بر آن

هستی (امر ولایت اهل بیت ﷺ) خداوند آن را فقط به برگزیدگان از خلقش می دهد.

۱-۷-۱-۲۵- برای خداوند مهم نیست که دشمنش از نعمت دنیا بهره می برد

﴿۸۵۶﴾ خداوند حتی یک لحظه به ضرری که دنیا به دوستانش می زند، توجه نمی کند... و

حتی لحظه ای به نعمتی که به دشمنانش می رسد اهمیتی نمی دهد و اگر چنین نبود، هرگز دشمنانش، دوستانش را نمی کشتند.

﴿الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ﴾

﴿٨٥٧﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ مِنْ خَالِصِ عِبَادِهِ لَيْسَ يُنْزَلُ مِنَ السَّمَاءِ نُخْفَةٌ لِلدُّنْيَا إِلَّا صَرَفَهَا عَنْهُمْ إِلَى غَيْرِهَا وَلَا يُنْزَلُ مِنَ السَّمَاءِ بَلَاءٌ لِلْآخِرَةِ إِلَّا صَرَفَهُ إِلَيْهِمْ وَهُمْ شَيْعَةٌ عَلَى وَ أَهْلَ بَيْتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٤٣٦

﴿٨٥٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَمْ يَصِفُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الدُّنْيَا لِأَوْلِيَائِهِ وَلَمْ يَضَنْ بِهَا عَلَى أَعْدَائِهِ؛

غرر الحكم، ص ٩٩

٢٦-١-٧-١- لَيْسَتْ بِعَقَابٍ وَلَا بِأَجْرٍ

﴿٨٥٩﴾ يَا مُوسَى... الدُّنْيَا نُطْفَةٌ لَيْسَتْ بِثَوَابٍ لِلْمُؤْمِنِ وَلَا نَقِمَةٌ مِنْ فَاجِرٍ؛ الكافي، ج ٨، ص ٤٧

﴿٨٦٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا تَغُرُّ وَ تَضُرُّ وَ تَمُرُّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَرْضَهَا ثَوَابًا بِأَوْلِيَائِهِ وَلَا

عِقَابًا لِأَعْدَائِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٣

﴿٨٦١﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّ فِيمَا نَجَّى اللَّهُ تَعَالَى بِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ: إِنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ بِثَوَابٍ لِلْمُؤْمِنِ بِعَمَلِهِ وَلَا نَقِمَةٌ لِلْفَاجِرِ بِقَدْرِ ذَنْبِهِ هِيَ دَارُ الظَّالِمِينَ إِلَّا الْعَامِلَ فِيهَا بِالْخَيْرِ فَإِنَّهَا لَهُ نِعْمَتِ الدَّارِ؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٣٥٣

﴿٨٦٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ الدُّنْيَا لِلْمُتَّقِينَ أَجْرًا وَلَا ثَوَابًا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ؛

شرح نهج البلاغة، ج ٧، ص ٣٦

﴿٨٦٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَجْعَلِ الدُّنْيَا ثَوَابًا لِلْمُؤْمِنِ وَلَا عُقُوبَةً لِلْكَافِرِ وَ مَنْ سَخَفَ دِينَهُ وَ ضَعَفَ عَمَلُهُ قَلَّ بَلَاؤُهُ وَ أَنْ الْبَلَاءَ أَسْرَعَ إِلَى الْمُؤْمِنِ التَّقَى مِنَ الْمَطَرِ إِلَى قَرَارِ الْأَرْضِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٥٩

٢-٧-١- الدُّنْيَا

١-٧-٢-١- الدُّنْيَا

﴿٨٦٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: سَأَلَ يَزِيدُ بْنُ سَلَامٍ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ الدُّنْيَا لَمْ سُمِّيَتْ الدُّنْيَا قَالَ لِأَنَّ الدُّنْيَا دَنِيَّةٌ خُلِقَتْ مِنْ دُونِ الْآخِرَةِ وَ لَوْ خُلِقَتْ مَعَ الْآخِرَةِ لَمْ يَفْنِ أَهْلُهَا كَمَا لَا يَفْنَى أَهْلُ الْآخِرَةِ قَالَ فَأَخْبَرَنِي لَمْ سُمِّيَتْ الْآخِرَةُ آخِرَةً قَالَ لِأَنَّهَا مُتَأَخِّرَةٌ تَجِيءُ مِنْ بَعْدِ الدُّنْيَا لَا تُوصَفُ سِنِينَهَا وَلَا تُحْصَى أَيَّامُهَا وَلَا يَمُوتُ سُكَّانُهَا؛ بحار الأنوار، ج ٥٤، ص ٣٥٦

«دنیای بی ارزش»

«۸۵۷» خداوند در زمین بندگان ویژه و خالصی دارد، از آسمان هدیه‌ای را فرو نمی‌فرستد مگر آنکه آنان را از آن محروم می‌سازد؛ و بلایی را نازل نمی‌کند، مگر آنکه نصیب آنان می‌گرداند. و آن‌ها شیعه‌ی علی علیه السلام و اهل بیت او هستند.

«۸۵۸» خدای سبحان دنیا را برای دوستان خود بدون گرفتاری نخواسته و در دادن آن به دشمنانش بخل نورزیده است.

۱-۷-۱-۲۶- دنیا نه جای عذاب است و نه جای پاداش

«۸۵۹» ای موسی! ارزش دنیا معادل نطفه‌ای که نه شایسته‌ی پاداش مؤمن است و نه کیفر خطاکاران.

«۸۶۰» دنیا می‌فریبد و زیان می‌رساند و می‌گذرد. خداوند دنیا را پاداش دوستان خود و عقاب دشمنان خود قرار نداده است.

«۸۶۱» در نجوای خداوند با موسی علیه السلام آمده که خداوند فرمود: دنیا ثواب مؤمن در قبال عمل او نیست و عذاب بر گناهکار نیز به قدر گناهش نمی‌باشد. دنیا سرای ظالمان است؛ مگر کسی که در آن به خیر عمل کند؛ و چه خوب سرایی برای آنان است.

«۸۶۲» خداوند دنیا را اجر و ثواب اعمال پرهیزکاران قرار نداده و آنچه در نزد خداوند است برای نیکان بهتر است.

«۸۶۳» خداوند متعال دنیا را برای هیچ مؤمنی پاداش عمل قرار نداده است و برای هیچ کافری هم محلّ عقوبت قرار نداده است. و هرکس در دینش سست و در کارهای نیک ضعیف باشد، گرفتاری‌هایش کم می‌گردد، بلا و گرفتاری به مؤمن باتقوا از باران بر زمین‌های پست و گودال‌ها زودتر می‌رسد.

۱-۷-۲- پستی و بی‌ارزش بودن

۱-۷-۲-۱- پستی

«۸۶۴» یزید بن سلام از پیغمبر صلی الله علیه و آله پرسید: «چرا دنیا را دنیا نامیده‌اند؟» فرمود: «چون دنیا پست است و جلوتر از آخرت آفریده شده است، و اگر با آخرت آفریده شده بود، اهلش فانی نمی‌شدند، چنانچه اهل آخرت فانی نمی‌شوند». گفت: «مرا آگاه کن از اینکه چرا آخرت را آخرت نامیده‌اند؟» فرمود: «چون که به دنبال دنیا است و پس از این دنیا می‌آید و سال‌هایش وصف‌شدنی نیست! و روزهایش بی‌شمارند و ساکنان آن نمی‌میرند».

﴿الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ﴾

﴿٨٦٥﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَطْلُعُ عَلَى الدُّنْيَا فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ فَيَقُولُ يَا دُنْيَا أَنْتِ دَنِيَّةٌ فَتَكْدِرِي عَلَى عَبْدِي الْمُؤْمِنِ وَلَا تَحْلِي لَهُ فَيَقْتَنَ مَنْ خَدَمَكَ فَاسْتَحْدِمِيهِ وَمَنْ خَدَمَنِي فَاحْدِمِيهِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢٠٠

﴿٨٦٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ أَغْرَاضُ بَلَايَا قَدْ اقْتَرَبَتْ... وَتَثَبُّوا فِي قَتَامِ الْعِشْوَةِ... يَتَنَافِسُونَ فِي دُنْيَا دَنِيَّةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ٢٢٦
٢-٧-١- حَيَاةُ الدُّنْيَا

﴿٨٦٧﴾ وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ؛ (الجاثية / ٢٤)
﴿٨٦٨﴾ وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ (القصص / ٦٠)

﴿٨٦٩﴾ أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ؛ (القصص / ٦١)
﴿٨٧٠﴾ فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ؛ (الشورى / ٣٦)

﴿٨٧١﴾ وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ؛ (الزخرف / ٣٥)
٢-٧-١- أَدْنَى مِنْ كُلِّ شَيْءٍ

﴿٨٧٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا سُمِّيَتِ الدُّنْيَا دُنْيَا لِأَنَّهَا أَدْنَى مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ سُمِّيَتِ الْآخِرَةُ آخِرَةً لِأَنَّ فِيهَا الْجَزَاءَ وَ النَّوَابِ؛ بحار الأنوار، ج ١٠، ص ١٢
٢-٧-١- الْأَنْزَرُ

﴿٨٧٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا أَصْغَرُ وَأَحْفَرُ وَأَنْزَرُ مِنْ أَنْ تَطَّاعَ فِيهَا الْأَحْقَادُ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢
٢-٧-١- الدُّنُو

﴿٨٧٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا تُدْنِي الْأَجَالَ وَ تَبَاعِدُ الْأَمَالَ وَ تُبِيدُ الرِّجَالَ وَ تُغَيِّرُ الْأَحْوَالَ مَنْ غَالَبَهَا غَلَبَتْهُ وَ مَنْ صَارَعَهَا صَرَعَتْهُ وَ مَنْ عَصَاهَا أَطَاعَتْهُ وَ مَنْ تَرَكَهَا أَتَتْهُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

«دنیای بی ارزش»

﴿۸۶۵﴾ خداوند عزّ و جل روزی یک یا دو بار به دنیا سرکشی می کند و می فرماید: «ای دنیا! تو پست هستی، پس بر بنده‌ی مؤمن من مکدر [و سخت] باش و خود را برای او زینت نده که فریب نخورد. هرکس به تو خدمت کرد تو نیز به او خدمت کن و هرکس به من خدمت کرد من خودم به او خدمت می کنم».

﴿۸۶۶﴾ شما ای مردم عرب، نشانه‌ی بلاهایی هستید که بسیار نزدیک است... و در گرد و غبار ظلمت شبهه... با هم در به دست آوردن دنیای پست رقابت می کنید.

۲-۷-۱- زندگی پست و نزدیک

﴿۸۶۷﴾ آن‌ها گفتند: «چیزی جز همین زندگی دنیای ما در کار نیست گروهی از ما می میرند و گروهی جای آن‌ها را می گیرند و جز طبیعت و روزگار ما را هلاک نمی کند!» آنان به این سخن که می گویند علمی ندارند، بلکه تنها حدس می زنند (و گمانی بی پایه دارند)!

﴿۸۶۸﴾ آنچه به شما داده شده، متاع زندگی دنیا و زینت آن است و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است آیا اندیشه نمی کنید؟

﴿۸۶۹﴾ آیا کسی که به او وعده نیکو داده ایم و به آن خواهد رسید، همانند کسی است که متاع زندگی دنیا به او داده ایم سپس روز قیامت [برای حساب و جزا] از احضارشدگان خواهد بود؟

﴿۸۷۰﴾ آنچه به شما عطا شده متاع زودگذر زندگی دنیاست، و آنچه نزد خداست برای کسانی که ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل می کنند بهتر و پایدارتر است.

﴿۸۷۱﴾ ولی تمام این‌ها بهره زندگی دنیاست، و آخرت نزد پروردگارت از آن پرهیزگاران است!

۳-۷-۱- پست‌تر از هر چیزی

﴿۸۷۲﴾ دنیا را دنیا نامیده‌اند؛ چون پست‌تر از هر چیزی است. و آخرت، آخرت نامیده شد؛ چون در آنجا ثواب و پاداش داده می شود.

۴-۷-۱- بی ارزش‌ترین

﴿۸۷۳﴾ دنیا کوچک‌تر و خوارتر و بی ارزش‌تر از آن است که به خاطر آن از کینه‌ها پیروی شد.

۵-۷-۱- نزدیکی

﴿۸۷۴﴾ دنیا، اجل‌ها را نزدیک و دستیابی به آرزوها را دور می کند، مردم را هلاک و حالات را دگرگون می کند، هرکس بر دنیا غلبه کند، دنیا بر او غلبه خواهد کرد، و هرکس با دنیا جنگید، دنیا به جنگ او برمی خیزد، هرکس با دنیا مخالفت کرد، دنیا از او اطاعت می کند و هرکس که دنیا را ترک کرد، دنیا به سراغ او می رود.

﴿الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ﴾

١-٧-٢-٦- الدُّنْيَا

﴿٨٧٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ إِنَّكُمْ وَمَا تَأْمُلُونَ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا أَثَوِيَاءُ مُوجَلُونَ وَ مَدِينُونَ مُقْتَضُونَ أَجَلٌ مُنْقُوصٌ وَ عَمَلٌ مَحْفُوظٌ... أَلَيْسَ قَدْ طَعَنُوا جَمِيعًا عَنْ هَذِهِ الدُّنْيَا الدُّنْيَا وَ الْعَاجِلَةِ الْمُتَقْضِيَةِ؛ بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ١٠٨

﴿٨٧٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْعَاقِلُ مَنْ زَهَدَ فِي دُنْيَا فَانِيَةٍ دُنْيَةٍ [دُنْيَةٍ فَانِيَةٍ] وَ رَغِبَ فِي جَنَّةٍ سَنِيَّةٍ خَالِدَةٍ عَالِيَةٍ [عَالِيَةٍ]؛ غرر الحكم، ص ٥٤

﴿٨٧٧﴾ قَالَ كَعْبُ يَأْ قَوْمَ كَأَنَّكُمْ تَتَعَجَّبُونَ بِمَا أُحَدِّثُكُمْ فِيهِ مِنْ أَمْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَتْرِكْ شَيْئًا كَانَ أَوْ يَكُونُ مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ إِلَّا وَ قَدْ فَسَّرَهُ لِمُوسَى عليه السلام... وَ قَدْ رُفِعَتْ إِلَى آدَمَ فِي عَالَمِ الدَّرِّ وَ عُرِضَتْ عَلَيْهِ وَ لَقَدْ عُرِضَتْ عَلَيْهِ هَذِهِ الْأُمَّةُ وَ نَظَرَ إِلَيْهَا وَ إِلَى اخْتِلَافِهَا وَ تَكَالُفِهَا عَلَى هَذِهِ الدُّنْيَا الدُّنْيَا فَقَالَ آدَمُ يَا رَبِّ مَا لِهَذِهِ الْأُمَّةِ الرَّكِيَّةِ وَ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَ هُمْ أَفْضَلُ الْأُمَمِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٥، ص ٣١٥

١-٧-٣- السَّفَلُ وَ الْخَسَاسَةُ

١-٧-٣-١- السَّفَلُ

﴿٨٧٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَهِيَ الْكُنُودُ الْعُنُودُ وَ الصَّدُودُ الْجَحُودُ وَ الْحَيُودُ الْيُودُ حَالُهَا انْتِقَالٌ وَ سُكُونُهَا زَلْزَالٌ وَ عِزُّهَا ذُلٌّ وَ جِدُّهَا هَزْلٌ وَ كَثْرَتُهَا قُلٌّ وَ غُلُوبُهَا سِفْلٌ أَهْلُهَا عَلَى سَاقٍ وَ سِيَاقٍ وَ لِحَاقٍ وَ فِرَاقٍ وَ هِيَ دَارُ حَرْبٍ وَ سَلْبٍ وَ نَهَبٍ وَ عَطَبٍ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

﴿٨٧٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: سُلْطَانُ الدُّنْيَا ذُلٌّ وَ غُلُوبُهَا سِفْلٌ؛ غرر الحكم، ص ٣٤٣

١-٧-٣-٢- الْخَسَاسَةُ

﴿٨٨٠﴾ الْكَاضِمُ عليه السلام: أَوْ لَا حُرٍّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَازَةَ لِأَهْلِهَا يَعْنِي الدُّنْيَا فَلَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا بِغَيْرِهَا فَإِنَّهُ مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالدُّنْيَا فَقَدْ رَضِيَ بِالْخَسِيسِ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٤٤

١-٧-٣-٣- خَسِيسٌ عَيْشٌ

﴿٨٨١﴾ الْحُسَيْنُ عليه السلام: إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ تَغَيَّرَتْ وَ تَنَكَّرَتْ وَ أَذْبَرَ مَعْرُوفَهَا فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صُبَابَةٌ كَصَابَةِ الْإِنَاءِ وَ خَسِيسٌ عَيْشٌ كَالْمَرْعَى الْوَبِيلِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١٦

«دنیای بی ارزش»

۶-۲-۱- پست

«۸۷۵» بندگان خدا، شما و آنچه از این دنیا آرزومندید، مهمانانی هستید که مدتی معین برای شما قرار داده شده، بدهکارانی هستید که مهلت کوتاهی در پرداخت آن دارید، و اعمال شما همگی حفظ می‌شود... آیا جز این است که همگی رخت بستند و رفتند و از این جهان پست و گذران و تیره‌کننده‌ی عیش و شادمانی گذشتند؟!

«۸۷۶» عاقل کسی است که از دنیای پست و زودگذر بگذرد و به بهشت برین و ماندگار و جایگاه بلند، میل و رغبت نشان دهد.

«۸۷۷» کعب گفت: ای گروه! گویا شما از داستان امام حسین علیه السلام تعجب می‌کنید، در صورتی که خدای متعال هیچ چیزی را که از اول دهر بوده و خواهد بود، فروگذار نکرده است، مگر اینکه برای حضرت موسی علیه السلام تفسیر کرده است... و در عالم دُرّ به حضرت آدم علیه السلام عرضه شده است. این امت مرحومه به حضرت آدم علیه السلام عرضه شد. آن بزرگوار به این امت و اختلافات و حرصی که بر سر دنیای بی‌ارزش دارند، نگاه کرد و گفت: «پروردگارا! چرا این امت پاکیزه که بهترین امت‌ها می‌باشند، این همه دچار بلا می‌شوند؟!»

۳-۲-۱- پستی

۱-۳-۲-۱- پستی

«۸۷۸» به درستی که دنیا ناسپاس، حق‌شناس، دشمنی حيله‌گر، پشت‌کننده‌ای سرگردان، حالاتش متزلزل، سکونش متزلزل، و عزتش خواری، تلاشش بیهوده و زیاد آن کم و بلندی آن سقوط است. سرمنشأ ناآرامی است، جایگاه ملاقات‌ها و جدایی‌هاست و خانه‌ی جنگ و غارتگری، تبه‌کاری و هلاکت است.

«۸۷۹» سلطنت دنیا خواری و بلندمرتبه‌گی آن پستی است.

۲-۳-۱- پستی

«۸۸۰» «آیا آزادمردی نیست که این لقمه‌ی جویده را برای اهل آن بگذارد؟ [منظورش دنیا است]. بهایی برای جان شما، جز بهشت نیست، مبادا با چیز دیگری معامله کنید! زیرا هرکس با همین دنیا، از خدا خشنود باشد، چیز بسیار پستی را خواسته است.»

۳-۳-۱- زندگی پست و کم ارزش

«۸۸۱» به راستی که این دنیا دگرگون گشته و تغییر قیافه داده و خوبی‌هایش رو به زوال است و جز رطوبتی که بر ته کاسه نشیند و جز یک زندگی پست و کم ارزش مانند چراگاهی که جز گیاه زیانبخش و بیمارکننده در آن چیز دیگری نمی‌روید، از آن باقی نمانده است.

﴿الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ﴾

﴿٨٨٢﴾ الكاظم عليه السلام: إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ قَدَرُوا الدُّنْيَا لَا يَرَوْنَ الدُّنْيَا لِنَفْسِهِ خَطَرًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ٣٠٢

٤-٧-١- الهَوَانُ وَالْإِسْتِخْفَافُ

﴿٨٨٣﴾ الرسول عليه السلام: تَهَاوَنُوا بِالدُّنْيَا تَهْنُ عَلَيْكُمْ وَاهِنُوهَا تُكْرَمَ الْآخِرَةُ إِلَيْكُمْ وَلَا تُكْرِمُوا الدُّنْيَا فَتَهْوَنَ الْآخِرَةُ عَلَيْكُمْ فَلَيْسَتْ الدُّنْيَا بِأَهْلٍ كَرَامَةٍ؛ أعلام الدين، ص ٢٧٩

١-٧-٤-١- الإِهَانَةُ

﴿٨٨٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا يُونِقُ مَنَظَرُهَا وَيُوبِقُ مَخْبَرُهَا، قَدْ تَزَيَّنَتْ بِالْغُرُورِ وَغَرَّتْ بِزِينَتِهَا، دَارُ هَانَتْ عَلَى رَبِّهَا فَخَلَطَ حَلَالُهَا بِحَرَامِهَا وَخَيْرُهَا بِشَرِّهَا وَحُلُوهَا بِبُؤْسِهَا لَمْ يُصِفْهَا اللَّهُ لَا وَلِيَّائِهِ وَلَمْ يَضِنَّ بِهَا عَلَى أَعْدَائِهِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

٢-٧-٤-٢- الْأَهْوَانُ

﴿٨٨٥﴾ يَا دُنْيَا مَا أَهْوَنَكَ عَلَى الْأَبْرَارِ الَّذِينَ تَزَيَّنْتَ وَتَصَنَعْتَ لَهُمْ إِنِّي قَدَفْتُ فِي قُلُوبِهِمْ بُغْضَكَ وَالصَّدُودَ عَنْكَ وَمَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْكَ كُلُّ شَأْنِكَ صَغِيرٌ وَإِلَى الْفَنَاءِ تَصِيرِينَ قَضَيْتُ عَلَيْكَ يَوْمَ خَلَقْتُكَ أَنْ لَا تَدُومِي لِأَحَدٍ وَلَا يَدُومُ أَحَدٌ لَكَ وَإِنْ بَخِلَ بِكَ صَاحِبُكَ وَشَحَّ عَلَيْكَ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣٠

﴿٨٨٦﴾ الرسول عليه السلام: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام بِالسُّوقِ وَأَقْبَلَ يُرِيدُ الْعَالِيَةَ وَالنَّاسُ يَكْتَنِفُهُ فَمَرَّ بِجَدْيٍ أَسَكَ عَلَى مَرْبَلَةٍ مُلْقَى وَهُوَ مَيِّتٌ فَآخَذَ بِأُذُنِهِ فَقَالَ أَيُّكُمْ يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ هَذَا لَهُ بِدَرَاهِمٍ قَالُوا مَا نَحِبُّ أَنَّهُ لَنَا بِشَيْءٍ وَمَا نَصْنَعُ بِهِ قَالَ أَفَتُحِبُّونَ أَنَّهُ لَكُمْ قَالُوا لَا حَتَّى قَالَ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَقَالُوا وَاللَّهِ لَوْ كَانَ حَيًّا كَانَ عَيْبًا فَكَيْفَ وَهُوَ مَيِّتٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ أَهْوَنُ مِنْ هَذَا عَلَيْكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ١٦، ص ٢٨٢

﴿٨٨٧﴾ الرسول عليه السلام: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام بِجَدْيٍ أَسَكَ مُلْقَى عَلَى مَرْبَلَةٍ مَيِّتًا فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ كَمْ يَسَاوِي هَذَا فَقَالُوا لَعَلَّهُ لَوْ كَانَ حَيًّا لَمْ يَسَاوِ دِرْهَمًا فَقَالَ النَّبِيُّ عليه السلام وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لِلدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَذَا الْجَدْيِ عَلَى أَهْلِهِ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٢٩

﴿٨٨٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَاللَّهِ لَدُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَهْوَنُ فِي عَيْنِي مِنْ عُرَاقٍ خِنْزِيرٍ فِي يَدِ

مَجْدُومٍ؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٣٣٧

«دنیای بی‌ارزش»

«۸۸۲» با ارزش‌ترین مردم کسی است که برای دنیا نزد خود مقام و منزلتی قائل نشود.

۴-۷-۱- پستی و سبکی

«۸۸۳» دنیا را آسان بگیرید تا بر شما آسان بگیرد، آن را پست در نظر بگیرید تا آخرت برای شما بلندمرتبه گردد؛ و آن را گرامی ندارید که آخرت در چشمتان پست می‌گردد. دنیا شایسته‌ی گرامی‌داشتن نیست.

۱-۴-۷-۱- پست‌شمردن

«۸۸۴» به‌درستی که دنیا منظره‌ای دل‌فریب و سرانجامی خطرناک دارد، با فریب‌های دنیوی زینت داده شده و با زیبایی‌هایش فریب می‌دهد. خانه‌ای که در نزد خداوند پست شمرده شده، حلالش در حرام و خیرش در شرّ و زندگی آن در مرگ و شیرینی آن در تلخی آمیخته شده است. [و همواره باهم هستند]. خداوند دنیا را برای دوستان خود توصیف [و توصیه] نکرده و از عطای آن به دشمنانش بخل نورزیده است.

۲-۴-۷-۱- بی‌ارزش‌تر

«۸۸۵» در صحف حضرت ابراهیم علیه السلام نوشته شده است: ای دنیا، با اینکه خود را ساخته و آرایش کرده‌ای، چقدر در نظر نیکان پست و خواری! من کینه‌ی تو را بر دل آنان افکنده و از تو برحذر داشته‌ام و هیچ مخلوقی را پست‌تر از تو در نزد خود نیافریده‌ام. تمام جنبه‌های تو ناچیز و در معرض فساد است، روزی که تو را آفریدم چنان قرار دادم که بر کسی پایدار نمانی و کسی هم در تو پایدار نماند. و اگر کسی در مورد تو بخل ورزد، با تو باشد و حریص‌تر شود.

«۸۸۶» [جابر رضی الله عنه گفت:] پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از بازار گذشت و به سمت بالای آن رفت و مردم گرد حضرت جمع بودند. از کنار مردار بزغاله‌ای که در زباله‌دان افتاده بود، گذشت، گوش آن را گرفت و فرمود: «کدام‌یک از شما دوست دارد که این را به یک درهم بخرد؟» مردم گفتند: «آن را به هیچ قیمتی نمی‌خواهیم. با آن مردار چه کار می‌توانیم بکنیم؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا دوست دارید که آن (مردار) مال شما باشد؟» گفتند: «خیر». و پیامبر صلی الله علیه و آله سه بار این سؤال را پرسید. مردم گفتند: «به خدا سوگند! اگر زنده بود، بی‌ارزش بود، حال آنکه مرده است». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دنیا در نزد خداوند بی‌ارزش‌تر از این در نزد شماست».

«۸۸۷» رسول خدا صلی الله علیه و آله از کنار بزی که گوشش را بریده و به صورت مرداری در زباله‌دان انداخته بودند، عبور کرد. در آن هنگام به یارانش فرمود: «ارزش این مردار چقدر است؟» گفتند: «اگر زنده بود، یک درهم ارزش داشت». فرمود: «قسم به آن که جانم به دست اوست، دنیا در نزد اهلش از این مردار هم پست‌تر است».

«۸۸۸» به خدا قسم! دنیای شما در نظر من، بی‌ارزش‌تر از استخوان خوک بدون گوشت است که در دست جذامی باشد.

﴿الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ﴾

﴿٨٨٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ذَكَرَ عَلِيُّ عليه السلام عِنْدَ ابْنِ عَبَّاسٍ بَعْدَ وَفَاتِهِ فَقَالَ: وَآسَفَاهُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مَضَى وَاللَّهِ مَا غَيَّرَ وَلَا بَدَّلَ وَلَا قَصَرَ وَلَا جَمَعَ وَلَا مَنَعَ وَلَا آثَرَ إِلَّا اللَّهَ وَاللَّهُ لَقَدْ كَانَتِ الدُّنْيَا أَهْوَنَ عَلَيْهِ مِنْ شِسْعٍ نَعْلِهِ لَيْثُ فِي الْوَعَى بَحْرُ فِي الْمَجَالِسِ حَكِيمٌ فِي الْحُكْمَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٤١، ص ١٠٣

﴿٨٩٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لَأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمٍ جَرَادَةٍ تَقْضِمُهَا مَا لِعَلِيٍّ وَنَعِيمٍ يَقْنَى وَلَذَّةٍ لَا تَبْقَى نَعُودُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ الْعَقْلِ وَفُجِ الزَّلَلِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ؛ بحار الأنوار، ج ٤١، ص ١٦٢
٣-٤-١-٧-١- الهَوَانُ

﴿٨٩١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مِنْ هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ أَنَّهُ لَا يُعْصَى إِلَّا فِيهَا وَلَا يُنَالُ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِتَرْكِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣٢
﴿٨٩٢﴾ الصادق عليه السلام: وَ سَأَنَّبُكَ بِهَوَانِ الدُّنْيَا وَ هَوَانِ شَرْفِهَا عَلَى مَنْ مَضَى مِنَ السَّلَفِ وَ التَّابِعِينَ وَ سَائِلِ الشَّيْخَةِ، ج ١٧، ص ٢٠٩
٤-٤-١-٧-١- دَارُ هَوَانٍ

﴿٨٩٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا بُنَيَّةُ إِنَّ الدُّنْيَا فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَ فِي حَرَامِهَا عِقَابٌ... يَا بُنَيَّةُ الدُّنْيَا دَارُ غُرُورٍ وَ دَارُ هَوَانٍ فَمَنْ قَدَّمَ شَيْئًا وَجَدَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٤٢، ص ٢٧٥
﴿٨٩٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَلَمْ يَرْضَ لَنَا الدُّنْيَا ثَوَابًا... يَا مُعَاوِيَةَ إِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ زَكْرِيَّا نَشَرَ بِالْمِنْشَارِ وَ يَحْيَى ذَبَحَ وَ قَتَلَهُ قَوْمُهُ وَ هُوَ يَدْعُوهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ ذَلِكَ لِهُوَ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ؛ كتاب سليم بن قيس، ص ٧٧٢
٥-٤-١-٧-١- الْوَهْنُ

﴿٨٩٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا وَهْنٌ مَطْلَبُهَا رَنَقٌ مَشْرِبُهَا رَدَغٌ مَشْرَعُهَا غُرُورٌ مَاحِلٌ وَ سَمٌّ قَاتِلٌ وَ سِنَادٌ مَائِلٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١١٦
٦-٤-١-٧-١- هَانَتْ عَلَى رَبِّهَا

﴿٨٩٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا دَارُ قُلْعَةٍ وَ لَيْسَتْ بِدَارٍ نُجْعَةٍ دَارُ هَانَتْ عَلَى رَبِّهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٢٣

«دنیای بی ارزش»

«۸۸۹» نزد ابن عباس رضی الله عنه یادی از امیرالمؤمنین علیه السلام شد؛ او گفت: «افسوس و اندوه بر ابوالحسن علیه السلام! رفت اما به خدا سوگند که جز به خاطر خدا تغییر نداد، عوض نکرد، کوتاه نکرد، جمع نکرد، منع نکرد و ترجیح نداد. و به خدا سوگند! دنیا در نظر او از بند کفشش بی ارزش تر بود. در جنگ مانند شیر و در مجالس دریایی بود، و میان حکیمان حکیم بود».

«۸۹۰» به راستی که دنیای شما نزد من از برگ در دم ملخی که آن را می جود، خوارتر است. علی را با نعمت نابودشدنی و لذت ناپایدار چه کار؟! از بی هوشی خرد و زشتی لغزش به خدا پناه می بریم و از او یاری می جوییم.

۳-۴-۱- پستی

«۸۹۱» از خواری دنیا بر خدا این است که خداوند، جز در دنیا معصیت نمی شود و کسی به آنچه نزد خداست نمی رسد، مگر به ترک دنیا.

«۸۹۲» به زودی تو را به خواری و بی ارزشی دنیا و موقعیت و مقام دنیوی نسبت به گذشتگان و کسانی که بعد از آن ها آمده اند آشنا می کنم.

۴-۴-۱- منزلی پست

«۸۹۳» به امّ کلثوم فرمود: دختر عزیزم در حلال دنیا حساب و در حرامش مجازات و عقاب است... دختر عزیزم دنیا خانه ی غرور و پستی است، پس هر کس چیزی را که از پیش فرستد، آن را می یابد.

«۸۹۴» ما اهل بیتی هستیم که خداوند آخرت را برای ما نسبت به دنیا ترجیح داد و راضی نشد که دنیا را ثواب ما قرار دهد. ای معاویه! نبی خدا زکریّا علیه السلام با ارّه کشته شد، یحیی علیه السلام ذبح شد و قومش او را کشتند؛ درحالی که او آنان را به سوی خدا دعوت می کرد و این به جهت خواری دنیا بر خدا بود.

۵-۴-۱- پست

«۸۹۵» طلب دنیا وهن و نوشیدن از آن کدر است و رودخانه اش گل و لای فراوان به همراه دارد؛ فریبی است که با سخن چینی نیرنگ می زند و سمّی کشنده دارد و معیوبی است که متمایل به فروافتادن است .

۶-۴-۱- نزد خداوند پست و بی ارزش است

«۸۹۶» از دنیا برحذر باشید! چرا که آن خانه ی کندن و گذر است و خانه ی آسایش نیست. خانه ای که نزد صاحبش خوار است.

﴿الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ﴾

﴿٨٩٧﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ مِنْ أُمَّتِي مَنْ لَوْ أَتَى أَحَدَكُمْ يَسْأَلُهُ دِينَاراً لَمْ يُعْطِهِ إِيَّاهُ وَلَوْ سَأَلَهُ دِرْهماً لَمْ يُعْطِهِ إِيَّاهُ وَلَوْ سَأَلَهُ فُلْساً لَمْ يُعْطِهِ إِيَّاهُ وَلَوْ سَأَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْجَنَّةَ أَعْطَاهُ إِيَّاهَا وَلَوْ سَأَلَهُ الدُّنْيَا لَمْ يُعْطِهِ إِيَّاهَا وَمَا مَنَعَهُ إِيَّاهَا لِهَوَانِهِ عَلَيْهِ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٨٢

﴿٨٩٨﴾ السَّجَّاد ﷺ: مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَقِيلَ لَهُ مَنْ أَعْظَمَ النَّاسِ خَطَراً فَقَالَ ﷺ: مَنْ لَمْ يَرِ الدُّنْيَا خَطَراً لِنَفْسِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٣٥

١-٧-٤-٧- الإِسْتِخْفَافُ

﴿٨٩٩﴾ صحيفه ادريس نبي ﷺ: وَاسْتَخِفَّ بِالْأَنْسَابِ الْوِلَادِيَّةِ وَالْأَسْبَابِ الدُّنْيَوِيَّةِ الَّتِي تَنْقَطِعُ فِي الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٧١

١-٧-٥- الْقِلَّةُ وَالْيُسْرُ

١-٧-٥-١- بَقَاءُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ

﴿٩٠٠﴾ الكاظم ﷺ: وَخَلَقَ خَلْقَهُ لِلْفَنَاءِ أَسْكَنَهُمْ دُنْيَا سَرِيعاً زَوَّالَهَا قَلِيلاً بَقَاؤُهَا وَجَعَلَ لَهُمْ مَرْجِعاً إِلَى دَارِ لَا زَوَالَ لَهَا وَلَا فَنَاءٍ؛ بحار الأنوار، ج ٤٨، ص ١٣٤

١-٧-٥-٢- الْقِلَّةُ

﴿٩٠١﴾ الصادق ﷺ: وَلَا تَأْسَ عَلَى مَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ قَلِيلَ الدُّنْيَا لَا يَدُومُ بَقَاؤُهُ؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٤٢٥

﴿٩٠٢﴾ لقمان ﷺ: يَا بُنَيَّ اعْلَمْ أَنَّ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَعُمْرُكَ مِنْهَا قَلِيلٌ مِنْ قَلِيلٍ وَيَقَرُّ مِنَ الْقَلِيلِ قَلِيلٌ؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٣

﴿٩٠٣﴾ لقمان ﷺ: يَا بُنَيَّ إِنَّ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَعُمْرُكَ قَصِيرٌ؛ قصص الأنبياء للراوندي، ص ٥

﴿٩٠٤﴾ امير المؤمنين ﷺ: فَإِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ لَكِنَّ مَسْهًا قَاتِلٌ سَمُّهَا فَأَعْرِضْ عَمَّا يُعْجِبُكَ فِيهَا لِقَلَّةِ مَا يَصْحَبُكَ مِنْهَا وَضَعْ عَنْكَ هُمُومَهَا لِمَا آيَقَنْتَ بِهِ مِنْ فِرَاقِهَا وَكُنْ أَنْسَ مَا تَكُونُ بِهَا أَحْذَرُ مَا تَكُونُ مِنْهَا فَإِنَّ صَاحِبَهَا كُلَّمَا أَطْمَأَنَّ فِيهَا إِلَى سُرُورٍ أَشْخَصَتْهُ عَنْهُ إِلَى مَحْذُورٍ أَوْ إِلَى إِيْنَاسٍ أَرَاثَتْهُ عَنْهُ إِلَى إِيْحَاشٍ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٤٨٤

﴿٩٠٥﴾ جبرئيل ﷺ: أَنَّ جَبْرَائِيلَ قَالَ لِنُوحٍ ﷺ: يَا أَطْوَلَ الْأَنْبِيَاءِ عُمُراً كَيْفَ وَجَدْتَ الدُّنْيَا قَالَ كَذَّارٌ لَهَا بَابَانِ دَخَلْتُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَخَرَجْتُ مِنَ الْآخَرِ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣١

﴿٣٣٨﴾

«دنیای بی ارزش»

«۸۹۷» بعضی از امت من کسانی هستند که اگر به یکی از شما مراجعه کند و از او نیازی بخواهد، به او نمی‌دهد و اگر درهمی بخواهد باز هم نمی‌دهد و اگر فلسی درخواست کند باز هم نمی‌دهد! در صورتی که اگر از خداوند متعال بهشت را درخواست کند به او می‌دهد و اگر دنیا را از خداوند بخواهد به او نمی‌دهد، و عطا نکردن دنیا به خاطر پستی دنیا در نزد خداوند است.

«۸۹۸» آن که شخصیت خود را گرامی و محترم داشت؛ دنیا در نظرش پست و بی‌مقدار گشت. به امام سجّاد علیه السلام عرض شد: «ارزش چه کسی از همه مردم بیشتر است؟» فرمود: «کسی که دنیا را برای خود ارزشمند نداند».

۷-۴-۱- کوچک شمردن

«۸۹۹» نسب‌های فرزندی و سبب‌های دنیوی را کوچک بشمار که در آخرت قطع می‌شود و ثابت نمی‌ماند.

۵-۷-۱- اندک و کم اهمیت بودن

۱-۷-۵-۱- پایداری دنیا اندک است

«۹۰۰» موجودات جهان را فانی آفرید. آن‌ها را در دنیای زودگذر ساکن کرد که بقایش مدت کمی است. ولی بازگشت ایشان را به جهانی پایدار که زوال و فناپی در آن نیست، منتهی فرمود.

۲-۷-۵-۱- کمی

«۹۰۱» و بر آنچه از دنیا بر تو گذشته ناامید نباش. پس بهره‌ی اندک دنیا پایدار نمی‌ماند.

«۹۰۲» پسر! بدان که دنیا کوتاه است و عمر تو اندک، بنابراین از اندک فقط اندک حاصل می‌شود.

«۹۰۳» پسر، دنیا اندک و عمر تو کوتاه است.

«۹۰۴» دنیا همچون ماری است که پوستی نرم و زهری کشنده دارد، پس از جاذبه‌های فریبنده‌ی آن روی بگردان، زیرا زمان کوتاهی در آن خواهی ماند و اندوه آن را از سر بیرون کن چراکه یقین به جدایی و دگرگونی حالات آن داری و زمانی که به دنیا خو گرفته‌ای بیشتر بترس، چراکه دنیاپرست زمانی که به خوشگذرانی اطمینان کرد، زود دنیا او را به تلخ‌کامی کشاند و هرگاه که به دنیا انس گرفت و آسوده شد، ناگهان به وحشت دچار گشت.

«۹۰۵» جبرئیل به حضرت نوح علیه السلام گفت: «ای پیامبری که از همه پیامبران عمر بیشتری کردی، دنیا را چگونه دیدی؟» فرمود: «همچون خانه‌ای که دو در دارد، از دری وارد و از دری خارج شدم».

﴿الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ﴾

﴿٩٠٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَثْرَةُ الدُّنْيَا قَلَّةٌ وَعِزُّهَا ذَلَّةٌ وَزَخَارِفُهَا مُضِلَّةٌ وَمَوَاهِبُهَا فِتْنَةٌ؛

غررالحكم، ص ١٢٩

٣-٥-٧-١- القليل

﴿٩٠٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتَافَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ؛ (التوبة / ٣٨)

﴿٩٠٨﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كُتِبَ عَلَيْنَا الْقِتَالُ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا؛ (النساء / ٧٧)

﴿٩٠٩﴾ يَا عِيسَى... فَإِيَّاكَ وَالدُّنْيَا فَكُلْ نَعِيمَهَا يَزُولُ وَمَا نَعِيمُهَا إِلَّا قَلِيلٌ؛ أعلام الدين،

ص ٢٣١

﴿٩١٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَهِيَ الْكُنُودُ الْعُنُودُ وَالصَّدُودُ الْجَحُودُ وَالْحَيُودُ الْمَيُودُ حَالُهَا انْتِقَالٌ وَسُكُونُهَا زَلْزَالٌ وَعِزُّهَا ذُلٌّ وَجِدُّهَا هَزَلٌ وَكَثْرَتُهَا قُلٌّ وَعُلُوُّهَا سِفْلٌ أَهْلُهَا عَلَى سَاقٍ وَسَيَاقٍ وَلِحَاقٍ وَفِرَاقٍ وَهِيَ دَارُ حَرْبٍ وَسَلْبٍ وَنَهْبٍ وَعَطَبٍ؛ غررالحكم، ص ١٢٧

﴿٩١١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا خَيْرُهَا زَهِيدٌ وَشَرُّهَا عَتِيدٌ وَلَذَّتْهَا قَلِيلَةٌ وَحَسَرَتُهَا طَوِيلَةٌ تَشُوبُ نَعِيمَهَا بُؤْسٌ وَتَقْرِنُ سُعُودَهَا بِنُحُوسٍ وَتَصِلُ نَفْعَهَا بِضُرٍّ وَتَمْرُجُ حُلُوهَا بِمُرٍّ؛ غررالحكم، ص ١٣١

﴿٩١٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا مَتَاعٌ أَيَّامٌ قَلَالٌ ثُمَّ تَزُولُ كَمَا يَزُولُ السَّرَابُ وَتَقْشَعُ كَمَا يَقْشَعُ السَّحَابُ [وَتَقْشَعُ كَمَا يَقْشَعُ السَّحَابُ]؛ غررالحكم، ص ١٣٤

﴿٩١٣﴾ الرسول ﷺ: مَا الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مِثْلُ مَا يَجْعَلُ أَحَدُكُمْ إِصْبَعَهُ فِي الْيَمِّ فَلْيَنْظُرْ بِمِ يَرْجِعُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١١٩

﴿٩١٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَحَذِّرْكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا حُلُوهٌ خَصِرَةٌ حُقَّتْ بِالشَّهَوَاتِ وَرَاقَتْ بِالْقَلِيلِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١١٢

«دنیای بی ارزش»

﴿۹۰۶﴾ بسیاری دنیا کمی و عزّت آن خواری است. و آرایش‌های آن گمراه‌کننده و بخشش‌های آن فتنه است.

۳-۵-۷-۱- اندک

﴿۹۰۷﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا هنگامی که به شما گفته می‌شود: «به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید!» بر زمین سنگینی می‌کنید [و سستی به خرج می‌دهید]؟! آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده‌اید؟! با اینکه متاع زندگی دنیا، در برابر آخرت، جز اندکی نیست!

﴿۹۰۸﴾ آیا ندیدی کسانی را که [در مکه] به آن‌ها گفته شد: «فعلاً دست از جهاد بدارید! و نماز را برپا کنید! و زکات بپردازید!»! [اما آن‌ها از این دستور، ناراحت بودند]، ولی هنگامی که [در مدینه] فرمان جهاد به آن‌ها داده شد، جمعی از آنان، از مردم می‌ترسیدند، همان‌گونه که از خدا می‌ترسند، بلکه بیشتر! و گفتند: «پروردگارا! چرا جهاد را بر ما مقرر داشتی؟! چرا این فرمان را تا زمان نزدیکی تأخیر نینداختی!»؟! به آن‌ها بگو: «سرمایه‌ی زندگی دنیا، ناچیز است! و سرای آخرت، برای کسی که پرهیزگار باشد، بهتر است! و به اندازه رشته شکاف هسته خرمایی، به شما ستم نخواهد شد!»!

﴿۹۰۹﴾ پس از دنیا بر حذر باش که هر نعمتی در آن از بین رفتنی است و تمام نعمت‌های دنیا اندک است.

﴿۹۱۰﴾ به‌درستی که دنیا ناسپاس، حق‌شناس، دشمنی حيله‌گر، پشت‌کننده‌ای سرگردان، حالاتش متزلزل، سکونش متزلزل، و عزّتش خواری، تلاشش بیهوده و زیاد آن کم و بلندی آن سقوط است. سرمنشأ ناآرامی است، جایگاه ملاقات‌ها و جدایی‌هاست و خانه‌ی جنگ و غارتگری، تبهکاری و هلاکت است.

﴿۹۱۱﴾ نیکی‌های دنیا اندک و بدی‌های آن مهیا [و همیشگی] است، لذت‌های آن کم و حسرت‌های آن طولانی است، نعمت‌های آن به سختی آغشته و نیک‌بختی آن با نحسی همراه است، منافع آن ختم به ضرر شده و شیرینی آن با تلخی مخلوط می‌شود.

﴿۹۱۲﴾ به‌درستی که دنیا متاعی است که بعد از چند روز اندک مانند از بین رفتن سراب، از بین می‌رود و مانند پراکنده شدن ابرها، پراکنده می‌گردد.

﴿۹۱۳﴾ دنیا در برابر آخرت مانند این است که یکی از شما انگشتان خود را به دریا فرو برد و بنگرد چه اندازه آب برمی‌دارد.

﴿۹۱۴﴾ من شما را از دنیای حرام می‌ترسانم! زیرا در کام، شیرین و در دیده‌ی انسان، سبز و رنگارنگ است. در شهوات و خواهش‌های نفسانی، پوشیده شده و با متاع اندک زیبا جلوه می‌کند.

﴿الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ﴾

٤-٥-٧-١-اليسيرُ

﴿٩١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَوْقَاتُ الدُّنْيَا وَإِنْ طَالَتْ قَصِيرَةٌ وَالْمُتَعَةُ بِهَا وَإِنْ كَثُرَتْ يَسِيرَةٌ؛

غررالحكم، ص ١٣٣

﴿٩١٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا عَيْشُهَا قَصِيرٌ وَخَيْرُهَا يَسِيرٌ وَإِقْبَالُهَا خَدِيعَةٌ وَإِدْبَارُهَا فَجِيعَةٌ وَلَذَاتُهَا فَانِيَةٌ وَتَبَعَاتُهَا بَاقِيَةٌ؛ غررالحكم، ص ١٢٧

٥-٧-١-خَطَرُهَا يَسِيرُ

﴿٩١٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خَطَرُ الدُّنْيَا يَسِيرٌ وَحَاصِلُهَا حَقِيرٌ وَبُهْجَتُهَا زُورٌ وَمَوَاهِبُهَا

غُرُورٌ؛ غررالحكم، ص ١٢٨

﴿٩١٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَقُولُ يَا دُنْيَا يَا دُنْيَا إِلَيْكَ عَنِّي أَبَى تَعَرَّضْتُ أُمٍّ إِلَى تَشَوَّقَتِ لَأَ حَانَ حِينُكَ هَيْهَاتَ غُرَى غَيْرِي لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ وَقَدْ طَلَّقْتُكَ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ فِيهَا فَعَيْشُكَ قَصِيرٌ وَخَطَرُكَ يَسِيرٌ وَأَمْلَكَ حَقِيرٌ أَهْ مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ وَطُولِ الطَّرِيقِ وَبُعْدِ السَّفَرِ وَعَظِيمِ الْمَوْرِدِ وَخُشُونَةِ الْمَضْجَعِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ٢٨٤

٦-٧-١-القصرُ

١-٦-٧-١-القَصِيرُ

﴿٩١٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا عَيْشُهَا قَصِيرٌ وَخَيْرُهَا يَسِيرٌ وَإِقْبَالُهَا خَدِيعَةٌ وَإِدْبَارُهَا

فَجِيعَةٌ وَلَذَاتُهَا فَانِيَةٌ وَتَبَعَاتُهَا بَاقِيَةٌ؛ غررالحكم، ص ١٢٧

﴿٩٢٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَأَكْثَرُوا عِبَادَ اللَّهِ اجْتِهَادَكُمْ فِيهَا بِالتَّزَوُّدِ مِنْ يَوْمِهَا الْقَصِيرِ لِيَوْمِ الْآخِرَةِ الطَّوِيلِ فَإِنَّهَا دَارُ الْعَمَلِ وَالْدَّارُ الْآخِرَةُ دَارُ الْقَرَارِ وَالْجَزَاءِ فَتَجَافَوْا عَنْهَا؛ بحار الأنوار،

ج ٧٥، ص ١٩

٢-٦-٧-١-القَصِيرَةُ

﴿٩٢١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَوْقَاتُ الدُّنْيَا وَإِنْ طَالَتْ قَصِيرَةٌ وَالْمُتَعَةُ بِهَا وَإِنْ كَثُرَتْ يَسِيرَةٌ؛

غررالحكم، ص ١٣٣

٣-٦-٧-١-قَصِيرَةُ الْعُمُرِ

﴿٩٢٢﴾ عيسى عليه السلام: الدُّنْيَا قَصِيرَةٌ الْعُمُرُ طَوِيلَةٌ الْأَمَلُ... أَبَى تَغْتَرُونَ أُمٍّ عَلَى تَجْتَرُونَ وَتَطْبِئُونَ

بِالطَّيِّبِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا؛ الكافي، ج ٨، ص ١٣٨

﴿٣٤٢﴾

«دنیای بی ارزش»

۴-۵-۷-۱- اندک

«۹۱۵» اوقات دنیا هرچند دراز باشد اما کوتاه است و بهره‌های دنیایی اگرچه بسیار باشد، اندک است.

«۹۱۶» زندگی در دنیا کوتاه و خیر دنیا اندک است، و اقبال دنیا [به انسان] نوعی نیرنگ و پشت کردن دنیا فاجعه است. لذت‌های دنیا فانی و تبعات آن (کردار بد) که در قیامت گریبان گیر می‌شود، باقی است.

۵-۵-۷-۱- کم اهمّیت

«۹۱۷» ارزش دنیا اندک، ثمره‌ی آن ناچیز، شادمانی آن دروغین و بخشش‌های آن فریب است.

«۹۱۸» ای دنیا! از من دور شو! به طرف من روی آورده‌ای و یا به من اشتیاق پیدا کرده‌ای؟! تو نمی‌توانی مرا فریب دهی. برو دیگری را گول بزن که من نیازی به تو ندارم و تو را سه طلاقه کرده‌ام و برگشتی هم نیست. ای دنیا زندگی در تو کوتاه و سودت اندک و آرزوهایت ناچیز است. آه که نتوانستم زاد و توشه‌ی زیادی تهیّه کنم؛ راه بسیار دور است و سفر به درازا می‌کشد، باید برای روزی که نزدیک است خود را آماده ساخت و از سختی جا هراسید.

۶-۷-۱- کوتاهی

۱-۶-۷-۱- کوتاه

«۹۱۹» زندگی در دنیا کوتاه و خیر دنیا اندک است، و اقبال دنیا [به انسان] نوعی نیرنگ و پشت کردن دنیا فاجعه است. لذت‌های دنیا فانی و تبعات آن (کردار بد) که در قیامت گریبان گیر می‌شود، باقی است.

«۹۲۰» هرچه می‌توانید در روزهای کوتاه دنیا جدّیت کنید و برای روز طولانی آخرت توشه بگیرید. زیرا دنیا سرای عمل و آخرت پایگاه پایدار و پاداش است. از دنیا جانب تهی کنید.

۲-۶-۷-۱- کوتاه

«۹۲۱» اوقات دنیا هرچند دراز باشد اما کوتاه است و بهره‌های دنیایی اگرچه بسیار باشد، اندک است.

۳-۶-۷-۱- دارای عمر کوتاه

«۹۲۲» خداوند به عیسی علیه السلام فرمود: ... عمر دنیا کوتاه و آرزوهایش بلند است... آیا نسبت به من تکبر و غرور می‌ورزید یا اینکه در مقابل من جسور شده‌اید؟! و خویش را برای اهل دنیا با عطر و مُشک خوشبو می‌سازید.

﴿الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ﴾

٧-٧-١- الصَّغَرُ

﴿٩٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَلْتَكُنِ الدُّنْيَا فِي أَغْنِيكُمْ أَصْغَرَ مِنْ حُثَالَةِ الْقَرْظِ وَفَرَاصَةِ الْجَلَمِ وَاتَّعِظُوا بِمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ قَبْلَ أَنْ يَتَّعِظَ بِكُمْ مَنْ بَعْدَكُمْ وَارْضَوْهَا ذَمِيمَةً فَإِنَّهَا قَدْ رَفَضَتْ مَنْ كَانَ أَشْغَفَ بِهَا مِنْكُمْ؛ نهج البلاغة، ص ٧٦

﴿٩٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا أَصْغَرُ وَأَحْقَرُ وَأَنْزَرُ مِنْ أَنْ تُطَاعَ فِيهَا الْأَحْقَادُ؛ غررالحكم،

ص ١٤٢

﴿٩٢٥﴾ الباقر عليه السلام: وَقِيلَ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ مَنْ أَعْظَمَ النَّاسَ قَدْرًا قَالَ مَنْ لَمْ يُبَالِ الدُّنْيَا فِي يَدِ مَنْ كَانَتْ فَمَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ صَغُرَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ وَمَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ كَبُرَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ؛ جامع الأخبار، ص ١٠٩

٨-٧-١- الضَّعْفُ

﴿٩٢٦﴾ العسكري عليه السلام: وَجَدْتُ الدُّنْيَا حَيَاتَهَا مَوْتًا وَغَنَاهَا فَقْرًا وَفَرَحَهَا تَرَحًّا وَصِحَّتَهَا

سُقْمًا وَقُوَّتَهَا ضَعْفًا وَعِزَّهَا ذُلًّا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٨٣

١-٧-٨-١- الرَّمُّ

﴿٩٢٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خَلُوْ الدُّنْيَا صَبْرٌ وَغِذَاؤُهَا سِمَامٌ وَأَسْبَابُهَا رِمَامٌ؛ غررالحكم، ص ١٢٨

﴿٩٢٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: غِذَاءُ الدُّنْيَا سِمَامٌ وَأَسْبَابُهَا رِمَامٌ؛ غررالحكم، ص ١٤٣

٢-٧-٨-١- سِنَادُ مَائِلٌ

﴿٩٢٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا وَهْنٌ مَطْلَبُهَا رِنَقٌ مَشْرِبُهَا رَدَغٌ مَشْرَعُهَا غُرُورٌ مَاحِلٌ وَ

سَمٌّ قَاتِلٌ وَسِنَادُ مَائِلٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١١٦

﴿٩٣٠﴾ فَإِنَّ الدُّنْيَا لَا يَدُومُ نَعِيمُهَا وَلَا تُؤْمَنُ فَجَائِعُهَا غُرُورٌ حَائِلٌ وَشَيْخٌ فَائِلٌ وَسِنَادُ مَائِلٌ وَ

نَعِيمٌ زَائِلٌ وَجِيدٌ عَاطِلٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦٥

٩-٧-١- الْفَقْرُ

١-٧-٩-١- الْفَقْرُ

﴿٩٣١﴾ العسكري عليه السلام: وَجَدْتُ الدُّنْيَا حَيَاتَهَا مَوْتًا وَغَنَاهَا فَقْرًا وَفَرَحَهَا تَرَحًّا وَصِحَّتَهَا

سُقْمًا وَقُوَّتَهَا ضَعْفًا وَعِزَّهَا ذُلًّا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٨٣

﴿٣٤٤﴾

«دنیای بی‌ارزش»

۱-۷-۷-۱- کوچکی

«۹۲۳» ای مردم باید دنیا در چشمانتان از پر کاه خشکیده و تفاله‌های قیچی‌شده‌ی دامداران، بی‌ارزش‌تر باشد. از پیشینیان خود پند بگیرید، پیش از آن که آیندگان از شما پند بگیرند این دنیای فاسد نکوهش‌شده را رها کنید، زیرا مشتاقان شیفته‌تر از شما را رها کرد.

«۹۲۴» دنیا کوچک‌تر و خوارتر و بی‌ارزش‌تر از آن است که به خاطر آن از کینه‌ها پیروی شود.

«۹۲۵» به امام باقر علیه السلام گفته شد: «جایگاه چه کسی بالاتر است؟» فرمود: «کسی که برایش مهم نیست که دنیا در دستان کیست. کسی که نفسش برایش مهم است، دنیا در چشمش کوچک و هرکسی که نفسش برایش بی‌ارزش است، دنیا در چشمش بزرگ جلوه می‌کند».

۱-۷-۸-۱- ضعف

«۹۲۶» دریافتم که حیات دنیا مرگ و غنای آن فقر و شادی آن اندوه و سلامتی آن بیماری و قوت آن ضعف و عزت آن خواری است.

۱-۷-۸-۱-۱- پوسیدگی

«۹۲۷» شیرینی و [لذات] دنیا تلخ و غذاهای آن، چون سم کشنده و اسباب و علل آن پوسیده [و غیرقابل اعتماد است].

«۹۲۸» خورش دنیا زهرها و اسباب آن ریسمان کهنه‌هاست.

۱-۷-۸-۲- تکیه‌گاه معیوب

«۹۲۹» طلب دنیا وهن و نوشیدن از آن کدر است و رودخانه‌اش گل و لای فراوان به همراه دارد؛ فریبی است که با سخن‌چینی نیرنگ می‌زند و سمی کشنده دارد و معیوبی است که متمایل به فروافتادن است.

«۹۳۰» نعمت دنیا دوامی ندارد و ضمانتی در مقابل فجایع و دشواری‌هایش نیست. فریبی است که از واقعیت بازمی‌دارد و سایه‌ای ضعیف و تکیه‌گاهی کج شده و نعمتی فناپذیر و گروهی بیهوده‌گرا است.

۱-۷-۹-۱- فقر

۱-۷-۹-۱-۱- فقر

«۹۳۱» دریافتم که حیات دنیا مرگ و غنای آن فقر و شادی آن اندوه و سلامتی آن بیماری و قوت آن ضعف و عزت آن خواری است.

﴿الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ﴾

﴿٩٣٢﴾ السَّجَادُ عليه السلام: مَنْ أَصَابَ مِنَ الدُّنْيَا أَكْثَرَ كَانَ فِيهَا أَشَدَّ فَقْرًا... وَ يَفْتَقِرُ إِلَى كُلِّ آلَةٍ مِنْ آَلَاتِ الدُّنْيَا فَلَيْسَ فِي غِنَى الدُّنْيَا رَاحَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٩٢
٩-٧-١-٢ - فَقْرٌ مُنْسِيٌّ

﴿٩٣٣﴾ الرسول ﷺ: وَمَا يَنْتَظِرُ أَحَدُكُمْ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا غَنًى مُطْغِيًا أَوْ فَقْرًا مُنْسِيًا أَوْ مَرَضًا مُفْسِدًا أَوْ هَرَمًا مُنْقِدًا أَوْ مَوْتًا مُجْهِزًا؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٥٨
١٠-٧-١- البُغْضُ

﴿٩٣٤﴾ الرسول ﷺ: مَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الدُّنْيَا خَلَقَهَا ثُمَّ أَغْرَضَ عَنْهَا فَلَمْ يَنْظُرْ إِلَيْهَا وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهَا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الْإِيمَانِ بِهِ وَ تَرَكِ مَا أَمَرَ بِتَرْكِهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٩

﴿٩٣٥﴾ الرسول ﷺ: إِنْ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لَمْ يَخْلُقْ خَلْقًا أَبْغَضَ إِلَيْهِ مِنَ الدُّنْيَا؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٢٩
١١-٧-١- اللَّعْنُ

١-٧-١١-١- الدُّنْيَا الْمَلْعُونَةُ

﴿٩٣٦﴾ السَّجَادُ عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ الدُّنْيَا دُنْيَا أَنْ دُنْيَا بَلَاغٍ وَ دُنْيَا مَلْعُونَةٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٠

﴿٩٣٧﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنْ الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ مَلْعُونٌ مَا فِيهَا إِلَّا مَا ابْتُغِيَ بِهِ وَجْهُ اللَّهِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٥٥

﴿٩٣٨﴾ الصادق عليه السلام: إِنْ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ فِي مُنَاجَاتِهِ لِمُوسَى عليه السلام: إِنْ الدُّنْيَا دَارُ عُقُوبَةٍ عَاقَبْتُ فِيهَا آدَمَ عِنْدَ خَطِيئَتِهِ وَ جَعَلْتُهَا مَلْعُونَةً مَلْعُونٌ مَا فِيهَا إِلَّا مَا كَانَ فِيهَا لِي؛ ثواب الأعمال، ص ٢٢٠
١٢-٧-١- اللَّهْوُ وَ اللَّعِبُ

١-٧-١٢-١- اللَّهْوُ

﴿٩٣٩﴾ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ هُوَ وَ لِلدَّارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ؛ (الأنعام / ٣٢)

﴿٩٤٠﴾ وَ مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا هُوَ وَ لَعِبٌ وَ إِنْ الدَّارُ الْآخِرَةُ هِيَ الْحَيَاةُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ؛ (العنكبوت / ٦٤)

﴿٩٤١﴾ إِنَّا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ هُوَ وَ إِنْ تُوْمِنُوا وَ تَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَ لَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ؛ (محمد / ٣٦)

«دنیای بی ارزش»

«۹۳۲» کسی که از دنیا بیشتر به دست آورد، نیازش بیشتر خواهد شد... چراکه او به هر وسیله‌ای از وسایل دنیا نیازمند است. پس در بی‌نیازی دنیا آسایش نیست.

۹-۷-۲-۱- فقری که فراموشی می‌آورد

«۹۳۳» از دنیا چه انتظار دارید، جز غنایی که طغیان آورد یا فقری که فراموشی آورد یا مرضی که فساد آورد یا پیری‌ای که زبونی آورد یا مرگی که به سرعت از پا درآورد.

۱۰-۷-۱- منفور بودن

«۹۳۴» هیچ چیز نزد خدا منفورتر از دنیا نیست، چون آن را آفرید و از آن روی گرداند و به آن توجهی نرمود و تا قیامت نیز نخواهد کرد. همچنین هیچ چیز نزد خدا از ایمان و ترک چیزهایی را که ترک آن را خواسته است، محبوب‌تر نیست.

«۹۳۵» خداوند متعال مخلوقی منفورتر از دنیا در نزد خود نیافریده است.

۱۱-۷-۱- نفرین شدن، طرد شدن

۱-۷-۱۱-۱- دنیای نفرین شده

«۹۳۶» دوستی دنیا سرچشمه‌ی همه گناهان است و دنیا دوگونه است: دنیایی که در حدّ کفایت است و دنیایی که نفرین شده است.

«۹۳۷» ای ابوذر! دنیا از رحمت خداوند دور است و هر چیزی که در آن باشد از رحمت خداوند دور است مگر آنکه برای خداوند طلب شود.

«۹۳۸» خدای عزّ و جل در مناجاتش با موسی علیه السلام فرمود: «دنیا محلّ عقوبت است که آدم علیه السلام را وقتی که خطا کرد، در دنیا عقوبت کردم. من دنیا را دور از رحمت خود قرار دادم و هر چیزی در دنیا که برای خاطر من نباشد، ملعون و دور از رحمت من است».

۱۲-۷-۱- سرگرمی و بازی

۱-۷-۱۲-۱- سرگرمی

«۹۳۹» زندگی دنیا، چیزی جز بازی و سرگرمی نیست! و سرای آخرت، برای آن‌ها که پرهیزگارند، بهتر است! آیا نمی‌اندیشید؟!

«۹۴۰» این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست و زندگی واقعی سرای آخرت است، اگر می‌دانستند!

«۹۴۱» زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی است و اگر ایمان آورید و تقوا پیشه کنید، پادشاه‌های شما را می‌دهد و اموال شما را نمی‌طلبد.

﴿الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ﴾

﴿٩٤٢﴾ اَعْلَمُوا أَنَّ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَهُوَ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ؛ (الحديد / ٢٠)

﴿٩٤٣﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ غَرَّتْنَا وَاشْتَغَلَّتْنَا وَاسْتَهْوَتْْنَا وَاسْتَلْهَتْْنَا وَاسْتَعْوَتْْنَا؛

بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٧٢

﴿٩٤٤﴾ الباقر ﷺ: يَا جَابِرُ مَنْ دَخَلَ قَلْبُهُ خَالِصُ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ شُغِلَ عَمَّا فِي الدُّنْيَا مِنْ زِينَتِهَا إِنْ زِينَةُ الدُّنْيَا إِنَّمَا هُوَ لَعِبٌ وَلَهُوَ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ١٦٥

﴿٩٤٥﴾ السَّجَاد ﷺ: فَاحْذَرُوا زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَغُرُورَهَا وَشُرُورَهَا وَتَذَكَّرُوا ضَرَرَ عَاقِبَةِ الْمَيْلِ إِلَيْهَا فَإِنَّ زِينَتَهَا فِتْنَةٌ وَحُبُّهَا خَطِيئَةٌ... وَيُلْهِى عَنِ اقْتِرَابِ الْأَجَلِ حَتَّى كَأَنَّ الْمُبْتَلَى بِحُبِّ الدُّنْيَا بِهِ خَبِلَ مِنْ سُكْرِ الشَّرَابِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٢٨

١-١٢-٢- التَّلَاعُبُ

﴿٩٤٦﴾ السَّجَاد ﷺ: لَا تَرْكَبُوا إِلَى مَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا رُكُونَ مَنْ أَعَدَّهَا دَارًا وَقَرَارًا بِاللَّهِ إِنْ لَكُمْ مِمَّا فِيهَا عَلَيْهَا دَلِيلًا مِنْ زِينَتِهَا وَتَصْرِيفِ أَيَّامِهَا وَتَغْيِيرِ انْقِلَابِهَا وَتَمَلُّاتِهَا وَتَلَاعُبِهَا بِأَهْلِهَا؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٤٨

١-١٢-٣- الْهَزَلُ

﴿٩٤٧﴾ امير المؤمنين ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا لَهِيَ الْكُنُودُ الْعُنُودُ وَالصَّدُودُ الْجَحُودُ وَالْحَيُودُ الْمَيُودُ حَالُهَا انْتِقَالٌ وَسُكُونُهَا زَلْزَالٌ وَعِزُّهَا ذُلٌّ وَجَدُّهَا هَزَلٌ وَكَثْرَتُهَا قُلٌّ وَعُلُوُّهَا سُفْلٌ أَهْلُهَا عَلَى سَاقٍ وَسَيِّاقٌ وَلِحَاقٌ وَفِرَاقٌ وَهِيَ دَارُ حَرْبٍ وَسَلْبٍ وَنَهْبٍ وَعَطَبٍ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

﴿٩٤٨﴾ امير المؤمنين ﷺ: إِنَّ جِدَّ الدُّنْيَا هَزَلٌ وَعِزُّهَا ذُلٌّ وَعُلُوُّهَا سُفْلٌ؛ غرر الحكم، ص ١٢٨

١-١٢-٤- ضَحْكَةٌ مُسْتَعْبِرٌ

﴿٩٤٩﴾ امير المؤمنين ﷺ: الدُّنْيَا ضَحْكَةٌ مُسْتَعْبِرٌ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

١-١٢-٥- جِيدٌ عَاطِلٌ

﴿٩٥٠﴾ امير المؤمنين ﷺ: فَإِنَّ الدُّنْيَا لَا يَدُومُ نَعِيمُهَا وَلَا تَوْمَنُ فَجَائِعُهَا غُرُورٌ حَائِلٌ وَشَبَحٌ

فَائِلٌ وَسِنَادٌ مَائِلٌ وَنَعِيمٌ زَائِلٌ وَجِيدٌ عَاطِلٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦٥

﴿٣٤٨﴾

﴿دنیای بی ارزش﴾

﴿۹۴۲﴾ بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخر فروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرومی برد، سپس خشک می شود به گونه ای که آن را زرد رنگ می بینی سپس تبدیل به کاه می شود! و در آخرت، عذاب شدید است یا مغفرت و رضای الهی و [به هر حال] زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست!

﴿۹۴۳﴾ دنیا ما را مغرور و به خود مشغول ساخته و هوایی کرده است و ما را به لهو و بازی واداشته و اغوا کرده است.

﴿۹۴۴﴾ ای جابر! هر کس پاکی حقیقت ایمان بر دلش وارد شود، دیگر کمتر توجهی به هیچ زیور دنیایی نخواهد کرد. به راستی زیور دنیا فقط و فقط بازی و سرگرمی است.

﴿۹۴۵﴾ پس از خوشی های نقد دنیا و فریب و آسایش بر حذر باشید و هوشیار! و سرانجام زیانبار میل به دنیا را به خاطر بیاورید؛ که بی شک زیور و زینت دنیا فتنه است و دل دادن به آن گناه!... گویا فرد گرفتار دوستی دنیا دارای یک گنجی و سرگشتگی همچون مستی شراب است.

۲-۱۲-۷-۱- به بازی گرفتن

﴿۹۴۶﴾ به آنچه در این سراسر مانند کسی که آن را خانه ای ابدی و قرارگاه همیشگی ساخته اعتماد نکنید و به خدا سوگند، برای شما آنچه در دنیاست بر علیه خود شهادت می دهد [که عبارتند از:] جلوه گری ظاهرش، دگرگونی انقلابش، موارد عبرت آمیز آن، و بازیگری های با اهلش.

۳-۱۲-۷-۱- بیهوده

﴿۹۴۷﴾ به درستی که دنیا ناسپاس، حق شناس، دشمنی حیلہ گر، پشت کننده ای سرگردان، حالاتش متزلزل، سکونش متزلزل، و عزّتش خواری، تلاشش بیهوده و زیاد آن کم و بلندی آن سقوط است. سرمنشأ ناآرامی است، جایگاه ملاقات ها و جدایی هاست و خانه ی جنگ و غارتگری، تبهکاری و هلاکت است.

﴿۹۴۸﴾ به درستی که جدّ دنیا بازی و عزّت آن خواری و بلندی آن پستی است.

۴-۱۲-۷-۱- خنده ی گریه کنندگان

﴿۹۴۹﴾ دنیا همان چیزی است که کسانی که چشم گریان دارند، بر آن می خندند.

۵-۱۲-۷-۱- گروهی بیهوده گرا

﴿۹۵۰﴾ نعمت دنیا دوامی ندارد و ضمانتی در مقابل فجایع و دشواری هایش نیست. فریبی است که از واقعیّت بازمی دارد و سایه ای ضعیف و تکیه گاهی کج شده و نعمتی فناپذیر و گروهی بیهوده گرا است.

﴿الدُّنْيَا الرَّهَوَانَةُ﴾

١٣-٧-١- الظِّلُّ وَ السَّرَابُ

١-١٣-٧-١- الظِّلُّ

﴿٩٥١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا ظِلُّ الْعَمَامِ وَ حُلْمُ الْمَنَامِ وَ الْفَرَحُ الْمَوْصُولُ بِالْغَمِّ وَ الْعَسَلُ الْمَشُوبُ بِالسَّمِّ، سَلَابَةُ النِّعَمِ أَكَالَةُ الْأَمَمِ جَلَابَةُ النِّقَمِ؛ غرر الحكم، ص ١٢٨

﴿٩٥٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا غُرُورٌ حَائِلٌ وَ ظِلُّ زَائِلٌ وَ سِنَادٌ مَائِلٌ تُصِلُ الْعَطِيَّةَ بِالرِّزْيَةِ وَ الْأُمْنِيَّةَ بِالْمَنِيَّةِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

﴿٩٥٣﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ دَخَلَ عَلَيْهِ عُمَرُ وَ هُوَ عَلَى حَصِيرٍ قَدْ أَثَرَ فِي جَنْبِهِ فَقَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ لَوْ اتَّخَذْتَ فِرَاشًا فَقَالَ مَا لِي وَ لِلدُّنْيَا مَا مَثَلِي وَ مَثَلُ الدُّنْيَا إِلَّا كَرَائِبِ سَارٍ فِي يَوْمٍ صَائِفٍ فَاسْتَظَلَّ تَحْتَ شَجَرَةٍ سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ ثُمَّ رَاحَ وَ تَرَكَهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٦، ص ٢٣٩

﴿٩٥٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا كَظِّلِكَ إِنْ وَقَفْتَ وَقَفَ وَ إِنْ طَلَبْتَهُ بَعُدَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

﴿٩٥٥﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنَّ الدُّنْيَا خَلَقَهَا اللَّهُ بِمَنْزِلَةِ ظِلِّكَ إِنْ طَلَبْتَهُ أَتْبَعَكَ وَ لَا تَلْحَقُهُ أَبَدًا وَ إِنْ تَرَكْتَهُ تَبَعَكَ وَ أَنْتَ مُسْتَرْحِجٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٦٠

﴿٩٥٦﴾ الرضا عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا كَظِلِّ زَائِلٍ، حَلَّ فِيهِ رَاكِبٌ ثُمَّ رَحَلَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٩، ص ١٠٧

﴿٩٥٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا ظِلُّ زَائِلٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

﴿٩٥٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا ظِلُّ الْعَمَامِ وَ حُلْمُ الْمَنَامِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

﴿٩٥٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا يَغُرَّنْكَ مَا أَصْبَحَ فِيهِ أَهْلُ الْغُرُورِ بِالدُّنْيَا فَإِنَّمَا هُوَ ظِلٌّ مَمْدُودٌ إِلَى أَجَلٍ مَحْدُودٍ؛ غرر الحكم، ص ٣٦٧

﴿٩٦٠﴾ المجتبی عليه السلام: يَا أَهْلَ لَذَّةِ دُنْيَا لَا بَقَاءَ لَهَا، إِنْ اغْتَرَّارًا بِظِلِّ زَائِلٍ حُمِقَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ١٩٣

﴿٩٦١﴾ الرسول ﷺ: أَنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَامَ عَلَى حَصِيرٍ فَقَامَ وَ قَدْ أَثَرَ فِي جَسَدِهِ فَقَالُوا لَوْ أَمَرْتَنَا أَنْ نَبْسُطَ لَكَ وَ نَعْمَلَ فَقَالَ مَا لِي وَ لِلدُّنْيَا وَ مَا أَنَا وَ الدُّنْيَا إِلَّا كَرَائِبِ اسْتَظَلَّ تَحْتَ شَجَرَةٍ ثُمَّ رَاحَ أَوْ تَرَكَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٦٨

﴿٩٦٢﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: وَ إِنْ الدُّنْيَا كَظِّلِكَ كَلَّمَا هَمَمْتَ بِهِ ازْدَادَ عَنْكَ بُعْدًا؛ بحار الأنوار، ج ٢٩، ص ٦٣٧

«دنیای بی ارزش»

۱۳-۷-۱- سایه و سراب

۱-۱۳-۷-۱- سایه

«۹۵۱» به درستی که دنیا چون سایه‌ی ابرها و رؤیایی در خواب است [که زود می‌گذرند]، شادی آن به غصه متصل و عسل آن آغشته به سم است، نعمت‌ها را سلب می‌کند و امت‌های گوناگون را در خود می‌بلعد و گرفتاری و نقت را به خود جذب می‌کند.

«۹۵۲» به درستی که دنیا فریب‌دهنده و تغییرباینده است و سایه‌ای است گذرا و تکیه‌گاهی است که فرومی‌ریزد. و عطایای آن به عزا و آرزوها به مرگ ختم می‌گردد.

«۹۵۳» عمر بن خطاب نزد رسول خدا ﷺ آمد درحالی که ایشان بر روی حصیری نشسته بود که بر پهلوی ایشان نیز آثارش نمایان بود، عمر به پیامبر ﷺ عرض کرد: «ای نبی خدا چرا فرشی برای خود تهیه نمی‌کنی؟» پیامبر ﷺ فرمود: «مرا با دنیا چه کار؟! مَثَل من و دنیا حکایت سواره‌ای است که در دل یک روز گرم و سوزان ساعتی در سایه‌ی درختی می‌نشیند و سپس آن را ترک می‌کند».

«۹۵۴» دنیا مانند سایه‌ی توست اگر بایستی می‌ایستد و اگر به دنبالش بروی، دور می‌شود.
«۹۵۵» خداوند متعال دنیا را مانند سایه‌ی تو آفریده که اگر دنبالش کنی مثل تو می‌رود و هرگز به آن نمی‌رسی اما اگر رهایش کنی، او به دنبال تو می‌آید و تو آسوده هستی.
«۹۵۶» دنیا مانند سایه‌ای زایل‌شدنی است که مسافری در آنجا اندکی می‌آساید و بعد از آنجا کوچ می‌کند.

«۹۵۷» دنیا سایه‌ای است که از بین خواهد رفت.
«۹۵۸» دنیا سایه‌ی ابر است و خوابی است که آدمی در خواب می‌بیند (ثبات و بقایی ندارد).
«۹۵۹» مبدا آنچه فریب‌خوردگان دنیا انجام می‌دهند تو را فریب دهد، زیرا آنچه آنان دارند سایه‌ای است که تا یک فرصت محدود گسترده شده است.

«۹۶۰» ای کسانی که طالب لذت دنیا می‌باشید؛ بدانید که لذات باقی نخواهند ماند، آن‌هایی که به یک سایه‌ی رفتنی دل بسته‌اند، نادان می‌باشند.

«۹۶۱» از ابن مسعود روایت شده که رسول خدا ﷺ بر حصیری خوابید و آن حصیر بر بدن مبارک حضرت اثر گذاشت. مسلمانان گفتند: «ای کاش! به ما امر می‌کردی که برای شما فرشی بیندازیم و خدمت کنیم!» فرمود: «مرا با دنیا چه کار؟! مَثَل من و دنیا مانند شخص سواره‌ایست که در زیر آن درخت خواب قیلوله‌ی (کوتاهی) نموده، سپس کوچ کرده و درخت را واگذاشته است».

«۹۶۲» دنیا مانند سایه‌ی توست هر قدر که به آن نزدیک شوی، از تو دور می‌شود.

﴿الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ﴾

٢-١٣-١-٧- السَّرَابُ

﴿٩٦٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا غُرُورٌ حَائِلٌ وَسَرَابٌ زَائِلٌ وَسِنَادٌ مَائِلٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

٣-١٣-١-٧- الشَّبَحُ

﴿٩٦٤﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَاجْتَنِبُوا فِي الطَّلَبِ وَبَادِرُوا بِالْعَمَلِ قَبْلَ مَقْطَعِ النَّهْمَاتِ وَهَازِمِ اللَّذَاتِ وَمُفَرِّقِ الْجَمَاعَاتِ فَإِنَّ الدُّنْيَا لَا يَدُومُ نَعِيمُهَا وَلَا تَوْمَنُ فُجَائِعُهَا غُرُورٌ حَائِلٌ وَشَبَحٌ فَائِلٌ وَسِنَادٌ مَائِلٌ وَنَعِيمٌ زَائِلٌ وَجِدُّ عَاطِلٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦٥

٤-١٣-١-٧- السُّلُوكُ فِي مَفَازَةِ غَيْرَاءِ

﴿٩٦٥﴾ الرسول ﷺ: إِنَّمَا مَثَلِي وَمَثَلُكُمْ وَمَثَلُ الدُّنْيَا كَقَوْمٍ سَلَكَوا مَفَازَةَ غَيْرَاءَ حَتَّى إِذَا لَمْ يَذَرُوا مَا سَلَكَوا مِنْهَا أَكْثَرَ أَمْ مَا بَقِيَ أَنْفَدُوا الزَّادَ وَحَسَرُوا الظُّهْرَ وَبَقُوا بَيْنَ ظَهْرَانِي الْمَفَازَةِ لَا زَادَ وَلَا حَمُولَةَ فَأَيُّقُنُوا بِالْهَلَكَةِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٩، ص ٢٨٦

٥-١٣-١-٧- بِنَاءٌ عَلَى مَوْجِ الْبَحْرِ

﴿٩٦٦﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ ذَا الَّذِي يُبْنِي عَلَى مَوْجِ الْبَحْرِ دَاراً تَلِكُمُ الدُّنْيَا فَلَا تَتَّخِذُوهَا قَرَاراً؛

بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٦

٦-١٣-١-٧- دَارُ خَطَرَاتٍ

﴿٩٦٧﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ شُكُوكٍ وَارْتِيَابٍ وَخَطَرَاتٍ؛ بحار الأنوار، ج ٤، ص ٤٥

٧-١٣-١-٧- فِي الظُّلَالِ

﴿٩٦٨﴾ الباقر عليه السلام: يَا جَابِرُ أَنْزِلِ الدُّنْيَا مِنْكَ كَمَنْزِلِ نَزْلَتِهِ تُرِيدُ التَّحَوُّلَ وَهَلِ الدُّنْيَا إِلَّا دَابَّةٌ رَكِبَتْهَا فِي مَنَامِكَ فَاسْتَيْقَظْتَ وَأَنْتَ عَلَى فِرَاشِكَ غَيْرُ رَاكِبٍ وَلَا أَحَدٌ يَعْصِي بِهَا أَوْ كَثُوبٌ لَبِستُهُ أَوْ كَجَارِيَةٍ وَطِئْتَهَا يَا جَابِرُ الدُّنْيَا عِنْدَ ذَوِي الْأَلْبَابِ كَفَى الظُّلَالِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ١٨٢

٨-١٣-١-٧- فِي زَائِلٍ

﴿٩٦٩﴾ عيسى عليه السلام: فَإِنَّ الدُّنْيَا كَفَى زَائِلٍ وَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا كَمَا أَدْبَرَ؛ الكافي، ج ٨، ص ١٤٠

٩-١٣-١-٧- لَيْسَ فِي الدُّنْيَا نَعِيمٌ حَقِيقِيٌّ

﴿٩٧٠﴾ الرضا عليه السلام: لَيْسَ فِي الدُّنْيَا نَعِيمٌ حَقِيقِيٌّ؛ وسائل الشيعة، ج ٢٤، ص ٢٩٩

«دنیای بی‌ارزش»

۲-۱۳-۱-۷- سراب

«۹۶۳» دنیا فریب‌دهنده‌ی فراگیر، و سرابی زایل‌شونده و تکیه‌گاهی نابودشدنی است.

۳-۱۳-۱-۷- شب

«۹۶۴» بندگان خدا! تقوای خدا را پیشه کنید، در طلب بکوشید و پیش از آنکه علاقه‌ها قطع شود و مرگ فرارسد و پراکنده‌کننده‌ی اجتماعات جلو آید، عمل کنید؛ زیرا نعمت دنیا دوامی ندارد و ضمانتی در مقابل فجایع و دشواری‌هایش نیست. فریبی است که از واقعیت بازمی‌دارد و سایه‌ای ضعیف و تکیه‌گاهی کج شده و نعمتی فناپذیر و گروهی بیهوده‌گرا است.

۴-۱۳-۱-۷- حرکت در مسیری غبار آلود

«۹۶۵» مَثَل من و مَثَل شما و مَثَل دنیا همانند آن قومی است که در بیابانی غبارآلود حرکت می‌کنند به‌طوری‌که نمی‌دانند مقدار راهی که طی کرده‌اند زیاد است یا کم؛ و یا آنچه مانده چقدر است، توشه راه را تمام کرده و خسته شده و در وسط بیابان بدون توشه و راحله مانده و به مردن خود یقین پیدا کرده‌اند.

۵-۱۳-۱-۷- خانه‌ای بر روی موج دریا

«۹۶۶» کیست آن که بر روی موج دریا خانه‌ای را بنا می‌کند؟ این مَثَل دنیاست، پس آن را خانه‌ی آرامش خویش قرار ندهید.

۶-۱۳-۱-۷- خانه‌ی اوهام

«۹۶۷» دنیا خانه‌ی شک‌ها و تردیدها و اوهام است.

۷-۱۳-۱-۷- سایه

«۹۶۸» ای جابر! دنیا را منزل خویش کن، مانند منزلی که در آن ساکن می‌شوی و سپس می‌خواهی از آن کوچ کنی. آیا دنیا جز این است که در خوابت بر حیوانی سوار شده‌ای و چون بیدار می‌شوی تو بر رختخواب هستی و سواره نیستی که هیچ‌کس به آن اعتنا نمی‌کند. و یا دنیا همچون لباس است که آن را می‌پوشی یا زنی که با آن نزدیکی می‌کنی. ای جابر! دنیا در نزد خردمندان و خداشناسان مانند سایه‌ی بعد از ظهر است.

۸-۱۳-۱-۷- سایه‌ی زودگذر

«۹۶۹» دنیا چون سایه‌ای زوال‌پذیر است و آنچه از نعمت‌های دنیا به انسان روی می‌آورد مانند آن‌هایی است که به او پشت کرده‌اند.

۹-۱۳-۱-۷- نعمت حقیقی در دنیا نیست

«۹۷۰» نعمت حقیقی در دنیا نیست.

﴿الدُّنْيَا الرِّهَوَانَةُ﴾

﴿٩٧١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تَرْفَعْ مَنْ رَفَعْتُهُ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤٣

١٤-٧-١- أَحْلَامُ النَّائِمِ

١٤-٧-١-١- الْمَنَامُ

﴿٩٧٢﴾ الصادق عليه السلام: اجْعَلِ الدُّنْيَا مَالًا أَصْبَتْهُ فِي مَنَامِكَ ثُمَّ انْتَبَهْتَ وَ لَيْسَ مَعَكَ مِنْهُ شَيْءٌ هَلْ هُوَ إِلَّا تَوْبٌ تَلْبَسُهُ فَتُلِيهِ أَوْ طَعَامٌ يَعُودُ بَعْدُ إِلَى مَا تَعْلَمُ فَالْعَجَبُ لِقَوْمٍ حُبِسَ أَوْلَاهُمْ عَنْ آخِرِهِمْ ثُمَّ نُودِيَ فِيهِمْ بِالرَّحِيلِ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ يَلْعَبُونَ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٣٠

﴿٩٧٣﴾ الرسول ﷺ: الْمُعْتَبِرُ فِي الدُّنْيَا عَيْشُهُ فِيهَا كَعَيْشِ النَّائِمِ يَرَاهَا وَ لَا يَمَسُّهَا وَ هُوَ يُزِيلُ عَنْ قَلْبِهِ وَ نَفْسِهِ بِاسْتِقْبَاحِهِ مُعَامَلَاتِ الْمَغْرُورِينَ بِهَا مَا يُورِثُهُ الْحِسَابَ وَ الْعِقَابَ وَ يَتَبَدَّلُ بِهَا مَا يَفْرُبُهُ مِنْ رِضَا اللَّهِ وَ عَفْوِهِ...؛ بحار الأنوار، ج ٦٨، ص ٣٢٦

١٤-٧-١-٢- الْمَالُ فِي الْمَنَامِ

﴿٩٧٤﴾ الباقر عليه السلام: فَأَنْزَلَ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ نَزَلَتْ بِهِ وَ ارْتَحَلَتْ عَنْهُ أَوْ كَمَالٍ أَصْبَتْهُ فِي مَنَامِكَ فَاسْتَيْقَظَتْ وَ لَيْسَ مَعَكَ مِنْهُ شَيْءٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٨٥

﴿٩٧٥﴾ الباقر عليه السلام: أَنْزَلَ الدُّنْيَا عِنْدَكَ كَمَنْزِلِ نَزَلَتْهُ ثُمَّ أَرَدَتْ التَّحَوُّلَ عَنْهُ مِنْ يَوْمِكَ أَوْ كَمَالٍ اكْتَسَبَتْهُ فِي مَنَامِكَ وَ لَيْسَ فِي يَدِكَ مِنْهُ شَيْءٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٣٧٤

١٤-٧-١-٣- دَابَّةٌ رَكِبَتْهَا فِي الْمَنَامِ

﴿٩٧٦﴾ الباقر عليه السلام: يَا جَابِرُ أَنْزَلَ الدُّنْيَا مِنْكَ كَمَنْزِلِ نَزَلَتْهُ تُرِيدُ التَّحَوُّلَ وَ هَلِ الدُّنْيَا إِلَّا دَابَّةٌ رَكِبَتْهَا فِي مَنَامِكَ فَاسْتَيْقَظَتْ وَ أَنْتَ عَلَى فِرَاشِكَ غَيْرَ رَاكِبٍ وَ لَا أَحَدٌ يَعْبَأُ بِهَا أَوْ كَثُوبٌ لَبِسَتْهُ أَوْ كَجَارِيَةٍ وَطِئَتْهَا يَا جَابِرُ الدُّنْيَا عِنْدَ ذَوِي الْأَلْبَابِ كَفَى الظَّلَالِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٨٢

١٤-٧-١-٤- حُلُمُ الْمَنَامِ

﴿٩٧٧﴾ الرسول ﷺ: مَا الدُّنْيَا إِلَّا كَحُلُمِ الْمَنَامِ وَ الْمَرءُ بَيْنَ آيِقَاطٍ وَ نِيَامٍ؛ أعلام الدين، ص ٢٧٩

﴿٩٧٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا ظِلُّ الْغَمَامِ وَ حُلُمُ الْمَنَامِ وَ الْفَرَحُ الْمَوْصُولُ بِالْغَمِّ وَ الْعَسَلُ الْمَشُوبُ بِالسَّمِّ، سَلَابَةُ النِّعَمِ أَكَالَةُ الْأَمَمِ جَلَابَةُ النِّقَمِ؛ غرر الحكم، ص ١٢٨

«دنیای بی‌ارزش»

﴿۹۷۱﴾ کسی را که دنیا او را بالا برده، بلندمرتبه مپندار.

۱۴-۷-۱- رؤیا و خواب‌های پریشان

۱-۱۴-۷-۱- خواب و رؤیا

﴿۹۷۲﴾ دنیا را چون مالی بدان که در خواب به دست آوردی و پس از آن بیدار شدی و چیزی در دست نیست. آیا دنیا جز لباسی که تو را بپوشاند و غذایی که بخوری، چیز دیگری است؟ چیزی فراتر از این می‌دانی؟! جای تعجب است حال گروهی که آیندگان اموال آن‌ها را می‌گیرند (به ارث می‌برند) و در میان آنان نوای کوچ سر داده می‌شود [و وقت مرگشان می‌شود] اما همچنان در غفلت و بی‌خبری خود، مشغول و سرگرم [دنیا] هستند.

﴿۹۷۳﴾ زندگی کسی که در دنیا عبرت گرفته مانند زندگی کسی است که در خواب باشد؛ اشیاء و مطالب را می‌بیند، ولی در حقیقت لمس و تماس با آن‌ها ندارد. و چون زشتی و رفتار و روش فریب‌خوردگان دنیا را می‌بیند، از دل و روح خود آنچه را که موجب حساب و کیفر اخروی است (عشق و علاقه به دنیا) جدا می‌سازد و به جای آن، آنچه را که موجب تقرب به خدا و رسیدن به خشنودی و عفو می‌شود، انتخاب می‌کند.

۲-۱۴-۷-۱- دارایی‌ای در خواب

﴿۹۷۴﴾ آن‌گونه در دنیا فرود آی که در منزلی فرود می‌آیی و اندکی بعد می‌خواهی کوچ کنی. یا دنیا را مانند مالی بدان که در خواب کسب کرده‌ای ولی در بیداری چیزی در دست نداری. ﴿۹۷۵﴾ در دنیا مثل کسی باش که وارد آن شده و همان روز قصد رفتن دارد، دنیا را مانند مالی بدان که در خواب کسب کرده‌ای ولی در بیداری چیزی در دست نداری.

۳-۱۴-۷-۱- مرکبی که انسان در خواب بر آن سوار می‌شود

﴿۹۷۶﴾ ای جابر! دنیا را منزل خویش کن، مانند منزلی که در آن ساکن می‌شوی و سپس می‌خواهی از آن کوچ کنی. آیا دنیا جز این است که در خوابت بر حیوانی سوار شده‌ای و چون بیدار می‌شوی تو بر رختخواب هستی و سواره نیستی که هیچ‌کس به آن اعتنا نمی‌کند. و یا دنیا همچون لباس است که آن را می‌پوشی یا زنی که با آن نزدیکی می‌کنی. ای جابر! دنیا در نزد خردمندان و خداشناسان مانند سایه‌ی بعد از ظهر است.

۴-۱۴-۷-۱- رویایی در خواب

﴿۹۷۷﴾ دنیا همچون رؤیای فردی است که خوابیده و آدمی بین خواب و بیداری است. ﴿۹۷۸﴾ به‌درستی که دنیا چون سایه‌ی ابرها و رویایی در خواب است [که زود می‌گذرند]، شادی آن به غصه متصل و غسل آن آغشته به سم است، نعمت‌ها را سلب می‌کند و امت‌های گوناگون را در خود می‌بلعد و گرفتاری و نعمت را به خود جذب می‌کند.

﴿الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ﴾

﴿٩٧٩﴾ الرسول ﷺ: الدُّنْيَا حُلْمُ الْمَنَامِ أَهْلُهَا عَلَيْهَا مُجَازُونَ مُعَاقِبُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠،

ص ١٢٢

﴿٩٨٠﴾ رَأَيْتُ بَنَى الدُّنْيَا كَأَحْلَامِ نَائِمٍ، وَكَأَلْفَى يَدْتُو ظِلَّهُ ثُمَّ يَقْلُصُ، وَكُلُّ مُقِيمٍ فِي الْحَيَاةِ وَعَيْشِهَا، بَلَا شَكٍّ يَوْمًا أَنَّهُ سَوْفَ يَشْخَصُ؛ بلاغات النساء، ص ٨٥

﴿٩٨١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا حُلْمٌ وَالْإِغْتِرَارُ بِهَا نَدَمٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

﴿٩٨٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا ظِلُّ الْغَمَامِ وَحُلْمُ الْمَنَامِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

١٤-٧-١- أَحْلَامُ النَّائِمِ

﴿٩٨٣﴾ العسكري عليه السلام: قَالَ: قَالَ: فَأَيُّ شَيْءٍ أَشْبَهَ بِأَحْوَالِ الدُّنْيَا؟ قَالَ: أَحْلَامُ النَّائِمِ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٥، ص ٤٢٣

١٥-٧-١- الْأَمَلُ

١٥-٧-١- الْأَمَلُ

﴿٩٨٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا بِالْأَمَلِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٦

﴿٩٨٥﴾ عيسى عليه السلام: الدُّنْيَا قَصِيرَةٌ الْعُمُرِ طَوِيلَةُ الْأَمَلِ وَعِنْدِي دَارُ خَيْرٍ مِمَّا يَجْمَعُونَ؛

بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٢٩٥

١٥-٧-١- تَحَلَّتْ بِالْأَمَالِ

﴿٩٨٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا حُلْوَةٌ نَضِرَةٌ حُفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ وَرَاقَتْ بِالْقَلِيلِ وَتَحَلَّتْ

بِالْأَمَالِ وَتَزَيَّنَتْ بِالْغُرُورِ لَا تَدُومُ حَبْرَتُهَا وَلَا تُؤْمَنُ فُجْعَتُهَا غَرَارَةٌ ضَرَارَةٌ حَائِلَةٌ زَائِلَةٌ نَافِذَةٌ

بَائِدَةٌ أَكَّالَةٌ غَوَالَةٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

١٥-٧-١- عُمِّرَتْ بِالْأَمَالِ

﴿٩٨٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنِّي أُحَذِّرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا حُلْوَةٌ خَضِرَةٌ حُفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ وَتَحَبَّبَتْ

بِالْعَاجَلَةِ وَعُمِّرَتْ بِالْأَمَالِ وَتَزَيَّنَتْ بِالْغُرُورِ؛ تحف العقول، ص ١٨٠

١٥-٧-١- مُنِيَّةُ الْأَشْقِيَاءِ

﴿٩٨٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مُنِيَّةُ الْأَشْقِيَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

﴿دنیای بی ارزش﴾

﴿۹۷۹﴾ دنیا همانند رویای شیرین است. اهل دنیا روی زمین جزا داده می‌شوند و یا عقوبت می‌گردند.

﴿۹۸۰﴾ فرزندان دنیا را مانند افرادی می‌دانم که خواب آشفته می‌بینند و مانند سایه‌ی اجسام سر‌ظهر است که از یک طرف باز می‌شود و از طرف دیگر جمع می‌گردد، هرکس که در دنیا و زندگی آن اقامت گزید، لاجرم روزی از آن برخاسته خواهد خواست.

﴿۹۸۱﴾ دنیا چون خوابی بیش نیست و مغرور شدن و فریفته شدن به آن موجب پشیمانی است.

﴿۹۸۲﴾ دنیا سایه‌ی ابر است و خوابی است که آدمی در خواب می‌بیند (ثبات و بقایی ندارد).

۵-۱۴-۱- خواب‌های پریشان

﴿۹۸۳﴾ [شاهزاده] پرسید: «شبه‌ترین امور به دنیا چیست؟» [بلوهر] گفت: خواب‌های پریشان».

۱۵-۷-۱- آرزو

۱-۱۵-۷-۱- آرزو

﴿۹۸۴﴾ دنیا بر مبنای آرزوهاست.

﴿۹۸۵﴾ خداوند به عیسی علیه السلام فرمود: ... ای عیسی! عمر دنیا کوتاه و آرزوهایش بلند است، و نزد من سرایی است بهتر از تمام آنچه جمع می‌کنند.

۲-۱۵-۷-۱- با آرزوها آراسته شده

﴿۹۸۶﴾ به‌درستی که دنیا شیرین و نیکو صورت است و به شهوت‌ها پیچیده شده و با [بهره‌ی] اندک به شگفت آورده و با آرزوها آراسته و با فریب آرایش داده شده است. خوشی دنیا پایدار نبوده و از مصیبت آن آسودگی نیست؛ بسیار فریبنده و بسیار زیان‌رسان، دگرگون و زوال‌پذیر، پایان‌پذیر و تباه‌شونده، درنده و هلاک‌کننده است.

۳-۱۵-۷-۱- با آرزوها آباد شده

﴿۹۸۷﴾ من شما را از دنیا بر حذر می‌دارم؛ زیرا در کام انسان شیرین است و در دیده سبز و خرم و در هاله‌ای از خواهش‌های نفسانی قرار گرفته است و به جهت نقدبودنش دلی‌پذیر و چشم‌نواز و پر از آرزوهای دراز و دارای آرایش فریب‌دهنده است.

۴-۱۵-۷-۱- آرزوی بدبختان

﴿۹۸۸﴾ دنیا خانه‌ی آرزوی بدبختان است.

﴿الدُّنْيَا الْهَوَانَةُ﴾

٥-١٥-٧-١- الإِسْتِهْوَاءُ

﴿٩٨٩﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ غَرَّتَنَا وَاشْتَغَلَّتْنَا وَاسْتَهْوَتْنَا وَاسْتَلْهَتْنَا وَاسْتَغْوَتْنَا؛

بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٧٢

١٦-٧-١- الْمَوْتُ

١-١٦-٧- الْمَوْتُ

﴿٩٩٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَالَ جَابِرٌ: مَا تَقُولُ فِي دَارِ الدُّنْيَا؟ قَالَ: مَا نَقُولُ فِي دَارِ أَوْلَئِهَا غَمٌّ وَ

آخِرُهَا الْمَوْتُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ١٦

﴿٩٩١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حَتَّى الدُّنْيَا بَعَرَضَ مَوْتُ وَصَحِيحُهَا عَرَضٌ [غَرَضٌ] الْأَسْقَامُ وَ

دَرِيَّةُ الْحِمَامِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٣

٢-١٦-٧- بِالْمَوْتِ تُخْتَمُ

﴿٩٩٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: بِالْمَوْتِ تُخْتَمُ الدُّنْيَا وَبِالدُّنْيَا تَجُوزُ الْقِيَامَةُ وَبِالْقِيَامَةِ تُزْلَفُ الْجَنَّةُ

وَالْجَنَّةُ حَسْرَةُ أَهْلِ النَّارِ وَالنَّارُ مَوْعِظَةُ الْمُتَّقِينَ وَالتَّقْوَى سُنْحُ الْإِيمَانِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٠

﴿٩٩٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى شَرَعَ الْإِسْلَامَ وَسَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ

وَرَدَهُ وَاعَزَّ أَرْكَانَهُ لِمَنْ حَارَبَهُ... فَذَلِكَ الْحَقُّ سَبِيلُهُ الْهُدَى... وَالْفَقْهُ مَصَابِيحُهُ وَالدُّنْيَا مِضْمَارُهُ

وَالْمَوْتُ غَايَتُهُ... وَبِالْمَوْتِ تُخْتَمُ الدُّنْيَا وَبِالدُّنْيَا تَجُوزُ الْقِيَامَةُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٩

﴿٩٩٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُلُّ مُدَّةٍ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى انْتِهَائِهَا وَكُلُّ حَيٍّ فِيهَا إِلَى مَمَاتٍ وَفَنَاءٍ؛

غرر الحكم، ص ١٣٣

٣-١٦-٧- حَيَاتُ الدُّنْيَا مَوْتًا

﴿٩٩٥﴾ العسكري عليه السلام: وَجَدْتُ الدُّنْيَا حَيَاتَهَا مَوْتًا وَغَنَاهَا فَقْرًا وَفَرَحَهَا تَرَحًّا وَصِحَّتَهَا

سَقَمًا وَقُوَّتَهَا ضَعْفًا وَعِزَّهَا ذُلًّا وَكَيْفَ لَا تَكُونُ حَيَاتُهَا مَوْتًا وَإِنَّمَا يَحْيَا فِيهَا صَاحِبُهَا لِيَمُوتَ وَ

هُوَ مِنَ الْمَوْتِ عَلَى يَقِينٍ وَمِنْ الْحَيَاةِ عَلَى قِلْعَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٨٣

٤-١٦-٧- مَوْتُ مُجْهَزٌ

﴿٩٩٦﴾ الرسول ﷺ: وَمَا يَنْتَظِرُ أَحَدُكُمْ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا غَنًى مُطْغِيًا أَوْ فَقْرًا مُنْسِيًا أَوْ مَرَضًا

مُفْسِدًا أَوْ هَرَمًا مُنْقِدًا أَوْ مَوْتًا مُجْهَزًا؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٥٨

«دنیای بی ارزش»

۱-۷-۱۵-۵- هوایی کردن

«۹۸۹» دنیا ما را مغرور و به خود مشغول ساخته و هوایی کرده است و ما را به لهو و بازی واداشته و اغوا کرده است.

۱-۷-۱۶-۱- مرگ

۱-۷-۱۶-۱-۱- مرگ

«۹۹۰» جابر به امام علی علیه السلام عرض کرد: «نظرتان در مورد دنیا چیست؟» امام علیه السلام فرمود: «چه بگویم درباره‌ی خانه‌ای که آغازش غم و سرانجامش مرگ و ماتم است؟»
«۹۹۱» زنده‌ی دنیا در معرض مرگ و تندرست دنیا هدف بیماری‌ها و آماج مرگ و بلاهاست.

۱-۷-۱۶-۲-۱- با مرگ پایان می‌یابد

«۹۹۲» با مرگ دنیا تمام می‌شود و با اتمام دنیا، قیامت آغاز می‌شود و با برپایی قیامت، بهشت نزدیک می‌شود؛ بهشتی که حسرت اهل آتش است و آتش موعظه‌ای برای پرهیزکاران است و تقوی اصل ایمان است.

«۹۹۳» اما بعد، خداوند تبارک و تعالی اسلام را تشریع کرد و قانون‌های آن را برای آن کس که به دین اسلام وارد شود، آسان کرد و ارکانش را برای آن کس که با دینش به نبرد برخیزد، مستحکم کرده است... این است حق که راهش، هدایت... و فقه، چراغ‌های آن و دنیا، میدان مسابقه‌ی آن و مرگ، پایان آن است... با مرگ، دنیا پایان می‌پذیرد و به وسیله‌ی دنیا از قیامت می‌گذرند.

«۹۹۴» هر دوره و زمانی در دنیا رو به پایان و هر زنده‌ای محکوم به فنا و مرگ است.

۱-۷-۱۶-۳-۱- زندگی آن عین مرگ است

«۹۹۵» دریافتیم که حیات دنیا مرگ و غنای آن فقر و شادی آن اندوه و سلامتی آن بیماری و قوت آن ضعف و عزت آن خواری است؛ و چگونه حیات آن مرگ نباشد درحالی که حیات آن برای مرگ است و انسان یقین دارد که حیاتش برچیده شده و خواهد مرد.

۱-۷-۱۶-۴-۱- مرگی که به سرعت از پا درمی‌آورد

«۹۹۶» از دنیا چه انتظار دارید، جز غنایی که طغیان آورد یا فقری که نسیان آورد یا مرضی که فساد آورد یا پیری‌ای که زبونی آورد یا مرگی که به سرعت از پا درآورد.

﴿الدُّنْيَا الرِّهَوَانَةُ﴾

١٧-٧-١- لَا شَيْءَ

١٧-٧-١-١- لَا شَيْءَ

﴿٩٩٧﴾ العسكري عليه السلام: سَمِعْتُ قَائِلًا يَقُولُ يَحْسَبُ الْجَاهِلُ الْأَمْرَ الَّذِي هُوَ لَا شَيْءَ شَيْئًا وَالْأَمْرَ الَّذِي هُوَ الشَّيْءُ لَا شَيْءَ وَمَنْ لَمْ يَرْفُضْ الْأَمْرَ الَّذِي هُوَ لَا شَيْءَ لَمْ يَنْدِلِ الْأَمْرَ الَّذِي هُوَ شَيْءٌ وَمَنْ لَمْ يَنْبَصِرْ الْأَمْرَ الَّذِي هُوَ الشَّيْءُ لَمْ تَطْبِ نَفْسُهُ بَرَفُضِ الْأَمْرِ الَّذِي هُوَ لَا شَيْءَ وَالشَّيْءُ هُوَ الْآخِرَةُ وَلَا شَيْءَ هُوَ الدُّنْيَا فَكَانَ لِهَذِهِ الْكَلِمَةِ عِنْدِي قَرَارٌ لَأَنِّي وَجَدْتُ الدُّنْيَا حَيَاتَهَا مَوْتًا وَغَنَاهَا فَقْرًا وَفَرَحَهَا تَرَحًا وَصِحَّتَهَا سَقَمًا وَقُوَّتَهَا ضَعْفًا وَعِزَّهَا ذُلًّا وَكَيْفَ لَا تَكُونُ حَيَاتُهَا مَوْتًا وَإِنَّمَا يَحْيَا فِيهَا صَاحِبُهَا لِيَمُوتَ وَهُوَ مِنَ الْمَوْتِ عَلَى يَقِينٍ وَمِنَ الْحَيَاةِ عَلَى قُلْعَةٍ وَكَيْفَ لَا يَكُونُ غِنَاؤُهَا فَقْرًا وَلَيْسَ أَصِيبَ أَحَدٌ مِنْهَا شَيْئًا إِلَّا اخْتِاجَ لِذَلِكَ الشَّيْءِ إِلَى شَيْءٍ آخَرَ يُصْلِحُهُ وَإِلَى أَشْيَاءَ لَا بُدَّ لَهُ مِنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٨٣

﴿٩٩٨﴾ الرسول عليه السلام: يَا مُحَمَّدُ فَأَخْبِرْنِي عَنْ شَيْءٍ لَا شَيْءَ وَشَيْءٍ بَعْضُ شَيْءٍ وَشَيْءٍ لَا يَفْنَى مِنْهُ شَيْءٌ قَالَ يَا ابْنَ سَلَامٍ أَمَّا شَيْءٌ لَا شَيْءَ فَهِيَ الدُّنْيَا يَذْهَبُ نَعِيمُهَا وَيَمُوتُ سَاكِنُهَا وَيَخْمَدُ ضَوْؤُهَا؛ بحار الأنوار، ج ٥٧، ص ٢٥٣

﴿٩٩٩﴾ الرسول عليه السلام: الدُّنْيَا مَوْقُوفَةٌ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ مِنْذُ خَلَقَ اللَّهُ الدُّنْيَا لَا يَنْظُرُ إِلَيْهَا وَتَقُولُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا رَبِّ اجْعَلْنِي لِأَدْنَى أَوْلِيَائِكَ نَصِيبًا الْيَوْمَ يَقُولُ اسْكُنِي يَا لَا شَيْءَ إِنِّي لَمْ أَرْضُكَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا أَرْضًا كِ لَهُمُ الْيَوْمَ؛ التحصين لابن فهد الحلبي، ص ٢٩

﴿١٠٠٠﴾ العسكري عليه السلام: قَالَ الْحَكِيمُ: فَهَذِهِ الدُّنْيَا أَتَيْهَا الْمَلِكُ الَّتِي أَخْبَرْتُكَ أَنَّهَا لَا شَيْءَ فَهَذَا نَسَبُهَا وَحَسَبُهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٩٠

١٧-٧-٢- كَأَنَّ لَمْ تَكُنْ

﴿١٠٠١﴾ الرسول عليه السلام: وَاعْمَلُوا لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ فَكَأَنَّكُمْ بِالدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ وَبِالْآخِرَةِ لَمْ تَزَلْ؛

بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٩

﴿١٠٠٢﴾ الحسين عليه السلام: فَكَأَنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ وَكَأَنَّ الْآخِرَةَ لَمْ تَزَلْ؛ بحار الأنوار، ج ٤٥، ص ٨٧

١٧-٧-٣- عَنْ قَلِيلٍ لَمْ يَكُنْ

﴿١٠٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: انْظُرُوا إِلَى الدُّنْيَا نَظَرَ الزَّاهِدِينَ فِيهَا... مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الدُّنْيَا عَنْ قَلِيلٍ لَمْ يَكُنْ وَكَانَ مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الْآخِرَةِ لَمْ يَزَلْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١١٨

«دنیای بی ارزش»

۱۷-۷-۱- هیچ چیز

۱-۷-۱۷-۱- هیچ چیز

«۹۹۷» شنیدم شخصی می گفت: «نادان ناچیز را چیز به حساب می آورد و چیز را ناچیز می شمرد و کسی که ناچیز را وانهد به حقیقت نمی رسد و کسی که حقیقت را نبیند به وانهادن ناچیز خشنود نمی باشد و آن چیزی که حقیقت است عبارت از آخرت است و آنچه که ناچیز است عبارت از دنیا است». و این کلام را پذیرفتم، زیرا می دیدم که حیات دنیا مرگ و غنای آن فقر و شادی آن اندوه و سلامتی آن بیماری و قوت آن ضعف و عزت آن خواری است؛ و چگونه حیات آن مرگ نباشد درحالی که حیات آن برای مرگ است و انسان یقین دارد که حیاتش برچیده شده و خواهد مرد؛ و چگونه غنای آن فقر نباشد درحالی که هیچ کس چیزی را به دست نمی آورد مگر آنکه برای آن نیازمند چیز دیگری می شود که از به دست آوردن آن گریزی ندارد».

«۹۹۸» عبدالله بن سلام به پیامبر ﷺ گفت: «ای محمد! به من از چیز ناچیز، چیز پاره چیز، چیزی که از آن چیزی نابود نشود، خبر ده؟» فرمود: «چیز ناچیز، دنیا است، نعمتش از بین می رود و اهلش می میرند و نورش خاموش می شود».

«۹۹۹» دنیا، بین آسمان و زمین [رها شده] است و از زمانی که خداوند دنیا را آفریده به آن نظر [و توجه] نکرده است. دنیا روز قیامت می گوید: «ای پروردگار من! برای دوستانی از خودت که در مرتبه ی پایینی هستند، بهره ای از من قرار بده [و آن ها را در من ساکن کن]». خداوند می فرماید: «ای ناچیز! ساکت شو. آن زمانی که در دنیا بودند راضی نشدم که تو را به آن ها بدهم، حالا امروز راضی شوم؟!»

«۱۰۰۰» حکیم گفت: ای پادشاه! این است دنیایی که تو را از آن خبر دادم و در حقیقت پوچ و ناچیز است و حسب و نسب و عاقبت آن چنین است که شنیدی.

۲-۷-۱۷-۱- گویا نبوده

«۱۰۰۱» برای پس از مرگ عمل کنید، پس گویا که شما در دنیا نبوده اید و آخرت پا برجاست.

«۱۰۰۲» گویا دنیا هرگز نبوده و آخرت پیوسته خواهد بود.

۳-۷-۱۷-۱- به زودی نابود می شود

«۱۰۰۳» به دنیا با نگاه زاهدان نگاه کنید ... گویا آنچه از دنیا اکنون وجود دارد، به زودی نابود می شود و آنچه از امر آخرت محقق می شود، پیوسته خواهد بود.

﴿الدُّنْيَا جَنَّةُ الْكُفَّارِ وَ دَارُ الْأَشْقِيَاءِ﴾

١٧-٧-١-أَيُّ شَيْءٍ

﴿١٠٠٤﴾ الباقر عليه السلام: وَاللَّهِ مَا آخَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ مَا يَطْلُبُونَ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا خَيْرٌ لَهُمْ عَمَّا عَجَلَ لَهُمْ مِنْهَا وَ أَيُّ شَيْءٍ الدُّنْيَا؛ وسائل الشيعة، ج ٧، ص ٦٠

١٧-٧-١-لَيْسَتْ بِدَارٍ

﴿١٠٠٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُونُوا قَوْمًا... وَ عَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ لَهُمْ بِدَارٍ فَاسْتَبَدُّوا... فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تُحْرِزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٥، ص ١٤٥

﴿١٠٠٦﴾ الرسول ﷺ: أَنَّ مُوسَى عليه السلام لَقِيَ الْخَضِرَ عليه السلام فَقَالَ أَوْصِنِي فَقَالَ الْخَضِرُ... وَاعْلَمْ أَنَّ قَلْبَكَ وَعَاءٌ فَانْظُرْ مَاذَا تَحْشُو بِهِ وَعَاءَكَ وَاعْرِفِ الدُّنْيَا وَانْبِذْهَا وَرَاءَكَ فَإِنَّهَا لَيْسَتْ لَكَ بِدَارٍ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦

١٧-٧-١-لَيْسَتْ بِدَارٍ غِبْطَةٍ

﴿١٠٠٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا لَيْسَتْ بِدَارٍ غِبْطَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢١

١٧-٧-١-دَارُ مَنْ لَا دَارَ لَهُ وَ مَالٌ مِنْ لَا مَالَ لَهُ

﴿١٠٠٨﴾ الرسول ﷺ: الدُّنْيَا دَارُ مَنْ لَا دَارَ لَهُ وَ مَالٌ مِنْ لَا مَالَ لَهُ وَ لَهَا يَجْمَعُ مَنْ لَا عَقْلَ لَهُ وَ شَهَوَاتُهَا يَطْلُبُ مَنْ لَا فَهْمَ لَهُ وَ عَلَيْهَا يُعَادَى مَنْ لَا عِلْمَ لَهُ وَ عَلَيْهَا يَحْسُدُ مَنْ لَا فِقْهَ لَهُ وَ لَهَا يَسْعَى مَنْ لَا يَقِينَ لَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٢٢

١٧-٧-١-مَا لِي وَ لِلدُّنْيَا

﴿١٠٠٩﴾ الرسول ﷺ: مَا لِي وَ لِلدُّنْيَا إِنَّمَا مَثَلِي وَ مَثَلُهَا كَمَثَلِ الرَّأْكِبِ رُفِعَتْ لَهُ شَجَرَةٌ فِي يَوْمٍ صَائِفٍ فَقَالَ تَحْتَهَا ثُمَّ رَاحَ وَ تَرَكَهَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٤

﴿١٠١٠﴾ الرسول ﷺ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَامَ عَلَى حَصِيرٍ فَقَامَ وَ قَدْ أَثَرَ فِي جَسَدِهِ فَقَالُوا لَوْ أَمَرْتَنَا أَنْ نَبْسُطَ لَكَ وَ نَعْمَلَ فَقَالَ مَا لِي وَ لِلدُّنْيَا وَ مَا أَنَا وَ الدُّنْيَا إِلَّا كَرَائِبٍ اسْتَظَلَّ تَحْتَ شَجَرَةٍ ثُمَّ رَاحَ أَوْ تَرَكَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٦٨

١-٨-جَنَّةُ الْكُفَّارِ، دَارُ الْأَشْقِيَاءِ

١-٨-١-جَنَّةُ الْكَافِرِ

﴿١٠١١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا جَنَّةُ الْكَافِرِ وَ الْمَوْتُ مُشْخِصُهُ وَ النَّارُ مَثْوَاهُ؛ غرر الحكم،

ص ١٤٢

«دنيا بهشت كافران است و سراي بدبختان»

۴-۱۷-۱- دنيا چيست؟!

«۱۰۰۴» به خدا قسم، خداوند اجابت خواسته‌های دنيوی مؤمنين را که به تأخير می‌اندازد، به نفع آن‌هاست و برای آن‌ها بهتر است از آنکه برای آن‌ها در دنيا عطا کند. اين دنيا چيست؟! (چقدر بی‌ارزش است).

۵-۱۷-۱- دنيا مسکن نيست

«۱۰۰۵» مانند گروهی باشید که... می‌دانند که دنيا برای آن‌ها خانه و مسکن نيست لذا آن را [با قيامت] عوض کردند... در دنيا و از دنيا برای آخرت زاد و توشه‌ای تهيه کردند که فردا (قيامت) آن‌ها را [در برابر عذاب الهی] محافظت کند.

«۱۰۰۶» موسی عليه السلام با خضر عليه السلام ملاقات کرد و گفت: «مرا نصيحت کن». خضر عليه السلام گفت:... «ای موسی! بدان که قلب تو ظرفی است، بنگر آن را با چه چیزی پر می‌کنی! دنيا را بشناس و پشت سر بگذار، زیرا دنيا خانه‌ی پایداری برای تو نيست.

۶-۱۷-۱- دنيا محل حسرت خوردن نيست

«۱۰۰۷» شما را از دنيا بر حذر می‌کنم. اینجا محل حسرت خوردن نيست.

۷-۱۷-۱- خانه کسی است که خانه ندارد و دارایی کسی است که مالی ندارد

«۱۰۰۸» دنيا خانه کسی است که خانه ندارد و دارایی کسی است که مالی ندارد. کسی که عقل ندارد برای دنيا جمع می‌کند. و کسی که فهم ندارد، در پی شهوات آن می‌باشد. و کسی که دانش ندارد بر سر آن به دشمنی می‌پردازد. و کسی که بينش ندارد بر آن حسادت می‌ورزد و کسی که يقين ندارد برای آن تلاش می‌کند.

۸-۱۷-۱- مرا با دنيا چه کار؟!

«۱۰۰۹» مرا با دنيا چه کار؟! مَثَل من و دنيا مانند شخص سواره‌ای است که در روز گرمی درختی برایش به پا شده و او در زیر آن درخت خواب قیلوله‌ی (کوتاهی) نموده، سپس کوچ کرده و درخت را وا گذاشته است.

«۱۰۱۰» از ابن مسعود روايت شده که رسول خدا ﷺ بر حصیری خوابید و آن حصیر بر بدن مبارک حضرت اثر گذاشت. مسلمانان گفتند: «ای کاش! به ما امر می‌کردی که برای شما فرشی بيندازیم و خدمت کنیم!» فرمود: «مرا با دنيا چه کار؟! مَثَل من و دنيا مانند شخص سواره‌ای است که در زیر آن درخت خواب قیلوله‌ی (کوتاهی) نموده، سپس کوچ کرده و درخت را وا گذاشته است».

۸-۱- بهشت كافران، سراي بدبختان

۱-۸-۱- بهشت کافر

«۱۰۱۱» دنيا بهشت کافر و مرگ جداکننده‌ی او و آتش منزل و محل اقامت اوست.

﴿الدُّنْيَا الْجَهْلُ وَالْحُمُقُ﴾

﴿١٠١٢﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٥٥
 ﴿١٠١٣﴾ الكاظم ﷺ: أَنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَالْقَبْرِ بَيْتُهُ وَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ وَالدُّنْيَا جَنَّةُ الْكَافِرِ
 وَالْقَبْرِ سِجْنُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٤٦

﴿١٠١٤﴾ امير المؤمنين ﷺ: الْكَافِرُ الدُّنْيَا جَنَّتُهُ وَالْعَاجِلَةُ هِمَّتُهُ وَالْمَوْتُ شَقَاوَتُهُ وَالنَّارُ
 غَايَتُهُ؛ غرر الحكم، ص ٩٢
 ١-٨-٢- دَارُ الْأَشْقِيَاءِ

﴿١٠١٥﴾ امير المؤمنين ﷺ: الدُّنْيَا دَارُ الْأَشْقِيَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٩
 ١-٨-٣- مَوْطِنُ الْأَشْقِيَاءِ

﴿١٠١٦﴾ امير المؤمنين ﷺ: الدُّنْيَا دَارُ الْغُرَبَاءِ وَمَوْطِنُ الْأَشْقِيَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧
 ١-٨-٤- مُنِيَّةُ الْأَشْقِيَاءِ

﴿١٠١٧﴾ امير المؤمنين ﷺ: الدُّنْيَا مُنِيَّةُ الْأَشْقِيَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢
 ١-٨-٥- دَارُ الظَّالِمِينَ

﴿١٠١٨﴾ الباقر ﷺ: إِنَّ فِيمَا نَجَّى اللَّهُ تَعَالَى بِهِ مُوسَى ﷺ أَنْ قَالَ: إِنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ بِنَوَابٍ
 لِلْمُؤْمِنِ بِعَمَلِهِ وَلَا نَقِمَةٍ لِلْفَاجِرِ بِقَدْرِ ذَنْبِهِ هِيَ دَارُ الظَّالِمِينَ إِلَّا الْعَامِلُ فِيهَا بِالْخَيْرِ فَإِنَّهَا لَهُ نِعْمَتٌ
 الدَّارُ؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٣٥٣

١-٩- الدُّنْيَا الْجَهْلُ وَالْحُمُقُ

١-٩-١- الْجَهْلُ

﴿١٠١٩﴾ امير المؤمنين ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا كُلُّهَا جَهْلٌ إِلَّا مَوَاضِعَ الْعِلْمِ وَالْعِلْمُ كُلُّهُ حُجَّةٌ إِلَّا مَا
 غُمِلَ بِهِ وَالْعَمَلُ كُلُّهُ رِيَاءٌ إِلَّا مَا كَانَ مُخْلِصاً وَالْإِخْلَاصُ عَلَى خَطَرٍ حَتَّى يَنْظُرَ الْعَبْدُ بِمَا يُخْتَمُ
 لَهُ؛ كشف الغمة، ج ٢، ص ٢٩٤

١-٩-٢- الْجَهَالَةُ

﴿١٠٢٠﴾ الباقر ﷺ: وَاعْلَمْ أَنَّ أَبْنَاءَ الدُّنْيَا هُمْ أَهْلُ غَفْلَةٍ وَغُرُورٍ وَجَهَالَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٥
 ١-٩-٣- الْحُمُقُ

﴿١٠٢١﴾ امير المؤمنين ﷺ: الدُّنْيَا حَقَقَاءُ لَا تَمِيلُ إِلَّا إِلَى أَشْبَاهِهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٩٤

﴿١٠٢٢﴾ امير المؤمنين ﷺ: الدُّنْيَا غَنِيمَةُ الْحَمَقَى؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

﴿٣٦٤﴾

«دنیای نادانی و حماقت»

﴿۱۰۱۲﴾ ای ابوذر! دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است.

﴿۱۰۱۳﴾ دنیا زندان مؤمن و قبر خانه‌ی اوست و بهشت جایگاهش، ولی دنیا برای کافر بهشت و قبر زندان و جهنم جایگاه اوست.

﴿۱۰۱۴﴾ کافر دنیا بهشت او و نعمت حاضر عزم و دلبستگی او و مرگ بدبختی او و جهنم عاقبت اوست.

۱-۸-۲- خانه‌ی بدبختان

﴿۱۰۱۵﴾ دنیا خانه‌ی بدبختان است.

۱-۸-۳- وطن بدبختان

﴿۱۰۱۶﴾ دنیا خانه‌ی غریبان و وطن بدبختان است.

۱-۸-۴- خانه‌ی آرزوی بدبختان

﴿۱۰۱۷﴾ دنیا خانه‌ی آرزوی بدبختان است.

۱-۸-۵- خانه‌ی ستم‌پیشگان

﴿۱۰۱۸﴾ در نجوای خداوند با موسی علیه السلام آمده که خداوند فرمود: دنیا ثواب مؤمن در قبال عمل او نیست و عذاب بر گناهکار نیز به قدر گناهش نمی‌باشد. دنیا سرای ظالمان است؛ مگر کسی که در آن به خیر عمل کند؛ و چه خوب سرایی برای آنان است.

۱-۹- دنیای نادانی و حماقت

۱-۹-۱- نادانی

﴿۱۰۱۹﴾ تمام دنیا جهل و نادانی است، مگر سعی و کوششی که در راه علم و دانش باشد. و علم و دانش هم جز حجت و قطع عذر چیز دیگری نیست، مگر آن علمی که بر طبق آن عمل شود. و عمل هم به طور کلی ریا و خودنمایی است، مگر آن عملی که از روی خلوص نیت باشد و عمل خالصانه هم در خطر است تا وقتی که انسان خاتمه‌ی کار و عاقبت امر خود را ببیند.

۱-۹-۲- جهالت

﴿۱۰۲۰﴾ بدان که دنیاپرستان همان جماعت غافل و فریبکار و نادان هستند.

۱-۹-۳- نادانی

﴿۱۰۲۱﴾ دنیا نادان است و به مشابه خود تمایل دارد.

﴿۱۰۲۲﴾ دنیا غنیمت کم‌خردان است.

﴿مَعْرِفَةُ الدُّنْيَا مِنْ طَرِيقِ مَعْرِفَةِ الْعَلَاqَةِ بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾

١-٩-٤- مُنْتَهَى بَصَرِ الْأَعْمَى

﴿١٠٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا مُنْتَهَى بَصَرِ الْأَعْمَى لَا يُبْصِرُ مِمَّا وَرَاءَهَا شَيْئًا وَالبَصِيرُ يَنْفُذُهَا بَصَرُهُ وَيَعْلَمُ أَنَّ الدَّارَ وَرَاءَهَا فَالبَصِيرُ مِنْهَا شَاخِصٌ وَالْأَعْمَى إِلَيْهَا شَاخِصٌ وَالبَصِيرُ مِنْهَا مُتَزَوِّدٌ وَالْأَعْمَى لَهَا مُتَزَوِّدٌ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٨، ص ١٣٣

١-١٠- مَعْرِفَةُ الدُّنْيَا مِنْ طَرِيقِ مَعْرِفَةِ الْعَلَاqَةِ بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

١-١٠-١- مُضَادَّةُ الْآخِرَةِ

﴿١٠٢٤﴾ فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ؛ (البقرة / ٢٠٠)

﴿١٠٢٥﴾ مَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ؛ (الشورى / ٢٠)

﴿١٠٢٦﴾ إِنَّ كُلَّ ذِيكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ؛ (الزخرف / ٣٥)

﴿١٠٢٧﴾ الرسول ﷺ: أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا عَرَضٌ حَاضِرٌ يَأْكُلُ مِنْهُ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ وَالْآخِرَةُ وَعَدُوٌّ

صَادِقٌ يَحْكُمُ فِيهَا مَلِكٌ عَادِلٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٩

﴿١٠٢٨﴾ زيارة الحسين عليه السلام: أَوْحَشَنِي مِنَ الدُّنْيَا وَآنَسَنِي بِالْآخِرَةِ فَإِنَّهُ لَا يُوحِشُ مِنَ الدُّنْيَا

إِلَّا خَوْفُكَ وَلَا يُؤْنِسُ بِالْآخِرَةِ إِلَّا رَجَاؤُكَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٨، ص ٣٢٦

﴿١٠٢٩﴾ الرسول ﷺ: لَا تُؤْثِرِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ لَأَنَّ الدُّنْيَا فَانِيَةٌ وَالْآخِرَةُ بَاقِيَةٌ؛ بحار الأنوار،

ج ٢، ص ١٥٤

﴿١٠٣٠﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الدُّنْيَا دَارَ بُلْوٍ وَالْآخِرَةَ دَارَ عُقْبَى فَجَعَلَ بُلْوَى الدُّنْيَا

لِثَوَابِ الْآخِرَةِ سَبَبًا وَثَوَابِ الْآخِرَةِ مِنْ بُلْوَى الدُّنْيَا عَوَضًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٩

﴿١٠٣١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارُ مَجَازٍ وَالْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ فَخُذُوا مِنْ

مَمَرِّكُمْ لِمَقَرِّكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣٤

﴿١٠٣٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عَدُوَّانٌ مُتَقَابِلَانِ وَسَبِيلَانِ مُخْتَلِفَانِ فَمَنْ أَحَبَّ

الدُّنْيَا وَتَوَلَّاها أَبْغَضَ الْآخِرَةَ وَعَادَاها وَهُمَا بِمَنْزِلَةِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَاشٍ بَيْنَهُمَا كَلَّمَا قَرُبَ مِنْ وَاحِدٍ بَعُدَ مِنَ الْآخَرِ وَهُمَا ضَرَتَانِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٦

﴿١٠٣٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا أَمَدُ الْآخِرَةِ أَبَدٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

«شناخت دنیا از طریق شناخت ارتباط دنیا و آخرت»

۹-۴-۱- نهایت چشم‌انداز فرد بی بصیرت

«۱۰۲۳» دنیا نهایت چشم‌انداز فردی است که بینا و اهل بصیرت نیست و در ورای این دنیا چیزی را نمی‌بیند؛ اما آگاهی شخص بصیر است که او را نجات می‌دهد و می‌داند که در پس اینجا نیز سرایی است و بینا از دنیا می‌رود و نابینا و بی‌بصیرت به‌سوی دنیا می‌رود، و بینا و بصیر از دنیا توشه برمی‌دارد و نابینا برای دنیا و به‌سوی دنیا توشه می‌گیرد.

۱۰-۱- شناخت دنیا از طریق شناخت ارتباط دنیا و آخرت

۱۰-۱-۱- نقطه‌ی مقابل آخرت

«۱۰۲۴» و هنگامی که مناسک [حج] خود را انجام دادید، خدا را یاد کنید، همانند یادآوری از پدرانتان [آن‌گونه که رسم آن زمان بود] بلکه از آن هم بیشتر! [در این مراسم، مردم دو گروهند: بعضی از مردم می‌گویند: «خداوند! به ما در دنیا، [نیکی] عطا کن!» ولی در آخرت، بهره‌ای ندارند. «۱۰۲۵» کسی که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او برکت و افزایش می‌دهیم و بر محصولش می‌افزاییم و کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد، کمی از آن به او می‌دهیم اما در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد!

«۱۰۲۶» ولی تمام این‌ها بهره‌ی زندگی دنیاست، و آخرت نزد پروردگارت از آن پرهیزگاران است! «۱۰۲۷» آگاه باش که دنیا سفره‌ای آماده است که نیک و بد از آن می‌خورند و آخرت وعده‌ی درستی است که در آن پادشاهی دادگر و نیرومند فرمان می‌دهد.

«۱۰۲۸» و هراس از دنیا را در دلم قرار ده و شوق به آخرت را به دلم افکن که به راستی جز بیم تو کسی را از دنیا هراسناک نمی‌کند و جز امید به تو کسی را مشتاق آخرت نمی‌کند.

«۱۰۲۹» دنیا را بر آخرت مقدم نداشته باش، چراکه دنیا فانی و آخرت باقی است.

«۱۰۳۰» خداوند دنیا را سرای آزمون آفریده و آخرت را سرای جاویدان، پس آزمایش دنیا را سبب ثواب آخرت قرار داده و ثواب آخرت، عوض آزمایش آخرت است.

«۱۰۳۱» ای مردم! دنیا محلّ گذر و آخرت محلّ استقرار است. پس از گذرگاه خود برای جایگاه خود توشه بردارید.

«۱۰۳۲» دنیا و آخرت دشمنان متفاوت و راه‌های مختلف هستند. پس هرکس دنیا را دوست بدارد و به آن گردن نهد، آخرت را ناخوش داشته و با آن دشمن است و این دو به منزله‌ی مشرق و مغرب هستند و کسی که میان این دو در حرکت است، هرچه به یکی نزدیک شود از دیگری دور می‌شود و این دو همچون دو هوو هستند.

«۱۰۳۳» دنیا پایان‌پذیر و آخرت بی‌پایان است.

﴿مَعْرِفَةُ الدُّنْيَا مِنْ طَرِيقِ مَعْرِفَةِ الْعَلَاqَةِ بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾

- ﴿١٠٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا تَضُرُّ الْآخِرَةَ تُسْرُ؛ غررالحكم، ص ١٤٠
- ﴿١٠٣٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ذُلُّ الدُّنْيَا عِزُّ الْآخِرَةِ؛ غررالحكم، ص ١٤٠
- ﴿١٠٣٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا بِالْإِتِّفَاقِ وَالْآخِرَةُ بِالِاسْتِحْقَاقِ؛ غررالحكم، ص ١٤٨
- ﴿١٠٣٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَحْوَالُ الدُّنْيَا تَتَّبِعُ الْإِتِّفَاقَ وَأَحْوَالُ الْآخِرَةِ تَتَّبِعُ الْإِسْتِحْقَاقَ؛ غررالحكم، ص ١٤٨
- ﴿١٠٣٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا عَرْضٌ حَاضِرٌ يَأْكُلُ مِنْهُ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ وَالْآخِرَةُ دَارُ حَقِّ يَحْكُمُ فِيهَا مَلِكٌ قَادِرٌ؛ غررالحكم، ص ١٤٨
- ﴿١٠٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: زِيَادَةُ الدُّنْيَا تُفْسِدُ الْآخِرَةَ؛ غررالحكم، ص ٣٧٠
- ﴿١٠٤٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تَتَّبِعُوا الْآخِرَةَ بِالدُّنْيَا وَلَا تَسْتَبْدِلُوا الْفَنَاءَ بِالْبَقَاءِ؛ غررالحكم، ص ١٤١
- ﴿١٠٤١﴾ الرسول ﷺ: مَعَاشِرَ آلِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لَيْسَ لَكُمْ الدُّنْيَا إِنَّمَا لَكُمْ الْآخِرَةُ وَمِيعَادُكُمْ الْجَنَّةُ مَا تَصْنَعُونَ بِالدُّنْيَا فَإِنَّهَا زَائِلَةٌ غَرَارَةٌ؛ المناقب، ج ٣، ص ٣٣٩
- ﴿١٠٤٢﴾ الرسول ﷺ: مَنْ أَحَبَّ دُنْيَاهُ أَضُرَّ بِآخِرَتِهِ وَمَنْ أَحَبَّ آخِرَتَهُ أَضُرَّ بِدُنْيَاهُ فَأَثَرُوا مَا يَبْقَى عَلَى مَا يَفْنَى؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٩، ص ٣٣٠
- ﴿١٠٤٣﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ اجْتَهَدَ لِدُنْيَاهُ أَضُرَّ بِآخِرَتِهِ وَمَنْ أَثَرَ آخِرَتَهُ آتَاهُ اللَّهُ رِزْقَهُ وَسَعِدَ بِلِقَاءِ رَبِّهِ؛ مشكاة الأنوار، ص ١١٤
- ﴿١٠٤٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَاعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٠٧
- ﴿١٠٤٥﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّ زِينَةَ زَهْرَةِ الدُّنْيَا إِنَّمَا هُوَ لَعِبٌ وَلَهُوَ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٥
- ﴿١٠٤٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: [المتقون] شَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَلَمْ يُشَارِكْهُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ؛ الأمالي للمفيد، ص ٢٦٣
- ﴿١٠٤٧﴾ مواظب المسيح عليه السلام في الإنجيل: يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا كَيْفَ يُذَكَّرُ الْآخِرَةَ مَنْ لَا تَنْقُصُ شَهْوَتُهُ مِنَ الدُّنْيَا وَلَا تَنْقُطُ مِنْهَا رَغْبَتُهُ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣١٥
- ﴿١٠٤٨﴾ السَّجَّاد عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ ارْتَحَلَتْ مُدْبِرَةً وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ ارْتَحَلَتْ مُقْبِلَةً وَلِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا بَنُونَ فَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ وَلَا تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا أَلَا وَكُونُوا مِنَ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِينَ فِي الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٤٣
- ﴿٣٦٨﴾

«شناخت دنیا از طریق شناخت ارتباط دنیا و آخرت»

- ﴿۱۰۳۴﴾ دنیا زیان می‌رساند و آخرت شاد می‌کند.
- ﴿۱۰۳۵﴾ خواری در دنیا، عزّت در آخرت است.
- ﴿۱۰۳۶﴾ دنیا با اتّفاق حاصل می‌شود و در آن رعایت استحقاقی نشده و آخرت با استحقاق داده می‌شود و برای هرکس به اندازه‌ی استحقاق او خواهد بود.
- ﴿۱۰۳۷﴾ احوال دنیا تابع اتّفاق است و اهلّیت و استحقاقی در آن معتبر نیست و احوال آخرت تابع اهلّیت و استحقاق است.
- ﴿۱۰۳۸﴾ دنیا سفره‌ای آماده است که نیک و بد از آن می‌خورند، امّا آخرت خانه‌ی حق است و پادشاهی مقتدر در آن حکمرانی می‌کند.
- ﴿۱۰۳۹﴾ بهره‌ی زیاد از دنیا، آخرت را فاسد می‌کند.
- ﴿۱۰۴۰﴾ آخرت را به دنیا نفروشید و باقی را با فانی عوض نکنید.
- ﴿۱۰۴۱﴾ پیامبر ﷺ فرمود: «ای گروه عبدالمطلب! دنیا برای شما نیست، بلکه آخرت برای شما می‌باشد، وعده‌گاه شما بهشت است. دنیا را برای چه می‌خواهید؟! در صورتی که از بین‌رفتنی و فریبنده است.»
- ﴿۱۰۴۲﴾ هرکس دنیایش را دوست بدارد، به آخرتش صدمه زده، و هرکس به آخرتش دلبسته باشد، به دنیایش صدمه زده است؛ بنابراین باقی را بر فانی مقدّم دارید.
- ﴿۱۰۴۳﴾ هرکس برای دنیایش تلاش کند، به آخرتش ضرر زده و کسی که آخرتش را مقدّم بدارد، خداوند رزقش را می‌دهد و [آن شخص] سعادت ملاقات پروردگارش را می‌یابد.
- ﴿۱۰۴۴﴾ پسر! بدان که تو برای آخرت آفریده شده‌ای نه برای دنیا.
- ﴿۱۰۴۵﴾ به راستی زیور دنیا فقط و فقط بازی و سرگرمی است، و بی‌شک سرای آخرت، زندگانی [راستین] است.
- ﴿۱۰۴۶﴾ [پرهیزکاران] در دنیای اهل دنیا با آنان شریک شدند و اهل دنیا در آخرت آنان شرکت نکردند.
- ﴿۱۰۴۷﴾ ای بندگان دنیا، کسی که میزان شهوتش از دنیا کاهش نیابد و تمایلش به آن قطع نگردد، چگونه می‌تواند آخرت را درک کند و به نعمت‌های آن دست یابد؟!
- ﴿۱۰۴۸﴾ دنیا پشت کرده و می‌رود و آخرت رو کرده و می‌آید و هرکدام از آن‌ها فرزندان دارند. پس شما از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید. و از کسانی باشید که از دنیا دل کنده و میل خود را به آخرت معطوف داشته‌اند.
- ﴿۳۶۹﴾

﴿مَعْرِفَةُ الدُّنْيَا مِنْ طَرِيقِ مَعْرِفَةِ الْعَلَاqَةِ بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾

﴿١٠٤٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَالدُّنْيَا رَسْمُ الْآخِرَةِ وَالْآخِرَةُ رَسْمُ الدُّنْيَا وَلَيْسَ الدُّنْيَا الْآخِرَةَ وَلَا الْآخِرَةُ الدُّنْيَا إِذَا فَارَقَ الرُّوحُ الْجِسْمَ يَرْجِعُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا إِلَى مَا مِنْهُ بَدَأَ؛ إرشاد القلوب، ج ٢، ص ٣١٠

﴿١٠٥٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍّ وَالْآخِرَةُ دَارُ مُسْتَقَرٍّ؛ إرشاد القلوب،

ج ١، ص ١٩

﴿١٠٥١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَكَانَتِ الْآخِرَةُ هِيَ دَارَ الْحَيَوَانِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ وَذَلِكَ أَنَّ الدُّنْيَا ثِقْلَةٌ وَالْآخِرَةُ حَيَاةٌ؛ إرشاد القلوب، ج ٢، ص ٣٠٩

﴿١٠٥٢﴾ الرسول ﷺ: سَأَلَ يَزِيدُ بْنُ سَلَامٍ النَّبِيَّ ﷺ سَأَلَهُ عَنِ الدُّنْيَا لِمَ سُمِّيَتِ الدُّنْيَا قَالَ لِأَنَّ الدُّنْيَا دَنِيَّةٌ خُلِقَتْ مِنْ دُونِ الْآخِرَةِ وَلَوْ خُلِقَتْ مَعَ الْآخِرَةِ لَمْ يَفْنَ أَهْلُهَا كَمَا لَا يَفْنَى أَهْلُ الْآخِرَةِ قَالَ فَأَخْبَرَنِي لِمَ سُمِّيَتِ الْآخِرَةُ آخِرَةً قَالَ لِأَنَّهَا مُتَأَخِّرَةٌ تَجِيءُ مِنْ بَعْدِ الدُّنْيَا لَا تُوصَفُ سِنِينَهَا وَلَا تُحْصَى أَيَّامُهَا وَلَا يَمُوتُ سُكَّانُهَا؛ بحار الأنوار، ج ٥٤، ص ٣٥٦

﴿١٠٥٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنَّ الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ وَفَنَاءٍ وَالْآخِرَةُ دَارُ جَزَاءٍ وَبَقَاءٍ؛ بحار الأنوار،

ج ٣٣، ص ٥٤٢

﴿١٠٥٤﴾ الصادق عليه السلام: الدُّنْيَا طَالِبَةٌ وَمَطْلُوبَةٌ فَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَهُ الْمَوْتُ حَتَّى يُخْرِجَهُ مِنْهَا وَمَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا حَتَّى تُوفِّيَهُ رِزْقَهُ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤٠٩

﴿١٠٥٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَمَشْغَلَةٌ عَنِ الْآخِرَةِ لَمْ يُصَبِّ صَاحِبُهَا مِنْهَا سَبِيًّا إِلَّا فَتَحَتْ عَلَيْهِ حِرْصًا عَلَيْهَا وَلَهَجًا بِهَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٧

﴿١٠٥٦﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا إِضْرَارًا بِالْآخِرَةِ وَفِي طَلَبِ الْآخِرَةِ إِضْرَارًا بِالدُّنْيَا فَاضْرَبُوا بِالدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَوْلَى بِالْإِضْرَارِ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣١

﴿١٠٥٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَمَا أَنَّ الشَّمْسَ وَاللَّيْلَ لَا يَجْتَمِعَانِ كَذَلِكَ حُبُّ اللَّهِ وَحُبُّ

الدُّنْيَا لَا يَجْتَمِعَانِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٢

﴿١٠٥٨﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ مَعَ الْعِزِّ ذُلًّا وَإِنَّ مَعَ الْحَيَاةِ مَوْتًا وَإِنَّ مَعَ الدُّنْيَا آخِرَةً وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ حَسِيْبًا؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ٢٢٨

﴿١٠٥٩﴾ الرسول ﷺ: وَكَفَنَهُ جَعَلَ الدُّنْيَا دَارَ الْأَعْمَالِ وَجَعَلَ الْآخِرَةَ دَارَ الْقَرَارِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاؤُا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى؛ بحار الأنوار، ج ٢٨، ص ٥٤

﴿١٠٦٠﴾ الرسول ﷺ: مَا الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مِثْلُ مَا يَجْعَلُ أَحَدُكُمْ إِصْبَعَهُ فِي الْيَمِّ فَلْيَنْظُرْ بِمِ

يَرْجِعُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١١٩

«شناخت دنیا از طریق شناخت ارتباط دنیا و آخرت»

﴿۱۰۴۹﴾ این دنیا نقش آخرت و آخرت نقش این دنیا است، نه دنیا آخرت است و نه آخرت دنیا است. آنگاه که روح از جسم جدا می‌شود، هر کدام از آن‌ها به همان جایی برمی‌گردد که از آنجا آغاز شده و آفریده شده است.

﴿۱۰۵۰﴾ ای مردم! دنیا خانه‌ی عبور است و آخرت خانه‌ی قرار و سکون.

﴿۱۰۵۱﴾ زندگی واقعی سرای آخرت است، اگر می‌دانستند که دنیا محلّ عبور و آخرت محلّ حیات است.

﴿۱۰۵۲﴾ یزید بن سلام از پیغمبر ﷺ پرسید: «چرا دنیا را دنیا نامیده‌اند؟» فرمود: «چون دنیا پست است و جلوتر از آخرت آفریده شده است، و اگر با آخرت آفریده شده بود، اهلش فانی نمی‌شدند، چنانچه اهل آخرت فانی نمی‌شوند». گفت: «مرا آگاه کن از اینکه چرا آخرت را آخرت نامیده‌اند!» فرمود: «چون که به دنبال دنیا است و پس از این دنیا می‌آید و سال‌هایش وصف‌شدنی نیست! و روزهایش بی‌شمارند و ساکنان آن نمی‌میرند».

﴿۱۰۵۳﴾ دنیا سرای بلا و فنا و آخرت دار جزا و بقاست.

﴿۱۰۵۴﴾ دنیا چیزی است که هم طلب می‌شود و هم طلب می‌کند، [به این معنا که] هر کس طالب دنیا باشد، مرگ او را می‌طلبد و از دنیا خارجش می‌کند، اما هر کس طالب آخرت باشد، دنیا او را طلب می‌کند تا رزق و روزی او را به‌طور کامل به او بدهد.

﴿۱۰۵۵﴾ دنیا انسان را از آخرت مشغول می‌دارد و به صاحب خود هیچ بهره‌ای نمی‌دهد؛ مگر آنکه او را نسبت به آن حریص و شیفته کند.

﴿۱۰۵۶﴾ در دنیاخواهی زیان به آخرت و در آخرت‌خواهی زیان به دنیا است. پس به دنیا زیان برسانید که سزاوار زیان‌رساندن است.

﴿۱۰۵۷﴾ همان‌طور که خورشید و شب باهم جمع نمی‌شوند، حبّ خدا و حبّ دنیا نیز باهم جمع نمی‌گردند.

﴿۱۰۵۸﴾ هر عزّتی ذلّتی دارد، و هر زندگی مرگی برای آن می‌باشد و هر دنیایی آخرتی دارد، و برای هر چیزی حسابی است.

﴿۱۰۵۹﴾ ولی خداوند دنیا را محلّ انجام اعمال و آخرت را سرای پاداش قرار داده است. تا بدکاران را به کیفر کارهای بدشان برساند و نیکوکاران را در برابر اعمال نیکشان پاداش دهد.

﴿۱۰۶۰﴾ دنیا در برابر آخرت مانند این است که یکی از شما انگشتان خود را به دریا فرو برد و بنگرد چه اندازه آب برمی‌دارد.

﴿مَعْرِفَةُ الدُّنْيَا مِنْ طَرِيقِ مَعْرِفَةِ الْعَلَاqَةِ بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾

﴿١٠٦١﴾ صحيفه ادريس نبى ﷺ: وَاسْتَحْفَ بِالْأَنْسَابِ الْوِلَادِيَّةِ وَالْأَسْبَابِ الدُّنْيَوِيَّةِ الَّتِي تَنْقَطِعُ فِي الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٧١

﴿١٠٦٢﴾ الرسول ﷺ: مَثَلُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَكِفَّتِي مِيزَانٍ أَيُّهُمَا رَجَحْتَ نَقَصَتْ الْآخَرَى؛

عوالي اللآلى، ج ٤، ص ١١٥

﴿١٠٦٣﴾ السَّجَّاد ﷺ: وَاللَّهُ مَا الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ إِلَّا كَكِفَّتِي الْمِيزَانِ فَأَيُّهُمَا رَجَحَ ذَهَبَ

بِالْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٩٢

﴿١٠٦٤﴾ الرسول ﷺ: لَا تَكُونُ مُؤْمِنًا حَتَّى تَعُدَّ الْبَلَاءَ نِعْمَةً وَالرِّخَاءَ مِخْنَةً لِأَنَّ بَلَاءَ الدُّنْيَا

نِعْمَةٌ فِي الْآخِرَةِ وَرَخَاءَ الدُّنْيَا مِخْنَةٌ فِي الْآخِرَةِ؛ جامع الأخبار، ص ١١٥

﴿١٠٦٥﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الدُّنْيَا تَمْنَعُ الْآخِرَةَ؛ بحار الأنوار،

ج ٩٢، ص ٢٩٢

﴿١٠٦٦﴾ امير المؤمنين ﷺ: قَالَ: أَخْبَرَنِي عَنِ الْجَنَّةِ فِي الدُّنْيَا هِيَ أُمٌّ فِي الْآخِرَةِ وَآئِينَ الْآخِرَةِ وَالدُّنْيَا؟ قَالَ ﷺ: الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ وَالْآخِرَةُ مُحِيطَةٌ بِالدُّنْيَا، إِذَا [إِذَا] كَانَتِ الثُّقْلَةُ مِنَ الْحَيَاةِ إِلَى الْمَوْتِ ظَاهِرَةً، كَانَتِ الْآخِرَةُ هِيَ دَارَ الْحَيَوَانِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ، وَذَلِكَ أَنَّ الدُّنْيَا نُقْلَةٌ وَالْآخِرَةُ حَيَاةٌ... وَالدُّنْيَا رَسْمُ الْآخِرَةِ، وَالْآخِرَةُ رَسْمُ الدُّنْيَا، وَلَيْسَ الدُّنْيَا الْآخِرَةَ وَلَا الْآخِرَةُ الدُّنْيَا، إِذَا فَارَقَ الرُّوحُ الْجِسْمَ يَرْجِعُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا إِلَى مَا مِنْهُ بَدَأَ، وَمَا مِنْهُ خُلِقَ، وَكَذَلِكَ الْجَنَّةُ وَالنَّارُ فِي الدُّنْيَا مَوْجُودَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ مَوْجُودَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٣٠، ص ٧٢

﴿١٠٦٧﴾ امير المؤمنين ﷺ: أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الدُّنْيَا دَارُ تِجَارَةٍ وَرَبْحُهَا أَوْ خُسْرُهَا الْآخِرَةُ فَالسَّعِيدُ مَنْ كَانَتْ بِضَاعَتُهُ فِيهَا الْأَعْمَالُ الصَّالِحَةَ وَمَنْ رَأَى الدُّنْيَا بَعَيْنِهَا وَقَدَّرَهَا بِقَدْرِهَا؛

شرح نهج البلاغة، ج ١٦، ص ١٣٣

﴿١٠٦٨﴾ الرسول ﷺ: يَا عِيسَى ﷺ لَا تُحِبَّ الدُّنْيَا فَإِنِّي لَسْتُ أُحِبُّهَا وَأَحِبَّ الْآخِرَةَ فَإِنَّمَا

هِيَ دَارُ الْمَعَادِ... يَا أَبَا ذَرٍّ طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاغِبِينَ فِي الْآخِرَةِ... يَا أَبَا ذَرٍّ حَرْتُ الْآخِرَةَ

الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَحَرْتُ الدُّنْيَا الْمَالُ وَالْبَنُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٢

﴿١٠٦٩﴾ السَّجَّاد ﷺ: أَنَّ عَلَامَةَ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاغِبِينَ فِي الْآخِرَةِ تَرْكُهُمْ كُلَّ خَلِيطٍ وَ

خَلِيلٍ... وَإِنَّ الْعَامِلَ لِثَوَابِ الْآخِرَةِ هُوَ الزَّاهِدُ فِي عَاجِلِ زَهْرَةِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ١٢٨

«شناخت دنیا از طریق شناخت ارتباط دنیا و آخرت»

﴿۱۰۶۱﴾ نسب‌های فرزندی و سبب‌های دنیوی را کوچک بشمار که در آخرت قطع می‌شود و ثابت نمی‌ماند.

﴿۱۰۶۲﴾ مَثَل دنیا و آخرت مانند دو کفّهی ترازوست که هر قدر یکی بالاتر رود، دیگری پایین می‌آید.

﴿۱۰۶۳﴾ به خدا قسم! دنیا و آخرت مانند دو کفّهی ترازو هستند که هر طرف برتری یابد دیگری پایین می‌رود.

﴿۱۰۶۴﴾ فرد، مؤمن نیست مگر آنکه بلاهای دنیا را نعمت و آسودگی‌های دنیا را محنت و رنج بداند؛ چون بلاهای دنیا در آخرت تبدیل به نعمت شده و آسودگی‌های دنیا در آخرت مایه‌ی رنج و محنت هستند.

﴿۱۰۶۵﴾ خداوندا! من از دنیا به تو پناه می‌برم؛ چراکه دنیا جلوی آخرت را می‌گیرد.

﴿۱۰۶۶﴾ جاثلیق گفت: «مرا از بهشت خبر ده که در این دنیاست یا در آخرت؟ و دنیا و آخرت کجا قرار دارند؟» حضرت علی علیه السلام فرمود: «دنیا در آخرت قرار دارد و آخرت، این دنیا را در برگرفته، زیرا روندگان از زندگی به‌سوی مرگ، روشن است و چنانکه مسأله را درک کنند، آخرت همان خانه «حیوان» و زندگی است؛ زیرا دنیا محلّ گذر و آخرت، سرای زندگی و محلّ اقامت است... این دنیا نقش آخرت و آخرت نقش این دنیاست، نه دنیا آخرت است و نه آخرت دنیا. آن‌گاه که روح از جسم جدا می‌شود، هر کدام از آن‌ها به همان جایی برمی‌گردد که از آنجا آغاز شده و آفریده شده است، و همین‌طور بهشت و جهنّم هم در این دنیا و در آخرت وجود دارد».

﴿۱۰۶۷﴾ اما بعد! دنیا سرای تجارتی است که سود یا زیان آن آخرت است؛ پس سعادت‌مند کسی است که متاعش در آن اعمال صالح باشد و کسی باشد که دنیا را دقیق ببیند و اندازه‌ی آن را به میزان آن اندازه‌گیری کند.

﴿۱۰۶۸﴾ ای عیسی! دنیا را دوست ندار که من آن را دوست نمی‌دارم، و دل به آخرت ببند که خانه‌ی بازگشت توست ... ای ابوذر! خوشا به حال زاهدان در دنیا و راغبان به آخرت ... ای ابوذر! کشت برای آخرت، عمل صالح است و کشت دنیا، مال و فرزند است».

﴿۱۰۶۹﴾ از علامت و نشان بی‌رغبتان به دنیا و مشتاقان به آخرت، رهانمودن هر رفیق و دوست و جدایی از هر همنشینی است... بدون شک کسی که برای پاداش فردا می‌کوشد به خوشی نقد دنیا بی‌رغبت است.

﴿مَعْرِفَةُ الدُّنْيَا مِنْ طَرِيقِ مَعْرِفَةِ الْعَلَاqَةِ بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾

﴿١٠٧٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مُقْبَلَةٌ وَالْآخِرَةُ مُلْجَأُ الدُّنْيَا وَلَيْسَ لِلْآخِرَةِ مُنْتَقَلٌ وَلَا مُنْتَهَى مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمُّهُ اشْتَدَّ لِذَلِكَ غَمُّهُ وَمَنْ آثَرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ حَلَّتْ بِهِ الْفَاقِرَةُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢١

﴿١٠٧١﴾ الرسول ﷺ: الدُّنْيَا حَرَامٌ عَلَى أَهْلِ الْآخِرَةِ وَالْآخِرَةُ حَرَامٌ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَهُمَا مَعًا حَرَامَانِ عَلَى أَهْلِ اللَّهِ؛ عوالي اللآلي، ج ٤، ص ١١٩

﴿١٠٧٢﴾ الرسول ﷺ: أَنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَقَفَ عَلَى مَرْبَلَةٍ فَقَالَ هَلُمُّوا إِلَيَّ الدُّنْيَا وَآخِذْ خِرْقًا قَدْ بَلَيْتَ عَلَى تِلْكَ الْمَرْبَلَةِ وَعِظَامًا قَدْ نَخِرَتْ فَقَالَ هَذِهِ الدُّنْيَا؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٢٨

﴿١٠٧٣﴾ الرسول ﷺ: أَلَا وَ مَنْ غَرَضَتْ لَهُ دُنْيَا وَ آخِرَةٌ فَاخْتَارَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَيْسَتْ لَهُ حَسَنَةٌ يَتَّقِي بِهَا النَّارَ وَ مَنْ اخْتَارَ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ غُفِرَ لَهُ مَسَاوِي عَمَلِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٠٣

﴿١٠٧٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حَلَاوَةُ الدُّنْيَا مَرَارَةٌ الْآخِرَةِ وَ مَرَارَةُ الْآخِرَةِ حَلَاوَةُ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١١٩

﴿١٠٧٥﴾ الصادق عليه السلام: إِنْ بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَلْفَ عَقَبَةٍ أَهْوَنُهَا وَ أَيْسَرُهَا الْمَوْتُ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١٣٤

﴿١٠٧٦﴾ الصادق عليه السلام: لَا يَسْتَقِيمُ حُبُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي قَلْبِ مُؤْمِنٍ كَمَا لَا يَسْتَقِيمُ الْمَاءُ وَ النَّارُ فِي إِنَاءٍ وَاحِدٍ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٧

﴿١٠٧٧﴾ عيسى عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَمَثَلِ رَجُلٍ لَهُ ضَرَّتَانِ إِنْ أَرْضَى إِحْدَاهُمَا اسْخَطَتِ الْأُخْرَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٢٢

﴿١٠٧٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنْ مَثَلُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَرَجُلٍ لَهُ امْرَأَتَانِ إِذَا أَرْضَى إِحْدَاهُمَا اسْخَطَتِ الْأُخْرَى؛ غرر الحكم، ص ١٤٠

﴿١٠٧٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ ضَرَّتَانِ فَبَقْدَرِ مَا تَرْضَى إِحْدَاهُمَا تَسْخَطُ الْأُخْرَى؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٩، ص ٢٩٢

﴿١٠٨٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ كَالْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِذَا قَرُبَتْ مِنْ أَحَدِهِمَا بَعُدَتْ عَنِ الْأُخْرَى؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢٤

﴿١٠٨١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنْ الْمَالُ وَ الْبَنِينَ حَرَتْ الدُّنْيَا وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ حَرَتْ الْآخِرَةُ وَ قَدْ يَجْمَعُهُمَا اللَّهُ لِأَقْوَامٍ؛ الكافي، ج ٥، ص ٥٧

«شناخت دنیا از طریق شناخت ارتباط دنیا و آخرت»

﴿۱۰۷۰﴾ دنیا خود روی می‌آورد و آخرت پناه دنیا است. از عالم آخرت گریزگاه و جای دیگری برای انتقال نیست. هرکس همّت خود را برای دنیا به کار برد، غم و اندوهش زیاد خواهد بود و هرکس دنیا را بر آخرت برگزیند، گرفتار بدبختی بزرگ می‌شود.

﴿۱۰۷۱﴾ دنیا بر اهل آخرت حرام است و آخرت بر اهل دنیا حرام است و دنیا و آخرت بر اهل خدا حرام است.

﴿۱۰۷۲﴾ رسول خدا ﷺ کنار زباله‌دانی ایستاد و فرمود: «بشتابید به‌سوی دنیا و از تکه [گوشت] پوسیده شده و استخوانی که در این زباله‌دان پوسیده شده‌اند، بردارید، که این همان دنیا است».

﴿۱۰۷۳﴾ آگاه باشید! کسی که دنیا و آخرت بر او عرضه شد و دنیا را بر آخرت برگزید، خداوند را در روز قیامت ملاقات می‌کند درحالی‌که برای او عمل نیکی نیست تا او را از آتش در امان دارد و هرکس آخرت را بر دنیا برگزیند، خداوند از او راضی شده و در برابر عملش از او راضی می‌شود.

﴿۱۰۷۴﴾ شیرینی دنیا تلخی آخرت است و تلخی آخرت، شیرینی دنیاست.

﴿۱۰۷۵﴾ بین دنیا و آخرت هزار گردنه وجود دارد که ساده‌ترین و آسان‌ترین آن‌ها مرگ است.

﴿۱۰۷۶﴾ حبّ دنیا و آخرت به صورت همزمان در قلب مؤمن استوار نمی‌گردند، همان‌طور که آب و آتش در یک ظرف پایدار نمی‌مانند.

﴿۱۰۷۷﴾ مثّل دنیا و آخرت همچون مردی است که دو همسر دارد؛ اگر یکی از آن دو را خشنود کند، دیگری را خشمگین نموده است.

﴿۱۰۷۸﴾ مثّل دنیا و آخرت همچون مردی است که دو همسر دارد؛ اگر یکی از آن دو را خشنود کند، دیگری را خشمگین نموده است.

﴿۱۰۷۹﴾ دنیا و آخرت مانند دو هوو هستند؛ هر قدر یکی راضی شود، دیگری خشمگین می‌گردد.

﴿۱۰۸۰﴾ دنیا و آخرت مانند مشرق و مغرب هستند که هر قدر به یکی نزدیک شوی از دیگری دور می‌شوی.

﴿۱۰۸۱﴾ مال و فرزندان کشت و زرع این دنیاست و کردار شایسته کشت و زرع آخرت است. و خداوند گروهی را از [محصول] آن دو برخوردار ساخته است.

﴿مَعْرِفَةُ الدُّنْيَا مِنْ طَرِيقِ مَعْرِفَةِ الْعَلَاqَةِ بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾

٢-١٠-١- أَدْنَى مِنَ الْآخِرَةِ

﴿١٠٨٢﴾ الرّسول ﷺ: سَأَلَ يَزِيدُ بْنُ سَلَامٍ النَّبِيَّ ﷺ سَأَلَهُ عَنِ الدُّنْيَا لِمَ سُمِّيَتِ الدُّنْيَا قَالَ لِأَنَّ الدُّنْيَا دَنِيَّةٌ خُلِقَتْ مِنْ دُونَ الْآخِرَةِ وَلَوْ خُلِقَتْ مَعَ الْآخِرَةِ لَمْ يَفْنِ أَهْلُهَا كَمَا لَا يَفْنَى أَهْلُ الْآخِرَةِ قَالَ فَأَخْبَرَنِي لِمَ سُمِّيَتِ الْآخِرَةُ آخِرَةً قَالَ لِأَنَّهَا مُتَأَخِّرَةٌ تَجِيءُ مِنْ بَعْدِ الدُّنْيَا لَا تُوصَفُ سِنِينَهَا وَلَا تُحْصَى أَيَامُهَا وَلَا يَمُوتُ سُكَّانُهَا؛ بحار الأنوار، ج ٥٤، ص ٣٥٦

٣-١٠-١- عَدُوُّ الْآخِرَةِ

﴿١٠٨٣﴾ امير المؤمنين ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عَدُوَّانِ مُتَقَابِلَانِ وَسَبِيلَانِ مُخْتَلِفَانِ فَمَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَتَوَلَّاهَا أَبْغَضَ الْآخِرَةَ وَعَادَاهَا وَهُمَا بِمَنْزِلَةِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَاشٍ بَيْنَهُمَا كَلِمًا قَرُبَ مِنْ وَاحِدٍ بَعْدَ مِنَ الْآخِرِ وَهُمَا ضَرَّتَانِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٦

٤-١٠-١- نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى الْآخِرَةِ

﴿١٠٨٤﴾ الصادق ﷺ: نِعْمَ الْعَوْنُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ؛ الكافي، ج ٥، ص ٧٢

٥-١٠-١- دَلِيلٌ عَلَى الْآخِرَةِ

﴿١٠٨٥﴾ الرّسول ﷺ: ابْنُ آدَمَ جَعَلْتُ لَكُمْ الدُّنْيَا دَلَالًا عَلَى الْآخِرَةِ... أَحَسِبْتُمْ أَنِّي خَلَقْتُكُمْ عَبَثًا إِنِّي إِنَّمَا جَعَلْتُ الدُّنْيَا رَدِيفَ الْآخِرَةِ فَسَدُّوْا وَقَارِبُوا وَادْكُرُوا رَحْلَةَ الدُّنْيَا... مَنْ فَزَعَ نَفْسَهُ بِالْمَوْتِ هَانَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٩

٦-١٠-١- رَسْمُ الْآخِرَةِ

﴿١٠٨٦﴾ امير المؤمنين ﷺ: وَالدُّنْيَا رَسْمُ الْآخِرَةِ وَالْآخِرَةُ رَسْمُ الدُّنْيَا وَلَيْسَ الدُّنْيَا الْآخِرَةَ وَلَا الْآخِرَةُ الدُّنْيَا إِذَا فَارَقَ الرُّوحُ الْجِسْمَ يَرْجِعُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا إِلَى مَا مِنْهُ بَدَأَ؛ إرشاد القلوب، ج ٢، ص ٣١٠

٧-١٠-١- رَدِيفُ الْآخِرَةِ

﴿١٠٨٧﴾ الرّسول ﷺ: ابْنُ آدَمَ جَعَلْتُ لَكُمْ الدُّنْيَا دَلَالًا عَلَى الْآخِرَةِ... أَحَسِبْتُمْ أَنِّي خَلَقْتُكُمْ عَبَثًا إِنِّي إِنَّمَا جَعَلْتُ الدُّنْيَا رَدِيفَ الْآخِرَةِ فَسَدُّوْا وَقَارِبُوا وَادْكُرُوا رَحْلَةَ الدُّنْيَا... مَنْ فَزَعَ نَفْسَهُ بِالْمَوْتِ هَانَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٩

«شناخت دنیا از طریق شناخت ارتباط دنیا و آخرت»

۲-۱۰-۱- کم ارزش تر از آخرت

«۱۰۸۲» یزید بن سلام از پیغمبر ﷺ پرسید: «چرا دنیا را دنیا نامیده‌اند؟» فرمود: «چون دنیا پست است و جلوتر از آخرت آفریده شده است، و اگر با آخرت آفریده شده بود، اهلش فانی نمی‌شدند، چنانچه اهل آخرت فانی نمی‌شوند». گفت: «مرا آگاه کن از اینکه چرا آخرت را آخرت نامیده‌اند!» فرمود: «چون که به دنبال دنیاست و پس از این دنیا می‌آید و سال‌هایش وصف‌شدنی نیست! و روزهایش بی‌شمارند و ساکنان آن نمی‌میرند».

۳-۱۰-۱- دشمن آخرت

«۱۰۸۳» دنیا و آخرت دشمنان متفاوت و راه‌های مختلف هستند. پس هرکس دنیا را دوست بدارد و به آن گردن نهد، آخرت را ناخوش داشته و با آن دشمن است و این دو به منزله‌ی مشرق و مغرب هستند و کسی که میان این دو در حرکت است، هرچه به یکی نزدیک شود از دیگری دور می‌شود و این دو همچون دو هوو هستند.

۴-۱۰-۱- یاور خوبی برای رسیدن به آخرت است

«۱۰۸۴» دنیا برای رسیدن به آخرت یاور خوبی است.

۵-۱۰-۱- راهنمایی بر آخرت

«۱۰۸۵» ای پسر آدم! دنیا را برای شما، راهنمایی بر آخرت قرار دادم... گمان می‌کنید شما را عبث آفریدم؟ من همانا دنیا را در ردیف آخرت قرار دادم. پس صبر کنید و به من نزدیک شوید و زمان کوچ از دنیا را به یاد آورید... پس هرکس نفسش را از مرگ بترساند، دنیا بر او آسان می‌شود.

۶-۱۰-۱- نقش آخرت

«۱۰۸۶» این دنیا نقش آخرت و آخرت نقش این دنیاست، نه دنیا آخرت است و نه آخرت دنیاست. آنگاه که روح از جسم جدا می‌شود، هرکدام از آن‌ها به همان جایی برمی‌گردد که از آنجا آغاز شده و آفریده شده است.

۷-۱۰-۱- در ردیف آخرت

«۱۰۸۷» ای پسر آدم! دنیا را برای شما، راهنمایی بر آخرت قرار دادم... گمان می‌کنید شما را عبث آفریدم؟ من همانا دنیا را در ردیف آخرت قرار دادم. پس صبر کنید و به من نزدیک شوید و زمان کوچ از دنیا را به یاد آورید... پس هرکس نفسش را از مرگ بترساند، دنیا بر او آسان می‌شود.

﴿مَعْرِفَةُ الدُّنْيَا مِنْ طَرِيقِ مَعْرِفَةِ الْعَلَاqَةِ بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾

﴿١٠٨٨﴾ داود عليه السلام: أَلَا إِنَّمَا الدُّنْيَا رَدِيفُ الْآخِرَةِ فَسَدُّوْا وَقَارِبُوا وَادْكُرُوا رَحْلَةَ الدُّنْيَا وَ

ارْجُوا ثَوَابِي وَخَافُوا عِقَابِي؛ سعد السعود، ص ٥٢

٨-١٠-١- مَعْبَرَةُ الْآخِرَةِ

﴿١٠٨٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مَعْبَرَةُ الْآخِرَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٧

٩-١٠-١- بِالْدُّنْيَا تُحْرَزُ الْآخِرَةُ

﴿١٠٩٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: بِالْدُّنْيَا تُحْرَزُ الْآخِرَةُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٢٤٠

١٠-١٠-١- لَا تُنَالُ الْآخِرَةُ إِلَّا بِالْدُّنْيَا

﴿١٠٩١﴾ الرضا عليه السلام: وَلَا يَقْوَتَنَّكُمْ خَيْرُ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْآخِرَةَ لَا تُلْحَقُ وَلَا تُنَالُ إِلَّا بِالْدُّنْيَا؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٤٦

١١-١٠-١- الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ وَالْآخِرَةُ مُحِيطَةٌ بِالْدُّنْيَا

﴿١٠٩٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَالَ: أَخْبَرَنِي عَنْ الْجَنَّةِ فِي الدُّنْيَا هِيَ أُمٌّ فِي الْآخِرَةِ وَآئِنَ الْآخِرَةُ

وَالدُّنْيَا؛ قَالَ عليه السلام الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ، وَالْآخِرَةُ مُحِيطَةٌ بِالْدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٠، ص ٧٢

١٢-١٠-١- الْجَنَّةُ وَالنَّارُ فِي الدُّنْيَا

﴿١٠٩٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْجَنَّةُ وَالنَّارُ فِي الدُّنْيَا مَوْجُودَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ مَوْجُودَةٌ؛

بحار الأنوار، ج ٣٠، ص ٧٢

١٣-١٠-١- لَيْسَ الْآخِرَةُ الدُّنْيَا

﴿١٠٩٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا رَسْمُ الْآخِرَةِ، وَالْآخِرَةُ رَسْمُ الدُّنْيَا، وَلَيْسَ الدُّنْيَا الْآخِرَةَ وَ

لَا الْآخِرَةُ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٠، ص ٧٢

١٤-١٠-١- مَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا

﴿١٠٩٥﴾ الكاظم عليه السلام: إِنَّ الْعُقَلَاءَ زَهَدُوا فِي الدُّنْيَا وَرَغَبُوا فِي الْآخِرَةِ لِأَنَّهُمْ عَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا

طَالِبَةٌ وَمَطْلُوبَةٌ وَالْآخِرَةُ طَالِبَةٌ وَمَطْلُوبَةٌ فَمَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَوْفِيَ مِنْهَا

رِزْقَهُ وَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَتْهُ الْآخِرَةُ فَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ فَيُفْسِدُ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَآخِرَتَهُ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٥، ص ٢٩٩

«شناخت دنیا از طریق شناخت ارتباط دنیا و آخرت»

﴿۱۰۸۸﴾ دنیا در مسیر و در ردیف آخرت است، پس تلاش کنید و نزدیک شوید و یاد کوچ خود از دنیا را کنید، و به امید ثواب من باشید و از عذاب من بترسید.

۸-۱۰-۱- گذرگاه آخرت

﴿۱۰۸۹﴾ دنیا گذرگاه آخرت است.

۹-۱۰-۱- توشه‌ی آخرت با دنیا فراهم می‌شود

﴿۱۰۹۰﴾ با دنیا، توشه‌ی آخرت فراهم می‌شود.

۱۰-۱۰-۱- جز به وسیله‌ی دنیا نمی‌توان به آخرت رسید

﴿۱۰۹۱﴾ مبدا خیر دنیا از دست شما برود؛ زیرا جز به وسیله‌ی دنیا نمی‌توان به آخرت رسید.

۱۱-۱۰-۱- دنیا در آخرت است و آخرت، این دنیا را در بر گرفته است

﴿۱۰۹۲﴾ جاثلیق [به امیرالمؤمنین علیه السلام] گفت: «از بهشت خبر بدهید؟ آیا بهشت در این دنیاست یا در آخرت؟ و دنیا و آخرت کجا قرار دارند؟» فرمود: «دنیا در آخرت قرار دارد و آخرت، این دنیا را در بر گرفته است.

۱۲-۱۰-۱- بهشت و جهنم در این دنیا نیز است

﴿۱۰۹۳﴾ بهشت و جهنم هم در این دنیا و در آخرت وجود دارد.

۱۳-۱۰-۱- آخرت، دنیا نیست

﴿۱۰۹۴﴾ این دنیا نقش آخرت و آخرت نقش این دنیاست، نه دنیا آخرت است و نه آخرت دنیا.

۱۴-۱۰-۱- هرکس خواهان آخرت باشد، بهره‌ی خود را به طور کامل از دنیا می‌گیرد

﴿۱۰۹۵﴾ ای هشام، به راستی که خردمندان دل از دنیا کنده و به آخرت پیوسته‌اند؛ چراکه آن‌ها دانسته‌اند دنیا هم طالب است و هم مطلوب و آخرت نیز هم طالب است و هم مطلوب. در نتیجه هرکس که خواهان آخرت باشد، بهره‌ی خود را به طور کامل از دنیا می‌گیرد. و هرکس که جویای دنیا باشد، آخرت او را طلب می‌کند و مرگش فرا می‌رسد، و دنیا و آخرتش تباه می‌گردد.

الفصل الثاني: أهمية الإهتمام بموضوع الدنيا

٢-١- الأمر بمعرفة الدنيا كنه معرفتها، بغض الدنيا عمل واحد لحب الله، الشمول

٢-١-١- الأمر بمعرفة الدنيا كنه معرفتها

﴿١٠٩٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا لَيْسَتْ بِدَارِ غِبْطَةٍ قَدْ تَزَيَّنَتْ بِغُرُورِهَا وَ غَرَّتْ بِزِينَتِهَا لِمَنْ كَانَ يَنْظُرُ إِلَيْهَا فَاعْرِفُوهَا كُنْهَ مَعْرِفَتِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢١

٢-١-٢- بغض الدنيا عمل واحد لحب الله

﴿١٠٩٧﴾ عيسى عليه السلام: وَ قِيلَ لِعِيسَى عليه السلام عَلَّمْنَا عَمَلًا وَاحِدًا يُحِبُّنَا اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ: أَنْبِضُوا الدُّنْيَا

يُحِبُّكُمْ اللَّهُ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٨

٢-١-٣- الشمول

﴿١٠٩٨﴾ زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَلِيلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاِبِ؛ (آل عمران / ١٤)

﴿١٠٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: النَّاسُ أَتْبَاءُ الدُّنْيَا وَ لَا يَلَامُ الرَّجُلُ عَلَى حُبِّ أُمِّهِ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٠، ص ١٣١

٢-٢- القياس

٢-٢-١- الأفضل

٢-٢-١-١- أفضل الناس من رَفَضَ دُنْيَاهُ

﴿١١٠٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَصَى هَوَاهُ وَ أَفْضَلُ مِنْهُ مَنْ رَفَضَ دُنْيَاهُ؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١١٤

فصل ۲: اهمیت توجه به موضوع دنیا

۲-۱- فرمان به شناخت عمیق دنیا، دشمنی با دنیا تنها عمل برای جلب دوستی خدا، فراگیری

۲-۱-۱- فرمان به شناخت عمیق دنیا

﴿۱۰۹۶﴾ شما را از دنیا بر حذر می‌کنم. اینجا محلّ حسرت خوردن نیست. برای کسی که تماشایش می‌کند، آراسته‌ی به فریب و فریب‌دهنده‌ی با آرایش است. آن را خوب و عمیق بشناسید.

۲-۱-۲- دشمنی با دنیا تنها عمل برای جلب دوستی خدا

﴿۱۰۹۷﴾ به عیسی علیه السلام گفته شد: «فقط یک عمل صالح را به ما بیاموز که خداوند به خاطر آن ما را دوست بدارد». فرمود: «دنیا را دشمن بدارید تا خداوند شما را دوست بدارد».

۲-۱-۳- فراگیری

﴿۱۰۹۸﴾ محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است [تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند ولی] این‌ها [در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند،] سرمایه زندگی پست [مادی] است و سرانجام نیک [و زندگی والا و جاویدان]، نزد خداست.

﴿۱۰۹۹﴾ مردم فرزندان دنیا هستند و کسی به سبب دوست داشتن مادرش سرزنش نمی‌شود.

۲-۲- مقایسه

۲-۲-۱- برترین

۲-۲-۱-۱- برترین مردم کسی است که دنیا را ترک کند

﴿۱۱۰۰﴾ بافضیلت‌ترین مردم کسی است که با هوای نفسش مخالفت کند و از او بهتر کسی است که دنیا را ترک کند.

﴿الأفضل﴾

٢-٢-١-٢- أفضلُ الجهادِ الفِطامُ عَنْ لَذَاتِ الدُّنْيَا

﴿١١٠١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أفضلُ الجِهَادِ جِهَادُ النَّفْسِ عَنِ الْهَوَى وَفِطَامُهَا عَنْ لَذَاتِ الدُّنْيَا؛

غررالحكم، ص ٢٤٢

٢-٢-١-٣- أفضلُ الأَعْمَالِ

﴿١١٠٢﴾ الصادق عليه السلام: ثَلَاثَةٌ هُنَّ مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ مُجَاهَدَةُ النَّفْسِ وَمُغَالَبَةُ الْهَوَى وَ-

الْإِعْرَاضُ عَنِ الدُّنْيَا؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٢١

﴿١١٠٣﴾ الرسول ﷺ: مَا مِنْ عَمَلٍ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ بَعْدَ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَ مَعْرِفَةِ رَسُولِهِ وَأَهْلِ

بَيْتِهِ مِنْ بُغْضِ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٦

﴿١١٠٤﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ خَصَّكَ بِأَمْرِ وَأَعْطَاكَ لَيْسَ مِنَ الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبَّ

إِلَيْهِ وَلَا أَفْضَلَ مِنْهُ عِنْدَهُ، الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٣١، ص ٣١٨

﴿١١٠٥﴾ السَّجَّاد عليه السلام: سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَقَالَ مَا مِنْ

عَمَلٍ بَعْدَ مَعْرِفَةِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ مَعْرِفَةِ رَسُولِهِ ﷺ أَفْضَلَ مِنْ بُغْضِ الدُّنْيَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٠

٢-٢-١-٤- أفضلُ الطَّاعَاتِ

﴿١١٠٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَفْضَلُ الطَّاعَاتِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ٢٧٥

﴿١١٠٧﴾ الصادق عليه السلام: لَمْ يَطْلُبْ أَحَدٌ الْحَقَّ بَبَابِ أَفْضَلٍ مِنَ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا؛ وسائل الشيعة،

ج ١٦، ص ١٣

٢-٢-١-٥- أفضلُ الزَّيْنَةِ

﴿١١٠٨﴾ الرضا عليه السلام: لَا تَزَيْنَ لِي الْمُتَزَيِّنُونَ بِمِثْلِ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا عَمَّا يُهْمُ الْغِنَى عَنْهُ... وَ أَمَّا

الْمُتَزَيِّنُونَ لِي بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا فَإِنِّي أُبَيِّحُهُمُ الْجَنَّةَ بِحَدَافِيرِهَا؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٢٦

٢-٢-٢- تَرْكُ الدُّنْيَا أَبْرَ

﴿١١٠٩﴾ عيسى عليه السلام: يَا طَالِبَ الدُّنْيَا لِتَبْرَ، تَرْكُكَ الدُّنْيَا أَبْرَ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣٤

٢-٢-٣- الأَحَبُّ

﴿١١١٠﴾ الصادق عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى عليه السلام إِنَّ عِبَادِي لَمْ يَتَقَرَّبُوا إِلَيَّ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ

مِنْ ثَلَاثٍ خِصَالِ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا وَالْوَرَعَ عَنِ الْمَعَاصِي وَالْبُكَاءِ مِنْ خَشْيَتِي فَقَالَ مُوسَى يَا رَبِّ

فَمَا لِمَنْ صَنَعَ ذَلِكَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى أَمَّا الزَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا فَأَحْكَمُهُمْ فِي الْجَنَّةِ وَأَمَّا الْمُتَوَرَّعُونَ

عَنِ الْمَعَاصِي فَمَا أَحَاسِبُهُمْ وَأَمَّا الْبَاكُونَ مِنْ خَشْيَتِي فَفِي الرِّفْقِ الْأَعْلَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٣٣٣

«برترین»

۲-۲-۱-۲- برترین جهاد بریدن از لذت‌های دنیا است

«۱۱۰۱» با فضیلت‌ترین جهاد، مبارزه با نفس در برابر هوی و هوس و جداکردن آن از لذت‌های دنیا است.

۲-۲-۱-۳- برترین اعمال

«۱۱۰۲» سه عمل بافضیلت‌ترین اعمالند؛ مجاهده‌ی نفس، نبرد با هوی و هوس، و روی گرداندن از دنیا.

«۱۱۰۳» هیچ علمی در نزد خداوند بعد از معرفت خدا و معرفت رسول خدا ﷺ و اهل بیت او (علیهم‌السلام)، بافضیلت‌تر از متنفر بودن از دنیا نیست.

«۱۱۰۴» ای علی! خداوند تو را مخصوص امری کرده و آن را به تو عطا کرده که هیچ عملی نزد وی از آن محبوب‌تر و برتر نیست و آن زهد در دنیا است.

«۱۱۰۵» از امام سجّاد (علیه‌السلام) پرسیده شد: «کدام عمل نزد خداوند عزّ و جل برتر است؟» حضرت فرمود: «هیچ عملی پس از شناخت خداوند عزّ و جل و شناخت رسول خدا ﷺ برتر از نفرت از دنیا نیست.

۲-۲-۱-۴- برترین اطاعت

«۱۱۰۶» بافضیلت‌ترین فرمانبرداری‌ها، زهد در دنیا است.

«۱۱۰۷» هیچ کس حق را از دری بهتر از دری زهد در دنیا نخواست است.

۲-۲-۱-۵- برترین زینت

«۱۱۰۸» بهترین زینتی که من بندگان خود را به آن آراسته می‌بینم، پارسایی و زهد در دنیا است و چشم پوشی از آنچه که در واقع به آن نیازی ندارند... و اما آنان که با زهد و پارسایی در دنیا به من تقرّب می‌جویند، من تمام بهشت را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهم.

۲-۲-۲- ترک دنیا بهتر است

«۱۱۰۹» ای طالب دنیا به دنبال چیز بهتر برو که ترک دنیا برای تو بهتر است.

۲-۲-۳- دوست داشتنی‌تر

«۱۱۱۰» خداوند به موسی (علیه‌السلام) وحی فرمود: «بندگانم به چیزی محبوب‌تر از سه خصلت به‌سوی من تقرّب پیدا نکرده‌اند: زهد در دنیا و پرهیز از معاصی و گریستن از ترس من». موسی (علیه‌السلام) عرض کرد: «پروردگارا! کسی که این سه خصلت را داشته باشد چه ثوابی دارد؟» خداوند متعال فرمود: «اما اهل زهد در دنیا را، حاکمان اهل بهشت قرار می‌دهم و پرهیزگاران از معاصی خدا را حسابرسی نمی‌کنم و گریه‌کنندگان از خوفم در رفیق‌علی هستند».

﴿الْأَحْسَنُ﴾

﴿١١١١﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ الْكَرِيمُ إِنَّ اللَّهَ قَدْ زَيَّنَكَ بِزِينَةِ الْعِبَادَةِ بِزِينَةِ أَحَبِّ إِلَيَّ إِلَهٍ مِنْهَا زَيْنَكَ بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا وَجَعَلَكَ لَا تَرَزُّا مِنْهَا شَيْئًا وَلَا تَرَزُّا مِنْكَ شَيْئًا؛ بحار الأنوار، ج ٣٩، ص ٢٩٧
٢-٢-٤-الأحسنُ

﴿١١١٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَحْسَنُ مِنْ مُلَابَسَةِ الدُّنْيَا رَفْضُهَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٨
٢-٢-٥-الأخوجُ

﴿١١١٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكُمْ إِلَى أَزْوَادِ التَّقْوَى أَخَوْجُ مِنْكُمْ إِلَى أَزْوَادِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ٢٦٩
٢-٢-٦-الأكيسُ

﴿١١١٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَكْيَسُ النَّاسِ مَنْ رَفَضَ دُنْيَاهُ؛ غرر الحكم، ص ٣٢٢
٢-٢-٧-الأَنْفَعُ

﴿١١١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: صَوْمُ النَّفْسِ عَنْ لَذَاتِ الدُّنْيَا أَنْفَعُ الصِّيَامِ؛ غرر الحكم، ص ١٧٦
٢-٢-٨-الأورعُ

﴿١١١٦﴾ الرسول ﷺ: يَا أَحْمَدُ إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَكُونَ أَوْرَعَ النَّاسِ فَازْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَارْغَبْ فِي الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢١
٢-٢-٩-الأشدُّ

٢-٢-٩-١-أشدُّ مَا يُتَخَوَّفُ

﴿١١١٧﴾ الرسول ﷺ: أَشَدُّ مَا يُتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي ثَلَاثَةٌ زَلَّةٌ عَالِمٍ أَوْ جِدَالٌ مُنَافِقٍ بِالْقُرْآنِ أَوْ دُنْيَا تَقْطَعُ رِقَابَكُمْ فَاتَّهَمُوهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ٤٩
٢-٢-٩-٢-أشدُّ الْحَسْرَةِ

﴿١١١٨﴾ الحسين عليه السلام: وَمَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هِمَّتَهُ اشْتَدَّتْ حَسْرَتُهُ عِنْدَ فِرَاقِهَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٥٢
٢-٢-١٠-الأعظمُ

٢-٢-١٠-١-أعظمُ الْخَطَايَا

﴿١١١٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَعْظَمُ الْخَطَايَا حُبُّ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٠
﴿٣٨٤﴾

﴿نیکوتر﴾

﴿۱۱۱۱﴾ یا علی! خداوند تو را به زیوری آراسته که هیچ کدام از بندگان را به زیوری محبوب تر از آن نزد خدا نیاراسته است، [و آن] زهد در دنیا است. و تو را آنچنان قرار داده که نه تو از دنیا چیزی ببری و نه دنیا از تو.

۲-۲-۴- نیکوتر

﴿۱۱۱۲﴾ نیکوتر از پوشیدن دنیا ترک آن است.

۲-۲-۵- نیازمندتر

﴿۱۱۱۳﴾ به درستی که به جمع آوری توشه‌ی تقوی بیشتر از جمع آوری توشه‌ی دنیا نیازمندید.

۲-۲-۶- زیرک تر

﴿۱۱۱۴﴾ زیرک ترین مردم کسی است که دنیا را ترک کند.

۲-۲-۷- سودمندتر

﴿۱۱۱۵﴾ سودمندترین روزه، نگه داشتن نفس از لذت های دنیا است.

۲-۲-۸- باورع تر

﴿۱۱۱۶﴾ ای احمد! اگر دوست داری که باورع ترین مردم باشی، نسبت به دنیا زهد پیشه کن و به آخرت تمایل داشته باش.

۲-۲-۹- بیشترین

۲-۲-۹-۱- بیشترین ترس

﴿۱۱۱۷﴾ بالاترین ترسی که من از امت خود دارم، سه خصلت است: لغزش عالم، جدال منافق به وسیله‌ی قرآن یا دنیایی که گردن های شما را قطع می کند. خود را به آنها آلوده نکنید و همواره نفس خویش را متهم سازید که دنبال آن خصلت ها نروید.

۲-۲-۹-۲- بیشترین حسرت

﴿۱۱۱۸﴾ هرکس قصدش از تلاش برای دنیا باشد، هنگام جد شدن از آن افسوسش فراوان است.

۲-۲-۱۰- بزرگ ترین

۲-۲-۱۰-۱- بزرگ ترین خطاها

﴿۱۱۱۹﴾ بزرگ ترین خطاها حبّ دنیا است.

﴿الْبَغْضُ﴾

٢-٢-١٠-٢- أَعْظَمُ الْمَصَائِبِ

﴿١١٢٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَعْظَمُ الْمَصَائِبِ وَالشَّقَاءُ الْوَلَهُ بِالدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ١٤٠

٢-٢-١٠-٣- أَعْظَمُ النَّاسِ

﴿١١٢١﴾ الباقر عليه السلام: وَقِيلَ لِمُحَمَّدٍ بْنُ عَلِيٍّ مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْرًا قَالَ مَنْ لَمْ يُبَالِ الدُّنْيَا فِي يَدٍ مَنْ كَانَتْ فَمَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ صَغُرَتْ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ وَمَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ كَبُرَتْ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ؛ جامع الأخبار، ص ١٠٩

﴿١١٢٢﴾ الكاظم عليه السلام: إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ قَدْرًا الَّذِي لَا يَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِهِ خَطَرًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٠٢

٢-٢-١١- الأَبْغَضُ

﴿١١٢٣﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لَمْ يَخْلُقْ خَلْقًا أَبْغَضَ إِلَيْهِ مِنَ الدُّنْيَا؛ مجموعة ورام،

ج ١، ص ١٢٩

٢-٢-١٢- الْأَخْسَرُ

﴿١١٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَخْسَرُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ الدُّنْيَا [بِالدُّنْيَا] عَوَضًا عَنِ الْآخِرَةِ؛

غررالحكم، ص ١٤٠

﴿١١٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَخْسَرُ مِمَّنْ تَعَوَّضَ عَنِ الْآخِرَةِ بِالدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ١٤١

٢-٢-١٣- الْأَخْوَفُ

﴿١١٢٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ أَدْبَرَتْ وَآذَنْتْ بِوَادِعٍ وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ أَقْبَلَتْ وَأَشْرَفَتْ بِاطِّلَاعٍ... وَإِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافَ بِهِ عَلَيْكُمْ اتِّبَاعَ الْهَوَى وَطُولُ الْأَمَلِ تَزَوُّدُوا فِي الدُّنْيَا مَا تَحْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٣٥

٢-٢-١٤- الْأَذَلُّ

﴿١١٢٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَالَ: فَأَيُّ ذُلٍّ أَذَلُّ؟ قَالَ: الْحِرْصُ عَلَى الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٧٨

٢-٢-١٥- الْأَحْمَقُ

﴿١١٢٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَالَ: فَأَيُّ النَّاسِ أَحْمَقُ قَالَ الْمُغْتَرُّ بِالدُّنْيَا وَهُوَ يَرَى مَا فِيهَا مِنْ تَقَلُّبِ أَحْوَالِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٧٨

٢-٢-١٦- الْأَشَقَى

﴿١١٢٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَالَ: فَأَيُّ الْخَلْقِ أَشَقَى؟ قَالَ: مَنْ بَاعَ دِينَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ؛

الأمالي للصدوق، ص ٣٩٣

﴿منفورترین﴾

۲-۲-۱۰-۲- بزرگ‌ترین مصیبت‌ها

﴿۱۱۲۰﴾ بزرگ‌ترین مصیبت‌ها و بدبختی حیران‌شدن و سرگشتگی به دنیا است.

۲-۲-۱۰-۳- بزرگ‌ترین مردم

﴿۱۱۲۱﴾ به امام باقر علیه السلام گفته شد: «جایگاه چه کسی بالاتر است؟» فرمود: «کسی که برایش مهم نیست که دنیا در دستان کیست. کسی که نفسش برایش مهم است، دنیا در چشمش کوچک و هرکسی که نفسش برایش بی‌ارزش است، دنیا در چشمش بزرگ جلوه می‌کند».

﴿۱۱۲۲﴾ با ارزش‌ترین مردم کسی است که دنیا را برای خود مقام و منزلتی نداند.

۲-۲-۱۱- منفورترین

﴿۱۱۲۳﴾ خداوند متعال مخلوقی منفورتر از دنیا در نزد خود نیافریده است.

۲-۲-۱۲- زیانکارترین

﴿۱۱۲۴﴾ زیانکارترین مردم کسی است که در عوض آخرت به دنیا راضی شود.

﴿۱۱۲۵﴾ چه کسی زیانکارتر از آن است که دنیا را در عوض آخرت بگیرد؟

۲-۲-۱۳- ترسناک‌ترین

﴿۱۱۲۶﴾ دنیا پشت کرده خبر وداع می‌دهد و آخرت روی آورده و خبر آمدن داده است... ترسناک‌ترین چیزی که از آن بر شما می‌ترسم پیروی از هوی و آرزوی دراز است. پس، از این دنیا توشه بردارید تا فردا خود را با آن حفظ کنید.

۲-۲-۱۴- ذلیل‌ترین

﴿۱۱۲۷﴾ پرسید: «کدام خواری ذلت‌بارتر است؟» فرمود: «حرص بر دنیا».

۲-۲-۱۵- نادان‌ترین

﴿۱۱۲۸﴾ پرسید: «کدام یک از مردم احمق هستند؟» فرمود: «آن که فریفته‌ی دنیا گردد، با وجودی که دگرگونی‌های احوال را در آن مشاهده می‌کند».

۲-۲-۱۶- بدبخت‌ترین

﴿۱۱۲۹﴾ [پیرمردی از امام علی علیه السلام پرسید]: «کدام مخلوق بدبخت‌تر است؟» فرمود: «آن که دینش را به دنیای شخص دیگری بفروشد».

«الرَّأْسُ وَالْأَصْلُ»

١٧-٢-٢-الأهونُ

﴿١١٣٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَمَوْتَاتُ الدُّنْيَا أَهْوَنَ عَلَىَّ مِنْ مَوْتَاتِ الْآخِرَةِ؛ شرح نهج البلاغة،

ج ٤، ص ٦

﴿١١٣١﴾ الرسول ﷺ: فَضُوحُ الدُّنْيَا أَهْوَنُ مِنْ فَضُوحِ الْآخِرَةِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٩، ص ١٦١

١٨-٢-٢-الأضرُ

﴿١١٣٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكَ لَنْ تَلْقَى اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِعَمَلٍ أَضَرَ عَلَيْكَ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١

١٩-٢-٢-الأوّلُ

﴿١١٣٣﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ أَوَّلَ مَا غَصِيَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ سِتُّ حُبِّ الدُّنْيَا وَحُبِّ الرَّئَاسَةِ وَ

حُبِّ الطَّعَامِ وَحُبِّ النَّوْمِ وَحُبِّ الرَّاحَةِ وَحُبِّ النِّسَاءِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٨٩

٣-٢-الرَّأْسُ وَالْأَصْلُ

١-٢-٣-رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ

﴿١١٣٤﴾ الرسول ﷺ: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ أَلَا تَرَى كَيْفَ أَحَبَّ مَا أَبْغَضَهُ اللَّهُ؛

مصباح الشريعة، ص ١٣٧

٢-٢-٣-أَصْلُ كُلِّ خَطِيئَةٍ

﴿١١٣٥﴾ عيسى عليه السلام: وَاعْلَمُوا أَنَّ أَصْلَ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا وَرُبَّ شَهْوَةٍ أَوْرَثَتْ أَهْلَهَا

حُزْنَ طَوِيلًا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٧

٣-٢-٣-أَصْلُ كُلِّ مَعْصِيَةٍ

﴿١١٣٦﴾ الصادق عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا أَصْلُ كُلِّ مَعْصِيَةٍ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٢١

٤-٢-٣-رَأْسُ الْفِتَنِ وَأَصْلُ الْمِحَنِ

﴿١١٣٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لِمُفْسِدَةُ الدِّينِ مُسْلِبَةُ الْيَقِينِ وَإِنَّهَا لِرَأْسُ الْفِتَنِ وَأَصْلُ

الْمِحَنِ؛ غرر الحكم، ص ١٢٨

٤-٢-الشرُّ، السُّوءُ، الْخُبْثُ

١-٢-٤-الشرُّ

﴿١١٣٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: شَرُّ الْمِحَنِ حُبُّ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١

﴿منشأ و ریشه﴾

۱۷-۲-۲-آسان‌ترین

﴿۱۱۳۰﴾ از دست‌دادن دنیا برای من آسان‌تر از از دست‌دادن آخرت.

﴿۱۱۳۱﴾ رسوایی دنیا آسان‌تر از رسوایی آخرت است.

۱۸-۲-۲-زیانبارترین

﴿۱۱۳۲﴾ به‌درستی که خداوند سبحان را با عملی پرضررتر از حبّ دنیا ملاقات نخواهی

کرد.

۱۹-۲-۲-اولین

﴿۱۱۳۳﴾ اولین عواملی که موجب نافرمانی خدا شد، شش چیز بود: حبّ دنیا، حبّ ریاست،

حبّ طعام، حبّ خواب، حبّ راحتی و حبّ زنان.

۳-۲-منشأ و ریشه

۱-۲-۳-منشأ هر خطا

﴿۱۱۳۴﴾ دلبستگی به دنیا ریشه و سرچشمه‌ی هر خطایی است. مگر نمی‌بینی او چیزی را

دوست دارد که مورد بغض خداوند است.

۲-۲-۳-ریشه‌ی هر خطا

﴿۱۱۳۵﴾ و آگاه باشید که سرچشمه‌ی هر گناهی حبّ دنیا است، و چه بسا شهوتی که اندوهی

طولانی را برای صاحبش به ارث گذاشته است.

۳-۲-۳-ریشه‌ی همه‌ی گناهان

﴿۱۱۳۶﴾ دوستی دنیا اصل همه‌ی گناهان است.

۴-۲-۳-منشأ فتنه‌ها و ریشه‌ی محنت‌ها

﴿۱۱۳۷﴾ همانا دنیا هرآینه فاسدکننده‌ی دین و زایل‌کننده‌ی یقین است و به‌درستی که آن سر

منشأ فتنه‌ها و اصل محنت‌هاست.

۴-۲-بدی و شومی و پلیدی

۱-۲-۴-شرّ

﴿۱۱۳۸﴾ بدترین محنت‌ها حبّ دنیا است.

﴿اللُّعْنُ﴾

﴿١١٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: شَرُّ الْفِتَنِ مَحَبَّةُ الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ١٣٩

﴿١١٤٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: شَرُّ إِخْوَانِكَ مَنْ أَغْرَاكَ بِهَوَىٰ وَ وَلَّهَكَ بِالدُّنْيَا؛ غررالحكم،

ص ٤١٩

﴿١١٤١﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ وَ شَرُّ مَنْ ذَلِكَ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ

بِدُنْيَا غَيْرِهِ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٥٢

٢-٤-٢- السُّوءُ

﴿١١٤٢﴾ السَّجَاد عليه السلام: وَمَا آثَرَ قَوْمٍ قَطُّ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ إِلَّا سَاءَ مُنْقَلَبُهُمْ... فَلَا تَلْتَمِسُوا شَيْئًا

مِمَّا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ وَ اشْتَغِلُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِطَاعَةِ اللَّهِ؛ الكافي، ج ٨، ص ١٦

﴿١١٤٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ لَبِئْسَ الْمُنْجِرُ أَنْ تَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِكَ ثَمَنًا وَ مِمَّا لَكَ عِنْدَ اللَّهِ

عَوَضًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤

﴿١١٤٤﴾ الرسول ﷺ: بَيْسَ الْقَوْمِ قَوْمٌ يَخْتَارُونَ الدُّنْيَا عَلَى الدِّينِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٢، ص ٣١٠

﴿١١٤٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: بَيْسَتْ الدَّارُ الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ١٤٣

٣-٤-٢- مُضِرٌّ

﴿١١٤٦﴾ الرسول ﷺ: إِنْ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا إِضْرَارًا بِالْآخِرَةِ وَ فِي طَلَبِ الْآخِرَةِ إِضْرَارًا بِالدُّنْيَا

فَاضْرِبُوا بِالدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَوْلَىٰ بِالْإِضْرَارِ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣١

٤-٤-٢- الْحَرَامُ

﴿١١٤٧﴾ الرسول ﷺ: الدُّنْيَا حَرَامٌ عَلَى أَهْلِ الْآخِرَةِ وَ الْآخِرَةُ حَرَامٌ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ هُمَا

مَعًا حَرَامَانِ عَلَى أَهْلِ اللَّهِ؛ عوالي اللآلي، ج ٤، ص ١١٩

٥-٤-٢- الْخُبْتُ

﴿١١٤٨﴾ عيسى عليه السلام: مِنْ خُبْتُ الدُّنْيَا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ غُصِيَ فِيهَا وَ أَنَّ الْآخِرَةَ لَا تُنَالُ إِلَّا

بِتَرْكِهَا عليه السلام؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ٧٨

٥-٢- اللَّعْنُ

١-٥-٢- اللَّعْنُ

﴿١١٤٩﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ مَلْعُونٌ مَا فِيهَا إِلَّا مَنْ ابْتَغَىٰ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ؛

بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٢

﴿لعن و نفرین﴾

﴿۱۱۳۹﴾ بدترین فتنه‌ها حبّ و دوستی دنیاست.

﴿۱۱۴۰﴾ بدترین برادران تو کسانی هستند که با هوای نفسشان فریب داده و تو را سرگشته و حیران دنیا کنند.

﴿۱۱۴۱﴾ ای علی! بدترین مردم کسی است که آخرتش را به دنیایش بفروشد. و بدتر از او کسی است که آخرتش را به دنیای دیگری بفروشد.

۲-۴-۲ بد و شوم

﴿۱۱۴۲﴾ و هیچ گروهی دنیا را بر آخرت ترجیح ندادند مگر آنکه دچار سرانجام و عاقبتی شوم شدند... پس هیچ چیز این دنیا را توسط گناهی نخواهید، و در دنیا سرگرم انجام دستورات خداوند باشید.

﴿۱۱۴۳﴾ چقدر تجارت ناستوده‌ای است که انسان دنیا را بها و ارزش نفس خویش قرار دهد و در مقابل آنچه در نزد خدا دارد، دنیا را عوض بگیرد.

﴿۱۱۴۴﴾ بدترین قوم کسانی هستند که دنیا را بر دین ترجیح می‌دهند.

﴿۱۱۴۵﴾ دنیا چه بدسرای است!

۳-۴-۲ زیان‌بار

﴿۱۱۴۶﴾ آن‌ها که طالب دنیا می‌باشند به آخرت خود زیان می‌رسانند و کسانی که طالب آخرت هستند، به دنیا ضرر می‌رسانند، شما به دنیا زیان برسانید که آن شایسته‌ی زیان می‌باشد.

۴-۴-۲ حرام

﴿۱۱۴۷﴾ دنیا بر اهل آخرت حرام است و آخرت بر اهل دنیا حرام است و دنیا و آخرت بر اهل خدا حرام است.

۵-۴-۲ پلیدی

﴿۱۱۴۸﴾ از پلیدی دنیاست که معصیت خدا در آن صورت می‌گیرد و کسی جز با ترک دنیا به آخرت نمی‌رسد.

۵-۲ لعن و نفرین

۱-۵-۲ لعن و نفرین

﴿۱۱۴۹﴾ پیامبر ﷺ خطاب به من فرمود: «... ای ابوذر! دنیا و آنچه در آن است از رحمت خدا دور است، مگر آنچه را که به وسیله‌ی آن رضای خدا به دست آید و برای خدا باشد.

﴿اللُّغْنُ﴾

﴿١١٥٠﴾ الرسول ﷺ: الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ مَلْعُونٌ مَنْ فِيهَا مَلْعُونٌ مَنْ طَلَبَهَا وَ أَحَبَّهَا وَ نَصَبَ لَهَا وَ تَصَدِّقُ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَ يَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ قَوْلُهُ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٨

﴿١١٥١﴾ الرسول ﷺ: الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ وَ مَلْعُونٌ مَنْ فِيهَا إِلَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا أَوْ ذَاكِرًا لِلَّهِ تَعَالَى؛

إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٤

﴿١١٥٢﴾ الرسول ﷺ: الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ مَلْعُونٌ مَا فِيهَا إِلَّا مَا كَانَ لِلَّهِ مِنْهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٩،

ص ٣٣٠

﴿١١٥٣﴾ السَّجَّادُ (عليه السلام): الدُّنْيَا دُنْيَا، إِنْ دُنْيَا بَلَغَ وَ دُنْيَا مَلْعُونَةٌ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٠

٢-٥-٢-الأُفُ

﴿١١٥٤﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): أَفَّ عَلَى الدُّنْيَا وَ أَسْبَابِهَا، فَإِنَّهَا لِلْحُزْنِ مَخْلُوقَةٌ،

هُمُومُهَا مَا تَنْقُضِي سَاعَةً، عَنْ مَلِكٍ فِيهَا وَ عَنْ سَوْقَةٍ؛ ديوان الإمام علي (عليه السلام)، ص ٢٩٨

﴿١١٥٥﴾ الصادق (عليه السلام): أَفَّ لِلدُّنْيَا إِنَّهَا الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ يُسَلِّطُ اللَّهُ فِيهَا عَدُوَّهُ عَلَى وَلِيِّهِ وَإِنْ

بَعْدَهَا دَارًا لَيْسَتْ هَكَذَا فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ أَتَيْنَ تِلْكَ الدَّارَ فَقَالَ هَاهُنَا وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى

الْأَرْضِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٣٠٤

٣-٥-٢-الْوَيْلُ

﴿١١٥٦﴾ عيسى (عليه السلام): فِي الْإِنْجِيلِ: وَيْلَكُمْ يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا لَا كَحُكَمَاءَ تَعْقِلُونَ وَ لَا كَحُلَمَاءَ

تَفْقَهُونَ وَ لَا كَعُلَمَاءَ تَعْلَمُونَ وَ لَا كَعَبِيدٍ أَتَقِيَاءَ وَ لَا كَأَحْرَارٍ؛ تحف العقول، ص ٥٠٨

﴿١١٥٧﴾ عيسى (عليه السلام): وَيْلَكُمْ يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا نَقُوا الْقَمَحَ وَ طَيَّبُوهُ وَ أَدِقُوا طَحْنَهُ تَجِدُوا طَعْمَهُ وَ

يَهْنِكُمْ أَكْلُهُ كَذَلِكَ فَاخْلَصُوا الْإِيمَانَ وَ اكْمِلُوهُ تَجِدُوا حُلَاوَتَهُ وَ يَنْفَعَكُمْ غُبُهُ؛ بحار الأنوار،

ج ١٤، ص ٣٠٩

﴿١١٥٨﴾ الكاظم (عليه السلام): وَيْلُ لِلَّذِينَ يَجْتَلِبُونَ الدُّنْيَا بِالْدِّينِ وَ وَيْلُ لِلَّذِينَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ

بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٨٤

﴿١١٥٩﴾ عيسى (عليه السلام): وَيْلُ لِصَاحِبِ الدُّنْيَا كَيْفَ يَمُوتُ وَ يَتْرُكُهَا وَ يَأْمُنُهَا وَ تَغْرُهُ وَ يَتَّقُ بِهَا وَ

تَخْذُلُهُ؛ عدة الداعي، ص ١٠٦

٤-٥-٢-الإِسْتِعَاذَةُ مِنْهَا

﴿لعن و نفرین﴾

﴿۱۱۵۰﴾ دنیا و هرچه در آن است و هرکس آن را می‌طلبد و دوست می‌دارد و آن را هدف خود می‌داند، از رحمت خدا به دور است و گواه این مطلب این آیه: «هرچه در دنیاست فانی و فقط روی پروردگارت پایدار است و آیه‌ی: همه چیز فانی‌اند جز روی پروردگارت» می‌باشد.

﴿۱۱۵۱﴾ دنیا و کسی که در آن است، از رحمت خداوند به دور است، مگر عالم یا شاگردی که در حال فراگیری است و یا کسی که به ذکر خدا مشغول است.

﴿۱۱۵۲﴾ دنیا و هرچه در آن است، از رحمت خدا به دور است مگر آنچه برای خداوند باشد.

﴿۱۱۵۳﴾ دنیا دوگونه است: دنیایی که در حدّ کفایت است و دنیایی که نفرین شده است.

۲-۵-۲-اف

﴿۱۱۵۴﴾ اف بر دنیا و بر اسباب و علل آن؛ که دنیا برای غم و اندوه خلق شده و یک لحظه هم و غم و اندوه از بازاریش کم و تمام نمی‌شود.

﴿۱۱۵۵﴾ ولیدبن صبیح از امام صادق (علیه السلام) روایت می‌کند که فرمود: «...اف بر این دنیا، اف بر این دنیا! همانا دنیا سرای بلایی است که خداوند در آن، دشمنش را بر دوستش چیره می‌گرداند و پس از آن سرایی در پیش است که چنین نیست». عرض کردم: «فدایت شوم! این سرا کجاست؟» فرمود: «اینجا» و با دست به زمین اشاره کرد.

۳-۵-۲-وای

﴿۱۱۵۶﴾ وای بر شما ای بندگان دنیا! نه مانند حکیمان می‌اندیشید، نه مانند دانایان درک می‌کنید و نه مانند دانشمندان می‌دانید، نه مانند بندگان پرهیزگار هستید و نه آزادگان بزرگوار.

﴿۱۱۵۷﴾ وای بر شما ای بندگان دنیا، گندم را پاک و تمیز می‌کنید و زوائد آن را می‌زدایید و آن را تبدیل به آرد می‌کنید و طعم آن را در می‌یابید و خوردنش را گوارا می‌کنید، همین‌گونه ایمان را خالص و کامل گردانید تا شیرینی آن را در درک کنید و عاقبتش به شما سود رساند.

﴿۱۱۵۸﴾ وای بر کسانی که دین را وسیله‌ی دست‌یافتن به دنیا قرار می‌دهند و وای بر کسانی که افرادی را که به عدالت امر می‌کنند، می‌کشند.

﴿۱۱۵۹﴾ وای بر دنیا دار چگونه می‌میرد و دنیا را ترک می‌کند درحالی که به آن اطمینان دارد. دنیا او را فریب می‌دهد و خوار می‌کند اما به آن ایمان دارد.

۴-۵-۲-پناه‌بردن از آن

﴿فَضِيلَةُ تَرْكِ الدُّنْيَا﴾

﴿١١٦٠﴾ الصادق عليه السلام: أَعُوذُ بِكَ يَا إِلَهِي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ مَا فِيهَا لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْنًا وَلَا فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا أَخْرِجْنِي مِنْ فِتْنَتِهَا مَرْضِيًّا عَنِّي مَقْبُولًا فِيهَا عَمَلِي إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ وَمَسَاكِينِ الْأَخْيَارِ وَأَبْدِلْنِي بِالدُّنْيَا الْفَانِيَةِ نَعِيمَ الدَّارِ الْبَاقِيَةِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٥٣

﴿١١٦١﴾ السَّجَّاد عليه السلام: وَأَعُوذُ بِكَ يَا إِلَهِي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ أَهْلِهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا؛

جمال الأسبوع، ص ٣٧٥

٥-٢-الدُّعَاءُ عَلَيْهَا

﴿١١٦٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا؛ مصباح المتعجب، ص ٥٦٧

﴿١١٦٣﴾ الدُّعَاءُ فِي غُرَّةِ جَمَادَى الْأُولَى: اللَّهُمَّ أَنْزِعْ حُبَّ الدُّنْيَا وَمَعَاصِيهَا وَذِكْرَهَا وَشَهَوَاتِهَا مِنْ قَلْبِي؛ بحار الأنوار، ج ٩٥، ص ٣٧٠

﴿١١٦٤﴾ أَسْأَلُكَ أَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا غَانِمًا؛ بحار الأنوار، ج ٩٥، ص ٣٧٠

﴿١١٦٥﴾ الصادق عليه السلام: فَاسْأَلْكَ... وَزُهْدًا فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ؛

تهذيب الأحكام، ج ٣، ص ١٢٦

﴿١١٦٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَاجْعَلْنِي... فِي الدُّنْيَا زَاهِدِينَ وَفِي الْآخِرَةِ رَاغِبِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩١،

ص ١٢٢

﴿١١٦٧﴾ السَّجَّاد عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَانْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذَكَرَ دُنْيَاهُمْ الْخِدَاعَةَ الْعُرُورَ، وَامْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفُتُونِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام الدعاء ٢٧

﴿١١٦٨﴾ الصادق عليه السلام: لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْنًا وَلَا فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا أَخْرِجْنِي مِنْ فِتْنَتِهَا مَرْضِيًّا عَنِّي مَقْبُولًا فِيهَا عَمَلِي إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ وَمَسَاكِينِ الْأَخْيَارِ وَأَبْدِلْنِي بِالدُّنْيَا الْفَانِيَةِ نَعِيمَ الدَّارِ الْبَاقِيَةِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٥٣

٥-٢- فَضِيلَةُ تَرْكِ الدُّنْيَا

١-٢-٦-الْخَيْرُ

﴿١١٦٩﴾ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَهُوَ وَلِلدَّارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛

(الأنعام / ٣٢)

﴿١١٧٠﴾ وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرٌ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ

لِلدَّارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعَمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ؛ (النحل / ٣٠)

﴿٣٩٤﴾

﴿فضیلت ترک دنیا﴾

﴿۱۱۶۰﴾ بارالها از شرّ دنیا و شرّ اهل دنیا به تو پناه می‌برم. دنیا را برای من زندان و فراق آن را برایم اندوه قرار نده و مرا از فتنه‌ی آن پناه ده؛ درحالی که از من راضی هستی و عملم در آن مقبول باشد و مرا در دار الحیوان (بهشت برین) و مسکن برگزیدگان پناه ده و نعمت سرای جاودان را برایم جایگزین دنیای فانی کن.

﴿۱۱۶۱﴾ خداوندا! از شرّ دنیا و شرّ اهل آن و شرّ هرچه در آن است به تو پناه می‌برم.

۵-۵-۲ درخواست دورشدن از آن

﴿۱۱۶۲﴾ پیوسته دعای پیامبر ﷺ این بود: دنیا را بزرگ‌ترین دغدغه‌ی من قرار نده.

﴿۱۱۶۳﴾ خدایا، دوستی دنیا و گناهان و یاد و هوس دنیا را از دلم بزدا.

﴿۱۱۶۴﴾ از تو خواستارم که مرا سالم و درحالی که از دنیا بهره برگرفته‌ام، از آن بیرون

بری.

﴿۱۱۶۵﴾ خداوندا! از تو می‌خواهم... که به من در دنیا زهد عطا کنی و میل و رغبت مرا به آن

چیزی قرار دهی که نزد توست و اعتماد مرا فقط به خودت جلب کنی.

﴿۱۱۶۶﴾ مرا... زاهد در دنیا و مشتاق به آخرت قرار ده.

﴿۱۱۶۷﴾ خدایا! بر محمد و آل او درود بفرست و به هنگام برخورد با دشمن یاد دنیای مکار

فریبنده را از خاطر رزمندگانمان بزدا و اندیشه‌های مال فتنه‌انگیز را از دل‌هایشان محو کن.

﴿۱۱۶۸﴾ بارالها! دنیا را برای من زندان و فراق آن را برایم اندوه قرار نده و مرا از فتنه‌ی

آن پناه ده؛ درحالی که از من راضی هستی و عملم در آن مقبول باشد و مرا در دار الحیوان

(بهشت برین) و مسکن برگزیدگان پناه ده و نعمت سرای جاودان را برایم جایگزین دنیای

فانی کن.

۶-۲ فضیلت ترک دنیا

۱-۶-۲ بهتر

﴿۱۱۶۹﴾ زندگی دنیا، چیزی جز بازی و سرگرمی نیست! و سرای آخرت، برای آن‌ها که

پرهیزگارند، بهتر است! آیا نمی‌اندیشید؟!

﴿۱۱۷۰﴾ [ولی هنگامی که] به پرهیزگاران گفته می‌شد: «پروردگار شما چه چیز نازل کرده

است؟» می‌گفتند: «خیر [و سعادت]» [آری،] برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است

و سرای آخرت از آن هم بهتر است و چه خوب است سرای پرهیزگاران!

﴿فَضِيلَةُ تَرْكِ الدُّنْيَا﴾

﴿١١٧١﴾ الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا؛

(الكهف / ٤٦)

﴿١١٧٢﴾ وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛

(القصص / ٦٠)

﴿١١٧٣﴾ فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ

يَتَوَكَّلُونَ؛ (الشورى / ٣٦)

﴿١١٧٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَالَ: فَأَيُّ النَّاسِ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: قَالَ: أَخَوْفُهُمْ لِلَّهِ وَ

أَعْمَلُهُمْ بِالْتَّقْوَىٰ وَأَزْهَدُهُمْ فِي الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٧٨

﴿١١٧٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الدُّنْيَا لِلْمُتَّقِينَ ثَوَابًا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ

خَيْرٌ لِلْآبِرَارِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٣٦٠

﴿١١٧٦﴾ الباقر عليه السلام: وَاللَّهِ مَا آخَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ مَا يَطْلُبُونَ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا

خَيْرٌ لَهُمْ عَمَّا عَجَلَ لَهُمْ مِنْهَا وَ أَى شَيْءٍ الدُّنْيَا؛ وسائل الشيعة، ج ٧، ص ٦٠

﴿١١٧٧﴾ الرسول ﷺ: إِذَا أَرَدْتَ شَيْئًا مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا فَعَسَّرَ عَلَيْكَ فَأَعْلَمْ أَنَّكَ بِخَيْرٍ وَإِذَا

أَرَدْتَ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا فَيَسِّرَ لَكَ فَأَعْلَمْ أَنَّهُ شَرٌّ لَكَ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٦، ص ٢٣٣

﴿١١٧٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خَيْرٌ مَنْ صَحِبْتَ مَنْ وَلَهَكَ بِالْآخِرَىٰ وَزَهَدَكَ فِي الدُّنْيَا وَ

أَعَانَكَ عَلَى طَاعَةِ الْمَوْلَى؛ غرر الحكم، ص ٤٣٠

﴿١١٧٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَسِيرُ الدِّينَ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ٨٥

﴿١١٨٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا دُنْيَاكَ الَّتِي تَحَبَّبْتَ إِلَيْكَ بِخَيْرٍ مِنَ الْآخِرَةِ الَّتِي قَبَّحَهَا سُوءُ

النَّظَرِ عَنْكَ؛ غرر الحكم، ص ١٤٤

﴿١١٨١﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ زَهْدَهُ فِي الدُّنْيَا وَفَقَّهَهُ فِي الدِّينِ وَبَصَّرَهُ

عُيُوبَهَا وَمَنْ أُوتِيَهُنَّ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ١٣

﴿١١٨٢﴾ لقمان عليه السلام: وَمَنْ يَكُونُ فِي الدُّنْيَا ذَلِيلًا وَفِي الْآخِرَةِ شَرِيفًا خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَكُونَ فِي

الدُّنْيَا شَرِيفًا وَفِي الْآخِرَةِ ذَلِيلًا وَمَنْ تَخَيَّرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ تَفْتِنَهُ الدُّنْيَا وَلَا نَصِيبَ لَهُ فِي

الْآخِرَةِ؛ عوالي اللآلي، ج ٣، ص ٥١٧

﴿فضیلت ترک دنیا﴾

- ﴿۱۱۷۱﴾ مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست و باقیات صالحات [ارزش‌های پایدار و شایسته] ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است!
- ﴿۱۱۷۲﴾ آنچه به شما داده شده، متاع زندگی دنیا و زینت آن است و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است آیا اندیشه نمی‌کنید؟
- ﴿۱۱۷۳﴾ آنچه به شما عطا شده متاع زودگذر زندگی دنیاست، و آنچه نزد خداست برای کسانی که ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل می‌کنند بهتر و پایدارتر است.
- ﴿۱۱۷۴﴾ پرسید: «کدام‌یک از مردم در درگاه الهی برتر است؟» فرمود: «آن که خداترسی و پرهیزکاری را بیشتر شیوهی خود ساخته و در دنیا زاهدتر باشد».
- ﴿۱۱۷۵﴾ خدای تبارک و تعالی دنیا را پاداش پرهیزکاران قرار نداده، و آنچه در نزد خداست برای نیکوکاران بهتر [از این دنیا است].
- ﴿۱۱۷۶﴾ به خدا قسم، خداوند اجابت خواسته‌های دنیوی مؤمنین را که به تأخیر می‌اندازد، به نفع آن‌هاست و برای آن‌ها بهتر است از آنکه برای آن‌ها در دنیا عطا کند. این دنیا چیست؟! (چقدر بی‌ارزش است).
- ﴿۱۱۷۷﴾ هرگاه چیزی از امور دنیا را طلب کردی و به سختی برایت فراهم شد، بدان که آن چیز برایت خیر است و هرگاه چیزی از امور دنیا را خواستی و به آسانی مهیا شد بدان که برایت شرّ است.
- ﴿۱۱۷۸﴾ بهترین دوست تو کسی است که تو را نسبت به آخرت مشتاق و در دنیا زاهدت کند، و بر فرمانبرداری پروردگارت یاری نماید.
- ﴿۱۱۷۹﴾ اندکی از دین بهتر از بسیاری دنیا است.
- ﴿۱۱۸۰﴾ دنیایی که دوست می‌داری بهتر از آخرتی نیست که به خاطر بدبینی‌ات آن را قبیح می‌دانی.
- ﴿۱۱۸۱﴾ هنگامی که خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد، او را نسبت به دنیا بی‌رغبت می‌کند و نسبت به دین آگاهی می‌نماید و او را به عیوبش بینا می‌کند و به هرکس این فضیلت‌ها عطا شود، خیر دنیا و آخرت به او عطا شده است.
- ﴿۱۱۸۲﴾ کسی که در دنیا ذلیل و در آخرت شریف است، بهتر از کسی است که در دنیا شریف و در آخرت ذلیل است. دنیا کسی را که آن را بر آخرت برگزیند، مورد بلا و فتنه قرار می‌دهد و بهره‌ای از آخرت نصیبش نمی‌شود.

﴿الْأَمْرُ بِتَهْوِينِ الدُّنْيَا وَالزُّهْدِ عَنْهَا﴾

٢-٦-٢- الفضل

﴿١١٨٣﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ إِنَّ الْعُقَلَاءَ تَرَكَوا فُضُولَ الدُّنْيَا فَكَيْفَ الذُّنُوبُ وَ تَرَكَوا الدُّنْيَا مِنْ الْفَضْلِ وَ تَرَكَوا الذُّنُوبَ مِنْ الْفَرَضِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ٢١

٢-٦-٣- الفضيلة

﴿١١٨٤﴾ الباقر عليه السلام: يَا عَبْدَ الْغَفَّارِ إِنَّ دُخُولَكَ عَلَى السُّلْطَانِ يَدْعُو إِلَى ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ مَحَبَّةِ الدُّنْيَا وَ نِسْيَانِ الْمَوْتِ وَ قِلَّةِ الرِّضَا بِمَا قَسَمَ اللَّهُ... إِنْ لَسْتُ أَمُرُّكَ بِتَرْكِ الدُّنْيَا بَلْ أَمُرُّكَ بِتَرْكِ الذُّنُوبِ فَتَرْكِ الدُّنْيَا فَضِيلَةٌ وَ تَرْكِ الذُّنُوبِ فَرِيضَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٣٥٨

٢-٦-٤- طوبى له

﴿١١٨٥﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِينَ فِي الْآخِرَةِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا أَرْضَ اللَّهِ بَسَاطَةً وَ تَرَابَهَا فِرَاشًا وَ مَاءَهَا طِيبًا وَ اتَّخَذُوا كِتَابَ اللَّهِ شِعَارًا وَ دَعَاءَهُ دِتَارًا يَقْرِضُونَ الدُّنْيَا قَرْضًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٢

﴿١١٨٦﴾ الرسول ﷺ: طُوبَى لِمَنْ... رَفَضَ زَهْرَةَ الدُّنْيَا مِنْ غَيْرِ تَحَوُّلٍ عَنْ سُنَّتِي؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٢٧

﴿١١٨٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: طُوبَى لِمَنْ كَذَبَ مِنْهُ وَ أَخْرَبَ دُنْيَاهُ لِعِمَارَةِ آخِرَاهُ؛ غرر الحكم، ص ٣١٢

٢-٧- الْأَمْرُ بِتَهْوِينِ الدُّنْيَا وَالزُّهْدِ عَنْهَا

﴿١١٨٨﴾ الرسول ﷺ: تَهَاوَنُوا بِالدُّنْيَا تَهْنُ عَلَيْكُمْ وَ أَهْيَنُوهَا تُكْرَمَ الْآخِرَةُ إِلَيْكُمْ وَ لَا تُكْرِمُوا الدُّنْيَا فَتَهْوَنَ الْآخِرَةُ عَلَيْكُمْ فَلَيْسَتْ الدُّنْيَا بِأَهْلٍ كَرَامَةٍ؛ أعلام الدين، ص ٢٧٩

﴿١١٨٩﴾ الكاظم عليه السلام: أَهْيَنُوا الدُّنْيَا وَ تَهَاوَنُوا بِهَا فَإِنَّهَا مَا أَهَانَهَا قَوْمٌ إِلَّا هَنَأَهُمُ اللَّهُ الْعَيْشَ وَ مَا أَعَزَّهَا قَوْمٌ إِلَّا تَعَبُوا وَ ذُلُّوا؛ أعلام الدين، ص ٢٨٠

﴿١١٩٠﴾ الرسول ﷺ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِجَدْيٍ أَسَكَ مُلْقَى عَلَى مَرْبَلَةٍ مَيْتًا فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ كَمْ يُسَاوِي هَذَا فَقَالُوا لَعَلَّهُ لَوْ كَانَ حَيًّا لَمْ يُسَاوِ دِرْهَمًا فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لِلدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَذَا الْجَدْيِ عَلَى أَهْلِهِ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٢٩

﴿١١٩١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَقَدْ نُودِيَ فِيكُمْ بِالرَّحِيلِ وَ أَقْلُوا الْعَرْجَةَ عَلَى الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣٤

«امر به بی‌ارزش شمردن دنیا و بی‌رغبتی نسبت به آن»

۲-۶-۲- فضیلت

«۱۱۸۳» ای هشام، همانا خردمندان زیاده بر احتیاج دنیا را کنار نهاده‌اند تا چه رسد به گناهان، با اینکه ترک دنیا فضیلت است و ترک گناه لازم.

۲-۶-۳- فضیلت

«۱۱۸۴» ای عبدالغفار! رفتن تو پیش سلطان، تو را به سه چیز می‌کشاند: دوستی دنیا، فراموشی مرگ و نارضایتی به آنچه خدا به تو داده است... من تو را به ترک دنیا امر نمی‌کنم، بلکه به ترک گناهان امر می‌کنم. ترک دنیا فضیلت است و ترک گناهان فریضه و تو به انجام فریضه از کسب فضیلت، نیازمندتری.

۲-۶-۴- خوش به حال او

«۱۱۸۵» ای ابوذر! خوشا به حال زاهدان در دنیا و راغبان به آخرت؛ آنان که زمین را نشیمن، خاک را بستر و آب را مایه‌ی نوشیدنی خود قرار دادند؛ کتاب خدا را شعار و دعا را دثار قرار دادند؛ و از دنیا بریدند.

«۱۱۸۶» خوشا بر کسی که... از جلوه‌های دنیا کناره‌گیری کند، بی‌آنکه از سنت من روی گردان باشد.

«۱۱۸۷» خوشا به حال کسی که آرزویش را تکذیب و دنیایش را برای آبادکردن آخرت خراب کند.

۲-۷- امر به بی‌ارزش شمردن دنیا و بی‌رغبتی نسبت به آن

«۱۱۸۸» دنیا را آسان بگیرید تا بر شما آسان بگیرد، آن را پست در نظر بگیرید تا آخرت برای شما بلندمرتبه گردد؛ و آن را گرامی ندارید که آخرت در چشمتان پست می‌گردد. دنیا شایسته‌ی گرامی‌داشتن نیست.

«۱۱۸۹» دنیا را آسان بگیرید که چیزی پست‌تر از دنیا نزد شما نیست. هر گروهی که دنیا را آسان گرفت، خداوند نیز زندگی‌اش را آسان ساخت و هر گروهی که دنیا را بزرگ شمرد، سختی کشید و ذلیل شد.

«۱۱۹۰» رسول خدا ﷺ از کنار بزی که گوشش را بریده و به صورت مرداری در زباله‌دان انداخته بودند، عبور کرد. در آن هنگام به یارانش فرمود: «ارزش این مردار چقدر است؟» گفتند: «اگر زنده بود، یک درهم ارزش داشت». فرمود: «قسم به آن که جانم به دست اوست، دنیا در نزد اهلش از این مردار هم پست‌تر است».

«۱۱۹۱» خدا رحمتان کند، توشه بگیرید. ندای رفتن در میان شما داده شده و ماندن در دنیا را کم بدانید.

﴿لَا يُحِبُّهَا اللَّهُ، لَمْ يَرْضَهَا اللَّهُ...﴾

﴿١١٩٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكَ لَنْ تُخْلَقَ لِلدُّنْيَا فَارْزُقْ فِيهَا وَاعْرِضْ عَنْهَا؛ غرر الحكم.

ص ١٣٨

﴿١١٩٣﴾ الرسول ﷺ: يَا أَحْمَدُ إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَكُونَ أَوْرَعَ النَّاسِ فَارْزُقْ فِي الدُّنْيَا وَارْغَبْ

فِي الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢١

٢-٨- لَا يُحِبُّهَا اللَّهُ، لَمْ يَرْضَهَا اللَّهُ، أَرْزَقْ اللَّهُ عَنْهَا

٢-٨-١- لَا يُحِبُّ اللَّهُ

﴿١١٩٤﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْحَى إِلَيَّ أَخِي عِيسَى عليه السلام: يَا

عِيسَى عليه السلام لَا تُحِبِّ الدُّنْيَا فَإِنِّي لَسْتُ أُحِبُّهَا وَأَحِبُّ الْآخِرَةَ فَإِنَّمَا هِيَ دَارُ الْمَعَادِ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٤، ص ٨٢

﴿١١٩٥﴾ الرسول ﷺ: فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ يَا جَبْرِئِيلُ مَا أَبْكِي جَزَعًا بَلْ أَبْكِي مِنْ ذُلِّ الدُّنْيَا فَقَالَ

جَبْرِئِيلُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ أَيْسُرُكَ أَنْ أَحُولَ لَكَ أَحَدًا ذَهَبًا وَلَا يَنْقُصُ لَكَ مِمَّا عِنْدِي شَيْءٌ

قَالَ لَا قَالَ لَمْ قَالَ لَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يُحِبِّ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٣، ص ٣٠٩

﴿١١٩٦﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يُحِبِّ هَذِهِ الدُّنْيَا وَعَاجِلُهَا لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَلَمْ

يُرْغَبْهُمْ فِيهَا وَفِي عَاجِلِ زَهْرَتِهَا وَظَاهِرِ بَهْجَتِهَا؛ أعلام الدين، ص ٢٢٥

٢-٨-٢- لَمْ يَرْضَ اللَّهُ

﴿١١٩٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَرْضَ الدُّنْيَا لِأَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِهِ وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ؛

بشارة المصطفى، ص ٢٤٦

﴿١١٩٨﴾ عيسى عليه السلام: يَا عِيسَى إِنِّي لَمْ أَرْضَ بِالدُّنْيَا ثَوَابًا لِمَنْ كَانَ قَبْلَكَ وَلَا عِقَابًا لِمَنْ

انْتَقَمْتُ مِنْهُ؛ الكافي، ج ٨، صص: ١٣١

٢-٨-٣- أَرْزَقَ اللَّهُ

﴿١١٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ خَلْقًا ضَيَّقَ الدُّنْيَا عَلَيْهِمْ نَظَرًا لَهُمْ فَزَهَّدَهُمْ

فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٧٨

٢-٩- النَّهْيُ عَنِ الدُّنْيَا وَحُبِّهَا

٢-٩-١- لَا تَكُونُوا مِنْ أَتْنَاءِ الدُّنْيَا

﴿١٢٠٠﴾ الرسول ﷺ: وَإِنَّ لِلدُّنْيَا أَتْنَاءً وَلِلْآخِرَةِ أَتْنَاءً فَكُونُوا مِنْ أَتْنَاءِ الْآخِرَةِ وَلَا تَكُونُوا

مِنْ أَتْنَاءِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٩٠

﴿٤٠٠﴾

﴿خدا دوست ندارد، خدا راضی نیست...﴾

﴿۱۱۹۲﴾ تو برای دنیا خلق نشده‌ای! پس در آن زاهد باش و از آن روی بگردان.
﴿۱۱۹۳﴾ ای احمد! اگر دوست داری که باورع‌ترین مردم باشی، نسبت به دنیا زهد پیشه کن
و به آخرت تمایل داشته باش.

**۸-۲- خداوند دنیا را دوست ندارد، خدا از دنیا راضی نیست، خداوند نسبت به دنیا
بی‌رغبتی ایجاد می‌کند**

۱-۸-۲- خداوند دنیا را دوست ندارد

﴿۱۱۹۴﴾ ای ابوذر! خداوند متعال به برادرم عیسی علیه السلام وحی کرد که: «ای عیسی! دنیا
را دوست ندار که من آن را دوست نمی‌دارم، و دل به آخرت ببند که خانه‌ی بازگشت
توست.

﴿۱۱۹۵﴾ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای جبرئیل! گریه‌ی من از روی جزع و فزع نیست، بلکه به
خاطر ذلّت دنیوی است». جبرئیل گفت: «خداوند متعال می‌فرماید آیا دوست داری که کوه احد را
برای تو طلا کنم و باز هم از جلال و مقامی که نزد من داری، چیزی کم و کسر نشود؟» فرمود:
«نه». پرسید: «چرا؟» فرمود: «برای اینکه خدای علیم دنیا را دوست ندارد».

﴿۱۱۹۶﴾ خداوند این دنیا و گذرابودن آن را محبوب هیچ‌یک از دوستان خود قرار
نداده و هیچ‌کدام را نسبت به دنیا و زیورهای زودگذر و شادی‌های ظاهری‌اش تشویق
نکرده است.

۲-۸-۲- خدا از دنیا راضی نیست

﴿۱۱۹۷﴾ خداوند متعال راضی نشده دنیا را به هیچ‌یک از انبیا و اولیایش بدهد.
﴿۱۱۹۸﴾ ای عیسی! من هیچ‌گاه راضی نشدم که برای پیشینیان تو، دنیا را ثواب اعمال
نیکشان و یا عقابی برای انتقام از ظالمانشان قرار دهم.

۳-۸-۲- خداوند نسبت به دنیا بی‌رغبتی ایجاد می‌کند

﴿۱۱۹۹﴾ خداوند عزّ و جل مخلوقات را آفرید که دنیا در نظرشان تنگ جلوه نمود؛ پس آن‌ها را
در دنیا زاهد قرار داد.

۹-۲- نهی از دنیا و دنیا دوستی

۱-۹-۲- از دنیا پرستان نباشید

﴿۱۲۰۰﴾ همانا دنیا و آخرت فرزندان دارند؛ پس از فرزندان آخرت باشید نه از فرزندان
دنیا.

﴿النَّهْيُ عَنِ الدُّنْيَا وَ حُبِّهَا﴾

٢-٩-٢- إِيَّاكَ وَ الدُّنْيَا

﴿١٢٠١﴾ يَا عِيسَى... فَإِيَّاكَ وَ الدُّنْيَا فَكُلُّ نَعِيمِهَا يَزُولُ وَ مَا نَعِيمُهَا إِلَّا قَلِيلٌ؛ أعلام الدين،

ص ٢٣١

٢-٩-٣- إِيَّاكَ أَنْ تَغْتَرَّ بِالدُّنْيَا

﴿١٢٠٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ إِيَّاكَ أَنْ تَغْتَرَّ بِمَا تَرَى مِنْ إِخْلَادِ أَهْلِ الدُّنْيَا إِلَيْهَا وَ تَكَالِبِهِمْ

عَلَيْهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٦، ص ٨٩

٢-٩-٤- إِيَّاكُمْ وَ غَلَبَةَ الدُّنْيَا

﴿١٢٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَ غَلَبَةَ الدُّنْيَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ فَإِنْ عَاجَلَهَا نَفْصَةٌ وَ آجَلَهَا

غُصَّةٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٦

٢-٩-٥- إِيَّاكَ وَ طَلَبَ الدُّنْيَا

﴿١٢٠٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ إِيَّاكَ أَنْ يَنْزِلَ بِكَ الْمَوْتُ وَ أَنْتَ أَبْقُ مِنْ رَبِّكَ فِي طَلَبِ

الدُّنْيَا؛ نهج البلاغة، ص ٤٦٠

٢-٩-٦- إِيَّاكَ وَ حُبَّ الدُّنْيَا

﴿١٢٠٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ إِيَّاكُمْ وَ حُبَّ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ بَابُ كُلِّ

بَلِيَّةٍ وَ قِرَانُ كُلِّ فِتْنَةٍ وَ دَاعِي كُلِّ رَزِيَّةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٥٤

﴿١٢٠٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِيَّاكَ وَ حُبَّ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَصْلُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ مَعْدِنُ كُلِّ بَلِيَّةٍ؛

غرر الحكم، ص ١٤٢

٢-٩-٧- إِيَّاكَ وَ الْوَلَهَ بِالدُّنْيَا

﴿١٢٠٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِيَّاكَ وَ الْوَلَهَ بِالدُّنْيَا فَإِنَّهَا تُورِثُكَ الشَّقَاءَ وَ الْبَلَاءَ وَ تَخْذُوكَ

عَلَى بَيْعِ الْبَقَاءِ بِالْفَنَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٩

٢-٩-٨- إِيَّاكُمْ وَ أَبْنَاءَ الدُّنْيَا

﴿١٢٠٨﴾ الصادق عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَ عِشَارَ الْمُلُوكِ وَ أَبْنَاءَ الدُّنْيَا فَإِنَّ ذَلِكَ يُصَغِّرُ نِعْمَةَ اللَّهِ فِي

أَعْيُنِكُمْ وَ يُعَقِّبُكُمْ كُفْرًا وَ إِيَّاكُمْ وَ مُجَالَسَةَ الْمُلُوكِ وَ أَبْنَاءَ الدُّنْيَا فَفِي ذَلِكَ ذَهَابُ دِينِكُمْ وَ

يُعَقِّبُكُمْ نِفَاقًا وَ ذَلِكَ دَاءٌ دَوِيٌّ لَا شِفَاءَ لَهُ... وَ إِيَّاكُمْ أَنْ تَمْدُؤُوا أَطْرَافَكُمْ إِلَى مَا فِي أَيْدِي أَبْنَاءِ

الدُّنْيَا فَمَنْ مَدَّ طَرَفَهُ إِلَى ذَلِكَ طَالَ حَزَنُهُ؛ مستدرك الوسائل، ج ٨، ص ٣٣٧

«نهی از دنیا و دنیادوستی»

۲-۹-۲ از دنیا بر حذر باش

«۱۲۰۱» ای عیسی، پس از دنیا بر حذر باش که هر نعمتی در آن از بین رفتنی است و تمام نعمت‌های دنیا اندک است.

۲-۹-۳ مبادا دنیا تو را بفریبد

«۱۲۰۲» از دنیا بپرهیز که چسبیدن اهل دنیا به آن و درنده‌خویی آنان بر سر دنیا تو را فریب می‌دهد.

۲-۹-۴ مبادا دنیا بر شما غلبه کند

«۱۲۰۳» از غلبه‌ی دنیا بر نفس‌هایتان بپرهیزید، پس به‌درستی که امور زودگذر آن زیان می‌زند و اموری که در دسترس نیست، فقط غصّه به همراه می‌آورد.

۲-۹-۵ از دنیاخواهی بپرهیز

«۱۲۰۴» از اینکه مرگ تو فرا رسد، درحالی که از پروردگارت گریزان و در دنیاپرستی غرق هستی، بپرهیز.

۲-۹-۶ از دنیادوستی بپرهیز

«۱۲۰۵» ای مردم، از علاقه‌ی به دنیا بپرهیزید، که حبّ دنیا منشأ هر گناه و در هر بلا و سبب هر فتنه و موجب هر معصیت است.

«۱۲۰۶» از حبّ دنیا بپرهیزید که سرمنشأ هر لغزش و معدن هر بلا و گرفتاری است.

۲-۹-۷ مبادا سرگشته‌ی دنیا شوی

«۱۲۰۷» برحذر باش که مبادا سرگشته‌ی دنیا گردی که جز بدبختی و بلانصیبی برای تو به ارمغان نمی‌آورد و تو را بر فروختن آخرت به‌جای دنیا هدایت می‌کند.

۲-۹-۸ از دنیاپرستان برحذر باش

«۱۲۰۸» از معاشرت پادشاهان و فرزندان [و بندگان] دنیا برحذر باشید که موجب می‌شود نعمت‌های الهی در چشمتان کوچک جلوه داده شود و به دنبال آن گرفتار کفر می‌کند. از همنشینی با پادشاهان و فرزندان دنیا بر حذر باشید که این امر، دین شما را زایل می‌کند و به دنبالش نفاق به همراه می‌آورد و این دردی است که شفاء ندارد... بر حذر باشید و چشم حسرت به آنچه در دستان فرزندان دنیاست ندوزید که هر کس با چشم حسرت به مال و منال اهل دنیا بنگرد، حزن و اندوهش طولانی می‌گردد.

﴿النَّهْيُ عَنِ الدُّنْيَا وَ حُبِّهَا﴾

٩-٢-٩- لَا تَكُنِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّكَ

﴿١٢٠٩﴾ المجتبى عليه السلام: لَا تَكُنِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّكَ ... وَإِذَا عَرَضَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا فَتَانَهُ حَتَّى تُصِيبَ رُشْدَكَ فِيهِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٢، ص ٢٠٢
١٠-٩-٢- لَا تُؤْثِرِ الدُّنْيَا

﴿١٢١٠﴾ الرسول ﷺ: لَا تُؤْثِرِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ لِأَنَّ الدُّنْيَا فَانِيَةٌ وَالْآخِرَةُ بَاقِيَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ١٥٤

﴿١٢١١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا تَلْتَمِسِ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ وَلَا تُؤْثِرِ الْعَاجِلَةَ عَلَى الْآجِلَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ شِيْمَةُ الْمُنَافِقِينَ وَ سَجِيَّةُ الْمَارِقِينَ؛ غرر الحكم، ص ٢٥٩

﴿١٢١٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا تُؤْثِرَنَّ دُنْيَاكَ عَلَى آخِرَتِكَ؛ الكافي، ج ٣، ص ٥٣٦
١١-٩-٢- لَا تَبِيعُوا الْآخِرَةَ بِالدُّنْيَا

﴿١٢١٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا تَبِيعُوا الْآخِرَةَ بِالدُّنْيَا وَلَا تَسْتَبْدِلُوا الْفَنَاءَ بِالْبَقَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٤١

﴿١٢١٤﴾ لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ بَعْ دُنْيَاكَ بَآخِرَتِكَ تَرْبِحُهُمَا جَمِيعًا وَلَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ تَخْسَرُهُمَا جَمِيعًا؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٤٢١
١٢-٩-٢- أَتْرَكُوا مِنَ الدُّنْيَا مَا يَشْغَلُكُمْ عَنِ الْآخِرَةِ

﴿١٢١٥﴾ الرسول ﷺ: وَأَتْرَكُوا مِنَ الدُّنْيَا مَا يَشْغَلُكُمْ عَنِ الْآخِرَةِ... وَ الدُّنْيَا قَطَعَتْ رِقَابَ طَالِبَيْهَا وَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْهَا؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٧٤
١٣-٩-٢- لَا تَدْخُلْ فِي الدُّنْيَا

﴿١٢١٦﴾ الكاظم عليه السلام: كَانَ لُقْمَانُ يَقُولُ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ خُذْ مِنَ الدُّنْيَا بُلْغَةً وَلَا تَدْخُلْ فِيهَا دُخُولًا تُضِرُّ فِيهَا بِآخِرَتِكَ وَلَا تَرْفُضْهَا فَتَكُونَ عِيَالًا عَلَى النَّاسِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ١٥
١٤-٩-٢- لَا أُوصِيكُمْ بِدَارِ الدُّنْيَا

﴿١٢١٧﴾ السجّاد عليه السلام: أُوصِيكُمْ بِدَارِ الْآخِرَةِ وَلَا أُوصِيكُمْ بِدَارِ الدُّنْيَا فَإِنَّكُمْ عَلَيْهَا حَرِصُونَ وَ بِهَا مُتَمَسِّكُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٠٧
١٥-٩-٢- أَبْغِضِ الدُّنْيَا

﴿١٢١٨﴾ عيسى عليه السلام: وَقِيلَ لِعِيسَى عليه السلام عَلَّمْنَا عَمَلًا وَاحِدًا يُحِبُّنَا اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ أَبْغِضُوا الدُّنْيَا يُحِبِّكُمْ اللَّهُ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٨

«نهی از دنیا و دنیا دوستی»

۹-۹-۲- دنیا بزرگترین همت و کوشش تو نباشد

﴿۱۲۰۹﴾ مبدا دنیا بزرگترین همت و کوشش تو باشد ... وقتی با امری از امور آخرت روبرو شدی مشغول آن شو ولی اگر کاری از کارهای دنیا برایت پیش آمد دقت به خرج بده تا درست صلاحیت آن را تشخیص دهی.

۱۰-۹-۲- دنیا را مقدم مدار

﴿۱۲۱۰﴾ دنیا را بر آخرت مقدم نداشته باش، چراکه دنیا فانی و آخرت باقی است.
﴿۱۲۱۱﴾ به دنبال کسب دنیا با انجام اعمال اخروی نباشید و امور زودگذر را بر امور باقی آخرت ترجیح ندهید که این کار خوی و خصلت منافقین و روش کسانی است که از دین خارج شده‌اند.

﴿۱۲۱۲﴾ دنیایت را بر آخرت ترجیح نده.

۱۱-۹-۲- آخرت را به دنیا نفروشید

﴿۱۲۱۳﴾ آخرت را به دنیا نفروشید و باقی را با فانی عوض نکنید.
﴿۱۲۱۴﴾ پسر! دنیایت را به آخرت بفروش؛ در این صورت در هر دوی آن‌ها سود می‌کنی، ولی آخرت را به دنیا نفروش چون هر دو را از دست می‌دهی.

۱۲-۹-۲- کارهایی که در دنیا شما را از آخرت باز می‌دارد، واگذارید

﴿۱۲۱۵﴾ کارهایی که در دنیا شما را از آخرت باز می‌دارد، واگذارید... دنیا گردن طالبین خود را قطع کرد و آنان که رغبت و میل به آن داشتند نیز به همین سرنوشت گرفتار شدند.

۱۳-۹-۲- وارد دنیا نشو

﴿۱۲۱۶﴾ لقمان به پسرش می‌فرمود: «ای پسر! از دنیا به اندازه‌ی نیازت بردار و به اندازه‌ی که به ضرر آخرت باشد، وارد آن نشو، و آن را به گونه‌ای ردّ نکن که در دنیا، سربار مردم باشی».

۱۴-۹-۲- شما را به سرای دنیا توصیه نمی‌کنم

﴿۱۲۱۷﴾ شما را به خانه‌ی آخرت توصیه می‌کنم و به خانه‌ی دنیا سفارش نمی‌کنم. پس شما بر آن حریص هستید و به آن متمسک هستید.

۱۵-۹-۲- دنیا را دشمن بدار

﴿۱۲۱۸﴾ به عیسی علیه السلام گفته شد: «فقط یک عمل صالح را به ما بیاموز که خداوند به خاطر آن ما را دوست بدارد». فرمود: «دنیا را دشمن بدارید تا خداوند شما را دوست بدارد».

﴿النَّهْيُ عَنِ الدُّنْيَا وَ حُبِّهَا﴾

﴿١٢١٩﴾ الرسول ﷺ: يَا أَحْمَدُ أَبْغِضِ الدُّنْيَا وَ أَهْلَهَا وَ أَحِبَّ الْآخِرَةَ وَ أَهْلَهَا؛ إِرْشَادُ الْقُلُوبِ.

ج ١، ص ٢٠٠

١٦-٩-٢- إِحْذَرِ الدُّنْيَا

﴿١٢٢٠﴾ الرسول ﷺ: اخْذَرِ الدُّنْيَا وَ لَذَاتَهَا وَ شَهَوَاتَهَا وَ زِينَتَهَا وَ أَكْلَ الْحَرَامِ وَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ الْمَرَاقِبَ وَ النِّسَاءَ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرَ الْمُقَنْطَرَةَ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٠٣

﴿١٢٢١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اخْذَرُوا هَذِهِ الدُّنْيَا الْخَدَاعَةَ الْغَدَارَةَ الَّتِي قَدْ تَزَيَّنَتْ بِحُلِيِّهَا ...

فَاخْذَرُوا الدُّنْيَا الْخَدَرُ كُلَّهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٠٨

﴿١٢٢٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَاخْذَرِ الدُّنْيَا فَإِنَّهُ لَا فَرْحَ فِي شَيْءٍ وَصَلَتْ إِلَيْهِ مِنْهَا؛ بحار الأنوار،

ج ٣٢، ص ٥٣٧

﴿١٢٢٣﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ اخْذَرِ هَذِهِ الدُّنْيَا وَ اخْذَرِ أَهْلَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣١٤

﴿١٢٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اخْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّ فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَ فِي حَرَامِهَا عِقَابٌ؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٣

﴿١٢٢٥﴾ الرسول ﷺ: اخْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَسْحَرُ مِنْ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ؛ مجموعة ورام، ج ١،

ص ١٣١

﴿١٢٢٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اخْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا عَدُوَّةُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ عَدُوَّةُ أَعْدَائِهِ أَمَّا أَوْلِيَاؤُهُ

فَعَمَّتْهُمْ وَ أَمَّا أَعْدَاؤُهُ فَعَرَّتْهُمْ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١١٥

﴿١٢٢٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اخْذَرِ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا شَبَكَةُ الشَّيْطَانِ وَ مَفْسَدَةُ الْإِيمَانِ؛ غرر الحكم،

ص ١٣٨

١٧-٩-٢- أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا

﴿١٢٢٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا لَيْسَتْ بِدَارِ غُبْطَةٍ قَدْ تَزَيَّنَتْ بِغُرُورِهَا وَ

غَرَّتْ بِزِينَتِهَا لِمَنْ كَانَ يَنْظُرُ إِلَيْهَا فَاعْرِفُوهَا كُنْهَ مَعْرِفَتِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢١

﴿١٢٢٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنِّي أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا حُلُوءٌ خَضِرَةٌ حَفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ وَ

تَحَبَّبَتْ بِالْعَاجِلَةِ وَ عَمُرَتْ بِالْأَمَالِ وَ تَزَيَّنَتْ بِالْغُرُورِ لَا تَدُومُ حَبْرَتُهَا وَ لَا تُؤْمَنُ فُجْعَتُهَا غَرَارَةٌ

ضَرَارَةٌ زَائِلَةٌ نَافِدَةٌ أَكَّالَةٌ غَوَّالَةٌ؛ تحف العقول، ص ١٨٠

﴿١٢٣٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا دَارُ قُلْعَةٍ وَ لَيْسَتْ بِدَارِ نُجْعَةٍ دَارُ هَانَتْ

عَلَى رَبِّهَا فَخَلَطَ خَيْرَهَا بِشَرِّهَا وَ حُلُوءَهَا بِمُرِّهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٢٣

﴿٤٠٦﴾

«نهی از دنیا و دنیا دوستی»

﴿۱۲۱۹﴾ خداوند خطاب به پیامبر ﷺ: «ای احمد! دنیا و اهل آن را دوست مدار و آخرت و اهل آن را دوست خود گیر».

۱۶-۹-۲- از دنیا بر حذر باش

﴿۱۲۲۰﴾ از دنیا، لذات، شهوات و زیورهای آن و حرام‌خوری، زر و سیم و سواری و زن و فرزندان و سکه‌های طلا و نقره بر حذر باش.

﴿۱۲۲۱﴾ از این دنیای مکار و خائن بر حذر باشید که با زیورهای خود تزئین شده است ... پس با تمام توان از دنیا حذر کنید.

﴿۱۲۲۲﴾ از دنیا بر حذر باش که در هیچ چیزی از دنیا که به آن دست می‌یابی، شادمانی واقعی نمی‌باشد.

﴿۱۲۲۳﴾ ای هشام، از این دنیا و اهلش حذر کن.

﴿۱۲۲۴﴾ از دنیا بپرهیزید که در حلال آن حساب و در حرامش کیفر است.

﴿۱۲۲۵﴾ از دنیا بر حذر باشید که آن از هاروت و ماروت، جادوگرتر است.

﴿۱۲۲۶﴾ از دنیا بر حذر باشید که هم دشمن دوستان خداست و هم دشمن دشمنانش؛ دوستان خدا را غمگین می‌سازد و دشمنانش را فریب می‌دهد.

﴿۱۲۲۷﴾ از دنیا بر حذر باش! پس به درستی که آن دام شیطان و جایگاه فساد ایمان است.

۱۷-۹-۲- شما را از دنیا بر حذر می‌کنم

﴿۱۲۲۸﴾ شما را از دنیا بر حذر می‌کنم. اینجا محلّ حسرت‌خوردن نیست. برای کسی که تماشايش می‌کند، آراسته‌ی به فریب و فریب‌دهنده‌ی با آرایش است. آن را خوب بشناسید.

﴿۱۲۲۹﴾ شما را از دنیا بر حذر می‌دارم؛ زیرا در کام انسان شیرین و در دیده سبز و خرم و در هاله‌ای از خواهش‌های نفسانی قرار گرفته است و به جهت نقدبودنش دلپذیر و چشم‌نواز و پر از آرزوهای دراز و دارای آرایش فریب‌دهنده است؛ ولی شادی آن گذراست و از آسایش امانی نیست؛ بسیار فریبنده، زیان‌رساننده، زوال‌یابنده، پایان‌پذیر، شکمبار و مرگبار است.

﴿۱۲۳۰﴾ از دنیا بر حذر باشید! چرا که آن خانه‌ی کندن و گذر است و خانه‌ی آسایش نیست. خانه‌ای که بر صاحبش خوار است، پس خیر آن را به شرّ آن و شیرینی‌اش را با تلخی‌اش مخلوط کرده است.

﴿النَّهْيُ عَنِ الدُّنْيَا وَ حُبِّهَا﴾

﴿١٢٣١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ أَحَذَّرَكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا دَارُ شُحُوصٍ وَ مَحَلَّةٌ تُنْغِصُ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٠، ص ١٣٣

١٨-٩-٢- تَحَرَّزْ مِنَ الدُّنْيَا

﴿١٢٣٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: تَحَرَّزْ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ فَنَاءَهَا، مَحَلُّ فَنَاءٍ لَا مَحَلَّ بَقَاءٍ، فَصَفَوْنَهَا

مَمَزُوجَةً بِكُدُورَةٍ، وَ رَاحَتُهَا مَقْرُونَةٌ بِعَنَاءٍ؛ ديوان الإمام علي عليه السلام، ص ٣٦

١٩-٩-٢- أَخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ

﴿١٢٣٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أَبْدَانُكُمْ فَفِيهَا

اخْتَبِرْتُمْ وَ لَغَيْرَهَا خَلَقْتُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣٤

٢٠-٩-٢- لَا تَحَرِّصْ عَلَى الدُّنْيَا

﴿١٢٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِذَا مَا شِئْتَ أَنْ تَحْيَا حَيَاةَ حُلُوةِ الْمَحْيَا، فَلَا تَحْسُدْ وَ لَا تَبْخُلْ وَ

لَا تَحَرِّصْ عَلَى الدُّنْيَا؛ ديوان الإمام علي عليه السلام، ص ٤٨٢

﴿١٢٣٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تَكُنْ غَافِلًا عَنْ دِينِكَ حَرِيصًا عَلَى دُنْيَاكَ مُسْتَكْثِرًا مِمَّا لَا يَبْقَى

عَلَيْكَ مُسْتَقِيلًا مِمَّا يَبْقَى لَكَ فَيُورِدُكَ ذَلِكَ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

٢١-٩-٢- ادْفَعْ الدُّنْيَا

﴿١٢٣٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ادْفَعْ الدُّنْيَا بِمَا اندَفَعْتَ، وَ اقْطَعْ الدُّنْيَا بِمَا انْقَطَعَتْ؛ إرشاد القلوب،

ج ١، ص ١٩

٢٢-٩-٢- لَا تَرْغَبُوا فِي الدُّنْيَا

﴿١٢٣٧﴾ الرسول ﷺ: وَ اللَّهُ اللَّهُ لَا تَرْغَبُوا فِي الدُّنْيَا فَإِنَّ الدُّنْيَا هِيَ رَأْسُ الْخَطَايَا وَ هِيَ مِنْ

بَعْدُ إِلَى زَوَالٍ؛ دعائم الإسلام، ج ٢، ص ٣٥٢

﴿١٢٣٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تَرْغَبْ فِي الدُّنْيَا فَتَخْسَرَ آخِرَتَكَ؛ غرر الحكم، ص ١٤١

٢٣-٩-٢- ارْفُضِ الدُّنْيَا

﴿١٢٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَارْفُضِ الدُّنْيَا فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُعْمَى وَ يَصُمُّ وَ يُبْكَمُ؛ الكافي، ج ٢،

ص ١٣٦

٢٤-٩-٢- أَمْرُكُمْ بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا

﴿١٢٤٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَمْرُكُمْ بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةِ لَكُمْ الرَّائِلَةَ عَنْكُمْ؛

مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣١

«نهی از دنیا و دنیا دوستی»

﴿۱۲۳۱﴾ شما را از گرایش به دنیا برحذر می‌دارم؛ دنیا شما را ناراحت می‌کند و زندگی شما را بر هم می‌زند.

۱۸-۹-۲- از دنیا دوری کن

﴿۱۲۳۲﴾ از دنیا دوری کن که دنیا محل رفتن است نه ماندن؛ صفای دنیا به کدورت آکنده است و هرگونه آسایشی در آن با سختی درآمیخته است.

۱۹-۹-۲- قلب‌هایتان را از دنیا خالی کنید

﴿۱۲۳۳﴾ دل‌هایتان را از دنیا خارج کنید، قبل از اینکه بدن‌هایتان از آن خارج شوند. در دنیا آزمایش می‌شوید و برای آخرت آفریده شده‌اید.

۲۰-۹-۲- بر دنیا حریص نباش

﴿۱۲۳۴﴾ اگر می‌خواهی زندگی شیرین داشته باشی؛ حسود نباش، بخل نورز و بر دنیا حریص نباش.

﴿۱۲۳۵﴾ از دین خود غافل نشو و بر دنیا حریص نباش؛ تقاضای زیاد شدن چیزی را که برای نخواستن ماند، نکن و از چیزی که برای تو می‌ماند، جدا نشو که اگر چنین کنی داخل در عذابی شدید خواهی شد.

۲۱-۹-۲- دنیا را دفع کن

﴿۱۲۳۶﴾ دنیا را با هر آنچه می‌شود دفع کن، دنیا را با هر آنچه بریده می‌شود از خود ببر.

۲۲-۹-۲- میل و رغبت به دنیا نداشته باشید

﴿۱۲۳۷﴾ خدا را در نظر دارید! میل و رغبت به دنیا نداشته باشید که دنیا، سرمنشأ هر لغزشی است و دنیا از این پس رو به زوال و نابودی است.

﴿۱۲۳۸﴾ به دنیا رغبت نداشته باش که به آخرت زیان می‌رساند.

۲۳-۹-۲- دنیا را واگذار

﴿۱۲۳۹﴾ دنیا را واگذار که دوستی دنیا کور و کر و لال می‌کند.

۲۴-۹-۲- شما را به ترک این دنیا امر می‌کنم

﴿۱۲۴۰﴾ شما را به ترک این دنیایی امر می‌کنم که شما را ترک خواهد کرد و از نزد شما خواهد رفت.

﴿النَّهْيُ عَنِ الدُّنْيَا وَ حُبِّهَا﴾

٢٥-٩-٢- أَوْصِيَكُمْ بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا

﴿١٢٤١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ اغْتِنَامِ مَا اسْتَطَعْتُمْ عَمَلًا بِهِ مِنْ طَاعَتِهِ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ وَ بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةِ لَكُمْ وَ إِنْ لَمْ تَكُونُوا تُحِبُّونَ تَرْكَهَا؛

من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٤٢٧

٢٦-٩-٢- اسْتَبْدَلُوا الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ

﴿١٢٤٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُونُوا قَوْمًا عُلُمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ بِدَارِهِمْ فَاسْتَبْدَلُوا؛ غرر الحكم،

ص ١٤٣

٢٧-٩-٢- اَزْهَدُوا فِي الدُّنْيَا

﴿١٢٤٣﴾ السَّجَاد عليه السلام: وَ اَزْهَدُوا فِيمَا زَهَدَكُمْ اللَّهُ فِيهِ مِنْ عَاجِلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ تحف العقول،

ص ٢٥٢

﴿١٢٤٤﴾ الرسول ﷺ: اَزْهَدُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الزَّاهِدَةَ فِيكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٣٨، ص ٩٩

﴿١٢٤٥﴾ الرسول ﷺ: قَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! ذَلَّنِي عَلَى عَمَلٍ يُحِبُّنِي اللَّهُ وَ يُحِبُّنِي النَّاسُ؛

فَقَالَ: اَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُحِبَّكَ اللَّهُ وَ اَزْهَدْ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ يُحِبُّكَ النَّاسُ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١٢، ص ٥١

٢٨-٩-٢- كُنْ فِي الدُّنْيَا زَاهِدًا

﴿١٢٤٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُنْ فِي الدُّنْيَا زَاهِدًا وَ فِي الْآخِرَةِ رَاغِبًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٤٢٤

٢٩-٩-٢- كُونُوا مِنَ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا

﴿١٢٤٧﴾ السَّجَاد عليه السلام: أَلَا وَ كُونُوا مِنَ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاغِبِينَ فِي الْآخِرَةِ أَلَا إِنَّ الزَّاهِدِينَ

فِي الدُّنْيَا قَدْ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ بَسَاطًا وَ التُّرَابَ فِرَاشًا وَ الْمَاءَ طِيبًا وَ قَرَضُوا مِنَ الدُّنْيَا تَقْرِيبًا؛

وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ١٤

٣٠-٩-٢- كُونُوا عَنِ الدُّنْيَا نَزَاهًا

﴿١٢٤٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُونُوا عَنِ الدُّنْيَا نَزَاهًا وَ إِلَى الْآخِرَةِ وَلَاهًا؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٣، ص ٢٣٧

٣١-٩-٢- لَا تَرْكُنْ إِلَى الدُّنْيَا

﴿١٢٤٩﴾ الرسول ﷺ: وَ لَا تَرْكُنُوا إِلَى الدُّنْيَا فَإِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ قَالَ لِمُحَمَّدٍ ﷺ وَ لَا تَرْكُنُوا

إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمْ النَّارُ وَ لَا تَرْكُنُوا إِلَى زَهْرَةِ الدُّنْيَا؛ أعلام الدين، ص ٢٢٥

﴿٤١٠﴾

«نهی از دنیا و دنیا دوستی»

۲۵-۹-۲- به شما توصیه می‌کنم تا این دنیا را ترک کنید

«۱۲۴۱» ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم؛ هرچه می‌توانید از اعمال نیک در این دنیا و در این مدت زمان باقیمانده انجام دهید، این دنیایی که شما را علیرغم میل شما ترک خواهد کرد، رها کنید.

۲۶-۹-۲- دنیا را با آخرت عوض کنید

«۱۲۴۲» از آن گروهی باشید که می‌دانستند دنیا منزل آن‌ها نیست، پس آن را [با آخرت] تعویض کردند.

۲۷-۹-۲- در دنیا زهد پیشه کنید

«۱۲۴۳» از آنچه خداوند شما را بر حذر داشته که نقد زندگی این سراسر است، چشم بپوشید.

«۱۲۴۴» به این دنیایی که به شما رغبت ندارد، بی‌رغبت باشید.

«۱۲۴۵» فردی پرسید: «ای رسول خدا! به عملی راهنمایی‌ام کن که مرا محبوب خدا و مردم کند». فرمود: «در دنیا زاهد باش تا خدا تو را دوست بدارد و نسبت به آنچه در دست مردم است بی‌رغبت و زاهد باش تا مردم تو را دوست داشته باشند».

۲۸-۹-۲- نسبت به دنیا زاهد و بی‌میل باش

«۱۲۴۶» نسبت به دنیا زاهد و بی‌میل باش و نسبت به آخرت، راغب و مایل.

۲۹-۹-۲- از زاهدان در دنیا باشید

«۱۲۴۷» آگاه باشید که شما باید از زاهدان در دنیا باشید و به آخرت رغبت نشان دهید. زاهدان در دنیا، زمین را محل سکونت خود و خاک را فرش خود و آب را مایع طاهری برای خود قرار داده‌اند و از دنیا به قدری که نیاز دارند، استفاده کرده‌اند.

۳۰-۹-۲- از دنیا پاک و برکنار بمانید

«۱۲۴۸» از دنیا پاک و برکنار بمانید و شیفته‌ی آخرت باشید.

۳۱-۹-۲- به دنیا اعتماد نکنید

«۱۲۴۹» به دنیا اعتماد نکنید که خداوند به محمد ﷺ فرمود: «و بر ظالمان تکیه ننمایید که موجب می‌شود آتش شما را فرا بگیرد». به زیبایی‌های دنیا اعتماد نکنید.

﴿النَّهْيُ عَنِ الدُّنْيَا وَ حُبِّهَا﴾

﴿١٢٥٠﴾ لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ لَا تَرْكُنْ إِلَى الدُّنْيَا وَلَا تَشْغَلْ قَلْبَكَ بِهَا فَمَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا هُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ مِنْهَا أَلَا تَرَى أَنَّهُ لَمْ يَجْعَلْ نَعِيمَهَا ثَوَابًا لِلْمُطِيعِينَ وَلَمْ يَجْعَلْ بَلَاءَهَا عِقَابًا لِلْعَاصِينَ؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٤١١

﴿١٢٥١﴾ الصادق عليه السلام: يَا مُوسَى لَا تَرْكُنْ إِلَى الدُّنْيَا رُكُونَ الظَّالِمِينَ وَ رُكُونَ مَنْ اتَّخَذَهَا أَبًا وَ أُمًّا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٥

﴿١٢٥٢﴾ الرسول ﷺ: وَ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى عليه السلام أَنْ يَا مُوسَى لَا تَرْكُنْ إِلَى حُبِّ الدُّنْيَا فَلَنْ تَأْتِيَنَّ بِكَبِيرَةٍ هِيَ أَشَدُّ مِنْهَا؛ التحصين لابن فهد الحلبي، ص ٢٧
٢-٩-٣٢- لَا يَشْغَلُكَ الدُّنْيَا

﴿١٢٥٣﴾ الصادق عليه السلام: لَا يَشْغَلُكَ طَلَبُ دُنْيَاكَ عَنْ طَلَبِ دِينِكَ فَإِنَّ طَالِبَ الدُّنْيَا رُبَّمَا أَدْرَكَ وَ رُبَّمَا فَاتَتْهُ فَهَلَكَ بِمَا فَاتَهُ مِنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢١٤
﴿١٢٥٤﴾ الرسول ﷺ: لَا تَشْغَلُوا قُلُوبَكُمْ بِذِكْرِ الدُّنْيَا فَتَنْهَى عَنْ ذِكْرِهَا فَضَّلًا عَنْ إِصَابَةِ عَيْنِهَا؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣٣

﴿١٢٥٥﴾ لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ لَا تَرْكُنْ إِلَى الدُّنْيَا وَلَا تَشْغَلْ قَلْبَكَ بِهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٤١١

٢-٩-٣٣- إِصْرِفُوا أَنْفُسَكُمْ عَنِ الدُّنْيَا

﴿١٢٥٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حَارِبُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى الدُّنْيَا وَ اصْرِفُوهَا عَنْهَا فَإِنَّهَا سَرِيعَةُ الزَّوَالِ كَثِيرَةُ الزَّلْزَالِ وَ شَبِيكَةُ الْإِنْتِقَالِ؛ غرر الحكم، ص ٢٤٢
٢-٩-٣٤- طَلَّقِ الدُّنْيَا ثَلَاثًا

﴿١٢٥٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: طَلَّقِ الدُّنْيَا ثَلَاثًا وَ اتَّخِذْ زَوْجًا سِوَاهَا، إِنَّهَا زَوْجَةٌ سَوْءٌ لَا تُبَالِي مَنْ أَتَاهَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٣٢٨
٢-٩-٣٥- طِبْ نَفْسًا عَنِ الدُّنْيَا وَ انْطَوِ عَنْهَا

﴿١٢٥٨﴾ يَا مُوسَى طِبْ نَفْسًا عَنِ الدُّنْيَا وَ انْطَوِ عَنْهَا فَإِنَّهَا لَيْسَتْ لَكَ وَ لَسْتَ لَهَا مَا لَكَ وَ لِدَارِ الظَّالِمِينَ إِلَّا لِعَامِلٍ فِيهَا بِالْخَيْرِ فَإِنَّهَا لَهُ نِعَمُ الدَّارِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٤٧
٢-٩-٣٦- إِعْزِمِ عَلَى مُفَارَقَةِ الدُّنْيَا

﴿١٢٥٩﴾ الرسول ﷺ: إِعْزِمِ عَلَى مُفَارَقَةِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٠٣
﴿٤١٢﴾

«نهی از دنیا و دنیا دوستی»

﴿۱۲۵۰﴾ پسرم، به دنیا اعتماد نکن و قلب خودت را به آن مشغول نکن، خدا هیچ مخلوقی بی‌ارزش‌تر از دنیا خلق نکرده است. آیا نمی‌بینی خداوند نعمت‌های دنیا را پاداش بندگان مطیعش و مصیبت‌های آن را عذاب انسان‌های گناهکار قرار نداده است؟!

﴿۱۲۵۱﴾ ای موسی! به دنیا همچون تکیه کردن ظالمان و تکیه کردن کسی که دنیا را پدر و مادر خود گرفته است، تکیه نکن.

﴿۱۲۵۲﴾ خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد که ای موسی، به حبّ دنیا دل نبند، که هرگز گناه بزرگی، بدتر از اعتماد به دنیا مرتکب نخواهی شد.

۳۲-۹-۲- دنیا تو را مشغول نسازد

﴿۱۲۵۳﴾ طلب دنیایت تو را از طلب دینت مشغول نساخته و به کاری وادار ننماید، زیرا چه بسا خواهان دنیا آن را درک کرده و دریابد و چه بسا از دستش رفته؛ پس به سبب آنچه از دنیا از دست داده، هلاک و تباه می‌گردد.

﴿۱۲۵۴﴾ دل‌هایتان را به ذکر دنیا مشغول نکنید. و از یاد دنیا نهی فرمود، تا چه رسد به غرق شدن در دنیا.

﴿۱۲۵۵﴾ پسرم، به دنیا اعتماد نکن و قلب خودت را به آن مشغول نکن.

۳۳-۹-۲- از دنیا روی برگردانید

﴿۱۲۵۶﴾ با نفس‌های خود بر سر دنیا جنگ کنید، و از دنیا روی برگردانید که دنیا زود به پایان می‌رسد و بسیار پر لغزش است و پر از بلاهایی است که به شما منتقل می‌شود.

۳۴-۹-۲- دنیا را سه طلاقه کن

﴿۱۲۵۷﴾ دنیا را سه طلاقه کرده و همسری غیر از او را اختیار کن، چرا که دنیا همسر بدی است که به کسی که با او ازدواج می‌کند توجّه‌ای نمی‌کند.

۳۵-۹-۲- نفست را از آرزوهای دنیا پاک کن و از آن‌ها دوری کن

﴿۱۲۵۸﴾ ای موسی، نفست را از آرزوهای دنیا پاک کن و از آن‌ها دوری کن چون تو متعلّق به آن نیستی و آن هم برای تو آفریده نشده است. تو را با خانه‌ی ستمگران چه کار؟! مگر برای کسی که کار خیر بکند که برای او بهترین جایگاه است.

۳۶-۹-۲- عزم جدایی از دنیا کن

﴿۱۲۵۹﴾ عزم و قصد جدایی از دنیا کن.

﴿النَّهْيُ عَنِ الدُّنْيَا وَ حُبِّهَا﴾

٣٧-٩-٢- إغْرِضْ عَنْ مَنْ لَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

﴿١٢٦٠﴾ فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا؛ (النجم / ٢٩)

٣٨-٩-٢- تَعَوَّضُوا بِنَعِيمِ الْآخِرَةِ عَنْ شَقَاةِ الدُّنْيَا

﴿١٢٦١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَبِيعُوا مَا يَفْنَى بِمَا يَبْقَى وَ تَعَوَّضُوا بِنَعِيمِ الْآخِرَةِ عَنْ شَقَاةِ الدُّنْيَا؛

غررالحكم، ص ١٤٧

٣٩-٩-٢- لَا تَغْبِطْ أَهْلَ الدُّنْيَا

﴿١٢٦٢﴾ يَا دَاوُدُ... فَإِذَا رَأَيْتَ ظَالِمًا قَدْ رَفَعْتُهُ الدُّنْيَا فَلَا تَغْبِطْهُ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٤٥

٤٠-٩-٢- لَا تَغْرَنَّكُمْ الدُّنْيَا

﴿١٢٦٣﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغْرَنَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغْرَنَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ؛

(فاطر / ٥)

﴿١٢٦٤﴾ الْكَافِرُ عليه السلام: وَلَا تَغْرَنَّكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا لَا تَصْلُحُ لَكُمْ كَمَا لَا تَصْلُحُ لِمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ

مِمَّنْ أَطْمَأَنَّ إِلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٤٦

﴿١٢٦٥﴾ دَاوُدُ عليه السلام: وَلَا تَغْرَنَّكُمْ الْحَيَاةُ لِبَهْجَةِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٤٣

﴿١٢٦٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَلَا تَغْرَنَّكُمْ الدُّنْيَا كَمَا غَرَّتْ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِنَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ وَ

الْقُرُونِ الْخَالِيَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٨٣

٤١-٩-٢- لَا يَفْتِنَنَّكُمْ الدُّنْيَا

﴿١٢٦٧﴾ السَّجَّادُ عليه السلام: أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَا يَفْتِنَنَّكُمْ الطَّوَاغِيتُ وَ اتَّبَاعُهُمْ مِنْ أَهْلِ الرَّغْبَةِ فِي

الدُّنْيَا الْمَائِلُونَ إِلَيْهَا الْمُفْتُونُونَ بِهَا الْمُقْبِلُونَ عَلَيْهَا وَ عَلَى حُطَامِهَا الْهَامِدِ وَ هَشِيمِهَا الْبَائِدِ غَدًا؛

وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ١١

٤٢-٩-٢- لَا تُكْثِرْ مِنَ الدُّنْيَا

﴿١٢٦٨﴾ لقمان عليه السلام: وَلَا تُكْثِرْ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّكَ عَلَى غَفْلَةٍ مِنْهَا وَ انْظُرْ إِلَى مَا تَصِيرُ مِنْهَا؛

بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٤٢٩

٤٣-٩-٢- لَا تُكْرِمُوا الدُّنْيَا

﴿١٢٦٩﴾ عيسى عليه السلام: لَا تُكْرِمُوا الدُّنْيَا فَتَهْوُونَ الْآخِرَةَ عَلَيْكُمْ؛ أعلام الدين، ص ٢٧٩

﴿نهی از دنیا و دنیا دوستی﴾

۳۷-۹-۲- از کسی که جز زندگی مادی دنیا را نمی‌طلبد، اعراض کن

﴿۱۲۶۰﴾ حال که چنین است از کسی که از یاد ما روی می‌گرداند و جز زندگی مادی دنیا را نمی‌طلبد، اعراض کن!

۳۸-۹-۲- بدبختی‌های دنیا را با نعمت‌های آخرت عوض کنید

﴿۱۲۶۱﴾ دنیای فانی را بفروشید تا آنچه باقی است (آخرت) بخرید و دشواری‌ها و بدبختی‌های دنیا را با نعمت‌های آخرت عوض کنید.

۳۹-۹-۲- به اهل دنیا غبطه نخور

﴿۱۲۶۲﴾ ای داوود، پس هرگاه ستمگری را دیدی که دنیا مقام او را بلند گردانده به او غبطه نخور.

۴۰-۹-۲- دنیا شما را فریب ندهد

﴿۱۲۶۳﴾ ای مردم! وعده‌ی خداوند حق است، مبدا زندگی دنیا شما را بفریبد، و مبدا شیطان شما را فریب دهد و به [کرم] خدا مغرور سازد!

﴿۱۲۶۴﴾ مبدا دنیا شما را فریب دهد زیرا دنیا به صلاح شما رفتار نمی‌کند، چنانچه با پیشینیان که دل به او بسته بودند، خوب رفتار نکرد.

﴿۱۲۶۵﴾ قشنگی و پر رونق بودن و شادابی زندگی دنیا شما را فریب ندهد.

﴿۱۲۶۶﴾ دنیا شما را مغرور نسازد، چنانکه گذشتگان شما و امت‌های پیشین را در قرون سپری شده مغرور ساخت.

۴۱-۹-۲- دنیا شما را فریب ندهد

﴿۱۲۶۷﴾ ای مؤمنان! مبدا این سرکشان و پیروانشان از آرزومندان دنیا که دلباخته و شیفته‌ی آن هستند، آنان که به دنیا و کالای پوسیده‌ی ناچیزش و گیاه خشکیده‌ی نابودشدنی‌اش در فردا روی نهاده‌اند، شما را فریب دهد.

۴۲-۹-۲- به دنیا بسیار توجه نکن

﴿۱۲۶۸﴾ به دنیا بسیار توجه نکن چون یک‌باره آن را رها خواهی کرد و به دنیایی که به آنجا سفر می‌کنی توجه کن.

۴۳-۹-۲- دنیا را گرامی ندارید

﴿۱۲۶۹﴾ دنیا را گرامی ندارید که آخرت در چشم‌تان پست می‌گردد.

﴿النَّهْيُ عَنِ الدُّنْيَا وَ حُبِّهَا﴾

٢-٩-٤٤- فِرُوا مِنْ فُضُولِ الدُّنْيَا

﴿١٢٧٠﴾ الرسول ﷺ: فِرُوا مِنْ فُضُولِ الدُّنْيَا كَمَا تَفِرُونَ مِنَ الْحَرَامِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥٣

٢-٩-٤٥- لَا تَكْتَرِثْ بِعَمَلِ الدُّنْيَا

﴿١٢٧١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكَ فِي سَبِيلٍ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ فَاجْعَلْ جَدَّكَ لَا خَيْرَ تَكْ وَلَا

تَكْتَرِثْ بِعَمَلِ الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ١٤٤

٢-٩-٤٦- كُنْ عَاقِلًا فِي أَمْرِ دِينِكَ

﴿١٢٧٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُنْ عَاقِلًا فِي أَمْرِ دِينِكَ جَاهِلًا فِي أَمْرِ دُنْيَاكَ؛ غررالحكم،

ص ١٣٠

٢-٩-٤٧- كُنْ عَنِ الدُّنْيَا عَلَى قُلْعَةٍ

﴿١٢٧٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُنْ عَنِ الدُّنْيَا عَلَى قُلْعَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢١٥

٢-٩-٤٨- لَا تَمِيلُوا إِلَى زَهْرَةِ الدُّنْيَا

﴿١٢٧٤﴾ السَّجَادُ عليه السلام: وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْغَافِلِينَ الْمَائِلِينَ إِلَى زَهْرَةِ الدُّنْيَا الَّذِينَ مَكْرُوا السَّيِّئَاتِ

فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكْرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَلَا يَهِ؛

بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٣٨

٢-٩-٤٩- لَا تَمْنَعْ مِنَ الزُّهْدِ إِلَى الدُّنْيَا

﴿١٢٧٥﴾ الصادق عليه السلام: وَلَا يَكُونَانِ يَمْنَعَانِ الْوَلَدَ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ إِلَى مَعْصِيَتِهِ... وَ مِنَ الزُّهْدِ إِلَى

الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٥، ص ١٩٨

٢-٩-٥٠- لَا تُنَافِسْ عَلَى الدُّنْيَا

﴿١٢٧٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ أَكْثَرُ الدُّعَاءِ تَسْلَمُ مِنْ سُورَةِ الشَّيْطَانِ وَلَا تُنَافِسْ عَلَى الدُّنْيَا وَ

لَا تَتَّبِعِ الْهَوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٨

﴿١٢٧٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تُنَافِسْ فِي مَوَاهِبِ الدُّنْيَا فَإِنَّ مَوَاهِبَهَا حَقِيرَةٌ؛ غررالحكم، ص ١٤٣

٢-٩-٥١- أَهْرُبُوا مِنَ الدُّنْيَا

﴿١٢٧٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَهْرُبُوا مِنَ الدُّنْيَا وَ اصْرِفُوا قُلُوبَكُمْ عَنْهَا فَإِنَّهَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ حَظُّهُ

فِيهَا قَلِيلٌ وَ عَقْلُهُ بِهَا عَلِيلٌ وَ نَاطِرُهُ فِيهَا كَلِيلٌ؛ غررالحكم، ص ١٣٨

«نهی از دنیا و دنیا دوستی»

۴۴-۹-۲- از زیاده‌ی دنیا فرار کنید

«۱۲۷۰» از زیاده‌ی دنیا (امور مباح که ضرورتی به آن‌ها نیست) همان گونه که از حرام‌های دنیا فرار می‌کنید، فرار کنید.

۴۵-۹-۲- به کارهای دنیا اعتنایی نکن

«۱۲۷۱» به‌درستی که تو در مسیر پیشینیان هستی [و همان راهی را می‌روی که آنان رفتند] پس تمام تلاشت را صرف آخرت کن و به کارهای دنیا اعتنایی نکن.

۴۶-۹-۲- در امور دنیایی خود جاهل باش

«۱۲۷۲» در امور دینی خود عاقل و در امور دنیایی خود جاهل باش.

۴۷-۹-۲- در دنیا به حال کوچ باش

«۱۲۷۳» دنیا را منزل موقت به حساب آور (در حال کوچ باش).

۴۸-۹-۲- به زیور دنیا تمایل نداشته نباشید

«۱۲۷۴» از جمله افراد غافل و مایل به زیور دنیا که با حيله و نیرنگ‌های بد سر و کار دارند، نباشید که خداوند در قرآن محکم و استوار خود می‌فرماید: «آیا توطئه‌گران از این ایمن گشتند که ممکن است خداوند آن‌ها را در زمین فرو برد».

۴۹-۹-۲- از زهد در دنیا منع نکن

«۱۲۷۵» پدر و مادر نباید فرزند را از اطاعت خدا منع کنند و به معصیت سوق دهند... و نباید از زهد در دنیا منعش کنند.

۵۰-۹-۲- در کسب دنیا رقابت نکن

«۱۲۷۶» بسیار دعا کن که از حمله‌ی شیطان محفوظ می‌مانی. در کسب دنیا رقابت نکن و پیرو هوای نفس نباش.

«۱۲۷۷» در بخشش‌های دنیا رقابت نکن، پس به‌درستی که بخشش‌های آن کوچک است.

۵۱-۹-۲- از دنیا بگریزید

«۱۲۷۸» از دنیا بگریزید و دل‌هایتان را از آن منصرف کنید که دنیا زندان مؤمن است. بهره‌ای که می‌دهد اندک است و عقل [وقتی که به آن مشغول شود] در آن عاجز می‌شود و کسی که به آن نظر دارد، خسته خواهد شد.

﴿النَّهْيُ عَنِ الدُّنْيَا وَ حُبِّهَا﴾

٥٢-٩-٢- تَهَاوَنُوا بِالدُّنْيَا

﴿١٢٧٩﴾ الرسول ﷺ: تَهَاوَنُوا بِالدُّنْيَا تَهْنُ عَلَيْكُمْ وَأَهْيُنُوهَا تُكْرِمَ الْآخِرَةَ إِلَيْكُمْ وَلَا تُكْرِمُوا الدُّنْيَا فَتَهْوَنَ الْآخِرَةُ عَلَيْكُمْ؛ أعلام الدين، ص ٢٧٩
٥٣-٩-٢- هَوَّنُوا عَلَى أَنْفُسِكُمُ الدُّنْيَا

﴿١٢٨٠﴾ الرسول ﷺ: هَوَّنُوا عَلَى أَنْفُسِكُمُ الدُّنْيَا كَمَا تَهَوَّنُونَ الْجَنَّةَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥٣
٥٤-٩-٢- فَلَا تَتَّخِذُوا الدُّنْيَا قَرَارًا

﴿١٢٨١﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ ذَا الَّذِي يَنْبِي عَلَى مَوْجِ الْبَحْرِ دَارًا تِلْكَمُ الدُّنْيَا فَلَا تَتَّخِذُوهَا قَرَارًا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٦
٥٥-٩-٢- دَعُوا الدُّنْيَا

﴿١٢٨٢﴾ داود عليه السلام: دَعُوا الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٤٥
﴿١٢٨٣﴾ المجتبی عليه السلام: فَدَعْ عَنْكَ ذِكْرَ الدُّنْيَا بِذِكْرِ فِرَاقِهَا وَ شِدَّةِ مَا يَرِدُ عَلَيْكَ لِرَخَاءِ مَا بَعْدَهَا؛ الكافي، ج ٨، ص ٢٠٦
﴿١٢٨٤﴾ داود عليه السلام: فَحَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْصِفُوا النَّاسَ وَ دَعُوا الدُّنْيَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٩، ص ٣٣٠
﴿١٢٨٥﴾ الرسول ﷺ: دَعُوا الدُّنْيَا لِأَهْلِهَا فَمَنْ أَخَذَ مِنَ الدُّنْيَا فَوْقَ مَا يَكْفِيهِ أَخَذَ حَتْفَهُ وَ هُوَ لَا يَشْعُرُ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٥٦
٥٦-٩-٢- ضَعْ عَنْكَ الدُّنْيَا

﴿١٢٨٦﴾ المجتبی عليه السلام: فَضَعْ عَنْكَ الدُّنْيَا بِتَذَكُّرِ فِرَاقِهَا وَ شِدَّةِ مَا اشْتَدَّ مِنْهَا بِرَجَاءِ مَا بَعْدَهَا وَ اصْبِرْ حَتَّى تَلْقَى نَبِيَّكَ ﷺ وَ هُوَ عَنْكَ رَاضٍ؛ بحار الأنوار، ج ٢٢، ص ٤١٢
٥٧-٩-٢- يَنْبَغِي أَنْ يَجْتَنِبَ مُخَالَطَةَ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا

﴿١٢٨٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي لِمَنْ أَرَادَ صَلَاحَ نَفْسِهِ وَ إِحْرَازَ دِينِهِ أَنْ يَجْتَنِبَ مُخَالَطَةَ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ٣١٩
٥٨-٩-٢- يَنْبَغِي أَنْ يَتَدَاوَى الْمَرْءُ مِنَ أَدْوَاءِ الدُّنْيَا

﴿١٢٨٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي أَنْ يَتَدَاوَى الْمَرْءُ مِنَ أَدْوَاءِ الدُّنْيَا كَمَا يَتَدَاوَى ذُو الْعِلَّةِ وَ يَحْتَمِي مِنْ شَهَوَاتِهَا وَ لَذَائِهَا كَمَا يَحْتَمِي الْمَرِيضُ؛ غرر الحكم، ص ٢٤٠

«نهی از دنیا و دنیا دوستی»

۵۲-۹-۲- دنیا را آسان بگیرد

﴿۱۲۷۹﴾ دنیا را آسان بگیرد تا بر شما آسان بگیرد، آن را پست در نظر گیرید تا آخرت برای شما بلندمرتبه گردد؛ و آن را گرامی ندارید که آخرت در چشمتان پست می‌گردد.

۵۳-۹-۲- دنیا را در نظر خود پست بدانید

﴿۱۲۸۰﴾ دنیا را در نظر خود مانند لاشه‌ی پست و بی‌ارزش، پست کنید.

۵۴-۹-۲- دنیا را خانه‌ی آرامش خویش قرار ندهید

﴿۱۲۸۱﴾ کیست آن که بر روی موج دریا خانه‌ای را بنا می‌کند؟ این مثل دنیاست، پس آن را خانه‌ی آرامش خویش قرار ندهید.

۵۵-۹-۲- دنیا را رها کنید

﴿۱۲۸۲﴾ دنیا و زینتش را رها کنید

﴿۱۲۸۳﴾ یاد دنیا را به یاد جدایی از آن فراموش کن و سختی‌های دنیا را به امید راحتی‌های آخرت بر خود آسان گیر.

﴿۱۲۸۴﴾ پس خودتان را محاسبه کنید، با انصاف با مردم رفتار کنید، و دنیا و زینتش را رها کنید.

﴿۱۲۸۵﴾ دنیا را برای اهلش واگذارید که هرکس دنیا را بیش از نیازش طلب کند، مرگش را طلب کرده و خود نمی‌داند.

۵۶-۹-۲- دنیا را رها کن

﴿۱۲۸۶﴾ به یاد جدایی‌ات از دنیا آن را رها کن و سختی‌های دنیا را به امید راحتی‌های آخرت بر خود آسان گردان و بر بلاها صبر نما تا اینکه پیغمبر خود را ملاقات کنی درحالی‌که از تو خشنود و راضی است.

۵۷-۹-۲- شایسته است از مشارکت با دنیاپرستان کناره‌گیری کند

﴿۱۲۸۷﴾ کسی که قصد دارد خودش را اصلاح کند و دینش را حفظ کند، شایسته است از مشارکت با فرزندان دنیا کناره‌گیری کند.

۵۸-۹-۲- سزاوار است که انسان دردهای دنیا را مداوا کند

﴿۱۲۸۸﴾ سزاوار است که انسان دردهای دنیا را مداوا کند، همان‌طوری‌که مریض برای دردهایش دارو مصرف می‌کند و باید از شهوت‌ها و لذت‌ها پرهیز کند، همان‌طوری‌که مریض از چیزهایی که برایش مضر است، پرهیز می‌کند.

﴿ذَمُّ الدُّنْيَا﴾

٥٩-٩-٢- تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ مِنْ فُضُولِ الدُّنْيَا

﴿١٢٨٩﴾ الرسول ﷺ: تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ مِنْ فُضُولِ الدُّنْيَا وَسَيِّئَاتِ أَعْمَالِكُمْ تَنْجُوا مِنْ شِدَّةِ

الْعَذَابِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥٣

٥٠-٩-٢- لَا تُؤْثِرَنَّ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

﴿١٢٩٠﴾ الرسول ﷺ: وَلَا تُؤْثِرَنَّ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ بِاللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ فَإِنَّ اللَّهَ

تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ فَأَمَّا مَنْ طَغَى وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٤،

ص ١٠٧

١٠-٢- الذَّمُّ وَالْعَيْبُ ذَمُّ الدُّنْيَا

١-١٠-٢- الذَّمُّ

﴿١٢٩١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مِنْ ذِمَامَةِ الدُّنْيَا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ لَا يُبَالَ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِتَرْكِهَا؛

غرر الحكم، ص ١٤٣

﴿١٢٩٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ كَافٍ لَكَ فِي الْأُسُوءَةِ وَدَلِيلٌ لَكَ

عَلَى ذَمِّ الدُّنْيَا وَعَيْبِهَا وَكَثْرَةِ مَخَازِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٦، ص ٢٨٤

٢-١٠-٢- الْعَيْبُ

﴿١٢٩٣﴾ الرسول ﷺ: يَا أَحْمَدُ أَنْغِضِ الدُّنْيَا وَأَهْلَهَا وَاحِبِ الْآخِرَةَ وَأَهْلَهَا قَالَ يَا رَبِّ وَ

مَنْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَمَنْ أَهْلُ الْآخِرَةِ قَالَ أَهْلُ الدُّنْيَا مَنْ كَثَرَ أَكْلُهُ وَصَحْبُكُهُ وَنَوْمُهُ وَغَضَبُهُ قَلِيلُ

الرِّضَا لَا يَعْتَذِرُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهِ وَلَا يَقْبَلُ عُذْرَ مَنْ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ كَسَلَانُ عِنْدَ الطَّاعَةِ شُجَاعُ عِنْدَ

الْمَعْصِيَةِ أَمَلُهُ بَعِيدٌ وَاجْلُهُ قَرِيبٌ لَا يُحَاسِبُ نَفْسَهُ قَلِيلُ الْمَنْفَعَةِ كَثِيرُ الْكَلَامِ قَلِيلُ الْخَوْفِ كَثِيرُ

الْفَرَحِ عِنْدَ الطَّعَامِ وَإِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا لَا يَشْكُرُونَ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَلَا يَصْبِرُونَ عِنْدَ الْبَلَاءِ كَثِيرُ النَّاسِ

عِنْدَهُمْ قَلِيلُ يُحَمِّدُونَ أَنْفُسَهُمْ بِمَا لَا يَفْعَلُونَ وَيَدَّعُونَ بِمَا لَيْسَ لَهُمْ وَيَتَكَلَّمُونَ بِمَا يَتَمَنَّوْنَ وَ

يَذْكُرُونَ مَسَاوِي النَّاسِ وَيُخْفُونَ حَسَنَاتِهِمْ فَقَالَ يَا رَبِّ كُلُّ هَذَا الْعَيْبُ فِي أَهْلِ الدُّنْيَا قَالَ يَا

أَحْمَدُ إِنَّ عَيْبَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَثِيرٌ فِيهِمُ الْجَهْلُ وَالْحُمُقُ لَا يَتَوَاضَعُونَ لِمَنْ يَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَهُمْ عِنْدَ

أَنْفُسِهِمْ عُقَلَاءُ وَعِنْدَ الْغَارِفِينَ حُمَقَاءُ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٠

«نکوهش و عیب دنیا»

۵۹-۹-۲- از زوائد دنیا به سوی خدا توبه کنید

«۱۲۸۹» از زیاده‌ی دنیا (امور مباح که ضرورتی به آن‌ها نیست) و اعمال بد خود به سوی خدا توبه کنید تا از شدت عذاب نجات یابید.

۶۰-۹-۲- زندگی دنیوی را بر آخرت برتری نده

«۱۲۹۰» لذت‌ها و شهوت‌های دنیا را بر آخرت برتری نده که خداوند متعال می‌فرماید: و اما آن که سرکشی کند و زندگی دنیوی را ترجیح دهد، پس آتش جهنم جایگاه او خواهد بود.

۱۰-۲- نکوهش و عیب دنیا

۱-۱۰-۲- نکوهش

«۱۲۹۱» از نشانه‌های مذموم بودن دنیا نزد خداوند این است که جز با ترک دنیا، نمی‌توان به آنچه نزد خداست دست یافت.

«۱۲۹۲» برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر اسلام ﷺ را در پیش گیری تا در شناخت بدی‌ها و عیب‌های دنیا و افزونی رسوایی‌ها و زشتی‌هایش برایت راهنما باشد.

۲-۱۰-۲- عیب

«۱۲۹۳» خداوند خطاب به پیامبر ﷺ: «ای احمد! دنیا و اهل آن را دوست مدار و آخرت و اهل آن را دوست خود گیر». پرسید: «خدایا اهل دنیا و آخرت چه کسانی هستند؟» فرمود: «اهل دنیا کسی است که بسیار بخورد؛ بسیار بخندد؛ بسیار خشم گیرد و هر اندازه مال داشته باشد، راضی نگردد؛ به کسی که به او بدی کرده، عذرخواهی نمی‌کند و کسی که از او عذر بخواهد، نمی‌پذیرد؛ هنگام طاعت و عبادت کسل و هنگام معصیت شجاع است؛ آرزویش دراز و مرگش نزدیک است؛ به حساب خود نمی‌رسد؛ سودش به دیگران کم و گفتارش بسیار است؛ ترسش از خدا اندک و هنگام خوردن غذا بسیار شاد است؛ هنگام برخورداری از نعمت، از خدا سپاسگزاری نمی‌کند و به هنگام بلا صبر ندارد؛ مردم را با دیده‌ی تحقیر می‌نگرد و کارهای نکرده‌ی خود را می‌ستاید؛ ادعای چیزی می‌کند که ندارد و سخنانی بر زبان می‌آورد که آرزوست نه واقعیت؛ بر دیگران منت می‌گذارد و همواره از بدی‌های مردم سخن می‌گوید. ای احمد! دنیاپرستان زشتی‌های بسیاری دارند، از جمله نادان هستند و احمق؛ به استاد خود احترام نمی‌گذارند و خود را عاقل و خردمند می‌دانند، حال اینکه از نظر عارفان، گروهی احمق هستند».

﴿الدُّنْيَا خِلَافُ الْإِيمَانِ وَالْعَقْلِ﴾

٣-١٠-٢- عَجِبَ الْإِمَامُ مِنْ عَامِرِ الدُّنْيَا

﴿١٢٩٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: عَجِبْتُ لِعَامِرِ الدُّنْيَا دَارِ الْفَنَاءِ وَهُوَ نَازِلُ دَارِ الْبَقَاءِ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٥، ص ٩٤

﴿١٢٩٥﴾ مناجاة: إِلَهِي عَجَبًا لِقُلُوبٍ سَكَنَتْ إِلَى الدُّنْيَا وَتَرَوَّحَتْ بِرَوْحِ الْمُنَى وَقَدْ عَلِمَتْ أَنَّ مُلْكَهَا زَائِلٌ وَنَعِيمُهَا رَاحِلٌ وَظِلُّهَا آفِلٌ وَسَنَدُهَا مَائِلٌ وَحُسْنُ نَصَارَةٍ بَهْجَتِهَا حَائِلٌ وَحَقِيقَتُهَا

بَاطِلٌ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١١١

﴿١٢٩٦﴾ الرسول ﷺ: عَجِبْتُ لِمُؤْمِلِ دُنْيَا وَالْمُوتِ يُطْلَبُهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ١٠٩

١١-٢- خِلَافُ الْإِيمَانِ وَالْعَقْلِ

١-١١-٢- الْإِطْمِئْنَانُ إِلَى الدُّنْيَا خِلَافُ الْإِيمَانِ

﴿١٢٩٧﴾ الباقر عليه السلام: يَا جَابِرُ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَطْمَئِنُّوا إِلَى الدُّنْيَا بِبَقَائِهِمْ فِيهَا وَلَمْ يَأْمَنُوا

قُدُومَهُمْ الْآخِرَةَ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٢

٢-١١-٢- الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ

﴿١٢٩٨﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ وَمَا أَصْبَحَ فِيهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا وَ

هُوَ حَزِينٌ فَكَيْفَ لَا يَخْزَنُ وَقَدْ أَوْعَدَ اللَّهُ أَنَّهُ وَارِدُ جَهَنَّمَ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٥٥

٣-١١-٢- الْعَاقِلُ تَرَكَ فُضُولَ الدُّنْيَا

﴿١٢٩٩﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ إِنَّ الْعُقَلَاءَ تَرَكَوا فُضُولَ الدُّنْيَا فَكَيْفَ الذُّنُوبُ وَتَرَكَ الدُّنْيَا

مِنَ الْفُضْلِ وَتَرَكَ الذُّنُوبَ مِنَ الْفَرَضِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ٢١

٤-١١-٢- يَزْهَدُ الْعَاقِلُ فِي الدُّنْيَا

﴿١٣٠٠﴾ العسكري عليه السلام: كَيْفَ لَا تَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا وَقَدْ آتَاكَ اللَّهُ مِنَ الْعَقْلِ مَا آتَاكَ وَقَدْ

تَرَى أَنَّ الدُّنْيَا كُلُّهَا وَإِنْ كَثُرَتْ إِنَّمَا يَجْمَعُهَا أَهْلُهَا لِهَذِهِ الْأَجْسَادِ الْفَانِيَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ٤٠١

٥-١١-٢- حُبُّ الدُّنْيَا يُفْسِدُ الْعَقْلَ

﴿١٣٠١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: سَبَبُ فُسَادِ الْعَقْلِ حُبُّ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١

«دنیا در مقابل ایمان و عقل»

۳-۱۰-۲- تعجب امام از کسی که دنیا را آباد می‌کند

«۱۲۹۴» در شگفتم از کسی که دنیا را که خانه‌ای فناپذیر است و باید از آنجا به سرای جاودان آخرت کوچ کند، آباد می‌کند.

«۱۲۹۵» پروردگارا، شگفتا از دل‌هایی که به دنیا آرام گرفته‌اند و با یاد آرزوها آرامش یافته‌اند، درحالی که می‌دانند دارایی آن از بین رفتنی است و نعمت‌هایش نابود می‌شود و سایه‌اش ناپدید می‌شود و تکیه‌گاهش کج و خمیده و زیبایی و شادمانی‌اش پوشیده است و حقیقت آن باطل است.

«۱۲۹۶» در شگفتم از کسی که به دنیا امیدوار است و حال آنکه مرگ در پی اوست.

۱۱-۲- دنیا در مقابل ایمان و عقل

۱-۱۱-۲- اطمینان به دنیا بر خلاف ایمان است

«۱۲۹۷» ای جابر، مؤمنین به ماندن در دنیا اطمینان نکردند و از ورود به آخرت ایمن نشدند.

۲-۱۱-۲- دنیا زندان مؤمن است

«۱۲۹۸» ای ابوذر! دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است، هیچ مؤمنی در آن نمی‌آید مگر آنکه محزون می‌گردد. چگونه محزون نگردد درحالی که خداوند وعده داده که همه وارد جهنم می‌گردند.

۳-۱۱-۲- خردمند زیاده بر احتیاج دنیا را کنار می‌نهد

«۱۲۹۹» ای هشام، همانا خردمندان زیاده بر احتیاج دنیا را کنار نهادند تا چه رسد به گناهان، با اینکه ترک دنیا فضیلت است و ترک گناه لازم.

۴-۱۱-۲- خردمند در دنیا زهد پیشه می‌کند

«۱۳۰۰» چگونه در این دنیا زهد نمی‌ورزی درحالی که حق تعالی عقلی این چنین به تو مرحمت فرموده است و تو می‌بینی که اهل دنیا آن را برای این اجساد فانی گرد می‌آورند.

۵-۱۱-۲- دنیا دوستی عقل را فاسد می‌کند

«۱۳۰۱» سبب فاسدشدن عقل، حب دنیا است.

﴿التَّهْدِيدُ﴾

١٢-٢- التَّهْدِيدُ و.راجع: الفصل الخامس؛ عواقب الإهتمام بالدنيا

﴿١٣٠٢﴾ الرسول ﷺ: يَا أَحْمَدُ لَوْ صَلَّى الْعَبْدُ صَلَاةَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَيَصُومُ صِيَامَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَيَطْوِي مِنَ الطَّعَامِ مِثْلَ الْمَلَائِكَةِ وَلَبَسَ لِبَاسَ الْعَارِي ثُمَّ أَرَى فِي قَلْبِهِ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا ذَرَّةً أَوْ سَعَتَهَا أَوْ رِئَاسَتَهَا أَوْ حُلِيِّهَا أَوْ زِينَتَهَا لَا يُجَاوِرُنِي فِي دَارِي وَلَا نَزَعٌ مِنْ قَلْبِهِ مَحَبَّتِي؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٠

﴿تهدید﴾

۱۲-۲- تهدید و.ر.به: فصل ۵: عواقب دنیا دوستی و دنیا خواهی

﴿۱۳۰۲﴾ ای احمد! اگر بنده‌ای به اندازه‌ی اهل آسمان و زمین نماز بخواند و به اندازه‌ی آنان روزه بگیرد، چون فرشتگان از غذا دوری کند، مثل برهنه‌ها لباس بپوشد، به اندازه‌ی خردلی دوستی دنیا را در دل داشته باشد یا مشتاق شهرت یا ریاست یا زینت آن باشد، به بهشت نخواهد رفت، و همسایه‌ی من در خانه‌ام نخواهد بود و محبت خود را از دل او دور خواهم کرد».

الفصل الثالث: عوامل حب الدنيا وإيثارها على الآخرة

٣-١- ما يرتبط بالله

٣-١-١- إذا أراد الله بعبد شراً

﴿١٣٠٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: واعلم أن الله إذا أراد بعبد خيراً حال بينه وبين ما يكرهه ووقفه لإطاعته وإذا أراد بعبد شراً أغراه بالدنيا وأنساه الآخرة وبسط له أمله وعاقه عما فيه صلاحه؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٩٧

٣-١-٢- إذا فتح الله على عبد باباً من الدنيا

﴿١٣٠٤﴾ الصادق عليه السلام: ما فتح الله على عبد باباً من الدنيا إلا فتح عليه من الحرص مثليه؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٥٤

٣-١-٣- إذا وكل الله الإنسان بنفسه

﴿١٣٠٥﴾ الصادق عليه السلام: يا موسى لو وكلتك إلى نفسك تنظرها لغلب عليك حب الدنيا و

زهرتها؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٧

٣-٢- الشيطان، إبليس، الجن

٣-٢-١- الشيطان

﴿١٣٠٦﴾ الباقر عليه السلام: قالوا إذا كنا عندك فذكرتنا ورغبنا وجلبنا ونسينا الدنيا وزهدنا حتى كأننا نعين الآخرة والجنة والنار ونحن عندك فإذا خرجنا من عندك ودخلنا هذه البيوت وشممنا الأولاد رأينا العيال والأهل يكاد أن نحول عن الحال التي كنا عليها عندك وحتى كأننا لم نكن على شيء أفتخاف علينا أن يكون ذلك نفاقاً فقال لهم رسول الله ﷺ كلا إن هذه خطوات الشيطان فيرغبكم في الدنيا؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٢٣

فصل ۳: عوامل دنیادوستی و ترجیح آن بر آخرت

۳-۱- آنچه به خداوند مربوط می‌شود

۳-۱-۱- آنگاه که خدا برای بنده‌ای شری را اراده کند

﴿۱۳۰۳﴾ [نامه‌ی امام علی علیه السلام به معاویه:] «و بدان خداوند زمانی که برای بنده‌ای خیری را اراده می‌کند میان او و آن چیزی که از آن اکراه دارد، جدایی می‌اندازد و به او توفیق طاعت می‌بخشد و زمانی که برای بنده‌ای شری اراده کند او را با دنیا فریب می‌دهد و آخرت را از ذهن او به فراموشی می‌سپارد و امیدش را برای او وسعت می‌بخشد و او را از آنچه که صلاحش در آن است، باز می‌دارد.

۳-۱-۲- وقتی خدا دری از دنیا را به روی بنده‌ای می‌گشاید

﴿۱۳۰۴﴾ خداوند هیچ دری از دنیا را به روی بنده‌ای نمی‌گشاید، مگر اینکه دو برابر آن بر حرص و آزش می‌افزاید.

۳-۱-۳- وقتی خدا انسان را به حال خود رها کند

﴿۱۳۰۵﴾ مانند ظالمان و مانند کسانی که دنیا را چون پدر و مادر خود می‌دانند [و دوست دارند] به دنیا اعتماد و تکیه نکن. اگر تو را به حال خودت رها می‌کردم، می‌دیدي که حب دنیا و زیبایی‌های آن بر تو غلبه می‌کرد.

۳-۲- شیطان، ابلیس، جن

۳-۲-۱- شیطان

﴿۱۳۰۶﴾ به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند: «هرگاه نزد تو هستیم و یاد آخرت را برای ما زنده می‌کنی و ما را به آن ترغیب می‌کنی، جسممان به لرزه می‌افتد و دنیا را فراموش می‌کنیم و نسبت به آن زاهد می‌شویم تا جایی که گویا هم‌اکنون آخرت و بهشت و جهنم را می‌بینیم؛ اما این حالات مربوط به زمانی است که نزد تو هستیم، اما هنگامی که از نزد تو می‌رویم و به خانه‌های خود وارد می‌شویم... نزدیک است که حال ما و آن حالی را که در حضور تو داشتیم، عوض شود». ... رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «این، از نقشه‌های شیطان است که نسبت به دنیا در شما رغبت ایجاد می‌کند».

﴿الطَّاغُوتُ، السُّلْطَانُ، الْمُلُوكُ﴾

﴿١٣٠٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ قَدْ يَتَخَيَّلُهُ الشَّيْطَانُ بِخَدْعِهِ وَ مَكْرِهِ حَتَّى يُورِّطَهُ فِي هَلَكَةٍ

بِعَرَضٍ مِنَ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢١٥

﴿١٣٠٨﴾ الصادق عليه السلام: كَانَ رَجُلٌ فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ طَلَبَ الدُّنْيَا... فَأَتَاهُ الشَّيْطَانُ فَقَالَ لَهُ يَا هَذَا
إِنَّكَ قَدْ طَلَبْتَ الدُّنْيَا... أَفَلَا أَذُوكَ عَلَى شَيْءٍ تَكْثُرُ بِهِ دُنْيَاكَ وَ تَكْثُرُ بِهِ تَبَعُكَ فَقَالَ بَلَى قَالَ
تَبَدَّعُ دِينًا وَ تَدْعُو إِلَيْهِ النَّاسَ فَفَعَلَ فَاسْتَجَابَ لَهُ النَّاسُ فَأَطَاعُوهُ فَأَصَابَ مِنَ الدُّنْيَا...؛

من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٥٧٢

﴿١٣٠٩﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ هَذِهِ خَطَرَاتُ مِنَ الشَّيْطَانِ فِيرَغَبْكُمْ فِي الدُّنْيَا؛ مجموعة ورام، ج ٢،

ص ٢١٠

﴿١٣١٠﴾ السَّجَّاد عليه السلام: إِلَهِي أَشْكُو إِلَيْكَ عَدُوًّا يُضِلُّنِي وَ شَيْطَانًا يُغْوِينِي قَدْ مَلَأَ بِالْوَسْوَاسِ
صَدْرِي وَ أَحَاطَتْ هَوَاجِسُهُ بِقَلْبِي يُعَاضِدُ لِي الْهَوَى وَ يُزِينُ لِي حُبَّ الدُّنْيَا وَ يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ
الطَّاعَةِ وَ الرَّفْقَى... وَ لَا نَجَاةَ لِي مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا إِلَّا بِعِصْمَتِكَ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٤٣

﴿١٣١١﴾ العسكري عليه السلام: وَ يُزِينُ لَهُ الْإِشْتِغَالَ بِغَيْرِهِ مِنْ مَلَاهِي الدُّنْيَا فَإِنْ أَتْبَعَهُ الْإِنْسَانُ مِنْ
هَذَا الْوَجْهِ فَهُوَ ظَفَرُهُ... وَ أَمَّا أَكْسِيهِمْ فَمَنْ أَخَذَ لِأَخْرَتِهِ أَهْبَتَهَا وَ أَحْمَقُهُمْ مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤١٩

٢-٢-٣- إبليس

﴿١٣١٢﴾ سليمان عليه السلام: أَنْ سُلَيْمَانَ عليه السلام لَقِيَ إِبْلِيسَ وَ قَالَ: فَمَا أَنْتَ صَانِعٌ بِأَمَةِ مُحَمَّدٍ ﷺ قَالَ:
أَرْضَى مِنْهُمْ بِالْمُحَقَّرَاتِ لِأَنَّهُمْ لَا يُطِيعُونَنِي بِالشَّرْكِ فَأَحَبُّ إِلَيْهِمُ الدُّنْيَا حَتَّى تَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِمْ
مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٠

٣-٢-٣- الجن

﴿١٣١٣﴾ الرسول ﷺ: أَنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَرَّ بِمَجْنُونٍ فَقَالَ مَا لَهُ فَقِيلَ إِنَّهُ مَجْنُونٌ فَقَالَ بَلْ هُوَ

مُصَابٌ إِنَّمَا الْمَجْنُونُ مَنْ آثَرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٣١

٣-٣- الطَّاغُوتُ، السُّلْطَانُ، الْمُلُوكُ

٣-٣-١- الطَّاغُوتُ

﴿طاغوت، سلاطین و پادشاهان﴾

﴿۱۳۰۷﴾ شیطان او را با فریب‌هایش به توهّم می‌اندازد تا با اندکی از مال دنیا نابودش سازد.

﴿۱۳۰۸﴾ در زمان‌های گذشته، مردی بود طالب دنیا ... شیطان نزد او آمد و به او گفت: «فلانی، تو که خواهان دنیا هستی ... آیا می‌خواهی تو را به چیزی راهنمایی کنم که دنیای تو آباد و پیروانت فراوان شود؟ آن مرد گفت: «آری». شیطان گفت: «دینی جدید اختراع کن و مردم را به آن بخوان». آن مرد چنین کرد و مردم دعوتش را پذیرفته و اطاعتش کردند و مرد به دنیایش رسید.

﴿۱۳۰۹﴾ این خصلت از کارهای شیطان است که به ذهن شما خطور می‌کند و شما را به دنیا مایل می‌گرداند.

﴿۱۳۱۰﴾ خدایا به‌سوی تو شکایت می‌کنم از دشمنی که مرا گمراه کرده و شیطانی که سینه‌ام را از وسوسه انباشته و زمزمه‌های خطرناکش قلبم را فرا گرفته است، شیطانی که با هوی و هوس برایم کمک می‌کند، و عشق به دنیا را در دیدگانم زیور می‌بخشد، و بین من و بندگی و مقام قرب پرده می‌افکند... راه نجاتی از گرفتاری‌های دنیا جز نگهداری تو برایم نمی‌باشد.

﴿۱۳۱۱﴾ [شیطان] مشغول شدن به غیر علم را همچون ملاهی دنیایی در نظر او می‌آراید. و اگر آدمی از این راه فریب شیطان را بخورد و از او پیروی نماید، مغلوب می‌شود... زیرک‌ترین مردم کسی است که آمادگی لازم را برای آخرت خود فراهم کند. و احمق‌ترین مردم کسی است که همّت خود را صرف دنیا کند.

۲-۲-۳- ابلیس

﴿۱۳۱۲﴾ حضرت سلیمان علیه السلام به ابلیس گفت: «با امّت محمد صلی الله علیه و آله چه خواهی کرد؟» گفت: «آن‌ها را به چیزهای پست خشنود می‌کنم؛ چون آن‌ها به‌واسطه‌ی شرک ورزیدن، از من اطاعت نمی‌کنند. لذا دنیا را برای آن‌ها دوست‌داشتنی می‌کنم تا جایی که دنیا در نزد آن‌ها از خدا و رسولش محبوب‌تر شود».

۳-۲-۳- جنّ

﴿۱۳۱۳﴾ پیامبر صلی الله علیه و آله از کنار دیوانه‌ای می‌گذشت، از او پرسید: «به او چه شده؟» گفتند: «او دیوانه است». فرمود: «نه، مغز او بیمار است؛ دیوانه کسی است که دنیا را بر آخرت برگزیند».

۳-۳- طاغوت، سلاطین و پادشاهان

۱-۳-۳- طاغوت

﴿عَوَامِلُ حُبِّ الدُّنْيَا وَإِثَارُهَا عَلَى الْآخِرَةِ / الْغَفْلَةُ﴾

﴿١٣١٤﴾ السَّجَادُ عليه السلام: أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الطَّوَاغِيتُ وَاتَّبَاعُهُمْ مِنْ أَهْلِ الرَّغْبَةِ فِي الدُّنْيَا الْمَائِلُونَ إِلَيْهَا الْمُفْتُونُونَ بِهَا الْمُقْبِلُونَ عَلَيْهَا وَعَلَى حُطَامِهَا الْهَامِدِ وَهَشِيمِهَا الْبَائِدِ غَدًا؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٤٨

٣-٣-٢- الدخول على السلطان

﴿١٣١٥﴾ الباقر عليه السلام: يَا عَبْدَ الْغَفَّارِ إِنْ دَخَلَكَ عَلَى السُّلْطَانِ يَدْعُو إِلَى ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ مَحَبَّةِ الدُّنْيَا وَنِسْيَانِ الْمَوْتِ وَقَلَّةِ الرِّضَا بِمَا قَسَمَ اللَّهُ... إِنِّي لَسْتُ أَمُرُّكَ بِتَرْكِ الدُّنْيَا بَلْ أَمُرُّكَ بِتَرْكِ الذُّنُوبِ فَتَرْكِ الدُّنْيَا فَضِيلَةٌ وَتَرْكِ الذُّنُوبِ فَرِيضَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٣٥٨

٣-٣-٣- مُصَاحَبَةُ الْمُلُوكِ

﴿١٣١٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ صَحِبَ الْمُلُوكَ تَشَاغَلَ بِالدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١

٣-٤- الغفلة

﴿١٣١٧﴾ الباقر عليه السلام: وَاعْلَمْ أَنَّ أَبْنَاءَ الدُّنْيَا هُمْ أَهْلُ غَفْلَةٍ وَغُرُورٍ وَجَهَالَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ١٦٥

٣-٤-١- عَدَمُ رُؤْيَا الْأَجَلِ

﴿١٣١٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا أَطَالَ عَبْدٌ الْأَمَلَ إِلَّا أَسَاءَ الْعَمَلَ وَكَانَ يَقُولُ لَوْ رَأَى الْعَبْدُ أَجْلَهُ وَسُرْعَتَهُ إِلَيْهِ لَأَبْغَضَ الْعَمَلَ مِنْ طَلَبِ الدُّنْيَا؛ الكافي، ج ٣، ص ٢٥٩

٣-٥- عَدَمُ تَفَرُّغِ الْقَلْبِ لِلْعِبَادَةِ

﴿١٣١٩﴾ الصادق عليه السلام: فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبُ ابْنِ آدَمَ تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمَلًا قَلْبَكَ خَوْفًا مِنِّي وَإِنْ لَا تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمَلًا قَلْبَكَ شُغْلًا بِالدُّنْيَا ثُمَّ لَا أَسَدُّ فَاثَتَكَ وَآكِلَكَ إِلَى طَلِبِهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٣،

ص ٣٥٧

٣-٦- الفُجُورُ

٣-٦-١- الفُجُورُ

﴿١٣٢٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْمُؤْمِنُ مَنْ وَقَى دِينَهُ بِدُنْيَاهُ وَالفَاجِرُ مَنْ وَقَى دُنْيَاهُ بِدِينِهِ؛

غرر الحكم، ص ٩٠

«عوامل دنیادوستی و ترجیح آن بر آخرت / غفلت»

﴿۱۳۱۴﴾ مؤمنان! مبدا این سرکشان و پیروانشان، از آرزومندان دنیا که دلباخته و شیفته‌ی آن هستند، آنان که به دنیا و کالای پوسیده‌ی ناچیزش و گیاه خشکیده‌ی نابودشدنی‌اش در فردا روی نهاده‌اند، شما را بفریبند.

۲-۳-۳- رفت و آمد به دربار سلاطین

﴿۱۳۱۵﴾ ای عبدالغفار! رفتن تو پیش سلطان، تو را به سه چیز می‌کشاند: دوستی دنیا، فراموشی مرگ و نارضایتی به آنچه خدا به تو داده است... من تو را به ترک دنیا امر نمی‌کنم، بلکه به ترک گناهان امر می‌کنم. ترک دنیا فضیلت است و ترک گناهان فریضه و تو به انجام فریضه از کسب فضیلت، نیازمندتری.

۳-۳-۳- مصاحبت با پادشاهان

﴿۱۳۱۶﴾ هرکس با پادشاهان مصاحبت داشته باشد، گرفتار دنیا می‌شود.

۴-۳- غفلت

﴿۱۳۱۷﴾ بدان که دنیاپرستان همان جماعت غافل و فریبکار و نادان هستند...».

۱-۴-۳- عدم توجه به نزدیک شدن اجل

﴿۱۳۱۸﴾ هیچ بنده‌ای آرزوهای دور و درازی نخواهد داشت مگر اینکه گناه کند و خواستار دنیا باشد. اگر بنده، اجلس و سرعت نزدیک شدنش را می‌دید، از تلاش برای کسب دنیا متنفر می‌شد.

۵-۳- آماده نکردن قلب برای عبادت

﴿۱۳۱۹﴾ در تورات نوشته شده است: «ای فرزند آدم خود را با فراغت بال و آرامش دل به عبادت مشغول کن و قلب خود را پُر و مالا مال از خوف من بگردان و اگر این چنین آسوده‌خاطر به عبادت من نپردازی، دلت را فقط مشغول به دنیا خواهم نمود و فقر و پریشانی تو را برطرف نخواهم ساخت و تو را به دنیا و حرص به دنیا واگذار خواهم کرد.

۶-۳- گناه

۱-۶-۳- گناه

﴿۱۳۲۰﴾ مؤمن کسی است که دینش را با دنیایش حفظ کند و گناهکار کسی است که دنیایش را با دینش حفظ کند.

﴿عَوَامِلُ حُبِّ الدُّنْيَا وَإِثَارُهَا عَلَى الْآخِرَةِ / الطَّبَعُ وَالشَّقَاءُ﴾

٢-٦-٣- سُوءُ الْعَمَلِ

﴿١٣٢١﴾ اَللّٰهُمَّ... وَارْتَكَبْتُ الذُّنُوبَ بِجَهْلِيْ لِفَسَادِ عَقْلِيْ وَ اَلْهَيْتَنِي الدُّنْيَا لِسُوءِ عَمَلِيْ وَ اغْتَرَرْتُ بِزِينَتِهَا بِجَهْلِيْ؛ بحار الأنوار، ج ٩٤، ص ٣٠٨

٣-٦-٣- الغائلة

﴿١٣٢٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ قَدْ قَبِعَتْ نَفْسِيْ بِمَا قَدْ رَزَقْتُهُ، فَشَانِكَ يَا دُنْيَا وَ أَهْلُ الْغَوَائِلِ؛ ديوان الإمام علي عليه السلام، ص ٣١٢

٢-٦-٣- سُوءُ الْإِخْتِيَارِ

﴿١٣٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: رِضَاكَ بِالدُّنْيَا مِنْ سُوءِ اخْتِيَارِكَ وَ شَقَاءِ جَدِّكَ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢٣

٧-٣- الطَّبَعُ، الشَّقَاءُ

١-٧-٣- الطَّبَعُ

﴿١٣٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: النَّاسُ أَتْبَاءُ الدُّنْيَا وَ لَا يَلَامُ الرَّجُلُ عَلَى حُبِّ أُمَّه؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣١

٢-٧-٣- الشَّقَاءُ

﴿١٣٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فِي الدُّنْيَا رَغْبَةُ الْأَشْقِيَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٠

﴿١٣٢٦﴾ الرّسول ﷺ: حُبُّ الدُّنْيَا مِنَ الشَّقَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٦٦

﴿١٣٢٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مُنِيَّةُ الْأَشْقِيَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

﴿١٣٢٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَالَ: فَأَيُّ الْخَلْقِ أَشْقَى؟ قَالَ: مَنْ بَاعَ دِينَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ؛ الأمالي للصدوق، ص ٣٩٣

٨-٣- الْهَوَى

١-٨-٣- إِطَاعَةُ الْهَوَى

﴿١٣٢٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَطَاعَ هَوَاهُ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١١٥

٢-٨-٣- إِثَارُ الْهَوَى

﴿١٣٣٠﴾ الرّسول ﷺ: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ... لَا يُؤْثِرُ عَبْدٌ هَوَاهُ عَلَى هَوَايَ إِلَّا شَتَّتَ عَلَيْهِ أَمْرَهُ وَ كَبَسَتْ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَ شَغَلَتْ قَلْبَهُ بِهَا وَ لَمْ أُؤْتِهِ مِنْهَا إِلَّا مَا قَدَّرْتُ لَهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣٣٥

﴿٤٣٢﴾

«عوامل دنیادوستی و ترجیح آن بر آخرت / سرشت و بدبختی»

۲-۶-۳- بدکرداری

«۱۳۲۱» خدایا... با نادانی خود نافرمانی تو را کردم و به خاطر تباهی عقلم مرتکب گناهان شدم و به خاطر بدکرداری، به دنیا علاقمند شدم و از یاد تو غافل گشتم.

۳-۶-۳- فساد

«۱۳۲۲» ای دنیا! به آنچه که روزی داده شده‌ام، قناعت کرده‌ام؛ سراغ کسانی برو که اهل فساد هستند.

۴-۶-۳- انتخاب بد

«۱۳۲۳» راضی شدن تو به دنیا به خاطر انتخاب بد و تلاش اشتباهت است.

۷-۳- سرشت، بدبختی

۱-۷-۳- سرشت

«۱۳۲۴» مردم فرزندان دنیا هستند و کسی به سبب دوست داشتن مادرش سرزنش نمی‌شود.

۲-۷-۳- بدبختی

«۱۳۲۵» انسان‌های بدبخت به دنیا رغبت دارند.

«۱۳۲۶» دوستی دنیا از بدبختی است.

«۱۳۲۷» دنیا خانه‌ی آرزوی بدبختان است.

«۱۳۲۸» [پیرمردی از امام علی علیه السلام پرسید]: «کدام مخلوق بدبخت‌تر است؟» فرمود: «آن که دینش را به دنیای شخص دیگری بفروشد».

۸-۳- هوس

۱-۸-۳- پیروی از هوس

«۱۳۲۹» کسی که از هوای نفسش پیروی کند، آخرتش را به دنیایش می‌فروشد.

۲-۸-۳- مقدم دانستن هوس

«۱۳۳۰» خداوند عزّ و جلّ می‌فرماید: ... وقتی بنده‌ای خواسته‌هایش را برخواسته‌هایم ترجیح دهد، کارهایش را پراکنده و پریشان می‌سازم و امور دنیا را بر او مشتبه و مشکل و قلبش را مشغول دنیا می‌کنم؛ اما از دنیایش جز همان مقداری که مقدر او کرده‌ام، به او نخواهم داد.

﴿عَوَامِلُ حُبِّ الدُّنْيَا وَإِيثَارِهَا عَلَى الْآخِرَةِ / الْأَمَلُ﴾

٣-٨-٣- غَلَبَةُ الْهَوَى

﴿١٣٣١﴾ السَّجَّادُ عليه السلام: إِنَّ الْمُسْتَكْبِرَ مَنْ يُصِرُّ عَلَى الذَّنْبِ الَّذِي قَدْ غَلَبَهُ هَوَاهُ وَآثَرَ دُنْيَاهُ عَلَى آخِرَتِهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٥، ص ٤٠٢

٣-٩- الْأَمَلُ

٣-٩-١- طُولُ الْأَمَلِ

﴿١٣٣٢﴾ الرسول الله: إِنَّ أَشَدَّ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَتَيْنِ اتَّبَعَ الْهَوَى وَطُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَإِنَّهُ يَعْدِلُ عَنِ الْحَقِّ وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَإِنَّهُ الْحُبُّ لِلدُّنْيَا؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ٢٧١

﴿١٣٣٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا أَنْزَلَ الْمَوْتَ حَقَّ مَنْزِلَتِهِ مِنْ عَدَاةٍ مِنْ أَجَلِهِ وَمَا أَطَالَ عَبْدٌ الْأَمَلِ إِلَّا أَسَاءَ الْعَمَلِ وَطَلَبَ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٩، ص ١٧١

﴿١٣٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ يَأْمُلُ أَنْ يَعِيشَ غَدًا فَإِنَّهُ يَأْمُلُ أَنْ يَعِيشَ أَبَدًا وَمَنْ يَأْمُلُ أَنْ يَعِيشَ أَبَدًا يَقْسُو قَلْبُهُ وَيَرْغَبُ فِي دُنْيَاهُ وَيَزْهَدُ فِيمَا الَّذِي وَعَدَهُ رَبُّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛ الجعفریات، ص ٢٤٠

٣-٩-٢- التَّحْدِيثُ بِطُولِ الْعُمُرِ

﴿١٣٣٥﴾ الرضا عليه السلام: مَنْ حَدَّثَ نَفْسَهُ بِالْفَقْرِ بَخِلَ وَمَنْ حَدَّثَهَا بِطُولِ الْعُمُرِ حَرَصَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٤٦

٣-١٠- تَعْظِيمُ الدُّنْيَا

﴿١٣٣٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَظَّمَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ وَكَبُرَ مَوْقِعُهَا فِي قَلْبِهِ آثَرَهَا عَلَى اللَّهِ فَانْقَطَعَ إِلَيْهَا وَصَارَ عَبْدًا لَهَا؛ مكارم الأخلاق، ص ٨

٣-١١- الْغُرُورُ، الْأَمْنُ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ

٣-١١-١- الْغُرُورُ

﴿١٣٣٧﴾ الباقر عليه السلام: وَاعْلَمْ أَنَّ أَبْنَاءَ الدُّنْيَا هُمْ أَهْلُ غَفْلَةٍ وَغُرُورٍ وَجَهَالَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٥

﴿١٣٣٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَقُولُ مَا الدُّنْيَا غَرَّتْكَ وَلَكِنْ بِهَا اغْتَرَرْتَ وَلَقَدْ كَاشَفْتُكَ بِالْعِظَاتِ وَأَذَنْتَكَ عَلَى سَوَاءٍ وَلَهِيَ بِمَا تَعِدُكَ مِنْ نَزُولِ الْبَلَاءِ بِجَسَمِكَ وَالنَّقْصِ فِي قُوَّتِكَ أَصْدَقُ وَأَوْفَى مِنْ أَنْ تَكْذِبَكَ أَوْ تَغُرَّكَ وَلَرُبَّ نَاصِحٍ لَهَا عِنْدَكَ مَتَّهِمٌ؛ بحار الأنوار، ج ٦٨، ص ١٩٢

﴿٤٣٤﴾

﴿عوامل دنیادوستی و ترجیح آن بر آخرت / آرزو﴾

۳-۸-۳- غلبه‌ی هوس

﴿۱۳۳۱﴾ مستکبر کسی است که بر گناه اصرار کند و هوی و هوشش بر او غلبه کند و دنیا را بر آخرتش ترجیح دهد.

۳-۹-۳- آرزو

۳-۹-۱- آرزوی طولانی

﴿۱۳۳۲﴾ بیش از هر چیز برای شما از دو چیز می‌ترسم: پیروی از هوای نفس و آرزوی طولانی؛ اما پیروی از هوای نفس باعث انحراف از حق می‌شود و آرزوی طولانی باعث محبت دنیاست.

﴿۱۳۳۳﴾ کسی که فردا را از عمر خود به شمار آورد، مرگ را در جایگاه حقیقی آن قرار نداده است. و هیچ بنده‌ای آرزوهای دور و دراز نخواهد داشت مگر اینکه گناه کند و خواتار دنیا باشد. ﴿۱۳۳۴﴾ کسی که امید دارد فردا نیز زنده باشد، امید دارد که زندگی ابدی داشته باشد و کسی که به زندگی ابدی می‌اندیشد، دلش سنگ می‌شود و به دنیا میل و رغبت پیدا می‌کند و از آنچه خداوند وعده‌ی آن را داده دل می‌برد.

۳-۹-۲- وعده به عمر دراز

﴿۱۳۳۵﴾ ترس از فقر و تنگدستی بخل می‌آورد، و ثمره‌ی وعده به عمر دراز، انسان را حریص می‌سازد.

۳-۱۰- بزرگداشت دنیا

﴿۱۳۳۶﴾ آن که دنیا در دیده‌اش بزرگ و در دلش جایگاهی ژرف و عظیم باز کرده باشد، آن را بر خدا ترجیح داده و به آن می‌پیوندد و طوق بندگی‌اش را بر گردن می‌نهد.

۳-۱۱- فریب، ایمنی از مکر الهی

۳-۱۱-۱- فریب

﴿۱۳۳۷﴾ بدان که دنیاپرستان همان جماعت غافل و فریبکار و نادان هستند...». ﴿۱۳۳۸﴾ من از روی حقیقت می‌گویم؛ دنیا تو را گول نزده اما تو به خاطر دنیا گول خورده‌ای؛ این مسائل با پند و عبرت برای تو کشف شده و این‌ها را از روی انصاف درک کرده‌ای. تو خود می‌دانی که در آینده گرفتاری‌ها پیش خواهند آمد و جسمت را بیمار خواهند کرد و از نیروهایت خواهند کاست و این‌ها بهترین شاهد هستند که تو نمی‌توانی به خود دروغ بگویی و یا خود را گول بزنی و چه بسا ممکن است در اینجا نصیحت‌کنندگان خود را متهم کنید.

﴿عَوَامِلُ حُبِّ الدُّنْيَا وَإِيثَارِهَا عَلَى الْآخِرَةِ / فَقَدْ الْإِيمَانُ﴾

٣-١١-٢- الأَمْنُ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ

﴿١٣٣٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: وَالْإِصْرَارُ عَلَى الدُّنْيَا أَمْنٌ لِمَكْرِ اللَّهِ وَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ

الْخَاسِرُونَ؛ كَشَفَ الْغَمَةَ، ج ٢، ص ١٧٨

٣-١٢- فَقَدْ الْإِيمَانِ، الْكُفْرُ، فَقَدْ الْيَقِينِ، الْمُرُوقُ

٣-١٢-١- فَقَدْ الْإِيمَانِ

﴿١٣٤٠﴾ امِير الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: كَذَبَ مَنْ ادَّعَى الْإِيمَانَ وَهُوَ مَشْغُوفٌ مِنَ الدُّنْيَا بِخَدْعِ الْأَمَانِيِّ وَ

زُورِ الْمَلَاهِي؛ غَرَّرَ الْحَكَمَ، ص ٣١٢

٣-١٢-٢- الْكُفْرُ

﴿١٣٤١﴾ امِير الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: هُمْ الْكَافِرُ لِدُنْيَاهُ وَ سَعْيُهُ لِعَاجِلَتِهِ وَ غَايَتُهُ شَهْوَتُهُ؛ غَرَّرَ الْحَكَمَ،

ص ٩٢

٣-١٢-٣- فَقَدْ الْيَقِينِ

﴿١٣٤٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: الدُّنْيَا دَارُ مَنْ لَا دَارَ لَهُ ... لَهَا يَسْعَى مَنْ لَا يَقِينَ لَهُ؛ إِرْشَادُ الْقُلُوبِ، ج ١،

ص ١٨٦

٣-١٢-٤- الْمُرُوقُ

﴿١٣٤٣﴾ امِير الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: لَا تَلْتَمِسِ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ وَلَا تُؤَثِّرِ الْعَاجِلَةَ عَلَى الْآجِلَةِ فَإِنَّ

ذَلِكَ شِيْمَةُ الْمُنَافِقِينَ وَ سَجِيَّةُ الْمَارِقِينَ؛ غَرَّرَ الْحَكَمَ، ص ٤٥٩

٣-١٣- فَقَدْ الْعِلْمُ وَ الْمَعْرِفَةُ وَ الْفَقْهُ وَ الْفَهْمُ وَ الْعَقْلُ

﴿١٣٤٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: الدُّنْيَا دَارُ مَنْ لَا دَارَ لَهُ وَ لَهَا يَجْمَعُ مَنْ لَا عَقْلَ لَهُ وَ يَطْلُبُ شَهَوَاتِهَا مَنْ

لَا فَهْمَ لَهُ وَ عَلَيْهَا يُعَادِي مَنْ لَا عِلْمَ لَهُ وَ عَلَيْهَا يَحْسُدُ مَنْ لَا فِقْهَ لَهُ وَ لَهَا يَسْعَى مَنْ لَا يَقِينَ لَهُ مَنْ

كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ كَثُرَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ غَمُّهُ؛ إِرْشَادُ الْقُلُوبِ، ج ١، ص ١٨٦

٣-١٣-١- فَقَدْ الْعِلْمُ

﴿١٣٤٥﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: كَيْفَ يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ مَنْ هُوَ فِي مَسِيرِهِ إِلَى آخِرَتِهِ وَ هُوَ مُقْبِلٌ

عَلَى دُنْيَاهُ وَ مَا يَضُرُّهُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِمَّا يَنْفَعُهُ؛ الْكَافِي، ج ٢، ص ٣١٩

﴿٤٣٦﴾

﴿عوامل دنیادوستی و ترجیح آن بر آخرت / بی‌ایمانی﴾

۲-۱۱-۳- ایمنی از مکر الهی

﴿۱۳۳۹﴾ اصرار بر دنیا ایمنی از مکر الهی است. جز زیانکاران، خود را از مکر [و مجازات] خدا ایمن نمی‌دانند!

۱۲-۳- بی‌ایمانی، کفر، نداشتن یقین، خروج از دین

۱-۱۲-۳- بی‌ایمانی

﴿۱۳۴۰﴾ دروغ می‌گویند کسی که ادّعیای ایمان می‌کند؛ درحالی‌که به خاطر مکر آرزوها و سرگرمی‌های باطل، دلباخته‌ی دنیا شده است.

۲-۱۲-۳- کفر

﴿۱۳۴۱﴾ همّ و غمّ کافر دنیایش و تمام تلاشش برای امور زودگذر آن است. و نهایت آرزویش، شهوت‌هایش است.

۳-۱۲-۳- نداشتن یقین

﴿۱۳۴۲﴾ دنیا خانه‌ی کسی است که خانه ندارد ... کسی که یقین ندارد، به خاطر دنیا تلاش می‌کند.

۴-۱۲-۳- خروج از دین

﴿۱۳۴۳﴾ به دنبال کسب دنیا با انجام اعمال اخروی نباشید و امور زودگذر را بر امور باقی آخرت ترجیح ندهید که این کار خوی و خصلت منافقین و روش کسانی است که از دین خارج شده‌اند.

۱۳-۳- دوری از دانش و شناخت و درک و خرد

﴿۱۳۴۴﴾ دنیا خانه‌ی کسی است که خانه ندارد و هرکس عقل ندارد، دنیا را جمع می‌کند و هرکس فهم ندارد پیرو شهوت‌های آن می‌گردد و به خاطر دنیا با دیگران دشمنی نکنید، زیرا کسی که دانش ندارد، به خاطر دنیا به دیگران حسد می‌ورزد، و کسی که یقین ندارد، به خاطر دنیا تلاش می‌کند، و هرکس همّ و غمّش دنیا باشد، غمش در دنیا و آخرت بسیار می‌گردد.

۱-۱۳-۳- علم‌نداشتن

﴿۱۳۴۵﴾ چگونه اهل علم درحالی‌که به طرف آخرت سیر می‌کنند باز به دنیا روی می‌آورند، چیزی که به او زیان می‌رساند، نزد او محبوب‌تر از چیزی است که می‌تواند به او سود برساند.

﴿عَوَامِلُ حُبِّ الدُّنْيَا وَإِيثَارِهَا عَلَى الْآخِرَةِ / الإِسْتِكْبَارُ﴾

٢-١٣-٣- فَقَدْ الْمَعْرِفَةُ

﴿١٣٤٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا سَمٌ أَكَلَهُ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

٣-١٣-٣- فَقَدْ الْعَقْلُ

﴿١٣٤٧﴾ الرسول ﷺ: الدُّنْيَا دَارٌ مَنْ لَا دَارَ لَهُ وَلَهَا يَجْمَعُ مَنْ لَا عَقْلَ لَهُ؛ بحار الأنوار، ج ١٦،

ص ٢٦٦

﴿١٣٤٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ لَمْ يَسْتَعِنْ بِاللَّهِ عَنِ الدُّنْيَا فَلَا دِينَ لَهُ [مَنْ لَمْ يُؤْثِرِ الْآخِرَةَ عَلَى

الدُّنْيَا فَلَا عَقْلَ لَهُ]؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

٤-١٣-٣- الْجَهْلُ

﴿١٣٤٩﴾ اللَّهُمَّ... وَارْتَكَبْتُ الذُّنُوبَ بِجَهْلِي لِفَسَادِ عَقْلِي وَالْهْتِنِي الدُّنْيَا لِسُوءِ عَمَلِي وَ

اغْتَرَرْتُ بِزِينَتِهَا بِجَهْلِي؛ بحار الأنوار، ج ٩٤، ص ٣٠٨

﴿١٣٥٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: غُرِّي يَا دُنْيَا مِنْ جَهْلٍ حَيْلِكَ وَخَفِيَ عَلَيْهِ حَبَائِلُ كَيْدِكَ؛

غرر الحكم، ص ١٣٦

﴿١٣٥١﴾ الباقر عليه السلام: وَاعْلَمْ أَنَّ أَتْبَاءَ الدُّنْيَا هُمْ أَهْلُ غَفْلَةٍ وَغُرُورٍ وَجَهَالَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٥

٥-١٣-٣- الْحُمُقُ

﴿١٣٥٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا حَمَقَاءُ لَا تَمِيلُ إِلَّا إِلَى أَشْبَاهِهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٩٤

﴿١٣٥٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَالَ: فَأَيُّ النَّاسِ أَحْمَقُ؟ قَالَ: الْمُعْتَرِ بِالدُّنْيَا وَهُوَ يَرَى مَا فِيهَا مِنْ

تَقَلُّبِ أَحْوَالِهَا؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٨١

﴿١٣٥٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْفَرَحُ بِالدُّنْيَا حُمُقٌ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

١٤-٣- الإِسْتِكْبَارُ

﴿١٣٥٥﴾ السَّجَاد عليه السلام: إِنَّ الْمُسْتَكْبِرَ مَنْ يُصِرُّ عَلَى الذَّنْبِ الَّذِي قَدْ غَلَبَهُ هَوَاهُ وَآثَرَ دُنْيَاهُ عَلَى

آخِرَتِهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٥، ص ٤٠٢

١٥-٣- النِّفَاقُ

﴿١٣٥٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تَلْتَمِسِ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ وَلَا تُؤْثِرِ الْعَاجِلَةَ عَلَى الْآجِلَةِ فَلَنْ

ذَلِكَ شِيْمَةُ الْمُنَافِقِينَ وَ سَجِيَّةُ الْمَارِقِينَ؛ غرر الحكم، ص ٤٥٩

﴿١٣٥٧﴾ الصادق عليه السلام: الْحِرْصُ عَلَى الدُّنْيَا مِنْ عَلَامَاتِ النِّفَاقِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٢١

«عوامل دنیادوستی و ترجیح آن بر آخرت / استکبار»

۲-۱۳-۳- معرفت نداشتن

«۱۳۴۶» دنیا زهر است و کسی آن را می خورد که متوجه آن نیست.

۳-۱۳-۳- عقل نداشتن

«۱۳۴۷» دنیا خانه‌ی کسی است که خانه ندارد و کسی که عقل ندارد، برای دنیا جمع می‌کند.

«۱۳۴۸» کسی که با وجود خداوند در دنیا احساس بی‌نیازی نکند اصلاً دین ندارد و کسی که آخرت را بر دنیا ترجیح ندهد، عقل ندارد.

۴-۱۳-۳- نادانی

«۱۳۴۹» خدایا... با نادانی خود نافرمانی تو را کردم و به خاطر تباهی عقلم مرتکب گناهان شدم و به خاطر بدکرداری، به دنیا علاقمند شدم و از یاد تو غافل گشتم.
«۱۳۵۰» ای دنیا! کسی را فریب ده که به حيله‌های تو آگاه نیست و طناب‌های مکر تو برای او مخفی است.

«۱۳۵۱» بدان که دنیاپرستان همان جماعت غافل و فریبکار و نادان هستند.

۵-۱۳-۳- حماقت

«۱۳۵۲» دنیا نادان است و به مشابه خود تمایل دارد.
«۱۳۵۳» پیرمردی از امام علی (علیه السلام) پرسید: «کدام یک احمق‌ترین مردم است؟» فرمود: «کسی که مغرور به دنیا شود، حال آنکه دگرگونی دنیا و روزگار را می‌بیند».
«۱۳۵۴» شادمانی به [اقبال] دنیا، حماقت است.

۱۴-۳- استکبار

«۱۳۵۵» مستکبر کسی است که بر گناه اصرار کند و هوی و هوشش بر او غلبه کند و دنیا را بر آخرتش ترجیح دهد.

۱۵-۳- نفاق

«۱۳۵۶» به دنبال کسب دنیا با انجام اعمال اخروی نباشید و امور زودگذر را بر امور باقی آخرت ترجیح ندهید که این کار خوی و خصلت منافقین و روش کسانی است که از دین خارج شده‌اند.

«۱۳۵۷» حرص زدن نسبت به دنیا از علائم نفاق است
«۴۳۹»

﴿عَوَامِلُ حُبِّ الدُّنْيَا وَإِيثَارِهَا عَلَى الْآخِرَةِ / التَّفَرُّقُ﴾

﴿١٣٥٨﴾ الصادق عليه السلام: أَنَّ لِلْمُنَافِقِ أَرْبَعًا مِنْ عَلَامَاتِ النِّفَاقِ قَسَاوَةُ الْقَلْبِ وَ جُمُودُ الْعَيْنِ وَ
الْإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ وَ الْحِرْصُ عَلَى الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٦٧
١٦-٣- التَّفَرُّقُ

﴿١٣٥٩﴾ الرسول ﷺ: إِذَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ تَعَالَى اعْتَزَلَ الشَّيْطَانُ الدُّنْيَا عَنْهُمْ فَيَقُولُ
الشَّيْطَانُ لِلدُّنْيَا أَلَا تَرَيْنَ مَا يَصْنَعُونَ فَتَقُولُ الدُّنْيَا دَعَهُمْ فَلَوْ قَدْ تَفَرَّقُوا أَخَذْتُ بِأَعْنَاقِهِمْ؛
بحار الأنوار، ج ٧١، ص ١٨٩

﴿عوامل دنیادوستی و ترجیح آن بر آخرت / جداشدن از جمع﴾

﴿۱۳۵۸﴾ چهار چیز از علامت نفاق می‌باشد: قساوت قلب، خشکی چشم، اصرار بر گناه و حرص دنیا.

۱۶-۳- جداشدن از جمع

﴿۱۳۵۹﴾ هنگامی که مردم گرد هم می‌آیند و ذکر خدای متعال را می‌گویند، شیطان و دنیا از آن‌ها کناره می‌گیرند، و شیطان به دنیا می‌گوید: «نمی‌بینی چه کار می‌کنند؟! دنیا می‌گوید: «آن‌ها را رها کن، زمانی که از هم جدا شدند، گردنشان را می‌گیرم».

الفصل الرابع: عوامل عدم الإهتمام بالدنيا

١-٤- ما يرتبط بالله

﴿١٣٦٠﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بَعْدَ خَيْرٍ فَقَهَّهْ فِي الدِّينِ وَزَهَّدهُ فِي الدُّنْيَا وَبَصَّرَهُ بِغُيُوبِ نَفْسِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٢

﴿١٣٦١﴾ الرسول ﷺ: اِمْلَأْ قُلُوبَهُمْ حَيَاءً مِنْكَ حَتَّى يَسْتَحْيُوا مِنْكَ كُلَّ وَقْتٍ وَتُبْصِرْهُمْ بِآفَاتِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦

﴿١٣٦٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ خَلْقًا ضَيَّقَ الدُّنْيَا عَلَيْهِمْ نَظَرًا لَهُمْ فَزَهَّدهُمْ فِيهَا وَفِي حُطَامِهَا فَرَّغُوا فِي دَارِ السَّلَامِ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٨٤

﴿١٣٦٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ لِيَحْمِيَ عَبْدَهُ الدُّنْيَا كَمَا يَحْمِي الْمَرِيضَ الطَّعَامَ؛ بحار الأنوار،

ج ٦٤، ص ٢٣٦

١-٤- إختيار الله

﴿١٣٦٤﴾ الرسول ﷺ: أَنَا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٢٨، ص ٥٢

٢-٤- عناية الله

﴿١٣٦٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: رَبِّ مَا أَحْرَصَنِي عَلَى مَا زَهَّدْتَنِي [فِيهِ] وَحَشَنَتَنِي عَلَيْهِ إِنْ لَمْ تُعِنِّي عَلَى دُنْيَايَ بَزْهْدٍ وَعَلَى آخِرَتِي بِتَقْوَى هَلَكْتُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١١١

٣-٤- محبة الله

﴿١٣٦٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا حَمَاهُ الدُّنْيَا كَمَا يَحْمِي أَحَدَكُمْ مَرِيضَهُ مِنْ

الماء؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٣٢

٤-١- كرامة الله

فصل ۴: عوامل بی‌توجهی به دنیا

۴-۱- آنچه به خداوند مربوط می‌شود

﴿۱۳۶۰﴾ ای ابوذر! چون خداوند بخواهد به بنده‌ای نیکی کند و خیر و سعادت را نصیب او گرداند، به وی بصیرت در دین، زهد در دنیا و آگاهی به عیوب خویش را عطا می‌کند.

﴿۱۳۶۱﴾ خداوند! ... دل‌های [پارسایان] را از حیات پر کن تا هر زمانی از تو حیا کنند [و دنبال گناه نروند] و آن‌ها را به آفات دنیا بینا گردان.

﴿۱۳۶۲﴾ خداوند مخلوقی را آفرید و دنیا را از سر لطف برای آن‌ها تنگ قرار داد و آن‌ها را نسبت به دنیا و کالاهای آن زاهد قرار داد. و آنان نیز به سرای آخرت میل و رغبت نشان دادند.

﴿۱۳۶۳﴾ همانا خداوند بنده‌اش را از دنیا برحذر می‌دارد، همان‌طوری که بیمار را از خوراک [ناسازگار] برحذر می‌دارند.

۴-۱-۱- گزینش خداوند

﴿۱۳۶۴﴾ [پیامبر ﷺ به دخترش فرمود:] «ما اهل‌بیتی هستیم که خداوند برای ما، آخرت را بر دنیا برگزیده است.

۴-۱-۲- عنایت الهی

﴿۱۳۶۵﴾ پروردگارا! چقدر بر آنچه مرا از آن برکنار و به دوری از آن وادارم کردی، حریصم؛ و اگر تو به زهد در دنیا و پرهیزکاری در امور آخرت کمک نکنی، هلاک می‌گردم.

۴-۱-۳- محبت الهی

﴿۱۳۶۶﴾ وقتی خداوند بنده‌ای را دوست داشته باشد [و برای او دلسوز باشد]، همان‌طور که یکی از شما، مریضش را [از سر دلسوزی و به خاطر مضرّ بودن] از آب منع می‌کند، دنیا را از او دور می‌کند.

۴-۱-۴- کرامت الهی

﴿عَوَامِلُ عَدَمِ الْإِهْتِمَامِ بِالدُّنْيَا / الْمَعْرِفَةُ﴾

﴿١٣٦٧﴾ الصادق عليه السلام: وَإِذَا فَوَّضَ الْعَبْدُ تَذْيِيرَ نَفْسِهِ عَلَى مُدْبِرِهِ هَانَ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا وَ إِذَا اشْتَغَلَ الْعَبْدُ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَ نَهَاهُ لَا يَتَفَرَّغُ مِنْهُمَا إِلَى الْمَرَاءِ وَ الْمُبَاهَاةِ مَعَ النَّاسِ فَإِذَا أَكْرَمَ اللَّهُ الْعَبْدَ بِهَذِهِ الثَّلَاثَةِ هَانَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَ إِبْلِيسُ وَ الْخَلْقُ وَ لَا يَطْلُبُ الدُّنْيَا تَكَاثُرًا وَ تَفَاخُرًا وَ لَا يَطْلُبُ مَا عِنْدَ النَّاسِ عِزًّا وَ غُلُوبًا؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦

٢-٤- المعرفة

﴿١٣٦٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَسِيرُ الْمَعْرِفَةُ يُوجِبُ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ٦٣

١-٢-٤- المعرفة بالدُّنْيَا

﴿١٣٦٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا جَابِرُ مَلَأْتُ الدُّنْيَا سَبْعَةَ الْمَأْكُولِ وَ الْمَشْرُوبِ وَ الْمَلْبُوسِ وَ الْمَنَكُوحِ وَ الْمَرْكُوبِ وَ الْمَسْمُومِ وَ الْمَسْمُوعِ فَالَّذُ الْمَأْكُولَاتِ الْعَسَلُ وَ هُوَ بَصُقٌ مِنْ ذُبَابَةٍ وَ أَحْلَى الْمَشْرُوبَاتِ الْمَاءُ وَ كَفَى بِإِبَاحَتِهِ وَ سِبَاحَتِهِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ وَ أَعْلَى الْمَلْبُوسَاتِ الدِّيْبَاجُ وَ هُوَ مِنْ لُعَابِ دُوْدَةٍ وَ أَعْلَى الْمَنَكُوحَاتِ النِّسَاءُ وَ هُوَ مَبَالٌ فِي مَبَالٍ وَ مِثَالٌ لِمِثَالٍ وَ إِنَّمَا يُرَادُ أَحْسَنُ مَا فِي الْمَرْأَةِ لِأَقْبَحِ مَا فِيهَا وَ أَعْلَى الْمَرْكُوبَاتِ الْخَيْلُ وَ هُوَ قَوَاتِلٌ وَ أَجَلُ الْمَسْمُومَاتِ الْمِسْكُ وَ هُوَ دَمٌ مِنْ سُرَّةِ دَابَّةٍ وَ أَجَلُ الْمَسْمُوعَاتِ الْغِنَاءُ وَ التَّرْنَمُ وَ هُوَ إِثْمٌ فَمَا هَذِهِ صِفَتُهُ لَمْ يَتَنَفَّسْ عَلَيْهِ عَاقِلٌ قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ فَوَاللَّهِ مَا خَطَرَتِ الدُّنْيَا بَعْدَهَا عَلَى قَلْبِي؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١

﴿١٣٧٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا أَنْ يَزْهَدَ فِيهَا وَ يَعْرِفَ عَنْهَا؛ غرر الحكم، ص ٢٧٥

﴿١٣٧١﴾ الرضا عليه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ أَتَقَنَّ بِالْمَوْتِ كَيْفَ يَفْرَحُ وَ مَنْ يَرَى الدُّنْيَا وَ تَغْيِيرَهَا بِأَهْلِهَا

كَيْفَ يَرْكُنُ إِلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٦٩، ص ٤٥

﴿١٣٧٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَلَا تَطْمَئِنِّ إِلَى الدُّنْيَا فَإِنَّهَا غَرَارَةٌ وَ لَوْ اِغْتَبَرْتَ بِمَا مَضَى لَحَفِظْتَ

مَا بَقِيَ وَ اَنْتَفَعْتَ مِنْهَا بِمَا وَعَظْتَ بِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٥٣٩

﴿١٣٧٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ جَمَعَ سِتَّ خِصَالٍ لَمْ يَدْعُ لِلْجَنَّةِ مَطْلَبًا وَ لَا عَنِ النَّارِ مَهْرَبًا

عَرَفَ اللَّهَ فَاطَاعَهُ وَ عَرَفَ الشَّيْطَانَ فَعَصَاهُ وَ عَرَفَ الدُّنْيَا فَرَفَضَهَا وَ عَرَفَ الْآخِرَةَ فَطَلَبَهَا؛

جامع الأخبار، ص ١٠٨

﴿١٣٧٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا تَزَهَّدَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٩

﴿٤٤٤﴾

﴿عوامل بی توجهی به دنیا / شناخت﴾

﴿۱۳۶۷﴾ زمانی که بنده تدبیر امور دنیا را به دست خداوند بداند، مصیبت‌های دنیا بر او آسان می‌شود. و زمانی که اشتغالاتش مطابق امر و نهی خداوند باشد، دیگر با مردم فخر و مباهات و مجادله نمی‌کند. هرگاه خداوند با این سه ویژگی بنده را گرامی دارد، دنیا، ابلیس و مردم در نظر او اهمیتی ندارد و بی‌ارزش جلوه می‌کند. او دنیا را به عنوان زیاده‌خواهی و فخرفروشی نمی‌خواهد، و عزت و سربلندی را از مردم نمی‌جوید.

۴-۲- شناخت

﴿۱۳۶۸﴾ کمترین مقدار معرفت و شناخت، موجب زهد در دنیا می‌شود.

۴-۲-۱- شناخت دنیا

﴿۱۳۶۹﴾ امام علی علیه السلام به جابر فرمود: «ای جابر، آنچه در دنیا موجب لذت می‌شود، هفت نوع است: خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها، پوشیدنی‌ها، همبستری، وسایل سواری، بوییدنی‌ها و شنیدنی‌ها؛ بهترین خوردنی‌ها عسل است که بزاق حشره‌ای است؛ بهترین نوشیدنی‌ها آب است که روی زمین جاری است؛ بهترین پوشیدنی‌ها حریر است که لعاب دهان کرمی است، بهترین همبستری با زن است که تداخل دو مسیر ادرار است، و آدمی بهترین خواسته‌اش از زن را از زشت‌ترین راه ارضا می‌کند؛ بهترین وسیله‌ی سواری اسب است که قاتل سوارکار است؛ بهترین شنیدنی‌ها غنا و موسیقی است که آن‌هم گناه است. پس عاقل برای چیزی که دارای چنین مشخصاتی باشد، نباید آه بکشد!» جابر گفت: «به خدا قسم! بعد از آن دیگر دنیا برایم ارزشی نداشت.»

﴿۱۳۷۰﴾ برای کسی که دنیا را شناخته، سزاوار است زاهدانه زندگی کند و از دنیا بپُرد.

﴿۱۳۷۱﴾ در شگفتم از کسی که به مرگ یقین دارد، پس چگونه به خوشی گذرای آن شاد است؟ و از کسی که دنیا و تغییرات آن را می‌بیند، چگونه بر آن تکیه می‌کند؟!

﴿۱۳۷۲﴾ اما بعد، آنچه تو را دلبسته‌ی دنیا کرده و نفس تو درباره‌ی آن با تو به ستیز برخاسته و به آن اعتماد کرده‌ای، به تو پشت کرد و از دستت خواهد رفت. پس به دنیا تکیه نکن که سخت فریب می‌دهد و اگر از گذشته عبرت بگیری آینده‌ات را حفظ کرده و از آنچه تو را به آن پند داده‌اند سود جسته باشی.

﴿۱۳۷۳﴾ کسی که در او شش خصلت جمع شود، برای بهشت وسیله‌ای و از آتش جهنم راه فراری را فروگذار نکرده است: هرکس خدا را بشناسد و فرمان او را ببرد، شیطان را بشناسد و نافرمانی کند، حق را بشناسد و از آن پیروی کند، باطل را بشناسد و از آن دوری کند، دنیا را بشناسد و آن را ترک کند، آخرت را بشناسد و آن را بجوید.

﴿۱۳۷۴﴾ هرکس دنیا را بشناسد، زهد می‌جوید.

﴿عَوَامِلُ عَدَمِ الْإِهْتِمَامِ بِالدُّنْيَا / الْعِلْمِ﴾

﴿١٣٧٥﴾ المجتبي عليه السلام: مَنْ عَرَفَ اللَّهَ أَحَبَّهُ وَ مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا زَهَدَ فِيهَا؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ٥٢

﴿١٣٧٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَرَفَ خِدَاعَ الدُّنْيَا لَمْ يَغْتَرَّ مِنْهَا بِمَحَالَاتِ الْأَحْلَامِ؛ غررالحكم،

ص ١٣٦

﴿١٣٧٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَحَقُّ النَّاسِ بِالزَّهَادَةِ مَنْ عَرَفَ نَقْصَ الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ٢٧٥

٢-٢-٤- الْمَعْرِفَةُ بِالْأَجَلِ وَسُرْعَتِهِ

﴿١٣٧٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَوْ رَأَى الْعَبْدُ أَجَلَهِ وَسُرْعَتَهُ إِلَيْهِ لَأَبْغَضَ الْأَمَلَ وَ طَلَبَ الدُّنْيَا؛

مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ١١٠

﴿١٣٧٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا أَطَالَ عَبْدٌ الْأَمَلَ إِلَّا أَسَاءَ الْعَمَلَ وَ كَانَ يَقُولُ لَوْ رَأَى الْعَبْدُ

أَجَلَهِ وَسُرْعَتَهُ إِلَيْهِ لَأَبْغَضَ الْعَمَلَ مِنْ طَلَبِ الدُّنْيَا؛ الكافي، ج ٣، ص ٢٥٩

﴿١٣٨٠﴾ الرسول عليه السلام: عَجِبْتُ لِمُؤْمِلٍ دُنْيَا وَ أَلَمْتُ بِطُلُوبِهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ١٠٩

٢-٢-٣- مَعْرِفَةُ الْآخِرَةِ

﴿١٣٨١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَيْفَ يَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا مَنْ لَا يَعْرِفُ قَدْرَ الْآخِرَةِ؛ غررالحكم،

ص ١٤٦

٢-٢-٤- الْمَعْرِفَةُ بِتَقَلُّبِ الدُّنْيَا

﴿١٣٨٢﴾ الصادق عليه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ أَتَقَنَّ بِالنَّارِ كَيْفَ يَضْحَكُ وَ لِمَنْ رَأَى تَقَلُّبَ الدُّنْيَا بِأَهْلِهَا

كَيْفَ يَطْمَئِنُّ إِلَيْهَا؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٧٤

٢-٣-٤- الْعِلْمُ، الْحِكْمَةُ، الْفِقْهُ

١-٣-٤- الْعِلْمُ

﴿١٣٨٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَسَبُ الْعِلْمِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ٦٣

﴿١٣٨٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَسَبُ الْعِلْمِ التَّزَهُدُ فِي الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٧

﴿١٣٨٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا يَسْتَفِيزُ خُدْعُ الدُّنْيَا الْعَالِمَ؛ غررالحكم، ص ١٣٦

﴿١٣٨٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي لِمَنْ عَلِمَ شَرَفَ نَفْسِهِ أَنْ يُزْهَهَا عَنْ دَنَاءَةِ الدُّنْيَا؛

غررالحكم، ص ١٣٦

﴿١٣٨٧﴾ الصادق عليه السلام: كَيْفَ يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ مَنْ هُوَ فِي مَسِيرِهِ إِلَى آخِرَتِهِ وَ هُوَ مُقْبِلٌ

عَلَى دُنْيَاهُ وَ مَا يَضُرُّهُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِمَّا يَنْفَعُهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣١٩

﴿٤٤٦﴾

﴿عوامل بی‌توجهی به دنیا / دانش﴾

﴿۱۳۷۵﴾ هرکس خدا را بشناسد او را دوست دارد و هرکس دنیا را بشناسد، پارسایی در دنیا را پیشه می‌کند.

﴿۱۳۷۶﴾ کسی که مکر دنیا را بشناسد با آرزوهای محال آن، فریفته نمی‌شود.
﴿۱۳۷۷﴾ کسی که به بی‌ارزشی و نقص‌های دنیا آگاه است، سزاوار است که زاهدانه‌تر زندگی کند.

۲-۲-۴- شناخت اجل و نزدیک‌شدن آن

﴿۱۳۷۸﴾ اگر بنده اجل و سرعت نزدیک‌شدنش را می‌دید، حتماً از آرزو بدش می‌آمد و دنیاخواهی را رها می‌کرد.

﴿۱۳۷۹﴾ هیچ بنده‌ای آرزوهای دور و درازی نخواهد داشت مگر اینکه گناه کند و خواستار دنیا باشد. اگر بنده، اجلش و سرعت نزدیک‌شدنش را می‌دید، از تلاش برای کسب دنیا متنفر می‌شد.

﴿۱۳۸۰﴾ در شگفتم از کسی که به دنیا امیدوار است و حال آنکه مرگ در پی اوست.

۳-۲-۴- شناخت آخرت

﴿۱۳۸۱﴾ کسی که قدر و منزلت آخرت را نشناسد، چگونه در دنیا زاهد خواهد بود؟!

۴-۲-۴- شناخت دگرگونی دنیا

﴿۱۳۸۲﴾ در عجبم از آن که به دوزخ یقین دارد و با این حال دهان به خنده می‌گشاید. و از آن که رویگردانی و دگرگونی دنیا را از اهلش می‌بیند و باز هم به دنیا اطمینان می‌کند.

۳-۴- دانش، حکمت، فهم عمیق

۱-۳-۴- دانش

﴿۱۳۸۳﴾ تحصیل دانش موجب زهد در دنیا است.

﴿۱۳۸۴﴾ کسب علم [نوعی] زهد در دنیا است.

﴿۱۳۸۵﴾ فریب‌های دنیا دانا را ناآرام نمی‌کند.

﴿۱۳۸۶﴾ سزاوار است برای کسی که شرافت نفس خودش را می‌داند، از پستی دنیا بیرون بکشد.

﴿۱۳۸۷﴾ چگونه اهل علم درحالی که به طرف آخرت سیر می‌کنند باز به دنیا روی می‌آورند، چیزی که به او زیان می‌رساند، نزد او محبوب‌تر از چیزی است که می‌تواند به او سود برساند.

﴿عَوَامِلُ عَدَمِ الْإِهْتِمَامِ بِالدُّنْيَا / الْعَقْلُ وَ الْكِيَاَسَةُ﴾

١-١- ٣-٤- الْعِلْمُ بِزَوَالِ الدُّنْيَا

﴿١٣٨٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي لِمَنْ عَلِمَ سُرْعَةَ زَوَالِ الدُّنْيَا أَنْ يَزْهَدَ فِيهَا؛ غررالحكم.

ص ١٣٩

٢-٣-٤- الْحِكْمَةُ

﴿١٣٨٩﴾ مواظع المسيح عليه السلام في الإنجيل: وَيَلِكُمْ يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا لَا كَحُكَمَاءَ تَعْقِلُونَ وَلَا

كَحُلَمَاءَ تَفْقَهُونَ وَلَا كَعُلَمَاءَ تَعْلَمُونَ وَلَا كَعَبِيدٍ أَتْقِيَاءَ وَلَا كَأَحْرَارٍ كِرَامٍ؛ تحف العقول، ص ٥٠٨

٣-٣-٤- الْفِقْهُ

﴿١٣٩٠﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّ الْفَقِيهَ حَقَّ الْفَقِيهِ الزَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِبُ فِي الْآخِرَةِ الْمُتَمَسِّكُ

بِسُنَّةِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله؛ الكافي، ج ١، ص ٧٠

٤-٤- الْعَقْلُ وَ الْكِيَاَسَةُ

١-٤-٤- الْعَقْلُ

﴿١٣٩١﴾ الكاظم عليه السلام: فَمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اغْتَزَلَ أَهْلَ الدُّنْيَا... يَا هِشَامُ إِنَّ الْعَاقِلَ رَضِيَ بِالْذُّوْنِ مِنَ الدُّنْيَا مَعَ الْحِكْمَةِ وَ لَمْ يَرْضَ بِالْذُّوْنِ مِنَ الْحِكْمَةِ مَعَ الدُّنْيَا فَلِذَلِكَ رَبَحَتْ تِجَارَتُهُمْ ... يَا هِشَامُ إِنَّ الْعُقَلَاءَ تَرَكَوا فُضُولَ الدُّنْيَا فَكَيْفَ الذُّنُوبُ وَ تَرَكَوا الدُّنْيَا مِنَ الْفَضْلِ وَ تَرَكَوا الذُّنُوبَ مِنَ الْفَرَضِ يَا هِشَامُ إِنَّ الْعُقَلَاءَ زَهَدُوا فِي الدُّنْيَا وَ رَغِبُوا فِي الْآخِرَةِ لِأَنَّهُمْ عَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا طَالِبَةٌ وَ مَطْلُوبَةٌ وَ الْآخِرَةُ طَالِبَةٌ وَ مَطْلُوبَةٌ فَمَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَوْفِيَ مِنْهَا رِزْقَهُ وَ مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَتْهُ الْآخِرَةُ فَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ فَيُفْسِدُ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَ آخِرَتَهُ؛

تحف العقول، ص ٣٨٧

﴿١٣٩٢﴾ مواظع المسيح عليه السلام في الإنجيل: وَيَلِكُمْ يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا لَا كَحُكَمَاءَ تَعْقِلُونَ وَلَا

كَحُلَمَاءَ تَفْقَهُونَ وَلَا كَعُلَمَاءَ تَعْلَمُونَ وَلَا كَعَبِيدٍ أَتْقِيَاءَ وَلَا كَأَحْرَارٍ كِرَامٍ؛ تحف العقول،

ص ٥٠٨

﴿١٣٩٣﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ إِنَّ مَثَلَ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ مَسْهُا لَيْنٌ وَ فِي جَوْفِهَا السَّمُّ الْقَاتِلُ

يَحْذَرُهَا الرِّجَالُ ذُووُ الْعُقُولِ وَ يَهْوِي إِلَيْهَا الصُّبَّانُ بِأَيْدِيهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣١١

«عوامل بی‌توجهی به دنیا / عقل و زیرکی»

۱-۱-۴-۳- علم به زوال دنیا

«۱۳۸۸» سزاوار است برای کسی که می‌داند دنیا چقدر زودگذر است، در دنیا زاهد باشد.

۲-۴-۳- حکمت

«۱۳۸۹» وای بر شما ای بندگان دنیا! نه مانند حکیمان می‌اندیشید، نه مانند دانایان درک می‌کنید و نه مانند دانشمندان می‌دانید، نه مانند بندگان پرهیزگار هستید و نه آزادگان بزرگوار.

۳-۴-۳- فهم عمیق

«۱۳۹۰» فقیه واقعی کسی است که نسبت به دنیا زاهد و نسبت به آخرت مشتاق و اهل تمسک به سنت پیامبر ﷺ می‌باشد.

۴-۴- عقل و زیرکی

۱-۴-۴- عقل

«۱۳۹۱» هرکس که عقل و خردش به درجه‌ای رسید که شایسته‌ی دریافت علوم الهی گشت، از اهل دنیا و دنیاپرستان کناره می‌گیرد... ای هشام، به‌راستی که فرد عاقل به بهره‌ی اندکی از دنیا که همراه حکمت و دانش باشد، راضی و خشنود است. ولی به نصیب اندکی از حکمت که همراه دنیا باشد راضی نمی‌شود. به همین خاطر تجارت آن‌ها سود داده و فایده می‌بخشد... ای هشام، همانا خردمندان اضافه بر احتیاج دنیا را کنار گذاشتند تا چه رسد به گناهان، با اینکه ترک دنیا فضیلت است و ترک گناه لازم. ای هشام، به‌راستی که خردمندان دل از دنیا کنده و به آخرت پیوسته‌اند؛ چراکه آن‌ها دانسته‌اند دنیا هم طالب است و هم مطلوب و آخرت نیز هم طالب است و هم مطلوب. در نتیجه هرکس که خواهان آخرت باشد، بهره‌ی خود را به طور کامل از دنیا می‌گیرد. و هرکس که جویای دنیا باشد، آخرت او را طلب می‌کند و مرگش فرا می‌رسد، و دنیا و آخرتش تباه می‌گردد.

«۱۳۹۲» وای بر شما ای بندگان دنیا! نه مانند حکیمان می‌اندیشید، نه مانند دانایان درک می‌کنید و نه مانند دانشمندان می‌دانید، نه مانند بندگان پرهیزگار هستید و نه آزادگان بزرگوار.

«۱۳۹۳» ای هشام، سرای دنیا همچون ماری است که دارای پوستی نرم است و درونش زهر کشنده دارد، [به همین خاطر] مردم صاحب‌دل و خردمند از آن حذر می‌کنند و کودکان دست خود را به‌سویش دراز می‌کنند.

﴿عَوَامِلُ عَدَمِ الْإِهْتِمَامِ بِالدُّنْيَا / الْعَقْلُ وَ الْكِيَاَسَةُ﴾

﴿١٣٩٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ... رَفَعَ عَقْلُهُ عَنْ أَهْلِ الدُّنْيَا فَبَدَنُهُ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا وَقَلْبُهُ وَ عَقْلُهُ مُعَايِنُ الْآخِرَةِ فَأُطْفَأَ بَصُوءُ قَلْبِهِ مَا أَبْصَرَتْ عَيْنَاهُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا فَقَدَّرَ حَرَامَهَا وَ جَانِبَ شُبُهَاتِهَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٦

﴿١٣٩٥﴾ العسكري عليه السلام: إِنَّ الزَّهَادَةَ فِي الدُّنْيَا يَا ابْنَ الْمَلِكِ مِفْتَاحُ الرَّغْبَةِ إِلَى الْآخِرَةِ وَمَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ فَأَصَابَ بَابَهَا دَخَلَ مَلَكُوتَهَا وَ كَيْفَ لَا تَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا وَقَدْ آتَاكَ اللَّهُ مِنَ الْعَقْلِ مَا آتَاكَ وَقَدْ تَرَى أَنَّ الدُّنْيَا كُلَّهَا وَإِنْ كَثُرَتْ إِنَّمَا يَجْمَعُهَا أَهْلُهَا لِهَذِهِ الْأَجْسَادِ الْفَانِيَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٠١

﴿١٣٩٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا جَابِرُ مَلَأَتْ الدُّنْيَا سَبْعَةَ الْمَأْكُولِ وَالْمَشْرُوبِ وَالْمَلْبُوسِ وَالْمَنْكُوحِ وَالْمَرْكُوبِ وَالْمَشْمُومِ وَالْمَسْمُوعِ فَالَّذُ الْمَأْكُولَاتِ الْعَسَلُ وَ هُوَ بَصُقٌ مِنْ ذُبَابَةٍ وَ أَحْلَى الْمَشْرُوبَاتِ الْمَاءُ وَ كَفَى بِإِبَاحَتِهِ وَ سِبَاحَتِهِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ وَ أَعْلَى الْمَلْبُوسَاتِ الدِّيَابِجُ وَ هُوَ مِنْ لُعَابِ دُودَةٍ وَ أَعْلَى الْمَنْكُوحَاتِ النِّسَاءُ وَ هُوَ مَبَالٌ فِي مَبَالٍ وَ مِثَالٌ لِمِثَالٍ وَإِنَّمَا يُرَادُ أَحْسَنُ مَا فِي الْمَرْأَةِ لِأَقْبَحِ مَا فِيهَا وَ أَعْلَى الْمَرْكُوبَاتِ الْخَيْلُ وَ هُوَ قَوَاتِلُ وَ أَجَلُ الْمَشْمُومَاتِ الْمِسْكُ وَ هُوَ دَمٌ مِنْ سُرَّةِ دَابَّةٍ وَ أَجَلُ الْمَسْمُوعَاتِ الْغِنَاءُ وَ التَّرْنَمُ وَ هُوَ إِثْمٌ فَمَا هَذِهِ صِفَتُهُ لَمْ يَنْفَسْ عَلَيْهِ عَاقِلٌ قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ فَوَ اللَّهُ مَا خَطَرَتِ الدُّنْيَا بَعْدَهَا عَلَى قَلْبِي؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١

﴿١٣٩٧﴾ الائمه عليهم السلام: إِنَّ لِلَّهِ خَوَاصًّا مِنْ خَلْقِهِ يُسْكِنُهُمُ الرَّفِيعَ الْأَعْلَى مِنَ الْجِنَانِ لِأَنَّهُمْ كَانُوا أَغْفَلَهُمْ فِي الدُّنْيَا قِيلَ وَ كَيْفَ كَانُوا قَالَ كَانَتْ هِمَّتُهُمْ الْمُسَارَعَةَ إِلَى رَبِّهِمْ فِيمَا يُرْضِيهِ فَهَانَتْ الدُّنْيَا عَلَيْهِمْ وَ لَمْ يَرْغَبُوا فِي فَضُولِهَا فَصَبَرُوا قَلِيلًا وَ اسْتَرَاخُوا طَوِيلًا؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢١٤

﴿١٣٩٨﴾ الصادق عليه السلام: ثَلَاثُ خِصَالٍ يَحْتَاجُ إِلَيْهَا صَاحِبُ الدُّنْيَا الدَّعَةُ مِنْ غَيْرِ تَوَانٍ وَ السَّعَةُ مَعَ قَنَاعَةٍ وَ الشَّجَاعَةُ مِنْ غَيْرِ كَسَلَانٍ ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءٌ لَا يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَنْسَاهُنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ فَنَاءُ الدُّنْيَا وَ تَصَرُّفُ الْأَحْوَالِ وَ الْآفَاتُ الَّتِي لَا أَمَانَ لَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٣٧

﴿١٣٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَوْ عَقَلَ أَهْلُ الدُّنْيَا لَخَرِبَتِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤٣

﴿١٤٠٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ إِلَّا فِي إِحْدَى مَنَزِلَتَيْنِ أَمَّا فِي الْغَايَةِ الْقُصْوَى مِنْ مَطَالِبِ الدُّنْيَا وَ أَمَّا فِي الْغَايَةِ الْقُصْوَى مِنَ التَّرَكِّ لَهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٠٤

﴿عوامل بی توجهی به دنیا / عقل و زیرکی﴾

﴿۱۳۹۴﴾ کسی که تقوای الهی را پیشه کند، عقل خود را از اهل دنیا برمی دارد. جسمش همراه اهل دنیا اما دل و عقلش نگران آخرت است. پس به وسیله‌ی نور دلش آنچه چشمانش از دوستی دنیا می بیند، خاموش می کند. حرام دنیا را ناپاک می داند و از شبهه ناک آن دوری می نماید.

﴿۱۳۹۵﴾ ترک دنیا کلید درهای سعادت اخروی است. هرکس طالب آخرت باشد و در آن را که ترک دنیا است، بیابد به زودی در آن سرا پادشاهی خواهد یافت و چگونه در این دنیا زهد نمی ورزی درحالی که حق تعالی عقلی این چنین به تو مرحمت فرموده است و تو می بینی که اهل دنیا آن را برای این اجساد فانی گرد می آورند.

﴿۱۳۹۶﴾ امام علی علیه السلام به جابر فرمود: «ای جابر، آنچه در دنیا موجب لذت می شود، هفت نوع است: خوردنی ها، آشامیدنی ها، پوشیدنی ها، همبستری، وسایل سواری، بوییدنی ها و شنیدنی ها؛ بهترین خوردنی ها عسل است که بزاق حشره ای است؛ بهترین نوشیدنی ها آب است که روی زمین جاری است؛ بهترین پوشیدنی ها حریر است که لعاب دهان کرمی است، بهترین همبستری با زن است که تداخل دو مسیر ادرار است، و آدمی بهترین خواسته اش از زن را از زشت ترین راه ارضا می کند؛ بهترین وسیله ی سواری اسب است که قاتل سوارکار است؛ بهترین شنیدنی ها غنا و موسیقی است که آن هم گناه است. پس عاقل برای چیزی که دارای چنین مشخصاتی باشد، نباید آه بکشد!» جابر گفت: «به خدا قسم! بعد از آن دیگر دنیا برایم ارزشی نداشت».

﴿۱۳۹۷﴾ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند بندگان خاصی دارد که آن ها را در منازل ارجمند در بهشت اسکان می دهد، چون داناترین اهل جهان هستند». عرض شد: «چطور داناترین اهل جهان هستند؟» فرمود: «زیرا همتشان، شتاب به سوی خداشان بود، تا خدا را [با اعمال خود] راضی کنند، پس دنیا در نظرشان سبک است و به زیادت آن راغب نیستند، و مدت کوتاهی صبر می کنند، و در پی آن به راحتی طولانی می رسند».

﴿۱۳۹۸﴾ دنیادار نیازمند سه خصلت است: رفاه و آسایش بدون خستگی، و فراوانی همراه با قناعت، و شجاعت عاری از سستی و تنبلی؛ فراموش کردن سه چیز در هیچ حالی شایسته ی فرد عاقل نیست: فنا و ناپایداری دنیا، تغییر حالات و آسیب های بی امان.

﴿۱۳۹۹﴾ اگر اهل دنیا عقلشان را به کار می انداختند [دیگر مشغول آخرت شده و دنیا را آباد نمی کردند و] دنیا خراب می شد.

﴿۱۴۰۰﴾ عاقل فقط دریکی از این دو حالت است: یا در نهایت طلب دنیا است [چون آخرت را که از دست داده حداقل از دنیا هرچه بخواهد، داشته باشد] و یا در نهایت ترک دنیا است [تا آخرت را کسب کند].

﴿عَوَامِلُ عَدَمِ الْإِهْتِمَامِ بِالدُّنْيَا / الْإِيمَانُ وَالْيَقِينُ﴾

- ﴿١٤٠١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ثَمَرَةُ الْعَقْلِ مَقْتُ الدُّنْيَا وَقَمْعُ الْهَوَى؛ غررالحكم، ص ٥٣
- ﴿١٤٠٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: رَدْعُ النَّفْسِ عَنْ زَخَارِفِ الدُّنْيَا ثَمَرَةُ الْعَقْلِ؛ غررالحكم، ص ٢٤١
- ﴿١٤٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْعَاقِلُ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ وَلَمْ يَبِعْ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ؛ غررالحكم،

ص ٥٤

- ﴿١٤٠٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْعَاقِلُ مَنْ زَهَدَ فِي دُنْيَا فَانِيَةٍ دَنِيَّةٍ [دَنِيَّةٍ فَانِيَةٍ] وَرَغِبَ فِي جَنَّةٍ سَنِيَّةٍ خَالِدَةٍ عَالِيَةٍ [عَالِيَةٍ]؛ غررالحكم، ص ٥٤
- ﴿١٤٠٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْعَاقِلُ مَنْ هَجَرَ شَهْوَتَهُ وَبَاعَ دُنْيَاهُ بِآخِرَتِهِ؛ غررالحكم، ص ٥٣
- ٢-٤-٢- الكياسة

- ﴿١٤٠٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَكْبَسُ الْأَكْيَاسِ مَنْ مَقَتَ دُنْيَاهُ وَقَطَعَ مِنْهَا أَمَلَهُ وَمَنَاهُ وَصَرَفَ عَنْهَا طَمَعَهُ وَرَجَاهُ؛ غررالحكم، ص ٣٢٢

- ﴿١٤٠٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَكْبَسُ النَّاسِ مَنْ رَفَضَ دُنْيَاهُ؛ غررالحكم، ص ٣٢٢
- ﴿١٤٠٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الْأَكْيَاسَ هُمُ الَّذِينَ لِلدُّنْيَا مَقْتًا وَأَغْنَيْنَهُمْ عَنْ [فِي] زَهْرَتِهَا أَغْمَضُوا وَقُلُوبُهُمْ عَنْهَا صَرَفُوا وَبِالدَّارِ الْبَاقِيَةِ تَوَلَّوْهُا؛ غررالحكم، ص ٣٢٢
- ﴿١٤٠٩﴾ العسكري عليه السلام: وَيَزِينُ لَهُ الْإِشْتِغَالُ بغيرِهِ مِنْ مَلَاهِي الدُّنْيَا فَإِنْ أَتْبَعَهُ الْإِنْسَانُ مِنْ هَذَا الْوَجْهِ فَهُوَ ظَفَرُهُ... وَأَمَّا أَكْبَسُهُمْ فَمَنْ أَخَذَ لِآخِرَتِهِ أَهْبَتَهَا وَأَحْمَقُهُمْ مَنْ كَانَتِ الدُّنْيَا هَمَّهُ؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤١٩

- ﴿١٤١٠﴾ إِنَّ الْأَكْيَاسَ اسْتَقْصَرُوا عُمُرَ الدُّنْيَا فَرَفَضُوهَا وَاسْتَبْطَنُوا مُدَّةَ الْآخِرَةِ فَسَعَوْا لَهَا؛

بلاغات النساء، ص ٥٥

٤-٥- الإِيمَانُ وَالْيَقِينُ

٤-٥-١- الإِيمَانُ

- ﴿١٤١١﴾ الباقر عليه السلام: يَا جَابِرُ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَطْمَئِنُوا إِلَى الدُّنْيَا بِبَقَائِهِمْ فِيهَا وَلَمْ يَأْمَنُوا قُدُومَهُمْ الْآخِرَةَ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٢

- ﴿١٤١٢﴾ الباقر عليه السلام: يَا جَابِرُ مَنْ دَخَلَ قَلْبُهُ خَالِصُ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ شُغِلَ عَمَّا فِي الدُّنْيَا مِنْ زِينَتِهَا إِنَّ زِينَةَ الدُّنْيَا إِنَّمَا هُوَ لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ١٦٥

«عوامل بی‌توجهی به دنیا / ایمان و یقین»

- ﴿۱۴۰۱﴾ ثمره‌ی عقل و خرد دشمنی دنیا، و کوبیدن و از بین بردن خواهش‌های نفس است.
- ﴿۱۴۰۲﴾ بازداشتن نفس از زیورهای دنیا ثمره‌ی عقل است.
- ﴿۱۴۰۳﴾ عاقل کسی است که بر هوای نفسش غلبه کند و آخرتش را به دنیایش نفروشد.
- ﴿۱۴۰۴﴾ عاقل کسی است که از دنیای پست و زودگذر بگذرد و به بهشت برین و ماندگار و جایگاه بلند، میل و رغبت نشان دهد.
- ﴿۱۴۰۵﴾ عاقل کسی است که شهوتش را ترک کند و دنیایش را به آخرتش بفروشد.

۲-۴-۴- زیرکی

- ﴿۱۴۰۶﴾ زیرک‌ترین فرد کسی است که دنیایش را دشمن خود بداند و به آن دل نبندد و آرزویی در آن نداشته باشد و امید و چشم طمعش را از آن ببرد.
- ﴿۱۴۰۷﴾ زیرک‌ترین مردم کسی است که دنیا را ترک کند.
- ﴿۱۴۰۸﴾ زیرکان کسانی هستند که بر دنیا خشم گرفته و چشمانشان را بر زیبایی‌های آن بسته‌اند و دلشان را از آن منصرف کرده و سرگشته‌ی آخرت شده‌اند.
- ﴿۱۴۰۹﴾ [شیطان] مشغول شدن به غیر علم را همچون ملامتی دنیایی در نظر او می‌آراید. و اگر آدمی از این راه فریب شیطان را بخورد و از او پیروی نماید، مغلوب می‌شود... زیرک‌ترین مردم کسی است که آمادگی لازم را برای آخرت خود فراهم کند. و احمق‌ترین مردم کسی است که همت خود را صرف دنیا کند.
- ﴿۱۴۱۰﴾ زیرکان عمر دنیا را کوتاه می‌دانند لذا آن را رها کرده و مدت زمان آخرت را طولانی دانسته‌اند، لذا برای آن تلاش می‌کنند.

۵-۴- ایمان و یقین

۱-۴-۵- ایمان

- ﴿۱۴۱۱﴾ ای جابر، مؤمنین به ماندن در دنیا اطمینان نکردند و از ورود به آخرت ایمن نشدند.
- ﴿۱۴۱۲﴾ ای جابر! هرکس پاکی حقیقت ایمان بر دلش وارد شود، دیگر کمتر توجهی به هیچ زیور دنیایی نخواهد کرد. به‌راستی خوشی به زیور دنیا فقط و فقط بازی و سرگرمی است، و بی‌شک سرای آخرت، زندگانی [راستین] است.

﴿عَوَامِلُ عَدَمِ الْإِهْتِمَامِ بِالدُّنْيَا / الْإِيْمَانُ وَ الْيَقِيْنُ﴾

﴿١٤١٣﴾ لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ قَدْ هَلَكَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ فَاجْعَلْ سَفِيْنَتَكَ

فِيهَا الْإِيْمَانُ؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٤١١

﴿١٤١٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْمُؤْمِنُ يَكُونُ صَادِقًا فِي الدُّنْيَا... قَاتِلَ الْهَوَى زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا رَاغِبًا

فِي الْآخِرَةِ... وَلَا يَفْتَحِرُ بِمَالِ الدُّنْيَا مَشْغُولٌ بِعُيُوبِ نَفْسِهِ... التَّقْوَى زَادُهُ وَ الدُّنْيَا حَانُوْتُهُ؛

مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٧٤

﴿١٤١٥﴾ الصادق عليه السلام: وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ فِي الْأَرْضِ فِي أَطْرَافِهَا مُؤْمِنِينَ مَا قَدَرُوا الدُّنْيَا

كُلَّهَا عِنْدَهُمْ تَعْدِلُ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ وَ لَوْ أَنَّ الدُّنْيَا بِجَمِيعِ مَا فِيهَا وَ عَلَيْهَا ذَهَبَةٌ حُمْرَاءُ عَلَى عُنُقِ أَحَدِهِمْ ثُمَّ سَقَطَ عَنْ عُنُقِهِ مَا شَعَرَ بِهَا أَى شَيْءٍ كَانَ عَلَى عُنُقِهِ وَ لَا أَى شَيْءٍ سَقَطَ مِنْهَا؛

بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ٣٥٠

﴿١٤١٦﴾ الصادق عليه السلام: لَا يَجْمَعُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمُؤْمِنٍ الْوَرَعَ وَ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا رَجَوْتُ لَهُ

الْجَنَّةَ قَالَ ثُمَّ قَالَ وَ إِنِّي لَأَحِبُّ لِلرَّجُلِ مِنْكُمْ الْمُؤْمِنَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ أَنْ يَقْبَلَ بِقَلْبِهِ إِلَى

اللَّهِ وَ لَا يَشْغَلَ قَلْبُهُ بِأَمْرِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٤٠

﴿١٤١٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْمُؤْمِنُونَ... رَفَضُوا الدُّنْيَا رَفْضًا وَ صَبَرُوا أَيَّامًا قَلِيلَةً فَصَارَتْ

عَاقِبَتُهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً تِجَارَتُهُمْ مُرَبِّحَةٌ يُبَشِّرُهُمْ بِهَا رَبُّ كَرِيمٌ أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُوَهَا؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٣

﴿١٤١٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَتَاعُ الدُّنْيَا حُطَامٌ وَ تَرَاتُهَا كُتَابٌ بُلْغَتُهَا أَفْضَلُ مِنْ أَثَرِهَا وَ قُلْعَتُهَا

أَرْكَنٌ مِنْ طُمَأْنِينَتِهَا... وَ إِنَّمَا يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الدُّنْيَا بَعَيْنِ الْإِعْتِبَارِ وَ يَفْتَتِحُ مِنْهَا بَبْطِنِ الْإِضْطِرَارِ وَ

يَسْمَعُ فِيهَا بِأُذُنِ النَّفْثِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦٠

﴿١٤١٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْمُؤْمِنُ الْمُصِيبُ مَنْ يَفْعَلُ ثَلَاثًا مَنْ يَتْرُكُ الدُّنْيَا قَبْلَ أَنْ تَتْرُكَهُ وَ

يَبْنِي قَبْرَهُ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَهُ وَ يُرْضِيَ رَبَّهُ قَبْلَ أَنْ يُلْقَاهُ؛ معدن الجواهر، ص ٣٣

﴿١٤٢٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْمُؤْمِنُ مَنْ وَقَى دِيْنَهُ بِدُنْيَاةٍ وَ الْفَاجِرُ مَنْ وَقَى دُنْيَاةً بِدِيْنِهِ؛

غرر الحكم، ص ٩٠

﴿١٤٢١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِقْنَعُوا بِالْقَلِيلِ مِنْ دُنْيَاكُمْ لِسَلَامَةِ دِيْنِكُمْ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ الْبُلْغَةَ

الْيَسِيرَةَ مِنَ الدُّنْيَا تُقْنِعُهُ؛ غرر الحكم، ص ٣٩٣

«عوامل بی توجهی به دنیا / ایمان و یقین»

﴿۱۴۱۳﴾ ای پسر، دنیا دریای عمیقی است، عالمان زیادی در آن هلاک شده‌اند. کشتی نجات خود را ایمان به خدا قرار بده.

﴿۱۴۱۴﴾ مؤمن در دنیا راستگوست... هوای نفسش را می‌کشد، به دنیا بی‌رغبت و به آخرت میل دارد... به دارایی‌های دنیایش تفاخر نمی‌کند، [به‌جای رسیدگی به دنیا و عیوب دیگران] مشغول به عیب‌های خویش است... توشه‌اش تقوا و دنیا دکان خرید و فروش اوست.

﴿۱۴۱۵﴾ سوگند به آنکه جانم به دست اوست، در اطراف زمین مؤمنانی وجود دارند که با وجود آن‌ها همه‌ی دنیا ارزش بال‌پشه‌ای را ندارد؛ و اگر دنیا با همه‌ی آنچه در آن است و بر آن است، طلای سرخ باشد و گردن‌بند یکی از آن‌ها باشد و از گردنش بیفتد، او توجه نمی‌کند که چه بر گردن داشته و چه چیزی از گردنش افتاده، از بس که [دنیا و ارزش‌های آن] نزد او خوار است.

﴿۱۴۱۶﴾ خداوند عزّ و جل برای مؤمن در دنیا پرهیزکاری و زهد را جمع نمی‌کند، مگر اینکه بهشت، او را آرزو کند، و من برای بنده‌ی مؤمن از میان شما دوست دارم که وقتی در نماز فریضه می‌ایستد، با قلبش به خدا رو کند و قلبش را به امور دنیا مشغول نسازد.

﴿۱۴۱۷﴾ مؤمنان... دنیا را رها کرده‌اند. چند روزی شکیبایی می‌کنند و سپس به‌سوی یک آسایش مداوم می‌روند. تجارتی سودمند دارند که خداوند کریم بشارت آن را داده است. دنیا در پی آن‌هاست ولی آن‌ها دنیا را نمی‌خواهند.

﴿۱۴۱۸﴾ کالای دنیا همچون نشخوار و گیاهان خشکیده است. و میراث آن چون مشتی گوسفند و شتر! قناعت در حدّ کفافش برتر از انباشتن و ذخیره‌ی آن و دل‌کندن از آن مطمئن‌تر از اعتماد بر آن است... قطعاً فرد مؤمن دنیا را به دیده‌ی عبرت می‌نگرد و از آن در حدّ ضرورت بهره می‌گیرد و دشمنی و بغض [دنیا را] با گوشش می‌شنود.

﴿۱۴۱۹﴾ مؤمن رستگار آن کسی است که سه کار را به جا آورده باشد؛ دنیا را پیش از آنکه دنیا او را ترک کند و بر او پشت نماید، ترک کند و قبر خود را پیش از آنکه داخل آن شود، بنا کند و پروردگار خود را پیش از آنکه او را ملاقات نماید، خشنود کند.

﴿۱۴۲۰﴾ مؤمن کسی است که دینش را با دنیایش حفظ کند و گناهکار کسی است که دنیایش را با دینش حفظ کند.

﴿۱۴۲۱﴾ به اندک بهره‌ای که از دنیا به‌دست می‌آورید، قانع باشید تا دیتتان سالم بماند. زیرا مؤمن اندک بهره‌ای که از دنیا به او می‌رسد، او را قانع می‌کند.

﴿عَوَامِلُ عَدَمِ الْإِهْتِمَامِ بِالدُّنْيَا / الدِّينِ﴾

﴿١٤٢٢﴾ الصادق عليه السلام: الْمُؤْمِنُونَ لَا تُفْسِدُهُمْ مُتَّبِعُونَ وَمِنْ فَارِطٍ زَلِيلِهِمْ وَجَلُونَ وَلِلدُّنْيَا عَائِفُونَ [عَاقُونَ] وَإِلَى الْآخِرَةِ مُشْتَاقُونَ وَإِلَى الطَّاعَاتِ مُسَارِعُونَ؛ غررالحكم، ص ٩٠

﴿١٤٢٣﴾ الباقر عليه السلام: مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا أَوْ قَالَ مَا أَجْمَلَ عَبْدٌ ذِكْرَ اللَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا إِلَّا زَهَّدَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَبَصَّرَهُ دَاءَهَا وَدَوَاءَهَا وَآتَبَتْ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَانْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٥، ص ٢٩٥

٢-٥-٤- اليقين

﴿١٤٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَلَا نُورَ كُنُورِ الْيَقِينِ وَلَا يَقِينَ كَاسْتِصْعَارِكَ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٥

﴿١٤٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: آيُنَ الْمُؤَقِنُونَ الَّذِينَ خَلَعُوا سَرَابِيلَ الْهَوَى وَقَطَعُوا عَنْهُمْ عَلَائِقَ الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ٦٢

١-٢-٥-٤- اليقين بِالْآخِرَةِ

﴿١٤٢٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ آيَقَنَ بِالْآخِرَةِ لَمْ يَخْرِصْ عَلَى الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٠٠

٦-٤- الدين

﴿١٤٢٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ كَرُمَ دِينُهُ عِنْدَهُ هَانَتْ الدُّنْيَا عَلَيْهِ؛ غررالحكم، ص ١٣٠

١-٦-٤- كَرَامَةُ الدِّينِ

﴿١٤٢٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ كَرُمَ دِينُهُ عِنْدَهُ هَانَتْ الدُّنْيَا عَلَيْهِ؛ غررالحكم، ص ١٣٠

٧-٤- تَفْوِيضُ التَّدْبِيرِ عَلَى اللَّهِ

﴿١٤٢٩﴾ الصادق عليه السلام: وَإِذَا فَوَّضَ الْعَبْدُ تَدْبِيرَ نَفْسِهِ عَلَى مُدَبِّرِهِ هَانَ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦

٨-٤- الدُّعَاءُ، الْإِسْتِعَاذَةُ، الْإِسْتِغَاثَةُ

١-٨-٤- الدُّعَاءُ وَ الْمَسْأَلَةُ

﴿١٤٣٠﴾ الباقر عليه السلام: وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّكَ... حَتَّى أَكُونَ غَدَاً فِي الْقِيَامَةِ عَتِيقَ كَرَمِكَ كَمَا كُنْتُ فِي الدُّنْيَا رَيْبَ نَعْمِكَ؛ تهذيب الأحكام، ج ٣، ص ٩٢

﴿٤٥٦﴾

﴿عوامل بی توجّهی به دنیا / دین﴾

﴿۱۴۲۲﴾ مؤمنان نفس‌های خویش را متّهم می‌سازند و از گذشته‌ی لغزش‌های خود ترسان هستند و از دنیا کراهت دارند و به آخرت مشتاق و به‌سوی فرمان‌برداری پروردگار شتابان هستند.

﴿۱۴۲۳﴾ اگر بنده‌ای تا چهل روز ایمان خود را خالص و پاک کند، خداوند به پاداش این تمرین و مراقبت کامل، حالت زهد در دنیا و شناخت کامل دنیا را به او عنایت می‌کند؛ تمام دردها و درمان‌های دنیا را با بصیرت کامل به او نشان می‌دهد، دلش را منبع و سرچشمه‌ی حکمت و دانش می‌سازد و زبانش را به حقایق و بیان مطالب حکمت‌آمیز روان و گویا می‌فرماید.

۲-۴-۵- یقین

﴿۱۴۲۴﴾ هیچ نوری چون نور یقین [نیست] و هیچ یقینی به پای بی‌اعتنایی تو به دنیا نمی‌رسد.

﴿۱۴۲۵﴾ کجا هستند اهل یقین که لباس هوی و هوس را از تن جدا کردند و از علایق دنیوی خود بریدند!؟

۱-۲-۴-۵- یقین به آخرت

﴿۱۴۲۶﴾ کسی که به آخرت یقین دارد، بر دنیا حریص نیست.

۶-۴- دین

﴿۱۴۲۷﴾ کسی که دینش را گرامی شمارد، دنیا در نزد او خوار می‌شود.

۱-۴-۶- کرامت دین

﴿۱۴۲۸﴾ کسی که دینش را گرامی شمارد، دنیا در نزد او خوار می‌شود.

۷-۴- سپردن تدبیر به خداوند

﴿۱۴۲۹﴾ زمانی که بنده تدبیر امور دنیا را به دست خداوند بداند، مصیبت‌های دنیا بر او آسان می‌شود.

۸-۴- دعا، پناه‌بردن، فریادرس طلبیدن

۱-۸-۴- دعا و درخواست از خداوند

﴿۱۴۳۰﴾ دنیا را بزرگ‌ترین هدف و تلاش ما، قرار نده... تا فردای قیامت از آزادشدگان لطف و کرم تو گردم؛ همان‌طور که در دنیا با نعمت‌های تو رشد و پرورش یافتم.

﴿عَوَامِلُ عَدَمِ الْإِهْتِمَامِ بِالدُّنْيَا / الْإِسْتِعَاذَةُ﴾

﴿١٤٣١﴾ الرسول ﷺ: إِمْلَأْ قُلُوبَهُمْ حَيَاءً مِنْكَ حَتَّى يَسْتَحْيُوا مِنْكَ كُلَّ وَقْتٍ وَتُبْصِرُهُمْ بِآفَاتِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٦

﴿١٤٣٢﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي... أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْمُعَافَاةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ عَافِيَةَ الدُّنْيَا مِنَ الْبَلَاءِ وَ عَافِيَةَ الْآخِرَةِ مِنَ الشَّقَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٨٣، ص ٧٠

﴿١٤٣٣﴾ الباقر عليه السلام: وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَى سِجْنًا وَلَا تَجْعَلْ فِرَاقَهَا عَلَى حُزْنًا أَجْرُنِي مِنْ فِتْنَتِهَا وَاجْعَلْ عَمَلِي فِيهَا مَقْبُولًا وَ سَعْيِي فِيهَا مَشْكُورًا؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٨٧

﴿١٤٣٤﴾ السجاد عليه السلام: وَ أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا كَمَا فَعَلْتَ بِالصَّالِحِينَ مِنْ صَفْوَتِكَ وَ الْأَبْرَارِ مِنْ خَاصَّتِكَ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٥٢

﴿١٤٣٥﴾ الرضا عليه السلام: اللَّهُمَّ... وَ صَغِّرِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِي؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ١٤

﴿١٤٣٦﴾ الجواد عليه السلام: اللَّهُمَّ أَنْهَجْ إِلَيَّ أَسْبَابَ مَعْرِفَتِهِ وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَهُ وَ غَشِّنِي بِبَرَكَاتِ رَحْمَتِكَ وَ مَنْ عَلَى بَعْضِمَاةٍ عَنِ الْإِزَالَةِ عَنْ دِينِكَ وَ طَهَّرْ قَلْبِي مِنَ الشَّكِّ وَ لَا تَشْغَلْ قَلْبِي بِدُنْيَايَ وَ عَاجِلِ مَعَاشِي عَنْ أَجَلِ ثَوَابِ آخِرَتِي وَ اشْغَلْ قَلْبِي بِحِفْظِ مَا لَا تَقْبَلُ مِنْي جَهْلُهُ وَ ذَلِّ لِكُلِّ خَيْرٍ لِسَانِي وَ طَهَّرْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَ لَا تُجْرِهِ فِي مَقَاصِلِي وَ اجْعَلْ عَمَلِي خَالِصًا؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٨٧

﴿١٤٣٧﴾ السجاد عليه السلام: وَ أَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دَنِيَّةٍ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَ تَصُدُّ عَنِ اتِّغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَ تَذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، ص ٢٢٤

﴿١٤٣٨﴾ دعاء ليوم الأحد: وَ أَسْأَلُكَ... أَنْ تُتِمَّ لِي مَا قَصُرْتُ عَنْهُ رَغْبَتِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ١٦١

﴿١٤٣٩﴾ الصادق عليه السلام: كَمْ مِنْ طَالِبٍ لِلدُّنْيَا لَمْ يُدْرِكْهَا وَ مُدْرِكٍ لَهَا قَدْ فَارَقَهَا فَلَا يَشْغَلَنَّكَ طَلِبُهَا عَنْ عَمَلِكَ وَ اتِّمَسُّهَا مِنْ مُعْطِيهَا وَ مَالِكِهَا؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٥٥

٢-٨-٤- الْإِسْتِعَاذَةُ

﴿١٤٤٠﴾ السجاد عليه السلام: وَ أَعُوذُ بِكَ يَا إِلَهِي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ شَرِّ أَهْلِهَا وَ شَرِّ مَا فِيهَا؛ جمال الأسبوع، ص ٣٧٥

﴿١٤٤١﴾ زيارة بالنبيابة: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ نَبِيعَ الدِّينَ بِالدُّنْيَا أَوْ نَسْتَبْدِلَ الظُّلْمَةَ بِالضُّيَاءِ أَوْ نَخْتَارَ الْأَعْدَاءَ عَلَى الْأَوْلِيَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٩، ص ٢٥٩

﴿عوامل بی‌توجهی به دنیا / پناه‌بردن﴾

﴿۱۴۳۱﴾ خداوندا! ... دل‌های [پارسایان] را از حیایت پر کن تا هر زمانی از تو حیا کنند [و دنبال گناه نروند] و آن‌ها را به آفات دنیا بینا گردان.

﴿۱۴۳۲﴾ خداوندا! ... از تو گذشت و سلامتی و بخشش همدیگر در دنیا و آخرت و ایمنی از بلا در دنیا و ایمنی از بدبختی در آخرت را خواستارم.

﴿۱۴۳۳﴾ دنیا را زندان من و دوری از آن را مایه‌ی اندوهم قرار نده؛ و مرا از فتنه‌های آن پناه ده و اعمالم را در دنیا مقبول کن و تلاشم را قابل تقدیر کن.

﴿۱۴۳۴﴾ و محبت دنیا را از دل ما بیرون کن، آن‌گونه که درباره‌ی نیکوکاران برگزیده‌ات و خاصان نیکوکردارت انجام دادی، به حق مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان و ای گرمی‌ترین گرامیان!

﴿۱۴۳۵﴾ بار خدایا... دنیا را در چشم من کوچک کن.

﴿۱۴۳۶﴾ خدایا! اسباب شناخت خیر را به من بنمایان و درهای آن را برایم بگشا و برکات رحمت را بر من بپوشان. بر من منت گذار و مرا از بی‌دینی نگاه دار. و قلبم را از شک پاک گردان و به دنیا مشغول نساز. و با زندگی در دنیا از پاداش آخرت محروم نکن. و قلبم را به حفظ آنچه نادانی آن را از من نمی‌پذیری، مشغول کن. زبانم را برای هر خوبی رام کن و قلبم را از ریا پاک گردان و آن را در بندهایم جاری نساز و عملم را برای خودت خالص گردان.

﴿۱۴۳۷﴾ خدایا! حب دنیا را از قلب من خارج کن؛ همان‌حبی که مرا از رسیدن به آنچه نزد توست، نهی می‌کند و از دسترسی به وسیله‌ها و واسطه‌های تو منع می‌کنند و مرا از نزدیکی به تو پایین می‌اندازد.

﴿۱۴۳۸﴾ از تو می‌خواهم... هر آنچه که در خصوص امور دنیوی و اخروی‌ام، رغبتم از آن عاجز ماند را با رحمت و رضوانت بر من کامل کنی.

﴿۱۴۳۹﴾ چه بسیارند افرادی که در طلب دنیا هستند و آن را به دست نمی‌آورند. و چه بسیارند آن‌ها که دنیا را به دست می‌آورند اما دنیا آن‌ها را ترک می‌کند؛ طلب دنیا و التماس کسب و تملک آن، تو را از انجام اعمال باز ندارد؛ دنیا را از عطاکننده و مالک آن بخواه.

۲-۴-۸- پناه‌بردن

﴿۱۴۴۰﴾ خداوندا! از شر دنیا و شر اهل آن و شر هرچه در آن است به تو پناه می‌برم.

﴿۱۴۴۱﴾ خدایا، از اینکه دین را در برابر دنیا بفروشیم، یا روشنی را با تاریکی جایگزین نمایم، یا دشمنان را به جای دوستان برگزینیم، به تو پناه می‌آورم.

﴿عَوَامِلُ عَدَمِ الْإِهْتِمَامِ بِالدُّنْيَا / الذِّكْرُ﴾

﴿١٤٤٢﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ وَعَاجِلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ
الْآجِلِ وَحَيَاةٍ تَمْنَعُ خَيْرَ الْمَمَاتِ وَأَمَلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْعَمَلِ؛ بحار الأنوار، ج ٨٣، ص ٧٠

﴿١٤٤٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَحْرِمُنِي الْآخِرَةَ وَمِنْ أَمَلٍ يَحْرِمُنِي الْعَمَلَ وَ
مِنْ حَيَاةٍ تَحْرِمُنِي خَيْرَ الْمَمَاتِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٨١

﴿١٤٤٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ الدُّنْيَا فَإِنَّ الدُّنْيَا تَمْنَعُ الْآخِرَةَ؛ بحار الأنوار،

ج ٩٢، ص ٢٩٢

٣-٨-٤- الإِسْتِغَاثَةُ

﴿١٤٤٥﴾ الباقر عليه السلام: يَا غَوْنَاهُ ثُمَّ يَا غَوْنَاهُ يَا اللَّهُ مِنْ هَوَى قَدْ غَلَبَنِي وَمِنْ عَدُوٍّ قَدْ
اسْتَكَلَبَ عَلَيَّ وَمِنْ دُنْيَا قَدْ تَزَيَّنَتْ لِي وَمِنْ نَفْسٍ أَمَّارَةٍ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي؛ بحار الأنوار،

ج ٨٤، ص ٢٨٨

٩-٤- الذِّكْرُ

١-٩-٤- ذِكْرُ اللَّهِ

﴿١٤٤٦﴾ الباقر عليه السلام: قَالَ: مَا أَجْمَلَ عَبْدٌ ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا إِلَّا زَهَّدَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ
جَلَّ فِي الدُّنْيَا وَبَصَّرَهُ دَاءَهَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٦

﴿١٤٤٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: إِذَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ تَعَالَى اعْتَزَلَ الشَّيْطَانُ وَالدُّنْيَا عَنْهُمْ فَيَقُولُ
الشَّيْطَانُ لِلدُّنْيَا لَا تَرَيْنَ مَا يَصْنَعُونَ فَتَقُولُ الدُّنْيَا دَعَهُمْ فَلَوْ قَدْ تَفَرَّقُوا أَخَذْتُ بِأَعْنَاقِهِمْ؛

بحار الأنوار، ج ٧١، ص ١٨٩

٢-٩-٤- ذِكْرُ الْآخِرَةِ

﴿١٤٤٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَأَكْثَرُ ذِكْرِ الْآخِرَةِ وَمَا فِيهَا مِنَ النِّعَمِ وَالْعَذَابِ الْإِلِيمِ فَإِنَّ
ذَلِكَ يُزَهِّدُكَ فِي الدُّنْيَا وَيُصَغِّرُهَا عِنْدَكَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٢٤

٣-٩-٤- ذِكْرُ الْمَوْتِ

﴿١٤٤٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: ابْنُ آدَمَ جَعَلْتُ لَكُمْ الدُّنْيَا دَلَائِلَ عَلَى الْآخِرَةِ... أَحْسِبْتُمْ أَنِّي خَلَقْتُكُمْ
عَبَثًا إِنِّي إِنَّمَا جَعَلْتُ الدُّنْيَا رَدِيفَ الْآخِرَةِ فَسَدِّدُوا وَقَارِبُوا وَادْكُرُوا رَحْلَةَ الدُّنْيَا... مَنْ فَرَعَ نَفْسَهُ

بِالْمَوْتِ هَانَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٩

﴿٤٦٠﴾

﴿عوامل بی توجّهی به دنیا یاد﴾

﴿۱۴۴۲﴾ خدایا، از دنیایی که خوبی آخرت را و از نعمت فوری که خوبی آینده را و از زندگی‌ای که خوبی مرگ را و از آرزویی که خوبی عمل را از من بازدارد، به تو پناه می‌آورم.

﴿۱۴۴۳﴾ خدایا! از دنیایی که مرا از آخرت محروم می‌کند، به تو پناه می‌برم. از آرزویی که از عمل محروم کند، به تو پناه می‌برم. از زندگی‌ای که از بهترین مرگ (شهادت) محروم کند، به تو پناه می‌برم.

﴿۱۴۴۴﴾ خداوند! من از دنیا به تو پناه می‌برم؛ چرا که دنیا جلوی آخرت را می‌گیرد.

۳-۸-۴- فریادرسی

﴿۱۴۴۵﴾ ای فریاد و ای فریاد به درگاه تو خدایا! از هوای نفسی که بر من چیره گشته و از دشمنی که بر من حمله‌ور شده و از دنیایی که خود را برایم آراسته و از نفسی که به بدی فرمان می‌دهد، مگر اینکه پروردگارم رحم نماید.

۹-۴- یاد

۱-۹-۴- یاد الهی

﴿۱۴۴۶﴾ اگر بنده‌ای تا چهل روز به طور نیکو و صحیح به یاد خداوند عزّ و جل باشد، خداوند به پاداش این تمرین و مراقبت کامل، حالت زهد در دنیا و شناخت کامل دنیا را به او عنایت می‌فرماید؛ تمام دردها و درمان‌های دنیا را با بصیرت کامل به او نشان می‌دهد.

﴿۱۴۴۷﴾ هنگامی که مردم گرد هم می‌آیند و ذکر خدای متعال را می‌گویند، شیطان و دنیا از آن‌ها کناره می‌گیرند، و شیطان به دنیا می‌گوید: «نمی‌بینی چه کار می‌کنند؟! دنیا می‌گوید: «آن‌ها را رها کن، زمانی که از هم جدا شدند، گردنشان را می‌گیرم».

۲-۹-۴- یاد آخرت

﴿۱۴۴۸﴾ بسیار یاد آخرت باش، و نیز نعمت‌ها و عذاب‌های دردناکش را در نظر بیاور، چرا که این کار، دلت را از دنیا می‌کند و آن را در نظرت بی‌مقدار می‌سازد.

۳-۹-۴- یاد مرگ

﴿۱۴۴۹﴾ ای پسر آدم! دنیا را برای شما، راهنمایی بر آخرت قرار دادم... گمان می‌کنید شما را عبث آفریدم؟ من همانا دنیا را در ردیف آخرت قرار دادم. پس صبر کنید و به من نزدیک شوید و زمان کوچ از دنیا را به یاد آورید... پس هرکس نفسش را از مرگ بترساند، دنیا بر او آسان می‌شود.

﴿عَوَامِلُ عَدَمِ الْإِهْتِمَامِ بِالدُّنْيَا / حُبِّ اللَّهِ﴾

﴿١٤٥٠﴾ الصادق عليه السلام: ذِكْرُ الْمَوْتِ... وَيُطْفِئُ نَارَ الْحِرْصِ وَيَحَقِّرُ الدُّنْيَا وَهُوَ مَعْنَى مَا قَالَ النَّبِيُّ ﷺ فَكِرُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ وَذَلِكَ عِنْدَ مَا يَحُلُّ أَطْنَابَ الدُّنْيَا وَيَشْدُهَا فِي الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٦، ص ١٣٣

﴿١٤٥١﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّهُ لَمْ يُكْثِرْ عَبْدٌ ذِكْرَ الْمَوْتِ إِلَّا زَهَدَ فِي الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٩، ص ١٧٢

﴿١٤٥٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالْيُسِيرِ؛ مستدرک الوسائل،

ج ٢، ص ١٠٣

﴿١٤٥٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ قَلَّتْ فِي الدُّنْيَا رَغْبَتُهُ؛ غرر الحكم، ص ١٤٦

﴿١٤٥٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: ذِكْرُ الْمَوْتِ يَهْوُنُ أَسْبَابَ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٦٢

﴿١٤٥٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ نَجَا مِنْ خِدَاعِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٦٢

٩-٤- ذِكْرُ فِرَاقِ الدُّنْيَا

﴿١٤٥٦﴾ المجتبی عليه السلام: فَدَعْ عَنْكَ ذِكْرَ الدُّنْيَا بِذِكْرِ فِرَاقِهَا وَشِدَّةِ مَا يَرِدُ عَلَيْكَ لِرَخَاءِ مَا

بَعْدَهَا؛ الكافي، ج ٨، ص ٢٠٦

﴿١٤٥٧﴾ المجتبی عليه السلام: فَضَعْ عَنْكَ الدُّنْيَا بِتَذَكُّرِ فِرَاقِهَا وَشِدَّةِ مَا اشْتَدَّ مِنْهَا بِرَجَاءِ مَا بَعْدَهَا

وَاصْبِرْ حَتَّى تَلْقَى نَبِيَّكَ ﷺ وَهُوَ عَنْكَ رَاضٍ؛ بحار الأنوار، ج ٢٢، ص ٤١٢

٩-٤- ذِكْرُ مِنَ الدِّينِ

﴿١٤٥٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِذَا طَلَبْتَ شَيْئًا مِنَ الدُّنْيَا فَزَوِّ عَنْكَ فَادْكُرْ مَا خَصَّكَ اللَّهُ بِهِ

مِنْ دِينِهِ وَ مَا صَرَفَهُ عَنْكَ بِغَيْرِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ آخِرُ أَنْ تَسْخُوَ نَفْسُكَ عَمَّا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا؛

بحار الأنوار، ج ٦٨، ص ١٤٥

١٠-٤- حُبُّ اللَّهِ

﴿١٤٥٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاخْرِجُوا مِنْ قُلُوبِكُمْ حُبَّ الدُّنْيَا؛

غرر الحكم، ص ١٤١

١١-٤- حُبُّ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَلَا يَتَّبِعُهُمْ

﴿١٤٦٠﴾ الرسول ﷺ: مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ

الْآخِرَةِ فَلَا يَشْكَنُ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عِشْرِينَ خَصْلَةً عَشْرُ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَ

عَشْرُ فِي الْآخِرَةِ أَمَّا فِي الدُّنْيَا فَالزُّهْدُ وَالْحِرْصُ عَلَى الْعَمَلِ وَالْوَرَعُ فِي الدِّينِ... وَالتَّاسِعَةُ بَعْضُ

الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٢٧، ص ٧٨

﴿عوامل بی‌توجهی به دنیا / دوست‌داشتن خدا﴾

﴿۱۴۵۰﴾ یاد مرگ... آتش حرص را خاموش می‌سازد و دنیا را در نظر کوچک می‌کند. این است معنای سخن رسول خدا ﷺ که می‌فرماید: «یک ساعت تفکر برتر از یک سال عبادت است» و این هنگامی است که انسان طناب‌های خیال دنیا را باز کند و در پایگاه آخرت بیند.

﴿۱۴۵۱﴾ هیچ بنده‌ای نیست که بسیار یاد مرگ کند، مگر اینکه نسبت به دنیا بی‌رغبت می‌شود.

﴿۱۴۵۲﴾ هرکس مرگ را بسیار یاد کند، به اندک دنیا راضی می‌شود.

﴿۱۴۵۳﴾ کسی که بسیار یاد مرگ کند، رغبتش به دنیا کمتر می‌شود.

﴿۱۴۵۴﴾ یاد مرگ اسباب دنیا را خوار می‌گرداند.

﴿۱۴۵۵﴾ هرکس مرگ را بسیار یاد کند، از مکر دنیا رستگاری می‌یابد.

۴-۹-۴- یاد ترک دنیا

﴿۱۴۵۶﴾ یاد دنیا را به یاد جدایی از آن فراموش کن و سختی‌های دنیا را به امید راحتی‌های آخرت بر خود آسان گیر.

﴿۱۴۵۷﴾ به یاد جدایی‌ات از دنیا آن را رها کن و سختی‌های دنیا را به امید راحتی‌های آخرت بر خود آسان گردان و بر بلاها صبر نما تا اینکه پیغمبر خود را ملاقات کنی درحالی‌که از تو خشنود و راضی است.

۴-۹-۵- یادی از دین

﴿۱۴۵۸﴾ هرگاه چیزی از دنیا را طلب کردی و از تو دریغ شد، به یاد آور آنچه را که خدا از دین به تو داده و به دیگری نداده است. این برای تو سزاوارتر است تا خودت را مستحق آنچه از دست داده‌ای بدانی.

۴-۱۰- دوست‌داشتن خدا

﴿۱۴۵۹﴾ اگر خدا را دوست دارید، حب دنیا را از دل‌هایتان بیرون کنید.

۴-۱۱- دوستی ائمه علیهم‌السلام و ولایت ایشان

﴿۱۴۶۰﴾ هرکس خدا به او حب ائمه‌ی از اهل بیت من را روزی نماید، به خیر دنیا و آخرت رسیده و نباید شک داشته باشد در اینکه بهشتی است. همانا در محبت اهل بیت من بیست امتیاز است، ده امتیاز آن در دنیاست و ده امتیاز در آخرت. اما امتیاز آن در دنیا: زهد، اشتیاق به عمل، ورع در دین،... بغض دنیا... [می‌باشد].

﴿عَوَامِلُ عَدَمِ الْإِهْتِمَامِ بِالدُّنْيَا / كَرَامَةُ النَّفْسِ﴾

﴿١٤٦١﴾ الرسول ﷺ: مَنْ أَحَبَّ الْأَيَّامَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَا يَشْكُنُ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ فَإِنْ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عِشْرِينَ خَصْلَةً عَشْرُ فِي الدُّنْيَا وَعَشْرُ فِي الْآخِرَةِ أَمَّا فِي الدُّنْيَا فَالزُّهْدُ وَالْحِرْصُ عَلَى الْعَمَلِ وَالْوَرَعُ فِي الدِّينِ وَالرَّغْبَةُ فِي الْعِبَادَةِ وَالتَّوْبَةُ قَبْلَ الْمَوْتِ وَالنَّشَاطُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ وَالْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَالْحِفْظُ لِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَنَهْيُهُ وَالتَّاسِعةُ بُغْضُ الدُّنْيَا وَالْعَاشِرَةُ السَّخَاءُ؛ أعلام الدين، ص ٤٥١

﴿١٤٦٢﴾ الصادق عليه السلام: وَهَلْ فِيهِمْ مَنْ قَدْ آذَابَ لَيْلَةً مِنْ طُولِ الْقِيَامِ وَآذَابَ نَهَارَهُ مِنَ الصَّيَامِ أَوْ مَنَعَ نَفْسَهُ لَذَاتِ الدُّنْيَا وَنَعِيمَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ وَشَوْقًا إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ أَنِّي يَكُونُونَ لَنَا شِيعَةً... لَا تَغْرَنَّاكُمْ الدُّنْيَا وَمَا تَرَوْنَ فِيهَا مِنْ نَعِيمِهَا وَزَهْرَتِهَا وَبَهْجَتِهَا وَمُلْكِهَا فَإِنَّهَا لَا تَصْلُحُ لَكُمْ فَوَ اللَّهِ مَا صَلَحَتْ لِأَهْلِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٨٣

﴿١٤٦٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُوها؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٨

١٢-٤- كَرَامَةُ النَّفْسِ

﴿١٤٦٤﴾ الباقر عليه السلام: وَقِيلَ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ مَنْ أَعْظَمَ النَّاسُ قَذْرًا قَالَ مَنْ لَمْ يُبَالِ الدُّنْيَا فِي يَدٍ مِنْ كَانَتْ فَمَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ صَغُرَتْ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ وَمَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ كَبُرَتْ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ؛ جامع الأخبار، ص ١٠٩

﴿١٤٦٥﴾ السجاد عليه السلام: مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَقِيلَ لَهُ مَنْ أَعْظَمَ النَّاسِ خَطَرًا فَقَالَ ﷺ: مَنْ لَمْ يَرَ الدُّنْيَا خَطَرًا لِنَفْسِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٣٥

﴿١٤٦٦﴾ محمد بن حنفية: مَنْ كَرُمَتْ نَفْسُهُ عَلَيْهِ هَانَتْ الدُّنْيَا عِنْدَهُ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٥

﴿١٤٦٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا كَرُمَتْ عَلَى عَبْدٍ نَفْسُهُ إِلَّا هَانَتْ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٦

﴿١٤٦٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ كَرُمَتْ نَفْسُهُ صَغُرَتْ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ؛ غرر الحكم، ص ٢٣١

١٣-٤- الْحَزْمُ

﴿١٤٦٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْحَازِمُ مَنْ تَرَكَ الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٧

﴿١٤٧٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْحَازِمُ مَنْ لَمْ يَشْغَلْهُ غُرُورُ دُنْيَاهُ عَنِ الْعَمَلِ لِأَخْرَافِهِ [لَا خِرَتِهِ]؛ غرر الحكم، ص ٤٧٥

﴿١٤٧١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَحْزَمَ النَّاسِ مَنْ اسْتَهَانَ بِأَمْرِ دُنْيَاهُ؛ غرر الحكم، ص ٤٧٥

﴿عوامل بی توجّهی به دنیا / کرامت نفس﴾

﴿۱۴۶۱﴾ هرکس خدا به او حبّ ائمه علیهم السلام از اهل بیت من را روزی نماید، به خیر دنیا و آخرت رسیده و در این که بهشتی است، نباید شکّی داشته باشد. همانا در محبّت اهل بیت من بیست امتیاز است، ده امتیاز آن در دنیا است و ده امتیاز در آخرت. اما در دنیا: زهد و اشتیاق به عمل، ورع در دین، علاقه به عبادت، توبه قبل از مرگ، آمادگی و شوق برای شب‌زنده‌داری جهت عبادت، قطع امید از آنچه در دست مردم است، حفظ دستور خدا و نهی او و نهمین آن‌ها بغض دنیا و دهمین آن‌ها سخاوت است.

﴿۱۴۶۲﴾ [وای بر آنان] آیا میانشان کسی هست که خود را در شب‌ها با شب‌زنده‌داری به عبادت و در روز با روزه به زحمت و رنج انداخته باشد؟ یا از ترس خدا و شوق به ما اهل بیت خود را از خوشی و نعمت دنیا محروم می‌دارد؟ کجا آنان شیعه‌ی ما هستند... مبدا این دنیا و آنچه از نعمت و شکوفایی و خوشی و ملک آن را که مشاهده می‌کنید شما را فریب دهد، زیرا مناسب و در خور شما نیست؛ به خدا سوگند، که شایسته‌ی اهل آن هم نیست!

﴿۱۴۶۳﴾ دنیا در پی پیروان ماست ولی آن‌ها دنیا را نمی‌خواهند.

۱۲-۴- کرامت نفس

﴿۱۴۶۴﴾ به امام باقر علیه السلام گفته شد: «جایگاه چه کسی بالاتر است؟» فرمود: «کسی که برایش مهمّ نیست که دنیا در دستان کیست. کسی که نفسش برایش مهمّ است، دنیا در چشمش کوچک و هرکسی که نفسش برایش بی‌ارزش است، دنیا در چشمش بزرگ جلوه می‌کند».

﴿۱۴۶۵﴾ آن که شخصیت خود را گرامی و محترم داشت؛ دنیا در نظرش پست و بی‌مقدار گشت. به امام سجّاد علیه السلام عرض شد: «ارزش چه کسی از همه مردم بیشتر است؟» فرمود: «کسی که دنیا را برای خود ارزشمند نداند».

﴿۱۴۶۶﴾ کسی که شخصیت خود را گرامی و محترم بشمارد، دنیا در نزد او خوار و بی‌مقدار می‌شود.

﴿۱۴۶۷﴾ نفس بنده بر او گرامی نمی‌باشد، مگر اینکه دنیا در چشم او خوار می‌گردد.

﴿۱۴۶۸﴾ هرکس نفس او گرامی باشد، دنیا در چشم او کوچک می‌باشد.

۱۳-۴- دوراندیشی

﴿۱۴۶۹﴾ دوراندیش کسی است که دنیا را به خاطر آخرت ترک کند.

﴿۱۴۷۰﴾ دوراندیش کسی است که فریب‌های دنیا او را از عمل برای آخرت مشغول نکند.

﴿۱۴۷۱﴾ دوراندیش‌ترین مردم کسی است که کار دنیای خود را خوار شمارد.

﴿عَوَامِلُ عَدَمِ الْإِهْتِمَامِ بِالدُّنْيَا / الْحُرِّيَّةُ﴾

١٤-٤- الحُرِّيَّةُ

﴿١٤٧٢﴾ مواظب المسيح عليه السلام في الإنجيل: وَيَلِكُمُ يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا لَا كَحُكَمَاءَ تَعْقِلُونَ وَلَا كَحُلَمَاءَ تَفْقَهُونَ وَلَا كَعُلَمَاءَ تَعْلَمُونَ وَلَا كَعَبِيدٍ أَتَقِيَاءَ وَلَا كَأَحْرَارٍ كِرَامٍ؛ تحف العقول،

ص ٥٠٨

١٥-٤- الخَوْفُ مِنَ اللَّهِ

﴿١٤٧٣﴾ الصادق عليه السلام: وَهَلْ فِيهِمْ مَنْ قَدْ آذَابَ لَيْلَةً مِنْ طُولِ الْقِيَامِ وَآذَابَ نَهَارَهُ مِنَ الصَّيَامِ أَوْ مَنَعَ نَفْسَهُ لَذَاتِ الدُّنْيَا وَنَعِيمَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ وَشَوْقًا إِلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَنِّي يَكُونُونَ لَنَا شِيعَةً... لَا تَغْرَسُكُمْ الدُّنْيَا وَمَا تَرَوْنَ فِيهَا مِنْ نَعِيمِهَا وَزَهْرَتِهَا وَبَهْجَتِهَا وَمُلْكِهَا فَإِنَّهَا لَا تَصْلُحُ لَكُمْ فَوَ اللَّهِ مَا صَلَحَتْ لِأَهْلِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٨٣

﴿١٤٧٤﴾ زيارة الحسين عليه السلام: أَوْحَشَنِي مِنَ الدُّنْيَا وَأَنَسَنِي بِالْآخِرَةِ فَإِنَّهُ لَا يُوحِشُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا خَوْفُكَ وَلَا يُؤْنِسُ بِالْآخِرَةِ إِلَّا رَجَاؤُكَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٨، ص ٣٢٦

﴿١٤٧٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ خَافَ اللَّهَ سَخَتْ نَفْسُهُ الدُّنْيَا وَمَنْ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يَكْفِيهِ كَانَ أَيْسَرُ مَا فِيهَا يَكْفِيهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٧١

١٦-٤- الزُّهْدُ، الصَّبْرُ، الْقَنَاعَةُ، الْغِنَاءُ

١-١٦-٤- الزُّهْدُ وَرَاجِعُ: كِتَابُ الزُّهْدِ

﴿١٤٧٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَأَمَّا الزَّاهِدُ فَلَا يَفْرَحُ بِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا آتَاهُ وَلَا يَحْزَنُ عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا فَاتَهُ؛ بحار الأنوار، ج ١٠، ص ١١٩

٢-١٦-٤- الصَّبْرُ

﴿١٤٧٧﴾ الكاظم عليه السلام: إِنْ أَجْزَعَكُمْ عِنْدَ الْبَلَاءِ لَأَشَدُّكُمْ حُبًّا لِلدُّنْيَا وَإِنْ أَصْبَرَكُمْ عَلَى الْبَلَاءِ لَأَزْهَدُكُمْ فِي الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٤٥

٣-١٦-٤- الْقَنَاعَةُ

﴿١٤٧٨﴾ الصادق عليه السلام: وَقِيلَ أَغْبَطُ النَّاسَ مَنْ اقْتَصَدَ قَنَعَ وَمَنْ قَنَعَ فَكَ رَقَبَتُهُ مِنْ عُبُودِيَّةِ الدُّنْيَا وَذُلِّ الْمَطَامِعِ وَقِيلَ الْفَقِيرُ مَنْ طَمَعَ وَالْغَنِيُّ مَنْ قَنَعَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٥٤

﴿عوامل بی توجهی به دنیا / آزادگی﴾

۱۴-۴- آزادگی

﴿۱۴۷۲﴾ وای بر شما ای بندگان دنیا! نه مانند حکیمان می‌اندیشید، نه مانند دانایان درک می‌کنید و نه مانند دانشمندان می‌دانید، نه مانند بندگان پرهیزگار هستید و نه آزادگان بزرگوار.

۱۵-۴- ترس از خدا

﴿۱۴۷۳﴾ [وای بر آنان] آیا میانشان کسی هست که خود را در شب‌ها با شب‌زنده‌داری به عبادت و در روز با روزه به زحمت و رنج انداخته باشد؟ یا از ترس خدا و شوق به ما اهل بیت خود را از خوشی و نعمت دنیا محروم می‌دارد؟ کجا آنان شیعه‌ی ما هستند... مبدا این دنیا و آنچه از نعمت و شکوفایی و خوشی و ملک آن را که مشاهده می‌کنید شما را فریب دهد، زیرا مناسب و در خور شما نیست؛ به خدا سوگند، که شایسته‌ی اهل آن هم نیست!

﴿۱۴۷۴﴾ و هراس از دنیا را در دلم قرار ده و شوق به آخرت را به دلم افکن که به راستی جز بیم تو کسی را از دنیا هراسناک نمی‌کند و جز امید به تو کسی را مشتاق آخرت نمی‌کند.

﴿۱۴۷۵﴾ هر کس از خدا بترسد، دلش از دنیا بریده می‌شود و هر کس از دنیا آنچه او را کفایت می‌کند، خشنود است، کمتر چیزی که در دنیا است او را از هر چه که در دسترس است، کفایت می‌کند.

۱۶-۴- زهد، صبر، قناعت، بی‌نیازی

۱-۱۶-۴- زهد و ربه: کتاب زهد

﴿۱۴۷۶﴾ اما زاهد اگر چیزی از دنیا به دست آمد، شاد نمی‌شود و اگر چیزی از دستش رفت، محزون نمی‌گردد.

۲-۱۶-۴- صبر

﴿۱۴۷۷﴾ و همانا بی‌تاب‌ترین شما هنگام بلا دنیا دوست‌ترین شماست. و صبورترین شما بر بلا زاهدترین شما نسبت به دنیا می‌باشد.

۳-۱۶-۴- قناعت

﴿۱۴۷۸﴾ گفته شده: «مورد غبطه‌ترین مردم کسی است که میانه‌روی را در پیش بگیرد و قانع باشد. و کسی که قناعت در پیش بگیرد، تا گردن خود را از قید بندگی دنیا و خواری طمع رها سازد». گفته شده: «فقییر کسی است که طمع دارد و غنی کسی است که قانع است».

﴿عَوَامِلُ عَدَمِ الْإِهْتِمَامِ بِالدُّنْيَا / التَّقْوَى، الْوَرَعُ﴾

٤-١٦-٤- الغِنَاءُ بِمَا يَكْفِي

﴿١٤٧٩﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ إِنْ كَانَ يُغْنِيكَ مَا يَكْفِيكَ فَأَذْنِي مَا فِي الدُّنْيَا يَكْفِيكَ وَإِنْ كَانَ لَا يُغْنِيكَ مَا يَكْفِيكَ فَلَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الدُّنْيَا يُغْنِيكَ: تحف العقول، ص ٣٨٧

٤-١٧- التقوى، الورعُ

٤-١٧-١- التقوى

﴿١٤٨٠﴾ الباقر عليه السلام: أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى هُمْ الْأَغْنِيَاءُ أَغْنَاهُمْ الْقَلِيلُ مِنَ الدُّنْيَا فَمُؤْتَتَهُمْ يَسِيرَةٌ؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٥

﴿١٤٨١﴾ مواظب المسيح عليه السلام في الإنجيل: وَيُكَلِّمُ يَا عَيْدَ الدُّنْيَا لَا كَحُكَمَاءَ تَعْقِلُونَ وَلَا كَحُلَمَاءَ تَفْقَهُونَ وَلَا كَعُلَمَاءَ تَعْلَمُونَ وَلَا كَعَبِيدٍ أَتَقِيَاءَ وَلَا كَأَحْرَارٍ كِرَامٍ؛ تحف العقول، ص ٥٠٨
﴿١٤٨٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَاعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجَلِ الْآخِرَةِ ... أَصَابُوا لَذَّةَ زُهْدِ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ؛ أعلام الدين، ص ٢٤٧

﴿١٤٨٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ مَنْ أَتَى اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ... رَفَعَ عَقْلَهُ عَنْ أَهْلِ الدُّنْيَا فَبَدَنَهُ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا وَقَلْبُهُ وَعَقْلُهُ مُعَايِنُ الْآخِرَةِ قَاطِفًا بَصُوءَ قَلْبِهِ مَا أَبْصَرَتْ عَيْنَاهُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا فَقَدَّرَ حَرَامَهَا وَجَانِبَ شُبُهَاتِهَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٦

﴿١٤٨٤﴾ الرسول عليه السلام: فَإِنَّ مَنْ رَغِبَ بِالتَّقْوَى زَهْدَ فِي الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٣٢٠

﴿١٤٨٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ... فَقَسَمَ بَيْنَهُمْ مَعَايِشَهُمْ وَوَضَعَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا مَوَاضِعَهُمْ...

أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُوهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٠، ص ١٨٦

﴿١٤٨٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لِهُمْ فِي وَصْفِ الْمُتَّقِينَ أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا وَلَمْ يُرِيدُوهَا؛ بحار الأنوار،

ج ٧٠، ص ٨٣

٤-١٧-٢- الورعُ

﴿١٤٨٧﴾ الرسول عليه السلام: إِنَّ الْوَرَعَ (رَأْسُ الْإِيمَانِ) وَعِمَادُ الدِّينِ وَإِنَّ الْوَرَعَ مِثْلُهُ كَمِثْلِ السَّفِينَةِ كَمَا أَنَّ مَنْ فِي الْبَحْرِ لَا يَنْجُو إِلَّا بِالسَّفِينَةِ وَكَذَلِكَ لَا يَقْدِرُ الرَّاهِدُ أَنْ يَنْجُو مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا بِالْوَرَعِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٧٣

﴿عوامل بی توجهی به دنیا / تقوی، ورع﴾

۴-۱۶-۴- بی نیاز شدن با حداقلها

﴿۱۴۷۹﴾ ای هشام، اگر آنچه در حدّ کفایت است بی نیازت سازد، کمترین چیز دنیا تو را کفایت خواهد کرد، و چنانکه حدّ کفایت تو را بی نیاز نسازد، [دیگر] هیچ چیز دنیا تو را بی نیاز نخواهد ساخت.

۴-۱۷- تقوی، ورع

۴-۱۷-۱- پرهیزگاری

﴿۱۴۸۰﴾ بدون شک پرهیزگاران همان توانگران هستند که اندکی از دنیا آن‌ها را بی نیاز ساخته و هزینه و خرجشان ناچیز است.

﴿۱۴۸۱﴾ وای بر شما ای بندگان دنیا! نه مانند حکیمان می‌اندیشید، نه مانند دانایان درک می‌کنید و نه مانند دانشمندان می‌دانید، نه مانند بندگان پرهیزگار هستید و نه آزادگان بزرگوار.

﴿۱۴۸۲﴾ آگاه باشید ای بندگان خدا! پرهیزکاران از دنیای زودگذر به سلامت گذشتند و آخرت جاودانه را پیش گرفتند... و لذّت پارسایی در ترک حرام دنیا را چشیدند.

﴿۱۴۸۳﴾ کسی که تقوای الهی را پیشه کند، عقل خود را از اهل دنیا برمی‌دارد. جسمش همراه اهل دنیا اما دل و عقلش نگران آخرت است. پس به وسیله‌ی نور دلش آنچه چشمانش از دوستی دنیا می‌بیند، خاموش می‌کند. حرام دنیا را ناپاک می‌داند و از شبهه‌ناک آن دوری می‌نماید.

﴿۱۴۸۴﴾ هرکس خواستار تقوا باشد، از دنیا روی گردان می‌شود.

﴿۱۴۸۵﴾ [روزی] پرهیزکاران... برایشان تقسیم و مقدّر شده و در جایگاه خودشان در دنیا قرار دارند [و زیاده‌طلبی نمی‌کنند]... دنیا آن‌ها را خواست ولی آن‌ها آن را نخواستند.

﴿۱۴۸۶﴾ [خطبه‌ی متقین امام علیه السلام برای همام:] دنیا آنان (با تقوایان) را خواست ولی آنان دنیا را نخواستند.

۴-۱۷-۲- ورع

﴿۱۴۸۷﴾ تقوا به منزله‌ی سرایمان و ستون دین است. تقوا مثل کشتی است همان‌گونه که افراد در دریا جز با کشتی نجات نمی‌یابند، انسان زاهد نیز جز با تقوای الهی از دنیا نجات پیدا نمی‌کند.

﴿عَوَامِلُ عَدَمِ الْإِهْتِمَامِ بِالدُّنْيَا / الْعَمَلُ﴾

١٨-٤- العملُ

﴿١٤٨٨﴾ الرسول ﷺ: وَ أَمَّا الْحَيَاةُ الْبَاقِيَةُ فَهِيَ الَّتِي يَعْمَلُ لِنَفْسِهِ حَتَّى تَهْوَنَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَ

تَصْغُرَ فِي عَيْنِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٨

١٨-٤-١- الإشتغالُ بأوامرِ الله

﴿١٤٨٩﴾ الصادق ﷺ: وَ إِذَا فَوَّضَ الْعَبْدُ تَدْبِيرَ نَفْسِهِ عَلَى مُدَبِّرِهِ هَانَ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا وَ

إِذَا اشْتَغَلَ الْعَبْدُ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَ نَهَاهُ لَا يَتَفَرَّغُ مِنْهُمَا إِلَى الْمِرَاءِ وَ الْمُبَاهَاةِ مَعَ النَّاسِ فَإِذَا

أَكْرَمَ اللَّهُ الْعَبْدَ بِهَذِهِ الثَّلَاثَةِ هَانَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَ إِيْلَيْسُ وَ الْخَلْقُ وَ لَا يَطْلُبُ الدُّنْيَا تَكَاثُرًا وَ تَفَاخُرًا

وَ لَا يَطْلُبُ مَا عِنْدَ النَّاسِ عِزًّا وَ عُلوًّا؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦

١٨-٤-٢- الجِدُّ وَ الإِجْتِهَادُ

﴿١٤٩٠﴾ عيسى ﷺ: كَيْفَ يَنْجُو مِنْ فِتْنِ الدُّنْيَا مَنْ لَمْ يَدَاوِهَا بِالْجِدِّ وَ الإِجْتِهَادِ؛ بحار الأنوار،

ج ١٤، ص ٣٠٩

١٨-٤-٣- الأَرَبُوعُونَ

﴿١٤٩١﴾ الباقر ﷺ: مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا أَوْ قَالَ مَا أَجْمَلَ عَبْدٌ ذِكْرَ اللَّهِ

أَرْبَعِينَ يَوْمًا إِلَّا زَهَّدَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ بَصَّرَهُ دَاءَهَا وَ دَوَاءَهَا وَ أَتَبَّتِ الْحِكْمَةُ فِي قَلْبِهِ وَ أَنْطَقَ بِهَا

لِسَانَهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٥، ص ٢٩٥

١٨-٤-٤- البرُّ

﴿١٤٩٢﴾ يَا دُنْيَا مَا أَهْوَنَكَ عَلَى الْأَبْرَارِ الَّذِينَ تَزَيَّنْتَ وَ تَصَنَّعْتَ لَهُمْ إِنِّي قَذَفْتُ فِي قُلُوبِهِمْ

بُغْضَكَ وَ الصُّدُودَ عَنْكَ وَ مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَهْوَنَ عَلَى مِنْكَ كُلِّ شَأْنِكَ صَغِيرٌ وَ إِلَى الْفَنَاءِ

تَصِيرِينَ قَضَيْتُ عَلَيْكَ يَوْمَ خَلَقْتُكَ أَنْ لَا تَدُومِي لِأَحَدٍ وَ لَا يَدُومُ أَحَدٌ لَكَ وَ إِنْ بَخِلَ بِكَ

صَاحِبُكَ وَ شَحَّ عَلَيْكَ إِبْرَاهِيمُ ﷺ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣٠

١٨-٤-٥- مَعْرِفَةُ الْآخِرَةِ وَ الرَّغْبَةُ إِلَيْهَا

١٨-٤-٦- مَعْرِفَةُ الْآخِرَةِ

﴿١٤٩٣﴾ أمير المؤمنين ﷺ: كَيْفَ يَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا مَنْ لَا يَعْرِفُ قَدْرَ الْآخِرَةِ؛ غرر الحكم،

ص ١٤٦

﴿عوامل بی توجّهی به دنیا / عمل﴾

۴-۱۸- عمل

﴿۱۴۸۸﴾ اما زندگی و حیات باقی این است که صاحبش آن قدر برای خویش عمل کند که دنیا در نظرش خوار و کوچک شود.

۴-۱۸-۱- مشغول شدن به دستورات الهی

﴿۱۴۸۹﴾ زمانی که بنده تدبیر امور دنیا را به دست خداوند بداند، مصیبت‌های دنیا بر او آسان می‌شود. و زمانی که اشتغالاتش مطابق امر و نهی خداوند باشد، دیگر با مردم فخر و مباهات و مجادله نمی‌کند. هرگاه خداوند با این سه ویژگی بنده را گرامی دارد، دنیا، ابلیس و مردم در نظر او اهمیتی ندارد و بی‌ارزش جلوه می‌کند. او دنیا را به عنوان زیاده‌خواهی و فخرفروشی نمی‌خواهد، و عزّت و سربلندی را از مردم نمی‌جوید.

۴-۱۸-۲- جدّیت و تلاش

﴿۱۴۹۰﴾ چگونه کسی که با مصیبت‌ها و فتنه‌های دنیا با جدّ و جهد و کوشش تعامل نمی‌کند از گرفتارشدن در دام آن‌ها رهایی می‌یابد؟!

۴-۱۸-۳- چله‌گیری

﴿۱۴۹۱﴾ اگر بنده‌ای تا چهل روز ایمان خود را خالص و پاک کند، خداوند به پاداش این تمرین و مراقبت کامل، حالت زهد در دنیا و شناخت کامل دنیا را به او عنایت می‌کند؛ تمام دردها و درمان‌های دنیا را با بصیرت کامل به او نشان می‌دهد، دلش را منبع و سرچشمه‌ی حکمت و دانش می‌سازد و زبانش را به حقایق و بیان مطالب حکمت‌آمیز روان و گویا می‌فرماید.

۴-۱۸-۴- نیکی

﴿۱۴۹۲﴾ در صحف حضرت ابراهیم علیه السلام نوشته شده است: ای دنیا، با اینکه خود را ساخته و آرایش کرده‌ای، چقدر در نظر نیکان پست و خواری! من کینه‌ی تو را بر دل آنان افکنده و از تو برحذر داشته‌ام و هیچ مخلوقی را پست‌تر از تو در نزد خود نیافریده‌ام. تمام جنبه‌های تو ناچیز و در معرض فناست، روزی که تو را آفریدم چنان قرار دادم که بر کسی پایدار نمانی و کسی هم در تو پایدار نماند. و اگر کسی در مورد تو بخل ورزد، با تو باشد و حریص‌تر شود.

۴-۱۹- شناخت آخرت و رغبت به آن

۴-۱۹-۱- شناخت آخرت

﴿۱۴۹۳﴾ کسی که قدر و منزلت آخرت را نشناسد، چگونه در دنیا زاهد خواهد بود؟!

﴿عَوَامِلُ عَدَمِ الْإِهْتِمَامِ بِالدُّنْيَا / مَعْرِفَةُ الْآخِرَةِ وَ الرَّغْبَةُ إِلَيْهَا﴾

٢-١٩-٤- إِرَادَةُ الْآخِرَةِ

﴿١٤٩٤﴾ الرسول ﷺ: وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ تَرَكَ زِينَةَ الدُّنْيَا فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ اسْتَحَى مِنْ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ؛ روضة الواعظين، ج ٢، ص ٤٦٠

٣-١٩-٤- نِيَّةُ الْآخِرَةِ

﴿١٤٩٥﴾ الرسول ﷺ: مَنْ كَانَتْ نِيَّتُهُ الدُّنْيَا فَفَرَّقَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَمْرَهُ وَ جَعَلَ الْفَقْرَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ لَمْ يَأْتِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا كُتِبَ لَهُ وَ مَنْ كَانَتْ نِيَّتُهُ الْآخِرَةَ جَمَعَ اللَّهُ شَمْلَهُ وَ جَعَلَ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ وَ أَتَتْهُ الدُّنْيَا وَ هِيَ رَاغِمَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٢٥

٤-١٩-٤- الرَّغْبَةُ فِي الْآخِرَةِ

﴿١٤٩٦﴾ امير المؤمنين ﷺ: مَنْ رَغِبَ فِي نَعِيمِ الْآخِرَةِ قَنَعَ بِبَسِيرِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤٧

٥-١٩-٤- النَّظَرُ إِلَى الْآخِرَةِ

﴿١٤٩٧﴾ لقمان ﷺ: يَا بُنَيَّ أَحْسِنْ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ وَ لَا تُكْثِرْ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّكَ عَلَى غَفْلَةٍ مِنْهَا وَ انْظُرْ إِلَى مَا تَصِيرُ مِنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٤٢٩

٦-١٩-٤- كَرَامَةُ الْآخِرَةِ

﴿١٤٩٨﴾ محمد بن حنفية: مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ آخِرَتُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ٧٧

﴿عوامل بی‌توجهی به دنیا / شناخت آخرت و رغبت به آن﴾

۲-۱۹-۴- آخرت‌خواهی

﴿۱۴۹۴﴾ هرکس آخرت را بخواهد، زینت این دنیا را رها می‌کند. و هرکس چنین کند، در مقابل خداوند حیا به خرج داده و حق آن را ادا کرده است.

۳-۱۹-۴- نیت آخرت

﴿۱۴۹۵﴾ هرکس در نیت خود امور دنیوی را در نظر داشته باشد، خداوند کارهای او را پربشان و مشقت نموده و همیشه فقر و تهیدستی را در نظرش مجسم می‌دارد و از تنگدستی می‌ترسد و از مزایای دنیا جز همان مقدار به او نخواهد رسید. ولی آن‌که در اعمال و فعالیت خود متوجه امر اخروی باشد، خداوند امور او را مرتب و منظم داشته، طبع و حالت بی‌نیازی در روحش قرار می‌دهد و دنیا هم با کمال سهولت و تسلیم به او رو می‌کند.

۴-۱۹-۴- میل و رغبت به آخرت

﴿۱۴۹۶﴾ کسی که به نعمت‌های آخرت راغب باشد، به اندکی از دنیا قانع می‌شود.

۵-۱۹-۴- توجه به آخرت

﴿۱۴۹۷﴾ ای پسر، هرکس به تو بدی می‌کند در مقابل، تو به او خوبی کن و زیاد به دنیا توجه نکن؛ چون یک‌باره آن را رها خواهی کرد و به سرایی که به آنجا سفر می‌کنی، توجه کن.

۶-۱۹-۴- گرامی‌داشت آخرت

﴿۱۴۹۸﴾ هرکس آخرت در نظرش ارزشمند باشد، دنیا در نظرش خوار و بی‌مقدار می‌شود.

الفصل الخامس: عواقب حب الدنيا و الإهتمام بها

٥-١- إنبار الدنيا

٥-١-١- عدم درك الدنيا

﴿١٤٩٩﴾ الصادق عليه السلام: من اختار الدنيا على الآخرة يخسرهما كلتيهما تزول هذه ولا تدرك

تلك؛ مستدرک الوسائل، ج ١٧، ص ٣٤٦

﴿١٥٠٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: إنه من بدأ بنصيبه من الدنيا فإنه نصيبه من الآخرة ولم يدرك منها

ما يريد ومن بدأ بنصيبه من الآخرة وصل إليه من الدنيا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٤

﴿١٥٠١﴾ الصادق عليه السلام: كم من طالب للدنيا لم يدركها ومذكر لها قد فارقها فلا يشغلنك

طلبها عن عملك؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٥٥

﴿١٥٠٢﴾ الصادق عليه السلام: فإن الدنيا خلقها الله بمنزلة ظلك إن طلبته أتبعك ولا تلحقه أبداً

وإن تركته تبعك وأنت مستريح؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٦٠

﴿١٥٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أما بعد فإن الإهتمام بالدنيا غير زائد في الموقوف وفيه تضييع

الزاد والإقبال على الآخرة غير ناقص من المقدور وفيه إحرار المعاد؛ التوحيد، ص ٣٧٢

﴿١٥٠٤﴾ الصادق عليه السلام: من أصبح وأمسى والدنيا أكبر همه جعل الله تعالى الفقر بين عينيه

وسنت أمره ولم ينل من الدنيا إلا ما قسم الله له ومن أصبح وأمسى والآخرة أكبر همه

جعل الله الغنى في قلبه وجمع له أمره؛ الكافي، ج ٢، ص ٣١٩

﴿١٥٠٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: من كانت نيته الدنيا فرق الله عليه أمره وجعل الفقر بين عينيه ولم

يأت به من الدنيا إلا ما كتب له ومن كانت نيته الآخرة جمع الله شمله وجعل غناه في قلبه و

آتته الدنيا وهي راعمة؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٢٥

فصل ۵: پی آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا

۵-۱- پشت کردن دنیا

۵-۱-۱- به دست نیاوردن دنیا

﴿۱۴۹۹﴾ هر کس دنیا را بر آخرت برگزیند هر دو را از دست می‌دهد، که این یکی (دنیا) تمام می‌شود و آن یکی (آخرت) را به دست نخواهد آورد.

﴿۱۵۰۰﴾ همانا کسی که به دریافت بهره‌اش از دنیا شروع کند، همان بهره‌ی آخرتش خواهد بود و از آن بهره‌ای که می‌خواهد، دریافت نخواهد کرد؛ و کسی که به دریافت بهره‌اش از آخرت شروع کند، در دنیا به آن بهره می‌رسد.

﴿۱۵۰۱﴾ چه بسیارند افرادی که در طلب دنیا هستند و آن را به دست نمی‌آورند، چه بسیارند آن‌ها که دنیا را به دست می‌آورند اما دنیا آن‌ها را ترک می‌کند؛ طلب دنیا تو را از انجام اعمال باز ندارد.

﴿۱۵۰۲﴾ خداوند متعال دنیا را مانند سایه‌ی تو آفریده که اگر دنبالش کنی مثل تو می‌رود و هرگز به آن نمی‌رسی اما اگر رهاش کنی، او به دنبال تو می‌آید و تو آسوده هستی.

﴿۱۵۰۳﴾ اما بعد! پس به درستی که همت داشتن به دنیا و اندوه خوردن به خاطر آن در هر روز آن را نمی‌افزاید و زیاد نمی‌کند که موجب از بین رفتن توشه‌ی او می‌گردد و روکردن به آخرت تقدیر [و روزی] فرد [در دنیا] را کم نمی‌کند و موجب حفاظت و صیانت از معاد فرد می‌شود.

﴿۱۵۰۴﴾ هر کس شب را به صبح و صبح را به شب برساند، درحالی که بزرگ‌ترین دغدغه‌اش دنیا باشد، خداوند فقر را مقابل چشمانش قرار داده و کارش را بی‌سامان ساخته و به دنیا دست نمی‌یابد مگر به میزانی که قسمتش باشد، و هر کس شب را به صبح و صبح را به شب برساند درحالی که نهایت همتش آخرت باشد، خداوند متعال بی‌نیازی را در دلش قرار داده و کارش را سامان می‌بخشد.

﴿۱۵۰۵﴾ هر کس در نیت خود امور دنیوی را در نظر داشته باشد، خداوند کارهای او را پریشان و مشتت نموده و همیشه فقر و تهیدستی را در نظرش مجسم می‌دارد و از تنگدستی می‌ترسد و از مزایای دنیا جز همان مقدار به او نخواهد رسید. ولی آن که در اعمال و فعالیت خود متوجه امر اخروی باشد، خداوند امور او را مرتب و منظم داشته، طبع و حالت بی‌نیازی در روحش قرار می‌دهد و دنیا هم با کمال سهولت و تسلیم به او رو می‌کند.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْبَلَاءُ وَالتَّعَبُ﴾

٥-١-٢- إدبارُ الدُّنْيَا

- ﴿١٥٠٦﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنَّ الدُّنْيَا خَلَقَهَا اللَّهُ بِمَنْزِلَةِ ظِلِّكَ إِنْ طَلَبْتَهُ اتَّبَعَكَ وَلَا تَلْحَقُهُ أَبَدًا وَإِنْ تَرَكْتَهُ تَبِعَكَ وَأَنْتَ مُسْتَرْجِعٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٦٠
- ﴿١٥٠٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكَ إِنْ أَقْبَلْتَ عَلَى الدُّنْيَا أَذْبَرْتَ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩
- ﴿١٥٠٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا كَظِلِّكَ إِنْ وَقَفْتَ وَقَفَ وَإِنْ طَلَبْتَهُ بَعُدَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠
- ﴿١٥٠٩﴾ المجتبی عليه السلام: مَنْ أَزْدَادَ حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا لَمْ يَزِدْ مِنْهَا إِلَّا بُعْدًا؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٤
- ﴿١٥١٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا بِعَمَلٍ آخِرَةٍ كَانَ أَبْعَدَ لَهُ مِمَّا طَلَبَ؛ غرر الحكم، ص ١٤١

٥-١-٣- مَنَعُ الدُّنْيَا

- ﴿١٥١١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا غَرَارَةٌ خَدُوْعٌ مُعْطِيَةٌ مَنُوعٌ مُلْبِسَةٌ نَزُوْعٌ لَا يَدُوْمُ رَخَاوُهَا وَلَا يَنْقُضِي عَنَاوُهَا وَلَا يَرْكُدُ بِلَاوُهَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٥
- ﴿١٥١٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اتَّقُوا غُرُورَ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا تَسْتَرْجِعُ [تترجع] أَبَدًا مَا خَدَعَتْ بِهِ مِنْ الْمَحَاسِنِ وَتُزْعِجُ الْمُطْمَئِنِّ إِلَيْهَا وَالْقَاطِنِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥
- ٥-١-٤- جَمْعُ الدُّنْيَا لِغَيْرِهِ
- ﴿١٥١٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَكَمْ عَالَمٌ قَدْ أَهْلَكَتُهُ الدُّنْيَا... مَنْ لَا بُدَّ لَكَ مِنْهُ أَحَقُّ مَنْ أَطْعَمَ مُرْشِدٌ لَا يَعْصِيكَ مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا جَمَعَ لِغَيْرِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١

٥-٢- الْبَلَاءُ وَالتَّعَبُ

٥-٢-١- الْبَلَاءُ

- ﴿١٥١٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تَمْهَرِ الدُّنْيَا دِينَكَ فَإِنْ مَنَ مَهَرٍ [أَمْهَرَ] الدُّنْيَا دِينَهُ زَفَّتْ إِلَيْهِ بِالشَّقَاءِ وَالْعَنَاءِ وَالْمِخْنَةِ وَالْبَلَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠
- ﴿١٥١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: عَبْدُ الدُّنْيَا مُؤَبَّدُ الْفِتْنَةِ وَالْبَلَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٧
- ﴿١٥١٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: دَعَاكُمْ اللَّهُ سُحَّانَهُ إِلَى دَارِ الْبَقَاءِ وَقَرَارَةِ الْخُلُودِ وَالنَّعْمَاءِ وَمُجَاوَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَالسُّعَدَاءِ فَعَصَيْتُمْ وَدَعَيْتُمْ الدُّنْيَا إِلَى قَرَارَةِ الشَّقَاءِ وَمَحَلِّ الْفَنَاءِ وَأَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَالْعَنَاءِ فَطَاعْتُمْ وَبَادَرْتُمْ وَأَسْرَعْتُمْ؛ غرر الحكم، ص ١٤٥
- ﴿٤٧٦﴾

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / بلا و سختی﴾

۵-۱-۲- پشت کردن به دنیا

﴿۱۵۰۶﴾ خداوند متعال دنیا را مانند سایه‌ی تو آفریده که اگر دنبالش کنی مثل تو می‌رود و هرگز به آن نمی‌رسی اما اگر رهایش کنی، او به دنبال تو می‌آید و تو آسوده هستی.
﴿۱۵۰۷﴾ به درستی که اگر تو بر دنیا روی آوری، [به سعادت و نیکبختی] پشت می‌گردانی.
﴿۱۵۰۸﴾ دنیا مانند سایه‌ی توست اگر بایستی می‌ایستد و اگر به دنبالش بروی، دور می‌شود.

﴿۱۵۰۹﴾ هرکس بر دنیا بیشتر حرص بزند چیزی جز دوری از آن بر او افزوده نمی‌شود.
﴿۱۵۱۰﴾ هرکس دنیا را به وسیله‌ی عمل به آخرت طلب کند، از خواسته‌ی خود بسیار دور است.

۵-۱-۳- ایجاد مانع در دستیابی به دنیا

﴿۱۵۱۱﴾ به درستی که دنیا فریب‌دهنده و حيله‌گر است، می‌بخشد و باز پس می‌گیرد، می‌پوشاند و درمی‌آورد، آرامش آن ماندگار نیست و دردهای آن پایان ندارد و بلاهای آن آرام نمی‌گیرد.
﴿۱۵۱۲﴾ از فریب دنیا بپرهیزد؛ زیرا دنیا همواره خوبی‌های فریبنده‌ی خود را پس می‌گیرد و کسی را که به آن دل بسته و در آن جا خوش کرده است، بیرون می‌راند.

۵-۱-۴- جمع کردن دنیا برای دیگران

﴿۱۵۱۳﴾ بسا دانشمندانی که دنیا آن‌ها را نابود کرده است... شایسته‌ترین کسی که باید او را اطاعت کنی کسی است که راهنمایی‌ات می‌کند و مخالف تو نیست. کسی که دنیادوست باشد برای دیگران جمع می‌کند.

۵-۲- بلا و سختی

۵-۲-۱- بلا

﴿۱۵۱۴﴾ دین خود را کابین دنیا نکن. پس به درستی که هرکس مهریه‌ی مال دنیایش، دینش باشد؛ با بدبختی، رنج، اندوه و گرفتاری ازدواج خواهد کرد.
﴿۱۵۱۵﴾ بنده‌ی دنیا همیشه در بلا و فتنه است.
﴿۱۵۱۶﴾ خداوند سبحان شما را به منزل جاودانه و جایگاه همیشگی و خانه‌ی نعمت‌ها و همسایگی انبیاء عليهم‌السلام و سعادتمندان دعوت می‌کند ولی شما نافرمانی می‌کنید؛ اما دنیا شما را به منزلگاه بدبختی و جایگاه فنا و انواع بلا و سختی‌ها دعوت می‌کند و شما از او اطاعت می‌کنید و به آن مبادرت ورزیده و با سرعت به سمت او می‌روید!

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْبَلَاءُ وَالتَّعَبُ﴾

﴿١٥١٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِيَّاكَ وَالْوَلَةَ بِالدُّنْيَا فَإِنَّهَا تُورِثُكَ الشَّقَاءَ وَالْبَلَاءَ وَتَحْدُوكَ عَلَى بَيْعِ الْبَقَاءِ بِالْفَنَاءِ؛ غررالحكم، ص ١٣٩

﴿١٥١٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِذَا كَتَمَ الْعَالِمُ الْعِلْمَ أَهْلُهُ وَزَهَا الْجَاهِلُ فِي تَعَلُّمٍ مَا لَا بُدَّ مِنْهُ وَبَخِلَ الْغَنِيُّ بِمَعْرُوفِهِ وَبَاعَ الْفَقِيرُ دِينَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ حَلَّ الْبَلَاءِ وَعَظُمَ الْعِقَابُ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٧٨

﴿١٥١٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خُلِطَةُ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا رَأْسُ الْبُلُوَى وَفَسَادُ التَّقْوَى؛ غررالحكم، ص ١٣٧

﴿١٥٢٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ إِيَّاكُمْ وَحُبَّ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَبَابُ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَقِرَانُ كُلِّ فِتْنَةٍ وَدَاعِي كُلِّ رَزِيَّةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٥٤

﴿١٥٢١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِيَّاكَ وَحُبَّ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَصْلُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَمَعْدِنُ كُلِّ بَلِيَّةٍ؛

غررالحكم، ص ١٤٢

﴿١٥٢٢﴾ الرسول ﷺ: إِنْ مَالَ الدُّنْيَا كُلَّمَا ازْدَادَ كَثْرَةً وَعَظُمًا ازْدَادَ صَاحِبُهُ بَلَاءً؛ بحار الأنوار،

ج ٣٨، ص ١٩٧

٥-٢-٢- المصيبة

﴿١٥٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَغْظَمُ الْمَصَائِبِ وَالشَّقَاءِ الْوَلَةُ بِالدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ١٤٠

٥-٢-٣- الفتن

﴿١٥٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَمُفْسِدَةٌ لِلدِّينِ مُسْلِبَةٌ لِلْيَقِينِ وَإِنَّهَا لِرَأْسِ الْفِتَنِ وَأَصْلُ

الْمِحَنِ؛ غررالحكم، ص ١٢٨

﴿١٥٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتَنِ وَأَصْلُ الْمِحَنِ؛ غررالحكم، ص ١٣٩

﴿١٥٢٦﴾ لقمان عليه السلام: وَمَنْ يَكُونُ فِي الدُّنْيَا ذَلِيلًا وَفِي الْآخِرَةِ شَرِيفًا خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَكُونَ فِي

الدُّنْيَا شَرِيفًا وَفِي الْآخِرَةِ ذَلِيلًا وَمَنْ تَخَيَّرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ تَفَتَّنَهُ الدُّنْيَا وَلَا نَصِيبَ لَهُ فِي

الْآخِرَةِ؛ عوالي اللآلي، ج ٣، ص ٥١٧

﴿١٥٢٧﴾ الصادق عليه السلام: وَاعْلَمْ أَنَّ كُلَّ فِتْنَةٍ بَذَرَهَا حُبُّ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٧

﴿١٥٢٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَالدُّنْيَا مُتَهَجِّمَةٌ فِي وُجُوهِ أَهْلِهَا مُكْفَهَرَةٌ مُدْبِرَةٌ غَيْرُ مُقْبِلَةٍ

ثَمَرُهَا الْفِتْنَةُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٨، ص ٢١٧

﴿١٥٢٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ إِيَّاكُمْ وَحُبَّ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَبَابُ كُلِّ

بَلِيَّةٍ وَقِرَانُ كُلِّ فِتْنَةٍ وَدَاعِي كُلِّ رَزِيَّةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٥٤

﴿پی‌آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / بلا و سختی﴾

﴿۱۵۱۷﴾ برحذر باش که مبدا سرگشته‌ی دنیا گردی که جز بدبختی و بلانصیبی برای تو به ارمغان نمی‌آورد و تو را بر فروختن آخرت به‌جای دنیا هدایت می‌کند.

﴿۱۵۱۸﴾ هرگاه عالم علم و دانش را از اهلش، پنهان داشت و [به او نیاموخت] و جاهل و نادان در یادگرفتن آنچه که چاره‌ای از یادگرفتن آن ندارد، تکبر نمود و غنی به خاطر رزق و روزی خود بخل ورزید، و فقیر دین و آیینش را به دنیای دیگری فروخت، بلاء و گرفتاری روی آورده و عقاب و کیفر بزرگ می‌گردد.

﴿۱۵۱۹﴾ همنشینی و مشارکت با فرزندان دنیا سرآغاز هر گرفتاری و فاسدشدن تقواست.
﴿۱۵۲۰﴾ ای مردم، از علاقه‌ی به دنیا بپرهیزید، که حبّ دنیا منشأ هر گناه و در هر بلا و سبب هر فتنه و موجب هر معصیت است.

﴿۱۵۲۱﴾ از حبّ دنیا بپرهیزید که سرمنشأ هر لغزش و معدن هر بلا و گرفتاری است.
﴿۱۵۲۲﴾ پیامبر ﷺ فرمود: «مال دنیا هرچه بیشتر گردد، صاحبش بیشتر در معرض بلا قرار می‌گیرد.

۲-۲-۵- مصیبت

﴿۱۵۲۳﴾ بزرگترین مصیبت‌ها و بدبختی حیران‌شدن و سرگشتگی به دنیاست.

۳-۲-۵- فتنه‌ها

﴿۱۵۲۴﴾ همانا دنیا هرآینه فاسدکننده‌ی دین و زایل‌کننده‌ی یقین است و به‌درستی که آن سر منشأ فتنه‌ها و اصل محنت‌هاست.

﴿۱۵۲۵﴾ حبّ دنیا سرمنشأ تمام فتنه‌ها و اصل تمام محنت‌هاست.
﴿۱۵۲۶﴾ کسی که در دنیا ذلیل و در آخرت شریف است، بهتر از کسی است که در دنیا شریف و در آخرت ذلیل است. دنیا کسی را که آن را بر آخرت برگزیند، مورد بلا و فتنه قرار می‌دهد و بهره‌ای از آخرت نصیبش نمی‌شود.

﴿۱۵۲۷﴾ بدان که بذر تمام فتنه‌ها، حبّ دنیا است.
﴿۱۵۲۸﴾ دنیا نسبت به مردمانش ابرو در هم کشیده و گرفته بود و از آن‌ها کاملاً رویگردان بود و روی خوشی نشان نمی‌داد. بار دنیا فتنه و آشوب بود.

﴿۱۵۲۹﴾ ای مردم، از علاقه‌ی به دنیا بپرهیزید، که حبّ دنیا منشأ هر گناه و در هر بلا و سبب هر فتنه و موجب هر معصیت است.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْبَلَاءُ وَالتَّعَبُ﴾

﴿١٥٣٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: عَبْدُ الدُّنْيَا مُؤَبَّدُ الْفِتْنَةِ وَالْبَلَاءِ؛ غررالحكم، ص ١٣٧

﴿١٥٣١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: طَلَبُ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتْنَةِ؛ غررالحكم، ص ١٣٩

﴿١٥٣٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْوَلَهُ بِالدُّنْيَا أَعْظَمُ فِتْنَةٍ؛ غررالحكم، ص ١٣٩

٥-٢-٤- الْمِحَنُ

﴿١٥٣٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَمُفْسِدَةٌ الدِّينِ مُسْلِبَةٌ الْيَقِينِ وَإِنَّهَا لَرَأْسُ الْفِتَنِ وَأَصْلُ

الْمِحَنِ؛ غررالحكم، ص ١٢٨

﴿١٥٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتَنِ وَأَصْلُ الْمِحَنِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١

﴿١٥٣٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قُرْنَتِ الْمِحْنَةُ بِحُبِّ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١

﴿١٥٣٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تَمَهَّرِ الدُّنْيَا دِينَكَ فَإِنَّ مِنْ مَهَرٍ [أَمَهَرَ] الدُّنْيَا دِينَهُ زُفَّتْ إِلَيْهِ بِالشَّقَاءِ وَالْعَنَاءِ وَالْمِحْنَةِ وَالْبَلَاءِ؛ غررالحكم، ص ١٣٠

﴿١٥٣٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْمِحْنَةُ مَقْرُونَةٌ بِحُبِّ الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ١٣٩

﴿١٥٣٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ حَسَنَ ظَنَّهُ بِالدُّنْيَا تَمَكَّنَتْ مِنْهُ الْمِحْنَةُ؛ غررالحكم، ص ١٢٩

﴿١٥٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ثَمَرَةُ الْوَلَهُ بِالدُّنْيَا عَظِيمُ الْمِحْنَةِ؛ غررالحكم، ص ١٣٩

٥-٢-٥- الرِّزْيَةُ

﴿١٥٤٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ إِيَّاكُمْ وَحُبُّ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَبَابُ كُلِّ

بَلِيَّةٍ وَقِرَانُ كُلِّ فِتْنَةٍ وَدَاعِي كُلِّ رَزِيَّةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٥٤

٥-٢-٦- النَّائِبَةُ

﴿١٥٤١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مُصَاحِبُ [مُصَاحَبَةٍ] الدُّنْيَا هَدَفُ النَّوَائِبِ وَالْغَيْرِ؛ غررالحكم،

ص ١٣٧

٥-٢-٧- التَّعَبُ

﴿١٥٤٢﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ أَوْحَى إِلَى الدُّنْيَا أَنْ أَتَعْبِيَ مَنْ خَدَمَكَ وَاخْدُمِي

مَنْ رَفَضَكَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٨، ص ٩٩

﴿١٥٤٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا اسْتَرَّاحَ قَلْبُهُ وَبَدَنُهُ وَمَنْ رَغِبَ فِيهَا تَعَبَ قَلْبُهُ

وَبَدَنُهُ فَلَا يَبْقَى لَهُ نَظَرٌ إِلَّا إِلَى اللَّهِ وَلَا رُجُوعٌ إِلَّا إِلَيْهِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٢٥

﴿١٥٤٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَدْ شَابَ رَأْسِي وَرَأْسُ الْحَرِصِ لَمْ يَشِبْ، إِنَّ الْحَرِصَ عَلَى

الدُّنْيَا لَفِي تَعَبٍ؛ ديوان الإمام علي عليه السلام، ص ٧٩

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / بلا و سختی﴾

﴿۱۵۳۰﴾ بنده‌ی دنیا همیشه در بلا و فتنه است.

﴿۱۵۳۱﴾ طلب دنیا سرمنشأ فتنه است.

﴿۱۵۳۲﴾ سرگستگی به دنیا عظیم‌ترین فتنه‌هاست.

۵-۲-۴ محنت‌ها

﴿۱۵۳۳﴾ همانا دنیا هرآینه فاسدکننده‌ی دین و زایل‌کننده‌ی یقین است و به‌درستی که آن سر منشأ فتنه‌ها و اصل محنت‌هاست.

﴿۱۵۳۴﴾ حبّ دنیا سرمنشأ تمام فتنه‌ها و اصل تمام محنت‌هاست.

﴿۱۵۳۵﴾ حبّ دنیا با رنج و محنت همراه و قرین است.

﴿۱۵۳۶﴾ دین خود را کابین دنیا نکن. پس به‌درستی که هرکس مهریه‌ی مال دنیایش، دینش باشد؛ با بدبختی، رنج، اندوه و گرفتاری ازدواج خواهد کرد.

﴿۱۵۳۷﴾ رنج و محنت همراه با حبّ دنیا و دوستی آن است.

﴿۱۵۳۸﴾ کسی که به دنیا خوش‌بین باشد، گرفتار دردهای دنیا می‌شود.

﴿۱۵۳۹﴾ نتیجه‌ی سرگستگی به دنیا، رنج‌های عظیم و بزرگ است.

۵-۲-۵ نافرمانی

﴿۱۵۴۰﴾ ای مردم، از علاقه‌ی به دنیا بپرهیزید، که حبّ دنیا منشأ هر گناه و در هر بلا و سبب هر فتنه و موجب هر معصیت است.

۵-۲-۶ بلا و گرفتاری

﴿۱۵۴۱﴾ دوستدار دنیا، هدف بلاها و دگرگونی‌های دنیاست.

۵-۲-۷ سختی

﴿۱۵۴۲﴾ «خداوند متعال به دنیا وحی کرد که خادم خود را به سختی ببنداز و به کسی که تو را ترک کرده خدمت کن».

﴿۱۵۴۳﴾ کسی که در دنیا زهد پیشه کند، روح و بدنش در آسایش است و کسی که دنیاطلب باشد روح و بدنش به‌سختی می‌افتند و هیچ چاره‌ای برای او جز خداوند متعال نمی‌ماند و در نهایت به‌سوی او باز خواهد گشت.

﴿۱۵۴۴﴾ من پیر شدم اما حرص در درونم پیر نشد، کسی که در دنیا حریص است در گرفتاری و سختی است.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْبَلَاءُ وَالتَّعَبُ﴾

﴿١٥٤٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ ظَفِرَ بِالدُّنْيَا نَصِبَ وَمَنْ فَاتَتْهُ تَعِبٌ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩
 ﴿١٥٤٦﴾ السَّجَاد عليه السلام: إِنَّمَا خُلِقَتِ الرَّاحَةُ فِي الْجَنَّةِ وَلِأَهْلِ الْجَنَّةِ وَالتَّعَبُ وَالنَّصَبُ خُلِقَا فِي الدُّنْيَا وَلِأَهْلِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٩٢

﴿١٥٤٧﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الزَّاهِدَ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ وَيُرِيحُ قَلْبُهُ وَبَدَنُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالرَّاعِبُ فِيهَا يَتَعَبُ قَلْبُهُ وَبَدَنُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لِيَجِيَنَّ أَقْوَامُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَهُمْ حَسَنَاتٌ كَأَمْثَالِ الْجِبَالِ فَيَأْمُرُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ فَقِيلَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَ مُصَلُّونَ كَانُوا قَالَ نَعَمْ كَانُوا يُصَلُّونَ وَيَصُومُونَ وَيَأْخُذُونَ وَهَذَا مِنَ اللَّيْلِ لَكُنْهُمْ إِذَا لَحَ لَهُمْ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَتَبَّوْا عَلَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٨

٨-٢-٥- النَّصَبُ

﴿١٥٤٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ ظَفِرَ بِالدُّنْيَا نَصِبَ وَمَنْ فَاتَتْهُ تَعِبٌ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩
 ﴿١٥٤٩﴾ السَّجَاد عليه السلام: إِنَّمَا خُلِقَتِ الرَّاحَةُ فِي الْجَنَّةِ وَلِأَهْلِ الْجَنَّةِ وَالتَّعَبُ وَالنَّصَبُ خُلِقَا فِي الدُّنْيَا وَلِأَهْلِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٩٢

٩-٢-٥- الْعَنَاءُ

﴿١٥٥٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تَمَهِّرِ الدُّنْيَا دِينَكَ فَإِنْ مِنْ مَهْرٍ [أَمَهَرَ] الدُّنْيَا دِينَهِ زُفْتُ إِلَيْهِ بِالشَّقَاءِ وَالْعَنَاءِ وَالْمِخْنَةِ وَالْبَلَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠
 ﴿١٥٥١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: دَعَاكُمْ اللَّهُ سُجَّانَهُ إِلَى دَارِ الْبَقَاءِ وَقَرَارَةِ الْخُلُودِ وَالنَّعْمَاءِ وَ مُجَاوَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَالسُّعَدَاءِ فَعَصَيْتُمْ وَدَعْتَكُمْ الدُّنْيَا إِلَى قَرَارَةِ الشَّقَاءِ وَمَحَلِّ الْفَنَاءِ وَأَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَالْعَنَاءِ فَاطْعَنْتُمْ وَبَادَرْتُمْ وَأَسْرَعْتُمْ؛ غرر الحكم، ص ١٤٥

١٠-٢-٥- عَدَمُ الرَّاحَةِ

﴿١٥٥٢﴾ السَّجَاد عليه السلام: إِنَّمَا خُلِقَتِ الرَّاحَةُ فِي الْجَنَّةِ وَلِأَهْلِ الْجَنَّةِ وَالتَّعَبُ وَالنَّصَبُ خُلِقَا فِي الدُّنْيَا وَلِأَهْلِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٩٢
 ١١-٢-٥- خِدْمَةُ الدُّنْيَا

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / بلا و سختی﴾

﴿۱۵۴۵﴾ هرکس که دنیا را به دست آورد، در سختی می افتد و هرکس آن را از دست داد، در رنج و سختی است.

﴿۱۵۴۶﴾ آسودگی در بهشت و برای اهل بهشت خلق شده است. و سختی و دشواری برای دنیا و اهل دنیا خلق شده اند.

﴿۱۵۴۷﴾ پیامبر ﷺ فرمود: «همانا پارسا در دنیا در آسایش است و دل و بدنش در دنیا و آخرت راحت است؛ طالب دنیا، دل و جسم او در دنیا و آخرت در زحمت است. روز قیامت گروهی می آیند که کردارهای نیک ایشان مانند کوههایی است، پس آنان را به ورود به جهنم فرمان می دهند». عرض شد: «ای پیامبر خدا! آیا آنها نمازگزار هستند؟» فرمود: «آری آنها بودند که نماز می خواندند، روزه می گرفتند، ساعتی از شب را به عبادت می گذراندند، اما هرگاه چیزی از کار دنیایی برای آنان آشکار می شد به آن می پیوستند».

۸-۲-۵- سختی

﴿۱۵۴۸﴾ هرکس که دنیا را به دست آورد، در سختی می افتد و هرکس آن را از دست داد، در رنج و سختی است.

﴿۱۵۴۹﴾ آسودگی در بهشت و برای اهل بهشت خلق شده است. و سختی و دشواری برای دنیا و اهل دنیا خلق شده اند.

۹-۲-۵- رنج

﴿۱۵۵۰﴾ دین خود را کابین دنیا نکن. پس به درستی که هرکس مهریه‌ی مال دنیایش، دینش باشد؛ با بدبختی، رنج، اندوه و گرفتاری ازدواج خواهد کرد.

﴿۱۵۵۱﴾ خداوند سبحان شما را به منزل جاودانه و جایگاه همیشگی و خانه‌ی نعمت‌ها و همسایگی انبیاء ﷺ و سعادتمندان دعوت می کند ولی شما نافرمانی می کنید؛ اما دنیا شما را به منزلگاه بدبختی و جایگاه فنا و انواع بلا و سختی‌ها دعوت می کند و شما از او اطاعت می کنید و به آن مبادرت ورزیده و با سرعت به سمت او می روید!

۱۰-۲-۵- عدم آسودگی

﴿۱۵۵۲﴾ آسودگی در بهشت و برای اهل بهشت خلق شده است. و سختی و دشواری برای دنیا و اهل دنیا خلق شده اند.

۱۱-۲-۵- به استخدام دنیا درآمدن

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْحُزْنُ وَالْحَسْرَةُ﴾

﴿١٥٥٣﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَطْلُعُ عَلَى الدُّنْيَا فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ فَيَقُولُ يَا دُنْيَا أَنْتِ دَنِيَّةٌ فَتَكْدِرِي عَلَى عَبْدِي الْمُؤْمِنِ وَلَا تَحْلِي لَهُ فَيَفْتِنَ مَنْ خَدَمَكَ فَاسْتَحْدِمِيهِ وَمَنْ خَدَمَنِي فَاحْدِمِيهِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢٠٠
١٢-٥-٢- المَرَضُ الْمُفْسِدُ وَالْهَرَمُ الْمُنْقِدُ

﴿١٥٥٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَمَا يَنْتَظِرُ أَحَدُكُمْ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا غَنًى مُطْعِياً أَوْ فَقْرًا مُنْسِياً أَوْ مَرَضًا مُفْسِداً أَوْ هَرَمًا مُنْقِداً أَوْ مَوْتًا مُجْهَزا؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٥٨

٣-٥- الحُزْنُ وَالْحَسْرَةُ

١-٣-٥- الحُزْنُ

﴿١٥٥٥﴾ عيسى عليه السلام: وَاعْلَمُوا أَنَّ أَصْلَ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا وَرُبَّ شَهْوَةٍ أَوْرَثَتْ أَهْلَهَا حُزْنًا طَوِيلًا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٧

﴿١٥٥٦﴾ الصادق عليه السلام: إِيَّاكُمْ أَنْ تَمْدُودُوا أَطْرَافَكُمْ إِلَى مَا فِي أَيْدِي آبَائِ الدُّنْيَا فَمَنْ مَدَّ طَرَفَهُ إِلَى ذَلِكَ طَالَ حَزْنُهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٣٣٧

﴿١٥٥٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تَكْثُرُ أَلْهَمَ وَالْحُزْنَ وَالزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ الْقَلْبَ وَالْبَدَنَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٩١

﴿١٥٥٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الرَّغْبَةُ بِالْآخِرَةِ عِنْدَ اللَّهِ تُورِثُ الرُّوحَ وَالرَّاحَةَ وَالرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُورِثُ أَلْهَمَ وَالْحُزْنَ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٩

﴿١٥٥٩﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: وَلَعَمْرِي مَنْ بَاعَ دِينَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ لَحِرَى حُزْنُهُ عَلَى مَا بَاعَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٢٣١

﴿١٥٦٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ مَدَّ عَيْنَيْهِ إِلَى مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ مِنْ دُنْيَاهُمْ طَالَ حُزْنُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٥٧

﴿١٥٦١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَنَا زَعِيمٌ بِثَلَاثٍ لِمَنْ أَكَبَّ عَلَى الدُّنْيَا بِفَقْرٍ لَا غَنَاءَ لَهُ وَبِشُغْلٍ لَا فَرَاحَ لَهُ وَبِهِمْ وَحُزْنٌ لَا انْقِطَاعَ لَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٨١
٢-٣-٥- عَدَمُ الْفَرَحِ

﴿١٥٦٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَاحْذَرِ الدُّنْيَا فَإِنَّهُ لَا فَرَحَ فِي شَيْءٍ وَصَلَتْ إِلَيْهِ مِنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٥٣٧

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / اندوه و حسرت﴾

﴿۱۵۵۳﴾ خداوند عزّ و جل روزی یک یا دو بار به دنیا سرکشی می کند و می فرماید: «ای دنیا! تو پست هستی، پس بر بنده‌ی مؤمن من مکدر [و سخت] باش و خود را برای او زینت نده که فریب نخورد. هرکس به تو خدمت کرد تو او را به خدمت خود درآور و هرکس به من خدمت کرد به او خدمت کن».

۱۲-۵-۲ بیماری فاسدکننده و پیری زبون‌کننده

﴿۱۵۵۴﴾ از دنیا چه انتظار دارید، جز غنایی که طغیان آورد یا فقری که نسیان آورد یا مرضی که فساد آورد یا پیری‌ای که زبونی آورد یا مرگی که به سرعت از پا درآورد.

۳-۵-۲ اندوه و حسرت

۱-۳-۵ اندوه

﴿۱۵۵۵﴾ و آگاه باشید که سرچشمه‌ی هر گناهی حبّ دنیاست، و چه بسا شهوتی که اندوهی طولانی را برای صاحبش به ارث گذاشته است.

﴿۱۵۵۶﴾ بر حذر باشید و چشم حسرت به آنچه در دستان فرزندان دنیاست ندوزید که هر کس با چشم حسرت به مال و منال اهل دنیا بنگرد، حزن و اندوهش طولانی می‌گردد.

﴿۱۵۵۷﴾ رغبت به دنیا اندوه و غم را زیاد می‌کند و بی‌رغبتی به دنیا، دل و بدن را آسوده می‌سازد.

﴿۱۵۵۸﴾ میل و رغبت به آخرت نزد خداوند، آرامش و آسایش را به ارمغان می‌آورد و میل و رغبت به دنیا غم و حزن به همراه می‌آورد.

﴿۱۵۵۹﴾ و به جانم سوگند! هرکس دینش را به دنیای غیر خود بفروشد، اندوهش برآنچه فروخته است، شایسته است.

﴿۱۵۶۰﴾ کسی که چشمش را بر دارایی مردم بدوزد، غصّه‌اش طولانی می‌شود.

﴿۱۵۶۱﴾ من برای کسی که به دوستی دنیا دل بسته سه چیز را پیش‌بینی می‌کنم: فقری که بی‌نیازی ندارد، گرفتاری که پایان ندارد و غم و اندوهی که تمام نشود.

۲-۳-۵ ناراحتی

﴿۱۵۶۲﴾ از دنیا بر حذر باش که در هیچ چیزی از دنیا که به آن دست می‌یابی، شادمانی واقعی نمی‌باشد.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْحُزْنُ وَالْحَسْرَةُ﴾

٣-٥-٣- الغم

﴿١٥٦٣﴾ الباقر عليه السلام: مَثَلُ الْحَرِيصِ عَلَى الدُّنْيَا كَمَثَلِ دُوْدَةٍ الْقَزِّ كُلَّمَا ارْتَدَّادَتْ عَلَى نَفْسِهَا لَفًّا كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٤

﴿١٥٦٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ كَانَتِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّهِ طَالَ شَقَاؤُهُ وَ غَمُّهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٨١

﴿١٥٦٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ كَانَتِ الدُّنْيَا هَمَّهُ كَثُرَ فِي الْقِيَامَةِ غَمُّهُ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣١١

﴿١٥٦٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ كَانَتِ الدُّنْيَا هَمَّهُ طَالَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ شَقَاؤُهُ وَ غَمُّهُ؛ غرر الحكم، ص ١٤٠

﴿١٥٦٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اسْتَشْعَرَ الشَّغْفَ بِالدُّنْيَا مَلَّتْ ضَمِيرُهُ أَشْجَانًا لَهَا رَقِصٌ عَلَى سُوْدَاءٍ قَلْبِهِ هَمٌّ يَشْغَلُهُ وَ غَمٌّ يَحْزِنُهُ حَتَّى يُؤْخَذَ بِكَظْمِهِ فَيُلْقَى بِالْفَضَاءِ مُنْقَطِعًا أَبْهَرًا هِينًا عَلَى اللَّهِ فَنَاؤُهُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

﴿١٥٦٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ كَانَتِ الدُّنْيَا هَمَّهُ اشْتَدَّ لِذَلِكَ غَمُّهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢١

٤-٣-٥- الغصة

﴿١٥٦٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا التَّذَّ أَحَدٌ مِنَ الدُّنْيَا لَذَّةً إِلَّا كَانَتْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غُصَّةٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٤٧

٥-٣-٥- الهم

﴿١٥٧٠﴾ الرسول ﷺ: الرِّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُكَثِّرُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ وَالزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ الْقَلْبَ وَ الْبَدَنَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٩١

﴿١٥٧١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الرِّغْبَةُ بِالْآخِرَةِ عِنْدَ اللَّهِ تُورِثُ الرُّوحَ وَ الرَّاحَةَ وَ الرِّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُورِثُ الْهَمَّ وَ الْحُزْنَ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٩

﴿١٥٧٢﴾ الكاظم عليه السلام: مَنْ أَشْرَبَ قَلْبُهُ حُبَّ الدُّنْيَا التَّاطَ قَلْبُهُ مِنْهَا بِأَرْبَعِ شُعْلٍ لَا يَنْفَكُ عَنْهُ وَ أَمَلٌ لَا يُدْرِي مُنْتَهَاهُ وَ حِرْصٌ لَا يُبْلَغُ مَدَاهُ وَ هَمٌّ لَا يَعْرِفُ انْقِضَاءَهُ؛ معدن الجواهر، ص ٤٣

﴿١٥٧٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ لَهَجَ قَلْبُهُ بِحُبِّ الدُّنْيَا التَّاطَ مِنْهَا بِثَلَاثِ هَمٍّ لَا يَغُبُّهُ وَ حِرْصٍ لَا يَتْرُكُهُ وَ أَمَلٍ لَا يُدْرِكُهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٨

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجّه به دنیا / اندوه و حسرت﴾

۳-۳-۵- غم

﴿۱۵۶۳﴾ مَثَل حریص بر دنیا مَثَل کرم ابریشم است که هرچه بر خود ابریشم بیشتری می‌پیچد راه خروجش بعیدتر می‌شود تا اینکه از اندوه می‌میرد.

﴿۱۵۶۴﴾ هرکس بزرگ‌ترین مقصودش دنیا باشد، بدبختی و غمش طولانی می‌شود.

﴿۱۵۶۵﴾ کسی که تمام همّتش دنیا باشد، در قیامت غم و غصّه‌اش زیاد می‌شود.

﴿۱۵۶۶﴾ کسی که تمام همّتش دنیا باشد، در روز قیامت گرفتاری و غصّه‌اش طولانی خواهد شد.

﴿۱۵۶۷﴾ کسی که عشق و علاقه به دنیا را در وجودش حس کند، نهادهش پر از اندوهی می‌شود که دائماً در وجودش در حرکت است. در پرده‌های دلش هم و غمی است که او را مشغول می‌کند و غم و غصّه‌ای دارد که او را محزون می‌کند تا آنکه گلویش را گرفته و در گوشه‌ای می‌میرد، رگ‌های حیات او قطع شده و نابودساختن او بر خدا آسان است.

﴿۱۵۶۸﴾ هرکس همّت خود را برای دنیا به کار برد، غم و اندوهش زیاد خواهد بود.

۴-۳-۵- غصّه

﴿۱۵۶۹﴾ هرکس که از لذّت‌های دنیا بهره می‌برد، در روز قیامت برایش مایه‌ی غم و غصّه خواهد بود.

۵-۳-۵- نگرانی

﴿۱۵۷۰﴾ رغبت به دنیا اندوه و غم را زیاد می‌کند و بی‌رغبتی به دنیا، دل و بدن را آسوده می‌سازد.

﴿۱۵۷۱﴾ میل و رغبت به آخرت نزد خداوند، آرامش و آسایش را به ارمغان می‌آورد و میل و رغبت به دنیا غم و حزن به همراه می‌آورد.

﴿۱۵۷۲﴾ کسی که دل او آکنده از حبّ دنیا شد، دلش به خاطر آن گرفتار چهار خصلت می‌شود: مشغولیتی که از سختی آن رهایی نمی‌یابد، آرزویی که پایانی ندارد، حرصی که فرجام ندارد و تلاشی که انتهایش معلوم نیست.

﴿۱۵۷۳﴾ هرکس محبّت دنیا را در دل خود جای دهد، به سه چیز گرفتار می‌گردد: اندوهی که از او دست بر نمی‌دارد، حرصی که از او دست نمی‌کشد، و آرزویی که به آن نمی‌رسد.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَ الْإِهْتِمَامِ بِهَا / الحُزْنُ وَ الْحَسْرَةُ﴾

﴿١٥٧٤﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِالدُّنْيَا تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ هُمْ لَا يَفْنَى وَ أَمَلٍ لَا يُذْرِكُ وَ رَجَاءٍ لَا يُنَالُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣٢٠

﴿١٥٧٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِحُبِّ الدُّنْيَا تَعَلَّقَ مِنْ ضَرَرِهَا بِثَلَاثِ خِصَالٍ هُمْ لَا يَفْنَى وَ أَمَلٍ لَا يُذْرِكُ وَ رَجَاءٍ لَا يُنَالُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٥٠

﴿١٥٧٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ جَعَلَ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّهِ فَرَّقَ اللَّهُ عَلَيْهِ هَمَّهُ وَ جَعَلَ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ؛

عوالي اللآلي، ج ١، ص ٢٧٢

﴿١٥٧٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اسْتَشْعَرَ الشَّغْفَ بِالدُّنْيَا مَلَأَتْ ضَمِيرَهُ أَشْجَانًا لَهَا رَقِصٌ عَلَى سُودَاءٍ قَلْبِهِ هُمْ يَشْغَلُهُ وَ غَمٌّ يَحْزَنُهُ حَتَّى يُؤْخَذَ بِكَطْمِهِ فَيُلْقَى بِالْفَضَاءِ مُنْقَطِعًا أَبْهَرَاهُ هِينًا عَلَى اللَّهِ فَنَازُهُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

﴿١٥٧٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَنَا زَعِيمُ ثَلَاثٍ لِمَنْ أَكَبَّ عَلَى الدُّنْيَا بِفَقْرٍ لَا غِنَاءَ لَهُ وَ بِشُغْلٍ لَا فَرَاغَ لَهُ وَ بِهِمْ وَ حُزْنٍ لَا انْقِطَاعَ لَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٨١

٥-٣-٦- الأشجان

﴿١٥٧٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اسْتَشْعَرَ الشَّغْفَ بِالدُّنْيَا مَلَأَتْ ضَمِيرَهُ أَشْجَانًا لَهَا رَقِصٌ عَلَى سُودَاءٍ قَلْبِهِ هُمْ يَشْغَلُهُ وَ غَمٌّ يَحْزَنُهُ حَتَّى يُؤْخَذَ بِكَطْمِهِ فَيُلْقَى بِالْفَضَاءِ مُنْقَطِعًا أَبْهَرَاهُ هِينًا عَلَى اللَّهِ فَنَازُهُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

٥-٣-٧- العبرة

﴿١٥٨٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَمْ يَلْ أَحَدٌ مِنَ الدُّنْيَا حَبْرَةً إِلَّا أَغْقَبَتْهُ عِبْرَةٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣١

٥-٣-٨- الحسرة

﴿١٥٨١﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ كَثُرَ اشْتِبَاكُهُ فِي الدُّنْيَا كَانَ أَشَدَّ لِحَسْرَتِهِ عِنْدَ فِرَاقِهَا؛ وسائل الشيعة،

ج ١٦، ص ٢٠

﴿١٥٨٢﴾ الحسين عليه السلام: وَ مَنْ كَانَتِ الدُّنْيَا هِمَّتَهُ اشْتَدَّتْ حَسْرَتُهُ عِنْدَ فِرَاقِهَا؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٥٢

٥-٣-٩- الندم

﴿١٥٨٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا حُلْمٌ وَ الْإِغْتِرَارُ بِهَا نَدَمٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجّه به دنیا / اندوه و حسرت﴾

﴿۱۵۷۴﴾ هرکس به دنیا دلبستگی پیدا کند، دلش سه خصلت پیدا خواهد کرد، اندوهی که به او سودی نمی‌رساند، آرزویی که به آن نخواهد رسید و امیدی که به دست نخواهد آورد.

﴿۱۵۷۵﴾ هرکس دل به دنیا ببندد، به سه ضرر و زیان دل بسته است: همّ و غمّی که پایان‌پذیر نیست، آرزویی که به آن نخواهد رسید و امیدواری‌ای که به آن نائل نمی‌شود.

﴿۱۵۷۶﴾ هرکس بزرگ‌ترین دغدغه‌اش را دنیا قرار دهد، خداوند همواره در برابر او [و در تقدیر او] فقر را قرار می‌دهد.

﴿۱۵۷۷﴾ کسی که عشق و علاقه به دنیا را در وجودش حس کند، نهادش پر از اندوهی می‌شود که دائماً در وجودش در حرکت است. در پرده‌های دلش همّ و غمّی است که او را مشغول می‌کند و غم و غصّه‌ای دارد که او را محزون می‌کند تا آنکه گلویش را گرفته و در گوشه‌ای می‌میرد، رگ‌های حیات او قطع شده و نابودساختن او بر خدا آسان است.

﴿۱۵۷۸﴾ من برای کسی که به دوستی دنیا دل بسته سه چیز را پیش‌بینی می‌کنم: فقری که بی‌نیازی ندارد، گرفتاری که پایان ندارد و غم و اندوهی که تمام نشود.

۵-۳-۶- اندوه

﴿۱۵۷۹﴾ کسی که عشق و علاقه به دنیا را در وجودش حس کند، نهادش پر از اندوهی می‌شود که دائماً در وجودش در حرکت است. در پرده‌های دلش همّ و غمّی است که او را مشغول می‌کند و غم و غصّه‌ای دارد که او را محزون می‌کند تا آنکه گلویش را گرفته و در گوشه‌ای می‌میرد، رگ‌های حیات او قطع شده و نابودساختن او بر خدا آسان است.

۵-۳-۷- اشک

﴿۱۵۸۰﴾ هیچ‌کس از شادی دنیا بهره‌مند نشد، مگر اینکه پس از آن سرشکی در پی داشت.

۵-۳-۸- حسرت

﴿۱۵۸۱﴾ هرکس بیشتر درگیر و آلوده‌ی دنیا شود، زمان جدایی از آن، حسرتش بیشتر خواهد بود.

﴿۱۵۸۲﴾ هرکس قصدش از تلاش برای دنیا باشد، هنگام جداشدن از آن افسوسش فراوان است.

۵-۳-۹- پشیمانی

﴿۱۵۸۳﴾ دنیا چون خوابی بیش نیست و مغرورشدن و فریفته‌شدن به آن موجب پشیمانی است.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَ الْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْآفَةُ﴾

﴿١٥٨٤﴾ السَّجَادُ عليه السلام: فَلْيَنْزِلَنَّ أَحَدَكُمْ الْيَوْمَ نَفْسُهُ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا كَمَنْزِلَةِ الْمَكْرُورِ إِلَى الدُّنْيَا النَّادِمِ عَلَى مَا فَرَطَ فِيهَا مِنَ الْعَمَلِ الصَّالِحِ لِيَوْمٍ فَاقَتْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٢٨

٥-٤- الآفةُ و الفسادُ و الخسرانُ و الهلاكُ

٥-٤-١- الآفةُ

﴿١٥٨٥﴾ الصادق عليه السلام: لَا تَتَّخِذُوا الدُّنْيَا رَبًّا فَتَتَّخِذَكُمْ عِبِيدًا أَكْثَرُوا كَنْزَكُمْ عِنْدَ مَنْ لَا يُضَيِّعُهُ فَإِنَّ صَاحِبَ كَنْزِ الدُّنْيَا يُخَافُ عَلَيْهِ الْآفَةُ وَ صَاحِبُ كَنْزِ اللَّهِ لَا يُخَافُ عَلَيْهِ الْآفَةُ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٧

٥-٤-١-١- آفةُ النَّفْسِ

﴿١٥٨٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: آفَةُ النَّفْسِ الْوَلَةُ بِالدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٦

٥-٤-١-٢- رَأْسُ الْآفَاتِ

﴿١٥٨٧﴾ الرسول ﷺ: رَأْسُ الْآفَاتِ الْوَلَةُ بِالدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١

٥-٤-٢- الفسادُ

﴿١٥٨٨﴾ الصادق عليه السلام: وَ اعْظُمُ الْفَسَادُ أَنْ يَرْضَى الْعَبْدُ بِالْغَفْلَةِ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى وَ هَذَا الْفَسَادُ يَتَوَلَّدُ مِنْ طُولِ الْأَمَلِ وَ الْحِرْصِ وَ الْكِبَرِ... وَ كَانَتْ هَذِهِ الْخِصَالُ مِنْ صُنْعِ قَارُونَ وَ اعْتِقَادِهِ وَ أَصْلُهَا مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا وَ جَمْعِهَا... وَ عِلَاجُ ذَلِكَ الْفِرَارُ مِنَ النَّاسِ وَ رَفُضُ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٣٩٥

٥-٤-٢-١- فسادُ الدِّينِ

﴿١٥٨٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَمُفْسِدَةٌ الدِّينِ مُسْلِبَةٌ الْيَقِينِ وَ إِنَّهَا لَرَأْسُ الْفِتَنِ وَ أَصْلُ الْمِحَنِ؛ غرر الحكم، ص ١٢٨

﴿١٥٩٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فسادُ الدِّينِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

﴿١٥٩١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تَرْخُصْ لِنَفْسِكَ فِي مَطَاوَعَةِ الْهَوَى وَ إِثَارِ لَذَاتِ الدُّنْيَا فَيَفْسُدَ دِينُكَ وَ لَا يَصْلَحَ وَ تَخْسِرَ نَفْسَكَ وَ لَا تَرْبِحَ؛ غرر الحكم، ص ٣٠٦

﴿١٥٩٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَمَرَ دُنْيَاهُ أَفْسَدَ دِينَهُ وَ أَخْرَبَ أَخْرَاهُ؛ غرر الحكم، ص ١٤١

﴿١٥٩٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا أَفْسَدَ الدِّينَ كَالدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

﴿بی‌آمدهای دنیادوستی و توجّه به دنیا / آفت﴾

﴿۱۵۸۴﴾ از این رو باید هرکدام از شما نفس خود را همانند فردی بدانند که [پس از مرگ] به دنیا بازگشته و بر تقصیر و کوتاهی بر کردار شایسته برای روز تهیدستی و فقر، نادم و پشیمان است.

۵-۴- آفت و فساد و زیان و هلاکت

۵-۴-۱- آفت

﴿۱۵۸۵﴾ دنیا را پروردگار [خود] قرار ندهید که شما را بندگان خویش می‌گرداند، گنج خود را نزد کسی اندوخته سازید که آن را ضایع نکند، به‌راستی که صاحبِ گنجِ دنیا از آفت‌زدگی آن هراس دارد و صاحبِ گنجِ خداوند از آفت‌زدگی آن هراس ندارد.

۵-۴-۱-۱- آفت نفس

﴿۱۵۸۶﴾ آفت نفس شیفتگی به دنیا است.

۵-۴-۱-۲- سرمنشأ آفات

﴿۱۵۸۷﴾ سرمنشأ آفات، سرگشتگی به دنیا است.

۵-۴-۲- فساد

﴿۱۵۸۸﴾ بزرگ‌ترین فساد باطنی انسان در موردی است که راضی به غفلت از پروردگار متعال باشد. و منشأ این فساد از پیدایش آرزوهای طولانی و حرص و تکبر خواهد بود... این صفات از خصلت‌های قارون و از خصوصیات ممتاز او بود، و روی این خصوصیات سلوک و زندگی می‌کرد. و ریشه‌ی همه‌ی آن‌ها محبت دنیا و دلبستگی به آن و جمع‌آوری و به‌دست‌آوردن آن است... و معالجه این فساد اصلی، فرار کردن از مردم، و ترک‌نمودن علایق دنیوی است.

۵-۴-۲-۱- فاسدشدن دین

﴿۱۵۸۹﴾ همانا دنیا هرآینه فاسدکننده‌ی دین و زایل‌کننده‌ی یقین است و به‌درستی که آن سر منشأ فتنه‌ها و اصل محنت‌هاست.

﴿۱۵۹۰﴾ فساد دین، دنیا است.

﴿۱۵۹۱﴾ به نفست اجازه نده که از هوی و هوس تبعیت کند و در پی لذت‌های دنیا برود که موجب فساد دینت شده و آن را اصلاح نمی‌کند و به خودت نیز ضرر می‌رساند و هیچ سودی نیز ندارد.

﴿۱۵۹۲﴾ کسی که دنیایش را آباد کند، دینش را فاسد و آخرتش را خراب کرده است.

﴿۱۵۹۳﴾ هیچ‌چیز مانند دنیا، دین را فاسد و تباه نمی‌کند.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْأَفَةُ﴾

﴿١٥٩٤﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ لَا دِينَ لِمَنْ لَا مَرْوَةَ لَهُ وَلَا مَرْوَةَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٥، ص ٣٠٢

﴿١٥٩٥﴾ الكاظم عليه السلام: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَتْهُ الْآخِرَةُ فَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ فَيُفْسِدُ عَلَيْهِ دِينَهُ وَ

آخِرَتَهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٦٢٧

﴿١٥٩٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خُلُطَةُ أَتْبَاءِ الدُّنْيَا تَشِينُ الدِّينَ وَتُضَعِّفُ الْيَقِينَ؛ غرر الحكم،

ص ١٣٧

﴿١٥٩٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَمَّا بَلَغَهُ مَا صَنَعَهُ بُسْرُ بْنُ أَرْطَاةَ بِالْيَمَنِ قَالَ:

اللَّهُمَّ إِنِّ بُسْرًا بَاعَ دِينَهُ بِالدُّنْيَا فَاسْلُبْهُ عَقْلَهُ وَلَا تُبْقِ لَهُ مِنْ دِينِهِ مَا يَسْتَوْجِبُ بِهِ عَلَيْكَ

رَحْمَتَكَ؛ الإرشاد، ج ١، ص ٣٢١

﴿١٥٩٨﴾ الرسول ﷺ: وَمَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِلدُّنْيَا وَالْمَنْزِلَةَ عِنْدَ النَّاسِ وَالْخُفْوَ عِنْدَ السُّلْطَانِ لَمْ

يُصِبْ مِنْهُ بَابٌ إِلَّا أَزْدَادَ فِي نَفْسِهِ عَظَمَةً وَعَلَى النَّاسِ اسْتِطَالَةً وَبِاللَّهِ اغْتِرَارًا وَمِنَ الدِّينِ جَفَاءً؛

بحار الأنوار، ج ٢، ص ٣٤

٢-٢-٥- فساد الآخرة

﴿١٥٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: زِيَادَةُ الدُّنْيَا تُفْسِدُ الْآخِرَةَ؛ غرر الحكم، ص ٣٧٠

٢-٢-٥- فساد اليقين

﴿١٦٠٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حُسْنُ الزُّهْدِ مِنْ أَفْضَلِ الْإِيمَانِ وَ [حُسْنُ] الرِّغْبَةِ فِي الدُّنْيَا تُفْسِدُ

الْإِيمَانَ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٥

٢-٢-٥- فساد الإيمان

﴿١٦٠١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اخْذَرِ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا شَبَكَةُ الشَّيْطَانِ وَمُفْسِدَةُ الْإِيمَانِ؛ غرر الحكم،

ص ١٣٨

٢-٢-٥- فساد العقل

﴿١٦٠٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا يُفْسِدُ الْعَقْلَ وَيُصِمُّ الْقَلْبَ عَنْ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ وَ

يُوجِبُ الْإِيمَانَ الْعِقَابَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١

﴿١٦٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: زَخَّارُ الدُّنْيَا يُفْسِدُ الْعُقُولَ الضَّعِيفَةَ؛ غرر الحكم، ص ٦٥

﴿١٦٠٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: سَبَبُ فسادِ الْعَقْلِ حُبُّ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١

﴿بی‌آمدهای دنیادوستی و توجّه به دنیا / آفت﴾

﴿۱۵۹۴﴾ ای هشام، آن که مردانگی ندارد دین ندارد، و آن که عاری از مردانگی است عقل ندارد.

﴿۱۵۹۵﴾ هرکسی دنیا را بخواهد، آخرت به دنبالش است تا بمیراند و دنیا و آخرتش را بر او تباه کند.

﴿۱۵۹۶﴾ همنشینی و مشارکت با فرزندان دنیا، دین را لگه‌دار و یقین را ضعیف می‌کند.
﴿۱۵۹۷﴾ چون خبر کارهای زشت و جنایات بسرب‌ارطاة در یمن به آن حضرت رسید فرمود:
«بار خدایا، همانا بُسر دین خود را به دنیا فروخت، پس عقل او را بگیر و از دینش چیزی که موجبات رحمتت بر او را فراهم کند، برای او باقی مگذار».

﴿۱۵۹۸﴾ هرکس علم را برای امور دنیا و منزلت پیش مردم و بهره‌وری در پیشگاه پادشاه بیاموزد، هرچه از آن به او برسد موجب خود بزرگ‌بینی و فخرفروشی بیشتر او به مردم می‌شود و مایه‌ی فریب‌خوردن بیشتر او در قبال خداوند و ستم به دین می‌شود.

۲-۴-۵- فاسدشدن آخرت

﴿۱۵۹۹﴾ بهره‌ی زیاد از دنیا، آخرت را فاسد می‌کند.

۳-۴-۵- فاسدشدن یقین

﴿۱۶۰۰﴾ نیکویی زهد و بی‌رغبتی در دنیا از افزون‌ترین ایمان است و رغبت به دنیا یقین را فاسد می‌کند.

۴-۴-۵- فاسدشدن ایمان

﴿۱۶۰۱﴾ از دنیا برحذر باش! پس به‌درستی که آن دام شیطان و جایگاه فساد ایمان است.

۵-۴-۵- فاسدشدن عقل

﴿۱۶۰۲﴾ حبّ دنیا عقل را فاسد و قلب را از شنیدن حکمت، کر می‌کند و سرنوشت دردناکی را در پی خواهد داشت.

﴿۱۶۰۳﴾ آرایش‌های دنیا عقل‌های ضعیف را فاسد می‌کند.

﴿۱۶۰۴﴾ سبب فاسدشدن عقل، حبّ دنیا است.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا/ الْفَقْرُ﴾

﴿١٦٠٥﴾ السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَاحْذَرُوا زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَغُرُورَهَا وَشُرُورَهَا وَتَذَكَّرُوا ضَرَرَ عَاقِبَةِ الْمِيلِ إِلَيْهَا فَإِنَّ زِينَتَهَا فِتْنَةٌ وَحُبُّهَا خَطِيئَةٌ... وَيَلْهِىَ عَنِ اقْتِرَابِ الْأَجَلِ حَتَّى كَأَنَّ الْمُبْتَلَى بِحُبِّ الدُّنْيَا بِهِ حَبْلٌ مِنْ سُكْرِ الشَّرَابِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٢٨

٥-٢-٤-٥- فَسَادُ التَّقْوَى

﴿١٦٠٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خُطَّةُ اَبْنَاءِ الدُّنْيَا رَأْسُ الْبَلْوَى وَفَسَادُ التَّقْوَى؛ غررالحكم، ص ١٣٧

٣-٤-٥- الفقرُ والعجزُ

١-٣-٤-٥- الفقرُ

﴿١٦٠٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ كَانَتْ نِيَّتُهُ الدُّنْيَا فَرَّقَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَمْرَهُ وَجَعَلَ الْفَقْرَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ لَمْ يَأْتِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا كُتِبَ لَهُ وَ مَنْ كَانَتْ نِيَّتُهُ الْآخِرَةُ جَمَعَ اللَّهُ شَمْلَهُ وَ جَعَلَ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ وَ أَتَتْهُ الدُّنْيَا وَ هِيَ رَاغِمَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٢٥

﴿١٦٠٨﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ أَصْبَحَ وَآمَسَى وَالدُّنْيَا أَكْبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى الْفَقْرَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَشَتَّ أَمْرَهُ وَلَمْ يَنْدَلِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ وَمَنْ أَصْبَحَ وَآمَسَى وَالْآخِرَةُ أَكْبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ الْغِنَى فِي قَلْبِهِ وَجَمَعَ لَهُ أَمْرُهُ: الكافي، ج ٢، ص ٣١٩

﴿١٦٠٩﴾ الرسول ﷺ: مَنْ جَعَلَ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّهِ فَرَّقَ اللَّهُ عَلَيْهِ هَمَّهُ وَجَعَلَ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ؛

عوالی اللالی، ج ۱، ص ۲۷۲

١-١-٣-٤-٥- فَقْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

﴿١٦١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الزَاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا مُلُوكُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ لَمْ يَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَرَغِبَ فِيهَا فَهُوَ فَقِيرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ زَهَدَ فِيهَا مَلَكَهَا وَمَنْ رَغِبَ فِيهَا مَلَكَتْهُ؛

إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠

۲-۱-۳-۴-۵۔ فَقْرٌ لَا يَدْرِكُ غِنَاهُ

﴿١٦١﴾ الرسول ﷺ: إِنَّهُ مَا سَكَنَ حُبُّ الدُّنْيَا قَلْبَ عَبْدٍ إِلَّا التَّاطَتْ فِيهَا بَنَاتُ شُغْلٍ لَا يَنْفَدُ

عَنَاوُهُ وَفَقْرٌ لَا يُدْرِكُ غِنَاهُ وَآمَلٌ لَا يُنَالُ مُنْتَهَاهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٩٠

۳-۱-۳-۴-۵- فقر منسی

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا/ فقر﴾

﴿۱۶۰۵﴾ از این رو باید هرکدام از شما نفس خود را همانند فردی بدانند که [پس از مرگ] به دنیا بازگشته و بر تقصیر و کوتاهی بر کردار شایسته برای روز تهیدستی و فقر، نادم و پشیمان است.

۵-۴-۲-۶- فاسدشدن تقوا

﴿۱۶۰۶﴾ همنشینی و مشارکت با فرزندان دنیا سرآغاز هر گرفتاری و فاسدشدن تقواست.

۵-۴-۳- فقر و ناتوانی

۵-۴-۳-۱- فقر

﴿۱۶۰۷﴾ هرکس در نیت خود امور دنیوی را در نظر داشته باشد، خداوند کارهای او را پریشان و مشتت نموده و همیشه فقر و تهیدستی را در نظرش مجسم می‌دارد و از تنگدستی می‌ترسد و از مزایای دنیا جز همان مقدار به او نخواهد رسید. ولی آن که در اعمال و فعالیت خود متوجه امر اخروی باشد، خداوند امور او را مرتب و منظم داشته، طبع و حالت بی‌نیازی در روحش قرار می‌دهد و دنیا هم با کمال سهولت و تسلیم به او رو می‌کند.

﴿۱۶۰۸﴾ هرکس شب را به صبح و صبح را به شب برساند، درحالی که بزرگ‌ترین دغدغه‌اش دنیا باشد، خداوند فقر را مقابل چشمانش قرار داده و کارش را بی‌سامان ساخته و به دنیا دست نمی‌یابد مگر به میزانی که قسمتش باشد، و هرکس شب را به صبح و صبح را به شب برساند درحالی که نهایت همتش آخرت باشد، خداوند متعال بی‌نیازی را در دلش قرار داده و کارش را سامان می‌بخشد.

﴿۱۶۰۹﴾ هرکس بزرگ‌ترین دغدغه‌اش را دنیا قرار دهد، خداوند همواره در برابر او [و در تقدیر او] فقر را قرار می‌دهد.

۵-۴-۳-۱-۱- فقر در دنیا و آخرت

﴿۱۶۱۰﴾ پارسایان در دنیا پادشاهان آخرت و دنیا هستند، آن که در دنیا پارسا نباشد و میل به دنیا کند، فقیر دنیا و آخرت است؛ هرکس در دنیا زهد ورزد، مالک دنیا می‌گردد و هرکس میل به دنیا کند، دنیا او را مالک می‌شود.

۵-۴-۲-۱-۲- فقری که به ثروت نخواهد رسید

﴿۱۶۱۱﴾ به یقین مهر دنیا در دل هر بنده‌ای که جا بگیرد، گرفتار سه بیماری می‌شود: کاری که زحمتش تمامی ندارد؛ فقری که به ثروت دنیا نخواهد رسید؛ و آرزویی که به پایان نمی‌رسد.

۵-۴-۳-۱-۳- فقری که نسیان آورد

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْفَقْرُ﴾

﴿١٦١٢﴾ الرسول ﷺ: وَمَا يَنْتَظِرُ أَحَدُكُمْ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا غِنًى مُطْفِئاً أَوْ فَقْرًا مُنْسِئاً أَوْ مَرَضًا مُفْسِئاً أَوْ هَرَمًا مُنْقِئاً أَوْ مَوْتًا مُجْهِزًا؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٥٨
٥-٤-٣-١-٤- فقرٌ لا غناء له

﴿١٦١٣﴾ الرسول ﷺ: أَنَا زَعِيمٌ بِثَلَاثٍ لِمَنْ أَكَبَّ عَلَى الدُّنْيَا بِفَقْرٍ لَا غِنَاءَ لَهُ وَبِشُغْلٍ لَا فَرَاحَ لَهُ وَبِهِمْ وَحُزْنٍ لَا انْقِطَاعَ لَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٨١
٥-٤-٣-١-٥- فقرٌ الآخرة

﴿١٦١٤﴾ الرسول ﷺ: الْفَقْرُ فَقْرَانِ فَقْرُ الدُّنْيَا وَفَقْرُ الْآخِرَةِ فَقْرُ الدُّنْيَا غِنَى الْآخِرَةِ وَغِنَى الدُّنْيَا فَقْرُ الْآخِرَةِ وَذَلِكَ الْهَلَاكُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٩، ص ٤٧
﴿١٦١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ثَرَوَةُ الدُّنْيَا فَقْرُ الْآخِرَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٠
٥-٤-٣-١-٦- مات فقيراً

﴿١٦١٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَسْرَفَ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا مَاتَ فَقِيرًا؛ غرر الحكم، ص ١٢٩
٥-٤-٣-٢- العجز

﴿١٦١٧﴾ الرسول ﷺ: مَنْ يَتَّقِ بِالدُّنْيَا يَعْجِزْ عَنْهُ؛ الزهد، ص ١٤
٥-٤-٣-٣- عدم الكفاية

﴿١٦١٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ كَانَ أَيْسَرُ مَا فِيهَا يَكْفِيهِ وَمَنْ لَمْ يَرْضَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ لَمْ يَكُنْ شَيْءٌ مِنْهَا يَكْفِيهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٧٨
٥-٤-٣-٤- عدم الاستغناء

﴿١٦١٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ الدُّنْيَا مَشْغَلَةٌ عَنْ غَيْرِهَا وَصَاحِبُهَا مَقْهُورٌ فِيهَا لَمْ يَصِبْ مِنْهَا شَيْئًا قَطُّ إِلَّا فَتَحَتْ لَهُ حِرْصًا وَأَدْخَلَتْ عَلَيْهِ مَوْنَةً تَزِيدُهُ رَغْبَةً فِيهَا وَلَنْ يَسْتَعْنِيَ صَاحِبُهَا بِمَا نَالَ عَمَّا لَمْ يَبْلُغْهُ وَمِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ فِرَاقُ مَا جَمَعَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٤٠٢
﴿١٦٢٠﴾ الرسول ﷺ: يَا ابْنَ مَسْعُودٍ مَا يُغْنِي مَنْ يَتَنَعَّمُ فِي الدُّنْيَا إِذَا أُخْلِدَ فِي النَّارِ؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٢٨

﴿١٦٢١﴾ عيسى عليه السلام: فَمَاذَا يُغْنِي عَنِ الْمَيِّتِ طِيبُ رِيحِ حُنُوطِهِ وَبَيَاضُ أَكْفَانِهِ وَكُلُّ ذَلِكَ يَكُونُ فِي التُّرَابِ كَذَلِكَ لَا يُغْنِي عَنْكُمْ بَهْجَةُ دُنْيَاكُمْ الَّتِي زَيْنَتْ لَكُمْ وَكُلُّ ذَلِكَ إِلَى سَلْبٍ وَ

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا/ فقر﴾

﴿۱۶۱۲﴾ از دنیا چه انتظار دارید، جز غنایی که طغیان آورد یا فقری که نسیان آورد یا مرضی که فساد آورد یا پیری ای که زبونی آورد یا مرگی که به سرعت از پا درآورد.
۴-۱-۳-۵- فقری که بی نیازی ندارد

﴿۱۶۱۳﴾ من برای کسی که به دوستی دنیا دل بسته سه چیز را پیش بینی می کنم: فقری که بی نیازی ندارد، گرفتاری که پایان ندارد و غم و اندوهی که تمام نشود.
۵-۴-۳-۱-۵- فقر آخرت

﴿۱۶۱۴﴾ فقر دو نوع است: فقر دنیا و فقر آخرت. فقر دنیا، بی نیازی آخرت را در پی دارد؛ و بی نیازی دنیا، فقر آخرت را و چنین بی نیازی مایه ی هلاکت است.

﴿۱۶۱۵﴾ بسیاری مال دنیا، فقر و بی چیزی آخرت است.
۶-۱-۳-۵- مرگ فقیرانه

﴿۱۶۱۶﴾ هرکس که در طلب دنیا زیاده روی کند، درحالی که فقیر است از دنیا می رود.
۲-۴-۵- عجز

﴿۱۶۱۷﴾ کسی که به دنیا اعتماد کند، عاجز و درمانده خواهد شد.
۳-۴-۵- در حد کفایت دریافت نکردن

﴿۱۶۱۸﴾ هرکس از دنیا به آنچه او را کفایت کند، راضی باشد، کمترین چیزی که در آن است او را کفایت می کند، و هرکس از دنیا به آنچه او را کفایت کند راضی نشود، هیچ چیز از دنیا او را کفایت نمی کند.
۴-۴-۵- رفع نیاز نکردن

﴿۱۶۱۹﴾ به درستی که دنیا بازدارنده ی آدمی از هر کاری است که دنیاگرا در دام آن گرفتار است. هرگز بهره ای از آن نمی برد مگر آنکه دری از طمع را به روی او می گشاید و هزینه ای بر وی تحمیل می کند که دلبستگی او را به آن زیاد می کند و هرگز آرزومند دنیا هرچه از آن طلب و جمع کند، از دنیا سیر و بی نیاز نمی شود. [سرانجام] از آنچه گرد آورده، جدا می شود.

﴿۱۶۲۰﴾ ای پسر مسعود! آن که در دنیا در لذت و نعمت است، چه سودی می برد وقتی در آتش ابدی دوزخ خواهد بود.

﴿۱۶۲۱﴾ بوی مطبوع کافور و سفیدی کفن چه سودی به شخص مرده می رساند حال آنکه همه در خاک می باشند، به همین ترتیب زیبایی و بهجت دنیایی که برای شما زینت داده شده هیچ سودی به شما نمی رساند، چراکه رو به زوال دارد و بازستانده می شود، پاکی جسم ها و صفای

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا/ الدَّلَّةُ﴾

زَوَالَ مَا ذَا يُغْنِي عَنْكُمْ نَقَاءُ أَجْسَادِكُمْ وَصَفَاءُ أُلُوفِكُمْ وَإِلَى الْمَوْتِ تَصِيرُونَ وَفِي الشَّرَابِ تُنْسَوْنَ وَفِي ظُلْمَةِ الْقَبْرِ تُغْمَرُونَ وَيُكَلِّمُ يَا عَبِيدَ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٠٧
﴿١٦٢٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ كَانَ يَسِيرُ الدُّنْيَا لَا يَقْنَعُ لَمْ يُغْنِهِ مِنْ كَثِيرِهَا مَا يَجْمَعُ؛

غرر الحكم، ص ٣٩٤

٥-٤-٣-٥- الحِرْمَانُ

﴿١٦٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اعْتَمَدَ عَلَى الدُّنْيَا فَهُوَ الشَّقِيُّ الْمَحْرُومُ؛ غرر الحكم، ص ١٤٠

﴿١٦٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ آخَى فِي الدُّنْيَا [لِلدُّنْيَا] حُرِمَ؛ غرر الحكم، ص ٢٢٣

٥-٤-٣-٥- البُعْدُ مِنَ الرَّحْمَةِ

﴿١٦٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَمَّا بَلَغَهُ مَا صَنَعَهُ بُسْرُ بْنُ أَرْطَاةَ بِالْيَمَنِ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنْ بُسْرًا بَاعَ دِينَهُ بِالدُّنْيَا فَاسْلُبْهُ عَقْلَهُ وَلَا تُبْقِ لَهُ مِنْ دِينِهِ مَا يَسْتَوْجِبُ بِهِ عَلَيْكَ رَحْمَتَكَ
؛ الإرشاد، ج ١، ص ٣٢١

٥-٤-٣-٧- الْحَيَبَةُ

﴿١٦٢٦﴾ الحسين عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ الدُّنْيَا فَجَعَلَهَا دَارَ فَنَاءٍ وَزَوَالَ مُتَصَرِّفَةً بِأَهْلِهَا حَالًا بَعْدَ حَالٍ فَالْمَغْرُورُ مِنْ غَرَّتِهِ وَالشَّقِيُّ مِنْ فَنَتْهُ فَلَا تَغُرَّنَّكُمْ هَذِهِ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا تَقْطَعُ رَجَاءَ مَنْ رَكَنَ إِلَيْهَا وَتَحْيِبُ طَمَعَ مَنْ طَمَعَ فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٥، ص ٥

﴿١٦٢٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خَابَ رَجَاؤُهُ وَمَطْلَبُهُ مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا أَمَلَهُ وَأَرْبَهُ؛ غرر الحكم، ص ١٤٣

٥-٤-٤- الدَّلَّةُ

٥-٤-٤-١- الدَّلَّةُ

﴿١٦٢٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدِّينُ يُجْلُ الدُّنْيَا تُذِلُّ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

﴿١٦٢٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: طَالِبُ الدُّنْيَا بِالدِّينِ مُعَاقَبٌ مَذْمُومٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

﴿١٦٣٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَالَ: فَأَيُّ ذُلٍّ أَذَلُّ؟ قَالَ: الْحِرْصُ عَلَى الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤،

ص ٣٧٨

٥-٤-٤-٢- الْهَوَانُ

﴿١٦٣١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَوْ أَنَّ حَمَلَةَ الْعِلْمِ حَمَلُوهُ بِحَقِّهِ لَأَحْبَبَهُمُ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَأَهْلُ طَاعَتِهِ

مِنْ خَلْقِهِ وَلَكِنَّهُمْ حَمَلُوهُ لِطَلَبِ الدُّنْيَا فَمَقَتَهُمُ اللَّهُ وَهَانُوا عَلَى النَّاسِ؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ٣٧

﴿بی‌آمدهای دنیادوستی و توجّه به دنیا / ذلّت و خواری﴾

رنگ و روی شما هیچ سودی به شما نمی‌رساند حال آنکه سرنوشت شما به‌سوی مرگ است و در خاک فراموش و در تاریکی قبر پوشانده می‌شوید؟! وای بر شما ای بندگان دنیا. ﴿۱۶۲۲﴾ آن‌که به سهم اندکش از دنیا قانع نشود، بیشتر از آن هرچه جمع کند او را بی‌نیاز نخواهد ساخت.

۵-۴-۳-۵- محروم‌شدن

﴿۱۶۲۳﴾ کسی که به دنیا اعتماد کند، بدبخت و محروم می‌شود.
﴿۱۶۲۴﴾ هرکس به خاطر دنیا با دیگران برادری کند، محروم می‌شود.

۵-۴-۳-۶- دوری از رحمت

﴿۱۶۲۵﴾ چون خبر کارهای زشت و جنایات بسرب‌ارطاة در یمن به آن حضرت رسید فرمود: «بار خدایا، همانا بُسر دین خود را به دنیا فروخت، پس عقل او را بگیر و از دینش چیزی که موجبات رحمتت بر او را فراهم کند، برای او باقی مگذار».

۵-۴-۳-۷- ناامیدی

﴿۱۶۲۶﴾ ستایش مخصوص آن خدایی است که دنیا را سرای فنا و زوال قرار داد و اهل آن را در هر لحظه در حالتی قرار داد. کسی فریب می‌خورد که دنیا او را فریب دهد. شقی کسی است که دنیا او را دچار امتحان نماید. مبادا این دنیا شما را فریب دهد، زیرا این دنیا امید کسی را که به آن دلبستگی داشته باشد، قطع می‌کند و طمع هر کسی را که به آن طمع کند، نابود می‌نماید.

﴿۱۶۲۷﴾ کسی که امید و آرزویش دنیاست، از آرزو و امیدش ناامید خواهد شد.

۵-۴-۴- ذلّت و خواری

۵-۴-۴-۱- ذلّت

﴿۱۶۲۸﴾ دین به انسان عزّت می‌بخشد و دنیگا او را ذلیل می‌کند.
﴿۱۶۲۹﴾ کسی که دنیا را به وسیله‌ی دین طلب کند، بدعاقبت و سرزنش شده است.
﴿۱۶۳۰﴾ پرسید: «کدام خواری ذلّت‌بارتر است؟» فرمود: «حرص بر دنیا».

۵-۴-۴-۲- خواری

﴿۱۶۳۱﴾ اگر دانشمندان بار علم را از روی واقعیّت و حقیقت به دوش بکشند، محبوب خدا و پیامبر و ملائکه و مردمان مطیع خدا قرار می‌گیرند، اما آن‌ها علم را به‌واسطه‌ی دنیا به دست آورده‌اند، به همین جهت مورد خشم خدا و خواری مردم قرار می‌گیرند.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا/ الدَّلَّةُ﴾

٣-٤-٥- المهنة

﴿١٦٣٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِيَّاكَ وَكَثْرَةَ أَوْلَهِ بِالنِّسَاءِ وَالْإِغْتِرَارَ بِلَذَّاتِ الدُّنْيَا فَإِنَّ أَوْلَهُ بِالنِّسَاءِ مُمْتَحَنٌ وَالْغُرَى بِاللَّذَّاتِ مُمْتَهَنٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٤، ص ١٥٩

٣-٤-٥- الإخمال

﴿١٦٣٣﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّهُ مَنْ خَضَعَ لِصَاحِبِ سُلْطَانٍ وَلِمَنْ يُخَالِفُهُ عَلَى دِينِهِ طَلَبًا لِمَا فِي يَدَيْهِ مِنْ دُنْيَاةٍ أَحْمَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَمَقْتَهُ عَلَيْهِ؛ الكافي، ج ٥، ص ١٠٥

٣-٤-٥- اللؤم

﴿١٦٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ جُمِعَ لَهُ مَعَ الْحِرْصِ عَلَى الدُّنْيَا الْبُخْلُ بِهَا فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِعُمُودِي اللَّؤْمِ؛ غرر الحكم، ص ٢٦١

٣-٤-٥- عدم الرفق

﴿١٦٣٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تَرَفَّعْ مِنْ رَفَعَتِهِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤٣

٣-٤-٥- الإرداء

﴿١٦٣٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَسِيرُ الدُّنْيَا يَكْفِي وَكَثِيرُهَا يُرْدِي؛ غرر الحكم، ص ٣٦٨

﴿١٦٣٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: صُنِ الدِّينَ بِالدُّنْيَا يُنْجِكَ وَ لَا تَصْنِ الدُّنْيَا بِالدِّينِ فَتُرْدِيكَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

٣-٤-٥- الصرع

﴿١٦٣٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مَصْرَعُ الْعُقُولِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

﴿١٦٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنْسُوا بِالدُّنْيَا فَعَرَّتْهُمْ وَ وَتَقُوا بِهَا فَصَرَعَتْهُمْ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٣، ص ٩٩

﴿١٦٤٠﴾ الصادق عليه السلام: فَكَمْ مِنْ حَرِيصٍ عَلَى الدُّنْيَا قَدْ صَرَعَتْهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٥٥

﴿١٦٤١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ صَارَعَ الدُّنْيَا صَرَعَتْهُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

٣-٤-٥- الفجعة

﴿١٦٤٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَمْ مِنْ وَائِقٍ بِالدُّنْيَا قَدْ فَجَعَتْهُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

٣-٤-٥- الفاقة

﴿١٦٤٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ آثَرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ حَلَّتْ بِهِ الْفَاقِرَةُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢١

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / ذلت و خواری﴾

۳-۴-۵-رنج

﴿۱۶۳۲﴾ از بسیاری شیفگی بر زنان و از برانگیختن نفس به لذت‌های دنیا پرهیز، به‌درستی که شیفته‌ی زنان به رنج و محنت افتاده است و فریب‌خورده‌ی لذت‌ها، خوار شده است.

۴-۴-۵-خوار کردن

﴿۱۶۳۳﴾ خداوند کسی را که در برابر افراد دارای نفوذ و سلطه خاضع است و با هرکس که با دین خدا مخالف است، به‌قصد به‌دست آوردن دنیای او همراهی کند، خداوند او را خوار می‌کند و بر او خشم می‌گیرد.

۵-۴-۴-سرزنش

﴿۱۶۳۴﴾ کسی که همراه با حرص بر دنیا، صفت بخل را نیز داشته باشد، دستاویز ستون سرزنش شده [و شایسته‌ی سرزنش است].

۶-۴-۵-بالا بردن

﴿۱۶۳۵﴾ کسی را که دنیا او را بالا برده، بلندمرتبه مپندارد.

۷-۴-۵-هلاکت

﴿۱۶۳۶﴾ اندک دنیا کافیت و بسیار آن موجب هلاکت است.

﴿۱۶۳۷﴾ دین را با دنیا حفظ کن تا نجات یابی اما دنیا را با دینت حفظ نکن که هلاک

می‌گردد.

۸-۴-۵-زمین خوردن

﴿۱۶۳۸﴾ دنیا میدان افتادن و لغزیدن عقل‌هاست.

﴿۱۶۳۹﴾ [گذشتگان] به دنیا انس گرفتند ولی آن‌ها را فریفت؛ به دنیا اعتماد کردند ولی آن‌ها

را زمین زد.

﴿۱۶۴۰﴾ چه بسا حریص بر دنیا که دنیا او را به خاک افکنده شده است.

﴿۱۶۴۱﴾ کسی که با دنیا بجنگد، شکست می‌خورد.

۹-۴-۵-فاجعه

﴿۱۶۴۲﴾ چه بسیارند افرادی که به دنیا اعتماد کردند ولی دنیا آن‌ها را به فاجعه‌ها مبتلا

کرد.

۱۰-۴-۵-بدبختی بزرگ

﴿۱۶۴۳﴾ هرکس دنیا را بر آخرت برگزیند، گرفتار بدبختی بزرگ می‌شود.

﴿۵۰۱﴾

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الدَّلَّةُ﴾

١١-٤-٥- ١١-٤-٥- لَيْسَ لِلَّهِ فِيهِمْ حَاجَةٌ

﴿١٦٤٤﴾ الرسول ﷺ: يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ فَيَقْعُدُونَ حَلَقًا ذِكْرُهُمْ لِلدُّنْيَا وَحُبُّ الدُّنْيَا لَا تُجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِلَّهِ فِيهِمْ حَاجَةٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٣٧١

١٢-٤-٥- ١٢-٤-٥- الْوَكْلُ إِلَى نَفْسِهِ

﴿١٦٤٥﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ خَضَعَ لِصَاحِبِ سُلْطَانٍ وَلِمَنْ يُخَالِفُهُ عَلَى دِينِهِ طَلَبًا لِمَا فِي يَدَيْهِ مِنْ دُنْيَاهُ أَحْمَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَقَّتَهُ عَلَيْهِ وَ وَكَلَهُ إِلَيْهِ؛ الكافي، ج ٥، ص ١٠٥

١٣-٤-٥- ١٣-٤-٥- لَا يَنْصُرُهُمُ اللَّهُ

﴿١٦٤٦﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُّ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ؛

(البقرة / ٨٦)

١٤-٤-٥- ١٤-٤-٥- نَزَعُ الْبَرَكَةِ عَنْهُ

﴿١٦٤٧﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ خَضَعَ لِصَاحِبِ سُلْطَانٍ وَلِمَنْ يُخَالِفُهُ عَلَى دِينِهِ طَلَبًا لِمَا فِي يَدَيْهِ مِنْ دُنْيَاهُ أَحْمَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَقَّتَهُ عَلَيْهِ وَ وَكَلَهُ إِلَيْهِ فَإِنْ هُوَ غَلَبَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ دُنْيَاهُ فَصَارَ إِلَيْهِ مِنْهُ شَيْءٌ نَزَعَ اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ اسْمُهُ الْبَرَكَةَ مِنْهُ؛ الكافي، ج ٥، ص ١٠٥

١٥-٤-٥- ١٥-٤-٥- لَيْسَ بِشَيْءٍ

﴿١٦٤٨﴾ الصادق عليه السلام: فَمَا كَانَ فِي اللَّهِ وَ رَسُولِهِ فَتَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ وَ مَا كَانَ فِي الدُّنْيَا فَلَيْسَ

بِشَيْءٍ؛ بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ٩٢

٥-٤-٥- ٥-٤-٥- الْخُسْرَانُ

﴿١٦٤٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا خُسْرَانٌ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

﴿١٦٥٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا سُوقُ الْخُسْرَانِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

﴿١٦٥١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُلُّ أَرْبَاحِ الدُّنْيَا خُسْرَانٌ؛ غرر الحكم، ص ١٤٣

﴿١٦٥٢﴾ السَّجَّاد عليه السلام: إِنْ أَمْرًا يَسْعَى لِدُنْيَاهُ جَاهِدًا وَ يَذْهَلُ عَنْ أَخْرَاهُ لَا شَكَّ خَاسِرٌ؛

البلد الأمين، ص ٣٢٠

﴿١٦٥٣﴾ عَمَّا رَوَاهُ اللَّهُ: وَإِنْ هَؤُلَاءِ الْقَوْمُ دَعَوْا النَّاسَ إِلَى دُنْيَاهُمْ فَأَجَابُوهُمْ إِلَيْهَا وَ وَهَبُوا لَهُمْ

دِينَهُمْ فَخَسِرُوا الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ؛ بحار الأنوار، ج ٢٢، ص ٤٣٦

﴿٥٠٢﴾

﴿پیآمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / ذلت و خواری﴾

۱۱-۴-۵- خدا به آنان نیازی ندارد

﴿۱۶۴۴﴾ در آخرالزمان قومی به مساجد می آیند و حلقه وار می نشینند که ذکرشان دنیا و حبّ دنیاست، با آنها همنشین نشوید که آنان نیازی به خدا ندارند.

۱۲-۴-۵- واگذاری به خودش

﴿۱۶۴۵﴾ خداوند کسی را که در برابر افراد دارای نفوذ و سلطه خاضع است و با هرکس که با دین خدا مخالف است، به قصد به دست آوردن دنیای او همراهی کند، خداوند او را خوار می کند و بر او خشم گرفته و به خودش وامی گذارد.

۱۳-۴-۵- خدا آنها را یاری نخواهد کرد

﴿۱۶۴۶﴾ اینها همان کسانی هستند که آخرت را به زندگی دنیا فروخته اند از این رو عذاب آنها تخفیف داده نمی شود و کسی آنها را یاری نخواهد کرد.

۱۴-۴-۵- گرفتن برکت از او

﴿۱۶۴۷﴾ خداوند کسی را که در برابر افراد دارای نفوذ و سلطه خاضع است و با هرکس که با دین خدا مخالف است، به قصد به دست آوردن دنیای او همراهی کند، خداوند او را خوار می کند و بر او خشم گرفته و به خودش وامی گذارد. پس اگر بر دنیا غلبه کند و چیزی از دنیای آن شخص به او رسد، خداوند عزیز برکت را از آن برمی دارد.

۱۵-۴-۵- چیزی نیست

﴿۱۶۴۸﴾ آنچه که در راه خدا و پیامبر باشد، پاداش آن با خداست و آنچه که در راه دنیا باشد، چیزی نیست.

۵-۴-۵- زیان

﴿۱۶۴۹﴾ دنیا سرای زیان گاست.

﴿۱۶۵۰﴾ دنیا بازار زیان کاری است.

﴿۱۶۵۱﴾ همه سودهای دنیا زیان است.

﴿۱۶۵۲﴾ انسان با تمام تلاش برای دنیای خود می کوشد و آخرت خود را رها کرده و قطعاً

ضرر می کند.

﴿۱۶۵۳﴾ این گروه، مردم را به سوی دنیا خواندند و مردم به آنها پاسخ دادند و دین خود را به

آنها بخشیدند. پس زیانکار دنیا و آخرت شدند.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا/ الدَّلَّةُ﴾

﴿١٦٥٤﴾ الصادق عليه السلام: وَمَنْ يَكُنْ فِي الدُّنْيَا ذَلِيلًا وَضَعِيفًا كَانَ أَهْوَنَ عَلَيْهِ فِي الْمَعَادِ مِنْ أَنْ يَكُونَ فِيهِ حَكَمًا سَرِيًّا شَرِيفًا وَمَنْ اخْتَارَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ يَخْسِرُهَا كِلْتاهُمَا تَزُولُ هَذِهِ وَلَا تُدْرِكُ تِلْكَ؛ مستدرك الوسائل، ج ١٧، ص ٣٤٦

﴿١٦٥٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنْ مَنْ بَاعَ جَنَّةَ الْمَأْوَى بِعَاجِلَةِ الدُّنْيَا تَعَسَّ جِدُّهُ وَخَسِرَتْ صِفَتُهُ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

﴿١٦٥٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَخْسَرُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ الدُّنْيَا [بِالدُّنْيَا] عِوَضًا عَنِ الْآخِرَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٠

﴿١٦٥٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تُرَخِّصْ لِنَفْسِكَ فِي مُطَاوَعَةِ الْهَوَىٰ وَإِثَارِ لَذَاتِ الدُّنْيَا فَيَقْسُدَ دِينُكَ وَلَا يَصْلُحَ وَتَخْسِرَ نَفْسُكَ وَلَا تَرْجِعَ؛ غرر الحكم، ص ٣٠٦

﴿١٦٥٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَخْسَرُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ الدُّنْيَا [بِالدُّنْيَا] عِوَضًا عَنِ الْآخِرَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٤١

﴿١٦٥٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَخْسَرُ مِمَّنْ تَعَوَّضَ عَنِ الْآخِرَةِ بِالدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤١

﴿١٦٦٠﴾ الباقر عليه السلام: أَلَا أَتَيْتُكُمْ بِأَخْلَى النَّاسِ مِيزَانًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَتَيْنَهُمْ خُسْرَانًا مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٧، ص ١٦٥

﴿١٦٦١﴾ الصادق عليه السلام: أَتَيْنَهُمْ خُسْرَانًا مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ؛ الأُمَالِي لِلطُّوسِي، ص ٥٠

﴿١٦٦٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: صُنْ دِينَكَ بِدُنْيَاكَ تَرْبِحُهُمَا وَلَا تَصُنْ دُنْيَاكَ بِدِينِكَ فَتَخْسِرَهُمَا؛ مستدرك الوسائل، ج ١٢، ص ٦

﴿١٦٦٣﴾ لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ بَعْ دُنْيَاكَ بِآخِرَتِكَ تَرْبِحُهُمَا جَمِيعًا وَلَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ تَخْسِرُهُمَا جَمِيعًا؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٤٢١

﴿١٦٦٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا خَسِرَهُمَا؛ غرر الحكم، ص ١٤١

﴿١٦٦٥﴾ ابوذر رضي الله عنه: الْخَاسِرُ مَنْ عَمَرَ دُنْيَاهُ بِخَرَابِ آخِرَتِهِ وَالْخَاسِرُ مَنْ اسْتَصْلَحَ مَعَاشَهُ بِفَسَادِ دِينِهِ؛ مستدرك الوسائل، ج ١٢، ص ٦

﴿١٦٦٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنْ جَعَلْتَ دِينَكَ تَبَعًا لِدُنْيَاكَ أَهْلَكَتَ دِينَكَ وَدُنْيَاكَ وَكُنْتَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

﴿١٦٦٧﴾ السَّجَّاد عليه السلام: فَإِنَّ فِي النَّاسِ مَنْ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ بِتَرْكِ الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا وَيَرَى أَنَّ لَذَّةَ الرِّئَاسَةِ الْبَاطِلَةِ أَفْضَلُ مِنْ لَذَّةِ الْأَمْوَالِ وَالنَّعْمِ الْمُبَاحَةِ الْمُحَلَّلَةِ فَيَتْرُكُ ذَلِكَ أَجْمَعَ طَلَبًا لِلرِّئَاسَةِ؛ وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٣١٨

﴿پیآمدهای دنیادوستی و توجّه به دنیا / ذلّت و خواری﴾

﴿۱۶۵۴﴾ هرکس در دنیا ذلیل و ضعیف باشد، در آخرت حسابش آسان‌تر از کسی است که در دنیا حاکم و بزرگ و شریف باشد و هرکس دنیا را بر آخرت برگزیند هر دو را از دست می‌دهد، که این یکی (دنیا) تمام می‌شود و آن یکی (آخرت) را به دست نخواهد آورد.

﴿۱۶۵۵﴾ به‌درستی که هرکس بهشت برین را به دنیای حاضر و زودگذر بفروشد، تلاش و کوشش او تباه می‌شود و در تجارت خویش زیان می‌کند.

﴿۱۶۵۶﴾ زیانکارترین مردم کسی است که در عوض آخرت به دنیا راضی شود.

﴿۱۶۵۷﴾ به نفست اجازه نده که از هوی و هوس تبعیت کند و در پی لذت‌های دنیا برود که موجب فساد دینت شده و آن را اصلاح نمی‌کند و به خودت نیز ضرر می‌رساند و هیچ سودی نیز ندارد.

﴿۱۶۵۸﴾ زیانکارترین مردم کسی است که راضی به دنیا در عوض آخرت شود.

﴿۱۶۵۹﴾ چه کسی زیانکارتر از آن است که دنیا را در عوض آخرت بگیرد؟

﴿۱۶۶۰﴾ آگاه باشید! که سبک‌ترین اعمال در ترازوی قیامت و زیان آشکار مربوط به کسی است که آخرت خود را به دنیای دیگری بفروشد.

﴿۱۶۶۱﴾ زیانکارترین فرد کسی است که آخرتش را به دنیای دیگران بفروشد.

﴿۱۶۶۲﴾ دینت را با دنیایت حفظ کن تا در هر دو سود کنی اما دنیایت را با دینت حفظ نکن که در هر دو زیان خواهی کرد.

﴿۱۶۶۳﴾ ای پسر! دنیایت را به آخرت بفروش در این‌صورت در هر دوی آن‌ها سود می‌کنی، ولی آخرت را به دنیا نفروش چون هر دو را از دست می‌دهی.

﴿۱۶۶۴﴾ کسی که آخرتش را به دنیایش بفروشد، در هر دو ضرر کرده است.

﴿۱۶۶۵﴾ کسی که دنیایش را با خراب کردن آخرت آباد کند، زیانکار است و کسی که معاشش را با فساد در دینش به دست آورد نیز زیانکار است.

﴿۱۶۶۶﴾ اگر دینت را تابع دنیایت قرار دهی، دین و دنیایت را تباه می‌کنی و در آخرت نیز از زیانکاران هستی.

﴿۱۶۶۷﴾ در میان مردم کسانی هستند که زیانکار دنیا و آخرتند و دنیا را به‌قصد رسیدن به دنیا ترک کرده و گمان می‌کنند که لذت این ریاست‌های باطل [و شهرت به زهد] بهتر از استفاده از اموال و نعمت‌های مباح دنیا است. و همه‌ی این‌ها را به خاطر جاه‌طلبی و ریاست باطل ترک می‌کنند.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا/ الدَّلَّةُ﴾

- ﴿١٦٦٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: سئل أمير المؤمنين عليه السلام عن عظيم الشقاق [الشقاء] قال رجلٌ ترك الدنيا للدنيا ففاته الدنيا وخسر الآخرة؛ بحار الأنوار، ج ٩، ص ٣٠٠
- ﴿١٦٦٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إنك إن عملت للدنيا خسرت صفقتك؛ غرر الحكم، ص ١٥٨
- ﴿١٦٧٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: من عمل للدنيا خسر؛ غرر الحكم، ص ١٥٨

١-٥-٤-٥-الضر

﴿١٦٧١﴾ السجاد عليه السلام: ولا تطلب الدنيا فإن طلبها، فإن نلت منها غيها لك ضائر؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٠

- ﴿١٦٧٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدنيا تغر وتضر وتمر؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٣
- ﴿١٦٧٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إنك لن تلقى الله سبحانه بعمل أضرك عليك من حب الدنيا؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١

- ﴿١٦٧٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: دنيا عدمتكم ما أمرتكم، لكم كثيرين فما أضرك، ما ذاق خيرك ذائق، إلا صبت عليه شرك؛ ديوان الإمام علي عليه السلام، ص ١٩٦
- ﴿١٦٧٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لا يترك الناس شيئاً من أمر دينهم لاستصلاح دنياهم إلا فتح الله عليهم ما هو أضرب منه؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ١٠٧
- ﴿١٦٧٦﴾ الصادق عليه السلام: من اجتهد لدنياه أضرباً بخيرته ومن أثار آخرته آتاه الله رزقه وسعد بقاء ربه؛ مشكاة الأنوار، ص ١١٤

﴿١٦٧٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدنيا تضر الآخرة تسر؛ غرر الحكم، ص ١٤٠

٢-٥-٤-٥-تخريب المال

﴿١٦٧٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: من عمر دنياه خرب ماله؛ غرر الحكم، ص ١٤٧

٦-٤-٥-الهلاك

﴿١٦٧٩﴾ الرسول ﷺ: إزهدوا في هذه الدنيا الزاهدة فيكم فإنها غرارة دار فناء وزوال؛ كم من معتز فيها قد أهلكته وكم من واثق بها قد خائته وكم من معتمد عليها قد خدعته؛

بحار الأنوار، ج ٣٨، ص ٩٩

﴿١٦٨٠﴾ الرسول ﷺ: منهومان لا يشبعان طالب دنيا و طالب علم فمن اقتصر من الدنيا على ما أحل الله له سلم ومن تناولها من غير حلها هلك إلا أن يتوب أو يرجع ومن أخذ العلم من أهله وعمل بعلمه نجا ومن أراد به الدنيا فهي خطه؛ الكافي، ج ١، ص ٤٦

﴿٥٠٦﴾

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / ذلت و خواری﴾

﴿۱۶۶۸﴾ از امام علی علیه السلام سؤال شد: «بدبختی و شقاوت بزرگ چیست؟» فرمود: «کسی که دنیا را برای رسیدن به دنیا ترک می‌کند، این دنیا را از دست می‌دهد و در آخرت هم سودی نمی‌برد و زیان می‌کند».

﴿۱۶۶۹﴾ اگر فقط برای دنیایت تلاش کنی، در معاملات ضرر کرده‌ای.

﴿۱۶۷۰﴾ کسی که فقط برای دنیایش کار و تلاش کند، ضرر کرده است.

۵-۴-۵-۱- ضرر

﴿۱۶۷۱﴾ به دنبال دنیا نباش که جستجوی دنیا هرچند به آن برسی عاقبت زیانمند است.

﴿۱۶۷۲﴾ دنیا می‌فریبد و زیان می‌رساند و می‌گذرد.

﴿۱۶۷۳﴾ به‌درستی که خداوند سبحان را با عملی پرضررتر از حبّ دنیا ملاقات نخواهی کرد.

﴿۱۶۷۴﴾ ای دنیا! تو را کنار می‌گذارم، چقدر تلخی! چقدر برای کسی که در طلب تو بسیار می‌کوشد زیانباری. هیچ‌کس طعم خیر و نیکی تو را نچشیده مگر آنکه شرّ را بر او ریخته باشی.

﴿۱۶۷۵﴾ آن‌ها که برای اصلاح کارهای دنیایی خود از دینشان مایه می‌گذارند و دین را رها

می‌کنند، خداوند آن‌ها را به مشکلاتی خواهد انداخت که زیان بیشتری خواهند دید.

﴿۱۶۷۶﴾ هرکس برای دنیایش تلاش کند، به آخرتش ضرر زده و کسی که آخرتش را مقدّم

بدارد، خداوند رزقش را می‌دهد و [آن شخص] سعادت ملاقات پروردگارش را می‌یابد.

﴿۱۶۷۷﴾ دنیا زیان می‌رساند و آخرت شاد می‌کند.

۵-۴-۵-۲- از بین بردن دارایی‌ها

﴿۱۶۷۸﴾ کسی که دنیایش را آباد کند، دارایی‌هایش را خراب کرده است.

۵-۴-۶- هلاکت

﴿۱۶۷۹﴾ به این دنیایی که به شما رغبت ندارد، بی‌رغبت باشید. پس آن بسیار فریبنده و

محلّ نابودی و زوال است. چه بسیار فریب‌خوردگانی که دنیا نابودشان کرد و چه بسیار

تکیه‌کنندگان به دنیا که به آن‌ها خیانت نمود و چه بسیار اعتمادکنندگان بر دنیا که به آن‌ها

نیرنگ زد و تسلیمشان نمود».

﴿۱۶۸۰﴾ دو گرسنه هستند هرگز سیر نمی‌شوند: ۱. طالب دنیا ۲. طالب علم. کسی که بر

حلال دنیا اکتفا کند، سالم می‌ماند و کسی که حرام دنیا را بخورد، هلاک می‌گردد، مگر توبه کند

یا برگردد. و کسی که علم را از اهل فراگیرد و به آن عمل کند، نجات می‌یابد. و کسی که

به‌وسیله‌ی آن علم، دنیا را بخواهد، فقط همان دنیا بهره‌ی اوست.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا/ الدَّلَّةُ﴾

﴿١٦٨١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ كَمْ عَالَمٌ قَدْ أَهْلَكَتُهُ الدُّنْيَا... مَنْ لَا بُدَّ لَكَ مِنْهُ أَحَقُّ مَنْ أَطَعْتَ مُرْشِدَهُ لَا يَعْصِيكَ مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا جَمَعَ لِعَیْرِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١

﴿١٦٨٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ حَرَصَ عَلَى الدُّنْيَا هَلَكَ؛ غرر الحكم، ص ٢٩٤

﴿١٦٨٣﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا وَ الدَّرْهَمَ أَهْلَكَا مَنْ كَانَ قَبْلُكُمْ وَ هُمَا مُهْلِكَاكُمْ؛

مشكاة الأنوار، ص ٢٦٥

﴿١٦٨٤﴾ الصادق عليه السلام: بَيْنَا عِيسَى فِي سِيَاحَتِهِ إِذْ مَرَّ بِقَرْيَةٍ فَوَجَدَ أَهْلَهَا مَوْتَى... فَقَالَ [عِيسَى عليه السلام]: مَا حَالُكُمْ وَ مَا قَصَّتْكُمْ فَقَالَ بَتْنَا فِي عَافِيَةٍ وَ أَصْبَحْنَا فِي الْهَآوِيَةِ قَالَ وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ لِحُبِّنَا الدُّنْيَا قَالَ كَيْفَ كَانَ حُبُّكُمْ لَهَا قَالَ حُبُّ الصَّبِيِّ لِمُمِّهِ إِذَا أَقْبَلَتْ فَرَحَ بِهَا وَ إِذَا أَدْبَرَتْ حَزَنَ عَلَيْهَا وَ بَكَى قَالَ فَمَا بَالُ أَصْحَابِكَ لَمْ يُحْيِيُونِي قَالَ لِأَنَّهُمْ مُلْجَمُونَ بِلُجْمٍ مِنْ نَارِ بَأْيَدِي مَلَائِكَةِ غِلَظٍ شِدَادٍ قَالَ فَكَيْفَ أَجَبْتَنِي أَنْتَ مِنْ بَيْنِهِمْ قَالَ لِأَنِّي كُنْتُ فِيهِمْ وَ لَمْ أَكُنْ مِنْهُمْ فَلَمَّا نَزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ أَصَابَنِي مَعَهُمْ فَأَنَا مُعَلَّقٌ عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ لَا أَدْرِي أَنْجُو مِنْهَا أَكْبُكِبُ فِيهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٤٢٢

﴿١٦٨٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُلَّمَا ازْدَادَ الْمَرْءُ بِالدُّنْيَا شُغْلًا وَ زَادَ بِهَا وَلَهًا أَوْرَدَتْهُ الْمَسَالِكَ وَ أَوْفَعَتْهُ فِي الْمَهَالِكِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٠

﴿١٦٨٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: هَلَكَ الْفَرِحُونَ بِالدُّنْيَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ نَجَا الْمَحْزُونُونَ بِهَا؛

غرر الحكم، ص ١٤١

﴿١٦٨٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنْ جَعَلْتَ دِينَكَ تَبَعًا لِدُنْيَاكَ أَهْلَكَتَ دِينَكَ وَ دُنْيَاكَ وَ كُنْتَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

١-٤-٥-التعسُّ

﴿١٦٨٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنْ مَنْ بَاعَ جَنَّةَ الْمَأْوَى بِعَاجِلَةِ الدُّنْيَا تَعَسَّ جِدُّهُ وَ خَسِرَتْ

صِفَقَتُهُ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

٢-٤-٥-الإيباقُ

﴿١٦٨٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اسْتَكْتَرَ مِنَ الدُّنْيَا اسْتَكْتَرَ مِمَّا يُوبِقُهُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

٣-٤-٥-الشَّقَاءُ

﴿١٦٩٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّهِ طَالَ شَقَاؤُهُ وَ غَمُّهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٨١

﴿٥٠٨﴾

﴿پیآمدهای دنیادوستی و توجّه به دنیا / ذلت و خواری﴾

﴿۱۶۸۱﴾ بسا دانشمندانی که دنیا آن‌ها را نابود کرده است... شایسته‌ترین کسی که باید او را اطاعت کنی کسی است که راهنمایی‌ات می‌کند و مخالف تو نیست. کسی که دنیادوست باشد برای دیگران جمع می‌کند.

﴿۱۶۸۲﴾ کسی که بر دنیا حریص باشد، هلاک می‌گردد.

﴿۱۶۸۳﴾ دنیا و مال گذشتگان شما را هلاک کردند و این دو هلاک‌کننده‌ی شما نیز هستند.

﴿۱۶۸۴﴾ عیسی علیه السلام در یکی از سفرها به روستایی رسید و مشاهده کرد اهل آن آبادی همه مرده‌اند... عیسی علیه السلام پرسید: «حال شما و داستان شما چیست؟» عرض کرد: «ما شب تندرست و خوش خوابیدیم و صبح خود را در هلاکت دیدیم». فرمود: «چگونه شد؟» گفت: «به خاطر علاقه‌ی ما به دنیا و پیروی از گنهکاران بود». فرمود: «علاقه‌ی شما به دنیا چگونه بود؟» گفت: «مانند علاقه‌ی کودک به مادرش، هرگاه دنیا به ما رو می‌کرد، خوشحال و هرگاه پشت می‌کرد، محزون و گریان بودیم». فرمود: «به همراهان تو چه شده که پاسخ مرا نمی‌دهند؟» گفت: «به دهان‌های آنان لجامی از آتش است که به دست فرشتگان عذاب است». فرمود: «از بین آن‌ها تو چگونه توانستی پاسخ دهی؟» گفت: «من با اینکه در بین آن‌ها بودم، اما از آن‌ها نبودم و هنگامی که عذاب بر آن‌ها نازل شد، مرا نیز فرا گرفت و من در لبه‌ی جهنّم آویخته‌ام، نمی‌دانم از آن نجات می‌یابم و یا سقوط می‌کنم».

﴿۱۶۸۵﴾ هرچه انسان بیشتر مشغول دنیا گردد و بیشتر سرگشته‌ی آن شود، وارد مسیرهای سخت بیشتری می‌شود و در مهلکه‌های بیشتری قرار می‌گیرد.

﴿۱۶۸۶﴾ کسانی که به داشتن دنیا شادند، در قیامت هلاک می‌گردند. و کسانی که از نداشتن دنیا محزونند، نجات خواهند یافت.

﴿۱۶۸۷﴾ اگر دینت را تابع دنیایت قرار دهی، دین و دنیایت را تباه می‌کنی و در آخرت نیز از زیانکاران هستی.

۱-۶-۵- تباه شدن

﴿۱۶۸۸﴾ به‌درستی که هرکس بهشت برین را به دنیای حاضر و زودگذر بفروشد، تلاش و کوشش او تباه می‌شود و در تجارت خویش زیان می‌کند.

۲-۶-۵- هلاک شدن

﴿۱۶۸۹﴾ هرکس از دنیا بسیار طلب کند، بیشتر هلاک می‌شود.

۳-۶-۵- بدبختی

﴿۱۶۹۰﴾ هرکس بزرگ‌ترین مقصودش دنیا باشد، بدبختی و غمش طولانی می‌شود.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا/ الدَّلَّةُ﴾

﴿١٦٩١﴾ الحسين عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ الدُّنْيَا فَجَعَلَهَا دَارَ فَنَاءٍ وَ زَوَالٍ مُتَصَرِّفَةً بِأَهْلِهَا حَالًا بَعْدَ حَالٍ فَالْمَعْرُورُ مِنْ غَرَّتِهِ وَ الشَّقِيُّ مِنْ فِتْنَتِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٥، ص ٥

﴿١٦٩٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا تَمَهِّرِ الدُّنْيَا دِينَكَ فَإِنَّ مِنْ مَهَرٍ [أَمَهَرَ] الدُّنْيَا دِينَهُ زُقَّتْ إِلَيْهِ بِالشَّقَاءِ وَالْعَنَاءِ وَالْمِخْنَةِ وَالْبَلَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

﴿١٦٩٣﴾ الرسول ﷺ: أَرْبَعُ خِصَالٍ مِنَ الشَّقَاءِ جُمُودُ الْعَيْنِ وَ قَسَاوَةُ الْقَلْبِ وَ الْإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ وَ الْحِرْصُ عَلَى الدُّنْيَا؛ كنز الفوائد، ج ٢، ص ١٠

﴿١٦٩٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اعْتَمَدَ عَلَى الدُّنْيَا فَهُوَ الشَّقِيُّ الْمَحْرُومُ؛ غرر الحكم،

ص ١٤٠

﴿١٦٩٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ طَالَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ شَقَاؤُهُ وَ غَمُّهُ؛ غرر الحكم،

ص ١٤٠

﴿١٦٩٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سَبَبُ الشَّقَاءِ حُبُّ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤٠

﴿١٦٩٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: دَعَاكُمْ اللَّهُ سُبْحَانَهُ إِلَى دَارِ الْبَقَاءِ وَ قَرَارَةِ الْخُلُودِ وَ النِّعْمَاءِ وَ مُجَاوَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ السُّعَدَاءِ فَعَصَيْتُمْ وَ دَعْتُمْ الدُّنْيَا إِلَى قَرَارَةِ الشَّقَاءِ وَ مَحَلِّ الْفَنَاءِ وَ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَ الْعَنَاءِ فَاطَّعْتُمْ وَ بَادَرْتُمْ وَ أَسْرَعْتُمْ؛ غرر الحكم، ص ١٤٥

﴿١٦٩٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِيَّاكَ وَ أَوْلَكَ بِالدُّنْيَا فَإِنَّهَا تُورِثُكَ الشَّقَاءَ وَ الْبَلَاءَ وَ تَحْدُوكَ

عَلَى بَيْعِ الْبَقَاءِ بِالْفَنَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٩

﴿١٦٩٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَكْثَرُ الْمَصَائِبِ وَ الشَّقَاءِ أَوْلَهُ بِالدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤٠

﴿١٧٠٠﴾ الرسول ﷺ: قَالَ: فَأَيُّ الْخَلْقِ أَشَقَى؟ قَالَ: مَنْ بَاعَ دِينَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ؛ من لا يحضره الفقيه،

ج ٤، ص ٣٨١

﴿١٧٠١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِنَ الشَّقَاءِ أَنْ يَصُونَ الْمَرْءُ دُنْيَاهُ بِدِينِهِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

٤-٤-٥- القهقري

﴿١٧٠٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِذَا كَتَمَ الْعَالِمُ عِلْمَهُ وَ بَخَلَ الْغَنِيُّ بِمَالِهِ وَ بَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ وَ اسْتَكْبَرَ الْجَاهِلُ عَنْ طَلَبِ الْعِلْمِ رَجَعَتِ الدُّنْيَا إِلَى وَرَائِهَا الْقَهْقَرَى؛ بحار الأنوار، ج ٢،

ص ٦٧

٥-٤-٥- الردى

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجّه به دنیا / ذلّت و خواری﴾

﴿۱۶۹۱﴾ ستایش مخصوص آن خدایی است که دنیا را سرای فنا و زوال قرار داد و اهل آن را در هر لحظه در حالتی قرار داد. کسی فریب می‌خورد که دنیا او را فریب دهد. شقی کسی است که دنیا او را به فتنه بیندازد.

﴿۱۶۹۲﴾ دین خود را کابین دنیا نکن. پس به‌درستی که هرکس مهریه‌ی مال دنیایش، دینش باشد؛ با بدبختی، رنج، اندوه و گرفتاری ازدواج خواهد کرد.

﴿۱۶۹۳﴾ چهار خصلت از اثرات شقاوت است: خشکی چشم [و گریه‌نکردن از خوف خدا]، قساوت قلب، اصرار بر گناه و حرص بر دنیا.

﴿۱۶۹۴﴾ کسی که به دنیا اعتماد کند، بدبخت و محروم می‌شود.

﴿۱۶۹۵﴾ کسی که تمام همّتش دنیا باشد، در روز قیامت گرفتاری و غصّه‌اش طولانی خواهد شد.

﴿۱۶۹۶﴾ حبّ دنیا سبب بدبختی است.

﴿۱۶۹۷﴾ خداوند سبحان شما را به منزل جاودانه و جایگاه همیشگی و خانه‌ی نعمت‌ها و همسایگی انبیاء الطیّین و سعادتمندان دعوت می‌کند ولی شما نافرمانی می‌کنید؛ اما دنیا شما را به منزلگاه بدبختی و جایگاه فنا و انواع بلا و سختی‌ها دعوت می‌کند و شما از او اطاعت می‌کنید و به آن مبادرت ورزیده و با سرعت به سمت او می‌روید!

﴿۱۶۹۸﴾ برحذر باش که مبادا سرگشته‌ی دنیا گردی که جز بدبختی و بلانصبی برای تو به ارمغان نمی‌آورد و تو را بر فروختن آخرت به‌جای دنیا هدایت می‌کند.

﴿۱۶۹۹﴾ بزرگترین مصیبت‌ها و بدبختی حیران‌شدن و سرگستگی به دنیاست.

﴿۱۷۰۰﴾ [پیرمرد شامی از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید:] «کدام مخلوق، بدبخت‌ترین فرد است؟»

فرمود: «کسی که دین خود را به دنیای دیگران بفروشد».

﴿۱۷۰۱﴾ اینکه فردی با دینش دنیایش را حفظ کند، از شقاوت اوست.

۴-۶-۵- فقہرا و پس‌رفت

﴿۱۷۰۲﴾ هرگاه عالم دانش خود را پوشیده دارد و توانگر به مال خود بخل ورزد و مستمند آخرت خود را به دنیا بفروشد و نادان در طلب دانش تکبر کند، جهان در پی آن به فقہرا بر خواهد گشت.

۵-۶-۴- هلاکت

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الدَّلَّةُ﴾

﴿١٧٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا بِمُحَالِ الْأَمَالِ وَخَدَعَتْهُ بِزُورِ الْأَمَانِي أَوْرَثَتْهُ كَمَهَا وَآلَبَسَتْهُ عَمَى [وَأَكْسَبَتْهُ عَمَهَا] وَقَطَعَتْهُ عَنِ الْآخِرَى وَأَوْرَدَتْهُ مَوَارِدَ الرَّدَى؛ غررالحكم، ص ١٣٥
٥-٤-٧- الموتُ

﴿١٧٠٤﴾ الباقر عليه السلام: مَثَلُ الْحَرِيصِ عَلَى الدُّنْيَا كَمَثَلِ ذُوْدَةِ الْقَزِّ كُلَّمَا ازْدَادَتْ عَلَى نَفْسِهَا لَفًّا كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٤
﴿١٧٠٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الرِّزْقُ رِزْقَانِ طَالِبٌ وَمَطْلُوبٌ فَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَهُ الْمَوْتُ حَتَّى يَخْرُجَ عَنْهَا وَمَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَوْفِيَ رِزْقَهُ مِنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٣٨

﴿١٧٠٦﴾ الصادق عليه السلام: الدُّنْيَا طَالِبَةٌ وَمَطْلُوبَةٌ فَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَهُ الْمَوْتُ حَتَّى يُخْرِجَهُ مِنْهَا وَمَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا حَتَّى تُؤَفِّيَهُ رِزْقَهُ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤٠٩
٥-٤-٧-١- الحَتَفُ

﴿١٧٠٧﴾ الرسول ﷺ: دَعَا الدُّنْيَا لِأَهْلِهَا فَمَنْ أَخَذَ مِنَ الدُّنْيَا فَوْقَ مَا يَكْفِيهِ أَخَذَ حَتْفَهُ وَهُوَ لَا يَشْعُرُ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٥٦
٥-٤-٧-٢- الفَوْتُ

﴿١٧٠٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ سَاعَى لِلدُّنْيَا فَاتَتْهُ؛ غررالحكم، ص ١٢٩
﴿١٧٠٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ رَغِبَ فِي زَخَارِفِ الدُّنْيَا فَاتَهُ الْبَقَاءُ الْمَطْلُوبُ؛ غررالحكم، ص ١٤١
٥-٤-٧-٣- الْقَتْلُ

﴿١٧١٠﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ إِنَّ مَثَلَ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ مَسُّهَا لَيْنٌ وَفِي جَوْفِهَا السَّمُّ الْقَاتِلُ يَحْذَرُهَا الرِّجَالُ ذَوُو الْعُقُولِ وَيَهْوَى إِلَيْهَا الصَّبِيَّانُ بِأَيْدِيهِمْ ... يَا هِشَامُ مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ ازْدَادَ عَطْشًا حَتَّى يَقْتُلَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣١١
﴿١٧١١﴾ الصادق عليه السلام: تَمَثَّلَتِ الدُّنْيَا لِعِيسَى عليه السلام فِي صُورَةِ امْرَأَةٍ زَرْقَاءَ فَقَالَ لَهَا كَمْ تَزَوَّجْتَ قَالَتْ كَثِيرًا قَالَ فَكُلُّ طَلَّقَكَ قَالَتْ بَلْ كُلُّ قَتَلْتُ قَالَ فَوَيْحَ أَزْوَاجِكَ الْبَاقِينَ كَيْفَ لَا يَعْتَبِرُونَ بِالْمَاضِيْنَ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٣٠

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجّه به دنیا / ذلّت و خواری﴾

﴿۱۷۰۳﴾ کسی که دنیا او را با آرزوهای محال فریب دهد و او را با امیدهای دروغین گول زند، برایش کوری و کوردلی به جا می‌گذارد و او را از آخرت جدا می‌سازد و در محلّ هلاکت وارد می‌کند.
۷-۴-۵- مرگ

﴿۱۷۰۴﴾ مثّل حریص بر دنیا مثّل کرم ابریشم است که هرچه بر خود ابریشم بیشتری می‌پیچد راه خروجش بعیدتر می‌شود تا اینکه از اندوه می‌میرد.
﴿۱۷۰۵﴾ روزی دو نوع است: طلب‌کننده (روزی‌ای که خود تو را طلب می‌کند) و طلب شده (روزی‌ای که تو آن را طلب می‌کنی)، پس هرکس به دنبال دنیا باشد، مرگ او را طلب می‌کند تا از دنیا برود، و هرکس به دنبال آخرت باشد، دنیا او را طلب می‌کند، تا روزی‌اش را به تمامی از آن دریافت نماید.

﴿۱۷۰۶﴾ دنیا چیزی است که هم طلب می‌شود و هم طلب می‌کند، [به این معنا که] هرکس طالب دنیا باشد، مرگ او را می‌طلبد و از دنیا خارجش می‌کند، اما هرکس طالب آخرت باشد، دنیا او را طلب می‌کند تا رزق و روزی او را به‌طور کامل به او بدهد.
۷-۴-۵-۱- مرگ

﴿۱۷۰۷﴾ دنیا را برای اهلش رها کنید! پس هرکس بیشتر از نیاز خود از دنیا کسب کند، بدون آنکه بفهمد، مرگ خود را جلو انداخته است.
۷-۴-۵-۲- از دست رفتن

﴿۱۷۰۸﴾ کسی که برای دنیا تلاش کرد، دنیا از دستش رفت.
﴿۱۷۰۹﴾ کسی که به زیورهای دنیا رغبت دارد، دوام این خواسته‌اش برقرار نخواهد ماند.
۷-۴-۵-۳- کشتن

﴿۱۷۱۰﴾ ای هشام، سرای دنیا همچون ماری است که دارای پوستی نرم است و درونش زهر کشنده دارد، [به همین خاطر] مردم صاحب‌دل و خردمند از آن حذر می‌کنند و کودکان دست خود را به‌سویش دراز می‌کنند ... ای هشام، سرای دنیا مانند آب دریاست، که هرچه فرد تشنه از آن بنوشد، تشنه‌تر می‌شود تا آنجا که هلاکش می‌سازد.

﴿۱۷۱۱﴾ دنیا برای عیسی بن مریم علیه السلام به صورت زنی زاغ چشم ظاهر شد، عیسی علیه السلام به او فرمود: «چند بار شوهر کردی؟» گفت: «شوهر زیادی داشته‌ام». عیسی علیه السلام پرسید: «همه تو را طلاق داده‌اند؟» گفت: «خیر همه را کشته‌ام». عیسی علیه السلام فرمود: «وای بر شوهران تو! چگونه از سرنوشت گذشتگان عبرت نگرفتند».

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا/ الدَّلَّةُ﴾

﴿١٧١٢﴾ الرسول ﷺ: أَشَدُّ مَا يَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي ثَلَاثَةٌ زَلَّةُ عَالِمٍ أَوْ جِدَالُ مُنَافِقٍ بِالْقُرْآنِ أَوْ دُنْيَا تَقْطَعُ رِقَابَكُمْ فَاتَّهَمُوهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ٤٩
٤-٧-٤-٥- القطعُ

﴿١٧١٣﴾ صحيفه ادريس نبى ﷺ: وَاسْتَخَفَّ بِالْأَنْسَابِ الْوِلَادِيَّةِ وَالْأَسْبَابِ الدُّنْيَوِيَّةِ الَّتِي تَنْقَطِعُ فِي الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٧١

﴿١٧١٤﴾ امير المؤمنين ﷺ: الْمَوَاصِلُ لِلدُّنْيَا مَقْطُوعٌ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩
﴿١٧١٥﴾ امير المؤمنين ﷺ: فَلَا تَتَنَافَسُوا فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَفَخْرِهَا وَلَا تَعْجَبُوا بِزِينَتِهَا وَنَعِيمِهَا وَلَا تَجْزَعُوا مِنْ ضَرَائِهَا وَبُؤْسِهَا فَإِنَّ عِزَّ الدُّنْيَا وَفَخْرَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٤٢٧
٤-٧-٥-٤-٥- القلعُ

﴿١٧١٦﴾ مواظ المسبح ﷺ: فِي الْإِنْجِيلِ: وَيَلِكُمْ يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا لَا كَحُكَمَاءَ تَعْقِلُونَ وَلَا كَحُلَمَاءَ تَفْقَهُونَ وَلَا كَعُلَمَاءَ تَعْلَمُونَ وَلَا كَعِبِيدِ اتَّقِيَاءِ وَلَا كَأَحْرَارِ كِرَامٍ تُوشِكُ الدُّنْيَا أَنْ تَقْتُلِعَكُمْ مِنْ أَصُولِكُمْ فَتَقْلِبَكُمْ عَلَى وُجُوهِكُمْ ثُمَّ تَكْبِكُمْ عَلَى مَنَاحِرِكُمْ؛ تحف العقول، ص ٥٠٨
٤-٧-٥-٤-٥- الفناءُ

﴿١٧١٧﴾ امير المؤمنين ﷺ: دَعَاكُمْ اللَّهُ سُبْحَانَهُ إِلَى دَارِ الْبَقَاءِ وَقَرَارَةِ الْخُلُودِ وَالنَّعْمَاءِ وَمُجَاوَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَالسُّعَدَاءِ فَعَصَيْتُمْ وَدَعْتُمْ الدُّنْيَا إِلَى قَرَارَةِ الشَّقَاءِ وَمَحَلِّ الْفَنَاءِ وَأَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَالْعَنَاءِ فَاطَّعْتُمْ وَبَادَرْتُمْ وَأَسْرَعْتُمْ؛ غرر الحكم، ص ١٤٥

﴿١٧١٨﴾ امير المؤمنين ﷺ: إِنَّكُمْ إِنْ رَغِبْتُمْ فِي الدُّنْيَا أَفْنَيْتُمْ أَعْمَارَكُمْ فِي مَا لَا تَبْقُونَ لَهُ وَلَا يَبْقَى لَكُمْ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢
٤-٧-٥-٤-٨- تفريق الأمرِ

﴿١٧١٩﴾ الرسول ﷺ: مَنْ كَانَتْ نِيَّتُهُ الدُّنْيَا فَرَّقَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَمْرَهُ وَجَعَلَ الْفَقْرَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَلَمْ يَأْتِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا كُتِبَ لَهُ وَمَنْ كَانَتْ نِيَّتُهُ الْآخِرَةَ جَمَعَ اللَّهُ شَمْلَهُ وَجَعَلَ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ وَآتَتْهُ الدُّنْيَا وَهِيَ رَاغِمَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٢٥

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجّه به دنیا / ذلّت و خواری﴾

﴿۱۷۱۲﴾ بالاترین ترسی که من از اَمّت خود دارم، سه خصلت است: لغزش عالم، جدال منافق به وسیله قرآن یا دنیایی که گردن های شما را قطع می کند. خود را به آن ها آلوده نکنید و همواره نفس خویش را متّهم سازید که دنبال آن خصلت ها نروید.

۴-۷-۵- قطع شدن

﴿۱۷۱۳﴾ نسب های فرزندی و سبب های دنیوی را کوچک بشمار که در آخرت قطع می شود و ثابت نمی ماند.

﴿۱۷۱۴﴾ صله به خاطر دنیا و پیوند با آن، [از خدای متعال و آخرت] بریده شدن است.

﴿۱۷۱۵﴾ پس در کسب عزّت و تفاخرهای دنیا باهم مسابقه ندهید، زینت ها و نعمت های دنیا شما را شگفت زده نکند و گرفتاری ها و بلاهای آن شما را عاجز و درمانده نکند که عزّت و تفاخرهای دنیا رو به زوال و فناست.

۵-۷-۴- نابودی

﴿۱۷۱۶﴾ وای بر شما ای بندگان دنیا! نه مانند حکیمان می اندیشید، نه مانند دانایان درک می کنید و نه مانند دانشمندان می دانید، نه مانند بندگان پرهیزگار هستید و نه آزادگان بزرگوار. نزدیک است که دنیا شما را از ریشه هایتان بکند و بر صورت هایتان وارونه سازد، سپس بینی هایتان را بر خاک افکند.

۶-۷-۴- فنا

﴿۱۷۱۷﴾ خداوند سبحان شما را به منزل جاودانه و جایگاه همیشگی و خانه ی نعمت ها و همسایگی انبیاء ﷺ و سعادتمندان دعوت می کند ولی شما نافرمانی می کنید؛ امّا دنیا شما را به منزلگاه بدبختی و جایگاه فنا و انواع بلا و سختی ها دعوت می کند و شما از او اطاعت می کنید و به آن مبادرت ورزیده و با سرعت به سمت او می روید!

﴿۱۷۱۸﴾ به درستی که اگر شما به دنیا رغبت نشان دهید عمرتان را برای چیزی تلف می کنید که نه شما با آن باقی خواهید ماند و نه آن با شما باقی می ماند.

۸-۴-۵- پریشان شدن کارها

﴿۱۷۱۹﴾ هر کس در نیّت خود امور دنیوی را در نظر داشته باشد، خداوند کارهای او را پریشان و مشتّت نموده و همیشه فقر و تهیدستی را در نظرش مجسم می دارد و از تنگدستی می ترسد و از مزایای دنیا جز همان مقدار به او نخواهد رسید. ولی آن که در اعمال و فعّالیت خود متوجّه امر اخروی باشد، خداوند امور او را مرتّب و منظم داشته، طبع و حالت بی نیازی در روحش قرار می دهد و دنیا هم با کمال سهولت و تسلیم به او رو می کند.

﴿۵۱۵﴾

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْخَطَأُ﴾

١-٨-٤-٥- الغَيْرُ

﴿١٧٢٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مُصَاحِبُ [مُصَاحَبَةٍ] الدُّنْيَا هَدَفُ النَّوَائِبِ وَالْغَيْرِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٧

٢-٨-٤-٥- الشَّتُّ

﴿١٧٢١﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ أَصْبَحَ وَآمَسَى وَالدُّنْيَا أَكْبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى الْفَقْرَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَشَتَّتْ أَمْرَهُ وَلَمْ يَنْلُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ وَمَنْ أَصْبَحَ وَآمَسَى وَالْآخِرَةُ أَكْبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ الْغِنَى فِي قَلْبِهِ وَجَمَعَ لَهُ أَمْرَهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣١٩

٥-٥- الخطأ والذنب والصفات الذميمة

١-٥-٥- الخطأ

﴿١٧٢٢﴾ يَا عِيسَى... وَاعْلَمْ أَنَّ رَأْسَ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَذَنْبٍ حُبُّ الدُّنْيَا فَلَا تُحِبَّهَا فَإِنِّي لَا أُحِبُّهَا؛

بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٢٩٨

﴿١٧٢٣﴾ الرسول الله: وَاللَّهُ اللَّهُ لَا تَرْغَبُوا فِي الدُّنْيَا فَإِنَّ الدُّنْيَا هِيَ رَأْسُ الْخَطَايَا وَهِيَ مِنْ

بَعْدُ إِلَى زَوَالٍ؛ دعائم الإسلام، ج ٢، ص ٣٥٢

﴿١٧٢٤﴾ عِيسَى عليه السلام: كَثْرَةُ الذُّنُوبِ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا وَحُبِّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٩٦

﴿١٧٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ إِيَّاكُمْ وَحُبُّ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَبَابُ كُلِّ

بَلِيَّةٍ وَقِرَانُ كُلِّ فِتْنَةٍ وَدَاعِي كُلِّ رَزِيَّةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٥٤

﴿١٧٢٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِيَّاكَ وَحُبُّ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَصْلُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَمَعْدِنُ كُلِّ بَلِيَّةٍ؛

غرر الحكم، ص ١٤٢

﴿١٧٢٧﴾ الرسول الله: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ أَلَا تَرَى كَيْفَ أَحَبَّ مَا أَبْغَضَهُ اللَّهُ وَآيُ

خَطَأٍ أَشَدُّ جُرْماً مِنْ هَذَا؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣١٥

﴿١٧٢٨﴾ الرسول الله: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَمِفْتَاحُ كُلِّ سَيِّئَةٍ وَسَبَبُ إِحْبَاطِ كُلِّ

حَسَنَةٍ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢١

﴿١٧٢٩﴾ الصادق عليه السلام: رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا؛ الكافي، ج ٢، ص ٣١٥

﴿١٧٣٠﴾ عِيسَى عليه السلام: وَكَثْرَةُ الذُّنُوبِ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا وَحُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَأَوْحَى

اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عليه السلام إِنْ كُنْتَ تُحِبُّنِي فَأَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِكَ فَإِنَّ حُبِّي وَحَبَّهَا لَا

يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٨

﴿بی‌آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / خطا﴾

۱-۸-۴-۵- دگرگونی‌ها

﴿۱۷۲۰﴾ دوستدار دنیا، هدف بلاها و دگرگونی‌های دنیاست.

۲-۸-۴-۵- بی‌سامان

﴿۱۷۲۱﴾ هرکس شب را به صبح و صبح را به شب برساند، درحالی‌که بزرگ‌ترین دغدغه‌اش دنیا باشد، خداوند فقر را مقابل چشمانش قرار داده و کارش را بی‌سامان ساخته و به دنیا دست نمی‌یابد مگر به میزانی که قسمتش باشد، و هرکس شب را به صبح و صبح را به شب برساند درحالی‌که نهایت همتش آخرت باشد، خداوند متعال بی‌نیازی را در دلش قرار داده و کارش را سامان می‌بخشد.

۵-۵- خطا و گناه و صفات نکوهیده

۱-۵-۵- خطا

﴿۱۷۲۲﴾ ای عیسی، و بدان که نقطه‌ی آغاز هر خطا و گناهی دوست‌داشتن و حبّ دنیاست، پس دنیا را دوست نداشته باش که من نیز آن را دوست ندارم.
﴿۱۷۲۳﴾ خدا را در نظر دارید! میل و رغبت به دنیا نداشته باشید که دنیا، سرمنشأ هر لغزشی است و دنیا از این پس رو به زوال و نابودی است.

﴿۱۷۲۴﴾ زیادی گناهان بر اثر حبّ دنیاست و حبّ دنیا سرمنشأ تمام خطاها و گناهان است.
﴿۱۷۲۵﴾ ای مردم، از علاقه‌ی به دنیا بپرهیزید، که حبّ دنیا منشأ هر گناه و در هر بلا و سبب هر فتنه و موجب هر معصیت است.

﴿۱۷۲۶﴾ از حبّ دنیا بپرهیزید که سرمنشأ هر لغزش و معدن هر بلا و گرفتاری است.
﴿۱۷۲۷﴾ حبّ دنیا سرمنشأ همه‌ی گناهان می‌باشد، مگر نمی‌بینی او چیزی را دوست دارد که خداوند دشمن آن است، و کدام خطایی جرمش از این گناه بیشتر خواهد بود.
﴿۱۷۲۸﴾ حبّ دنیا سرمنشأ همه‌ی گناهان و کلید هر بدی و عامل از بین رفتن تمام نیکی‌هاست.

﴿۱۷۲۹﴾ سرمنشأ تمام لغزش‌ها حبّ دنیاست.

﴿۱۷۳۰﴾ زیادشدن گناهان بر اثر حبّ دنیا و حبّ دنیا سر رشته‌ی تمام لغزش‌هاست. خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی فرستاد که اگر مرا دوست داری، حبّ دنیا را از قلبت خارج کن که دوست‌داشتن من و دنیا در یک قلب جمع نمی‌شود.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْخَطَأُ﴾

١-٥-١-١- العيبُ

﴿١٧٣١﴾ الرسول ﷺ: يَا أَحْمَدُ أَبْغِضِ الدُّنْيَا وَأَهْلَهَا وَ أَحِبَّ الْآخِرَةَ وَأَهْلَهَا قَالَ يَا رَبِّ وَمَنْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَمَنْ أَهْلُ الْآخِرَةِ قَالَ أَهْلُ الدُّنْيَا مَنْ كَثُرَ أَكْلُهُ وَ ضَحِكُهُ وَ نَوْمُهُ وَ غَضَبُهُ قَلِيلُ الرِّضَا لَا يَعْتَذِرُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهِ وَ لَا يَقْبَلُ عُذْرَ مَنْ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ كَسَلَانُ عِنْدَ الطَّاعَةِ شَجَاعُ عِنْدَ الْمَعْصِيَةِ أَمَلُهُ بَعِيدُ وَ أَجَلُهُ قَرِيبُ لَا يُحَاسِبُ نَفْسَهُ قَلِيلُ الْمَنْفَعَةِ كَثِيرُ الْكَلَامِ قَلِيلُ الْخَوْفِ كَثِيرُ الْفَرَحِ عِنْدَ الطَّعَامِ وَ إِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا لَا يَشْكُرُونَ عِنْدَ الرِّخَاءِ وَ لَا يَصْبِرُونَ عِنْدَ الْبَلَاءِ كَثِيرُ النَّاسِ عِنْدَهُمْ قَلِيلُ يَحْمَدُونَ أَنْفُسَهُمْ بِمَا لَا يَفْعَلُونَ وَ يَدْعُونَ بِمَا لَيْسَ لَهُمْ وَ يَتَكَلَّمُونَ بِمَا يَتَمَنَّوْنَ وَ يَذْكُرُونَ مَسَاوِي النَّاسِ وَ يُخْفُونَ حَسَنَاتِهِمْ فَقَالَ يَا رَبِّ كُلُّ هَذَا الْعَيْبُ فِي أَهْلِ الدُّنْيَا قَالَ يَا أَحْمَدُ إِنَّ عَيْبَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَثِيرٌ فِيهِمُ الْجَهْلُ وَ الْحُمُقُ لَا يَتَوَاضَعُونَ لِمَنْ يَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ هُمْ عِنْدَ أَنْفُسِهِمْ عَقْلَاءُ وَ عِنْدَ الْعَارِفِينَ حُمَقَاءُ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٠

١-٥-١-٢- السيئةُ

﴿١٧٣٢﴾ الرسول ﷺ: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ مِفْتَاحُ كُلِّ سَيِّئَةٍ وَ سَبَبُ إِحْبَاطِ كُلِّ حَسَنَةٍ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢١

١-٥-١-٣- الذنبُ

﴿١٧٣٣﴾ عيسى عليه السلام: كَثْرَةُ الذُّنُوبِ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا وَ حُبِّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٩٦

﴿١٧٣٤﴾ يَا عِيسَى... وَ اعْلَمْ أَنَّ رَأْسَ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ ذَنْبٍ حُبُّ الدُّنْيَا فَلَا تُحِبِّهَا فَإِنِّي لَا أُحِبُّهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٢٩٨

١-٥-١-٤- الشرُّ

﴿١٧٣٥﴾ جُعِلَ الشَّرُّ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ حُبُّ الدُّنْيَا وَ جُعِلَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٤

﴿١٧٣٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مَعْدِنُ الشَّرِّ وَ مَحَلُّ الْغُرُورِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

١-٥-١-٥- المعصيةُ

﴿١٧٣٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لِأَنَّهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا وَ زُخْرُفَهَا دَخَلَ فِي الْمَخْطُورَاتِ مِنَ الْمَعَاصِي؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٤٣

﴿بی‌آمدهای دنیادوستی و توجّه به دنیا / خطا﴾

۱-۵-۵-۱-۱ عیب

﴿۱۷۳۱﴾ خداوند خطاب به پیامبر ﷺ: «ای احمد! دنیا و اهل آن را دوست مدار و آخرت و اهل آن را دوست خود گیر». پرسید: «خدایا اهل دنیا و آخرت چه کسانی هستند؟» فرمود: «اهل دنیا کسی است که بسیار بخورد؛ بسیار بخندد؛ بسیار خشم گیرد و هر اندازه مال داشته باشد، راضی نگردد؛ به کسی که به او بدی کرده، عذرخواهی نمی‌کند و کسی که از او عذر بخواهد، نمی‌پذیرد؛ هنگام طاعت و عبادت کسل و هنگام معصیت شجاع است؛ آرزویش دراز و مرگش نزدیک است؛ به حساب خود نمی‌رسد؛ سودش به دیگران کم و گفتارش بسیار است؛ ترسش از خدا اندک و هنگام خوردن غذا بسیار شاد است؛ هنگام برخورداری از نعمت، از خدا سپاسگزاری نمی‌کند و به هنگام بلا صبر ندارد؛ مردم را با دیده‌ی تحقیر می‌نگرد ولی کارهای نکرده‌ی خود را می‌ستاید؛ ادعای چیزی می‌کند که ندارد و سخنانی بر زبان می‌آورد که آرزوست نه واقعیت؛ بر دیگران منت می‌گذارد و همواره از بدی‌های مردم سخن می‌گوید. ای احمد! دنیاپرستان زشتی‌های بسیاری دارند، از جمله نادان هستند و احمق؛ به استاد خود احترام نمی‌گذارند و خود را عاقل و خردمند می‌دانند، حال اینکه از نظر عارفان، گروهی احمق هستند».

۱-۵-۵-۱-۲ بدی

﴿۱۷۳۲﴾ حبّ دنیا سرمنشأ همه‌ی گناهان و کلید هر بدی و عامل از بین رفتن تمام نیکی‌هاست.

۱-۵-۵-۱-۳ گناه

﴿۱۷۳۳﴾ زیادی گناهان بر اثر حبّ دنیاست و حبّ دنیا سرمنشأ تمام خطاها و گناهان است.

﴿۱۷۳۴﴾ ای عیسی، و بدان که نقطه‌ی آغاز هر خطا و گناهی دوست‌داشتن و حبّ دنیاست، پس دنیا را دوست نداشته باش که من نیز آن را دوست ندارم.

۱-۵-۵-۱-۴ شر

﴿۱۷۳۵﴾ همه بدی‌ها در خانه‌ای نهاده شد و کلید آن محبت دنیا می‌باشد و همه نیکی‌ها در خانه‌ای جمع شده و کلید آن زهد است.

﴿۱۷۳۶﴾ دنیا معدن شرّ و محلّ اقامت آن و جایگاه فریب است.

۱-۵-۵-۱-۵ گناه

﴿۱۷۳۷﴾ اگر در برابر دنیا و زینت‌های آن زاهد نباشد، در گناهان ممنوعه واقع می‌شود.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا/ الذَّمُّ﴾

﴿١٧٣٨﴾ الرسول ﷺ: يَا أَحْمَدُ أَبْغِضِ الدُّنْيَا وَ أَهْلَهَا وَ أَحِبَّ الْآخِرَةَ وَ أَهْلَهَا قَالَ يَا رَبِّ وَ مَنْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَ مَنْ أَهْلُ الْآخِرَةِ قَالَ أَهْلُ الدُّنْيَا ... كَسَلَانُ عِنْدَ الطَّاعَةِ شَجَاعُ عِنْدَ الْمَعْصِيَةِ؛
إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٠
٥-٥-١-٦- المحظورُ

﴿١٧٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَئِنَّهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا وَ زُحْرُفَهَا دَخَلَ فِي الْمَحْظُورَاتِ
مِنَ الْمَعَاصِي؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٤٣
٥-٥-١-٧- المحارمُ

﴿١٧٤٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تَفْتِنَنَّكَ دُنْيَاكَ بِحُسْنِ الْعَوَارِي فَعَوَارِي الدُّنْيَا تَرْتَجِعُ وَ يَبْقَى عَلَيْكَ مَا اخْتَبَتْهُ مِنَ الْمَحَارِمِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٦
٥-٥-١-٨- الطُّغْيَانُ

﴿١٧٤١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خُذْ مِنْ قَلِيلِ الدُّنْيَا مَا يَكْفِيكَ وَ دَعْ مِنْ كَثِيرِهَا مَا يُطْغِيكَ؛
غرر الحكم، ص ٣٩٧

﴿١٧٤٢﴾ الرسول ﷺ: وَ مَا يَنْتَظِرُ أَحَدُكُمْ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا غَنًى مُطْغِيًا أَوْ فَقْرًا مُنْسِيًا أَوْ مَرَضًا مُفْسِدًا أَوْ هَرَمًا مُنْقِدًا أَوْ مَوْتًا مُجْهِزًا؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٥٨
٥-٥-٢- الذَّمُّ
٥-٥-٢-١- بُسْ

﴿١٧٤٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: بُسَّ الرَّجُلُ مَنْ بَاعَ دِينَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠
٥-٥-٢-٢- الْوَيْلُ

﴿١٧٤٤﴾ عيسى عليه السلام: وَيْلٌ لِصَاحِبِ الدُّنْيَا كَيْفَ يَمُوتُ وَ يَتْرُكُهَا وَ يَأْمَنُهَا وَ تَغْرُهُ وَ يَتَّقُ بِهَا وَ تَخْذُلُهُ وَيْلٌ لِلْمُغْتَرِّينَ كَيْفَ رَهَقَهُمْ مَا يَكْرَهُونَ وَ فَارَقَهُمْ مَا يُحِبُّونَ وَ جَاءَهُمْ مَا يُوعَدُونَ وَ وَيْلٌ لِمَنِ الدُّنْيَا هَمُّهُ وَ الْخَطَايَا أَمَلُهُ كَيْفَ يَفْتَضِحُ غَدًا عِنْدَ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٨
﴿١٧٤٥﴾ الصادق عليه السلام: وَيْلٌ لِمَنْ كَانَتِ الدُّنْيَا هَمَّهُ وَ الْخَطَايَا عَمَلَهُ كَيْفَ يَفْتَضِحُ غَدًا عِنْدَ رَبِّهِ؛
بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٤

﴿١٧٤٦﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَيْلٌ لِلَّذِينَ يَخْتَلُونَ الدُّنْيَا بِالْذِّينِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٩٩

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجّه به دنیا/ نکوهش﴾

﴿۱۷۳۸﴾ خداوند خطاب به پیامبر ﷺ: «ای احمد! دنیا و اهل آن را دوست مدار و آخرت و اهل آن را دوست خود گیر». پرسید: «خدایا اهل دنیا و آخرت چه کسانی هستند؟» فرمود: «اهل دنیا کسی است که ... هنگام طاعت و عبادت کسل و هنگام معصیت شجاع است.

۶-۱-۵-۵- ممنوع

﴿۱۷۳۹﴾ اگر در برابر دنیا و زینت‌های آن زاهد نباشد، در گناهان ممنوعه واقع می‌شود.

۷-۱-۵-۵- حرام‌ها

﴿۱۷۴۰﴾ عاریت‌های زیبای دنیا فریبت ندهد که این عاریت‌های دنیا به دیگران بازگردانده می‌شود و فقط حرام‌هایی را که به واسطه‌ی آن انجام دادی برای تو به‌جا می‌گذارد.

۸-۱-۵-۵- طغیان

﴿۱۷۴۱﴾ از دنیا، همان قدر که تو را کفاف می‌دهد بردار و سهم بیشتری را که موجب طغیان تو می‌شود، واگذار.

﴿۱۷۴۲﴾ از دنیا چه انتظار دارید، جز غنایی که طغیان آورد یا فقری که نسیان آورد یا مرضی که فساد آورد یا پیری‌ای که زبونی آورد یا مرگی که به سرعت از پا درآورد.

۲-۵-۵- نکوهش

۱-۲-۵-۵- بد

﴿۱۷۴۳﴾ کسی که دینش را به دنیای دیگری بفروشد، بد انسانی است.

۲-۲-۵-۵- وای

﴿۱۷۴۴﴾ وای بر هواخواه دنیا که چگونه می‌میرد و آن را ترک می‌گوید، چگونه دنیا را مورد اطمینان قرار می‌دهد و دنیا او را فریب می‌دهد، و چگونه به دنیا اعتماد می‌کند و دنیا او را خوار و ذلیل می‌گرداند و وای بر فریب‌خوردگان که چگونه آنچه را که زشت می‌شمردند به سراغشان آمد و آنچه را دوست داشتند، ترکشان نمود. و آنچه را به آن وعده داده شده بودند، از راه رسید و وای بر کسی که دنیا هم و غمّ او و ارتکاب گناهان آرزوی او باشد، که چگونه فردا روز رسوا خواهد شد؟!

﴿۱۷۴۵﴾ وای بر کسی که دنیا هم و غمّ او و گناهان، عملش بوده است؛ چگونه فردای قیامت نزد پروردگارش رسوا می‌شود؟!

﴿۱۷۴۶﴾ خداوند متعال می‌فرماید: وای بر کسانی که دنیا را با مکر و فریب و نیرنگ به دست می‌آورند.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْكُفْرِ﴾

﴿١٧٤٧﴾ الكاظم عليه السلام: وَيَلُ الَّذِينَ يَجْتَلِبُونَ الدُّنْيَا بِالدِّينِ وَيَلُ الَّذِينَ يَفْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٨٤

﴿١٧٤٨﴾ عيسى عليه السلام: وَيَلُكُمْ يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٠٧

﴿١٧٤٩﴾ الرسول ﷺ: فَوَيْلُ لِبَائِعِ الْآخِرَةِ بِالدُّنْيَا؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٢١
٣-٥-٥-٥- المَلَامَةُ

﴿١٧٥٠﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا سَوْقٌ مِنَ الْأَسْوَاقِ مِنْهَا خَرَجَ قَوْمٌ بِمَا يَنْفَعُهُمْ وَمِنْهَا خَرَجُوا بِمَا يَضُرُّهُمْ وَكَمْ مِنْ قَوْمٍ قَدْ غَرَّتْهُمْ بِمِثْلِ الَّذِي أَصْبَحْنَا فِيهِ حَتَّى أَتَاهُمُ الْمَوْتُ فَاسْتَوْعَبُوا فَخَرَجُوا مِنَ الدُّنْيَا مَلُومِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ٣٢٦
٣-٥-٥-٥- الْكُفْرُ

﴿١٧٥١﴾ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ؛ (الأنعام / ١٣٠)

﴿١٧٥٢﴾ وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا هُمْ بِبَذَلِكِ مِنْ عِلْمٍ إِنَّ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ؛ (الجاثية / ٢٤)

﴿١٧٥٣﴾ الصادق عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَعِشَارَ الْمُلُوكِ وَأَبْنَاءِ الدُّنْيَا فَإِنَّ ذَلِكَ يُصَغِّرُ نِعْمَةَ اللَّهِ فِي أَغْنِيَكُمْ وَيُعَبِّبُكُمْ كُفْرًا؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٣٣٧
١-٣-٥-٥- الْجَحْدُ

﴿١٧٥٤﴾ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ هَوًى وَلَعِباً وَغَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنْسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ؛ (الأعراف / ٥١)
٢-٣-٥-٥- لَا دِينَ لَهُ

﴿١٧٥٥﴾ الرسول ﷺ: مَنْ كَانَ أَكْثَرُ هَمِّهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَأَكْثَرُ سَعْيِهِ لِلذَّيِّ تَفَنَّى فَلَيْسَ مِنَ الدِّينِ فِي شَيْءٍ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١١٥

﴿١٧٥٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَتَى ذِمِّيًّا وَتَوَاضَعَ لَهُ لِيُصِيبَ مِنْ دُنْيَاهُ شَيْئًا ذَهَبَ ثُلَاثًا دِينَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٢، ص ٣٩٢

﴿بی‌آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / کفر﴾

﴿۱۷۴۷﴾ وای بر کسانی که دین را وسیله‌ی دست‌یافتن به دنیا قرار می‌دهند و وای بر کسانی که افرادی را که به عدالت امر می‌کنند، می‌کشند.

﴿۱۷۴۸﴾ وای بر شما! ای بندگان دنیا.

﴿۱۷۴۹﴾ وای بر کسی که آخرت را به دنیا بفروشد.

۳-۲-۵- سرزنش

﴿۱۷۵۰﴾ دنیا بازاری از بازارهاست که بعضی از این بازار سود می‌برند و برخی زیان می‌بینند. چه بسا افرادی که این دنیا فریشتان داد؛ مثل وضعیتی که در آن هستیم تا اینکه مرگ گریبان آن‌ها را گرفت و با سرزنش از دنیا خارج شدند.

۳-۵-۵- کفر

﴿۱۷۵۱﴾ [در آن روز به آن‌ها می‌گوید:] ای گروه جنّ و انس! آیا رسولانی از شما به‌سوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان بازگو می‌کردند، و شما را از ملاقات چنین روزی بیم می‌دادند؟! آن‌ها می‌گویند: «بر ضدّ خودمان گواهی می‌دهیم [آری،] ما بد کردیم» و زندگی [پر زرق و برق] دنیا آن‌ها را فریب داد و به زیان خود گواهی می‌دهند که کافر بودند!

﴿۱۷۵۲﴾ آن‌ها گفتند: «چیزی جز همین زندگی دنیای ما در کار نیست گروهی از ما می‌میرند و گروهی جای آن‌ها را می‌گیرند و جز طبیعت و روزگار ما را هلاک نمی‌کند!» آنان به این سخن که می‌گویند علمی ندارند، بلکه تنها حدس می‌زنند (و گمانی بی‌پایه دارند)!

﴿۱۷۵۳﴾ از معاشرت پادشاهان و فرزندان [و بندگان] دنیا برحذر باشید که موجب می‌شود نعمت‌های الهی در چشمتان کوچک جلوه داده شود و به دنبال آن گرفتار کفر می‌کند.

۱-۳-۵-۵- انکار

﴿۱۷۵۴﴾ همان‌ها که دین و آیین خود را سرگرمی و بازیچه گرفتند و زندگی دنیا آنان را مغرور ساخت امروز ما آن‌ها را فراموش می‌کنیم، همان‌گونه که لقای چنین روزی را فراموش کردند و آیات ما را انکار نمودند.

۲-۳-۵-۵- دین ندارد

﴿۱۷۵۵﴾ کسی که تمام تلاشش، کسب دنیا باشد و تمام کوشش او، کسب لذّت‌های زودگذر باشد، هیچ بهره‌ای از دین ندارد.

﴿۱۷۵۶﴾ هرکس نزد کافر ذمّی رود و برایش فروتنی کند تا از دنیایش بهره گیرد، دو سوّم دینش از دستش می‌رود.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْكُفْرِ﴾

٥-٥-٣-٣- نَزَعَ اللَّهُ مِنْهَا هَيْبَةَ الْإِسْلَامِ

﴿١٧٥٧﴾ الرُّسُولُ ﷺ: إِذَا عَظَمْتَ أُمَّتِي الدُّنْيَا نَزَعَ اللَّهُ مِنْهَا هَيْبَةَ الْإِسْلَامِ؛ مَجْمُوعَةٌ وَرَامَ، ج ١، ص ٧٥

٥-٥-٣-٤- لَا يَجِدُ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ

﴿١٧٥٨﴾ الرُّسُولُ ﷺ: لَا يَجِدُ الرَّجُلُ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى لَا يُبَالِيَ مَنْ أَكَلَ الدُّنْيَا؛ مَشْكَاتُ الْأَنْوَارِ، ص ١١٦

٥-٥-٣-٥- لَا يَعْرِفُ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ

﴿١٧٥٩﴾ الْبَاقِرُ ﷺ: حَرَامٌ عَلَى قُلُوبِكُمْ أَنْ تَعْرِفَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَزْهَدَ فِي الدُّنْيَا؛

مَجْمُوعَةٌ وَرَامَ، ج ٢، ص ١٩١

٥-٥-٣-٦- سَلَبُ الْيَقِينِ

﴿١٧٦٠﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا لَمُفْسِدَةٌ الدِّينِ مُسْلِبَةٌ الْيَقِينِ وَإِنَّهَا لِرَأْسُ الْفِتَنِ وَأَصْلُ

الْمِحَنِ؛ غُرَرُ الْحُكْمِ، ص ١٢٨

٥-٥-٣-٧- ضَعْفُ الْيَقِينِ

﴿١٧٦١﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: خُلْطَةُ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا تَشِينُ الدِّينَ وَتُضَعِّفُ الْيَقِينَ؛ غُرَرُ الْحُكْمِ، ص ١٣٧

٥-٥-٣-٨- تَحْرِيمُ التَّقْوَى

﴿١٧٦٢﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: حَرَامٌ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَوَلٍّ بِالدُّنْيَا أَنْ يَسْكُنَهُ التَّقْوَى؛ غُرَرُ الْحُكْمِ، ص ١٤٢

٥-٥-٣-٩- تَعَرَّى مِنَ التَّقْوَى

﴿١٧٦٣﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: مَنْ تَذَلَّلَ لِأَبْنَاءِ الدُّنْيَا تَعَرَّى مِنْ لِبَاسِ التَّقْوَى؛ غُرَرُ الْحُكْمِ، ص ٢٦٣

٥-٥-٤- ما يرتبط بالشَّيْطَانِ

٥-٥-٤-١- طَاعَةُ الشَّيْطَانِ

﴿١٧٦٤﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: مُجَالَسَةُ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا مُسَاءَةٌ لِلْإِيمَانِ قَائِدَةٌ إِلَى طَاعَةِ الشَّيْطَانِ؛

غُرَرُ الْحُكْمِ، ص ٤٣٤

٥-٥-٤-٢- وَسْوَسةُ إِبْلِيسَ

﴿١٧٦٥﴾ ابْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ عَلَى قَلْبِ ابْنِ

آدَمَ لَهُ خُرْطُومٌ مِثْلُ خُرْطُومِ الْخَنْزِيرِ يُوسَّوسُ لِلْبَنِّ آدَمَ إِذَا أَقْبَلَ عَلَى الدُّنْيَا وَمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ فَإِذَا

ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ انْخَنَسَ يُرِيدُ رَجَعَ؛ مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ، ج ٥، ص ٣٠٢

﴿بی‌آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / کفر﴾

۳-۳-۵-۵- خداوند هیبت اسلام را از آن‌ها می‌گیرد

﴿۱۷۵۷﴾ هرگاه اَمَّتَم به دنیا اهمیّت دهند، خداوند شکوه اسلام را از آن‌ها می‌گیرد.

۴-۳-۵-۵- شیرینی ایمان را در نمی‌یابد

﴿۱۷۵۸﴾ کسی شیرینی ایمان را در دلش نمی‌یابد مگر اینکه برایش مهم نباشد که چه کسی دنیا را می‌خورد.

۵-۳-۵-۵- شیرینی ایمان را نمی‌فهمد

﴿۱۷۵۹﴾ بر دل‌های شما حرام است شیرینی ایمان را بچشند، مگر آنکه در دنیا زاهد باشید.

۶-۳-۵-۵- سلب یقین

﴿۱۷۶۰﴾ همانا دنیا هرآینه فاسدکننده‌ی دین و زایل‌کننده‌ی یقین است و به‌درستی که آن سر منشأ فتنه‌ها و اصل محنت‌هاست.

۷-۳-۵-۵- ضعف یقین

﴿۱۷۶۱﴾ همنشینی و مشارکت با فرزندان دنیا، دین را لگه‌دار و یقین را ضعیف می‌کند.

۸-۳-۵-۵- حرام کردن تقوا

﴿۱۷۶۲﴾ بر قلبی که سرگشته‌ی دنیاست، حرام است که تقوی ساکن آن شود.

۹-۳-۵-۵- لباس تقوا را از تن جدا کرده است

﴿۱۷۶۳﴾ کسی که در برابر فرزندان دنیا فروتنی کند، لباس تقوا را از تن جدا کرده است.

۴-۵-۵- آنچه به شیطان مربوط می‌شود

۱-۴-۵-۵- اطاعت شیطان

﴿۱۷۶۴﴾ همنشینی با فرزندان دنیا موجب فراموشی ایمان و راهنمایی به اطاعت شیطان است.

۲-۴-۵-۵- وسوسه‌ی ابلیس

﴿۱۷۶۵﴾ درباره‌ی سخن خداوند متعال: مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ، می‌گوید: «مقصود، شیطان است که بر دل آدمیزاد است و خرطومی مانند خوک دارد و او را وسوسه می‌کند؛ به دنیا و آنچه که خداوند دوست ندارد، روی می‌آورد؛ اما وقتی به یاد خداوند عزّ و جل می‌افتد، روی برمی‌گرداند و می‌رود».

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْكُفْرِ﴾

٥-٥-٥-٥- مَا يَرْتَبِطُ بِالطَّاعَةِ وَالْعِبَادَةِ

٥-٥-٥-١- الْكَسْلَانُ عِنْدَ الطَّاعَةِ

﴿١٧٦٦﴾ الرسول ﷺ: يَا أَحْمَدُ أَبْغِضِ الدُّنْيَا وَأَهْلَهَا وَ أَحِبَّ الْآخِرَةَ وَأَهْلَهَا قَالَ يَا رَبِّ وَمَنْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَمَنْ أَهْلُ الْآخِرَةِ قَالَ أَهْلُ الدُّنْيَا ... كَسْلَانُ عِنْدَ الطَّاعَةِ شُجَاعُ عِنْدَ الْمَعْصِيَةِ؛

إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٠

٥-٥-٥-٢- لَا يَكُونُ عَابِدًا

﴿١٧٦٧﴾ الرسول ﷺ: يَا ابْنَ عِمْرَانَ مَنْ لَا يَنْتَهِي مِنَ الدُّنْيَا نَهْمَتَهُ وَلَا تَنْقُضِي فِيهَا رَغْبَتَهُ كَيْفَ

يَكُونُ عَابِدًا؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦

٥-٥-٥-٣- نَزَعُ حَلَاوَةِ الْعِبَادَةِ

﴿١٧٦٨﴾ الكاظم ﷺ: يَا هِشَامُ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ قُلْ لِعِبَادِي لَا يَجْعَلُوا بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ عَالِمًا مَفْتُونًا بِالدُّنْيَا فَيَصُدُّهُمْ عَنْ ذِكْرِي وَعَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي وَمُنَاجَاتِي أَوْلَيْكَ فَطَاعُ الطَّرِيقِ مِنْ عِبَادِي إِنْ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حَلَاوَةَ عِبَادَتِي وَمُنَاجَاتِي مِنْ قُلُوبِهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٥٤

٥-٥-٥-٤- لَا يَجِدُ حَلَاوَةَ الْعِبَادَةِ

﴿١٧٦٩﴾ عيسى ﷺ: كَمَا نَظَرَ [يَنْظُرُ] الْمَرِيضُ إِلَى الطَّعَامِ فَلَا يَلْتَذُّ بِهِ مِنْ شِدَّةِ الْوَجَعِ كَذَلِكَ صَاحِبُ الدُّنْيَا لَا يَلْتَذُّ بِالْعِبَادَةِ وَلَا يَجِدُ حَلَاوَتَهَا مَعَ مَا يَجِدُهُ مِنْ حَلَاوَةِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٥

٥-٥-٥-٥- يَذْهَبُ حَلَاوَةُ مُنَاجَاتِي

﴿١٧٧٠﴾ يَا دَاوُدُ... مَا لِأَوْلِيَائِي وَالْهَمَّ بِالدُّنْيَا إِنْ الْهَمَّ يَذْهَبُ حَلَاوَةُ مُنَاجَاتِي مِنْ قُلُوبِهِمْ يَا دَاوُدُ إِنْ مَحَبَّتِي مِنْ أَوْلِيَائِي أَنْ يَكُونُوا رُوحَانِيِّينَ لَا يَغْتَمُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٩، ص ١٤٣

٥-٥-٥-٦- لَمْ يَقْضِ مُفْتَرَضًا

﴿١٧٧١﴾ أمير المؤمنين ﷺ: لَمْ يُفِدْ مَنْ كَانَتْ هِمَّتُهُ الدُّنْيَا عِوَضًا وَلَمْ يَقْضِ مُفْتَرَضًا؛

غرر الحكم، ص ١٤١

٥-٥-٥-٧- الصَّدُّ عَنْ مُنَاجَاةِ اللَّهِ وَ ذِكْرِهِ

﴿١٧٧٢﴾ الكاظم ﷺ: يَا هِشَامُ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ قُلْ لِعِبَادِي لَا يَجْعَلُوا بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ عَالِمًا مَفْتُونًا بِالدُّنْيَا فَيَصُدُّهُمْ عَنْ ذِكْرِي وَعَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي وَمُنَاجَاتِي أَوْلَيْكَ فَطَاعُ الطَّرِيقِ مِنْ عِبَادِي إِنْ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حَلَاوَةَ عِبَادَتِي وَمُنَاجَاتِي مِنْ قُلُوبِهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٥٤

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / کفر﴾

۵-۵-۵- در ارتباط با طاعت و عبادت

۱-۵-۵- کسالت در اطاعت

﴿۱۷۶۶﴾ ای احمد! دنیا و اهل آن را دوست مدار و آخرت و اهل آن را دوست خود گیر. پرسید: «خدایا اهل دنیا و آخرت چه کسانی هستند؟» فرمود: «اهل دنیا کسی است که ... هنگام طاعت و عبادت کسل و هنگام معصیت شجاع است.

۲-۵-۵- بندهی خدا نیست

﴿۱۷۶۷﴾ ای پسر عمران! کسی که دلبستگی‌اش به دنیا حدّ و مرزی ندارد و رغبت او به دنیا پایان نمی‌پذیرد، چگونه می‌تواند بندهی خدا باشد؟!؟

۳-۵-۵- بیرون کردن شیرینی عبادت

﴿۱۷۶۸﴾ ای هشام، خداوند به داوود علیه السلام وحی کرد که به بندگانم بگو: بین من و خود عالم فریفته شده‌ی به دنیا را قرار ندهند که آن‌ها را از یاد من و از راه محبت و مناجاتم باز می‌دارد. آن‌ها راهزنان بندگان من هستند کمترین کاری که با آن‌ها می‌کنم این است که شیرینی محبت و مناجات خود را از دل آن‌ها بیرون می‌کنم.

۴-۵-۵- شیرینی عبادت را نمی‌یابد

﴿۱۷۶۹﴾ همان‌طوری که مریض به غذا می‌نگرد و از شدت درد از آن لذت نمی‌برد؛ کسی که وابسته‌ی دنیاست از عبادت لذت نمی‌برد و شیرینی آن را با وجود شیرینی دنیا احساس نمی‌کند.

۵-۵-۵- شیرینی مناجات با مرا از بین می‌برد

﴿۱۷۷۰﴾ ای داوود، به دوستان من چه شده که در گرفتاری‌های دنیا اندوهگین می‌شوند؟ که اندوه شیرینی مناجات مرا از دل‌هایشان می‌برد. ای داوود! محبت من از آن دوستانی است که روحانی باشند و اندوه دنیا را نداشته باشند.

۶-۵-۵- واجبی را به‌جا نیاورده است

﴿۱۷۷۱﴾ کسی که تنها همّتش برای دنیا باشد، عوض آنچه از دست داده چیزی کسب نکرده و واجبی را به‌جا نیاورده است.

۷-۵-۵- جلوگیری از مناجات و یاد خدا

﴿۱۷۷۲﴾ ای هشام، خداوند به داوود علیه السلام وحی کرد که به بندگانم بگو: بین من و خود عالم فریفته شده‌ی به دنیا را قرار ندهند که آن‌ها را از یاد من و از راه محبت و مناجاتم باز می‌دارد. آن‌ها راهزنان بندگان من هستند کمترین کاری که با آن‌ها می‌کنم این است که شیرینی محبت و مناجات خود را از دل آن‌ها بیرون می‌کنم.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْكُفْرِ﴾

٥-٥-٦- الخُرُوجُ مِنَ الْوَلَايَةِ

٥-٥-٦-١- الْغَدْرُ وَ النَّقْضُ وَالْإِهْمَالُ بِعَهْدِ الْوَلَايَةِ

﴿١٧٧٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنَّ الشَّيَاطِينَ اجْتَمَعُوا إِلَى إِبْلِيسَ فَقَالُوا لَهُ... وَ كَيْفَ يَتِمُّ هَذَا وَ قَدْ نَصَبَ لِأُمَّتِهِ عِلْمًا وَ أَقَامَ لَهُمْ إِمَامًا فَقَالَ لَهُمْ إِبْلِيسُ لَا تَجْرَعُوا مِنْ هَذَا فَإِنَّ أُمَّتَهُ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُ وَ يَغْدِرُونَ بِوَصِيِّهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ يَظْلِمُونَ أَهْلَ بَيْتِهِ وَ يُهْمِلُونَ ذَلِكَ لِغَلَبَةِ حُبِّ الدُّنْيَا عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ تَمَكَّنَ الْحَمِيَّةَ وَ الضَّغَائِنَ فِي نُفُوسِهِمْ وَ اسْتَكْبَارِهِمْ وَ عَزَّهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٥٩

٥-٥-٦-٢- الْبُعْدُ عَنِ الْإِمَامِ عليه السلام

﴿١٧٧٤﴾ الكاظم عليه السلام: قَالَ لَهُ: مَرَحَبًا بِابْنِ عَمِّي وَ أَخِي وَ وَارِثِ نِعْمَتِي ثُمَّ أَجْلَسَهُ عَلَى فَخِذِهِ وَ قَالَ لَهُ مَا الَّذِي قَطَعَكَ عَنْ زِيَارَتِنَا فَقَالَ سَعَةُ مُلْكِكَ وَ حُبُّكَ لِلدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٨، ص ٢١٥

﴿١٧٧٥﴾ علي بن ابراهيم عليه السلام: لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَ لَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ؛

من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ١٥٦

٥-٥-٦-٣- الْإِخْرَاجُ مِنْ أَمْنَاءِ الرُّسُلِ

﴿١٧٧٦﴾ الرسول ﷺ: الْفُقَهَاءُ أَمْنَاءُ الرُّسُلِ مَا لَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا دَخَلْنَاهُمْ فِي الدُّنْيَا قَالَ اتَّبَاعُ السُّلْطَانِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ فَاحْذَرُوهُمْ عَلَى أَدْيَانِكُمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ١٢٤

٥-٥-٧- الْغَفْلَةُ وَ الْجَهْلُ

٥-٥-٧-١- الْغَفْلَةُ

﴿١٧٧٧﴾ يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ؛ (روم / ٧)

﴿١٧٧٨﴾ الصادق عليه السلام: وَ أَعْظَمُ الْفَسَادِ أَنْ يَرْضَى الْعَبْدُ بِالْغَفْلَةِ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى وَ هَذَا الْفَسَادُ يَتَوَلَّدُ مِنْ طُولِ الْأَمَلِ وَ الْحِرْصِ وَ الْكِبَرِ... وَ كَانَتْ هَذِهِ الْخِصَالُ مِنْ صُنْعِ قَارُونَ وَ اعْتِقَادِهِ وَ أَصْلُهَا مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا وَ جَمْعِهَا... وَ عَلَاجُ ذَلِكَ الْفِرَارُ مِنَ النَّاسِ وَ رَفُضُ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٣٩٥

﴿بی‌آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / کفر﴾

۵-۵-۵- خروج از ولایت

۱- ۵-۵-۶- کوتاهی در عهد ولایت

﴿۱۷۷۳﴾ شیاطین [بعد از اینکه پیامبر ﷺ ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را اعلام کرد،] نزد ابلیس جمع شده و گفتند: «... پس این چگونه خواهد بود درحالی که او برای امتش راهنما و نشانه‌ای قرار داده و پیشوایی برایشان تعیین نموده است؟» ابلیس گفت: «نگران نباشید، چراکه امتش پیمان او را می‌شکنند و پس از او به جانشینش خیانت می‌کنند و به اهل بیتش ستم روا می‌دارند و به خاطر غلبه‌ی دوستی دنیا در دل‌هایشان و از روی استکبار و غرور و قرارگرفتن تعصب و کینه‌ها در سینه‌هایشان در این کار سستی می‌کنند».

۲- ۵-۵-۶- دوری از امام (علیه السلام)

﴿۱۷۷۴﴾ [هارون الرشید امام کاظم (علیه السلام) را در آغوش گرفت و] گفت: «خوشا به پسر عمو و برادر و وارث نعمت من». سپس ایشان را بر پای خود نشاند و گفت: «چه چیز تو را از دیدار ما بازداشته است؟» فرمود: «بسیاری فرمانروایی و دوستی‌ات نسبت به دنیا». ﴿۱۷۷۵﴾ کسی که دنیای خود را برای آخرت رها کند یا آخرت خود را برای دنیا از دست دهد، از ما نیست.

۳- ۵-۵-۶- اخراج از مقام امینان رسولان

﴿۱۷۷۶﴾ پیامبر ﷺ فرمود: «فقها امینان پیامبران هستند تا وقتی که وارد دنیا نشده باشند». گفته شد: «ای رسول خدا! وارد دنیا شدنتان به چیست؟» فرمود: «پیروی از پادشاهان، هرگاه چنین کردند از آن‌ها بر دینتان بترسید».

۷- ۵-۵- غفلت و نادانی

۱- ۵-۵-۷- غفلت

﴿۱۷۷۷﴾ فقط ظاهری از زندگی دنیا را درک می‌کنند و از آخرت غافلند. ﴿۱۷۷۸﴾ بزرگ‌ترین فساد باطنی انسان در موردی است که راضی به غفلت از پروردگار متعال باشد. و منشأ این فساد از پیدایش آرزوهای طولانی و حرص و تکبر خواهد بود... این صفات از خصلت‌های قارون و از خصوصیات ممتاز او بود، و روی این خصوصیات سلوک و زندگی می‌کرد. و ریشه‌ی همه‌ی آن‌ها محبت دنیا و دلبستگی به آن و جمع‌آوری و به‌دست‌آوردن آن است... و معالجه این فساد اصلی، فرار کردن از مردم، و ترک‌نمودن علایق دنیوی است.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْكُفْرِ﴾

﴿١٧٧٩﴾ لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ أَحْسِنْ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ وَلَا تُكْثِرْ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّكَ عَلَى غَفْلَةٍ مِنْهَا وَانْظُرْ إِلَى مَا تَصِيرُ مِنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٤٢٩

﴿١٧٨٠﴾ الباقر عليه السلام: يَا جَابِرُ الْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ وَالدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ وَزَوَالٍ وَلَكِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا أَهْلُ غَفْلَةٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٢

﴿١٧٨١﴾ الصادق عليه السلام: دَارُ الدُّنْيَا دَارُ زَوَالٍ وَدَارُ الْآخِرَةِ دَارُ قَرَارٍ أَهْلُ الدُّنْيَا أَهْلُ غَفْلَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٦٢
٢-٥-٧-٥-النسيان

﴿١٧٨٢﴾ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ هَوًى وَلَعِباً وَغَرَّتُهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنْسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ؛ (الأعراف/٥١)

﴿١٧٨٣﴾ الرسول ﷺ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: يَا أَحْمَدُ لَوْ صَلَّى الْعَبْدُ صَلَاةَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَصُومَ صِيَامَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَطَوَى عَنِ الطَّعَامِ مِثْلَ الْمَلَائِكَةِ وَلَبَسَ لِبَاسَ الْعَابِدِينَ ثُمَّ أَرَى فِي قَلْبِهِ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا ذَرَّةً أَوْ سُمْعَةً أَوْ رِئَاسَةً أَوْ صِيتَةً أَوْ زِينَةً لَا يُجَاوِرُنِي فِي دَارِي وَلَا تَنْزِعَنَّ مِنْ قَلْبِهِ مَحَبَّتِي (وَلَا ظِلْمَنَّ قَلْبَهُ حَتَّى يَنْسَانِي وَلَا أُذِيقُهُ حُلَاوَةَ مَحَبَّتِي)؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٦

﴿١٧٨٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مُجَالَسَةُ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا مَنَسَاةٌ لِلإِيمَانِ قَائِدَةٌ إِلَى طَاعَةِ الشَّيْطَانِ؛ غرر الحكم، ص ٤٣٤
٣-٥-٧-٥-الجهل والحُمق

﴿١٧٨٥﴾ الرسول ﷺ: يَا أَحْمَدُ إِنَّ عَيْبَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَثِيرٌ فِيهِمُ الْجَهْلُ وَالْحُمَقُ لَا يَتَوَاضَعُونَ لِمَنْ يَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَهُمْ عِنْدَ أَنْفُسِهِمْ عُقْلَاءُ وَعِنْدَ الْعَارِفِينَ حُمَقَاءُ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٠
٨-٥-٥-الضلالة

١-٥-٥-٨-حجاب القلب

﴿١٧٨٦﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عليه السلام يَا دَاوُدُ حَدِّرْ فَإِنَّكَ أَنْتَ أَصْحَابَكَ عَنْ حُبِّ الشَّهَوَاتِ فَإِنَّ الْمُعَلَّقَةَ قُلُوبُهُمْ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا قُلُوبُهُمْ مَحْجُوبَةٌ عَنِّي؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣١١

﴿بی‌آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / کفر﴾

﴿۱۷۷۹﴾ ای پسر، هر کس به تو بدی می‌کند در مقابل، تو به او خوبی کن و زیاد به دنیا توجه نکن؛ چون یک‌باره آن را رها خواهی کرد و به سرایی که به آنجا سفر می‌کنی، توجه کن.
﴿۱۷۸۰﴾ ای جابر، آخرت محلّ آرام گرفتن و دنیا محلّ نابودی است؛ ولی مردم دنیا غافل هستند.

﴿۱۷۸۱﴾ دنیا سرای نیستی و فنا و آخرت منزل و محلّ قرار است. اهل دنیا غافل هستند و بی‌خبر.

۲-۷-۵-۵- فراموشی

﴿۱۷۸۲﴾ همان‌ها که دین و آیین خود را سرگرمی و بازیچه گرفتند و زندگی دنیا آنان را مغرور ساخت امروز ما آن‌ها را فراموش مگی‌کنیم، همان‌گونه که لقای چنین روزی را فراموش کردند و آیات ما را انکار نمودند.

﴿۱۷۸۳﴾ خداوند عزّ و جل فرمود: «ای احمد! اگر بنده‌ای نماز اهل آسمان و زمین را به جا آورد و روزه‌ی اهل آسمان و زمین را بگیرد و غذایش مثل ملائکه و لباسش لباس عابدان باشد، اما در قلبش به قدر ذره‌ای حبّ دنیا باشد یا اهل سمعه و ریاست‌های دنیایی باشد یا طالب شهرت و زینت‌های آن باشد، او را هم‌جوار خودم قرار نمی‌دهم و محبت خودم را از قلبش می‌کنم و آنقدر قلبش را تیره می‌کنم تا مرا فراموش کند و شیرینی محبتم را به او نمی‌چشانم.
﴿۱۷۸۴﴾ همنشینی با فرزندان دنیا موجب فراموشی ایمان و راهنمایی به اطاعت شیطان است.

۳-۷-۵-۵- نادانی و حماقت

﴿۱۷۸۵﴾ ای احمد! دنیاپرستان زشتی‌های بسیاری دارند، از جمله نادان هستند و احمق؛ به استاد خود احترام نمی‌گذارند و خود را عاقل و خردمند می‌دانند، حال اینکه از نظر عارفان، گروهی احمق هستند».

۸-۵-۵- گمراهی

۱-۸-۵-۵- پرده‌ی قلب

﴿۱۷۸۶﴾ ای هشام، خداوند متعال به حضرت داوود علیه السلام وحی فرمود: [ای داوود، مواظب باش و یاران خود را از دل‌دادن به شهوات بترسان که بی‌شک دل‌دادگان به شهوات دنیا، قلب و فهمشان از من در حجاب است.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْكُفْرِ﴾

٢-٨-٥-٥- مَوْتُ الْقَلْبِ

﴿١٧٨٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَمَاتَتِ الدُّنْيَا قَلْبَهُ وَوَلَهَتْ عَلَيْهِ نَفْسَهُ فَهُوَ عَبْدٌ لَهَا... وَجَاءَهُمْ مِنْ فِرَاقِ الدُّنْيَا مَا كَانُوا يَأْمَنُونَ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٧، ص ٢٠٠

٣-٨-٥-٥- الْعَمِيَانُ

﴿١٧٨٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَحَذَّرَكُمْ الدُّنْيَا... مَنْ أَبْصَرَ فِيهَا بَصَرَتَهُ وَمَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤

﴿١٧٨٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا بِمُحَالِ الْأَمَالِ وَخَدَعَتْهُ بِزُورِ الْأَمَانِي أَوْرَثَتْهُ كَمَهَا وَالْبَسَتْهُ عَمَى [وَأَكْسَبَتْهُ عَمَهَا] وَقَطَعَتْهُ عَنِ الْآخِرَى وَأَوْرَدَتْهُ مَوَارِدَ الرَّدَى؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

﴿١٧٩٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ قَصَرَ نَظْرَهُ عَلَى أَثْنَاءِ الدُّنْيَا عَمِيَ عَنْ سَبِيلِ الْهُدَى؛ غرر الحكم، ص ١٣٧

﴿١٧٩١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لِحُبِّ الدُّنْيَا صَمَّتِ الْأَسْمَاعُ عَنْ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ وَعَمِيَتِ الْقُلُوبُ عَنْ نُورِ الْبَصِيرَةِ؛ غرر الحكم، ص ٦٥

﴿١٧٩٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَإِيَّاكَ أَنْ تَغْتَرَّ بِمَا تَرَى مِنْ إِخْلَادِ أَهْلِ الدُّنْيَا إِلَيْهَا وَتَكَالِفِهِمْ عَلَيْهَا... سَلَكَتْ بِهِمُ الدُّنْيَا طَرِيقَ الْعَمَى وَأَخَذَتْ بِأَبْصَارِهِمْ عَنْ مَنَارِ الْهُدَى فَتَاهُوا فِي حَيْرَتِهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٦، ص ٨٩

﴿١٧٩٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ غَلَبَتْ الدُّنْيَا عَلَيْهِ عَمِيَ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ؛ غرر الحكم، ص ١٤١

﴿١٧٩٤﴾ الرسول ﷺ: مَنْ رَغِبَ فِي الدُّنْيَا وَطَالَ أَمَلُهُ فِيهَا أَعْمَى اللَّهُ قَلْبَهُ عَلَى قَدَرِ ذَلِكَ وَمَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا وَقَصَرَ أَمَلُهُ فِيهَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عِلْمًا بَغَيْرِ تَعْلَمٍ وَهُدًى بَغَيْرِ هِدَايَةٍ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣١

﴿١٧٩٥﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ آثَرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ٢١٨

﴿١٧٩٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَارْفُضِ الدُّنْيَا فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُعْمَى وَيُصِمُّ وَيُبْكِمْ... فَانْقَطِعْ إِلَى اللَّهِ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ مِنْ رَفْضِ الدُّنْيَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٦

٤-٨-٥-٥- الْكَمَّةُ

﴿بی‌آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / کفر﴾

۲-۵-۸-۵- مرگ قلب

﴿۱۷۸۷﴾ [دوستی] دنیا دلش را میرانده است؛ شیفته‌ی بی‌اختیار دنیا و برده‌ی آن است... و دنیایی را که جاویدان می‌پنداشتند از آن‌ها جدا شده است.

۳-۵-۸-۵- کوری

﴿۱۷۸۸﴾ شما را از دنیادوستی برحذر می‌دارم ... هرکس با دیده‌ی بینا به دنیا بنگرد، بینا می‌شود و هرکس با دیده‌ی تمایل به آن بنگرد، دنیا او را کور و نابینا می‌کند.

﴿۱۷۸۹﴾ کسی که دنیا او را با آرزوهای محال فریب دهد و او را با امیدهای دروغین گول زند، برایش کوری و کوردلی به‌جا می‌گذارد و او را از آخرت جدا می‌سازد و در محلّ هلاکت وارد می‌کند.

﴿۱۷۹۰﴾ کسی که دیده‌اش محدود به فرزندان دنیا باشد، از دیدن راه هدایت کور است.

﴿۱۷۹۱﴾ به خاطر دوستی دنیا گوش‌ها از شنیدن حکمت کر شده‌اند، و دل‌ها از نور بصیرت کور گشته‌اند.

﴿۱۷۹۲﴾ از دنیا بهره‌یز که چسبیدن اهل دنیا به آن و درنده‌خویی آنان بر سر دنیا تو را فریب می‌دهد... دنیا آن‌ها را به راه کوری می‌کشاند و دیدگانشان را از چراغ هدایت می‌پوشاند. پس آن‌ها در وادی حیرت دنیا سرگردان هستند.

﴿۱۷۹۳﴾ هرکس دنیا بر او غلبه کند، از آنچه پیش روی اوست، کور می‌گردد.

﴿۱۷۹۴﴾ هر کس شیفته‌ی دنیا باشد، و آرزوی طولانی داشته باشد خداوند به همان اندازه، او را کوردل می‌سازد و هر کس در دنیا زاهد باشد و آرزوی طولانی نداشته باشد، علمی از جانب خدا به او عطا می‌شود بدون آنکه چیزی آموخته باشد و هدایتی می‌یابد که پیش از آن به آن هدایت نشده بود.

﴿۱۷۹۵﴾ کسی که دنیا را بر آخرت ترجیح دهد، خداوند در روز قیامت او را کور محشور می‌کند.

﴿۱۷۹۶﴾ دنیا را واگذار که دوستی دنیا کور و کر و لال نماید... پس با دلی متوجّه به خدا و بریده از دنیا به‌سوی او رو کن.

۴-۵-۸-۵- کوردلی

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْكُفْرِ﴾

﴿١٧٩٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا بِمُحَالِ الْأَمَالِ وَخَدَعَتْهُ بِزُورِ الْأَمَانِي أَوْرَثَتْهُ كَمَهَا وَآلَبَسَتْهُ عَمَى [وَأَكْسَبَتْهُ عَمَهَا] وَقَطَعَتْهُ عَنِ الْآخِرَى وَأَوْرَدَتْهُ مَوَارِدَ الرَّدَى؛ غررالحكم، ص ١٣٥

﴿١٧٩٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ رَاقَهُ زُبُرُ الدُّنْيَا أَغْقَبَ نَاطِرِيهِ كَمَهَا؛ غررالحكم، ص ١٤٢
٥-٥-٨-٥- إصمَامُ الْقَلْبِ

﴿١٧٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا يُفْسِدُ الْعَقْلَ وَيُصِمُّ الْقَلْبَ عَنْ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ وَ يُوجِبُ أَلِيمَ الْعِقَابِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١
﴿١٨٠٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لِحُبِّ الدُّنْيَا صَمَّتِ الْأَسْمَاعُ عَنْ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ وَ عَمِيَتْ الْقُلُوبُ عَنْ نُورِ الْبَصِيرَةِ؛ غررالحكم، ص ٦٥
﴿١٨٠١﴾ الصادق عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا يُعْمَى وَيُصِمُّ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٠
٥-٥-٨-٥- الإِبْكَامُ

﴿١٨٠٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَارْفُضِ الدُّنْيَا فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُعْمَى وَيُصِمُّ وَيُبْكَمُ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٦
٥-٥-٨-٥- التَّيَهُ

﴿١٨٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَإِيَّاكَ أَنْ تَغْتَرَّ بِمَا تَرَى مِنْ إِخْلَادِ أَهْلِ الدُّنْيَا إِلَيْهَا وَ تَكَالِبِهِمْ عَلَيْهَا... سَلَكَتْ بِهِمُ الدُّنْيَا طَرِيقَ الْعَمَى وَ أَخَذَتْ بِأَبْصَارِهِمْ عَنْ مَنَارِ الْهُدَى فَتَاهُوا فِي حَيْرَتِهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٦، ص ٨٩
٥-٥-٨-٥- الْغَوَايَةُ

﴿١٨٠٤﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ غَرَّتْنَا وَ اشْتَغَلَّتْنَا وَ اسْتَهْوَتْْنَا وَ اسْتَلْهَتْْنَا وَ اسْتَعْوَتْْنَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٧٢
٥-٥-٨-٥- الضَّلَالَةُ

﴿١٨٠٥﴾ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَغُفُّوا عَوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ؛ (إبراهيم/٣)
٥-٥-٨-٥- الإِغْتِرَارُ

﴿پیآمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / کفر﴾

﴿۱۷۹۷﴾ کسی که دنیا او را با آرزوهای محال فریب دهد و او را با امیدهای دروغین گول زند، برایش کوری و کوردلی به جا می‌گذارد و او را از آخرت جدا می‌سازد و در محلّ هلاکت وارد می‌کند.

﴿۱۷۹۸﴾ هرکس از زینت دنیا خوشش بیاید، میراثی که دنیا به او می‌دهد کوری چشم [و دل] اوست.

۵-۵-۸-۵- کر شدن قلب

﴿۱۷۹۹﴾ حبّ دنیا عقل را فاسد و قلب را از شنیدن حکمت، کر می‌کند و سرنوشت دردناکی را در پی خواهد داشت.

﴿۱۸۰۰﴾ به خاطر دوستی دنیا گوش‌ها از شنیدن حکمت کر شده‌اند، و دل‌ها از نور بصیرت کور گشته‌اند.

﴿۱۸۰۱﴾ حبّ دنیا انسان را کور و کر می‌کند.

۶-۵-۵-۵- لال شدن

﴿۱۸۰۲﴾ دنیا را واگذار که دوستی دنیا کور و کر و لال نماید.

۷-۵-۵-۵- سرگردانی

﴿۱۸۰۳﴾ از دنیا بیرهیز که چسبیدن اهل دنیا به آن و درنده‌خویی آنان بر سر دنیا تو را فریب می‌دهد... دنیا آن‌ها را به راه کوری می‌کشانند و دیدگان‌شان را از چراغ هدایت می‌پوشانند. پس آن‌ها در وادی حیرت دنیا سرگردان هستند.

۸-۵-۵-۵- گمراهی

﴿۱۸۰۴﴾ دنیا ما را مغرور و به خود مشغول ساخته و هوایی کرده است و ما را به لهو و بازی واداشته و اغوا کرده است.

۹-۵-۵-۵- گمراهی

﴿۱۸۰۵﴾ همان‌ها که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند و [مردم را] از راه خدا باز می‌دارند و می‌خواهند راه حق را منحرف سازند آن‌ها در گمراهی دوری هستند!

۹-۵-۵- فریب خوردن

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْكُفْرِ﴾

﴿١٨٠٦﴾ وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَهَوًّا وَغَرَّتُهُمُ الدُّنْيَا وَذَكَرَ بِهِ أَنْ تَبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعْدِلْ كُلُّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا هُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ؛ (الأنعام / ٧٠)

﴿١٨٠٧﴾ يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُزِدُّونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّتُهُمُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ؛ (الأنعام / ١٣٠)

﴿١٨٠٨﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَاحْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ؛ (لقمان / ٣٣)

﴿١٨٠٩﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ؛ (فاطر / ٥)

﴿١٨١٠﴾ اعْلَمُوا أَنَّا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَهُوَ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمَتَاعٌ الْغُرُورُ؛ (الحديد / ٢٠)

﴿١٨١١﴾ الرَّسُولُ ﷺ: وَمَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِلدُّنْيَا وَالْمَنْزِلَةَ عِنْدَ النَّاسِ وَالْحُظُوفَةَ عِنْدَ السُّلْطَانِ لَمْ يُصِبْ مِنْهُ بَابًا إِلَّا أَزْدَادَ فِي نَفْسِهِ عَظَمَةٌ وَعَلَى النَّاسِ اسْتِطَالَةٌ وَبِاللَّهِ اغْتِرَارًا وَمِنَ الدِّينِ جَفَاءٌ؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ٣٤

﴿١٨١٢﴾ امير المؤمنين ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا تَغُرُّ الْمُؤْمِلَ لَهَا وَالْمُخْلِذَ إِلَيْهَا، وَلَا تَنْفَسُ بِمَنْ نَافَسَ فِيهَا، وَتَغْلِبُ مَنْ غَلَبَ عَلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٢٩، ص ٥٩٦

﴿١٨١٣﴾ امير المؤمنين ﷺ: الدُّنْيَا تَغُرُّ وَتَضُرُّ وَتَمُرُّ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٣

﴿١٨١٤﴾ امير المؤمنين ﷺ: فَلَا تَطْمَئِنَّ إِلَى الدُّنْيَا فَإِنَّهَا غَرَارَةٌ وَلَوْ اعْتَبَرْتَ بِمَا مَضَى لَحَفِظْتَ مَا بَقِيَ وَانْتَفَعْتَ مِنْهَا بِمَا وَعَظْتَ بِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٥٣٩

﴿بی‌آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / کفر﴾

﴿۱۸۰۶﴾ و رها کن کسانی را که آیین [فطری] خود را به بازی و سرگرمی گرفتند، و زندگی دنیا، آن‌ها را مغرور ساخته، و با این [قرآن]، به آن‌ها یادآوری نما، تا گرفتار [عواقب شوم] اعمال خود نشوند! [و در قیامت] جز خدا، نه یآوری دارند، و نه شفاعت‌کننده‌ای! و [چنین کسی] هر گونه عوضی بپردازد، از او پذیرفته نخواهد شد آن‌ها کسانی هستند که گرفتار اعمالی شده‌اند که خود انجام داده‌اند نوشابه‌ای از آب سوزان برای آن‌هاست و عذاب دردناکی به خاطر اینکه کفر می‌ورزیدند [و آیات الهی را انکار] می‌کردند.

﴿۱۸۰۷﴾ [در آن روز به آن‌ها می‌گوید:] ای گروه جن و انس! آیا رسولانی از شما به‌سوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان بازگو می‌کردند، و شما را از ملاقات چنین روزی بیم می‌دادند؟! آن‌ها می‌گویند: «بر ضدّ خودمان گواهی می‌دهیم [آری،] ما بد کردیم» و زندگی [پر زرق و برق] دنیا آن‌ها را فریب داد و به زیان خود گواهی می‌دهند که کافر بودند!

﴿۱۸۰۸﴾ ای مردم! تقوای الهی پیشه کنید و بترسید از روزی که نه پدر کیفر اعمال فرزندش را تحمّل می‌کند، و نه فرزند چیزی از کیفر [اعمال] پدرش را به یقین وعده الهی حقّ است پس مبادا زندگانی دنیا شما را بفریبد، و مبادا [شیطان] فریبکار شما را [به کرم] خدا مغرور سازد!

﴿۱۸۰۹﴾ ای مردم! وعده‌ی خداوند حقّ است، مبادا زندگی دنیا شما را بفریبد، و مبادا شیطان شما را فریب دهد و به [کرم] خدا مغرور سازد!

﴿۱۸۱۰﴾ بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل‌پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرومی‌برد، سپس خشک می‌شود به‌گونه‌ای که آن را زردرنگ می‌بینی سپس تبدیل به کاه می‌شود! و در آخرت، عذاب شدید است یا مغفرت و رضای الهی و [به هر حال] زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست!

﴿۱۸۱۱﴾ هرکس علم را برای امور دنیا و منزلت پیش مردم و بهره‌وری در پیشگاه پادشاه بیاموزد، هرچه از آن به او برسد موجب خود بزرگ‌بینی و فخرفروشی بیشتر او به مردم می‌شود و مایه‌ی فریب‌خوردن بیشتر او در قبال خداوند و ستم به دین می‌شود.

﴿۱۸۱۲﴾ دنیا آرزومند آن و آرام‌گیرنده‌ی در آن را فریب می‌دهد و به کسی که در آن رقابت کند، مهلت نمی‌دهد و بر کسی که بر آن غلبه کرده، غلبه می‌کند.

﴿۱۸۱۳﴾ دنیا می‌فریبد و زیان می‌رساند و می‌گذرد.

﴿۱۸۱۴﴾ پس به دنیا تکیه نکن که سخت فریب می‌دهد و اگر از گذشته عبرت بگیری آینده‌ات را حفظ کرده و از آنچه به آن تو را پند داده‌اند سود جسته باشی.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْكُفْرِ﴾

﴿١٨١٥﴾ الحسين عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ الدُّنْيَا فَجَعَلَهَا دَارَ فَنَاءٍ وَزَوَالَ مُتَصَرِّفَةً بِأَهْلِهَا حَالًا بَعْدَ حَالٍ فَالْمَغْرُورُ مَنْ غَرَّتْهُ وَالشَّقِيُّ مَنْ فَتَنَتْهُ فَلَا تَغُرَّنَّكُمْ هَذِهِ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا تَقْطَعُ رَجَاءَ مَنْ رَكَنَ إِلَيْهَا وَتُخَيِّبُ طَمَعَ مَنْ طَمَعَ فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٥، ص ٥

﴿١٨١٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ لَا تَغُرَّنَّكُمْ الدُّنْيَا كَمَا غَرَّتْ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِنَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ وَالْأَقْرُونِ الْخَالِيَةِ الَّذِينَ اخْتَلَبُوا دِرَّتِيهَا وَأَصَابُوا غِرَّتِيهَا وَأَفْنَوْا عِدَّتِيهَا وَأَخْلَقُوا جِدَّتِيهَا أَصْبَحَتْ مَسَاكِنُهُمْ أَجْدَانًا وَأَمْوَالُهُمْ مِيرَاثًا لَا يَعْرِفُونَ مَنْ آتَاهُمْ وَلَا يَخْفَلُونَ مَنْ بَكَاهُمْ وَلَا يُجِيبُونَ مَنْ دَعَاهُمْ فَاحْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا غَدَارَةٌ غَرَّارَةٌ خَدُوعٌ مُعْطِيَةٌ مُنَوَّعٌ مُلْبِسَةٌ نَزُوعٌ لَا يَدُومُ رَخَاؤُهَا وَلَا يَنْقُضِي عَنَاؤُهَا وَلَا يَرْكُذُ بِلَاؤُهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٨٣

﴿١٨١٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا غَرَّارَةٌ خَدُوعٌ مُعْطِيَةٌ مُنَوَّعٌ مُلْبِسَةٌ نَزُوعٌ لَا يَدُومُ رَخَاؤُهَا وَلَا يَنْقُضِي عَنَاؤُهَا وَلَا يَرْكُذُ بِلَاؤُهَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

﴿١٨١٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مَعْدِنُ الشَّرِّ وَمَحَلُّ الْغُرُورِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

﴿١٨١٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنْسُوا بِالدُّنْيَا فَغَرَّتْهُمْ وَوَقَّعُوا بِهَا فَصَرَعَتْهُمْ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٣، ص ٩٩

﴿١٨٢٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اغْتَرَّ بِالدُّنْيَا اغْتَرَّ بِالْمُنَى؛ غرر الحكم، ص ١٣٦

﴿١٨٢١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا دُنْيَا غُرِّي غَيْرِي؛ بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ٣٥١

﴿١٨٢٢﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ غَرَّتْنَا وَاشْتَغَلَّتْنَا وَاسْتَهْوَتْْنَا وَاسْتَلْهَتْْنَا وَاسْتَغْوَتْْنَا؛

بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٧٢

﴿١٨٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ وَثِقَ بِغُرُورِ الدُّنْيَا [فَقَدْ] أَمِنَ مَخُوفَهُ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

١-٥-٥-الإنخداع

﴿١٨٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا بِمُحَالِ الْأَمَالِ وَخَدَعَتْهُ بِزُورِ الْأَمَانِي أَوْرَثَتْهُ كَمَهَا وَالْبَسَتْهُ عَمَى [وَأَكْسَبَتْهُ عَمَهَا] وَقَطَعَتْهُ عَنِ الْأُخْرَى وَأَوْرَدَتْهُ مَوَارِدَ الرَّدَى؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

﴿بی‌آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / کفر﴾

﴿۱۸۱۵﴾ ستایش مخصوص آن خدایی است که دنیا را سرای فنا و زوال قرار داد و اهل آن را در هر لحظه در حالتی قرار داد. کسی فریب می‌خورد که دنیا او را فریب دهد. شقی کسی است که دنیا او را دچار امتحان نماید. مبدا این دنیا شما را فریب دهد، زیرا این دنیا امید کسی را که به آن دلبستگی داشته باشد، قطع می‌کند و طمع هر کسی را که به آن طمع کند، نابود می‌نماید.

﴿۱۸۱۶﴾ دنیا شما را مغرور نسازد، چنانکه گذشتگان شما و امت‌های پیشین را در قرون سپری شده مغرور ساخت. آنان که دنیا را دوشیدند، به غفلت‌زدگی در دنیا گرفتار شدند، فرصت‌ها را از دست دادند، و تازه‌های آن را فرسوده ساختند؛ سرانجام خانه‌هایشان گورستان و سرمایه‌هایشان ارث این و آن گردید، کسانی که نزدیکانشان را نمی‌شناسند، و به گریه‌کنندگان خود توجهی ندارند، و نه دعوتی را پاسخ می‌گویند. مردم! از دنیا برحذر باشید، که حيله‌گر و فریبنده و نیرنگ‌باز است، بخشنده‌ای بازپس‌گیرنده، و پوشنده‌ای برهنه‌کننده است، آسایش دنیا بی‌دوام و سختی‌هایش بی‌پایان و بلاهایش دائمی است.

﴿۱۸۱۷﴾ به‌درستی که دنیا فریب‌دهنده و حيله‌گر است، می‌بخشد و باز پس می‌گیرد، می‌پوشاند و درمی‌آورد، آرامش آن ماندگار نیست و دردهای آن پایان ندارد و بلاهای آن آرام نمی‌گیرد.

﴿۱۸۱۸﴾ دنیا معدن شرّ و محلّ اقامت آن و جایگاه فریب است.

﴿۱۸۱۹﴾ [گذشتگان] به دنیا انس گرفتند ولی آن‌ها را فریفت؛ به دنیا اعتماد کردند ولی آن‌ها را زمین زد.

﴿۱۸۲۰﴾ کسی که فریب دنیا را خورده، فریب آرزوهای خود را خورده است.

﴿۱۸۲۱﴾ ای دنیا غیر مرا فریب ده!

﴿۱۸۲۲﴾ دنیا ما را مغرور و به خود مشغول ساخته و هوایی کرده است و ما را به لَهو و بازی واداشته و اغوا کرده است.

﴿۱۸۲۳﴾ هرکس بر فریب دنیا اعتماد کند از آنچه باید ترس داشته باشد [ندانسته] خود را ایمن دانسته است.

۱-۹-۵- فریب‌خوردن

﴿۱۸۲۴﴾ کسی که دنیا او را با آرزوهای محال فریب دهد و او را با امیدهای دروغین گول زند، برایش کوری و کوردلی به‌جا می‌گذارد و او را از آخرت جدا می‌سازد و در محلّ هلاکت وارد می‌کند.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْكُفْرِ﴾

١٠-٥-٥- العُجْبُ

١-١٠-٥- يَحْمَدُونَ أَنْفُسَهُمْ وَ يَدَّعُونَ بِمَا لَيْسَ لَهُمْ

﴿١٨٢٥﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا لَا يَشْكُرُونَ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَلَا يَصْبِرُونَ عِنْدَ الْبَلَاءِ كَثِيرُ النَّاسِ عِنْدَهُمْ قَلِيلُ يَحْمَدُونَ أَنْفُسَهُمْ بِمَا لَا يَفْعَلُونَ وَ يَدَّعُونَ بِمَا لَيْسَ لَهُمْ وَ يَتَكَلَّمُونَ بِمَا يَتَمَنُّونَ؛

إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٠

٢-١٠-٥- عِنْدَ أَنْفُسِهِمْ عَقْلًا

﴿١٨٢٦﴾ الرسول ﷺ: يَا أَحْمَدُ إِنَّ عَيْبَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَثِيرٌ فِيهِمُ الْجَهْلُ وَالْحَقُّ لَا يَتَوَاضَعُونَ لِمَنْ يَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ هُمْ عِنْدَ أَنْفُسِهِمْ عَقْلًا وَ عِنْدَ الْعَارِفِينَ حُمْقًا؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٠

٣-١٠-٥- عَظَمَةُ النَّفْسِ

﴿١٨٢٧﴾ الرسول ﷺ: وَ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِلدُّنْيَا وَ الْمُنَزَّلَةَ عِنْدَ النَّاسِ وَ الْخُطْوَةَ عِنْدَ السُّلْطَانِ لَمْ يُصِبْ مِنْهُ بَابًا إِلَّا أَزْدَادَ فِي نَفْسِهِ عَظَمَةً وَ عَلَى النَّاسِ اسْطِطَالََةً وَ بِاللَّهِ اغْتِرَارًا وَ مِنَ الدِّينِ جَفَاءً؛

بحار الأنوار، ج ٢، ص ٣٤

١١-٥-٥- الْأَمَلُ

﴿١٨٢٨﴾ الكاظم ﷺ: مَنْ أَشْرَبَ قَلْبُهُ حُبَّ الدُّنْيَا التَّاطَ قَلْبُهُ مِنْهَا بِأَرْبَعِ شُغُلٍ لَا يَنْفَكُ عَنْهَا وَ أَمَلٌ لَا يُدْرِي مُنْتَهَاهَا وَ حِرْصٌ لَا يُبْلَغُ مَدَاهُ وَ هَمٌّ لَا يَعْرِفُ انْقِضَاءَهُ؛ معدن الجواهر، ص ٤٣

﴿١٨٢٩﴾ أمير المؤمنين ﷺ: مَنْ لَهَجَ قَلْبُهُ بِحُبِّ الدُّنْيَا التَّاطَ مِنْهَا بِثَلَاثِ هَمٍّ لَا يَعْبُهُ وَ حِرْصٍ لَا يَتْرُكُهُ وَ أَمَلٍ لَا يُدْرِكُهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٨

﴿١٨٣٠﴾ الصادق ﷺ: مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِالدُّنْيَا تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ هَمٌّ لَا يَفْنَى وَ أَمَلٌ لَا يُدْرِكُ وَ رَجَاءٌ لَا يُنَالُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣٢٠

١-١١-٥- أَمَلٌ لَا يُنَالُ مُنْتَهَاهُ

﴿١٨٣١﴾ الرسول ﷺ: إِنَّهُ مَا سَكَنَ حُبُّ الدُّنْيَا قَلْبَ عَبْدٍ إِلَّا التَّاطَ فِيهَا بِثَلَاثِ شُغُلٍ لَا يَنْفَدُ عَنْوَاهُ وَ فَقَرَ لَا يُدْرِكُ غِنَاهُ وَ أَمَلٌ لَا يُنَالُ مُنْتَهَاهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٩٠

٢-١١-٥- الْأَمَلُ الْبَعِيدُ

﴿١٨٣٢﴾ الرسول ﷺ: أَهْلُ الدُّنْيَا مَنْ كَثُرَ أَكْلُهُ وَ ضَحِكُهُ وَ نَوْمُهُ وَ غَضَبُهُ قَلِيلُ الرِّضَا لَا يَعْتَذِرُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهِ وَ لَا يَقْبَلُ عُذْرَ مَنْ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ كَسَلَانٌ عِنْدَ الطَّاعَةِ شُجَاعٌ عِنْدَ الْمَعْصِيَةِ أَمَلُهُ بَعِيدٌ وَ أَجَلُهُ قَرِيبٌ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٠

﴿بی‌آمدهای دنیا دوستی و توجه به دنیا / کفر﴾

۱۰-۵-۵- خودبزرگ‌بینی

۱-۱۰-۵- خودستایی می‌کنند و ادعای چیزی می‌کنند که ندارند

﴿۱۸۲۵﴾ اهل دنیا هنگام برخورداری از نعمت، از خدا سپاسگزاری نمی‌کند و به هنگام بلا صبر ندارد؛ مردم را با دیده‌ی تحقیر می‌نگرد ولی کارهای نکرده‌ی خود را می‌ستاید؛ ادعای چیزی می‌کند که ندارد و سخنانی بر زبان می‌آورد که آرزوست نه واقعیت.

۲-۱۰-۵- خود را عاقل می‌پندارند

﴿۱۸۲۶﴾ ای احمد! دنیاپرستان زشتی‌های بسیاری دارند، از جمله نادان هستند و احمق؛ به استاد خود احترام نمی‌گذارند و خود را عاقل و خردمند می‌دانند، حال اینکه از نظر عارفان، گروهی احمق هستند».

۳-۱۰-۵- خودبزرگ‌بینی

﴿۱۸۲۷﴾ هرکس علم را برای امور دنیا و منزلت پیش مردم و بهره‌وری در پیشگاه پادشاه بیاموزد، هرچه از آن به او برسد موجب خود بزرگ‌بینی و فخرفروشی بیشتر او به مردم می‌شود و مایه‌ی فریب‌خوردن بیشتر او در قبال خداوند و ستم به دین می‌شود.

۱۱-۵-۵- آرزو

﴿۱۸۲۸﴾ کسی که دل او آکنده از حبّ دنیا شد، دلش به خاطر آن گرفتار چهار خصلت می‌شود: مشغولیتی که از سختی آن رهایی نمی‌یابد، آرزویی که پایانی ندارد، حرصی که فرجام ندارد و تلاشی که انتهایش معلوم نیست.

﴿۱۸۲۹﴾ هرکس محبت دنیا را در دل خود جای دهد، به سه چیز گرفتار می‌گردد: اندوهی که از او دست بر نمی‌دارد، حرصی که از او دست نمی‌کشد، و آرزویی که به آن نمی‌رسد.

﴿۱۸۳۰﴾ هرکس به دنیا دلبستگی پیدا کند، دلش سه خصلت پیدا خواهد کرد، اندوهی که به او سودی نمی‌رساند، آرزویی که به آن نخواهد رسید و امیدی که به دست نخواهد آورد.

۱-۱۱-۵- آرزویی که به پایان نمی‌رسد

﴿۱۸۳۱﴾ به یقین مهر دنیا در دل هر بنده‌ای که جا بگیرد، گرفتار سه بیماری می‌شود: کاری که زحمتش تمامی ندارد؛ فقری که به ثروت دنیا نخواهد رسید؛ و آرزویی که به پایان نمی‌رسد.

۲-۱۱-۵- آرزوی دور

﴿۱۸۳۲﴾ اهل دنیا کسی است که بسیار بخورد؛ بسیار بخندد؛ بسیار خشم گیرد و هر اندازه مال داشته باشد، راضی نگردد؛ به کسی که به او بدی کرده، عذرخواهی نمی‌کند و کسی که از او عذر بخواهد، نمی‌پذیرد؛ هنگام طاعت و عبادت کسل و هنگام معصیت شجاع است؛ آرزویش دراز و مرگش نزدیک است.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْكُفْرِ﴾

٣-١١-٥-٥- رَجَاءُ لَا يُنَالُ

﴿١٨٣٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِحُبِّ الدُّنْيَا تَعَلَّقَ مِنْ ضَرَرِهَا بِثَلَاثِ خِصَالٍ هُمْ لَا يَفْنَى وَآمَلْ لَا يُدْرِكُ وَرَجَاءُ لَا يُنَالُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٥٠

٤-١١-٥-٥- التَّكَلُّمُ بِمَا يَتَمَنُّونَ

﴿١٨٣٤﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا لَا يَشْكُرُونَ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَلَا يَصْبِرُونَ عِنْدَ الْبَلَاءِ كَثِيرُ النَّاسِ عِنْدَهُمْ قَلِيلٌ يَحْمَدُونَ أَنْفُسَهُمْ بِمَا لَا يَفْعَلُونَ وَيَدْعُونَ بِمَا لَيْسَ لَهُمْ وَيَتَكَلَّمُونَ بِمَا يَتَمَنُّونَ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٠

٥-١١-٥-٥- الْهَوَى

﴿١٨٣٥﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ غَرَّتْنَا وَاشْتَغَلَّتْنَا وَاسْتَهْوَتْْنَا وَاسْتَلْهَتْْنَا وَاسْتَغْوَتْْنَا؛

بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٧٢

١٢-٥-٥- التعامل بالدُّنْيَا

١-١٢-٥-٥- الدُّنْيَا إِسْتَحْدَمَتْهُ

﴿١٨٣٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ خَدَمَ الدُّنْيَا إِسْتَحْدَمَتْهُ وَمَنْ خَدَمَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ خَدَمَتْهُ؛

غرر الحكم، ص ١٢٩

٢-١٢-٥-٥- الدُّنْيَا سَجَنَتْهُ

﴿١٨٣٧﴾ الاثمه عليه السلام: الْمَسْجُونُ مِنَ سَجَنَةِ الدُّنْيَا عَنِ الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٤، ص ٨١

٣-١٢-٥-٥- الإِسْتِغَالُ بِالدُّنْيَا

﴿١٨٣٨﴾ الصادق عليه السلام: فَكَمْ مِنْ حَرِيصٍ عَلَى الدُّنْيَا قَدْ صَرَعَتْهُ وَاشْتَغَلَ بِمَا أَدْرَكَ مِنْهَا عَنْ

طَلَبِ آخِرَتِهِ حَتَّى فَنِيَ عُمْرُهُ وَادْرَكَهُ أَجَلُهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٥٥

﴿١٨٣٩﴾ الصادق عليه السلام: كَمْ مِنْ طَالِبٍ لِلدُّنْيَا لَمْ يُدْرِكْهَا وَمُذْرِكٍ لَهَا قَدْ فَارَقَهَا فَلَا يَشْغَلَنَّكَ

طَلِبُهَا عَنْ عَمَلِكَ؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٥٥

﴿١٨٤٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَمَشْغَلَةٌ عَنِ الْآخِرَةِ لَمْ يُصِبْ صَاحِبُهَا مِنْهَا سَيِّبًا إِلَّا

فَتَحَتْ عَلَيْهِ حِرْصًا عَلَيْهَا وَلَهْجًا بِهَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٧

﴿١٨٤١﴾ الكاظم عليه السلام: مَنْ أَشْرَبَ قَلْبُهُ حُبَّ الدُّنْيَا التَّاطَ قَلْبُهُ مِنْهَا بِأَرْبَعِ شُغُلٍ لَا يَنْفَكُ عَنْهَا وَ

آمَلٍ لَا يُدْرِي مُنْتَهَاهَا وَحِرْصٍ لَا يَبْلُغُ مَدَاهَا وَهَمٍّ لَا يَعْرِفُ انْقِصَاءَهُ؛ معدن الجواهر، ص ٤٣

﴿بی‌آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / کفر﴾

۱۱-۳-۵-۵- امید دست‌نیافتنی

﴿۱۸۳۳﴾ هرکس دل به دنیا ببندد، به سه ضرر و زیان دل بسته است: هم و غمی که پایان‌پذیر نیست، آرزویی که به آن نخواهد رسید و امیدواری‌ای که به آن نائل نمی‌شود.

۱۱-۴-۵-۵- آنچه آرزو دارند می‌گویند

﴿۱۸۳۴﴾ اهل دنیا هنگام برخورداری از نعمت، از خدا سپاسگزاری نمی‌کند و به هنگام بلا صبر ندارد؛ مردم را با دیده‌ی تحقیر می‌نگرد ولی کارهای نکرده‌ی خود را می‌ستاید؛ ادعای چیزی می‌کند که ندارد و سخنانی بر زبان می‌آورد که آرزوست نه واقعیت.

۱۱-۵-۵-۵- هوی و هوس

﴿۱۸۳۵﴾ دنیا ما را مغرور و به خود مشغول ساخته و هوایی کرده است و ما را به لهو و بازی واداشته و اغوا کرده است.

۱۲-۵-۵- تعامل با دنیا و تعامل دنیا با او

۱۲-۱-۵-۵- دنیا او را به خدمت می‌گیرد

﴿۱۸۳۶﴾ هرکس به دنیا خدمت کند، دنیا از او خدمت طلب می‌کند و هرکس به خدا خدمت کند، دنیا به او خدمت می‌کند.

۱۲-۲-۵-۵- دنیا او را در زندان افکنده است

﴿۱۸۳۷﴾ زندانی کسی است که دنیایش او را از سرای آخرت در زندان افکنده است.

۱۲-۳-۵-۵- مشغول شدن به دنیا

﴿۱۸۳۸﴾ چه بسا حریص بر دنیا که دنیا او را به خاک افکنده و به آنچه از آن به‌دست آورده از آخرتش باز مانده تا اینکه عمرش سپری شده و مرگش فرا رسیده است.

﴿۱۸۳۹﴾ چه بسیارند افرادی که در طلب دنیا هستند و آن را به دست نمی‌آورند. و چه بسیارند آن‌ها که دنیا را به دست می‌آورند اما دنیا آن‌ها را ترک می‌کند؛ طلب دنیا تو را از انجام اعمال باز ندارد.

﴿۱۸۴۰﴾ دنیا انسان را از آخرت مشغول می‌دارد و به صاحب خود هیچ بهره‌ای نمی‌دهد؛ مگر آنکه او را نسبت به آن حریص و شیفته کند.

﴿۱۸۴۱﴾ کسی که دل او آکنده از حبّ دنیا شد، دلش به خاطر آن گرفتار چهار خصلت می‌شود: مشغولیتی که از سختی آن رهایی نمی‌یابد، آرزویی که پایانی ندارد، حرصی که فرجام ندارد و تلاشی که انتهایش معلوم نیست.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْكُفْرِ﴾

﴿١٨٤٢﴾ الرسول ﷺ: أَنَا زَعِيمٌ بِثَلَاثٍ لِمَنْ أَكَبَّ عَلَى الدُّنْيَا بِفَقْرٍ لَا غِنَاءَ لَهُ وَبِشُغْلٍ لَا فَرَاحَ لَهُ وَبِهِمْ وَحُزْنٍ لَا انْقِطَاعَ لَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٨١

﴿١٨٤٣﴾ الرسول ﷺ: إِنَّهُ مَا سَكَنَ حُبُّ الدُّنْيَا قَلْبَ عَبْدٍ إِلَّا التَّاطَفَ فِيهَا بِثَلَاثِ شُغْلٍ لَا يَنْفَدُ عَنَاؤُهُ وَفَقْرٍ لَا يُدْرِكُ غِنَاهُ وَآمَلٍ لَا يُنَالُ مُنْتَهَاهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٩٠

﴿١٨٤٤﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ غَرَّتْنَا وَاشْتَغَلَّتْنَا وَاسْتَهْوَتْْنَا وَاسْتَلْهَتْْنَا وَاسْتَعْوَتْْنَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٧٢
٤-١٢-٥-٥- إِيثَارُ الدُّنْيَا

﴿١٨٤٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَكَذَلِكَ مَنْ عَظُمَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ وَكَبُرَ مَوْقِعُهَا مِنْ قَلْبِهِ آثَرَهَا عَلَى اللَّهِ فَانْقَطَعَ إِلَيْهَا وَصَارَ عَبْدًا لَهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٩، ص ١٦١
٥-١٢-٥-٥- عِبَادَةُ الدُّنْيَا

﴿١٨٤٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَمَاتَتِ الدُّنْيَا قَلْبَهُ وَوَلَهَتْ عَلَيْهِ نَفْسَهُ فَهُوَ عَبْدٌ لَهَا... وَجَاءَهُمْ مِنْ فِرَاقِ الدُّنْيَا مَا كَانُوا يَأْمَنُونَ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٧، ص ٢٠٠
﴿١٨٤٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَكَذَلِكَ مَنْ عَظُمَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ وَكَبُرَ مَوْقِعُهَا مِنْ قَلْبِهِ آثَرَهَا عَلَى اللَّهِ فَانْقَطَعَ إِلَيْهَا وَصَارَ عَبْدًا لَهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٩، ص ١٦١
٦-١٢-٥-٥- الْهَجْرَةُ إِلَى الدُّنْيَا

﴿١٨٤٨﴾ الرسول ﷺ: إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَلِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَتَرَوَّجُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٩٠
٧-١٢-٥-٥- أَبْعَدُ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ

﴿١٨٤٩﴾ الصادق عليه السلام: مَثَلُ الْحَرِیصِ عَلَى الدُّنْيَا مَثَلُ دُوْدَةٍ الْقَزِّ كُلَّمَا ازْدَادَتْ مِنَ الْقَزِّ عَلَى نَفْسِهَا لَفًا كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا؛ الكافي، ج ٢، ص ٣١٦
٨-١٢-٥-٥- الْوَلَهُ بِالدُّنْيَا

﴿١٨٥٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَمَاتَتِ الدُّنْيَا قَلْبَهُ وَوَلَهَتْ عَلَيْهِ نَفْسَهُ فَهُوَ عَبْدٌ لَهَا... وَجَاءَهُمْ مِنْ فِرَاقِ الدُّنْيَا مَا كَانُوا يَأْمَنُونَ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٧، ص ٢٠٠

﴿بی‌آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / کفر﴾

﴿۱۸۴۲﴾ من برای کسی که به دوستی دنیا دل بسته سه چیز را پیش‌بینی می‌کنم: فقری که بی‌نیازی ندارد، گرفتاری که پایان ندارد و غم و اندوهی که تمام نشود.

﴿۱۸۴۳﴾ به یقین مهر دنیا در دل هر بنده‌ای که جا بگیرد، گرفتار سه بیماری می‌شود: کاری که زحمتش تمامی ندارد؛ فقری که به ثروت دنیا نخواهد رسید؛ و آرزویی که به پایان نمی‌رسد.

﴿۱۸۴۴﴾ دنیا ما را مغرور و به خود مشغول ساخته و هوایی کرده است و ما را به لهو و بازی واداشته و اغوا کرده است.

۴-۱۲-۵-۵- مقدم‌شمردن دنیا

﴿۱۸۴۵﴾ و اینگونه است کسی که دنیا در دیده‌اش بزرگ جلوه کند و ارزش و اعتبار دنیا در دلش فراوان گردد، دنیا را بر خدا مقدم می‌شمارد و جز دنیا به چیز دیگری نمی‌پردازد و بنده‌ی دنیا می‌گردد.

۵-۱۲-۵-۵- بندگی دنیا

﴿۱۸۴۶﴾ [دوستی] دنیا دلش را میرانده است؛ شیفته‌ی بی‌اختیار دنیا و برده‌ی آن است... و دنیایی را که جاویدان می‌پنداشتند از آن‌ها جدا شده است.

﴿۱۸۴۷﴾ و اینگونه است کسی که دنیا در دیده‌اش بزرگ جلوه کند و ارزش و اعتبار دنیا در دلش فراوان گردد، دنیا را بر خدا مقدم می‌شمارد و جز دنیا به چیز دیگری نمی‌پردازد و بنده‌ی دنیا می‌گردد.

۶-۱۲-۵-۵- هجرت به سوی دنیا

﴿۱۸۴۸﴾ اعمال را بر مبنای نیت‌های آن بررسی می‌کنند، و هرکس طبق نیت خود پاداش می‌گیرد. هرکس هجرتش برای خدا و رسول باشد، به خدا و رسول خواهد پیوست و اگر هجرت او برای دنیا باشد، در این صورت به دنیا خواهد رسید؛ و با زنی ازدواج می‌کند و یا مالی به‌دست می‌آورد.

۷-۱۲-۵-۵- خروجش از آن بعیدتر است

﴿۱۸۴۹﴾ شخص حریص بر دنیا مانند کرم ابریشم است که هرچه بیشتر به دور خود پيله می‌زند، خروجش از آن بعیدتر [و سخت‌تر] می‌شود تا آنکه از غم و اندوه می‌میرد.

۸-۱۲-۵-۵- شیفته‌ی دنیا

﴿۱۸۵۰﴾ [دوستی] دنیا دلش را میرانده است؛ شیفته‌ی بی‌اختیار دنیا و برده‌ی آن است... و دنیایی را که جاویدان می‌پنداشتند از آن‌ها جدا شده است.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْكُفْرِ﴾

٩-١٢-٥-٥-اللَّهَجُ بِالدُّنْيَا

﴿١٨٥١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ الدُّنْيَا مَشْغَلَةٌ عَنْ غَيْرِهَا وَلَمْ يُصِبْ صَاحِبُهَا مِنْهَا شَيْئاً إِلَّا فَتَحَتْ لَهُ حِرْصاً عَلَيْهَا وَلَهَجاً بِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٤٨٣
١٠-١٢-٥-٥-الْإِنْقِطَاعُ إِلَى الدُّنْيَا

﴿١٨٥٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَكَذَلِكَ مَنْ عَظُمَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ وَكَبُرَ مَوْجِعُهَا مِنْ قَلْبِهِ أَثَرَهَا عَلَى اللَّهِ فَانْقَطَعَ إِلَيْهَا وَصَارَ عَبْدًا لَهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٩، ص ١٦١
﴿١٨٥٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا بِمُحَالِ الْأَمَالِ وَخَدَعَتْهُ بَزُورِ الْأَمَانِي أَوْرَثَتْهُ كَمَهَا وَآلَبَسَتْهُ عَمَى [وَأَكْسَبَتْهُ عَمَهَا] وَقَطَعَتْهُ عَنِ الْآخِرَى وَأَوْرَدَتْهُ مَوَارِدَ الرَّدَى؛ غرر الحكم، ص ١٣٥
١١-١٢-٥-٥-الرَّغْبَةُ

﴿١٨٥٤﴾ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ؛ (القصص / ٧٩)
﴿١٨٥٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ الدُّنْيَا مَشْغَلَةٌ عَنْ غَيْرِهَا وَصَاحِبُهَا مَقْهُورٌ فِيهَا لَمْ يُصِبْ مِنْهَا شَيْئاً قَطُّ إِلَّا فَتَحَتْ لَهُ حِرْصاً وَادْخَلَتْ عَلَيْهِ مَوْنَةً تَزِيدُهُ رَغْبَةً فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٤٠٢
١٢-١٢-٥-٥-الطَّمَعُ

﴿١٨٥٦﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: حَرَامٌ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ يُحِبُّ الدُّنْيَا أَنْ يُفَارِقَهُ الطَّمَعُ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٢١

﴿١٨٥٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا يُوجِبُ الطَّمَعُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١
١٣-١٢-٥-٥-الْحِرْصُ

﴿١٨٥٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَمَشْغَلَةٌ عَنِ الْآخِرَةِ لَمْ يُصِبْ صَاحِبُهَا مِنْهَا شَيْئاً إِلَّا فَتَحَتْ عَلَيْهِ حِرْصاً عَلَيْهَا وَلَهَجاً بِهَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٧
﴿١٨٥٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: مَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بَاباً مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنَ الْحِرْصِ مِثْلَهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣١٩

﴿بی‌آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / کفر﴾

۹-۱۲-۵-۵- آتش عشق به دنیا

﴿۱۸۵۱﴾ همانا دنیا انسان را به خود سرگرم و از دیگر چیزها باز می‌دارد. دنیاپرستان چیزی از دنیا به‌دست نمی‌آورند جز آنکه دری از حرص به رویشان گشوده و آتش عشق آنان تندتر می‌گردد.

۱۰-۱۲-۵-۵- فقط به دنیا پرداختن

﴿۱۸۵۲﴾ و اینگونه است کسی که دنیا در دیده‌اش بزرگ جلوه کند و ارزش و اعتبار دنیا در دلش فراوان گردد، دنیا را بر خدا مقدّم می‌شمارد و جز دنیا به چیز دیگری نمی‌پردازد و بنده‌ی دنیا می‌گردد.

﴿۱۸۵۳﴾ کسی که دنیا او را با آرزوهای محال فریب دهد و او را با امیدهای دروغین گول زند، برایش کوری و کوردلی به‌جا می‌گذارد و او را از آخرت جدا می‌سازد و در محلّ هلاکت وارد می‌کند.

۱۱-۱۲-۵-۵- رغبت

﴿۱۸۵۴﴾ [روزی قارون] با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آن‌ها که خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: «ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم! به راستی که او بهره‌عظیمی دارد!»

﴿۱۸۵۵﴾ به‌درستی که دنیا بازدارنده‌ی آدمی از هر کاری است که دنیاگرا در دام آن گرفتار است. هرگز بهره‌ای از آن نمی‌برد مگر آنکه دری از طمع را به روی او می‌گشاید و هزینه‌ای بر وی تحمیل می‌کند که دلبستگی او را به آن زیاد می‌کند.

۱۲-۱۲-۵-۵- طمع

﴿۱۸۵۶﴾ رهایی از طمع بر قلبی که دنیادوست باشد حرام است.

﴿۱۸۵۷﴾ حبّ دنیا طمع را به همراه می‌آورد.

۱۳-۱۲-۵-۵- حرص

﴿۱۸۵۸﴾ دنیا انسان را از آخرت مشغول می‌دارد و به صاحب خود هیچ بهره‌ای نمی‌دهد؛ مگر آنکه او را نسبت به آن حریص و شیفته کند.

﴿۱۸۵۹﴾ خداوند متعال دری از امر دنیا را بر بنده‌ای باز نمی‌کند، مگر آنکه دری مانند آن از حرص به رویش می‌گشاید.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْكُفْرِ﴾

﴿١٨٦٠﴾ الكاظم عليه السلام: مَنْ أَشْرَبَ قَلْبُهُ حُبَّ الدُّنْيَا التَّاطَ قَلْبُهُ مِنْهَا بِأَرْبَعِ شُعْلٍ لَا يَنْفَكُ عَنْهُ وَ

أَمَلٌ لَا يُدْرِي مُنْتَهَاهُ وَحِرْصٌ لَا يُبْلَغُ مَدَاهُ وَهُمْ لَا يَعْرِفُ انْقِضَاءَهُ؛ معدن الجواهر، ص ٤٣

﴿١٨٦١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ لَهَجَ قَلْبُهُ بِحُبِّ الدُّنْيَا التَّاطَ مِنْهَا بِنِثَالٍ هَمٌّ لَا يَغْبُهُ وَحِرْصٌ لَا

يَتْرُكُهُ وَ أَمَلٌ لَا يُدْرِكُهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٨

﴿١٨٦٢﴾ الصادق عليه السلام: مَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بَاباً مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنَ الْحِرْصِ

مِثْلَهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣١٩

﴿١٨٦٣﴾ العسكري عليه السلام: قَالَ: فَمَا الْحِرْصُ قَالَ: الْإِخْلَادُ إِلَى الدُّنْيَا وَالطَّمَّاحُ إِلَى الْأُمُورِ الَّتِي

فِيهَا الْفَسَادُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٢١

﴿١٨٦٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مِنْهُوَ مَنْ لَا يَشْبَعَانِ مِنْهُومُ فِي الدُّنْيَا لَا يَشْبَعُ وَ مِنْهُومُ فِي الْعِلْمِ لَا

يَشْبَعُ مِنْهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٢١٧

﴿١٨٦٥﴾ الرسول ﷺ: مِنْهُوَ مَنْ لَا يَشْبَعَانِ طَالِبُ عِلْمٍ وَ طَالِبُ دُنْيَا فَأَمَّا طَالِبُ الْعِلْمِ فَيَزْدَادُ

رِضًا الرَّحْمَنِ وَ أَمَّا طَالِبُ الدُّنْيَا فَيَتِمَادَى فِي الطُّغْيَانِ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٨٢

﴿١٨٦٦﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ ارْتَدَّادَ

عَطْشًا حَتَّى يَقْتُلَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣١١

١٣-٥-٥-الْهُوَ وَ الْفَرَحُ

١-١٣-٥-الْفَرَحُ

﴿١٨٦٧﴾ الرسول ﷺ: فَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ...؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٢٨

﴿١٨٦٨﴾ الرسول ﷺ: يَا أَحْمَدُ ابْغِضِ الدُّنْيَا وَ أَهْلَهَا وَ أَحِبَّ الْآخِرَةَ وَ أَهْلَهَا قَالَ يَا رَبِّ وَ

مَنْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَ مَنْ أَهْلُ الْآخِرَةِ قَالَ أَهْلُ الدُّنْيَا ... كَثِيرُ الْكَلَامِ قَلِيلُ الْخَوْفِ كَثِيرُ الْفَرَحِ عِنْدَ

الطَّعَامِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٠

٢-١٣-٥-الْهُوَ

﴿١٨٦٩﴾ نافلة الفجر: أَمْ مَتَى أَعْمَلُ لِآخِرَتِي وَ أَنَا حَرِيصٌ عَلَى دُنْيَايَ أَمْ مَتَى أَتُوبُ مِنْ ذُنُوبِي

إِذَا لَمْ أَدْعُهَا قَبْلَ مَوْتِي رَبِّ دَعْنِي الدُّنْيَا إِلَى اللَّهِ فَاسْرَعْتُ... وَ اجْعَلْ مَكَانَ سُرْعَتِي إِلَى الدُّنْيَا

إِبْطَاءً عَنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٨٤، ص ٣١٩

﴿بی‌آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / کفر﴾

﴿۱۸۶۰﴾ کسی که دل او آکنده از حبّ دنیا شد، دلش به خاطر آن گرفتار چهار خصلت می‌شود: مشغولیتی که از سختی آن رهایی نمی‌یابد، آرزویی که پایانی ندارد، حرصی که فرجام ندارد و تلاشی که انتهایش معلوم نیست.

﴿۱۸۶۱﴾ هرکس محبّت دنیا را در دل خود جای دهد، به سه چیز گرفتار می‌گردد: اندوهی که از او دست بر نمی‌دارد، حرصی که از او دست نمی‌کشد، و آرزویی که به آن نمی‌رسد.

﴿۱۸۶۲﴾ خداوند متعال دری از امر دنیا را بر بنده‌ای باز نمی‌کند، مگر آنکه دری مانند آن از حرص به رویش می‌گشاید.

﴿۱۸۶۳﴾ شاهزاده پرسید: «حرص چیست؟» بلوهر گفت: «میل به دنیا و نظرانداختن به اموری که در آن فساد است.

﴿۱۸۶۴﴾ دو گرسنه هستند که هرگز سیر نمی‌شوند؛ یکی طالب دنیا و دیگری طالب علم که از مطلوب خود سیر نمی‌شود.

﴿۱۸۶۵﴾ دو گرسنه هستند که سیر نمی‌شوند: یکی طالب علم و دیگری طالب دنیا. اما طالب علم با طلب علم زیاد، رضای خدا را می‌افزاید و اما طالب دنیا با افزون طلبی به سرکشی می‌افزاید.

﴿۱۸۶۶﴾ ای هشام، سرای دنیا مانند آب دریاست، که هرچه فرد تشنه از آن بنوشد، تشنه‌تر می‌شود تا آنجا که هلاکش می‌سازد.

۱۳-۵-۵- بازی و شادی

۱-۱۳-۵-۵- شادی

﴿۱۸۶۷﴾ به زندگی دنیا شاد و [خوشحال] شدند درحالی که زندگی دنیا در برابر آخرت متاع ناچیزی است.

﴿۱۸۶۸﴾ خداوند خطاب به پیامبر ﷺ: «ای احمد! دنیا و اهل آن را دوست مدار و آخرت و اهل آن را دوست خود گیر». پرسید: «خدایا اهل دنیا و آخرت چه کسانی هستند؟» فرمود: «اهل دنیا کسی است که ... گفتارش بسیار است؛ ترسش از خدا اندک و هنگام خوردن غذا بسیار شاد است.

۲-۱۳-۵-۵- بازی

﴿۱۸۶۹﴾ چه زمانی برای آخرت خود عمل کنم درحالی که بر دنیایم حریص هستم یا چگونه از گناهان خود توبه کنم درحالی که قبل از مرگم گناهان را ترک نمی‌کنم؟! خدایا، دنیا مرا به‌سوی لهو و بیهودگی فرا خوانده و من شتاب کردم... جای شتاب در مورد دنیا را به تبلی در مورد آن تغییر ده!

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْكُفْرِ﴾

﴿١٨٧٠﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ غَرَّتَنَا وَاشْتَغَلَّتَنَا وَاسْتَهْوَتَْنَا وَاسْتَلْهَتَْنَا وَاسْتَعْوَتَْنَا؛

بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٧٢

١٤-٥-٥- كَثْرَةُ الْأَكْلِ وَالضَّحْكَ وَالنَّوْمُ وَالْغَضَبُ وَالْكَلَامُ وَالْفَرَحُ

﴿١٨٧١﴾ الرسول ﷺ: يَا أَحْمَدُ أَنْغِضِ الدُّنْيَا وَأَهْلَهَا وَأَحِبَّ الْآخِرَةَ وَأَهْلَهَا قَالَ يَا رَبِّ وَمَنْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَمَنْ أَهْلُ الْآخِرَةِ قَالَ أَهْلُ الدُّنْيَا مَنْ كَثُرَ أَكْلُهُ وَضَحْكُهُ وَنَوْمُهُ وَغَضَبُهُ ... كَثِيرُ الْكَلَامِ قَلِيلُ الْخَوْفِ كَثِيرُ الْفَرَحِ عِنْدَ الطَّعَامِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٠

١٥-٥-٥- عَدَمُ الصَّبْرِ

١-١٥-٥- لَا يَصْبِرُونَ

﴿١٨٧٢﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا لَا يَشْكُرُونَ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَلَا يَصْبِرُونَ عِنْدَ الْبَلَاءِ؛

إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٠

﴿١٨٧٣﴾ الرسول ﷺ: خَصَلْتَانِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ كِتَابَةُ اللَّهِ شَاكِرًا صَابِرًا مَنْ نَظَرَ فِي دِينِهِ إِلَى مَنْ فَوْقَهُ فَافْتَدَى بِهِ وَنَظَرَ فِي دُنْيَاهُ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ فَشَكَرَ اللَّهَ فَإِنْ نَظَرَ فِي دُنْيَاهُ إِلَى مَنْ فَوْقَهُ فَاسْفَ عَلَى مَا فَاتَهُ لَمْ يَكْتُبْهُ اللَّهُ شَاكِرًا وَلَا صَابِرًا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٠١

٢-١٥-٥- الْجَزَعُ

﴿١٨٧٤﴾ الكاظم ﷺ: يَا عبيد الدنيا بحق أقول لكم لا تدركون شرف الآخرة إلا بترك ما تحبون... إِنَّ أَجْزَعَكُمْ عِنْدَ الْبَلَاءِ لَأَشَدُّكُمْ حُبًّا لِلدُّنْيَا وَإِنْ أَصْبَرَكُمْ عَلَى الْبَلَاءِ لَأَزْهَدَكُمْ فِي الدُّنْيَا... يَا عبيد الدنيا إِنَّمَا مَثَلُكُمْ مَثَلُ السَّرَاجِ يُضِيءُ لِلنَّاسِ وَيُحْرِقُ نَفْسَهُ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٤٥

﴿١٨٧٥﴾ الكاظم ﷺ: إِنَّ أَجْزَعَكُمْ عِنْدَ الْبَلَاءِ لَأَشَدُّكُمْ حُبًّا لِلدُّنْيَا وَإِنْ أَصْبَرَكُمْ عَلَى الْبَلَاءِ

لَأَزْهَدَكُمْ فِي الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٤٥

﴿١٨٧٦﴾ عيسى ﷺ: وَاجْعَلُوا قُلُوبَكُمْ بَيُوتًا لِلتَّقْوَى وَلَا تَجْعَلُوا قُلُوبَكُمْ مَأْوَى لِلشَّهَوَاتِ إِنَّ أَجْزَعَكُمْ عِنْدَ الْبَلَاءِ لَأَشَدُّكُمْ حُبًّا لِلدُّنْيَا وَإِنْ أَصْبَرَكُمْ عَلَى الْبَلَاءِ لَأَزْهَدَكُمْ فِي الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٤٥

﴿بی‌آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / کفر﴾

﴿۱۸۷۰﴾ دنیا ما را مغرور و به خود مشغول ساخته و هوایی کرده است و ما را به لهو و بازی واداشته و اغوا کرده است.

۱۴-۵-۵- فراوانی خوراک و خنده و خواب و خشم و سخن و شادمانی

﴿۱۸۷۱﴾ خداوند خطاب به پیامبر ﷺ: «ای احمد! دنیا و اهل آن را دوست مدار و آخرت و اهل آن را دوست خود گیر». پرسید: «خدایا اهل دنیا و آخرت چه کسانی هستند؟» فرمود: «اهل دنیا کسی است که بسیار بخورد؛ بسیار بخندد... گفتارش بسیار است؛ ترسش از خدا اندک و هنگام خوردن غذا بسیار شاد است.

۱۵-۵-۵- صبر نکردن

۱-۱۵-۵-۵- صبر نمی‌کنند

﴿۱۸۷۲﴾ اهل دنیا هنگام برخورداری از نعمت، از خدا سپاسگزاری نمی‌کند و به هنگام بلا صبر ندارد.

﴿۱۸۷۳﴾ دو خصلت است که اگر در کسی وجود داشته باشد، خداوند او را جزء شاکران و صابران می‌نویسد؛ کسی که در امور دینش به بالاتر از خود نگاه کند و او را مقتدای خود قرار دهد و در امور دنیوی خود به پایین‌تر از خود نگاه کند و خدا را شکر کند. و اگر در امور دنیوی به بالادست خود نگاه کند، بر چیزهایی که ندارد تأسّف می‌خورد و خداوند او را جزء صابران و شاکران نمی‌نویسد.

۲-۱۵-۵-۵- بی‌تابی

﴿۱۸۷۴﴾ ای دنیاپرستان، به حق برایتان می‌گوییم به شرفِ آخرت، جز با ترک آنچه دوست دارید، نخواهید رسید... قطعاً بی‌تاب‌ترین شما هنگام بلا، دنیادوست‌ترین شماست، و صبورترین شما بر بلا، زاهدترین شما به دنیا می‌باشد... ای دنیاپرستان، شما همچون چراغی هستید که به مردم نور می‌دهد ولی خود را می‌سوزاند!

﴿۱۸۷۵﴾ و همانا بی‌تاب‌ترین شما هنگام بلا دنیادوست‌ترین شماست. و صبورترین شما بر بلا زاهدترین شما نسبت به دنیا می‌باشد.

﴿۱۸۷۶﴾ دل‌های خود را خانه‌ی تقوا قرار دهید نه اینکه پناهگاه شهوات باشد. و همانا بی‌تاب‌ترین شما هنگام بلا دنیادوست‌ترین شماست. و صبورترین شما بر بلا زاهدترین شما نسبت به دنیا می‌باشد.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْكُفْرِ﴾

١٦-٥-٥- فَقَدْ الْحُبُّ

١-١٦-٥- خُرُوجُ حُبِّ اللَّهِ

﴿١٨٧٧﴾ الصادق عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا وَحُبُّ اللَّهِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبٍ أَبَدًا؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٢١
 ﴿١٨٧٨﴾ عيسى عليه السلام: وَكَثْرَةُ الذُّنُوبِ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا وَحُبِّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَأَوْحَى
 اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ كُنْتَ تُحِبُّنِي فَأَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِكَ فَإِنَّ حُبِّي وَحُبَّهَا لَا
 يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٨

٢-١٦-٥- نَزْعُ الْمَحَبَّةِ

﴿١٨٧٩﴾ الرسول الله ﷺ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: يَا أَحْمَدُ لَوْ صَلَّى الْعَبْدُ صَلَاةَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَ
 الْأَرْضِ وَيَصُومُ صِيَامَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَيَطْوِي عَنِ الطَّعَامِ مِثْلَ الْمَلَائِكَةِ وَلَبَسَ لِبَاسَ
 الْعَابِدِينَ ثُمَّ أَرَى فِي قَلْبِهِ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا ذَرَّةً أَوْ سُمْعَةً أَوْ رَأْسَةً أَوْ صِيتَةً أَوْ زِينَةً لَهَا
 يُجَاوِرُنِي فِي دَارِي وَلَا نَزْعَ مِنْ قَلْبِهِ مَحَبَّتِي (وَلَا ظِلْمَ قَلْبِهِ حَتَّى يَنْسَانِي وَلَا أَذِيقُهُ حَلَاوَةَ
 مَحَبَّتِي)؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٦

٣-١٦-٥- لَمْ يُحِبَّ اللَّهُ

﴿١٨٨٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَمَا أَنَّ الشَّمْسَ وَاللَّيْلَ لَا يَجْتَمِعَانِ كَذَلِكَ حُبُّ اللَّهِ وَحُبُّ
 الدُّنْيَا لَا يَجْتَمِعَانِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٢
 ﴿١٨٨١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَيْفَ يَدْعَى حُبَّ اللَّهِ مَنْ سَكَنَ قَلْبُهُ حُبَّ الدُّنْيَا؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١

﴿١٨٨٢﴾ الصادق عليه السلام: وَاللَّهُ مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٩

٤-١٦-٥- الصَّدُّ عَنْ مَحَبَّةِ اللَّهِ

﴿١٨٨٣﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ قُلْ لِعِبَادِي لَا يَجْعَلُوا بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ عَالِمًا
 مَفْتُونًا بِالدُّنْيَا فَيَصُدُّهُمْ عَنْ ذِكْرِي وَعَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي وَمُنَاجَاتِي أَوْلَيْكَ قُطَاعُ الطَّرِيقِ مِنْ عِبَادِي
 إِنْ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حَلَاوَةَ عِبَادَتِي وَمُنَاجَاتِي مِنْ قُلُوبِهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٥٤
 ١٧-٥-٥- السَّخَطُ عَلَى رَبِّهِ

﴿١٨٨٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَصْبَحَ حَزِينًا عَلَى الدُّنْيَا فَقَدْ أَصْبَحَ سَاخِطًا عَلَى رَبِّهِ تَعَالَى؛

بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٨١

﴿بی‌آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / کفر﴾

۱۶-۵-۵- عدم دوستی

۱-۱۶-۵- بیرون رفتن محبت خداوند

﴿۱۸۷۷﴾ دوستی دنیا با دوست داشتن خداوند هیچ‌گاه در یک قلب جمع نمی‌شود.
﴿۱۸۷۸﴾ زیاد شدن گناهان بر اثر حبّ دنیا و حبّ دنیا سر رشته‌ی تمام لغزش‌هاست. خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی فرستاد که اگر مرا دوست داری، حبّ دنیا را از قلبت خارج کن که دوست داشتن من و دنیا در یک قلب جمع نمی‌شود.

۲-۱۶-۵- جدا کردن محبت

﴿۱۸۷۹﴾ خداوند عزّ و جل فرمود: «ای احمد! اگر بنده‌ای نماز اهل آسمان و زمین را به جا آورد و روزه‌ی اهل آسمان و زمین را بگیرد و غذایش مثل ملائکه و لباسش لباس عابدان باشد، اما در قلبش به قدر ذره‌ای حبّ دنیا باشد یا اهل سمعه و ریاست‌های دنیایی باشد یا طالب شهرت و زینت‌های آن باشد، او را هم‌جوار خودم قرار نمی‌دهم و محبت خودم را از قلبش می‌کنم و آنقدر قلبش را تیره می‌کنم تا مرا فراموش کند و شیرینی محبت‌م را به او نمی‌چشانم.

۳-۱۶-۵- دوست نداشتن خدا

﴿۱۸۸۰﴾ همان‌طور که خورشید و شب باهم جمع نمی‌شوند، حبّ خدا و حبّ دنیا نیز باهم جمع نمی‌گردند.

﴿۱۸۸۱﴾ چگونه کسی که حبّ دنیا ساکن قلبش شده، ادّعای حبّ خداوند را دارد.

﴿۱۸۸۲﴾ به خدا قسم! کسی که دنیا را دوست می‌دارد، خدا را دوست ندارد.

۴-۱۶-۵- جلوگیری از محبت خدا

﴿۱۸۸۳﴾ ای هشام، خداوند به داوود علیه السلام وحی کرد که به بندگانم بگو: بین من و خود عالم فریفته شده‌ی به دنیا را قرار ندهند که آن‌ها را از یاد من و از راه محبت و مناجات‌م باز می‌دارد. آن‌ها راهزنان بندگان من هستند کمترین کاری که با آن‌ها می‌کنم این است که شیرینی محبت و مناجات خود را از دل آن‌ها بیرون می‌کنم.

۱۷-۵-۵- بر خدا خشم گرفتن

﴿۱۸۸۴﴾ هرکس نسبت به زندگی دنیا غمگین باشد، بر خدایش خشم گرفته است.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْكُفْرِ﴾

١-١٧-٥- السَّخَطُ لِقَضَاءِ اللَّهِ

﴿١٨٨٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَصْبَحَ عَلَى الدُّنْيَا حَزِينًا فَقَدْ أَصْبَحَ لِقَضَاءِ اللَّهِ سَاخِطًا؛

بحار الأنوار، ج ٦٩، ص ١٩٦

٢-١٧-٥- كَرَاهَةُ الْمَوْتِ

﴿١٨٨٦﴾ المجتبی عليه السلام: فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا بَالُنَا نَكْرَهُ الْمَوْتَ وَلَا نُحِبُّهُ قَالَ فَقَالَ الْحَسَنُ عليه السلام لَا نَكُمُ أَخْرَبْتُمْ أَخْرَبْتُمْ وَعَمَّرْتُمْ دُنْيَاكُمْ وَأَنْتُمْ تَكْرَهُونَ النُّقْلَةَ مِنَ الْعُمْرَانِ إِلَى الْخَرَابِ؛ معاني الأخبار، ص ٣٨٩

٣-١٧-٥- قَلَّةُ الرِّضَا

﴿١٨٨٧﴾ العسكري عليه السلام: الْحِرْصُ أَقَلُّ رِضًا وَأَفْحَشُ غَضَبًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٢١

﴿١٨٨٨﴾ الرسول ﷺ: يَا أَحْمَدُ أُنْبِغِزِ الدُّنْيَا وَاهْلَهَا وَ أَحِبَّ الْآخِرَةَ وَاهْلَهَا قَالَ يَا رَبِّ وَمَنْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَمَنْ أَهْلُ الْآخِرَةِ قَالَ أَهْلُ الدُّنْيَا مَنْ كَثُرَ أَكْلُهُ وَضَحِكُهُ وَنَوْمُهُ وَغَضَبُهُ قَلِيلُ الرِّضَا لَا يَعْتَذِرُ إِلَيَّ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهِ وَلَا يَقْبَلُ عُذْرَ مَنْ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٠

١٨-٥-٥- عدم الشكر

﴿١٨٨٩﴾ الرسول ﷺ: إِنْ أَهْلَ الدُّنْيَا لَا يَشْكُرُونَ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَلَا يَصْبِرُونَ عِنْدَ الْبَلَاءِ؛

إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٠

﴿١٨٩٠﴾ الرسول ﷺ: خَصَلَتَانِ مَنْ كَانَتَا فِيهِ كَتَبَهُ اللَّهُ شَاكِرًا صَابِرًا مَنْ نَظَرَ فِي دِينِهِ إِلَى مَنْ فَوْقَهُ فَاقْتَدَى بِهِ وَنَظَرَ فِي دُنْيَاهُ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ فَشَكَرَ اللَّهَ فَإِنْ نَظَرَ فِي دُنْيَاهُ إِلَى مَنْ فَوْقَهُ فَاسِيفَ عَلَى مَا فَاتَهُ لَمْ يَكْتُبْهُ اللَّهُ شَاكِرًا وَلَا صَابِرًا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٠١

١-١٨-٥- يُصَغَّرُ نِعْمَةُ اللَّهِ

﴿١٨٩١﴾ الصادق عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَعِشَارَ الْمُلُوكِ وَأَبْنَاءِ الدُّنْيَا فَإِنَّ ذَلِكَ يُصَغَّرُ نِعْمَةَ اللَّهِ فِي

أَعْيُنِكُمْ وَيُعَبِّبُكُمْ كُفْرًا؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٣٣٧

١٩-٥- قَلَّةُ الْخَوْفِ

﴿١٨٩٢﴾ الرسول ﷺ: أَهْلُ الدُّنْيَا ... قَلِيلُ الْمُنْفَعَةِ كَثِيرُ الْكَلَامِ قَلِيلُ الْخَوْفِ كَثِيرُ الْفَرَحِ عِنْدَ

الطَّعَامِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٠

﴿بی‌آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / کفر﴾

۱-۱۷-۵-۵- ناخشنودی از قضای الهی

﴿۱۸۸۵﴾ کسی که به خاطر دنیا ناراحت شود، از قضای الهی ناخشنود است.

۲-۱۷-۵-۵- عدم تمایل به مرگ

﴿۱۸۸۶﴾ شخصی برخاست و به امام حسن علیه السلام گفت: «ای پسر رسول خدا! به چه دلیل است که ما مرگ را دوست نداریم؟! امام حسن علیه السلام فرمود: «برای اینکه شما آخرت خود را خراب و دنیای خویش را آباد نموده‌اید. و به خاطر اینکه شما دوست ندارید از مکان آباد به مکان خراب منتقل شوید».

۳-۱۷-۵-۵- خشنودی اندک

﴿۱۸۸۷﴾ در حرص خشنودی نیست و موجب شدت غضب می‌گردد

﴿۱۸۸۸﴾ خداوند خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله: «ای احمد! دنیا و اهل آن را دوست مدار و آخرت و اهل آن را دوست خود گیر». پرسید: «خدایا اهل دنیا و آخرت چه کسانی هستند؟» فرمود: «اهل دنیا کسی است که بسیار بخورد؛ بسیار بخندد؛ بسیار خشم گیرد و هر اندازه مال داشته باشد، راضی نگردد؛ به کسی که به او بدی کرده، عذرخواهی نمی‌کند و کسی که از او عذر بخواهد، نمی‌پذیرد.

۱۸-۵-۵- عدم قدردانی

﴿۱۸۸۹﴾ اهل دنیا هنگام برخورداری از نعمت، از خدا سپاسگزاری نمی‌کند و به هنگام بلا صبر ندارد.

﴿۱۸۹۰﴾ دو خصلت است که اگر در کسی وجود داشته باشد، خداوند او را جزء شاکران و صابران می‌نویسد؛ کسی که در امور دینش به بالاتر از خود نگاه کند و او را مقتدای خود قرار دهد و در امور دنیوی خود به پایین‌تر از خود نگاه کند و خدا را شکر کند. و اگر در امور دنیوی به بالادست خود نگاه کند، بر چیزهایی که ندارد تأسّف می‌خورد و خداوند او را جزء صابران و شاکران نمی‌نویسد.

۱-۱۸-۵-۵- نعمت‌های الهی را کوچک جلوه می‌دهد

﴿۱۸۹۱﴾ از معاشرت پادشاهان و فرزندان [و بندگان] دنیا برحذر باشید که موجب می‌شود نعمت‌های الهی در چشمتان کوچک جلوه داده شود و به دنبال آن گرفتار کفر می‌کند.

۱۹-۵-۵- کم ترسیدن

﴿۱۸۹۲﴾ اهل دنیا سودش به دیگران کم و گفتارش بسیار است؛ ترسش از خدا اندک و هنگام خوردن غذا بسیار شاد است.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / مَا يَرْتَبِطُ بِالْمُعَامَلَةِ مَعَ النَّاسِ﴾

١-١٩-٥- ذَهَابُ خَوْفِ الْآخِرَةِ

﴿١٨٩٣﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا ذَهَبَ خَوْفُ الْآخِرَةِ مِنْ قَلْبِهِ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٥، ص ٣١٤

٢٠-٥-٥- عَدَمُ مُحَاسَبَةِ النَّفْسِ

﴿١٨٩٤﴾ الرسول ﷺ: أَهْلُ الدُّنْيَا ... لَا يُحَاسِبُ نَفْسَهُ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٠

٢١-٥-٥- فَقْدُ الْعِلْمِ وَالْعَقْلِ

١-٢١-٥- لَا يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ

﴿١٨٩٥﴾ عيسى عليه السلام: كَيْفَ يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ مَنْ دُنِيَاهُ عِنْدَهُ أَثَرُ مِنْ آخِرَتِهِ وَهُوَ مُقْبِلٌ

عَلَى دُنْيَاهُ وَمَا يَضُرُّهُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِمَّا يَنْفَعُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ٣٨

٢-٢١-٥- مَخْدُوعٌ عَنْ عَقْلِهِ

﴿١٨٩٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ وَسَّعَ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّهُ مُكْرَبٌ بِهِ فَهُوَ مَخْدُوعٌ عَنْ عَقْلِهِ؛

بحار الأنوار، ج ٧٢، ص ٢٨٦

﴿١٨٩٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَمَّا بَلَغَهُ مَا صَنَعَهُ بُسْرُ بْنُ أَرْطَاةَ بِالْيَمَنِ قَالَ:

اللَّهُمَّ إِنْ بُسْرًا بَاعَ دِينَهُ بِالدُّنْيَا فَاسْلُبْهُ عَقْلَهُ وَلَا تُبْقِ لَهُ مِنْ دِينِهِ مَا يَسْتَوْجِبُ بِهِ عَلَيْكَ رَحْمَتَكَ

؛ الإرشاد، ج ١، ص ٣٢١

٦-٥- مَا يَرْتَبِطُ بِالْمُعَامَلَةِ مَعَ النَّاسِ

١-٦-٥- إِكْرَامٌ مِنْ مَكْنَنِهِمْ

﴿١٨٩٨﴾ السَّجَّاد عليه السلام: وَإِنَّمَا أَهْلُ الدُّنْيَا يَعْشَقُونَ أَمْوَالَ الدُّنْيَا فَمَنْ لَمْ يُزَاحِمْهُمْ فِيمَا يَعْشَقُونَهُ

كَرَّمَ عَلَيْهِمْ وَمَنْ لَمْ يُزَاحِمْهُمْ فِيهَا وَمَكَّنْهُمْ مِنْهَا وَمِنْ بَعْضِهَا كَانَ أَعَزَّ وَأَكْرَمَ؛

مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ٢٣٠

٢-٦-٥- لَا يَقْبَلُ الْعُذْرَ

﴿١٨٩٩﴾ الرسول ﷺ: يَا أَحْمَدُ أَنْغِضِ الدُّنْيَا وَأَهْلَهَا وَاجِبِ الْآخِرَةَ وَأَهْلَهَا قَالَ يَا رَبِّ وَ

مَنْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَمَنْ أَهْلُ الْآخِرَةِ قَالَ أَهْلُ الدُّنْيَا مَنْ كَثَرَ أَكْلُهُ وَضَحِكُهُ وَنَوْمُهُ وَغَضَبُهُ قَلِيلُ

الرِّضَا لَا يَعْتَذِرُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهِ وَلَا يَقْبَلُ عُذْرَ مَنْ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٠

﴿پیآمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / رفتار با هموعان﴾

۱-۱۹-۵- از بین رفتن ترس آخرت

﴿۱۸۹۳﴾ ای هشام، هرکس به دنیا میل کند، بیم آخرت از دلش می‌رود.

۲۰-۵-۵- عدم محاسبه‌ی نفس

﴿۱۸۹۴﴾ اهل دنیا ... محاسبه‌ی نفس نمی‌کند.

۲۱-۵-۵- دوری از دانش و خرد

۱-۲۱-۵-۵- اهل دانش نیست

﴿۱۸۹۵﴾ چگونه اهل علم به شمار می‌رود کسی که دنیایش نزد او بر آخرتش برتری دارد؟! خود به دنیا روی آورده و چیزهایی که به او ضرر می‌رساند، نزد او محبوب‌تر است از چیزهایی که به او منفعت می‌بخشد.

۲-۲۱-۵-۵- عقلش فریب خورده است

﴿۱۸۹۶﴾ کسی که دنیایش وسیع شود و نفهمد که با او مکر شده، عقلش گول خورده است.
﴿۱۸۹۷﴾ چون خبر کارهای زشت و جنایات بسربزارطه در یمن به آن حضرت رسید فرمود: «بار خدایا، همانا بُسر دین خود را به دنیا فروخت، پس عقل او را بگیر و از دینش چیزی که موجبات رحمت بر او را فراهم کند، برای او باقی مگذار».

۶-۵- آنچه به رفتار با هم‌نوعان مربوط می‌شود

۱-۶-۵- گرامی‌داشتن آن که به آنان نفعی برساند

﴿۱۸۹۸﴾ مردم دنیا طبعاً عشق و علاقه به مال و ثروت دارند، بنابراین آن که درباره‌ی مال و ثروتی که مورد علاقه‌ی آنان است، مزاحم آنان نباشد، در نظر آن‌ها محترم است و قهراً آن که نه تنها مزاحم نباشد بلکه خیر و نفعی هم به آنان برساند، عزیزتر و محترم‌تر است.

۲-۶-۵- عذر را نمی‌پذیرد

﴿۱۸۹۹﴾ خداوند خطاب به پیامبر ﷺ: «ای احمد! دنیا و اهل آن را دوست مدار و آخرت و اهل آن را دوست خود گیر». پرسید: «خدایا اهل دنیا و آخرت چه کسانی هستند؟» فرمود: «اهل دنیا کسی است که بسیار بخورد؛ بسیار بخندد؛ بسیار خشم گیرد و هر اندازه مال داشته باشد، راضی نگردد؛ به کسی که به او بدی کرده، عذرخواهی نمی‌کند و کسی که از او عذر بخواهد، نمی‌پذیرد».

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / مَا يَرْتَبِطُ بِالْمُعَامَلَةِ مَعَ النَّاسِ﴾

٣-٥-٦- الإستِطَالَةُ وُ عَدَمُ التَّوَاضُعِ

﴿١٩٠٠﴾ الرُّسُولُ ﷺ: وَمَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِلدُّنْيَا وَالْمَنْزِلَةَ عِنْدَ النَّاسِ وَالْحُظُوتَ عِنْدَ السُّلْطَانِ لَمْ يُصِبْ مِنْهُ بَابًا إِلَّا أَزْدَادَ فِي نَفْسِهِ عَظَمَةً وَعَلَى النَّاسِ اسْتِطَالَةً وَبِاللَّهِ اغْتِرَارًا وَمِنَ الدِّينِ جَفَاءً؛
بحار الأنوار، ج ٢، ص ٣٤

﴿١٩٠١﴾ الرُّسُولُ ﷺ: يَا أَحْمَدُ إِنَّ عَيْبَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَثِيرٌ فِيهِمُ الْجَهْلُ وَالْحُمُقُ لَا يَتَوَاضَعُونَ لِمَنْ يَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَهُمْ عِنْدَ أَنْفُسِهِمْ عُقْلَاءُ وَعِنْدَ الْعَارِفِينَ حُمَقَاءُ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٠
٤-٥-٦- يَذْكُرُونَ مَسَاوِيَ النَّاسِ

﴿١٩٠٢﴾ الرُّسُولُ ﷺ: أَهْلُ الدُّنْيَا ... يَذْكُرُونَ مَسَاوِيَ النَّاسِ وَيَخْفُونَ حَسَنَاتِهِمْ؛ إرشاد القلوب،

ج ١، ص ٢٠٠

٥-٥-٦- كَثْرَةُ الْغَضَبِ

﴿١٩٠٣﴾ الرُّسُولُ ﷺ: يَا أَحْمَدُ أَبْغِضِ الدُّنْيَا وَأَهْلَهَا وَآخِرَةَ وَأَهْلَهَا قَالَ يَا رَبِّ وَمَنْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَمَنْ أَهْلُ الْآخِرَةِ قَالَ أَهْلُ الدُّنْيَا مَنْ كَثُرَ أَكْلُهُ وَضَحِكُهُ وَنَوْمُهُ وَغَضَبُهُ قَلِيلُ الرِّضَا؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٠
٦-٥-٦- زَوَالُ الْمَوَدَّةِ

﴿١٩٠٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَوَدَّةُ أَتْبَائِ الدُّنْيَا تَزُولُ لِأَدْنَى عَارِضٍ يَعْرِضُ؛ غرر الحكم، ص ١٣٧

﴿١٩٠٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَدَّ أَتْبَائِ الدُّنْيَا يَنْقَطِعُ لَانْقِطَاعِ أَسْبَابِهِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٧

٧-٥-٦- لَمْ يُفِدْ

﴿١٩٠٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَمْ يُفِدْ مَنْ كَانَتْ هِمَّتُهُ الدُّنْيَا عَوَضًا وَلَمْ يَقْضِ مُفْتَرَضًا؛

غرر الحكم، ص ١٤١

٨-٥-٦- قِلَّةُ الْمَنْفَعَةِ

﴿١٩٠٧﴾ الرُّسُولُ ﷺ: يَا أَحْمَدُ أَبْغِضِ الدُّنْيَا وَأَهْلَهَا وَآخِرَةَ وَأَهْلَهَا قَالَ يَا رَبِّ وَمَنْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَمَنْ أَهْلُ الْآخِرَةِ قَالَ أَهْلُ الدُّنْيَا ... قَلِيلُ الْمَنْفَعَةِ كَثِيرُ الْكَلَامِ؛ إرشاد القلوب، ج ١،

ص ٢٠٠

٩-٥-٦- عَدَمُ نَصِيحَةِ السُّلْطَانِ

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجّه به دنیا / رفتار با همنوعان﴾

۳-۶-۵- گردنکشی و عدم فروتنی

﴿۱۹۰۰﴾ هرکس علم را برای امور دنیا و منزلت پیش مردم و بهره‌وری در پیشگاه پادشاه بیاموزد، هرچه از آن به او برسد موجب خود بزرگ‌بینی و گردنکشی بیشتر او بر مردم و مایه‌ی فریب‌خوردن بیشتر او در قبال خداوند و ستم به دین می‌شود.

﴿۱۹۰۱﴾ ای احمد! دنیاپرستان زشتی‌های بسیاری دارند، از جمله نادان هستند و احمق؛ به استاد خود احترام نمی‌گذارند و خود را عاقل و خردمند می‌دانند، حال اینکه از نظر عارفان، گروهی احمق هستند.

۴-۶-۵- بدی‌های مردم را یادآوری کردن

﴿۱۹۰۲﴾ خداوند خطاب به پیامبر ﷺ: اهل دنیا همواره از بدی‌های مردم سخن می‌گویند و نیکی‌هایشان را فراموش می‌کنند.

۵-۶-۵- خشم زیاد

﴿۱۹۰۳﴾ خداوند خطاب به پیامبر ﷺ: «ای احمد! دنیا و اهل آن را دوست مدار و آخرت و اهل آن را دوست خود گیر». پرسید: «خدایا اهل دنیا و آخرت چه کسانی هستند؟» فرمود: «اهل دنیا کسی است که بسیار بخورد؛ بسیار بخندد؛ بسیار خشم گیرد و کم راضی شود.

۶-۶-۵- از بین رفتن محبت و دوستی

﴿۱۹۰۴﴾ دوستی با فرزندان دنیا به خاطر پست‌ترین عارضی که عارض شود (اندک امری که روی دهد) زایل می‌شود.

﴿۱۹۰۵﴾ دوستی با فرزندان دنیا به سبب بریده‌شدن اسباب آن، بریده می‌شود.

۷-۶-۵- سودی نمی‌رساند

﴿۱۹۰۶﴾ کسی که تنها همّتش برای دنیا باشد، عوض آنچه از دست داده چیزی کسب نکرده و واجبی را به‌جا نیاورده است.

۸-۶-۵- منفعت اندک

﴿۱۹۰۷﴾ خداوند خطاب به پیامبر ﷺ: «ای احمد! دنیا و اهل آن را دوست مدار و آخرت و اهل آن را دوست خود گیر». پرسید: «خدایا اهل دنیا و آخرت چه کسانی هستند؟» فرمود: «اهل دنیا کسی است که ... سودش به دیگران کم و گفتارش بسیار است.

۹-۶-۵- نصیحت نکردن سلطان

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَ الْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْعَوَاقِبُ الْآخِرِيَّةُ﴾

﴿١٩٠٨﴾ الصادق عليه السلام: كَتَبَ الْمَنْصُورُ إِلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ... تَصَحُّبُنَا لِتَنْصَحَنَا فَأَجَابَهُ مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا لَا يَنْصَحُكَ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ لَا يَصْحَبُكَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٥
١٠-٥٦- تقلب القلب

﴿١٩٠٩﴾ الرضا عليه السلام: قَالَ: أَيُّ شَيْءٍ أَسْرَعُ تَقَلُّبًا قَالَ قُلُوبُ الْمُلُوكِ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ لِلدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٢١
١١-٥٦- النفاق

﴿١٩١٠﴾ الصادق عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَمُجَالَسَةَ الْمُلُوكِ وَأَبْنَاءِ الدُّنْيَا فَفِي ذَلِكَ ذَهَابُ دِينِكُمْ وَ يُعَقِّبُكُمْ نِفَاقًا وَ ذَلِكَ دَاءٌ دَوَىُّ لَا شِفَاءَ لَهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٣٣٧
٧-٥٦- العَوَاقِبُ الْآخِرِيَّةُ

١-٧-٥- فِي الْقِيَامَةِ

١-١-٧-٥- سُوءُ الْمُتَقَلِّبِ

﴿١٩١١﴾ السجاد عليه السلام: وَمَا أَثَرُ قَوْمٍ قَطُّ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ إِلَّا سَاءَ مُنْقَلَبُهُمْ... فَلَا تَلْتَمِسُوا شَيْئًا مِمَّا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ وَ اشْتَغِلُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِطَاعَةِ اللَّهِ؛ الكافي، ج ٨، ص ١٦
٢-١-٧-٥- لَا يُسْتَعْتَبُونَ

﴿١٩١٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوءًا وَ غَرَّتْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَ لَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ؛ (الجانية / ٣٥)
٣-١-٧-٥- خُلُوُ الْمِيزَانِ

﴿١٩١٣﴾ الباقر عليه السلام: أَلَا أَنْبِئُكُمْ بِأَخْلِ النَّاسِ مِيزَانًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أَبْيَنَهُمْ خُسْرَانًا مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٧، ص ١٦٥
٤-١-٧-٥- فَقَرُ الْآخِرَةِ

﴿١٩١٤﴾ الرسول ﷺ: الْفَقْرُ فَقْرَانِ فَقْرُ الدُّنْيَا وَ فَقْرُ الْآخِرَةِ فَقَرُ الدُّنْيَا غِنَى الْآخِرَةِ وَ غِنَى الدُّنْيَا فَقْرُ الْآخِرَةِ وَ ذَلِكَ الْهَلَاكُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٩، ص ٤٧
﴿١٩١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: تَرَوُةَ الدُّنْيَا فَقْرُ الْآخِرَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٠
٥-١-٧-٥- عَدَمُ الشَّفَاعَةِ وَ الْوَلَايَةِ وَ عَدَمُ قَبُولِ الْعَدْلِ

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / عواقب اخروی﴾

﴿۱۹۰۸﴾ منصور به امام صادق علیه السلام نوشت: «... برای نصیحت پیش ما بیا!» حضرت جواب داد: «هرکس به دنبال دنیا باشد تو را نصیحت نمی کند و هرکس جویای آخرت باشد با تو همنشین نمی شود».

۱۰-۵-۶- زیر و رو شدن قلب

﴿۱۹۰۹﴾ پرسید: «آن چیست که زودتر بر می گردد و زیر و رو می شود؟» گفت: «دل پادشاهانی که برای دنیا کار می کنند».

۱۱-۵-۶- نفاق

﴿۱۹۱۰﴾ از همنشینی با پادشاهان و فرزندان دنیا بر حذر باشید که این امر، دین شما را زایل می کند و به دنبالش نفاق به همراه می آورد و این دردی است که شفاء ندارد.

۷-۵- عواقب اخروی

۱-۷-۵- در قیامت

۱-۱-۷-۵- عاقبت شوم

﴿۱۹۱۱﴾ و هیچ گروهی دنیا را بر آخرت ترجیح ندادند مگر آنکه دچار سرانجام و عاقبتی شوم شدند... پس هیچ چیز این دنیا را توسط گناهی نخواهید، و در دنیا سرگرم انجام دستورات خداوند باشید.

۲-۱-۷-۵- عذری از آن ها پذیرفته نمی شود

﴿۱۹۱۲﴾ این به خاطر آن است که شما آیات خدا را به مسخره گرفتید و زندگی دنیا شما را فریب داد! امروز نه آنان را از دوزخ بیرون می آورند، و نه هیچ گونه عذری از آن ها پذیرفته می شود.

۳-۱-۷-۵- سبکی ترازو

﴿۱۹۱۳﴾ آگاه باشید! که سبک ترین اعمال در ترازوی قیامت و زیان آشکار مربوط به کسی که آخرت خود را به دنیای دیگری بفروشد.

۴-۱-۷-۵- فقر آخرت

﴿۱۹۱۴﴾ فقر دو نوع است: فقر دنیا و فقر آخرت. فقر دنیا، بی نیازی آخرت را در پی دارد؛ و بی نیازی دنیا، فقر آخرت را و چنین بی نیازی مایه ی هلاکت است.

﴿۱۹۱۵﴾ بسیاری مال دنیا، فقر و بی چیزی آخرت است.

۵-۱-۷-۵- عدم شفاعت و ولایت و عدم پذیرش عوض

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَ الْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْعَوَاقِبُ الْآخِرِيَّةُ﴾

﴿١٩١٦﴾ وَ ذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَ هُوًّا وَ غَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ ذَكَرَ بِهِ أَنْ تَبَسَّلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَ لَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعْدِلْ كُلُّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا هُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ: (الأنعام / ٧٠)

٥-٧-٢- تحريم الجنة

﴿١٩١٧﴾ الرسول ﷺ: يَا ابْنَ مَسْعُودٍ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ لِلدُّنْيَا وَ زِينَتِهَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ؛

بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٠١

٥-٧-٢-١- قِلَّةُ الْحَظِّ فِيهَا

﴿١٩١٨﴾ الصادق ﷺ: مَا أُعْطِيَ اللَّهُ عَبْدًا مِنَ الدُّنْيَا كَثِيرًا ثُمَّ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ إِلَّا كَانَ أَقَلَّ لِحَظِّهِ

فيها؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٧٤

٥-٧-٢-٢- التَّأَخِيرُ فِي دُخُولِ الْجَنَّةِ

﴿١٩١٩﴾ الصادق ﷺ: إِنَّ آخِرَ الْأَنْبِيَاءِ دُخُولًا إِلَى الْجَنَّةِ سُلَيْمَانُ ﷺ وَ ذَلِكَ لِمَا أُعْطِيَ مِنَ

الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٧٥

﴿١٩٢٠﴾ الصادق ﷺ: آخِرُ نَبِيٍّ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ ﷺ وَ ذَلِكَ لِمَا أُعْطِيَ فِي

الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٧٤

٥-٧-٢-٣- لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ

﴿١٩٢١﴾ ابوذر رضى الله عنه: مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا مِنْ عِلْمِ الْآخِرَةِ يُرِيدُ بِهِ [الدُّنْيَا] عَرْضًا مِنْ عَرْضِ الدُّنْيَا لَمْ

يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ٣٣

٥-٧-٢-٤- لَمْ يَكُنْ نَصِيبُ فِي الْجَنَّةِ

﴿١٩٢٢﴾ امير المؤمنين ﷺ: مَنْ لَمْ يَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ فِي جَنَّةِ الْمَأْوَى؛

غرر الحكم، ص ٢٧٧

٥-٧-٣- الْبُعْدُ مِنَ اللَّهِ وَ عَدَمُ الْغُفْرَانِ

﴿١٩٢٣﴾ موسى ﷺ: أَنَّ مُوسَى ﷺ مَرَّ بِرَجُلٍ وَ هُوَ يَبْكِي ثُمَّ رَجَعَ وَ هُوَ يَبْكِي فَقَالَ إِلَهِي

عَبْدُكَ يَبْكِي مِنْ مَخَافَتِكَ قَالَ يَا مُوسَى لَوْ نَزَلَ دِمَاغُهُ مَعَ دُمُوعِ عَيْنَيْهِ لَمْ أَغْفِرْ لَهُ وَ هُوَ يُحِبُّ

الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٣٤١

﴿پیآمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / عواقب اخروی﴾

﴿۱۹۱۶﴾ و رها کن کسانی را که آیین [فطری] خود را به بازی و سرگرمی گرفتند، و زندگی دنیا، آن‌ها را مغرور ساخته، و با این [قرآن]، به آن‌ها یادآوری نما، تا گرفتار [عواقب شوم] اعمال خود نشوند! [و در قیامت] جز خدا، نه یآوری دارند، و نه شفاعت‌کننده‌ای! و [چنین کسی] هر گونه عوضی بپردازد، از او پذیرفته نخواهد شد آن‌ها کسانی هستند که گرفتار اعمالی شده‌اند که خود انجام داده‌اند نوشابه‌ای از آب سوزان برای آن‌هاست و عذاب دردناکی به خاطر اینکه کفر می‌ورزیدند [و آیات الهی را انکار] می‌کردند.

۵-۷-۲- حرام کردن بهشت

﴿۱۹۱۷﴾ پسر مسعود! هرکس قرآن را به خاطر دنیا و زینت و زیور آن بیاموزد، خداوند بهشت را بر او حرام می‌کند.

۵-۷-۲-۱- بهره‌ی اندک از بهشت

﴿۱۹۱۸﴾ خداوند به هیچ بنده‌ای از دنیا بسیار عطا نکرد و سپس او را به بهشت نبرد، مگر اینکه بهره‌اش از بهشت کم خواهد بود.

۵-۷-۲-۲- دیر وارد بهشت شدن

﴿۱۹۱۹﴾ آخرین پیامبری که وارد بهشت می‌شود، حضرت سلیمان علیه السلام است؛ چراکه مال دنیا به وی عطا شده است.

﴿۱۹۲۰﴾ آخرین پیامبری که وارد بهشت می‌شود، حضرت سلیمان علیه السلام است و این به خاطر حظّ و بهره‌ای است که در دنیا به وی عطا شده است.

۵-۷-۲-۳- بوی بهشت را نخواهد یافت

﴿۱۹۲۱﴾ کسی که علمی از علوم آخرت را برای رسیدن به متاع بی‌ارزش دنیا بیاموزد، بوی بهشت را استشمام نمی‌کند.

۵-۷-۲-۴- بهره‌ای از بهشت نخواهد داشت

﴿۱۹۲۲﴾ کسی که در دنیا زاهد نباشد، از بهشت برین نصیبی نمی‌برد.

۵-۷-۳- دور نگاه داشتن از خدا و عدم آمرزش

﴿۱۹۲۳﴾ موسی علیه السلام از کنار مردی که می‌گریست، گذشت. سپس برگشت و آن مرد هنوز گریه می‌کرد؛ گفت: «معبود! بنده‌ی تو از ترس تو می‌گرید». خداوند فرمود: «ای موسی! اگر مغز سر او با اشک چشمش خارج شود، او را نخواهم بخشید مادامی که او دنیا را دوست بدارد».

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْعَوَاقِبُ الْآخِرِيَّةُ﴾

١-٣-٥-٧- البُعْدُ مِنَ الْآخِرَةِ

﴿١٩٢٤﴾ الرسول ﷺ: الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ ضَرَّتَانِ بِقَدَرِ مَا تَقَرَّبُ مِنْ إِحْدَاهُمَا تَبَعْدُ عَنِ الْآخَرَى؛

عوالي اللآلي، ج ١، ص ٢٧٧

﴿١٩٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ كَالْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِذَا قَرُبْتَ مِنْ أَحَدِهِمَا

بَعُدْتَ عَنِ الْآخَرِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢٤

٢-٣-٥-٧- كَيْفَ تَرْجُو ثَوَاباً

﴿١٩٢٦﴾ موسى عليه السلام: يَا مُوسَى عليه السلام كَيْفَ تَخْشَعُ لِي خَلِيقَةً لَا تَعْرِفُ فَضْلِي عَلَيْهَا وَكَيْفَ

تَعْرِفُ فَضْلِي عَلَيْهَا وَهِيَ لَا تَنْظُرُ فِيهِ وَكَيْفَ تَنْظُرُ فِيهِ وَهِيَ لَا تُؤْمِنُ بِهِ وَكَيْفَ تُؤْمِنُ بِهِ وَهِيَ لَا تَرْجُو ثَوَاباً وَكَيْفَ تَرْجُو ثَوَاباً وَهِيَ قَدْ قَنِعَتْ بِالدُّنْيَا وَاتَّخَذَتْهَا مَأْوًى وَرَكَنْتَ إِلَيْهَا رُكُونًا

الظالمين؛ الكافي، ج ٨، ص ٤٥

٣-٣-٥-٧- لَمْ يَأْجُرْهُ

﴿١٩٢٧﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ خَضَعَ لِصَاحِبِ سُلْطَانٍ وَلِمَنْ يُخَالِفُهُ عَلَى دِينِهِ طَلَبًا لِمَا فِي يَدَيْهِ

مِنْ دُنْيَاهُ أَحْمَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَمَقْتَهُ عَلَيْهِ وَكَلَّهُ إِلَيْهِ فَإِنْ هُوَ غَلَبَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ دُنْيَاهُ فَصَارَ إِلَيْهِ مِنْهُ شَيْءٌ نَزَعَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ اسْمُهُ الْبَرَكَةَ مِنْهُ وَلَمْ يَأْجُرْهُ عَلَى شَيْءٍ يُنْفِقُهُ فِي حَجٍّ وَلَا عِتْقٍ

[رَقَبَةٍ] وَلَا بَرٍّ؛ الكافي، ج ٥، ص ١٠٥

٤-٣-٥-٧- البُعْدُ مِنَ اللَّهِ

﴿١٩٢٨﴾ الكاظم عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا ذَهَبَ خَوْفُ الْآخِرَةِ مِنْ قَلْبِهِ وَمَا أُوْتِيَ عَبْدٌ عِلْمًا

فَارْتَدَّ لِلدُّنْيَا حُبًّا إِلَّا ازْدَادَ مِنَ اللَّهِ بُعْدًا وَازْدَادَ اللَّهُ عَلَيْهِ غَضَبًا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٨

٥-٣-٥-٧- لَا يُجَاوِرُ اللَّهَ

﴿١٩٢٩﴾ الرسول ﷺ: يَا أَحْمَدُ لَوْ صَلَّى الْعَبْدُ صَلَاةَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَيَصُومُ صِيَامَ أَهْلِ

السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَيَطْوِي مِنَ الطَّعَامِ مِثْلَ الْمَلَائِكَةِ وَلَبَسَ لِبَاسَ الْعَارِي ثُمَّ أَرَى فِي قَلْبِهِ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا ذَرَّةً أَوْ سَعْتَهَا أَوْ رِئَاسَتَهَا أَوْ حُلِيَّهَا أَوْ زِينَتَهَا لَا يُجَاوِرُنِي فِي دَارِي وَلَا نَزِعَنَّ مِنْ قَلْبِهِ

مَحَبَّتِي؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٠

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجّه به دنیا / عواقب اخروی﴾

۱-۳-۷-۵- دوری از آخرت

﴿۱۹۲۴﴾ دنیا و آخرت مثل دو هوو هستند؛ هر قدر به یکی نزدیک شوی، از دیگری دور می شوی.

﴿۱۹۲۵﴾ دنیا و آخرت مانند مشرق و مغرب هستند که هر قدر به یکی نزدیک شوی از دیگری دور می شوی.

۲-۳-۷-۵- چگونه امید پاداش دارد

﴿۱۹۲۶﴾ ای موسی! چطور ممکن است که مخلوقی در برابر من خاشع باشد درحالی که برتری من را نداند و چطور برتری مرا می داند درحالی که به من نظر نمی کند! چطور به من نظر کند کسی که ایمان ندارد و چطور ایمان داشته باشد درحالی که امید پاداش ندارد؟! چطور امید پاداش داشته باشد درحالی که به دنیا قانع شده و آن را پناهگاه خود قرار داده و مانند ظالمان به آن تکیه داده و اعتماد کرده است؟!

۳-۳-۷-۵- اجر نمی دهد

﴿۱۹۲۷﴾ خداوند کسی را که در برابر افراد دارای نفوذ و سلطه خاضع است و با هر کس که با دین خدا مخالف است، به قصد به دست آوردن دنیای او همراهی کند، خداوند او را خوار می کند و بر او خشم گرفته و به خودش وامی گذارد. پس اگر بر دنیا غلبه کند و چیزی از دنیای آن شخص به او رسد، خداوند عزیز برکت را از آن برمی دارد و بر اموالی که در راه حج و آزادی بنده یا هر کار خیر دیگری می کند، اجر و پاداش نمی دهد.

۴-۳-۷-۵- دوری از خدا

﴿۱۹۲۸﴾ کسی که دنیا را دوست بدارد، ترس آخرت از دلش بیرون می رود، به هیچ بندهای خدا علم نداده که او دوستی دنیا را در دلش زیاد کند، مگر به همان اندازه که از خدا دور می گردد و خدا غضبش را بر او می افزاید.

۵-۳-۷-۵- همسایه ی خدا نخواهد شد

﴿۱۹۲۹﴾ ای احمد! اگر بندهای به اندازه ی اهل آسمان و زمین نماز بخواند و به اندازه ی آنان روزه بگیرد، چون فرشتگان از غذا دوری کند، مثل برهنه ها لباس بپوشد، به اندازه ی خردلی دوستی دنیا را در دل داشته باشد یا مشتاق شهرت یا ریاست یا زینت آن باشد، به بهشت نخواهد رفت، و همسایه ی من در خانه ام نخواهد بود و محبت خود را از دل او دور خواهیم کرد».

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْعَوَاقِبُ الْآخِرِيَّةُ﴾

٥-٧-٣-٦- المنعُ عَمَّا عِنْدَ اللَّهِ

﴿١٩٣٠﴾ السَّجَادُ عليه السلام: وَانْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دِينِيَّةٍ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَتَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَتُذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ عليه السلام، ص ٢٢٤

٥-٧-٣-٧- الصَّدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ

﴿١٩٣١﴾ السَّجَادُ عليه السلام: وَانْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دِينِيَّةٍ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَتَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَتُذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ عليه السلام، ص ٢٢٤

٥-٧-٣-٨- الذُّهُولُ عَنِ التَّقَرُّبِ

﴿١٩٣٢﴾ السَّجَادُ عليه السلام: وَانْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دِينِيَّةٍ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَتَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَتُذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ عليه السلام، ص ٢٢٤

٥-٧-٣-٩- الْوَذَرُ

﴿١٩٣٣﴾ وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَهَوًّا وَغَرَّتُهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكَرَ بِهِ أَنْ تَبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعْدِلْ كُلُّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ: (الأنعام / ٧٠)

٥-٧-٣-١٠- لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْهُمْ

﴿١٩٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكَ لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْ عَمَلِكَ إِلَّا مَا أَخْلَصْتَ فِيهِ وَلَمْ تَشْبُهْ بِالْهَوَى وَآسَابِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٥٥

٥-٧-٣-١١- لَا يَنْزِلُ مَنَازِلَ الْأَبْرَارِ

﴿١٩٣٥﴾ الصادق عليه السلام: قَدْ لَيْسَ ثَوْبُ الْاسْتِهَانَةِ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ رَبِّهِ مُتَقَلِّدًا لِهَوَاهُ مَاضِيًا فِي شَهَوَاتِهِ مُؤَثِّرًا لِدُنْيَاهُ عَلَى آخِرَتِهِ وَهُوَ فِي ذَلِكَ يَتَمَنَّى جَنَانَ الْفِرْدَوْسِ وَمَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَطْمَعَ أَنْ يَنْزِلَ بِعَمَلِ الْفُجَّارِ مَنَازِلَ الْأَبْرَارِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٨٥

٥-٧-٤- الْحَبِطُ

﴿١٩٣٦﴾ الرسول ﷺ: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَمِفْتَاحُ كُلِّ سَيِّئَةٍ وَسَبَبُ إِحْبَاطِ كُلِّ حَسَنَةٍ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢١

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجّه به دنیا / عواقب اخروی﴾

۵-۷-۳-۶- مانع شدن از رسیدن به آنچه نزد خداست

﴿۱۹۳۰﴾ خدایا! حبّ دنیا را از قلب من خارج کن؛ همان حبّی که مرا از رسیدن به آنچه نزد توست، نهی می کند و از دسترسی به وسیله ها و واسطه های تو منع می کنند و مرا از نزدیکی به تو پایین می اندازد.

۵-۷-۳-۷- جلوگیری از دسترسی به وسیله ها

﴿۱۹۳۱﴾ خدایا! حبّ دنیا را از قلب من خارج کن؛ همان حبّی که مرا از رسیدن به آنچه نزد توست، نهی می کند و از دسترسی به وسیله ها و واسطه های تو منع می کنند و مرا از نزدیکی به تو پایین می اندازد.

۵-۷-۳-۸- مانع شدن از تقرّب

﴿۱۹۳۲﴾ خدایا! حبّ دنیا را از قلب من خارج کن؛ همان حبّی که مرا از رسیدن به آنچه نزد توست، نهی می کند و از دسترسی به وسیله ها و واسطه های تو منع می کنند و مرا از نزدیکی به تو پایین می اندازد.

۵-۷-۳-۹- رها کردن

﴿۱۹۳۳﴾ و رها کن کسانی را که آیین [فطری] خود را به بازی و سرگرمی گرفتند، و زندگی دنیا، آن ها را مغرور ساخته، و با این [قرآن]، به آن ها یادآوری نما، تا گرفتار [عواقب شوم] اعمال خود نشوند! [و در قیامت] جز خدا، نه یآوری دارند، و نه شفاعت کننده ای! و [چنین کسی] هر گونه عوضی بپردازد، از او پذیرفته نخواهد شد آن ها کسانی هستند که گرفتار اعمالی شده اند که خود انجام داده اند نوشابه ای از آب سوزان برای آن هاست و عذاب دردناکی به خاطر اینکه کفر می ورزیدند [و آیات الهی را انکار] می کردند.

۵-۷-۳-۱۰- پذیرفته نمی شود

﴿۱۹۳۴﴾ فقط اعمالی از تو مقبول است که با نیت خالصانه باشد و آمیخته به هوای نفس و علّت های دنیوی نباشد.

۵-۷-۳-۱۱- به جایگاه نیکوکاران وارد نمی شود

﴿۱۹۳۵﴾ انسان جامه ی سهل انگاری و بی اعتنائی میان خود و خدا پوشیده است. مطیع هوی و هوس شده و رهسپار راه شهوات گشته و سرای دنیا را بر آخرت ترجیح داده است؛ و با این حال آرزوی باغ بهشت دارد؟! هیچ کس نمی تواند با رفتار و کردار فاجران به جایگاه نیکوکاران چشم دوزد!

۵-۷-۴- از بین رفتن

﴿۱۹۳۶﴾ حبّ دنیا سرمنشأ همه ی گناهان و کلید هر بدی و عامل از بین رفتن تمام نیکی هاست.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْعَوَاقِبُ الْآخِرِيَّةُ﴾

﴿١٩٣٧﴾ الرسول ﷺ: وَمَنْ عَرَضَتْ لَهُ دُنْيَا وَآخِرَةٌ فَاخْتَارَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَيْسَتْ لَهُ حَسَنَةٌ يَتَّقِي بِهَا النَّارَ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٠٩
١-٤-٥-٧-٨- تَضْيِيعُ الزَّادِ

﴿١٩٣٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الْإِهْتِمَامَ بِالدُّنْيَا غَيْرُ زَائِدٍ فِي الْمَوْطُوفِ وَفِيهِ تَضْيِيعُ الزَّادِ وَالْإِقْبَالَ عَلَى الْآخِرَةِ غَيْرُ نَاقِصٍ مِنَ الْمَقْدُورِ وَفِيهِ إِحْرَارُ الْمَعَادِ؛ التوحيد، ص ٣٧٢
٥-٧-٨- النَّارُ

﴿١٩٣٩﴾ ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوءًا وَغَرَّتْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرِجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ؛ (الجاثية / ٣٥)

﴿١٩٤٠﴾ الرسول ﷺ: يَكُونُ أُمَّتِي فِي الدُّنْيَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَطْبَاقٍ أَمَّا الطَّبَقُ الْأَوَّلُ فَلَا يُحِبُّونَ جَمْعَ الْمَالِ وَادِّخَارَهُ وَلَا يَسْعَوْنَ فِي اقْتِنَائِهِ وَاحْتِكَارِهِ وَإِنَّمَا رِضَاهُمْ مِنَ الدُّنْيَا سَدُّ جُوعَةٍ وَسِتْرُ عَوْرَةٍ وَغِنَاهُمْ فِيهَا مَا بَلَغَ بِهِمُ الْآخِرَةُ فَأُولَئِكَ الْأَمْنُونَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ وَ أَمَّا الطَّبَقُ الثَّانِي فَإِنَّهُمْ يُحِبُّونَ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ أَطْيَبِ وَجْهِهِ... الطَّبَقُ الثَّلَاثُ فَإِنَّهُمْ يُحِبُّونَ جَمْعَ الْمَالِ مِمَّا حَلَّ وَحَرَّمَ وَمَنْعَهُ مِمَّا افْتَرَضَ وَوَجَبَ إِنْ أَنْفَقُوهُ أَنْفَقُوهُ إِسْرَافًا وَبِدَارًا وَإِنْ أَمْسَكُوهُ أَمْسَكُوهُ بُخْلًا وَاحْتِكَارًا أُولَئِكَ الَّذِينَ مَلَكَتِ الدُّنْيَا زِمَامَ قُلُوبِهِمْ حَتَّى أَوْرَدَتْهُمْ النَّارَ بِذُنُوبِهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٦

﴿١٩٤١﴾ الرسول ﷺ: قَامَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي وَكَيْفَ يَقُولُهَا مُخْلِصًا لَا يَخْلُطُ مَعَهَا غَيْرُهَا فَسَرُّ لَنَا هَذَا حَتَّى نَعْرِفَهُ فَقَالَ نَعَمْ حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا وَجَمْعًا لَهَا مِنْ غَيْرِ حِلِّهَا وَرَضَى بِهَا... فَإِنْ أَخَذَ الدُّنْيَا وَتَرَكَ الْآخِرَةَ فَلَهُ النَّارُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٣٥٩

﴿١٩٤٢﴾ الرسول ﷺ: وَمَنْ عَرَضَتْ لَهُ دُنْيَا وَآخِرَةٌ فَاخْتَارَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَيْسَتْ لَهُ حَسَنَةٌ يَتَّقِي بِهَا النَّارَ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٠٩
﴿١٩٤٣﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ عَرَضَتْ لَهُ دُنْيَا وَآخِرَتُهُ فَاخْتَارَ الْآخِرَةَ وَتَرَكَ الدُّنْيَا فَلَهُ الْجَنَّةُ وَمَنْ أَخَذَ الدُّنْيَا اسْتِخْفَافًا بِآخِرَتِهِ فَلَهُ النَّارُ؛ جامع الأخبار، ص ١٠٨
﴿١٩٤٤﴾ الرسول ﷺ: مَنْ بَكَى عَلَى الْجَنَّةِ دَخَلَ الْجَنَّةَ وَمَنْ بَكَى عَلَى الدُّنْيَا دَخَلَ النَّارَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٣٣٣

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجّه به دنیا / عواقب اخروی﴾

﴿۱۹۳۷﴾ کسی که دنیا و آخرت بر او عرضه شود و دنیا را بر آخرت برگزیند، خداوند را در روز قیامت درحالی ملاقات می‌کند که برای او عمل نیکی نیست تا او را از آتش در امان نگه دارد.
۱-۴-۷-۵- از بین رفتن توشه

﴿۱۹۳۸﴾ اما بعد! پس به‌درستی که همّت‌داشتن به دنیا و اندوه‌خوردن به خاطر آن در هر روز آن را نمی‌افزاید و زیاد نمی‌کند که موجب از بین رفتن توشه‌ی او می‌گردد و روکردن به آخرت تقدیر [و روزی] فرد [در دنیا] را کم نمی‌کند و موجب حفاظت و صیانت از معاد فرد می‌شود.
۵-۷-۵- آتش

﴿۱۹۳۹﴾ این به خاطر آن است که شما آیات خدا را به مسخره گرفتید و زندگی دنیا شما را فریب داد! امروز نه آنان را از دوزخ بیرون می‌آورند، و نه هیچ‌گونه عذری از آن‌ها پذیرفته می‌شود.
﴿۱۹۴۰﴾ اَمّت من در دنیا بر سه دسته هستند: دسته‌ی اوّل کسانی هستند که جمع‌آوری مال را دوست ندارند، پس کسب و کارشان را وسعت نمی‌دهند و در نگهداری و احتکار آن سعی نمی‌کنند؛ همانا از دنیا به اندازه‌ی سدّ جوع و پوشاندن عورت راضی شده‌اند و از دنیا، جز به آنچه که آن‌ها را به آخرت برساند، بی‌نیاز شده‌اند. پس آن‌ها در امان هستند و از کسانی هستند که ترس و اندوهی ندارند. دسته‌ی دوّم کسانی هستند که گردآوردن مال از پاک‌ترین راه و بهترین وجه را دوست دارند... دسته‌ی سوّم کسانی هستند که گردآوری مال را چه از راه حلال و چه از راه حرام دوست دارند؛ از پرداخت آنچه خدا بر اموال آنان فرض و واجب کرده است جلوگیری کرده‌اند؛ اسراف می‌کنند و نمی‌بخشند؛ بخل می‌ورزند و احتکار می‌کنند. آنان کسانی هستند که دنیا راه دل‌هایشان را سدّ کرده و گناهانشان، آنان را رهسپار جهنّم می‌کند.

﴿۱۹۴۱﴾ علی بن ابی طالب علیه السلام برخاست و گفت: «یا رسول الله، پدر و مادرم به فدایت! چگونه آن را با اخلاص گوید و دیگری را با آن نیامیزد؟ این را برای ما شرح بده و روشن کن تا آن را بدانیم». آن حضرت در پاسخ فرمود: «آری، حرص بر دنیا و فراهم کردن دنیا از راه‌های حرام و ناروا ... و اگر دنیا را بگیرد و آخرت را رها کند، دوزخ از آن او می‌باشد».

﴿۱۹۴۲﴾ کسی که دنیا و آخرت بر او عرضه شود و دنیا را بر آخرت برگزیند، خداوند را در روز قیامت درحالی ملاقات می‌کند که برای او عمل نیکی نیست تا او را از آتش در امان نگه دارد.

﴿۱۹۴۳﴾ ای علی! کسی که دنیا و آخرت به او عرضه شود و او آخرت را برگزیند و دنیا را ترک کند، بهشت از آن او خواهد بود و کسی که به قصد کوچک‌شمردن آخرت دنیا را برگزیند، جهنّم از آن اوست.

﴿۱۹۴۴﴾ کسی که بر بهشت بگرید، داخل بهشت می‌شود و کسی که بر دنیا بگرید، داخل آتش جهنّم می‌شود.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَ الْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْعَوَاقِبُ الْآخِرِيَّةُ﴾

﴿١٩٤٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَقُوذُ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كُلُّ غَنِيٍّ بَخِلَ بِمَالِهِ عَلَى الْفُقَرَاءِ وَ كُلُّ عَالِمٍ بَاعَ الدِّينَ بِالدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ٤٨

﴿١٩٤٦﴾ الرسول ﷺ: مَنْ أَسَفَ عَلَى دُنْيَا فَاتَتْهُ أَقْتَرَبَ مِنَ النَّارِ مَسِيرَةَ شَهْرٍ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٧٩

﴿١٩٤٧﴾ الرسول ﷺ: وَمَنْ عَظَّمَ صَاحِبَ دُنْيَا وَ أَحَبَّهُ لَطَمَعَ دُنْيَاهُ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ كَانَ فِي دَرَجَتِهِ مَعَ قَارُونَ فِي النَّابُوتِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ١٨١

﴿١٩٤٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: عَامِلُ الدِّينِ لِلدُّنْيَا جَزَاؤُهُ عِنْدَ اللَّهِ النَّارُ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

﴿١٩٤٩﴾ الصادق عليه السلام: بَيْنَا عِيسَى فِي سِيَاحَتِهِ إِذْ مَرَّ بِقَرْيَةٍ فَوَجَدَ أَهْلَهَا مَوْتَى... فَقَالَ [عِيسَى عليه السلام]: مَا حَالُكُمْ وَ مَا قَصْتُكُمْ فَقَالَ بَنَاتُ فِي عَافِيَةٍ وَ أَصْبَحْنَا فِي الْهَٰوِيَةِ قَالَ وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ لِحُبِّنَا الدُّنْيَا قَالَ كَيْفَ كَانَ حُبُّكُمْ لَهَا قَالَ حُبُّ الصَّبِيِّ لَأُمِّهِ إِذَا أَقْبَلَتْ فَرِحَ بِهَا وَ إِذَا أَدْبَرَتْ حَزَنَ عَلَيْهَا وَ بَكَى قَالَ فَمَا بَالُ أَصْحَابِكَ لَمْ يُحْيِيُونِي قَالَ لِأَنَّهُمْ مُلْجَمُونَ بِلُجْمٍ مِنْ نَارٍ بِأَيْدِي مَلَائِكَةٍ غُلَاطٍ شِدَادٍ قَالَ فَكَيْفَ أَجَبْتَنِي أَنْتَ مِنْ بَيْنِهِمْ قَالَ لِأَنِّي كُنْتُ فِيهِمْ وَ لَمْ أَكُنْ مِنْهُمْ فَلَمَّا نَزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ أَصَابَنِي مَعَهُمْ فَأَنَا مُعَلَّقٌ عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ لَأِ أَدْرِيَ أَتَجُو مِنْهَا أَمْ كَبُكِبَ فِيهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٤٢٢

﴿١٩٥٠﴾ الرسول ﷺ: يَا ابْنَ مَسْعُودٍ مَا يُعْنِي مَنْ يَتَنَعَّمُ فِي الدُّنْيَا إِذَا أُخْلِدَ فِي النَّارِ يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٢٨

٥-٧-٥-١ الجحيم

﴿١٩٥١﴾ الرسول ﷺ: وَ لَا تُؤْثِرَنَّ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ بِاللَّذَاتِ وَ الشَّهَوَاتِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ فَأَمَّا مَنْ طَغَى وَ آثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٠٧

٥-٧-٥-٢ العذاب

﴿١٩٥٢﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ؛ (البقرة / ٨٦)

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / عواقب اخروی﴾

﴿۱۹۴۵﴾ هیزم‌های آتش جهنم در روز قیامت، ثروتمندان بخیلی هستند که از بخشش مالشان به فقیران امتناع می‌کردند و عالمانی هستند که دنیا را با دینشان خریدند.
﴿۱۹۴۶﴾ هرکس به خاطر دنیا افسوس بخورد، به قدر مسافت یک‌ماه به آتش دوزخ نزدیک شده است.

﴿۱۹۴۷﴾ هرکس دنیاداری را بزرگ شمارد و او را به خاطر طمع دنیایش دوست بدارد، خداوند بر او خشم می‌گیرد و درجه‌اش مثل درجه‌ی قارون و همراه او در تابوتی در پایین‌ترین مرتبه‌ی جهنم است.

﴿۱۹۴۸﴾ کسی که امور دینی را برای کسب دنیا انجام دهد، جزایش نزد خداوند آتش است.

﴿۱۹۴۹﴾ عیسی علیه السلام در یکی از سفرها به روستایی رسید و مشاهده کرد اهل آن آبادی همه مرده‌اند... عیسی علیه السلام پرسید: «حال شما و داستان شما چیست؟» عرض کرد: «ما شب تندرست و خوش خوابیدیم و صبح خود را در هلاکت دیدیم». فرمود: «چگونه شد؟» گفت: «به خاطر علاقه‌ی ما به دنیا و پیروی از گنهکاران بود». فرمود: «علاقه‌ی شما به دنیا چگونه بود؟» گفت: «مانند علاقه‌ی کودک به مادرش، هرگاه دنیا به ما رو می‌کرد، خوشحال و هرگاه پشت می‌کرد، محزون و گریان بودیم». فرمود: «به همراهان تو چه شده که پاسخ مرا نمی‌دهند؟» گفت: «به دهان‌های آنان لجامی از آتش است که به دست فرشتگان عذاب است». فرمود: «از بین آن‌ها تو چگونه توانستی پاسخ دهی؟» گفت: «من با اینکه در بین آن‌ها بودم، اما از آن‌ها نبودم و هنگامی که عذاب بر آن‌ها نازل شد، مرا نیز فرا گرفت و من در لبه‌ی جهنم آویخته‌ام، نمی‌دانم از آن نجات می‌یابم و یا سقوط می‌کنم».

﴿۱۹۵۰﴾ ای پسر مسعود! آن که در دنیا در لذت و نعمت است، چه سودی می‌برد وقتی در آتش ابدی دوزخ خواهد بود (فقط ظاهری از زندگی دنیا را درک می‌کنند و از آخرت غافلند).

۱-۵-۷-۵- دوزخ

﴿۱۹۵۱﴾ لذت‌ها و شهوت‌های دنیا را بر آخرت برتری نده که خداوند متعال می‌فرماید: و اما آن که سرکشی کند و زندگی دنیوی را ترجیح دهد، پس آتش جهنم جایگاه او خواهد بود.

۲-۵-۷-۵- عذاب

﴿۱۹۵۲﴾ این‌ها همان کسانی هستند که آخرت را به زندگی دنیا فروخته‌اند از این رو عذاب آن‌ها تخفیف داده نمی‌شود و کسی آن‌ها را یاری نخواهد کرد.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَ الْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْعَوَاقِبُ الْآخِرِيَّةُ﴾

﴿١٩٥٣﴾ اَعْلَمُوا أَنَّ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا لَعِبٌّ وَ هَوٌّ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنْ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ؛ (الحديد / ٢٠)

﴿١٩٥٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تَكُنْ غَافِلًا عَنْ دِينِكَ حَرِيصًا عَلَى دُنْيَاكَ مُسْتَكْثِرًا مِمَّا لَا يَبْقَى عَلَيْكَ مُسْتَقِيلًا مِمَّا يَبْقَى لَكَ فَيُورِدُكَ ذَلِكَ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ؛ غررالحكم، ص ١٣٠

٥-٧-٥-٣- العقابُ

﴿١٩٥٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا يُفْسِدُ الْعَقْلَ وَ يُصِمُّ الْقُلُوبَ عَنْ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ وَ يُوجِبُ أَلِيمَ الْعِقَابِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١

﴿١٩٥٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: طَالِبُ الدُّنْيَا بِالَّذِينَ مُعَاقَبٌ مَذْمُومٌ؛ غررالحكم، ص ١٣٠

﴿١٩٥٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِذَا كَتَمَ الْعَالِمُ الْعِلْمَ أَهْلُهُ وَ زَهَا الْجَاهِلُ فِي تَعَلُّمٍ مَا لَا بُدَّ مِنْهُ وَ بَخِلَ الْغَنِيُّ بِمَعْرُوفِهِ وَ بَاعَ الْفَقِيرُ دِينَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ حَلَّ الْبَلَاءِ وَ عَظُمَ الْعِقَابُ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٧٨

﴿١٩٥٨﴾ العسكري عليه السلام: قَالَ: فَمَا الْحِرْصُ قَالَ الْإِخْلَادُ إِلَى الدُّنْيَا وَ الطَّمَاحُ إِلَى الْأُمُورِ الَّتِي فِيهَا الْفَسَادُ وَ ثَمَرَتُهَا عُقُوبَةُ الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٢١

٥-٧-٦-٥-٣- المقتُ وَ الْغَضَبُ وَ السَّخَطُ

٥-٧-٦-١- المقتُ

﴿١٩٥٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُوجِبُ الْمَقْتَ؛ غررالحكم، ص ١٤٢

﴿١٩٦٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَوْ أَنَّ حَمَلَةَ الْعِلْمِ حَمَلُوهُ بِحَقِّهِ لَا حَبِيْهُمُ اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ وَ أَهْلُ طَاعَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ وَ لَكِنَّهُمْ حَمَلُوهُ لِطَلَبِ الدُّنْيَا فَمَقَتَهُمُ اللَّهُ وَ هَانُوا عَلَى النَّاسِ؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ٣٧

﴿١٩٦١﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ خَضَعَ لِصَاحِبِ سُلْطَانٍ وَ لِمَنْ يُخَالِفُهُ عَلَى دِينِهِ طَلَبًا لِمَا فِي يَدَيْهِ مِنْ دُنْيَاةٍ أَحْمَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَقَتَهُ عَلَيْهِ وَ وَكَلَهُ إِلَيْهِ؛ الكافي، ج ٥، ص ١٠٥

٥-٧-٦-٢- الغَضَبُ

﴿١٩٦٢﴾ العسكري عليه السلام: الْحِرْصُ أَقْلُ رِضًا وَ أَفْحَشُ غَضَبًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٢١

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / عواقب اخروی﴾

﴿۱۹۵۳﴾ بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخر فروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرومی برد، سپس خشک می شود به گونه ای که آن را زرد رنگ می بینی سپس تبدیل به کاه می شود! و در آخرت، عذاب شدید است یا مغفرت و رضای الهی و [به هر حال] زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست!

﴿۱۹۵۴﴾ از دین خود غافل نشو و بر دنیا حریص نباش؛ تقاضای زیاد شدن چیزی را که برایت نخواهد ماند، نکن و از چیزی که برای تو می ماند، جدا نشو که اگر چنین کنی داخل در عذابی شدید خواهی شد.

۳-۵-۷-۵- عقوبت

﴿۱۹۵۵﴾ حبّ دنیا عقل را فاسد و قلب را از شنیدن حکمت، کر می کند و سرنوشت دردناکی را در پی خواهد داشت.

﴿۱۹۵۶﴾ کسی که دنیا را به وسیله ی دین طلب کند، بدعاقبت و سرزنش شده است.
﴿۱۹۵۷﴾ هرگاه عالم علم و دانش را از اهلش، پنهان داشت و [به او نیاموخت] و جاهل و نادان در یاد گرفتن آنچه که چاره ای از یاد گرفتن آن ندارد، تکبر نمود و غنی به خاطر رزق و روزی خود بخل ورزید، و فقیر دین و آیینش را به دنیای دیگری فروخت، بلاء و گرفتاری روی آورده و عقاب و کیفر بزرگ می گردد.

﴿۱۹۵۸﴾ شاهزاده پرسید: «حرص چیست؟» بلوهر گفت: «میل به دنیا و نظر انداختن به اموری که در آن فساد است و ثمره ی آن نیز عقوبت اخروی است.

۶-۷-۵- خشم خداوند

۱-۶-۷-۵- خشم و دشمنی

﴿۱۹۵۹﴾ رغبت به دنیا، موجب مقت و دشمنی [حق تعالی] می گردد.
﴿۱۹۶۰﴾ اگر دانشمندان بار علم را از روی واقعیت و حقیقت به دوش بکشند، محبوب خدا و پیامبر و ملائکه و مردمان مطیع خدا قرار می گیرند، اما آنها علم را به واسطه ی دنیا به دست آورده اند، به همین جهت مورد خشم خدا و خواری مردم قرار می گیرند.

﴿۱۹۶۱﴾ خداوند کسی را که در برابر افراد دارای نفوذ و سلطه خاضع است و با هر کس که با دین خدا مخالف است، به قصد به دست آوردن دنیای او همراهی کند، خداوند او را خوار می کند و بر او خشم گرفته و به خودش وامی گذارد.

۲-۶-۷-۵- خشم و غضب

﴿۱۹۶۲﴾ در حرص خشنودی نیست و موجب شدت غضب می گردد

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَ الْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْعَوَاقِبُ الْآخِرِيَّةُ﴾

﴿١٩٦٣﴾ الكاظم عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا ذَهَبَ خَوْفُ الْآخِرَةِ مِنْ قَلْبِهِ وَمَا أُوتِيَ عَبْدٌ عِلْمًا فَازْدَادَ لِلدُّنْيَا حُبًّا إِلَّا اِزْدَادَ مِنَ اللَّهِ بُعْدًا وَ اِزْدَادَ اللَّهُ عَلَيْهِ غَضَبًا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٨
٥-٧-٦-٣- سَخَطَ اللَّهُ

﴿١٩٦٤﴾ الرسول ﷺ: مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ يُرِيدُ بِهِ الدُّنْيَا وَ آثَرَ عَلَيْهِ حُبَّ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا اسْتَوْجَبَ سَخَطَ اللَّهِ عَلَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٠١

﴿١٩٦٥﴾ الرسول ﷺ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ شَرِبَ عَلَيْهِ حَرَامًا أَوْ آثَرَ عَلَيْهِ حُبَّ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا اسْتَوْجَبَ عَلَيْهِ سَخَطَ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٣٣٢

﴿١٩٦٦﴾ الرسول ﷺ: وَ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَ لَمْ يَعْمَلْ بِهِ وَ آثَرَ عَلَيْهِ غَيْرَهُ حُبَّ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا اسْتَوْجَبَ سَخَطَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَانَ فِي دَرَجَةِ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى؛ أعلام الدين، ص ٤١٢

﴿١٩٦٧﴾ الرسول ﷺ: مَنْ أَصْبَحَ عَلَى الدُّنْيَا حَرِيصًا أَصْبَحَ وَهُوَ عَلَى اللَّهِ سَاخِطًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٦٣

﴿١٩٦٨﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ أَصْبَحَ عَلَى الدُّنْيَا حَزِينًا فَقَدْ أَصْبَحَ عَلَى رَبِّهِ سَاخِطًا؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٣٤٨

﴿١٩٦٩﴾ الرسول ﷺ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ شَرِبَ عَلَيْهِ حَرَامًا أَوْ آثَرَ عَلَيْهِ حُبَّ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا اسْتَوْجَبَ عَلَيْهِ سَخَطَ اللَّهِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ؛ وسائل الشيعة، ج ٦، ص ١٨٢

﴿١٩٧٠﴾ الرسول ﷺ: وَ مَنْ عَظَّمَ صَاحِبَ دُنْيَا وَ أَحَبَّهُ لَطَمَعَ دُنْيَاهُ سَخَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ كَانَ فِي دَرَجَتِهِ مَعَ قَارُونَ فِي النَّابُوتِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ١٨١

﴿١٩٧١﴾ الرسول ﷺ: مَنْ لَمْ يَتَعَزَّ بِعِزِّ اللَّهِ تَقَطَّعَتْ نَفْسُهُ عَلَى الدُّنْيَا حَسَرَاتٍ... وَ مَنْ أَصْبَحَ عَلَى الدُّنْيَا حَزِينًا أَصْبَحَ عَلَى اللَّهِ سَاخِطًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٨٩

٥-٧-٧- فَوْتُ الْآخِرَةِ

٥-٧-٧-١- إِخْرَابُ الْآخِرَةِ

﴿١٩٧٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَمَرَ دُنْيَاهُ أَفْسَدَ دِينَهُ وَ أَخْرَبَ أَخْرَاهُ؛ غرر الحكم، ص ١٤١
٥-٧-٧-٢- الْإِضْرَارُ بِالْآخِرَةِ

﴿١٩٧٣﴾ الرسول ﷺ: إِنْ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا إِضْرَارًا بِالْآخِرَةِ وَ فِي طَلَبِ الْآخِرَةِ إِضْرَارًا بِالدُّنْيَا فَاضْرُوا بِالدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَوْلَى بِالْإِضْرَارِ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣١

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / عواقب اخروی﴾

﴿۱۹۶۳﴾ کسی که دنیا را دوست بدارد، ترس آخرت از دلش بیرون می‌رود، به هیچ بنده‌ای خدا علم نداده که او دوستی دنیا را در دلش زیاد کند، مگر به همان اندازه که از خدا دور می‌گردد و خدا غضبش را بر او می‌افزاید.

۳-۶-۵- خشم الهی

﴿۱۹۶۴﴾ هرکس علم را برای دنیا آموزد و مهر دنیا و زیورهای آن را بر علم برتری دهد و برگزیند، مستوجب خشم خداوند است.

﴿۱۹۶۵﴾ هرکس قرآن را بخواند و بر سر آن از حرامی بنوشد یا دوستی دنیا و زینتش را بر قرآن ترجیح دهد، مستحق خشم خدا می‌گردد.

﴿۱۹۶۶﴾ هرکس قرآن را بیاموزد و بدان عمل نکند و دوستی دنیا و زیورش را بر آن برگزیند، به خشم خدای عزّ و جلّ دچار می‌گردد و در درجه‌ی یهودیان و مسیحیان قرار می‌گیرد.

﴿۱۹۶۷﴾ هر کس نسبت به دنیا حریص باشد، به خدا خشم گرفته است.

﴿۱۹۶۸﴾ هرکس به خاطر دنیا ناراحت شود، بر خدای خودش خشم گرفته است.

﴿۱۹۶۹﴾ هرکس قرآن بخواند، اما انجام حرام برایش آسان باشد و حبّ دنیا و زینت‌های آن را ترجیح دهد، مستوجب خشم خداوند است مگر آنکه توبه کند.

﴿۱۹۷۰﴾ هرکس دنیاداری را بزرگ شمارد و او را به خاطر طمع دنیایش دوست بدارد، خداوند بر او خشم می‌گیرد و درجه‌اش مثل درجه‌ی قارون و همراه او در تابوتی در پایین‌ترین مرتبه‌ی جهنّم است.

﴿۱۹۷۱﴾ هرکس به واسطه‌ی وقار و متانت خداوندی صبور نباشد و آرامش نیابد، در اثر حسرت‌های دنیا جانش فرسوده و تکه‌تکه می‌شود... هرکس غم دنیا را بخورد، بر خدا خشم می‌گیرد.

۷-۷-۵- از دست دادن آخرت

۱-۷-۷-۵- خراب کردن آخرت

﴿۱۹۷۲﴾ کسی که دنیایش را آباد کند، دینش را فاسد و آخرتش را خراب کرده است.

۲-۷-۷-۵- زیان زدن به آخرت

﴿۱۹۷۳﴾ آن‌ها که طالب دنیا می‌باشند به آخرت خود زیان می‌رسانند و کسانی که طالب آخرت هستند، به دنیا ضرر می‌رسانند، شما به دنیا زیان برسانید که آن شایسته‌ی زیان می‌باشد.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَ الْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْعَوَاقِبُ الْآخِرِيَّةُ﴾

﴿١٩٧٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ دُنْيَاهُ أَضَرَّ بِآخِرَتِهِ وَمَنْ أَحَبَّ آخِرَتَهُ أَضَرَّ بِدُنْيَاهُ فَاثَرُوا مَا يَبْقَى عَلَى مَا يَفْنَى؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٩، ص ٣٣٠
٣-٧-٥- منعُ خَيْرِ الْآخِرَةِ

﴿١٩٧٥﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ وَ عَاجِلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْآجِلِ وَ حَيَاةً تَمْنَعُ خَيْرَ الْمَمَاتِ وَ أَمَلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْعَمَلِ؛ بحار الأنوار، ج ٨٣، ص ٧٠
٤-٧-٥- النَّقْصُ مِنْ حَظِّ الْآخِرَةِ

﴿١٩٧٦﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّا لَنُحِبُّ الدُّنْيَا وَلَآنَ لَا نُؤْتَاهَا خَيْرٌ مِنْ أَنْ نُؤْتَاهَا وَمَا مِنْ عَبْدٍ بَسَطَ اللَّهُ لَهُ مِنْ دُنْيَاهُ إِلَّا نَقَصَ مِنْ حَظِّهِ فِي آخِرَتِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٢٤
٥-٧-٥- الْمَحْرُومُ مِنَ الْآخِرَةِ

﴿١٩٧٧﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ طَلَبَ ثَلَاثَةَ بَغَيْرِ حَقٍّ حُرِّمَ ثَلَاثَةٌ بِحَقٍّ مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا بِغَيْرِ حَقٍّ حُرِّمَ الْآخِرَةُ بِحَقٍّ وَمَنْ طَلَبَ الرِّئَاسَةَ بِغَيْرِ حَقٍّ حُرِّمَ الطَّاعَةُ لَهُ بِحَقٍّ وَمَنْ طَلَبَ الْمَالَ بِغَيْرِ حَقٍّ حُرِّمَ بَهَاءُهُ لَهُ بِحَقٍّ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٣٥

﴿١٩٧٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَحْرِمُنِي الْآخِرَةَ وَمِنْ أَمَلٍ يَحْرِمُنِي الْعَمَلَ وَمِنْ حَيَاةٍ تَحْرِمُنِي خَيْرَ الْمَمَاتِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٨١
٦-٧-٥- جُوعُ الْآخِرَةِ

﴿١٩٧٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: سَمِعْتُ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ قَالَ إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ: إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ شَبَعًا فِي الدُّنْيَا أَكْثَرُهُمْ جُوعًا فِي الْآخِرَةِ؛ وسائل الشيعة، ج ٢٤، ص ٢٤٥
٧-٧-٥- ذَهَابُ الْآخِرَةِ

﴿١٩٨٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَلِيلُ الدُّنْيَا يَذْهَبُ بِكَثِيرِ الْآخِرَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٧
٨-٧-٥- سَخَطُ الْآخِرَةِ

﴿١٩٨١﴾ عيسى عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَمَثَلِ رَجُلٍ لَهُ ضَرَّتَانِ إِنْ أَرْضَى إِحْدَاهُمَا اسْخَطَتِ الْأُخْرَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٢٢
٩-٧-٥- بَيْعُ الْبَقَاءِ بِالْفَنَاءِ

﴿١٩٨٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِيَّاكَ وَالْوَلَةَ بِالدُّنْيَا فَإِنَّهَا تُورِثُكَ الشَّقَاءَ وَالْبَلَاءَ وَ تَحْدُوكَ عَلَى بَيْعِ الْبَقَاءِ بِالْفَنَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٩

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / عواقب اخروی﴾

﴿۱۹۷۴﴾ هرکس دنیا را دوست بدارد، به آخرتش صدمه زده و هرکس به آخرتش دلبسته باشد، به دنیایش صدمه زده است.

۵-۷-۷-۳- ممانعت از خیر آخرت

﴿۱۹۷۵﴾ خدایا، از دنیایی که خوبی آخرت را و از نعمت فوری که خوبی آینده را و از زندگی-ای که خوبی مرگ را و از آرزویی که خوبی عمل را از من بازدارد، به تو پناه می‌آورم.

۵-۷-۷-۴- کاستن از بهره‌ی آخرتش

﴿۱۹۷۶﴾ ما دنیا را دوست داریم؛ اگر دنیا به ما نرسد بهتر است از اینکه برسد، هرگاه خداوند به بنده‌ای در دنیا نعمت دهد، از بهره‌ی آخرت او می‌کاهد.

۵-۷-۷-۵- محروم شدن از آخرت

﴿۱۹۷۷﴾ هرکس سه چیز را بیجا طلب کند از سه چیز، بجا و به حق محروم شود: ۱. کسی که دنیا را به ناحق طلب کند از آخرت می‌ماند. ۲. ریاست طلب بیجا و ناحق، از فرمانبری به حق ناکام می‌ماند. ۳. هرکس بیجا و ناحق مال و ثروتی را بجوید، بجا و به حق از ماندگاری آن مال محروم می‌شود.

﴿۱۹۷۸﴾ خدایا! از دنیایی که مرا از آخرت محروم می‌کند، به تو پناه می‌برم. از آرزویی که از عمل محروم کند، به تو پناه می‌برم. از زندگی‌ای که از بهترین مرگ (شهادت) محروم کند، به تو پناه می‌برم.

۵-۷-۷-۶- گرسنگی آخرت

﴿۱۹۷۹﴾ سلمان فارسی رضی الله عنه گفت: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «سیرترین انسان‌ها در دنیا گرسنه‌ترین آن‌ها در آخرت هستند.

۵-۷-۷-۷- از بین رفتن آخرت

﴿۱۹۸۰﴾ اندکی از دنیا سهم زیادی از آخرت را از بین می‌برد.

۵-۷-۷-۸- خشم آخرت

﴿۱۹۸۱﴾ مثل دنیا و آخرت همچون مردی است که دو همسر دارد؛ اگر یکی از آن دو را خشنود کند، دیگری را خشمگین نموده است.

۵-۷-۷-۹- فروختن چیز ماندنی به چیز از بین رفتنی

﴿۱۹۸۲﴾ برحذر باش که مبدا سرگشته‌ی دنیا گردی که جز بدبختی و بلانصبی برای تو به ارمغان نمی‌آورد و تو را بر فروختن آخرت به جای دنیا هدایت می‌کند.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَ الْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْعَوَاقِبُ الْآخِرِيَّةُ﴾

١٠-٧-٥- عَدَمُ دَرَكِ الْآخِرَةِ وَ عَدَمُ الرَّجَاءِ بِهَا

﴿١٩٨٣﴾ مواظب المسيح عليه السلام في الإنجيل: يَا عبيد الدنيا كيف يدرك الآخرة من لا تنقص شهوته من الدنيا و لا تنقطع منها رغبته؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣١٥
١١-٧-٥- قُوْتُ الْآخِرَةِ

﴿١٩٨٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: طَالِبُ الدُّنْيَا تَفَوُّتُهُ الْآخِرَةِ وَ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ حَتَّى يَأْخُذَهُ بَغْتَةً [يَأْخُذُ بَغْتَةً] وَ لَا يُدْرِكُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قَسَمَ لَهُ؛ غرر الحكم، ص ١٤٠
﴿١٩٨٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ بَدَأَ بِنَصِيْبِهِ مِنَ الدُّنْيَا فَاتَهُ نَصِيْبُهُ مِنَ الْآخِرَةِ وَ لَمْ يُدْرِكْ مِنْهَا مَا يُرِيدُ وَ مَنْ بَدَأَ بِنَصِيْبِهِ مِنَ الْآخِرَةِ وَصَلَ إِلَيْهِ نَصِيْبُهُ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَذْرَكَ مِنَ الْآخِرَةِ مَا يُرِيدُ؛ بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٢٥

﴿١٩٨٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ طَلَبَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئًا فَاتَهُ مِنَ الْآخِرَةِ أَكْثَرُ مِمَّا طَلَبَ؛ غرر الحكم، ص ١٤١
﴿١٩٨٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ مَلَكَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئًا فَاتَهُ مِنَ الْآخِرَةِ أَكْثَرُ مِمَّا مَلَكَ؛ غرر الحكم، ص ١٤١

﴿١٩٨٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ رَضِيَ بِالدُّنْيَا فَاتَتْهُ الْآخِرَةُ؛ غرر الحكم، ص ١٤١
١٢-٧-٥- قُوْتُ حَظِّ الْآخِرَةِ

﴿١٩٨٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْمَغْبُورُ مَنْ شَغَلَ بِالدُّنْيَا وَ فَاتَهُ حَظُّهُ مِنَ الْآخِرَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٧
١٣-٧-٥- لَا نَصِيْبَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ

﴿١٩٩٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: بُشِّرْ هَذِهِ الْأُمَّةَ بِالسَّئَاءِ وَ الرَّفْعَةِ وَ النُّصْرَةِ وَ التَّمَكُّنِ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ عَمِلَ مِنْهُمْ عَمَلًا الْآخِرَةَ لِلدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْآخِرَةِ نَصِيْبٌ؛ بحار الأنوار، ج ١٨، ص ١٢١
﴿١٩٩١﴾ لقمان عليه السلام: وَ مَنْ يَكُونُ فِي الدُّنْيَا ذَلِيلًا وَ فِي الْآخِرَةِ شَرِيفًا خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَكُونَ فِي الدُّنْيَا شَرِيفًا وَ فِي الْآخِرَةِ ذَلِيلًا وَ مَنْ تَخَيَّرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ تَفَتَّنَهُ الدُّنْيَا وَ لَا نَصِيْبَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ؛ عوالي اللآلي، ج ٣، ص ٥١٧
١٤-٧-٥- عَدَمُ الْعَمَلِ لِلْآخِرَةِ

﴿١٩٩٢﴾ نافلة الفجر: أَمْ مَتَى أَعْمَلُ لِآخِرَتِي وَ أَنَا حَرِيصٌ عَلَى دُنْيَايَ أَمْ مَتَى أَتُوبُ مِنْ دُنُوبِي إِذَا لَمْ أَدْعَهَا قَبْلَ مَوْتِي رَبِّ دَعَتْنِي الدُّنْيَا إِلَى اللَّهِو فَاسْرَعْتُ... وَ اجْعَلْ مَكَانَ سُرْعَتِي إِلَى الدُّنْيَا إِبطَاءً عَنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٨٤، ص ٣١٩

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجّه به دنیا / عواقب اخروی﴾

۱۰-۷-۵- درنیافتن آخرت و امیدنداشتن به آن

﴿۱۹۸۳﴾ ای بندگان دنیا، کسی که میزان شهوتش از دنیا کاهش نیابد و تمایلش به آن قطع نگردد.

۱۱-۷-۵- از دست رفتن آخرت

﴿۱۹۸۴﴾ کسی که دنیا را طلب می‌کند، آخرت را از دست می‌دهد و مرگ، ناگهان او را

فراگرفته و می‌میرد درحالی‌که از دنیا به‌جز همان مقداری که قسمتش بود، کسب نمی‌کند.

﴿۱۹۸۵﴾ همانا هرکس به دنبال بهره‌اش از دنیا باشد، بهره‌ی آخرتش را از دست می‌دهد و به

خواسته‌های دنیوی‌اش نیز، دست نمی‌یابد و اما کسی که در پی بهره‌ی آخرتش باشد، بهره‌ی

دنیوی‌اش نیز به او می‌رسد و به خواسته‌های اخروی‌اش، دست می‌یابد.

﴿۱۹۸۶﴾ هرکس چیزی در دنیا بخواهد، بیش از آنچه که طلب کرده در آخرت از دست

خواهد داد.

﴿۱۹۸۷﴾ هرکس مالک چیزی در دنیا شود، بیش از آنچه مالک شده در قیامت از دست

خواهد داد.

﴿۱۹۸۸﴾ کسی که به [بهره‌ی] دنیا راضی شود، آخرت از دستش می‌رود.

۱۲-۷-۵- از درست رفتن بهره‌ی آخرتی

﴿۱۹۸۹﴾ مغبون کسی است که مشغول دنیا شود و بهره‌اش از آخرت را از دست بدهد.

۱۳-۷-۵- بهره‌ای در آخرت ندارد

﴿۱۹۹۰﴾ این امت به مجد و عزّت، رفعت و نصرت و به قدرت و سلطنت در روی زمین مژده

داده شده‌اند. و هرکس از امت من عمل آخرت را برای رسیدن به جاه و جلال دنیا انجام دهد، در

آن جهان بهره‌ای نخواهد داشت.

﴿۱۹۹۱﴾ کسی که در دنیا ذلیل و در آخرت شریف است، بهتر از کسی است که در دنیا

شریف و در آخرت ذلیل است. دنیا کسی را که آن را بر آخرت برگزیند، مورد بلا و فتنه قرار

می‌دهد و بهره‌ای از آخرت نصیبش نمی‌شود.

۱۴-۷-۵- کار نکردن برای آخرت

﴿۱۹۹۲﴾ چه زمانی برای آخرت خود عمل کنم درحالی‌که بر دنیایم حریص هستم یا چگونه

از گناهان خود توبه کنم درحالی‌که قبل از مرگم گناهان را ترک نمی‌کنم؟! خدایا، دنیا مرا به‌سوی

لهو و بیهودگی فرا خوانده و من شتاب کردم... جای شتاب در مورد دنیا را به تنبلی در مورد آن

تغییر ده!

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَ الْإِهْتِمَامِ بِهَا / الْعَوَاقِبُ الْآخِرِيَّةُ﴾

١٥-٧-٥- لَا يُعْطَى الْآخِرَةُ

﴿١٩٩٣﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ وَلَا يُعْطِي الْآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا؛

بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٢٥

﴿١٩٩٤﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِي الدُّنْيَا عَلَى نِيَّةِ الْآخِرَةِ وَلَا يُعْطِي الْآخِرَةَ عَلَى نِيَّةِ

الدُّنْيَا؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ٧٦

١٦-٧-٥- لَا يَعْمَلُ لِلْآخِرَةِ

﴿١٩٩٥﴾ نافلة الفجر: أَمْ مَتَى أَعْمَلُ لِآخِرَتِي وَ أَنَا حَرِيصٌ عَلَى دُنْيَايَ أَمْ مَتَى أَتُوبُ مِنْ ذُنُوبِي

إِذَا لَمْ أَدْعُهَا قَبْلَ مَوْتِي؛ بحار الأنوار، ج ٨٤، ص ٣١٩

﴿١٩٩٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَيْفَ يَعْمَلُ لِلْآخِرَةِ الْمَشْغُولُ بِالدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤١

١٧-٧-٥- لَا يَنْفَعُ الْعَمَلُ لِلْآخِرَةِ

﴿١٩٩٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا يَنْفَعُ الْعَمَلُ لِلْآخِرَةِ مَعَ الرَّغْبَةِ فِي الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤١

١٨-٧-٥- مَا ظَفَرَ بِالْآخِرَةِ

﴿١٩٩٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا ظَفَرَ بِالْآخِرَةِ مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا مَطْلَبَهُ؛ غرر الحكم، ص ١٤١

١٩-٧-٥- مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ نَصِيبٌ

﴿١٩٩٩﴾ الرسول ﷺ: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ فَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ؛ بحار الأنوار،

ج ٦٧، ص ٢١٨

٢٠-٧-٥- مَرَارَةُ الْآخِرَةِ

﴿٢٠٠٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حَلَاوَةُ الدُّنْيَا تُوجِبُ مَرَارَةَ الْآخِرَةِ وَ سُوءُ الْعُقُوبِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٠

﴿٢٠٠١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حَلَاوَةُ الدُّنْيَا مَرَارَةُ الْآخِرَةِ وَ مَرَارَةُ الْآخِرَةِ حَلَاوَةُ الدُّنْيَا؛

بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١١٩

٢١-٧-٥- مَنَعَ الْآخِرَةِ

﴿٢٠٠٢﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الدُّنْيَا تَمْنَعُ الْآخِرَةَ؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٧١

٢٢-٧-٥- نَقَصُ الْآخِرَةِ

﴿٢٠٠٣﴾ الرسول ﷺ: مَثَلُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ كَكِفَّتِي مِيزَانٍ أَيُّهُمَا رَجَحَتْ نَقَصَتْ الْآخَرَى؛

عوالي اللآلي، ج ٤، ص ١١٥

﴿٢٠٠٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا زَادَ فِي الدُّنْيَا نَقَصَ فِي الْآخِرَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٤١

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجّه به دنیا / عواقب اخروی﴾

۱۵-۷-۷-۵- آخرت را نمی‌دهد

﴿۱۹۹۳﴾ خداوند متعال به خاطر عمل اخروی، [بهره‌ی] دنیا را به بنده‌اش می‌بخشد، [اما] به خاطر عمل دنیوی [بهره‌ی] آخرت را به او عطا نمی‌کند.

﴿۱۹۹۴﴾ همانا خداوند دنیا را به کسانی که در فکر آخرت هستند، عطا می‌کند. ولی آخرت را به کسانی که در فکر و اندیشه‌ی دنیایند، عطا نمی‌کند.

۱۶-۷-۷-۵- برای آخرت کار نمی‌کند

﴿۱۹۹۵﴾ یا چه زمانی برای آخرت خود عمل کنم درحالی‌که بر دنیایم حریص هستم، یا چگونه از گناهان خود توبه کنم درحالی‌که قبل از مرگ گناهان را ترک نمی‌کنم؟

﴿۱۹۹۶﴾ چگونه ممکن است کسی که مشغول دنیاست، برای آخرتش کار کند؟!

۱۷-۷-۷-۵- کار برای آخرت فایده‌ای ندارد!

﴿۱۹۹۷﴾ کردار و عمل برای آخرت با میل و رغبت به دنیا جمع نمی‌شود.

۱۸-۷-۷-۵- به آخرت دست نمی‌یابد

﴿۱۹۹۸﴾ کسی که مقصود و هدفش دنیاست، به آخرت دست نمی‌یابد.

۱۹-۷-۷-۵- در آخرت هیچ بهره‌ای نخواهد داشت

﴿۱۹۹۹﴾ هرکس دنیا را به‌وسیله‌ی عمل به آخرت طلب کند، در آخرت هیچ بهره‌ای نخواهد داشت!

۲۰-۷-۷-۵- تلخی آخرت

﴿۲۰۰۰﴾ شیرینی و لذّت دنیا موجب تلخی آخرت و عاقبت بد آن سراسر است.

﴿۲۰۰۱﴾ شیرینی دنیا تلخی آخرت است و تلخی آخرت، شیرینی دنیاست.

۲۱-۷-۷-۵- مانع [رسیدن به] آخرت

﴿۲۰۰۲﴾ خدایا! از دنیا به تو پناه می‌برم که دنیا مانع [رسیدن به] آخرت می‌شود.

۲۲-۷-۷-۵- نقصان در آخرت

﴿۲۰۰۳﴾ مثّل دنیا و آخرت مانند دو کفّهی ترازوست که هر قدر یکی بالاتر رود، دیگری

پایین می‌آید.

﴿۲۰۰۴﴾ [انسان] هر آنچه به دنیا بیفزاید، موجب کاهش و نقصان در آخرت است.

﴿عَوَاقِبُ حُبِّ الدُّنْيَا وَالْإِهْتِمَامُ بِهَا / جَمْعُ الْمَالِ﴾

٢٣-٧-٥٧-٥- نَقْصُ حَظِّ الْآخِرَةِ

﴿٢٠٥﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّا لَنُحِبُّ الدُّنْيَا وَآنَ لَا نُعْطَاهَا خَيْرُ لَنَا وَ مَا أُعْطِيَ أَحَدٌ مِنْهَا شَيْئًا إِلَّا نَقَصَ مِنْ حَظِّهِ مِنَ الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣١٧

﴿٢٠٦﴾ الصادق عليه السلام: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ نَالَ بِسُلْطَانِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا نَقَصَ حَظُّهُ مِنَ الْآخِرَةِ؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٧٤

﴿٢٠٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ تَوَفَّرَ حَظُّهُ فِي الدُّنْيَا انْتَقَصَ حَظُّهُ فِي الْآخِرَةِ وَإِنْ كَانَ كَرِيمًا؛ بحار الأنوار، ج ٦٩، ص ٤٨

٨-٧-٥- لَا يُحِبُّ اللَّهُ لِقَاءَهُ

﴿٢٠٨﴾ عيسى عليه السلام: يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا مِنْ أَجْلِ نِعْمَةِ زَائِلَةٍ وَ حَيَاةٍ مُنْقَطِعَةٍ تَفِرُّونَ مِنَ اللَّهِ وَ تَكْرَهُونَ لِقَاءَهُ فَكَيْفَ يُحِبُّ اللَّهُ لِقَاءَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَكْرَهُونَ لِقَاءَهُ وَ إِنَّمَا يُحِبُّ اللَّهُ لِقَاءَ مَنْ يُحِبُّ لِقَاءَهُ وَ يَكْرَهُ لِقَاءَ مَنْ يَكْرَهُ لِقَاءَهُ وَ كَيْفَ تَزْعُمُونَ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ وَ أَنْتُمْ تَفِرُّونَ مِنَ الْمَوْتِ وَ تَعْتَصِمُونَ بِالدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٠٧

٨-٥- جَمْعُ الْمَالِ، التَّوْفِيَةُ، الْإِحَاطَةُ

١-٨-٥- جَمْعُ الْمَالِ

﴿٢٠٩﴾ الرضا عليه السلام: لَا يَجْمَعُ الْمَالُ إِلَّا بِخِصَالِ خَمْسٍ بِخُلٍّ شَدِيدٍ وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ وَ حِرْصٍ غَالِبٍ وَ قَطِيعَةِ الرَّحِمِ وَ إِثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ٣٤

٢-٨-٥- التَّوْفِيَةُ وَ عَدَمُ الْبَخْسِ

﴿٢١٠﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا نُوفَّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ؛ (هود/ ١٥)

٣-٨-٥- الْإِحَاطَةُ

﴿٢١١﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَالَمَ مُحِبًّا لِلدُّنْيَا فَاتَّهَمُوهُ عَلَى دِينِهِ فَإِنَّ كُلَّ مُحِبٍّ لَيْسَ يَحُوطُ إِلَّا مَا أَحَبَّ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٣٦

﴿پی آمدهای دنیادوستی و توجه به دنیا / عواقب جمع شدن ثروت﴾

۲۳-۷-۵- ناقص شدن بهره‌ی آخرت

﴿۲۰۰۵﴾ ما دنیا را دوست داریم و اگر دنیا به ما داده نشود، بهتر است. و هیچ کسی چیزی از دنیا به او داده نشد، مگر آنکه بهره‌ای از آخرت را از دست داد.

﴿۲۰۰۶﴾ هر مؤمنی که به واسطه‌ی سلطه و تلاشش به دنیا دست یابد، حظاً و بهره‌اش از آخرت کم می‌گردد.

﴿۲۰۰۷﴾ هرکس حظاً و بهره‌اش در دنیا زیاد شود، بهره‌اش در آخرت کم می‌شود، هرچند بخشنده باشد.

۸-۷-۵- خدا دیدار او را نمی‌پسندد

﴿۲۰۰۸﴾ وای بر شما! ای بندگان دنیا، به خاطر نعمتی فانی و حیاتی پایان‌پذیر از خداوند می‌گریزید و از دیدارش کراهت دارید! پس چگونه خداوند دیدار شما را دوست می‌دارد حال آنکه شما دیدار او را زشت می‌شمایید؟ و همانا خداوند فقط دیدار کسی را دوست می‌دارد که او نیز دیدارش را دوست بدارد، و دیدار هرکسی که دیدار او را زشت بشمارد، زشت می‌شمارد، و چگونه گمان می‌کنید که فقط شما و نه دیگر مردمان از اولیاء و دوستان خداوند هستید، درحالی که از مرگ می‌گریزید و دنیا را چنگ می‌زنید؟

۸-۵- جمع شدن ثروت، دریافت کامل، دست‌یابی

۱-۸-۵- جمع شدن ثروت

﴿۲۰۰۹﴾ ثروت جز با پنج خصلت جمع نمی‌شود: به بخل شدید، آرزوی دراز، حرص چیره، قطع رحم و برگزیدن دنیا بر آخرت.

۲-۸-۵- دریافت کامل بی‌کم‌وکاست

﴿۲۰۱۰﴾ کسانی که زندگی دنیا و زینت آن را بخواهند، [نتیجه] اعمالشان را در همین دنیا به‌طور کامل به آن‌ها می‌دهیم و چیزی کم و کاست از آن‌ها نخواهد شد!

۳-۸-۵- دست‌یابی

﴿۲۰۱۱﴾ اگر عالمی را دیدید که دنیادوست است، به دینش شک کنید؛ چون هر دوستداری بر محبوب خود احاطه می‌یابد.

الفصل السادس: ثمرات عدم الرغبة بالدنيا وراجع: ثمرات الزهد

١-٦- العقل والعلم

١-١-٦- العقل

﴿٢٠١٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ سَخَتْ نَفْسُهُ عَنْ مَوَاهِبِ الدُّنْيَا فَقَدْ اسْتَكْمَلَ الْعَقْلَ؛

غرر الحكم، ص ٢٣٨

٢-١-٦- العلم والهدى

١-٢-١-٦- علم بغير تعلم وهدى بغير هداية

﴿٢٠١٣﴾ الرسول ﷺ: مَنْ رَغِبَ فِي الدُّنْيَا وَطَالَ أَمَلُهُ فِيهَا أَعْمَى اللَّهُ قَلْبَهُ عَلَى قَدَرِ ذَلِكَ وَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا وَقَصَرَ أَمَلُهُ فِيهَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عِلْمًا بَغَيْرِ تَعَلُّمٍ وَ هُدًى بَغَيْرِ هِدَايَةٍ؛ مجموعة ورام،

ج ١، ص ١٣١

﴿٢٠١٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا وَلَمْ يَجْزَعْ مِنْ ذُلِّهَا وَلَمْ يُنَافِسْ فِي عِزِّهَا هَدَاهُ اللَّهُ بَغَيْرِ هِدَايَةٍ مِنْ مَخْلُوقٍ وَ عِلْمَهُ بَغَيْرِ تَعْلِيمٍ وَ اثْبَتَ الْحِكْمَةَ فِي صَدْرِهِ وَ أَجْرَاهَا عَلَى لِسَانِهِ؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦٣

٣-١-٦- الحكمة وراجع: العلم

﴿٢٠١٥﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا اثْبَتَ اللَّهُ تَعَالَى الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَ انْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ

وَبَصَرَهُ دَأْهًا وَ دَوَاءَهَا وَ غُيُوبَهَا؛ أعلام الدين، ص ٢٩٣

﴿٢٠١٦﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِذَا رَأَيْتَ أَخَاكَ قَدْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا فَاسْمَعْ مِنْهُ فَإِنَّهُ يُلْقَى إِلَيْهِ

الْحِكْمَةُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ١٠١

﴿٢٠١٧﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ مَا زَهَدَ عَبْدٌ فِي الدُّنْيَا إِلَّا اثْبَتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَ انْطَقَ بِهَا

لِسَانَهُ وَ بَصَرَهُ غُيُوبَ الدُّنْيَا وَ دَأْهًا وَ دَوَاءَهَا وَ أَخْرَجَهُ مِنْهَا سَالِمًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ يَا أَبَا ذَرٍّ إِذَا رَأَيْتَ

أَخَاكَ قَدْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا فَاسْتَمِعْ مِنْهُ فَإِنَّهُ يُلْقَى [إِلَيْكَ] الْحِكْمَةُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٢

فصل ۶: نتایج عدم تمایل به دنیا و ر.به: نتایج زهد

۱-۶- خرد و دانش

۱-۱-۶- عقل

﴿۲۰۱۲﴾ هر کس بخشش‌های دنیا را ترک کند، قطعاً عقل خود را کامل کرده است.

۲-۱-۶- دانش و رهیابی

۱-۲-۱-۶- علمی بدون آموختن و راهیابی بدون راهنما

﴿۲۰۱۳﴾ هر کس شیفته‌ی دنیا باشد، و آرزوی طولانی داشته باشد خداوند به همان اندازه، او را کوردل می‌سازد و هر کس در دنیا زاهد باشد و آرزوی طولانی نداشته باشد، علمی از جانب خدا به او عطا می‌شود بدون آنکه چیزی آموخته باشد و هدایتی می‌یابد که پیش از آن به آن هدایت نشده بود.

﴿۲۰۱۴﴾ هر کس در دنیا زهد پیشه کند و از خواری آن غمگین نشود و برای کسب عزت در دنیا رقابت نکند، خداوند او را بدون راهنما از میان مردم هدایت می‌کند و بدون آموختن می‌آموزد، و حکمت را در سینه‌اش ثابت می‌کند و بر زبانش جاری می‌سازد.

۳-۱-۶- حکمت و ر.به: دانش

﴿۲۰۱۵﴾ هر کس در دنیا زهد پیشه کند، خداوند متعال حکمت را در دلش جای داده و زبانش را به آن گویا ساخته و او را به عیوب دنیا و درد و درمانش بینا می‌سازد.
﴿۲۰۱۶﴾ ای ابوذر! وقتی دیدی برادر دینی‌ات در دنیا زاهد است، به کلام او گوش کن چون حکمت به او عطا شده است.

﴿۲۰۱۷﴾ ای ابوذر! بنده وقتی در دنیا زاهد باشد، خداوند حکمت را در قلبش ثابت و بر زبانش جاری می‌کند، عیب‌ها و دردها و درمان‌های دنیا را به او نشان می‌دهد و از دنیا با قلبی سلیم به‌سوی دار سلام (آخرت) خارج می‌گرداند. ای ابوذر! هرگاه برادرت را دیدی که در دنیا زاهد است، کلامش را بشنو که حکمت به تو می‌گوید.

﴿نتایج عدم تمایل به دنیا / دین﴾

۴-۱-۶ بصیرت و بینایی

﴿۲۰۱۸﴾ در دنیا زاهد باش تا خداوند عیوب دنیا را به تو نشان دهد. و از دنیا غافل نباش که دنیا از تو غافل نیست.

﴿۲۰۱۹﴾ در دنیا زاهد باش تا خداوند لغزشگاه‌های آن را به تو نشان دهد. و از دنیا غافل نباش که دنیا از تو غافل نیست.

﴿۲۰۲۰﴾ هرکس در دنیا زهد پیشه کند، خداوند متعال ... او را به عیوب دنیا و درد و درمانش بینا می‌سازد.

۵-۱-۶ ثبات رأی

﴿۲۰۲۱﴾ پرسید: «کدام‌یک از مردم پایدارتر است»؟ فرمود: «شخصی که مردم او را با چاپلوسی و تعریف‌های نابجا، نسبت به خود مغرور نسازند و در برابر آرایش دنیا، خود را نبازد».

۶-۱-۶ فریب‌نخوردن

﴿۲۰۲۲﴾ اگر دل به قدر ذره‌ای از حبّ دنیا را از دست می‌داد، فریب نمی‌خورد.

۲-۶ آنچه با دین مرتبط است

۱-۲-۶ پایداری دین

﴿۲۰۲۳﴾ قوام دین به چهار گروه است: به عالمی که دانش خود را بازگو کند و به آن عمل کند؛ به توانگری که بخل نورزد و بر متدینان انفاق کند؛ به مستمندی که آخرت خویش را به دنیا نفروشد؛ و به نادانی که در طلب دانش تکبر نکند. و هرگاه عالم دانش خود را پوشیده دارد و توانگر به مال خود بخل ورزد و مستمند آخرت خود را به دنیا بفروشد و نادان در طلب دانش تکبر کند، جهان در پی آن به قهقرا بر خواهد گشت.

۲-۲-۶ حفظ دین

﴿۲۰۲۴﴾ اگر دنیای خود را پیرو دین خود کنی، دین و دنیایت را یکجا جمع می‌کنی و در آخرت از رستگاران هستی.

﴿۲۰۲۵﴾ کسی که قصد دارد خودش را اصلاح کند و دینش را حفظ کند، شایسته است از مشارکت با فرزندان دنیا کناره‌گیری کند.

۳-۲-۶ محفوظ ماندن دین

﴿۲۰۲۶﴾ هرکس در دنیا زاهد باشد، دینش محفوظ خواهد ماند.

﴿ثَمَرَاتُ عَدَمِ الرَّغْبَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِيمَانُ، الْوَرَعُ، الصَّبْرُ﴾

٢-٤-٦- سَلَامَةُ الدِّينِ

﴿٢٠٢٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اقنعوا بِالْقَلِيلِ مِنْ دُنْيَاكُمْ لِسَلَامَةِ دِينِكُمْ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ الْبُلْغَةَ الْيَسِيرَةَ مِنَ الدُّنْيَا تُقْنِعُهُ؛ غرر الحكم، ص ٣٩٣

٢-٤-٦- صِلَاحُ الدِّينِ

﴿٢٠٢٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَفُورُ الْعَوَظِ بِإِثْذَالِ الْمَالِ وَصَلَاحُ الدِّينِ بِإِفْسَادِ الدُّنْيَا؛

غرر الحكم، ص ١٣٠

٢-٣-٦- الْإِيمَانُ، الْوَرَعُ، الصَّبْرُ

١-٣-٦- الْإِيمَانُ

﴿٢٠٢٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: أَلَا إِنَّهُ حَرَامٌ عَلَيْكُمْ أَنْ تَجِدُوا طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَزْهَدُوا فِي الدُّنْيَا؛

مشكاة الأنوار، ص ١١٤

﴿٢٠٣٠﴾ الرُّسُولُ عليه السلام: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ اسْتِكْمَلَ إِيْمَانَهُ لَا يَخَافُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمَةً وَلَا يُرَائِي بَشِيءًا مِنْ عَمَلِهِ وَإِذَا عَرَضَ عَلَيْهِ أَمْرَانِ أَحَدُهُمَا لِلدُّنْيَا وَالْآخَرُ لِلْآخِرَةِ أَثَرُ الْآخِرَةِ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ٢٣٦

﴿٢٠٣١﴾ الرُّسُولُ عليه السلام: لَا يَجِدُ الرَّجُلُ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى لَا يُبَالِيَ مَنْ أَكَلَ الدُّنْيَا ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: حَرَامٌ عَلَى قُلُوبِكُمْ أَنْ تَعْرِفَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَزْهَدَ فِي الدُّنْيَا؛ وسائل الشيعة،

ج ١٦، ص ١٢

٢-٣-٦- الْوَرَعُ

﴿٢٠٣٢﴾ الرُّسُولُ عليه السلام: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ فِي لَيْلَةِ الْإِسْرَاءِ: يَا أَحْمَدُ إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَكُونَ أَوْرَعَ النَّاسِ فَازْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَارْغَبْ فِي الْآخِرَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٨

٢-٣-٦- الصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ

﴿٢٠٣٣﴾ الكَاضِمُ عليه السلام: إِنْ أَجْزَعَكُمْ عِنْدَ الْبَلَاءِ لَأَشَدُّكُمْ حُبًّا لِلدُّنْيَا وَإِنْ أَصْبَرَكُمْ عَلَى الْبَلَاءِ لَأَزْهَدَكُمْ فِي الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٤٥

٤-٦- الإِصْلَاحُ

١-٤-٦- إِنْ اللَّهُ يَتَجَرُّ لَهُ مِنْ وَرَاءِ تِجَارَتِهِ

﴿٢٠٣٤﴾ الرُّسُولُ عليه السلام: يَا ابْنَ مَسْعُودٍ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنْ مَنْ يَدْعُ الدُّنْيَا وَيُقْبَلُ عَلَى تِجَارَةِ الْآخِرَةِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَتَجَرُّ لَهُ مِنْ وَرَاءِ تِجَارَتِهِ وَيُرْبِجُ اللَّهَ تِجَارَتَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٠٧

﴿نتایج عدم تمایل به دنیا / ایمان، ورع، صبر﴾

۴-۲-۶- سلامت در دین

﴿۲۰۲۷﴾ به اندک چیزی از دنیا که به شما می‌رسد قانع باشید تا دینتان سالم بماند که مؤمن به اندک روزی‌ای که از دنیا به او می‌رسد، قانع است.

۵-۲-۶- اصلاح دین

﴿۲۰۲۸﴾ زیادشدن آبرو با بخشش زیاد مال و اصلاح دین با فساد دنیا به دست می‌آید.

۳-۶- ایمان، ورع، صبر

۱-۳-۶- ایمان

﴿۲۰۲۹﴾ بر شما حرام است که طعم ایمان را بچشید، تا اینکه در دنیا زهد پیشه کنید.
﴿۲۰۳۰﴾ سه چیز است که در هر کس باشد، ایمان او کامل است؛ مردی که در کار خدا از سرزنش سرزنش‌کنندگان بیم ندارد و در کار خویش ریا نمی‌کند و اگر دو کار پیش آید که یکی مربوط به دنیا و دیگری مربوط به آخرت است، کار آخرت را بر دنیا ترجیح می‌دهد.
﴿۲۰۳۱﴾ خداوند همه نیکی‌ها را در خانه‌ای قرار داده و کلید آن زهد در دنیا می‌باشد، سپس فرمود: رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «انسان به حقیقت ایمان نمی‌رسد مگر اینکه توجهی به اهل دنیا نداشته باشد». چشیدن شیرینی ایمان بر شما حرام است مگر زمانی که در دنیا زاهد باشید.

۲-۳-۶- ورع

﴿۲۰۳۲﴾ خداوند متعال در شب معراج به پیامبر ﷺ فرمود: «ای احمد! اگر دوست داری باتقواترین افراد باشی، در دنیا زاهد باش و تمام میل و رغبت به آخرت باشد».

۳-۳-۶- صبر بر بلا

﴿۲۰۳۳﴾ و همانا بی‌تاب‌ترین شما هنگام بلا دنیادوست‌ترین شماست. و صبورترین شما بر بلا زاهدترین شما نسبت به دنیا می‌باشد.

۴-۶- درست‌کردن

۱-۴-۶- خدا به جای او معامله می‌کند

﴿۲۰۳۴﴾ ای پسر مسعود! قسم به خدایی که مرا برانگیخت آن که دنیا را رها کند و تجارت آخرت را در پیش گیرد، خداوند برای او تجارت می‌کند و به تجارتش سود می‌دهد.

﴿ثَمَرَاتُ عَدَمِ الرَّغْبَةِ بِالدُّنْيَا / الْخَيْرُ﴾

٢-٤-٦- الإِصْلَاحُ

﴿٢٠٣﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): اغْرُفْ [اغْرِضْ] عَنْ دُنْيَاكَ تَسْعَدَ بِمُقَلَّبِكَ وَتُصْلِحَ مَثْوَاكَ؛

غررالحكم، ص ١٣٨

١-٢-٤-٦- صَلَاحُ النَّفْسِ

﴿٢٠٣٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي لِمَنْ ارَادَ صَلَاحَ نَفْسِهِ وَاحْرَارَ دِينِهِ أَنْ يَجْتَنِبَ مُخَالَطَةَ

أَبْنَاءِ الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ٣١٩

٢-٢-٤-٦- صَلَاحُ الدِّينِ

﴿٢٠٣٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: «فُورُ الْعِوَضِ بِإِثْذَالِ الْمَالِ وَصَلَاحِ الدِّينِ بِإِفْسَادِ الدُّنْيَا؛

غررالحكم، ص ١٣٠

٣-٤-٦- الحَسَنَةُ

﴿٢٠٣٨﴾ الرّسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ لَوْ أَنَّ أَحَدًا مِنْهُمْ اشْتَهَى شَهْوَةً مِنَ الدُّنْيَا فَيَصْبِرُ وَلَا

يُطْلَبُهَا كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ بِذِكْرِ أَهْلِهِ ثُمَّ يَغْتَمُّ وَيَتَنَفَّسُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ نَفْسٍ أَلْفٍ حَسَنَةٍ وَ

مَحَا عَنْهُ أَلْفٌ أَلْفٌ سَيِّئَةٌ وَرَفَعَ لَهُ أَلْفٌ أَلْفٌ دَرَجَةً؛ التحصين لابن فهد الحلبي، ص ٢٣

٤-٤-٤. الخِدْمَةُ بِاللّٰهِ

﴿٢٠٣٩﴾ الصادق (عليه السلام): إِنَّ الزُّهَادَ فِي الدُّنْيَا نُورُ الْجَمَالِ عَلَيْهِمْ وَاتَّرُ الْخِدْمَةِ بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ وَ

كَيْفَ لَا يَكُونُونَ كَذَلِكَ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَنْقُطِعُ إِلَى بَعْضِ مُلُوكِ الدُّنْيَا فَيُرَى عَلَيْهِ أَثَرُهُ فَكَيْفَ بَمَنْ

يَنْقَطِعُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لَا يُرَى أَثَرُهُ عَلَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٧٨

۵-۴-۶۔ عَدَمُ الْإِشْتَغَالِ بِغَيْرِ اللَّهِ

﴿٢٠٤﴾ الصادق (عليه السلام): إِذَا تَخَلَّى الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا سَمًا وَوَجَدَ حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ فَلَمْ يَشْتَغِلُوا

بغيره؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ١٣

٥-٦- الخَيْرُ وَالنَّفْعُ

١-٥-٦- خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ

﴿٢٠٤١﴾ الصادق عليه السلام: جُعِلَ الشَّرُّ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ حُبُّ الدُّنْيَا وَ جُعِلَ الْخَيْرُ

كُلُّهُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٤

«نتایج عدم تمایل به دنیا / خیر»

۲-۴-۶-اصلاح

﴿۲۰۳۵﴾ از دنیا روی برگردان تا جایگاهت بالا رود و خانهات در آخرت اصلاح شود.

۱-۲-۴-۶-اصلاح نفس

﴿۲۰۳۶﴾ کسی که قصد دارد خودش را اصلاح کند و دینش را حفظ کند، شایسته است از مشارکت با فرزندان دنیا کناره‌گیری کند.

۲-۲-۴-۶-اصلاح دین

﴿۲۰۳۷﴾ زیادشدن آبرو با بخشش زیاد مال و اصلاح دین با فساد دنیا به دست می‌آید.

۳-۴-۶-نیکی

﴿۲۰۳۸﴾ ای ابوذر! اگر شخصی میل به یکی از شهوت‌های دنیا داشته باشد اما صبر نماید و آن را طلب نکند به خاطر آن که اهلش از او درخواست کند، پاداش می‌برد و چون غمگین شود و آهی کشد خداوند به ازای هر نفسی که می‌کشد، هزاران هزار حسنه می‌نویسد و هزاران هزار گناه را از نامه‌ی اعمالش محو می‌کند، و هزاران هزار درجه‌ی او را بالا می‌برد.

۴-۴-۶-خدمت به خداوند

﴿۲۰۳۹﴾ زاهدان در دنیا نور عظمتشان آشکارا دیده می‌شود و آثار خدمت در پیشانی آن‌ها است؛ چرا چنین نباشند! یک نفر دل به پادشاهی از پادشاهان دنیا می‌بندد اثر این ارتباط در زندگی او مشاهده می‌شود، آیا ممکن است کسی که دل به خدا ببندد اثر این ارتباط [در او] مشاهده نشود!؟

۵-۴-۶-مشغول‌نبودن به غیر خدا

﴿۲۰۴۰﴾ هنگامی که مؤمن خود را از دنیا خالی می‌کند، مقامش بالا رفته و شیرینی دوستی خداوند را می‌یابد و به چیزی غیر از دوستی با خداوند مشغول نمی‌شود.

۵-۶-خیر و سود

۱-۵-۶-خیر دنیا و آخرت و همه‌ی خیر

﴿۲۰۴۱﴾ همه بدی‌ها در خانه‌ای نهاده شد و کلید آن محبت دنیا می‌باشد و همه نیکی‌ها در خانه‌ای جمع شده و کلید آن زهد است.

﴿ثَمَرَاتُ عَدَمِ الرِّغْبَةِ بِالدُّنْيَا / النِّفْعُ﴾

﴿٢٠٤٢﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ زَهْدَهُ فِي الدُّنْيَا وَفَقَّهَهُ فِي الدِّينِ وَبَصَّرَهُ عَيْبُهَا وَمَنْ أُوتِيَهُنَّ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ مشكاة الأنوار، ص ١١٤
٢-٥-٦- النِّفْعُ

﴿٢٠٤٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: صَوْمُ النَّفْسِ عَنْ لَذَاتِ الدُّنْيَا أَنْفَعُ الصَّيَّامِ؛ غرر الحكم، ص ١٧٦
٣-٥-٦- الرِّبْحُ

﴿٢٠٤٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الرَّابِعُ مَنْ بَاعَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَاسْتَبَدَلَ بِالْآجِلَةِ عَنِ الْعَاجِلَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٧

﴿٢٠٤٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَرْبَحُ النَّاسِ مَنْ اشْتَرَى بِالدُّنْيَا الْآخِرَةَ؛ غرر الحكم، ص ١٤٠
﴿٢٠٤٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: صُنْ دِينَكَ بِدُنْيَاكَ تَرْبُحْهُمَا وَلَا تَصُنْ دُنْيَاكَ بِدِينِكَ فَتُخْسِرْهُمَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٦
﴿٢٠٤٧﴾ لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ بَعْ دُنْيَاكَ بَآخِرَتِكَ تَرْبُحْهُمَا جَمِيعًا وَلَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ تَخْسِرْهُمَا جَمِيعًا؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٤٢١

﴿٢٠٤٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ ابْتَنَعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ رَبِحَهُمَا؛ غرر الحكم، ص ١٤٧
﴿٢٠٤٩﴾ الكاظم عليه السلام: إِنَّ الْعَاقِلَ قَدْ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا مَعَ الْحِكْمَةِ بِالْدُّونِ وَلَمْ يَرْضَ بِالْدُّونِ مِنَ الْحِكْمَةِ مَعَ الدُّنْيَا فَلِذَلِكَ رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٣٤
﴿٢٠٥٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا ابْنَ مَسْعُودٍ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنْ مَنْ يَدْعُ الدُّنْيَا وَيَقْبَلُ عَلَى تِجَارَةِ الْآخِرَةِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَتَجَرَّلُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ تِجَارَتِهِ وَيُرْبِحُ اللَّهُ تِجَارَتَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٠٧

٤-٥-٦- أَعْطَاهُ اللَّهُ مَا سَأَلَ

﴿٢٠٥١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ صَلَّى صَلَاةً لَا يَعْزُضُ عَلَى قَلْبِهِ فِيهَا شَيْءٌ مِنْ أَسْبَابِ الدُّنْيَا لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١١٥
٦-٦- الرَّاحَةُ وَالسَّلَامَةُ
١-٦-٦- السَّلَامَةُ

﴿٢٠٥٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مِنْهُوَ مَنْ لَا يَشْبَعَانِ طَالِبُ دُنْيَا وَطَالِبُ عِلْمٍ فَمَنْ اقْتَصَرَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَهُ سَلِمَ وَمَنْ تَنَاوَلَهَا مِنْ غَيْرِ حِلِّهَا هَلَكَ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ أَوْ يُرَاجَعَ وَمَنْ أَخَذَ الْعِلْمَ مِنْ أَهْلِهِ وَعَمِلَ بِعِلْمِهِ نَجَا وَمَنْ أَرَادَ بِهِ الدُّنْيَا فَهِيَ حَظُّهُ؛ الكافي، ج ١، ص ٤٦
﴿٥٩٢﴾

﴿نتایج عدم تمایل به دنیا / سود﴾

﴿۲۰۴۲﴾ هنگامی که خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد، او را نسبت به دنیا بی‌رغبت می‌کند و نسبت به دین آگاهی می‌نماید و او را به عیوبش بینا می‌کند و به هر کس این فضیلت‌ها عطا شود، خیر دنیا و آخرت به او عطا شده است.

۲-۵-۶- سود

﴿۲۰۴۳﴾ سودمندترین روزه، نگه‌داشتن نفس از لذت‌های دنیاست.

۳-۵-۶- سود

﴿۲۰۴۴﴾ سودمند کسی است که دنیا را به آخرت و زودگذر را برای کسب ماندگار بفروشد.

﴿۲۰۴۵﴾ سودمندترین مردم کسی است که به‌وسیله‌ی دنیا آخرت را بخرد.

﴿۲۰۴۶﴾ دینت را با دنیایت حفظ کن تا در هر دو سود کنی اما دنیایت را با دینت حفظ نکن که در هر دو زیان خواهی کرد.

﴿۲۰۴۷﴾ ای پسر! دنیایت را به آخرت بفروش در این‌صورت در هر دوی آن‌ها سود می‌کنی، ولی آخرت را به دنیا نفروش چون هر دو را از دست می‌دهی.

﴿۲۰۴۸﴾ کسی که آخرتش را به‌وسیله‌ی دنیایش بخرد، در هر دو سود کرده است.

﴿۲۰۴۹﴾ فرد عاقل به نصیب اندکی از دنیا که حکمت و دانش را به همراه دارد، راضی می‌شود و راضی نمی‌شود که نصیب اندکی از حکمت و اندیشه را به همراه دنیا داشته باشد. به همین خاطر است که تجارت آن‌ها، سود می‌کند.

﴿۲۰۵۰﴾ ای پسر مسعود! قسم به خدایی که مرا برانگیخت آن که دنیا را رها کند و تجارت آخرت را در پیش گیرد، خداوند برای او تجارت می‌کند و به تجارتش سود می‌دهد.

۴-۵-۶- خداوند آنچه او بخواهد عطا می‌کند

﴿۲۰۵۱﴾ اگر کسی نمازی بخواند که در آن هیچ امری از امور دنیا به قلبش خطور نکند، هرچه از خدا بخواهد به او داده خواهد شد.

۶-۶- آرامش و سلامتی

۱-۶-۶- سلامت

﴿۲۰۵۲﴾ دو گرسنه هستند هرگز سیر نمی‌شوند: ۱. طالب دنیا ۲. طالب علم. کسی که بر حلال دنیا اکتفا کند، سالم می‌ماند و کسی که حرام دنیا را بخورد، هلاک می‌گردد، مگر توبه کند یا برگردد. و کسی که علم را از اهل فراگیرد و به آن عمل کند، نجات می‌یابد. و کسی که به‌وسیله‌ی آن علم، دنیا را بخواهد، فقط همان دنیا بهره‌ی اوست.

﴿ثَمَرَاتُ عَدَمِ الرِّغْبَةِ بِالدُّنْيَا / الْغِنَى﴾

﴿٢٠٥٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا يُسَلَّمُ مِنْهَا إِلَّا بِالزُّهْدِ فِيهَا وَلَا يُنَجَّى مِنْهَا بِشَيْءٍ كَانَ لَهَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٨
٢-٦-٦-الراحة

﴿٢٠٥٤﴾ الرسول ﷺ: الرِّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُكْثِرُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ وَالزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ الْقَلْبَ وَالْبَدَنَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٩١
﴿٢٠٥٥﴾ الصادق عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى بَعْضِ الْأَنْبِيَاءِ أَمَّا زُهْدُكَ فِي الدُّنْيَا فَتَعَجَّلْكَ الرَّاحَةَ وَ أَمَّا انْقِطَاعُكَ إِلَى فِعْزِ زُكَّ بِي وَلَكِنْ هَلْ عَادَيْتَ لِي عَدُوًّا أَوْ وَالَيْتَ لِي وَلِيًّا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٥٨

﴿٢٠٥٦﴾ الصادق عليه السلام: وَالْمُؤْمِنُ يُعْتَبِرُ عِنْدَهَا أَنَّ الْخَالِصَ مِنْ طَعَامِ الدُّنْيَا كَذَلِكَ تَصِيرُ عَاقِبَتُهَا فَيَسْتَرِيحُ بِالْعُدُولِ عَنْهَا وَتَرْكِهَا وَيَفْرِغُ نَفْسَهُ وَقَلْبَهُ عَنْ شُغْلِهَا... وَأَنَّ الرَّاحَةَ فِي هَوَانِ الدُّنْيَا وَالْفَرَاغَ مِنَ التَّمَتُّعِ بِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٧، ص ١٦٥

﴿٢٠٥٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا اسْتَرَاحَ قَلْبُهُ وَبَدَنُهُ وَمَنْ رَغِبَ فِيهَا تَعَبَ قَلْبُهُ وَبَدَنُهُ فَلَا يَبْقَى لَهُ نَظَرٌ إِلَّا إِلَى اللَّهِ وَلَا رُجُوعٌ إِلَّا إِلَيْهِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٢٥

﴿٢٠٥٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا الرَّاحَةُ الْعُظْمَى؛ مستدرك الوسائل، ج ١٢، ص ٤٧
﴿٢٠٥٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَمَنْ أَحَبَّ الرَّاحَةَ فَلْيُؤْثِرِ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ٢٧٦
﴿٢٠٦٠﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الزَّاهِدَ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ وَيُرِيحُ قَلْبُهُ وَبَدَنُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالرَّائِبُ فِيهَا يَتَعَبُ قَلْبُهُ وَبَدَنُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لِيَجِيَنَّ أَقْوَامٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَهُمْ حَسَنَاتٌ كَأَمْثَالِ الْجِبَالِ فَيَأْمُرُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ فَقِيلَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَ مُصْلُونَ كَانُوا قَالَ نَعَمْ كَانُوا يُصَلُّونَ وَيَصُومُونَ وَيَأْخُذُونَ وَهَنًا مِنَ اللَّيْلِ لَكِنَّهُمْ إِذَا لَحَ لَهُمْ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَتَبُّوا عَلَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٨

٦-٦-٧-الغنى، الكفاية

١-٧-٦-الغنى

﴿٢٠٦١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَغْنَى النَّاسَ فِي الْآخِرَةِ أَفْقَرُهُمْ فِي الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤٧

«نتایج عدم تمایل به دنیا / بی‌نیازی»

﴿۲۰۵۳﴾ آگاه باشید که دنیا سرایی است که جز با زهد نمی‌توان از آن سالم بیرون رفت و نمی‌توان با هیچ چیز دنیوی از آن نجات یافت.

۲-۶-۲- آسودگی

﴿۲۰۵۴﴾ رغبت به دنیا اندوه و غم را زیاد می‌کند و بی‌رغبتی به دنیا، دل و بدن را آسوده می‌سازد.

﴿۲۰۵۵﴾ خداوند به یکی از پیامبران وحی فرمود: «اَمَّا نَتِيحَةُ زَهْدٍ وَ بِيْ اَعْتِنَايَاتٍ بِه دُنْيَا، شَتَابٌ دَر اَسْوَدِگِی تَوَسْتُ. وَ اَمَّا تَوَجُّهٌ وَ رَوِی نَمُودَنْتَ بِه مِنْ مَوْجِبِ عَزَّتٍ وَ سِرْبَلَنْدِی تَوَسْتُ. وَ لَیْ اَیَا بِه خَاطِرٍ مِنْ بَا دَشْمَنِی عِدَاوَتِ نَمُودِه‌ای وَ بَا دُوسْتِی از دُوسْتَانِ مِنْ دُوسْتِی کَرْدِه‌ای؟!»

﴿۲۰۵۶﴾ شخص مؤمن باید از موضوع مستراح عبرت بگیرد که عاقبت طعام خالص دنیا نیز این‌گونه است و با خارج کردن آن، خویش را آسوده می‌کند و نفس و قلب خویش را از اشتغال به آن فارغ می‌گرداند... راحتی، در آسان گرفتن و ارزش‌نهادن به دنیا و دوری از لذت‌بردن از آن است.

﴿۲۰۵۷﴾ کسی که در دنیا زهد پیشه کند، روح و بدنش در آسایش است و کسی که دنیاطلب باشد روح و بدنش به‌سختی می‌افتند و هیچ چاره‌ای برای او جز خداوند متعال نمی‌ماند و در نهایت به‌سوی او باز خواهد گشت.

﴿۲۰۵۸﴾ ترک دنیا بزرگترین آسایش و راحتی است.

﴿۲۰۵۹﴾ هرکس آسایش را دوست دارد، پس زهد در دنیا را اختیار کند.

﴿۲۰۶۰﴾ پیامبر ﷺ فرمود: «هَمَانَا پَارِسَا دَر دُنْيَا دَر اَسَايِش اِسْتُ وَ دَلِّ وَ بَدَنِّش دَر دُنْيَا وَ اٰخِرَتِ رَاحَتِ اِسْتُ؛ طَالِبِ دُنْيَا، دَلِّ وَ جَسْمِ او دَر دُنْيَا وَ اٰخِرَتِ دَر زَحْمَتِ اِسْتُ. رُوزِ قِيَامَتِ گِرُوهِی می‌آیند که کردارهای نیک ایشان مانند کوه‌هایی است، پس آنان را به ورود به جهنم فرمان می‌دهند». عرض شد: «ای پیامبر خدا! آیا آن‌ها نمازگزار هستند؟» فرمود: «آری آن‌ها بودند که نماز می‌خواندند، روزه می‌گرفتند، ساعتی از شب را به عبادت می‌گذراندند، اما هرگاه چیزی از کار دنیایی برای آنان آشکار می‌شد به آن می‌پیوستند».

۷-۶- بی‌نیازی، کفایت

۱-۷-۶- بی‌نیازی

﴿۲۰۶۱﴾ بی‌نیازترین مردم در روز قیامت، فقیرترین آن‌ها در دنیا هستند.

﴿ثَمَرَاتُ عَدَمِ الرَّعْبَةِ بِالدُّنْيَا / مَا يَرْتَبِطُ بِالدُّنْيَا﴾

٢-٧-٤- الكفاية

﴿٢٠٦٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ كَانَ أَيْسَرُ مَا فِيهَا يَكْفِيهِ وَ مَنْ لَمْ يَرْضَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ لَمْ يَكُنْ شَيْءٌ مِنْهَا يَكْفِيهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٧٨

٨-٤- مَا يَرْتَبِطُ بِالدُّنْيَا

١-٨-٤- إِقْبَالُ الدُّنْيَا

﴿٢٠٦٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكَ إِنْ أَذْبَرْتَ عَنِ الدُّنْيَا أَقْبَلْتَ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

٢-٨-٤- خِدْمَةُ الدُّنْيَا

﴿٢٠٦٤﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ أَوْحَى إِلَى الدُّنْيَا أَنْ أَتَعْبِيَ مَنْ خَدَمَكَ وَ اخْدُمِي

مَنْ رَفَضَكَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٨، ص ٩٩

٣-٨-٤- إِتِّبَاعُ الدُّنْيَا

﴿٢٠٦٥﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنَّ الدُّنْيَا خَلَقَهَا اللَّهُ بِمَنْزِلَةِ ظُلْكَ إِنْ طَلَبْتَهُ أَتْبَعَكَ وَ لَا تَلْحَقُهُ أَبَدًا

وَ إِنْ تَرَكْتَهُ تَبِعَكَ وَ أَنْتَ مُسْتَرْجِعٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٦٠

٤-٨-٤- إِطَاعَةُ الدُّنْيَا

﴿٢٠٦٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُلُّ شَيْءٍ يَعْصِيكَ إِذَا أَغْضِبْتَهُ إِلَّا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا تُطِيعُكَ إِذَا

أَغْضَبْتَهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٠٠

﴿٢٠٦٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَصَى الدُّنْيَا أَطَاعَتْهُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

٥-٨-٤- إِيْتَاءُ الدُّنْيَا

﴿٢٠٦٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا أَتَتْهُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

﴿٢٠٦٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ سَلَا عَنِ الدُّنْيَا أَتَتْهُ رَاغِمَةً؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

﴿٢٠٧٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَزَفَ عَنِ الدُّنْيَا أَتَتْهُ صَاغِرَةً؛ غرر الحكم، ص ١٣٩

٦-٨-٤- طَلَبُ الدُّنْيَا

﴿٢٠٧١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ قَعَدَ عَنِ الدُّنْيَا طَلَبَتْهُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

٧-٨-٤- قِيَامُ الدُّنْيَا إِلَيْهِ

﴿٢٠٧٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ قَعَدَ عَنْ طَلَبِ الدُّنْيَا قَامَتْ إِلَيْهِ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

﴿تتایج عدم تمایل به دنیا / آنچه به دنیا مربوط است﴾

۲-۷-۶- کفایت

﴿۲۰۶۲﴾ هرکس از دنیا به آنچه او را کفایت کند، راضی باشد، کمترین چیزی که در آن است او را کفایت می‌کند، و هرکس از دنیا به آنچه او را کفایت کند راضی نشود، هیچ چیز از دنیا او را کفایت نمی‌کند.

۸-۶- آنچه به دنیا مربوط است

۱-۸-۶- روکردن دنیا

﴿۲۰۶۳﴾ همانا اگر تو به دنیا پشت کنی، دنیا به تو روی می‌آورد.

۲-۸-۶- خدمت دنیا

﴿۲۰۶۴﴾ «خداوند متعال به دنیا وحی کرد که خادم خود را به سختی بینداز و به کسی که تو را ترک کرده خدمت کن».

۳-۸-۶- تبعیت دنیا

﴿۲۰۶۵﴾ خداوند متعال دنیا را مانند سایه‌ی تو آفریده که اگر دنبالش کنی مثل تو می‌رود و هرگز به آن نمی‌رسی اما اگر رهایش کنی، او به دنبال تو می‌آید و تو آسوده هستی.

۴-۸-۶- اطاعت دنیا

﴿۲۰۶۶﴾ به هرچه خشم‌گیری، دیگر به حرقت گوش نمی‌دهد و فرمان نمی‌برد جز دنیا که وقتی بر آن خشم می‌گیری، از تو اطاعت می‌کند.
﴿۲۰۶۷﴾ کسی که مخالفت دنیا را کند، دنیا از او اطاعت می‌کند.

۵-۸-۶- روآوردن دنیا

﴿۲۰۶۸﴾ هرکس از دنیا روی برگرداند، دنیا به سراغ او می‌رود.
﴿۲۰۶۹﴾ هرکس فکر دنیا را از سرش خارج کند، دنیا با میل و رغبت به‌سوی او می‌رود.
﴿۲۰۷۰﴾ هرکس از دنیا روی برگرداند و به آن بی‌رغبت باشد، دنیا با حال خواری به نزدش می‌آید.

۶-۸-۶- طلب دنیا

﴿۲۰۷۱﴾ هرکس بنشیند و دنبال دنیا نرود، دنیا به دنبال او می‌رود.

۷-۸-۶- ایستادن دنیا و حرکت به سوی او

﴿۲۰۷۲﴾ هرکس که بنشیند و دنبال دنیا نرود، دنیا می‌ایستد و به سمت او می‌آید.

﴿ثَمَرَاتُ عَدَمِ الرِّغْبَةِ بِالدُّنْيَا / عَدَمِ النَّقْصِ مِنْ قِسْمِ اللَّهِ﴾

٨-٦-هـ هَوْنُ الدُّنْيَا

- ﴿٢٠٧٣﴾ عيسى عليه السلام: تَهَاوَنُوا بِالدُّنْيَا تَهْنُ عَلَيْكُمْ وَآهِنُوهَا تُكْرَمِ الْآخِرَةُ إِلَيْكُمْ وَلَا تُكْرِمُوا الدُّنْيَا فَتَهْوَنَ الْآخِرَةُ عَلَيْكُمْ فَلَيْسَتْ الدُّنْيَا بِأَهْلٍ كَرَامَةٍ؛ أعلام الدين، ص ٢٧٩
- ﴿٢٠٧٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَمَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمُصِيبَاتُ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٠٤
- ﴿٢٠٧٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَمَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا تَهَاوَنَ بِالْمُصِيبَاتِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٩، ص ٨٩
- ﴿٢٠٧٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا اسْتَهَانَ بِالْمَصَائِبِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٧

٨-٦-هـ قِوَامُ عَيْشِ الدُّنْيَا

- ﴿٢٠٧٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لِقِوَامِ عَيْشِ الدُّنْيَا اتْرَكُوا الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٩٢
- ﴿٢٠٧٨﴾ الكاظم عليه السلام: آهِنُوا الدُّنْيَا وَتَهَاوَنُوا بِهَا فَإِنَّهَا مَا آهَانَهَا قَوْمٌ إِلَّا هَنَأَهُمُ اللَّهُ الْعَيْشَ وَمَا أَعَزَّهَا قَوْمٌ إِلَّا تَعَبُوا وَذَلُّوا؛ أعلام الدين، ص ٢٨٠
- ٨-٦-١٠-هـ وَقُوفُ الدُّنْيَا

- ﴿٢٠٧٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا كَظِّلِكَ إِنْ وَقَفْتَ وَقَفَ وَإِنْ طَلَبْتَهُ بَعُدَ؛ غرر الحكم،

ص ١٣٠

٨-٦-١١-هـ خَرَابُ الدُّنْيَا

- ﴿٢٠٨٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَوْ عَقَلَ أَهْلُ الدُّنْيَا لَخَرِبَتِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤٣

٩-٦-هـ عَدَمُ النَّقْصِ مِنْ قِسْمِ اللَّهِ

٩-٦-١-هـ عَدَمُ الْقَوْتِ

- ﴿٢٠٨١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا لَمْ تَفْتَهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٧

٩-٦-٢-هـ عَدَمُ النَّقْصِ مِنْ قِسْمِ اللَّهِ

- ﴿٢٠٨٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ عَلَامَةَ الرَّاغِبِ فِي ثَوَابِ الْآخِرَةِ زُهْدُهُ فِي عَاجِلِ زَهْرَةِ الدُّنْيَا أَمَّا إِنْ زُهِدَ الزَّاهِدِ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَا يَنْقُصُهُ مِمَّا قَسَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ فِيهَا وَإِنْ زَهَدَ وَإِنْ حَرَصَ الْحَرِيسُ عَلَى عَاجِلِ زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لَا يَزِيدُهُ فِيهَا وَإِنْ حَرَصَ؛ الكافي، ج ٢،

ص ١٢٩

«نتایج عدم تمایل به دنیا / کاسته نشدن از سهم مقدّر شده»

۸-۶-۸ آسان گیری دنیا

﴿۲۰۷۳﴾ دنیا را آسان بگیرید تا بر شما آسان بگیرد، آن را پست بدانید تا آخرت برای شما بلندمرتبه گردد؛ دنیا را گرامی ندارید که آخرت در چشمتان پست می‌گردد. دنیا شایسته‌ی گرامی داشتن نیست.

﴿۲۰۷۴﴾ هرکس زهد پیشه کند، مصیبت‌ها در نظرش کوچک می‌گردند.

﴿۲۰۷۵﴾ هرکس در دنیا زهد پیشه کند، مصیبت‌ها بر او آسان می‌شود.

﴿۲۰۷۶﴾ هرکس در دنیا زهد پیشه کند، مصیبت‌ها را سهل می‌شمارد.

۹-۸-۶ استحکام زندگی دنیا

﴿۲۰۷۷﴾ قوام و استحکام زندگی دنیا را ترک کنید [و زاهد شوید].

﴿۲۰۷۸﴾ دنیا را آسان بگیرید که چیزی پست‌تر از دنیا نزد شما نیست. هر گروهی که دنیا را آسان گرفت، خداوند نیز زندگی‌اش را آسان ساخت و هر گروهی که دنیا را بزرگ شمرد، سختی کشید و ذلیل شد.

۱۰-۸-۶ توقف دنیا

﴿۲۰۷۹﴾ دنیا مانند سایه‌ی توست اگر بایستی می‌ایستد و اگر به دنبالش بروی، دور می‌شود.

۱۱-۸-۶ خراب شدن دنیا

﴿۲۰۸۰﴾ اگر اهل دنیا عقلشان را به کار می‌انداختند [دیگر مشغول آخرت شده و دنیا را آباد نمی‌کردند و] دنیا خراب می‌شد.

۹-۶- کاسته نشدن از سهمی که خداوند مقدّر کرده است

۱-۹-۶ از دست ندادن

﴿۲۰۸۱﴾ هرکس در دنیا زهد پیشه کند [و به دنبال دنیا نرود] دنیا از دستش بیرون نخواهد رفت.

۲-۹-۶ عدم نقص سهمی که خداوند مقدّر کرده

﴿۲۰۸۲﴾ علامت کسی که به ثواب آخرت میل و رغبت دارد، زهد او در برابر زیبایی‌های زودگذر دنیاست. زهد زاهد در این دنیا موجب نمی‌شود که سهم و قسمتی که خداوند برای او در این دنیا مقدّر کرده، ناقص به او برسد حتی اگر نسبت به سهمش زهد پیشه کند؛ و حرص فرد حریص بر زیبایی‌های زودگذر دنیا هرچه که بیشتر نیز حرص بزند، موجب دریافت زیاده بر سهم خودش از دنیا نمی‌گردد.

﴿ثَمَرَاتُ عَدَمِ الرَّغْبَةِ بِالدُّنْيَا / مَا يَرْتَبِطُ بِالْآخِرَةِ﴾

١٠-٦- ما يَرْتَبِطُ بِالْآخِرَةِ

١٠-١-٦- الرَّغْبَةُ إِلَى الْآخِرَةِ

﴿٢٠٨٣﴾ العسكري عليه السلام: إِنَّ الزَّهَادَةَ فِي الدُّنْيَا يَا ابْنَ الْمَلِكِ مِفْتَاحُ الرَّغْبَةِ إِلَى الْآخِرَةِ وَمَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ فَاصَابَ بَابَهَا دَخَلَ مَلَكُوتَهَا وَكَيْفَ لَا تَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا وَقَدْ آتَاكَ اللَّهُ مِنَ الْعَقْلِ مَا آتَاكَ وَقَدْ تَرَى أَنَّ الدُّنْيَا كُلُّهَا وَإِنْ كَثُرَتْ إِنَّمَا يَجْمَعُهَا أَهْلُهَا لِهَذِهِ الْأَجْسَادِ الْفَانِيَةِ؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٠١

١٠-٢-٦- تَقَرُّبُ الْآخِرَةِ

﴿٢٠٨٤﴾ الرسول عليه السلام: الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ ضَرَّتَانِ بَقْدَرٍ مَا تَقَرُّبُ مِنْ إِحْدَاهُمَا تَبْعُدُ عَنِ الْأُخْرَى؛

عوالي اللآلي، ج ١، ص ٢٧٧

﴿٢٠٨٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ كَالْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِذَا قَرُبْتَ مِنْ أَحَدِهِمَا

بَعُدْتَ عَنِ الْآخَرِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢٤

١٠-٣-٦- دَرَكُ الْآخِرَةِ

﴿٢٠٨٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا يُدْرِكُ أَحَدٌ مَا يُرِيدُ مِنَ الْآخِرَةِ إِلَّا بِتَرْكِ مَا يَشْتَهِي مِنَ الدُّنْيَا؛

غرر الحكم، ص ١٤٧

﴿٢٠٨٧﴾ الرسول عليه السلام: وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ فَلْيَدَعْ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٦، ص ١٣١

﴿٢٠٨٨﴾ الرسول عليه السلام: وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ تَرَكَ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١١١

﴿٢٠٨٩﴾ الرسول عليه السلام: وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ تَرَكَ زِينَةَ الدُّنْيَا فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ اسْتَحَى مِنْ

اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ؛ روضة الواعظين، ج ٢، ص ٤٦٠

١٠-٤-٦- نَيْلُ الْآخِرَةِ

﴿٢٠٩٠﴾ عيسى عليه السلام: مِنْ خُبْثِ الدُّنْيَا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى غَضِبَ فِيهَا وَأَنَّ الْآخِرَةَ لَا تُنَالُ إِلَّا

بِتَرْكِهَا عليه السلام؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ٧٨

١٠-٥-٦- تَحْصِيلُ الْآخِرَةِ

﴿٢٠٩١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حَصِّلُوا الْآخِرَةَ بِتَرْكِ الدُّنْيَا وَلَا تُحْصِلُوا بِتَرْكِ الدِّينِ الدُّنْيَا؛

غرر الحكم، ص ١٤٠

«نتایج عدم تمایل به دنیا / مرتبط با آخرت»

۱۰-۶- آنچه که به آخرت مربوط است

۱۰-۱-۶- رغبت به آخرت

«۲۰۸۳» ترک دنیا کلید درهای سعادت اخروی است. هرکس طالب آخرت باشد و در آن را که ترک دنیاست، بیابد به زودی در آن سرا پادشاهی خواهد یافت و چگونه در این دنیا زهد نمی‌ورزی درحالی که حق تعالی عقلی این چنین به تو مرحمت فرموده است و تو می‌بینی که اهل دنیا آن را برای این اجساد فانی گرد می‌آورند.

۱۰-۲-۶- نزدیک شدن آخرت

«۲۰۸۴» دنیا و آخرت مثل دو هوو هستند؛ هر قدر به یکی نزدیک شوی، از دیگری دور می‌شوی.

«۲۰۸۵» دنیا و آخرت مانند مشرق و مغرب هستند که هر قدر به یکی نزدیک شوی از دیگری دور می‌شوی.

۱۰-۳-۶- دریافت آخرت

«۲۰۸۶» هیچ کس به خواسته‌ی اخروی خود دست نمی‌یابد؛ مگر اینکه آنچه در دنیا خواهان کسب آن است، ترک کند.

«۲۰۸۷» هرکس آخرت را طلب کند، باید زیور زندگی دنیا را رها کند.

«۲۰۸۸» هرکس آخرت را طلب کند، باید زیور زندگی دنیا را کنار بگذارد.

«۲۰۸۹» هرکس آخرت را بخواهد، زینت این دنیا را رها می‌کند. و هرکس چنین کند، در مقابل خداوند حیا به خرج داده و حق آن را ادا کرده است.

۱۰-۴-۶- رسیدن به آخرت

«۲۰۹۰» از پلیدی دنیاست که معصیت خدا در آن صورت می‌گیرد و کسی جز با ترک دنیا به آخرت نمی‌رسد.

۱۰-۵-۶- به دست آوردن آخرت

«۲۰۹۱» آخرت را با ترک دنیا به دست آورید و با ترک دین دنیا را کسب نکنید.

﴿نتایج عدم تمایل به دنیا / مرتبط با آخرت﴾

۶-۱۰-۶ سنگین شدن کفّهی آخرت

﴿۲۰۹۲﴾ مَثَل دنیا و آخرت مانند دو کفّهی ترازوست که هر قدر یکی بالاتر رود، دیگری پایین می‌آید.

۶-۱۰-۷ بهره‌مندی از نعمت آخرت

﴿۲۰۹۳﴾ به کسی نعمت‌های آخرت عطا نمی‌شود، مگر آنکه بر بلاهای دنیا صبر کند.

﴿۲۰۹۴﴾ ای پیرمرد! خداوند گروهی را خلق کرد و دنیا را از سر لطف برای آن‌ها تنگ قرار داد و آن‌ها را نسبت به دنیا و کالاهای آن زاهد قرار داد... بر پستی‌ها صبر کردند و فضیلت‌هایی را برای قیامت خود پیش فرستادند، حبّ و بغضشان برای خدا بود. این‌ها چراغ‌های هدایت دنیا و در آخرت، غرق نعمت هستند.

۶-۱۰-۸ بهره‌ی آخرت

﴿۲۰۹۵﴾ کسی که در دنیا کمتر بهره برده، در آخرت بیشتر بهره خواهد برد.

۶-۱۰-۹ شیرینی آخرت

﴿۲۰۹۶﴾ ای فاطمه، تلخی دنیا را به خاطر شیرینی آخرت فرو خور.

﴿۲۰۹۷﴾ تلخی دنیا شیرینی آخرت است.

۶-۱۰-۱۰ خیر آخرت

﴿۲۰۹۸﴾ هنگامی که خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد، او را نسبت به دنیا بی‌رغبت می‌کند و نسبت به دین آگاهی می‌نماید و او را به عیوبش بینا می‌کند و به هرکس این فضیلت‌ها عطا شود، خیر دنیا و آخرت به او عطا شده است.

۶-۱۰-۱۱ ثواب آخرت

﴿۲۰۹۹﴾ علامت کسی که به ثواب آخرت میل و رغبت دارد، زهد او در برابر زیبایی‌های زودگذر دنیاست. زهد زاهد در این دنیا موجب نمی‌شود که سهم و قسمتی که خداوند برای او در این دنیا مقدّر کرده، ناقص به او برسد حتّی اگر نسبت به سهمش زهد پیشه کند؛ و حرص فرد حریص بر زیبایی‌های زودگذر دنیا هرچه که بیشتر نیز حرص بزند، موجب دریافت زیاده بر سهم خودش از دنیا نمی‌گردد. پس با این اوصاف، زیان‌دیده کسی است که خودش را از بهره‌ی آخرت، محروم کند.

﴿ثَمَرَاتُ عَدَمِ الرَّغْبَةِ بِالدُّنْيَا / الْمَغْفِرَةُ وَ الرَّحْمَةُ﴾

١٢-١٠-٤- صَلَاحُ الْآخِرَةِ

﴿٢١٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: صَلَاحُ الْآخِرَةِ رَفُضُ الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ١٤٠

١٣-١٠-٤- عِزُّ الْآخِرَةِ

﴿٢١١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ذُلُّ الدُّنْيَا عِزُّ الْآخِرَةِ؛ غررالحكم، ص ١٤٠

١٤-١٠-٤- غِنَى الْآخِرَةِ

﴿٢١٢﴾ الرسول ﷺ: الْفَقْرُ فَقْرَانِ فَقْرُ الدُّنْيَا وَ فَقْرُ الْآخِرَةِ فَقْرُ الدُّنْيَا غِنَى الْآخِرَةِ وَ غِنَى

الدُّنْيَا فَقْرُ الْآخِرَةِ وَ ذَلِكَ الْهَلَاكُ؛ بحار الأنوار، ج ٤٩، ص ٤٧

١٥-١٠-٤- كَرَامَةُ الْآخِرَةِ

﴿٢١٣﴾ الرسول ﷺ: وَمَنْ أَرَادَ كَرَامَةَ الْآخِرَةِ فَلْيَدَعْ زِينَةَ الدُّنْيَا فَإِذَا كُنْتَ كَذَلِكَ أَصَبْتَ

وَلَايَةَ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٤

١٦-١٠-٤- رِضَى الْآخِرَةِ

﴿٢١٤﴾ عيسى عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَمَثَلِ رَجُلٍ لَهُ ضَرَّتَانِ إِنْ أَرْضَى إِحْدَاهُمَا

أَسْخَطَتِ الْآخَرَى ع؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٢٢

﴿٢١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ ضَرَّتَانِ فَبَقْدَرِ مَا تَرْضَى إِحْدَاهُمَا تَسْخَطُ

الْأُخْرَى؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٩، ص ٢٩٢

١١-٤- الْمَغْفِرَةُ وَ الرَّحْمَةُ

١-١١-٤- الْمَغْفِرَةُ

﴿٢١٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَمَنْ اخْتَارَ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَ تَرَكَ الدُّنْيَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ

غَفَرَ لَهُ مَسَاوَى عَمَلِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٣٣٤

٢-١١-٤- الرَّحْمَةُ

﴿٢١٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اِزْهَدْ فِي الدُّنْيَا تَنْزِلُ عَلَيْكَ الرَّحْمَةُ؛ غررالحكم، ص ٢٧٦

﴿٢١٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً غَالَبَ الْهَوَى وَ أَقْلَتَ مِنْ حَبَائِلِ الدُّنْيَا؛ غررالحكم،

ص ١٣٨

٣-١١-٤- مَحْوُ السَّيِّئَةِ

﴿نتایج عدم تمایل به دنیا / آموزش و رحمت﴾

۱۲-۱۰-۶- اصلاح آخرت

﴿۲۱۰۰﴾ اصلاح آخرت در ترک دنیا است.

۱۳-۱۰-۶- عزت آخرت

﴿۲۱۰۱﴾ خواری در دنیا، عزت در آخرت است.

۱۴-۱۰-۶- بی‌نیازی آخرت

﴿۲۱۰۲﴾ فقر دو نوع است: فقر دنیا و فقر آخرت. فقر دنیا، بی‌نیازی آخرت را در پی دارد؛ و بی‌نیازی دنیا، فقر آخرت را و چنین بی‌نیازی مایه‌ی هلاکت است.

۱۵-۱۰-۶- مقام عالی آخرت

﴿۲۱۰۳﴾ هرکس مقام عالی آخرت را بخواهد، باید زیور دنیا را رها کند که اگر چنین باشی به ولایت خدا نایل گشته‌ای.

۱۶-۱۰-۶- خشنودی آخرت

﴿۲۱۰۴﴾ مثل دنیا و آخرت همچون مردی است که دو همسر دارد؛ اگر یکی از آن دو را خشنود کند، دیگری را خشمگین نموده است.

﴿۲۱۰۵﴾ دنیا و آخرت مانند دو هوو هستند؛ هر قدر یکی راضی شود، دیگری خشمگین می‌گردد.

۱۱-۶- آموزش و رحمت

۱-۱۱-۶- آموزش

﴿۲۱۰۶﴾ و هرکس آخرت را بر دنیا برگزیند، خداوند از او راضی شده و در برابر عملش از او راضی می‌شود.

۲-۱۱-۶- رحمت

﴿۲۱۰۷﴾ در دنیا زاهد باش تا رحمت [خدا] بر تو نازل شود.

﴿۲۱۰۸﴾ خدا رحمت کند کسی را که بر هوی و هوس خود غلبه کند و از دام‌های دنیا نجات

و رهایی یابد.

۳-۱۱-۶- از بین رفتن اثرات بدی‌ها

﴿ثَمَرَاتُ عَدَمِ الرِّغْبَةِ بِالدُّنْيَا / النَّجَاةُ وَالْأَمْنُ﴾

﴿٢١٠٩﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ لَوْ أَنَّ أَحَدًا مِنْهُمْ اشْتَهَى شَهْوَةً مِنْ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا فَيَصْبِرُ وَلَا يَطْلُبُهَا كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ بِذِكْرِ أَهْلِهِ ثُمَّ يَغْتَمُّ وَيَتَنَفَّسُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ نَفْسٍ أَلْفَى أَلْفٍ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَى أَلْفٍ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَى أَلْفٍ دَرَجَةً؛ التحصين لابن فهد الحلبي، ص ٢٣
٤-١١-٦- رُدُّ غَضَبِ اللَّهِ

﴿٢١١٠﴾ حذيفة: لَا يَزَالُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَرُدُّ غَضَبَ الرَّبِّ جَلَّ جَلَالُهُ عَنِ الْعِبَادِ مَا كَانُوا لَا يُبَالُونَ مَا انْتَقَصَ مِنْ دُنْيَاهُمْ إِذَا سَلِمَ دِينُهُمْ فَإِذَا كَانُوا لَا يُبَالُونَ مَا انْتَقَصَ مِنْ دِينِهِمْ إِذَا سَلِمَتْ دُنْيَاهُمْ ثُمَّ قَالُواهَا رُدَّتْ عَلَيْهِمْ وَقِيلَ كَذَبْتُمْ وَلَسْتُمْ بِهَا صَادِقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ١٩٧
١٢-٦- النَّجَاةُ وَالْأَمْنُ

١-١٢-٦- النَّجَاةُ

﴿٢١١١﴾ الرضا عليه السلام: بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا أَرْجُو النَّجَاةَ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا؛ وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ٢٠٣
﴿٢١١٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: صُنِ الدِّينَ بِالدُّنْيَا يُنْجِكَ وَلَا تَصُنِ الدُّنْيَا بِالدِّينِ فَتُرْدِيكَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠
٢-١٢-٦- الإِعْتَاقُ

﴿٢١١٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَعْتَقَ نَفْسَهُ وَارْضَى رَبَّهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٧
﴿٢١١٤﴾ الباقر عليه السلام: وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمًّا... حَتَّى أَكُونَ غَدًا فِي الْقِيَامَةِ عَتِيقَ كَرَمِكَ كَمَا كُنْتُ فِي الدُّنْيَا رَيْبَ نَعْمِكَ؛ تهذيب الأحكام، ج ٣، ص ٩٢
٣-١٢-٦- الْأَمْنُ

﴿٢١١٥﴾ الرسول ﷺ: يَكُونُ أُمِّي فِي الدُّنْيَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَطْبَاقٍ أَمَّا الطَّبَقُ الْأَوَّلُ فَلَا يُحِبُّونَ جَمْعَ الْمَالِ وَادِّخَارَهُ وَلَا يَسْعَوْنَ فِي اقْتِنَائِهِ وَاحْتِكَارِهِ وَإِنَّمَا رِضَاهُمْ مِنَ الدُّنْيَا سَدُّ جَوْعَةٍ وَاسْتِرْ عَوْرَةٍ وَغِنَاهُمْ فِيهَا مَا بَلَغَ بِهِمْ الْآخِرَةُ فَأُولَئِكَ الْأَمْنُونَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٦
٤-١٢-٦- الْأَمَانُ

﴿٢١١٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اسْتَقَلَّ مِنَ الدُّنْيَا اسْتَكْثَرَ مِمَّا يُؤْمِنُهُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

«نتایج عدم تمایل به دنیا / نجات و امان»

﴿۲۱۰۹﴾ ای ابوذر! اگر شخصی میل به یکی از شهوت‌های دنیا داشته باشد اما صبر نماید و آن را طلب نکند به خاطر آن که اهلش از او درخواست کند، پاداش می‌برد و چون غمگین شود و آهی کشد خداوند به ازای هر نفسی که می‌کشد، هزاران هزار حسنه می‌نویسد و هزاران هزار گناه را از نامه‌ی اعمالش محو می‌کند، و هزاران هزار درجه‌ی او را بالا می‌برد.

۴-۱۱-۶- دور کردن خشم خداوند

﴿۲۱۱۰﴾ ذَكَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ غَضِبَ خداوندی را از بندگانش دور می‌سازد، مادامی که سلامت در دین را بر امور دنیایی مقدم دارند؛ ولی اگر بیمی از نقصان در دین خود نداشته باشند و همت آن‌ها فقط صرف امور دنیوی گردد، این ذکر از آنان مورد قبول درگاه الهی واقع نمی‌شود و به آن‌ها می‌گویند: «دروغ می‌گویید و در شهادت به یگانگی ذات خداوند راستگو نیستید».

۱۲-۶- نجات و امان

۱-۱۲-۶- نجات

﴿۲۱۱۱﴾ امیدوارم با زهد و پارسایی از شرّ دنیا آسوده شوم .
﴿۲۱۱۲﴾ دین را با دنیا حفظ کن تا نجات یابی اما دنیا را با دینت حفظ نکن که هلاک می‌گردد.

۲-۱۲-۶- آزاد کردن

﴿۲۱۱۳﴾ کسی که در دنیا زاهد باشد، خودش را [از اسارت دنیا] آزاد و خدایش را راضی کرده است.

﴿۲۱۱۴﴾ دنیا را بزرگ‌ترین هدف و تلاش ما، قرار نده... تا فردای قیامت از آزادشدگان لطف و کرم تو گردم؛ همان‌طور که در دنیا با نعمت‌های تو رشد و پرورش یافتم.

۳-۱۲-۶- امن

﴿۲۱۱۵﴾ اَمْتُ من در دنیا بر سه دسته هستند: دسته‌ی اوّل کسانی هستند که جمع‌آوری مال را دوست ندارند، پس کسب و کارشان را وسعت نمی‌دهند و در نگهداری و احتکار آن سعی نمی‌کنند؛ همانا از دنیا به اندازه‌ی سدّ جوع و پوشاندن عورت راضی شده‌اند و از دنیا، جز به آنچه که آن‌ها را به آخرت برساند، بی‌نیاز شده‌اند. پس آن‌ها در امان هستند و از کسانی هستند که ترس و اندوهی ندارند.

۴-۱۲-۶- امان

﴿۲۱۱۶﴾ هرکس از دنیا کمتر بردارد، بیشتر در امان است.

﴿ثَمَرَاتُ عَدَمِ الرِّغْبَةِ بِالدُّنْيَا / الثَّوَابُ وَالْأَجْرُ﴾

٥-١٢-٦- السَّلَامُ

﴿٢١١٧﴾ الصادق عليه السلام: وَيَقُولُونَ لَهُمْ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فِي الدُّنْيَا عَنِ اللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ الْحَلَالِ؛ بحار الأنوار، ج ٨، ص ١٤١

٦-١٢-٦- دَارُ السَّلَامِ

﴿٢١١٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ خَلْقًا ضَيَّقَ الدُّنْيَا عَلَيْهِمْ نَظَرًا لَهُمْ فَزَهَّدَهُمْ فِيهَا وَفِي حُطَامِهَا فَرَغِبُوا فِي دَارِ السَّلَامِ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٨٤

٧-١٢-٦- عَدَمُ الْخَوْفِ

﴿٢١١٩﴾ الرسول ﷺ: يَكُونُ أُمَّتِي فِي الدُّنْيَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَطْبَاقٍ أَمَّا الطَّبَقُ الْأَوَّلُ فَلَا يُحِبُّونَ جَمْعَ الْمَالِ وَادِّخَارَهُ وَلَا يَسْعَوْنَ فِي افْتِنَائِهِ وَاحْتِكَارِهِ وَإِنَّمَا رِضَاهُمْ مِنَ الدُّنْيَا سَدُّ جَوْعَةٍ وَسِتْرُ عَوْرَةٍ وَغِنَاهُمْ فِيهَا مَا بَلَغَ بِهِمُ الْآخِرَةُ فَأُولَئِكَ الْأَمْنُونَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٦

﴿٢١٢٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا خَافَ امْرُؤٌ عَدَلَ فِي حُكْمِهِ وَأَطْعَمَ مَنْ قُوْتِهِ وَذَخَرَ مِنْ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٥٥

٨-١٢-٦- الدَّوَاءُ

﴿٢١٢١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: دَوَاءُ النَّفْسِ الصَّوْمُ عَنِ الْهَوَى وَالْحِمِيَّةُ عَنِ لَذَاتِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ٢٣٥

١٣-٦- الثَّوَابُ وَالْأَجْرُ

١-١٣-٦- ثَوَابُ اللَّهِ

﴿٢١٢٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَمَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا قَرَّتْ عَيْنُهُ بِمَا يَرَى مِنْ ثَوَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٤٢٤

٢-١٣-٦- الْأَجْرُ

﴿٢١٢٣﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ لَوْ أَنَّ أَحَدًا مِنْهُمْ اشْتَهَى شَهْوَةً مِنَ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا فَيَصْبِرُ وَلَا يَطْلُبُهَا كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ بِذِكْرِ أَهْلِهِ ثُمَّ يَعْتَمُ وَيَتَنَفَّسُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ نَفْسٍ أَلْفَى أَلْفِ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَى أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ وَإِنْ شِئْتَ حَتَّى أَزِيدَكَ يَا أَبَا ذَرٍّ قَالَ

﴿٦٠٨﴾

﴿نتایج عدم تمایل به دنیا / پاداش الهی﴾

۵-۱۲-۶- درود و امنیت

﴿۲۱۱۷﴾ سخن ملائکه به بهشتیان این است: «درود بر شما که در دنیا در برابر لذت‌ها و خواسته‌های حلال صبر کردید و خود را به آن‌ها نیالودید».

۶-۱۲-۶- سرای امن

﴿۲۱۱۸﴾ خداوند مخلوقی را آفرید و دنیا را از سر لطف برای آن‌ها تنگ قرار داد و آن‌ها را نسبت به دنیا و کالاهای آن زاهد قرار داد. و آنان نیز به سرای آخرت میل و رغبت نشان دادند.

۷-۱۲-۶- عدم ترس

﴿۲۱۱۹﴾ امت من در دنیا بر سه دسته هستند: دسته‌ی اوّل کسانی هستند که جمع‌آوری مال را دوست ندارند، پس کسب و کارشان را وسعت نمی‌دهند و در نگهداری و احتکار آن سعی نمی‌کنند؛ همانا از دنیا به اندازه‌ی سدّ جوع و پوشاندن عورت راضی شده‌اند و از دنیا، جز به آنچه که آن‌ها را به آخرت برساند، بی‌نیاز شده‌اند. پس آن‌ها در امان هستند و از کسانی هستند که ترس و اندوهی ندارند.

﴿۲۱۲۰﴾ شخصی که در حکمش عادلانه برخورد کرده و به‌قدر قوت و روزی‌اش غذا خورده و از دنیایش برای آخرتش ذخیره کرده، ترسی ندارد.

۸-۱۲-۶- دوا و درمان

﴿۲۱۲۱﴾ درمان و داروی نفس، دست‌کشیدن از هوی و هوس و منع‌شدن از لذت‌های دنیاست.

۱۳-۶- پاداش الهی

۱-۱۳-۶- پاداش الهی

﴿۲۱۲۲﴾ هرکس در دنیا به زهد گراید، دیده‌اش به آنچه از پاداش‌های خداوند بلندمرتبه می‌بیند، روشن گردد.

۲-۱۳-۶- اجر

﴿۲۱۲۳﴾ ای ابوذر! اگر شخصی میل به یکی از شهوت‌های دنیا داشته باشد اما صبر نماید و آن را طلب نکند به خاطر آن که اهلش از او درخواست کند، پاداش می‌برد و چون غمگین شود و آهی کشد خداوند به ازای هر نفسی که می‌کشد، هزاران هزار حسنه می‌نویسد و هزاران هزار گناه را از نامه‌ی اعمالش محو می‌کند، و هزاران هزار درجه‌ی او را بالا می‌برد. ای ابوذر! اگر

﴿ثَمَرَاتُ عَدَمِ الرَّغْبَةِ بِالدُّنْيَا / الْجَنَّةُ﴾

حَبِيبِي رَسُولَ اللَّهِ زِدْنِي قَالَ لَوْ أَنَّ أَحَدًا مِنْهُمْ يَصْبِرُ مَعَ أَصْحَابِهِ لَا يَقْطَعُهُمْ وَيَصْبِرُ فِي مِثْلِ جُوعِهِمْ وَمِثْلِ غَمِّهِمْ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ سَبْعِينَ مِئَّةً غَزَا مَعِيَ غَزْوَةَ تَبُوكَ؛
التحصين لابن فهد الحلبي، ص ٢٣

١٤-٦- الجَنَّةُ

﴿٢١٢٤﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): لَا يَجْمَعُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمُؤْمِنٍ الْوَرَعَ وَالزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا رَجَوْتُ لَهُ

الْجَنَّةَ؛ بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٤٠

﴿٢١٢٥﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى (عليه السلام) إِنَّ عِبَادِي لَمْ يَتَقَرَّبُوا إِلَيَّ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا وَالْوَرَعُ عَنِ الْمَعَاصِي وَالْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَتِي فَقَالَ مُوسَى يَا رَبِّ فَمَا لِمَنْ صَنَعَ ذَلِكَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى أَمَّا الزَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا فَأَحْكَمُهُمْ فِي الْجَنَّةِ وَأَمَّا الْمُتَوَرَّعُونَ عَنِ الْمَعَاصِي فَمَا أَحْسَنُهُمْ وَأَمَّا الْبَاكُونَ مِنْ خَشْيَتِي فَفِي الرِّفْقِ الْأَعْلَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٣٣٣

﴿٢١٢٦﴾ الرسول (صلى الله عليه وآله): يَا عَلِيُّ (عليه السلام) مَنْ غُرِضَتْ لَهُ دُنْيَاهُ وَآخِرَتُهُ فَاخْتَارَ الْآخِرَةَ وَتَرَكَ

الدُّنْيَا فَلَهُ الْجَنَّةُ وَمَنْ أَخَذَ الدُّنْيَا اسْتِخْفَافًا بِآخِرَتِهِ فَلَهُ النَّارُ؛ جامع الأخبار، ص ١٠٨

﴿٢١٢٧﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا قَرَّتْ عَيْنُهُ بِجَنَّةِ الْمَأْوَى؛ مستدرک الوسائل،

ج ١٢، ص ٤٧

﴿٢١٢٨﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): تَمَنَّيْتُ الْجَنَّةَ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ٢٧٦

﴿٢١٢٩﴾ السَّجَّادُ (عليه السلام): أَلَا إِنَّ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا اتَّخَذُوا الْأَرْضَ بَسَاطًا وَالتُّرَابَ فِرَاشًا وَالْمَاءَ

طِيبًا وَفَرَضُوا مِنَ الدُّنْيَا تَقْرِيبًا أَلَا وَمَنْ اشْتَقَّ إِلَى الْجَنَّةِ سَلَا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَمَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ

رَجَعَ عَنِ الْمُحَرَّمَاتِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٤٣

﴿٢١٣٠﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): طَلَّقَ الدُّنْيَا مَهْرُ الْجَنَّةِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٧

﴿٢١٣١﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): ظَفِرَ بِجَنَّةِ الْمَأْوَى مَنْ أَعْرَضَ عَنِ شَهَوَاتِ [زَخَارِفِ] الدُّنْيَا؛

غرر الحكم، ص ١٦٨

﴿٢١٣٢﴾ الرسول (صلى الله عليه وآله): وَ أَنَّ تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَكَ سِجْنًا حَتَّى يَجْعَلَ اللَّهُ لَكَ جَنَّةً؛ بحار الأنوار،

ج ٢، ص ١٥٤

﴿٢١٣٣﴾ الرضا (عليه السلام): لَا تَزَيْنَ لِي الْمُتَزَيِّنُونَ بِمِثْلِ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا عَمَّا يُهْمُ الْغِنَى عَنْهُ... وَأَمَّا

الْمُتَزَيِّنُونَ لِي بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا فَإِنِّي أُبَيِّحُهُمُ الْجَنَّةَ بِحَدَافِيرِهَا؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٢٦

﴿٦١٠﴾

﴿نتایج عدم تمایل به دنیا / بهشت﴾

بخواهی بیشتر از این به تو می‌گویم. ابذر گفت: «ای دوست من! ای رسول خدا! بیشتر برآیم بگو». فرمود: اگر کسی به همراه همراهانش [و اهلش] در برابر گناه صبر کند و از آن‌ها جدا نشود و در گرسنگی‌ها و غم‌های آن‌ها صبر کند، اجر و پاداش او معادل هفتاد برابر اجر کسی است که با من در غزوه‌ی تبوک شرکت کرده است.

۱۴-۶- بهشت

﴿۲۱۲۴﴾ خداوند عزّ و جل برای مؤمن در دنیا پرهیزکاری و زهد را جمع نمی‌کند، مگر اینکه امید بهشت برای او دارم.

﴿۲۱۲۵﴾ خداوند به موسی علیه السلام وحی فرمود: «بندگانم به چیزی محبوب‌تر از سه خصلت به‌سوی من تقرّب پیدا نکرده‌اند: زهد در دنیا و پرهیز از معاصی و گریستن از ترس من». موسی علیه السلام عرض کرد: «پروردگارا! کسی که این سه خصلت را داشته باشد چه ثوابی دارد؟» خداوند متعال فرمود: «اما اهل زهد در دنیا را، حاکمان اهل بهشت قرار می‌دهم و پرهیزگاران از معاصی خدا را حسابرسی نمی‌کنم و گریه‌کنندگان از خوفم در رفیق اعلی هستند».

﴿۲۱۲۶﴾ ای علی! کسی که دنیا و آخرت به او عرضه شود و او آخرت را برگزیند و دنیا را ترک کند، بهشت از آن او خواهد بود و کسی که به قصد کوچک‌شمردن آخرت دنیا را برگزیند، جهنّم از آن اوست.

﴿۲۱۲۷﴾ کسی که در دنیا زاهد باشد، چشمش به دیدار بهشت امن الهی روشن خواهد گشت.

﴿۲۱۲۸﴾ بهای بهشت، زهد در دنیا است.

﴿۲۱۲۹﴾ آگاه باشید هرکس مشتاق بهشت است، شهوات را کنار گذارد و هرکس از آتش جهنّم می‌ترسد، از محرّمات بازگردد.

﴿۲۱۳۰﴾ طلاق دنیا کابین بهشت است.

﴿۲۱۳۱﴾ کسی که از شهوت‌های دنیا روی برگرداند، موفق به کسب بهشت امن الهی می‌گردد.

﴿۲۱۳۲﴾ دنیا را زندان خود ببین تا خدا به تو بهشت را عطا فرماید.

﴿۲۱۳۳﴾ بهترین زینتی که من بندگان خود را به آن آراسته می‌بینم، پارسایی و زهد در دنیا است و چشم پوشی از آنچه که در واقع به آن نیازی ندارند... و اما آنان که با زهد و پارسایی در دنیا به من تقرّب می‌جویند، من تمام بهشت را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهم.

﴿ثَمَرَاتُ عَدَمِ الرِّعْبَةِ بِالدُّنْيَا / السَّعَادَةُ وَ الْفَوْزُ﴾

﴿٢١٣٤﴾ الصادق عليه السلام: إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تُجَاوِرَ الْجَلِيلَ فِي دَارِهِ وَ تَسْكُنَ الْفِرْدَوْسَ فِي جِوَارِهِ فَلْتَهْنُ عَلَيْكَ الدُّنْيَا وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ نُصْبَ عَيْنِكَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٨١

١٥-٦- السَّعَادَةُ وَ الْفَوْزُ

١٥-١-٦- السَّعَادَةُ

﴿٢١٣٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَإِنَّ السُّعْدَاءَ بِالدُّنْيَا غَدًا هُمْ الْهَارِبُونَ مِنْهَا الْيَوْمَ؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ١١٥

﴿٢١٣٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ السُّعْدَاءَ بِالدُّنْيَا الْهَارِبُونَ مِنْهَا الْيَوْمَ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٩

﴿٢١٣٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَسْعَدُ النَّاسِ بِالدُّنْيَا النَّارِكُ لَهَا وَ أَسْعَدُهُمْ بِالْآخِرَةِ الْعَامِلُ لَهَا؛

غرر الحكم، ص ١٤٧

﴿٢١٣٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اغْرُفْ [اغْرِضْ] عَنْ دُنْيَاكَ تَسْعُدْ بِمُنْقَلَبِكَ وَ تُصْلِحْ مَثْوَاكَ؛

غرر الحكم، ص ١٣٨

١٥-٢-٦- الْفَوْزُ

﴿٢١٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنْ جَعَلْتَ دُنْيَاكَ تَبْعًا لِدِينِكَ أَحْرَزْتَ دِينَكَ وَ دُنْيَاكَ وَ

كُنْتَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْفَائِزِينَ؛ غرر الحكم، ص ٨٥

١٥-٣-٦- طُوبَى لَهُ

﴿٢١٤٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: طُوبَى لِمَنْ كَذَبَ مِنْهُ وَ أَخْرَبَ دُنْيَاهُ لِعِمَارَةِ آخِرَاهُ؛ غرر الحكم، ص ٣١٢

١٥-٤-٦- فَرَحَةُ الْبُشْرَى

﴿٢١٤١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ظَفِرَ بِفَرَحَةِ الْبُشْرَى مَنْ أَعْرَضَ عَنْ زَخَارِفِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤٧

١٥-٥-٦- قُرُورَةُ الْعَيْنِ

﴿٢١٤٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَمَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا قَرَّتْ عَيْنُهُ بِمَا يَرَى مِنْ ثَوَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ

جَلَّ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٢٤

١٦-٦- الْعِزُّ وَ الرَّفْعَةُ

١٦-١-٦- الْعِزُّ

﴿٢١٤٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ سَلَا عَنْ مَوَاهِبِ الدُّنْيَا عَزَّ؛ غرر الحكم، ص ٣٦٦

﴿٦١٢﴾

﴿نتایج عدم تمایل به دنیا / سعادت و رستگاری﴾

﴿۲۱۳۴﴾ اگر می‌خواهی مجاور خداوند جلیل در سرای [رحمت] او باشی و همجوار او در بهشت مسکن گزینی، باید دنیا برای بی ارزش و سبک باشد، و مرگ را [پیوسته] پیش چشم خود ببینی.

۱۵-۶- سعادت و رستگاری

۱۵-۱-۶- سعادت

﴿۲۱۳۵﴾ سعادت‌مندان به‌وسیله‌ی دنیا در قیامت، کسانی هستند که امروز از زرق و برق آن فرار می‌کنند.

﴿۲۱۳۶﴾ اهل سعادت در دنیا کسانی هستند که از امروز دنیا فرار می‌کنند.

﴿۲۱۳۷﴾ سعادت‌مندترین فرد در دنیا کسی است که آن را ترک کند و سعادت‌مندترین فرد در آخرت کسی است که برای آخرت کار کند.

﴿۲۱۳۸﴾ از دنیا روی برگردان تا جایگاهت بالا رود و خانه‌ات در آخرت اصلاح شود.

۱۵-۲-۶- رستگاری

﴿۲۱۳۹﴾ اگر دنیای خود را پیرو دین خود کنی، دین و دنیایت را یکجا جمع می‌کنی و در آخرت از رستگاران هستی.

۱۵-۳-۶- خوشا به حال او

﴿۲۱۴۰﴾ خوشا به حال کسی که آرزویش را تکذیب کند و دنیایش را برای آبادکردن آخرت خراب کند.

۱۵-۴-۶- سرور و شادمانی

﴿۲۱۴۱﴾ کسی که از زیورهای دنیایی اعراض کند، به سرور و شادمانی دست می‌یابد.

۱۵-۵-۶- روشنی چشم

﴿۲۱۴۲﴾ هرکس در دنیا به زهد گراید، دیده‌اش به آنچه از پاداش‌های خداوند بلندمرتبه می‌بیند، روشن گردد.

۱۶-۶- عزّت و بلندی مرتبه

۱۶-۱-۶- عزّت

﴿۲۱۴۳﴾ هرکس از مواهب و بخشش‌های دنیا دست بکشد، عزیز می‌شود.

﴿ثَمَرَاتُ عَدَمِ الرَّعْبَةِ بِالدُّنْيَا / الْقُرْبُ وَالرِّضَاءُ﴾

٢-١٦-٤-٤- الرِّفْعَةُ

﴿٢١٤٤﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ لَوْ أَنَّ أَحَدًا مِنْهُمْ اشْتَهَى شَهْوَةً مِنْ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا فَيَصْبِرُ وَلَا يَطْلُبُهَا كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ بِذِكْرِ أَهْلِهِ ثُمَّ يَغْتَمُّ وَيَتَنَفَّسُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ نَفْسٍ أَلْفَى أَلْفٍ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَى أَلْفٍ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَى أَلْفٍ دَرَجَةً؛ التحصين لابن فهد الحلبي، ص ٢٣

٣-١٦-٤-٤- السُّمُو

﴿٢١٤٥﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا تَخَلَّى الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا سَمًا وَوَجَدَ حَلَاوَةً حُبَّ اللَّهِ فَلَمْ يَشْتَغِلُوا

بغيره؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ١٣

٤-١٦-٤-٤- الْخَطَرُ

﴿٢١٤٦﴾ السَّجَّاد عليه السلام: قِيلَ لَهُ: مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ خَطَرًا قَالَ مَنْ لَمْ يَرَ الدُّنْيَا لِنَفْسِهِ خَطَرًا؛

شرح نهج البلاغة، ج ٦، ص ٢٣٣

﴿٢١٤٧﴾ الرسول ﷺ: أَعْظَمُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا خَطَرًا مَنْ لَمْ يَجْعَلْ لِلدُّنْيَا عِنْدَهُ خَطَرًا؛

من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٩٤

﴿٢١٤٨﴾ السَّجَّاد عليه السلام: وَقِيلَ لَهُ مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ خَطَرًا قَالَ مَنْ لَمْ يَرَ الدُّنْيَا خَطَرًا لِنَفْسِهِ؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٥٨

٥-١٦-٤-٤- الْقَدَرُ

﴿٢١٤٩﴾ الصادق عليه السلام: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي: مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا قَدْرًا فَقَالَ مَنْ لَمْ تَجْعَلِ الدُّنْيَا

لِنَفْسِهِ فِي نَفْسِهِ خَطَرًا؛ الحكايات، ص ٩٧

﴿٢١٥٠﴾ الحسين عليه السلام: وَقِيلَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام: مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْرًا قَالَ مَنْ لَمْ يُبَالِ الدُّنْيَا

فِي يَدَيْ مَنْ كَانَتْ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢٩

١٧-٤-٤- الْقُرْبُ وَالرِّضَاءُ

١-١٧-٤-٤- النَّيْلُ بِمَا عِنْدَ اللَّهِ

﴿٢١٥١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِنْ ذِمَامَةِ الدُّنْيَا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ لَا يُبَالَ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِتَرْكِهَا؛

غرر الحكم، ص ١٤٣

٢-١٧-٤-٤- الْإِيْتَاءُ إِلَى اللَّهِ

﴿نتایج عدم تمایل به دنیا / تقرّب و رضایت الهی﴾

۲-۱۶-۶- ارتقاء درجه

﴿۲۱۴۴﴾ ای ابوذر! اگر شخصی میل به یکی از شهوت‌های دنیا داشته باشد اما صبر نماید و آن را طلب نکند به خاطر آن که اهلش از او درخواست کند، پاداش می‌برد و چون غمگین شود و آهی کشد خداوند به ازای هر نفسی که می‌کشد، هزاران هزار حسنه می‌نویسد و هزاران هزار گناه را از نامه‌ی اعمالش محو می‌کند، و هزاران هزار درجه‌ی او را بالا می‌برد.

۳-۱۶-۶- اوج گرفتن

﴿۲۱۴۵﴾ هنگامی که مؤمن خود را از دنیا خالی می‌کند، مقامش بالا رفته و شیرینی دوستی خداوند را می‌یابد و به چیزی غیر از دوستی با خداوند مشغول نمی‌شود.

۴-۱۶-۶- اهمّیت

﴿۲۱۴۶﴾ به امام علیه السلام عرض شد: «پراهمّیت‌ترین مردم در دنیا کیست؟» فرمود: «کسی که دنیا در نزدش هیچ اهمّیتی نداشته باشد».

﴿۲۱۴۷﴾ بزرگترین مردم در دنیا از نظر جاه و مقام آن کسی است که برای دنیا ارزش و مقام قائل نباشد.

﴿۲۱۴۸﴾ به امام سجّاد علیه السلام عرض شد: «چه کسی از همه‌ی مردم با ارزش‌تر است؟» فرمود: «کسی که برای دنیا ارزشی قائل نباشد».

۵-۱۶-۶- قدر و منزلت

﴿۲۱۴۹﴾ از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: «مردی به پدر من گفت: «با عظمت‌ترین مردم در دنیا از نظر قدر و منزلت چه کسی است؟» پدرم فرمود: «کسی که دنیا برای او در درونش مهمّ نباشد»».

﴿۲۱۵۰﴾ از امام حسین علیه السلام پرسیده شد: «کدام‌یک از مردم جایگاه بزرگ‌تری دارد؟» فرمود: «کسی که برایش مهمّ نباشد که دنیا در دست کیست».

۱۷-۶- تقرّب و رضایت الهی

۱-۱۷-۶- رسیدن به آنچه نزد خداست

﴿۲۱۵۱﴾ از نشانه‌های مذموم‌بودن دنیا نزد خداوند این است که جز با ترک دنیا، نمی‌توان به آنچه نزد خداست دست یافت.

۲-۱۷-۶- آمدن نزد خدا

﴿ثَمَرَاتُ عَدَمِ الرَّغْبَةِ بِالدُّنْيَا / الْقُرْبُ وَالرِّضَاءُ﴾

﴿٢١٥٢﴾ الصادق عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ قَالَ هُوَ الْقَلْبُ الَّذِي سَلِمَ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٠
٣-١٧-٦- جوارُ الله

﴿٢١٥٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنَّ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَ آجَلِ الْآخِرَةِ ... أَنَّهُمْ جِيرَانُ اللَّهِ غَدًا فِي آخِرَتِهِمْ؛ أعلام الدين، ص ٢٤٧
﴿٢١٥٤﴾ الصادق عليه السلام: إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تُجَاوِرَ الْجَلِيلَ فِي دَارِهِ وَ تَسْكُنَ الْفِرْدَوْسَ فِي جِوَارِهِ فَلْتَهْنُ عَلَيْكَ الدُّنْيَا وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ نُصْبَ عَيْنِكَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٨١
٤-١٧-٦- القربُ

﴿٢١٥٥﴾ الصادق عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى عليه السلام إِنْ عِبَادِي لَمْ يَتَقَرَّبُوا إِلَيَّ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ ثَلَاثٍ خِصَالٍ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا وَ الْوَرَعَ عَنِ الْمَعَاصِي وَ الْبُكَاءِ مِنْ خَشْيَتِي؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٣٣٣

﴿٢١٥٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: إِنْ أَقْرَبَ النَّاسُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ طَالَ جُوعُهُ وَ عَطَشُهُ وَ حُزْنُهُ فِي الدُّنْيَا... وَ يَسْخَطُ اللَّهُ عَلَى بَلَدٍ لَيْسَ فِيهَا مِنْهُمْ أَحَدٌ لَمْ يَتَكَالَبُوا عَلَى الدُّنْيَا تَكَالَبَ الْكِلَابُ عَلَى الْجَيْفِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٣٥
٥-١٧-٦- حُبُّ الله

﴿٢١٥٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: إِزْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُحِبَّكَ اللَّهُ وَ اِزْهَدْ فِيمَا فِي أَيْدِي النَّاسِ يُحِبَّكَ النَّاسُ؛ وسائل الشيعة، ج ٩، ص ٤٥٠

﴿٢١٥٨﴾ عيسى عليه السلام: وَقِيلَ لِعِيسَى عليه السلام عَلَّمْنَا عَمَلًا وَاحِدًا يُحِبُّنا اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ أَبْغَضُوا الدُّنْيَا يُحِبُّكُمْ اللَّهُ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٨

﴿٢١٥٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: قَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ دَلَّنِي عَلَى عَمَلٍ يُحِبُّنِي اللَّهُ وَ يُحِبُّنِي النَّاسُ؛ فَقَالَ: إِزْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُحِبَّكَ اللَّهُ وَ اِزْهَدْ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ يُحِبَّكَ النَّاسُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥١

١-١٧-٦- وَجْدَانُ حَلَاوَةِ حُبِّ اللَّهِ

﴿٢١٦٠﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا تَخَلَّى الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا سَمًا وَ وَجَدَ حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ فَلَمْ يَشْتَغِلُوا بِغَيْرِهِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ١٣

﴿نتایج عدم تمایل به دنیا / تقرّب و رضایت الهی﴾

﴿۲۱۵۲﴾ امام صادق علیه السلام در تفسیر آیهی «مگر کسی که با قلب سالم وارد شود» فرمود: «یعنی کسی که قلبش از حبّ دنیا سالم مانده [و گرفتار آن نشده] است».

۳-۱۷-۶- همسایگی الهی

﴿۲۱۵۳﴾ پرهیزکاران از دنیای زودگذر به سلامت گذشتند و آخرت جاودانه را پیش گرفتند ... ایشان فردای قیامت همسایگان خداوند.

﴿۲۱۵۴﴾ اگر می‌خواهی مجاور خداوند جلیل در سرای [رحمت] او باشی و همجوار او در بهشت مسکن گزینی، باید دنیا برای بی ارزش و سبک باشد، و مرگ را [پیوسته] پیش چشم خود ببینی.

۴-۱۷-۶- نزدیکی و تقرّب

﴿۲۱۵۵﴾ خداوند به موسی علیه السلام وحی فرمود: «بندگانم به چیزی محبوب‌تر از سه خصلت به‌سوی من تقرّب پیدا نکرده‌اند: زهد در دنیا و پرهیز از معاصی و گریستن از ترس من».

﴿۲۱۵۶﴾ همانا نزدیکترین مردم به خدا، در روز قیامت کسی است که گرسنگی و تشنگی و اندوهش در دنیا طولانی باشد و خداوند بر شهر و مکانی که مثل این افراد، در آن شهر و دیار نباشد خشمگین است. آن‌ها مانند سگانی که به لاشه‌ها هجوم می‌آورند به دنیا حمله نمی‌کنند.

۵-۱۷-۶- محبت الهی

﴿۲۱۵۷﴾ در دنیا زاهد باش تا خدا تو را دوست بدارد. و از آنچه در دست مردم است چشم بپوش تا مردم تو را دوست بدارند.

﴿۲۱۵۸﴾ به عیسی علیه السلام گفته شد: «فقط یک عمل صالح را به ما بیاموز که خداوند به خاطر آن ما را دوست بدارد». فرمود: «دنیا را دشمن بدارید تا خداوند شما را دوست بدارد».

﴿۲۱۵۹﴾ فردی پرسید: «ای رسول خدا! به عملی راهنمایی‌ام کن که مرا محبوب خدا و مردم کند». فرمود: «در دنیا زاهد باش تا خدا تو را دوست بدارد و نسبت به آنچه در دست مردم است بی‌رغبت و زاهد باش تا مردم تو را دوست داشته باشند».

۱-۵-۱۷-۶- یافتن شیرینی دوستی خداوند

﴿۲۱۶۰﴾ هنگامی که مؤمن خود را از دنیا خالی می‌کند، مقامش بالا رفته و شیرینی دوستی خداوند را می‌یابد و به چیزی غیر از دوستی با خداوند مشغول نمی‌شود.

﴿ثَمَرَاتُ عَدَمِ الرَّعْبَةِ بِالدُّنْيَا / الْقُرْبُ وَالرِّضَاءُ﴾

١٧-٦-٦- لقاء الله

﴿٢١٦١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ لِقَاءَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ سَلَا عَنِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤١

١٧-٧-٦- نُورُ الْجَلَالِ

﴿٢١٦٢﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ الزُّهَادَ فِي الدُّنْيَا نُورُ الْجَلَالِ عَلَيْهِمْ وَآثَرُ الْخِدْمَةِ بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ وَكَيْفَ لَا يَكُونُونَ كَذَلِكَ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَنْقَطِعُ إِلَى بَعْضِ مُلُوكِ الدُّنْيَا فَيُرَى عَلَيْهِ آثَرُهُ فَكَيْفَ بِمَنْ يَنْقَطِعُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لَا يُرَى آثَرُهُ عَلَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٧٨

١٧-٨-٦- رَضِيَ اللَّهُ

﴿٢١٦٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَعْتَقَ نَفْسَهُ وَارْضَى رَبَّهُ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١٢، ص ٤٧

﴿٢١٦٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَمَنْ عَرَضَتْ لَهُ دُنْيَا وَآخِرَةٌ فَاخْتَارَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى وَلَيْسَتْ لَهُ حَسَنَةٌ يَتَّقِي بِهَا النَّارَ وَمَنْ أَخَذَ الْآخِرَةَ وَتَرَكَ الدُّنْيَا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ رَاضٍ عَنْهُ؛ ثواب الأعمال، ص ٢٨٢

﴿٢١٦٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَمَنْ اخْتَارَ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَتَرَكَ الدُّنْيَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ

غَفَرَ لَهُ مَسَاوِيَ عَمَلِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٣٣٤

﴿نتایج عدم تمایل به دنیا / تقرب و رضایت الهی﴾

۶-۱۷-۶ دیدار خداوند

﴿۲۱۶۱﴾ هرکس که لقاء خداوند را دوست دارد، فکر دنیا را از سرش بیرون می‌کند.

۶-۱۷-۷ نور جلالت

﴿۲۱۶۲﴾ زاهدان در دنیا نور عظمتشان آشکارا دیده می‌شود و آثار خدمت در پیشانی آنها است؛ چرا چنین نباشند! یک نفر دل به پادشاهی از پادشاهان دنیا می‌بندد اثر این ارتباط در زندگی او مشاهده می‌شود، آیا ممکن است کسی که دل به خدا ببندد اثر این ارتباط [در او] مشاهده نشود!؟

۶-۱۷-۸ رضایت الهی

﴿۲۱۶۳﴾ کسی که در دنیا زاهد باشد، خودش را [از اسارت دنیا] آزاد و خدایش را راضی کرده است.

﴿۲۱۶۴﴾ هرکس که دنیا و آخرت به او عرضه شود و او دنیا را برگزیند و آخرت را رها کند، خداوند را در حالی ملاقات می‌کند که هیچ حسنه‌ای در پرونده‌اش نیست تا او را از آتش جهنم حفظ کند و هرکس که آخرت را برگزیند و دنیا را ترک کند، خداوند را در روز قیامت در حالی ملاقات می‌کند که از او راضی است.

﴿۲۱۶۵﴾ و هرکس آخرت را بر دنیا برگزیند، خداوند از او راضی شده و در برابر عملش از او راضی می‌شود.

الفصل السابع: المناهج الخاطئة في المواجهة بالدنيا

٧-١- الحُبُّ

٧-١-١- حُبُّ الدُّنْيَا

﴿٢١٦٦﴾ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (إبراهيم / ٣)

﴿٢١٦٧﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (النحل / ١٠٧)

﴿٢١٦٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ أَحَبَّ دُنْيَاهُ أَضَرَّ بِآخِرَتِهِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٩

﴿٢١٦٩﴾ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَبْدَ الْغَفَّارِ إِنَّ دُخُولَكَ عَلَى السُّلْطَانِ يَدْعُو إِلَى ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ مَحَبَّةِ الدُّنْيَا وَنِسْيَانِ الْمَوْتِ وَقِلَّةِ الرِّضَا بِمَا قَسَمَ اللَّهُ... إِنِّي لَسْتُ أَمُرُّكَ بِتَرْكِ الدُّنْيَا بَلْ أَمُرُّكَ بِتَرْكِ الذُّنُوبِ فَتَرْكِ الدُّنْيَا فَضِيلَةٌ وَتَرْكِ الذُّنُوبِ فَرِيضَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٣٥٨

﴿٢١٧٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا أَحْمَدُ لَوْ صَلَّى الْعَبْدُ صَلَاةَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَيَصُومُ صِيَامَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَيَطْوِي مِنَ الطَّعَامِ مِثْلَ الْمَلَائِكَةِ وَلَبَسَ لِبَاسَ الْعَارِي ثُمَّ أَرَى فِي قَلْبِهِ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا ذَرَّةً أَوْ سَعَتَهَا أَوْ رِئَاسَتَهَا أَوْ حُلِيِّهَا أَوْ زِينَتَهَا لَا يُجَاوِرُنِي فِي دَارِي وَلَا تُنَزِعَنَّ مِنْ قَلْبِهِ مَحَبَّتِي؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٠

﴿٢١٧١﴾ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَاحْذَرُوا زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَغُرُورَهَا وَشُرُورَهَا وَتَذَكَّرُوا ضَرَرَ عَاقِبَةِ الْمِيلِ إِلَيْهَا فَإِنَّ زِينَتَهَا فِتْنَةٌ وَحُبُّهَا خَطِيئَةٌ... وَيُلْهِى عَنْ اقْتِرَابِ الْأَجَلِ حَتَّى كَأَنَّ الْمُتَبَتَّلِي بِحُبِّ الدُّنْيَا بِهِ خَبَلٌ مِنْ سُكْرِ الشَّرَابِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٢٨

﴿٢١٧٢﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حَرَامٌ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ يُحِبُّ الدُّنْيَا أَنْ يُفَارِقَهُ الطَّمَعُ... حُبُّ الدُّنْيَا أَصْلُ كُلِّ مَعْصِيَةٍ... حُبُّ الدُّنْيَا وَحُبُّ اللَّهِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبٍ أَبَدًا؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٢١

فصل ۷: شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا

۷-۱- علاقه

۷-۱-۱- دنیادوستی

﴿۲۱۶۶﴾ همان‌ها که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند و [مردم را] از راه خدا باز می‌دارند و می‌خواهند راه حق را منحرف سازند آن‌ها در گمراهی دوری هستند!

﴿۲۱۶۷﴾ این به خاطر آن است که زندگی دنیا [و پست را] بر آخرت ترجیح دادند و خداوند افراد بی‌ایمان (لجوج) را هدایت نمی‌کند.

﴿۲۱۶۸﴾ کسی که دنیادوست باشد، به آخرت خود زیان می‌رساند.

﴿۲۱۶۹﴾ ای عبدالغفار! رفتن تو پیش سلطان، تو را به سه چیز می‌کشاند: دوستی دنیا، فراموشی مرگ و نارضایتی به آنچه خدا به تو داده است... من تو را به ترک دنیا امر نمی‌کنم، بلکه به ترک گناهان امر می‌کنم. ترک دنیا فضیلت است و ترک گناهان فریضه و تو به انجام فریضه از کسب فضیلت، نیازمندتری.»

﴿۲۱۷۰﴾ ای احمد! اگر بنده‌ای به اندازه‌ی اهل آسمان و زمین نماز بخواند و به اندازه‌ی آنان روزه بگیرد، چون فرشتگان از غذا دوری کند، مثل برهنه‌ها لباس بپوشد، به اندازه‌ی خردلی دوستی دنیا را در دل داشته باشد یا مشتاق شهرت یا ریاست یا زینت آن باشد، به بهشت نخواهد رفت، و همسایه‌ی من در خانه‌ام نخواهد بود و محبت خود را از دل او دور خواهیم کرد.»

﴿۲۱۷۱﴾ پس از خوشی‌های نقد دنیا و فریب و آسایش برحذر باشید و هوشیار! و سرانجام زیانبار میل به دنیا را به خاطر بیاورید؛ که بی‌شک زیور و زینت دنیا فتنه است و دل‌دادن به آن گناه!... گویا فرد گرفتار دوستی دنیا دارای یک گیجی و سرگشتگی همچون مستی شراب است.

﴿۲۱۷۲﴾ رهایی از طمع بر قلبی که دنیادوست باشد حرام است [و از طمع رها نمی‌گردد]... دوست‌داشتن دنیا اصل همه‌ی معصیت‌هاست... دوستی دنیا و دوست‌داشتن مدح توسط دیگران با دوست‌داشتن خداوند هیچ‌گاه در یک قلب جمع نمی‌شود.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْحُبُّ﴾

﴿٢١٧٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَارْفُضِ الدُّنْيَا فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُغَمِّي وَيُصِمُّ وَيُبْكِمُ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٦

﴿٢١٧٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ... رَفَعَ عَقْلَهُ عَنْ أَهْلِ الدُّنْيَا فَبَدَنَهُ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا وَقَلْبُهُ وَعَقْلُهُ مُعَايِنُ الْآخِرَةِ فَأَطْفَأَ بَصُوءَ قَلْبِهِ مَا أَبْصَرَتْ عَيْنَاهُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا فَقَدَّرَ حَرَامَهَا وَجَانِبَ شُهَاتِهَا... وَمَا ذُخِرَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ أَكْثَرُ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٦

﴿٢١٧٥﴾ الدعاء في غرة جمادى الأولى: اللَّهُمَّ أَنْزِعْ حُبَّ الدُّنْيَا وَمَعَاصِيهَا وَذِكْرَهَا وَشَهَوَاتَهَا مِنْ قَلْبِي؛ بحار الأنوار، ج ٩٥، ص ٣٧٠

﴿٢١٧٦﴾ المجتنبى عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا ذَهَبَ خَوْفُ الْآخِرَةِ مِنْ قَلْبِهِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٤

﴿٢١٧٧﴾ الرسول ﷺ: فَقَالَ لَهُ جَبْرِئِيلُ إِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا وَالْأَمْوَالَ فِتْنَةٌ وَمَشْغَلَةٌ عَنِ الْآخِرَةِ؛

الكافي، ج ٥، ص ٣١٢

﴿٢١٧٨﴾ الرسول ﷺ: إِنَّهُ مَا سَكَنَ حُبُّ الدُّنْيَا قَلْبَ عَبْدٍ إِلَّا اتَّطَاعَ فِيهَا بَثَلَاتٍ شُغِلَ لَا يَنْفَدَ عَنَاؤُهُ وَفَقْرٌ لَا يُدْرِكُ غِنَاهُ وَآمَلٌ لَا يُبَالُ مُنْتَهَاهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٩٠

﴿٢١٧٩﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَيَّ أَخِي عِيسَى يَا عِيسَى لَا تُحِبَّ الدُّنْيَا فَإِنِّي لَسْتُ أَحِبُّهَا وَ أَحِبَّ الْآخِرَةَ فَإِنَّمَا هِيَ دَارُ الْمَعَادِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٩

﴿٢١٨٠﴾ الرسول ﷺ: وَمَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَلَمْ يَعْمَلْ بِهِ وَآثَرَ عَلَيْهِ غَيْرُهُ حُبَّ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا اسْتَوْجَبَ سَخَطَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَكَانَ فِي دَرَجَةِ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى؛ أعلام الدين، ص ٤١٢

﴿٢١٨١﴾ عمارة عليه السلام: مَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يَقُولُوا الْحَقَّ إِلَّا الرُّكُونُ إِلَى الدُّنْيَا وَالْحُبُّ لَهَا؛ الكافي،

ج ٨، ص ٢٠٦

﴿٢١٨٢﴾ الكاظم عليه السلام: إِنَّ أَجْزَعَكُمْ عِنْدَ الْبَلَاءِ لَأَشَدُّكُمْ حُبًّا لِلدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٤٥

﴿٢١٨٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عَدَوَانِ مُتَقَابِلَانِ وَسَبِيلَانِ مُخْتَلِفَانِ فَمَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَتَوَلَّاهَا أَبْغَضَ الْآخِرَةَ وَعَادَاهَا وَهُمَا بِمَنْزِلَةِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا شِ بَيْنَهُمَا كُلَّمَا قَرُبَ مِنْ وَاحِدٍ بَعُدَ مِنَ الْآخَرِ وَهُمَا ضَرَتَانِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٦

﴿٢١٨٤﴾ الصادق عليه السلام: جُعِلَ الشَّرُّ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ وَجُعِلَ مِفْتَاحُهُ حُبُّ الدُّنْيَا وَجُعِلَ الْخَيْرُ

كُلُّهُ فِي بَيْتٍ وَجُعِلَ مِفْتَاحُهُ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٤

﴿٢١٨٥﴾ عيسى عليه السلام: كَثُرَ الذُّنُوبُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا وَحُبِّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٩٦

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / علاقه»

- ﴿۲۱۷۳﴾ دنیا را واگذار که دوستی دنیا کور و کر و لال نماید.
- ﴿۲۱۷۴﴾ کسی که تقوای الهی را پیشه کند، عقل خود را از اهل دنیا برمی‌دارد. جسمش همراه اهل دنیا اما دل و عقلش نگران آخرت است. پس به‌وسیله‌ی نور دلش آنچه چشمانش از دوستی دنیا می‌بیند، خاموش می‌کند. حرام دنیا را ناپاک می‌داند و از شبهه‌ناک آن دوری می‌نماید... آنچه برای او در آخرت ذخیره می‌گردد، بیشتر است.
- ﴿۲۱۷۵﴾ خدایا، دوستی دنیا و گناهان و یاد و هوس دنیا را از دلم بزدای.
- ﴿۲۱۷۶﴾ هرکس که دنیا را دوست داشته باشد ترس از آخرت از قلبش بیرون می‌رود.
- ﴿۲۱۷۷﴾ جبرئیل به پیامبر ﷺ عرض کرد: «همانا محبت دنیا و اموال فتنه‌ای است که آدمی را از یاد آخرت غافل می‌سازد».
- ﴿۲۱۷۸﴾ به یقین مهر دنیا در دل هر بنده‌ای که جا بگیرد، گرفتار سه بیماری می‌شود: کاری که زحمتش تمامی ندارد؛ فقری که به ثروت دنیا نخواهد رسید؛ و آرزویی که به پایان نمی‌رسد.
- ﴿۲۱۷۹﴾ ای ابوذر! خداوند متعال به برادرم عیسیٰ ﷺ وحی کرد که ای عیسی! دنیا را دوست ندار چون من آن را دوست ندارم و دل به آخرت ببند که خانه‌ی بازگشت توست.
- ﴿۲۱۸۰﴾ هرکس قرآن را بیاموزد و بدان عمل نکند و دوستی دنیا و زیورش را بر آن برگزیند، به خشم خدای عزّ و جلّ دچار می‌گردد و در درجه‌ی یهودیان و مسیحیان قرار می‌گیرد.
- ﴿۲۱۸۱﴾ چه چیزی مانع آن است که مردم حق را بگویند جز آنکه گمان می‌کنند در دنیا ماندنی هستند و دنیا را دوست گرفته‌اند.
- ﴿۲۱۸۲﴾ قطعاً بی‌تاب‌ترین شما هنگام بلا، دنیادوست‌ترین شماست.
- ﴿۲۱۸۳﴾ دنیا و آخرت دشمنان متفاوت و راه‌های مختلف هستند. پس هرکس دنیا را دوست بدارد و به آن گردن نهد، آخرت را ناخوش داشته و با آن دشمن است و این دو به منزله‌ی مشرق و مغرب هستند و کسی که میان این دو در حرکت است، هرچه به یکی نزدیک شود از دیگری دور می‌شود و این دو همچون دو هوو هستند.
- ﴿۲۱۸۴﴾ همه بدی‌ها در خانه‌ای نهاده شد و کلید آن محبت دنیا می‌باشد و همه نیکی‌ها در خانه‌ای جمع شده و کلید آن زهد است.
- ﴿۲۱۸۵﴾ زیادی گناهان بر اثر حبّ دنیاست و حبّ دنیا سرمنشأ تمام خطاها و گناهان است.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْحُبُّ﴾

﴿٢١٨٦﴾ الصادق عليه السلام: وَاعْظُمُ الْفَسَادَ أَنْ يَرْضَى الْعَبْدُ بِالْعَقْلَةِ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى وَهَذَا الْفَسَادُ يَتَوَلَّدُ مِنْ طُولِ الْأَمَلِ وَالْحِرْصِ وَالْكِبْرِ... وَكَانَتْ هَذِهِ الْخِصَالُ مِنْ صُنْعِ قَارُونَ وَاعْتِقَادِهِ وَاصْلُهَا مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا وَجَمْعِهَا... وَعِلَاجُ ذَلِكَ الْفِرَارُ مِنَ النَّاسِ وَرَفْضُ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٣٩٥

﴿٢١٨٧﴾ السَّجَّاد عليه السلام: إِلَهِي أَشْكُو إِلَيْكَ عَدُوًّا يُضِلُّنِي وَشَيْطَانًا يُغْوِينِي قَدْ مَلَأَ بِالْوَسْوَاسِ صَدْرِي وَاحْاطَتْ هَوَاجِسُهُ بِقَلْبِي يُعَاضِدُ لِي الْهَوَى وَيُزِينُ لِي حُبَّ الدُّنْيَا وَيَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ الطَّاعَةِ وَالزُّلْفَى... وَلَا نَجَاةَ لِي مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا إِلَّا بِعِصْمَتِكَ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٤٣

﴿٢١٨٨﴾ يَا عِيسَى... وَاعْلَمْ أَنَّ رَأْسَ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَذَنْبٍ حُبُّ الدُّنْيَا فَلَا تُحِبَّهَا فَإِنِّي لَا أُحِبُّهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٢٩٨

﴿٢١٨٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: إِنْ أَوَّلَ مَا غَضِيَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ سِتُّ حُبِّ الدُّنْيَا وَحُبِّ الرِّئَاسَةِ وَحُبِّ الطَّعَامِ وَحُبِّ النَّوْمِ وَحُبِّ الرَّاحَةِ وَحُبِّ النِّسَاءِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٨٩

﴿٢١٩٠﴾ موسى عليه السلام: أَنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَّ بِرَجُلٍ وَهُوَ يَبْكِي ثُمَّ رَجَعَ وَهُوَ يَبْكِي فَقَالَ إِلَهِي عَبْدُكَ يَبْكِي مِنْ مَخَافَتِكَ قَالَ يَا مُوسَى لَوْ نَزَلَ دِمَاعُهُ مَعَ دُمُوعِ عَيْنَيْهِ لَمْ أَغْفِرْ لَهُ وَهُوَ يُحِبُّ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٣٤١

﴿٢١٩١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: حُبُّ الدُّنْيَا مِنَ الشَّقَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٦٦

﴿٢١٩٢﴾ السَّجَّاد عليه السلام: وَآخِرُ حُبِّ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا كَمَا فَعَلْتَ بِالصَّالِحِينَ مِنْ صَفْوَتِكَ وَالتَّابِرَارِ مِنْ خَاصَّتِكَ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٥٢

﴿٢١٩٣﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ مَلْعُونٌ مَنْ فِيهَا مَلْعُونٌ مَنْ طَلَبَهَا وَآحَبَهَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٨

﴿٢١٩٤﴾ الصادق عليه السلام: رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا؛ الكافي، ج ٢، ص ٣١٥

﴿٢١٩٥﴾ الصادق عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا يُعْمِي وَيُصِمُّ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٠

﴿٢١٩٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ فَيَقْعُدُونَ حَلَقًا ذَكَرَهُمُ لِلدُّنْيَا وَحُبِّ الدُّنْيَا لَا تُجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِلَّهِ فِيهِمْ حَاجَةٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٣٧١

﴿٢١٩٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كَمَا أَنَّ الشَّمْسَ وَاللَّيْلَ لَا يَجْتَمِعَانِ كَذَلِكَ حُبُّ اللَّهِ وَحُبُّ الدُّنْيَا لَا يَجْتَمِعَانِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٢

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / علاقه»

﴿۲۱۸۶﴾ بزرگ‌ترین فساد باطنی انسان در موردی است که راضی به غفلت از پروردگار متعال باشد. و منشأ این فساد از پیدایش آرزوهای طولانی و حرص و تکبر خواهد بود... این صفات از خصلت‌های قارون و از خصوصیات ممتاز او بود، و روی این خصوصیات سلوک و زندگی می‌کرد. و ریشه‌ی همه‌ی آن‌ها محبت دنیا و دلبستگی به آن و جمع‌آوری و به‌دست‌آوردن آن است... و معالجه این فساد اصلی، فرار کردن از مردم، و ترک‌نمودن علایق دنیوی است.

﴿۲۱۸۷﴾ خدایا به‌سوی تو شکایت می‌کنم از دشمنی که مرا گمراه کرده و شیطانی که سینه‌ام را از وسوسه انباشته و زمزمه‌های خطرناکش قلبم را فرا گرفته است، شیطانی که با هوی و هوس برایم کمک می‌کند، و عشق به دنیا را در دیدگانم زیور می‌بخشد، و بین من و بندگی و مقام قرب پرده می‌افکند... راه نجاتی از گرفتاری‌های دنیا جز نگهداری تو برایم نمی‌باشد.

﴿۲۱۸۸﴾ ای عیسی، و بدان که نقطه‌ی آغاز هر خطا و گناهی دوست‌داشتن و حبّ دنیاست، پس دنیا را دوست نداشته باش که من نیز آن را دوست ندارم.

﴿۲۱۸۹﴾ اوّلین عواملی که موجب نافرمانی خدا شد، شش چیز بود: حبّ دنیا، حبّ ریاست، حبّ طعام، حبّ خواب، حبّ راحتی و حبّ زنان.

﴿۲۱۹۰﴾ موسی علیه السلام از کنار مردی که می‌گریست، گذشت. سپس برگشت و آن مرد هنوز گریه می‌کرد؛ گفت: «معبودا! بنده‌ی تو از ترس تو می‌گرید». خداوند فرمود: «ای موسی! اگر مغز سر او با اشک چشمش خارج شود، او را نخواهم بخشید مادامی که او دنیا را دوست بدارد».

﴿۲۱۹۱﴾ دوستی دنیا از بدبختی است.

﴿۲۱۹۲﴾ و محبت دنیا را از دل ما بیرون کن، آن‌گونه که درباره‌ی نیکوکاران برگزیده‌ات و خاصّان نیکوکردارت انجام دادی، به حقّ مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان و ای گرامی‌ترین گرامیان!

﴿۲۱۹۳﴾ دنیا و هرچه در آن است و هرکس آن را می‌طلبد و دوست می‌دارد.

﴿۲۱۹۴﴾ سرمنشأ تمام لغزش‌ها حبّ دنیاست.

﴿۲۱۹۵﴾ حبّ دنیا انسان را کور و کر می‌کند.

﴿۲۱۹۶﴾ در آخرالزمان قومی به مساجد می‌آیند و حلقه‌وار می‌نشینند که ذکرشان دنیا و حبّ دنیاست، با آن‌ها همنشین نشوید که آنان نیازی به خدا ندارند.

﴿۲۱۹۷﴾ همان‌طور که خورشید و شب باهم جمع نمی‌شوند، حبّ خدا و حبّ دنیا نیز باهم

جمع نمی‌گردند.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْحُبُّ﴾

﴿٢١٩٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ إِيَّاكُمْ وَحُبُّ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَبَابُ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَقِرَانُ كُلِّ فِتْنَةٍ وَدَاعِي كُلِّ رَزِيَّةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٥٤

﴿٢١٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِيَّاكَ وَحُبُّ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَصْلُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَمَعْدِنُ كُلِّ بَلِيَّةٍ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

﴿٢٢٠٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكَ لَنْ تَلْقَى اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِعَمَلٍ أَضَرَ عَلَيْكَ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١

﴿٢٢٠١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتَنِ وَأَصْلُ الْمِحَنِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١

﴿٢٢٠٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا يُوجِبُ الطَّمَعُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١

﴿٢٢٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا يُفْسِدُ الْعَقْلَ وَيُصِمُّ الْقَلْبَ عَنْ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ وَ

يُوجِبُ أَلِيمَ الْعِقَابِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١

﴿٢٢٠٤﴾ الرسول ﷺ: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَمِفْتَاحُ كُلِّ سَيِّئَةٍ وَسَبَبُ إِخْبَاطِ كُلِّ حَسَنَةٍ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢١

﴿٢٢٠٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَيْفَ يَدْعَى حُبُّ اللَّهِ مَنْ سَكَنَ قَلْبُهُ حُبُّ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١

﴿٢٢٠٦﴾ الكاظم عليه السلام: مَنْ أَشْرَبَ قَلْبُهُ حُبَّ الدُّنْيَا التَّاطَ قَلْبُهُ مِنْهَا بِأَرْبَعِ شُعْلٍ لَا يَنْفَكُ عَنْهُ وَ أَمَلٍ لَا يُدْرِي مُنْتَهَاهُ وَ حِرْصٍ لَا يُبْلَغُ مَدَاهُ وَ هَمٍّ لَا يَعْرِفُ أَنْقِضَاهُ؛ معدن الجواهر، ص ٤٣

﴿٢٢٠٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَعْظَمُ الْخَطَايَا حُبُّ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٠

﴿٢٢٠٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَأَخْرِجُوا مِنْ قُلُوبِكُمْ حُبَّ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤١

﴿٢٢٠٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: سَبَبُ فَسَادِ الْعَقْلِ حُبُّ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤١

﴿٢٢١٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: شَرُّ الْمِحَنِ حُبُّ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٩

﴿٢٢١١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتَنِ وَأَصْلُ الْمِحَنِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٩

﴿٢٢١٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: سَبَبُ الشَّقَاءِ حُبُّ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤٠

﴿٢٢١٣﴾ الصادق عليه السلام: لَوْ فَقَدَ الْقَلْبُ حُبَّ الدُّنْيَا وَزَنَ ذَرَّةً فَلَا يُخْدَعُ؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٤٥

﴿٢٢١٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ لَهَجَ قَلْبُهُ بِحُبِّ الدُّنْيَا التَّاطَ مِنْهَا بِثَلَاثِ هَمٍّ لَا يَغْبُهُ وَ حِرْصٍ لَا يَتْرُكُهُ وَ أَمَلٍ لَا يُدْرِكُهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٨

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / علاقه»

﴿۲۱۹۸﴾ ای مردم، از علاقه‌ی به دنیا بپرهیزید، که حبّ دنیا منشأ هر گناه و در هر بلا و سبب هر فتنه و موجب هر معصیت است.

﴿۲۱۹۹﴾ از حبّ دنیا بپرهیزید که سرمنشأ هر لغزش و معدن هر بلا و گرفتاری است.

﴿۲۲۰۰﴾ به‌درستی که خداوند سبحان را با عملی پرضررتر از حبّ دنیا ملاقات نخواهی کرد.

﴿۲۲۰۱﴾ حبّ دنیا سرمنشأ تمام فتنه‌ها و اصل تمام محنت‌هاست.

﴿۲۲۰۲﴾ حبّ دنیا طمع را به همراه می‌آورد.

﴿۲۲۰۳﴾ حبّ دنیا عقل را فاسد و قلب را از شنیدن حکمت، کر می‌کند و سرنوشت دردناکی را در پی خواهد داشت.

﴿۲۲۰۴﴾ حبّ دنیا سرمنشأ همه‌ی گناهان و کلید هر بدی و عامل از بین رفتن تمام نیکی‌هاست.

﴿۲۲۰۵﴾ چگونه کسی که حبّ دنیا ساکن قلبش شده، ادعای حبّ خداوند را دارد.

﴿۲۲۰۶﴾ کسی که دل او آکنده از حبّ دنیا شد، دلش به خاطر آن گرفتار چهار خصلت می‌شود: مشغولیتی که از سختی آن رهایی نمی‌یابد، آرزویی که پایانی ندارد، حرصی که فرجام ندارد و تلاشی که انتهایش معلوم نیست.

﴿۲۲۰۷﴾ بزرگترین خطاها حبّ دنیا است.

﴿۲۲۰۸﴾ اگر خدا را دوست دارید، حبّ دنیا را از دل‌هایتان بیرون کنید.

﴿۲۲۰۹﴾ سبب فاسدشدن عقل، حبّ دنیا است.

﴿۲۲۱۰﴾ بدترین محنت‌ها حبّ دنیا است.

﴿۲۲۱۱﴾ حبّ دنیا سرمنشأ تمام فتنه‌ها و اصل تمام محنت‌هاست.

﴿۲۲۱۲﴾ حبّ دنیا سبب بدبختی است.

﴿۲۲۱۳﴾ اگر دل به‌قدر ذره‌ای از حبّ دنیا را از دست می‌داد، فریب نمی‌خورد.

﴿۲۲۱۴﴾ هرکس محبت دنیا را در دل خود جای دهد، به سه چیز گرفتار می‌گردد: اندوهی که از او دست بر نمی‌دارد، حرصی که از او دست نمی‌کشد، و آرزویی که به آن نمی‌رسد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْحُبُّ﴾

- ﴿٢٢١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قُرِنَتِ الْمَحَنَةُ بِحُبِّ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١
- ﴿٢٢١٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِحُبِّ الدُّنْيَا تَعَلَّقَ مِنْ ضَرَرِهَا بِثَلَاثِ خِصَالٍ هُمْ لَا يَفْنَى وَ أَمَلٌ لَا يُدْرِكُ وَ رَجَاءٌ لَا يُنَالُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٥٠
- ﴿٢٢١٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْمَحَنَةُ مَقْرُونَةٌ بِحُبِّ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٩
- ﴿٢٢١٨﴾ الكاظم عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا ذَهَبَ خَوْفُ الْآخِرَةِ مِنْ قَلْبِهِ وَ مَا أُوتِيَ عَبْدٌ عِلْمًا فَازْدَادَ لِلدُّنْيَا حُبًّا إِلَّا اِزْدَادَ مِنَ اللَّهِ بُعْدًا وَ اِزْدَادَ اللَّهُ عَلَيْهِ غَضَبًا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٨
- ﴿٢٢١٩﴾ الصادق عليه السلام: وَ اللَّهُ مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٩

﴿٢٢٢٠﴾ عيسى عليه السلام: بَيْنَا عِيسَى فِي سِيَاحَتِهِ إِذْ مَرَّ بِقَرْيَةٍ فَوَجَدَ أَهْلَهَا مَوْتَى... فَقَالَ [عِيسَى عليه السلام]: مَا حَالُكُمْ وَ مَا قِصَّتُكُمْ فَقَالَ بَنَاتُ فِي عَافِيَةٍ وَ أَصْبَحْنَا فِي الْهَافِيَةِ قَالَ وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ لِحُبِّنَا الدُّنْيَا قَالَ كَيْفَ كَانَ حُبُّكُمْ لَهَا قَالَ حُبُّ الصَّبِيِّ لَأُمِّهِ إِذَا أَقْبَلَتْ فَرِحَ بِهَا وَ إِذَا أَدْبَرَتْ حَزَنَ عَلَيْهَا وَ بَكَى قَالَ فَمَا بَالُ أَصْحَابِكَ لَمْ يُحْيِيُونِي قَالَ لَأَنَّهُمْ مُلْحَمُونَ بِلُجْمٍ مِنْ نَارِ بَأْيَدِي مَلَائِكَةٍ غَلَاظٍ شِدَادٍ قَالَ فَكَيْفَ أَجَبْتَنِي أَنْتَ مِنْ بَيْنِهِمْ قَالَ لِأَنِّي كُنْتُ فِيهِمْ وَ لَمْ أَكُنْ مِنْهُمْ فَلَمَّا نَزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ أَصَابَنِي مَعَهُمْ فَأَنَا مُعَلَّقٌ عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ لَا أَذْرِي أَنْجُو مِنْهَا أَكْبَكَبُ فِيهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٤٢٢

- ﴿٢٢٢١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لِحُبِّ الدُّنْيَا صَمَّتِ الْأَسْمَاعُ عَنْ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ وَ عَمِيَتْ الْقُلُوبُ عَنْ نُورِ الْبَصِيرَةِ؛ غرر الحكم، ص ٦٥
- ﴿٢٢٢٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: شَرُّ الْفِتَنِ مَحَبَّةُ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٩
- ﴿٢٢٢٣﴾ الرسول ﷺ: مَنْ أَحَبَّ دُنْيَاهُ أَضُرَّ بِآخِرَتِهِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٩
- ﴿٢٢٢٤﴾ الرسول ﷺ: وَ مَنْ عَظَّمَ صَاحِبَ دُنْيَا وَ أَحَبَّهُ لَطَمَعَ دُنْيَاهُ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ كَانَ فِي دَرَجَتِهِ مَعَ قَارُونَ فِي النَّارِ فِي الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ١٨١
- ﴿٢٢٢٥﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَالَمَ مُحِبًّا لِلدُّنْيَا فَاتَّهَمُوهُ عَلَى دِينِهِ فَإِنَّ كُلَّ مُحِبٍّ لَيْسَ يَحُوطُ إِلَّا مَا أَحَبَّ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٣٦

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / علاقه»

- ﴿۲۲۱۵﴾ حبّ دنیا با رنج و محنت همراه و قرین است.
- ﴿۲۲۱۶﴾ هرکس دل به دنیا ببندد، به سه ضرر و زیان دل بسته است: همّ و غمّی که پایان‌پذیر نیست، آرزویی که به آن نخواهد رسید و امیدواری‌ای که به آن نائل نمی‌شود.
- ﴿۲۲۱۷﴾ رنج و محنت همراه با حبّ دنیا و دوستی آن است.
- ﴿۲۲۱۸﴾ کسی که دنیا را دوست بدارد، ترس آخرت از دلش بیرون می‌رود، به هیچ بنده‌ای خدا علم نداده که او دوستی دنیا را در دلش زیاد کند، مگر به همان اندازه که از خدا دور می‌گردد و خدا غضبش را بر او می‌افزاید.
- ﴿۲۲۱۹﴾ به خدا قسم! کسی که دنیا را دوست می‌دارد، خدا را دوست ندارد.
- ﴿۲۲۲۰﴾ عیسی علیه السلام در یکی از سفرها به روستایی رسید و مشاهده کرد اهل آن آبادی همه مرده‌اند... عیسی علیه السلام پرسید: «حال شما و داستان شما چیست؟» عرض کرد: «ما شب تندرست و خوش خوابیدیم و صبح خود را در هلاکت دیدیم». فرمود: «چگونه شد؟» گفت: «به خاطر علاقه‌ی ما به دنیا و پیروی از گنهکاران بود». فرمود: «علاقه‌ی شما به دنیا چگونه بود؟» گفت: «مانند علاقه‌ی کودک به مادرش، هرگاه دنیا به ما رو می‌کرد، خوشحال و هرگاه پشت می‌کرد، محزون و گریان بودیم». فرمود: «به همراهان تو چه شده که پاسخ مرا نمی‌دهند؟» گفت: «به دهان‌های آنان لجامی از آتش است که به دست فرشتگان عذاب است». فرمود: «از بین آن‌ها تو چگونه توانستی پاسخ دهی؟» گفت: «من با اینکه در بین آن‌ها بودم، اما از آن‌ها نبودم و هنگامی که عذاب بر آن‌ها نازل شد، مرا نیز فرا گرفت و من در لبه‌ی جهنّم آویختم، نمی‌دانم از آن نجات می‌یابم و یا سقوط می‌کنم».
- ﴿۲۲۲۱﴾ به خاطر دوستی دنیا گوش‌ها از شنیدن حکمت کر شده‌اند، و دل‌ها از نور بصیرت کور گشته‌اند.
- ﴿۲۲۲۲﴾ بدترین فتنه‌ها حبّ و دوستی دنیا است.
- ﴿۲۲۲۳﴾ کسی که دنیا دوست باشد، به آخرت خود زیان می‌رساند.
- ﴿۲۲۲۴﴾ هرکس دنیاداری را بزرگ شمارد و او را به خاطر طمع دنیایش دوست بدارد، خداوند بر او خشم می‌گیرد و درجه‌اش مثل درجه‌ی قارون و همراه او در تابوتی در پایین‌ترین مرتبه‌ی جهنّم است.
- ﴿۲۲۲۵﴾ اگر عالمی را دیدید که دنیادوست است، به دینش شک کنید؛ چون هر دوستداری بر محبوب خود احاطه می‌یابد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْحُبُّ﴾

﴿٢٢٢٦﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ أَشَدَّ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ ائْتِنِينَ اتِّبَاعُ الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَإِنَّهُ يَعْدِلُ عَنِ الْحَقِّ وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَإِنَّهُ الْحُبُّ لِلدُّنْيَا إِلَّا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِي الدُّنْيَا لِمَنْ يُحِبُّ وَيُبْعِضُ وَإِذَا أَحَبَّ عَبْدٌ آعْطَاهُ الْإِيمَانَ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ٢٧١

﴿٢٢٢٧﴾ الكاظم ﷺ: إِنَّ أَجْزَعَكُمْ عِنْدَ الْبَلَاءِ لَأَشَدُّكُمْ حُبًّا لِلدُّنْيَا وَإِنْ أَصْبَرَكُمْ عَلَى الْبَلَاءِ لَأَزْهَدَكُمْ فِي الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٤٥

﴿٢٢٢٨﴾ الصادق ﷺ: فَقَالَ يَا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ فَأَجَابَهُ مِنْهُمْ مُجِيبٌ لَيْتِكَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ فَقَالَ وَيَحْكُمُ مَا كَانَتْ أَعْمَالُكُمْ قَالَ عِبَادَةُ الطَّاغُوتِ وَ حُبُّ الدُّنْيَا مَعَ خَوْفٍ قَلِيلٍ وَ أَمَلٍ بَعِيدٍ وَ غَفْلَةٍ فِي لَهْوٍ وَ لَعِبٍ فَقَالَ كَيْفَ كَانَ حُبُّكُمْ لِلدُّنْيَا قَالَ كَحُبِّ الصَّبِيِّ لَأُمِّهِ إِذَا أَقْبَلَتْ عَلَيْنَا فَرَحْنَا وَ سُرَرْنَا وَ إِذَا أَدْبَرَتْ عَنَّا بَكَيْنَا وَ حَزَنَّا... قَالَ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِكُمْ قَالَ بَنَيْنَا لَيْلَةً فِي عَافِيَةٍ وَ أَصْبَحْنَا فِي الْهَآوِيَةِ فَقَالَ وَ مَا الْهَآوِيَةُ فَقَالَ سَجِينٌ قَالَ وَ مَا سَجِينٌ قَالَ جِبَالٌ مِنْ جَمْرِ تَوْقَدُ عَلَيْنَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣١٨

﴿٢٢٢٩﴾ عيسى ﷺ: وَ اجْعَلُوا قُلُوبَكُمْ يُبِينُونَ لِلتَّقْوَى وَ لَا تَجْعَلُوا قُلُوبَكُمْ مَأْوَى لِلشَّهَوَاتِ إِنَّ أَجْزَعَكُمْ عِنْدَ الْبَلَاءِ لَأَشَدُّكُمْ حُبًّا لِلدُّنْيَا وَإِنْ أَصْبَرَكُمْ عَلَى الْبَلَاءِ لَأَزْهَدَكُمْ فِي الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٤٥

﴿٢٢٣٠﴾ الكاظم ﷺ: قَالَ لَهُ: مَرَحَبًا بِابْنِ عَمِّي وَ أَخِي وَ وَارِثِ نِعْمَتِي ثُمَّ أَجْلَسَهُ عَلَى فَخِذِهِ وَ قَالَ لَهُ مَا الَّذِي قَطَعَكَ عَن زِيَارَتِنَا فَقَالَ سَعَةُ مُلْكِكَ وَ حُبُّكَ لِلدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٨، ص ٢١٥

﴿٢٢٣١﴾ عيسى ﷺ: وَ اعْلَمُوا أَنَّ أَصْلَ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا وَ رَبُّ شَهْوَةٍ أَوْرَثَتْ أَهْلَهَا حُزْنَ طَوِيلًا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٧

﴿٢٢٣٢﴾ امير المؤمنين ﷺ: إِذَا شَرَبَ الْقَلْبُ حُبَّ الدُّنْيَا لَمْ تَنْجَعْ فِيهِ كَثْرَةُ الْمَوَاعِظِ كَالْجَسَدِ الَّذِي إِذَا اسْتَحْكَمَ فِيهِ الدَّاءُ لَمْ يَنْجَعْ فِيهِ كَثْرَةُ الدَّوَاءِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢٤٨

١-١-٧- غَلَبَةُ حُبِّ الدُّنْيَا عَلَى قُلُوبِهِمْ

﴿٢٢٣٣﴾ الصادق ﷺ: يَا مُوسَى لَوْ وَكَلْتُكَ إِلَى نَفْسِكَ تَنْظُرُهَا لَغَلَبَ عَلَيْكَ حُبُّ الدُّنْيَا وَ زَهَرَتْهَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٧

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / علاقه»

﴿۲۲۲۶﴾ بیش از هر چیز برای شما از دو چیز می‌ترسم: پیروی از هوای نفس و آرزوی طولانی؛ اما پیروی از هوای نفس باعث انحراف از حق می‌شود و آرزوی طولانی باعث محبتِ دنیاست، بدانید که خداوند متعال دنیا را هم به آن که دوست می‌دارد و هم به آن که دشمن می‌دارد، عطا می‌کند، و اگر بنده‌ای را دوست داشته باشد به او ایمان می‌بخشد.

﴿۲۲۲۷﴾ و همانا بی‌تاب‌ترین شما هنگام بلا دنیادوست‌ترین شماست. و صبورترین شما بر بلا زاهدترین شما نسبت به دنیا می‌باشد.

﴿۲۲۲۸﴾ عیسی علیه السلام اهل قریه را صدا زد و از آن‌ها خواست تا با او سخن گویند. یکی از آن‌ها پاسخ داد: «ای روح خدا! چه می‌گویی؟» عیسی علیه السلام پرسید: «شما چه کار کردید که به این وضع گرفتار شدید؟» گفت: «ما طاغوت را عبادت می‌کردیم و دنیا را دوست داشتیم. و ترسی به خود راه نمی‌دادیم و آرزوهای دور و درازی داشتیم و در غفلت و لهو و لعب وقت می‌گذرانیدیم». عیسی علیه السلام فرمود: «حبّ شما نسبت به دنیا چگونه بود؟» گفت: «مانند محبت کودک به مادر؛ هرگاه دنیا به طرف ما می‌آمد خوشحال می‌شدیم و هرگاه به دنیا نمی‌رسیدیم، حال ما دگرگون می‌شد و گریه می‌کردیم و غصّه می‌خوردیم...» عیسی علیه السلام فرمود: «پایان کار شما چگونه شد؟» گفت: «ما شبی به خواب رفتیم و صبح خود را در عذاب یافتیم». گفت: «عذابی که شما گرفتار آن هستید چگونه است؟» گفت: «کوه‌هایی از آتش را بر ما می‌گذازند و تا روز قیامت این کوه‌ها در حال سوختن و گداختن می‌باشند».

﴿۲۲۲۹﴾ دل‌های خود را خانه‌ی تقوا قرار دهید نه اینکه پناهگاه شهوات باشد. و همانا بی‌تاب‌ترین شما هنگام بلا دنیادوست‌ترین شماست. و صبورترین شما بر بلا زاهدترین شما نسبت به دنیا می‌باشد.

﴿۲۲۳۰﴾ [هارون الرشید امام کاظم علیه السلام را در آغوش گرفت و] گفت: «خوشا به پسر عمو و برادر و وارث نعمت من». سپس ایشان را بر پای خود نشاند و گفت: «چه چیز تو را از دیدار ما بازداشته است؟» فرمود: «بسیاری فرمانروایی و دوستی‌ات نسبت به دنیا».

﴿۲۲۳۱﴾ و آگاه باشید که سرچشمه‌ی هر گناهی حبّ دنیاست، و چه بسا شهوتی که اندوهی طولانی را برای صاحبش به ارث گذاشته است.

﴿۲۲۳۲﴾ وقتی که دوستی دنیا در قلب جای گرفت، دیگر موعظه‌های بسیار نیز در آن اثر نخواهد کرد؛ مثل بدنی که بیماری در آن ریشه دوانده و داروهای بسیار نیز بر آن کارگر نمی‌افتد.

۱-۱-۷- غالب شدن دوستی دنیا در قلب‌هایشان

﴿۲۲۳۳﴾ ای موسی اگر تو را به حال خودت رها می‌کردم، می‌دیددی که حبّ دنیا و زیبایی‌های آن بر تو غلبه می‌کرد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْحُبُّ﴾

﴿٢٢٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنَّ الشَّيَاطِينَ اجْتَمَعُوا إِلَى إِبْلِيسَ فَقَالُوا لَهُ... وَكَيْفَ يَتِمُّ هَذَا وَقَدْ نَصَبَ لِأُمَّتِهِ عِلْمًا وَأَقَامَ لَهُمْ إِمَامًا فَقَالَ لَهُمْ إِبْلِيسُ لَا تَجْزَعُوا مِنْ هَذَا فَإِنَّ أُمَّتَهُ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُ وَ يَغْدِرُونَ بِوَصِيِّهِ مِنْ بَعْدِهِ وَيُظْلِمُونَ أَهْلَ بَيْتِهِ وَيُهْمِلُونَ ذَلِكَ لِغَلَبَةِ حُبِّ الدُّنْيَا عَلَى قُلُوبِهِمْ ؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٥٩

﴿٢٢٣٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ غَلَبَتِ الدُّنْيَا عَلَيْهِ عَمِيَ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ؛ غرر الحكم، ص ١٤١

﴿٢٢٣٦﴾ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَبَّبَ إِلَيْهِ الْآخِرَةَ كَمَا حَبَّبَ إِلَيْنَا الدُّنْيَا فَهُوَ يَنْظُرُ إِلَى الْآخِرَةِ كَمَا نَنْظُرُ إِلَى الدُّنْيَا فَهَلْ رَأَيْتَ أَحَدًا تَرَكَ وَجْهًا حَسَنًا لَوَجْهِ قَبِيحٍ وَ طَعَامًا طَيِّبًا لِطَعَامٍ مُرٍّ وَ ثَوْبًا لِيَنَّا لِنُتَوَّبَ خَشِينَ وَ نِعْمَةً دَائِمَةً بَاقِيَةً لِدُنْيَا زَائِلَةٍ فَانِيَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٢٥، ص ١٩٢

﴿٢٢٣٧﴾ الرسول ﷺ: مَا لِي أَرَى حُبَّ الدُّنْيَا قَدْ غَلَبَ عَلَى كَثِيرٍ مِنَ النَّاسِ حَتَّى كَانَ الْمَوْتُ فِي هَذَا الدُّنْيَا عَلَى غَيْرِهِمْ كُتِبَ وَ كَانَ الْحَقُّ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا عَلَى غَيْرِهِمْ وَجَبَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٢٧

﴿٢٢٣٨﴾ الصادق عليه السلام: يَا مُوسَى لَوْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِكَ لَتَنَظَّرَ لَهَا إِذَا لَغَلَبَ عَلَيْكَ حُبُّ الدُّنْيَا وَ زَهَرَتْهَا... وَ اعْلَمْ أَنَّ كُلَّ فِتْنَةٍ بَدُوْهَا حُبُّ الدُّنْيَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٥

١-٧-٢- مَوَدَّةُ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا

﴿٢٢٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَوَدَّةُ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا تَزُولُ لِأَدْنَى عَارِضٍ يَعْزُضُ؛ غرر الحكم، ص ١٣٧

﴿٢٢٤٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَدَّ أَبْنَاءُ الدُّنْيَا يَنْقَطِعَ لَانْقِطَاعِ أَسْبَابِهِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٧

١-٧-٣- تَوَلَّى الدُّنْيَا

﴿٢٢٤١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ عَدُوَّانِ مُتَقَابِلَانِ وَ سَبِيلَانِ مُخْتَلِفَانِ فَمَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَ تَوَلَّاها أَبْغَضَ الْآخِرَةَ وَ عَادَاها وَ هُمَا بِمَنْزِلَةِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ مَا شِ بَيْنَهُمَا كَلَّمَا قَرُبَ مِنْ وَاحِدٍ بَعُدَ مِنَ الْآخَرِ وَ هُمَا ضَرَّتَانِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٦

﴿٢٢٤٢﴾ الرسول ﷺ: وَ مَنْ يَتَوَلَّى [يَتَوَلَّى] الدُّنْيَا يَعْجِزْ عَنْهُ وَ مَنْ يَعْرِفِ الْبَلَاءَ يَصْبِرْ عَلَيْهِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٩٢

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / علاقه»

﴿۲۲۳۴﴾ شیاطین [بعد از اینکه پیامبر ﷺ ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را اعلام کرد،] نزد ابلیس جمع شده و گفتند: «... پس این چگونه خواهد بود درحالی که او برای امتش راهنما و نشانه‌ای قرار داده و پیشوایی برایشان تعیین نموده است؟» ابلیس گفت: «نگران نباشید، چراکه امتش پیمان او را می‌شکنند و پس از او به جانشینش خیانت می‌کنند و به اهل بیتش ستم روا می‌دارند و به خاطر غلبه‌ی دوستی دنیا در دل‌هایشان در این کار سستی می‌کنند».

﴿۲۲۳۵﴾ هرکس دنیا بر او غلبه کند، از آنچه پیش روی اوست، کور می‌گردد.

﴿۲۲۳۶﴾ خداوند آخرت را مورد توجه امام قرار داده چنانچه دنیا را مورد توجه ما قرار داده است؛ او متوجه آخرت است همان‌طور که ما متوجه دنیاییم. آیا کسی چیز بهتری را رها می‌کند و به چیز بدتری روی می‌آورد؛ غذای خوشمزه‌ای را رها می‌کند و غذای تلخ را می‌خورد، لباس نرم را رها می‌کند و لباس خشن و زبر می‌پوشد و نعمت پایدار آخرت را به دنیای فانی و زوال‌پذیر مبادله می‌کند؟! مبادله می‌کند؟! مبادله می‌کند!؟

﴿۲۲۳۷﴾ چرا می‌بینم حبّ دنیا بر بسیاری از مردم چیره شده، تا آنجا که گویا در این دنیا مرگ برای غیر آن‌ها نوشته شده و گویا حقّ در این دنیا بر دیگران واجب شده است.

﴿۲۲۳۸﴾ ای موسی! اگر تو را به خودت بسپارم به خاطر اینکه به دنیا بنگری، دوستی دنیا و زیبایی آن بر تو غالب می‌شود... و بدان که هر فتنه‌ای سرآغازش دوستی دنیاست.

۲-۱-۷- دوستی با فرزندان دنیا

﴿۲۲۳۹﴾ دوستی با فرزندان دنیا به خاطر پست‌ترین عارضی که عارض شود (اندک امری که روی دهد) زایل می‌شود.

﴿۲۲۴۰﴾ دوستی با فرزندان دنیا به سبب بریده‌شدن اسباب آن، بریده می‌شود.

۳-۱-۷- دنیادوست بودن

﴿۲۲۴۱﴾ دنیا و آخرت دشمنان متفاوت و راه‌های مختلف هستند. پس هرکس دنیا را دوست بدارد و به آن علاقه داشته باشد، آخرت را ناخوش داشته و با آن دشمن است و این دو به منزله‌ی مشرق و مغرب هستند و کسی که میان این دو در حرکت است، هرچه به یکی نزدیک شود از دیگری دور می‌شود و این دو همچون دو هوو هستند.

﴿۲۲۴۲﴾ کسی که دنیادوست باشد، از رسیدن به آن عاجز می‌شود و کسی که واقعیت بلاها را بشناسد، بر آن صبر می‌کند.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالْدُّنْيَا / الْحُبُّ﴾

٧-١-٤- حُبُّ الْمَالِ

﴿٢٢٤٣﴾ السَّجَادُ عليه السلام: وَ إِنَّمَا أَهْلُ الدُّنْيَا يَعِشَقُونَ أَمْوَالَ الدُّنْيَا فَمَنْ لَمْ يُزَاحِمْهُمْ فِيمَا يَعِشَقُونَهُ كَرُمَ عَلَيْهِمْ وَمَنْ لَمْ يُزَاحِمْهُمْ فِيهَا وَمَكَّنْهُمْ مِنْهَا وَمِنْ بَعْضِهَا كَانَ أَعَزَّ وَأَكْرَمَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ٢٣٠

﴿٢٢٤٤﴾ امیر المؤمنین عليه السلام: الْفِتْنُ ثَلَاثُ حُبِّ النِّسَاءِ وَ هُوَ سَيْفُ الشَّيْطَانِ وَ شُرْبُ الْخَمْرِ وَ هُوَ فَخُّ الشَّيْطَانِ وَ حُبُّ الدِّينَارِ وَ الدَّرْهَمِ وَ هُوَ سَهْمُ الشَّيْطَانِ فَمَنْ أَحَبَّ النِّسَاءَ لَمْ يَنْتَفِعْ بِعَيْشِهِ وَ مَنْ أَحَبَّ الْأَشْرَبَةَ حَرُمَتْ عَلَيْهِ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَحَبَّ الدِّينَارَ وَ الدَّرْهَمَ فَهُوَ عَبْدُ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ١٠٧

٧-١-٥- الْوَلَهُ بِالْدُّنْيَا

﴿٢٢٤٥﴾ امیر المؤمنین عليه السلام: أَمَاتَتِ الدُّنْيَا قَلْبَهُ وَ وَلِهَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَهُوَ عَبْدٌ لَهَا... وَ جَاءَهُمْ مِنْ فِرَاقِ الدُّنْيَا مَا كَانُوا يَأْمُنُونَ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٧، ص ٢٠٠

﴿٢٢٤٦﴾ الرسول عليه السلام: رَأْسُ الْأَفَاتِ الْوَلَهُ بِالْدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١

﴿٢٢٤٧﴾ امیر المؤمنین عليه السلام: آفَةُ النَّفْسِ الْوَلَهُ بِالْدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٦

﴿٢٢٤٨﴾ امیر المؤمنین عليه السلام: الْوَلَهُ بِالْدُّنْيَا أَكْثَرُ فِتْنَةٍ؛ غرر الحكم، ص ١٣٩

﴿٢٢٤٩﴾ امیر المؤمنین عليه السلام: ثَمَرَةُ الْوَلَهِ بِالْدُّنْيَا عَظِيمُ الْمِخْنَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٩

﴿٢٢٥٠﴾ امیر المؤمنین عليه السلام: إِيَّاكَ وَ الْوَلَهَ بِالْدُّنْيَا فَإِنَّهَا تُورِثُكَ الشَّقَاءَ وَ الْبَلَاءَ وَ تَحْذُوكَ عَلَى بَيْعِ الْبَقَاءِ بِالْفَنَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٩

﴿٢٢٥١﴾ امیر المؤمنین عليه السلام: أَكْثَرُ الْمَصَائِبِ وَ الشَّقَاءِ الْوَلَهُ بِالْدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤٠

﴿٢٢٥٢﴾ امیر المؤمنین عليه السلام: كُلَّمَا أَزْدَادَ الْمَرْءُ بِالْدُّنْيَا شُغْلًا وَ زَادَ بِهَا وَلَهًا أَوْرَدَتْهُ الْمَسَالِكَ وَ أَوْقَعَتْهُ فِي الْمَهَالِكِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٠

﴿٢٢٥٣﴾ امیر المؤمنین عليه السلام: حَرَامٌ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَوَلِّهِ بِالْدُّنْيَا أَنْ يَسْكُنَهُ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

٧-١-٦- الْفِتْنَةُ بِالْدُّنْيَا

﴿٢٢٥٤﴾ السَّجَادُ عليه السلام: أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الطَّوَاغِيتُ وَ اتَّبَاعُهُمْ مِنْ أَهْلِ الرَّغْبَةِ فِي الدُّنْيَا الْمَائِلُونَ إِلَيْهَا الْمُفْتُونُونَ بِهَا الْمُقْبِلُونَ عَلَيْهَا وَ عَلَى حُطَامِهَا الْهَامِدِ وَ هَشِيمِهَا الْبَائِدِ غَدًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٤٨

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / علاقه»

۷-۱-۴- مال دوستی

﴿۲۲۴۳﴾ مردم دنیا طبعاً عشق و علاقه به مال و ثروت دارند، بنابراین آن که درباره‌ی مال و ثروتی که مورد علاقه‌ی آنان است، مزاحم آنان نباشد، در نظر آن‌ها محترم است و قهراً آن که نه تنها مزاحم نباشد بلکه خیر و نفعی هم به آنان برساند، عزیزتر و محترم‌تر است.

﴿۲۲۴۴﴾ فتنه بر سه گونه است: محبت زنان که آن شمشیر شیطان است، آشامیدن شراب که آن دام شیطان می‌باشد و محبت دینار و درهم که آن تیر شیطان است هرکس زنان را دوست بدارد، از زندگی خود سودی نخواهد برد و هرکس شراب را دوست داشته باشد، بهشت بر وی حرام خواهد شد و هرکس درهم و دینار را دوست بدارد، بنده‌ی دنیا خواهد بود.

۷-۱-۵- سرگستگی به دنیا

﴿۲۲۴۵﴾ [دوستی] دنیا دلش را میرانده است؛ شیفته‌ی بی‌اختیار دنیا و برده‌ی آن است... و دنیایی را که جاویدان می‌پنداشتند از آن‌ها جدا شده است.

﴿۲۲۴۶﴾ سرمنشأ آفات، سرگستگی به دنیاست.

﴿۲۲۴۷﴾ آفت نفس شیفته‌ی به دنیاست.

﴿۲۲۴۸﴾ سرگستگی به دنیا عظیم‌ترین فتنه‌هاست.

﴿۲۲۴۹﴾ نتیجه‌ی سرگستگی به دنیا، رنج‌های عظیم و بزرگ است.

﴿۲۲۵۰﴾ برحذر باش که مبدا سرگشته‌ی دنیا گردی که جز بدبختی و بلانصبی برای تو به ارمغان نمی‌آورد و تو را بر فروختن آخرت به‌جای دنیا هدایت می‌کند.

﴿۲۲۵۱﴾ بزرگترین مصیبت‌ها و بدبختی حیران‌شدن و سرگستگی به دنیاست.

﴿۲۲۵۲﴾ هرچه انسان بیشتر مشغول دنیا گردد و بیشتر سرگشته‌ی آن شود، وارد مسیرهای سخت بیشتری می‌شود و در مهلکه‌های بیشتری قرار می‌گیرد.

﴿۲۲۵۳﴾ بر قلبی که سرگشته‌ی دنیاست، حرام است که تقوی ساکن آن شود.

۷-۱-۶- دلباختن به دنیا

﴿۲۲۵۴﴾ مؤمنان! مبدا این سرکشان و پیروانشان، از آرزومندان دنیا که دلباخته و شیفته‌ی آن هستند، آنان که به دنیا و کالای پوسیده‌ی ناچیزش و گیاه خشکیده‌ی نابودشدنی‌اش در فردا روی نهاده‌اند، شما را بفریبند.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالْدُّنْيَا / الرَّغْبَةُ﴾

﴿٢٢٥٥﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ قُلْ لِعِبَادِي لَا يَجْعَلُوا بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ عَالِمًا مَفْتُونًا بِالْدُّنْيَا فَيَصُدُّهُمْ عَنْ ذِكْرِي وَعَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي وَمُنَاجَاتِي أُولَئِكَ قُطَاعُ الطَّرِيقِ مِنْ عِبَادِي؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٥٤

﴿٢٢٥٦﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا رَأَيْتُمْ الْعَالَمَ مُحِبًّا لِلدُّنْيَا فَاتَّهَمُوهُ عَلَى دِينِكُمْ فَإِنَّ كُلَّ مُحِبٍّ لِمَشْيٍ يَحُوطُ مَا أَحَبَّ وَقَالَ عليه السلام أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ عليه السلام لَا تَجْعَلْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ عَالِمًا مَفْتُونًا بِالْدُّنْيَا فَيَصُدُّكَ عَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي فَإِنَّ أُولَئِكَ قُطَاعُ طَرِيقِ عِبَادِي الْمُرِيدِينَ إِنَّ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حَلَاوَةَ مُنَاجَاتِي عَنْ قُلُوبِهِمْ؛ الكافي، ج ١، ص ٤٦

٧-١-٧- تَعْلُقُ الْقَلْبُ بِالْدُّنْيَا

﴿٢٢٥٧﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عليه السلام يَا دَاوُدَ حَدِّرْ فَإِنَّ ذِكْرَ أَصْحَابِكَ عَنْ حُبِّ الشَّهَوَاتِ فَإِنَّ الْمُعْلَقَةَ قُلُوبُهُمْ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا قُلُوبُهُمْ مَحْجُوبَةٌ عَنِّي؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣١١

﴿٢٢٥٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَقَطَّعُوا عِلَاقَ الدُّنْيَا وَاسْتَظْهَرُوا بِرَازِ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣٤

﴿٢٢٥٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ تَعْلَقَ قَلْبُهُ بِحُبِّ الدُّنْيَا تَعْلَقَ مِنْ ضَرَرِهَا بِثَلَاثِ خِصَالٍ هُمْ لَا يَفْنَى وَآمَلْ لَا يُدْرِكُ وَرَجَاءٍ لَا يُنَالُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٥٠

﴿٢٢٦٠﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ تَعْلَقَ قَلْبُهُ بِالْدُّنْيَا تَعْلَقَ قَلْبُهُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ هُمْ لَا يَفْنَى وَآمَلْ لَا يُدْرِكُ وَرَجَاءٍ لَا يُنَالُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣٢٠

﴿٢٢٦١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: السُّجُودُ النَّفْسَانِي فَرَاغُ الْقَلْبِ مِنَ الْفَانِيَّاتِ... وَقَطْعُ الْعَلَائِقِ الدُّنْيَوِيَّةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٤، ص ٤٨٦

٨-١-٧- التَّوَقُّعُ إِلَى الدُّنْيَا

﴿٢٢٦٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَتَأَقَّتْ أَنْفُسُ النَّاسِ إِلَى الدُّنْيَا، وَقَلَّ مَنْ لَيْسَ لِلدُّنْيَا، وَكَثُرَ هُمْ يَجْتَوِي الْحَقَّ وَيَشْتَرِي الْبَاطِلَ، وَيُؤَثِّرُ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٢٩، ص ٤٩٤

٢-٧- الرَّغْبَةُ

١-٢-٧- الرَّغْبَةُ

﴿٢٢٦٣﴾ السَّجَاد عليه السلام: أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَا يَفْتِنَنَّكُمْ الطَّوَاغِيتُ وَاتَّبَاعُهُمْ مِنْ أَهْلِ الرَّغْبَةِ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا؛ الكافي، ج ٨، ص ١٤

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / میل و رغبت»

﴿۲۲۵۵﴾ ای هشام، خداوند به داوود علیه السلام وحی کرد که به بندگانم بگو بین من و خود عالم فریفته شده‌ی به دنیا را قرار ندهند که آن‌ها را از یاد من و از راه محبت و مناجاتم باز می‌دارد. آن‌ها راهزنان بندگان من هستند.

﴿۲۲۵۶﴾ هرگاه دیدید عالم دوستدار دنیاست او را نسبت به دین خود متهم بدانید، زیرا هر کس چیزی را دوست بدارد گرد همان محبوب خود می‌گردد، خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی کرد: «میان من و خودت عالمی را که فریفته‌ی دنیاست واسطه نکن که تو را از راه دوستی من باز دارد، زیرا آنان راهزن‌های بندگان مرید من هستند. و کمترین کاری که من با آنان می‌کنم، این است که شیرینی مناجاتم را از دل‌های آنان بیرون می‌کنم».

۷-۱-۷- دلدادگی به دنیا

﴿۲۲۵۷﴾ ای هشام، خداوند متعال به حضرت داوود علیه السلام وحی فرمود: [ای داوود، مواظب باش و یاران خود را از دل‌دادن به شهوات بترسان که بی‌شک دل‌دادگان به شهوات دنیا، قلب و فهمشان از من در حجاب است.

﴿۲۲۵۸﴾ پس وابستگی‌های دنیا را قطع کنید و با توشه‌ای از پرهیزگاری مدد بگیرید.
﴿۲۲۵۹﴾ هرکس دل به دنیا ببندد، به سه ضرر و زیان دل بسته است: هم و غمی که پایان‌پذیر نیست، آرزویی که به آن نخواهد رسید و امیدواری‌ای که به آن نائل نمی‌شود.
﴿۲۲۶۰﴾ هرکس به دنیا دلبستگی پیدا کند، دلش سه خصلت پیدا خواهد کرد، اندوهی که به او سودی نمی‌رساند، آرزویی که به آن نخواهد رسید و امیدی که به دست نخواهد آورد.
﴿۲۲۶۱﴾ سجود نفسانی فارغ‌بودن دل از امور فانی... و بریدن پیوندهای دنیوی است.

۷-۱-۸- هوس دنیا

﴿۲۲۶۲﴾ پس دل‌های مردم هوس دنیا کرد و بسیار اندک هستند کسانی که اهل دنیا نباشند؛ و اغلب آن‌ها با حق سازش ندارند و به باطل گرایش دارند و دنیا را ترجیح می‌دهند.

۷-۲- میل و رغبت

۷-۲-۱- میل و رغبت

﴿۲۲۶۳﴾ مؤمنان! مبدا این سرکشان و پیروانشان از آرزومندان دنیا که دلباخته و شیفته‌ی آن هستند... شما را فریب دهند.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الرَّغْبَةُ﴾

﴿٢٢٦٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا اسْتَرَحَ قَلْبُهُ وَبَدَنُهُ وَمَنْ رَغِبَ فِيهَا نَعِبَ قَلْبُهُ وَبَدَنُهُ فَلَا يَبْقَى لَهُ نَظَرٌ إِلَّا إِلَى اللَّهِ وَلَا رُجُوعٌ إِلَّا إِلَيْهِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٢٥

﴿٢٢٦٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ رَغِبَ فِي زَخَارِفِ الدُّنْيَا فَاتَهُ الْبَقَاءُ الْمَطْلُوبُ؛ غرر الحكم، ص ١٤١

﴿٢٢٦٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ يَأْمُلُ أَنْ يَعِيشَ غَدًا فَإِنَّهُ يَأْمُلُ أَنْ يَعِيشَ أَبَدًا وَمَنْ يَأْمُلُ أَنْ يَعِيشَ أَبَدًا يَقْسُو قَلْبُهُ وَيَرْغَبُ فِي دُنْيَاهُ وَيَزْهَدُ فِيمَا أَلَدَى وَعَدَهُ رَبُّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛ الجعفریات، ص ٢٤٠

﴿٢٢٦٧﴾ الباقر عليه السلام: قَالُوا إِذَا كُنَّا عِنْدَكَ فَذَكَّرْتَنَا وَرَغَّبْتَنَا وَجَلَّنَا وَنَسِينَا الدُّنْيَا وَزَهَدْنَا حَتَّى كَانَا نَعَايِنُ الْآخِرَةَ وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ وَنَحْنُ عِنْدَكَ فَإِذَا خَرَجْنَا مِنْ عِنْدِكَ وَدَخَلْنَا هَذِهِ الْبُيُوتَ وَشَمِمْنَا الْأَوْلَادَ وَرَأَيْنَا الْعِيَالَ وَالْأَهْلَ يَكَادُ أَنْ نُحَوَّلَ عَنِ الْحَالِ الَّتِي كُنَّا عَلَيْهَا عِنْدَكَ وَحَتَّى كَانَا لَمْ نَكُنْ عَلَى شَيْءٍ آ فَتَخَافُ عَلَيْنَا أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ نِفَاقًا فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَلَّا إِنْ هَذِهِ خُطُواتُ الشَّيْطَانِ فَيَرْغَبُكُمْ فِي الدُّنْيَا؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٢٣

﴿٢٢٦٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الزَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا مُلُوكُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ لَمْ يَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَرَغِبَ فِيهَا فَهُوَ فَقِيرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ زَهَدَ فِيهَا مَلَكَهَا وَمَنْ رَغِبَ فِيهَا مَلَكَتْهُ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠

﴿٢٢٦٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَنْ تَعْدُوَ الدُّنْيَا إِذَا تَنَاهَتْ إِلَيْهَا أُمْنِيَّةُ أَهْلِ الرَّغْبَةِ فِيهَا الْمُطْمَئِنِّينَ إِلَيْهَا الْمُغْتَرِّينَ بِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٩

﴿٢٢٧٠﴾ الرسول ﷺ: وَاللَّهِ اللَّهُ لَا تَرْغَبُوا فِي الدُّنْيَا فَإِنَّ الدُّنْيَا هِيَ رَأْسُ الْخَطَايَا وَهِيَ مِنْ بَعْدُ إِلَى زَوَالٍ؛ دعائم الإسلام، ج ٢، ص ٣٥٢

﴿٢٢٧١﴾ الرسول ﷺ: يَا ابْنَ عِمْرَانَ مَنْ لَا يَنْتَهِي مِنَ الدُّنْيَا نَهْمَتُهُ وَلَا تَنْقُضِي فِيهَا رَغْبَتُهُ كَيْفَ يَكُونُ عَابِدًا؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦

﴿٢٢٧٢﴾ الصادق عليه السلام: وَكَلَّمَا انْقَصَ مِنَ الْقَنَاعَةِ زَادَ فِي الرَّغْبَةِ وَالطَّمَعِ فِي الدُّنْيَا أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ وَصَاحِبُهَا لَا يَنْجُو مِنَ النَّارِ إِلَّا أَنْ يُتُوبَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٥، ص ٢٢٤

﴿٢٢٧٣﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ كَيْفَ أَنْتَ إِذَا رَأَيْتَ أَزْهَدَ النَّاسِ فِي الْآخِرَةِ وَرَغِبُوا فِي الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٢٩، ص ٤٦٣

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / میل و رغبت»

﴿۲۲۶۴﴾ کسی که در دنیا زهد پیشه کند، روح و بدنش در آسایش است و کسی که دنیا طلب باشد روح و بدنش به سختی می‌افتند و هیچ چاره‌ای برای او جز خداوند متعال نمی‌ماند و در نهایت به‌سوی او باز خواهد گشت.

﴿۲۲۶۵﴾ کسی که به زیورهای دنیا رغبت دارد، دوام این خواسته‌اش برقرار نخواهد ماند.

﴿۲۲۶۶﴾ کسی که امید دارد فردا نیز زنده باشد، امید دارد که زندگی ابدی داشته باشد و کسی که به زندگی ابدی می‌اندیشد، دلش سنگ می‌شود و به دنیا میل و رغبت پیدا می‌کند و از آنچه خداوند وعده‌ی آن را داده دل می‌برد.

﴿۲۲۶۷﴾ به رسول خدا ﷺ گفتند: «هرگاه نزد تو هستیم و یاد آخرت را برای ما زنده می‌کنی و ما را به آن ترغیب می‌کنی، جسممان به لرزه می‌افتد و دنیا را فراموش می‌کنیم و نسبت به آن زاهد می‌شویم تا جایی که گویا هم‌اکنون آخرت و بهشت و جهنم را می‌بینیم؛ اما این حالات مربوط به زمانی است که نزد تو هستیم، اما هنگامی که از نزد تو می‌رویم و به خانه‌های خود وارد می‌شویم... نزدیک است که حال ما و آن حالی را که در حضور تو داشتیم، عوض شود». ... رسول خدا ﷺ فرمود: «این، از نقشه‌های شیطان است که نسبت به دنیا در شما رغبت ایجاد می‌کند».

﴿۲۲۶۸﴾ پارسایان در دنیا پادشاهان آخرت و دنیا هستند، آن که در دنیا پارسا نباشد و میل به دنیا کند، فقیر دنیا و آخرت است؛ هرکس در دنیا زهد ورزد، مالک دنیا می‌گردد و هرکس میل به دنیا کند، دنیا او را مالک می‌شود.

﴿۲۲۶۹﴾ هرگز آرزوی علاقمندان به دنیا در واپسین روزهای زندگی برآورده نشده است. کسانی که اعتماد به دنیا دارند گول خورده‌اند.

﴿۲۲۷۰﴾ خدا را در نظر دارید! میل و رغبت به دنیا نداشته باشید که دنیا، سرمنشأ هر لغزشی است و دنیا از این پس رو به زوال و نابودی است.

﴿۲۲۷۱﴾ ای پسر عمران! کسی که دلبستگی و گرسنگی‌اش به دنیا حدّ و مرزی ندارد و رغبت او به دنیا پایان نمی‌پذیرد، چگونه می‌تواند عابد خدا باشد؟

﴿۲۲۷۲﴾ هر اندازه که از قناعت فرد کم شود، میل و رغبت و طمعش به دنیا بیشتر می‌گردد که اصل و منشأ هر شرّی است و صاحب این صفت از آتش نجات نخواهد یافت، مگر آنکه توبه کند.

﴿۲۲۷۳﴾ رسول خدا ﷺ فرمود: ای علی، چگونه‌ای آنگاه که بی‌رغبتی مردم به آخرت و میلشان را به دنیا ببینی؟

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الرَّغْبَةُ﴾

﴿٢٢٧٤﴾ الرسول ﷺ: الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُكْثِرُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ وَالزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ الْقَلْبَ وَ
الْبَدَنَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٩١

﴿٢٢٧٥﴾ الرسول ﷺ: مَنْ رَغِبَ فِي الدُّنْيَا وَطَالَ أَمَلُهُ فِيهَا أَعْمَى اللَّهُ قَلْبَهُ عَلَى قَدَرِ ذَلِكَ وَ
مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا وَقَصَرَ أَمَلُهُ فِيهَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عِلْمًا بَغَيْرِ تَعْلَمٍ وَهُدًى بِغَيْرِ هِدَايَةٍ؛ مجموعة ورام،
ج ١، ص ١٣١

﴿٢٢٧٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا أَسْرَى الرَّغْبَةِ أَقْصِرُوا فَإِنَّ الْمُعَرَّجَ عَلَى الدُّنْيَا مَا لَا يَرُوعُهُ مِنْهَا
إِلَّا صَرِيفُ أَتْيَابِ الْحَدَثَانِ أَيُّهَا النَّاسُ تَوَلَّوْا مِنْ أَنْفُسِكُمْ تَأْدِيبَهَا وَاعْدِلُوا بِهَا عَنْ ضَرَاوَةِ عَادَاتِهَا؛
وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٣٣

﴿٢٢٧٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُورِثُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٩
﴿٢٢٧٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُوجِبُ الْمَقْتَ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢
﴿٢٢٧٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حُسْنُ الزُّهْدِ مِنْ أَفْضَلِ الْإِيْمَانِ وَ [حُسْنُ] الرَّغْبَةِ فِي الدُّنْيَا تُفْسِدُ
الْإِيْقَانَ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٥

﴿٢٢٨٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فِي الدُّنْيَا رَغْبَةٌ أَلْأَشَقِيَاءُ؛ غرر الحكم، ص ١٤٠
﴿٢٢٨١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تَرْغَبْ فِي الدُّنْيَا فَتُخْسَرَ آخِرَتَكَ؛ غرر الحكم، ص ١٤١
﴿٢٢٨٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكُمْ إِنْ رَغَبْتُمْ فِي الدُّنْيَا أَفْنَيْتُمْ أَعْمَارَكُمْ فِي مَا لَا تَبْقُونَ لَهُ وَلَا
يَبْقَى لَكُمْ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

﴿٢٢٨٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ قَلَّتْ فِي الدُّنْيَا رَغْبَتُهُ؛ غرر الحكم،
ص ١٤٦

﴿٢٢٨٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اجْعَلِ الدُّنْيَا شَوْكَاً وَانْظُرْ أَيْنَ تَضَعُ قَدَمَكَ مِنْهَا فَإِنَّ مَنْ رَكَنَ
إِلَيْهَا خَذَلَتْهُ وَمَنْ آنَسَ فِيهَا أَوْحَشَتْهُ وَمَنْ يَرْغَبُ فِيهَا أَوْهَنْتَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٢
﴿٢٢٨٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا يَنْفَعُ الْعَمَلُ لِلْآخِرَةِ مَعَ الرَّغْبَةِ فِي الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤١
﴿٢٢٨٦﴾ مواعظ المسيح عليه السلام في الإنجيل: يَا عَبِيدَ الدُّنْيَا كَيْفَ يُذَكِّرُ الْآخِرَةَ مَنْ لَا تَنْقُصُ
شَهْوَتُهُ مِنَ الدُّنْيَا وَلَا تَنْقُطُ مِنْهَا رَغْبَتُهُ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣١٥
٢-٧-الهوى

﴿٢٢٨٧﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ غَرَّتْنَا وَاسْتَعْلَتْنَا وَاسْتَهْوَتْنَا وَاسْتَلْهَتْنَا وَاسْتَعْوَتْنَا؛
بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٧٢

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / میل و رغبت»

﴿۲۲۷۴﴾ رغبت به دنیا اندوه و غم را زیاد می‌کند و بی‌رغبتی به دنیا، دل و بدن را آسوده می‌سازد.

﴿۲۲۷۵﴾ هر کس شیفته‌ی دنیا باشد، و آرزوی طولانی داشته باشد خداوند به همان اندازه، او را کوردل می‌سازد و هر کس در دنیا زاهد باشد و آرزوی طولانی نداشته باشد، علمی از جانب خدا به او عطا می‌شود بدون آنکه چیزی آموخته باشد و هدایتی می‌یابد که پیش از آن به آن هدایت نشده بود.

﴿۲۲۷۶﴾ ای گرفتاران خواهش‌های نفسانی! بس کنید! زیرا صاحبان مقامات دنیا را تنها دندان حوادث روزگار به هراس می‌افکند، ای مردم! کار تربیت خود را خود بر عهده بگیرید و نفس را از عادت‌هایی که به آن حرص دارد، بازدارید.

﴿۲۲۷۷﴾ میل و رغبت به دنیا غم و حزن به همراه می‌آورد.

﴿۲۲۷۸﴾ رغبت به دنیا، موجب مقت و دشمنی [حق تعالی] می‌گردد.

﴿۲۲۷۹﴾ نیکویی زهد و بی‌رغبتی در دنیا از افزون‌ترین ایمان است و رغبت به دنیا یقین را فاسد می‌کند.

﴿۲۲۸۰﴾ انسان‌های بدبخت به دنیا رغبت دارند.

﴿۲۲۸۱﴾ به دنیا رغبت نداشته باش که به آخرت زیان می‌رساند.

﴿۲۲۸۲﴾ به‌درستی که اگر شما به دنیا رغبت نشان دهید عمرتان را برای چیزی تلف می‌کنید که نه شما با آن باقی خواهید ماند و نه آن با شما باقی می‌ماند.

﴿۲۲۸۳﴾ کسی که بسیار یاد مرگ کند، رغبتش به دنیا کمتر می‌شود.

﴿۲۲۸۴﴾ دنیا را خارستانی حساب کن، متوجه باش پای خود را کجا می‌گذاری. هرکس به آن اعتماد کند، دنیا او را خوار می‌نماید و هرکس به آن انس بگیرد او را به وحشت می‌اندازد. و هرکس به او دل ببندد، او را بی‌ارزش می‌کند.

﴿۲۲۸۵﴾ کردار و عمل برای آخرت با میل و رغبت به دنیا جمع نمی‌شود.

﴿۲۲۸۶﴾ ای بندگان دنیا، کسی که میزان شهوتش از دنیا کاهش نیابد و تمایلش به آن قطع نگردد، چگونه می‌تواند آخرت را درک کند و به نعمت‌های آن دست یابد!؟

۲-۷- هوی و هوس

﴿۲۲۸۷﴾ دنیا ما را مغرور و به خود مشغول ساخته و هوایی کرده است و ما را به لهو و بازی واداشته و اغوا کرده است.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمَوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الرَّغْبَةُ﴾

٣-٧-الإقبال

﴿٢٢٨٨﴾ مواظب المسيح عليه السلام في الإنجيل: يَا عبيدَ الدُّنْيَا أَلَيْسَ بِالْعِلْمِ أُعْطِيتُمْ السُّلْطَانَ عَلَى جَمِيعِ الْخَلَائِقِ فَنَبَذْتُمُوهُ فَلَمْ تَعْمَلُوا بِهِ وَاقْبَلْتُمْ عَلَى الدُّنْيَا فَبِهَا تَحْكُمُونَ وَلَهَا تُمَهِّدُونَ وَإِيَّاهَا تُؤَثِّرُونَ وَتَعْمُرُونَ فَحَتَّى مَتَى أَنْتُمْ لِلدُّنْيَا لَيْسَ لِلَّهِ فِيكُمْ نَصِيبٌ؛ تحف العقول، ص ٥٠٨

﴿٢٢٨٩﴾ السَّجَادُ عليه السلام: أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَا يَفْتِنَنَّكُمْ الطَّوَاعِيتُ وَاتَّبَاعُهُمْ مِنْ أَهْلِ الرَّغْبَةِ فِي الدُّنْيَا الْمَائِلُونَ إِلَيْهَا الْمُفْتُونُونَ بِهَا الْمُقْبِلُونَ عَلَيْهَا وَعَلَى حُطَامِهَا الْهَامِدِ وَهَشِيمِهَا الْبَائِدِ غَدًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٤٨

﴿٢٢٩٠﴾ ابن عباس عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ عَلَى قَلْبِ ابْنِ آدَمَ لَهُ خُرْطُومٌ مِثْلُ خُرْطُومِ الْخَنْزِيرِ يُوسَّسُ لِابْنِ آدَمَ إِذَا أَقْبَلَ عَلَى الدُّنْيَا وَمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ فَإِذَا ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ انْخَسَ يُرِيدُ رَجَعَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٥، ص ٣٠٢

﴿٢٢٩١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكَ إِنْ أَقْبَلْتَ عَلَى الدُّنْيَا أَذْبَرْتَ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

﴿٢٢٩٢﴾ الصادق عليه السلام: كَيْفَ يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ مَنْ هُوَ فِي مَسِيرِهِ إِلَى آخِرَتِهِ وَهُوَ مُقْبِلٌ عَلَى دُنْيَاهُ وَمَا يَضُرُّهُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِمَّا يَنْفَعُهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣١٩

٣-٧-الميل

﴿٢٢٩٣﴾ السَّجَادُ عليه السلام: وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْغَافِلِينَ الْمَائِلِينَ إِلَى زَهْرَةِ الدُّنْيَا الَّذِينَ مَكْرُوا السَّيِّئَاتِ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكْرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَلَا يَئْتِيهِمْ آيَاتُ اللَّهِ فَهُمْ لَا يَتَذَكَّرُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٣٨

﴿٢٢٩٤﴾ السَّجَادُ عليه السلام: أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَا يَفْتِنَنَّكُمْ الطَّوَاعِيتُ وَاتَّبَاعُهُمْ مِنْ أَهْلِ الرَّغْبَةِ فِي الدُّنْيَا الْمَائِلُونَ إِلَيْهَا الْمُفْتُونُونَ بِهَا الْمُقْبِلُونَ عَلَيْهَا وَعَلَى حُطَامِهَا الْهَامِدِ وَهَشِيمِهَا الْبَائِدِ غَدًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٤٨

﴿٢٢٩٥﴾ السَّجَادُ عليه السلام: فَاحْذَرُوا زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَغُرُورَهَا وَشُرُورَهَا وَتَذَكَّرُوا ضَرَرَ عَاقِبَةِ الْمَيْلِ إِلَيْهَا فَإِنَّ زِينَتَهَا فِتْنَةٌ وَحُبُّهَا خَطِيئَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٢٨

٥-٧-النَّهْمَةُ

﴿٢٢٩٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا ابْنَ عِمْرَانَ مَنْ لَا يَنْتَهِي مِنَ الدُّنْيَا نَهْمَتُهُ وَلَا تَنْقُضِي فِيهَا رَغْبَتَهُ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / میل و رغبت»

۷-۲-۳- روکردن

﴿۲۲۸۸﴾ ای بندگان دنیا! آیا به واسطه‌ی علم و دانش فرمانروایی تمام مخلوقات به شما بخشیده نشده که اکنون آن را پشت سر انداخته‌اید و به آن عمل نمی‌کنید. و به دنیا روی آورده- اید و به وسیله‌ی آن حکم می‌کنید و برای آن زمینه‌سازی می‌کنید و دنیا را ترجیح می‌دهید و آباد می‌گردانید. پس تا کی اسیر دنیا هستید و خداوند هیچ سهم و نصیبی از شما ندارد؟! ﴿۲۲۸۹﴾ مؤمنان! مبدا این سرکشان و پیروانشان، از آرزومندان دنیا که دلباخته و شیفته‌ی آن هستند، آنان که به دنیا و کالای پوسیده‌ی ناچیزش و گیاه خشکیده‌ی نابودشدنی‌اش در فردا روی نهاده‌اند، شما را بفریبند.

﴿۲۲۹۰﴾ درباره‌ی سخن خداوند: مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ، می‌گوید: «مقصود، شیطان است که بر دل آدمیزاد است و خرطومی مانند خوک دارد و او را وسوسه می‌کند؛ به دنیا و آنچه که خداوند دوست ندارد، روی می‌آورد؛ اما وقتی به یاد خداوند عزّ و جلّ می‌افتد، روی برمی‌گرداند و می‌رود». ﴿۲۲۹۱﴾ به‌درستی که اگر تو بر دنیا روی آوری، [به سعادت و نیکبختی] پشت می‌گردانی. ﴿۲۲۹۲﴾ چگونه اهل علم درحالی که به طرف آخرت سیر می‌کنند باز به دنیا روی می‌آورند، چیزی که به او زیان می‌رساند، نزد او محبوب‌تر از چیزی است که می‌تواند به او سود برساند.

۷-۲-۴- میل و رغبت

﴿۲۲۹۳﴾ از جمله افراد غافل و مایل به زیور دنیا که با حيله و نیرنگ‌های بد سر و کار دارند، نباشید که خداوند در قرآن محکم و استوار خود می‌فرماید: «آیا توطئه‌گران از این ایمن گشتند که ممکن است خداوند آن‌ها را در زمین فرو برد». ﴿۲۲۹۴﴾ مؤمنان! مبدا این سرکشان و پیروانشان، از آرزومندان دنیا که دلباخته و شیفته‌ی آن هستند، آنان که به دنیا و کالای پوسیده‌ی ناچیزش و گیاه خشکیده‌ی نابودشدنی‌اش در فردا روی نهاده‌اند، شما را بفریبند.

﴿۲۲۹۵﴾ پس از خوشی‌های نقد دنیا و فریب و آسایش برحذر باشید و هوشیار! و سرانجام زیانبار میل به دنیا را به خاطر بیاورید؛ که بی‌شک زیور و زینت دنیا فتنه است و دل‌دادن به آن گناه.

۷-۲-۵- گرسنگی

﴿۲۲۹۶﴾ [خضر علیّه السلام به موسی علیّه السلام فرمود:] ای پسر عمران! کسی که دلبستگی و گرسنگی‌اش به دنیا حدّ و مرزی ندارد و رغبت او به دنیا پایان نمی‌پذیرد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الطَّلَبُ﴾

﴿٢٢٩٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْهُوْمَانِ لَا يَشْبَعَانِ مِنْهُوْمُ فِي الدُّنْيَا لَا يَشْبَعُ وَمِنْهُوْمُ فِي الْعِلْمِ لَا يَشْبَعُ مِنْهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٢١٧
٦-٧- الشَّهْوَةُ

﴿٢٢٩٨﴾ الصادق عليه السلام: كَيْفَ يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ مَنْ مَصِيرُهُ إِلَى آخِرَتِهِ وَهُوَ مُقْبِلٌ عَلَى دُنْيَاهُ وَمَا يَضُرُّهُ أَشْهَى إِلَيْهِ مِمَّا يَنْفَعُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ١٠٩
٧-٢-٧- الأَمَلُ

﴿٢٢٩٩﴾ يَا مُوسَى لَا يَطُولُ فِي الدُّنْيَا أَمَلُكَ فَيَقْسُوَ لِذَلِكَ قَلْبُكَ وَقَاسَى الْقَلْبِ مِنِّي بَعِيدُ؛ الكافي، ج ٨، ص ٤٢

﴿٢٣٠٠﴾ الرسول الله: مَنْ رَغِبَ فِي الدُّنْيَا وَطَالَ أَمَلُهُ فِيهَا أَغْمَى اللَّهُ قَلْبَهُ عَلَى قَدَرِ ذَلِكَ وَمَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا وَقَصَرَ أَمَلُهُ فِيهَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عِلْمًا بَغَيْرِ تَعْلُمٍ وَهُدًى بِغَيْرِ هِدَايَةٍ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣١

﴿٢٣٠١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا تَغُرُّ الْمُؤْمِلَ لَهَا وَالْمُخْلِدَ إِلَيْهَا، وَلَا تَنْفَسُ بِمَنْ نَافَسَ فِيهَا، وَتَغْلِبُ مَنْ غَلَبَ عَلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٢٩، ص ٥٩٦
﴿٢٣٠٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خَابَ رَجَاؤُهُ وَمَطْلَبُهُ مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا أَمَلَهُ وَأَرْبَهُ؛ غرر الحكم، ص ١٤٣
﴿٢٣٠٣﴾ الرسول الله: عَجِبْتُ لِمُؤْمِلٍ دُنْيَا وَالْمَوْتُ يَطْلُبُهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ١٠٩
٨-٢-٧- الغِبْطَةُ

﴿٢٣٠٤﴾ يَا دَاوُدُ... فَإِذَا رَأَيْتَ ظَالِمًا قَدْ رَفَعْتَهُ الدُّنْيَا فَلَا تَغْبِطْهُ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٤٥
٩-٢-٧- الحَسْرَةُ

﴿٢٣٠٥﴾ الرسول الله: مَنْ لَمْ يَتَعَزَّ بِعِزَاءِ اللَّهِ انْقَطَعَتْ نَفْسُهُ حَسَرَاتٍ عَلَى الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٥٧

٣-٧- الطَّلَبُ

١-٣-٧- الطَّلَبُ

﴿٢٣٠٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ أَمَا تَرَوْنَ إِلَى أَهْلِ الدُّنْيَا يُمَسُّونَ وَيُصْبَحُونَ عَلَى أَحْوَالٍ شَتَّى فَبَيْنَ صَرِيحٍ يَتَلَوَّى وَبَيْنَ عَائِدٍ وَمَعُودٍ وَآخِرٍ بِنَفْسِهِ يَجُودُ وَآخِرٍ لَا يُرْجَى وَآخِرٍ مُسَجًى وَطَالِبٍ الدُّنْيَا وَالْمَوْتُ يَطْلُبُهُ وَغَافِلٍ وَلَيْسَ بِمَغْفُولٍ عَنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٧٨

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / خواست»

«۲۲۹۷» دو گرسنه هستند که هرگز سیر نمی‌شوند؛ یکی طالب دنیا و دیگری طالب علم که از مطلوب خود سیر نمی‌شود.

۶-۲-۷- شهوت

«۲۲۹۸» چگونه می‌شود که اهل علم می‌دانند به طرف آخرت می‌روند و باز هم دست از دنیا بر نمی‌دارند، آنچه برایش ضرر دارد بیشتر مورد توجه می‌باشد تا آنچه برایش سودمند است.

۷-۲-۷- آرزو

«۲۲۹۹» ای موسی! آرزویت در دنیا طولانی نگردد که قلبت را سخت می‌کند و سنگدل از من دور است... این چنین آن را خلق کردم، با آن قیامت را آغاز می‌کنم و با اَمّت او درهای دنیا را می‌بندم.

«۲۳۰۰» هر کس شیفته‌ی دنیا باشد، و آرزوی طولانی داشته باشد خداوند به همان اندازه، او را کوردل می‌سازد و هر کس در دنیا زاهد باشد و آرزوی طولانی نداشته باشد، علمی از جانب خدا به او عطا می‌شود بدون آنکه چیزی آموخته باشد و هدایتی می‌یابد که پیش از آن به آن هدایت نشده بود.

«۲۳۰۱» دنیا آرزومند آن و آرام‌گیرنده‌ی در آن را فریب می‌دهد و به کسی که در آن رقابت کند، مهلت نمی‌دهد و بر کسی که بر آن غلبه کرده، غلبه می‌کند.

«۲۳۰۲» کسی که امید و آرزویش دنیاست، از آرزو و امیدش ناامید خواهد شد.

«۲۳۰۳» در شگفتم از کسی که به دنیا امیدوار است و حال آنکه مرگ در پی اوست.

۸-۲-۷- غبطه

«۲۳۰۴» ای داوود، پس هرگاه ستمگری را دیدی که دنیا مقام او را بلند گردانده به او غبطه نخور.

۹-۲-۷- حسرت و افسوس

«۲۳۰۵» کسی که دلش به صبر الهی آرام نگیرد جانش از افسوس دنیا به لب می‌رسد.

۳-۷- خواست

۱-۳-۷- طلب

«۲۳۰۶» ای مردم! مگر اهل دنیا را نمی‌بینید که با چه حالات مختلف و دگرگونی‌هایی صبح را به شب می‌رسانند و روز و شب را سپری می‌کنند؟ یکی بر زمین خورده، دست و پا می‌زند و یکی بیمار است و دیگری به عیادتش می‌رود؛ آن یکی در حال جان دادن است، از دیگری قطع امید شده و بر تن کس دیگری کفن پوشانده شده و بر روی تابوت است. او در جستجوی دنیا و مرگ در جستجوی اوست؛ غافلی است که از او غفلت نشده است».

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمَوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الطَّلَبُ﴾

﴿٢٣٠٧﴾ الكاظم عليه السلام: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَتْهُ الْآخِرَةُ فَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ فَيُفْسِدُ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَآخِرَتَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٩٩

﴿٢٣٠٨﴾ المجتبى عليه السلام: النَّاسُ طَالِبَانِ طَالِبُ الدُّنْيَا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهَا هَلَكَ وَطَالِبُ الْآخِرَةِ حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهَا فَهُوَ نَاجٍ فَائِزٌ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٤

﴿٢٣٠٩﴾ الصادق عليه السلام: رَبِّ كَيْفَ أَطْلُبُ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا وَأَبْكِي عَلَى خِيَّتِي فِيهَا وَلَا أَبْكِي وَتَشْتَدُّ حَسْرَاتِي عَلَى عَصِيَانِي وَتَفْرِيطِي؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٩٠

﴿٢٣١٠﴾ الرسول ﷺ: أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ طَالِبَتَانِ وَمَطْلُوبَتَانِ فَطَالِبُ الْآخِرَةِ تَطْلُبُهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ رِزْقَهُ وَطَالِبُ الدُّنْيَا تَطْلُبُهُ الْآخِرَةُ حَتَّى يَأْخُذَهُ الْمَوْتُ بَغْتَةً؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٩٠

﴿٢٣١١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: طَالِبُ الدُّنْيَا تَفُوتُهُ الْآخِرَةُ وَيُذْرِكُهُ الْمَوْتُ حَتَّى يَأْخُذَهُ بَغْتَةً [يَأْخُذُ بَعْنُوقِهِ] وَلَا يُدْرِكُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قَسَمَ لَهُ؛ غرر الحكم، ص ١٤٠

﴿٢٣١٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَإِيَّاكَ أَنْ يَنْزِلَ بِكَ الْمَوْتُ وَأَنْتَ أَبْقُ مِنْ رَبِّكَ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٠٨

﴿٢٣١٣﴾ المجتبى عليه السلام: وَاعْلَمْ أَنَّكَ تَطْلُبُ الدُّنْيَا وَالْمَوْتُ يَطْلُبُكَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ١٣٨

﴿٢٣١٤﴾ الباقر عليه السلام: وَاللَّهِ مَا آخَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ مَا يَطْلُبُونَ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا خَيْرٌ لَهُمْ عَمَّا عَجَلَ لَهُمْ مِنْهَا وَآى شَيْءٍ الدُّنْيَا؛ وسائل الشيعة، ج ٧، ص ٦٠

﴿٢٣١٥﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ طَلَبَ ثَلَاثَةَ بَغَيْرِ حَقٍّ حُرْمَ ثَلَاثَةَ بِحَقٍّ مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا بِغَيْرِ حَقٍّ حُرْمَ الْآخِرَةِ بِحَقٍّ وَمَنْ طَلَبَ الرِّئَاسَةَ بِغَيْرِ حَقٍّ حُرْمَ الطَّاعَةِ لَهُ بِحَقٍّ وَمَنْ طَلَبَ الْمَالَ بِغَيْرِ حَقٍّ حُرْمَ بَهَاءِهِ لَهُ بِحَقٍّ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٣٥

﴿٢٣١٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا كَطِّلِكَ إِنْ وَقَفْتَ وَقَفَ وَإِنْ طَلَبْتَهُ بَعُدَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

﴿٢٣١٧﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنَّ الدُّنْيَا خَلَقَهَا اللَّهُ بِمَنْزِلَةِ طِّلِكَ إِنْ طَلَبْتَهُ اتَّبَعَكَ وَلَا تَلْحَقُهُ أَبَدًا وَإِنْ تَرَكْتَهُ تَبِعَكَ وَأَنْتَ مُسْتَرِجٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٦٠

﴿٢٣١٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا ظَفَرَ بِالْآخِرَةِ مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا مَطْلَبَهُ؛ غرر الحكم، ص ١٤١

﴿٢٣١٩﴾ الرسول ﷺ: الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ مَلْعُونٌ مَنْ فِيهَا مَلْعُونٌ مَنْ طَلَبَهَا وَأَحَبَّهَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٨

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / خواست»

«۲۳۰۷» هرکس که جویای دنیا باشد، آخرت او را طلب می‌کند و مرگش فرا می‌رسد، و دنیا و آخرتش تباه می‌گردد.

«۲۳۰۸» مردم در طلب دنیا دو دسته‌اند: عده‌ای آنقدر دنیا را طلب می‌کنند تا آنکه بمیرند و عده‌ای آخرت را طلب می‌کنند تا آنکه به آن می‌رسند، اینان پیروز و رستگارانند.

«۲۳۰۹» پروردگارا! چگونه شهوات دنیا را می‌جویم و بر ناکامی در کسب آن‌ها می‌گیریم ولی افسوسم به نافرمانی‌ام و کوتاهی‌ام شدید نمی‌شود و نمی‌گیریم.

«۲۳۱۰» آگاه باش که دنیا و آخرت دو جوینده دارد؛ پس جوینده‌ای آخرت را در دنیا می‌جوید تا روزی‌اش را کامل کند و جوینده‌ای دنیا را در آخرت می‌جوید تا اینکه مرگ ناگهانی‌اش فرا رسد.

«۲۳۱۱» کسی که دنیا را طلب می‌کند، آخرت را از دست می‌دهد و مرگ، ناگهان او را فراگرفته و می‌میرد درحالی‌که از دنیا به‌جز همان مقداری که قسمتش بود، کسب نمی‌کند.

«۲۳۱۲» بپرهیز از اینکه مرگ تو فرا رسد، درحالی‌که از پروردگارت گریزان و در دنیاپرستی غرق شده باشی.

«۲۳۱۳» بدان که تو طالب دنیا و مرگ طالب توست.

«۲۳۱۴» به خدا قسم، خداوند اجابت خواسته‌های دنیوی مؤمنین را که به تأخیر می‌اندازد، به نفع آن‌هاست و برای آن‌ها بهتر است از آنکه برای آن‌ها در دنیا عطا کند. این دنیا چیست؟! (چقدر بی‌ارزش است).

«۲۳۱۵» هرکس سه چیز را بیجا طلب کند از سه چیز، بجا و به حق محروم شود: ۱. کسی که دنیا را به ناحق طلب کند از آخرت می‌ماند. ۲. ریاست طلب بیجا و ناحق، از فرمانبری به حق ناکام می‌ماند. ۳. هرکس بیجا و ناحق مال و ثروتی را بجوید، بجا و به حق از ماندگاری آن مال محروم می‌شود.

«۲۳۱۶» دنیا مانند سایه‌ی توست اگر بایستی می‌ایستد و اگر به دنبالش بروی، دور می‌شود.

«۲۳۱۷» خداوند متعال دنیا را مانند سایه‌ی تو آفریده که اگر دنبالش کنی مثل تو می‌رود و هرگز به آن نمی‌رسی اما اگر رهایش کنی، او به دنبال تو می‌آید و تو آسوده هستی.

«۲۳۱۸» کسی که مقصود و هدفش دنیاست، به آخرت دست نمی‌یابد.

«۲۳۱۹» دنیا و هرچه در آن است و هرکس آن را می‌طلبد و دوست می‌دارد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمَوَاجِهَةِ بِالدُّنْيَا / الطَّلَبُ﴾

﴿٢٣٢٠﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا إِضْرَارًا بِالْآخِرَةِ وَفِي طَلَبِ الْآخِرَةِ إِضْرَارًا بِالدُّنْيَا فَاضْرُؤُوا بِالدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَوْلَى بِالْإِضْرَارِ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣١

﴿٢٣٢١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَإِيَّاكَ أَنْ يَنْزِلَ بِكَ الْمَوْتُ وَأَنْتَ أَبْقُ مِنْ رَبِّكَ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٠٩

﴿٢٣٢٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَسْرَفَ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا مَاتَ فَقِيرًا؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

﴿٢٣٢٣﴾ الرسول ﷺ: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالًا مُكَاثِرًا مُفَاخِرًا مُرَائِيًا لِقَى اللَّهَ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ٣٢

﴿٢٣٢٤﴾ الرسول ﷺ: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا بَعَمَلِ الْآخِرَةِ فَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢١٨

﴿٢٣٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا بَعَمَلِ الْآخِرَةِ كَانَ أَبْعَدَ لَهُ مِمَّا طَلَبَ؛ غرر الحكم، ص ١٤١

﴿٢٣٢٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا أَنْزَلَ الْمَوْتُ حَقَّ مَنْزِلَتِهِ مِنْ عَدٍّ غَدًا مِنْ أَجَلِهِ وَمَا أَطَالَ عَبْدٌ الْأَمَلَ إِلَّا أَسَاءَ الْعَمَلِ وَطَلَبَ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٩، ص ١٧١

﴿٢٣٢٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: طَلَبُ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتْنَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٩

﴿٢٣٢٨﴾ الرسول ﷺ: مِنْهُوَ مَنْ لَا يَشْبَعَانِ طَالِبُ عِلْمٍ وَطَالِبُ دُنْيَا فَأَمَّا طَالِبُ الْعِلْمِ فَيَزِدُّهُ رِضًا بِالرَّحْمَنِ وَأَمَّا طَالِبُ الدُّنْيَا فَيَتِمَادَى فِي الطُّغْيَانِ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٨٢

﴿٢٣٢٩﴾ الصادق عليه السلام: لَا يَشْغُوكَ طَلَبُ دُنْيَاكَ عَنْ طَلَبِ دِينِكَ فَإِنَّ طَالِبَ الدُّنْيَا رَبَّمَا أَدْرَكَ وَرَبَّمَا فَاتَتْهُ فَهَلَكَ بِمَا فَاتَهُ مِنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢١٤

﴿٢٣٣٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: طَالِبُ الدُّنْيَا بِالَّذِينَ مُعَاقِبٌ مَذْمُومٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

﴿٢٣٣١﴾ الصادق عليه السلام: لَا تَطْلُبُوا الْعِلْمَ لِتَطْلُبُوا بِهِ الدُّنْيَا فَإِنَّهُ لَا يَسْتَوِي فِي الْعُقُوبَةِ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛ مشكاة الأنوار، ص ١٣٩

﴿٢٣٣٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اجْعَلِ الدُّنْيَا شَوْكَاً وَانْظُرْ أَيْنَ تَضَعُ قَدَمَكَ مِنْهَا فَإِنَّ مَنْ رَكَنَ إِلَيْهَا خَذَلَتْهُ وَمَنْ أَسِسَ فِيهَا أَوْحَشَتْهُ وَمَنْ يَرْغَبُ فِيهَا أَوْهَنْتُهُ وَمَنْ انْقَطَعَ إِلَيْهَا قَتَلَتْهُ وَمَنْ طَلَبَهَا أَرْهَقَتْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٢

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / خواست»

﴿۲۳۲۰﴾ در دنیاخواهی زیان به آخرت و در آخرتخواهی زیان به دنیا است. پس به دنیا زیان برسانید که سزاوار زیان‌رساندن است.

﴿۲۳۲۱﴾ از اینکه مرگ تو فرا رسد، درحالی که از پروردگارت گریزان و در دنیاپرستی غرق هستی، بپرهیز.

﴿۲۳۲۲﴾ هرکس که در طلب دنیا زیاده‌روی کند، درحالی که فقیر است از دنیا می‌رود.
﴿۲۳۲۳﴾ هرکس حلال دنیا را برای زیاده‌طلبی و فخرفروشی بخواهد، در روز قیامت خداوند را درحالی که از او خشمگین است، ملاقات می‌کند.

﴿۲۳۲۴﴾ هرکس دنیا را به وسیله‌ی عمل به آخرت طلب کند، در آخرت هیچ بهره‌ای نخواهد داشت!

﴿۲۳۲۵﴾ هرکس دنیا را به وسیله‌ی عمل به آخرت طلب کند، از خواسته‌ی خود بسیار دور است.

﴿۲۳۲۶﴾ کسی که فردا را از عمر خود به شمار آورد، مرگ را در جایگاه حقیقی آن قرار نداده است. و هیچ بنده‌ای آرزوهای دور و دراز نخواهد داشت مگر اینکه گناه کند و خواستار دنیا باشد.
﴿۲۳۲۷﴾ طلب دنیا سرمنشأ فتنه است.

﴿۲۳۲۸﴾ دو گرسنه هستند که سیر نمی‌شوند: یکی طالب علم و دیگری طالب دنیا. اما طالب علم با طلب علم زیاد رضای خدا را می‌افزاید و اما طالب دنیا با افزون‌طلبی به سرکشی می‌افزاید.

﴿۲۳۲۹﴾ طلب و درخواست دنیایت تو را از طلب دین و آیینت مشغول نسازد، زیرا خواهان دنیا چه بسا آن را درک کرده و دریابد، و چه بسا از دستش رفته است پس به سبب آنچه از دنیا از دست داده، هلاک و تباه می‌گردد.

﴿۲۳۳۰﴾ کسی که دنیا را به وسیله‌ی دین طلب کند، بدعاقبت و سرزنش شده است.
﴿۲۳۳۱﴾ علم را برای طلب دنیا فرا نگیرید، زیرا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند، از نظر عقاب نزد خدا مساوی نیستند.

﴿۲۳۳۲﴾ دنیا را خارستانی حساب کن، متوجّه باش پای خود را کجا می‌گذاری. هرکس به آن اعتماد کند، دنیا او را خوار می‌نماید و هرکس به آن انس بگیرد او را به وحشت می‌اندازد. و هرکس به او دل ببندد، او را بی‌ارزش می‌کند و هرکس برای رسیدن به او از دیگران بُرد او را می‌کشد و هرکس در جستجویش باشد، او را به دشواری می‌اندازد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُؤَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الطَّلَبُ﴾

﴿٢٣٣٣﴾ السَّجَادُ عليه السلام: وَلَا تَطْلُبِ الدُّنْيَا فَإِنَّ طَلَّابَهَا، فَإِنْ نَلْتَ مِنْهَا غُبَهَا لَكَ ضَائِرٌ؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٠

﴿٢٣٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَوْ رَأَى الْعَبْدُ أَجَلَهِ وَسُرْعَتُهُ إِلَيْهِ لَأَبْغَضَ الْأَمَلَ وَطَلَبَهُ الدُّنْيَا؛

صحيفة الرضا عليه السلام، ص ٧٠

﴿٢٣٣٥﴾ الرسول ﷺ: إِنْ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا إِضْرَارٌ بِالْآخِرَةِ وَفِي طَلَبِ الْآخِرَةِ إِضْرَارٌ بِالدُّنْيَا

فَاضْرِبُوا بِالدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَوْلَى بِالْإِضْرَارِ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣١

﴿٢٣٣٦﴾ الصادق عليه السلام: لَيْكُنْ طَلَبُكَ الْمَعِيشَةَ فَوْقَ كَسْبِ الْمُضَيِّعِ دُونَ طَلَبِ الْحَرِصِ الرَّاضِي

بِالدُّنْيَا الْمُطْمَئِنِّ إِلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٣٣

﴿٢٣٣٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَمِنْهُمْ مَنْ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ وَلَا يَطْلُبُ الْآخِرَةَ بِعَمَلِ

الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤

٢-٣-٧- الإرادة

﴿٢٣٣٨﴾ مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُخْخَنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ

الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ (الأنفال / ٦٧)

﴿٢٣٣٩﴾ وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ

عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا؛

(الكهف / ٢٨)

﴿٢٣٤٠﴾ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ

إِنَّهُ لَدُوُّ حَظٍّ عَظِيمٍ؛ (القصص / ٧٩)

﴿٢٣٤١﴾ فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا؛ (النجم / ٢٩)

﴿٢٣٤٢﴾ الرسول ﷺ: مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ يُرِيدُ بِهِ الدُّنْيَا وَآثَرَ عَلَيْهِ حُبَّ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا اسْتَوْجَبَ

سَخَطَ اللَّهِ عَلَيْهِ... وَمَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ رِيَاءً وَسُمْعَةً يُرِيدُ بِهِ الدُّنْيَا نَزَعَ اللَّهُ بَرَكَتَهُ وَضَيَّقَ عَلَيْهِ

مَعِيشَتَهُ وَوَكَّلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٠١

﴿٢٣٤٣﴾ الرسول ﷺ: مِنْهُوَ مَنْ لَا يَشْبَعَانِ طَالِبُ دُنْيَا وَطَالِبُ عِلْمٍ فَمَنْ اقْتَصَرَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى

مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَهُ سَلِمَ وَمَنْ تَنَاوَلَهَا مِنْ غَيْرِ حِلِّهَا هَلَكَ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ أَوْ يُرَاجَعَ وَمَنْ أَخَذَ الْعِلْمَ

مِنْ أَهْلِهِ وَعَمِلَ بِعِلْمِهِ نَجَا وَمَنْ آرَادَ بِهِ الدُّنْيَا فَهِيَ حَظُّهُ؛ الكافي، ج ١، ص ٤٦

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / خواست»

«۲۳۳۳» به دنبال دنیا نباش که جستجوی دنیا هرچند به آن برسی عاقبت زیانمند است.

«۲۳۳۴» اگر بنده زمان فرارسیدن مرگش را ببیند که به چه سرعتی به طرف او می‌آید، با آرزوهای خود دشمنی می‌کند و از طلب دنیا دست برمی‌دارد.

«۲۳۳۵» آن‌ها که طالب دنیا می‌باشند به آخرت خود زیان می‌رسانند و کسانی که طالب آخرت هستند، به دنیا ضرر می‌رسانند، شما به دنیا زیان برسانید که آن شایسته‌ی زیان می‌باشد.

«۲۳۳۶» باید طلب تو برای روزی و گذران زندگی، بیشتر از انسان‌های اسراف‌کار و کمتر از اشخاص حریص، دنیا دوست و دل به دنیا داده باشد.

«۲۳۳۷» بعضی به وسیله‌ی اعمال آخرت، دنیا را می‌طلبند و با اعمال دنیا آخرت را نمی‌طلبند.

۲-۳-۷- اراده و خواسته

«۲۳۳۸» هیچ پیامبری حق ندارد اسیرانی [از دشمن] بگیرد تا کاملاً بر آن‌ها پیروز گردد [و جای پای خود را در زمین محکم کند]! شما متاع ناپایدار دنیا را می‌خواهید و مایلید اسیران بیشتری بگیرید، و در برابر گرفتن فدیة آزاد کنید ولی خداوند، سرای دیگر را [برای شما] می‌خواهد و خداوند قادر و حکیم است!

«۲۳۳۹» با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می‌خوانند، و تنها رضای او را می‌طلبند! و هرگز به خاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آن‌ها برنگیر! و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن! همان‌ها که از هوای نفس پیروی کردند، و کارهایشان افراطی است.

«۲۳۴۰» [روزی قارون] با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آن‌ها که خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: «ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم! به راستی که او بهره عظیمی دارد!»

«۲۳۴۱» حال که چنین است از کسی که از یاد ما روی می‌گرداند و جز زندگی مادی دنیا را نمی‌طلبد، اعراض کن!

«۲۳۴۲» هرکس علم را برای دنیا آموزد و مهر دنیا و زیورهای آن را بر علم برتری دهد و برگزیند، مستوجب خشم خداوند است... هرکس دانش را برای ریا و به دست آوردن دنیا فرا گیرد، خداوند برکت آن را از وی می‌گیرد، روزی را بر او تنگ می‌سازد و او را به خود واگذار می‌کند.

«۲۳۴۳» دو گرسنه هستند هرگز سیر نمی‌شوند: ۱. طالب دنیا ۲. طالب علم. کسی که بر حلال دنیا اکتفا کند، سالم می‌ماند و کسی که حرام دنیا را بخورد، هلاک می‌گردد، مگر توبه کند یا برگردد. و کسی که علم را از اهل فراگیرد و به آن عمل کند، نجات می‌یابد. و کسی که به وسیله‌ی آن علم، دنیا را بخواهد، فقط همان دنیا بهره‌ی اوست.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الطَّلَبُ﴾

﴿٢٣٤٤﴾ ابوذر رضي الله عنه: مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا مِنْ عِلْمِ الْآخِرَةِ يُرِيدُ بِهِ [الدُّنْيَا] عَرَضًا مِنْ عَرَضِ الدُّنْيَا لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ٣٣

﴿٢٣٤٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَقَلَّ مِنَ النَّاسِ مَنْ لَيْسَ لِلدُّنْيَا بِصَاحِبٍ، وَ أَكْثَرُهُمْ مَنْ يَجْتَوِي الْحَقَّ وَ يَسْتَمِرُّ الْبَاطِلَ وَ يُؤْثِرُ الدُّنْيَا... وَ لَيْسَ أَلَّنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَّ لِلدُّنْيَا أَرَادُوا أَمْ لِلَّهِ عَمِلُوا؛ بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ١٦٣
٣-٧-٣-٣ الإِتِمَاعُ

﴿٢٣٤٦﴾ وَ لَيْسَتْ عَفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَ أَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَ لَا تُكْرِهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ مُحْصَنَاتٍ لِيَتَّبِعُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَنْ يُكْرِهْهُنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ (النور / ٣٣)
٣-٧-٣-٤ الإِتِمَاسُ

﴿٢٣٤٧﴾ السَّجَادُ عليه السلام: وَ مَا أَثَرَ قَوْمٌ قَطُّ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ إِلَّا سَاءَ مُنْقَلَبُهُمْ... فَلَا تَلْتَمِسُوا شَيْئًا مِمَّا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ وَ اشْتَغِلُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِطَاعَةِ اللَّهِ؛ الكافي، ج ٨، ص ١٦
٣-٧-٣-٥ الأَرَبُ

﴿٢٣٤٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حَابَ رَجَاؤُهُ وَ مَطْلَبُهُ مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا أَمَلَهُ وَ أَرَبَهُ؛ غرر الحكم، ص ١٤٣
٣-٧-٣-٦ الهمُّ

﴿٢٣٤٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَ أَكْثَرُ هَمِّهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ أَكْثَرُ سَعْيِهِ لِلذَّيِّ تَفْنَى فَلَيْسَ مِنَ الدِّينِ فِي شَيْءٍ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١١٥
﴿٢٣٥٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمُّهُ اشْتَدَّ لِذَلِكَ غَمُّهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢١
﴿٢٣٥١﴾ وَ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا؛ مصباح المتعبد، ص ٥٦٧
﴿٢٣٥٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّهِ طَالَ شَقَاؤُهُ وَ غَمُّهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٨١

﴿٢٣٥٣﴾ المجتبى عليه السلام: وَ لَا تَكُنِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّكَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٢، ص ٢٠٢

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / خواست»

«۲۳۴۴» کسی که علمی از علوم آخرت را برای رسیدن به متاع بی‌ارزش دنیا بیاموزد، بوی بهشت را استشمام نمی‌کند.

«۲۳۴۵» در میان مردم دوستداران دنیا اندک نیستند؛ بیشتر مردم حق را تلخ می‌دانند و باطل در کامشان شیرین می‌آید و دنیا را بر هر چیزی ترجیح می‌دهند... در روز رستاخیز از ایشان خواهند پرسید که آیا قصدشان دنیا بوده یا برای خدا عمل کرده‌اند؟!

۷-۳-۳- خواستار بودن

«۲۳۴۶» و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند! و آن بردگانتان که خواستار مکاتبه [قرار داد مخصوص برای آزاد شدن] هستند، با آنان قرار داد ببندید اگر رشد و صلاح در آنان احساس می‌کنید [که بعد از آزادی، توانایی زندگی مستقل را دارند] و چیزی از مال خدا را که به شما داده است به آنان بدهید! و کنیزان خود را برای دستیابی متاع ناپایدار زندگی دنیا مجبور به خود فروشی نکنید اگر خودشان می‌خواهند پاک بمانند! و هرکس آن‌ها را [بر این کار] اجبار کند، [سپس پشیمان گردد،] خداوند بعد از این اجبار آن‌ها غفور و رحیم است! [توبه کنید و بازگردید، تا خدا شما را ببخشد!]

۷-۳-۴- التماس و خواهش

«۲۳۴۷» و هیچ گروهی دنیا را بر آخرت ترجیح ندادند مگر آنکه دچار سرانجام و عاقبتی شوم شدند... پس هیچ‌چیز این دنیا را توسط گناهی نخواهید، و در دنیا سرگرم انجام دستورات خداوند باشید.

۷-۳-۵- خواسته

«۲۳۴۸» کسی که آرزو و خواسته‌اش دنیاست، امیدش ناامید خواهد شد.

۷-۳-۶- تلاش

«۲۳۴۹» کسی که تمام تلاخش، کسب دنیا باشد و تمام کوشش او، کسب لذت‌های زودگذر باشد، هیچ بهره‌ای از دین ندارد.

«۲۳۵۰» هرکس همّت خود را برای دنیا به کار برد، غم و اندوهش زیاد خواهد بود.

«۲۳۵۱» پیوسته دعای پیامبر ﷺ این بود: دنیا را بزرگ‌ترین دغدغه‌ی من قرار نده.

«۲۳۵۲» هرکس بزرگ‌ترین مقصودش دنیا باشد، بدبختی و غمش طولانی می‌شود.

«۲۳۵۳» مبدا دنیا بزرگ‌ترین همّت و کوشش تو باشد.

«۶۵۳»

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمَوَاجِهَةِ بِالدُّنْيَا / الطَّلَبُ﴾

﴿٢٣٥٤﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ أَصْبَحَ وَآمَسَى وَالدُّنْيَا أَكْبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى الْفَقْرَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَشَتَّتْ أَمْرَهُ وَلَمْ يَنْلُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ وَمَنْ أَصْبَحَ وَآمَسَى وَالْآخِرَةُ أَكْبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ الْغِنَى فِي قَلْبِهِ وَجَمَعَ لَهُ أَمْرَهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣١٩

﴿٢٣٥٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ النَّسَاءَ هَمُّهُنَّ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْفَسَادُ فِيهَا؛ غررالحكم،

ص ٤٠٨

﴿٢٣٥٦﴾ الحسين عليه السلام: وَمَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هِمَّتَهُ اشْتَدَّتْ حَسْرَتُهُ عِنْدَ فِرَاقِهَا؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٥٢

﴿٢٣٥٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ كَثُرَ فِي الْقِيَامَةِ غَمُّهُ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠،

ص ٣١١

﴿٢٣٥٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ طَالَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ شَقَاؤُهُ وَغَمُّهُ؛ غررالحكم،

ص ١٤٠

﴿٢٣٥٩﴾ عيسى عليه السلام: وَيُلْ لِمَنِ الدُّنْيَا هَمُّهُ وَالْخَطَايَا أَمْلُهُ كَيْفَ يَفْتَضِحُ غَدًا عِنْدَ اللَّهِ؛

بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٨

﴿٢٣٦٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ جَعَلَ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّهِ فَفَرَّقَ اللَّهُ عَلَيْهِ هَمَّهُ وَجَعَلَ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ؛

عوالي اللآلي، ج ١، ص ٢٧٢

﴿٢٣٦١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَمْ يُفِدْ مَنْ كَانَتْ هِمَّتُهُ الدُّنْيَا عَوَضًا وَلَمْ يَقْضِ مُفْتَرَضًا؛

غررالحكم، ص ١٤١

﴿٢٣٦٢﴾ يَا دَاوُدُ... مَا لِأَوْلِيَائِي وَآلِهِمَّ بِالدُّنْيَا إِنَّ آلَهُمْ يَذْهَبُ حَلَاوَةً مُنَاجَاتِي مِنْ قُلُوبِهِمْ يَا

دَاوُدُ إِنَّ مَحَبَّتِي مِنْ أَوْلِيَائِي أَنْ يَكُونُوا رُوحَانِيَّيْنِ لَا يَغْتَمُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٩، ص ١٤٣

﴿٢٣٦٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الْإِهْتِمَامَ بِالدُّنْيَا غَيْرُ زَائِدٍ فِي الْمَوْطُوفِ وَفِيهِ تَضْيِيعُ

الزَّادِ وَالْإِقْبَالَ عَلَى الْآخِرَةِ غَيْرُ نَاقِصٍ مِنَ الْمَقْدُورِ وَفِيهِ إِحْرَازُ الْمَعَادِ؛ التوحيد، ص ٣٧٢

﴿٢٣٦٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: هُمْ الْكَافِرِ لِدُنْيَاهُ وَسَعْيُهُ لِعَاجِلَتِهِ وَغَايَتُهُ شَهْوَتُهُ؛ غررالحكم،

ص ٩٢

﴿٢٣٦٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: لَيْسَتْ هِمَّتُهُمْ إِلَّا الدُّنْيَا عَاكِفُونَ عَلَيْهَا مُعْتَمِدُونَ فِيهَا؛ مستدرک الوسائل،

ج ١٢، ص ٣٢٨

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / خواست»

﴿۲۳۵۴﴾ هرکس شب را به صبح و صبح را به شب برساند، درحالی که بزرگ‌ترین دغدغه‌اش دنیا باشد، خداوند فقر را مقابل چشمانش قرار داده و کارش را بی‌سامان ساخته و به دنیا دست نمی‌یابد مگر به میزانی که همتش باشد، و هرکس شب را به صبح و صبح را به شب برساند درحالی که نهایت همتش آخرت باشد، خداوند متعال بی‌نیازی را در دلش قرار داده و کارش را سامان می‌بخشد.

﴿۲۳۵۵﴾ به‌درستی که تمام تلاش زنان، کسب زینت‌های دنیا و ایجاد فساد در آن است.

﴿۲۳۵۶﴾ هرکس قصدش از تلاش برای دنیا باشد، هنگام جداشدن از آن افسوسش فراوان است.

﴿۲۳۵۷﴾ کسی که تمام همتش دنیا باشد، در قیامت غم و غصه‌اش زیاد می‌شود.

﴿۲۳۵۸﴾ کسی که تمام همتش دنیا باشد، در روز قیامت گرفتاری و غصه‌اش طولانی خواهد شد.

﴿۲۳۵۹﴾ وای بر کسی که دنیا هم و غم او و ارتکاب گناهان آرزوی او باشد، که چگونه فردا روز رسوا خواهد شد!؟

﴿۲۳۶۰﴾ هرکس بزرگ‌ترین دغدغه‌اش را دنیا قرار دهد، خداوند همواره در برابر او [و در تقدیر او] فقر را قرار می‌دهد.

﴿۲۳۶۱﴾ کسی که تنها همتش برای دنیا باشد، عوض آنچه از دست داده چیزی کسب نکرده و واجبی را به‌جا نیاورده است.

﴿۲۳۶۲﴾ ای داوود، به دوستان من چه شده که در گرفتاری‌های دنیا اندوهگین می‌شوند؟ که اندوه شیرینی مناجات مرا از دل‌هایشان می‌برد. ای داوود! محبت من از آن دوستانی است که روحانی باشند و اندوه دنیا را نداشته باشند.

﴿۲۳۶۳﴾ اما بعد! پس به‌درستی که همت داشتن به دنیا و اندوه خوردن به خاطر آن در هر روز آن را نمی‌افزاید و زیاد نمی‌کند که موجب از بین رفتن توشه‌ی او می‌گردد و روکردن به آخرت تقدیر [و روزی] فرد [در دنیا] را کم نمی‌کند و موجب حفاظت و صیانت از معاد فرد می‌شود.

﴿۲۳۶۴﴾ هم و غم کافر دنیایش و تمام تلاشش برای امور زودگذر آن است. و نهایت آرزویش، شهوت‌هایش است.

﴿۲۳۶۵﴾ همتشان جز متوجه دنیا نیست؛ خود را بر دنیا افکنده‌اند و بر آن تکیه کرده‌اند.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الطَّلَبُ﴾

﴿٢٣٦٦﴾ العسكري عليه السلام: فَإِنْ عَجِبْتَ فَأَعْجَبْتَ [فَاعْجَبْ] مِنَ النَّاسِ أَنَّهُمْ لَا هِمَّةَ لَهُمْ إِلَّا الدُّنْيَا وَجَمْعُهَا وَالتَّكَاثُرُ وَالتَّفَاخُرُ وَالتَّغَالُبُ عَلَيْهَا حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَنْ قَدْ تَرَكَهَا فِي أَيْدِيهِمْ وَتَخَلَّى عَنْهَا كَانُوا لَهُ أَشَدَّ قِتَالًا عَلَيْهِ وَأَشَدَّ حَقًّا مِنْهُمْ لِلَّذِي يُشَاحُّهُمْ عَلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٠٣

٧-٣-٧- الهجرة

﴿٢٣٦٧﴾ الرسول عليه السلام: إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَلِكُلِّ امْرَأٍ مَا نَوَى فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهَاجَرَتْهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَتَزَوَّجُهَا فَهَاجَرَتْهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٩٠

٧-٣-٨- النية

﴿٢٣٦٨﴾ الرسول عليه السلام: مَنْ كَانَتْ نِيَّتُهُ الدُّنْيَا فَرَّقَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَمْرَهُ وَجَعَلَ الْفَقْرَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَلَمْ يَأْتِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا كُتِبَ لَهُ وَمَنْ كَانَتْ نِيَّتُهُ الْآخِرَةُ جَمَعَ اللَّهُ شَمْلَهُ وَجَعَلَ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ وَآتَتْهُ الدُّنْيَا وَهِيَ رَاغِمَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٢٥

﴿٢٣٦٩﴾ الرسول عليه السلام: وَمَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِلدُّنْيَا وَالْمَنْزِلَةَ عِنْدَ النَّاسِ وَالْحُظُوفَةَ عِنْدَ السُّلْطَانِ لَمْ يُصِْبْ مِنْهُ بَابٌ إِلَّا أَزْدَادَ فِي نَفْسِهِ عَظَمَةٌ وَعَلَى النَّاسِ اسْطِطَالَةٌ وَبِاللَّهِ اغْتِرَارًا وَمِنَ الدِّينِ جَفَاءٌ؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ٣٤

﴿٢٣٧٠﴾ الرسول عليه السلام: يَا ابْنَ مَسْعُودٍ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ لِلدُّنْيَا وَزِينَتِهَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٠١

﴿٢٣٧١﴾ السجّاد عليه السلام: فَإِنَّ فِي النَّاسِ مَنْ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ بِتَرْكِ الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا وَيَرَى أَنَّ لَذَّةَ الرِّئَاسَةِ الْبَاطِلَةِ أَفْضَلُ مِنْ لَذَّةِ الْأَمْوَالِ وَالنَّعْمِ الْمُبَاحَةِ الْمُحَلَّلَةِ فَيَتْرُكُ ذَلِكَ أَجْمَعَ طَلَبًا لِلرِّئَاسَةِ؛ وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٣١٨

﴿٢٣٧٢﴾ الرسول عليه السلام: بُشِّرْ هَذِهِ الْأُمَّةَ بِالسَّنَاءِ وَالرِّفْعَةِ وَالنُّصْرَةِ وَالتَّمَكُّينِ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ عَمِلَ مِنْهُمْ عَمَلًا الْآخِرَةَ لِلدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْآخِرَةِ نَصِيبٌ؛ بحار الأنوار، ج ١٨، ص ١٢١

٧-٣-٩- الاختيار

﴿٢٣٧٣﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ اخْتَارَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ يَخْسَرُهَا كِلْتاهُمَا تَزُولُ هَذِهِ وَلَا تُدْرِكُ تِلْكَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٧، ص ٣٤٦

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / خواست»

﴿۲۳۶۶﴾ اگر تعجب کردی پس از اهل دنیا تعجب کن که تمام همّتشان بر جمع اموال دنیا و افزون‌طلبی و تفاخر و غالب آمدن در آن صرف شده است، و چون کسی را ببیند که دنیا را برای آن‌ها رها ساخته و از آن دوری کرده است، با او منازعه‌ی بیشتری دارند تا آن جماعتی که با آن‌ها بر سر دنیا منازعه می‌کنند».

۷-۳-۷- مهاجرت

﴿۲۳۶۷﴾ اعمال را بر مبنای نیت‌های آن بررسی می‌کنند، و هرکس طبق نیت خود پاداش می‌گیرد. هرکس هجرتش برای خدا و رسول باشد، به خدا و رسول خواهد پیوست و اگر هجرت او برای دنیا باشد، در این صورت به دنیا خواهد رسید؛ و با زنی ازدواج می‌کند و یا مالی به‌دست می‌آورد.

۷-۳-۸- نیت

﴿۲۳۶۸﴾ هرکس در نیت خود امور دنیوی را در نظر داشته باشد، خداوند کارهای او را پربار و مشّت نموده و همیشه فقر و تهیدستی را در نظرش مجسم می‌دارد و از تنگدستی می‌ترسد و از مزایای دنیا جز همان مقدار به او نخواهد رسید. ولی آن‌که در اعمال و فعالیت خود متوجه امر اخروی باشد، خداوند امور او را مرتّب و منظم داشته، طبع و حالت بی‌نیازی در روحش قرار می‌دهد و دنیا هم با کمال سهولت و تسلیم به او رو می‌کند.

﴿۲۳۶۹﴾ هرکس علم را برای امور دنیا و منزلت پیش مردم و بهره‌وری در پیشگاه پادشاه بیاموزد، هرچه از آن به او برسد موجب خود بزرگ‌بینی و فخرفروشی بیشتر او به مردم می‌شود و مایه‌ی فریب‌خوردن بیشتر او در قبال خداوند و ستم به دین می‌شود.

﴿۲۳۷۰﴾ پسر مسعود! هرکس قرآن را به خاطر دنیا و زینت و زیور آن بیاموزد، خداوند بهشت را بر او حرام می‌کند.

﴿۲۳۷۱﴾ میان مردم کسی که زیانکار دنیا و آخرت است و دنیا را به‌قصد رسیدن به دنیا ترک کرده و گمان می‌کند که لذّت این ریاست‌های باطل [و شهرت به زهد] بهتر از استفاده از اموال و نعمت‌های مباح دنیاست. و همه‌ی این‌ها را به خاطر جاه‌طلبی و ریاست باطل ترک می‌کند.

﴿۲۳۷۲﴾ این امت به مجد و عزّت، رفعت و نصرت و به قدرت و سلطنت در روی زمین مژده داده شده‌اند. و هرکس از امت من عمل آخرت را برای رسیدن به جاه و جلال دنیا انجام دهد، در آن جهان بهره‌ای نخواهد داشت.

۷-۳-۹- برگزیدن

﴿۲۳۷۳﴾ هرکس دنیا را بر آخرت برگزیند هر دو را از دست می‌دهد، که این یکی (دنیا) تمام می‌شود و آن یکی (آخرت) را به دست نخواهد آورد.

﴿۶۵۷﴾

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الطَّلَبُ﴾

﴿٢٣٧٤﴾ الرسول ﷺ: بِئْسَ الْقَوْمُ قَوْمٌ يَخْتَارُونَ الدُّنْيَا عَلَى الدِّينِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٢، ص ٣١٠
 ﴿٢٣٧٥﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ الْعَلِيُّ مَنْ عَرَضَتْ لَهُ دُنْيَاهُ وَ آخِرَتُهُ فَاخْتَارَ الْآخِرَةَ وَ تَرَكَ الدُّنْيَا فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَخَذَ الدُّنْيَا اسْتِخْفَافًا بِآخِرَتِهِ فَلَهُ النَّارُ؛ جامع الأخبار، ص ١٠٨
 ﴿٢٣٧٦﴾ الرسول ﷺ: وَ مَنْ عَرَضَتْ لَهُ دُنْيَا وَ آخِرَةُ فَاخْتَارَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَيْسَتْ لَهُ حَسَنَةٌ يَتَّقَى بِهَا النَّارَ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٠٩
 ١٠-٣-٧- الرضا

﴿٢٣٧٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرَضِيتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ؛ (التوبة / ٣٨)
 ﴿٢٣٧٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ؛ (يونس / ٧)

﴿٢٣٧٩﴾ امير المؤمنين ﷺ: أَخْسَرُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ الدُّنْيَا [بِالدُّنْيَا] عَوَضًا عَنِ الْآخِرَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٠
 ﴿٢٣٨٠﴾ الكاظم ﷺ: أَوْ لَا حُرْ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَازَةَ لِأَهْلِهَا يَعْنِي الدُّنْيَا فَلَيْسَ لِنَفْسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِعُوهَا بِغَيْرِهَا فَإِنَّهُ مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالدُّنْيَا فَقَدْ رَضِيَ بِالْخَسِيسِ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٤٤

﴿٢٣٨١﴾ الصادق ﷺ: لِيَكُنْ طَلَبُكَ الْمَعِيشَةَ فَوْقَ كَسْبِ الْمُضَيِّعِ دُونَ طَلَبِ الْحَرِيسِ الرَّاضِي بِالدُّنْيَا الْمُطْمَئِنِّ إِلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٣٣
 ﴿٢٣٨٢﴾ امير المؤمنين ﷺ: أَخْسَرُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ الدُّنْيَا [بِالدُّنْيَا] عَوَضًا عَنِ الْآخِرَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٤١

﴿٢٣٨٣﴾ امير المؤمنين ﷺ: مَنْ رَضِيَ بِالدُّنْيَا فَاتَتْهُ الْآخِرَةُ؛ غرر الحكم، ص ١٤١
 ﴿٢٣٨٤﴾ امير المؤمنين ﷺ: رِضَاكَ بِالدُّنْيَا مِنْ سُوءِ اخْتِيَارِكَ وَ شَقَاءِ جَدِّكَ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢٣

﴿٢٣٨٥﴾ الصادق ﷺ: لِيَكُنْ طَلَبُكَ لِلْمَعِيشَةِ فَوْقَ كَسْبِ الْمُضَيِّعِ وَ دُونَ طَلَبِ الْحَرِيسِ الرَّاضِي بِدُنْيَاهُ الْمُطْمَئِنِّ إِلَيْهَا؛ الكافي، ج ٥، ص ٨١
 ١١-٣-٧- القنَاعَةُ بِالدُّنْيَا

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / خواست»

﴿۲۳۷۴﴾ بدترین قوم کسانی هستند که دنیا را بر دین ترجیح می‌دهند.
﴿۲۳۷۵﴾ ای علی! کسی که دنیا و آخرت به او عرضه شود و او آخرت را برگزیند و دنیا را ترک کند، بهشت از آن او خواهد بود و کسی که به قصد کوچک‌شمردن آخرت دنیا را برگزیند، جهنم از آن اوست.
﴿۲۳۷۶﴾ کسی که دنیا و آخرت بر او عرضه شود و دنیا را بر آخرت برگزیند، خداوند را در روز قیامت درحالی ملاقات می‌کند که برای او عمل نیکی نیست تا او را از آتش در امان نگه دارد.

۱۰-۳-۷- رضایت

﴿۲۳۷۷﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا هنگامی که به شما گفته می‌شود: «به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید!» بر زمین سنگینی می‌کنید [و سستی به خرج می‌دهید؟! آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده‌اید؟! با اینکه متاع زندگی دنیا، در برابر آخرت، جز اندکی نیست!

﴿۲۳۷۸﴾ آن‌ها که ایمان به ملاقات ما [و روز رستاخیز] ندارند، و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند، و آن‌ها که از آیات ما غافلند.

﴿۲۳۷۹﴾ زیانکارترین مردم کسی است که در عوض آخرت به دنیا راضی شود.
﴿۲۳۸۰﴾ «آیا آزادمردی نیست که این لقمه‌ی جویده را برای اهل آن بگذارد؟ [منظورش دنیا است]. بهایی برای جان شما، جز بهشت نیست، مبادا با چیز دیگری معامله کنید! زیرا هرکس با همین دنیا، از خدا خشنود باشد، چیز بسیار پستی را خواسته است».

﴿۲۳۸۱﴾ باید طلب تو برای روزی و گذران زندگی، بیشتر از انسان‌های اسراف‌کار و کمتر از اشخاص حریص، دنیادوست و دل به دنیا داده باشد.

﴿۲۳۸۲﴾ زیانکارترین مردم کسی است که راضی به دنیا در عوض آخرت شود.
﴿۲۳۸۳﴾ کسی که به [بهره‌ی] دنیا راضی شود، آخرت از دستش می‌رود.
﴿۲۳۸۴﴾ راضی شدن تو به دنیا به خاطر انتخاب بد و تلاش اشتباهت است.
﴿۲۳۸۵﴾ باید طلب تو برای روزی و گذران زندگی، بیشتر از انسان‌های تلف‌کننده و کمتر از اشخاص حریص دنیادوست و دل به دنیا داده باشد.

۱۱-۳-۷- قانع بودن به دنیا

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الذِّكْرُ﴾

﴿٢٣٨٦﴾ موسى عليه السلام: يَا مُوسَى عليه السلام كَيْفَ تَخْشَعُ لِي خَلِيقَةً لَا تَعْرِفُ فَضْلِي عَلَيْهَا وَكَيْفَ تَعْرِفُ فَضْلِي عَلَيْهَا وَهِيَ لَا تَنْظُرُ فِيهِ وَكَيْفَ تَنْظُرُ فِيهِ وَهِيَ لَا تُؤْمِنُ بِهِ وَكَيْفَ تُؤْمِنُ بِهِ وَهِيَ لَا تَرْجُو ثَوَابًا وَكَيْفَ تَرْجُو ثَوَابًا وَهِيَ قَدْ قَنَعَتْ بِالدُّنْيَا وَاتَّخَذَتْهَا مَأْوًى وَرَكَنْتَ إِلَيْهَا رُكُونًا

الظَّالِمِينَ؛ الكافي، ج ٨، ص ٤٥

١٢-٣-٧- صِيَانَةُ الدُّنْيَا بِالذِّكْرِ

﴿٢٣٨٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مِنَ الشَّقَاءِ أَنْ يَصُونَ الْمَرْءُ دُنْيَاهُ بِدِينِهِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

٧-٤- الذِّكْرُ

﴿٢٣٨٨﴾ الرسول ﷺ: لَا تَشْغَلُوا قُلُوبَكُمْ بِذِكْرِ الدُّنْيَا فَتَنْهَى عَنْ ذِكْرِهَا فَضْلًا عَنْ إِصَابَةِ عَيْنِهَا؛

مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣٣

﴿٢٣٨٩﴾ المجتبي عليه السلام: فَدَعِ عَنْكَ ذِكْرَ الدُّنْيَا بِذِكْرِ فِرَاقِهَا وَشِدَّةِ مَا يَرِدُ عَلَيْكَ لِرَخَاءِ مَا

بَعْدَهَا؛ الكافي، ج ٨، ص ٢٠٦

﴿٢٣٩٠﴾ الرسول ﷺ: يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ فَيَقْعُدُونَ حَلَقًا ذَكَرَهُمُ لِلدُّنْيَا

وَحُبَّ الدُّنْيَا لَا تُجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِلَّهِ فِيهِمْ حَاجَةٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٣٧١

﴿٢٣٩١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ذِكْرُ الدُّنْيَا أَذْوًا أَلْأَذْوَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٣

١-٤-٧- الإِكْتِرَاثُ

﴿٢٣٩٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكَ فِي سَبِيلٍ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ فَاجْعَلْ جِدَّكَ لَا خِرَتَكَ وَلَا

تَكَثَّرَتْ بِعَمَلِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤٤

٥-٧- النَّظَرُ

١-٥-٧- النَّظَرُ

﴿٢٣٩٣﴾ الباقر عليه السلام: قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عليه السلام: إِلَهِي فَمَنْ يَنْزِلُ دَارَ الْقُدُسِ عِنْدَكَ قَالَ الَّذِينَ

لَا تَنْظُرُ أَعْيُنُهُمْ إِلَى الدُّنْيَا وَلَا يُذِيعُونَ أَسْرَارَهُمْ فِي الدِّينِ وَلَا يَأْخُذُونَ فِي الْحُكُومَةِ الرَّشَاءِ الْحَقُّ فِي قُلُوبِهِمْ وَالصِّدْقُ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ فَأُولَئِكَ فِي سِتْرِي فِي الدُّنْيَا وَفِي دَارِ الْقُدُسِ عِنْدِي فِي الْآخِرَةِ؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٠٤

﴿٢٣٩٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ قَصَرَ نَظْرَهُ عَلَى أَثْنَاءِ الدُّنْيَا عَمِيَ عَنْ سَبِيلِ الْهُدَى؛ غرر الحكم، ص ١٣٧

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / یاد»

﴿۲۳۸۶﴾ ای موسی! چطور ممکن است که مخلوقی در برابر من خاشع باشد درحالی‌که برتری من را نداند و چطور برتری مرا می‌داند درحالی‌که به من نظر نمی‌کند! چطور به من نظر کند کسی که ایمان ندارد و چطور ایمان داشته باشد درحالی‌که امید پاداش ندارد؟! چطور امید پاداش داشته باشد درحالی‌که به دنیا قانع شده و آن را پناهگاه خود قرار داده و مانند ظالمان به آن تکیه داده و اعتماد کرده است؟!

۱۲-۷-۳- حفظ دین از دنیا

﴿۲۳۸۷﴾ اینکه فردی با دینش دنیایش را حفظ کند، از شقاوت اوست.

۴-۷-۷- یاد

﴿۲۳۸۸﴾ دل‌هایتان را به ذکر دنیا مشغول نکنید. و از یاد دنیا نهی فرمود، تا چه رسد به غرق شدن در دنیا.

﴿۲۳۸۹﴾ یاد دنیا را به یاد جدایی از آن فراموش کن و سختی‌های دنیا را به امید راحتی‌های آخرت بر خود آسان گیر.

﴿۲۳۹۰﴾ در آخرالزمان قومی به مساجد می‌آیند و حلقه‌وار می‌نشینند که ذکرشان دنیا و حبّ دنیاست، با آن‌ها همنشین نشوید که آنان نیازی به خدا ندارند.

﴿۲۳۹۱﴾ یاد دنیا بدترین بیماری‌هاست.

۱-۴-۷- اعتنا

﴿۲۳۹۲﴾ به‌درستی که تو در مسیر پیشینیان هستی [و همان راهی را می‌روی که آنان رفتند] پس تمام تلاشت را صرف آخرت کن و به کارهای دنیا اعتنایی نکن.

۵-۷- چشم‌دوختن

۱-۵-۷- چشم‌دوختن

﴿۲۳۹۳﴾ موسی علیه السلام گفت: «خدایا! برگزیدگان تو چه کسانی هستند؟ تا اینجا که فرمود: «چه کسی به منزل قدس تو می‌رسد؟» فرمود: «کسانی که چشمی بر مال دنیا ندارند، اسرار الهی را فاش نمی‌کنند و در حکومت [و روابط اجتماعی] اهل رشوه نیستند، حق در قلب‌هایشان است و زبانشان راستگوست. آنان در دنیا در پرده‌ی امان من هستند و در آخرت در منزل قدس من جای خواهند گرفت.»

﴿۲۳۹۴﴾ کسی که دیده‌اش محدود به فرزندان دنیا باشد، از دیدن راه هدایت کور است.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / التَّعْظِيمُ﴾

٧-٥-٢- مَدُّ الطَّرْفِ

﴿٢٣٩٥﴾ الصادق عليه السلام: إِيَّاكُمْ أَنْ تَمُدُّوا أَطْرَافَكُمْ إِلَى مَا فِي أَيْدِي آبْنَاءِ الدُّنْيَا فَمَنْ مَدَّ طَرَفَهُ إِلَى ذَلِكَ طَالَ حَزْنُهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٣٣٧

٧-٥-٣- مَدُّ الْعَيْنِ

﴿٢٣٩٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَلَمَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ إِلَى آخِرِ آيَةٍ قَالَ ﷺ مَنْ لَمْ يَتَعَزَّ بِعِزَاءِ اللَّهِ انْقَطَعَتْ نَفْسُهُ حَسَرَاتٍ عَلَى الدُّنْيَا وَمَنْ مَدَّ عَيْنَهُ إِلَى مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ مِنْ دُنْيَاهُمْ طَالَ حُزْنُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٥٧

٧-٥-٤- النَّظَرُ إِلَى مَنْ فَوْقَهُ

﴿٢٣٩٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: خَصَلْتَانِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ كَتَبَهُ اللَّهُ شَاكِرًا صَابِرًا مَنْ نَظَرَ فِي دِينِهِ إِلَى مَنْ فَوْقَهُ فَافْتَدَى بِهِ وَنَظَرَ فِي دُنْيَاهُ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ فَشَكَرَ اللَّهُ فَإِنْ نَظَرَ فِي دُنْيَاهُ إِلَى مَنْ فَوْقَهُ فَاسَفَ عَلَى مَا فَاتَهُ لَمْ يَكْتُبْهُ اللَّهُ شَاكِرًا وَلَا صَابِرًا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٠١

٧-٥-٥- التَّعْظِيمُ

﴿٢٣٩٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: إِذَا عَظَّمْتَ أُمَّتِي الدُّنْيَا نَزَعَ اللَّهُ مِنْهَا هَيْبَةَ الْإِسْلَامِ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ٧٥

٧-٥-٦- الإِعْجَابُ

﴿٢٣٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَتَبَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِلَى عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ مِنْ عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الَّذِي أَعْجَبَكَ مِمَّا بَارَيْتَ مِنَ الدُّنْيَا وَوَقَّعْتَ بِهِ مِنْهَا مُنْقَلَبُ عَنْكَ فَلَا تَطْمَئِنَّ إِلَى الدُّنْيَا فَإِنَّهَا غَرَارَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٧٥

﴿٢٤٠٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَلَا تَتَنَافَسُوا فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَفَخْرِهَا وَلَا تَعْجَبُوا بِزِينَتِهَا وَنَعِيمِهَا؛

من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٤٢٧

٧-٥-٦- التَّعْظِيمُ فِي الْعَيْنِ

﴿٢٤٠١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَكَذَلِكَ مَنْ عَظَّمَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ وَكَبَّرَ مَوْقِعَهَا مِنْ قَلْبِهِ آثَرَهَا عَلَى اللَّهِ فَانْقَطَعَ إِلَيْهَا وَصَارَ عَبْدًا لَهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٩، ص ١٦١

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / بزرگ‌دانستن»

۷-۵-۲ چشم‌دوختن

«۲۳۹۵» بر حذر باشید و چشم حسرت به آنچه در دستان فرزندان دنیاست ندوزید که هر کس با چشم حسرت به مال و منال اهل دنیا بنگرد، حزن و اندوهش طولانی می‌گردد.

۷-۵-۳ چشم‌دوختن

«۲۳۹۶» و هنگامی که آیه‌ی: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ» بر آن حضرت نازل شد، فرمود: «کسی که دلش به صبر الهی آرام نگیرد جانش از افسوس دنیا به لب می‌رسد، و کسی که چشمش را بر دارایی مردم بدوزد، غصه‌اش طولانی می‌شود.

۷-۵-۴ نگاه به بالادست

«۲۳۹۷» دو خصلت است که اگر در کسی وجود داشته باشد، خداوند او را جزء شاکران و صابران می‌نویسد؛ کسی که در امور دینش به بالاتر از خود نگاه کند و او را مقتدای خود قرار دهد و در امور دنیوی خود به پایین‌تر از خود نگاه کند و خدا را شکر کند. و اگر در امور دنیوی به بالادست خود نگاه کند، بر چیزهایی که ندارد تأسّف می‌خورد و خداوند او را جزء صابران و شاکران نمی‌نویسد.

۷-۶ بزرگ‌دانستن

«۲۳۹۸» هرگاه اتمّ به دنیا اهمیّت دهند، خداوند شکوه اسلام را از آن‌ها می‌گیرد.

۷-۶-۱ شیفتگی

«۲۳۹۹» امام علی (علیه السلام) برای عمروبن عاص نوشت: از بنده‌ی خدا علی امیرمؤمنان به عمروبن عاص: اما بعد آنچه که از دنیا دیده‌ای تو را شیفته کرده است و به آنچه که از دنیا به آن اطمینان کرده‌ای بر تو دگرگون خواهد شد، پس به دنیا اطمینان نکن که آن بسیار فریبنده است.

«۲۴۰۰» پس در کسب عزّت و تفاخرهای دنیا باهم مسابقه ندهید، زینت‌ها و نعمت‌های دنیا شما را شگفت‌زده نکند.

۷-۶-۲ در چشم بزرگ جلوه کردن

«۲۴۰۱» و اینگونه است کسی که دنیا در دیده‌اش بزرگ جلوه کند و ارزش و اعتبار دنیا در دلش فراوان گردد، دنیا را بر خدا مقدّم می‌شمارد و جز دنیا به چیز دیگری نمی‌پردازد و بنده‌ی دنیا می‌گردد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / كَثْرَةُ الْأَكْلِ وَالنَّوْمِ﴾

٣-٦-٧- الرُّوقُ

﴿٢٤٠٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ رَاقَهُ زُبْرُجُ الدُّنْيَا مَلَكَتْهُ الْخُدَعُ؛ غررالحكم، ص ١٣٦

﴿٢٤٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ رَاقَهُ زُبْرُجُ الدُّنْيَا أَغْصَبَ نَظْرِيهِ كَمَها؛ غررالحكم،

ص ١٤٢

﴿٢٤٠٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَانَتْهُمْ لَمْ يَسْمَعُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ، بَلَى وَاللَّهِ لَقَدْ سَمِعُوهَا وَغَوَّهَا لَكِنْ اخْلَوْتَ الدُّنْيَا فِي أَغْيُنِهِمْ، وَرَاقَهُمْ زُبْرُجُهَا؛ بحار الأنوار، ج ٢٩، ص ٤٩٩

٤-٦-٧- الإِكْرَامُ

﴿٢٤٠٥﴾ الرسول ﷺ: نَهَاوْنُوا بِالدُّنْيَا تَهْنُ عَلَيْكُمْ وَأَهْيُنُوهَا تُكْرَمَ الْآخِرَةُ إِلَيْكُمْ وَلَا تُكْرِمُوا الدُّنْيَا فَتَهُونُ الْآخِرَةَ عَلَيْكُمْ فَلْيَسْتِ الدُّنْيَا بِأَهْلِ كَرَامَةٍ؛ أعلام الدين، ص ٢٧٩

٧-٧- كَثْرَةُ الْأَكْلِ وَالضَّحْكَ وَالنَّوْمِ وَالْفَرْحَ

﴿٢٤٠٦﴾ الرسول ﷺ: يَا أَحْمَدُ أَبْغِضِ الدُّنْيَا وَأَهْلِهَا وَ أَحِبَّ الْآخِرَةَ وَأَهْلِهَا قَالَ يَا رَبِّ وَمَنْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَمَنْ أَهْلُ الْآخِرَةِ قَالَ أَهْلُ الدُّنْيَا مَنْ كَثَرَ أَكْلُهُ وَضَحِكُهُ وَنَوْمُهُ وَغَضَبُهُ؛

إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٠

١-٧-٧- الأَكْلُ

﴿٢٤٠٧﴾ الصادق عليه السلام: وَلَا تَكُنْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ شَاةٍ وَقَعَتْ فِي زَرْعٍ أَخْضَرَ فَأَكَلَتْ حَتَّى سَمِنَتْ فَكَانَ حَتْفُهَا عِنْدَ سَمَنِهَا وَلَكِنْ اجْعَلِ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ قَنْطَرَةٍ عَلَى نَهَرٍ جُرْزَتْ عَلَيْهَا وَ تَرَكْنَهَا وَلَمْ تَرْجِعْ إِلَيْهَا آخِرَ الدَّهْرِ أَخْرَبَهَا وَلَا تَعْمُرْهَا فَإِنَّكَ لَمْ تُؤْمَرْ بِعِمَارَتِهَا؛ بحار الأنوار،

ج ١٣، ص ٤٢٥

﴿٢٤٠٨﴾ الرسول ﷺ: سَيَأْتِي بَعْدَكُمْ قَوْمٌ يَأْكُلُونَ أَطَائِبَ الدُّنْيَا وَآلَوَانَهَا وَيَنْكِحُونَ أَجْمَلَ النِّسَاءِ وَآلَوَانَهَا وَيَلْبَسُونَ أَلْيَنَ الثِّيَابِ وَآلَوَانَهَا وَيَرْكَبُونَ فَرَسَ الْخَيْلِ وَآلَوَانَهَا لَهُمْ بَطُونٌ مِنْ أَقْلِيلٍ لَا تَشْبَعُ وَأَنْفُسٌ بِالْكَثِيرِ لَا تَقْنَعُ عَاكِفِينَ عَلَى الدُّنْيَا يَغْدُونَ وَيَرُوحُونَ إِلَيْهَا اتَّخَذُوهَا إِلَهَةً مِنْ دُونِ إِلَهُهِمْ وَرَبًّا دُونَ رَبِّهِمْ إِلَى أَمْرِهِمْ يَنْتَهَوْنَ وَهَوَاهُمْ يَتَّبِعُونَ فَعَزِيمَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَزِمَتْهُ لِمَنْ أَدْرَكَهُ ذَلِكَ الزَّمَانُ مَنْ عَقَّبَ عَقِبَكُمْ وَخَلَفَ خَلْفَكُمْ أَنْ لَا يُسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَلَا

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / فراوانی خواب و خوراک»

۳-۶-۷- خوش آمدن

﴿۲۴۰۲﴾ هرکس از زینت دنیا خوشش بیاید، فریب‌های دنیا بر او مالک می‌شود.
﴿۲۴۰۳﴾ هرکس از زینت دنیا خوشش بیاید، میراثی که دنیا به او می‌دهد کوری چشم [و دل] اوست.

﴿۲۴۰۴﴾ گویا نشنیده بودند سخن خدای سبحان را که می‌فرماید: «[آری] این سرای آخرت را [تنها] برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده‌ی برتری‌جویی در زمین و فساد را ندارند و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است». آری، به خدا آن را خوب شنیده و حفظ کرده بودند، اما دنیا در دیده‌ی آن‌ها زیبا نمود و زیور آن چشم‌هایشان را خیره کرد.

۴-۶-۷- بزرگداشت

﴿۲۴۰۵﴾ دنیا را آسان بگیرید تا بر شما آسان بگیرد، آن را پست در نظر بگیرید تا آخرت برای شما بلندمرتبه گردد؛ و آن را گرامی ندارید که آخرت در چشمتان پست می‌گردد. دنیا شایسته‌ی گرامی داشتن نیست.

۷-۷- فراوانی خواب و خوراک

﴿۲۴۰۶﴾ خداوند در خطاب به پیامبر ﷺ: «ای احمد! دنیا و اهل آن را دوست مدار و آخرت و اهل آن را دوست خود گیر». پرسید: «خدایا اهل دنیا و آخرت چه کسانی هستند؟» فرمود: «اهل دنیا کسی است که بسیار بخورد؛ بسیار بخندد؛ بسیار خشم گیرد.

۱-۷-۷- خوردن

﴿۲۴۰۷﴾ در این دنیا همچون گوسفندی نباش که در کشتزار سبزی قرار گرفته و خورده تا چاق گردیده است. پس کشتش به خاطر چاق شدن اوست. ولی دنیا را همچون پلی بدان که بر روی رودخانه‌ای قرار گرفته که در حال عبور از آن هستی و آن را ترک می‌کنی و تا آخر روزگار دیگر به آن باز نمی‌گردی.

﴿۲۴۰۸﴾ به‌زودی بعد از شما مردمی می‌آیند که غذاهای خوشمزه و رنگارنگ دنیا را می‌خورند و با زنان زیباروی و رنگارنگ ازدواج می‌کنند، رنگارنگ‌ترین لباس‌ها را می‌پوشند و بر زیباترین و خوش‌رنگ‌ترین اسب‌ها سوار می‌شوند، شکم‌هایی دارند که با اندک طعامی سیر نمی‌شود و به بهره‌ی زیاد نیز قانع نمی‌شوند. به دنیا سخت می‌چسبند و روز و شب رو به‌سوی آن دارند و به‌جای خدایشان، دنیا را به خدایی می‌گیرند. کار خود را به اتمام می‌رسانند و از هوی و

هوس

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / كَثْرَةُ الْأَكْلِ وَالنَّوْمِ﴾

يَعُودُ مَرْضَاهُمْ وَلَا يَتَّبِعُ جَنَائِزَهُمْ وَلَا يُوقَّرُ كِبِيرُهُمْ فَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ أَعَانَ عَلَى هَدْمِ الْإِسْلَامِ؛
مجموعة ورام، ج ١، ص ١٥٥
٧-٧-٢- الشُّرْبُ

﴿٢٤٠٩﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ أَزْدَادَ
عَطْشًا حَتَّى يَقْتُلَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣١١
﴿٢٤١٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا لَا تَصْفُو لِشَارِبٍ وَلَا تَقِي لِصَاحِبٍ؛ غرر الحكم، ص ١٣٧
٧-٧-٣- الشُّبُعُ

﴿٢٤١١﴾ الرسول ﷺ: سَمِعْتُ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ قَالَ إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: إِنَّ أَكْثَرَ
النَّاسِ شَبَعًا فِي الدُّنْيَا أَكْثَرُهُمْ جُوعًا فِي الْآخِرَةِ؛ وسائل الشيعية، ج ٢٤، ص ٢٤٥
﴿٢٤١٢﴾ الرسول ﷺ: مِنْهُوَ مَنْ لَا يَشْبَعَانِ طَالِبُ دُنْيَا وَطَالِبُ عِلْمٍ فَمَنْ اقْتَصَرَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى
مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَهُ سَلِمَ وَمَنْ تَنَاوَلَهَا مِنْ غَيْرِ حِلِّهَا هَلَكَ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ أَوْ يُرَاجَعَ وَمَنْ أَخَذَ الْعِلْمَ
مِنْ أَهْلِهِ وَعَمِلَ بِعِلْمِهِ نَجَا وَمَنْ أَرَادَ بِهِ الدُّنْيَا فَهِيَ حَظُّهُ؛ الكافي، ج ١، ص ٤٦
٧-٧-٤- الْغِنَى

﴿٢٤١٣﴾ الرسول ﷺ: الْفَقْرُ فَقْرَانِ فَقْرُ الدُّنْيَا وَفَقْرُ الْآخِرَةِ فَقَرُ الدُّنْيَا غِنَى الْآخِرَةِ وَغِنَى
الدُّنْيَا فَقْرُ الْآخِرَةِ وَذَلِكَ الْهَلَاكُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٩، ص ٤٧
٧-٧-٥- التَّنَعُّمُ

﴿٢٤١٤﴾ الرسول ﷺ: يَا ابْنَ مَسْعُودٍ مَا يُغْنِي مَنْ يَتَنَعَّمُ فِي الدُّنْيَا إِذَا أُخْلِدَ فِي النَّارِ؛
مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٢٨
٧-٧-٦- التَّمَتُّعُ

﴿٢٤١٥﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الدُّنْيَا ثَلَاثَةَ أَجْزَاءٍ جُزْءٌ لِلْمُؤْمِنِ وَجُزْءٌ لِلْمُنَافِقِ وَجُزْءٌ
لِلْكَافِرِ فَالْمُؤْمِنُ يَتَرَوَّدُ وَالْمُنَافِقُ يَتَزَيَّنُ وَالْكَافِرُ يَتَمَتَّعُ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣٧
٧-٧-٧- النَّصِيبُ

﴿٢٤١٦﴾ الرسول ﷺ: مَنْ بَدَأَ بِنَصِيبِهِ مِنَ الدُّنْيَا فَاتَهُ نَصِيبُهُ مِنَ الْآخِرَةِ وَلَمْ يُدْرِكْ مِنْهَا مَا
يُرِيدُ وَمَنْ بَدَأَ بِنَصِيبِهِ مِنَ الْآخِرَةِ وَصَلَ إِلَيْهِ نَصِيبُهُ مِنَ الدُّنْيَا وَأَدْرَكَ مِنَ الْآخِرَةِ مَا يُرِيدُ؛
بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٢٥

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / فراوانی خواب و خوراک»

خود تبعیت می‌کنند. پس بر طبق احکام شریعتی که پیامبر ﷺ آورده، هرکدام شما یا نوه‌ها و آیندگان شما که در زمان حیات آن‌ها بود، نه بر آنان سلام کند و نه به عیادت مریض‌های آنان برود. به تشییع مرده‌هایشان نرود و پیران آنان را بزرگ بشمارد که هرکس خلاف این انجام دهد، به نابودی اسلام کمک کرده است.

۷-۷-۲- نوشیدن

«۲۴۰۹» ای هشام، سرای دنیا مانند آب دریاست، که هرچه فرد تشنه از آن بنوشد، تشنه‌تر می‌شود تا آنجا که هلاکش می‌سازد.

«۲۴۱۰» دنیا برای کسی که آن را بنوشد، گوارا نیست و به صاحب خود وفا نمی‌کند.

۷-۷-۳- سیر کردن خود

«۲۴۱۱» سلمان فارسی رضی الله عنه گفت: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «سیرترین انسان‌ها در دنیا گرسنه‌ترین آن‌ها در آخرت هستند.

«۲۴۱۲» دو گرسنه هستند هرگز سیر نمی‌شوند: ۱. طالب دنیا ۲. طالب علم. کسی که بر حلال دنیا اکتفا کند، سالم می‌ماند و کسی که حرام دنیا را بخورد، هلاک می‌گردد، مگر توبه کند یا برگردد. و کسی که علم را از اهل فراگیرد و به آن عمل کند، نجات می‌یابد. و کسی که به وسیله‌ی آن علم، دنیا را بخواهد، فقط همان دنیا بهره‌ی اوست.

۷-۷-۴- توانگری و دارایی

«۲۴۱۳» فقر دو نوع است: فقر دنیا و فقر آخرت. فقر دنیا، بی‌نیازی آخرت را در پی دارد؛ و بی‌نیازی دنیا، فقر آخرت را و چنین بی‌نیازی مایه‌ی هلاکت است.

۷-۷-۵- در نعمت بودن

«۲۴۱۴» ای پسر مسعود! آن که در دنیا در لذت و نعمت است، چه سودی می‌برد وقتی در آتش ابدی دوزخ خواهد بود.

۷-۷-۶- بهره‌بردن

«۲۴۱۵» خداوند دنیا را سه بخش قرار داده است: بخشی برای مؤمن و بخشی برای منافق و بخش دیگر برای کافر، اما مؤمن از دنیا توشه برمی‌دارد، منافق آن را می‌آراید و کافر از دنیا کامروایی می‌کند.

۷-۷-۷- بهره‌برداری

«۲۴۱۶» همانا هرکس به دنبال بهره‌اش از دنیا باشد، بهره‌ی آخرتش را از دست می‌دهد و به خواسته‌های دنیوی‌اش نیز، دست نمی‌یابد و اما کسی که در پی بهره‌ی آخرتش باشد، بهره‌ی دنیوی‌اش نیز به او می‌رسد و به خواسته‌های اخروی‌اش، دست می‌یابد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْوُثُوقُ﴾

٧-٧-٨- التَّنَاوُلُ

﴿٢٤١٧﴾ السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَغْرَتَكُمْ فَمَا أَكْثَرَ مَنْ يُعْجِزُهُ تَنَاوُلُ الدُّنْيَا وَرُكُوبُ الْمَحَارِمِ مِنْهَا لِضَعْفِ نَبِيَّتِهِ... وَكَيْفَ مَحَبَّتُهُ لِلرَّئِاسَاتِ الْبَاطِلَةِ وَزُهْدُهُ فِيهَا فَإِنَّ فِي النَّاسِ مَنْ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ بَتَرَكِ الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا وَيَرَى أَنَّ لَذَّةَ الرَّئِاسَةِ الْبَاطِلَةِ أَفْضَلُ مِنْ لَذَّةِ الْأَمْوَالِ وَالنَّعَمِ الْمُبَاحَةِ؛ وسائل الشريعة، ج ٨، ص ٣١٨

٧-٨- الوُثُوقُ

٧-٨-١- حُسْنُ الظَّنِّ

﴿٢٤١٨﴾ امير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ حَسَنَ ظَنَّهُ بِالدُّنْيَا تَمَكَّنَتْ مِنْهُ الْمِخْنَةُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

٧-٨-٢- الْأَمْنُ

﴿٢٤١٩﴾ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَيَلُ لِمُصَاحِبِ الدُّنْيَا كَيْفَ يَمُوتُ وَيَتْرُكُهَا وَيَأْمَنُهَا وَتَغْرُهُ وَيَتَّقُ بِهَا وَتَخْذُلُهُ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٨

﴿٢٤٢٠﴾ لَقْمَانُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بُنَيَّ لَا تَأْمَنُ مِنَ الدُّنْيَا وَالذُّنُوبِ وَالشَّيْطَانِ فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٤٢٧

٧-٨-٣- السَّكَنُ

﴿٢٤٢١﴾ امير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَيْفَ يَدْعَى حُبَّ اللَّهِ مَنْ سَكَنَ قَلْبُهُ حُبَّ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١

﴿٢٤٢٢﴾ مُنَاجَاةُ: إِلَهِي عَجَبًا لِقُلُوبٍ سَكَنَتْ إِلَى الدُّنْيَا وَتَرَوَّحَتْ بِرُوحِ الْمُنَى وَقَدْ عَلِمَتْ أَنَّ مُلْكَهَا زَائِلٌ وَنَعِيمُهَا رَاحِلٌ وَظِلُّهَا آفِلٌ وَسَنْدُهَا مَائِلٌ وَحُسْنُ نَصَارَةِ بَهْجَتِهَا حَائِلٌ وَحَقِيقَتُهَا بَاطِلٌ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١١١

٧-٨-٤- الْأَنْسُ

﴿٢٤٢٣﴾ امير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: اجْعَلِ الدُّنْيَا شَوْكَاً وَانْظُرْ أَيْنَ تَضَعُ قَدَمَكَ مِنْهَا فَإِنَّ مَنْ رَكَنَ إِلَيْهَا خَذَلَتْهُ وَمَنْ أُنْسَ فِيهَا أَوْحَشَتْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٢

﴿٢٤٢٤﴾ امير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْسُوا بِالدُّنْيَا فَغَرَّتْهُمْ وَوَقَّعُوا بِهَا فَصَرَعَتْهُمْ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٣، ص ٩٩

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / اعتماد»

۷-۷-۸- دست‌یابی

﴿۲۴۱۷﴾ فریب نخورید؛ زیرا چه بسیارند کسانی که از به‌دست‌آوردن دنیا و حرام آن عاجزند و این ناتوانی به علت ضعف نیت و اراده است... دقت کنید که آیا به ریاست‌های باطل علاقه دارد یا ندارد، زیرا بعضی انسان‌ها در دنیا و آخرت خسارت زده‌اند. دنیا را برای دنیا ترک می‌کنند و لذت ریاست باطل را بهتر از لذت اموال و نعمت‌های مباح می‌دانند.

۷-۸- اعتماد

۷-۸-۱- حسن ظن

﴿۲۴۱۸﴾ کسی که به دنیا خوش‌بین باشد، گرفتار دردهای دنیا می‌شود.

۷-۸-۲- اطمینان کردن

﴿۲۴۱۹﴾ وای بر هواخواه دنیا که چگونه می‌میرد و آن را ترک می‌گوید، چگونه دنیا را مورد اطمینان قرار می‌دهد و دنیا او را فریب می‌دهد، و چگونه به دنیا اعتماد می‌کند و دنیا او را خوار و ذلیل می‌گرداند.

﴿۲۴۲۰﴾ ای پسر، تا زمانی که گناهان و شیطان در دنیا هستند، از آن در امان نباش.

۷-۸-۳- آرامش گرفتن

﴿۲۴۲۱﴾ چگونه کسی که حب دنیا ساکن قلبش شده، ادعای حب خداوند را دارد.
﴿۲۴۲۲﴾ پروردگارا، شگفتا از دل‌هایی که به دنیا آرام گرفته‌اند و با یاد آرزوها آرامش یافته‌اند، درحالی که می‌دانند دارایی آن از بین‌رفتنی است و نعمت‌هایش نابود می‌شود و سایه‌اش ناپدید می‌شود و تکیه‌گاهش کج و خمیده و زیبایی و شادمانی‌اش پوشیده است و حقیقت آن باطل است.

۷-۸-۴- انس

﴿۲۴۲۳﴾ دنیا را خارستانی حساب کن، متوجه باش پای خود را کجا می‌گذاری. هرکس به آن اعتماد کند، دنیا او را خوار می‌نماید و هرکس به آن انس بگیرد او را به وحشت می‌اندازد.
﴿۲۴۲۴﴾ [گذشتگان] به دنیا انس گرفتند ولی آن‌ها را فریفت؛ به دنیا اعتماد کردند ولی آن‌ها را زمین زد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْوُثُوقُ﴾

٥-٨-٧- الرُّكُونُ

﴿٢٤٢٥﴾ السَّجَّادُ (عليه السلام): لَا تَرْكُنُوا إِلَى مَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا رُكُونٌ مِّنْ أَعْدَهَا دَارًا وَقَرَارًا؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٤٨

﴿٢٤٢٦﴾ لَا تَرْكُنُوا إِلَى مَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا رُكُونٌ مِّنْ اتَّخَذَهَا دَارَ قَرَارٍ وَمَنْزِلَ اسْتِيْطَانٍ؛

وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ١١

﴿٢٤٢٧﴾ الرُّسُولُ (عليه السلام): لَا تَرْكُنُوا إِلَى زَهْرَةِ الدُّنْيَا؛ أَعْلَامُ الدِّينِ، ص ٢٢٥

﴿٢٤٢٨﴾ السَّجَّادُ (عليه السلام): وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الدُّنْيَا فَإِنَّ اللَّهَ قَالَ لِمُحَمَّدٍ (عليه السلام) وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ

ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمْ النَّارُ وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى هَذِهِ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا رُكُونٌ مِّنْ اتَّخَذَهَا دَارَ قَرَارٍ؛

تحف العقول، ص ٢٥٢

﴿٢٤٢٩﴾ لَقْمَانُ (عليه السلام): يَا بُنَيَّ لَا تَرْكُنْ إِلَى الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٤١١

﴿٢٤٣٠﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): يَا مُوسَى لَا تَرْكُنْ إِلَى الدُّنْيَا رُكُونَ الظَّالِمِينَ وَرُكُونٌ مِّنْ اتَّخَذَهَا أَبًا وَ

أُمًّا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٥

﴿٢٤٣١﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): الرُّكُونُ إِلَى الدُّنْيَا مَعَ مَا يُعَايِنُ مِنْهَا جَهْلٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ١٣

﴿٢٤٣٢﴾ عَمَّارٌ (عليه السلام): مَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يَقُولُوا الْحَقَّ إِلَّا الرُّكُونُ إِلَى الدُّنْيَا وَالْحُبُّ لَهَا؛ الكافي،

ج ٨، ص ٢٠٦

﴿٢٤٣٣﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): مَا رَأَيْتُ إِيْمَانًا مَعَ يَقِينٍ أَشْبَهَ مِنْهُ بِشَكٍّ عَلَى هَذَا الْإِنْسَانِ إِنَّهُ

كُلَّ يَوْمٍ يُودَعُ إِلَى الْقُبُورِ وَ يُشَيَّعُ وَ إِلَى غُرُورِ الدُّنْيَا يَرْجِعُ... وَلَقَدْ غَفَلْنَا عَنِ الْمَوْتِ غَفْلَةً أَقْوَامٌ

غَيْرِ نَازِلٍ بِهِمْ وَ رَكَنًا إِلَى الدُّنْيَا وَ شَهَوَاتِهَا رُكُونٌ أَقْوَامٌ قَدْ آيَقَنُوا بِالْمَقَامِ؛ بحار الأنوار، ج ٦، ص ١٣٧

﴿٢٤٣٤﴾ الزَّهْرَاءُ (عليها السلام): أَنْكُمْ رَكَنْتُمْ إِلَى الدُّنْيَا فَارْضَيْتُمْ بِالضَّيْمِ وَ شَحَحْتُمْ عَلَى الْحُطَامِ... وَأَنْتُمْ

فِي غَفْلَةِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١٠، ص ١١٢

﴿٢٤٣٥﴾ الْحُسَيْنُ (عليه السلام): فَلَا تَغْرَنَكُمْ هَذِهِ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا تَقْطَعُ رَجَاءَ مَنْ رَكَنَ إِلَيْهَا وَ تُخَيِّبُ طَمَعَ

مَنْ طَمَعَ فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٥، ص ٥

﴿٢٤٣٦﴾ آدَمُ (عليه السلام): أَوْصَى آدَمُ ابْنَهُ... لَا تَرْكُنُوا إِلَى الدُّنْيَا الْفَانِيَةِ فَإِنِّي رَكَنْتُ إِلَى الْجَنَّةِ الْبَاقِيَةِ

فَمَا صَحِبَ لِي وَ أَخْرَجْتُ مِنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٥٢

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / اعتماد»

۵-۸-۷- اعتماد

﴿۲۴۲۵﴾ به آنچه در این سراسر مانند کسی که آن را خانه‌ی ابدی و قرارگاه همیشگی ساخته اعتماد نکنید.

﴿۲۴۲۶﴾ از آنچه خداوند شما را برحذر داشته به هوش باشید! و در آنچه از این سرا از علاقه به آن شما را بازداشته، زهد پیشه کنید، و به آنچه در این سراسر، مانند کسی که آن را خانه‌ی ابدی و قرارگاه همیشگی ساخته اعتماد نکنید.

﴿۲۴۲۷﴾ به زیبایی‌های دنیا اعتماد نکنید.

﴿۲۴۲۸﴾ و به دنیا گرایش پیدا نکنید و به دنیا پشتتان گرم نشود که بی‌شک خداوند به پیامبر ﷺ فرموده است: و بر ظالمان تکیه ننمایید که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد و به این سرا و آنچه در آن است، همچون اعتماد کسی که آن را قرارگاه و منزلگاه خود گرفته است، پشت گرم نشده و اعتماد نکنید.

﴿۲۴۲۹﴾ ای پسر، به دنیا اعتماد نکن.

﴿۲۴۳۰﴾ ای موسی! به دنیا همچون تکیه کردن ظالمان و تکیه کردن کسی که دنیا را پدر و مادر خود گرفته است، تکیه نکن.

﴿۲۴۳۱﴾ اعتماد به دنیا با مشاهداتی که از آن داری، نادانی است.

﴿۲۴۳۲﴾ چه چیزی مانع آن است که مردم حق را بگویند جز آنکه گمان می‌کنند در دنیا ماندنی هستند و دنیا را دوست گرفته‌اند.

﴿۲۴۳۳﴾ هیچ ایمان توأم با یقینی ندیدم که برای این انسان به شک شبیه‌تر باشد؛ او هر روز مردگان را به‌سوی گورستان تودیع و تشییع می‌کند و با این حال باز به دنیای فریبده روی می‌آورد... غافل گشته و به دنیا و شهوات آن تکیه داده‌ایم؛ مانند تکیه‌ی اقوامی که به ماندن یقین دارند.

﴿۲۴۳۴﴾ شما به دنیا تکیه کرده و راضی به ستم کشیدن شدید و به دارایی دنیا بخل ورزیدید... و شما در غفلت دنیا به سر می‌برید.

﴿۲۴۳۵﴾ مبدا این دنیا شما را فریب دهد، زیرا این دنیا امید کسی را که به آن دلبستگی داشته باشد، قطع می‌کند و طمع هر کسی را که به آن طمع کند، نابود می‌نماید.

﴿۲۴۳۶﴾ آدم ﷺ به فرزند خود سفارش کرد: «... به دنیای فانی اعتماد نکنید، من به بهشت پایدار اعتماد کردم ولی با من همنشین نشد و بیرون شدم».

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُؤَاجَهَةِ بِالذُّنْيَا / الْوُثُوقُ﴾

﴿٢٤٣٧﴾ الرضا عليه السلام: وَعَجِبْتُ لِمَنْ رَأَى الدُّنْيَا وَتَقَلَّبَهَا بِأَهْلِهَا كَيْفَ يَرْمِكُنْ إِيَّاهَا؛ الكافي، ج ٢،

ص ۵۹

﴿٢٤٣٨﴾ الرِّسُولُ ﷺ وَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى عليه السلام أَنْ يَا مُوسَى لَا تَرْكَنْ إِلَى حُبِّ الدُّنْيَا فَلَنْ تَأْتِيَنَّ بِكِبْرَةٍ هِيَ أَشَدُّ مِنْهَا؛ التحصين لابن فهد الحلبي، ص ٢٧

﴿٢٤٣٩﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): اجعل الدنيا شوكة وانظر أين تضع قدمك منها فإن من ركن إليها خذلته؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٢

﴿٢٤٤﴾ موسى عليه السلام: يَا مُوسَى عليه السلام: كَيْفَ تَرَجُّوْنَا وَهِيَ قَدْ قَنَعَتْ بِالْدُّنْيَا وَاتَّخَذَتْهَا مَأْوًى
وَرَكْنَتْ إِلَيْهَا رُكُونُ الظَّالِمِينَ؛ الكافي، ج ٨، ص ٤٥
٤-٨-٧- الإطمئنان

﴿٢٤٤﴾ الباقِرُ (عليه السلام): يَا جَابِرُ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَطْمَئِنُوا إِلَى الدُّنْيَا بِبَقَائِهِمْ فِيهَا وَلَمْ يَأْمَنُوا قُدُومَهُمُ الْآخِرَةَ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٢

﴿٢٤٤٢﴾ الباقِرُ الرَّحْمَنُ: يَا جَابِرُ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَطْمَئِنُّوا إِلَى الدُّنْيَا لِلْبَقَاءِ فِيهَا وَلَمْ يَأْمَنُوا فُتُورَ
الْآخِرَةِ عَلَيْهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٨٥

﴿٢٤٤٣﴾ الباقِرُ الرَّحِيمُ: يَا جَابِرُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَرْكُزَ وَيَطْمَئِنَّ إِلَى زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٥

﴿٢٤٤﴾ العسكرى عليه السلام: قَالَ: فَمَا الْحُمُقُ قَالَ الطَّمَانِينَةُ إِلَى الدُّنْيَا وَتَرَكُوا مَا يَدُومُ وَيَبْقَى؛
بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٢١

﴿٢٤٤٥﴾ الكاظم (عليه السلام): وَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا لَا تَصْلُحُ لَكُمْ كَمَا لَا تَصْلُحُ لِمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِمَّنْ أَطْمَأَنَّ إِلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٤٦

﴿٢٤٤﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): لَنْ تَعُدَّوْ الدُّنْيَا إِذَا تَنَاهَتْ إِلَيْهَا أُمْنِيَّةُ أَهْلِ الرَّغْبَةِ فِيهَا الْمُطْمَئِنِّينَ
إِلَيْهَا الْمُعْتَرِينَ بِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٩

﴿٢٤٤٧﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): فَلَا تَطْمِئِنَّ إِلَى الدُّنْيَا فَإِنَّهَا غَرَارَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٧٥

﴿٢٤٤٨﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): فَاحْذَرُ يَوْمًا تَغْشَى فِيهِ مَنْ أَحْمَدَ عَاقِبَةَ عَمَلِهِ وَتُنْذِمُ فِيهِ مَنْ

﴿٢٤٩﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): وَ عَجَبًا لِمَنْ رَأَى الدُّنْيَا وَ تَقَلَّبَهَا بِأَهْلِهَا ثُمَّ هُوَ يَطْمَئِنُّ إِلَيْهَا؛ أَمْكَنَ الشَّيْطَانُ مِنْ قِيَادِهِ وَ لَمْ يُحَادِّهِ وَ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَ أَطْمَأَنَّ إِلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٥٣٧

مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۹۶

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / اعتماد»

﴿۲۴۳۷﴾ در تعجبم از کسی که دنیا و دگرگونی‌های آن را می‌بیند با این وصف به دنیا اعتماد می‌کند.

﴿۲۴۳۸﴾ خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد که ای موسی، به حبّ دنیا دل نبند، که هرگز گناه بزرگی، بدتر از اعتماد به دنیا مرتکب نخواهی شد.

﴿۲۴۳۹﴾ دنیا را خارستانی حساب کن، متوجه باش پای خود را کجا می‌گذاری. هرکس به آن اعتماد کند، دنیا او را خوار می‌نماید.

﴿۲۴۴۰﴾ ای موسی! چطور ممکن است که مخلوقی امید پاداش داشته باشد درحالی‌که به دنیا قانع شده و آن را پناهگاه خود قرار داده و مانند ظالمان به آن تکیه داده و اعتماد کرده است؟! است؟!

۶-۷-۸- اطمینان

﴿۲۴۴۱﴾ ای جابر، مؤمنین به ماندن در دنیا اطمینان نکردند و از ورود به آخرت ایمن نشدند.
﴿۲۴۴۲﴾ ای جابر! مؤمنان به پایداری زندگی این سرا تکیه و اعتماد نمی‌کنند، و خود را از ورود گام‌های آخرت ایمن نمی‌دانند.

﴿۲۴۴۳﴾ ای جابر! شایسته‌ی فرد مؤمن نیست که به زیبایی‌های زندگی این سرا تکیه و اعتماد کند.

﴿۲۴۴۴﴾ شاهزاده پرسید: «حماقت چیست؟» بلوهر گفت: «دل به دنیادادن و ترک کردن امور بادوام و باقی.»

﴿۲۴۴۵﴾ مبدا دنیا شما را فریب دهد زیرا دنیا به صلاح شما رفتار نمی‌کند، چنانچه با پیشینیان که دل به او بسته بودند، خوب رفتار نکرد.

﴿۲۴۴۶﴾ هرگز آرزوی علاقمندان به دنیا در واپسین روزهای زندگی برآورده نشده است. کسانی که اعتماد به دنیا دارند گول خورده‌اند.

﴿۲۴۴۷﴾ پس به دنیا اطمینان نکن که آن بسیار فریبنده است.

﴿۲۴۴۸﴾ پس بترس از آن روزی که هرکس سرانجام کردارش پسندیده باشد، مورد غبطه قرار می‌گیرد و آنکه لگامش را به شیطان سپرده و با ابلیس مبارزه نکرده، دنیایش او را فریفته و او را به آن دل بسته، پشیمان است.

﴿۲۴۴۹﴾ عجا از کسی که دنیا و دگرگونی آن را بر اهلش می‌بیند با این وصف به آن اطمینان می‌کند.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْوُثُوقُ﴾

﴿٢٤٥٠﴾ الصادق عليه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ يَرَى الدُّنْيَا وَتَصَرَّفَ أَهْلِهَا حَالًا بَعْدَ حَالٍ كَيْفَ يَطْمَئِنُّ إِلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٢٨٥

﴿٢٤٥١﴾ الصادق عليه السلام: وَإِنْ كَانَتِ الدُّنْيَا فَانِيَةً فَالطُّمَأْنِينَةُ إِلَيْهَا لِمَا ذَا؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٩٣

﴿٢٤٥٢﴾ الصادق عليه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ رَأَى تَقَلُّبَ الدُّنْيَا بِأَهْلِهَا كَيْفَ يَطْمَئِنُّ إِلَيْهَا؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٧٤

﴿٢٤٥٣﴾ الصادق عليه السلام: لِيَكُنْ طَلَبُكَ لِلْمَعِيشَةِ فَوْقَ كَسْبِ الْمُضَيِّعِ وَدُونِ طَلَبِ الْحَرِيسِ الرَّاضِي بِدُنْيَاهُ الْمُطْمَئِنِّ إِلَيْهَا؛ الكافي، ج ٥، ص ٨١

﴿٢٤٥٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مِثْلُ الْحَيَّةِ لَيْنُ مَسِّهَا قَاتِلُ سَمِّهَا فَأَعْرِضْ عَمَّا يُعْجِبُكَ فِيهَا لِقَلَّةِ مَا يَصْحَبُكَ مِنْهَا وَكُنْ أَنْسَ مَا يَكُونُ إِلَيْهَا أَوْحَشَ مَا تَكُونُ مِنْهَا فَإِنَّ صَاحِبَهَا كُلَّمَا اطْمَأَنَّ مِنْهَا إِلَى سُرُورٍ أَشْخَصَتْهُ إِلَى مَكْرُوهٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٠

٧-٨-٧- اليقين

﴿٢٤٥٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَلَوْ كُنْتُمْ تَوْقِنُونَ بَخَيْرِ الْآخِرَةِ وَشَرِّهَا كَمَا تَوْقِنُونَ بِالدُّنْيَا لَأَثَرْتُمْ طَلَبَ الْآخِرَةِ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣٤

٧-٨-٨- الإعتصام

﴿٢٤٥٦﴾ عيسى عليه السلام: كَيْفَ تَزْعُمُونَ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ وَأَنْتُمْ تَقْرُونَ مِنَ الْمَوْتِ وَتَعْتَصِمُونَ بِالدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٠٧

٧-٨-٩- الإعتِمَادُ

﴿٢٤٥٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اعْتَمَدَ عَلَى الدُّنْيَا فَهُوَ الشَّقِيُّ الْمَحْرُومُ؛ غرر الحكم، ص ١٤٠

٧-٨-١٠- التَّمَسُّكُ

﴿٢٤٥٨﴾ السَّجَّاد عليه السلام: أَوْصِيكُمْ بِدَارِ الْآخِرَةِ وَلَا أَوْصِيكُمْ بِدَارِ الدُّنْيَا فَإِنَّكُمْ عَلَيْهَا حَرِصُونَ وَبِهَا مُتَمَسِّكُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٠٧

٧-٨-١١- الْوُثُوقُ

﴿٢٤٥٩﴾ العسكري عليه السلام: وَإِيَّاكُمْ أَنْ تَتَوَقَّفُوا إِلَى أَمَانِي الدُّنْيَا... وَقِيحَةِ مُهْلِكَةِ لِلرُّوحِ وَالْجَسَدِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٤٣

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / اعتماد»

﴿۲۴۵۰﴾ تعجب می‌کنم کسی که دنیا و تغییر حالت آن با مردم را می‌بیند، چگونه به آن اطمینان می‌کند؟!

﴿۲۴۵۱﴾ اگر دنیا فانی است، پس اطمینان به آن چرا؟!؟

﴿۲۴۵۲﴾ در عجبم از آن که به دوزخ یقین دارد و با این حال دهان به خنده می‌گشاید. و از آن که رویگردانی و دگرگونی دنیا را از اهلش می‌بیند و باز هم به دنیا اطمینان می‌کند.

﴿۲۴۵۳﴾ باید طلب تو برای روزی و گذران زندگی، بیشتر از انسان‌های تلف‌کننده و کمتر از اشخاص حریص دنیا دوست و دل به دنیا داده باشد.

﴿۲۴۵۴﴾ دنیا همچون ماری است که پوستی نرم دارد اما زهرش کشنده است. از چیزهایی که در دنیا خوشایند توست، به واسطه‌ی عمر کوتاهی که دارد، کناره بگیر. و از هرچه در دنیا بیشتر خوش می‌آید، بیشتر فرار کن؛ زیرا دنیا داران به هرچه بیشتر متمایل شوند، [آن را] با ناراحتی تحویل می‌دهند.

۷-۸-۷- یقین

﴿۲۴۵۵﴾ اگر شما به خیر و شر آخرت باور داشتید، همان‌طوری که به دنیا باور دارید، هرآینه آخرت‌خواهی را بر دنیاجویی مقدم می‌داشتید.

۷-۸-۸- چنگ‌زدن

﴿۲۴۵۶﴾ چگونه گمان می‌کنید که فقط شما و نه دیگر مردمان از اولیاء و دوستان خداوند هستید، درحالی که از مرگ می‌گریزید و دنیا را چنگ می‌زنید؟

۷-۸-۹- اعتماد

﴿۲۴۵۷﴾ کسی که به دنیا اعتماد کند، بدبخت و محروم می‌شود.

۷-۸-۱۰- آویختن

﴿۲۴۵۸﴾ شما را به خانه‌ی آخرت توصیه می‌کنم و به خانه‌ی دنیا سفارش نمی‌کنم. پس شما بر آن حریص هستید و به آن متمسک هستید.

۷-۸-۱۱- اعتماد

﴿۲۴۵۹﴾ از فرایض خود مراقبت کنید و مبدا به آرزوهای دنیوی اعتماد کنید... از هر عمل زشت و نکوهیده‌ی دیگر که کُشنده‌ی روح و تن است، بپرهیزید.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / اللَّذَّةُ﴾

﴿٢٤٦٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَتَبَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِلَى عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ مِنْ عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الَّذِي أَعْجَبَكَ مِمَّا بَارَيْتَ مِنَ الدُّنْيَا وَتَنَقَّتَ بِهِ
مِنْهَا مُنْقَلَبُ عَنْكَ فَلَا تَطْمَئِنَّ إِلَى الدُّنْيَا فَإِنَّهَا غَرَارَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٧٥

﴿٢٤٦١﴾ عيسى عليه السلام: وَيَلُ لِمَصَاحِبِ الدُّنْيَا كَيْفَ يَمُوتُ وَيَتْرُكُهَا وَيَأْمُنُهَا وَتَغْرُهُ وَيَتَّقُ بِهَا وَ
تَخَذُلُهُ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٨

﴿٢٤٦٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ وَثِقَ بِغُرُورِ الدُّنْيَا [فَقَدْ] أَمِنَ مَخُوفَهُ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

﴿٢٤٦٣﴾ الرسول ﷺ: مَنْ يَتَّقِ بِالدُّنْيَا يَعْجِزُ عَنْهُ؛ الزهد، ص ١٤

﴿٢٤٦٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَمْ مِنْ وَائِقٍ بِالدُّنْيَا قَدْ فَجَعَتْهُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

١٢-٧-٨-الإواء

﴿٢٤٦٥﴾ موسى عليه السلام: يَا مُوسَى عليه السلام كَيْفَ تَخْشَعُ لِي خَلِيقَةً لَا تَعْرِفُ فَضْلِي عَلَيْهَا وَكَيْفَ
تَعْرِفُ فَضْلِي عَلَيْهَا وَهِيَ لَا تَنْظُرُ فِيهِ وَكَيْفَ تَنْظُرُ فِيهِ وَهِيَ لَا تُؤْمِنُ بِهِ وَكَيْفَ تُؤْمِنُ بِهِ وَهِيَ
لَا تَرْجُو ثَوَابًا وَكَيْفَ تَرْجُو ثَوَابًا وَهِيَ قَدْ قَنَعَتْ بِالدُّنْيَا وَاتَّخَذَتْهَا مَأْوًى وَرَكَنْتَ إِلَيْهَا رُكُونًا
الظَّالِمِينَ؛ الكافي، ج ٨، ص ٤٥

١٣-٧-٨-الإحكام

﴿٢٤٦٦﴾ الصادق عليه السلام: أَحْكِمِ أَمْرَ دِينِكَ كَمَا أَحْكَمَ أَهْلُ الدُّنْيَا أَمْرَ دُنْيَاهُمْ وَإِنَّمَا جُعِلَتْ
الدُّنْيَا شَاهِدًا يُعْرَفُ بِهَا مَا غَابَ عَنَّا مِنَ الْآخِرَةِ فَاعْرِفِ الْآخِرَةَ بِهَا وَلَا تَنْظُرْ إِلَى الدُّنْيَا إِلَّا
بِالاعتِبَارِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٥٣

٩-٧-اللذة

١-٩-٧-اللهو

﴿٢٤٦٧﴾ اللَّهُمَّ... وَارْتَكَبْتُ الذُّنُوبَ بِجَهْلِي لِفَسَادِ عَقْلِي وَالْهَيْبَةِ الدُّنْيَا لِسُوءِ عَمَلِي وَ
اغْتَرَرْتُ بِزِينَتِهَا بِجَهْلِي؛ بحار الأنوار، ج ٩٤، ص ٣٠٨

﴿٢٤٦٨﴾ داود عليه السلام: بَنَى آدَمُ رِهَانِ الْمَوْتِ اعْمَلُوا لِآخِرَتِكُمْ وَاشْتَرَوْهَا بِالدُّنْيَا وَلَا تَكُونُوا

قَقُومٌ أَخَذُواهَا لَهْوًا وَلَعِبًا؛ سعد السعود، ص ٤٩

﴿٤٧٦﴾

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / لذت»

﴿۲۴۶۰﴾ امام علیه السلام برای عمروبن عاص نوشت: از بنده‌ی خدا علی امیرمؤمنان به عمروبن عاص: اما بعد آنچه که از دنیا دیده‌ای تو را شیفته کرده است و به آنچه که از دنیا به آن اطمینان کرده‌ای بر تو دگرگون خواهد شد، پس به دنیا اطمینان نکن که آن بسیار فریبنده است.

﴿۲۴۶۱﴾ وای بر هواخواه دنیا که چگونه می‌میرد و آن را ترک می‌گوید، چگونه دنیا را مورد اطمینان قرار می‌دهد و دنیا او را فریب می‌دهد، و چگونه به دنیا اعتماد می‌کند و دنیا او را خوار و ذلیل می‌گرداند

﴿۲۴۶۲﴾ هرکس بر فریب دنیا اعتماد کند از آنچه باید ترس داشته باشد [ندانسته] خود را ایمن دانسته است.

﴿۲۴۶۳﴾ کسی که به دنیا اعتماد کند، عاجز و درمانده خواهد شد.

﴿۲۴۶۴﴾ چه بسیارند افرادی که به دنیا اعتماد کردند ولی دنیا آن‌ها را به فاجعه‌ها مبتلا کرد.

۱۲-۷- پناهگاه قرارداد

﴿۲۴۶۵﴾ ای موسی! چطور ممکن است که مخلوقی در برابر من خاشع باشد درحالی‌که برتری من را نداند و چطور برتری مرا می‌داند درحالی‌که به من نظر نمی‌کند! چطور به من نظر کند کسی که ایمان ندارد و چطور ایمان داشته باشد درحالی‌که امید پاداش ندارد؟! چطور امید پاداش داشته باشد درحالی‌که به دنیا قانع شده و آن را پناهگاه خود قرار داده و مانند ظالمان به آن تکیه داده و اعتماد کرده است؟!

۱۳-۷- محکم و استوار کردن

﴿۲۴۶۶﴾ همان‌گونه که اهل دنیا، دنیای خود را محکم و استوار می‌کنند تو نیز امر دینت را محکم کن. دنیا شاهی است که به واسطه‌ی آن از امور آخرت که از ما غایب است، اطلاع می‌گیرند. پس با دنیا، آخرت را بشناس و به دنیا جز به دیده‌ی عبرت نگاه نکن.

۹-۷- لذت

۱-۹-۷- سرگرمی

﴿۲۴۶۷﴾ خدایا... با نادانی خود نافرمانی تو را کردم و به خاطر تباهی عقلم مرتکب گناهان شدم و به خاطر بدکرداری، به دنیا علاقمند شدم و از یاد تو غافل گشتم.

﴿۲۴۶۸﴾ ای فرزندان آدم، ای گروگان‌های مرگ، برای آخرتتان تلاش کنید و با دنیا آن را بخرید، و مانند قومی نباشید که آخرت را لهو و لعب فرض کرده‌اند.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / اللَّذَّةُ﴾

﴿٢٤٦٩﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ غَرَّتْنَا وَاشْتَغَلَّتْنَا وَاسْتَهْوَتْْنَا وَاسْتَلْهَتْْنَا وَاسْتَعْوَتْْنَا؛

بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٧٢

٢-٩-٧- اللَّعْبُ

﴿٢٤٧٠﴾ الرسول ﷺ: فَوَ الَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَوْ يَرُونَ مَكَانَهُ وَيَسْمَعُونَ كَلَامَهُ لَذَهَلُوا عَنْ مَبِيتِهِمْ وَلَبَكَّوْا عَلَى نُفُوسِهِمْ حَتَّى إِذَا حُمِلَ الْمَيِّتُ عَلَى نَعْشِهِ رُقِرَ رُوحُهُ فَوْقَ النَّعْشِ وَهُوَ يُنَادِي يَا أَهْلِي وَيَا وَلَدِي لَا تَلْعِنَنَّ بَكُمُ الدُّنْيَا كَمَا لَعِبْتَ بِي فَجَمَعْتُ أَلْمَالَ مِنْ حِلِّهِ وَغَيْرِ حِلِّهِ ثُمَّ خَلَفْتُهُ لِعِيرِي فَأَلْمَهْنُ لَهُ وَالتَّبَعَةُ عَلَيَّ فَاحْذَرُوا مِثْلَ مَا حَلَّ بِي؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٦١

﴿٢٤٧١﴾ داود عليه السلام: بَنَى آدَمَ رِهَانَ الْمَوْتِ اَعْمَلُوا لِآخِرَتِكُمْ وَاشْتَرَوْهَا بِالدُّنْيَا وَلَا تَكُونُوا

كَقَوْمٍ أَخَذُوا هَاهُوَ وَلَعِبًا؛ سعد السعود، ص ٤٩

٣-٩-٧- إلتذاذ

﴿٢٤٧٢﴾ السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَصَدَعَتِ الدُّنْيَا عَمَّا التَّدَبُّرَ بِنَوَاطِرِ فِكْرِهَا مِنْ سُوءِ الْعَقْلَةِ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٥، ص ١٥٦

٤-٩-٧- الْفَرَحُ

﴿٢٤٧٣﴾ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا

مَتَاعٌ؛ (الرعد / ٢٦)

﴿٢٤٧٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَمَا لَكُمْ تَفْرَحُونَ بِالْيُسْرِ مِنَ الدُّنْيَا حِينَ تَأْتِيكُمْ وَيَحْزَنُكُمْ

الْيُسْرِ مِنْهَا؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢٤٨

﴿٢٤٧٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّمَا النَّاسُ ثَلَاثُ زَاهِدٌ وَرَاغِبٌ وَصَابِرٌ أَمَّا الزَاهِدُ فَلَا يَفْرَحُ

بِالدُّنْيَا إِذَا أَتَتْهُ وَلَا يَحْزَنُ عَلَيْهَا إِذَا فَاتَتْهُ؛ الاحتجاج، ج ١، ص ٥٨

﴿٢٤٧٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اجْعَلِ الدُّنْيَا شَوْكًا وَانْظُرْ أَيْنَ تَضَعُ قَدَمَكَ مِنْهَا فَإِنَّ مَنْ رَكَنَ

إِلَيْهَا خَذَلَتْهُ وَمَنْ أُنْسَ فِيهَا أَوْحَشَتْهُ وَمَنْ يَرْغَبُ فِيهَا أَوْهَنْتَهُ وَمَنْ انْقَطَعَ إِلَيْهَا قَتَلَتْهُ وَمَنْ

طَلَبَهَا أَرْهَقَتْهُ وَمَنْ فَرِحَ بِهَا أَتْرَحَتْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٢

﴿٢٤٧٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا خَضِرَةٌ خُلُوهُ وَلَهَا أَهْلٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ لَهَا أَهْلٌ ظَلَفَتْ

أَنْفُسَهُمْ عَنْ مُفَاخَرَةِ أَهْلِ الدُّنْيَا لَا يَتَنَافَسُونَ فِي الدُّنْيَا وَلَا يَفْرَحُونَ بِغَضَارَتِهَا وَلَا يَحْزَنُونَ لِبُؤْسِهَا؛

بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٧٨

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / لذت»

﴿۲۴۶۹﴾ دنیا ما را مغرور و به خود مشغول ساخته و هوایی کرده است و ما را به لهو و بازی واداشته و اغوا کرده است.

۲-۹-۷- بازیچه

﴿۲۴۷۰﴾ سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، اگر جای او (میت) را ببینند و سخنش را بشنوند مرده‌ی خود را فراموش می‌کنند و بر حال خویش می‌گیرند؛ هرگاه میت را در تابوت بگذارند، روحش بر فراز جسد قرار می‌گیرد و صدا می‌زند: «ای اهل و فرزندانم، دنیا با شما بازی نکند چنانچه با من بازی کرد، آن را از حلال و حرام جمع کردم و برای غیر خودم [به ارث] گذاشتم؛ برای او گواراست ولی گناهش برای من است؛ از آنچه که بر سرم آمده، بترسید».

﴿۲۴۷۱﴾ ای فرزندان آدم، ای گروگان‌های مرگ، برای آخرتتان تلاش کنید و با دنیا آن را بخرید، و مانند قومی نباشید که آخرت را لهو و لعب فرض کرده‌اند.

۳-۹-۷- لذت‌جویی

﴿۲۴۷۲﴾ دنیا از غفلت‌زدگی کسانی که دیده بر مناظر زیبای دنیا دوخته‌اند، پرده برداشت.

۴-۹-۷- شادی

﴿۲۴۷۳﴾ خدا روزی را برای هرکس بخواهد [و شایسته بداند] وسیع، برای هر کس بخواهد [و مصلحت بداند] تنگ قرار می‌دهد ولی آن‌ها [کافران] به زندگی دنیا، شاد [و خوشحال] شدند درحالی‌که زندگی دنیا در برابر آخرت، متاع ناچیزی است!

﴿۲۴۷۴﴾ چرا به خوشی اندک دنیا که به شما می‌رسد سرخوش می‌شوید و با بدی اندک که از دنیا به شما می‌رسد محزون می‌شوید؟!

﴿۲۴۷۵﴾ مردم در برابر دنیا سه گروه هستند: زاهد، راغب، صابر؛ زاهد نه به چیزی از دنیا که به دستش می‌آید شاد می‌شود و نه بر آنچه از دستش فوت شود، محزون می‌گردد.

﴿۲۴۷۶﴾ دنیا را خارستانی حساب کن، متوجه باش پای خود را کجا می‌گذاری. هرکس به آن اعتماد کند، دنیا او را خوار می‌نماید و هرکس به آن انیس بگیرد او را به وحشت می‌اندازد. و هرکس به او دل ببندد، او را بی‌ارزش می‌کند و هرکس او را در بر گیرد او را می‌کشد و هرکس در جستجویش باشد، به دشواری می‌اندازد و هرکس مسرور به دنیا شود، او را محزون می‌کند.

﴿۲۴۷۷﴾ دنیا سبز و شیرین است و اهلی دارد. و آخرت نیز اهلی دارد که خود را از مفاخره‌ی اهل دنیا مخفی کردند و در دنیا با هم رقابت نکردند و به شادابی دنیا شادمان نشدند و از گزند آن نیز محزون نگشتند.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / اللَّذَّةُ﴾

﴿٢٤٧٨﴾ الرسول ﷺ: فَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٢٨

﴿٢٤٧٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا بِالْكُم تَفْرَحُونَ بِالسَّيْرِ مِنَ الدُّنْيَا تَذُرُ كُونَهُ وَلَا يَحْزَنُكُمْ

الْكَثِيرُ مِنَ الْآخِرَةِ تُحْرِمُونَهُ وَيُقْلِقُكُمْ السَّيْرُ مِنَ الدُّنْيَا يَفُوتُكُمْ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٧، ص ١١٢

﴿٢٤٨٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَأَمَّا الرَّاهِدُ فَقَدْ خَرَجْتَ الْأَحْزَانُ وَالْأَفْرَاحُ مِنْ قَلْبِهِ فَلَا يَفْرَحُ

بِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا وَلَا يَأْسَى عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا فَاتَهُ فَهُوَ مُسْتَرْحِبٌ؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٥٥

﴿٢٤٨١﴾ السَّجَادُ عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ ثَنَائِي عَلَيْكَ، وَمَدْحِي إِيَّاكَ، وَ

حَمْدِي لَكَ فِي كُلِّ حَالَتِي حَتَّى لَا أَفْرَحَ بِمَا آتَيْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا، وَلَا أَحْزَنَ عَلَى مَا مَنَعْتَنِي فِيهَا؛

الصحيفة السجادية عليه السلام الدعاء ٢١

﴿٢٤٨٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: هَلَكَ الْفَرِحُونَ بِالدُّنْيَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَنَجَا الْمَحْزُونُونَ بِهَا؛

غرر الحكم، ص ١٤١

﴿٢٤٨٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْفَرَحُ بِالدُّنْيَا خُفٌّ؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

﴿٢٤٨٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَمَا نِلْتَ مِنْ دُنْيَاكَ فَلَا تُكْثِرْ بِهِ فَرَحًا وَمَا فَاتَكَ مِنْهَا فَلَا تَأْسَ

عَلَيْهِ جَزَعًا وَلَيْكُنْ هَمُّكَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٤٩٥

﴿٢٤٨٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَأَمَّا الرَّاهِدُ فَلَا يَفْرَحُ بِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا آتَاهُ وَلَا يَحْزَنُ عَلَى شَيْءٍ

مِنْهَا فَاتَهُ؛ بحار الأنوار، ج ١٠، ص ١١٩

﴿٢٤٨٦﴾ الصادق عليه السلام: فَقَالَ وَمَا الْهَاطِيَةُ فَقَالَ بَحَارُ مِنْ نَارٍ فِيهَا جِبَالٌ مِنَ النَّارِ قَالَ وَمَا بَلَغَ

بِكُمْ مَا أَرَى قَالَ حُبُّ الدُّنْيَا وَعِبَادَةُ الطَّاغُوتِ قَالَ وَمَا بَلَغَ مِنْ حُبِّكُمْ الدُّنْيَا قَالَ كَحُبِّ الصَّبِيِّ

لِأُمِّهِ إِذَا أَقْبَلَتْ فَرِحَ وَإِذَا أَذْبَرَتْ حَزَنَ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٢

﴿٢٤٨٧﴾ عيسى عليه السلام: يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَحْزَنُ عَبْدِي الْمُؤْمِنُ أَنْ أَصْرِفَ عَنْهُ الدُّنْيَا وَ

ذَلِكَ أَحَبُّ مَا يَكُونُ إِلَيَّ وَأَقْرَبُ مَا يَكُونُ مِنِّي وَيَفْرَحُ أَنْ أُوسَّعَ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَذَلِكَ أَبْغَضُ

مَا يَكُونُ إِلَيَّ وَأَبْعَدُ مَا يَكُونُ مِنِّي؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣١٧

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / لذت»

﴿۲۴۷۸﴾ به زندگی دنیا شاد و [خوشحال] شدند درحالی که زندگی دنیا در برابر آخرت متاع ناچیزی است.

﴿۲۴۷۹﴾ شما را چه شده که به اندک بهره‌ای از دنیا که برای خود تدارک دیده‌اید شاد هستید اما بر بهره‌ی بسیار آخرت که از آن بی‌بهره شده‌اید، محزون نیستید و اندک نصیبی از دنیا که از دستتان می‌رود شما را به اضطراب می‌اندازد؟!

﴿۲۴۸۰﴾ هرگونه حزن و سرخوشی از قلب زاهد بیرون می‌رود، بنابراین هیچ چیز دنیا، آن‌ها را سرخوش نمی‌کند و بر چیزی از دنیا که از دستشان می‌رود، تأسف نمی‌خورند. پس راحت زندگی می‌کنند.

﴿۲۴۸۱﴾ خدایا، درود بفرست بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام و ستایش و مدح و سپاس مرا مخصوص خود قرار ده تا به آنچه از مال دنیا بر من ارزانی داشته‌ای دلخوش نباشم و به منع تو اندوه نخورم.

﴿۲۴۸۲﴾ کسانی که به داشتن دنیا شادند، در قیامت هلاک می‌گردند. و کسانی که از نداشتن دنیا محزونند، نجات خواهند یافت.

﴿۲۴۸۳﴾ شادمانی به [اقبال] دنیا، حماقت است.

﴿۲۴۸۴﴾ آنچه از دنیا به دست می‌آوری تو را خشنود نسازد و آنچه در دنیا از دست می‌دهی زاری کنان تأسف نخور و همت و تلاش خود را برای پس از مرگ قرار ده.

﴿۲۴۸۵﴾ اما زاهد اگر به حالی یا مقامی برسد، از این نظر هیچ‌گونه سرور و خوشحالی ندارد و اگر از این‌ها چیزی از دستش برود، حزن و اندوهی ندارد.

﴿۲۴۸۶﴾ عیسی علیه‌السلام [خطاب به روح شخصی که با همه‌ی مردم شهرش به عذاب الهی گرفتار شده و مرده بوده] گفت: «هاوِیه چیست؟» پاسخ داد: «دریاهایی از آتش که در آن‌ها کوه‌هایی از آتش قرار گرفته است». عیسی علیه‌السلام گفت: «چه چیزی شما را به این وضعیتی که می‌بینیم دچار ساخته است؟» پاسخ داد: «حبّ دنیا و بندگی طاغوت». عیسی علیه‌السلام گفت: «حبّ دنیا در وجود شما به چه اندازه‌ای رسیده بود؟» پاسخ داد: «به اندازه‌ی وابستگی کودک نسبت به مادرش، آنگاه که به‌سوی او آید، خوشحال می‌شود و هرگاه به او پشت کند، اندوهگین می‌شود».

﴿۲۴۸۷﴾ خطاب خداوند به عیسی علیه‌السلام: بنده‌ی مؤمنم از اینکه دنیا را از او روی گردان کنم اندوهناک می‌گردد؛ درحالی که تهیدستی او در پیشگاه من محبوب‌تر است، و چنانچه در دنیا به او وسعت روزی دهم، شادمان می‌شود؛ درحالی که وسعت روزی او مبعوض‌ترین حالت او در پیشگاه من است و او را از من دور می‌سازد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الإِسْتِغَالُ عَنِ الْآخِرَةِ﴾

٥-٩-٧- الشَّعْفُ

﴿٢٤٨٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَذَبَ مَنْ ادَّعَى الْإِيْمَانَ وَهُوَ مَشْغُوفٌ مِنَ الدُّنْيَا بِخُدْعِ الْأَمَانِي وَ زُورِ الْمَلَاهِي؛ غررالحكم، ص ٣١٢

﴿٢٤٨٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اسْتَشْعَرَ الشَّغْفَ بِالدُّنْيَا مَلَّتْ ضَمِيرُهُ أَشْجَانًا لَهَا رَقِصٌ عَلَى سُوَيْدَاءٍ قَلْبِهِ هُمْ يَشْغَلُهُ وَ غَمٌّ يَحْزَنُهُ حَتَّى يُؤْخَذَ بِكَطْمِهِ فَيُلْقَى بِالْفَضَاءِ مُنْقَطِعًا أَبْهَرَاهُ هِينًا عَلَى اللَّهِ فَنَاوُهُ بَعِيدًا عَلَى الْإِخْوَانِ لِقَاؤُهُ؛ غررالحكم، ص ١٢٩

٦-٩-٧- السُّرُورُ

﴿٢٤٩٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مِثْلُ الْحَيَّةِ لَئِنْ مَسَّهَا قَاتِلٌ سَمُّهَا فَأَعْرَضَ عَمَّا يُعْجِبُكَ فِيهَا لِقَلَّةِ مَا يَصْحَبُكَ مِنْهَا وَ كُنْ أَنْسَ مَا يَكُونُ إِلَيْهَا أَوْ حَشَّ مَا تَكُونُ مِنْهَا فَإِنَّ صَاحِبَهَا كُلَّمَا اطمأنَّ مِنْهَا إِلَى سُرُورٍ أَشْخَصَتْهُ إِلَى مَكْرُوهِ فَقَدْ يَسِرُّ الْمَرْءُ بِمَا لَمْ يَكُنْ لِيَقُوتَهُ وَ لِيَحْزَنُ لِفَوَاتِ مَا لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ أَبَدًا وَ إِنْ جَهَدَ فَلْيَكُنْ سُرُورُكَ بِمَا قَدَّمْتَ مِنْ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ وَ لَتَكُنْ أَسْفَكَ عَلَى مَا فَرَطْتَ فِيهِ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا تَكُنْ عَلَى مَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا حَزِينًا وَ مَا أَصَابَكَ مِنْهَا فَلَا تَنْعَمْ بِهِ سُرُورًا وَ اجْعَلْ هَمَّكَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ فَإِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَا تَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٠

٧-٩-٧- النَّشَاطُ

﴿٢٤٩١﴾ علي بن ابراهيم عليه السلام: وَ النَّاشِطَاتِ نَشَاطًا قَالَ الْكُفَّارُ يَنْشَطُونَ فِي الدُّنْيَا...؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ٤٦

٨-٩-٧- فُرُورَةُ الْعَيْنِ

﴿٢٤٩٢﴾ زيارة للحسين عليه السلام: وَ إِذَا أَقْرَرْتَ عُيُونَ أَهْلِ الدُّنْيَا بِدُنْيَاهُمْ فَاجْعَلْ قُرَّةَ عَيْنِي فِي طَاعَتِكَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٨، ص ٢٨٥

١٠-٧- الإِسْتِغَالُ عَنِ الْآخِرَةِ

١-١٠-٧- الإِسْتِغَالُ

﴿٢٤٩٣﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ غَرَّتْنَا وَ اسْتَغْلَتْنَا وَ اسْتَهْوَتْنَا وَ اسْتَلْهَتْنَا وَ اسْتَغْوَتْنَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٧٢

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / مشغول بودن به دنیا و غفلت از آخرت»

۷-۹-۵- دلباخته

﴿۲۴۸۸﴾ دروغ می‌گوید کسی که ادّعیای ایمان می‌کند؛ درحالی‌که به خاطر مکر آرزوها و سرگرمی‌های باطل، دلباخته‌ی دنیا شده است.

﴿۲۴۸۹﴾ کسی که عشق و علاقه به دنیا را در وجودش حس کند، نهادش پر از اندوهی می‌شود که دائماً در وجودش در حرکت است. در پرده‌های دلش همّ و غمّی است که او را مشغول می‌کند و غم و غصّه‌ای دارد که او را محزون می‌کند تا آنکه گلویش را گرفته و در گوشه‌ای می‌میرد، رگ‌های حیات او قطع شده و نابودساختن او بر خدا آسان و به گورانداختن او به دست دوستان است.

۷-۹-۶- سرور

﴿۲۴۹۰﴾ دنیا همچون ماری است که پوستی نرم دارد اما زهرش کشنده است. از چیزهایی که در دنیا خوشایند توست، به واسطه‌ی عمر کوتاهی که دارد، کناره بگیر. و از هرچه در دنیا بیشتر خوش می‌آید، بیشتر فرار کن؛ زیرا دنیا داران به هرچه بیشتر متمایل شوند، [آن را] با ناراحتی تحویل می‌دهند. گاهی شخصی از به دست آوردن چیزی که به دستش می‌آید خوشحال می‌شود و به واسطه‌ی به دست نیاموردن چیزی که هرگز به دستش نمی‌آمد گرچه کوشش می‌کرد، اندوهگین می‌شود. باید شادی تو برای عمل یا گفتاری باشد که پیش فرستاده‌ای و حزن و اندوهت برای از دست دادن این کار و گفتار باشد.

۷-۹-۷- پرتحرک

﴿۲۴۹۱﴾ وَ النَّاشِطَاتِ نَشْطًا؛ یعنی کفّاری که در دنیا به آرامی حرکت می‌کنند.

۷-۹-۸- روشن شدن دیدگان

﴿۲۴۹۲﴾ اگر چشمان اهل دنیا را به دنیای‌شان روشن کرده‌ای، پس به رحمت قسم، چشم‌روشنی مرا در فرمان‌بری از خودت قرار ده.

۷-۱۰- مشغول بودن به دنیا و غافل ماندن از آخرت

۷-۱۰-۱- مشغول شدن

﴿۲۴۹۳﴾ دنیا ما را مغرور و به خود مشغول ساخته و هوایی کرده است و ما را به لهو و بازی واداشته و اغوا کرده است.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الإِسْتِعَالُ عَنِ الْآخِرَةِ﴾

﴿٢٤٩٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْبِنَاءِ وَالْفَنَاءِ الْمُشْتَغِلُونَ بِعَرَصَةِ الدُّنْيَا هَا نَحْنُ لِكَلَامِكَ مُسْتَمِعُونَ؛ الفضائل، ص ٨٦

﴿٢٤٩٥﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا مَشْغَلَةٌ لِلْقُلُوبِ وَالْأَبْدَانِ... طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِينَ فِي الْآخِرَةِ الَّذِينَ؛ مكارم الأخلاق، ص ٤٦٣

﴿٢٤٩٦﴾ لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ لَا تَرْكَنْ إِلَى الدُّنْيَا وَلَا تَشْغَلْ قَلْبَكَ بِهَا فَمَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا هُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ مِنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٤١١

﴿٢٤٩٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: النَّاسُ فِي الدُّنْيَا عَامِلَانِ عَامِلٌ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا قَدْ شَغَلَتْهُ دُنْيَاهُ عَنْ آخِرَتِهِ يَخْشَى عَلَى مَنْ يَخْلُفُ الْفَقْرَ وَيَأْمَنُ عَلَى نَفْسِهِ فَيَفْنِي عُمُرَهُ فِي مَنَفَعَةٍ غَيْرِهِ وَ عَامِلٌ عَمِلَ فِي الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا فَجَاءَهُ الَّذِي لَهُ مِنَ الدُّنْيَا بَغِيرَ عَمَلٍ فَأَخْرَزَ الْحَظَّيْنِ مَعًا وَ مَلَكَ الدَّارَيْنِ جَمِيعًا فَاصْبَحَ وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ لَا يَسْأَلُ اللَّهُ شَيْئًا فَيَمْنَعُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣١

﴿٢٤٩٨﴾ الصادق عليه السلام: لَا يَجْمَعُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمُؤْمِنٍ الْوَرَعَ وَالزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا رَجَوْتُ لَهُ الْجَنَّةَ قَالَ ثُمَّ قَالَ وَ إِنِّي لَأَحِبُّ لِلرَّجُلِ مِنْكُمْ الْمُؤْمِنَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ أَنْ يُقْبَلَ بِقَلْبِهِ إِلَى اللَّهِ وَ لَا يَشْغَلْ قَلْبُهُ بِأَمْرِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٤٠

﴿٢٤٩٩﴾ الصادق عليه السلام: لَا يَشْغَلُكَ طَلَبُ دُنْيَاكَ عَنْ طَلَبِ دِينِكَ فَإِنَّ طَالِبَ الدُّنْيَا رُبَّمَا أَذْرَكَ وَ رُبَّمَا فَاتَتْهُ فَهَلَكَ بِمَا فَاتَهُ مِنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢١٤

﴿٢٥٠٠﴾ الرسول ﷺ: لَا تَشْغَلُوا قُلُوبَكُمْ بِذِكْرِ الدُّنْيَا فَتَنْهَى عَنْ ذِكْرِهَا فَضْلًا عَنْ إِصَابَةِ عَيْنِهَا؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣٣

﴿٢٥٠١﴾ الصادق عليه السلام: فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبُ ابْنِ آدَمَ تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمَلًا قَلْبَكَ خَوْفًا مِنِّي وَ إِنِ لَا تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمَلًا قَلْبَكَ شُغْلًا بِالدُّنْيَا ثُمَّ لَا أَسُدُّ فَاقَتَكَ وَ أَكِلُوكَ إِلَى طَلِبِهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٣٥٧

﴿٢٥٠٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ صَحِبَ الْمُلُوكَ تَشَاغَلَ بِالدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١

﴿٢٥٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُلَّمَا أَزْدَادَ الْمَرْءُ بِالدُّنْيَا شُغْلًا وَ زَادَ بِهَا وَلَهًا أَوْرَدَتْهُ الْمَسَالِكَ وَ أَوْقَعَتْهُ فِي الْمَهَالِكِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٠

﴿٢٥٠٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَيْفَ يَعْمَلُ لِلْآخِرَةِ الْمَشْغُولُ بِالدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤١

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / مشغول بودن به دنیا و غفلت از آخرت»

﴿۲۴۹۴﴾ سلام بر شما ای کسانی که ثمره‌ی اعمالشان را در دنیا دیدند... ای اهل بناهای دنیا و اهل دنیای فانی که به دنیا مشغول شده‌اید. آگاه باشید که ما به کلام شما گوش می‌دهیم... .
﴿۲۴۹۵﴾ دنیا قلب و جسم را به خود مشغول می‌کند... خوشا به حال آنان که به آخرت رغبت دارند و در دنیا زاهدند.

﴿۲۴۹۶﴾ ای پسر، به دنیا اعتماد نکن و قلب خودت را به آن مشغول نکن، خدا هیچ مخلوقی بی‌ارزش‌تر از دنیا خلق نکرده است. آیا نمی‌بینی خداوند نعمت‌های دنیا را پاداش بندگان مطیعش و مصیبت‌های آن را عذاب انسان‌های گناهکار قرار نداده است؟!

﴿۲۴۹۷﴾ مردم در دنیا دو دسته‌اند: کسی که در دنیا برای دنیا کار می‌کند. دنیای او، وی را از آخرتش مشغول کرده و باز می‌دارد. او بر بازماندگان نسبت به فقر می‌ترسد درحالی‌که خود را ایمن می‌داند. پس عمرش به سود دیگری کاملاً از دست می‌رود. و دیگری؛ کسی که در دنیا برای آخرت کار می‌کند. پس آنچه از دنیا قسمت اوست بدون کار کردن به او می‌رسد؛ پس سود دنیا و آخرت را با هم به دست می‌آورد و مالک خانه‌ی دنیا و آخرت می‌شود. پس در نزد خداوند آبرومند شده و از خداوند چیزی را نمی‌خواهد که دریغ شود.

﴿۲۴۹۸﴾ خداوند عزّ و جل برای مؤمن در دنیا پرهیزکاری و زهد را جمع نمی‌کند، مگر اینکه بهشت، او را آرزو کند، و من برای بنده‌ی مؤمن از میان شما دوست دارم که وقتی در نماز فریضه می‌ایستد، با قلبش به خدا رو کند و قلبش را به امور دنیا مشغول نسازد.

﴿۲۴۹۹﴾ طلب و درخواست دنیایت تو را از طلب دین و آیینت مشغول نسازد، زیرا خواهان دنیا چه بسا آن را درک کرده و دریابد، و چه بسا از دستش رفته است پس به سبب آنچه از دنیا از دست داده، هلاک و تباه می‌گردد.

﴿۲۵۰۰﴾ دل‌هایتان را به ذکر دنیا مشغول نکنید. و از یاد دنیا نهی فرمود، تا چه رسد به غرق شدن در دنیا.

﴿۲۵۰۱﴾ در تورات نوشته شده است: «ای فرزند آدم خود را با فراغت بال و آرامش دل به عبادت مشغول کن و قلب خود را پُر و مالا مال از خوف من بگردان و اگر این چنین آسوده‌خاطر به عبادت من نپردازی، دلت را فقط مشغول به دنیا خواهم نمود و فقر و پریشانی تو را برطرف نخواهم ساخت و تو را به دنیا و حرص به دنیا واگذار خواهم کرد.

﴿۲۵۰۲﴾ هرکس با پادشاهان مصاحبت داشته باشد، گرفتار دنیا می‌شود.

﴿۲۵۰۳﴾ هرچه انسان بیشتر مشغول دنیا گردد و بیشتر سرگشته‌ی آن شود، وارد مسیرهای

سخت بیشتری می‌شود و در مهلکه‌های بیشتری قرار می‌گیرد.

﴿۲۵۰۴﴾ چگونه ممکن است کسی که مشغول دنیاست، برای آخرتش کار کند؟!

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِسْتِعَالُ عَنِ الْآخِرَةِ﴾

﴿٢٥٠٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْمَغْبُونُ مَنْ شَغِلَ بِالدُّنْيَا [مَنْ شَغَلَ الدُّنْيَا] وَفَاتَهُ حَظُّهُ مِنْ
الْآخِرَةِ؛ غررالحكم، ص ١٤٧

﴿٢٥٠٦﴾ الجواد عليه السلام: اللَّهُمَّ لَا تَشْغَلْ قَلْبِي بِدُنْيَايَ وَعَاجِلِ مَعَاشِي عَنْ آجِلِ ثَوَابِ آخِرَتِي وَ
اشْغَلْ قَلْبِي بِحِفْظِ مَا لَا تَقْبَلُ مِنِّي جَهْلُهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٨٧

﴿٢٥٠٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ... لَا يُؤْتِرُ عَبْدٌ هَوَاهُ عَلَى هَوَايَ إِلَّا شَتَّتْ عَلَيْهِ أَمْرَهُ
وَلَبَسَتْ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَشَغَلَتْ قَلْبَهُ بِهَا وَلَمْ أُؤْتِهِ مِنْهَا إِلَّا مَا قَدَرْتُ لَهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣٣٥

﴿٢٥٠٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْحَازِمُ مَنْ لَمْ يَشْغَلْهُ غُرُورُ دُنْيَاهُ عَنِ الْعَمَلِ لِأَخْرَاهُ [لِآخِرَتِهِ]؛
غررالحكم، ص ٤٧٥

٢-١٠-٧- مَنْ سَجَنَتْهُ الدُّنْيَا عَنِ الْآخِرَةِ

﴿٢٥٠٩﴾ الائمه عليهم السلام: الْمَسْجُونُ مَنْ سَجَنَتْهُ الدُّنْيَا عَنِ الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٤، ص ٨١

﴿٢٥١٠﴾ الصادق عليه السلام: الْمَسْجُونُ مَنْ سَجَنَتْهُ دُنْيَاهُ عَنْ آخِرَتِهِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٥٥

٣-١٠-٧- غَلَبَةُ الدُّنْيَا عَلَى أَنْفُسِهِمْ

﴿٢٥١١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَغَلَبَةُ الدُّنْيَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ فَإِنَّ عَاجِلَهَا نَغْصَةٌ وَآجِلُهَا
غُصَّةٌ؛ غررالحكم، ص ١٣٦

٤-١٠-٧- مَلَكَتِ الدُّنْيَا زِمَامَ قُلُوبِهِمْ

﴿٢٥١٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَكُونُ أُمَّتِي فِي الدُّنْيَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَطْبَاقٍ ... الطَّبَقُ الثَّالِثُ فَإِنَّهُمْ يُحِبُّونَ
جَمْعَ الْمَالِ مِمَّا حَلَّ وَحَرُمَ وَمَنْعَهُ مِمَّا افْتَرَضَ وَوَجِبَ أَنْ أَنْفَقُوهُ أَنْفَقُوهُ إِسْرَافًا وَبِدَارًا وَإِنْ
أَمْسَكُوهُ أَمْسَكُوهُ بُخْلًا وَاخْتِكَارًا أُولَئِكَ الَّذِينَ مَلَكَتِ الدُّنْيَا زِمَامَ قُلُوبِهِمْ حَتَّى أَوْرَدَتْهُمْ النَّارَ
بِذُنُوبِهِمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٦

٥-١٠-٧- مَنْ مَلَكَتْهُ الدُّنْيَا

﴿٢٥١٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ مَلَكَتْهُ الدُّنْيَا كَثُرَ صَرَعُهُ؛ غررالحكم، ص ١٣٥

﴿٢٥١٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَشَقَى النَّاسِ مَنْ غَلَبَهُ هَوَاهُ فَمَلَكَتْهُ دُنْيَاهُ وَأَفْسَدَ أَخْرَاهُ؛

غررالحكم، ص ١٦٧

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / مشغول بودن به دنیا و غفلت از آخرت»

﴿۲۵۰۵﴾ مغبون کسی است که مشغول دنیا شود و بهره‌اش از آخرت را از دست بدهد.
﴿۲۵۰۶﴾ خدایا قلبم را به دنیا مشغول نساز و با زندگی در دنیا از پاداش آخرت محروم نکن؛ و قلبم را به حفظ آنچه عدم آگاهی به آن را از من نمی‌پذیری، مشغول کن.
﴿۲۵۰۷﴾ خداوند عزّ و جل می‌فرماید:... وقتی بنده‌ای خواسته‌هایش را برخواسته‌هایم ترجیح دهد، کارهایش را پراکنده و پریشان می‌سازم و امور دنیا را بر او مشتبه و مشکل و قلبش را مشغول دنیا می‌کنم؛ اما از دنیایش جز همان مقداری که مقدر او کرده‌ام، به او نخواهم داد.
﴿۲۵۰۸﴾ دوراندیش کسی است که فریب‌های دنیا او را از عمل برای آخرت مشغول نکند.

۲-۱۰-۷- کسی که دنیای او را از سرای آخرت در زندان افکنده است

﴿۲۵۰۹﴾ زندانی کسی است که دنیایش او را از سرای آخرت در زندان افکنده است.
﴿۲۵۱۰﴾ زندانی کسی است که دنیا او را حبس کرده و نمی‌گذارد او به آخرت خود برسد.

۳-۱۰-۷- غالب شدن دنیا بر آن‌ها

﴿۲۵۱۱﴾ از غلبه‌ی دنیا بر نفس‌هایتان پرهیزید، پس به‌درستی که امور زودگذر آن زیان می‌زند و اموری که در دسترس نیست، فقط غصّه به همراه می‌آورد.

۴-۱۰-۷- دنیا افسار قلب آن‌ها را در دست گرفته

﴿۲۵۱۲﴾ اَمّت من در دنیا بر سه دسته هستند: دسته‌ی اوّل کسانی هستند که جمع‌آوری مال را دوست ندارند، پس کسب و کارشان را وسعت نمی‌دهند و در نگهداری و احتکار آن سعی نمی‌کنند؛ همانا از دنیا به اندازه‌ی سدّ جوع و پوشاندن عورت راضی شده‌اند و از دنیا، جز به آنچه که آن‌ها را به آخرت برساند، بی‌نیاز شده‌اند. پس آن‌ها در امان هستند و از کسانی هستند که ترس و اندوهی ندارند. دسته‌ی دوّم کسانی هستند که گردآوردن مال از پاک‌ترین راه و بهترین وجه را دوست دارند... دسته‌ی سوّم کسانی هستند که گردآوری مال را چه از راه حلال و چه از راه حرام دوست دارند؛ از پرداخت آنچه خدا بر اموال آنان فرض و واجب کرده است جلوگیری کرده‌اند؛ اسراف می‌کنند و نمی‌بخشند؛ بخل می‌ورزند و احتکار می‌کنند. آنان کسانی هستند که دنیا راه دل‌هایشان را سدّ کرده و گناهانشان، آنان را رهسپار جهنّم می‌کند.

۵-۱۰-۷- کسی که دنیا مالک او شده

﴿۲۵۱۳﴾ هرکس دنیا مالک او شود، دردسرهایش بسیار می‌شود.
﴿۲۵۱۴﴾ بدبخت‌ترین مردم کسی است که هوای نفسش بر او غلبه کرده و به تملک دنیا درآمده و آخرتش را خراب کرده است.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْعَمَلُ لِلدُّنْيَا﴾

٧-١٠-٤- يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ غَافِلُونَ

﴿٢٥١٥﴾ يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ؛ (روم/٧)

٧-١١- الْعَمَلُ لِلدُّنْيَا

٧-١١-١- الْعَمَلُ لِلدُّنْيَا

﴿٢٥١٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَاعْجَبَا مِمَّنْ يَعْمَلُ لِلدُّنْيَا وَهُوَ يَرْزُقُ فِيهَا بِغَيْرِ عَمَلٍ وَلَا يَعْمَلُ

لِلْآخِرَةِ وَهُوَ لَا يَرْزُقُ فِيهَا إِلَّا بِالْعَمَلِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٢٥

﴿٢٥١٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: النَّاسُ فِي الدُّنْيَا عَامِلَانِ عَامِلٌ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا قَدْ شَغَلَتْهُ دُنْيَاهُ عَنْ

آخِرَتِهِ يَخْشَى عَلَى مَنْ يَخْلُفُ الْفَقْرَ وَيَأْمَنُهُ عَلَى نَفْسِهِ فَيَفْنِي عُمرَهُ فِي مَنَافِعَةٍ غَيْرِهِ وَعَامِلٌ عَمِلَ فِي الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا فَجَاءَهُ الَّذِي لَهُ مِنَ الدُّنْيَا بِغَيْرِ عَمَلٍ فَأَحْرَزَ الْحَظَّيْنِ مَعًا وَمَلَكَ الدَّارَيْنِ

جَمِيعًا فَأَصْبَحَ وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ لَا يَسْأَلُ اللَّهَ شَيْئًا فَيَمْنَعُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣١

﴿٢٥١٨﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى دَاوُدَ عليه السلام أَنَّ الْعِبَادَ تَحَابُّوا بِالْأَلْسِنِ وَتَبَاغَضُوا

بِالْقُلُوبِ وَأَظْهَرُوا الْعَمَلَ لِلدُّنْيَا وَأَبْطَنُوا الْغُشَّ وَالدَّخَلَ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٧

﴿٢٥١٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ هَاهُنَا وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ لَعَلَّمَا جَمًّا لَوْ أَصَبَتْ لَهُ حَمَلَةٌ

بَلَى أَصِيبُ لَقِنَا غَيْرَ مَأْمُونٍ عَلَيْهِ مُسْتَعْمِلًا آلَةَ الدِّينِ لِلدُّنْيَا وَمُسْتَظْهِرًا بِنِعْمِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ؛

بحار الأنوار، ج ٢٣، ص ٤٤

﴿٢٥٢٠﴾ الصادق عليه السلام: قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عليه السلام تَعْمَلُونَ لِلدُّنْيَا وَأَنْتُمْ تُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ عَمَلٍ وَ

لَا تَعْمَلُونَ لِلْآخِرَةِ وَأَنْتُمْ لَا تُرْزَقُونَ فِيهَا إِلَّا بِالْعَمَلِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣١٩

﴿٢٥٢١﴾ الرسول ﷺ: بُشِّرْ هَذِهِ الْأُمَّةَ بِالسَّيِّئِ وَالرُّفْعَةِ وَالنُّصْرَةِ وَالتَّمَكُّينِ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ

عَمِلَ مِنْهُمْ عَمَلَ الْآخِرَةِ لِلدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْآخِرَةِ نَصِيبٌ؛ بحار الأنوار، ج ١٨، ص ١٢١

﴿٢٥٢٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: عَامِلُ الدِّينِ لِلدُّنْيَا جَزَاؤُهُ عِنْدَ اللَّهِ النَّارُ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

﴿٢٥٢٣﴾ الرضا عليه السلام: قَالَ: أَيُّ شَيْءٍ أَسْرَعُ تَقَلُّبًا قَالَ قُلُوبُ الْمُلُوكِ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ لِلدُّنْيَا؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٢١

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / کار برای دنیا»

ع-۷-۱۰- فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند و از آخرت غافلند

﴿۲۵۱۵﴾ فقط ظاهری از زندگی دنیا را درک می‌کنند و از آخرت غافلند.

۷-۱۱- کار برای دنیا

۷-۱۱-۱- کار برای دنیا

﴿۲۵۱۶﴾ عجب از کسی که برای دنیایش تلاش می‌کند درحالی‌که در دنیا بدون تلاش او نیز به او روزی می‌دهند؛ اما برای آخرتش تلاش نمی‌کند حال آنکه در آن جز در ازای عمل، رزقی به او داده نمی‌شود.

﴿۲۵۱۷﴾ مردم در دنیا دو دسته‌اند: کسی که در دنیا برای دنیا کار می‌کند. دنیای او، وی را از آخرتش مشغول کرده و باز می‌دارد. او بر بازماندگان نسبت به فقر می‌ترسد درحالی‌که خود را ایمن می‌داند. پس عمرش به سود دیگری کاملاً از دست می‌رود. و دیگری؛ کسی که در دنیا برای آخرت کار می‌کند. پس آنچه از دنیا قسمت اوست بدون کارکردن به او می‌رسد؛ پس سود دنیا و آخرت را با هم به دست می‌آورد و مالک خانه‌ی دنیا و آخرت می‌شود. پس در نزد خداوند آبرومند شده و از خداوند چیزی را نمی‌خواهد که دریغ شود.

﴿۲۵۱۸﴾ خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی کرد: «همانا بندگان با زبان به ابراز محبت می‌پردازند و با قلب بغض و کینه می‌ورزند، و برای دنیا عملی در ظاهر انجام می‌دهند و در باطن خیانت و دغل‌کاری را پنهان می‌دارند».

﴿۲۵۱۹﴾ امیرالمؤمنین علیه السلام [به سینه‌ی خود اشاره کرد] و فرمود: «انبوهی گران از دانش دارم و اگر کسی را بیابم که شایسته‌ی تعلیم باشد، به او می‌آموزم. آری، پیدا می‌شوند. اما کسانی هستند که به آن‌ها اطمینان نیست. دین را در راه هوس‌های دنیا به کار می‌برند و با نعمت خدادادی خود را بر دیگران برتری می‌دهند».

﴿۲۵۲۰﴾ عیسی‌بن‌مریم علیه السلام به یاران خود فرمود: «شما برای دنیا عمل می‌کنید، درحالی‌که روزی شما بدون کار هم در اینجا به‌دست می‌آید؛ ولی برای آخرت عمل نمی‌کنید درحالی‌که در آخرت بدون عمل چیزی به شما نمی‌دهند».

﴿۲۵۲۱﴾ این اَمّت به مجد و عزّت، رفعت و نصرت و به قدرت و سلطنت در روی زمین مژده داده شده‌اند. و هرکس از اَمّت من عمل آخرت را برای رسیدن به جاه و جلال دنیا انجام دهد، در آن جهان بهره‌ای نخواهد داشت.

﴿۲۵۲۲﴾ کسی که امور دینی را برای کسب دنیا انجام دهد، جزایش در نزد خداوند آتش است.

﴿۲۵۲۳﴾ پرسید: «آن چیست که زودتر بر می‌گردد و زیر و رو می‌شود؟» گفت: «دل پادشاهانی که برای دنیا کار می‌کنند».

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْعَمَلُ لِلدُّنْيَا﴾

﴿٢٥٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكَ إِنْ عَمِلْتَ لِلدُّنْيَا خَسِرْتَ صَفَقَتَكَ؛ غرر الحكم، ص ١٥٨

﴿٢٥٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَمِلَ لِلدُّنْيَا خَسِرَ؛ غرر الحكم، ص ١٥٨

﴿٢٥٢٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا وَ عَمَّالَ أَهْلِهَا إِذَا كُنْتُمْ بِالنَّهَارِ تَخْلِفُونَ وَ بِاللَّيْلِ فِي فِرَاشِكُمْ تَنَامُونَ وَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ عَنِ الْآخِرَةِ تَغْفُلُونَ فَامْتَنِ تَجْهَزُوا الزَّادَ وَ تَفَكَّرُوا فِي الْمَعَادِ؛

بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٤٢٤

٢-١١-٧- السَّعْيُ

﴿٢٥٢٧﴾ السَّجَادُ عليه السلام: إِنْ امْرَأٌ يَسْعَى لِدُنْيَاهُ جَاهِدًا وَ يَذْهَلُ عَنْ آخِرَاهُ لَا شَكَّ خَاسِرٌ؛

البلد الأمين، ص ٣٢٠

﴿٢٥٢٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ ابْتَلَى فِيهَا أَهْلَهَا لِيَعْلَمَ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ لَسْنَا لِلدُّنْيَا خُلُقْنَا وَ لَا

بِالسَّعْيِ فِيهَا أَمْرُنَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ١١٦

﴿٢٥٢٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ سَعَى لِلدُّنْيَا فَاتَتْهُ وَ مَنْ قَعَدَ عَنْهَا أَتَتْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ٥١

﴿٢٥٣٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ سَاعَى لِلدُّنْيَا فَاتَتْهُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

﴿٢٥٣١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: (الإنسان) مَا تَحَا فِي غَرْبِ هَوَاهُ كَادِحًا سَعِيًّا لِدُنْيَاهُ؛ نهج البلاغة، ص ١١٣

﴿٢٥٣٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ ابْتَلَى فِيهَا أَهْلَهَا لِيَعْلَمَ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ لَسْنَا لِلدُّنْيَا خُلُقْنَا وَ لَا

بِالسَّعْيِ فِيهَا أَمْرُنَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ١١٦

٣-١١-٧- الْخِدْمَةُ

﴿٢٥٣٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ خَدَمَ الدُّنْيَا اسْتَخْدَمَتْهُ وَ مَنْ خَدَمَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ خَدَمَتْهُ؛

غرر الحكم، ص ١٢٩

٤-١١-٧- الْمُبَادَرَةُ

﴿٢٥٣٤﴾ الرسول ﷺ: يُبْغِضُ الْمُسِيئِينَ وَ هُوَ مِنْهُمْ يُبَادِرُ مِنَ الدُّنْيَا مَا يَفْنَى وَ يَذَرُ مِنَ الْآخِرَةِ

مَا يَبْقَى يَكْرَهُ الْمَوْتَ لِدُنُوبِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١١٢

٥-١١-٧- الْوَتْبُ

﴿٢٥٣٥﴾ الرسول ﷺ: إِنْ الزَّاهِدَ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ وَ يُرِيحُ قَلْبُهُ وَ بَدْنُهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ

الرَّاعِبُ فِيهَا يَتْعَبُ قَلْبُهُ وَ بَدْنُهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ لِيَجِيئَنَّ أَقْوَامُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَهُمْ حَسَنَاتٌ كَأَمْثَالِ

﴿٦٩٠﴾

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / کار برای دنیا»

﴿۲۵۲۴﴾ اگر فقط برای دنیایت تلاش کنی، در معاملات ضرر کرده‌ای.

﴿۲۵۲۵﴾ کسی که فقط برای دنیایش کار و تلاش کند، ضرر کرده است.

﴿۲۵۲۶﴾ ای بندگان دنیا و کارگزاران دنیاداران! حال شما که در روز پیوسته سوگند می‌خورید و در شب به بسترهای خود می‌آرمید، طبعاً در خلال این حالات از آخرت غافلید. پس چه وقت به جمع‌آوری زاد و توشه برخاسته و در امر معاد اندیشه می‌کنید؟

۲-۱۱-۷- تلاش

﴿۲۵۲۷﴾ انسان با تمام تلاش برای دنیای خود می‌کوشد و آخرت خود را رها کرده و قطعاً ضرر می‌کند.

﴿۲۵۲۸﴾ مردم را در دنیا به آزمایش گذاشت تا روشن شود کدام‌یک نیکوکارتر است. ما را برای دنیا نیافریده‌اند و تنها به خاطر دنیا، امر به تلاش نشده‌ایم.

﴿۲۵۲۹﴾ اگر کسی برای خانه‌ی دنیا بکوشد، آن را از دست می‌دهد و هرکس که رهایش ساخت، دنیا به‌سویش می‌شتابد.

﴿۲۵۳۰﴾ کسی که برای دنیا تلاش کرد، دنیا از دستش رفت.

﴿۲۵۳۱﴾ برای به دست‌آوردن لذت‌های دنیا تلاش فراوان کرد و سرمست شادمانی دنیا شد.

﴿۲۵۳۲﴾ مردم را در دنیا به آزمایش گذاشت تا روشن شود کدام‌یک نیکوکارتر است. ما را برای دنیا نیافریده‌اند و تنها به خاطر دنیا، امر به تلاش نشده‌ایم.

۳-۱۱-۷- خدمت

﴿۲۵۳۳﴾ هرکس به دنیا خدمت کند، دنیا از او خدمت طلب می‌کند و هرکس به خدا خدمت کند، دنیا به او خدمت می‌کند.

۴-۱۱-۷- کوشش کردن

﴿۲۵۳۴﴾ [بنده‌ی گنهگار] از گناهکاران بیزار است اما خود جزو آن‌ها است. در چیزهایی که نابودشدنی است کوشش می‌کند و در چیزهایی که باقی و جاویدان است سهل‌انگاری می‌نماید. به‌واسطه‌ی گناهانش از مرگ کراهت دارد ولی آن گناهان را در زندگی‌اش ترک نمی‌کند.

۵-۱۱-۷- جهش برای دریافت

﴿۲۵۳۵﴾ پیامبر ﷺ فرمود: «همانا پارسا در دنیا در آسایش است و دل و بدنش در دنیا و آخرت راحت است؛ طالب دنیا، دل و جسم او در دنیا و آخرت در زحمت است. روز قیامت گروهی

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْعُمَرَانُ﴾

الْجَبَالُ فَيَأْمُرُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ فَقِيلَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَ مُصَلُّونَ كَانُوا قَالَ نَعَمْ كَانُوا يُصَلُّونَ وَيَصُومُونَ وَ
يَأْخُذُونَ وَهَذَا مِنَ اللَّيْلِ لَكِنَّهُمْ إِذَا لَحَ لَهُمْ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَتَبَّوْا عَلَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤،

ص ١٨٨

١١-٧-٦ الاجتهاد

﴿٢٥٣٦﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ اجْتَهَدَ لِدُنْيَاهُ أَضُرَّ بِآخِرَتِهِ وَمَنْ أَثَرَ آخِرَتَهُ آتَاهُ اللَّهُ رِزْقَهُ وَسَعِدَ

بِلِقَاءِ رَبِّهِ؛ مشكاة الأنوار، ص ١١٤

١١-٧-٧ التعب

﴿٢٥٣٧﴾ السَّجَّاد عليه السلام: كَلَّا مَا تَعِبَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا بَلْ تَعِبُوا فِي الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ؛

بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٩٢

١٢-٧-١٢ العُمَرَانُ

١٢-٧-١ البناء

﴿٢٥٣٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَبْنُونَ الدُّورَ وَيُسَيِّدُونَ الْقُصُورَ وَيُزَخِرُونَ الْمَسَاجِدَ وَلَيْسَتْ هِمَّتُهُمْ

إِلَّا الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٢٨

١٢-٧-٢ الحرث

﴿٢٥٣٩﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا

لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ؛ (الشورى / ٢٠)

١٢-٧-٣ التمهيد

﴿٢٥٤٠﴾ مواظب المسيح عليه السلام في الإنجيل: يَا عبيد الدنيا أَلَيْسَ بِالْعِلْمِ أُعْطِيتُمُ السُّلْطَانَ عَلَى

جَمِيعِ الْخَلَائِقِ فَنَبَذْتُمُوهُ فَلَمْ تَعْمَلُوا بِهِ وَأَقْبَلْتُمْ عَلَى الدُّنْيَا فَبِهَا تَحْكُمُونَ وَلَهَا تُمَهِّدُونَ وَإِيَّاهَا

تُؤَثِّرُونَ وَتَعْمُرُونَ فَحَتَّى مَتَى أَنْتُمْ لِلدُّنْيَا لَيْسَ لِلَّهِ فَيْكُمْ نَصِيبٌ؛ تحف العقول، ص ٥٠٨

﴿٢٥٤١﴾ عيسى عليه السلام: اسْتَضَاءَتْكُمْ بُنُورُ الْعِلْمِ لِأَمْرِ الدُّنْيَا وَقَدْ كُفِّتُمُوهُ وَتَرَكْتُمْ أَنْ تَسْتَضِيئُوا بِهِ

لِأَمْرِ الْآخِرَةِ وَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ أُعْطِيتُمُوهُ تَقُولُونَ إِنَّ الْآخِرَةَ حَقٌّ وَأَنْتُمْ تُمَهِّدُونَ الدُّنْيَا؛

بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٠٩

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / آبادکردن»

می‌آیند که کردارهای نیک ایشان مانند کوه‌هایی است، پس آنان را به ورود به جهنم فرمان می‌دهند». عرض شد: «ای پیامبر خدا! آیا آن‌ها نمازگزار هستند؟» فرمود: «آری آن‌ها بودند که نماز می‌خواندند، روزه می‌گرفتند، ساعتی از شب را به عبادت می‌گذراندند، اما هرگاه چیزی از کار دنیایی برای آنان آشکار می‌شد به آن می‌پیوستند».

۶-۱۱-۷- تلاش

﴿۲۵۳۶﴾ هرکس برای دنیایش تلاش کند، به آخرتش ضرر زده و کسی که آخرتش را مقدم بدارد، خداوند رزقش را می‌دهد و [آن شخص] سعادت ملاقات پروردگارش را می‌یابد.

۷-۱۱-۷- سختی

﴿۲۵۳۷﴾ آگاه باشید! اولیای خدا در دنیا برای دنیا کار نکردند بلکه آنان خود را در دنیا برای آخرت به سختی انداختند.

۱۲-۷- آبادکردن

۱-۱۲-۷- بناکردن

﴿۲۵۳۸﴾ خانه‌ها می‌سازند؛ کاخ‌ها برافراشته می‌کنند؛ مسجدها را به زیور می‌آرایند؛ هم‌تشان جز متوجه دنیا نیست.

۲-۱۲-۷- کشت کردن

﴿۲۵۳۹﴾ کسی که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او برکت می‌دهیم و بر محصولش می‌افزاییم و کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد، کمی از آن به او می‌دهیم اما در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد!

۳-۱۲-۷- آماده کردن

﴿۲۵۴۰﴾ ای بندگان دنیا! آیا به واسطه‌ی علم و دانش فرمانروایی تمام مخلوقات به شما بخشیده نشده که اکنون آن را پشت سر انداخته‌اید و به آن عمل نمی‌کنید. و به دنیا روی آورده‌اید و به وسیله‌ی آن حکم می‌کنید و برای آن زمینه‌سازی می‌کنید و دنیا را ترجیح می‌دهید و آباد می‌گردانید. پس تا کی اسیر دنیا هستید و خداوند هیچ سهم و نصیبی از شما ندارد؟! ﴿۲۵۴۱﴾ از نور علم و دانش برای سروسامان دادن به امور دنیا استفاده نمودید و به آن بسنده کردید و استفاده از نور علم و دانش برای روشن نمودن مسیر آخرت را ترک کردید، در صورتی که به همین منظور به شما بخشیده شده بود، می‌گویید: «آخرت حقیقت است». درحالی که دنیا را آماده می‌کنید.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / إِثَارُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ﴾

٧-١٢-٤- التَّوَسُّيعُ

﴿٢٥٤٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ وَسَّعَ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّهُ مُكْرَبٌ بِهِ فَهُوَ مَخْدُوعٌ عَنْ عَقْلِهِ؛

بحار الأنوار، ج ٧٢، ص ٢٨٦

٧-١٢-٥- الْعُمُرَانُ

﴿٢٥٤٣﴾ المجتبي عليه السلام: فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا بَالُنَا نَكْرَهُ الْمَوْتَ وَلَا نُحِبُّهُ قَالَ فَقَالَ الْحَسَنُ عليه السلام لَأَنْتُمْ أَخْرَبْتُمْ آخِرَتَكُمْ وَعَمَّرْتُمْ دُنْيَاكُمْ وَأَنْتُمْ تَكْرَهُونَ النُّقْلَةَ مِنَ الْعُمُرَانِ إِلَى الْخَرَابِ؛ معاني الأخبار، ص ٣٨٩

﴿٢٥٤٤﴾ ابوذر رضي الله عنه: الْخَاسِرُ مَنْ عَمَّرَ دُنْيَاهُ بِخَرَابٍ آخِرَتِهِ وَالْخَاسِرُ مَنْ اسْتَصْلَحَ مَعَاشَهُ بِفَسَادِ

دِينِهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٦

﴿٢٥٤٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَمَّرَ دُنْيَاهُ أَفْسَدَ دِينَهُ وَ أَخْرَبَ آخِرَاهُ؛ غرر الحكم، ص ١٤١

﴿٢٥٤٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَمَّرَ دُنْيَاهُ خَرَبَ مَالَهُ؛ غرر الحكم، ص ١٤٧

﴿٢٥٤٧﴾ مواعظ المسيح عليه السلام فِي الْإِنْجِيلِ: يَا عَبِيدَ الدُّنْيَا أَلَيْسَ بِالْعِلْمِ أُعْطِيتُمُ السُّلْطَانَ عَلَى جَمِيعِ الْخَلَائِقِ فَنَبَذْتُمُوهُ فَلَمْ تَعْمَلُوا بِهِ وَأَقْبَلْتُمْ عَلَى الدُّنْيَا فَبِهَا تَحْكُمُونَ وَلَهَا تُمَهِّدُونَ وَإِيَّاهَا تُؤْتِرُونَ وَ تَعْمُرُونَ فَحَتَّى مَتَى أَنْتُمْ لِلدُّنْيَا لَيْسَ لِلَّهِ فَيْكُمْ نَصِيبٌ؛ تحف العقول، ص ٥٠٨

﴿٢٥٤٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: عَجِبْتُ لِعَامِرِ الدُّنْيَا دَارِ الْفَنَاءِ وَهُوَ نَازِلُ دَارِ الْبَقَاءِ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٥، ص ٩٤

٧-١٢-٦- التَّزَيُّنُ

﴿٢٥٤٩﴾ ابن عباس رضي الله عنه: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الدُّنْيَا ثَلَاثَةَ أَجْزَاءٍ جُزْءٌ لِلْمُؤْمِنِ وَ جُزْءٌ لِلْمُنَافِقِ وَ جُزْءٌ

لِلْكَافِرِ فَأَلْمُؤْمِنُ يَتَزَوَّدُ وَ الْمُنَافِقُ يَتَزَيَّنُ وَ الْكَافِرُ يَتَمَتَّعُ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣٧

٧-١٢-٧- التَّنَعُّشُ

﴿٢٥٥٠﴾ عيسى عليه السلام: يَا مَعْشَرَ الْخَوَارِئِينَ إِنِّي قَدْ أَكْبَبْتُ لَكُمْ الدُّنْيَا عَلَى وَجْهِهَا فَلَا تَنْعَشُوهَا

بَعْدِي؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٧

٧-١٣- إِثَارُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ

٧-١٣-١- تَقْدِيمُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / مقدم‌دانستن دنیا بر آخرت»

۷-۱۲-۴- وسعت‌دادن

«۲۵۴۲» کسی که دنیایش فراوان شود و نفهمد که با او مکر شده، عقلش گول خورده است.

۷-۱۲-۵- آبادانی

«۲۵۴۳» شخصی برخاست و به امام حسن علیه السلام گفت: «ای پسر رسول خدا! به چه دلیل است که ما مرگ را دوست نداریم؟! امام حسن علیه السلام فرمود: «برای اینکه شما آخرت خود را خراب و دنیای خویش را آباد نموده‌اید. و به خاطر اینکه شما دوست ندارید از مکان آباد به مکان خراب منتقل شوید».

«۲۵۴۴» کسی که دنیایش را با خراب‌کردن آخرت آباد کند، زیانکار است و کسی که معاشش را با فساد در دینش به دست آورد نیز زیانکار است.

«۲۵۴۵» کسی که دنیایش را آباد کند، دینش را فاسد و آخرتش را خراب کرده است.

«۲۵۴۶» کسی که دنیایش را آباد کند، دارایی‌هایش را خراب کرده است.

«۲۵۴۷» ای بندگان دنیا! آیا به واسطه‌ی علم و دانش فرمانروایی تمام مخلوقات به شما بخشیده نشده که اکنون آن را پشت سر انداخته‌اید و به آن عمل نمی‌کنید. و به دنیا روی آورده- اید و به وسیله‌ی آن حکم می‌کنید و برای آن زمینه‌سازی می‌کنید و دنیا را ترجیح می‌دهید و آباد می‌گردانید. پس تا کی اسیر دنیا هستید و خداوند هیچ سهم و نصیبی از شما ندارد؟! «۲۵۴۸» در شگفتم از کسی که دنیا را که خانه‌ای فناپذیر است و باید از آنجا به سرای جاودان آخرت کوچ کند، آباد می‌کند.

۷-۱۲-۶- آراستن

«۲۵۴۹» خداوند دنیا را سه بخش قرار داده است: بخشی برای مؤمن و بخشی برای منافق و بخش دیگر برای کافر، اما مؤمن از دنیا توشه برمی‌دارد، منافق آن را می‌آراید و کافر از دنیا کامروایی می‌کند.

۷-۱۲-۷- احیای مرده

«۲۵۵۰» ای جماعت حواریون، همانا من دنیا را برای شما به صورت به زمین زدم، پس آن را بعد از من دوباره احیا نکنید.

۷-۱۳- مقدم‌دانستن دنیا بر آخرت

۷-۱۳-۱- پیش‌انداختن دنیا بر آخرت

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / إِيثَارُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ﴾

﴿٢٥٥١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اجْعَلِ الدُّنْيَا شَوْكَاً وَانْظُرْ أَتَيْنَ تَضَعُ قَدَمَكَ مِنْهَا فَإِنَّ مَنْ رَكَنَ إِلَيْهَا خَذَلَتْهُ وَمَنْ أَنَسَ فِيهَا أَوْحَشَتْهُ وَمَنْ يَرْغَبُ فِيهَا أَوْهَنْتُهُ وَمَنْ انْقَطَعَ إِلَيْهَا قَتَلَتْهُ وَمَنْ طَلَبَهَا أَرْهَقَتْهُ وَمَنْ فَرِحَ بِهَا أَثْرَحَتْهُ وَمَنْ طَمِعَ فِيهَا صَرَعَتْهُ وَمَنْ قَدَّمَهَا أَخَّرَتْهُ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٥، ص ٢٢

٢-١٣-٧- إِيثَارُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ

﴿٢٥٥٢﴾ مواظب المسيح عليه السلام في الإنجيل: يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا أَلَيْسَ بِالْعِلْمِ أُعْطِيتُمْ السُّلْطَانَ عَلَى جَمِيعِ الْخَلَائِقِ فَنَبَذْتُمُوهُ فَلَمْ تَعْمَلُوا بِهِ وَأَقْبَلْتُمْ عَلَى الدُّنْيَا فَبِهَا تَحْكُمُونَ وَلَهَا تُمَهِّدُونَ وَإِيَّاهَا تُؤَيِّرُونَ وَتَعْمُرُونَ فَحَتَّى مَتَى أَنْتُمْ لِلدُّنْيَا لَيْسَ لِلَّهِ فَيَكُمُ نَصِيبٌ؛ تحف العقول، ص ٥٠٨

﴿٢٥٥٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ آثَرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ حَلَّتْ بِهِ الْفَاقِرَةُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ٢١

﴿٢٥٥٤﴾ الرسول ﷺ: مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ يُرِيدُ بِهِ الدُّنْيَا وَآثَرَ عَلَيْهِ حُبَّ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا اسْتَوْجَبَ سَخَطَ اللَّهِ عَلَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٠١

﴿٢٥٥٥﴾ السَّجَاد عليه السلام: وَمَا آثَرَ قَوْمٌ قَطُّ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ إِلَّا سَاءَ مُنْقَلَبُهُمْ... فَلَا تَلْتَمِسُوا شَيْئاً مِمَّا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ وَاشْتَغِلُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِطَاعَةِ اللَّهِ؛ الكافي، ج ٨، ص ١٦

﴿٢٥٥٦﴾ الرسول ﷺ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ شَرِبَ عَلَيْهِ حَرَاماً أَوْ آثَرَ عَلَيْهِ حُبَّ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا اسْتَوْجَبَ عَلَيْهِ سَخَطَ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٣٣٢

﴿٢٥٥٧﴾ الرسول ﷺ: وَمَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَلَمْ يَعْمَلْ بِهِ وَآثَرَ عَلَيْهِ غَيْرَهُ حُبَّ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا اسْتَوْجَبَ سَخَطَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَكَانَ فِي دَرَجَةِ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى؛ أعلام الدين، ص ٤١٢

﴿٢٥٥٨﴾ الرسول ﷺ: لَا تُؤْثِرِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ لِأَنَّ الدُّنْيَا فَانِيَةٌ وَالْآخِرَةُ بَاقِيَةٌ؛ بحار الأنوار،

ج ٢، ص ١٥٤

﴿٢٥٥٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَتَأَقَّتْ أَنْفُسُ النَّاسِ إِلَى الدُّنْيَا، وَقَلَّ مَنْ لَيْسَ لِلدُّنْيَا، وَكَثُرَ هُمْ

يَجْتَوِي الْحَقَّ وَيَشْتَرِي الْبَاطِلَ، وَيُؤْثِرُ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٢٩، ص ٤٩٤

﴿٢٥٦٠﴾ الرسول ﷺ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ شَرِبَ عَلَيْهِ حَرَاماً أَوْ آثَرَ عَلَيْهِ حُبَّ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا

اسْتَوْجَبَ عَلَيْهِ سَخَطَ اللَّهِ إِلَّا أَنْ يُتُوبَ؛ وسائل الشيعة، ج ٦، ص ١٨٢

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / مقدم‌دانستن دنیا بر آخرت»

﴿۲۵۵۱﴾ دنیا را خارستانی حساب کن، متوجّه باش پای خود را کجا می‌گذاری. هرکس به آن اعتماد کند، دنیا او را خوار می‌نماید و هرکس به آن انس بگیرد او را به وحشت می‌اندازد. و هرکس به او دل ببندد، او را بی‌ارزش می‌کند و هرکس او را در بر گیرد او را می‌کشد و هرکس در جستجویش باشد، به دشواری می‌اندازد و هرکس مسرور به دنیا شود، او را محزون می‌کند و هرکس در آن طمع پیدا کند، او را به زمین می‌زند و هرکس دنیا را مقدّم دارد، دنیا او را عقب می‌زند.

۲-۱۳-۷- مقدم‌دانستن دنیا بر آخرت

﴿۲۵۵۲﴾ ای بندگان دنیا! آیا به واسطه‌ی علم و دانش فرمانروایی تمام مخلوقات به شما بخشیده نشده که اکنون آن را پشت سر انداخته‌اید و به آن عمل نمی‌کنید. و به دنیا روی آورده‌اید و به وسیله‌ی آن حکم می‌کنید و برای آن زمینه‌سازی می‌کنید و دنیا را ترجیح می‌دهید و آباد می‌گردانید. پس تا کی اسیر دنیا هستید و خداوند هیچ سهم و نصیبی از شما ندارد!؟

﴿۲۵۵۳﴾ هرکس دنیا را بر آخرت برگزیند، گرفتار بدبختی بزرگ می‌شود.

﴿۲۵۵۴﴾ پسر مسعود! هرکس علم را برای دنیا آموزد و مهر دنیا و زیورهای آن را بر علم برتری دهد و برگزیند، مستوجب خشم خداوند است... پسر مسعود! هرکس علم بیاموزد و به آن عمل نکند، خداوند او را در قیامت کور محسور می‌کند و هرکس دانش را برای ریا و به دست آوردن دنیا فرا گیرد، خداوند برکت آن را از وی می‌گیرد، روزی را بر او تنگ می‌سازد و او را به خود واگذار می‌کند.

﴿۲۵۵۵﴾ و هیچ گروهی دنیا را بر آخرت ترجیح ندادند مگر آنکه دچار سرانجام و عاقبتی شوم شدند... پس هیچ چیز این دنیا را توسّط گناهی نخواهید، و در دنیا سرگرم انجام دستورات خداوند باشید.

﴿۲۵۵۶﴾ هرکس قرآن را بخواند و بر سر آن از حرامی بنوشد یا دوستی دنیا و زینتش را بر قرآن ترجیح دهد، مستحقّ خشم خدا می‌گردد.

﴿۲۵۵۷﴾ هرکس قرآن را بیاموزد و بدان عمل نکند و دوستی دنیا و زیورش را بر آن برگزیند، به خشم خدای عزّ و جلّ دچار می‌گردد و در درجه‌ی یهودیان و مسیحیان قرار می‌گیرد.

﴿۲۵۵۸﴾ دنیا را بر آخرت مقدّم نداشته باش، چراکه دنیا فانی و آخرت باقی است.

﴿۲۵۵۹﴾ پس دل‌های مردم هوس دنیا کرد و بسیار اندک هستند کسانی که اهل دنیا نباشند؛ و اغلب آن‌ها با حق سازش ندارند و به باطل گرایش دارند و دنیا را ترجیح می‌دهند.

﴿۲۵۶۰﴾ هرکس قرآن بخواند، اما انجام حرام برایش آسان باشد و حبّ دنیا و زینت‌های آن را ترجیح دهد، مستوجب خشم خداوند است مگر آنکه توبه کند.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / إِثَارُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ﴾

﴿٢٥٤١﴾ الرضا عليه السلام: لَا يَجْتَمِعُ أَلْمَالُ إِلَّا بِخِصَالِ خَمْسٍ بِبُخْلِ شَدِيدٍ وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ وَ حِرْصٍ غَالِبٍ وَ قَطِيعَةِ الرَّحِمِ وَ إِثَارُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ٣٤

﴿٢٥٤٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَرَّ بِمَجْنُونٍ فَقَالَ مَا لَهُ فَقِيلَ إِنَّهُ مَجْنُونٌ فَقَالَ بَلْ هُوَ مُصَابٌ إِنَّمَا الْمَجْنُونُ مَنْ أَثَرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٣١

﴿٢٥٤٣﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ أَثَرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ٢١٨

﴿٢٥٤٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اجْعَلِ الدُّنْيَا شَوْكًا وَ أَنْظِرْ أَيْنَ تَضَعُ قَدَمَكَ مِنْهَا فَإِنَّ ... مَنْ أَثَرَهَا بَاعَدَتْهُ مِنَ الْآخِرَةِ وَ مَنْ بَعُدَ مِنَ الْآخِرَةِ قَرُبَ إِلَى النَّارِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٢

﴿٢٥٤٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَظُمَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ وَ كَبُرَ مَوْقِعُهَا فِي قَلْبِهِ أَثَرَهَا عَلَى اللَّهِ فَانْقَطَعَ إِلَيْهَا وَ صَارَ عَبْدًا لَهَا؛ مكارم الأخلاق، ص ٨

﴿٢٥٤٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تُرَخِّصْ لِنَفْسِكَ فِي مَطَاوَعَةِ الْهَوَى وَ إِثَارِ لَذَاتِ الدُّنْيَا فَيَفْسُدَ دِينُكَ وَ لَا يَصْلُحَ وَ تَخْسُرَ نَفْسُكَ وَ لَا تَرْجُحَ؛ غرر الحكم، ص ٣٠٦

﴿٢٥٤٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تُؤْثِرَنَّ دُنْيَاكَ عَلَى آخِرَتِكَ؛ الكافي، ج ٣، ص ٥٣٦

﴿٢٥٤٨﴾ عيسى عليه السلام: كَيْفَ يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ مَنْ دُنْيَاهُ عِنْدَهُ أَثَرٌ مِنْ آخِرَتِهِ وَ هُوَ مُقْبِلٌ عَلَى دُنْيَاهُ وَ مَا يَضُرُّهُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِمَّا يَنْفَعُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ٣٨

﴿٢٥٤٩﴾ السجاد عليه السلام: إِنَّ الْمُسْتَكْبِرَ مَنْ يُصِرُّ عَلَى الذَّنْبِ الَّذِي قَدْ غَلَبَهُ هَوَاهُ وَ أَثَرَ دُنْيَاهُ عَلَى آخِرَتِهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٥، ص ٤٠٢

﴿٢٥٥٠﴾ عيسى عليه السلام: إِنَّ شَرَّ النَّاسِ لَرَجُلٌ عَالِمٌ أَثَرَ دُنْيَاهُ عَلَى عِلْمِهِ فَأَحْبَبَهَا وَ طَلَبَهَا وَ جَهَدَ عَلَيْهَا حَتَّى لَوْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَجْعَلَ النَّاسَ فِي حَيْرَةٍ لَفَعَلَ ﷺ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٠٧

﴿٢٥٥١﴾ الصادق عليه السلام: قَدْ لَبِسَ ثَوْبَ الْاسْتِهَانَةِ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ رَبِّهِ مُتَقَلِّدًا لِهَوَاهُ مَاضِيًا فِي شَهَوَاتِهِ مُؤَثِّرًا لِدُنْيَاهُ عَلَى آخِرَتِهِ وَ هُوَ فِي ذَلِكَ يَتَمَنَّى جَنَانَ الْفِرْدَوْسِ وَ مَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَطْمَعَ أَنْ يَنْزِلَ بِعَمَلِ الْفَجَّارِ مَنَازِلَ الْأَبْرَارِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٨٥

﴿٢٥٥٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ قَلَّ مِنَ النَّاسِ مَنْ لَيْسَ لِلدُّنْيَا بِصَاحِبٍ وَ أَكْثَرُهُمْ مَنْ يَجْتَوِي الْحَقَّ وَ يَسْتَمِرُّ الْبَاطِلَ وَ يُؤْثِرُ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ١٦٣

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / مقدم‌دانستن دنیا بر آخرت»

﴿۲۵۶۱﴾ ثروت جز با پنج خصلت جمع نمی‌شود: به بخل شدید، آرزوی دراز، حرص چیره، قطع رحم و برگزیدن دنیا بر آخرت.

﴿۲۵۶۲﴾ پیامبر ﷺ از کنار دیوانه‌ای می‌گذشت، از او پرسید: «به او چه شده؟» گفتند: «او دیوانه است». فرمود: «نه، مغز او بیمار است؛ دیوانه کسی است که دنیا را بر آخرت برگزیند».

﴿۲۵۶۳﴾ کسی که دنیا را بر آخرت ترجیح دهد، خداوند در روز قیامت او را کور محشور می‌کند.

﴿۲۵۶۴﴾ دنیا را خارستانی حساب کن، متوجه باش پای خود را کجا می‌گذاری ... هرکس دنیا را بر آخرت برگزیند، از آخرت دور می‌شود، و هرکس از آخرت فاصله بگیرد به آتش جهنم نزدیک می‌شود.

﴿۲۵۶۵﴾ آن که دنیا در دیده‌اش بزرگ و در دلش جایگاهی ژرف و عظیم باز کرده باشد، آن را بر خدا ترجیح داده و به آن می‌پیوندد و طوق بندگی‌اش را بر گردن می‌نهد.

﴿۲۵۶۶﴾ به نفست اجازه نده که از هوی و هوس تبعیت کند و در پی لذت‌های دنیا برود که موجب فساد دینت شده و آن را اصلاح نمی‌کند و به خودت نیز ضرر می‌رساند و هیچ سودی ندارد.

﴿۲۵۶۷﴾ دنیایت را بر آخرت ترجیح نده.

﴿۲۵۶۸﴾ چگونه اهل علم به شمار می‌رود کسی که دنیایش نزد او بر آخرتش برتری دارد؟! خود به دنیا روی آورده و چیزهایی که به او ضرر می‌رساند، نزد او محبوب‌تر است از چیزهایی که به او منفعت می‌بخشد.

﴿۲۵۶۹﴾ مستکبر کسی است که بر گناه اصرار کند و هوی و هوسش بر او غلبه کند و دنیا را بر آخرتش ترجیح دهد.

﴿۲۵۷۰﴾ به‌راستی که بدترین شخص دانشمندی است که دنیا را بر دانش خویش ترجیح دهد، پس دنیا را دوست می‌دارد و آن را طلب می‌کند و در راه به‌دست‌آوردنش به شدت تلاش می‌کند، حتی اگر بتواند مردم را در سرگردانی قرار دهد، چنین می‌کند.

﴿۲۵۷۱﴾ آدمی جامه‌ی سهل‌انگاری و بی‌اعتنایی میان خود و خدا پوشیده است. مطیع هوی و هوس شده و رهسپار راه شهوات گشته و سرای دنیا را بر آخرت ترجیح داده است؛ و با این حال آرزوی باغ بهشت دارد؟! هیچ‌کس نمی‌تواند با رفتار و کردار فاجران به جایگاه نیکوکاران چشم‌دوزدا!

﴿۲۵۷۲﴾ در میان مردم دوستان دنیا اندک نیستند؛ بیشتر مردم حق را تلخ می‌دانند و باطل در کامشان شیرین می‌آید و دنیا را بر هر چیزی ترجیح می‌دهند.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالْذُّنْيَا / إِيثَارُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ﴾

﴿٢٥٧٣﴾ السَّجَادُ عليه السلام: مَا عَرَضَ لِي قَطُّ أَمْرَانِ أَحَدُهُمَا لِلدُّنْيَا وَالْآخَرُ لِلْآخِرَةِ فَأَثَرْتُ الدُّنْيَا إِلَّا رَأَيْتُ مَا أَكْرَهُ قَبْلَ أَنْ أُمْسِيَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ٩٢

﴿٢٥٧٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِعْلَمْ يَا عَبْدَ اللَّهِ أَنَّ كُلَّ عَامِلٍ فِي الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ لَا بُدَّ أَنْ يُوفَّى أَجْرَ عَمَلِهِ فِي الْآخِرَةِ وَكُلُّ عَامِلٍ دُنْيَاً لِلدُّنْيَا عَمَلُهُ فِي الْآخِرَةِ نَارُ جَهَنَّمَ ثُمَّ تَلَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَوْلَهُ تَعَالَى فَأَمَّا مَنْ طَغَى وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٤٢٤

٣-١٣-٧- تَرَكَ الْآخِرَةَ لِلدُّنْيَا

﴿٢٥٧٥﴾ الرضا عليه السلام: لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِدِينِهِ وَدِينَهُ لِدُنْيَاهُ؛ فقه الرضا عليه السلام، ص ٣٣٧
﴿٢٥٧٦﴾ على بن ابراهيم عليه السلام: لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَلَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ؛

من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ١٥٦

٤-١٣-٧- بَيَّعَ الْآخِرَةَ بِالْذُّنْيَا

﴿٢٥٧٧﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ؛

(البقرة / ٨٦)

﴿٢٥٧٨﴾ فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيَهُ أَجْرًا عَظِيمًا؛ (النساء / ٧٤)

﴿٢٥٧٩﴾ الرسول عليه السلام: قَوْلُ لِبَائِعِ الْآخِرَةِ بِالْذُّنْيَا؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٢١

﴿٢٥٨٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَطَاعَ هَوَاهُ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١١٥

﴿٢٥٨١﴾ الرسول عليه السلام: يَا عَلِيُّ شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ وَشَرُّ مَنْ ذَلِكَ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ

بِدُنْيَا غَيْرِهِ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٥٢

﴿٢٥٨٢﴾ العسكري عليه السلام: وَ لَيْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ؛ بَاعُوا بِهِ أَنْفُسَهُمْ بِالْعَذَابِ، إِذَا بَاعُوا

الْآخِرَةَ بِالْذُّنْيَا وَ رَهْنُوا بِالْعَذَابِ [الدَّائِمِ] أَنْفُسَهُمْ؛ تفسير الإمام العسكري، ص ٤٧٥

﴿٢٥٨٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تَبِيعُوا الْآخِرَةَ بِالْذُّنْيَا وَلَا تَسْتَبْدِلُوا الْفَنَاءَ بِالْبَقَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٤١

﴿٢٥٨٤﴾ لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ بَعْ ذُنْيَاكَ بِآخِرَتِكَ تَرْبِحُهُمَا جَمِيعًا وَلَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِذُنْيَاكَ

تَخْسِرُهُمَا جَمِيعًا؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٤٢١

﴿٢٥٨٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ خَسِرَهُمَا؛ غرر الحكم، ص ١٤١

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / مقدم‌دانستن دنیا بر آخرت»

﴿۲۵۷۳﴾ هرگاه برای من دو قضیه پیش می‌آمد، یکی از آن‌ها به دنیا ارتباط داشت و دیگری به آخرت من؛ برای من دنیا اهمیتی نداشت و آن را فدای آخرت می‌نمودم و قبل از آنکه شب فرا رسد آن کار را انجام می‌دادم.

﴿۲۵۷۴﴾ بنده‌ی خدا! بدان که هرکس در دنیا برای آخرت کار کند، ناگزیر پاداش عملش به تمام و کمال به او داده شود. و هرکس به جهت دستیابی به دنیا به امور دینی عمل کند، اجر و پاداش وی در آخرت آتش دوزخ خواهد بود. سپس امیرالمؤمنین (علیه السلام) این آیات را تلاوت فرمود: پس هر که سرکشی کند و زندگی دنیوی را برگزیند، همانا جایگاه او جهنم خواهد بود.

۳-۱۳-۷- ترک آخرت برای کسب دنیا

﴿۲۵۷۵﴾ از ما نیست کسی که دنیایش را برای دین رها کند یا دینش را برای دنیا. ﴿۲۵۷۶﴾ کسی که دنیای خود را برای آخرت رها کند، یا آخرت خود را برای دنیا از دست دهد، از ما نیست.

۴-۱۳-۷- آخرت را به دنیا فروختن

﴿۲۵۷۷﴾ این‌ها همان کسانی هستند که آخرت را به زندگی دنیا فروخته‌اند از این رو عذاب آن‌ها تخفیف داده نمی‌شود و کسی آن‌ها را یاری نخواهد کرد. ﴿۲۵۷۸﴾ کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته‌اند، باید در راه خدا پیکار کنند! و آن کس که در راه خدا پیکار کند، و کشته شود یا پیروز گردد، پاداش بزرگی به او خواهیم داد. ﴿۲۵۷۹﴾ وای بر کسی که آخرت را به دنیا بفروشد. ﴿۲۵۸۰﴾ کسی که از هوای نفسش پیروی کند، آخرتش را به دنیایش می‌فروشد. ﴿۲۵۸۱﴾ ای علی! بدترین مردم کسی است که آخرتش را به دنیایش بفروشد. و بدتر از او کسی است که آخرتش را به دنیای دیگری بفروشد. ﴿۲۵۸۲﴾ و چه بد معامله کردند جان‌های خود را؛ در واقع خود را با این معامله فروختند و عذاب را خریدند، آخرت را به دنیا و خودشان را در قبال عذاب پایدار فروختند. ﴿۲۵۸۳﴾ آخرت را به دنیا نفروشید و باقی را با فانی عوض نکنید. ﴿۲۵۸۴﴾ ای پسر! دنیایت را به آخرت بفروش در این صورت در هر دوی آن‌ها سود می‌کنی، ولی آخرت را به دنیا نفروش چون هر دو را از دست می‌دهی. ﴿۲۵۸۵﴾ کسی که آخرتش را به دنیایش بفروشد، در هر دو ضرر کرده است.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / يُبَارُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ﴾

﴿٢٥٨٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ مَنْ بَاعَ جَنَّةَ الْمَأْوَى بِعَاجِلَةِ الدُّنْيَا تَعَسَّ جِدُّهُ وَخَسِرَتْ صَفْقَتُهُ؛ غررالحكم، ص ١٣٠

﴿٢٥٨٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَلِبَسُ الْمُتَجَرُّ أَنْ تَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِكَ ثَمَنًا وَمِمَّا لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عَوَضًا؛ نهج البلاغة، ص ٧٤

﴿٢٥٨٨﴾ الصادق عليه السلام: لَوْ لَمْ يَكُنْ فِي الطَّمَعِ إِلَّا مُشَارَاةُ الدِّينِ بِالدُّنْيَا كَانَ عَظِيمًا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٦٩

٥-١٣-٧- بَيْعُ الْآخِرَةِ بِدُنْيَا غَيْرِهِ

﴿٢٥٨٩﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهِ وَشَرُّ مَنْ ذَلِكَ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٥٢

﴿٢٥٩٠﴾ الباقر عليه السلام: أَلَا أَنْبِئُكُمْ بِأَخْلِ النَّاسِ مِيزَانًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَبْيَنَهُمْ خُسْرَانًا مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٧، ص ١٦٥

﴿٢٥٩١﴾ الصادق عليه السلام: أَبْيَنُهُمْ خُسْرَانًا مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ؛ الأُمَالِي لِلطُّوسِي، ص ٥٠

﴿٢٥٩٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِذَا كُنْتُمْ الْعَالَمُ وَزَهَا الْجَاهِلُ فِي تَعْلَمَ مَا لَا بُدَّ مِنْهُ، وَبَخِلَ الْغَنِيُّ بِمَعْرُوفِهِ، وَبَاعَ الْفَقِيرُ دِينَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ حَلَّ الْبَلَاءِ وَعَظُمَ الْعِقَابُ؛ تفسير الإمام العسكري، ص ٤٠٣

﴿٢٥٩٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: بُسَّ الرَّجُلُ مَنْ بَاعَ دِينَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ؛ غررالحكم، ص ١٣٠

﴿٢٥٩٤﴾ الرسول ﷺ: قَالَ: فَأَيُّ الْخَلْقِ أَشْقَى؟ قَالَ: مَنْ بَاعَ دِينَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٨١

﴿٢٥٩٥﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: وَلَعَمْرِي مَنْ بَاعَ دِينَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ لَحَرِيٌّ حُزْنُهُ عَلَى مَا بَاعَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٢٣١

٦-١٣-٧- تَعْوِضُ الْآخِرَةِ بِالدُّنْيَا

﴿٢٥٩٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَخْسَرَ مِمَّنْ تَعَوَّضَ عَنِ الْآخِرَةِ بِالدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ١٤١

٧-١٣-٧- تَبْدِيلُ الْآخِرَةِ بِالدُّنْيَا

﴿٢٥٩٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تَبِيعُوا الْآخِرَةَ بِالدُّنْيَا وَلَا تَسْتَبْدِلُوا الْفَنَاءَ بِالْبَقَاءِ؛ غررالحكم، ص ١٤١

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / مقدم‌دانستن دنیا بر آخرت»

﴿۲۵۸۶﴾ به‌درستی که هرکس بهشت برین را به دنیای حاضر و زودگذر بفروشد، تلاش و کوشش او تباه می‌شود و در تجارت خویش زیان می‌کند.

﴿۲۵۸۷﴾ چه بد تجارتی است که دنیا را بهای نفس خودت بدانی و آن را در عوض بهایی که در نزد خدا داری برای خود بپسندی.

﴿۲۵۸۸﴾ اگر حاصل طمع جز فروش دین در مقابل دنیا نبود، در نزد خداوند عظیم بود. خداوند در قرآن مجید فرموده است: اینان همان‌هایی هستند که گمراهی را با هدایت و عذاب را با آرامش مبادله کرده‌اند؛ پس چقدر باید بر تحمل آتش صبر کنند.

۵-۱۳-۷- آخرت را به دنیای دیگران فروختن

﴿۲۵۸۹﴾ ای علی! بدترین مردم کسی است که آخرتش را به دنیایش بفروشد. و بدتر از او کسی است که آخرتش را به دنیای دیگری بفروشد.

﴿۲۵۹۰﴾ آگاه باشید! که سبک‌ترین اعمال در ترازوی قیامت و زیان آشکار مربوط به کسی که آخرت خود را به دنیای دیگری بفروشد.

﴿۲۵۹۱﴾ زیانکارترین فرد کسی است که آخرتش را به دنیای دیگران بفروشد.

﴿۲۵۹۲﴾ هرگاه عالم علم و دانش را از اهلش پنهان داشت و [به او نیاموخت] و جاهل و نادان در یادگرفتن آنچه را که از یادگرفتن آن چاره‌ای ندارد، تکبر نمود و غنی به خاطر رزق و روزی خود بخل ورزید، و فقیر دین و آیینش را به دنیای دیگری فروخت، بلاء و گرفتاری روی آورده و عقاب و کیفر بزرگ می‌گردد.

﴿۲۵۹۳﴾ کسی که دینش را به دنیای دیگری بفروشد، بد انسانی است.

﴿۲۵۹۴﴾ [پیرمرد شامی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرسید:] «کدام مخلوق، بدبخت‌ترین فرد است؟» فرمود: «کسی که دین خود را به دنیای دیگران بفروشد».

﴿۲۵۹۵﴾ و به جانم سوگند! هرکس دینش را به دنیای غیر خود بفروشد، اندوهش برآنچه فروخته است، شایسته است.

۶-۱۳-۷- عوض کردن آخرت با دنیا

﴿۲۵۹۶﴾ چه کسی زیانکارتر از آن است که دنیا را در عوض آخرت بگیرد؟

۷-۱۳-۷- بدل گرفتن دنیا در مقابل آخرت

﴿۲۵۹۷﴾ آخرت را به دنیا نفروشید و باقی را با فانی عوض نکنید.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / إِثَارُ الدُّنْيَا عَلَى الدِّينِ﴾

٧-١٤-إِثَارُ الدُّنْيَا عَلَى الدِّينِ

٧-١٤-١- تَرَكُ الدِّينِ لِاسْتِصْلَاحِ الدُّنْيَا

﴿٢٥٩٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا يَتْرُكُ النَّاسُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ لِاسْتِصْلَاحِ دُنْيَاهُمْ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُوَ أَضْرُّ مِنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ١٠٧

﴿٢٥٩٩﴾ الرضا عليه السلام: لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِدِينِهِ وَدِينَهُ لِدُنْيَاهُ؛ فقه الرضا عليه السلام، ص ٣٣٧

٧-١٤-٢- مَنْ مَهَرَ الدُّنْيَا دِينَهُ

﴿٢٦٠٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تَمَهِّرِ الدُّنْيَا دِينَكَ فَإِنْ مِنْ مَهْرٍ [أَمَهَرَ] الدُّنْيَا دِينَكَ زَقَّتْ إِلَيْهِ بِالشَّقَاءِ وَالْعَنَاءِ وَالْمِحْنَةِ وَالْبَلَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

٧-١٤-٣- صِيَانَةُ الدُّنْيَا بِالدِّينِ

﴿٢٦٠١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: صُنِ الدِّينَ بِالدُّنْيَا يُنْجِكَ وَلَا تَصُنِ الدُّنْيَا بِالدِّينِ فَتُرْدِيكَ؛

غرر الحكم، ص ١٣٠

﴿٢٦٠٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: صُنِ دِينَكَ بِدُنْيَاكَ تَرْبُحُهَا وَلَا تَصُنْ دُنْيَاكَ بِدِينِكَ

فَتَخْسِرَ هُمَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٦

٧-١٤-٤- بَيْعُ الدِّينِ بِالدُّنْيَا

﴿٢٦٠٣﴾ زياره بالنباية: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ نَبِيعَ الدِّينَ بِالدُّنْيَا أَوْ نَسْتَبْدِلَ الظُّلْمَةَ بِالضُّيَاءِ أَوْ نَخْتَارَ الْأَعْدَاءَ عَلَى الْأَوْلِيَاءِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٩، ص ٢٥٩

﴿٢٦٠٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَمَّا بَلَغَهُ مَا صَنَعَهُ بُسْرُبُنْ أَرْطَاةَ بِالْيَمَنِ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنْ بُسِرَ بَاعَ دِينَهُ بِالدُّنْيَا فَاسْلُبْهُ عَقْلَهُ وَلَا تُبْقِ لَهُ مِنْ دِينِهِ مَا يَسْتَوْجِبُ بِهِ عَلَيْكَ رَحْمَتَكَ ؛ الإرشاد، ج ١، ص ٣٢١

﴿٢٦٠٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَالَ: فَأَيُّ الْخَلْقِ أَشَقَى قَالَ مَنْ بَاعَ دِينَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ؛

الأمالي للصدوق، ص ٣٩٣

﴿٢٦٠٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَقُوذُ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كُلُّ غَنِيٍّ بَخِلَ بِمَالِهِ عَلَى الْفُقَرَاءِ وَكُلُّ

عَالِمٍ بَاعَ الدِّينَ بِالدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ٤٨

٧-١٤-٥- وَقَايَةُ الدُّنْيَا بِالدِّينِ

﴿٢٦٠٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْمُؤْمِنُ مَنْ وَقَى دِينَهُ بِدُنْيَاهُ وَالْفَاجِرُ مَنْ وَقَى دُنْيَاهُ بِدِينِهِ؛

غرر الحكم، ص ٩٠

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / مقدم‌دانستن دنیا بر دین»

۷-۱۴- مقدم‌دانستن دنیا بر دین

۷-۱۴-۱ ترک دین برای اصلاح دنیا

«۲۵۹۸» آن‌ها که برای اصلاح کارهای دنیایی خود از دینشان مایه می‌گذارند و دین را رها می‌کنند، خداوند آن‌ها را به مشکلاتی خواهد انداخت که زیان بیشتری خواهند دید.

«۲۵۹۹» از ما نیست کسی که دنیایش را برای دین رها کند یا دینش را برای دنیا.

۷-۱۴-۲ کسی که دین خود را کابین دنیا کند

«۲۶۰۰» دین خود را کابین دنیا نکن. پس به‌درستی که هرکس مهریه‌ی مال دنیایش، دینش باشد؛ با بدبختی، رنج، اندوه و گرفتاری ازدواج خواهد کرد.

۷-۱۴-۳ حفظ دنیا به‌وسیله‌ی دین

«۲۶۰۱» دین را با دنیا حفظ کن تا نجات یابی اما دنیا را با دینت حفظ نکن که هلاک می‌گردد.

«۲۶۰۲» دینت را با دنیایت حفظ کن تا در هر دو سود کنی، اما دنیایت را با دینت حفظ نکن که در هر دو زیان خواهی کرد.

۷-۱۴-۴ فروختن دین و خریدن دنیا

«۲۶۰۳» خدایا، از اینکه دین را در برابر دنیا بفروشیم، یا روشنی را با تاریکی جایگزین نماییم، یا دشمنان را به جای دوستان برگزینیم، به تو پناه می‌آورم.

«۲۶۰۴» چون خبر کارهای زشت و جنایات بسرب‌ارطاة در یمن به آن حضرت رسید فرمود: «بار خدایا، همانا بَسَر دین خود را به دنیا فروخت، پس عقل او را بگیر و از دینش چیزی که موجبات رحمتت بر او را فراهم کند، برای او باقی مگذار».

«۲۶۰۵» [پیرمردی از امام علی علیه السلام پرسید:] «کدام مخلوق بدبخت‌تر است؟» فرمود: «آن که دینش را به دنیای شخص دیگری بفروشد».

«۲۶۰۶» هیزم‌های آتش جهنم در روز قیامت، ثروتمندان بخیلی هستند که از بخشش مالشان به فقیران امتناع می‌کردند و عالمانی هستند که دنیا را با دینشان خریدند.

۷-۱۴-۵ حفاظت از دنیا به وسیله‌ی دین

«۲۶۰۷» مؤمن کسی است که دینش را با دنیایش حفظ کند و گناهکار کسی است که دنیایش را با دینش حفظ کند.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِفْرَاطُ وَالْإِكْتَارُ﴾

٦-١٤-٧- تَحْصِينُ الدُّنْيَا بِالدِّينِ

﴿٢٦٠٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حَصَّنُوا الدِّينَ بِالدُّنْيَا وَلَا تُحَصِّنُوا الدُّنْيَا بِالدِّينِ؛ غررالحكم، ص ٨٥

٧-١٤-٧- جَعَلَ الدُّنْيَا أَمَامَ الدِّينِ

﴿٢٦٠٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّا وَاللَّهِ مَا ثَنَانَا عَنْ أَهْلِ الشَّامِ بِالسَّلَامَةِ وَالصَّبْرِ فَتَبَتْ [فَسَلَبَتْ] السَّلَامَةُ بِالْعَدَاوَةِ وَالصَّبْرُ بِالْجَزَعِ وَكُنْتُمْ فِي مَبْدِكُمْ إِلَى صَفِينٍ وَدِينِكُمْ أَمَامَ دُنْيَاكُمْ وَقَدْ أَصْبَحْتُمْ الْيَوْمَ وَدُنْيَاكُمْ أَمَامَ دِينِكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٠٦

٨-١٤-٧- اجْتَلَابُ الدُّنْيَا بِالدِّينِ

﴿٢٦١٠﴾ الكاظم عليه السلام: وَيَلُ الدِّينَ يَجْتَلِبُونَ الدُّنْيَا بِالدِّينِ وَيَلُ الدِّينَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٨٤

١٥-٧- الإفراطُ والإكثارُ

١-١٥-٧- الزَّامُ الدُّنْيَا

﴿٢٦١١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اجْعَلِ الدُّنْيَا شَوْكَاً وَانْظُرْ أَتَيْنَ تَضَعُ قَدَمَكَ مِنْهَا فَإِنَّ ... مَنْ

الزَمَهَا أَهَانَتْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٢

٢-١٥-٧- الإِخْلَادُ إِلَى الدُّنْيَا

﴿٢٦١٢﴾ العسكري عليه السلام: قَالَ: فَمَا الْحِرْصُ قَالَ الْإِخْلَادُ إِلَى الدُّنْيَا وَالطَّمَّاحُ إِلَى الْأُمُورِ الَّتِي فِيهَا الْفَسَادُ وَثَمَرَتُهَا عُقُوبَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٢١

﴿٢٦١٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَإِيَّاكَ أَنْ تَغْتَرَّ بِمَا تَرَى مِنْ إِخْلَادِ أَهْلِ الدُّنْيَا إِلَيْهَا وَتَكَالِبِهِمْ عَلَيْهَا... سَلَكَتْ بِهِمُ الدُّنْيَا طَرِيقَ الْعَمَى وَآخَذَتْ بِأَبْصَارِهِمْ عَنْ مَنَارِ الْهُدَى فَتَاهُوا فِي حَيْرَتِهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٦، ص ٨٩

﴿٢٦١٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا تَغُرُّ الْمُؤْمِلَ لَهَا وَالْمُخْلِدَ إِلَيْهَا، وَلَا تَنْفَسُ بِمَنْ نَافَسَ فِيهَا، وَتَغْلِبُ مَنْ غَلَبَ عَلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٢٩، ص ٥٩٦

٣-١٥-٧- الْعُكُوفُ عَلَى الدُّنْيَا

﴿٢٦١٥﴾ الرسول ﷺ: سَيَأْتِي بَعْدَكُمْ قَوْمٌ يَأْكُلُونَ أَطَائِبَ الدُّنْيَا وَآلَوَانَهَا وَيَنْكِحُونَ أَجْمَلَ النِّسَاءِ وَآلَوَانَهَا وَيَلْبَسُونَ أَلْيَنَ الثِّيَابِ وَآلَوَانَهَا وَيَرْكَبُونَ فَرَسَ الْخَيْلِ وَآلَوَانَهَا لَهُمْ بُطُونٌ مِنْ

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / زیاده‌خواهی»

۶-۱۴-۷- نگهداری از دنیا به وسیله‌ی دین

﴿۲۶۰۸﴾ دین را با دنیا نگهداری کنید و دنیا را با دین حراست نکنید.

۷-۱۴-۷- قراردادن دنیا جلوتر از دین

﴿۲۶۰۹﴾ به خدا سوگند! آنچه ما را از [جنگ] شامیان بازداشت نه شک بود و نه پشیمانی، و جز این نبود که ما جمعیت، پیوسته با سلامت [فکر] و پایداری با شامیان در نبرد بودیم، ولی [امروز] سلامت دل‌ها به دشمنی تبدیل شده و پایداری به بی‌تابی و شما در حالی در مأموریت نبرد به صفین بودید که دیتان را مقدم بر دنیای خود می‌دانستید ولی امروز دنیا مقدم بر دیتان شده است.

۸-۱۴-۷- دستیابی به دنیا به وسیله‌ی دین

﴿۲۶۱۰﴾ وای بر کسانی که دین را وسیله‌ی دست‌یافتن به دنیا قرار می‌دهند و وای بر کسانی که افرادی را که به عدالت امر می‌کنند، می‌کشند.

۱۵-۷- زیاده‌خواهی

۱-۱۵-۷- ملازمت و همراهی با دنیا

﴿۲۶۱۱﴾ دنیا را خارستانی حساب کن، متوجه باش پای خود را کجا می‌گذاری ... هرکس ملازم دنیا باشد، او را خوار می‌کند.

۲-۱۵-۷- میل به دنیا

﴿۲۶۱۲﴾ شاهزاده پرسید: «حرص چیست؟» بلوهر گفت: «میل به دنیا و نظرانداختن به اموری که در آن فساد است و ثمره‌ی آن نیز عقوبت اخروی است.

﴿۲۶۱۳﴾ از دنیا بپرهیز که چسبیدن اهل دنیا به آن و درنده‌خویی آنان بر سر دنیا تو را فریب می‌دهد... دنیا آن‌ها را به راه کوری می‌کشاند و دیدگانشان را از چراغ هدایت می‌پوشاند. پس آن‌ها در وادی حیرت دنیا سرگردان هستند.

﴿۲۶۱۴﴾ دنیا آرزومند آن و آرام‌گیرنده‌ی در آن را فریب می‌دهد و به کسی که در آن رقابت کند، مهلت نمی‌دهد و بر کسی که بر آن غلبه کرده، غلبه می‌کند.

۳-۱۵-۷- سخت به دنیا چسبیدن

﴿۲۶۱۵﴾ به‌زودی بعد از شما مردمی می‌آیند که غذاهای خوشمزه و رنگارنگ دنیا را می‌خورند و با زنان زیباروی و رنگارنگ ازدواج می‌کنند، رنگارنگ‌ترین لباس‌ها را می‌پوشند و بر

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِفْرَاطُ وَالْإِكْتَارُ﴾

الْقَلِيلُ لَا تَشْبَعُ وَانْفُسُ بِالْكَثِيرِ لَا تَقْنَعُ عَاكِفِينَ عَلَى الدُّنْيَا يَغْدُونَ وَ يَرُوحُونَ إِلَيْهَا اتَّخَذُوهَا إِلَهَةً مِنْ دُونِ إِلَهُهِمْ وَ رَبًّا دُونَ رَبِّهِمْ إِلَى أَمْرِهِمْ يَنْتَهُونَ وَ هَوَاهُمْ يَتَّبِعُونَ فَعَزِيمَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَزَامَةٌ لِمَنْ أَدْرَكَهُ ذَلِكَ الزَّمَانُ مِنْ عَقَبَ عَقِبَكُمْ وَ خَلَفَ خَلْفَكُمْ أَنْ لَا يُسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَ لَا يَعُودَ مَرْضَاهُمْ وَ لَا يَتَّبِعَ جَنَائِزَهُمْ وَ لَا يُوقِّرَ كَبِيرَهُمْ فَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ أَعَانَ عَلَى هَذِمِ الْإِسْلَامِ؛

مجموعة ورام، ج ١، ص ١٥٥

١٥-٤-٧- تمكينُ أبناءِ الدُّنْيَا

﴿٢٦١٦﴾ يَا مُوسَى... لَا تُمَكِّنْ أَبْنَاءَ الدُّنْيَا مِنْ صَدْرِكَ فَيَجْعَلُونَهُ وَكْرًا كَوَكْرِ الطَّيْرِ يَا مُوسَى

أَبْنَاءُ الدُّنْيَا وَ أَهْلُهَا فَتَنْ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ فِكْلٌ مُزِينٌ لَهُ مَا هُوَ فِيهِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٤٧

١٥-٥-٧- إِسْطِيطَانُ الدُّنْيَا دَارًا

﴿٢٦١٧﴾ الرُّسُولُ عليه السلام: قَدْ ضَيَعْنَا دَارًا تَبَقَى وَ اسْتَوْطَنَّا دَارًا تَفَنَى؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٧٢

١٥-٥-٧- كَانِ دُنْيَاكُمْ لَا تَزُولُ

﴿٢٦١٨﴾ دَاوُدُ عليه السلام: هُوَ مَصُورُكُمْ وَ خَالِقُكُمْ عَلَى أَلْوَانٍ شَتَّى مَا لَكُمْ لَا تَحْفَظُونَ طَاعَةَ اللَّهِ

أَنَاءَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ تَطْرُدُونَ الْمَعَاصِيَ عَنْ قُلُوبِكُمْ كَأَنَّكُمْ لَا تَمُوتُونَ وَ كَأَنَّ دُنْيَاكُمْ بَاقِيَةٌ لَا

تَزُولُ وَ لَا تَنْقَطِعُ؛ سعد السعود، ص ٤٧

١٥-٦-٧- الْإِشْتِبَاكُ فِي الدُّنْيَا

﴿٢٦١٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: مَنْ كَثُرَ اشْتِبَاكُهُ فِي الدُّنْيَا كَانَ أَشَدَّ لِحَسْرَتِهِ عِنْدَ فِرَاقِهَا؛ وسائل الشيعة،

ج ١٦، ص ٢٠

﴿٢٦٢٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: مَنْ كَثُرَ اشْتِبَاكُهُ بِالدُّنْيَا كَانَ أَشَدَّ لِحَسْرَتِهِ عِنْدَ فِرَاقِهَا؛ بحار الأنوار،

ج ٦٩، ص ٥٤

١٥-٧-٧- الْإِكْتَارُ مِنَ الدُّنْيَا

﴿٢٦٢١﴾ لَقْمَانُ عليه السلام: وَ لَا تُكْثِرْ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّكَ عَلَى غَفْلَةٍ مِنْهَا وَ انْظُرْ إِلَى مَا تَصِيرُ مِنْهَا؛

بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٤٢٩

﴿٢٦٢٢﴾ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: دُنْيَا عَدِمْتُكَ مَا أَمَرْتُكَ، لِلْمُكْثِرِينَ فَمَا أَضْرَكَ، مَا ذَاقَ خَيْرَكَ

ذَاتِي، إِلَّا صَبَبَتْ عَلَيْهِ شَرَكُ؛ ديوان الإمام علي عليه السلام، ص ١٩٦

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / زیاده‌خواهی»

زیباترین و خوش‌رنگ‌ترین اسب‌ها سوار می‌شوند، شکم‌هایی دارند که با اندک طعامی سیر نمی‌شود و به بهره‌ی زیاد نیز قانع نمی‌شوند. به دنیا سخت می‌چسبند و روز و شب رو به‌سوی آن دارند و به‌جای خدایشان، دنیا را به‌خدایی می‌گیرند. کار خود را به اتمام می‌رسانند و از هوی و هوس خود تبعیت می‌کنند. پس بر طبق احکام شریعتی که پیامبر ﷺ آورده، هرکدام شما یا نوه‌ها و آیندگان شما که در زمان حیات آن‌ها بود، نه بر آنان سلام کند و نه به عیادت مریض‌های آنان برود، به تشییع مرده‌هایشان نرود و پیران آنان را بزرگ‌نماید که هرکس خلاف این انجام دهد، به نابودی اسلام کمک کرده است.

۴-۱۵-۷- پذیرفتن فرزندان دنیا

﴿۲۶۱۶﴾ ای موسی، فرزندان دنیا را در سینه‌ی خود جای نده تا آن را مانند پرنده‌ها، آشیانه‌ی خود کنند. ای موسی، دنیا‌زادگان و دنیا‌داران یکدیگر را فریب می‌دهند و هرکدام آنچه را که دارند، برای دیگری می‌آرایند.

۵-۱۵-۷- دنیا را وطن‌گزیدن

﴿۲۶۱۷﴾ ما خانه‌ی همیشگی را خراب و خانه‌ی از دست‌رفتنی را وطن‌گزیده‌ایم.

۱-۱۵-۵-۷- گویا دنیای شما پایان نمی‌پذیرد

﴿۲۶۱۸﴾ او برای شما قیافه و شکل و جسم قرار داده و شما را به شیوه‌ها و رنگ‌های گوناگون آفریده است، حال چه شده که در طول شب و روز طاعت خداوند را به جای نمی‌آورید و گناهان را از قلب‌هایتان دور نمی‌کنید، گویا شما قرار نیست بمیرید! و گویا دنیای شما باقی و ابدی است و پایان نمی‌پذیرد.

۶-۱۵-۷- درگیر دنیا بودن

﴿۲۶۱۹﴾ هرکس بیشتر درگیر و آلوده‌ی دنیا شود، زمان جدایی از آن، حسرتش بیشتر خواهد بود.

﴿۲۶۲۰﴾ هرکس به دنیا بیشتر توجه کند در هنگام از دست‌دادن دنیا حسرت خواهد خورد.

۷-۱۵-۷- توجه بسیار به دنیا

﴿۲۶۲۱﴾ به دنیا بسیار توجه نکن چون یک‌باره آن را رها خواهی کرد و به دنیایی که به آنجا سفر می‌کنی توجه کن.

﴿۲۶۲۲﴾ ای دنیا! تو را کنار می‌گذارم، چقدر تلخی! چقدر برای کسی که در طلب تو بسیار می‌کوشد زیانباری. هیچ‌کس طعم خیر و نیکی تو را نچشیده مگر آنکه شرت را بر او ریخته باشی.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الإفراطُ و الإكتنارُ﴾

٨-١٥-٧- التكاثرُ

﴿٢٦٢٣﴾ داود عليه السلام: أَنْظَرُوا مَا تَصْنَعُ الدُّنْيَا وَ التَّكَاثُرُ بِصَاحِبِهِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٩، ص ٣٣٠
﴿٢٦٢٤﴾ السجّاد عليه السلام: وَ أَنْتِ عَلَى الدُّنْيَا مَكْبٌ مُنَافِسٌ، لِحُطَّابِهَا فِيهَا حَرِيصٌ مُكَائِرٌ؛

البلد الأمين، ص ٣٢٠

٩-١٥-٧- الإستكثارُ مِنَ الدُّنْيَا

﴿٢٦٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اسْتَكْتَرَ مِنَ الدُّنْيَا اسْتَكْتَرَ مِمَّا يُؤْبَقُهُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩
﴿٢٦٢٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تَكُنْ غَافِلًا عَنْ دِينِكَ حَرِيصًا عَلَى دُنْيَاكَ مُسْتَكْتَرًا مِمَّا لَا يَبْقَى
عَلَيْكَ مُسْتَقْلَلًا مِمَّا يَبْقَى لَكَ فَيُورِدُكَ ذَلِكَ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

١٠-١٥-٧- الإترافُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

﴿٢٦٢٧﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَ اتَّرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا
هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَ يَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ؛ (المؤمنون / ٣٣)

١١-١٥-٧- تَوْفِيرُ الْحَظِّ فِي الدُّنْيَا

﴿٢٦٢٨﴾ الرسول ﷺ: مَنْ تُوْفِرَ حَظُّهُ فِي الدُّنْيَا انْتَقَصَ حَظُّهُ فِي الْآخِرَةِ وَ إِنْ كَانَ كَرِيمًا؛

بحار الأنوار، ج ٦٩، ص ٤٨

١٢-١٥-٧- الإصرارُ عَلَى الدُّنْيَا

﴿٢٦٢٩﴾ الصادق عليه السلام: وَ الْإِصْرَارُ عَلَى الدُّنْيَا أَمْنٌ لِمَكْرِ اللَّهِ وَ لَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ
الْخَاسِرُونَ؛ كشف الغمة، ج ٢، ص ١٧٨

١٣-١٥-٧- الإكْبَابُ عَلَى الدُّنْيَا

﴿٢٦٣٠﴾ السجّاد عليه السلام: وَ أَنْتِ عَلَى الدُّنْيَا مَكْبٌ مُنَافِسٌ، لِحُطَّابِهَا فِيهَا حَرِيصٌ مُكَائِرٌ؛

البلد الأمين، ص ٣٢٠

﴿٢٦٣١﴾ الرسول ﷺ: أَنَا زَعِيمٌ بِثَلَاثٍ لِمَنْ أَكَبَّ عَلَى الدُّنْيَا بِفَقْرٍ لَا غَنَاءَ لَهُ وَ بِشُغْلٍ لَا فَرَاغَ

لَهُ وَ بِهِمْ وَ حُزْنَ لَا انْقِطَاعَ لَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٨١

١٤-١٥-٧- إِنَّمَا الْحَيَاةُ عِنْدَ بَعْضِهِمُ الدُّنْيَا

﴿٢٦٣٢﴾ وَقَالُوا إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَ مَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ؛ (الأنعام / ٢٩)

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / زیاده‌خواهی»

۸-۱۵-۷- زیاده‌خواهی

«۲۶۲۳» بنگرید که دنیا و زیاده‌خواهی با صاحبش چه می‌کند.
«۲۶۲۴» تو بر دنیا افتاده‌ای و بر سر کسب آن مسابقه می‌دهی، خواستگاران دنیا بسیارند و بر آن حرص می‌ورزند.

۹-۱۵-۷- طلب بسیار از دنیا

«۲۶۲۵» هرکس از دنیا بسیار طلب کند، بیشتر هلاک می‌شود.
«۲۶۲۶» از دین خود غافل نشو و بر دنیا حریص نباش؛ تقاضای زیادشدن چیزی را که برایت نخواهد ماند، نکن و از چیزی که برای تو می‌ماند، جدا نشو که اگر چنین کنی داخل در عذابی شدید خواهی شد.

۱۰-۱۵-۷- زندگی مرفه و در ناز و نعمت دنیا

«۲۶۲۷» ولی اشرافیان [خودخواه] از قوم او که کافر بودند، و دیدار آخرت را تکذیب می‌کردند، و در زندگی دنیا به آنان ناز و نعمت داده بودیم، گفتند: «این بشری است مثل شما از آنچه می‌خورید می‌خورد و از آنچه می‌نوشتید می‌نوشت!» [پس چگونه می‌تواند پیامبر باشد؟!]

۱۱-۱۵-۷- زیادی بهره از دنیا

«۲۶۲۸» هرکس حظاً و بهره‌اش در دنیا زیاد شود، بهره‌اش در آخرت کم می‌شود، هرچند بخشنده باشد.

۱۲-۱۵-۷- اصرار بر دنیا

«۲۶۲۹» اصرار بر دنیا ایمنی از مکر الهی است. جز زیانکاران، خود را از مکر [و مجازات] خدا ایمن نمی‌دانند!

۱۳-۱۵-۷- بر دنیا افتادن

«۲۶۳۰» تو بر دنیا افتاده‌ای و بر سر کسب آن مسابقه می‌دهی، خواستگاران دنیا بسیارند و بر آن حرص می‌ورزند.

«۲۶۳۱» من برای کسی که به دوستی دنیا دل بسته سه چیز را پیش‌بینی می‌کنم: فقری که بی‌نیازی ندارد، گرفتاری که پایان ندارد و غم و اندوهی که تمام نشود.

۱۴-۱۵-۷- زندگی در نزد بعضی فقط منحصر به دنیا است

«۲۶۳۲» آن‌ها گفتند: «چیزی جز این زندگی دنیای ما نیست و ما هرگز برانگیخته نخواهیم

شد!»!

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْحِرْصُ﴾

﴿٢٦٣٣﴾ إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ؛ (المؤمنون / ٣٧)

١٥-٧- الإِنْقِطَاعُ إِلَى الدُّنْيَا

﴿٢٦٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اجْعَلِ الدُّنْيَا شَوْكَاً وَانْظُرْ أَيْنَ تَضَعُ قَدَمَكَ مِنْهَا فَإِنَّ مَنْ رَكَنَ إِلَيْهَا خَذَلَتْهُ وَمَنْ أَنَسَ فِيهَا أَوْحَشَتْهُ وَمَنْ يَرْغَبُ فِيهَا أَوْهَنْتُهُ وَمَنْ انْقَطَعَ إِلَيْهَا قَتَلَتْهُ؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٢

﴿٢٦٣٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَظُمَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ وَكَبُرَ مَوْقِعُهَا فِي قَلْبِهِ آثَرَهَا عَلَى اللَّهِ

فَانْقَطَعَ إِلَيْهَا وَصَارَ عَبْدًا لَهَا؛ مكارم الأخلاق، ص ٨

١٦-٧- الحِرْصُ

١-١٦-٧- الطَّمَعُ

﴿٢٦٣٦﴾ الصادق عليه السلام: وَكُلَّمَا انْقَصَ مِنَ الْقَنَاعَةِ زَادَ فِي الرَّغْبَةِ وَ الطَّمَعُ فِي الدُّنْيَا أَصْلُ كُلِّ

شَرٍّ وَصَاحِبُهَا لَا يَنْجُو مِنَ النَّارِ إِلَّا أَنْ يُتُوبَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٥، ص ٢٢٤

﴿٢٦٣٧﴾ الحسين عليه السلام: فَلَا تَغْرَنَكُمُ هَذِهِ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا تَقْطَعُ رَجَاءَ مَنْ رَكَنَ إِلَيْهَا وَتُخَيِّبُ طَمَعَ

مَنْ طَمَعَ فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٥، ص ٥

﴿٢٦٣٨﴾ الرسول ﷺ: سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَخْبِثُ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ وَتَحْسُنُ فِيهِ عُلَانِيَتُهُمْ

طَمَعًا فِي الدُّنْيَا وَلَا يُرِيدُونَ بِهِ مَا عِنْدَ اللَّهِ رَبِّهِمْ يَكُونُ دِينُهُمْ رِيَاءً لَا يُخَالِطُهُمْ خَوْفُ يَعْمَهُمُ اللَّهُ

مِنْهُ بَعْقَابٌ فَيَدْعُونَهُ دُعَاءَ الْغَرِيقِ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ؛ الكافي، ج ٨، ص ٣٠٦

﴿٢٦٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اجْعَلِ الدُّنْيَا شَوْكَاً وَانْظُرْ أَيْنَ تَضَعُ قَدَمَكَ مِنْهَا فَإِنَّ مَنْ رَكَنَ

إِلَيْهَا خَذَلَتْهُ وَمَنْ أَنَسَ فِيهَا أَوْحَشَتْهُ وَمَنْ يَرْغَبُ فِيهَا أَوْهَنْتُهُ وَمَنْ انْقَطَعَ إِلَيْهَا قَتَلَتْهُ وَمَنْ

طَلَبَهَا أَرْهَقَتْهُ وَمَنْ فَرَحَ بِهَا أَثْرَحَتْهُ وَمَنْ طَمَعَ فِيهَا صَرَعَتْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٢

﴿٢٦٤٠﴾ الرسول ﷺ: وَمَنْ عَظَّمَ صَاحِبَ دُنْيَا وَ أَحَبَّهُ لَطَمَعَ دُنْيَاهُ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَكَانَ فِي

دَرَجَتِهِ مَعَ قَارُونَ فِي التَّابُوتِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ١٨١

﴿٢٦٤١﴾ الصادق عليه السلام: حَرَامٌ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ يُحِبُّ الدُّنْيَا أَنْ يَفَارِقَهُ الطَّمَعُ؛ مجموعة ورام، ج ٢،

ص ١٢١

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / حرص»

﴿۲۶۳۳﴾ مسلماً غیر از این زندگی دنیای ما، چیزی در کار نیست پیوسته گروهی از ما می‌میریم، و نسل دیگری جای ما را می‌گیرد و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد!

۱۵-۷-۱۵- دربرگرفتن دنیا

﴿۲۶۳۴﴾ دنیا را خارستانی حساب کن، متوجه باش پای خود را کجا می‌گذاری. هرکس به آن اعتماد کند، دنیا او را خوار می‌نماید و هرکس به آن انس بگیرد او را به وحشت می‌اندازد. و هرکس به او دل ببندد، او را بی‌ارزش می‌کند و هرکه را از دیگران ببرد که به او برسد، می‌کشد. ﴿۲۶۳۵﴾ آن که دنیا در دیده‌اش بزرگ و در دلش جایگاهی ژرف و عظیم باز کرده باشد، آن را بر خدا ترجیح داده و به آن می‌پیوندد و طوق بندگی‌اش را بر گردن می‌نهد.

۱۶-۷- حرص

۱-۱۶-۷- طمع

﴿۲۶۳۶﴾ هر اندازه که از قناعت فرد کم شود، میل و رغبت و طمعش به دنیا بیشتر می‌گردد که اصل و منشأ هر شری است و صاحب این صفت از آتش نجات نخواهد یافت، مگر آنکه توبه کند. ﴿۲۶۳۷﴾ مبدا این دنیا شما را فریب دهد، زیرا این دنیا امید کسی را که به آن دلبستگی داشته باشد، قطع می‌کند و طمع هر کسی را که به آن طمع کند، نابود می‌نماید. ﴿۲۶۳۸﴾ زمانی برای امت من خواهد آمد که باطنشان پلید و ظاهرشان به‌واسطه‌ی طمع به دنیا نیکو خواهد بود. آن‌ها در آن زمان آنچه نزد خداست را نمی‌خواهند و کارشان از روی ریاست و ترسی از خداوند ندارند. در آن هنگام خداوند آن‌ها را به عذابی مبتلا می‌سازد که هرچه دعای غریق بخوانند، دعایشان مستجاب نخواهد شد.

﴿۲۶۳۹﴾ دنیا را خارستانی حساب کن، متوجه باش پای خود را کجا می‌گذاری. هرکس به آن اعتماد کند، دنیا او را خوار می‌نماید و هرکس به آن انس بگیرد او را به وحشت می‌اندازد. و هرکس به او دل ببندد، او را بی‌ارزش می‌کند و هرکس او را در بر گیرد او را می‌کشد و هرکس در جستجویش باشد، به دشواری می‌اندازد و هرکس مسرور به دنیا شود، او را محزون می‌کند و هرکس در آن طمع پیدا کند، او را به زمین می‌زند.

﴿۲۶۴۰﴾ هرکس دنیا‌داری را بزرگ شمارد و او را به خاطر طمع دنیا‌پیش دوست بدارد، خداوند بر او خشم می‌گیرد و درجه‌اش مثل درجه‌ی قارون و همراه او در تابوتی در پایین‌ترین مرتبه‌ی جهنم است.

﴿۲۶۴۱﴾ رهایی از طمع بر قلبی که دنیا‌دوست باشد حرام است .

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْحِرْصُ﴾

٢-١٦-٧- الحِرْصُ وَرَاجِع: كِتَابُ الْحِرْصِ

﴿٢٦٤٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَالَ: فَأَيُّ ذُلٍّ أَذْلُ قَالَ الْحِرْصُ عَلَى الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤،

ص ٣٧٨

﴿٢٦٤٣﴾ الباقر عليه السلام: فَلَرُبَّ حَرِيصٍ عَلَى أَمْرٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا قَدْ نَالَهُ فَلَمَّا نَالَهُ كَانَ عَلَيْهِ وَبَالًا وَشَقِيَّ بِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٥

﴿٢٦٤٤﴾ الصادق عليه السلام: الْحِرْصُ عَلَى الدُّنْيَا مِنْ عَلَامَاتِ النَّفَاقِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٢١

﴿٢٦٤٥﴾ العسكري عليه السلام: قَالَ: فَمَا الْحِرْصُ قَالَ الْإِخْلَادُ إِلَى الدُّنْيَا وَالطَّمْحُ إِلَى الْأُمُورِ الَّتِي

فِيهَا الْفَسَادُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٢١

﴿٢٦٤٦﴾ الباقر عليه السلام: مَثَلُ الْحَرِيصِ عَلَى الدُّنْيَا كَمَثَلِ دُوْدَةٍ الْقَرِّ كُلَّمَا ارْتَدَّادَتْ عَلَى نَفْسِهَا لَفًا

كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٤

﴿٢٦٤٧﴾ المجتبى عليه السلام: مَنْ ارْتَدَّادَ حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا لَمْ يَزِدْ مِنْهَا إِلَّا بُعْدًا؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٤

﴿٢٦٤٨﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحِرْصِ عَلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٩٥، ص ٤٢

﴿٢٦٤٩﴾ السَّجَّاد عليه السلام: أَوْصِيكُمْ بِدَارِ الْآخِرَةِ وَلَا أَوْصِيكُمْ بِدَارِ الدُّنْيَا فَإِنَّكُمْ عَلَيْهَا حَرِيصُونَ

وَبِهَا مُتَمَسِّكُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٠٧

﴿٢٦٥٠﴾ الرسول عليه السلام: مَنْ أَصْبَحَ عَلَى الدُّنْيَا حَرِيصًا أَصْبَحَ وَهُوَ عَلَى اللَّهِ سَاخِطًا؛ بحار الأنوار،

ج ٧٤، ص ٦٣

﴿٢٦٥١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ شَارَكَتِ النِّسَاءُ أَرْوَاجَهُنَّ فِي التِّجَارَةِ حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٩

﴿٢٦٥٢﴾ الرسول عليه السلام: قَامَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عليه السلام بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي وَكَيْفَ

يَقُولُهَا مُخْلِصًا لَا يَخْلُطُ مَعَهَا غَيْرُهَا فَسَرَّ لَنَا هَذَا حَتَّى نَعْرِفَهُ فَقَالَ نَعَمْ حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا وَجَمْعًا لَهَا

مِنْ غَيْرِ حِلِّهَا وَرَضَى بِهَا... فَإِنْ أَخَذَ الدُّنْيَا وَتَرَكَ الْآخِرَةَ فَلَهُ النَّارُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٣٥٩

﴿٢٦٥٣﴾ الاثمه عليه السلام: لَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا بِأَجْمَعِهَا لُقْمَةً فِي فَمِ طِفْلِ لَرَجَمْنَاهُ [لَرَجَمْنَاهُ] فَكَيْفَ

حَالُ مَنْ نَبَذَ خُذُودَ اللَّهِ وَرَاءَ ظَهْرِهِ فِي طَلَبِهَا وَالْحِرْصُ عَلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣١٥

﴿٢٦٥٤﴾ الصادق عليه السلام: فَادْكُرِ الْمَوْتَ وَ... أَكُلِ الدُّودَ مِنْ لَحْمِكَ وَبَلَاكَ وَانْقِطَاعَكَ عَنِ

الدُّنْيَا فَإِنَّ ذَلِكَ يَحْتُكُ عَلَى الْعَمَلِ وَيَرُدُّكَ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْحِرْصِ عَلَى الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار،

ج ٧٣، ص ٣٢٢

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / حرص»

۲-۱۶-۷- حرص و.ر.به: کتاب حرص

﴿۲۶۴۲﴾ پرسید: «کدام خواری ذلت‌بارتر است؟» فرمود: «حرص بر دنیا».

﴿۲۶۴۳﴾ چه بسا شخصی که برای رسیدن به هدف دنیایی حرص می‌زند، چون به آن رسد وبال آن گریبان‌ش را می‌گیرد و بدبخت می‌شود.

﴿۲۶۴۴﴾ حرص‌زدن نسبت به دنیا از علائم نفاق است.

﴿۲۶۴۵﴾ شاهزاده پرسید: «حرص چیست؟» بلوهر گفت: «میل به دنیا و نظرانداختن به اموری که در آن فساد است».

﴿۲۶۴۶﴾ مثل حریص بر دنیا مثل کرم ابریشم است که هرچه بر خود ابریشم بیشتری می‌پیچد راه خروجش بعیدتر می‌شود تا اینکه از اندوه می‌میرد.

﴿۲۶۴۷﴾ هرکس بر دنیا بیشتر حرص بزند چیزی جز دوری از آن بر او افزوده نمی‌شود.

﴿۲۶۴۸﴾ خداوند، از تو عدم تمایل به دنیا را خواهانم و از آزمندی به آن، به تو پناه

می‌برم.

﴿۲۶۴۹﴾ شما را به خانه‌ی آخرت توصیه می‌کنم و به خانه‌ی دنیا سفارش نمی‌کنم. پس شما بر آن حریص هستید و به آن متمسک هستید.

﴿۲۶۵۰﴾ هر کس نسبت به دنیا حریص باشد، به خدا خشم گرفته است.

﴿۲۶۵۱﴾ همسرانشان نیز از حرص به‌دست‌آوردن دنیا با آن‌ها در تجارتشان شریک

می‌شوند.

﴿۲۶۵۲﴾ علی بن ابی طالب علیه السلام برخاست و گفت: «یا رسول الله، پدر و مادرم به فدایت! چگونه

آن را با اخلاص گوید و دیگری را با آن نیامیزد؟ این را برای ما شرح بده و روشن کن تا آن را بدانیم». آن حضرت در پاسخ فرمود: «آری، حرص بر دنیا و فراهم کردن دنیا از راه‌های حرام و

ناروا... و اگر دنیا را بگیرد و آخرت را رها کند، دوزخ از آن او می‌باشد».

﴿۲۶۵۳﴾ اگر تمام دنیا لقمه‌ی کوچک کودکانه و لذیذ باشد، ما اهل بیت آن را نمی‌خوریم و

به دور می‌افکنیم. بنابراین چه شقاوت‌بار است وضع کسی که در راه دستیابی به آن و حرص بر آن، حدود و مقررات الهی را زیر پا می‌نهد و احکام خداوندی را نادیده می‌گیرد.

﴿۲۶۵۴﴾ به یاد مرگ باش و... خوردن کرم‌ها گوشت را و گرفتاری، و جدایی‌ات از دنیا را یاد

کن که این کار، انسان را به عمل آخرت وادار کند و از حرص بر دنیا باز می‌دارد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْحِرْصُ﴾

﴿٢٦٥٥﴾ سلمان عليه السلام: رَوَى أَنَّ سَعْدَ بْنَ أَبِي وَقَّاصٍ دَخَلَ عَلَى سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ يَعُوذُهُ فَبَكَى سَلْمَانُ... أَمَا أَنَا لَا أَبْكِي جَزَعًا مِنَ الْمَوْتِ وَلَا حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا وَلَكِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَهَدَ إِلَيْنَا فَقَالَ لِيَكُنْ بَلْغَةً أَحَدِكُمْ كِرَادِ الرَّكَبِ وَحَوْلَى هَذِهِ الْأَسَاوِدُ وَإِنَّمَا حَوْلَهُ إِجَانَةٌ وَجَفَنَةٌ وَ مِطْهَرَةٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥٤

﴿٢٦٥٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَّ زَيْدَ بْنَ صُوحَانَ قَالَ لَهُ أَيْ سُلْطَانٍ أَغْلَبُ وَأَقْوَى قَالَ الْهَوَى قَالَ أَيْ ذُلٌّ أَذَلُّ قَالَ الْحِرْصُ عَلَى الدُّنْيَا؛ وسائل الشيعة، ج ٧، ص ٨٣

﴿٢٦٥٧﴾ الصادق عليه السلام: أَنَّ لِلْمُنَافِقِ أَرْبَعًا مِنْ عَلَامَاتِ النِّفَاقِ قَسَاوَةُ الْقَلْبِ وَ جُمُودُ الْعَيْنِ وَ الْإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ وَ الْحِرْصُ عَلَى الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٦٧

﴿٢٦٥٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ جُمِعَ لَهُ مَعَ الْحِرْصِ عَلَى الدُّنْيَا الْبُخْلُ بِهَا فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِعَمُودَيْ اللَّؤْمِ؛ غرر الحكم، ص ٢٤١

﴿٢٦٥٩﴾ الرسول ﷺ: أَرْبَعُ خِصَالٍ مِنَ الشَّقَاءِ جُمُودُ الْعَيْنِ وَ قَسَاوَةُ الْقَلْبِ وَ الْإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ وَ الْحِرْصُ عَلَى الدُّنْيَا؛ كنز الفوائد، ج ٢، ص ١٠

﴿٢٦٦٠﴾ الصادق عليه السلام: مَثَلُ الْحَرِيسِ عَلَى الدُّنْيَا مَثَلُ دُودَةٍ الْقَزِّ كُلَّمَا ازْدَادَتْ مِنَ الْقَزِّ عَلَى نَفْسِهَا لَفًا كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا؛ الكافي، ج ٢، ص ٣١٦

﴿٢٦٦١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قَدْ شَابَ رَأْسِي وَ رَأْسُ الْحِرْصِ لَمْ يَشِبْ، إِنَّ الْحَرِيسَ عَلَى الدُّنْيَا لَفِي تَعَبٍ؛ ديوان الإمام علي عليه السلام، ص ٧٩

﴿٢٦٦٢﴾ الصادق عليه السلام: فَكَمْ مِنْ حَرِيسٍ عَلَى الدُّنْيَا قَدْ صَرَعَتْهُ وَ اشْتَغَلَ بِمَا أَذْرَكَ مِنْهَا عَنِ طَلَبِ آخِرَتِهِ حَتَّى فَنِيَ عُمُرُهُ وَ أَذْرَكَهُ أَجَلُهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٥٥

﴿٢٦٦٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَتَقَنَ بِالْآخِرَةِ لَمْ يَحْرِصْ عَلَى الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢٠٠

﴿٢٦٦٤﴾ السَّجَّاد عليه السلام: وَ أَنْتَ عَلَى الدُّنْيَا مَكْبٌ مُنَافِسٌ، لِحُطَّابِهَا فِيهَا حَرِيسٌ مُكَاثِرٌ؛

البلد الأمين، ص ٣٢٠

﴿٢٦٦٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لِلنَّاسِ حِرْصٌ عَلَى الدُّنْيَا يَتَّبِذِرُ، وَ صَفْوُهَا لَكَ مَمْزُوجٌ بِتَكْدِيرٍ؛ ديوان الإمام علي عليه السلام، ص ١٩٣

﴿٢٦٦٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِذَا مَا شِئْتَ أَنْ تَحْيَا حَيَاةَ حُلُوةِ الْمَحْيَا، تَحْسُدُ وَ لَا تَبْخُلُ وَ لَا تَحْرِصُ عَلَى الدُّنْيَا؛ ديوان الإمام علي عليه السلام، ص ٤٨٢

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / حرص»

﴿۲۶۵۵﴾ روایت شده که سعد بن ابی وقاص هنگامی که سلمان بیمار بود به عیادت او رفت. سلمان گریست... و گفت: من از اندوه مرگ نمی‌گیرم و گریه‌ی من از حرص دنیا نیست. لیکن رسول خدا ﷺ با ما عهد کرد و فرمود: «باید متاع ضروری هریک از شما به اندازه‌ی توشه‌ی مسافر باشد». و من اطراف خود این وسایل را می‌بینم و اطراف او تنها یک کوزه و یک کاسه و یک قوری بود.

﴿۲۶۵۶﴾ زید بن صرحان از امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرسید: «کدام سلطان قوی‌تر و غالب‌تر است؟» فرمود: «هوای نفس». گفت: «کدام خواری پست‌تر است؟» فرمود: «حرص بر دنیا».

﴿۲۶۵۷﴾ چهار چیز از علامت نفاق می‌باشد: قساوت قلب، خشکی چشم، اصرار بر گناه و حرص دنیا.

﴿۲۶۵۸﴾ کسی که همراه با حرص بر دنیا، صفت بخل را نیز داشته باشد، دستاویز ستون سرزنش شده [و شایسته‌ی سرزنش است].

﴿۲۶۵۹﴾ چهار خصلت از اثرات شقاوت است: خشکی چشم [و گریه‌نکردن از خوف خدا]، قساوت قلب، اصرار بر گناه و حرص بر دنیا.

﴿۲۶۶۰﴾ شخص حریص بر دنیا مانند کرم ابریشم است که هرچه بیشتر به دور خود پيله می‌زند، خروجش از آن بعیدتر [و سخت‌تر] می‌شود تا آنکه از غم و اندوه می‌میرد.

﴿۲۶۶۱﴾ من پیر شدم اما حرص در درونم پیر نشد، کسی که در دنیا حریص است در گرفتاری و سختی است.

﴿۲۶۶۲﴾ چه بسا حریص بر دنیا که دنیا او را به خاک افکنده و به آنچه از آن به‌دست آورده از آخرتش باز مانده تا اینکه عمرش سپری شده و مرگش فرا رسیده است.

﴿۲۶۶۳﴾ کسی که به آخرت یقین دارد، بر دنیا حریص نیست.

﴿۲۶۶۴﴾ تو بر دنیا افتاده‌ای و بر سر کسب آن مسابقه می‌دهی، خواستگاران دنیا بسیارند و بر آن حرص می‌ورزند.

﴿۲۶۶۵﴾ مردم با ریخت و پاش فراوان بر دنیا حرص می‌ورزند، بدان که این صافی و زلالی (لذت دنیا) در نهایت برای تو کدر خواهد شد.

﴿۲۶۶۶﴾ اگر می‌خواهی زندگی شیرین داشته باشی؛ حسود نباش، بخل نوز و بر دنیا حریص نباش.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْحِرْصُ﴾

- ﴿٢٦٦٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ حَرَصَ عَلَى الدُّنْيَا هَلَكَ؛ غررالحكم، ص ٢٩٤
- ﴿٢٦٦٨﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَطَّلِعُ عَلَى الدُّنْيَا فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ فَيَقُولُ يَا دُنْيَا أَنْتِ دَنِيَّةٌ فَتَكْدَرِي عَلَى عَبْدِي الْمُؤْمِنِ وَلَا تَحَلِّيْ لَهُ فَيُفْتِنَنَّ مِنْ خَدَمِكَ فَاسْتَخْدِمِيهِ وَمَنْ خَدَمَنِي فَأَخْدِمِيهِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢٠٠
- ﴿٢٦٦٩﴾ الرضا عليه السلام: لَا يَجْتَمِعُ أَلْمَالُ إِلَّا بِخِصَالِ خَمْسٍ بِخُلِّ شَدِيدٍ وَأَمَلٍ طَوِيلٍ وَحِرْصٍ غَالِبٍ وَقَطِيعَةِ الرَّحْمِ وَإِثَارِ الدُّنْيَا عَلَى آخِرَةِ؛ وسائل الشيعه، ج ١٧، ص ٣٤
- ﴿٢٦٧٠﴾ الصادق عليه السلام: مَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بَابًا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنَ الْحِرْصِ مِثْلَهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣١٩
- ﴿٢٦٧١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَيْفَ يَدْعَى حُبَّ اللَّهِ مَنْ سَكَنَ قَلْبُهُ حُبَّ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤١
- ﴿٢٦٧٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ لَهَجَ قَلْبُهُ بِحُبِّ الدُّنْيَا التَّاطَ مِنْهَا بَثَلَاتٍ هَمٌّ لَا يَغْبُهُ وَحِرْصٌ لَا يَتْرُكُهُ وَأَمَلٌ لَا يُدْرِكُهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٨
- ﴿٢٦٧٣﴾ الصادق عليه السلام: لِيَكُنْ طَلَبُكَ الْمَعِيشَةَ فَوْقَ كَسْبِ الْمُضِيعِ دُونَ طَلَبِ الْحَرِيسِ الرَّاضِي بِالدُّنْيَا الْمُطْمَئِنِّ إِلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٣٣
- ﴿٢٦٧٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تَكُنْ غَافِلًا عَنْ دِينِكَ حَرِيصًا عَلَى دُنْيَاكَ مُسْتَكْثِرًا مِمَّا لَا يَبْقَى عَلَيْكَ مُسْتَقِيلًا مِمَّا يَبْقَى لَكَ فَيُورِدُكَ ذَلِكَ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ؛ غررالحكم، ص ١٣٠
- ﴿٢٦٧٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: رَبِّ مَا أَحْرَصَنِي عَلَى مَا زَهَدْتَنِي [فِيهِ] وَحَشَّشَنِي عَلَيْهِ إِنْ لَمْ تُعِنِّي عَلَى دُنْيَايَ بَزْهَدٍ وَعَلَى آخِرَتِي بِتَقْوَى هَلَكْتُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١١١
- ﴿٢٦٧٦﴾ نافله الفجر: أَمْ مَتَى أَعْمَلُ لِآخِرَتِي وَأَنَا حَرِيصٌ عَلَى دُنْيَايَ أَمْ مَتَى أَتُوبُ مِنْ ذُنُوبِي إِذَا لَمْ أَدْعُهَا قَبْلَ مَوْتِي؛ بحار الأنوار، ج ٨٤، ص ٣١٩
- ﴿٢٦٧٧﴾ الصادق عليه السلام: فَكَمْ مِنْ حَرِيصٍ عَلَى الدُّنْيَا قَدْ صَرَعَتْهُ وَاشْتَغَلَ بِمَا أَدْرَكَ مِنْهَا عَنْ طَلَبِ آخِرَتِهِ حَتَّى فَنِيَ عُمُرُهُ وَأَدْرَكَهُ أَجَلُهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٥٥
- ﴿٢٦٧٨﴾ الباقر عليه السلام: مَثَلُ الْحَرِيصِ عَلَى الدُّنْيَا كَمَثَلِ دُودَةٍ الْقَزِّ كُلَّمَا ارْزَادَتْ عَلَى نَفْسِهَا لَفًا كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا... وَلَكِنْ اجْعَلِ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ قَنْطَرَةٍ عَلَى نَهَرٍ جُرْزَتْ عَلَيْهَا... وَلَا تَأْسَ عَلَى مَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الدُّنْيَا لَا يَدُومُ بَقَاؤُهُ وَكَثِيرُهَا لَا يُؤْمَنُ بِلَاؤُهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٤

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / حرص»

- ﴿۲۶۶۷﴾ کسی که بر دنیا حریص باشد، هلاک می‌گردد.
- ﴿۲۶۶۸﴾ خداوند عزّ و جل روزی یک یا دو بار به دنیا سرکشی می‌کند و می‌فرماید: «ای دنیا! تو پست هستی، پس بر بنده‌ی مؤمن من مکدر [و سخت] باش و خود را برای او زینت نده که فریب نخورد. هرکس به تو خدمت کرد تو نیز به او خدمت کن و هرکس به من خدمت کرد من خودم به او خدمت می‌کنم».
- ﴿۲۶۶۹﴾ ثروت جز با پنج خصلت جمع نمی‌شود: به بخل شدید، آرزوی دراز، حرص چیره، قطع رحم و برگزیدن دنیا بر آخرت.
- ﴿۲۶۷۰﴾ خداوند متعال دری از امر دنیا را بر بنده‌ای باز نمی‌کند، مگر آنکه دری مانند آن از حرص به رویش می‌گشاید.
- ﴿۲۶۷۱﴾ چگونه کسی که حبّ دنیا ساکن قلبش شده، ادّعی حبّ خداوند را دارد.
- ﴿۲۶۷۲﴾ هرکس محبّت دنیا را در دل خود جای دهد، به سه چیز گرفتار می‌گردد: اندوهی که از او دست بر نمی‌دارد، حرصی که از او دست نمی‌کشد، و آرزویی که به آن نمی‌رسد.
- ﴿۲۶۷۳﴾ باید طلب تو برای روزی و گذران زندگی، بیشتر از انسان‌های اسراف‌کار و کمتر از اشخاص حریص، دنیادوست و دل به دنیا داده باشد.
- ﴿۲۶۷۴﴾ از دین خود غافل نشو و بر دنیا حریص نباش؛ تقاضای زیادشدن چیزی را که برای نخواهد ماند، نکن و از چیزی که برای تو می‌ماند، جدا نشو که اگر چنین کنی داخل در عذابی شدید خواهی شد.
- ﴿۲۶۷۵﴾ پروردگار! چقدر بر آنچه مرا از آن برکنار و به دوری از آن وادارم کردی، حریصم؛ و اگر تو به زهد در دنیا و پرهیزکاری در امور آخرت کمک نکنی، هلاک می‌گردم.
- ﴿۲۶۷۶﴾ یا چه زمانی برای آخرت خود عمل کنم درحالی که بر دنیایم حریص هستم، یا چگونه از گناهان خود توبه کنم درحالی که قبل از مرگم گناهان را ترک نمی‌کنم؟
- ﴿۲۶۷۷﴾ چه بسا حریص بر دنیا که دنیا او را به خاک افکنده و به خاطر آنچه از آن به دست آورده از آخرتش باز مانده تا اینکه عمرش سپری شده و مرگش فرا رسیده است.
- ﴿۲۶۷۸﴾ مثَل حریص بر دنیا مثَل کرم ابریشم است که هرچه بر خود ابریشم بیشتری می‌پیچد راه خروجش بعیدتر می‌شود تا اینکه از اندوه می‌میرد... دنیا را همچون پلی بدان که بر روی رودخانه‌ای قرار گرفته که در حال عبور از آن هستی... و بر آنچه از دنیا بر تو گذشته ناامید نباش. پس بهره‌ی اندک دنیا پایدار نمی‌ماند و بسیار آن از بلا ایمن نمی‌باشد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْعِبَادَةُ﴾

﴿٢٦٧٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْهُوَ مَنْ لَا يَشْبَعَانِ مِنْهُومُ فِي الدُّنْيَا لَا يَشْبَعُ وَمِنْهُومُ فِي الْعِلْمِ لَا يَشْبَعُ مِنْهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٢١٧
٧-١٦-٣- عَدَمُ الرِّضَا بِمَا يُجْزِيهِ مِنَ الدُّنْيَا

﴿٢٦٨٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ كَانَ أَيْسَرُ مَا فِيهَا يَكْفِيهِ وَمَنْ لَمْ يَرْضَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ لَمْ يَكُنْ فِيهَا شَيْءٌ يَكْفِيهِ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٤٠
٧-١٦-٤- عَدَمُ الْقَنَاعَةِ بِبَيْسِيرِ الدُّنْيَا

﴿٢٦٨١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ كَانَ يَبْسِيرِ الدُّنْيَا لَا يَقْنَعُ لَمْ يُعْنِهِ مِنْ كَثِيرِهَا مَا يَجْمَعُ؛ غرر الحكم، ص ٣٩٤
٧-١٦-٥- الْأَخْذُ فَوْقَ الْكِفَايَةِ

﴿٢٦٨٢﴾ الرسول ﷺ: دَعَا الدُّنْيَا لِأَهْلِهَا فَمَنْ أَخَذَ مِنَ الدُّنْيَا فَوْقَ مَا يَكْفِيهِ أَخَذَ حَتْفَهُ وَهُوَ لَا يَشْعُرُ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٥٦
٧-١٦-٦- عَدَمُ الْمُبَالَاةِ بِحَرَامِ الدُّنْيَا

﴿٢٦٨٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَمَّا الرَّاغِبُ فَلَا يُبَالِي مِنْ أَيْنَ جَاءَتْهُ الدُّنْيَا مِنْ حِلِّهَا أَوْ مِنْ حَرَامِهَا وَلَا يُبَالِي مَا دَنَسَ فِيهَا عِرْضَهُ وَ أَهْلَكَ نَفْسَهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٥٥
٧-١٦-٧- الْبُخْلُ

﴿٢٦٨٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ جُمِعَ لَهُ مَعَ الْحِرْصِ عَلَى الدُّنْيَا الْبُخْلُ بِهَا فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِعَمُودِي اللُّؤْمِ؛ غرر الحكم، ص ٢٦١

﴿٢٦٨٥﴾ الصادق عليه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ يَبْخُلُ لِلدُّنْيَا وَ هِيَ مُقْبِلَةٌ عَلَيْهِ أَوْ يَبْخُلُ بِهَا وَ هِيَ مُدْبِرَةٌ عَنْهُ؛ روضة الواعظين، ج ٢، ص ٣٨٤
٧-١٦-٧-١- الْبُخْلُ بِالْيَسِيرِ مِنَ الدُّنْيَا

﴿٢٦٨٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْبَخِيلُ يَبْخُلُ عَلَى نَفْسِهِ بِالْيَسِيرِ مِنْ دُنْيَاهُ وَ يَسْمَحُ لَوَرَاتِهِ بِكُلِّهَا؛ غرر الحكم، ص ٢٩٢

٧-١٧- الْعِبَادَةُ

٧-١٧-١- ابْنُ الدُّنْيَا

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / بندگی»

﴿۲۶۷۹﴾ دو گرسنه هستند که هرگز سیر نمی‌شوند؛ یکی طالب دنیا و دیگری طالب علم که از مطلوب خود سیر نمی‌شود.

۳-۱۶-۷- عدم رضایت به آن مقدار از دنیا که او را کفایت می‌کند

﴿۲۶۸۰﴾ هرکس از دنیا به آنچه او را کفایت کند راضی باشد، کمترین چیزی که در آن است او را کفایت می‌کند و هرکس از دنیا به آنچه او را کفایت کند راضی نشود، هیچ چیز از دنیا او را کفایت نمی‌کند.

۴-۱۶-۷- قانع نشدن به سهم اندک

﴿۲۶۸۱﴾ آن که به سهم اندکش از دنیا قانع نشود، بیشتر از آن هرچه جمع کند او را بی‌نیاز نخواهد ساخت.

۵-۱۶-۷- بیشتر از نیاز خود کسب کردن

﴿۲۶۸۲﴾ دنیا را برای اهلش رها کنید! پس هرکس بیشتر از نیاز خود از دنیا کسب کند، بدون آنکه بفهمد، مرگ خود را جلو انداخته است.

۶-۱۶-۷- بی‌باکی در استفاده از حرام دنیا

﴿۲۶۸۳﴾ اما کسی که میل و رغبت به دنیا دارد، برایش مهم نیست که دنیای او از حلال به دست می‌آید یا از حرام و اهمّیت نمی‌دهد که این کار آبروی او را می‌برد و خودش را به هلاکت می‌رساند.

۷-۱۶-۷- بخل ورزیدن

﴿۲۶۸۴﴾ کسی که همراه با حرص بر دنیا، صفت بخل را نیز داشته باشد، دستاویز ستون سرزنش شده [و شایسته‌ی سرزنش است].

﴿۲۶۸۵﴾ در شگفتم! از کسی که دنیا به او روی آورد و بخل بورزد و از کسی که دنیا به او پشت کرده باشد و بخل بورزد.

۱-۷-۱۶-۷- بخل ورزیدن به مال اندک دنیا

﴿۲۶۸۶﴾ بخیل به اندکی از مال دنیا بر خود بخل می‌ورزد، و همه‌ی آن را برای وارثان خویش می‌گذارد.

۱۷-۷- بندگی

۱-۱۷-۷- دنیاپرست

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُؤَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْعِبَادَةُ﴾

﴿٢٦٨٧﴾ الباقر عليه السلام: وَاعْلَمْ أَنَّ أَتْبَاءَ الدُّنْيَا هُمْ أَهْلُ غَفْلَةٍ وَغُرُورٍ وَجَهَالَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ١٦٥

﴿٢٦٨٨﴾ الرسول عليه السلام: يَا ابْنَ الدُّنْيَا جَمْعًا جَمْعًا يَا ابْنَ الدُّنْيَا مَهْلًا مَهْلًا يَا ابْنَ الدُّنْيَا دَقًّا دَقًّا

وَزَنًّا وَزَنًّا تَفَنَّى الدُّنْيَا قَرْنًا قَرْنًا؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٧٢

﴿٢٦٨٩﴾ يَا مُوسَى أَتْبَاءُ الدُّنْيَا وَأَهْلُهَا فَتَنٌ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ فَكَلٌّ مُزَيْنٌ لَهُ مَا هُوَ فِيهِ؛ الكافي،

ج ٨، ص ٤٧

﴿٢٦٩٠﴾ الصادق عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَعِشَارَ الْمُلُوكِ وَأَتْبَاءَ الدُّنْيَا فَإِنَّ ذَلِكَ يُصَغِّرُ نِعْمَةَ اللَّهِ فِي

أَعْيُنِكُمْ وَيُعَقِّبُكُمْ كُفْرًا وَإِيَّاكُمْ وَمُجَالَسَةَ الْمُلُوكِ وَأَتْبَاءَ الدُّنْيَا فَبِئْسَ ذَلِكَ ذَهَابٌ دِينِكُمْ وَ

يُعَقِّبُكُمْ نِفَاقًا وَذَلِكَ دَاءٌ دَوِيٌّ لَا شِفَاءَ لَهُ... وَإِيَّاكُمْ أَنْ تَمُدُّوا أَطْرَافَكُمْ إِلَى مَا فِي أَيْدِي أَتْبَاءِ

الدُّنْيَا فَمَنْ مَدَّ طَرَفَهُ إِلَى ذَلِكَ طَالَ حَزَنُهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٣٣٧

﴿٢٦٩١﴾ المجتبى عليه السلام: لَيْسَ الْخَلِيفَةُ مَنْ سَارَ بِالْجَوْرِ وَعَطَّلَ السُّنَنَ وَاتَّخَذَ الدُّنْيَا أُمًّا وَأَبَا؛

بحار الأنوار، ج ٤٣، ص ٣٥٣

﴿٢٦٩٢﴾ الصادق عليه السلام: أَنْ أَتْبَاءَ الدُّنْيَا عَبِيدُ مَا يَأْكُلُونَ وَيَلْبَسُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٨٢، ص ١٤٧

﴿٢٦٩٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَلَا وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ أَقْبَلَتْ وَالدُّنْيَا قَدْ أَذْبَرَتْ وَلِكُلِّ مِنْهُمَا بَنُونَ

فَكُونُوا مِنْ أَتْبَاءِ الْآخِرَةِ وَلَا تَكُونُوا مِنْ أَتْبَاءِ الدُّنْيَا فَإِنَّ كُلَّ وَكْدٍ سَيُلْحَقُ بِأَمِّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَإِنْ

الْيَوْمَ عَمَلٌ بَلَا حِسَابٍ وَغَدًا حِسَابٌ بَلَا عَمَلٍ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٩١

﴿٢٦٩٤﴾ الصادق عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَمَوَائِدَ الْمُلُوكِ وَهُمْ أَتْبَاءُ الدُّنْيَا فَإِنَّ لَذَلِكَ ضَرَاوَةً كَضَرَاوَةِ

الْخَمْرِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ١٠٠

﴿٢٦٩٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُونُوا مِنْ أَتْبَاءِ الْآخِرَةِ وَلَا تَكُونُوا مِنْ أَتْبَاءِ الدُّنْيَا فَإِنَّ كُلَّ وَكْدٍ

سَيُلْحَقُ بِأَمِّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٧

﴿٢٦٩٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خُلْطَةُ أَتْبَاءِ الدُّنْيَا رَأْسُ الْبُلُوَى وَفَسَادُ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ١٣٧

﴿٢٦٩٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خُلْطَةُ أَتْبَاءِ الدُّنْيَا تَشِينُ الدِّينَ وَتُضَعِّفُ الْيَقِينَ؛ غرر الحكم،

ص ١٣٧

﴿٢٦٩٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ قَصَرَ نَظْرَهُ عَلَى أَتْبَاءِ الدُّنْيَا عَمِيَ عَنِ سَبِيلِ الْهُدَى؛ غرر الحكم،

ص ١٣٧

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / بندگی»

﴿۲۶۸۷﴾ بدان که فرزندان دنیا همان جماعت غافل و فریبکار و نادان هستند...».

﴿۲۶۸۸﴾ ای دنیاپرست که پیوسته جمع می‌کنی، مهلت بده و آرام گیر. ای دنیاپرست که به‌دقت هر چه می‌توانی می‌اندوزی، دنیا قرن قرن فانی می‌شود.

﴿۲۶۸۹﴾ ای موسی، دنیا‌اذگان و دنیا‌داران یکدیگر را فریب می‌دهند و هر کدام آنچه را که دارند، برای دیگری می‌آرایند.

﴿۲۶۹۰﴾ از معاشرت پادشاهان و فرزندان [و بندگان] دنیا برحذر باشید که موجب می‌شود نعمت‌های الهی در چشمتان کوچک جلوه داده شود و به دنبال آن گرفتار کفر می‌کند. از همنشینی با پادشاهان و فرزندان دنیا بر حذر باشید که این امر، دین شما را زایل می‌کند و به دنبالش نفاق به همراه می‌آورد و این دردی است که شفاء ندارد... بر حذر باشید و چشم حسرت به آنچه در دستان فرزندان دنیاست ندوزید که هر کس با چشم حسرت به مال و منال اهل دنیا بنگرد، حزن و اندوهش طولانی می‌گردد.

﴿۲۶۹۱﴾ خلیفه آن کسی نیست که با جور رفتار کند، احکام خدا را تعطیل کند و دنیا را پدر و مادر خود قرار دهد.

﴿۲۶۹۲﴾ همانا دنیاپرستان بنده‌ی خوراک و پوشاکند.

﴿۲۶۹۳﴾ آگاه باشید که آخرت به‌سوی شما روی آورده و دنیا پشت کرده و هر کدام از این دو فرزندی دارند؛ پس شما از فرزندان آخرت باشید نه دنیا؛ زیرا هر فرزندی در قیامت به مادرش ملحق می‌گردد. و امروز روز عمل است و بازخواستی در کار نیست و فردا روز بازخواست است و عملی در کار نخواهد بود.

﴿۲۶۹۴﴾ از غذا و اکرام پادشاهان برحذر باشید که آنان فرزندان دنیا هستند و در اطعام آن‌ها لغزشی مانند لغزش شراب است.

﴿۲۶۹۵﴾ از فرزندان آخرت باشید نه از فرزندان دنیا که هر فرزندی در قیامت به مادر خود ملحق خواهد شد.

﴿۲۶۹۶﴾ همنشینی و مشارکت با فرزندان دنیا سرآغاز هر گرفتاری و فاسدشدن تقواست.

﴿۲۶۹۷﴾ همنشینی و مشارکت با فرزندان دنیا، دین را لکه‌دار و یقین را ضعیف می‌کند.

﴿۲۶۹۸﴾ کسی که دیده‌اش محدود به فرزندان دنیا باشد، از دیدن راه هدایت کور است.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُؤَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْعِبَادَةُ﴾

﴿٢٦٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَوَدَّةُ أَتْنَاءِ الدُّنْيَا تَزُولُ لِأَدْنَى عَارِضٍ يَعْرِضُ؛ غررالحكم، ص ١٣٧
 ﴿٢٧٠٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَدَّ أَتْنَاءِ الدُّنْيَا يَنْقَطِعُ لَانْقِطَاعِ اسْبَابِهِ؛ غررالحكم، ص ١٣٧
 ﴿٢٧٠١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي لِمَنْ أَرَادَ صَلَاحَ نَفْسِهِ وَإِحْرَازَ دِينِهِ أَنْ يَجْتَنِبَ مُخَالَطَةَ أَتْنَاءِ الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ٣١٩

﴿٢٧٠٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مُجَالَسَةُ أَتْنَاءِ الدُّنْيَا مَنَسَاةٌ لِلْإِيمَانِ قَائِدَةٌ إِلَى طَاعَةِ الشَّيْطَانِ؛ غررالحكم، ص ٤٣٤

﴿٢٧٠٣﴾ المجتبي عليه السلام: إِنَّمَا الْخَلِيفَةُ مَنْ سَارَ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ لَيْسَ الْخَلِيفَةُ مَنْ سَارَ بِالْجَوْرِ وَ عَطَلَ السُّنَّةَ وَ اتَّخَذَ الدُّنْيَا أَبَا وَ أُمَّا مَلِكٌ مُلْكًا مُتَّعٍ بِهِ قَلِيلًا ثُمَّ تَنْقَطِعُ لَذَّتُهُ وَ تَبْقَى تَبَعْتُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ٨٨

﴿٢٧٠٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ تَذَلَّلَ لِأَتْنَاءِ الدُّنْيَا تَعَرَّى مِنْ لِبَاسِ التَّقْوَى؛ غررالحكم، ص ٢٦٣
 ٢-١٧-٧- أَهْلُ الدُّنْيَا

﴿٢٧٠٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ عَرَصَةِ الْبِلَادِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مُحْتَجِبِينَ مِنَ الدُّنْيَا... السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَنْ لَقُوا أَعْمَالَهُمْ فِي دَارِ الدُّنْيَا... يَا أَهْلَ الْبِنَاءِ وَ الْفَنَاءِ الْمُشْتَغِلُونَ بِعَرَصَةِ الدُّنْيَا هَا نَحْنُ لِكَلَامِكُمْ مُسْتَمِعُونَ؛ الفضائل، ص ٨٦

﴿٢٧٠٦﴾ الصادق عليه السلام: أَهْلُ الدُّنْيَا أَهْلُ غَفْلَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٦٢
 ﴿٢٧٠٧﴾ يَا مُوسَى أَتْنَاءُ الدُّنْيَا وَ أَهْلُهَا فَتَنٌ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ فَكُلٌّ مُزِينٌ لَهُ مَا هُوَ فِيهِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٤٧

﴿٢٧٠٨﴾ عيسى عليه السلام: صَاحِبُ الدُّنْيَا لَا يَلْتَذُّ بِالْعِبَادَةِ وَ لَا يَجِدُ حَلَاوَتَهَا مَعَ مَا يَجِدُ مِنْ حُبِّ أَلْمَالِ... كَذَلِكَ أَهْلُ الدُّنْيَا يَلْتَذُّونَ بِبَهْجَتِهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٠٩

﴿٢٧٠٩﴾ الرسول ﷺ: يَا أَحْمَدُ أَبْغِضِ الدُّنْيَا وَ أَهْلَهَا وَ أَحِبَّ الْآخِرَةَ وَ أَهْلَهَا قَالَ يَا رَبِّ وَ مَنْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَ مَنْ أَهْلُ الْآخِرَةِ قَالَ أَهْلُ الدُّنْيَا مَنْ كَثُرَ أَكْلُهُ وَ ضَحْكُهُ وَ نَوْمُهُ وَ غَضَبُهُ قَلِيلٌ الرِّضَا لَا يَعْتَذِرُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهِ وَ لَا يَقْبَلُ عُذْرَ مَنْ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ كَسَلَانُ عِنْدَ الطَّاعَةِ شُجَاعٌ عِنْدَ الْمَعْصِيَةِ أَمَلُهُ بَعِيدٌ وَ أَجَلُهُ قَرِيبٌ لَا يُحَاسِبُ نَفْسَهُ قَلِيلُ الْمَنْفَعَةِ كَثِيرُ الْكَلَامِ قَلِيلُ الْخَوْفِ كَثِيرُ الْفَرَحِ عِنْدَ الطَّعَامِ وَ إِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا لَا يَشْكُرُونَ عِنْدَ الرِّخَاءِ وَ لَا يَصْبِرُونَ عِنْدَ الْبَلَاءِ كَثِيرُ النَّاسِ عِنْدَهُمْ قَلِيلُ يَحْمَدُونَ أَنْفُسَهُمْ بِمَا لَا يَفْعَلُونَ وَ يَدْعُونَ بِمَا لَيْسَ لَهُمْ وَ يَتَكَلَّمُونَ بِمَا يَتَمَنُّونَ وَ

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / بندگی»

﴿۲۶۹۹﴾ دوستی با فرزندان دنیا به خاطر پست‌ترین عارضی که عارض شود (اندک امری که روی دهد) زایل می‌شود.

﴿۲۷۰۰﴾ دوستی با فرزندان دنیا به سبب بریده شدن اسباب آن، بریده می‌شود.

﴿۲۷۰۱﴾ کسی که قصد دارد خودش را اصلاح کند و دینش را حفظ کند، شایسته است از مشارکت با فرزندان دنیا کناره‌گیری کند.

﴿۲۷۰۲﴾ همنشینی با فرزندان دنیا موجب فراموشی ایمان و راهنمایی به اطاعت شیطان است.

﴿۲۷۰۳﴾ خلیفه کسی است که احکام قرآن و سنت رسول ﷺ را رواج دهد، خلیفه کسی نیست که ظلم و ستم را ترویج و سنت رسول ﷺ را تعطیل نماید، دنیا را پدر و مادر خود قرار دهد، مدت اندکی خلافتی به دست بیاورد و بهره‌مند شود، آنگاه لذت آن قطع شود و مسئولیت آن باقی بماند.

﴿۲۷۰۴﴾ کسی که در برابر فرزندان دنیا فروتنی کند، لباس تقوا را از تن جدا کرده است.

۲-۱۷-۷- اهل دنیا

﴿۲۷۰۵﴾ سلام بر شما ای ساکنان گستره‌ی زمین! سلام بر شما ای محرومان از دنیا!... سلام بر شما ای کسانی که ثمره‌ی اعمالشان را در دنیا دیدند... ای اهل بناهای دنیا و اهل دنیای فانی که به دنیا مشغول شده‌اید. آگاه باشید که ما به کلام شما گوش می‌دهیم.

﴿۲۷۰۶﴾ اهل دنیا غافل هستند و بی‌خبر.

﴿۲۷۰۷﴾ ای موسی، دنیا‌زادگان و دنیا‌داران یکدیگر را فریب می‌دهند و هر کدام آنچه را که دارند، برای دیگری می‌آرایند.

﴿۲۷۰۸﴾ همنشین دنیا با وجود حبّ مال از عبادت لذّت نمی‌برد و شیرینی آن را احساس نمی‌کند... به همین ترتیب اهل دنیا نیز فقط از بهجت و زیبایی دنیا و نعمت‌های گوناگون آن لذّت می‌برند.

﴿۲۷۰۹﴾ خداوند خطاب به پیامبر ﷺ: «ای احمد! دنیا و اهل آن را دوست مدار و آخرت و اهل آن را دوست خود گیر». پرسید: «خدایا اهل دنیا و آخرت چه کسانی هستند؟» فرمود: «اهل دنیا کسی است که بسیار بخورد؛ بسیار بخندد؛ بسیار خشم گیرد و هر اندازه مال داشته باشد، راضی نگردد؛ به کسی که به او بدی کرده، عذرخواهی نمی‌کند و کسی که از او عذر بخواهد، نمی‌پذیرد؛ هنگام طاعت و عبادت کسل و هنگام معصیت شجاع است؛ آرزویش دراز و مرگش نزدیک است؛ به حساب خود نمی‌رسد؛ سودش به دیگران کم و گفتارش بسیار است؛ ترسش از خدا اندک و هنگام خوردن غذا بسیار شاد است؛ هنگام برخورداری از نعمت، از خدا سپاسگزاری نمی‌کند و به هنگام بلا صبر ندارد؛ مردم را با دیده‌ی تحقیر می‌نگرد و خود را می‌ستاید که چنین

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْعِبَادَةُ﴾

يَذْكُرُونَ مَسَاوِي النَّاسِ وَيُخْفُونَ حَسَنَاتِهِمْ فَقَالَ يَا رَبُّ كُلُّ هَذَا الْعَيْبِ فِي أَهْلِ الدُّنْيَا قَالَ يَا أَحْمَدُ إِنَّ عَيْبَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَثِيرٌ فِيهِمُ الْجَهْلُ وَالْحُمُقُ لَا يَتَوَاضَعُونَ لِمَنْ يَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَهُمْ عِنْدَ أَنْفُسِهِمْ عَقْلَاءُ وَعِنْدَ الْعَارِفِينَ حُمَقَاءُ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٠

﴿٢٧١٠﴾ السَّجَادُ عليه السلام: وَإِنَّمَا أَهْلُ الدُّنْيَا يَعْشَقُونَ أَمْوَالَ الدُّنْيَا فَمَنْ لَمْ يُزَاحِمْهُمْ فِيمَا يَعْشَقُونَهُ كَرُمَ عَلَيْهِمْ وَمَنْ لَمْ يُزَاحِمْهُمْ فِيهَا وَمَكَّنْهُمْ مِنْهَا وَمِنْ بَعْضِهَا كَانَ أَعَزَّ وَأَكْرَمَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ٢٣٠

﴿٢٧١١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا أَهْلُ الدُّنْيَا كِلَابٌ عَاوِيَةٌ وَسَبَاعٌ ضَارِيَةٌ يَهْرُ بَعْضُهَا بَعْضًا وَيَأْكُلُ عَزِيزُهَا ذَلِيلَهَا وَيَقْهَرُ كَبِيرُهَا صَغِيرَهَا نَعَمٌ مُعَقَّلَةٌ وَأُخْرَى مُهْمَلَةٌ قَدْ أَضَلَّتْ عُقُولَهَا وَرَكِبَتْ مَجْهُولَهَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٧

﴿٢٧١٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَإِنَّمَا هُمْ أَهْلُ دُنْيَا مُقْبِلُونَ عَلَيْهَا وَمُهْطِعُونَ إِلَيْهَا قَدْ عَرَفُوا الْعَدْلَ وَرَأَوْهُ وَسَمِعُوهُ وَوَعَوْهُ وَعَلِمُوا أَنَّ النَّاسَ عِنْدَنَا فِي الْحَقِّ أَسْوَةٌ فَهَرَبُوا إِلَى الْأَثَرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٢١

﴿٢٧١٣﴾ عيسى عليه السلام: لَا تَأْسُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ مِنْ دُنْيَاكُمْ إِذَا سَلِمَ دِينُكُمْ كَمَا لَا يَأْسَى أَهْلُ الدُّنْيَا عَلَى مَا فَاتَهُمْ مِنْ دِينِهِمْ إِذَا سَلِمَتْ دُنْيَاهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٦٩، ص ٣٢٧

﴿٢٧١٤﴾ الصادق عليه السلام: أَحْكِمِ أَمْرَ دِينِكَ كَمَا أَحْكَمَ أَهْلُ الدُّنْيَا أَمْرَ دُنْيَاهُمْ وَإِنَّمَا جُعِلَتِ الدُّنْيَا شَاهِدًا يُعْرَفُ بِهَا مَا غَابَ عَنَّا مِنَ الْآخِرَةِ فَاعْرِفِ الْآخِرَةَ بِهَا وَلَا تَنْظُرْ إِلَى الدُّنْيَا إِلَّا بِالِاغْتِبَارِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٥٣

٧-١٧-٣- إِتْخَاذُ الدُّنْيَا رَبًّا

﴿٢٧١٥﴾ الصادق عليه السلام: لَا تَتَّخِذُوا الدُّنْيَا رَبًّا فَتَتَّخِذَكُمْ عِبِيدًا اكْنِزُوا كَنْزَكُمْ عِنْدَ مَنْ لَا يُضَيِّعُهُ فَإِنَّ صَاحِبَ كَنْزِ الدُّنْيَا يُخَافُ عَلَيْهِ الْآفَةُ وَصَاحِبُ كَنْزِ اللَّهِ لَا يُخَافُ عَلَيْهِ الْآفَةُ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٧

٧-١٧-٤- عَبْدُ الدُّنْيَا

﴿٢٧١٦﴾ الصادق عليه السلام: وَقِيلَ أَغْبَطُ النَّاسِ مَنْ اقْتَصَدَ قَنَعَ وَمَنْ قَنَعَ فَكَ رَقَبَتُهُ مِنْ عُبودِيَّةِ الدُّنْيَا وَذُلِّ الْمَطَامِعِ وَقِيلَ الْفَقِيرُ مَنْ طَمَعَ وَالْغَنِيُّ مَنْ قَنَعَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٥٤

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / بندگی»

و چنان کردم، در صورتی که کاری صورت نمی‌دهد؛ دیگران را به چیزی که از او نیست دعوت می‌کند؛ بر دیگران منت می‌گذارد و همواره از بدی‌های مردم سخن می‌گوید. ای احمد! دنیاپرستان زشتی‌های بسیاری دارند، از جمله نادان هستند و احمق؛ به استاد خود احترام نمی‌گذارند و خود را عاقل و خردمند می‌دانند، حال اینکه از نظر عارفان، گروهی احمق هستند».

﴿۲۷۱۰﴾ مردم دنیا طبعاً عشق و علاقه به مال و ثروت دارند، بنابراین آن که درباره‌ی مال و ثروتی که مورد علاقه‌ی آنان است، مزاحم آنان نباشد، در نظر آن‌ها محترم است و قهراً آن که نه تنها مزاحم نباشد بلکه خیر و نفعی هم به آنان برساند، عزیزتر و محترم‌تر است.

﴿۲۷۱۱﴾ دنیا دوستان، مانند سگ‌های پارس‌کننده و درندگان شکارجو هستند که بعضی بر بعضی دیگر حمله می‌کنند و توانای آن‌ها ناتوانشان را می‌خورد و بزرگشان بر کوچکشان غلبه می‌جوید، برخی مانند چهارپایان بسته شده و دسته‌ای دیگر خرد خود را گم کرده و در بیراهه سیر می‌کنند.

﴿۲۷۱۲﴾ امام علی علیه السلام درباره‌ی گروهی از مردم مدینه که به معاویه بن ابی‌سفیان پیوسته بودند، فرمود: «آنان اهل دنیا هستند و به آن رو می‌آورند و در پی [به‌چنگ آوردن] آن می‌شتابند؛ عدالت را دیدند و شناختند، و شنیدند و فهمیدند، و دانستند که مردمان در نزد ما از لحاظ حق با یکدیگر برابرند، از این رو گریختند تا به امتیازی دست یابند [و از حق خویش افزون‌تر گیرند].»

﴿۲۷۱۳﴾ هرچه از مال دنیا را از دست دادید، در صورتی که دینتان محفوظ می‌ماند، ناراحت نشوید. همان‌گونه که اهل دنیا با از دست رفتن دینشان در صورتی که دنیای آن‌ها مصون بماند، ناراحت نمی‌شوند.

﴿۲۷۱۴﴾ همان‌گونه که اهل دنیا، دنیای خود را محکم و استوار می‌کنند تو نیز امر دینت را محکم کن. دنیا شاهی است که به واسطه‌ی آن از امور آخرت که از ما غایب است، اطلاع می‌گیرند. پس با دنیا، آخرت را بشناس و به دنیا جز به دیده‌ی عبرت نگاه نکن.

۳-۱۷-۷- دنیا را پروردگار خود قرار دادن

﴿۲۷۱۵﴾ دنیا را پروردگار [خود] قرار ندهید که شما را بندگان خویش می‌گرداند، گنج خود را نزد کسی اندوخته سازید که آن را ضایع نکند، به‌راستی که صاحب گنج دنیا از آفت‌زدگی آن هراس دارد و صاحب گنج خداوند از آفت‌زدگی آن هراس ندارد.

۴-۱۷-۷- بنده‌ی دنیا

﴿۲۷۱۶﴾ گفته شده: «مورد غبطه‌ترین مردم کسی است که میانه‌روی را در پیش بگیرد و قانع باشد. و کسی که قناعت در پیش بگیرد، تا گردن خود را از قید بندگی دنیا و خواری طمع رها سازد». گفته شده: «فقیر کسی است که طمع دارد و غنی کسی است که قانع است».

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُؤَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْعِبَادَةُ﴾

﴿٢٧١٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَمَنْ أَحَبَّ الدِّينَارَ وَالدَّرْهَمَ فَهُوَ عَبْدُ الدُّنْيَا؛ وسائل الشيعة، ج ٢٠،

ص ٢٥

﴿٢٧١٨﴾ الحسين عليه السلام: أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُنْتَهَى عَنْهُ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحِقًّا فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا الْحَيَاةَ وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١٦

﴿٢٧١٩﴾ الصادق عليه السلام: لَا تَتَّخِذُوا الدُّنْيَا رَبًّا فَتَتَّخِذَكُمْ عَبِيدًا اكْنِزُوا كَنْزَكُمْ عِنْدَ مَنْ لَا يُضَيِّعُهُ فَإِنَّ صَاحِبَ كَنْزِ الدُّنْيَا يُخَافُ عَلَيْهِ الْآفَةُ وَصَاحِبُ كَنْزِ اللَّهِ لَا يُخَافُ عَلَيْهِ الْآفَةُ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٧

﴿٢٧٢٠﴾ الصادق عليه السلام: أَنْ أَبْنَاءَ الدُّنْيَا عَبِيدُ مَا يَأْكُلُونَ وَيَلْبَسُونَ وَالسَّاجِدُ فِي سُجُودِهِ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَا يَنْبَغِي أَنْ يَضَعَ جَهَّتَهُ فِي سُجُودِهِ عَلَى مَعْبُودِ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا الَّذِينَ اغْتَرَوْا بِغُرُورِهَا وَالسُّجُودُ عَلَى الْأَرْضِ أَفْضَلُ لِأَنَّهُ أَتْلَعُ فِي التَّوَاضُّعِ وَالْخُضُوعِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ بحار الأنوار، ج ٨٢، ص ١٤٧

﴿٢٧٢١﴾ الحسين عليه السلام: النَّاسُ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَالِدِّينُ لِعَقْدٍ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَخُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَاشَتُهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ٣٨٢

﴿٢٧٢٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَمَنْ أَحَبَّ الدِّينَارَ وَالدَّرْهَمَ فَهُوَ عَبْدُ الدُّنْيَا؛ الخصال، ج ١،

ص ١١٣

﴿٢٧٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْفِتْنُ ثَلَاثُ حُبِّ النِّسَاءِ وَهُوَ سَيْفُ الشَّيْطَانِ وَشُرْبُ الْخَمْرِ وَهُوَ فُخُّ الشَّيْطَانِ وَحُبُّ الدِّينَارِ وَالدَّرْهَمِ وَهُوَ سَهْمُ الشَّيْطَانِ فَمَنْ أَحَبَّ النِّسَاءَ لَمْ يَنْتَفِعْ بِعَيْشِهِ وَمَنْ أَحَبَّ الْأَشْرَبَةَ حَرُمَتْ عَلَيْهِ الْجَنَّةُ وَمَنْ أَحَبَّ الدِّينَارَ وَالدَّرْهَمَ فَهُوَ عَبْدُ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٢، ص ١٠٧

﴿٢٧٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: عَبْدُ الدُّنْيَا مُؤَبَّدُ الْفِتْنَةِ وَالْبَلَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٧

﴿٢٧٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَكَذَلِكَ مَنْ عَظُمَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ وَكَبُرَ مَوْقِعُهَا مِنْ قَلْبِهِ

آثَرَهَا عَلَى اللَّهِ فَانْقَطَعَ إِلَيْهَا وَصَارَ عَبْدًا لَهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٩، ص ١٦١

﴿٢٧٢٦﴾ عيسى عليه السلام: وَيَا عِبِيدَ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٠٧

﴿٢٧٢٧﴾ السَّجَّاد عليه السلام: وَحَتَّى مَتَى أَتَعَلَّلُ بِالْأَمَانِيِّ وَأَسْكُنُ إِلَى الْغُرُورِ وَأَعْبُدُ نَفْسِي لِلدُّنْيَا

عَلَى غَضَاضَةِ سُوءِ الْإِغْتِدَادِ مِنْ مَلَكَاتِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٥٤

﴿٧٢٨﴾

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / بندگی»

- ﴿۲۷۱۷﴾ هرکس عاشق پول و درهم و دینار باشد، بنده‌ی دنیاست.
- ﴿۲۷۱۸﴾ آیا نمی‌بینید که به حقّ عمل نمی‌شود و باطل را رها نمی‌سازند؟! در یک چنین وضعی باید مرد با ایمان آرزوی مرگ کند، چراکه من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز ستوه فکر و رنجش دل نمی‌دانم، به‌راستی که مردم گوش به فرمان و پیرو دنیا هستند.
- ﴿۲۷۱۹﴾ دنیا را پروردگار [خود] قرار ندهید که شما را بندگان خویش می‌گرداند، گنج خود را نزد کسی اندوخته سازید که آن را ضایع نکند، به‌راستی که صاحبِ گنج دنیا از آفت‌زدگی آن هراس دارد و صاحبِ گنج خداوند از آفت‌زدگی آن هراس ندارد.
- ﴿۲۷۲۰﴾ همانا دنیاپرستان بنده‌ی آنچه که خورده یا پوشیده می‌شود، هستند و کسی که بر خدا سجده می‌کند، شایسته نیست پیشانی‌اش را در سجده بر معبود دنیاپرستان که به غرورش فریفته شده‌اند، بگذارد. سجده بر زمین بهتر است، چراکه این کار نهایت تواضع و خضوع در برابر خدای عزّ و جلّ است.
- ﴿۲۷۲۱﴾ به‌راستی که مردم گوش به فرمان و پیرو دنیا هستند، و عقیده و آئین چون لعبی بر سر زبان آنان می‌باشد که تا زندگیشان رو به راه است، آن را می‌چرخانند.
- ﴿۲۷۲۲﴾ هرکس دینار و درهم را دوست بدارد، بنده‌ی دنیاست.
- ﴿۲۷۲۳﴾ فتنه بر سه گونه است: محبّت زنان که آن شمشیر شیطان است، آشامیدن شراب که آن دام شیطان می‌باشد و محبّت دینار و درهم که آن تیر شیطان است هرکس زنان را دوست بدارد، از زندگی خود سودی نخواهد برد و هرکس شراب را دوست داشته باشد، بهشت بر وی حرام خواهد شد و هرکس درهم و دینار را دوست بدارد، بنده‌ی دنیا خواهد بود.
- ﴿۲۷۲۴﴾ بنده‌ی دنیا همیشه در بلا و فتنه است.
- ﴿۲۷۲۵﴾ و اینگونه است کسی که دنیا در دیده‌اش بزرگ جلوه کند و ارزش و اعتبار دنیا در دلش فراوان گردد، دنیا را بر خدا مقدّم می‌شمارد و جز دنیا به چیز دیگری نمی‌پردازد و بنده‌ی دنیا می‌گردد.
- ﴿۲۷۲۶﴾ وای بر شما! ای بندگان دنیا.
- ﴿۲۷۲۷﴾ و تا چه وقت خود را با آرزوها سرگرم کنم و به دنیای فریبنده اعتماد داشته باشم. و دل به آن ببندم؛ با شیوه‌های ناپسندی که پیوسته آماده دارد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الطَّاعَةِ﴾

﴿٢٧٢٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَظُمَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ وَكَبُرَ مَوْقِعُهَا فِي قَلْبِهِ آثَرَهَا عَلَى اللَّهِ فَانْقَطَعَ إِلَيْهَا وَصَارَ عَبْدًا لَهَا؛ مكارم الأخلاق، ص ٨
٧-١٨- الطَّاعَةُ

٧-١٨-١- إِبَاجَةُ الدُّنْيَا

﴿٢٧٢٩﴾ الصادق عليه السلام: رَبِّ دَعْتَنِي دَوَاعِيَ الدُّنْيَا فَاجْتَنِبْهَا سَرِيعًا؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٩٠

٧-١٨-٢- إِتِّبَاعُ الدُّنْيَا

﴿٢٧٣٠﴾ الرسول ﷺ: وَاتَّبِعْتُمُ الدُّنْيَا الْفَانِيَةَ وَبِعْتُمُ الْآخِرَةَ الْبَاقِيَةَ... وَ لَا يَمُوتُ سَاكِنُهَا بِقَلِيلٍ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْبَاقِينَ، ص ١٢٦

﴿٢٧٣١﴾ العسكري عليه السلام: وَيُزَيْنُ لَهُ الْإِشْتِغَالُ بغيرِهِ مِنْ مَلَاهِي الدُّنْيَا فَإِنْ اتَّبَعَهُ الْإِنْسَانُ مِنْ هَذَا الْوَجْهِ فَهُوَ ظَفَرُهُ... وَأَمَّا أَكْسِيهِمْ فَمَنْ أَخَذَ لِحَرَّتِهِ أَهْبَتَهَا وَ أَحْمَقُهُمْ مَنْ كَانَتِ الدُّنْيَا هَمَّهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤١٩

﴿٢٧٣٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنْ جَعَلْتَ دِينَكَ تَبَعًا لِدُنْيَاكَ أَهْلَكَتَ دِينَكَ وَ دُنْيَاكَ وَ كُنْتَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

٧-١٩- إِجْتِلَابُ الدُّنْيَا

٧-١٩-١- إِجْتِلَابُ الدُّنْيَا

﴿٢٧٣٣﴾ الكاظم عليه السلام: وَيُلِ الدُّنْيَا يَجْتَلِبُونَ الدُّنْيَا بِالْذِّينِ وَ وَيُلِ الدُّنْيَا يَفْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٨٤
٧-١٩-٢- الْجَمْعُ مِنَ الدُّنْيَا

﴿٢٧٣٤﴾ الرسول ﷺ: إِنْ لَمْ أَبْعَثْكَ لِتَجْتَمِعِ الدُّنْيَا بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ؛ مكارم الأخلاق، ص ٤٧٢
٧-١٩-٣- أَخْذُ الدُّنْيَا

﴿٢٧٣٥﴾ الرسول ﷺ: قَامَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بِأَيِّ أَمْرٍ وَأُمِّي وَ كَيْفَ يَقُولُهَا مُخْلِصًا لَا يَخْلُطُ مَعَهَا غَيْرُهَا فَسَرَّ لَنَا هَذَا حَتَّى نَعْرِفَهُ فَقَالَ نَعَمْ حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا وَ جَمْعًا لَهَا مِنْ غَيْرِ حِلِّهَا وَ رَضَى بِهَا... فَإِنْ أَخَذَ الدُّنْيَا وَ تَرَكَ الْآخِرَةَ فَلَهُ النَّارُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٣٥٩

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / فرمانبرداری»

﴿۲۷۲۸﴾ آن که دنیا در دیده‌اش بزرگ و در دلش جایگاهی ژرف و عظیم باز کرده باشد، آن را بر خدا ترجیح داده و به آن می‌پیوندد و طوق بندگی‌اش را بر گردن می‌نهد.

۱۸-۷- فرمانبرداری

۱-۱۸-۷- اجابت کردن دنیا

﴿۲۷۲۹﴾ پروردگارا! انگیزه‌های دنیا مرا خواندند و من به سرعت پذیرفتم.

۲-۱۸-۷- تبعیت از دنیا

﴿۲۷۳۰﴾ از دنیای زودگذر تبعیت کردید و آخرت ماندگار را فروختید... ساکن آن (آخرت) نمی‌میرد و اندک دنیا نیز از بین می‌رود.

﴿۲۷۳۱﴾ [شیطان] مشغول شدن به غیر علم را همچون ملامتی دنیایی در نظر او می‌آراید. و اگر آدمی از این راه فریب شیطان را بخورد و از او پیروی نماید، مغلوب می‌شود... زیرک‌ترین مردم کسی است که آمادگی لازم را برای آخرت خود فراهم کند. و احمق‌ترین مردم کسی است که همّت خود را صرف دنیا کند.

﴿۲۷۳۲﴾ اگر دینت را تابع دنیایت قرار دهی، دین و دنیایت را تباه می‌کنی و در آخرت نیز از زیانکاران هستی.

۱۹-۷- کشاندن دنیا به سوی خود

۱-۱۹-۷- کشاندن دنیا به سوی خود

﴿۲۷۳۳﴾ وای بر کسانی که دین را وسیله‌ی دست‌یافتن به دنیا قرار می‌دهند و وای بر کسانی که افرادی را که به عدالت امر می‌کنند، می‌کشند.

۲-۱۹-۷- جمع کردن دارایی‌های دنیوی

﴿۲۷۳۴﴾ [ای انسان] من تو را به زمین نفرستاده‌ام تا به جمع‌آوری دنیا مشغول گردی.

۳-۱۹-۷- دریافت دنیا

﴿۲۷۳۵﴾ علی بن ابی طالب علیه السلام برخاست و گفت: «یا رسول الله، پدر و مادرم به فدایت! چگونه آن را با اخلاص گوید و دیگری را با آن نیامیزد؟ این را برای ما شرح بده و روشن کن تا آن را بدانیم». آن حضرت در پاسخ فرمود: «آری، حرص بر دنیا و فراهم کردن دنیا از راه‌های حرام و ناروا ... و اگر دنیا را بگیرد و آخرت را رها کند، دوزخ از آن او می‌باشد».

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / مُجَالَسَةُ أُنْبَاءِ الدُّنْيَا﴾

﴿٢٧٣٦﴾ الرسول ﷺ: دَعُوا الدُّنْيَا لِأَهْلِهَا فَمَنْ أَخَذَ مِنَ الدُّنْيَا فَوْقَ مَا يَكْفِيهِ أَخَذَ حَتْفَهُ وَهُوَ

لَا يَشْعُرُ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٥٦

٧-١٩-٤- الإصَابَةُ مِنَ الدُّنْيَا

﴿٢٧٣٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ آتَى ذِمِّيًّا وَتَوَاضَعَ لَهُ لِيُصِيبَ مِنْ دُنْيَاهُ شَيْئًا ذَهَبَ ثُلَاثًا دِينَهُ؛

بحار الأنوار، ج ٧٢، ص ٣٩٢

٧-١٩-٥- الدُّخُولُ فِي الدُّنْيَا

﴿٢٧٣٨﴾ الرسول ﷺ: الْفَقَهَاءُ أُمَنَاءُ الرُّسُلِ مَا لَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا

دُخُولُهُمْ فِي الدُّنْيَا قَالَ اتَّبَاعُ السُّلْطَانِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ فَاحْذَرُوهُمْ عَلَى أَدْيَانِكُمْ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١٣، ص ١٢٤

٧-٢٠- مُجَالَسَةُ أُنْبَاءِ الدُّنْيَا

٧-٢٠-١- مُخَالَطَةُ أُنْبَاءِ الدُّنْيَا

﴿٢٧٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي لِمَنْ أَرَادَ صَلَاحَ نَفْسِهِ وَإِحْرَازَ دِينِهِ أَنْ يَجْتَنِبَ مُخَالَطَةَ

أُنْبَاءِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ٣١٩

﴿٢٧٤٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خُلُطَةُ أُنْبَاءِ الدُّنْيَا رَأْسُ الْبُلُوَى وَفَسَادُ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ١٣٧

﴿٢٧٤١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خُلُطَةُ أُنْبَاءِ الدُّنْيَا تَشِينُ الدِّينَ وَتُضَعِّفُ الْيَقِينَ؛ غرر الحكم،

ص ١٣٧

٧-٢٠-٢- مُجَالَسَةُ أُنْبَاءِ الدُّنْيَا

﴿٢٧٤٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مُجَالَسَةُ أُنْبَاءِ الدُّنْيَا مَنَسَاةٌ لِلْإِيمَانِ قَائِدَةٌ إِلَى طَاعَةِ الشَّيْطَانِ؛

غرر الحكم، ص ٤٣٤

٧-٢٠-٣- مَصَاحَبَةُ الدُّنْيَا

﴿٢٧٤٣﴾ عيسى عليه السلام: صَاحِبُ الدُّنْيَا لَا يَلْتَنِذُ بِالْعِبَادَةِ وَلَا يَجِدُ حَلَاوَتَهَا مَعَ مَا يَجِدُ مِنْ حُبِّ

أَلْمَالِ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٠٩

﴿٢٧٤٤﴾ عيسى عليه السلام: كَمَا نَظَرَ الْمَرِيضُ إِلَى الطَّعَامِ فَلَا يَلْتَنِذُ بِهِ مِنْ شِدَّةِ الْوَجَعِ كَذَلِكَ

صَاحِبُ الدُّنْيَا لَا يَلْتَنِذُ بِالْعِبَادَةِ وَلَا يَجِدُ حَلَاوَتَهَا مَعَ مَا يَجِدُهُ مِنْ حَلَاوَةِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤،

ص ٣٢٥

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / همنشینی با فرزندان دنیا»

﴿۲۷۳۶﴾ دنیا را برای اهلش واگذارید که هرکس دنیا را بیش از نیازش طلب کند، مرگش را طلب کرده و خود نمی‌داند.

۷-۱۹-۴ هدف‌گیری دنیا

﴿۲۷۳۷﴾ هرکس نزد کافر ذمّی رود و برایش فروتنی کند تا از دنیایش بهره گیرد، دو سوّم دینش از دستش می‌رود.

۷-۱۹-۵ ورود در دنیا

﴿۲۷۳۸﴾ پیامبر ﷺ فرمود: «فقها امینان پیامبران هستند تا وقتی که وارد دنیا نشده باشند». گفته شد: «ای رسول خدا! وارد دنیا شدنشان به چیست؟» فرمود: «پیروی از پادشاهان، هرگاه چنین کردند از آن‌ها بر دینتان بترسید».

۷-۲۰ همنشینی با فرزندان دنیا

۷-۲۰-۱ همنشینی با فرزندان دنیا

﴿۲۷۳۹﴾ کسی که قصد دارد خودش را اصلاح کند و دینش را حفظ کند، شایسته است از مشارکت با فرزندان دنیا کناره‌گیری کند.

﴿۲۷۴۰﴾ همنشینی و مشارکت با فرزندان دنیا سرآغاز هر گرفتاری و فاسدشدن تقواست.

﴿۲۷۴۱﴾ همنشینی و مشارکت با فرزندان دنیا، دین را لگه‌دار و یقین را ضعیف می‌کند.

۷-۲۰-۲ همنشینی با فرزندان دنیا

﴿۲۷۴۲﴾ همنشینی با فرزندان دنیا موجب فراموشی ایمان و راهنمایی به اطاعت شیطان است.

۷-۲۰-۳ همصحبتی با دنیا

﴿۲۷۴۳﴾ همنشین دنیا نیز با وجود حبّ مال از عبادت لذّت نمی‌برد و شیرینی آن را احساس نمی‌کند.

﴿۲۷۴۴﴾ همان‌طوری‌که مریض به غذا می‌نگرد و از شدّت درد از آن لذّت نمی‌برد؛ کسی که وابسته‌ی دنیاست از عبادت لذّت نمی‌برد و شیرینی آن را با وجود شیرینی دنیا احساس نمی‌کند.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْمُنَافَسَةُ عَلَى الدُّنْيَا﴾

﴿٢٧٤٥﴾ عيسى عليه السلام: وَيَلُ لِّصَاحِبِ الدُّنْيَا كَيْفَ يَمُوتُ وَيَتْرُكُهَا وَيَأْمَنْهَا وَتَغْرُهُ وَيَتَّقُ بِهَا وَ تَخْذُلُهُ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٨

﴿٢٧٤٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مُصَاحِبُ [مُصَاحَبَةٍ] الدُّنْيَا هَدَفُ النَّوَائِبِ وَالْغَيْرِ؛ غرر الحكم،

ص ١٣٧

﴿٢٧٤٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا لَا تَصْفُو لِشَارِبٍ وَلَا تَقِي لِصَاحِبٍ؛ غرر الحكم، ص ١٣٧

﴿٢٧٤٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَمَنْ عَظَّمَ صَاحِبَ دُنْيَا وَأَحَبَّهُ لِمَطْمَعِ دُنْيَاهُ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَكَانَ فِي

دَرَجَتِهِ مَعَ قَارُونَ فِي النَّارِ أَلَا سَقَلَ مِنَ النَّارِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ١٨١

﴿٢٧٤٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَقَلَّ مِنَ النَّاسِ مَنْ لَيْسَ لِلدُّنْيَا بِصَاحِبٍ، وَأَكْثَرُهُمْ مَنْ يَجْتَوِي الْحَقَّ وَيَسْتَمِرُّ الْبَاطِلَ وَيُؤْثِرُ الدُّنْيَا... وَلَيْسَ أَلَنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلِ الدُّنْيَا أَرَادُوا أَمْ لِلَّهِ عَمِلُوا؛

بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ١٤٣

٤-٢٠-٧- المواصل للدُّنْيَا، المُعَرَّجُ عَلَى الدُّنْيَا

﴿٢٧٥٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْمَوَاصِلُ لِلدُّنْيَا مَقْطُوعٌ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

٥-٢٠-٧- المُعَرَّجُ عَلَى الدُّنْيَا

﴿٢٧٥١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا أَسْرَى الرَّغْبَةِ أَقْصِرُوا فَإِنَّ الْمُعَرَّجَ عَلَى الدُّنْيَا مَا لَا يَرُوعُهُ مِنْهَا

إِلَّا صَرِيفُ أَنْيَابِ الْحَدَثَانِ أَيُّهَا النَّاسُ تَوَلَّوْا مِنْ أَنْفُسِكُمْ تَأْدِيبَهَا وَاعْدِلُوا بِهَا عَنْ ضَرَاوَةِ عَادَاتِهَا؛

وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٣٣

١-٢١-٧- الْمُنَافَسَةُ عَلَى الدُّنْيَا

١-٢١-٧- الْمُنَافَسَةُ عَلَى الدُّنْيَا

﴿٢٧٥٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ أَكْثَرَ الدُّعَاءِ تَسْلَمُ مِنْ سَوْرَةِ الشَّيْطَانِ وَلَا تُنَافِسُ عَلَى الدُّنْيَا وَ

لَا تَتَّبِعِ الْهَوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٨

﴿٢٧٥٣﴾ السَّجَادُ عليه السلام: وَأَنْتِ عَلَى الدُّنْيَا مَكِبٌ مُنَافِسٌ، لِخُطَابِهَا فِيهَا حَرِيصٌ مُكَائِرٌ؛

البلد الأمين، ص ٣٢٠

﴿٢٧٥٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا تَغْرُ الْمُؤْمِلَ لَهَا وَ الْمُخْلِدَ إِلَيْهَا، وَلَا تَنْفَسُ بِمَنْ نَافَسَ

فِيهَا، وَ تَغْلِبُ مَنْ غَلَبَ عَلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٢٩، ص ٥٩٦

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / مسابقه برای رسیدن به دنیا»

«۲۷۴۵» وای بر هواخواه دنیا که چگونه می‌میرد و آن را ترک می‌گوید، چگونه دنیا را مورد اطمینان قرار می‌دهد و دنیا او را فریب می‌دهد، و چگونه به دنیا اعتماد می‌کند و دنیا او را خوار و ذلیل می‌گرداند؟!

«۲۷۴۶» دوستدار دنیا، هدف بالاها و دگرگونی‌های دنیا است.

«۲۷۴۷» دنیا برای کسی که آن را بنوشد، گوارا نیست و به صاحب خود وفا نمی‌کند.

«۲۷۴۸» هرکس دنیاداری را بزرگ شمارد و او را به خاطر طمع دنیایش دوست بدارد، خداوند بر او خشم می‌گیرد و درجه‌اش مثل درجه‌ی قارون و همراه او در تابوتی در پایین‌ترین مرتبه‌ی جهنم است.

«۲۷۴۹» در میان مردم دوستداران دنیا اندک نیستند؛ بیشتر مردم حق را تلخ می‌دانند و باطل در کامشان شیرین می‌آید و دنیا را بر هر چیزی ترجیح می‌دهند... در روز رستاخیز از ایشان خواهند پرسید که آیا قصدشان دنیا بوده یا برای خدا عمل کرده‌اند؟!

۴-۲۰-۷- ارتباط به خاطر دنیا

«۲۷۵۰» صله به خاطر دنیا و پیوند با آن، [از خدای متعال و آخرت] بریده‌شده است.

۵-۲۰-۷- صاحبان مقامات دنیا

«۲۷۵۱» ای گرفتاران خواهش‌های نفسانی! بس کنید! زیرا صاحبان مقامات دنیا را تنها دندان حوادث روزگار به هراس می‌افکند، ای مردم! کار تربیت خود را خود بر عهده بگیرید و نفس را از عادت‌هایی که به آن حرص دارد، بازدارید.

۱۱-۲۱-۷- مسابقه برای رسیدن به دنیا

۱-۲۱-۷- رقابت بر سر دنیا

«۲۷۵۲» بسیار دعا کن که از حمله‌ی شیطان محفوظ می‌مانی. در کسب دنیا رقابت نکن و پیرو هوای نفس نباش.

«۲۷۵۳» تو بر دنیا افتاده‌ای و بر سر کسب آن مسابقه می‌دهی، خواستگاران دنیا بسیارند و بر آن حرص می‌ورزند.

«۲۷۵۴» دنیا آرزومند آن و آرام‌گیرنده‌ی در آن را فریب می‌دهد و به کسی که در آن رقابت کند، مهلت نمی‌دهد و بر کسی که بر آن غلبه کرده، غلبه می‌کند.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْمُنَافَسَةُ عَلَى الدُّنْيَا﴾

٢-٢١-٧- التَّنَافُسُ

﴿٢٧٥٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا خَضِرَةٌ خُلُوَةٌ وَلَهَا أَهْلٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ لَهَا أَهْلٌ ظَلَفَتْ أَنْفُسَهُمْ عَنْ مُفَاخَرَةِ أَهْلِ الدُّنْيَا لَا يَتَنَافَسُونَ فِي الدُّنْيَا وَلَا يَقْرَحُونَ بَعْضَارَتَهَا وَلَا يَحْزَنُونَ لِبُؤْسِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٧٨

﴿٢٧٥٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَلَا تَتَنَافَسُوا فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَفَخْرِهَا وَلَا تَعْجَبُوا بِزِينَتِهَا وَنَعِيمِهَا؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٤٢٧

﴿٢٧٥٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكُمْ مَعَشَرَ الْعَرَبِ أَغْرَاضُ بَلَايَا قَدْ اقْتَرَبَتْ... وَتَثَبُّوا فِي قَتَامِ الْعِشْوَةِ... يَتَنَافَسُونَ فِي دُنْيَا دَنِيَّةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ٢٢٦

٣-٢١-٧- الْمُسَارَعَةُ إِلَى الدُّنْيَا

﴿٢٧٥٨﴾ نافلة الفجر: أَمْ مَتَى أَعْمَلُ لِآخِرَتِي وَ أَنَا حَرِيصٌ عَلَى دُنْيَايَ أَمْ مَتَى أَتُوبُ مِنْ ذُنُوبِي إِذَا لَمْ أَدْعُهَا قَبْلَ مَوْتِي رَبِّ دَعْتَنِي الدُّنْيَا إِلَى اللَّهِو فَاسْرَعْتُ... وَاجْعَلْ مَكَانَ سُرْعَتِي إِلَى الدُّنْيَا إِبْطَاءً عَنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٨٤، ص ٣١٩

﴿٢٧٥٩﴾ الصادق عليه السلام: رَبِّ دَعْتَنِي دَوَاعِيَ الدُّنْيَا فَاجْتَنِبْهَا سَرِيعًا؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٩٠

٤-٢١-٧- التَّكَالُبُ عَلَى الدُّنْيَا

﴿٢٧٦٠﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ أَقْرَبَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ طَالَ جُوعُهُ وَعَطَشُهُ وَ حُزْنُهُ فِي الدُّنْيَا... وَيَسْخَطُ اللَّهُ عَلَى بَلَدٍ لَيْسَ فِيهَا مِنْهُمْ أَحَدٌ لَمْ يَتَكَالَبُوا عَلَى الدُّنْيَا تَكَالُبَ الْكِلَابِ عَلَى الْجَيْفِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٣٥

﴿٢٧٦١﴾ قَالَ كَعْبُ يَا قَوْمَ كَأَنَّكُمْ تَتَعَجَّبُونَ بِمَا أَحَدْتُكُمْ فِيهِ مِنْ أَمْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَبْتَرِكْ شَيْئًا كَانَ أَوْ يَكُونُ مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ إِلَّا وَقَدْ فَسَّرَهُ لِمُوسَى عليه السلام... وَقَدْ رُفِعَتْ إِلَى آدَمَ فِي عَالَمِ الدَّرِّ وَ عُرِضَتْ عَلَيْهِ وَ لَقَدْ عُرِضَتْ عَلَيْهِ هَذِهِ الْأُمَّةُ وَ نَظَرِ إِلَيْهَا وَإِلَى اخْتِلَافِهَا وَ تَكَالُبِهَا عَلَى هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٥، ص ٣١٥

﴿٢٧٦٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ إِيَّاكَ أَنْ تَغْتَرَّ بِمَا تَرَى مِنْ إِخْلَادِ أَهْلِ الدُّنْيَا إِلَيْهَا وَ تَكَالِبِهِمْ عَلَيْهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٦، ص ٨٩

٥-٢١-٧- الْمُنَازَعَةُ

﴿٢٧٦٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الَّذِي أَعْجَبَكَ مِنَ الدُّنْيَا مِمَّا نَارَعَتْكَ إِلَيْهِ نَفْسُكَ وَ وَثَقَتْ بِهِ مِنْهَا لِمُنْقَلِبِ عَنْكَ وَ مُفَارِقِ لَكَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٥٣٩

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / مسابقه برای رسیدن به دنیا»

۷-۲۱-۲- مسابقه

﴿۲۷۵۵﴾ دنیا سبز و شیرین است و اهلی دارد. و آخرت نیز اهلی دارد که خود را از مفاخره‌ی اهل دنیا مخفی کردند و در دنیا با هم رقابت نکردند و به شادابی دنیا شادمان نشدند و از گزند آن نیز محزون نگشتند.

﴿۲۷۵۶﴾ پس در کسب عزّت و تفاخرهای دنیا باهم مسابقه ندهید، زینت‌ها و نعمت‌های دنیا شما را شگفت‌زده نکند.

﴿۲۷۵۷﴾ شما ای مردم عرب، نشانه‌ی بلاهایی هستید که بسیار نزدیک است... و در گرد و غبار ظلمت شبهه... با هم در به‌دست‌آوردن دنیای پست رقابت می‌کنند... .

۷-۲۱-۳- شتاب گرفتن به سوی دنیا

﴿۲۷۵۸﴾ چه زمانی برای آخرت خود عمل کنم درحالی که بر دنیایم حریص هستم یا چگونه از گناهان خود توبه کنم درحالی که قبل از مرگم گناهان را ترک نمی‌کنم؟! خدایا، دنیا مرا به‌سوی لهو و بیهودگی فرا خوانده و من شتاب کردم... جای شتاب در مورد دنیا را به تبلی در مورد آن تغییر ده!

﴿۲۷۵۹﴾ پروردگارا! انگیزه‌های دنیا مرا خواندند و من به سرعت پذیرفتم.

۷-۲۱-۴- زد و خورد بر سر دنیا

﴿۲۷۶۰﴾ همانا نزدیک‌ترین مردم به خدا در روز قیامت کسی است که گرسنگی و تشنگی و اندوهش در دنیا طولانی باشد و خداوند بر شهر و مکانی که مثل این افراد، در آن شهر و دیار نباشد خشمگین است. آن‌ها مانند سگانی که به لاشه‌ها هجوم می‌آورند به دنیا حمله نمی‌کنند.

﴿۲۷۶۱﴾ کعب گفت: ای گروه! گویا شما از داستان امام حسین علیه السلام تعجب می‌کنید، در صورتی که خدای متعال هیچ چیزی را که از اول دهر بوده و خواهد بود، فروگذار نکرده است، مگر اینکه برای حضرت موسی علیه السلام تفسیر کرده است... و در عالم ذرّ به حضرت آدم علیه السلام عرضه شده است. این امتّ مرحومه به حضرت آدم علیه السلام عرضه شد. آن بزرگوار به این امتّ و اختلافات و حرصی که بر سر دنیای بی‌ارزش دارند، نگاه کرد.

﴿۲۷۶۲﴾ از دنیا بپرهیز که چسبیدن اهل دنیا به آن و درنده‌خویی آنان بر سر دنیا تو را فریب می‌دهد.

۷-۲۱-۵- ستیز کردن

﴿۲۷۶۳﴾ اما بعد، آنچه تو را دلبسته‌ی دنیا کرده و نفس تو درباره‌ی آن با تو به ستیز برخاسته و به آن اعتماد کرده‌ای، به تو پشت کرد و از دستت خواهد رفت.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / التَّذَلُّلُ﴾

٦-٢١-٧- الإِقْتِتَالُ عَلَى الدُّنْيَا

﴿٢٧٦٤﴾ العسكرى عليه السلام: فَمَثَلُ الْجَيْفَةِ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَمَثَلُ صُنُوفِ الْكِلَابِ ضُرُوبُ الرِّجَالِ الَّذِينَ يَقْتَتِلُونَ عَلَى الدُّنْيَا وَيَهْرَقُونَ دِمَاءَهُمْ وَيُنْفِقُونَ لَهَا أَمْوَالَهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٠٣

٢٢-٧- التَّذَلُّلُ

١-٢٢-٧- التَّذَلُّلُ

﴿٢٧٦٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ تَذَلَّلَ لِإِبْنَاءِ الدُّنْيَا تَعَرَّى مِنْ لِبَاسِ التَّقْوَى؛ غرر الحكم، ص ٢٦٣

٢-٢٢-٧- التَّضَعُّعُ

﴿٢٧٦٦﴾ الرسول ﷺ: أَيُّمَا فَقِيرٍ تَضَعَّعَ لِعَيْنِي لِدُنْيَاهُ ذَهَبَ ثُلُثَا دِينِهِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢٠٠

٢٣-٧- الْحُزْنُ وَالْأَسَى وَالْأَسْفُ

١-٢٣-٧- الْحُزْنُ

١-٢٣-٧- الْحُزْنُ عَلَى الدُّنْيَا

﴿٢٧٦٧﴾ الرسول ﷺ: مَنْ لَمْ يَتَعَزَّ بِعِزِّ اللَّهِ تَقَطَّعَتْ نَفْسُهُ عَلَى الدُّنْيَا حَسَرَاتٍ... وَمَنْ أَصْبَحَ عَلَى الدُّنْيَا حَزِينًا أَصْبَحَ عَلَى اللَّهِ سَاخِطًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٨٩

﴿٢٧٦٨﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ أَصْبَحَ عَلَى الدُّنْيَا حَزِينًا فَقَدْ أَصْبَحَ عَلَى رَبِّهِ سَاخِطًا؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٣٤٨

﴿٢٧٦٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَصْبَحَ عَلَى الدُّنْيَا حَزِينًا فَقَدْ أَصْبَحَ لِقَضَاءِ اللَّهِ سَاخِطًا؛ بحار الأنوار، ج ٦٩، ص ١٩٦

﴿٢٧٧٠﴾ الباقر عليه السلام: وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَى سِجْنًا وَلَا تَجْعَلْ فِرَاقَهَا عَلَى حُزْنًا أَجْرَنِي مِنْ فِتْنَتِهَا وَاجْعَلْ عَمَلِي فِيهَا مَقْبُولًا وَسَعْيِي فِيهَا مَشْكُورًا؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٨٧

﴿٢٧٧١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا لِي شَجْنًا وَلَا تَجْعَلْ فِرَاقَهَا عَلَى حُزْنًا وَأَخْرِجْنِي مِنْ فِتْنَتِهَا سَلِيمًا وَاجْعَلْ عَمَلِي فِيهَا مَقْبُولًا وَسَعْيِي فِيهَا مَشْكُورًا؛ بحار الأنوار، ج ٨٤، ص ٣٠١

﴿٢٧٧٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّمَا النَّاسُ ثَلَاثُ زَاهِدٍ وَرَاغِبٍ وَصَابِرٍ أَمَّا الزَّاهِدُ فَلَا يَفْرَحُ بِالدُّنْيَا إِذَا آتَتْهُ وَلَا يَحْزَنُ عَلَيْهَا إِذَا فَاتَتْهُ؛ الاحتجاج، ج ١، ص ٥٨

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / احساس خواری در دنیا»

۶-۲۱-۷- کشتار بر سر دنیا

﴿۲۷۶۴﴾ مثل آن مردار مَثَلِ متاع دنیاست و آن سگ‌های رنگارنگ مثل انواع اهل دنیاست که برای دنیا با یکدیگر نزاع می‌کنند و خون یکدیگر را می‌ریزند و اموال خود را برای تحصیل اعتبارات آن صرف می‌کنند.

۲۲-۷- احساس خواری در دنیا

۱-۲۲-۷- فروتنی

﴿۲۷۶۵﴾ کسی که در برابر فرزندان دنیا فروتنی کند، لباس تقوا را از تن جدا کرده است.

۲-۲۲-۷- تواضع

﴿۲۷۶۶﴾ هر فقیری که به خاطر ثروت دنیوی یک ثروتمند در مقابل او متواضع باشد، یک‌سوم دینش را از دست داده است.

۲۳-۷- حزن و ناراحتی و افسوس

۱-۲۳-۷- حزن و ناراحتی

۱-۱-۲۳-۷- حزن بر دنیا

﴿۲۷۶۷﴾ هرکس به واسطه‌ی وقار و متانت خداوندی صبور نباشد و آرامش نیابد، در اثر حسرت‌های دنیا جان‌ش فرسوده و تگّه‌تگّه می‌شود... هرکس غم دنیا را بخورد، بر خدا خشم می‌گیرد.

﴿۲۷۶۸﴾ هرکس به خاطر دنیا ناراحت شود، بر خدای خودش خشم گرفته است.

﴿۲۷۶۹﴾ کسی که به خاطر دنیا ناراحت شود، از قضای الهی ناخشنود است.

﴿۲۷۷۰﴾ دنیا را زندان من و دوری از آن را مایه‌ی اندوهم قرار نده؛ و مرا از فتنه‌های آن پناه

ده و اعمالم را در دنیا مقبول کن و تلاشم را قابل تقدیر کن.

﴿۲۷۷۱﴾ [خدایا] دنیایم را برایم اندوهناک و جداسدن از آن را برای من مایه‌ی ناراحتی قرار

نده و مرا از فتنه‌های دنیا سالم خارج کن و عملم را در دنیا پذیرفته شده و سعیم را سپاسگزاری شده و مقبول قرار ده.

﴿۲۷۷۲﴾ مردم در برابر دنیا سه گروه هستند: زاهد، راغب، صابر؛ زاهد نه به چیزی از دنیا که

به دستش می‌آید شاد می‌شود و نه بر آنچه از دستش فوت شود، محزون می‌گردد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْحُزْنُ وَالْأَسَى وَالْأَسْفَ﴾

١-٢-٧-٢٣- الحُزْنُ لِيُؤْسِ الدُّنْيَا

﴿٢٧٧٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا شَيْخُ إِنَّ الدُّنْيَا خَضِرَةٌ حُلُوَةٌ وَلَهَا أَهْلٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ لَهَا أَهْلٌ ظَلَفْتُ أَنْفُسَهُمْ عَنْ مُفَاخِرَةِ أَهْلِ الدُّنْيَا لَا يَتَنَافَسُونَ فِي الدُّنْيَا وَلَا يَفْرَحُونَ بِغَضَارَتِهَا وَلَا يَحْزَنُونَ لِيُؤْسِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٧٨

١-٣-٧-٢٣- الحُزْنُ عَلَى مَا فَاتَ مِنَ الدُّنْيَا

﴿٢٧٧٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مِثْلُ الْحَيَّةِ لَئِنْ مَسَّهَا قَاتِلٌ سَمَّهَا فَأَعْرَضَ عَمَّا يُعْجِبُكَ فِيهَا لِقَلَّةِ مَا يَصْحَبُكَ مِنْهَا وَكُنْ أَنْسَ مَا يَكُونُ إِلَيْهَا أَوْ حَشَّ مَا تَكُونُ مِنْهَا فَإِنَّ صَاحِبَهَا كُلَّمَا أَطْمَأَنَّ مِنْهَا إِلَى سُرُورٍ أَشْخَصَتْهُ إِلَى مَكْرُوهٍ فَقَدْ يَسُرُّ الْمَرْءُ بِمَا لَمْ يَكُنْ لِيَقُوتَهُ وَيَحْزَنُ لِفَوَاتِ مَا لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ أَبَدًا وَإِنْ جَهَدَ فَلْيَكُنْ سُرُورُكَ بِمَا قَدَّمْتَ مِنْ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ وَلْتَكُنْ أَسْفُكَ عَلَى مَا فَرَطْتَ فِيهِ مِنْ ذَلِكَ وَلَا تَكُنْ عَلَى مَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا حَزِينًا وَمَا أَصَابَكَ مِنْهَا فَلَا تَنْعَمَ بِهِ سُرُورًا وَاجْعَلْ هَمَّكَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ فَإِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَأَتِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٠

١-٤-٧-٢٣- الحُزْنُ عِنْدَ إِذْبَارِهَا

﴿٢٧٧٥﴾ الصادق عليه السلام: فَقَالَ وَمَا الْهَاطِيَةُ فَقَالَ بِحَارٌ مِنْ نَارٍ فِيهَا جِبَالٌ مِنَ النَّارِ قَالَ وَمَا بَلَغَ بِكُمْ مَا أَرَى قَالَ حُبُّ الدُّنْيَا وَعِبَادَةُ الطَّاغُوتِ قَالَ وَمَا بَلَغَ مِنْ حُبِّكُمْ الدُّنْيَا قَالَ كَحُبِّ الصَّبِيِّ لَأُمِّهِ إِذَا أَقْبَلَتْ فَرِحَ وَإِذَا أَدْبَرَتْ حَزَنَ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٢

١-٥-٧-٢٣- الحُزْنُ عِنْدَ إِصْرَافِ الدُّنْيَا

﴿٢٧٧٦﴾ عيسى عليه السلام: يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَحْزَنُ عَبْدِي الْمُؤْمِنُ أَنْ أَصْرَفَ عَنْهُ الدُّنْيَا وَذَلِكَ أَحَبُّ مَا يَكُونُ إِلَيَّ وَأَقْرَبُ مَا يَكُونُ مِنِّي وَيَفْرَحُ أَنْ أَوْسَعَ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَذَلِكَ أَبْغَضُ مَا يَكُونُ إِلَيَّ وَأَبْعَدُ مَا يَكُونُ مِنِّي؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣١٧

١-٦-٧-٢٣- الْأَسَى

﴿٢٧٧٧﴾ الرضا عليه السلام: قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ لِلْحَوَارِيِّينَ: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ مِنَ الدُّنْيَا كَمَا لَا يَأْسَى أَهْلُ الدُّنْيَا عَلَى مَا فَاتَهُمْ مِنْ دِينِهِمْ إِذَا أَصَابُوا دُنْيَاهُمْ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٧

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / حزن و ناراحتی و افسوس»

۷-۲۳-۱-۲ حزن بر سختی دنیا

«۲۷۷۳» ای شیخ! دنیا سبز و شیرین است و اهلی دارد. و آخرت نیز اهلی دارد که خود را از مفاخره‌ی اهل دنیا مخفی کردند و در دنیا با هم رقابت نکردند و به شادابی دنیا شادمان نشدند و از گزند آن نیز محزون نگشتند.

۷-۲۳-۱-۳ حزن بر آنچه از دنیا از دست می‌رود

«۲۷۷۴» دنیا همچون ماری است که پوستی نرم دارد اما زهرش کشنده است. از چیزهایی که در دنیا خوشایند توست، به واسطه‌ی عمر کوتاهی که دارد، کناره بگیر. و از هرچه در دنیا بیشتر خوش می‌آید، بیشتر فرار کن؛ زیرا دنیاداران به هرچه بیشتر متمایل شوند، [آن را] با ناراحتی تحویل می‌دهند. گاهی شخصی از به دست آوردن چیزی که به دستش می‌آید خوشحال می‌شود و به واسطه‌ی به دست نیامدن چیزی که هرگز به دستش نمی‌آید گرچه کوشش می‌کرد، اندوهگین می‌شود. باید شادی تو برای عمل یا گفتاری باشد که پیش فرستاده‌ای و حزن و اندوهت برای از دست دادن این کار و گفتار باشد.

۷-۲۳-۱-۴ حزن و اندوه هنگام پشت کردن دنیا

«۲۷۷۵» عیسی علیه السلام [خطاب به روح شخصی که با همه‌ی مردم شهرش به عذاب الهی گرفتار شده و مرده بوده] گفت: «هاویه چیست؟» پاسخ داد: «دریاهایی از آتش که در آن‌ها کوههایی از آتش قرار گرفته است». عیسی علیه السلام گفت: «چه چیزی شما را به این وضعیتی که می‌بینم دچار ساخته است؟» پاسخ داد: «حبّ دنیا و بندگی طاغوت». عیسی علیه السلام گفت: «حبّ دنیا در وجود شما به چه اندازه‌ای رسیده بود؟» پاسخ داد: «به اندازه‌ی وابستگی کودک نسبت به مادرش، آنگاه که به‌سوی او آید، خوشحال می‌شود و هرگاه به او پشت کند، اندوهگین می‌شود».

۷-۲۳-۱-۵ حزن و اندوه هنگام برگشتن دنیا

«۲۷۷۶» خطاب خداوند به عیسی علیه السلام: بنده‌ی مؤمنم از اینکه دنیا را از او روی گردان کنم اندوهناک می‌گردد؛ درحالی که تهیدستی او در پیشگاه من محبوب‌تر است، و چنانچه در دنیا به او وسعت روزی دهم، شادمان می‌شود؛ درحالی که وسعت روزی او مبعوض‌ترین حالت او در پیشگاه من است و او را از من دور می‌سازد.

۷-۲۳-۲ غمگین شدن

«۲۷۷۷» عیسی بن‌مریم علیه السلام به حواریون فرمود: «ای بنی اسرائیل! برای آنچه از دنیا از دست شما می‌رود، تأسّف نخورید، همچنان که اهل دنیا وقتی به دنیا دست می‌یابند، بر آنچه که از دینشان از دست آن‌ها رفته تأسّف نمی‌خورند.

﴿الْمَنَاهَجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْحُزْنُ وَالْأَسَى وَالْأَسْفُ﴾

﴿٢٧٧٨﴾ الرضا عليه السلام: قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ مِنْ دُنْيَاكُمْ إِذَا سَلِمَ دِينُكُمْ كَمَا لَا يَأْسَى أَهْلُ الدُّنْيَا عَلَى مَا فَاتَهُمْ مِنْ دِينِهِمْ إِذَا سَلِمَتْ دُنْيَاهُمْ؛

بحار الأنوار، ج ٦٩، ص ٣٢٧

٣-٢٣-٧-الأسفُ

﴿٢٧٧٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ أَسِفَ عَلَى دُنْيَا فَاتَتْهُ أَقْتَرَبَ مِنَ النَّارِ مَسِيرَةَ شَهْرٍ؛ مجموعة ورام، ج ١،

ص ١٧٩

﴿٢٧٨٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: خَصَلَتَانِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ كَتَبَهُ اللَّهُ شَاكِرًا صَابِرًا مَنْ نَظَرَ فِي دِينِهِ إِلَى مَنْ فَوْقَهُ فَأَقْتَدَى بِهِ وَنَظَرَ فِي دُنْيَاهُ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ فَشَكَرَ اللَّهُ فَإِنْ نَظَرَ فِي دُنْيَاهُ إِلَى مَنْ فَوْقَهُ فَاسْفَ عَلَى مَا فَاتَهُ لَمْ يَكْتُبْهُ اللَّهُ شَاكِرًا وَلَا صَابِرًا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٠١

٤-٢٣-٧-الجزعُ من ضراء الدنيا

﴿٢٧٨١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَلَا تَتَنَافَسُوا فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَفَخْرَهَا وَلَا تَعْجَبُوا بِزِينَتِهَا وَنَعِيمِهَا وَلَا تَجْزَعُوا مِنْ ضَرَائِهَا وَبُؤْسِهَا فَإِنَّ عِزَّ الدُّنْيَا وَفَخْرَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١،

ص ٤٢٧

٥-٢٣-٧-القلقُ على قوت اليسير من الدنيا

﴿٢٧٨٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا بِالْكُمُ تَفْرَحُونَ بِالْيَسِيرِ مِنَ الدُّنْيَا تُدْرِكُونَهُ وَلَا يَخْزَنُكُمْ الْكَثِيرُ مِنَ الْآخِرَةِ تُحْرِمُونَهُ وَيَقْلِقُكُمُ الْيَسِيرُ مِنَ الدُّنْيَا يَقُوتُكُمْ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٧، ص ١١٢

٦-٢٣-٧-الحنينُ على ما فات

﴿٢٧٨٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا يَحِنُّ أَحَدُكُمْ حَنِينَ الْأَمَةِ عَلَى مَا زَوَى عَنْهُ مِنَ الدُّنْيَا؛

غرر الحكم، ص ١٤٢

٧-٢٣-٧-سَخَاءُ النَّفْسِ عَمَّا فَاتَ مِنَ الدُّنْيَا

﴿٢٧٨٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِذَا طَلَبْتَ شَيْئًا مِنَ الدُّنْيَا فَزَوَى عَنْكَ فَادْكُرْ مَا خَصَّكَ اللَّهُ بِهِ مِنْ دِينِهِ وَمَا صَرَفَهُ عَنْكَ بغيرِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ آخَرَى أَنْ تَسْخُو نَفْسَكَ عَمَّا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا؛

بحار الأنوار، ج ٦٨، ص ١٤٥

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / حزن و ناراحتی و افسوس»

«۲۷۷۸» حسن بن علی خزاز از امام رضا علیه السلام نقل کرده که فرمود: عیسی بن مریم علیه السلام به حواریون گفت: «ای بنی اسرائیل، اگر دیتان در امان بود به خاطر نعمت‌های دنیایی که از دست می‌دهید، غمگین نباشید؛ آن گونه که اهل دنیا اگر دنیایشان در امان باشد بر آنچه که از دینشان از دست می‌دهند، غمگین نمی‌شوند».

۳-۲۳-۷- افسوس

«۲۷۷۹» هرکس به خاطر دنیا افسوس بخورد، به قدر مسافت یک‌ماه به آتش دوزخ نزدیک شده است.

«۲۷۸۰» دو خصلت است که اگر در کسی وجود داشته باشد، خداوند او را جزء شاکران و صابران می‌نویسد؛ کسی که در امور دینش به بالاتر از خود نگاه کند و او را مقتدای خود قرار دهد و در امور دنیوی خود به پایین‌تر از خود نگاه کند و خدا را شکر کند. و اگر در امور دنیوی به بالادست خود نگاه کند، بر چیزهایی که ندارد تأسف می‌خورد و خداوند او را جزء صابران و شاکران نمی‌نویسد.

۴-۲۳-۷- عجز و درماندگی از گرفتاریهای دنیا

«۲۷۸۱» پس در کسب عزت و تفاخرهای دنیا باهم مسابقه ندهید، زینت‌ها و نعمت‌های دنیا شما را شگفت‌زده نکند و گرفتاری‌ها و بلاهای آن شما را عاجز و درمانده نکند که عزت و تفاخرهای دنیا رو به زوال و فناست.

۵-۲۳-۷- اضطراب به خاطر اندک نصیبی از دنیا که از دست می‌رود

«۲۷۸۲» شما را چه شده که به اندک بهره‌ای از دنیا که برای خود تدارک دیده‌اید شاد هستید اما بر بهره‌ی بسیار آخرت که از آن بی‌بهره شده‌اید، محزون نیستید و اندک نصیبی از دنیا که از دستتان می‌رود شما را به اضطراب می‌اندازد؟!

۶-۲۳-۷- دلسوختن بر آنچه از دست رفته

«۲۷۸۳» هیچ‌یک از شما مانند مهر مادری، مهر به مال دنیایی که از دستش می‌رود، نداشته باشد.

۷-۲۳-۷- مستحق دانستن خود به خاطر آنچه از دنیا از دست رفته

«۲۷۸۴» هرگاه چیزی از دنیا را طلب کردی و از تو دریغ شد، به یاد آور آنچه را که خدا از دین به تو داده و به دیگری نداده است. این برای تو سزاوارتر است تا خودت را مستحق آنچه از دست داده‌ای بدانی.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / تَرْكُ الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا﴾

٧-٢٣-٨-البكاءُ عَلَى الدُّنْيَا

﴿٢٧٨٥﴾ الرسول ﷺ: مَنْ بَكَى عَلَى الْجَنَّةِ دَخَلَ الْجَنَّةَ وَمَنْ بَكَى عَلَى الدُّنْيَا دَخَلَ النَّارَ؛

بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٣٣٣

﴿٢٧٨٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَاللَّهِ لَا يَزَالُونَ حَتَّى لَا يَدْعُوا لِلَّهِ مُحَرَّمًا إِلَّا اسْتَحْلَوْهُ وَلَا عَقْدًا إِلَّا حَلُّهُ وَحَتَّى لَا يَبْقَى بَيْتٌ مَدْرٍ وَلَا وَبَرٌ إِلَّا دَخَلَهُ ظُلْمُهُمْ وَنَبَأَ بِهِ سُوءُ رِعْيَتِهِمْ حَتَّى يَقُومَ الْبَاكِانَ يَبْكِيَانِ بَاكِ يَبْكِي لِدِينِهِ وَبَاكِ يَبْكِي لِدُنْيَايِهِ وَحَتَّى تَكُونَ نُصْرَةٌ أَحَدِكُمْ مِنْ أَحَدِهِمْ كَنُصْرَةِ الْعَبْدِ مِنْ سَيِّدِهِ إِذَا شَهِدَ أَطَاعَهُ وَإِذَا غَابَ اغْتَابَهُ وَحَتَّى يَكُونَ أَعْظَمُكُمْ فِيهَا غَنَاءً أَحْسَنُكُمْ بِاللَّهِ ظَنًّا فَإِنْ آتَاكُمْ اللَّهُ بِعَافِيَةٍ فَاقْبَلُوهَا وَإِنْ ابْتَلَيْتُمْ فَاصْبِرُوا، فَإِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ؛

بحار الأنوار، ج ٣١، ص ٥٤٥

٧-٢٤- تَرْكُ الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا

٧-٢٤-١- الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا

﴿٢٧٨٧﴾ الرضا عليه السلام: وَاللَّهِ مَا كَذَبْتُ مُنْذُ خَلَقَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَمَا زَهَدْتُ فِي الدُّنْيَا

لِلدُّنْيَا؛ وسائل الشيعية، ج ١٧، ص ٢٠٤

﴿٢٧٨٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَالَ: فَأَيُّ النَّاسِ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ أَخَوْفُهُمْ لِلَّهِ وَاعْمَلُهُمْ بِالْتَّقْوَى وَارْزَهُدُهُمْ فِي الدُّنْيَا... فَقَالَ يَا شَيْخُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ خَلْقًا ضَيْقَ الدُّنْيَا عَلَيْهِمْ نَظَرًا لَهُمْ فَرَزَهُدُهُمْ فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٧٨

٧-٢٤-٢- تَرْكُ الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا

﴿٢٧٨٩﴾ السجاد عليه السلام: فَإِنَّ فِي النَّاسِ مَنْ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ بِتَرْكِ الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا وَيَرَى أَنَّ لَذَّةَ الرِّئَاسَةِ الْبَاطِلَةِ أَفْضَلُ مِنْ لَذَّةِ الْأَمْوَالِ وَالنَّعْمِ الْمُبَاحَةِ الْمُحَلَّلَةِ فَيَتْرِكُ ذَلِكَ أَجْمَعَ طَلَبًا

لِلرِّئَاسَةِ؛ وسائل الشيعية، ج ٨، ص ٣١٨

﴿٢٧٩٠﴾ السجاد عليه السلام: لَا يَغْرَنَكُمُ فَمَا أَكْثَرَ مَنْ يُعْجِزُهُ تَنَاوُلُ الدُّنْيَا وَرُكُوبُ الْمَحَارِمِ مِنْهَا لِضَعْفِ نَبِيَّتِهِ... وَكَيْفَ مَحَبَّتُهُ لِلرِّئَاسَاتِ الْبَاطِلَةِ وَزُهْدُهُ فِيهَا فَإِنَّ فِي النَّاسِ مَنْ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ بِتَرْكِ الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا وَيَرَى أَنَّ لَذَّةَ الرِّئَاسَةِ الْبَاطِلَةِ أَفْضَلُ مِنْ لَذَّةِ الْأَمْوَالِ وَالنَّعْمِ الْمُبَاحَةِ؛

وسائل الشيعية، ج ٨، ص ٣١٨

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / ترک دنیا برای کسب دنیا»

۸-۲۳-۷- گریه برای دنیا

«۲۷۸۵» کسی که بر بهشت بگرید، داخل بهشت می‌شود و کسی که بر دنیا بگرید، داخل آتش جهنم می‌شود.

«۲۷۸۶» به خدا سوگند! بنی امیه همچنان ادامه می‌دهند تا آنجا که هر حرامی را حلال نمایند و هر پیمانی را که بسته‌اند بشکنند و هیچ خانه و خیمه‌ی پشمینی در روستاها و بیابان‌ها نمی‌ماند مگر آنکه ظلم بنی امیه را به خود می‌بینند و رفتار بدشان به مردم آسیب می‌رساند و کار به آنجا می‌رسد که دو گروه خواهند گریست: گروهی بر دینشان و گروهی بر دنیایشان؛ و به گونه‌ای خواهد شد که یاری خواستن یک نفر شما از یکی آن‌ها مانند یاری خواستن برده از اربابش شود که در حضور ارباب مطیع اوست و در غیابش بدگوی او. و صبورترین افراد شما نسبت به سختی‌ها کسی است که بیشترین امید را نسبت به خداوند متعال داشته باشد. پس اگر خداوند متعال به شما عافیت بخشید به آن دل خوش دارید و اگر به گرفتاری مبتلا شدید شکیبایی ورزید که عاقبت از آن پرهیزگاران است.

۴-۲۴-۷- ترک دنیا برای کسب دنیا

۱-۲۴-۷- زهدورزی به خاطر دنیا

«۲۷۸۷» به خدا قسم! از زمانی که خداوند مرا آفریده دروغ نگفتم؛ و در دنیا به واسطه‌ی دنیا زهد پیشه نکرده‌ام.

«۲۷۸۸» پرسید: «کدامیک از مردم در درگاه الهی برتر است؟» فرمود: «آن که خدا ترسی و پرهیزکاری را بیشتر شیوه‌ی خود ساخته و در دنیا زاهدتر باشد... سپس آن بزرگوار روی به پیرمرد کرده و فرمود: «خداوند عزّ و جل مخلوقات را آفرید که دنیا در نظرشان تنگ جلوه نمود؛ پس آن‌ها را در دنیا زاهد قرار داد».

۲-۲۴-۷- ترک دنیا برای کسب دنیا

«۲۷۸۹» میان مردم کسی هست که زیانکار دنیا و آخرت است و دنیا را به قصد رسیدن به دنیا ترک کرده و گمان می‌کند که لذّت این ریاست‌های باطل [و شهرت به زهد] بهتر از استفاده از اموال و نعمت‌های مباح دنیاست. و همه‌ی این‌ها را به خاطر جاه‌طلبی و ریاست باطل ترک می‌کند.

«۲۷۹۰» فریب نخورید؛ زیرا چه بسیارند کسانی که از به دست آوردن دنیا و حرام آن عاجزند و این ناتوانی به علّت ضعف نیّت و اراده است... دقّت کنید که آیا به ریاست‌های باطل علاقه دارد یا ندارد، زیرا بعضی انسان‌ها در دنیا و آخرت خسارت زده‌اند. دنیا را برای دنیا ترک می‌کنند و لذّت ریاست باطل را بهتر از لذّت اموال و نعمت‌های مباح می‌دانند.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / اللَّعْنُ وَ السَّبُّ﴾

٣-٢٤-٧- خَتَلُ الدُّنْيَا

﴿٢٧٩١﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَيْلٌ لِلَّذِينَ يَخْتَلُونَ الدُّنْيَا بِالذِّينِ؛ الكافي، ج ٢،

ص ٢٩٩

٤-٢٤-٧- طَلَبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ

﴿٢٧٩٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ مِنْهُمْ مَنْ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ وَ لَا يَطْلُبُ الْآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا قَدْ طَامَنَ مِنْ شَخْصِهِ وَ قَارَبَ مِنْ خَطْوِهِ وَ شَمَرَ مِنْ ثَوْبِهِ وَ زَخَرَفَ مِنْ نَفْسِهِ لِلْأَمَانَةِ؛

نهج البلاغة، ص ٧٤

٥-٢٥-٧- اللَّعْنُ وَ السَّبُّ

١-٢٥-٧- اللَّعْنُ

﴿٢٧٩٣﴾ الرسول ﷺ: لَا تَسُبُّوا الدُّنْيَا فَنِعِمَّتْ مَطِيَّةُ الْمُؤْمِنِ فَعَلَيْهَا يَبْلُغُ الْخَيْرَ وَ بِهَا يَنْجُو مِنَ الشَّرِّ إِنَّهُ إِذَا قَالَ الْعَبْدُ لَعَنَ اللَّهُ الدُّنْيَا قَالَتِ الدُّنْيَا لَعَنَ اللَّهُ أَغْصَانًا لِرَبِّهِ فَأَخَذَ الشَّرِيفُ الرِّضِيُّ بِهَذَا الْمَعْنَى فَنَظَّمَهُ نَبِيئًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٠

٢-٢٥-٧- السَّبُّ

﴿٢٧٩٤﴾ الرسول ﷺ: لَا تَسُبُّوا الدُّنْيَا فَنِعِمَّتْ مَطِيَّةُ الْمُؤْمِنِ فَعَلَيْهَا يَبْلُغُ الْخَيْرَ وَ بِهَا يَنْجُو مِنَ الشَّرِّ إِنَّهُ إِذَا قَالَ الْعَبْدُ لَعَنَ اللَّهُ الدُّنْيَا قَالَتِ الدُّنْيَا لَعَنَ اللَّهُ أَغْصَانًا لِرَبِّهِ فَأَخَذَ الشَّرِيفُ الرِّضِيُّ بِهَذَا الْمَعْنَى فَنَظَّمَهُ نَبِيئًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٠

﴿٢٧٩٥﴾ الرسول ﷺ: مَنْ قَالَ قَبِحَ اللَّهُ الدُّنْيَا قَالَتِ الدُّنْيَا قَبِحَ اللَّهُ أَغْصَانًا لِلرَّبِّ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٤، ص ١٧٣

٣-٢٥-٧- الذَّمُّ مِنْ غَيْرِ الْمَعْرِفَةِ

﴿٢٧٩٦﴾ قَوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَجُلٍ سَمِعَهُ يَذُمُّ الدُّنْيَا مِنْ غَيْرِ مَعْرِفَةٍ لِمَا يَجِبُ أَنْ يَقُولَ فِي مَعْنَاهَا الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَّقَهَا وَ دَارُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهِمَ عَنْهَا وَ دَارُ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا مَسْجِدَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ مَهَبَطُ وَحْيِهِ وَ مُصَلَّى مَلَائِكَتِهِ وَ مَتَجَرُّ أَوْلِيَائِهِ اكَتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَ رَجَحُوا فِيهَا الْجَنَّةَ؛

بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٤٢٠

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / لعن و ناسزا»

۳-۲۴-۷- به دست آوردن دنیا با نیرنگ

«۲۷۹۱» خداوند متعال می‌فرماید: وای بر کسانی که دنیا را با مکر و فریب و نیرنگ به دست می‌آورند.

۴-۲۴-۷- درخواست رسیدن به دنیا با اعمال اخروی

«۲۷۹۲» عده‌ای از مردم هستند که با انجام اعمال معنوی و اخروی [مانند نماز و روزه] قصد کسب دنیا دارند اما با انجام اعمال دنیایی در پی کسب آخرت نیستند. این شخص خودش را متواضع نشان می‌دهد و پایین می‌آورد. گام‌های خود را نزدیک هم برمی‌دارد (ریا می‌کند). دامنش را جمع کرده و خود را با امانت‌داری زینت داده است.

۲۵-۷- لعن و ناسزا

۱-۲۵-۷- لعن

«۲۷۹۳» به دنیا ناسزا نگوئید که دنیا مرکبی نیکو برای مؤمن است که به‌وسیله‌ی آن به نیکی‌ها می‌رسد و از بدی‌ها نجات پیدا می‌کند. همانا هرگاه بنده می‌گوید: «خدا دنیا را لعنت کند»، دنیا می‌گوید: «خدا نافرمان‌تر از من نسبت به پروردگار را لعنت کند»!

۲-۲۵-۷- ناسزا

«۲۷۹۴» به دنیا ناسزا نگوئید که دنیا مرکبی نیکو برای مؤمن است که به‌وسیله‌ی آن به نیکی‌ها می‌رسد و از بدی‌ها نجات پیدا می‌کند. همانا هرگاه بنده می‌گوید: «خدا دنیا را لعنت کند»، دنیا می‌گوید: «خدا نافرمان‌تر از من نسبت به پروردگار را لعنت کند»!

«۲۷۹۵» کسی که بگوید: «زشت باد دنیا»! دنیا می‌گوید: «به خدا گناهکارتر از ما دو تن زشت باد»!

۳-۲۵-۷- نکوهش بدون شناخت

«۲۷۹۶» امام علیه السلام در جواب مردی که دنیا را از روی بی‌اطلاعی نکوهش می‌کرد، فرمود: «دنیا برای کسی که آن را به راستی بشناسد، خانه‌ی راستی است؛ برای کسی که متوجه آن باشد، خانه‌ی عافیت است؛ برای کسی که می‌خواهد از آن توشه بگیرد، خانه‌ی بی‌نیازی است. دنیا مسجد پیامبران، محلّ وحی الهی، عبادتگاه فرشتگان و تجارت‌خانه‌ی دوستان خداست. تا وقتی که در دنیا هستید در صدد تحصیل رحمت خدا باشید و بار بهشت را ببندید».

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْمُصَارَعَةُ مَعَ الدُّنْيَا﴾

﴿٢٧٩٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ: كُنَّا مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِالْبَصْرَةِ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ قِتَالِ مَنْ قَتَلَهُ أَشْرَفَ عَلَيْنَا مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ فَقَالَ مَا أَنْتُمْ فِيهِ فَقُلْنَا فِي دَمِّ الدُّنْيَا فَقَالَ عَلَامَ تَذُمُّ الدُّنْيَا يَا جَابِرُ ثُمَّ حَمِدَ اللَّهَ وَاتْنَى عَلَيْهِ وَقَالَ أَمَّا بَعْدُ فَمَا بَالُ أَقْوَامٍ يَذُمُّونَ الدُّنْيَا انْتَحَلُوا الزُّهْدَ فِيهَا الدُّنْيَا مَنْزِلُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا وَمَسْكَنٌ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهِمَ عَنْهَا وَدَارُ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا فِيهَا مَسْجِدُ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَمَهَبُ وَحْيِهِ وَمُصَلَّى مَلَائِكَتِهِ وَمَسْكَنُ أَحِبَّائِهِ وَمَتَجَرُّ أَوْلِيَائِهِ أَكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَرَبِحُوا مِنْهَا الْجَنَّةَ فَمَنْ ذَا يَذُمُّ الدُّنْيَا... وَلَمْ تُسْعَفْ فِيهِ بِحَاجَتِكَ بَلْ مَثَلَتِ الدُّنْيَا بِهِ نَفْسَكَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٠٠

٧-٢٦- المصارعة مع الدنيا

﴿٢٧٩٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ صَارَعَ الدُّنْيَا صَرَغَتْهُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

٧-٢٧- الإغترارُ

٧-٢٧-١- الإغترارُ

﴿٢٧٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِيَّاكَ وَكَثْرَةَ أَوْلَاهِ بِالنِّسَاءِ وَالِاغْتِرَارَ بِلَذَاتِ الدُّنْيَا فَإِنَّ أَوْلَاهِ بِالنِّسَاءِ مُمْتَحَنٌ وَالْغَرَى بِاللذَّاتِ مُمْتَنَهٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٤، ص ١٥٩

٧-٢٧-٢- الغرورُ

﴿٢٨٠٠﴾ وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَهَوًّا وَغَرَّتُهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكَرَ بِهِ أَنْ تَبَسَّلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعْدِلْ كُلُّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا هُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ؛ (الأنعام / ٧٠)

﴿٢٨٠١﴾ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّتُهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ؛ (الأنعام / ١٣٠)

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / زورآزمایی با دنیا»

﴿۲۷۹۷﴾ جابر بن عبدالله انصاری گوید: با امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بصره بودیم. هنگامی که ایشان از جنگ با مخالفان خود فارغ شد، در آخر شب نزد ما آمد و فرمود: «در مورد چه چیزی صحبت می‌کنید؟» گفتیم: «درباره‌ی نکوهش دنیا». فرمود: «ای جابر، چه چیز دنیا را نکوهش می‌کنید؟» سپس خداوند متعال را ثنا و ستایش نمود و فرمود: «اما بعد، چرا گروهی از مردم دنیا را نکوهش می‌کنند و نسبت به آن بی‌رغبت هستند؟ دنیا خانه‌ی راستی است برای کسی که در آن راستی جوید. و خانه‌ی سلامتی است برای کسی که آن را بفهمد و خانه‌ی توانگری است برای کسی که از آن توشه بگیرد. مسجد پیامبران خداوند متعال و محل نزول وحی خدا و جایگاه نماز فرشتگان خدا و خانه دوستان خدا و محل تجارت یاران خدا در آن است. در دنیا رحمت را به دست آورده و بهشت را از آن سود بردند. پس چه کسی دنیا را نکوهش می‌کند... در آن (تلاش برای جلوگیری از مرگ عزیزان) خواسته‌ات به دست نیامد و حاجت روا نشد، بلکه دنیا به این وسیله خود را مجسم ساخت و به وسیله‌ی حال خود، حال تو را نمایان کرد.»

۲۶-۷- زورآزمایی با دنیا

﴿۲۷۹۸﴾ کسی که با دنیا بجنگد، شکست می‌خورد.

۲۷-۷- فریفته شدن و فریب خوردن

۱-۲۷-۷- فریفته شدن

﴿۲۷۹۹﴾ از بسیاری شیفتگی بر زنان و فریب خوردن نفس به لذت‌های دنیا بپرهیز، به درستی که شیفته‌ی زنان به رنج و محنت افتاده است و فریب خورده‌ی لذت‌ها، خوار شده است.

۲-۲۷-۷- فریب

﴿۲۸۰۰﴾ و رها کن کسانی را که آیین [فطری] خود را به بازی و سرگرمی گرفتند، و زندگی دنیا، آن‌ها را مغرور ساخته، و با این [قرآن]، به آن‌ها یادآوری نما، تا گرفتار [عواقب شوم] اعمال خود نشوند! [و در قیامت] جز خدا، نه یاورى دارند، و نه شفاعت کننده‌ای! و [چنین کسی] هر گونه عوضی بپردازد، از او پذیرفته نخواهد شد آن‌ها کسانی هستند که گرفتار اعمالی شده‌اند که خود انجام داده‌اند نوشابه‌ای از آب سوزان برای آن‌هاست و عذاب دردناکی به خاطر اینکه کفر می‌ورزیدند [و آیات الهی را انکار] می‌کردند.

﴿۲۸۰۱﴾ [در آن روز به آن‌ها می‌گوید:] ای گروه جنّ و انس! آیا رسولانی از شما به‌سوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان بازگو می‌کردند، و شما را از ملاقات چنین روزی بیم می‌دادند؟! آن‌ها می‌گویند: «بر ضدّ خودمان گواهی می‌دهیم [آری،] ما بد کردیم!» و زندگی [پر زرق و برق] دنیا آن‌ها را فریب داد و به زیان خود گواهی می‌دهند که کافر بودند!

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِغْتِرَارُ﴾

﴿٢٨٠٢﴾ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ هَوًى وَلَعِبًا وَغَرَّتُهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنْسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ؛ (الأعراف/٥١)

﴿٢٨٠٣﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَأَخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ؛ (لقمان/٣٣)

﴿٢٨٠٤﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ؛ (فاطر/٥)

﴿٢٨٠٥﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ؛ (الشورى/٢٠)

﴿٢٨٠٦﴾ ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَغَرَّتْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ؛ (الجاثية/٣٥)

﴿٢٨٠٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ غَرَّتَنَا وَاشْتَغَلَّتْنَا وَاسْتَهْوَتْنَا وَاسْتَلْهَتْنَا وَاسْتَعْوَتْنَا؛

بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٧٢

﴿٢٨٠٨﴾ يَا مُوسَى... لَا تَغُرَّنَّكَ زِينَةُ الدُّنْيَا وَزَهْرَتُهَا؛ الكافي، ج ٨، ص ٤٧

﴿٢٨٠٩﴾ الكاظم ﷺ: وَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا لَا تَصْلُحُ لَكُمْ كَمَا لَا تَصْلُحُ لِمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِمَّنِ اطْمَأَنَّ إِلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٤٦

﴿٢٨١٠﴾ أمير المؤمنين ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكُمْ سَيَّارَةٌ قَدْ حَدَا بِكُمْ الْهَادِي وَحَدَا لِخَرَابِ الدُّنْيَا حَدَايَ وَنَادَاكُمْ لِلْمَوْتِ مُنَادِي فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا دَارُ غُرَارَةٍ... وَفَارَقَ الدُّنْيَا مَسْلُوبًا لَا يَمْلِكُونَ لَهُ نَفْعًا وَلَا لِمَا حَلَّ بِهِ دَفْعًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٧٥

﴿٢٨١١﴾ السَّجَّاد ﷺ: لَا يَغُرَّنَّكُمُ فَمَا أَكْثَرَ مَنْ يُعْجِزُهُ تَنَاوُلُ الدُّنْيَا وَرُكُوبُ الْمَحَارِمِ مِنْهَا لِضَعْفِ نَبِيِّهِ... وَكَيْفَ مَحَبَّتُهُ لِلرَّئَاسَاتِ الْبَاطِلَةِ وَزُهْدُهُ فِيهَا فَإِنَّ فِي النَّاسِ مَنْ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ بِتَرْكِ الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا وَيَرَى أَنَّ لَذَّةَ الرَّئَاسَةِ الْبَاطِلَةِ أَفْضَلُ مِنْ لَذَّةِ الْأَمْوَالِ وَالنَّعْمِ الْمُبَاحَةِ؛ وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٣١٨

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / فریفته‌شدن و فریب‌خوردن»

﴿۲۸۰۲﴾ همان‌ها که دین و آیین خود را سرگرمی و بازیچه گرفتند و زندگی دنیا آنان را مغرور ساخت امروز ما آن‌ها را فراموش می‌کنیم، همان‌گونه که لقای چنین روزی را فراموش کردند و آیات ما را انکار نمودند.

﴿۲۸۰۳﴾ ای مردم! تقوای الهی پیشه کنید و بترسید از روزی که نه پدر کیفر اعمال فرزندش را تحمّل می‌کند، و نه فرزند چیزی از کیفر [اعمال] پدرش را به یقین وعده الهی حقّ است پس مبادا زندگانی دنیا شما را بفریبد، و مبادا [شیطان] فریبکار شما را [به کرم] خدا مغرور سازد!

﴿۲۸۰۴﴾ ای مردم! وعده‌ی خداوند حقّ است، مبادا زندگی دنیا شما را بفریبد، و مبادا شیطان شما را فریب دهد و به [کرم] خدا مغرور سازد!

﴿۲۸۰۵﴾ کسی که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او برکت و افزایش می‌دهیم و بر محصولش می‌افزاییم و کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد، کمی از آن به او می‌دهیم اما در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد!

﴿۲۸۰۶﴾ این به خاطر آن است که شما آیات خدا را به مسخره گرفتید و زندگی دنیا شما را فریب داد! امروز نه آنان را از دوزخ بیرون می‌آورند، و نه هیچ‌گونه عذری از آن‌ها پذیرفته می‌شود.

﴿۲۸۰۷﴾ دنیا ما را مغرور و به خود مشغول ساخته و هوایی کرده است و ما را به لهو و بازی واداشته و اغوا کرده است.

﴿۲۸۰۸﴾ ای موسی! مبادا که آرایش دنیا و جلوه‌های آن تو را فریب دهد.

﴿۲۸۰۹﴾ مبادا دنیا شما را فریب دهد زیرا دنیا به صلاح شما رفتار نمی‌کند، چنانچه با پیشینیان که دل به او بسته بودند، خوب رفتار نکرد.

﴿۲۸۱۰﴾ ای مردم! شما روندگانی هستید که راهنما شما را صدا می‌زند و فریادکننده‌ای شما را برای ویرانی دنیا فریاد می‌زند! و صدازنده‌ای شما را برای مرگ صدا می‌زند. پس برحذر باشید که زندگی دنیا شما را فریب ندهد! به خدا آگاه باش که دنیا سرائی فریب دهنده و مگار است... [دنیا دوست] از دنیای تاراج‌شده جدا می‌شود؛ نه سود و نه زیانی را مالک است و نه توان دفع بلایی را دارد که بر او وارد می‌شود.

﴿۲۸۱۱﴾ فریب نخورید؛ زیرا چه بسیارند کسانی که از به‌دست‌آوردن دنیا و حرام آن عاجزند و این ناتوانی به علّت ضعف نیت و اراده است... دقّت کنید که آیا به ریاست‌های باطل علاقه دارد یا ندارد، زیرا بعضی انسان‌ها در دنیا و آخرت خسارت‌زده‌اند. دنیا را برای دنیا ترک می‌کنند و لذّت ریاست باطل را بهتر از لذّت اموال و نعمت‌های مباح می‌دانند.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الإِغْتِرَارُ﴾

﴿٢٨١٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَكَثَرُوا عِبَادَ اللَّهِ اجْتِهَادَكُمْ فِيهَا بِالتَّزَوُّدِ مِنْ يَوْمِهَا الْقَصِيرِ لِيَوْمِ
الْآخِرَةِ الطَّوِيلِ فَإِنَّهَا دَارُ الْعَمَلِ وَالدَّارُ الْآخِرَةُ دَارُ الْقَرَارِ وَالْجَزَاءِ فَتَجَافَوْا عَنْهَا فَإِنَّ الْمُعْتَرِّ مَنْ
اغْتَرَّ بِهَا لَنْ تَعُدَّ [الدُّنْيَا إِذَا تَنَاهَتْ إِلَيْهَا أُمْنِيَةُ أَهْلِ الرَّغْبَةِ فِيهَا الْمُطْمَئِنِّينَ إِلَيْهَا الْمُعْتَرِّينَ بِهَا؛
بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٩

﴿٢٨١٣﴾ زيارة الحسين عليه السلام: وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ فِي طَاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ
آخِرَتَهُ بِالْتَّمَنِ الْأَوْكَسِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٨، ص ٢٠٩

﴿٢٨١٤﴾ الرسول عليه السلام: خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى مَلَكًا تَحْتَ الْعَرْشِ يُسَبِّحُهُ بِجَمِيعِ اللُّغَاتِ الْمُخْتَلِفَةِ فَإِذَا
كَانَ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ أَمَرَهُ أَنْ يَنْزِلَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الدُّنْيَا وَيَطَّلِعَ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ وَيَقُولَ يَا أَبْنَاءَ
الْعَشِيرِينَ لَا تَغُرَّنَكُمُ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٧٥

﴿٢٨١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا رَأَيْتُ إِيْمَانًا مَعَ يَقِينٍ أَشْبَهَ مِنْهُ بِشَكٍّ عَلَى هَذَا الْإِنْسَانِ إِنَّهُ
كُلَّ يَوْمٍ يُودَّعُ إِلَى الْقُبُورِ وَيُشَيَّعُ وَ إِلَى غُرُورِ الدُّنْيَا يَرْجِعُ... وَلَقَدْ غَفَلْنَا عَنِ الْمَوْتِ غَفْلَةً أَقْوَامٍ
غَيْرِ نَازِلٍ بِهِمْ وَ رَكْنَا إِلَى الدُّنْيَا وَ شَهَوَاتِهَا رُكُونًا أَقْوَامٍ قَدْ أَتَقَنُوا بِالْمَقَامِ؛ بحار الأنوار، ج ٦،
ص ١٣٧

﴿٢٨١٦﴾ داود عليه السلام: وَ لَا تَغُرَّنَكُمُ الْحَيَاةُ لِبَهْجَةِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٤٣

﴿٢٨١٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَاحْذَرُوا يَوْمًا يَغْتَبِطُ فِيهِ مَنْ أَحْمَدَ عَاقِبَةَ عَمَلِهِ وَ يَنْدِمُ فِيهِ مَنْ
أَمَكَّنَ الشَّيْطَانَ مِنْ قِيَادِهِ وَ لَمْ يُحَادِّثْهُ وَ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَ أَطْمَأَنَّ إِلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٥٣٧

﴿٢٨١٨﴾ الصادق عليه السلام: وَ هَلْ فِيهِمْ مَنْ قَدْ أَذَابَ لَيْلَةً مِنْ طُولِ الْقِيَامِ وَ أَذَابَ نَهَارَهُ مِنْ الصَّيَامِ
أَوْ مَنَعَ نَفْسَهُ لَذَاتِ الدُّنْيَا وَ نَعِيمِهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ وَ شَوْقًا إِلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَنِّي يَكُونُونَ لَنَا شِيعَةً...
لَا تَغُرَّنَكُمُ الدُّنْيَا وَ مَا تَرَوْنَ فِيهَا مِنْ نَعِيمِهَا وَ زَهْرَتِهَا وَ بَهْجَتِهَا وَ مُلْكِهَا فَإِنَّهَا لَا تَصْلُحُ لَكُمْ فَوَ
اللَّهُ مَا صَلَحَتْ لِأَهْلِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٨٣

﴿٢٨١٩﴾ اللَّهُمَّ... وَ ارْتَكَبْتُ الذُّنُوبَ بِجَهْلِي لِفَسَادِ عَقْلِي وَ أَلْهَيْتَنِي الدُّنْيَا لِسُوءِ عَمَلِي وَ
اغْتَرَّرْتُ بِزِينَتِهَا بِجَهْلِي؛ بحار الأنوار، ج ٩٤، ص ٣٠٨

﴿٢٨٢٠﴾ عيسى عليه السلام: وَ يَلُصَّاحِبُ الدُّنْيَا كَيْفَ يَمُوتُ وَ يَتْرُكُهَا وَ يَأْمُنُهَا وَ تَغْرُهُ وَ يَتَّقُ بِهَا وَ
تَخْذُلُهُ وَ يَلُصَّاحِبُ الدُّنْيَا كَيْفَ رَهَقَهُمْ مَا يَكْرَهُونَ وَ فَارَقَهُمْ مَا يُحِبُّونَ وَ جَاءَهُمْ مَا يُوعَدُونَ؛
بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٨

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / فریفته‌شدن و فریب‌خوردن»

﴿۲۸۱۲﴾ هرچه می‌توانید در روزهای کوتاه دنیا جدّیت کنید و برای روز طولانی آخرت توشه بگیرید. زیرا دنیا سرای عمل و آخرت پایگاه پایدار و پاداش است. از دنیا جانب تهی کنید که گول خورده کسی است که گول دنیا را بخورد. هرگز آرزوی علاقمندان به دنیا در واپسین روزهای زندگی برآورده نشده است. کسانی که اعتماد به دنیا دارند گول خورده‌اند.

﴿۲۸۱۳﴾ از میان آفریدگانت، فریفتگان به دنیا، آخرت خود را به بی‌ارزش‌ترین بهای فروخته و بر وی شوریدند.

﴿۲۸۱۴﴾ خداوند متعال، فرشته‌ای را در زیر عرش خود خلق کرده که با تمام زبان‌های گوناگون، او را تسبیح می‌گویند. در شب جمعه به او امر می‌کند تا به آسمان دنیا بیاید و بر احوال اهل زمین مطلع شود و او می‌گوید: «ای جوانان بیست ساله! دنیا شما را فریب ندهد».

﴿۲۸۱۵﴾ هیچ ایمان توأم با یقینی ندیدم که برای این انسان به شک شبیه‌تر باشد؛ او هر روز مردگان را به‌سوی گورستان تودیع و تشییع می‌کند و با این حال باز به دنیای فریبنده روی می‌آورد... غافل گشته و به دنیا و شهوات آن تکیه داده‌ایم؛ مانند تکیه‌ی اقوامی که به ماندن یقین دارند.

﴿۲۸۱۶﴾ قشنگی و پر رونق‌بودن و شادابی زندگی دنیا شما را فریب ندهد... و امّا رشد و کمال دنیوی متغیّر و از بین‌رفتنی است.

﴿۲۸۱۷﴾ پس بترس از آن روزی که هرکس سرانجام کردارش پسندیده باشد، مورد غبطه قرار می‌گیرد و آنکه لگامش را به شیطان سپرده و با ابلیس مبارزه نکرده، دنیایش او را فریفته و او را به آن دل بسته، پشیمان است.

﴿۲۸۱۸﴾ [وای بر آنان] آیا میانشان کسی هست که خود را در شب‌ها با شب‌زنده‌داری به عبادت و در روز با روزه به زحمت و رنج انداخته باشد؟ یا از ترس خدا و شوق به ما اهل بیت خود را از خوشی و نعمت دنیا محروم می‌دارد؟ کجا آنان شیعه‌ی ما هستند... مبدا این دنیا و آنچه از نعمت و شکوفایی و خوشی و ملک آن را که مشاهده می‌کنید شما را فریب دهد، زیرا مناسب و در خور شما نیست؛ به خدا سوگند، که شایسته‌ی اهل آن هم نیست!

﴿۲۸۱۹﴾ خدایا... با نادانی خود نافرمانی تو را کردم و به خاطر تباهی عظم مرتکب گناهان شدم و به خاطر بدکرداری، به دنیا علاقمند شدم و از یاد تو غافل گشتم.

﴿۲۸۲۰﴾ وای بر هواخواه دنیا که چگونه می‌میرد و آن را ترک می‌گوید، چگونه دنیا را مورد اطمینان قرار می‌دهد و دنیا او را فریب می‌دهد، و چگونه به دنیا اعتماد می‌کند و دنیا او را خوار و ذلیل می‌گرداند و وای بر فریب‌خوردگان که چگونه آنچه را که زشت می‌شمردند به سراغشان آمد و آنچه را دوست داشتند، ترکشان نمود. و آنچه را به آن وعده داده شده بودند، از راه رسید.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِغْتِرَارُ﴾

﴿٢٨٢١﴾ الصادق عليه السلام: أَنْ أَبْنَاءَ الدُّنْيَا عَبِيدُ مَا يَأْكُلُونَ وَيَلْبَسُونَ وَالسَّاجِدُ فِي سُجُودِهِ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَا يَنْبَغِي أَنْ يَضَعَ جِهَتَهُ فِي سُجُودِهِ عَلَى مَعْبُودِ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا الَّذِينَ اغْتَرُّوا بِغُرُورِهَا وَالسُّجُودُ عَلَى الْأَرْضِ أَفْضَلُ لِأَنَّهُ أَبْلَغُ فِي التَّوَاضُعِ وَالْخُضُوعِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ بحار الأنوار، ج ٨٢، ص ١٤٧

﴿٢٨٢٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَقُولُ مَا الدُّنْيَا غَرَّتْكَ وَلَكِنْ بِهَا اغْتَرَرْتَ وَلَقَدْ كَاشَفْتُكَ بِالْعِظَاتِ وَآذَنْتُكَ عَلَى سَوَاءٍ وَلَهِيَ بِمَا تَعِدُكَ مِنْ نَزُولِ الْبَلَاءِ بِجَسْمِكَ وَالنَّقْصِ فِي قُوَّتِكَ أَصْدَقُ وَأَوْفَى مِنْ أَنْ تَكْذِبَكَ أَوْ تَغُرَّكَ وَلَرُبَّ نَاصِحٍ لَهَا عِنْدَكَ مُتَّهِمٌ؛ بحار الأنوار، ج ٤٨، ص ١٩٢

﴿٢٨٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَلَا تَغُرَّنْكَ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا غَرَّارَةٌ مَغْرُورٌ مِنْ اغْتِرَّ بِهَا وَإِلَى فَنَاءٍ مَا هِيَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١

﴿٢٨٢٤﴾ الصادق عليه السلام: إِلَهِي غَرَّتْنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا فَاعْتَرَرْتُ وَدَعَنْتَنِي إِلَى الْغَىِّ بِشَهْوَانِهَا فَاجْتَبَيْتُ؛ بحار الأنوار، ج ٩٤، ص ٣٦٤

﴿٢٨٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَخَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا وَنَفْسِي بِخِيَانَتِهَا؛ إقبال الأعمال، ص ٧٠٦

﴿٢٨٢٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَقَدْ سَمِعَ رَجُلًا يَذُمُّ الدُّنْيَا أَثِمًا لِلدُّنْيَا أَا تَغْتَرُّ بِالدُّنْيَا ثُمَّ تَذُمُّهَا أَنْتَ الْمُتَجَرِّمُ عَلَيْهَا أَمْ هِيَ الْمُتَجَرِّمَةُ عَلَيْكَ مَتَى اسْتَهْوَتْكَ أَمْ مَتَى غَرَّتْكَ؛ روضة الواعظين، ج ٢، ص ٤٤١

﴿٢٨٢٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا تَغُرُّ وَتَضُرُّ وَتَمُرُّ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

﴿٢٨٢٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا حُلُمٌ وَالْإِغْتِرَارُ بِهَا نَدَمٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

﴿٢٨٢٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنْ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا بِمُحَالِ الْأَمَالِ وَخَدَعَتْهُ بِزُورِ الْأَمَانِي أَوْرَثَتْهُ كَمَهَا وَالْبَسَتْهُ عَمَى [وَأَكْسَبَتْهُ عَمَهَا] وَقَطَعَتْهُ عَنِ الْآخِرَى وَأَوْرَدَتْهُ مَوَارِدَ الرَّدَى؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

﴿٢٨٣٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَرَفَ خِدَاعَ الدُّنْيَا لَمْ يَغْتَرَّ مِنْهَا بِمُحَالَاتِ الْأَحْلَامِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٦

﴿٢٨٣١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَالَ: فَأَيُّ النَّاسِ أَثْبَتُ رَأْيًا قَالَ مَنْ لَمْ يَغُرَّهُ النَّاسُ مِنْ نَفْسِهِ وَمَنْ لَمْ تَغُرَّهُ الدُّنْيَا بِشَوْفِهَا قَالَ فَأَيُّ النَّاسِ أَحْمَقُ قَالَ الْمُغْتَرُّ بِالدُّنْيَا وَهُوَ يَرَى مَا فِيهَا مِنْ تَقْلِبٍ أَحْوَالِهَا؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٨١

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / فریفته‌شدن و فریب‌خوردن»

﴿۲۸۲۱﴾ همانا دنیاپرستان بنده‌ی آنچه که خورده یا پوشیده می‌شود، هستند و کسی که بر خدا سجده می‌کند، شایسته نیست پیشانی‌اش را در سجده بر معبود دنیاپرستان که به غرورش فریفته شده‌اند، بگذارد. سجده بر زمین بهتر است، چراکه این کار نهایت تواضع و خضوع در برابر خدای عزّ و جلّ است.

﴿۲۸۲۲﴾ من از روی حقیقت می‌گویم؛ دنیا تو را گول نزده اما تو به خاطر دنیا گول خورده‌ای؛ این مسائل با پند و عبرت برای تو کشف شده و این‌ها را از روی انصاف درک کرده‌ای. تو خود می‌دانی که در آینده گرفتاری‌ها پیش خواهند آمد و جسمت را بیمار خواهند کرد و از نیروهایت خواهند کاست و این‌ها بهترین شاهد هستند که تو نمی‌توانی به خود دروغ‌بگویی و یا خود را گول بزنی و چه بسا ممکن است در اینجا نصیحت‌کنندگان خود را متهم کنید.

﴿۲۸۲۳﴾ مبادا فریب دنیا را بخورید. زیرا دنیا بسیار فریبنده است. هرکس فریفته‌ی او شود، زیانکار و دوران آن رو به زوال است.

﴿۲۸۲۴﴾ خدایا، دنیا مرا با مکر و حیل‌های خویش فریفت و من فریب خوردم و با خواسته‌های خویش مرا به گمراهی فرا خواند و من پاسخش دادم.

﴿۲۸۲۵﴾ دنیا با ظواهر فریبنده‌اش و نفسم با خیانتش مرا گول زدند.

﴿۲۸۲۶﴾ امیر المؤمنین علیه السلام شنید که مردی دنیا را مذمت می‌کند، به او فرمود: «ای نکوهش‌کننده‌ی دنیا! آیا خود به غرور دنیا مغروری و آن را نکوهش می‌کنی؟ آیا تو در دنیا جرمی مرتکب شده‌ای؟ یا دنیا به تو جرم کرده است؟ کی دنیا تو را سرگردان کرد؟ و در چه زمانی تو را فریب داد؟»

﴿۲۸۲۷﴾ دنیا فریب می‌دهد، زیان می‌رساند و می‌گذرد و بقایی ندارد.

﴿۲۸۲۸﴾ دنیا چون خوابی بیش نیست و مغرورشدن و فریفته‌شدن به آن موجب پشیمانی است.

﴿۲۸۲۹﴾ کسی که دنیا او را با آرزوهای محال فریب دهد و او را با امیدهای دروغین گول زند، برایش کوری و کوردلی به‌جا می‌گذارد و او را از آخرت جدا می‌سازد و در محلّ هلاکت وارد می‌کند.

﴿۲۸۳۰﴾ کسی که مکر دنیا را بشناسد با آرزوهای محال آن، فریفته نمی‌شود.

﴿۲۸۳۱﴾ پیرمردی از امام علی علیه السلام پرسید: «چه کسی رأیش استوارتر است؟» فرمود: «کسی که فریب مردم را نخورد و دنیا نیز با زرق و برق خود او را از راه بیرون نکند». گفت: «کدام یک احمق‌ترین مردم است؟» فرمود: «کسی که مغرور به دنیا شود، حال آنکه دگرگونی دنیا و روزگار را می‌بیند».

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِغْتِرَارُ﴾

﴿٢٨٣٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَلَا تَغْتَرُوا بِالدُّنْيَا فَإِنَّهَا غَرَارَةٌ لِّأَهْلِهَا مَغْرُورٌ مِّنْ اغْتَرَّ بِهَا وَإِلَى فَنَاءٍ مَا هِيَ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْحَيَوَانِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٣٥٦

﴿٢٨٣٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنِ اغْتَرَّ بِالدُّنْيَا اغْتَرَّ بِالْمُنَى؛ غرر الحكم، ص ١٣٦

﴿٢٨٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا يَغُرُّكَ مَا أَصْبَحَ فِيهِ أَهْلُ الْغُرُورِ بِالدُّنْيَا فَإِنَّمَا هُوَ ظِلٌّ مَّمدُودٌ

إِلَى أَجَلٍ مَّحدُودٍ؛ غرر الحكم، ص ٣٦٧

﴿٢٨٣٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: غُرِّ يَا دُنْيَا مِنْ جَهْلٍ حَيْكَ وَخَفَى عَلَيْهِ حَبَائِلُ كَيْدِكَ؛

غرر الحكم، ص ١٣٦

٣-٢٧-٧-الإغواءُ

﴿٢٨٣٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا تُغْوِي؛ غرر الحكم، ص ١٣٥

٤-٢٧-٧-الإستغواءُ

﴿٢٨٣٧﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ غَرَّتْنَا وَاشْتَغَلَّتْنَا وَاسْتَهْوَتْْنَا وَاسْتَلْهَتْْنَا وَاسْتَغْوَتْْنَا؛

بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٧٢

٥-٢٧-٧-الإغراءُ

﴿٢٨٣٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بَعْدَ خَيْرٍ حَالٍ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَا يَكْرَهُ وَوَقَّهَ لِبَطَاعَتِهِ وَإِذَا أَرَادَ بَعْدَ شَرٍّ أَغْرَاهُ بِالدُّنْيَا وَأَنَسَاهُ الْآخِرَةَ وَبَسَطَ لَهُ أَمَلَهُ وَعَاقَهُ عَمَّا فِيهِ

صَلَاحُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٩٧

٦-٢٧-٧-التزئينُ

﴿٢٨٣٩﴾ زَيْنٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ (البقرة/ ٢١٢)

٧-٢٧-٧-التلبيسُ

﴿٢٨٤٠﴾ الرسول ﷺ: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ... لَا يُؤْثِرُ عَبْدٌ هَوَاهُ عَلَى هَوَايَ إِلَّا شَتَّتَ عَلَيْهِ أَمْرَهُ

وَلَبَسَتْ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَشَغَلَتْ قَلْبَهُ بِهَا وَلَمْ أُؤْتِهِ مِنْهَا إِلَّا مَا قَدَّرْتُ لَهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣٣٥

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / فریفته‌شدن و فریب‌خوردن»

﴿۲۸۳۲﴾ پس فریب دنیا را نخورید که اهل خود را بسیار می‌فریبد و کسی که به آن دل ببندد، شیفته و فریفته است، پایان آن نیستی و فناست، و اگر مردم می‌دانستند، می‌فهمیدند که آخرت سرای زندگی جاودانه است.

﴿۲۸۳۳﴾ کسی که فریب دنیا را خورده، فریب آرزوهای خود را خورده است.

﴿۲۸۳۴﴾ مبدا آنچه فریب‌خوردگان دنیا انجام می‌دهند تو را فریب دهد، زیرا آنچه آنان دارند سایه‌ای است که تا یک فرصت محدود گسترده شده است.

﴿۲۸۳۵﴾ ای دنیا! کسی را فریب ده که به حيله‌های تو آگاه نیست و طناب‌های مکر تو برای او مخفی است.

۳-۲۷-۷- گمراهی

﴿۲۸۳۶﴾ دنیا گمراه می‌کند.

۴-۲۷-۷- اغواکردن

﴿۲۸۳۷﴾ دنیا ما را مغرور و به خود مشغول ساخته و هوایی کرده است و ما را به لهو و بازی واداشته و اغوا کرده است.

۵-۲۷-۷- فریب‌دادن

﴿۲۸۳۸﴾ [نامه‌ی امام علی علیه السلام به معاویه:] «و بدان خداوند زمانی که برای بنده‌ای خیری را اراده می‌کند میان او و آن چیزی که از آن اکراه دارد، جدایی می‌اندازد و به او توفیق طاعت می‌بخشد و زمانی که برای بنده‌ای شری اراده کند او را با دنیا فریب می‌دهد و آخرت را از ذهن او به فراموشی می‌سپارد و امیدش را برای او وسعت می‌بخشد و او را از آنچه که صلاحش در آن است، باز می‌دارد.

۶-۲۷-۷- زینت‌دادن

﴿۲۸۳۹﴾ زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است، از این رو افراد باایمان را [که گاهی دستشان تهی است]، مسخره می‌کنند درحالی که پرهیزگاران در قیامت، بالاتر از آنان هستند [چرا که ارزش‌های حقیقی در آنجا آشکار می‌گردد، و صورت عینی به خود می‌گیرد] و خداوند، هرکس را بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد.

۷-۲۷-۷- مشتبه‌کردن

﴿۲۸۴۰﴾ خداوند عزّ و جلّ می‌فرماید:... وقتی بنده‌ای خواسته‌هایش را برخواسته‌هایم ترجیح دهد، کارهایش را پراکنده و پریشان می‌سازم و امور دنیا را بر او مشتبه و مشکل و قلبش را مشغول دنیا می‌کنم؛ اما از دنیایش جز همان مقداری که مقدر او کرده‌ام، به او نخواهم داد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْغَفْلَةُ وَ عَدَمُ التَّدَبُّرِ﴾

٧-٢٨- الغفلة و عدم التدبر

٧-٢٨-١- الغفلة

﴿٢٨٤١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَالْقَرِيبُ كُلُّ مَا هُوَ آتٍ وَالْأَقْرَبُ هُوَ الْمَوْتُ وَالْعَجَبُ هُوَ

الدُّنْيَا وَ غَفَلْنَا فِيهَا أَعْجَبُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣١

٧-٢٨-٢- عَدَمُ التَّدَبُّرِ

﴿٢٨٤٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ لَا خَيْرَ فِي دِينٍ لَا تَفْقَهُ فِيهِ وَلَا خَيْرَ فِي دُنْيَا لَا تَدَبِّرُ

فِيهَا وَلَا خَيْرَ فِي نُسْكَ لَا وَرَعَ فِيهِ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٧٤

٧-٢٩- تَرْكُ الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ

٧-٢٩-١- تَرْكُ الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ

﴿٢٨٤٣﴾ الصادق عليه السلام: لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَلَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ؛ من لا يحضره الفقيه،

ج ٣، ص ١٥٦

﴿٢٨٤٤﴾ الرضا عليه السلام: لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِدِينِهِ وَ دِينَهُ لِدُنْيَاهُ؛ فقه الرضا عليه السلام، ص ٣٣٧

٧-٢٩-٢- النِّسْيَانُ

﴿٢٨٤٥﴾ وَ ابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ

إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ؛ (القصص / ٧٧)

٧-٢٩-٣- الرَّهْبَانِيَّةُ

﴿٢٨٤٦﴾ الرسول ﷺ: وَ أَمَّا عُثْمَانُ بْنُ مُطْعُونٍ فَإِنَّهُ حَلَفَ أَنْ لَا يَنْكِحَ أَبَدًا فَدَخَلَتْ امْرَأَةٌ

عُثْمَانَ عَلَى عَائِشَةَ وَ كَانَتْ امْرَأَةً جَمِيلَةً، فَقَالَتْ عَائِشَةُ مَا لِي أَرَاكِ مُعْطَلَةً فَقَالَتْ وَلِمَنْ أَتَزِينُ

فَوَاللَّهِ مَا قَارَبَنِي زَوْجِي مُنْذُ كَذَا وَ كَذَا، فَإِنَّهُ قَدْ تَرَهَّبَ وَ لَبَسَ الْمُسُوحَ وَ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا، فَلَمَّا

دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَخْبَرَتْهُ عَائِشَةُ بِذَلِكَ، فَخَرَجَ فَنَادَى الصَّلَاةَ جَامِعَةً، فَاجْتَمَعَ النَّاسُ فَصَعِدَ

الْمُنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ مَا بَالُ أَقْوَامٍ يُحَرِّمُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمُ الطَّيِّبَاتِ أَلَا إِنِّي أَنَامُ

بِاللَّيْلِ وَ أَتَكْحَنُ وَ أَفْطِرُ بِالنَّهَارِ فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي؛ تفسير القمي، ج ١، ص ١٧٩

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / غفلت و بی‌تدبیری»

۷-۲۸- غفلت و بی‌تدبیری

۷-۲۸-۱- غفلت

«۲۸۴۱» هر آینده‌ای نزدیک است و نزدیک‌تر مرگ است. شگفت دنیا است و غفلت ما در دنیا شگفت‌آورتر است.

۷-۲۸-۲- بی‌تدبیری

«۲۸۴۲» ای مردم دینی که در آن تفقه نباشد، خیری ندارد. دنیایی که در آن تدبیر نباشد، خیری ندارد. عبادتی که در آن ورع نباشد، خیری ندارد.

۷-۲۹- ترک دنیا به خاطر آخرت و رهبانیت

۷-۲۹-۱- ترک دنیا به خاطر آخرت

«۲۸۴۳» کسی که دنیای خود را برای آخرت رها کند، یا آخرت خود را برای دنیا از دست دهد، از ما نیست.

«۲۸۴۴» از ما نیست کسی که دنیایش را برای دین رها کند یا دینش را برای دنیا.

۷-۲۹-۲- فراموشی

«۲۸۴۵» و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد!

۷-۲۹-۳- رهبانیت

«۲۸۴۶» عثمان بن مظعون قسم خورد که هرگز نزدیکی نکند. همسر عثمان که زنی زیبارو بود، نزد عایشه رفت. عایشه گفت: «چرا آرایش نکرده‌ای و زیوری نداری؟» زن عثمان گفت: «برای چه کسی خود را آراسته کنم؟! به خدا قسم! مدتی طولانی است که همسر من با من نزدیکی نکرده است. او رهبانیت پیشه کرده و جامه‌ی پشمینه‌ی راهبان را بر تن کرده و در دنیا زهد پیشه می‌کند». هنگامی که رسول خدا ﷺ آمد، عایشه وی را از این مسئله باخبر کرد. رسول خدا ﷺ بیرون آمد و همه را برای نماز فراخواند. مردم جمع شدند و ایشان از منبر بالا رفت و خدا را حمد و ثنا گفت و فرمود: «گروهی به چه چیزی می‌اندیشند که حلال را بر خود حرام می‌کنند؟ من شب می‌خوابم و مجامعت می‌کنم و در روز غذا می‌خورم؛ پس هرکس از سنت من پیروی نکند، از من نیست».

﴿الْمَنَاهِجُ الْخَاطِئَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / تَرْكُ الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ﴾

٧-٢٩-٤- الكسلان عن أمر الدنيا

﴿٢٨٤٧﴾ الباقر عليه السلام: إِنِّي لَا بُغْضَ الرَّجُلِ أَوْ بُغْضَ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ كَسَلَانًا [كَسَلَانًا] عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ وَمَنْ كَسَلَ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلُ؛ الكافي، ج ٥، ص ٨٥
٧-٢٩-٥- التفريط

﴿٢٨٤٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تُفْرِطُوا فِي صَلَاحِ دِينِكُمْ مِنْ دُنْيَاكُمْ وَأَنْ تَتَفُذُّوا لِمَا هُوَ لِلَّهِ طَاعَةٌ وَلِمَعِيشَتِكُمْ صَلَاحٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٢، ص ٣٥٤
٧-٢٩-٦- رَفْضُ الدُّنْيَا

﴿٢٨٤٩﴾ لقمان عليه السلام: خُذْ مِنَ الدُّنْيَا بَلَاغًا وَلَا تَرْفُضْهَا فَتَكُونَ عِيَالًا عَلَى النَّاسِ؛ بحار الأنوار،

ج ١٣، ص ٤١١

«شیوه‌های نادرست در تعامل با دنیا / ترک دنیا به خاطر آخرت»

۴-۲۹-۷- کاهلی در کار دنیا

«۲۸۴۷» من از کسی که در کار دنیا کاهل باشد، نفرت دارم. آن‌که در امور دنیا کاهل باشد، در امور آخرت کاهل‌تر است.

۵-۲۹-۷- کم‌گذاشتن

«۲۸۴۸» در صلاح دین خود از دنیایان کم نگذارید. و به آنچه اطاعت خدا و صلاح زندگی شماست، روی آورید.

۶-۲۹-۷- رد کردن دنیا

«۲۸۴۹» از دنیا به اندازه‌ی کفایت بخواه و آن را رد نکن که سربار مردم می‌شوی.

الفصل الثامن: المناهج المصيبة في المواجهة بالدنيا

٨-١- الوهن

٨-١-١- التصغير، التحقير، التهوين، التقصير

٨-١-١-١- التصغير

﴿٢٨٥٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَدْ حَقَّرَ (رسول الله ﷺ) الدُّنْيَا وَصَغَّرَهَا وَأَهْوَنَ بِهَا وَهَوَّنَهَا وَ عَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ زَوَّاهَا عَنْهُ اخْتِياراً وَ بَسَطَهَا لِغَيْرِهِ اخْتِياراً؛ شرح نهج البلاغة، ج ٧، ص ٢١٧
﴿٢٨٥١﴾ الرضا عليه السلام: اللَّهُمَّ... وَ صَغَّرَ الدُّنْيَا فِي عَيْنِي؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ١٤
﴿٢٨٥٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ كَرُمَتْ نَفْسُهُ صَغُرَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ؛ غرر الحكم، ص ٢٣١
﴿٢٨٥٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ أَكْثَرُ ذِكْرِ الْآخِرَةِ وَ مَا فِيهَا مِنَ النِّعَمِ وَ الْعَذَابِ الْآلِيمِ فَإِنَّ ذَلِكَ يُزَهِّدُكَ فِي الدُّنْيَا وَ يُصَغِّرُهَا عِنْدَكَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٢٤
﴿٢٨٥٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ لَا نُورَ كُنُورِ الْيَقِينِ وَ لَا يَقِينَ كَاسْتِصْغَارِكَ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار،

ج ٧٥، ص ١٦٥

﴿٢٨٥٥﴾ الرضا عليه السلام: وَ لَا مَقَامٍ مِنْ مَقَامَاتِهِ فَتَرَكَهُ زُهْدًا فِيهِ... وَ اطَّرَحَا لِلدُّنْيَا وَ اسْتِصْغَارًا لَهَا وَ اِثَارًا لِلْآخِرَةِ وَ مُنَافَسَةً فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٩، ص ١٥٩
﴿٢٨٥٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَلْتَكُنِ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِكُمْ أَصْغَرَ مِنْ حُثَالَةِ الْقِرْطِ وَ قِرَاضَةِ الْجَلَمِ وَ اتَّعْظُوا بِمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ قَبْلَ أَنْ يَتَّعِظَ بِكُمْ مِنْ بَعْدِكُمْ وَ ارْفُضُوهَا ذَمِيمَةً فَإِنَّهَا قَدْ رَفُضَتْ مَنْ كَانَ أَشْغَفَ بِهَا مِنْكُمْ؛ نهج البلاغة، ص ٧٦

٨-١-١-٢- التحقير

﴿٢٨٥٧﴾ الصادق عليه السلام: ذِكْرُ الْمَوْتِ... وَ يُطْفِئُ نَارَ الْحِرْصِ وَ يُحَقِّرُ الدُّنْيَا وَ هُوَ مَعْنَى مَا قَالَ النَّبِيُّ ﷺ فِكْرُ سَاعَةِ خَيْرٍ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ وَ ذَلِكَ عِنْدَ مَا يَحُلُّ أَطْنَابَ خِيَامِ الدُّنْيَا وَ يَشُدُّهَا فِي الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٤، ص ١٣٣

فصل ۸: روش‌های برخورد مناسب با دنیا

۸-۱- سبک شمردن و بی‌توجهی

۸-۱-۱- کوچک شمردن، پست کردن، خوار کردن، خوار و کوچک دانستن

۸-۱-۱-۱- کوچک شمردن

﴿۲۸۵۰﴾ پیامبر ﷺ دنیا را کوچک شمرد و در چشم دیگران آن را ناچیز جلوه داد. آن را خوار می‌شمرد و در نزد دیگران خوار و بی‌مقدار معرفی نمود.

﴿۲۸۵۱﴾ بار خدایا... دنیا را در چشم من کوچک کن.

﴿۲۸۵۲﴾ هر کس نفس او گرمی باشد، دنیا در چشم او کوچک می‌باشد.

﴿۲۸۵۳﴾ بسیار یاد آخرت باش، و نیز نعمت‌ها و عذاب‌های دردناکش را در نظر بیاور، چرا که این کار، دلت را از دنیا می‌کند و آن را در نظرت بی‌مقدار می‌سازد.

﴿۲۸۵۴﴾ هیچ نوری چون نور یقین [نیست] و هیچ یقینی به پای بی‌اعتنایی تو به دنیا نمی‌رسد.

﴿۲۸۵۵﴾ [ذو الریاستین] آن مقام را به خاطر پارسایی و همت بلند... و بی‌اعتنایی به دنیا و بی‌ارزشی آن در نظرت و توجه و گذشت و علاقه به عالم آخرت، نپذیرفت.

﴿۲۸۵۶﴾ ای مردم باید دنیا در چشمانتان از پر کاه خشکیده و تفاله‌های قیچی‌شده‌ی دامداران، بی‌ارزش‌تر باشد. از پیشینیان خود پند بگیرید، پیش از آن که آیندگان از شما پند بگیرند این دنیای فاسد نکوهش شده را رها کنید، زیرا مشتاقان شیفته‌تر از شما را رها کرد.

۸-۱-۱-۲- پست شمردن

﴿۲۸۵۷﴾ یاد مرگ... آتش حرص را خاموش می‌سازد و دنیا را در نظر کوچک می‌کند. این است معنای سخن رسول خدا ﷺ که می‌فرماید: «یک ساعت تفکر برتر از یک سال عبادت است» و این هنگامی است که انسان طناب‌های خیال دنیا را باز کند و در پایگاه آخرت ببندد.

﴿الْمَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُؤَاجَهَةِ بِالْدُّنْيَا / الْوَهْنُ﴾

﴿٢٨٥٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَدْ حَقَّرَ (رسول الله صلى الله عليه وآله) الدُّنْيَا وَصَغَّرَهَا وَأَهْوَنَ بِهَا وَهَوَّنَهَا وَ
 عَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ زَوَّاهَا عَنْهُ اخْتِيَارًا وَبَسَطَهَا لِعَبْدِهِ اخْتِقَارًا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٧، ص ٢١٧

﴿٢٨٥٩﴾ الحسين عليه السلام: وَقِيلَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْرًا قَالَ مَنْ لَمْ يُبَالِ الدُّنْيَا
 فِي يَدَيَّ مَنْ كَانَتْ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢٩

﴿٢٨٦٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا دُنْيَا فَحَبْلُكَ عَلَى غَارِبِكَ قَدْ اَنْسَلْتُ مِنْ مَخَالِكَ وَ اَفْلْتُ مِنْ حَبَائِلِكَ وَ اجْتَنَبْتُ الذَّهَابَ فِي مَدَاحِصِكَ اَيْنَ الْقُرُونُ الَّذِيْنَ غَرَرْتَهُمْ بِمَدَاعِبِكَ اَيْنَ الْاَمَمُ الَّذِيْنَ فَتَنْتَهُمْ بِزَخَارِفِكَ هَا هُمْ رَهَائِنُ الْقُبُورِ وَ مَصَامِينُ اللُّحُودِ وَ اللّٰهُ لَوْ كُنْتَ شَخْصًا مَرِيئًا وَ قَالِبًا حَسِيًّا لَأَقَمْتُ عَلَيْكَ حُدُودَ اللّٰهِ فِي عِبَادِ غَرَرْتَهُمْ بِالْاَمَانِيِّ وَ اَمَمِ اَقْنَيْتَهُمْ فِي الْمَهَاوِيِّ وَ مُلُوكِ اَسْلَمْتَهُمْ اِلَى التَّلَفِ وَ اَوْرَدْتَهُمْ مَوَارِدَ الْبَلَاءِ اِذْ لَا وَرْدَ وَ لَا صَدَرَ هَيْهَاتَ مَنْ وَطِئَ دَحْضَكَ زَلَقَ وَ مَنْ رَكِبَ لُجْبَكَ غَرِقَ وَ مَنْ اَزُورَ عَنْ حَبَالِكَ وُفِقَ وَ السَّلَامُ مِنْكَ لَا يُبَالِي اِنْ ضَاقَ بِهِ مُنَآخُهُ وَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ كَيَوْمِ حَانَ اَنْسِلَاخُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٤٧٤

﴿٢٨٦١﴾ الصادق عليه السلام: وَ يُطْفِئُ نَارَ الْحَرَصِ وَ يَحْصِرُ الدُّنْيَا وَ هُوَ مَعْنَى مَا قَالَ النَّبِيُّ ﷺ فَكُرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ وَ ذَلِكَ عِنْدَ مَا يَحُلُّ اَطْنَابُ خِيَامِ الدُّنْيَا وَ يَشُدُّهَا فِي الْآخِرَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ١٠٥

﴿٢٨٤٢﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ فِي الْأَرْضِ فِي أَطْرَافِهَا مُؤْمِنِينَ مَا قَدَرُ الدُّنْيَا كُلِّهَا عِنْدَهُمْ تَعْدُلُ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ وَلَوْ أَنَّ الدُّنْيَا بِجَمِيعِ مَا فِيهَا وَعَلَيْهَا ذَهَبَةٌ حُمْرَاءُ عَلَى عُنُقِ أَحَدِهِمْ ثُمَّ سَقَطَ عَنْ عُنُقِهِ مَا شَعَرَ بِهَا أَى شَيْءٍ كَانَ عَلَى عُنُقِهِ وَلَا أَى شَيْءٍ سَقَطَ مِنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ٣٥٠

﴿٢٨٤٣﴾ الباقِرُ عليه السلام: يَا جَابِرُ أَنْزِلِ الدُّنْيَا مِنْكَ كَمَنْزُلَ نَزَلَتْهُ ثُمَّ أَرَدْتَ التَّحَرُّكَ مِنْهُ مِنْ يَوْمِكَ ذَلِكَ أَوْ كَمَالِ اكْتِسَابِهِ فِي مَنَامِكَ وَاسْتَيْقَظْتَ فَلَيْسَ فِي يَدِكَ مِنْهُ شَيْءٌ وَإِذَا كُنْتَ فِي جَنَازَةٍ فَكُنْ كَأَنَّكَ أَنْتَ الْمَحْمُولُ وَكَأَنَّكَ سَأَلْتَ رَبَّكَ الرَّجْعَةَ إِلَى الدُّنْيَا لِتَعْمَلَ عَمَلَ مَنْ عَاشَ فَإِنَّ الدُّنْيَا عِنْدَ الْعُلَمَاءِ مِثْلُ الظِّلِّ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٢٦

١-٢-٨- مَنْ لَمْ تَجْعَلِ الدُّنْيَا لِنَفْسِهِ فِي نَفْسِهِ خَطَرًا

﴿٢٨٦٤﴾ الصادق (عليه السلام): قَالَ رَجُلٌ لَّيِّ: مَنْ أَعْظَمَ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا قَدْرًا فَقَالَ مَنْ لَمْ تَجْعَلِ الدُّنْيَا لِنَفْسِهِ فِي نَفْسِهِ خَطَرًا؛ الحكايات، ص ٩٧

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / سبک‌شمردن و بی‌توجهی»

﴿۲۸۵۸﴾ پیامبر ﷺ دنیا را کوچک شمرد و در چشم دیگران آن را ناچیز جلوه داد. آن را خوار می‌شمرد و در نزد دیگران خوار و بی‌مقدار معرفی نمود.

﴿۲۸۵۹﴾ از امام حسین علیه السلام پرسیده شد: «کدام یک از مردم جایگاه بزرگ‌تری دارد؟» فرمود: «کسی که برایش مهم نباشد که دنیا در دست کیست».

﴿۲۸۶۰﴾ ای دنیا از من دور شو! مهارت را بر پشت تو نهاده و از چنگال‌های تو رهایی یافتم و از دام‌های تو نجات یافته و از لغزشگاه‌های دوری گزیده‌ام. کجایند بزرگانی که به بازیچه‌ی خود فریشان داده‌ای؟! کجایند امت‌هایی که با زر و زیور آن‌ها را فریفتی که اکنون در گورها گرفتارند! و درون لحدها پنهان شده‌اند. ای دنیا به خدا سوگند! اگر شخصی دیدنی بودی و قالب حس‌کردنی داشتی، حدّ خدا را بر تو جاری می‌کردم؛ چراکه بندگان را با آرزوهای فریب‌دادی و ملت‌هایی را به هلاکت افکندی و قدرتمندانی را تسلیم نابودی کردی و هدف انواع بلاها قرار دادی که دیگر راه پس و پیش ندارند. اما هیئات! کسی که در لغزشگاه تو قدم بگذارد، سقوط خواهد کرد و آن کس که بر امواج تو سوار شد، غرق گردید. کسی که از دام‌های تو رهایی یافت پیروز شد، آن کس که از تو به سلامت گذشت نگران نیست که جایگاهش تنگ است، زیرا دنیا در پیش او چنان روزی است که گذشت.

﴿۲۸۶۱﴾ یاد مرگ... آتش حرص را خاموش می‌سازد و دنیا را در نظر کوچک می‌کند. و این است معنای سخن رسول خدا ﷺ که می‌فرماید: «یک ساعت تفکر برتر از یک سال عبادت است».

﴿۲۸۶۲﴾ سوگند به آنکه جانم به دست اوست، در اطراف زمین مؤمنانی وجود دارند که با وجود آن‌ها همه‌ی دنیا ارزش بال‌پشه‌ای را ندارد؛ و اگر دنیا با همه‌ی آنچه در آن است و بر آن است، طلای سرخ باشد و گردن‌بند یکی از آن‌ها باشد و از گردنش بیفتد، او توجه نمی‌کند که چه بر گردن داشته و چه چیزی از گردنش افتاده، از بس که [دنیا و ارزش‌های آن] نزد او خوار است.

﴿۲۸۶۳﴾ جابر گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: «دنیا را منزل خود کن مانند منزلی که در آن ساکن می‌شوی و سپس می‌خواهی در همان روز از آن کوچ کنی. و یا مانند مالی که در خواب به دست می‌آوری و چون بیدار می‌شوی چیزی از آن همراه تو نیست. و هنگامی که در نزد جنازه‌ای حاضر شدی چنان باش مانند اینکه تو مرده‌ای و از پروردگارت می‌خواهی که تو را به دنیا بازگرداند، برای اینکه همچون کسی که زنده است، عمل کنی. و دنیا در نزد دانشمندان مانند سایه‌ی بعد از ظهر است».

۱-۲-۱-۸- کسی که دنیا برای او در درونش مهم نباشد

﴿۲۸۶۴﴾ از امام صادق علیه السلام روایت است: «مردی به پدر من گفت: «با عظمت‌ترین مردم در دنیا از نظر قدر و منزلت چه کسی است؟» پدرم فرمود: «کسی که دنیا برای او در درونش مهم نباشد».

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْوَهْنُ﴾

٢-١-١-٨- من لم يجعل للدنيا عنده خطراً

﴿٢٨٦٥﴾ الرسول ﷺ: أَكْظَمُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا خَطَرًا مَنْ لَمْ يَجْعَلْ لِلدُّنْيَا عِنْدَهُ خَطَرًا؛

من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٩٤

٢-١-١-٨- من لم ير الدنيا خطراً لنفسه

﴿٢٨٦٦﴾ السَّجَّادُ (عليه السلام): قِيلَ لَهُ: مَنْ أَكْظَمُ النَّاسِ خَطَرًا قَالَ مَنْ لَمْ يَرِ الدُّنْيَا لِنَفْسِهِ خَطَرًا؛

شرح نهج البلاغة، ج ٦، ص ٢٣٣

٢-١-١-٨- لا يضرُّك ما فاتك من الدنيا

﴿٢٨٦٧﴾ الْمُجْتَبَى (عليه السلام): وَاعْلَمْ أَيُّهَا الرَّجُلُ أَنَّهُ لَا يَضُرُّكَ مَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا؛ إِرْشَادُ الْقُلُوبِ،

ج ١، ص ٢٤

٢-١-١-٨- ما فاتك غنيمة

﴿٢٨٦٨﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): كُلَّمَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْءٌ فَهُوَ غَنِيمَةٌ؛ غُرَرُ الْحُكْمِ، ص ١٤٣

٢-١-١-٨- لا يبالي من أكل الدنيا

﴿٢٨٦٩﴾ الرسول ﷺ: لَا يَجِدُ الرَّجُلُ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى لَا يَبَالِيَ مَنْ أَكَلَ الدُّنْيَا؛ مَشْكَاتُ الْأَنْوَارِ،

ص ١١٦

٢-١-١-٨- ما يسرني أن لي الدنيا بما فيها

﴿٢٨٧٠﴾ الرضا (عليه السلام): وَاللَّهِ مَا يَسُرُّنِي أَنْ لِيَ الدُّنْيَا بِمَا فِيهَا ذَهَبًا وَفِضَّةً وَإِنِّي عَلَى خِلَافِ مَا أَنَا عَلَيْهِ... مَنْ رَضِيَ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْحَلَالِ خَفَّتْ مَثْوَتُهُ وَتَنَعَّمَ أَهْلُهُ وَبَصَّرَهُ اللَّهُ دَاءَ الدُّنْيَا وَ

دَوَاءَهَا وَآخَرَجَهُ مِنْهَا سَالِمًا؛ الْكَافِي، ج ٨، ص ٣٤٦

٢-١-١-٨- أن تكون الدنيا عندك سجنًا

﴿٢٨٧١﴾ الرسول ﷺ: أَنْ تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَكَ سِجْنًا حَتَّى يَجْعَلَ اللَّهُ لَكَ جَنَّةً؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ،

ج ٢، ص ١٥٤

﴿٢٨٧٢﴾ لَقْمَانُ (عليه السلام): يَا بُنَيَّ اجْعَلِ الدُّنْيَا سِجْنَكَ فَتَكُونَ الْآخِرَةَ جَنَّتِكَ؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ١٣، ص ٤٢٧

﴿٢٨٧٣﴾ الرسول ﷺ: يَا رَبِّ مَا عَلَامَاتُ أَوْلِيكَ (الزَّهَّادِ)؟ قَالَ: هُمْ فِي الدُّنْيَا مَسْجُونُونَ قَدْ

سَجَنُوا أَلْسِنَتَهُمْ مِنْ فُضُولِ الْكَلَامِ وَبُطُونَهُمْ مِنْ فُضُولِ الطَّعَامِ؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ٧٤، ص ٢٣

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / سبک‌شمردن و بی‌توجهی»

۸-۱-۱-۲-۲ کسی که برای دنیا ارزش و مقام قائل نباشد

«۲۸۶۵» بزرگترین مردم در دنیا از نظر جاه و مقام آن کسی است که برای دنیا ارزش و مقام قائل نباشد.

۸-۱-۱-۲-۳ کسی که دنیا را برای خود ارزشمند نداند

«۲۸۶۶» به امام علیه السلام عرض شد: «پراهمیت‌ترین مردم در دنیا کیست؟» فرمود: «کسی که دنیا در نزدش هیچ اهمیتی نداشته باشد».

۸-۱-۱-۲-۴ چیزی که از دست داده‌ای به تو ضرر نخواهد زد

«۲۸۶۷» ای مرد! بدان چیزی از دنیا که از دست داده‌ای به تو ضرر نخواهد زد.

۸-۱-۱-۲-۵ چیزی که از دستت رفت، غنیمت است

«۲۸۶۸» اگر چیزی از دنیا از دستت رفت، آن را غنیمت شمار.

۸-۱-۱-۲-۶ مهم نیست که چه کسی دنیا را می‌خورد

«۲۸۶۹» کسی شیرینی ایمان را در دلش نمی‌یابد مگر اینکه برایش مهم نباشد که چه کسی دنیا را می‌خورد.

۸-۱-۱-۲-۷ خوش ندارم که دنیا و هر آنچه در آن است برای من باشد

«۲۸۷۰» به خدا سوگند! خوش ندارم که دنیا و هر آنچه در آن از طلا و نقره است برای من باشد و من بر خلاف عقیده و مذهبی باشم که اکنون دارم... هرکس به روزی اندک خدا خشنود شود، خداوند نیز عمل اندک او را می‌پذیرد و هرکس به روزی حلال اندک قانع باشد، هزینه‌ی او سبک است و خانواده‌اش در نعمت باشند. و خدا او را به درد دنیا و درمان آن بینا می‌سازد و او را سالم از آن بیرون می‌برد.

۸-۱-۱-۲-۸ دنیا نزد تو زندان باشد

«۲۸۷۱» دنیا را زندان خود ببین تا خدا به تو بهشت را عطا فرماید.

«۲۸۷۲» ای پسر، دنیا را زندان خودت قرار بده تا آخرت بهشت تو شود.

«۲۸۷۳» پیامبر صلی الله علیه و آله از خداوند پرسید: «خدایا نشانه‌ی اینان (زاهدان) چیست؟» فرمود: «آنان کسانی هستند که زبان خود را از گفتار بیهوده و شکمشان را از زیادی طعام حفظ می‌کنند».

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُؤَاجَهَةِ بِالْذُّنْيَا / الْوَهْنُ﴾

٩-٢-١-١-٨- أَنْ لَا نُعْطِيَ الدُّنْيَا خَيْرٌ لَنَا

﴿٢٨٧٤﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّا لَنُحِبُّ الدُّنْيَا وَلَآنَ لَا نُؤْتَاهَا خَيْرٌ مِنْ أَنْ نُؤْتَاهَا وَمَا مِنْ عَبْدٍ بَسَطَ
اللَّهُ لَهُ مِنْ دُنْيَاهُ إِلَّا نَقَصَ مِنْ حَظِّهِ فِي آخِرَتِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٢٤

﴿٢٨٧٥﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّا لَنُحِبُّ الدُّنْيَا وَآنَ لَا نُعْطَاهَا خَيْرٌ لَّنَا وَمَا أُعْطِيَ أَحَدٌ مِنْهَا شَيْئًا إِلَّا نَقَصَ مِنْ حَظِّهِ مِنْ آلَا خِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣١٧
١٠-٢-١-٨- ضحكة مُستعبر

﴿٢٨٧٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدنيا ضحكةٌ مُستعبر؛ غرر الحكم، ص ١٤٢

١١-٢-١-١-٨- لَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا بِأَجْمَعِهَا لُقْمَةً فِي فَمِّ طِفْلٍ لَرَحِمْنَاهُ

﴿٢٨٧٧﴾ بَعْضُ أَهْلِ الْبَيْتِ (عليه السلام): لَوْ كَانَتْ الدُّنْيَا بِأَجْمَعِهَا نُقْمَةً فِي فَمِ طِفْلِ لِرَحْمَنَاهُ؛

مصباح الشريعة، ص ١٣٧

٣-٢-١-٨- التَّهْوِينُ

﴿٢٨٧٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ذَكَرُ الْمَوْتِ يَهَوِّنُ اَسْبَابَ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٦٢

﴿٢٨٧٩﴾ الرسول ﷺ: فِرُوا مِنْ فُضُولِ الدُّنْيَا كَمَا تَفِرُونَ مِنَ الْحَرَامِ وَهَوِّنُوا عَلَى أَنْفُسِكُمُ الدُّنْيَا كَمَا تَهَوِّنُونَ الْحَيَاةَ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ مِنْ فُضُولِ الدُّنْيَا وَسَيِّئَاتِ أَعْمَالِكُمْ تَنْجُوا مِنْ شِدَّةِ الْعَذَابِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥٣

﴿٢٨٨﴾ الرسول ﷺ: تَهَٰوُّوْا بِالْ دُنْيَا تَهْنُ عَلَيْكُمْ وَ أَهْيُنُوْهَا تُكْرَمَ الْآخِرَةُ اِلَيْكُمْ وَ لَا تُكْرِمُوْا الدُّنْيَا فَتَهْوُوْا الْآخِرَةُ عَلَيْكُمْ فَلَيْسَتْ الدُّنْيَا بِأَهْلَ كِرَامَةٍ؛ أعلام الدين، ص ٢٧٩

﴿٢٨٨١﴾ مَكْتُوبٌ فِي صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... يَا دُنْيَا مَا أَهْوَاكَ عَلَى الْأَبْرَارِ الَّذِينَ تَزِينْتِ وَ تَصْنَعْتِ لَهُمْ إِنِّي قَدْفَتُ فِي قُلُوبِهِمْ بَعْضَكَ وَالصُّدُودَ عَنْكَ وَ مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَهْوَنَ عَلَى مِنْكَ كُلِّ شَانِكَ صَغِيرٌ وَ إِلَى الْفَنَاءِ تَصِيرِينَ قَضَيْتُ عَلَيْكَ يَوْمَ خَلَقْتُكَ أَنْ لَا تَدُومِي لِأَحَدٍ وَ لَا يَدُومُ أَحَدٌ لَكَ وَ إِنْ بَخِلَ بِكَ صَاحِبُكَ وَ شَحَّ عَلَيْكَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣٠

﴿٢٨٨٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَحْزَمُ النَّاسِ مَنْ اسْتَهَانَ بِأَمْرِ دُنْيَاهُ؛ غرر الحكم، ص ٤٧٥

﴿ ٢٨٨٣ ﴾ محمد بن حنفية رضي الله عنه مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ آخِرَتُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ؛ مجموعة ورام، ج ١،

ص ۷۷

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / سبک‌شمردن و بی‌توجهی»

۹-۲-۱-۸- اگر دنیا به ما نرسد برای ما بهتر است

﴿۲۸۷۴﴾ ما دنیا را دوست داریم؛ اگر دنیا به ما نرسد بهتر است از اینکه برسد، هرگاه خداوند به بنده‌ای در دنیا نعمت دهد، از بهره‌ی آخرت او می‌کاهد.
﴿۲۸۷۵﴾ ما دنیا را دوست داریم و اگر دنیا به ما داده نشود، بهتر است. و هیچ‌کسی چیزی از دنیا به او داده نشد، مگر آنکه بهره‌ای از آخرت را از دست داد.

۱۰-۲-۱-۸- خنده‌ی فرد گریان

﴿۲۸۷۶﴾ دنیا همان چیز است که کسانی که چشم گریان دارند، بر آن می‌خندند.

۱۱-۲-۱-۸- اگر تمام دنیا لقمه کوچک کودکانه و لذیذ باشد، آن را نمی‌خوریم

﴿۲۸۷۷﴾ اگر تمام دنیا لقمه‌ی کوچک کودکانه و لذیذ باشد، ما اهل بیت آن را نمی‌خوریم و به دور می‌افکنیم.

۳-۲-۱-۸- خوار دانستن

﴿۲۸۷۸﴾ یاد مرگ اسباب دنیا را خوار می‌گرداند.

﴿۲۸۷۹﴾ از زیاده‌ی دنیا (امور مباح که ضرورتی به آن‌ها نیست) همان‌گونه که از حرام‌های دنیا فرار می‌کنید، فرار کنید. و دنیا را در نظر خود مانند لاشه‌ی پست و بی‌ارزش، پست کنید. و از فضولات دنیا و اعمال بد خود به‌سوی خدا توبه کنید تا از شدت عذاب نجات یابید.
﴿۲۸۸۰﴾ دنیا را آسان بگیرید تا بر شما آسان بگیرد، آن را پست در نظر بگیرید تا آخرت برای شما بلندمرتبه گردد؛ و آن را گرامی ندارید که آخرت در چشمتان پست می‌گردد. دنیا شایسته‌ی گرامی داشتن نیست.

﴿۲۸۸۱﴾ دنیا را آسان بگیرید تا بر شما آسان بگیرد، آن را پست بدارید تا آخرت برای شما بلندمرتبه گردد؛ دنیا را گرامی ندارید که آخرت در چشمتان پست می‌گردد. دنیا شایسته‌ی گرامی داشتن نیست که هر روز فتنه و خسارتی به بار می‌آورد. دنیا چون رؤیای فردی است که خوابیده و مردم در آن در حالت خواب و بیدارند.

﴿۲۸۸۲﴾ در صحف حضرت ابراهیم علیه السلام نوشته شده است: ای دنیا، با اینکه خود را ساخته و آرایش کرده‌ای، چقدر در نظر نیکان پست و خواری! من کینه‌ی تو را بر دل آنان افکنده و از تو برحذر داشته‌ام و هیچ مخلوقی را پست‌تر از تو در نزد خود نیافریده‌ام. تمام جنبه‌های تو ناچیز و در معرض فناست، روزی که تو را آفریدم چنان قرار دادم که بر کسی پایدار نمانی و کسی هم در تو پایدار نماند. و اگر کسی در مورد تو بخل ورزد، با تو باشد و حریص‌تر شود.

﴿۲۸۸۳﴾ هرکس آخرت در نظرش ارزشمند باشد، دنیا در نظرش خوار و بی‌مقدار می‌شود.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْوَهْنُ﴾

﴿٢٨٨٤﴾ الرسول ﷺ: وَأَمَّا الْحَيَاةُ الْبَاقِيَةُ فَهِيَ الَّتِي يَعْمَلُ لِنَفْسِهِ حَتَّى تَهْوَنَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَ تَصْغُرَ فِي عَيْنِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٨

﴿٢٨٨٥﴾ الرسول ﷺ: فَرَوْا مِنْ فُضُولِ الدُّنْيَا كَمَا تَفْرُونَ مِنَ الْحَرَامِ وَ هَوَّنُوا عَلَى أَنْفُسِكُمُ الدُّنْيَا كَمَا تَهَوَّنُونَ الْجَنَّةَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥٣

﴿٢٨٨٦﴾ الصادق ﷺ: إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تُجَاوِرَ الْجَلِيلَ فِي دَارِهِ وَ تَسْكُنَ الْفِرْدَوْسَ فِي جِوَارِهِ فَلْتَهْنُ عَلَيْكَ الدُّنْيَا وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ نُصْبَ عَيْنِكَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٨١

﴿٢٨٨٧﴾ الأئمة الطيِّبَةُ: إِنَّ لِلَّهِ خَوَاصًّا مِنْ خَلْقِهِ يُسْكِنُهُمُ الرَّفِيعَ الْأَعْلَى مِنَ الْجَنَانِ لِأَنَّهُمْ كَانُوا أَغْلَقُوا فِي الدُّنْيَا قِلَ وَ كَيْفَ كَانُوا قَالَ كَانَتْ هِمَّتُهُمُ الْمُسَارَعَةَ إِلَى رَبِّهِمْ فِيمَا يُرْضِيهِ فَهَانَتْ الدُّنْيَا عَلَيْهِمْ وَ لَمْ يَرْغَبُوا فِي فُضُولِهَا فَصَبَرُوا قَلِيلًا وَ اسْتَرَاخُوا طَوِيلًا؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢١٤

﴿٢٨٨٨﴾ الصادق ﷺ: وَإِذَا فَوَّضَ الْعَبْدُ تَذْيِيرَ نَفْسِهِ عَلَى مُدْبِرِهِ هَانَ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦

﴿٢٨٨٩﴾ السَّجَّاد ﷺ: مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَ قِيلَ لَهُ مَنْ أَعْظَمَ النَّاسِ خَطَرًا فَقَالَ ﷺ: مَنْ لَمْ يَرَ الدُّنْيَا خَطَرًا لِنَفْسِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٣٥

﴿٢٨٩٠﴾ الصادق ﷺ: وَ الْمُؤْمِنُ يَعْتَبِرُ عِنْدَهَا أَنَّ الْخَالِصَ مِنْ طَعَامِ الدُّنْيَا كَذَلِكَ تَصِيرُ عَاقِبَتُهَا فَيَسْتَرِيحُ بِالْعُدُولِ عَنْهَا وَ تَرْكُهَا وَ يَفْرِغُ نَفْسَهُ وَ قَلْبَهُ عَنْ شُغْلِهَا... وَ أَنَّ الرَّاحَةَ فِي هَوَانِ الدُّنْيَا وَ الْفَرَاغِ مِنَ التَّمَتُّعِ بِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٧، ص ١٦٥

﴿٢٨٩١﴾ أمير المؤمنين ﷺ: قَدْ حَقَّرَ (رسول الله ﷺ) الدُّنْيَا وَ صَغَّرَهَا وَ أَهْوَنَ بِهَا وَ هَوَّنَهَا وَ عَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ زَوَاهَا عَنْهُ اخْتِيَارًا وَ بَسَطَهَا لِغَيْرِهِ اخْتِقَارًا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٧، ص ٢١٧

﴿٢٨٩٢﴾ الرسول ﷺ: أَهِنُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهُ أَهْنَى مَا يَكُونُ عَلَيْكُمْ فَإِنَّهُ مَا أَهَانَ قَوْمُ الدُّنْيَا إِلَّا هَنَأَهُمُ اللَّهُ الْعَيْشَ وَ مَا أَعَزَّهَا قَوْمٌ إِلَّا ذَلُّوا وَ تَعَبُوا وَ كَانَتْ عَاقِبَتُهُمُ النَّدَامَةُ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٨

﴿٢٨٩٣﴾ الكاظم ﷺ: أَهِنُوا الدُّنْيَا وَ تَهَاوَنُوا بِهَا فَإِنَّهَا مَا أَهَانَهَا قَوْمٌ إِلَّا هَنَأَهُمُ اللَّهُ الْعَيْشَ وَ مَا أَعَزَّهَا قَوْمٌ إِلَّا تَعَبُوا وَ ذَلُّوا؛ أعلام الدين، ص ٢٨٠

﴿٢٨٩٤﴾ محمد بن حنفية: مَنْ كَرُمَتْ نَفْسُهُ عَلَيْهِ هَانَتْ الدُّنْيَا عِنْدَهُ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٥

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / سبک‌شمردن و بی‌توجهی»

﴿۲۸۸۴﴾ اما زندگی و حیات باقی این است که صاحبش آن قدر برای خویش عمل کند که دنیا در نظرش خوار و کوچک شود.

﴿۲۸۸۵﴾ از زیاده‌ی دنیا (امور مباح که ضرورتی به آن‌ها نیست) همان‌گونه که از حرام‌های دنیا فرار می‌کنید، فرار کنید. و دنیا را در نظر خود مانند لاشه‌ی پست و بی‌ارزش، پست کنید.

﴿۲۸۸۶﴾ اگر می‌خواهی مجاور خداوند جلیل در سرای [رحمت] او باشی و همجوار او در بهشت مسکن گزینی، باید دنیا برایت بی‌ارزش باشد، و مرگ را [پیوسته] پیش چشم خود ببینی.

﴿۲۸۸۷﴾ پیامبر ﷺ فرمود: «خداوند بندگان خاصی دارد که آن‌ها را در منزلی ارجمند در بهشت اسکان می‌دهد، چون داناترین اهل جهان هستند». عرض شد: «چطور داناترین اهل جهان هستند؟» فرمود: «زیرا هم‌تشان، شتاب به سوی خدایشان بود، تا خدا را [با اعمال خود] راضی کنند، پس دنیا در نظرشان سبک است و به زیادت آن راغب نیستند، و مدت کوتاهی صبر می‌کنند، و در پی آن به راحتی طولانی می‌رسند».

﴿۲۸۸۸﴾ زمانی که بنده تدبیر امور دنیا را به دست خداوند بداند، مصیبت‌های دنیا بر او آسان می‌شود.

﴿۲۸۸۹﴾ آن که شخصیت خود را گرامی و محترم داشت؛ دنیا در نظرش پست و بی‌مقدار گشت. به امام سجّاد علیه السلام عرض شد: «ارزش چه کسی از همه مردم بیشتر است؟» فرمود: «کسی که دنیا را برای خود ارزشمند نداند».

﴿۲۸۹۰﴾ شخص مؤمن باید از موضوع مستراح عبرت بگیرد که عاقبت طعام خالص دنیا نیز این‌گونه است و با رویگردانی و ترک آن، خویش را آسوده می‌کند و نفس و قلب خویش را از اشتغال به آن فارغ می‌گرداند... راحتی، در آسان گرفتن و ارزش‌نهادن به دنیا و دوری از لذّت‌بردن از آن است.

﴿۲۸۹۱﴾ پیامبر ﷺ دنیا را کوچک شمرد و در چشم دیگران آن را ناچیز جلوه داد. آن را خوار می‌شمرد و در نزد دیگران خوار و بی‌مقدار معرفی نمود.

﴿۲۸۹۲﴾ دنیا را خوار شمارید که این کار برای شما گوارتر است، و هیچ گروهی دنیا را خوار نشمردند، مگر اینکه خداوند زندگی را بر آنان گوارا نموده و هیچ دسته‌ای دنیا را دوست نداشتند، مگر اینکه خوار شدند و به رنج افتادند و در آخر پشیمان گشتند.

﴿۲۸۹۳﴾ دنیا را آسان بگیرید که چیزی پست‌تر از دنیا نزد شما نیست. هر گروهی که دنیا را آسان گرفت، خداوند نیز زندگی‌اش را آسان ساخت و هر گروهی که دنیا را بزرگ شمرد، سختی کشید و ذلیل شد.

﴿۲۸۹۴﴾ کسی که شخصیت خود را گرامی و محترم بشمارد، دنیا در نزد او خوار و بی‌مقدار می‌شود.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْوَهْنُ﴾

﴿٢٨٩٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ كَرُمَ دِينُهُ عِنْدَهُ هَانَتْ الدُّنْيَا عَلَيْهِ؛ غررالحكم، ص ١٣٠

﴿٢٨٩٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا كَرُمْتُ عَلَى عَبْدٍ نَفْسُهُ إِلَّا هَانَتْ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ؛ غررالحكم،

ص ١٣٦

﴿٢٨٩٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لَأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمٍ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا مَا لِعَلَى وَ نَعِيمٍ يَفْنَى وَلَذَّةٍ لَا تَبْقَى نَعُودُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ الْعَقْلِ وَ قُبْحِ الزَّلَلِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ؛ بحار الأنوار، ج ٤١،

ص ١٦٢

١-٣-١-٨- الدُّنْيَا خُلِقَتْ لِغَيْرِهَا لَا لِنَفْسِهَا

﴿٢٨٩٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا خُلِقَتْ لِغَيْرِهَا وَ لَمْ تُخْلَقْ لِنَفْسِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣٣

٢-٣-١-٨- مَا زُوِيَ عَنْ عَبْدٍ إِلَّا اخْتِبَارًا

﴿٢٨٩٩﴾ الصادق عليه السلام: مَا أُعْطِيَ عَبْدٌ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا اخْتِبَارًا وَ مَا زُوِيَ عَنْهُ إِلَّا اخْتِبَارًا؛ الكافي،

ج ٢، ص ٢٦١

٢-٤-١-٨- التَّقْصِيرُ

﴿٢٩٠٠﴾ الرسول ﷺ: وَ أَمَّا الْحَيَاةُ الْبَاقِيَةُ فَهِيَ الَّتِي يَعْمَلُ لِنَفْسِهِ حَتَّى تَهْوَنَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَ

تَضَعُ فِي عَيْنِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٨

﴿٢٩٠١﴾ المجتبي عليه السلام: لَوْ جَعَلْتُ الدُّنْيَا كُلَّهَا لُقْمَةً وَاحِدَةً وَ أَطْعَمْتُهَا مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ خَالِصًا

لَرَأَيْتُ أَنِّي مُقْصِرٌ فِي حَقِّهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ٢٥٣

١-٤-٢-٨- اِقْتِصَارُ الْعُمْرِ

﴿٢٩٠٢﴾ إِنَّ الْأَكْيَاسَ اسْتَقْصَرُوا عُمْرَ الدُّنْيَا فَرَفَضُوهَا وَ اسْتَبْطَنُوا مُدَّةَ الْآخِرَةِ فَسَعَوْا لَهَا؛

بلاغات النساء، ص ٥٥

٢-٤-٢-٨- اِعْمَلْ بِقَدْرِ عُمْرِكَ

﴿٢٩٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَنِ الْعِلْمِ فَقَالَ عليه السلام: أَرْبَعُ كَلِمَاتٍ أَنْ

تَعْبُدَ اللَّهَ بِقَدْرِ حَاجَتِكَ إِلَيْهِ وَ أَنْ تَعْصِيَهُ بِقَدْرِ صَبْرِكَ عَلَى النَّارِ وَ أَنْ تَعْمَلَ لِدُنْيَاكَ بِقَدْرِ

عُمْرِكَ فِيهَا وَ أَنْ تَعْمَلَ لِآخِرَتِكَ بِقَدْرِ بَقَائِكَ فِيهَا؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٣٧

٣-٤-٢-٨- اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ بِقَدْرِ مَقَامِكَ فِيهَا

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / سبک‌شمردن و بی‌توجهی»

﴿۲۸۹۵﴾ کسی که دینش را گرامی شمارد، دنیا در نزد او خوار می‌شود.
﴿۲۸۹۶﴾ نفس بنده بر او گرامی نمی‌باشد، مگر اینکه دنیا در چشم او خوار می‌گردد.
﴿۲۸۹۷﴾ به‌راستی که دنیای شما نزد من از برگ‌ی در دم ملخی که آن را می‌جود، خوارتر است.
علی را با نعمت نابودشدنی و لذت ناپایدار چه کار؟! از بی‌هوشی خرد و زشتی لغزش به خدا پناه می‌بریم و از او یاری می‌جوییم.

۱-۳-۲-۸- دنیا برای غیر خود خلق شده، نه برای خودش

﴿۲۸۹۸﴾ دنیا برای جای دیگر خلق شده و برای خودش آفریده نشده است.

۲-۳-۲-۸- چیزی از وی جز امتحان گرفته نشد

﴿۲۸۹۹﴾ چیزی از دنیا به بنده عطا نشد، مگر برای عبرت‌گرفتن و چیزی از وی گرفته نشد، مگر برای آزمودن.

۴-۲-۸- خوار و کوچک دانستن

﴿۲۹۰۰﴾ اما زندگی و حیات باقی این است که صاحبش آن قدر برای خویش عمل کند که دنیا در نظرش خوار و کوچک شود.
﴿۲۹۰۱﴾ اگر تمام آنچه در دنیا هست، به‌صورت لقمه غذایی بشود و من آن را به کسی بخورانم که اخلاص در عبادت دارد، هنوز هم فکر می‌کنم که در ادای حق او کوتاهی کرده باشم.

۱-۴-۲-۸- کوتاهی عمر

﴿۲۹۰۲﴾ زیرکان عمر دنیا را کوتاه می‌دانند لذا آن را رها کرده و مدت زمان آخرت را طولانی دانسته‌اند، لذا برای آن تلاش می‌کنند.

۲-۴-۲-۸- به‌اندازه‌ی عمرت، برای دنیا تلاش کن

﴿۲۹۰۳﴾ از امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره‌ی علم پرسیده شد، ایشان فرمود: «علم چهار کلمه است: همان قدر که به خداوند احتیاج داری خدا را عبادت کن و به‌اندازه‌ای که طاقت تحمل آتش را داری خدا را معصیت کن، به‌اندازه‌ی مدتی که در دنیا خواهی ماند، برای دنیا تلاش کن و به‌اندازه‌ای که در آخرت باقی خواهی ماند، برای آخرت عمل کن».

۳-۴-۲-۸- به‌اندازه‌ی مدتی که در دنیا خواهی ماند، برای آن تلاش کن

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْوَهْنُ﴾

﴿٢٩٠٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اطع الله بقدر حاجتك اليه و اغص الله بقدر طاقتك على عقوبته و اعمل لدنياك بقدر مقامك فيها و اعمل لآخرتك بقدر بقائك فيها؛ جامع الأخبار.

ص ١٨١

٥-٢-١-٨- التقليل

﴿٢٩٠٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: من استقل من الدنيا استكثر مما يؤمنه؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

١-٥-٢-١-٨- التقليل العرجة على الدنيا

﴿٢٩٠٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: تجهزوا رحمكم الله فقد نودي فيكم بالرحيل و اقلوا العرجة

على الدنيا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣٤

٢-١-٨- كالظل و المنام

١-٢-١-٨- مثل الظل

﴿٢٩٠٧﴾ الباقر عليه السلام: يا جابر انزل الدنيا منك كمنزل نزلته ثم اردت التحرك منه من يومك ذلك او كمال اكتسبته في منامك و استيقظت فليس في يدك منه شيء و اذا كنت في جنازة فكن كائنا انت المحمول و كائنا كانت ربك الرجعة الى الدنيا لتعمل عمل من عاش فان الدنيا عند العلماء مثل الظل؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٢٦

٢-٢-١-٨- مثل المنام

﴿٢٩٠٨﴾ الباقر عليه السلام: يا جابر انزل الدنيا منك كمنزل نزلته تريد التحول و هل الدنيا الا دابة ركبناها في منامك فاستيقظت و انت على فراشك غير راكب و لا احد يعبا بها او كنوب لبسته او كجارية وطئتها يا جابر الدنيا عند ذوى الالباب كفى الظلال؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ١٨٢

﴿٢٩٠٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: المعتبر في الدنيا عيشه فيها كعيش النائم يراها و لا يمسه و هو يزيل عن قلبه و نفسه باستقباحه معاملات المغرورين بها ما يورثه الحساب و العقاب و يتبدل بها ما يقربه من رضا الله و عفو...؛ بحار الأنوار، ج ٦٨، ص ٣٢٦

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / سبک‌شمردن و بی‌توجهی»

﴿۲۹۰۴﴾ همان‌قدر که به عبادت خداوند احتیاج داری خدا را عبادت کن و به‌اندازه‌ای معصیت خدا را کن که طاقت تحمل عقاب آن را داری، به‌اندازه‌ی مدّتی که در دنیا خواهی ماند، برای دنیا تلاش کن و به‌اندازه‌ای که در آخرت باقی خواهی ماند، برای آخرت عمل کن.

۸-۱-۲-۵- کم‌شمردن

﴿۲۹۰۵﴾ هرکس از دنیا کمتر بردارد، بیشتر در امان است.

۸-۱-۲-۵-۱- کم‌ماندن در دنیا

﴿۲۹۰۶﴾ خدا رحمتتان کند، توشه بگیرید. ندای رفتن در میان شما داده شده و ماندن در دنیا را کم بدانید.

۸-۱-۲- مثل سایه و یا رؤیا

۸-۱-۲-۱- مثل سایه

﴿۲۹۰۷﴾ جابر گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: «دنیا را منزل خود کن مانند منزلی که در آن ساکن می‌شوی و سپس می‌خواهی در همان روز از آن کوچ کنی. و یا مانند مالی که در خواب به دست می‌آوری و چون بیدار می‌شوی چیزی از آن همراه تو نیست. و هنگامی که در نزد جنازه‌ای حاضر شدی چنان باش مانند اینکه تو مرده‌ای و از پروردگارت می‌خواهی که تو را به دنیا بازگرداند، برای اینکه همچون کسی که زنده است، عمل کنی. و دنیا در نزد دانشمندان مانند سایه‌ی بعد از ظهر است.»

۸-۱-۲-۲- مثل خواب

﴿۲۹۰۸﴾ ای جابر! دنیا را منزل خویش کن، مانند منزلی که در آن ساکن می‌شوی و سپس می‌خواهی از آن کوچ کنی. آیا دنیا جز این است که در خوابت بر حیوانی سوار شده‌ای و چون بیدار می‌شوی تو بر رختخواب هستی و سواره نیستی که هیچ‌کس به آن اعتنا نمی‌کند. و یا دنیا همچون لباس است که آن را می‌پوشی یا زنی که با آن نزدیکی می‌کنی. ای جابر! دنیا در نزد خردمندان و خداشناسان مانند سایه‌ی بعد از ظهر است.

﴿۲۹۰۹﴾ زندگی کسی که در دنیا عبرت گرفته مانند زندگی کسی است که در خواب باشد؛ اشیاء و مطالب را می‌بیند، ولی در حقیقت لمس و تماس با آن‌ها ندارد. و چون زشتی و رفتار و روش فریب‌خوردگان دنیا را می‌بیند، از دل و روح خود آنچه را که موجب حساب و کیفر اخروی است (عشق و علاقه به دنیا) جدا می‌سازد و به جای آن، آنچه را که موجب تقرّب به خدا و رسیدن به خشنودی و عفو می‌شود، انتخاب می‌کند.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْوَهْنُ﴾

٨-١-٣- كَالنَّظَرِ بِالْجِيفَةِ

٨-١-٣-١- الْجِيفَةُ

﴿٢٩١٠﴾ الرسول ﷺ: فَرُّوا مِنْ فُضُولِ الدُّنْيَا كَمَا تَفِرُّونَ مِنَ الْحَرَامِ وَهَوْنُوا عَلَى أَنْفُسِكُمُ الدُّنْيَا كَمَا تَهَوَّنُونَ الْجِيفَةَ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ مِنْ فُضُولِ الدُّنْيَا وَسَيِّئَاتِ أَعْمَالِكُمْ تَنْجُوا مِنْ شِدَّةِ الْعَذَابِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥٣

٨-١-٣-٢- الْمَيْتَةُ

﴿٢٩١١﴾ المجتبی ﷺ: فَأَنْزِلِ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ الْمَيْتَةِ خُذْ مِنْهَا مَا يَبْقِيكَ فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ حَلَالًا كُنْتَ قَدْ زَهَدْتَ فِيهَا وَإِنْ كَانَ حَرَامًا لَمْ يَكُنْ فِيهِ وَزْرٌ فَأَخَذْتَ كَمَا أَخَذْتَ مِنَ الْمَيْتَةِ وَإِنْ كَانَ الْعِتَابُ فَإِنَّ الْعِتَابَ يَسِيرُ وَاعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥١

﴿٢٩١٢﴾ امیرالمؤمنین ﷺ: نَزَلُوا الدُّنْيَا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَالْمَيْتَةِ الَّتِي لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَشْبَعَ مِنْهَا إِلَّا فِي حَالِ الضَّرُورَةِ إِلَيْهَا وَآكَلُوا مِنْهَا بِقَدَرِ مَا أَبْقَى لَهُمُ النَّفْسَ وَامْسَكَ الرُّوحَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ١٦٦

﴿٢٩١٣﴾ المجتبی ﷺ: وَاعْلَمْ أَنَّ فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَفِي حَرَامِهَا عِقَابٌ وَفِي الشُّبُهَاتِ عِتَابٌ فَأَنْزِلِ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ الْمَيْتَةِ خُذْ مِنْهَا مَا يَكْفِيكَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ١٣٨

٨-١-٤- كَالْعَابِرِ

٨-١-٤-١- الدُّنْيَا مَعْبَرٌ

﴿٢٩١٤﴾ امیرالمؤمنین ﷺ: الدُّنْيَا مَعْبَرَةٌ الْآخِرَةُ غُرُوحُ الْحُكْمِ، ص ١٤٧

﴿٢٩١٥﴾ الرضا ﷺ: وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَا تَشْكُرُونَ اللَّهَ بِشَيْءٍ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَبَعْدَ الْإِعْتِرَافِ بِحُفُوقِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنْ مُعَاوَنَتِكُمْ لِإِخْوَانِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى دُنْيَاهُمْ الَّتِي هِيَ مَعْبَرٌ لَهُمْ إِلَى جَنَّاتِ رَبِّهِمْ فَإِنْ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مِنْ خَاصَّةِ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٥٥

﴿٢٩١٦﴾ الرسول ﷺ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَامَ عَلَى حَصِيرٍ فَقَامَ وَقَدْ أَثَّرَ فِي جَسَدِهِ فَقَالُوا لَوْ أَمَرْتَنَا أَنْ نَبْسُطَ لَكَ وَنَعْمَلَ فَقَالَ مَا لِي وَلِلدُّنْيَا وَمَا أَنَا وَالِدُنْيَا إِلَّا كَرَائِبٍ اسْتَظَلَّ تَحْتَ شَجَرَةٍ ثُمَّ رَاحَ أَوْ تَرَكَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٦٨

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / سبک‌شمردن و بی‌توجهی»

۸-۱-۳- همانند نگاه به مردار

۸-۱-۳-۱- مردار

«۲۹۱۰» از زیاده‌ی دنیا (امور مباح که ضرورتی به آن‌ها نیست) همان‌گونه که از حرام‌های دنیا فرار می‌کنید، فرار کنید. و دنیا را در نظر خود مانند لاشه‌ی پست و بی‌ارزش، پست کنید. و از فضولات دنیا و اعمال بد خود به‌سوی خدا توبه کنید تا از شدت عذاب نجات یابید.

۸-۱-۳-۲- مردار

«۲۹۱۱» دنیا را مانند مرداری فرض کن و به قدر کفایت از آن بهره ببر، اگر این مقدار که گرفتی حلال باشد از زهد دنیا محسوب خواهی شد، و اگر حرام باشد مسئولیتی نداری، زیرا گویا از میته به قدر احتیاج استفاده نموده‌ای. و اگر عتاب در کار باشد سهل و آسان است. برای دنیا به نحوی کار کن که گویا دائماً می‌خواهی در دنیا بمانی ولی برای عالم آخرت به نحوی کار کن که گویا فردا خواهی مرد.

«۲۹۱۲» دنیا را نسبت به خود به منزله‌ی مرداری در نظر گرفتند که برای کسی حلال و جایز نیست که از آن سیر بخورد مگر در حال اضطرار به آن؛ و از آن به قدری که تنفسشان باقی بماند و زنده بمانند، خوردند.

«۲۹۱۳» بدان که در حلال دنیا حساب و در حرام آن کیفر و عقوبت و در شبهات آن سرزنش است. پس دنیا به منزله‌ی لاشه‌ای در نظر بگیر و به حد کفایت و [در مواقع اضطرار] از آن بهره ببر.

۸-۱-۴- مانند رهگذر

۸-۱-۴-۱- دنیا گذرگاه است

«۲۹۱۴» دنیا گذرگاه آخرت است.

«۲۹۱۵» بدانید که شما خداوند را بعد از ایمان به خدا و پیامبرش و اعتراف به حقوق اولیای خدا از آل محمد علیهم‌السلام به چیزی بهتر از کمک به برادران مؤمن خود در مسائل دنیا که راهی به‌سوی بهشت برین است، شکر نمی‌کنید. هرکس چنین کاری کند، از اولیای خاص خداست.

«۲۹۱۶» از ابن مسعود روایت شده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر حصیری خوابید و آن حصیر بر بدن مبارک حضرت اثر گذاشت. مسلمانان گفتند: «ای کاش! به ما امر می‌کردی که برای شما فرشی بیندازیم و خدمت کنیم!» فرمود: «مرا با دنیا چه کار؟! مثَل من و دنیا مانند شخص سواره‌ایست که در زیر آن درخت خواب قیلوله‌ی (کوتاهی) نموده، سپس کوچ کرده و درخت را وا گذاشته است».

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْوَهْنُ﴾

﴿٢٩١٧﴾ الرسول ﷺ: مَا لِي وَلِلدُّنْيَا إِنَّمَا مَتْلَى وَمَثَلُهَا كَمَثَلِ الرَّأْكَبِ رُفِعَتْ لَهُ شَجَرَةٌ فِي يَوْمٍ صَائِفٍ فَقَالَ تَحْتَهَا ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٤

﴿٢٩١٨﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ احْفَظْ عَنِّي مَا أَوْصِيكَ بِهِ تَكُنْ سَعِيداً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ... يَا أَبَا ذَرٍّ كُنْ كَأَنَّكَ فِي الدُّنْيَا غَرِيبٌ أَوْ كَعَابِرِ سَبِيلٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٧٥

﴿٢٩١٩﴾ الرسول ﷺ: أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ بَبْعُضِ جَسَدِي فَقَالَ يَا عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَمْرٍو كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ وَكَأَنَّكَ عَابِرُ سَبِيلٍ وَاعْدُدْ نَفْسَكَ فِي الْمَوْتِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٨، ص ١٧٥

﴿٢٩٢٠﴾ الباقر ﷺ: فَأَنْزِلْ نَفْسَكَ مِنَ الدُّنْيَا كَمَثَلِ مَنْزِلِ نَزَلَتْهُ سَاعَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦٥

﴿٢٩٢١﴾ الرسول ﷺ: مَا لِي وَلِلدُّنْيَا وَمَا أَنَا وَالِدُنْيَا إِلَّا كَرَائِبٍ اسْتَظَلَّتْ تَحْتَ شَجَرَةٍ ثُمَّ رَاحَ أَوْ تَرَكَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٦٨

﴿٢٩٢٢﴾ الرسول ﷺ: مَا لِي وَلِلدُّنْيَا وَمَا أَنَا وَالِدُنْيَا إِنَّمَا مَتْلَى وَمَثَلُهَا كَمَثَلِ رَاكِبٍ رُفِعَتْ لَهُ شَجَرَةٌ فِي يَوْمٍ صَائِفٍ فَنَامَ تَحْتَهَا ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٤

﴿٢٩٢٣﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ دَخَلَ عَلَيْهِ عُمَرُ وَهُوَ عَلَى حَصِيرٍ قَدْ أَثَّرَ فِي جَنْبَيْهِ فَقَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ لَوْ اتَّخَذْتَ فِرَاشاً فَقَالَ مَا لِي وَلِلدُّنْيَا مَا مَتْلَى وَمَثَلُ الدُّنْيَا إِلَّا كَرَائِبٍ سَارَ فِي يَوْمٍ صَائِفٍ فَاسْتَظَلَّتْ تَحْتَ شَجَرَةٍ سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٦، ص ٢٣٩

﴿٢٩٢٤﴾ الرسول ﷺ: إِنَّمَا مَتْلَى وَمَثَلُكُمْ وَمَثَلُ الدُّنْيَا كَقَوْمٍ سَلَكُوا مَقَاظَ غُبَرَاءَ حَتَّى إِذَا لَمْ يَدْرُوا مَا سَلَكُوا مِنْهَا أَكْثَرَ أَمْ مَا بَقِيَ أَنْفَدُوا الزَّادَ وَحَسَرُوا الظُّهْرَ وَبَقُوا بَيْنَ ظَهْرَانِي الْمَفَازَةِ لَا زَادَ وَلَا حَمُولَةَ فَأَيَّقَنُوا بِالْهَلَكَةِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٩، ص ٢٨٦

﴿٢٩٢٥﴾ الرسول ﷺ: مَا لِي وَلِلدُّنْيَا إِنَّمَا مَتْلَى وَمَثَلُ الدُّنْيَا كَرَائِبٍ أَدْرَكَهُ الْمَقِيلُ فِي أَصْلِ شَجَرَةٍ فَقَالَ فِي ظِلِّهَا سَاعَةً وَمَضَى؛ كشف الغمة، ج ٢، ص ١٢٢

﴿٢٩٢٦﴾ عيسى ﷺ: إِنَّ مِنْ خُبثِ الدُّنْيَا أَنَّ الْآخِرَةَ لَا تُدْرِكُ إِلَّا بِتَرْكِهَا فَاعْبُرُوا الدُّنْيَا وَلَا تَعْمُرُوهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٧

﴿٢٩٢٧﴾ أمير المؤمنين ﷺ: بِالْمَوْتِ تُخْتَمُ الدُّنْيَا وَبِالدُّنْيَا تَجُوزُ الْقِيَامَةُ وَبِالْقِيَامَةِ تُزْلَفُ الْجَنَّةُ وَالْجَنَّةُ حَسْرَةُ أَهْلِ النَّارِ وَالنَّارُ مَوْعِظَةُ الْمُتَّقِينَ وَالتَّقْوَى سُنْحُ الْإِيمَانِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٥٠

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / سبک‌شمردن و بی‌توجهی»

﴿۲۹۱۷﴾ مرا با دنیا چه کار؟! مَثَل من و دنیا مانند شخص سواره‌ای است که در روز گرمی درختی برایش به پا شده و او در زیر آن درخت خواب قیلوله‌ی (کوتاهی) نموده، سپس کوچ کرده و درخت را وا گذاشته است.

﴿۲۹۱۸﴾ ای ابوذر! وصیت مرا حفظ و عمل کن تا در دنیا و آخرت سعادت‌مند باشی... و ای ابوذر! در دنیا چون غریبان یا رهگذران باش.

﴿۲۹۱۹﴾ روزی رسول خدا ﷺ با دست مبارک خود مرا گرفت و فرمود: «ای عبدالله بن عمر! در دنیا غریب باش (تو را نشناسند) و مانند مسافران زندگی کن. و خود را در میان مردگان بین و فرض کن که مرده‌ای.

﴿۲۹۲۰﴾ در این دنیا چنین منزل گزین که آن را همچون باراندازی در نظر گیری که در آن بار انداخته و ساعتی بعد کوچ خواهی کرد.

﴿۲۹۲۱﴾ مرا با دنیا چه کار؟! مَثَل من و دنیا، مَثَل سواره‌ای است که زیر سایه‌ی درختی [استراحت کند] و سپس برود و آن درخت را جا بگذارد.

﴿۲۹۲۲﴾ مرا با دنیا چه کار؟! من و دنیا را چه تناسبی هست؟! همانا مَثَل من و دنیا، مَثَل سواره‌ای است که در روز بسیار گرمی بالای سرش درختی باشد و در زیر آن درخت بخوابد سپس برود و آن درخت را جا بگذارد.

﴿۲۹۲۳﴾ عمر بن خطاب نزد رسول خدا ﷺ آمد درحالی که ایشان بر روی حصیری نشسته بود که بر پهلوی ایشان نیز آثارش نمایان بود، عمر به پیامبر ﷺ عرض کرد: «ای نبی خدا چرا فرشی برای خود تهیه نمی‌کنی؟» پیامبر ﷺ فرمود: «مرا با دنیا چه کار؟! مَثَل من و دنیا حکایت سواره‌ای است که در دل یک روز گرم و سوزان ساعتی در سایه‌ی درختی می‌نشیند و سپس آن را ترک می‌کند».

﴿۲۹۲۴﴾ مَثَل من و مَثَل شما و مَثَل دنیا همانند آن قومی است که در بیابانی غبارآلود حرکت می‌کنند به‌طوری که نمی‌دانند مقدار راهی که طی کرده‌اند زیاد است یا کم؛ و یا آنچه مانده چقدر است، توشه راه را تمام کرده و خسته شده و در وسط بیابان بدون توشه و راحله مانده و به مردن خود یقین پیدا کرده‌اند.

﴿۲۹۲۵﴾ مرا با دنیا چه کار؟! مَثَل من و دنیا همچون اسب‌سواری است که به استراحتگاهی کنار درختی رسیده است و ساعتی در سایه‌ی آن درخت استراحت می‌کند و سپس می‌رود.

﴿۲۹۲۶﴾ از جمله زشتی‌هایش این است که آخرت جز با ترک آن دست‌یافتنی نیست، پس از دنیا عبور کنید و به فکر تعمیر و آباد ساختن آن نباشید.

﴿۲۹۲۷﴾ با مرگ دنیا تمام می‌شود و با اتمام دنیا، قیامت آغاز می‌شود و با برپایی قیامت، بهشت نزدیک می‌شود؛ بهشتی که حسرت اهل آتش است و آتش موعظه‌ای برای پرهیزکاران است و تقوی اصل ایمان است.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْوَهْنُ﴾

٢-٤-١-٨- الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍّ

﴿٢٩٢٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍّ إِلَى دَارٍ مَقَرٍّ وَالنَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ رَجُلٌ بَاعَ نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا وَ رَجُلٌ ابْتَعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣٠

٣-٤-١-٨- الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ قَنْطَرَةٍ

﴿٢٩٢٩﴾ عيسى عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا قَنْطَرَةٌ فَأَغْبِرُوهَا وَلَا تَعْمُرُوهَا عليه السلام؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣١٩

﴿٢٩٣٠﴾ الباقر عليه السلام: اجْعَلِ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ قَنْطَرَةٍ عَلَى نَهْرٍ جُرْتُ عَلَيْهَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٤

٤-٤-١-٨- الدُّنْيَا كَبَيْتٍ لَهُ بَابَانِ

﴿٢٩٣١﴾ الصادق عليه السلام: اغْتَبِرُوا بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا هَلْ بَقِيَ عَلَى أَحَدٍ أَوْ هَلْ [أَحَدٌ] فِيهَا بَاقٍ مِنَ الشَّرِيفِ وَالْوَضِيعِ... لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا بَلَاءٌ وَفِتْنَةٌ وَمَا نَجَا مِنْ نَجَا إِلَّا بِصِدْقٍ [إِلَّا] تَجَاء... وَجَدْتُ الدُّنْيَا كَبَيْتٍ لَهُ بَابَانِ دَخَلْتُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَخَرَجْتُ مِنَ الْآخَرِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٨٥

٥-٤-١-٨- لَيْسَتْ الدُّنْيَا دَارَ قَرَارٍ

﴿٢٩٣٢﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ ذَا الَّذِي يَبْنِي عَلَى مَوْجِ الْبَحْرِ دَارًا تَلْكُمُ الدُّنْيَا فَلَا تَتَّخِذُوهَا قَرَارًا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٦

٦-٤-١-٨- سَاكِنُ الدُّنْيَا كَسَاكِنِ دَارٍ لَيْسَتْ لَهُ

﴿٢٩٣٣﴾ الكاظم عليه السلام: وَكُنْ فِي الدُّنْيَا كَسَاكِنِ الدَّارِ لَيْسَتْ لَهُ إِلَّا نَمَّا يَنْتَظِرُ الرَّحِيلَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٠

٧-٤-١-٨- لَيْسَتْ الدُّنْيَا لَهُمْ بَدَارٍ

﴿٢٩٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُونُوا قَوْمًا... وَعَلِّمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ لَهُمْ بَدَارٌ فَاسْتَبَدُّوا... فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَخْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٥، ص ١٤٥

٨-٤-١-٨- خُلِقَتِ الدُّنْيَا مَجَازًا

﴿٢٩٣٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَاعْمَلُوا لِلْجَنَّةِ عَمَلَهَا فَإِنَّ الدُّنْيَا لَمْ تُخْلَقْ لَكُمْ دَارَ مَقَامٍ بَلْ خُلِقَتْ لَكُمْ مَجَازًا لِتَزَوَّدُوا مِنْهَا الْأَعْمَالِ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ فَكُونُوا مِنْهَا عَلَى أَوْفَازٍ وَقَرَّبُوا الظُّهُورَ لِلزِّيَالِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٨، ص ١٣٢

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / سبک‌شمردن و بی‌توجهی»

۸-۱-۴-۲- دنیا محلّ عبور است

﴿۲۹۲۸﴾ دنیا خانه‌ای است که باید از آن عبور کرد و در جایی دیگر مستقرّ شد، مردم در دنیا دو نفر بیش نیستند، مردی که خود را فروخت و هلاک ساخت و مردی که جانش را خرید و آزاد نمود.

۸-۱-۴-۳- دنیا همچون پلی است

﴿۲۹۲۹﴾ دنیا مانند پل است که باید از آن عبور کنید و آن را تعمیر ننمایید.
﴿۲۹۳۰﴾ دنیا را همچون پلی بدان که بر روی رودخانه‌ای قرار گرفته که در حال عبور از آن هستی.

۸-۱-۴-۴- دنیا مانند یک خانه با دو در است

﴿۲۹۳۱﴾ از گذشته‌ی دنیا عبرت بگیرید. آیا کسی را نگه داشت؟! همه رفتند. و آیا از رئیس و مافوق و زبردست، از ثروتمند و مستمند، از دوست و دشمن کسی باقی ماند؟!... پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «از دنیا جز فتنه و گرفتاری چیزی باقی نمانده است. و کسی جز از طریق پناه با صدق و صفا به خداوند، نجات پیدا نمی‌کند». حضرت نوح علیّه السلام فرمود: «دنیا را مانند یک خانه دو دری (در دخول و در خروج) دیدم که از یک در داخل و از در دیگر خارج شدم».

۸-۱-۴-۵- دنیا خانه‌ی آرامش نیست

﴿۲۹۳۲﴾ کیست آن که بر روی موج دریا خانه‌ای را بنا می‌کند؟ این مثلّ دنیاست، پس آن را خانه‌ی آرامش خویش قرار ندهید.

۸-۱-۴-۶- ساکن دنیا همانند ساکن خانه‌ای است که ملک خودش نیست

﴿۲۹۳۳﴾ در دنیا مانند فردی باش که در خانه‌ای ساکن است که ملک خودش نیست و منتظر رفتن از آنجاست.

۸-۱-۴-۷- دنیا خانه و مسکن آدمیان نیست

﴿۲۹۳۴﴾ مانند گروهی باشید که... می‌دانند که دنیا برای آن‌ها خانه و مسکن نیست لذا آن را [با قیامت] عوض کردند... در دنیا و از دنیا برای آخرت زاد و توشه‌ای تهیّه کردند که فردا (قیامت) آن‌ها را [در برابر عذاب الهی] محافظت کند.

۸-۱-۴-۸- دنیا گذرگاه آفریده شده است

﴿۲۹۳۵﴾ برای رسیدن به بهشت جاویدان رفتاری متناسب با آن انجام دهید، زیرا دنیا برای زندگی همیشگی شما آفریده نشده؛ بلکه گذرگاهی است تا در آن زاد و توشه‌ی آخرت را بردارید. پس با شتاب آماده‌ی کوچ کردن باشید و مرکب‌های راهوار را برای حرکت مهیا کنید.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْوَهْنُ﴾

٩-١-٨- الدُّنْيَا كَمَثَلِ مَنْزِلٍ نَزَلَتْهُ سَاعَةً

﴿٢٩٣٦﴾ الباقِرُ عليه السلام: فَأَنْزَلَ نَفْسَكَ مِنَ الدُّنْيَا كَمَثَلِ مَنْزِلٍ نَزَلَتْهُ سَاعَةً؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ١٦٥

١٠-١-٨- الدُّنْيَا كَمَكَانٍ الْإِسْتِرَاحَةِ

﴿٢٩٣٧﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: وَهُوَ الْقَائِلُ مَا لِي وَالدُّنْيَا إِنَّمَا مَتْلَى وَالدُّنْيَا كَرَآكِبٍ أَذْرَكَهُ الْمَقِيلُ

فِي أَصْلِ شَجَرَةٍ فَقَالَ فِي ظِلِّهَا سَاعَةٌ وَمَضَى؛ بحار الأنوار، ج ١٦، ص ١١٦

﴿٢٩٣٨﴾ سلمان رضي الله عنه: رَوَى أَنَّ سَعْدَ بْنَ أَبِي وَقَّاصٍ دَخَلَ عَلَى سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ يَعُودُهُ فَبَكَى

سَلْمَانُ... أَمَا أَنَا لَا أَبْكِي جَزَعًا مِنَ الْمَوْتِ وَلَا حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا وَلَكِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَهَدَ إِلَيْنَا فَقَالَ لِيَكُنْ بُلْعَةً أَحَدِكُمْ كَزَادِ الرَّآكِبِ وَحَوْلَى هَذِهِ الْأَسَاوِدُ وَإِنَّمَا حَوْلُهُ إِجَانَةٌ وَجَفَنَةٌ وَ

مِطْهَرَةٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٦٣

٥-١-٨- كَالْمُرْتَحِلِ

١-٥-٨- يَرْتَحِلُ الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى رَبِّهِ

﴿٢٩٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مَطِيَّةُ الْمُؤْمِنِ عَلَيْهَا يَرْتَحِلُ إِلَى رَبِّهِ فَأَصْلَحُوا مَطَايَاكُمْ

تَبْلُغَكُمْ إِلَى رَبِّكُمْ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣١٧

﴿٢٩٤٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَأَزْمَعَ التَّرْحَالَ عِبَادُ اللَّهِ الْأَخْيَارُ وَبَاغُوا قَلِيلًا مِنَ الدُّنْيَا لَا يَبْقَى

بِكَثِيرٍ مِنَ الْآخِرَةِ لَا يَقْنَى؛ غرر الحكم، ص ١٤٧

﴿٢٩٤١﴾ فَأَنْزَلَ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ نَزَلَتْ بِهِ وَارْتَحَلَتْ عَنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٨٥

﴿٢٩٤٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُنْ عَنِ الدُّنْيَا عَلَى قُلْعَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢١٥

﴿٢٩٤٣﴾ الكاظم عليه السلام: كُنْ فِي الدُّنْيَا كَسَاكِنِ الدَّارِ لَيْسَتْ لَهُ إِنَّمَا يَنْتَظِرُ الرَّحِيلُ؛ بحار الأنوار،

ج ١، ص ١٥٤

﴿٢٩٤٤﴾ داود عليه السلام: أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا رَدِيفُ الْآخِرَةِ فَسَدُّدُوا وَقَارِبُوا وَادْكُرُوا رَحْلَةَ الدُّنْيَا وَ

ارْجُوا ثَوَابِي وَخَافُوا عِقَابِي؛ سعد السعود، ص ٥٢

٢-١-٨- كُونُوا فِي الدُّنْيَا أَضْيَافًا

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / سبک‌شمردن و بی‌توجهی»

۹-۴-۸-۱- دنیا مانند منزلی است که لحظه‌ای در آن اتراق کرده‌ای

«۲۹۳۶» در این دنیا چنین منزل گزین که آن را همچون باراندازی در نظر گیری که در آن بار انداخته و ساعتی بعد کوچ خواهی کرد.

۱۰-۴-۸-۱- دنیا همچون استراحتگاه است

«۲۹۳۷» [پیامبر ﷺ] پیوسته می‌فرمود: «مرا با دنیا چه کار؟ مَثَل من و دنیا همچون اسب‌سواری است که به استراحتگاه کنار درختی رسیده است، ساعتی در سایه‌ی آن درخت می‌آرامد و به راه می‌افتد».

«۲۹۳۸» روایت شده که سعد بن ابی‌وقاص هنگامی که سلمان بیمار بود به عیادت او رفت. سلمان گریست... و گفت: من از اندوه مرگ نمی‌گیرم و گریه‌ی من از حرص دنیا نیست. لیکن رسول خدا ﷺ با ما عهد کرد و فرمود: «باید متاع ضروری هریک از شما به اندازه‌ی توشه‌ی مسافر باشد». و من اطراف خود این وسایل را می‌بینم و اطراف او تنها یک کوزه و یک کاسه و یک قوری بود.

۵-۱-۸-۱- همچون کوچ‌کننده

۱-۵-۸-۱- مؤمن از دنیا به‌سوی پروردگارش سفر می‌کند

«۲۹۳۹» دنیا وسیله‌ی حمل و نقل مؤمن است که بر آن سوار شده و به‌سوی خدایش می‌رود. پس وسیله‌ی حمل و نقل خود را درست کنید تا شما را به پروردگارتان برساند.

«۲۹۴۰» بندگان شایسته‌ی خداوند آماده کوچ کردن هستند و دنیای اندک و فانی را به آخرت بزرگ و باقی فروخته‌اند.

«۲۹۴۱» آن‌گونه در دنیا فرود آی که در منزلی فرود می‌آیی و اندکی بعد می‌خواهی کوچ کنی.

«۲۹۴۲» دنیا را منزل موقت به حساب آور (در حال کوچ باش).

«۲۹۴۳» در سرای دنیا همچون کسی که خانه از آن او نیست و فقط چشم به راه کوچ کردن است، ساکن شو.

«۲۹۴۴» دنیا در مسیر و در ردیف آخرت است، پس تلاش کنید و نزدیک شوید و یاد کوچ خود از دنیا را کنید، و به امید ثواب من باشید و از عذاب من بترسید.

۲-۵-۸-۱- در دنیا همچون مهمان باشید

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمَوَاجِهَةِ بِالدُّنْيَا / الْوَهْنُ﴾

﴿٢٩٤٥﴾ الرسول ﷺ: كُونُوا فِي الدُّنْيَا أَضْيَافًا وَاتَّخِذُوا الْمَسَاجِدَ بُيُوتًا وَاعْوُدُوا قُلُوبَكُمْ الرِّقَّةَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ١

﴿٢٩٤٦﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ دَارًا وَخَلَقَ لَهَا أَهْلًا وَهِيَ الدُّنْيَا وَجَعَلَ أَوْلِيَاءَهُ أَضْيَافًا عَلَيْهِمْ؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٩٦

﴿٢٩٤٧﴾ الرسول ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ مَنْ فِي الدُّنْيَا ضَيْفٌ وَمَا فِي أَيْدِيهِمْ عَارِيَةٌ وَإِنَّ الضَّيْفَ مُرْتَجِلٌ وَالْعَارِيَّةَ مَرْدُودَةٌ؛ أعلام الدين، ص ٣٤٤
٣-٥-٨- أنظروا في الدنيا نظر الزاهد المفاقر

﴿٢٩٤٨﴾ السجاد عليه السلام: انظروا في الدنيا نظر الزاهد المفاقر لها فإنها تزيد الشاوي الساكنين وتفجع المترف الآمن؛ الكافي، ج ٨، ص ١٧

﴿٢٩٤٩﴾ المجتبي عليه السلام: فَضَعْ عَنْكَ الدُّنْيَا بِتَذَكُّرٍ فِرَاقِهَا وَشِدَّةٍ مَا اشْتَدَّ مِنْهَا بَرَجَاءٍ مَا بَعْدَهَا وَاصْبِرْ حَتَّى تَلْقَى نَبِيكَ ﷺ وَهُوَ عَنْكَ رَاضٍ؛ بحار الأنوار، ج ٢٢، ص ٤١٢
٤-٥-٨- كُنْ عَنِ الدُّنْيَا عَلَى قُلْعَةٍ

﴿٢٩٥٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُنْ عَنِ الدُّنْيَا عَلَى قُلْعَةٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢١٥

٥-٨-١- الإِتْقَالُ

﴿٢٩٥١﴾ الباقر عليه السلام: يَا جَابِرُ أَنْزِلِ الدُّنْيَا مِنْكَ كَمَنْزِلِ نَزْلَتِهِ ثُمَّ أَرَدْتَ التَّحْرُكَ مِنْهُ مِنْ يَوْمِكَ ذَلِكَ أَوْ كَمَالِ اكْتِسَابِهِ فِي مَنَامِكَ وَاسْتَيْقَظْتَ فَلَيْسَ فِي يَدِكَ مِنْهُ شَيْءٌ وَإِذَا كُنْتَ فِي جَنَازَةٍ فَكُنْ كَأَنَّكَ أَنْتَ الْمَحْمُولُ وَكَأَنَّكَ سَأَلْتَ رَبَّكَ الرَّجْعَةَ إِلَى الدُّنْيَا لِتَعْمَلَ عَمَلًا مَنْ عَاشَ فَإِنَّ الدُّنْيَا عِنْدَ الْعُلَمَاءِ مِثْلُ الظِّلِّ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٢٦

٦-٨-١- التَّحَوُّلُ

﴿٢٩٥٢﴾ الباقر عليه السلام: يَا جَابِرُ أَنْزِلِ الدُّنْيَا مِنْكَ كَمَنْزِلِ نَزْلَتِهِ تُرِيدُ التَّحَوُّلَ وَهَلِ الدُّنْيَا إِلَّا دَابَّةٌ رَكِبْتَهَا فِي مَنَامِكَ فَاسْتَيْقَظْتَ وَأَنْتَ عَلَى فِرَاشِكَ غَيْرَ رَاكِبٍ وَلَا أَحَدٍ يَعْصِي بِهَا أَوْ كَتُوبٍ لَبِسْتَهُ أَوْ كَجَارِيَةٍ وَطِئْتَهَا يَا جَابِرُ الدُّنْيَا عِنْدَ ذَوِي الْأَلْبَابِ كَفَى الظَّلَالِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥،

ص ١٨٢

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / سبک‌شمردن و بی‌توجهی»

﴿۲۹۴۵﴾ در دنیا همچون مهمان باشید و مساجد را خانه‌های خود بدانید و دل‌هایتان را به رقت و مهربانی عادت دهید.

﴿۲۹۴۶﴾ خداوند خانه‌ای آفرید و برای آن ساکنینی قرار داد، آن خانه دنیاست و دوستانش را مهمان اهل دنیا قرار داد.

﴿۲۹۴۷﴾ ای مردم! هرکس در دنیاست، میهمان است و آنچه که در دستش قرار دارد، عاریه است؛ همانا که میهمان رفتنی است و عاریه به صاحبش برگردانده می‌شود.

۳-۵-۱-۸- به دنیا مانند زاهدان نظر کنید که از آن جدا می‌شود

﴿۲۹۴۸﴾ به دنیا مانند زاهدان نظر کنید که از آن جدا می‌شود زیرا دنیا اهل خود را از جای برمی‌کند و خوشگذران آسوده‌دل را داغدار می‌کند.

﴿۲۹۴۹﴾ به یاد جدایی‌ات از دنیا آن را رها کن و سختی‌های دنیا را به امید راحتی‌های آخرت بر خود آسان گردان و بر بلاها صبر نما تا اینکه پیغمبر خود را ملاقات کنی درحالی‌که از تو خشنود و راضی است.

۴-۵-۱-۸- دنیا را منزل موقت به حساب آور

﴿۲۹۵۰﴾ دنیا را منزل موقت به حساب آور (در حال کوچ باش).

۵-۵-۱-۸- جابه‌جایی

﴿۲۹۵۱﴾ جابر گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: «دنیا را منزل خود کن مانند منزلی که در آن ساکن می‌شوی و سپس می‌خواهی در همان روز از آن کوچ کنی. و یا مانند مالی که در خواب به دست می‌آوری و چون بیدار می‌شوی چیزی از آن همراه تو نیست. و هنگامی که در نزد جنازه‌ای حاضر شدی چنان باش مانند اینکه تو مرده‌ای و از پروردگارت می‌خواهی که تو را به دنیا بازگرداند، برای اینکه همچون کسی که زنده است، عمل کنی. و دنیا در نزد دانشمندان مانند سایه‌ی بعد از ظهر است.»

۶-۵-۱-۸- کوچ کردن

﴿۲۹۵۲﴾ ای جابر! دنیا را منزل خویش کن، مانند منزلی که در آن ساکن می‌شوی و سپس می‌خواهی از آن کوچ کنی. آیا دنیا جز این است که در خوابت بر حیوانی سوار شده‌ای و چون بیدار می‌شوی تو بر رختخوابت هستی و سواره نیستی که هیچ‌کس به آن اعتنا نمی‌کند. و یا دنیا همچون لباس است که آن را می‌پوشی یا زنی که با آن نزدیکی می‌کنی. ای جابر! دنیا در نزد خردمندان و خداشناسان مانند سایه‌ی بعد از ظهر است.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْوَهْنُ﴾

﴿٢٩٥٣﴾ الصادق عليه السلام: كَانَ أَبُو ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ فِي خُطْبَتِهِ يَا مُبْتَغِي الْعِلْمِ كَانَ شَيْئاً مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ شَيْئاً إِلَّا مَا يَنْفَعُ خَيْرُهُ وَيَضُرُّ شَرُّهُ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ... الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ كَمَنْزِلٍ تَحَوَّلَتْ مِنْهُ إِلَى غَيْرِهِ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٤
٨-١-٥-٧- فَكُنْ فِي الدُّنْيَا غَرِيباً

﴿٢٩٥٤﴾ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى بَعْضِ الْأَنْبِيَاءِ إِنْ أَرَدْتَ لِقَائِي غَدًا فِي حَظِيرَةِ الْقُدُسِ فَكُنْ فِي الدُّنْيَا غَرِيباً وَحِيداً مَحْزُوناً مُسْتَوْحِشاً كَالطَّيْرِ الْوَحْدَانِيِّ الَّذِي يَطِيرُ فِي الْأَرْضِ الْقَفْرَةِ وَيَأْكُلُ مِنْ رُءُوسِ الْأَشْجَارِ الثَّمَرَةِ فَإِذَا كَانَ اللَّيْلُ أَوَى إِلَى وَكْرِهِ وَلَمْ يَكُنْ مَعَ الطَّيْرِ إِلَّا اسْتِنَاساً بِي وَاسْتِيحَاشاً مِنَ النَّاسِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٤٤٣

﴿٢٩٥٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ بَعْضَ جَسَدِي فَقَالَ يَا عَبْدَ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ وَكَأَنَّكَ عَابِرُ سَبِيلٍ وَاعْذُذْ نَفْسَكَ فِي الْمَوْتِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٨، ص ١٧٥
﴿٢٩٥٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا أَبَا ذَرٍّ أَحْفَظْ عَنِّي مَا أُوصِيكَ بِهِ تَكُنْ سَعِيداً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ... يَا أَبَا ذَرٍّ كُنْ كَأَنَّكَ فِي الدُّنْيَا غَرِيبٌ أَوْ كَعَابِرِ سَبِيلٍ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٧٥

٨-١-٦- النَّظَرُ بِزَوَالِهِ

٨-١-٦-١- الزَّوَالُ

﴿٢٩٥٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا تَفَكَّرَ فَاعْتَبَرَ وَاعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ فَكَانَ مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الدُّنْيَا عَمَّا قَلِيلٍ لَمْ يَكُنْ وَكَانَ مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الْآخِرَةِ عَنْ قَلِيلٍ لَمْ يَزَلْ وَكُلُّ مَعْدُودٍ مُنْتَقِصٌ وَكُلُّ مُتَوَقَّعٍ آتٍ وَكُلُّ آتٍ قَرِيبٌ دَانٌ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٩١
﴿٢٩٥٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الدُّنْيَا عَنْ قَلِيلٍ لَمْ يَكُنْ وَكَانَ مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الْآخِرَةِ لَمْ يَزَلْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١١٨

﴿٢٩٥٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَلَا تَأْمَنْ مِنْ عَاجِلِ نَزُولِهِ بِكَ وَكَثِيرِ ذِكْرِكَ زَوَالِ أَمْرِ الدُّنْيَا وَانْقِلَابِ دَهْرِهَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ١٤٣
٨-١-٦-٢- الْفَنَاءُ

﴿٢٩٦٠﴾ الباقر عليه السلام: اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى الدُّنْيَا بِالْغِنَى، وَعَلَى الْآخِرَةِ بِالْعَفْوِ؛ كشف الغمة، ج ٢، ص ١٥٠
٨-١-٦-٢-١- الْيَقِينُ بِفَنَاءِ الدُّنْيَا

﴿٢٩٦١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَيَقِنُوا مِنَ الدُّنْيَا بِالْفَنَاءِ وَمِنَ الْآخِرَةِ بِالْبَقَاءِ وَاعْمَلُوا لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ فَكَانَتْكُمْ بِالدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ وَبِالْآخِرَةِ لَمْ تَزَلْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٩

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / سبک‌شمردن و بی‌توجهی»

﴿۲۹۵۳﴾ ابوذر در سخنرانی خود اینچنین گفت: «ای طالب علم! هرچه در دنیا هست، خیرش نفع می‌دهد و شرش ضرر می‌رساند؛ مگر آنکه خداوند رحم کند... دنیا و آخرت مانند خانه‌هایی هستند که از یکی به دیگری می‌روی.»

۷-۵-۱-۸- در دنیا غریب باش

﴿۲۹۵۴﴾ خداوند به عده‌ای از پیامبرانش وحی کرده است که اگر قصد داری که فردای قیامت مرا در بهشت ملاقات کنی، در دنیا غریب و تنها و محزون و بیمناک باش؛ همچون پرنده‌ی تنهایی که در بیابانی پرواز می‌کند و از میوه‌ها و برگ‌های درختان می‌خورد و وقتی شب می‌شود به لانه‌ی خود بازمی‌گردد و هیچ سرمایه‌ای جز انس با من و ترس از مردم ندارد.

﴿۲۹۵۵﴾ روزی رسول خدا ﷺ با دست مبارک خود مرا گرفت و فرمود: «ای عبدالله بن عمر! در دنیا غریب باش (تو را نشناسند) و مانند مسافران زندگی کن. و خود را در میان مردگان ببین و فرض کن که مرده‌ای.

﴿۲۹۵۶﴾ ای ابوذر! وصیت مرا حفظ و عمل کن تا در دنیا و آخرت سعادتمند باشی... و ای ابوذر! در دنیا چون غریبان یا رهگذران باش.

۶-۱-۸- توجه به ناپایداری دنیا

۱-۶-۱-۸- زوال

﴿۲۹۵۷﴾ خدا رحمت کند! مردی را که بیندیشد و عبرت بگیرد و از پس عبرتش بینا گردد که آخرت پایدار و دنیا ناپایدار است و آنچه که در دایره‌ی حساب می‌آید، سرانجام پایان‌پذیر است. و هرچه را که در انتظار و امید آن باشید، بدانید که هر آینده‌ای نزدیک است.

﴿۲۹۵۸﴾ گویا آنچه از دنیا اکنون وجود دارد، به زودی نابود می‌شود و آنچه از امر آخرت محقق می‌شود، پیوسته خواهد بود.

﴿۲۹۵۹﴾ از رسیدن [ناگهانی] زمان قیامت خود را در امان ندان، دائماً به یاد زوال کار دنیا و تغییر احوال روزگار باش.

۲-۶-۱-۸- فنا

﴿۲۹۶۰﴾ خدایا! مرا در دنیا با بی‌نیازی و در آخرت با عفو و گذشت مورد عنایت خود قرار ده.

۱-۲-۶-۱-۸- یقین به فنای دنیا

﴿۲۹۶۱﴾ به نابودی دنیا و جاودانی‌بودن آخرت یقین آورید؛ و برای پس از مرگ عمل کنید، آن‌گونه که گویا در دنیا نبوده‌اید و آخرت است که پابرجاست.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّرْكُ﴾

٢-٢-٨-١-٤-٨- ذِكْرُ فَنَاءِ الدُّنْيَا

﴿٢٩٤٢﴾ الصادق عليه السلام: ثَلَاثُ خِصَالٍ يَحْتَاجُ إِلَيْهَا صَاحِبُ الدُّنْيَا الدَّعَّةُ مِنْ غَيْرِ تَوَانٍ وَ السَّعَةِ مَعَ قَنَاعَةٍ وَ الشَّجَاعَةُ مِنْ غَيْرِ كَسَلَانٍ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ لَا يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَنْسَاهُنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ فَنَاءُ الدُّنْيَا وَ تَصَرُّفُ الْأَحْوَالِ وَ الْآفَاتِ الَّتِي لَا أَمَانَ لَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٣٧

٨-١-٧-٨- التَّعْوِيزُ وَ التَّبْدِيلُ وَ التَّصَرُّفُ وَ الرَّدُّ

٨-١-٧-١- التَّعْوِيزُ

﴿٢٩٤٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَبِيعُوا مَا يَفْنَى بِمَا يَبْقَى وَ تَعَوَّضُوا بِنَعِيمِ الْآخِرَةِ عَنْ شَقَاءِ الدُّنْيَا؛

غرر الحكم، ص ١٤٧

٨-١-٧-٢- التَّبْدِيلُ

﴿٢٩٤٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الرَّابِعُ مَنْ بَاعَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَ اسْتَبَدَّلَ بِالْآجِلَةِ عَنِ الْعَاجِلَةِ؛

غرر الحكم، ص ١٤٧

٨-١-٧-٣- التَّصَرُّفُ

﴿٢٩٤٥﴾ الصادق عليه السلام: ثَلَاثُ خِصَالٍ يَحْتَاجُ إِلَيْهَا صَاحِبُ الدُّنْيَا الدَّعَّةُ مِنْ غَيْرِ تَوَانٍ وَ السَّعَةِ مَعَ قَنَاعَةٍ وَ الشَّجَاعَةُ مِنْ غَيْرِ كَسَلَانٍ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ لَا يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَنْسَاهُنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ فَنَاءُ الدُّنْيَا وَ تَصَرُّفُ الْأَحْوَالِ وَ الْآفَاتِ الَّتِي لَا أَمَانَ لَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٣٧

﴿٢٩٤٦﴾ السَّجَادُ عليه السلام: وَ انْظُرْ فِي تَصَرُّفِ الدَّهْرِ وَ أَحْوَالِهِ فَإِنَّ مَا هُوَ أَتٍ مِنَ الدُّنْيَا كَمَا وَلَّى

مِنْهَا فَاعْتَبِرْ بِهَا... قَالَ أَوْ لَا حُرٍّ يَدْعُ هَذِهِ الْمَظَاظَ لِأَهْلِهَا يَعْنِي الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٤٤

٨-١-٧-٤- الدُّنْيَا عِنْدَهُمْ وَ دِيْعَةُ

﴿٢٩٤٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ أَقْوَامًا كَانَتِ الدُّنْيَا عِنْدَهُمْ وَ دِيْعَةً فَادُّوْهَا إِلَى مَنْ

اَتَمَنَّهُمْ عَلَيْهَا؛ الجعفریات، ص ٢٤٠

٨-٢- الزُّهْدُ وَ التَّرْكُ وَ رَاجِع: كِتَابُ الزُّهْدِ

٨-٢-١- بَدَنُهُ فِي الدُّنْيَا وَ قَلْبُهُ فِي الْآخِرَةِ

﴿٢٩٤٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُنْ فِي الدُّنْيَا بِبَدَنِكَ وَ فِي الْآخِرَةِ بِقَلْبِكَ وَ عَمَلِكَ؛ غرر الحكم، ص ١٤٥

﴿٢٩٤٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ... رَفَعَ عَقْلَهُ عَنْ أَهْلِ الدُّنْيَا فَبَدَنُهُ مَعَ

أَهْلِ الدُّنْيَا وَ قَلْبُهُ وَ عَقْلُهُ مُعَايِنُ الْآخِرَةِ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٦

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

۸-۱-۶-۲-۲ یاد فانی دنیا کردن

«۲۹۶۲» دنیادار نیازمند سه خصلت است: رفاه و آسایش بدون خستگی، و فراوانی همراه با قناعت، و شجاعت عاری از سستی و تنبلی؛ فراموش کردن سه چیز در هیچ حالی شایسته‌ی فرد عاقل نیست: فنا و ناپایداری دنیا، تغییر حالات و آسیب‌های بی‌امان.

۸-۱-۷-۲ تعویض و تبدیل و تغییر و رد کردن

۸-۱-۷-۱ عوض و مقابل

«۲۹۶۳» دنیای فانی را بفروشید تا آنچه باقی است (آخرت) بخرید و دشواری‌ها و بدبختی‌های دنیا را با نعمت‌های آخرت عوض کنید.

۸-۱-۷-۲ تبدیل کردن

«۲۹۶۴» سودمند کسی است که دنیا را به آخرت و زودگذر را برای کسب ماندگار بفروشد.

۸-۱-۷-۳ تغییر

«۲۹۶۵» دنیادار نیازمند سه خصلت است: رفاه و آسایش بدون خستگی، و فراوانی همراه با قناعت، و شجاعت عاری از سستی و تنبلی؛ فراموش کردن سه چیز در هیچ حالی شایسته‌ی فرد عاقل نیست: فنا و ناپایداری دنیا، تغییر حالات و آسیب‌های بی‌امان.

«۲۹۶۶» به تغییرات و دگرگونی‌های روزگار و حالات زمانه توجه کن، زیرا از دنیا آنچه آید، همانی است که رفته و گذشته، پس از آن عبرت بگیر... آیا مرد آزاده‌ای نیست که این پس‌مانده‌ی [دنیا] را برای اهلش واگذار کند؟!

۸-۱-۷-۴ دنیا در نزدشان چون امانت است

«۲۹۶۷» خداوند رحمت کند قومی را که دنیا در نزدشان چون امانتی بود که آن را به صاحبش بازگردانند.

۸-۲-۱ عدم رغبت و ترک و ر.به: کتاب زهد

۸-۲-۱ جسمش همراه اهل دنیا اما دل و عقلش نگران آخرت است

«۲۹۶۸» با جسمت در دنیا باش اما قلب و عملت برای آخرت باشد.

«۲۹۶۹» کسی که تقوای الهی را پیشه کند، عقل خود را از اهل دنیا برمی‌دارد. جسمش همراه اهل دنیا اما دل و عقلش نگران آخرت است.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

٢-٨- بيع الدنيا بالآخرة

﴿٢٩٧٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: بَيْعُوا مَا يَفْنَى بِمَا يَبْقَى وَ تَعَوَّضُوا بِنَعِيمِ الْآخِرَةِ عَنْ شَقَاءِ الدُّنْيَا؛

غررالحكم، ص ١٤٧

﴿٢٩٧١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الرَّابِعُ مَنْ بَاعَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَ اسْتَبَدَلَ بِالْآجِلَةِ عَنِ الْعَاجِلَةِ؛

غررالحكم، ص ١٤٧

﴿٢٩٧٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْعَاقِلُ مَنْ هَجَرَ شَهْوَتَهُ وَ بَاعَ دُنْيَاهُ بِآخِرَتِهِ؛ غررالحكم، ص ٥٣

﴿٢٩٧٣﴾ داود عليه السلام: بَنَى آدَمَ رِهَانِ الْمَوْتِ اعْمَلُوا لِآخِرَتِكُمْ وَ اشْتَرَوْهَا بِالدُّنْيَا وَ لَا تَكُونُوا

كَقَوْمٍ اخَذُوهَا لَهْوًا وَ لَعِبًا؛ سعد السعود، ص ٤٩

﴿٢٩٧٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ارْبَحِ النَّاسَ مَنْ اشْتَرَى بِالدُّنْيَا الْآخِرَةَ؛ غررالحكم، ص ١٤٠

﴿٢٩٧٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ ارْزُقْنِي اشْرَفَ الْقَتْلِ فِي سَبِيلِكَ اَنْصُرْكَ وَ اَنْصُرْ رَسُولَكَ

اشْتَرَى الْحَيَاةَ الْبَاقِيَةَ بِالدُّنْيَا؛ مهج الدعوات، ص ٩٩

﴿٢٩٧٦﴾ لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ بَعْ دُنْيَاكَ بِآخِرَتِكَ تَرْبِحُهُمَا جَمِيعًا وَ لَا تَبْغِ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ

تَخْسِرُهُمَا جَمِيعًا؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٤٢١

﴿٢٩٧٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ ابْتِنَعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ رَبِحَهُمَا؛ غررالحكم، ص ١٤٧

﴿٢٩٧٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اَلَا رَجُلٌ يَشْرِي نَفْسَهُ لِلَّهِ وَ يَبِيعُ دُنْيَاهُ بِآخِرَتِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٤٨٣

﴿٢٩٧٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اَيْنَ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ لِرَبِّهِ، وَ يَبِيعُ دُنْيَاهُ بِآخِرَتِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ٥٤

٣-٨- ترك الدنيا

﴿٢٩٨٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حَصَلُوا الْآخِرَةَ بِتَرْكِ الدُّنْيَا وَ لَا تَحْصُلُوا بِتَرْكِ الدِّينِ الدُّنْيَا؛

غررالحكم، ص ١٤٠

﴿٢٩٨١﴾ الرسول ﷺ: مَنْ اخْتَارَ الْآخِرَةَ وَ تَرَكَ الدُّنْيَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ غُفِرَ لَهُ مَسَاوِي

عَمَلِهِ؛ وسائل الشريعة، ج ١٥، ص ٢٠٩

﴿٢٩٨٢﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ اِنَّ الْعُقَلَاءَ تَرَكَوا فُضُولَ الدُّنْيَا فَكَيْفَ الذُّنُوبَ وَ تَرَكَوا الدُّنْيَا

مِنْ الْفَضْلِ وَ تَرَكَوا الذُّنُوبَ مِنْ الْفَرَضِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ٢١

﴿٢٩٨٣﴾ الرسول ﷺ: وَ اَتْرَكُوا مِنَ الدُّنْيَا مَا يَشْغَلُكُمْ عَنِ الْآخِرَةِ... وَ الدُّنْيَا قَطَعَتْ رِقَابَ

طَالِبِيهَا وَ الرَّاغِبِينَ إِلَيْهَا؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٧٤

﴿٢٩٨٤﴾ عيسى عليه السلام: يَا طَالِبَ الدُّنْيَا لِتَبْرَّ، تَرْكُكَ الدُّنْيَا أَكْبَرُ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣٤

﴿٢٩٨٥﴾ الرسول ﷺ: وَ مَنْ ارَادَ الْآخِرَةَ تَرَكَ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١١١

﴿٧٩٠﴾

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

۸-۲-۲ فروش دنیا در مقابل آخرت

﴿۲۹۷۰﴾ دنیای فانی را بفروشید تا آنچه باقی است (آخرت) بخرید و دشواری‌ها و بدبختی‌های دنیا را با نعمت‌های آخرت عوض کنید.

﴿۲۹۷۱﴾ سودمند کسی است که دنیا را به آخرت و زودگذر را برای کسب ماندگار بفروشد.

﴿۲۹۷۲﴾ عاقل کسی است که شهوتش را ترک کند و دنیایش را به آخرتش بفروشد.

﴿۲۹۷۳﴾ ای فرزندان آدم، ای گروگان‌های مرگ، برای آخرتتان تلاش کنید و با دنیا آن را بخرید، و مانند قومی نباشید که آخرت را لِه و لعب فرض کرده‌اند.

﴿۲۹۷۴﴾ سودمندترین مردم کسی است که به‌وسیله‌ی دنیا آخرت را بخرد.

﴿۲۹۷۵﴾ خدایا بهترین مرگ را نصیب من کن. طوری که یاور تو و رسولت باشم و زندگی آخرت را به‌وسیله‌ی دنیا بخرم.

﴿۲۹۷۶﴾ ای پسر! دنیایت را به آخرت بفروش در این‌صورت در هر دوی آن‌ها سود می‌کنی، ولی آخرت را به دنیا نفروش چون هر دو را از دست می‌دهی.

﴿۲۹۷۷﴾ کسی که آخرتش را به‌وسیله‌ی دنیایش بخرد، در هر دو سود کرده است.

﴿۲۹۷۸﴾ آیا مردی نیست که بخواهد خود را برای خدا و دنیایش را به آخرتش بفروشد؟!

﴿۲۹۷۹﴾ کجاست آنکه جان خود را به پروردگارش می‌فروشد و دنیا را می‌دهد و آخرت را می‌ستاند؟!

۸-۲-۳ ترک دنیاکردن

﴿۲۹۸۰﴾ آخرت را با ترک دنیا به دست آورید و با ترک دین دنیا را کسب نکنید.

﴿۲۹۸۱﴾ هرکس آخرت را بر دنیا برگزیند و دنیا را ترک کند، خداوند از او راضی شده و در برابر عملش از او راضی می‌شود.

﴿۲۹۸۲﴾ ای هشام، همانا خردمندان زیاده بر احتیاج دنیا را کنار نهادند تا چه رسد به گناهان، با اینکه ترک دنیا فضیلت است و ترک گناه لازم.

﴿۲۹۸۳﴾ کارهایی که در دنیا شما را از آخرت باز می‌دارد، واگذارید... دنیا گردن طالبین خود را قطع کرد و آنان که رغبت و میل به آن داشتند نیز به همین سرنوشت گرفتار شدند.

﴿۲۹۸۴﴾ ای طالب دنیا به دنبال چیز بهتر برو که ترک دنیا برای تو بهتر است.

﴿۲۹۸۵﴾ هرکس آخرت را طلب کند، باید زیور زندگی دنیا را کنار بگذارد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزَّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

﴿٢٩٨٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا يُدْرِكُ أَحَدٌ مَا يُرِيدُ مِنَ الْآخِرَةِ إِلَّا بِتَرْكِ مَا يَشْتَهِي مِنَ الدُّنْيَا؛

غررالحكم، ص ١٤٧

﴿٢٩٨٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ إِلَّا فِي إِحْدَى مَنْزِلَتَيْنِ أَمَّا فِي الْغَايَةِ

الْقُصْوَى مِنْ مَطَالِبِ الدُّنْيَا وَ أَمَّا فِي الْغَايَةِ الْقُصْوَى مِنَ التَّوَكُّلِ لَهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٠٤

﴿٢٩٨٨﴾ الكاظم عليه السلام: تَرَكَ الدُّنْيَا مِنَ الْعَقْلِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٣٤

﴿٢٩٨٩﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنَّ الدُّنْيَا خَلَقَهَا اللَّهُ بِمَنْزِلَةٍ ظَلَمَ أَنْ تَطْلُبَهُ أَتْبَعَكَ وَ لَا تَلْحَقَهُ أَبَدًا

وَ إِنْ تَرَكَتَهُ تَبِعَكَ وَ أَنْتَ مُسْتَرِيحٌ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٦٠

﴿٢٩٩٠﴾ الرسول ﷺ: وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ تَرَكَ زِينَةَ الدُّنْيَا فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ اسْتَحَى مِنَ

اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ؛ روضة الواعظين، ج ٢، ص ٤٦٠

﴿٢٩٩١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْحَازِمُ مَنْ تَرَكَ الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ؛ غررالحكم، ص ١٤٧

﴿٢٩٩٢﴾ الرسول ﷺ: وَمَنْ عَرَضَتْ لَهُ دُنْيَا وَ آخِرَةٌ فَاخْتَارَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ

جَلَّ وَ لَبِستَ لَهُ حَسَنَةً تَتَقَى بِهَا النَّارَ وَ مَنْ أَخَذَ الْآخِرَةَ وَ تَرَكَ الدُّنْيَا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ

رَاضٍ عَنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٣٦١

﴿٢٩٩٣﴾ عيسى عليه السلام: مِنْ خُبْرِ الدُّنْيَا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى غُصِي فِيهَا وَ أَنَّ الْآخِرَةَ لَا تُنَالُ إِلَّا

بِتَرْكِهَا عليه السلام؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ٧٨

﴿٢٩٩٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْمُؤْمِنُ الْمُصِيبُ مَنْ يَفْعَلُ ثَلَاثًا مَنْ يَتْرُكُ الدُّنْيَا قَبْلَ أَنْ تَتْرُكَهُ وَ

يَبْنِي قَبْرَهُ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَهُ وَ يُرْضَى رَبَّهُ قَبْلَ أَنْ يَلْقَاهُ؛ معدن الجواهر، ص ٣٣

﴿٢٩٩٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مِنْ ذِمَامَةِ الدُّنْيَا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ لَا يُنَالَ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِتَرْكِهَا؛

غررالحكم، ص ١٤٣

﴿٢٩٩٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَسْعَدُ النَّاسِ بِالدُّنْيَا التَّارِكُ لَهَا وَ أَسْعَدُهُمْ بِالْآخِرَةِ الْعَامِلُ لَهَا؛

غررالحكم، ص ١٤٧

﴿٢٩٩٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا دُنْيَا فَحَبْلُكَ عَلَى غَارِبِكَ قَدْ انْسَلَكْتُ مِنْ مَخَالِبِكَ وَ أَفْلَتُ

مِنْ حَبَائِلِكَ وَ اجْتَنَبْتُ الذَّهَابَ فِي مَدَاحِصِكَ أَيْنَ الْقُرُونُ الَّذِينَ غَرَّرْتَهُمْ بِمَدَائِعِكَ أَيْنَ الْأُمَمُ

الَّذِينَ فَتَنْتَهُمْ بِزَخَارِفِكَ هَا هُمْ رَهَائِنُ الْقُبُورِ وَ مَضَامِينُ اللُّحُودِ وَ اللَّهُ لَوْ كُنْتُ شَخْصًا مَرْتَبًا وَ

قَالَباً حَسِيًّا لَأَقْمْتُ عَلَيْكَ حُدُودَ اللَّهِ فِي عِبَادٍ غَرَّرْتَهُمْ بِالْأَمَانِيِّ وَ أَمَمٍ أَلْقَيْتَهُمْ فِي الْمَهَاوِي وَ

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

«۲۹۸۶» هیچ‌کس به خواسته‌ی اخروی خود دست نمی‌یابد؛ مگر اینکه آنچه در دنیا خواهان کسب آن است، ترک کند.

«۲۹۸۷» عاقل فقط دریکی از این دو حالت است: یا در نهایت طلب دنیا است [آخرت را از دست داده حداقل از دنیا هرچه بخواهد، داشته باشد] و یا در نهایت ترک دنیا است [تا آخرت را کسب کند].

«۲۹۸۸» ترک دنیا امری عاقلانه است.

«۲۹۸۹» خداوند متعال دنیا را مانند سایه‌ی تو آفریده که اگر دنبالش کنی مثل تو می‌رود و هرگز به آن نمی‌رسی اما اگر رهاش کنی، او به دنبال تو می‌آید و تو آسوده هستی.

«۲۹۹۰» هرکس آخرت را بخواهد، زینت این دنیا را رها می‌کند. و هرکس چنین کند، در مقابل خداوند حیا به خرج داده و حق آن را ادا کرده است.

«۲۹۹۱» دوراندیش کسی است که دنیا را به خاطر آخرت ترک کند.

«۲۹۹۲» هر که بر سر دو راهی دنیا و آخرت دچار شود و دنیا را بر آخرت برگزیند، روز قیامت خدا را ملاقات کند و حسنه‌ای ندارد که بدان از دوزخ پناه گیرد و اگر آخرت را به دنیا برگزید و ترک دنیا کرد، خدا از او خشنود است.

«۲۹۹۳» از پلیدی دنیا است که معصیت خدا در آن صورت می‌گیرد و کسی جز با ترک دنیا به آخرت نمی‌رسد.

«۲۹۹۴» مؤمن رستگار آن کسی است که سه کار را به جا آورده باشد؛ دنیا را پیش از آنکه دنیا او را ترک کند و بر او پشت نماید، ترک کند و قبر خود را پیش از آنکه داخل آن شود، بنا کند و پروردگار خود را پیش از آنکه او را ملاقات نماید، خشنود کند.

«۲۹۹۵» از نشانه‌های مذموم بودن دنیا نزد خداوند این است که جز با ترک دنیا، نمی‌توان به آنچه نزد خداست دست یافت.

«۲۹۹۶» سعادتمندترین فرد در دنیا کسی است که آن را ترک کند و سعادتمندترین فرد در آخرت کسی است که برای آخرت کار کند.

«۲۹۹۷» ای دنیا از من دور شو! مهارت را بر پشت تو نهاده و از چنگال‌های تو رهایی یافتم و از دام‌های تو نجات یافته و از لغزشگاه‌های دوری گزیده‌ام. کجایند بزرگانی که به بازیچه‌ی خود فریبشان داده‌ای؟! کجایند امت‌هایی که با زر و زیور آن‌ها را فریفتی که اکنون در گورها گرفتارند! و درون لحدها پنهان شده‌اند. ای دنیا به خدا سوگند! اگر شخصی دیدنی بودی و قالب حس‌کردنی داشتی، حدّ خدا را بر تو جاری می‌کردم؛ چراکه بندگانی را با آرزوهایت فریب دادی و

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

مَلُوكٍ أَسْلَمَتْهُمْ إِلَى التَّلَفِ وَأَوْرَدَتْهُمْ مَوَارِدَ الْبَلَاءِ إِذْ لَمْ يَأْتِ وَرَدٌ وَلَمْ يَصِدْرَ هَيْهَاتَ مَنْ وَطِئَ دَحْضَكَ زَلَقٌ وَمَنْ رَكِبَ لُجْجَكَ غَرِقَ وَمَنْ أَزْوَرَ عَنْ حَبَالِكَ وَفَّقَ وَالسَّلَامُ مِنْكَ لَا يَبَالِي إِنْ ضَاقَ بِهِ مَنَاحُهُ وَالْدُّنْيَا عِنْدَهُ كَيَوْمٍ حَانَ أَنْسِلَاخُهُ اغْزُبِي عَنِّي؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٤٧٤

﴿٢٩٩٨﴾ الصادق عليه السلام: وَأَتْرَكَ مِنَ الدُّنْيَا مَا بَكَ الْغِنَى عَنْهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٥

﴿٢٩٩٩﴾ الباقر عليه السلام: يَا عَبْدَ الْغَفَّارِ إِنْ دُخِلَكَ عَلَى السُّلْطَانِ يَدْعُو إِلَى ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ مَحَبَّةِ الدُّنْيَا وَ نِسْيَانِ الْمَوْتِ وَ قَلَّةِ الرِّضَا بِمَا قَسَمَ اللَّهُ... إِنْ لَسْتُ أَمُرُّكَ بِتَرْكِ الدُّنْيَا بَلْ أَمُرُّكَ بِتَرْكِ الذُّنُوبِ فَتَرْكِ الدُّنْيَا فَضِيلَةٌ وَ تَرْكِ الذُّنُوبِ فَرِيضَةٌ؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٣٥٨

﴿٣٠٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا وَ الرَّاعِبِينَ فِي الْآخِرَةِ أُولَئِكَ قَوْمٌ اتَّخَذُوا أَرْضَ اللَّهِ بَسَاطَةً وَ تُرَابَهَا فِرَاشًا وَ مَاءَهَا طَيْبًا وَ الْكِتَابَ شِعَارًا وَ الدُّعَاءَ دِتَارًا ثُمَّ تَرَكَوا الدُّنْيَا تَرَكَاً عَلَى مِنْهَاجِ الْمَسِيحِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ع؛ بحار الأنوار، ج ٥٠، ص ٣١٥

﴿٣٠١﴾ الكاظم عليه السلام: يَا عَبِيدَ الدُّنْيَا بَحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ لَا تَذُرُّونَ شَرَفَ الْآخِرَةِ إِلَّا بِتَرْكِ مَا تُحِبُّونَ... إِنْ أَجْزَعَكُمْ عِنْدَ الْبَلَاءِ لَا شَدُّكُمْ حُبًّا لِلدُّنْيَا وَ إِنْ أَصْبَرَكُمْ عَلَى الْبَلَاءِ لَا زَهْدَكُمْ فِي الدُّنْيَا... يَا عَبِيدَ الدُّنْيَا إِنَّمَا مِثْلُكُمْ مِثْلُ السَّرَاجِ يُضِيءُ لِلنَّاسِ وَ يُحْرِقُ نَفْسَهُ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٤٥

٨-٢-٤- التَّوْبَةُ

﴿٣٠٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فَرُّوا مِنْ فُضُولِ الدُّنْيَا كَمَا تَفَرُّونَ مِنَ الْحَرَامِ وَ هَوِّنُوا عَلَى أَنْفُسِكُمُ الدُّنْيَا كَمَا تَهَوِّنُونَ الْجِيفَةَ وَ تَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ مِنْ فُضُولِ الدُّنْيَا وَ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِكُمْ تَنْجُوا مِنْ شِدَّةِ الْعَذَابِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥٣

٨-٢-٥- تَجَرُّدُ الْخَوَاطِرِ

﴿٣٠٣﴾ السَّجَّاد عليه السلام: وَ خُذْنِي مِنْهَا حَتَّى تَتَجَرَّدَ خَوَاطِرُ الدُّنْيَا عَنْ قَلْبِي مِنْ بَرْدِ خَشْيَتِي مِنْكَ وَ ارْزُقْنِي قَلْبًا وَ لِسَانًا يَتَجَارَيَانِ فِي دَمِّ الدُّنْيَا وَ حُسْنِ التَّجَافِي مِنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٥٣

٨-٢-٦- جَعْلُ الدُّنْيَا شَوْكًا

﴿٣٠٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اجْعَلِ الدُّنْيَا شَوْكًا وَ انْظُرْ أَيْنَ تَضَعُ قَدَمَكَ مِنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٢

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

ملت‌هایی را به هلاکت افکندی و قدرتمندانی را تسلیم نابودی کردی و هدف انواع بلاها قرار دادی که دیگر راه پس و پیش ندارند. اما هیپهات! کسی که در لغزشگاه تو قدم بگذارد، سقوط خواهد کرد و آن کس که بر امواج تو سوار شد، غرق گردید. کسی که از دام‌های تو رهایی یافت پیروز شد، آن کس که از تو به سلامت گذشت نگران نیست که جایگاهش تنگ است، زیرا دنیا در پیش او چنان روزی است که گذشت.

﴿۲۹۹۸﴾ از دنیا آنچه را که از آن بی‌نیاز هستی رها کن .

﴿۲۹۹۹﴾ ای عبدالغفار! رفتن تو پیش سلطان، تو را به سه چیز می‌کشانند: دوستی دنیا، فراموشی مرگ و نارضایتی به آنچه خدا به تو داده است... من تو را به ترک دنیا امر نمی‌کنم، بلکه به ترک گناهان امر می‌کنم. ترک دنیا فضیلت است و ترک گناهان فریضه و تو به انجام فریضه از کسب فضیلت، نیازمندتری.

﴿۳۰۰۰﴾ خوش به حال کسانی که در دنیا پارسا هستند و دل به آخرت بسته‌اند؛ کسانی که زمین را برای خود فرش قرار داده‌اند و خاکِ زمین بستر ایشان و آب گوارا بوی خوش آن‌هاست. کتاب خدا را شعار و دعا را شغل خود قرار داده‌اند. آنان مانند عیسی‌بن‌مریم علیه السلام از دنیا دل بریده‌اند.

﴿۳۰۰۱﴾ ای دنیاپرستان، به حق برایتان می‌گویم به شرفِ آخرت، جز با ترک آنچه دوست دارید، نخواهید رسید... قطعاً بی‌تاب‌ترین شما هنگام بلا، دنیا‌دوست‌ترین شماست، و صبورترین شما بر بلا، زاهدترین شما به دنیا می‌باشد... ای دنیاپرستان، شما همچون چراغی هستید که به مردم نور می‌دهد ولی خود را می‌سوزاند!

۸-۲-۴ توبه کردن

﴿۳۰۰۲﴾ از زیاده‌ی دنیا (امور مباح که ضرورتی به آن‌ها نیست) همان‌گونه که از حرام‌های دنیا فرار می‌کنید، فرار کنید. و دنیا را در نظر خود مانند لاشه‌ی پست و بی‌ارزش، پست کنید. و از فضولات دنیا و اعمال بد خود به‌سوی خدا توبه کنید تا از شدت عذاب نجات یابید.

۸-۲-۵ زدوده شدن خاطرات دنیا

﴿۳۰۰۳﴾ مرا چنان از خودخواهی دور کن که به‌واسطه‌ی ترسی که از تو دارم، خاطرات دنیا از دلم زدوده شود. خدایا به من دل و زبانی بده که در راه عیبجویی دنیا و کناره‌گیری صحیح از آن حرکت کنم.

۸-۲-۶ دنیا را خارستان حساب کردن

﴿۳۰۰۴﴾ دنیا را خارستانی حساب کن، متوجه باش پای خود را کجا می‌گذاری.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزَّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

٧-٢-٨- مُجَانِبَةُ شُبُهَاتِ الدُّنْيَا

﴿٣٠٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ... رَفَعَ عَقْلَهُ عَنْ أَهْلِ الدُّنْيَا فَبَدَنَهُ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا وَقَلْبُهُ وَعَقْلُهُ مُعَايِنُ الْآخِرَةِ فَأَطْفَأَ بَصُوءَ قَلْبِهِ مَا أَبْصَرَتْ عَيْنَاهُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا فَقَدَّرَ حَرَامَهَا وَجَانِبَ شُبُهَاتِهَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٦

٨-٢-٨- الحذر

﴿٣٠٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُنْ أَنْسَ مَا تَكُونُ بِالدُّنْيَا أَحْذَرُ مَا تَكُونُ مِنْهَا؛ غررالحكم،

ص ١٣٨

﴿٣٠٧﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ احْذَرِ هَذِهِ الدُّنْيَا وَاحْذَرِ أَهْلَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣١٤

﴿٣٠٨﴾ السَّجَّاد عليه السلام: فَاحْذَرُوا زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَغُرُورَهَا وَشُرُورَهَا وَتَذَكَّرُوا ضَرَرَ

عَاقِبَةِ الْمَيْلِ إِلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٢٨

﴿٣٠٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَأَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا دَارُ شُخُوصٍ وَمَحَلَّةُ تَنَغِيصٍ؛ بحار الأنوار،

ج ٧٠، ص ١٣٣

﴿٣١٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: احْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّ فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَفِي حَرَامِهَا عِقَابٌ؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٣

﴿٣١١﴾ الرسول ﷺ: احْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَسْحَرُ مِنْ هَارُوتَ وَمَارُوتَ؛ مجموعة ورام، ج ١،

ص ١٣١

﴿٣١٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: احْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا عَدُوَّةُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَعَدُوَّةُ أَعْدَائِهِ أَمَّا أَوْلِيَاؤُهُ

فَعَمَّتْهُمْ وَأَمَّا أَعْدَاؤُهُ فَعَرَّتْهُمْ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١١٥

﴿٣١٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: احْذَرِ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا شَبَكَةُ الشَّيْطَانِ وَمَقْسَدَةُ الْإِيمَانِ؛ غررالحكم،

ص ١٣٨

﴿٣١٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الزَّاهِدُ [فِي الدُّنْيَا] مَنْ وُعِظَ فَاتَّعَظَ وَمَنْ عَلِمَ فَعَمِلَ وَمَنْ أَتَقَنَ

فَحَذَرَ فَالزَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا قَوْمٌ وُعِظُوا فَاتَّعَظُوا وَاتَّقَنُوا فَحَذَرُوا وَعَلِمُوا فَعَمِلُوا إِنْ أَصَابَهُمْ يُسْرٌ

شَكَرُوا وَإِنْ أَصَابَهُمْ غُسْرٌ صَبَرُوا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٤

﴿٣١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَلَا وَ مَا يَصْنَعُ الدُّنْيَا مِنْ خُلُقٍ لِلْآخِرَةِ وَ مَا يَصْنَعُ بِالْمَالِ مَنْ عَمَّا

قَلِيلٍ يُسَلِّبُهُ وَ يَبْقَى عَلَيْهِ حِسَابُهُ وَ تَبَعْتُهُ؛ غررالحكم، ص ١٤٢

﴿٣١٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١١٢

﴿٧٩٦﴾

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

۸-۲-۷ دوری کردن از شبهه‌های دنیا

﴿۳۰۵﴾ کسی که تقوای الهی را پیشه کند، عقل خود را از اهل دنیا برمی‌دارد. جسمش همراه اهل دنیا اما دل و عقلش نگران آخرت است. پس به‌وسیله‌ی نور دلش آنچه چشمانش از دوستی دنیا می‌بیند، خاموش می‌کند. حرام دنیا را ناپاک می‌داند و از شبهه‌ناک آن دوری می‌نماید.

۸-۲-۸ حذر کردن

﴿۳۰۶﴾ وقتی که به دنیا [به خاطر وفور نعمت] بیشتر انس می‌گیری، بیشتر [به هوش باش و بیشتر] از آن حذر کن.

﴿۳۰۷﴾ ای هشام، از این دنیا و اهلش حذر کن.

﴿۳۰۸﴾ از خوشی‌های نقد دنیا و فریب و آسایش برحذر باشید و هوشیار! و سرانجام زیانبار میل به دنیا را به خاطر بیاورید.

﴿۳۰۹﴾ شما را از گرایش به دنیا برحذر می‌دارم؛ دنیا شما را ناراحت می‌کند و زندگی شما را بر هم می‌زند.

﴿۳۱۰﴾ از دنیا بپرهیزید که در حلال آن حساب و در حرامش کیفر است.

﴿۳۱۱﴾ از دنیا برحذر باشید که آن از هاروت و ماروت، جادوگرتر است.

﴿۳۱۲﴾ از دنیا بر حذر باشید که هم دشمن دوستان خداست و هم دشمن دشمنانش؛ دوستان خدا را غمگین می‌سازد و دشمنانش را فریب می‌دهد.

﴿۳۱۳﴾ از دنیا برحذر باش! پس به‌درستی که آن دام شیطان و جایگاه فساد ایمان است.

﴿۳۱۴﴾ افراد زاهد را در دنیا به این علامات بشناسید؛ آن‌ها کسانی هستند که وقتی موعظه می‌شوند، پند می‌گیرند. و هنگامی که از عذاب خدا ترسانده می‌شوند، می‌ترسند. از آنچه سبب عذاب می‌گردد دوری می‌کنند. و هرگاه علم را آموختند، به آن عمل می‌کنند. اگر آسانی و گشایشی به آن‌ها برسد شکر می‌کنند و اگر سختی به آن‌ها برسد صبر می‌کنند.

﴿۳۱۵﴾ آگاه باشید! کسی که برای آخرت خلق شده چه کاری به دنیا دارد و کسی که به خاطر اندک مالی که از او گرفته شده و جز حساب و کتاب و سختی آن برایش نمانده، با مال و دارایی چه می‌خواهد بکند؟!

﴿۳۱۶﴾ من شما را از دنیا برحذر می‌دارم .

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

٨-٢-٩- التَّحَرُّجُ

﴿٣٠١٧﴾ الرسول ﷺ: سَأَلَ النَّبِيُّ ﷺ عَنْ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ تَفْسِيرِ الزُّهْدِ قَالَ الزَّاهِدُ يُحِبُّ مَنْ يُحِبُّ خَالِقَهُ وَ يُبْغِضُ مَنْ يُبْغِضُ خَالِقَهُ وَ يَتَحَرَّجُ مِنْ حَلَالِ الدُّنْيَا وَ لَا يَلْتَفِتُ إِلَى حَرَامِهَا فَإِنَّ حَلَالَهَا حِسَابٌ وَ حَرَامِهَا عِقَابٌ وَ يَرْحَمُ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ كَمَا يَرْحَمُ نَفْسَهُ وَ يَتَحَرَّجُ مِنَ الْكَلَامِ كَمَا يَتَحَرَّجُ مِنَ الْمَيْتَةِ الَّتِي قَدْ اشْتَدَّ نَتْنُهَا وَ يَتَحَرَّجُ عَنْ حُطَامِ الدُّنْيَا وَ زِينَتِهَا كَمَا يَتَجَنَّبُ النَّارَ أَنْ يَغْشَاهَا؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣١٢

٨-٢-١٠- التَّحَرُّزُ

﴿٣٠١٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: تَحَرَّزْ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ فَنَاءَهَا، مَحَلُّ فَنَاءٍ لَا مَحَلَّ بَقَاءٍ، فَصَفْوَتُهَا مَمْرُوجَةٌ بِكَدُورَةٍ، وَ رَاحَتُهَا مَقْرُونَةٌ بِعَنَاءٍ؛ ديوان الإمام علي عليه السلام، ص ٣٦

٨-٢-١١- الْحُمَى

﴿٣٠١٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: دَوَاءُ النَّفْسِ الصَّوْمُ عَنِ الْهَوَى وَ الْحِمِيَّةُ عَنِ لَذَاتِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ٢٣٥

﴿٣٠٢٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي أَنْ يَتَدَاوَى الْمَرْءُ مِنْ آدَوَاءِ الدُّنْيَا كَمَا يَتَدَاوَى ذُو الْعِلَّةِ وَ يَخْتَمِي مِنْ شَهَوَاتِهَا وَ لَذَائِهَا كَمَا يَخْتَمِي الْمَرِيضُ؛ غرر الحكم، ص ٢٤٠

﴿٣٠٢١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا حَمَاهُ الدُّنْيَا كَمَا يَحْمِي أَحَدُكُمْ مَرِيضَهُ مِنْ الْمَاءِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٣٢

٨-٢-١٢- إِخْرَاجُ الْقَلْبِ مِنَ الدُّنْيَا

﴿٣٠٢٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أَبْدَانُكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣٤

﴿٣٠٢٣﴾ السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا كَمَا فَعَلْتَ بِالصَّالِحِينَ مِنْ صَفْوَتِكَ وَ الْأَبْرَارِ مِنْ خَاصَّتِكَ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٥٢

﴿٣٠٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَخْرِجُوا الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِكُمْ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أَجْسَادُكُمْ فَفِيهَا اخْتَبِرْتُمْ وَ لَغَيْرِهَا خُلِفْتُمْ؛ غرر الحكم، ص ١٤٠

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

۸-۲-۹- دوری کردن

﴿۳۰۱۷﴾ پیامبر ﷺ از جبرئیل درباره‌ی تفسیر زهد پرسید، جبرئیل فرمود: «زاهد کسی است که هر آنچه را که خالقش دوست می‌دارد، دوست ندارد و از هر آنچه که خالقش مکروه می‌دارد، کراهت داشته باشد و در بهره‌مندی از حلال دنیا احتیاط کند و از حرام دنیا به کلی اجتناب ورزد؛ چراکه برای حلال دنیا مورد حساب و کتاب قرار می‌گیرد و استفاده از حرام دنیا عذاب و عقاب را برای او به همراه دارد. و همان‌طور که به خود رحم می‌کند، به همه‌ی مسلمانان رحم کند و همان‌طور که از مردار متعفن و بدبو می‌پرهیزد، از سخن گفتن پرهیز می‌کند و همان‌طور که از آتش می‌ترسد و خود را از آن دور نگه می‌دارد، از زیور و زینت‌های دنیا خود را دور می‌کند».

۸-۲-۱۰- دوری کردن

﴿۳۰۱۸﴾ از دنیا دوری کن که دنیا محل رفتن است نه ماندن؛ صفای دنیا به کدورت آکنده است و هرگونه آسایشی در آن با سختی درآمیخته است.

۸-۲-۱۱- دور شدن

﴿۳۰۱۹﴾ درمان و داروی نفس، دست‌کشیدن از هوی و هوس و منع‌شدن از لذت‌های دنیا است.

﴿۳۰۲۰﴾ سزاوار است که انسان دردهای دنیا را مداوا کند، همان‌طوری که مریض برای دردهایش دارو مصرف می‌کند و باید از شهوت‌ها و لذت‌ها پرهیز کند، همان‌طوری که مریض از چیزهایی که برایش مضر است، پرهیز می‌کند.

﴿۳۰۲۱﴾ وقتی خداوند بنده‌ای را دوست داشته باشد [و برای او دلسوز باشد]، همان‌طور که یکی از شما، مریضش را [از سر دلسوزی و به خاطر مضر بودن] از آب منع می‌کند، دنیا را از او دور می‌کند.

۸-۲-۱۲- خارج کردن دل از دنیا

﴿۳۰۲۲﴾ دل‌هایتان را از دنیا خارج کنید قبل از اینکه بدن‌هایتان از آن خارج شوند.
﴿۳۰۲۳﴾ و محبت دنیا را از دل ما بیرون کن، آن‌گونه که درباره‌ی نیکوکاران برگزیده‌ات و خاصان نیکوکردارت انجام دادی، به حق مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان و ای گرمی‌ترین گرمیان!

﴿۳۰۲۴﴾ پیش از اینکه جسم‌های شما از دنیا بیرون رود، دل‌های خود را از دنیا بیرون کنید. شما در دنیا آزمایش می‌شوید و برای چیز دیگری (آخرت) آفریده شده‌اید.
﴿۷۹۹﴾

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزَّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

﴿٣٠٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاعْرِضُوا مِنْ قُلُوبِكُمْ حُبَّ الدُّنْيَا؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٦١

﴿٣٠٢٦﴾ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عليه السلام إِنْ كُنْتَ تُحِبُّنِي فَاعْرِضْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِكَ فَإِنَّ حُبِّي وَ حُبَّهَا لَا يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٨
١٣-٢-٨- التَّخَلِّي

﴿٣٠٢٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِذَا تَخَلَّى الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا سَمًا وَ وَجَدَ حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ فَلَمْ يَشْتَغِلُوا

بغيره؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ١٣

﴿٣٠٢٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الزَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا كُلَّمَا زَادَتْ لَهُ تَحَلِّيًّا زَادَتْ عَنْهَا تَخَلِّيًّا؛

بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٨١

١٤-٢-٨- الإِدْبَارُ

﴿٣٠٢٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكَ إِنْ أَذْبَرْتَ عَنِ الدُّنْيَا أَقْبَلْتَ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

١٥-٢-٨- الدَّفْعُ

﴿٣٠٣٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِدْفَعْ الدُّنْيَا بِمَا انْدَفَعْتَ، وَ أَقْطَعْ الدُّنْيَا بِمَا انْقَطَعَتْ؛ إرشاد القلوب،

ج ١، ص ١٩

﴿٣٠٣١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ادْفَعْ الدُّنْيَا بِمَا يَحْضُرُكَ مِنَ الزَّادِ وَ تَبَلَّغْ بِهِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٩

١٦-٢-٨- المَدَاوَاةُ

﴿٣٠٣٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي أَنْ يَتَدَاوَى الْمَرْءُ مِنَ آدَوَاءِ الدُّنْيَا كَمَا يَتَدَاوَى ذُو الْعِلَّةِ وَ

يَحْتَمِي مِنْ شَهَوَاتِهَا وَ لَذَائِهَا كَمَا يَحْتَمِي الْمَرِيضُ؛ غرر الحكم، ص ٢٤٠

١٧-٢-٨- الرَّدُّ عَلَى عَقِبِهَا

﴿٣٠٣٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنَا كَابُ الدُّنْيَا لَوَجْهِهَا وَ قَادِرُهَا بِقَدْرِهَا وَ رَادُّهَا عَلَى عَقِبِهَا؛

غرر الحكم، ص ١١٨

١٨-٢-٨- الرَّدُّ

﴿٣٠٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: رَدَّعِ النَّفْسَ عَنْ زَخَارِفِ الدُّنْيَا ثَمَرَةَ الْعَقْلِ؛ غرر الحكم، ص ٢٤١

١٩-٢-٨- الرِّفْضُ

﴿٣٠٣٥﴾ إِنْ أَلَا كَيَّاسَ اسْتَقْصَرُوا عُمْرَ الدُّنْيَا فَرَفَضُوهَا وَ اسْتَبْطَنُوا مُدَّةَ الْآخِرَةِ فَسَعَوْا لَهَا؛

بلاغات النساء، ص ٥٥

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

﴿۳۰۲۵﴾ اگر خدا را دوست دارید، حبّ دنیا را از دل‌هایتان بیرون کنید.
﴿۳۰۲۶﴾ خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی فرستاد که اگر مرا دوست داری، حبّ دنیا را از قلبت خارج کن که دوست‌داشتن من و دنیا در یک قلب جمع نمی‌شود.

۸-۲-۱۳- خالی کردن

﴿۳۰۲۷﴾ هنگامی که مؤمن خود را از دنیا خالی می‌کند، مقامش بالا رفته و شیرینی دوستی خداوند را می‌یابد و به چیزی غیر از دوستی با خداوند مشغول نمی‌شود.
﴿۳۰۲۸﴾ دنیا هرچه بیشتر برای زاهد جلوه کند، وی بیشتر از آن فاصله می‌گیرد.

۸-۲-۱۴- پشت کردن

﴿۳۰۲۹﴾ همانا اگر تو به دنیا پشت کنی، دنیا به تو روی می‌آورد.

۸-۲-۱۵- دفع کردن

﴿۳۰۳۰﴾ دنیا را با هرآنچه می‌شود دفع کن، دنیا را با هر آنچه بریده می‌شود از خود ببر.
﴿۳۰۳۱﴾ از آنچه از مال دنیا داری انفاق کن، زیرا به آن خواهی رسید.

۸-۲-۱۶- مداوا کردن

﴿۳۰۳۲﴾ سزاوار است که انسان دردهای دنیا را مداوا کند، همان‌طوری‌که مریض برای دردهایش دارو مصرف می‌کند و باید از شهوت‌ها و لذّت‌ها پرهیز کند، همان‌طوری‌که مریض از چیزهایی که برایش مضرّ است، پرهیز می‌کند.

۸-۲-۱۷- برگرداندن

﴿۳۰۳۳﴾ من دنیا را به‌صورت بر زمین کوبیده‌ام و مرتبه‌ی [پست] آن را می‌دانم [و در جایگاه خودش قرار داده‌ام] و آن را به پشت برگردانده‌ام. (به آن رو نکرده‌ام).

۸-۲-۱۸- بازداشتن

﴿۳۰۳۴﴾ بازداشتن نفس از زیورهای دنیا ثمره‌ی عقل است.

۸-۲-۱۹- رها کردن

﴿۳۰۳۵﴾ زیرکان عمر دنیا را کوتاه می‌دانند لذا آن را رها کرده و مدّت زمان آخرت را طولانی دانسته‌اند، لذا برای آن تلاش می‌کنند.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

﴿٣٠٣٦﴾ الصادق عليه السلام: وَ اعْظُمُ الْفَسَادَ أَنْ يَرْضَى الْعَبْدُ بِالْغَفْلَةِ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى وَ هَذَا الْفَسَادُ يَتَوَلَّدُ مِنْ طُولِ الْأَمَلِ وَ الْحِرْصِ وَ الْكِبَرِ... وَ كَانَتْ هَذِهِ الْخِصَالُ مِنْ صُنْعِ قَارُونَ وَ اعْتِقَادِهِ وَ أَصْلُهَا مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا وَ جَمْعِهَا... وَ عِلَاجُ ذَلِكَ الْفِرَارُ مِنَ النَّاسِ وَ رَفْضُ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٣٩٥

﴿٣٠٣٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْمُؤْمِنُونَ... وَ رَفَضُوا الدُّنْيَا رَفْضًا وَ صَبَرُوا أَيَّامًا قَلِيلَةً فَصَارَتْ عَاقِبَتُهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً تِجَارَتُهُمْ مُرَبِحَةً يُبَشِّرُهُمْ بِهَا رَبُّ كَرِيمٌ أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُوَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٣

﴿٣٠٣٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ جَمَعَ سِتَّ خِصَالٍ لَمْ يَدْعُ لِلْجَنَّةِ مَطْلَبًا وَ لَا عَنِ النَّارِ مَهْرَبًا عَرَفَ اللَّهَ فَأَطَاعَهُ وَ عَرَفَ الشَّيْطَانَ فَعَصَاهُ وَ عَرَفَ الدُّنْيَا فَرَفَضَهَا وَ عَرَفَ الْآخِرَةَ فَطَلَبَهَا وَ عَرَفَ الْبَاطِلَ فَاتَّقَاهُ وَ عَرَفَ الْحَقَّ فَاتَّبَعَهُ؛ جامع الأخبار، ص ١٠٨

﴿٣٠٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ اغْتِنَامِ مَا اسْتَطَعْتُمْ عَمَلًا بِهِ مِنْ طَاعَتِهِ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ وَ بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةِ لَكُمْ وَ إِنْ لَمْ تَكُونُوا تُحِبُّونَ تَرْكَهَا؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٤٢٧

﴿٣٠٤٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَارْفُضِ الدُّنْيَا فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُعْمَى وَ يُصِمُّ وَ يُبْكِمْ... فَانْقَطِعْ إِلَى اللَّهِ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ مِنْ رَفْضِ الدُّنْيَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٦

﴿٣٠٤١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَمُرْكُمْ بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةِ لَكُمْ الزَّائِلَةِ عَنْكُمْ؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٣١

﴿٣٠٤٢﴾ العسكري عليه السلام: قَالَ بَلَوَهْرُ: فَمَثَلُ الْجَنَّةِ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَ مَثَلُ صُنُوفِ الْكِلَابِ ضُرُوبُ الرِّجَالِ الَّذِينَ يَقْتَتِلُونَ عَلَى الدُّنْيَا وَ يَهْرَفُونَ دِمَاءَهُمْ وَ يَنْفِقُونَ لَهَا أَمْوَالَهُمْ وَ مَثَلُ الرَّجُلِ الَّذِي اجْتَمَعَتْ عَلَيْهِ الْكِلَابُ وَ لَا حَاجَةَ لَهُ فِي جَيْفِهِنَّ كَمَثَلِ صَاحِبِ الدِّينِ الَّذِي رَفَضَ الدُّنْيَا وَ خَرَجَ مِنْهَا فَلَيْسَ يُنَازِعُ فِيهَا أَهْلَهَا وَ لَا يَمْنَعُ ذَلِكَ النَّاسَ مِنْ أَنْ يَعَادُونَهُ [يُعَادُوهُ] لِعُرْبَتِهِ عِنْدَهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٠٣

﴿٣٠٤٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَلَكَ التَّقَى رَفْضُ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٨

﴿٣٠٤٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: صَلَاحُ الْآخِرَةِ رَفْضُ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤٠

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

﴿۳۰۳۶﴾ بزرگ‌ترین فساد باطنی انسان در موردی است که راضی به غفلت از پروردگار متعال باشد. و منشأ این فساد از پیدایش آرزوهای طولانی و حرص و تکبر خواهد بود... این صفات از خصلت‌های قارون و از خصوصیات ممتاز او بود، و روی این خصوصیات سلوک و زندگی می‌کرد. و ریشه‌ی همه‌ی آن‌ها محبت دنیا و دلبستگی به آن و جمع‌آوری و به‌دست آوردن آن است... و معالجه این فساد اصلی، فرار کردن از مردم، و ترک نمودن علایق دنیوی است.

﴿۳۰۳۷﴾ مؤمنان... دنیا را رها کرده‌اند. چند روزی شکیبایی می‌کنند و سپس به‌سوی یک آسایش مداوم می‌روند. تجارتی سودمند دارند که خداوند کریم بشارت آن را داده است. دنیا در پی آن‌هاست ولی آن‌ها دنیا را نمی‌خواهند.

﴿۳۰۳۸﴾ هرکس شش خصلت را در خود جمع کند، هیچ مطلوبی از بهشت و هیچ گریزی از دوزخ را وانگذاشته است: کسی که خدا را بشناسد و فرمانش برد و شیطان را بشناسد و نافرمانی‌اش کند دنیا را بشناسد و آن را دور افکند آخرت را بشناسد و آن را بجوید و باطل را بشناسد و از آن پرهیزد و حق را بشناسد و پیروی‌اش نماید.

﴿۳۰۳۹﴾ ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم؛ هرچه می‌توانید از اعمال نیک در این دنیا و در این مدت زمان باقیمانده انجام دهید، این دنیایی که شما را علیرغم میل شما ترک خواهد کرد، رها کنید.

﴿۳۰۴۰﴾ دنیا را واگذار که دوستی دنیا کور و کر و لال نماید... پس با دلی متوجه به خدا و بریده از دنیا و عزمی که شکستی در آن نیست، به‌سوی او رو کن.

﴿۳۰۴۱﴾ شما را به ترک این دنیایی امر می‌کنم که شما را ترک خواهد کرد و از نزد شما خواهد رفت.

﴿۳۰۴۲﴾ مثل آن مردار مثل متاع دنیاست و آن سگ‌های رنگارنگ مثل انواع اهل دنیاست که برای دنیا با یکدیگر نزاع می‌کنند و خون یکدیگر را می‌ریزند و اموال خود را برای تحصیل اعتبارات آن صرف می‌کنند. و آن شخص که سگ‌ها بر او حمله می‌کنند و او به مردار ایشان کاری ندارد، مثل دینداری است که ترک دنیا کرده و با ایشان در امر دنیا منازعه ندارد، با این حال اهل دنیا با او دشمنی می‌کنند زیرا که نزد آنان غریب است.

﴿۳۰۴۳﴾ ملاک پرهیزگاری در ترک دنیاست.

﴿۳۰۴۴﴾ صلاح آخرت در ترک دنیاست.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

﴿٣٠٤٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ جَمَعَ سِتَّ خِصَالٍ لَمْ يَدْعَ لِلْجَنَّةِ مَطْلَبًا وَلَا عَنِ النَّارِ مَهْرَبًا عَرَفَ اللَّهَ فَأَطَاعَهُ وَعَرَفَ الشَّيْطَانَ فَعَصَاهُ وَعَرَفَ الدُّنْيَا فَرَفَضَهَا وَعَرَفَ الْآخِرَةَ فَطَلَبَهَا؛
جامع الأخبار، ص ١٠٨

﴿٣٠٤٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أُوصِيكُمْ بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا النَّارِ كَةِ لَكُمْ وَإِنْ لَمْ تُحِبُّوا تَرْكَهَا وَ الْمُنْيَةَ لِأَجْسَامِكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ تَجْدِيدَهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٧، ص ٨٠
﴿٣٠٤٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَحْسَنُ مِنْ مُلَابَسَةِ الدُّنْيَا رَفْضُهَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٨
﴿٣٠٤٨﴾ إِنْ أَلَا كَيْاسَ اسْتَقْصَرُوا عُمْرَ الدُّنْيَا فَرَفَضُوهَا وَاسْتَبْطَنُوا مُدَّةَ الْآخِرَةِ فَسَعَوْا لَهَا؛
بلاغات النساء، ص ٥٥

﴿٣٠٤٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَصَى هَوَاهُ وَأَفْضَلُ مِنْهُ مَنْ رَفَضَ ذُنْيَاهُ؛
مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١١٤

﴿٣٠٥٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَكْبَسُ النَّاسِ مَنْ رَفَضَ ذُنْيَاهُ؛ غرر الحكم، ص ٣٢٢
﴿٣٠٥١﴾ الرُّسُولُ ﷺ: إِنْ أَلَا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ أَوْحَى إِلَى الدُّنْيَا أَنْ أَتَعْبِيَ مِنْ خَدَمِكَ وَ أَخْدُمِي مَنْ رَفَضَكَ؛ بحار الأنوار، ج ٣٨، ص ٩٩
٢٠-٢-٨- رَفْعُ الْعَقْلِ

﴿٣٠٥٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنْ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ... رَفَعَ عَقْلُهُ عَنْ أَهْلِ الدُّنْيَا فَبَدَنَهُ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا وَقَلْبُهُ وَعَقْلُهُ مُعَايِنُ الْآخِرَةِ فَأُطْفِئَ بَصُوءَ قَلْبِهِ مَا أَبْصَرَتْ عَيْنَاهُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا فَقَدَّرَ حَرَامَهَا وَ جَانِبَ شُبُهَاتِهَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٦
٢١-٢-٨- الزُّهْدُ وَ رَاجِعُ: كِتَابُ الزُّهْدِ

﴿٣٠٥٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا نَوْفَ طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِبِينَ فِي الْآخِرَةِ أُولَئِكَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ بَسَاطًا وَ تَرَابَهَا فِرَاشًا وَ مَاءَهَا طِيبًا وَ الْقُرْآنَ دِتَارًا وَ الدُّعَاءَ شِعَارًا وَ قَرَضُوا مِنَ الدُّنْيَا تَقْرِيبًا عَلَى مِنْهَاجِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ؛ بحار الأنوار، ج ٤١، ص ١٦
﴿٣٠٥٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: وَ الزَّاهِدُ الَّذِي يَخْتَارُ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَ الذَّلَّ عَلَى الْعِزِّ وَ الْجَهْدَ عَلَى الرَّاحَةِ وَ الْجُوعَ عَلَى الشَّبَعِ وَ عَاقِبَةَ الْأَجْلِ عَلَى مَحَبَّةِ الْعَاجِلِ وَ الذِّكْرَ عَلَى الْغَفْلَةِ وَ يَكُونُ نَفْسُهُ فِي الدُّنْيَا وَقَلْبُهُ فِي الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٧، ص ٣١٥

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

﴿۳۰۴۵﴾ کسی که در او شش خصلت جمع شود، برای بهشت وسیله‌ای و از آتش جهنم راه فراری را فروگذار نکرده است: هرکس خدا را بشناسد و فرمان او را ببرد، شیطان را بشناسد و نافرمانی کند، حق را بشناسد و از آن پیروی کند، باطل را بشناسد و از آن دوری کند، دنیا را بشناسد و آن را ترک کند، آخرت را بشناسد و آن را بجوید.

﴿۳۰۴۶﴾ توصیه می‌کنم این دنیایی که شما را علیرغم میل شما، ترک خواهد کرد، رها کنید که در نهایت اجساد شما را می‌پوساند، گرچه مایلید، اجساد شما مجدداً سالم شوند.

﴿۳۰۴۷﴾ نیکوتر از پوشیدن دنیا ترک آن است.

﴿۳۰۴۸﴾ زیرکان عمر دنیا را کوتاه می‌دانند لذا آن را رها کرده و مدّت زمان آخرت را طولانی دانسته‌اند، لذا برای آن تلاش می‌کنند.

﴿۳۰۴۹﴾ بافضیلت‌ترین مردم کسی است که با هوای نفسش مخالفت کند و از او بهتر کسی است که دنیا را ترک کند.

﴿۳۰۵۰﴾ زیرک‌ترین مردم کسی است که دنیا را ترک کند.

﴿۳۰۵۱﴾ «خداوند متعال به دنیا وحی کرد که خادم خود را به سختی بینداز و به کسی که تو را ترک کرده خدمت کن».

۸-۲-۲۰- برداشتن دلبستگی

﴿۳۰۵۲﴾ کسی که تقوای الهی را پیشه کند، توجّه خود را از اهل دنیا برمی‌دارد. جسمش همراه اهل دنیا اما دلش در بند آخرت است. پس به وسیله‌ی نور دلش آنچه چشمانش از دوستی دنیا می‌بیند، خاموش می‌کند. حرام دنیا را ناپاک می‌داند و از شبهه‌ناک آن دوری می‌نماید.

۸-۲-۲۱- زهد و ربه: کتاب زهد

﴿۳۰۵۳﴾ ای نوف! خوشا به حال زاهدان در دنیا و مشتاقان به آخرت. آنان کسانی هستند که زمین را فرش و خاکش را رختخواب و آتش را بوی خوش و قرآن را لباس زیر و دعا را لباس رو قرار دادند و از دنیا همانند عیسی بن مریم علیه السلام به کلی بریدند.

﴿۳۰۵۴﴾ زاهد کسی است که آخرت را بر دنیا و گمنامی را بر مقام و جاه و عزّت، زحمت و مشقّت را بر آسایش، گرسنگی را بر سیری، پایان نیک را بر دنیای نقد و حاضر و ذکر و یاد خدا را بر غفلت ترجیح دهد و درحالی که جسمش در دنیاست، روح و دلش در آخرت و به فکر آن می‌باشد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

﴿٣٠٥٥﴾ الرسول ﷺ: الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُكْثِرُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ وَالزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ الْقَلْبَ وَ

الْبَدَنَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٩١

﴿٣٠٥٦﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ الزُّهَادَ فِي الدُّنْيَا نُورُ الْجَلَالِ عَلَيْهِمْ وَآثَرُ الْخِدْمَةِ بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ وَكَيْفَ لَا يَكُونُونَ كَذَلِكَ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَنْقَطِعُ إِلَى بَعْضِ مُلُوكِ الدُّنْيَا فَيَرَى عَلَيْهِ أَثَرَهُ فَكَيْفَ يَمْنُ يَنْقَطِعُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لَا يَرَى أَثَرَهُ عَلَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٧٨

﴿٣٠٥٧﴾ الصادق عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى بَعْضِ الْأَنْبِيَاءِ أَمَّا زُهْدُكَ فِي الدُّنْيَا فَتَعَجَّلْكَ الرَّاحَةَ وَ أَمَّا انْقِطَاعُكَ إِلَى فَيُعَزِّزْكَ بِي وَلَكِنْ هَلْ عَادَيْتَ لِي عَدُوًّا أَوْ وَالَيْتَ لِي وَلِيًّا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٥٨

﴿٣٠٥٨﴾ الصادق عليه السلام: لَا يَجْمَعُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمُؤْمِنٍ الْوَرَعَ وَالزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا رَجَوْتُ لَهُ الْجَنَّةَ قَالَ ثُمَّ قَالَ وَ إِنِّي لَأَحِبُّ لِلرَّجُلِ مِنْكُمْ الْمُؤْمِنَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ أَنْ يَقْبَلَ بِقَلْبِهِ إِلَى اللَّهِ وَ لَا يَشْغَلُ قَلْبُهُ بِأَمْرِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٤٠

﴿٣٠٥٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَأَنَّهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا وَ زُخْرُفَهَا دَخَلَ فِي الْمَحْظُورَاتِ مِنَ الْمَعَاصِي؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٤٣

﴿٣٠٦٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَأَمَّا الزَّاهِدُ فَلَا يَفْرَحُ بِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا آتَاهُ؛ إرشاد القلوب، ج ٢، ص ٣٧٦

﴿٣٠٦١﴾ الرسول ﷺ: مَنْ أَحَبَّ الْأَيْمَةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَا يَشْكُنُ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عِشْرِينَ خَصْلَةً عِشْرُ فِي الدُّنْيَا وَ عِشْرُ فِي الْآخِرَةِ أَمَّا فِي الدُّنْيَا فَالزُّهْدُ وَ الْحِرْصُ عَلَى الْعَمَلِ وَ الْوَرَعُ فِي الدِّينِ وَ الرَّغْبَةُ فِي الْعِبَادَةِ وَ التَّوْبَةُ قَبْلَ الْمَوْتِ وَ النَّشَاطُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ وَ الْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ الْحِفْظُ لِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ نَهْيُهُ وَ النَّاسِعَةُ بُغْضُ الدُّنْيَا وَ الْعَاشِرَةُ السَّخَاءُ؛ أعلام الدين، ص ٤٥١

﴿٣٠٦٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا ثَلَاثَةُ أَحْرَفٍ زَاءٌ وَ هَاءٌ وَ دَالٌ فَأَمَّا الزَّاءُ فَتَرْكُ

الزَّيْنَةِ وَ أَمَّا الْهَاءُ فَتَرْكُ الْهَوَى وَ أَمَّا الدَّالُّ فَتَرْكُ الدُّنْيَا؛ جامع الأخبار، ص ١٠٩

﴿٣٠٦٣﴾ الصادق عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى عليه السلام: إِنَّ عِبَادِي لَمْ يَتَقَرَّبُوا إِلَيَّ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا وَ الْوَرَعُ عَنِ الْمَعَاصِي وَ الْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَتِي فَقَالَ مُوسَى يَا رَبِّ فَمَا لِمَنْ صَنَعَ ذَلِكَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى أَمَّا الزَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا فَأَحْكَمُهُمْ فِي الْجَنَّةِ وَ أَمَّا الْمُتَوَرِّعُونَ عَنِ الْمَعَاصِي فَمَا أَحْسَبُهُمْ وَ أَمَّا الْبَاكُونَ مِنْ خَشْيَتِي فَفِي الرِّفْقِ الْأَعْلَى؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٣٣٣

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

﴿۳۰۵۵﴾ رغبت به دنیا اندوه و غم را زیاد می‌کند و بی‌رغبتی به دنیا، دل و بدن را آسوده می‌سازد.

﴿۳۰۵۶﴾ زاهدان در دنیا نور عظمتشان آشکارا دیده می‌شود و آثار خدمت در پیشانی آنها است؛ چرا چنین نباشند! یک نفر دل به پادشاهی از پادشاهان دنیا می‌بندد اثر این ارتباط در زندگی او مشاهده می‌شود، آیا ممکن است کسی که دل به خدا ببندد اثر این ارتباط [در او] مشاهده نشود؟!

﴿۳۰۵۷﴾ خداوند به یکی از پیامبران وحی فرمود: «اما نتیجه‌ی زهد و بی‌اعتنائی‌ات به دنیا، شتاب در آسودگی توست. و اما توجه و روی‌نمودنت به من موجب عزّت و سربلندی توست. ولی آیا به خاطر من با دشمنی عداوت نموده‌ای و با دوستی از دوستان من دوستی کرده‌ای؟!»

﴿۳۰۵۸﴾ خداوند عزّ و جل برای مؤمن در دنیا پرهیزکاری و زهد را جمع نمی‌کند، مگر اینکه بهشت، او را آرزو کند، و من برای بنده‌ی مؤمن از میان شما دوست دارم که وقتی در نماز فریضه می‌ایستد، با قلبش به خدا رو کند و قلبش را به امور دنیا مشغول نسازد.

﴿۳۰۵۹﴾ اگر در برابر دنیا و زینت‌های آن زاهد نباشد، در گناهان ممنوعه واقع می‌شود.

﴿۳۰۶۰﴾ زاهد به چیزی از دنیا که به او داده شود، سرخوش و شاد نمی‌شود.

﴿۳۰۶۱﴾ هرکس خدا به او حبّ ائمه علیهم‌السلام از اهل بیت من را روزی نماید، به خیر دنیا و آخرت رسیده و در این که بهشتی است، نباید شکّی داشته باشد. همانا در محبّت اهل بیت من بیست امتیاز است، ده امتیاز آن در دنیاست و ده امتیاز در آخرت. اما در دنیا: زهد و اشتیاق به عمل، ورع در دین، علاقه به عبادت، توبه قبل از مرگ، آمادگی و شوق برای شب‌زنده‌داری جهت عبادت، قطع امید از آنچه در دست مردم است، حفظ دستور خدا و نهی او و نهمین آنها بغض دنیا و دهمین آنها سخاوت است.

﴿۳۰۶۲﴾ زهد در دنیا از سه حرف تشکیل شده: ز، ه، د؛ حرف «ز» یعنی ترک زینت‌های دنیا، حرف «ه» یعنی ترک هواها و خواسته‌های نفسانی و حرف «د» یعنی ترک دنیا.

﴿۳۰۶۳﴾ خداوند به موسی علیه‌السلام وحی فرمود: «بندگانم به چیزی محبوب‌تر از سه خصلت به‌سوی من تقرّب پیدا نکرده‌اند: زهد در دنیا و پرهیز از معاصی و گریستن از ترس من». موسی علیه‌السلام عرض کرد: «پروردگارا! کسی که این سه خصلت را داشته باشد چه ثوابی دارد؟» خداوند متعال فرمود: «اما اهل زهد در دنیا را، حاکمان اهل بهشت قرار می‌دهم و پرهیزگاران از معاصی خدا را حسابرسی نمی‌کنم و گریه‌کنندگان از خوفم در رفیق اعلی هستند».

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

﴿٣٠٦٤﴾ الرسول ﷺ: أَنَا أَهْلُ بَيْتٍ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا... وَأَجُودَهُمْ كَفًّا وَ أَرْهَدَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَأَشَدَّهُمْ اجْتِهَادًا فَاسْتَبَشَرْتُ فَاطِمَةَ عليها السلام؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١

﴿٣٠٦٥﴾ الرسول ﷺ: مَنْ رَغِبَ فِي الدُّنْيَا وَ طَالَ أَمَلُهُ فِيهَا أَعْمَى اللَّهُ قَلْبَهُ عَلَى قَدَرِ ذَلِكَ وَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا وَ قَصَرَ أَمَلُهُ فِيهَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عِلْمًا بَغَيْرِ تَعَلُّمٍ وَ هَدًى بَغَيْرِ هِدَايَةٍ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣١

﴿٣٠٦٦﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ زَهْدَهُ فِي الدُّنْيَا وَ فَقَّهَهُ فِي الدِّينِ وَ بَصَّرَهُ غُيُوبَهَا وَ مَنْ أُوتِيَهُنَّ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ قَالَ لَمْ يَطْلُبْ أَحَدٌ الْحَقَّ بَبَابٍ أَفْضَلَ مِنَ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا وَ هُوَ ضِدُّ مَا طَلَبَ أَعْدَاءُ الْحَقِّ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مِنْ مَا ذَا قَالَ مِنَ الرَّغْبَةِ فِيهَا وَ قَالَ أَلَا مِنْ صَبَّارٍ كَرِيمٍ فَإِنَّمَا هِيَ أَيَّامٌ قَلِيلٌ أَلَا إِنَّهُ حَرَامٌ عَلَيْكُمْ أَنْ تَجِدُوا طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَزْهَدُوا فِي الدُّنْيَا؛ مشكاة الأنوار، ص ١١٤

﴿٣٠٦٧﴾ الصادق عليه السلام: جُعِلَ الشَّرُّ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ حُبُّ الدُّنْيَا وَ جُعِلَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا؛ مشكاة الأنوار، ص ٢٦٤

﴿٣٠٦٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَأَمَّا الزَّاهِدُ فَقَدْ خَرَجَتْ الْأَخْزَانُ وَ الْأَفْرَاحُ مِنْ قَلْبِهِ فَلَا يَفْرَحُ بِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا وَ لَا يَأْسَى عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا فَاتَهُ فَهُوَ مُسْتَرِيحٌ... أَمَّا الرَّاغِبُ فَلَا يُبَالِي مِنْ أَيْنَ جَاءَتْهُ الدُّنْيَا مِنْ حُلْمِهَا أَوْ مِنْ حَرَامِهَا وَ لَا يُبَالِي مَا دَنَسَ فِيهَا عِرْضَهُ وَ أَهْلَكَ نَفْسَهُ؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٥٥

﴿٣٠٦٩﴾ الرسول ﷺ: سَأَلَ النَّبِيُّ عليه السلام عَنْ جَبْرِئِيلَ عليه السلام عَنْ تَفْسِيرِ الزُّهْدِ قَالَ الزَّاهِدُ يُحِبُّ مَنْ يُحِبُّ خَالِقَهُ وَ يُبْغِضُ مَنْ يُبْغِضُ خَالِقَهُ وَ يَتَحَرَّجُ مِنْ حَلَالِ الدُّنْيَا وَ لَا يَلْتَفِتُ إِلَى حَرَامِهَا فَإِنَّ حَلَالَهَا حِسَابٌ وَ حَرَامَهَا عِقَابٌ وَ يَرْحَمُ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ كَمَا يَرْحَمُ نَفْسَهُ وَ يَتَحَرَّجُ مِنَ الْكَلَامِ كَمَا يَتَحَرَّجُ مِنَ الْمَيْتَةِ الَّتِي قَدْ اشْتَدَّ نَتْنُهَا وَ يَتَحَرَّجُ عَنْ حُطَامِ الدُّنْيَا وَ زِينَتِهَا كَمَا يَتَجَنَّبُ النَّارَ أَنْ يَغْشَاهَا؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣١٢

﴿٣٠٧٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَأَمَّا الزَّاهِدُ فَلَا يَفْرَحُ بِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا أَتَاهُ وَ لَا يَحْزَنُ عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا فَاتَهُ؛ بحار الأنوار، ج ١٠، ص ١١٩

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

﴿۳۰۶۴﴾ [پیامبر ﷺ به دخترش فرمود:] «ما اهل‌بیتی هستیم که خداوند برای ما، آخرت را بر دنیا برگزیده... [علی علیه السلام] در جود و بخشش پیش‌تازترین و نسبت به تعلقات دنیوی زاهدترین و در کوشش و جدیت شدیدترین است. حضرت زهرا علیها السلام از آنچه پدرش فرمود، مسرور و خوشحال شد. ﴿۳۰۶۵﴾ هر کس شیفته‌ی دنیا باشد، و آرزوی طولانی داشته باشد خداوند به همان اندازه، او را کوردل می‌سازد و هر کس در دنیا زاهد باشد و آرزوی طولانی نداشته باشد، علمی از جانب خدا به او عطا می‌شود بدون آنکه چیزی آموخته باشد و هدایتی می‌یابد که پیش از آن به آن هدایت نشده بود. ﴿۳۰۶۶﴾ هنگامی که خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد، او را نسبت به دنیا بی‌رغبت می‌کند و نسبت به دین آگاهی می‌نماید و او را به عیوبش بینا می‌کند و به هر کس این فضیلت‌ها عطا شود، خیر دنیا و آخرت به او عطا شده است». و فرمود: «هیچ کس حق را از دری بهتر از در زهد در دنیا نخواست است. و این بر خلاف آن چیزی است که دشمنان حق می‌طلبند». گفتیم: «فدایت شوم! آن‌ها از چه راهی می‌طلبند؟» فرمود: «از رغبت به دنیا» و فرمود: «آیا شخص صابر کریمی وجود ندارد؟ به راستی این دنیا روزگار کوتاهی است، جز اینکه بر شما حرام است که طعم ایمان را بچشید، تا اینکه در دنیا زهد پیشه کنید.

﴿۳۰۶۷﴾ همه بدی‌ها در خانه‌ای نهاده شد و کلید آن محبت دنیا می‌باشد و همه نیکی‌ها در خانه‌ای جمع شده و کلید آن زهد است.

﴿۳۰۶۸﴾ هرگونه حزن و سرخوشی از قلب زاهد بیرون می‌رود، بنابراین هیچ چیز دنیا، آن‌ها را سرخوش نمی‌کند و بر چیزی از دنیا که از دستشان می‌رود، تأسف نمی‌خورند. پس راحت زندگی می‌کنند... اما کسی که میل و رغبت به دنیا دارد، برایش مهم نیست که دنیای او از حلال به دست می‌آید یا از حرام و اهمّیت نمی‌دهد که این کار آبروی او را می‌برد و خودش را به هلاکت می‌رساند.

﴿۳۰۶۹﴾ پیامبر ﷺ از جبرئیل درباره‌ی تفسیر زهد پرسید، جبرئیل فرمود: «زاهد کسی است که هر آنچه را که خالقش دوست می‌دارد، دوست بدارد و از هر آنچه که خالقش مکروه می‌دارد، کراهت داشته باشد و در بهره‌مندی از حلال دنیا احتیاط کند و از حرام دنیا به کلی اجتناب ورزد؛ چراکه برای حلال دنیا مورد حساب و کتاب قرار می‌گیرد و استفاده از حرام دنیا عذاب و عقاب را برای او به همراه دارد. و همان‌طور که به خود رحم می‌کند، به همه‌ی مسلمانان رحم کند و همان‌طور که از مردار متعفن و بدبو می‌پرهیزد، از سخن گفتن پرهیز می‌کند و همان‌طور که از آتش می‌ترسد و خود را از آن دور نگه می‌دارد، از زیور و زینت‌های دنیا خود را دور می‌کند».

﴿۳۰۷۰﴾ زاهد چیزی از دنیا به دست آورد، شاد نمی‌شود و اگر چیزی از دستش رفت، محزون نمی‌گردد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزَّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

﴿٣٠٧١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَأَيُّ النَّاسِ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ أَخَوْفُهُمْ لِلَّهِ وَ أَعْمَلُهُمْ بِالتَّقْوَى وَ أَزْهَدُهُمْ فِي الدُّنْيَا... فَقَالَ يَا شَيْخُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ خَلْقًا ضَيَّقَ الدُّنْيَا عَلَيْهِمْ نَظَرًا لَّهُمْ فَزَهَّدَهُمْ فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٧٨

﴿٣٠٧٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمُصِيبَاتُ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٠٤

﴿٣٠٧٣﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ لَمْ يَسْتَحْيِ مِنْ طَلَبِ الْمَعَاشِ خَفَّتْ مَوْتُهُ وَ رَخَا بَالُهُ وَ نَعِمَ عِيَالُهُ وَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَثْبَتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٦٢

﴿٣٠٧٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَعْتَقَ نَفْسَهُ وَ أَرْضَى رَبَّهُ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١٢، ص ٤٧

﴿٣٠٧٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا قَرَّتْ عَيْنُهُ بِجَنَّةِ الْمَأْوَى؛ مستدرک الوسائل،

ج ١٢، ص ٤٧

﴿٣٠٧٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا تَهَاوَنَ بِالْمُصِيبَاتِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٩، ص ٨٩

﴿٣٠٧٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا وَ لَمْ يَجْزَعْ مِنْ ذُلِّهَا وَ لَمْ يُنَافِسْ فِي عِزِّهَا هَدَاهُ اللَّهُ بِغَيْرِ هِدَايَةٍ مِنْ مَخْلُوقٍ وَ عَلَّمَهُ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ وَ أَثْبَتَ الْحِكْمَةَ فِي صَدْرِهِ وَ أَجْرَاهَا عَلَى لِسَانِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦٣

﴿٣٠٧٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا اسْتَرَحَّ قَلْبُهُ وَ بَدَنُهُ وَ مَنْ رَغِبَ فِيهَا تَعَبَ قَلْبُهُ وَ بَدَنُهُ فَلَا يَبْقَى لَهُ نَظَرٌ إِلَّا إِلَى اللَّهِ وَ لَا رُجُوعٌ إِلَّا إِلَيْهِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٢٥

﴿٣٠٧٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمَصَائِبُ؛ أعلام الدين، ص ١٥٢

﴿٣٠٨٠﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَثْبَتَ اللَّهُ تَعَالَى الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَ أَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ وَ بَصَرَهُ دَأْهًا وَ دَوَاءَهَا وَ عُيُوبَهَا؛ أعلام الدين، ص ٢٩٣

﴿٣٠٨١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا حَصَّنَ دِينَهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٧

﴿٣٠٨٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا لَمْ تَفْتَهُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٧

﴿٣٠٨٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا اسْتَهَانَ بِالْمَصَائِبِ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٧

﴿٣٠٨٤﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِذَا رَأَيْتَ أَخَاكَ قَدْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا فَاسْمَعْ مِنْهُ فَإِنَّهُ يُلْقَى إِلَيْهِ

الْحِكْمَةُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ١٠١

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

﴿۳۰۷۱﴾ پرسید: «کدام‌یک از مردم در درگاه الهی برتر است؟» فرمود: «آن که خداترسی و پرهیزکاری را بیشتر شیوهی خود ساخته و در دنیا زاهدتر باشد... سپس آن بزرگوار روی به پیرمرد کرده و فرمود: «خداوند عزّ و جل مخلوقاتی را آفرید که دنیا در نظرشان تنگ جلوه نمود؛ پس آن‌ها را در دنیا زاهد قرار داد».

﴿۳۰۷۲﴾ هرکس زهد پیشه کند، مصیبت‌ها در نظرش کوچک می‌گردند.
﴿۳۰۷۳﴾ آن که از رفتن به دنبال روزی و تأمین زندگی احساس شرم نکند، هزینه‌ی زندگی‌اش سبک و آسان می‌شود و کارش منظم و خانواده‌اش در نعمت خواهد بود، و هرکس زهد پیشه کند، خداوند حکمت و دانش را به قلبش القا می‌کند.
﴿۳۰۷۴﴾ کسی که در دنیا زاهد باشد، خودش را [از اسارت دنیا] آزاد و خدایش را راضی کرده است.

﴿۳۰۷۵﴾ کسی که در دنیا زاهد باشد، چشمش به دیدار بهشت امن الهی روشن خواهد گشت.
﴿۳۰۷۶﴾ هرکس در دنیا زهد پیشه کند، مصیبت‌ها بر او آسان می‌شود.
﴿۳۰۷۷﴾ هرکس در دنیا زهد پیشه کند و از خواری آن غمگین نشود و برای کسب عزّت در دنیا رقابت نکند، خداوند او را بدون راهنما از میان مردم هدایت می‌کند و بدون آموختن می‌آموزد، و حکمت را در سینه‌اش ثابت می‌کند و بر زبانش جاری می‌سازد.
﴿۳۰۷۸﴾ کسی که در دنیا زهد پیشه کند، روح و بدنش در آسایش است و کسی که دنیاطلب باشد روح و بدنش به‌سختی می‌افتند و هیچ چاره‌ای برای او جز خداوند متعال نمی‌ماند و در نهایت به‌سوی او باز خواهد گشت.

﴿۳۰۷۹﴾ هرکس در دنیا زهد پیشه کند، دشواری‌ها بر او آسان می‌شود.
﴿۳۰۸۰﴾ هرکس در دنیا زهد پیشه کند، خداوند متعال حکمت را در دلش جای داده و زبانش را به آن گویا ساخته و او را به عیوب دنیا و درد و درمانش بینا می‌سازد.
﴿۳۰۸۱﴾ هرکس در دنیا زاهد باشد، دینش محفوظ خواهد ماند.
﴿۳۰۸۲﴾ هرکس در دنیا زهد پیشه کند [و به دنبال دنیا نرود] دنیا از دستش بیرون نخواهد رفت.
﴿۳۰۸۳﴾ هرکس در دنیا زهد پیشه کند، مصیبت‌ها را سهل می‌شمارد.
﴿۳۰۸۴﴾ ای ابوذر! وقتی دیدی برادر دینی‌ات در دنیا زاهد است، به کلام او گوش کن چون حکمت به او عطا شده است.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

﴿٣٠٨٥﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّهُ لَمْ يُكُنْ عَبْدٌ ذَكَرَ الْمَوْتَ إِلَّا زَهَدَ فِي الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٩، ص ١٧٢

﴿٣٠٨٦﴾ الرضا عليه السلام: بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا أَرْجُو النَّجَاةَ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا؛ وسائل الشيعه، ج ١٧، ص ٢٠٣

﴿٣٠٨٧﴾ الرضا عليه السلام: وَاللَّهِ مَا كَذَبْتُ مُنْذُ خَلَقَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَمَا زَهَدْتُ فِي الدُّنْيَا

لِلدُّنْيَا؛ وسائل الشيعه، ج ١٧، ص ٢٠٣

﴿٣٠٨٨﴾ السجاد عليه السلام: أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الطَّوَاغِيتُ وَ اتَّبِعُهُمْ مِنْ أَهْلِ الرِّغْبَةِ فِي

الدُّنْيَا الْمَائِلُونَ إِلَيْهَا الْمُفْتُونُونَ بِهَا الْمُقْبِلُونَ عَلَيْهَا وَ عَلَى حُطَامِهَا الْهَامِدِ وَ هَشِيمِهَا الْبَائِدِ غَدًا وَ

احْذَرُوا مَا حَذَّرَكُمُ اللَّهُ مِنْهَا وَ ازْهَدُوا فِيمَا زَهَدَكُمُ اللَّهُ فِيهِ مِنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٤٨

﴿٣٠٨٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فَارْزُقُوا فِيمَا زَهَدَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ مِنْ عَاجِلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛

أعلام الدين، ص ٢٢٥

﴿٣٠٩٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الزُّهْدُ قَصْرُ الْأَمَلِ... وَ أَنْ لَا يَحْسُدَ عَلَى الدُّنْيَا وَ أَنْ يُحِبَّ الْعِلْمَ وَ

الْعُلَمَاءَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥٠

﴿٣٠٩١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ قَدْ زَيَّنَكَ بِزِينَةٍ لَمْ يُزَيِّنِ الْعِبَادَ بِزِينَةٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ

مِنْهَا زَيْنَكَ بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا وَ جَعَلَكَ لَا تَرُزُّ مِنْهَا شَيْئًا وَ لَا تَرُزُّ مِنْكَ شَيْئًا؛ بحار الأنوار، ج ٣٩، ص ٢٩٧

﴿٣٠٩٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ازْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَ اغْزِفْ عَنْهَا وَ إِيَّاكَ أَنْ يَنْزِلَ بِكَ الْمَوْتُ وَ

أَنْتَ أَبْقَى [أَبْقَى] مِنْ رَبِّكَ فِي طَلِبِهَا فَتَشْقَى؛ غرر الحكم، ص ١٣٨

﴿٣٠٩٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ازْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَ اغْزِفْ عَنْهَا وَ إِيَّاكَ أَنْ يَنْزِلَ بِكَ الْمَوْتُ وَ

قَلْبُكَ مُتَعَلِّقٌ بِشَيْءٍ مِنْهَا فَتَهْلِكَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٨

﴿٣٠٩٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خَيْرُ مَنْ صَحِبْتَ مَنْ وَلَّهَكَ بِالْآخِرَةِ وَ زَهَدَكَ فِي الدُّنْيَا وَ

أَعَانَكَ عَلَى طَاعَةِ الْمَوْلَى؛ غرر الحكم، ص ٤٣٠

﴿٣٠٩٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَيْفَ يَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا مَنْ لَا يَعْرِفُ قَدْرَ الْآخِرَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٦

﴿٣٠٩٦﴾ المجتبي عليه السلام: وَالْغَنِيمَةُ فِي التَّقْوَى وَ الزَّهَادَةُ فِي الدُّنْيَا هِيَ الْغَنِيمَةُ الْبَارِدَةُ؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١٤

﴿٣٠٩٧﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّ الْفَقِيهَ حَقَّ الْفَقِيهِ الزَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا الرَّائِبُ فِي الْآخِرَةِ الْمُتَمَسِّكُ

بِسُنَّةِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله؛ الكافي، ج ١، ص ٧٠

﴿٣٠٩٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا الرَّاحَةُ الْعُظْمَى؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٧

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

﴿۳۰۸۵﴾ هیچ بنده‌ای نیست که بسیار یاد مرگ کند، مگر اینکه نسبت به دنیا بی‌رغبت می‌شود.

﴿۳۰۸۶﴾ امیدوارم با زهد و پارسایی از شرّ دنیا آسوده شوم .

﴿۳۰۸۷﴾ به خدا قسم! از وقتی پروردگار مرا آفریده، دروغ نگفتم و در دنیا برای رسیدن به دنیا زهد پیشه نکرده‌ام.

﴿۳۰۸۸﴾ مؤمنان! مبدا این سرکشان و پیروانشان، از آرزومندان دنیا که دلباخته و شیفته‌ی آن هستند، آنان که به دنیا و کالای پوسیده‌ی ناچیزش و گیاه خشکیده‌ی نابودشدنی‌اش در فردا روی نهاده‌اند، شما را بفریبند. از آنچه خداوند شما را بر حذر داشته به هوش باشید! و در آنچه از این سرا از علاقه به آن شما را بازداشته زهد پیشه سازید.

﴿۳۰۸۹﴾ پس در آن اموری از دنیا که خداوند امر به زهد در آن کرده، زاهد باشید.

﴿۳۰۹۰﴾ زهد کوتاه‌کننده‌ی آرزوهاست... انسان باید بر دنیا حسد نرزد و علم و عالم را دوست داشته باشد.

﴿۳۰۹۱﴾ یا علی! خداوند تو را به زیوری آراسته که هیچ‌کدام از بندگان را به زیوری محبوب‌تر از آن نزد خدا نیاراسته است، [و آن] زهد در دنیا است. و تو را آنچنان قرار داده که نه تو از دنیا چیزی ببری و نه دنیا از تو.

﴿۳۰۹۲﴾ در دنیا زاهد باش و از آن دوری گزین و چنین نباشد که مرگ سراغت بیاید و تو هنوز در طلب چیزی از خدا برای دنیایت باشی که بیچاره خواهی شد.

﴿۳۰۹۳﴾ در دنیا زاهد باش و از آن دوری گزین و چنین نباشد که مرگ سراغت بیاید و دل تو هنوز مشغول چیزی از دنیا باشد که هلاک خواهی شد.

﴿۳۰۹۴﴾ بهترین دوست تو کسی است که تو را نسبت به آخرت مشتاق و در دنیا زاهدت کند، و بر فرمانبرداری پروردگارت یاری نماید.

﴿۳۰۹۵﴾ کسی که قدر و منزلت آخرت را نشناسد، چگونه در دنیا زاهد خواهد بود؟!

﴿۳۰۹۶﴾ غنیمت، رغبت در تقوی و زهد در دنیا است که آن غنیمت بدون جنگ و گریز است.

﴿۳۰۹۷﴾ فقیه واقعی کسی است که نسبت به دنیا زاهد و نسبت به آخرت مشتاق و اهل تمسک به سنت پیامبر ﷺ می‌باشد.

﴿۳۰۹۸﴾ ترک دنیا بزرگ‌ترین آسایش و راحتی است.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

- ﴿٣٠٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَسْبُ الْعِلْمِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ٦٣
- ﴿٣١٠٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَسِيرُ الْمَعْرِفَةُ يُوجِبُ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ٦٣
- ﴿٣١٠١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَفْضَلُ الطَّاعَاتِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ٢٧٥
- ﴿٣١٠٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: رَأْسُ السَّخَاءِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ٢٧٥
- ﴿٣١٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: زَيْنُ الْحِكْمَةِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ٢٧٥
- ﴿٣١٠٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَمَنْ أَحَبَّ الرَّاحَةَ فَلْيُؤْتِرِ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ٢٧٦
- ﴿٣١٠٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: تَمَنُّ الْجَنَّةِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ٢٧٦
- ﴿٣١٠٦﴾ الرسول ﷺ: اَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُحِبَّكَ اللَّهُ وَ اَزْهَدْ فِيمَا فِي أَيْدِي النَّاسِ يُحِبَّكَ

النَّاسُ؛ وسائل الشيعة، ج ٩، ص ٤٥٠

- ﴿٣١٠٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُبْصِرْكَ اللَّهُ غُيُوبَهَا وَ لَا تَغْفَلَ فَلَسْتَ بِمَغْفُولٍ
- عَنْكَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٧

- ﴿٣١٠٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُبْصِرْكَ اللَّهُ عَوْرَاتِهَا وَ لَا تَغْفَلَ فَلَسْتَ بِمَغْفُولٍ
- عَنْكَ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣١٩

- ﴿٣١٠٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا تَنْزِلُ عَلَيْكَ الرَّحْمَةُ؛ غررالحكم، ص ٢٧٦
- ﴿٣١١٠﴾ الرسول ﷺ: وَ اجْعَلْنِي... فِي الدُّنْيَا زَاهِدِينَ وَ فِي الْآخِرَةِ رَاضِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ١٢٢

- ﴿٣١١١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَسْبُ الْعِلْمِ التَّزَهُدُ فِي الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٧
- ﴿٣١١٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قِيلَ لَهُ عليه السلام: مَا الزُّهْدُ قَالَ الرِّغْبَةُ فِي التَّقْوَى وَ الزَّهَادَةُ فِي الدُّنْيَا؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٠٢

- ﴿٣١١٣﴾ الباقر عليه السلام: حَرَامٌ عَلَى قُلُوبِكُمْ أَنْ تَعْرِفَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَزْهَدَ فِي الدُّنْيَا؛
- مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٩١

- ﴿٣١١٤﴾ السَّجَّاد عليه السلام: أَلَا وَ كُونُوا مِنَ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاضِينَ فِي الْآخِرَةِ أَلَا إِنَّ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا اتَّخَذُوا الْأَرْضَ بَسَاطًا وَ التُّرَابَ فِرَاشًا وَ الْمَاءَ طِيبًا وَ قَرَضُوا مِنَ الدُّنْيَا تَقْرِيبًا أَلَا وَ مَنْ اشْتَأَقَ إِلَى الْجَنَّةِ سَلَا عَنْ الشَّهَوَاتِ وَ مَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ رَجَعَ عَنِ الْمُحَرَّمَاتِ وَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمَصَائِبُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٤٣

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

- ﴿۳۰۹۹﴾ تحصیل دانش موجب زهد در دنیا است.
- ﴿۳۱۰۰﴾ کمترین مقدار معرفت و شناخت، موجب زهد در دنیا می‌شود.
- ﴿۳۱۰۱﴾ بافضیلت‌ترین فرمانبرداری‌ها، زهد در دنیا است.
- ﴿۳۱۰۲﴾ سرمنشأ سخاوت زهد در دنیا است.
- ﴿۳۱۰۳﴾ زینت حکمت، زهد در دنیا است.
- ﴿۳۱۰۴﴾ هرکس آسایش را دوست دارد، پس زهد در دنیا را اختیار کند.
- ﴿۳۱۰۵﴾ بهای بهشت، زهد در دنیا است.
- ﴿۳۱۰۶﴾ در دنیا زاهد باش تا خدا تو را دوست بدارد. و از آنچه در دست مردم است چشم بپوش تا مردم تو را دوست بدارند.
- ﴿۳۱۰۷﴾ در دنیا زاهد باش تا خداوند عیوب دنیا را به تو نشان دهد. و از دنیا غافل نباش که دنیا از تو غافل نیست.
- ﴿۳۱۰۸﴾ در دنیا زاهد باش تا خداوند لغزشگاه‌های آن را به تو نشان دهد. و از دنیا غافل نباش که دنیا از تو غافل نیست.
- ﴿۳۱۰۹﴾ در دنیا زاهد باش تا رحمت [خدا] بر تو نازل شود.
- ﴿۳۱۱۰﴾ مرا... زاهد در دنیا و مشتاق به آخرت قرار ده.
- ﴿۳۱۱۱﴾ کسب علم [نوعی] زهد در دنیا است.
- ﴿۳۱۱۲﴾ به آن حضرت عرض شد: «زهد چیست؟» فرمود: «میل به پرهیزگاری و دست‌کشیدن از دنیا».
- ﴿۳۱۱۳﴾ بر دل‌های شما حرام است شیرینی ایمان را بچشند، مگر آنکه در دنیا زاهد باشید.
- ﴿۳۱۱۴﴾ آگاه باشید که از زاهدان در دنیا و راغبان در آخرت باشید. زاهدان در دنیا زمین را بستر خود و خاک را رختخواب و آب را عطر خود قرار داده و دل از دنیا بریده‌اند. آگاه باشید هرکس مشتاق بهشت است، شهوات را کنار گذارد و هرکس از آتش جهنم می‌ترسد، از محرّمات بازگردد. هرکس در دنیا زهد و بی‌رغبتی پیشه کند، دشواری‌ها برایش آسان می‌شود.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

﴿٣١١٥﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ زَيْنَكَ بِزِينَةِ لَمْ يُزَيِّنِ الْعِبَادَ بِأَحْسَنَ مِنْهَا، بَعْضَ إِلَيْكَ الدُّنْيَا، وَ زَهْدَكَ فِيهَا، وَ حَبَبَ إِلَيْكَ الْفُقَرَاءَ فَرَضِيَتْ بِهِمْ أَتْبَاعًا وَ رَضُوا بِكَ إِمَامًا؛
شواهد التنزيل، ج ١، ص ٤٥٩

﴿٣١١٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَلَا وَ إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا يُسَلَّمُ مِنْهَا إِلَّا بِالزُّهْدِ فِيهَا وَ لَا يُنَجَّى مِنْهَا بِشَيْءٍ كَانَ لَهَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٨

﴿٣١١٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا قَرَّتْ عَيْنُهُ بِمَا يَرَى مِنْ ثَوَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ... قَالَ كُنْ فِي الدُّنْيَا زَاهِدًا وَ فِي الْآخِرَةِ رَاغِبًا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٢٤

﴿٣١١٨﴾ الرسول ﷺ: طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاغِبِينَ فِي الْآخِرَةِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا أَرْضَ اللَّهِ بَسَاطًا... وَ دُعَاءَهُ دِتَارًا يَقْرَضُونَ الدُّنْيَا قَرْضًا؛ مكارم الأخلاق، ص ٤٦٣

﴿٣١١٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ خَلْقًا ضَيَّقَ الدُّنْيَا عَلَيْهِمْ نَظْرًا لَهْمُ فَزَهَّدَهُمْ فِيهَا وَ فِي حُطَامِهَا فَرَعَبُوا فِي دَارِ السَّلَامِ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٨٤

﴿٣١٢٠﴾ الرسول ﷺ: فَقِيلَ لَهُ: فَمَا الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا؟ قَالُوا: لِبَسِ الْكَرَائِسِ وَ قَطَعَ مَا جَارَ مِنْ أَنَامِلِهِ وَ قَصَرَ طَوْلَ كُمِّهِ وَ ضَيَّقَ أَصْفَلَهُ كَانَ طَوْلُ الْكُمِّ ثَلَاثَةَ أَشْبَارٍ وَ أَصْفَلُهُ اثْنَى عَشَرَ شِبْرًا وَ طَوْلُ الْبَدَنِ سِتَّةَ أَشْبَارٍ؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٠٠

﴿٣١٢١﴾ الكاظم عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَرَحَّلَتْ مُدْبِرَةً وَ إِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ تَرَحَّلَتْ مُقْبِلَةً وَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا بَنُونَ فَكُونُوا مِنْ أَتْبَاءِ الْآخِرَةِ وَ لَا تَكُونُوا مِنْ أَتْبَاءِ الدُّنْيَا وَ كُونُوا مِنَ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاغِبِينَ فِي الْآخِرَةِ لِأَنَّ الزَّاهِدِينَ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ بَسَاطًا وَ التُّرَابَ فِرَاشًا وَ الْمَاءَ طِيبًا وَ قَرَضُوا الدُّنْيَا تَقْرِيضًا... وَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمَصَائِبُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣١٤

﴿٣١٢٢﴾ الرسول ﷺ: يَا أَحْمَدُ إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَكُونَ أَوْرَعَ النَّاسِ فَازْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَ ارْغَبْ فِي الْآخِرَةِ فَقَالَ يَا إِلَهِي كَيْفَ أَرْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَ أَرْغَبُ فِي الْآخِرَةِ قَالَ خُذْ مِنَ الدُّنْيَا خِفَاءً مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ وَ اللَّبَاسِ وَ لَا تَدْخِرْ لَعْدٍ وَ دُمٌ عَلَى ذِكْرِي فَقَالَ يَا رَبِّ وَ كَيْفَ أَدُومُ عَلَى ذِكْرِكَ فَقَالَ بِالْخُلُوةِ عَنِ النَّاسِ وَ بُغْضِكَ الْخُلُوعِ وَ الْحَامِضِ وَ فَرَاغِ بَطْنِكَ وَ بَيْتِكَ مِنَ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢١

﴿٣١٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي لِمَنْ عَلِمَ سُرْعَةَ زَوَالِ الدُّنْيَا أَنْ يَزْهَدَ فِيهَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٩

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

﴿۳۱۵﴾ یا علی، خداوند تو را با زینتی آراسته که هیچ‌کس از بندگان را با زینتی نیکوتر از آن نیاراسته است، دنیا را برای تو مبعوض کرده و تو را در آن زاهد نموده و فقرا را در نظر تو محبوب کرده و تو آنان را به عنوان پیروان قبول کردی و آنان تو را به عنوان رهبر پذیرفته‌اند.

﴿۳۱۶﴾ آگاه باشید که دنیا سرایی است که جز با زهد نمی‌توان از آن سالم بیرون رفت و نمی‌توان با هیچ‌چیز دنیوی از آن نجات یافت.

﴿۳۱۷﴾ هرکس در دنیا به زهد گراید، دیده‌اش به آنچه از پاداش‌های خداوند بلندمرتبه می‌بیند، روشن گردد... نسبت به دنیا زاهد و بی‌میل باش و نسبت به آخرت، راغب و مایل.

﴿۳۱۸﴾ خوشا به حال آنان که به آخرت رغبت دارند و در دنیا زاهدند، آن‌ها گروهی هستند که زمین خود را مساجد خود ساختند.

﴿۳۱۹﴾ خداوند مخلوقی را آفرید و دنیا را از سر لطف برای آن‌ها تنگ قرار داد و آن‌ها را نسبت به دنیا و کالاهای آن زاهد قرار داد. و آنان نیز به سرای آخرت میل و رغبت نشان دادند.

﴿۳۲۰﴾ به رسول خدا ﷺ گفته شد: «معنای زهد در دنیا چیست؟» فرمودند: «علی عليه السلام جامه پنبه‌ای سفید می‌پوشید و قسمت‌هایی از آن را که انگشتانش فراتر می‌رفت، می‌برید، طول آستین را کوتاه و پائین آن را تنگ می‌کرد. طول آستینش سه وجب و پائین آن دوازده وجب و قسمتی که روی شانه و کمر قرار می‌گیرد، شش وجب بود».

﴿۳۲۱﴾ دنیا حرکت کرده و به طرف زوال و فنا می‌رود و آخرت حرکت نموده و به طرف ما می‌آید. هر یک از آن‌ها نیز فرزندان و دلبستگی دارد. بنابراین شما باید از فرزندان و دلبستگی‌ها آخرت باشید نه از فرزندان دنیا، و از کسانی باشید که از دنیا و تعلقات آن دل‌کنده و خود را آزاد کرده‌اند و رغبت و میل خود را به آخرت معطوف داشته‌اند و چون زاهدان و پارسایان در زندگی سبک و آزادند. زمین را فرش زیر پای خود، خاک را بستر خواب خود و آب را غذا و آشامیدنی پاکیزه‌ی خود قرار داده‌اند و کاملاً از دنیا چشم پوشیده‌اند... هرکس که در دنیا پارسا و به آن بی‌اعتنا باشد، تمام مصائب و حوادث بر او آسان می‌شود.

﴿۳۲۲﴾ ای احمد! اگر دوست داری که باورع‌ترین مردم باشی، نسبت به دنیا زهد پیشه کن و به آخرت تمایل داشته باش. پرسید: «خدایا چگونه زاهدترین مردم باشم». فرمود: «در دنیا اندکی از خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها و پوشیدنی‌ها استفاده کن و برای روز بعد ذخیره نکن و بر ذکر من مداومت کن». پرسید: «چگونه بر ذکر تو مداومت کنم؟» فرمود: «با دوری‌گزیدن از مردم، به خلوت گرویدن، عدم توجه به تلخ و شیرین دنیا و خالی‌داشتن شکم و خانه‌ات از نعمت‌های دنیوی».

﴿۳۲۳﴾ سزاوار است برای کسی که می‌داند دنیا چقدر زودگذر است، در دنیا زاهد باشد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

﴿٣١٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا تَزَهَّدَ؛ غررالحكم، ص ١٣٩

﴿٣١٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا أَنْ يَزْهَدَ فِيهَا وَ يَعْزُفَ عَنْهَا؛ غررالحكم،

ص ٢٧٥

﴿٣١٢٦﴾ المجتبي عليه السلام: مَنْ عَرَفَ اللَّهَ أَحَبَّهُ وَ مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا زَهَدَ فِيهَا؛ مجموعة ورام، ج ١،

ص ٥٢

﴿٣١٢٧﴾ الباقر عليه السلام: قَالُوا إِذَا كُنَّا عِنْدَكَ فَذَكَّرْتَنَا وَ رَغَّبْتَنَا وَ جَلَّنَا وَ نَسِينَا الدُّنْيَا وَ زَهَدْنَا حَتَّى كَانَا نَعَايِنُ الْآخِرَةَ وَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ نَحْنُ عِنْدَكَ فَإِذَا خَرَجْنَا مِنْ عِنْدِكَ وَ دَخَلْنَا هَذِهِ الْأُبُوتَ وَ شَمِمْنَا الْأَوْلَادَ وَ رَأَيْنَا الْعِيَالَ وَ الْأَهْلَ يَكَادُ أَنْ نَحُولَ عَنِ الْحَالِ الَّتِي كُنَّا عَلَيْهَا عِنْدَكَ وَ حَتَّى كَانَا لَمْ نَكُنْ عَلَى شَيْءٍ آ فَتَخَافُ عَلَيْنَا أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ يَفَاقًا فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَلَّا إِنْ هَذِهِ خُطُواتُ الشَّيْطَانِ فَيَرْغَبُكُمْ فِي الدُّنْيَا؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٢٣

﴿٣١٢٨﴾ السجاد عليه السلام: وَ ازْهَدُوا فِيمَا زَهَدَكُمْ اللَّهُ فِيهِ مِنْهَا وَ لَا تَرْكَبُوا إِلَى مَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا

رَكُوبٌ مَنِ اتَّخَذَهَا دَارَ قَرَارٍ؛ الكافي، ج ٨، ص ١٤

﴿٣١٢٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ كَثْرَةِ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا الَّتِي لَمْ يَتَمَتَّعْ بِهَا مَنْ كَانَ فِيهَا قَبْلَكُمْ... ثُمَّ عَمَّرْتُمْ فِي الدُّنْيَا مَا كَانَتْ الدُّنْيَا بَاقِيَةً مَا جَزَتْ أَعْمَالُكُمْ... وَ لَا تَغْرَنَكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغْرَنَكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٥١٨

﴿٣١٣٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْمُؤْمِنُ يَكُونُ صَادِقًا فِي الدُّنْيَا... قَاتِلَ الْهَوَى زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا رَاغِبًا فِي الْآخِرَةِ... وَ لَا يَفْتَحِرُ بِمَالِ الدُّنْيَا مَشْغُولٌ بِغُيُوبِ نَفْسِهِ... التَّقْوَى زَادَهُ وَ الدُّنْيَا حَانَتْهُ؛

مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٧٤

﴿٣١٣١﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ إِنَّ الْعُقَلَاءَ زَهَدُوا فِي الدُّنْيَا وَ رَغِبُوا فِي الْآخِرَةِ لِأَنَّهُمْ عَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا طَالِبَةٌ وَ مَطْلُوبَةٌ وَ الْآخِرَةُ طَالِبَةٌ وَ مَطْلُوبَةٌ فَمَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَوْفِيَ مِنْهَا رِزْقَهُ وَ مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَتْهُ الْآخِرَةُ فَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ فَيُفْسِدُ عَلَيْهِ دِينَهُ وَ آخِرَتَهُ؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٦٢٧

﴿٣١٣٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَحَقُّ النَّاسِ بِالزَّهَادَةِ مَنْ عَرَفَ نَقْصَ الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ٢٧٥

﴿٣١٣٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ظَلَفَ النَّفْسَ عَنْ لَذَاتِ الدُّنْيَا هُوَ الزُّهْدُ الْمَحْمُودُ؛ غررالحكم،

ص ٢٧٦

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

﴿۳۱۲۴﴾ هرکس دنیا را بشناسد، زهد می‌جوید.

﴿۳۱۲۵﴾ برای کسی که دنیا را شناخته، سزاوار است زاهدانه زندگی کند و از دنیا ببرد.

﴿۳۱۲۶﴾ هرکس خدا را بشناسد او را دوست دارد و هرکس دنیا را بشناسد، پارسایی در دنیا را

پیشه می‌کند.

﴿۳۱۲۷﴾ به رسول خدا ﷺ گفتند: «هرگاه نزد تو هستیم و یاد آخرت را برای ما زنده می‌کنی و ما را به آن ترغیب می‌کنی، جسممان به لرزه می‌افتد و دنیا را فراموش می‌کنیم و نسبت به آن زاهد می‌شویم تا جایی که گویا هم‌اکنون آخرت و بهشت و جهنم را می‌بینیم؛ اما این حالات مربوط به زمانی است که نزد تو هستیم، اما هنگامی که از نزد تو می‌رویم و به خانه‌های خود وارد می‌شویم... نزدیک است که حال ما و آن حالی را که در حضور تو داشتیم، عوض شود». ... رسول خدا ﷺ فرمود: «این، از نقشه‌های شیطان است که نسبت به دنیا در شما رغبت ایجاد می‌کند».

﴿۳۱۲۸﴾ از آنچه خداوند شما را به زهدتان خوانده بی‌رغبت باشید، و به آنچه در این سراسر است مانند کسی که آن را خانه‌ی ابدی و قرارگاه همیشگی خود ساخته، اعتماد نکنید.

﴿۳۱۲۹﴾ ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی و بسیار یاد مرگ و زهد در دنیا توصیه می‌کنم که افراد پیش از شما نیز نتوانستند از آن بهره ببرند... عمر خود را برای دنیا سپری کردید [و دنیا را آباد نمودید]، حال آنکه دنیا باقی نخواهد ماند و جزا و پاداش تلاش‌های شما را نخواهد داد... وَ لَا تُغْنِيكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغْنِيكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ.

﴿۳۱۳۰﴾ مؤمن در دنیا راستگوست... هوای نفسش را می‌کشد، به دنیا بی‌رغبت و به آخرت میل دارد... به دارایی‌های دنیایش تفاخر نمی‌کند، [به‌جای رسیدگی به دنیا و عیوب دیگران] مشغول به عیب‌های خویش است... توشه‌اش تقوا و دنیا دکان خرید و فروش اوست.

﴿۳۱۳۱﴾ ای هشام! همانا خردمندان نسبت به دنیا بی‌رغبت و به آخرت مشتاق هستند، زیرا فهمیدند که دنیا خواهان است و خواسته‌شده و آخرت هم خواهان و خواسته شده است؛ هرکسی آخرت را بخواهد، دنیا به دنبالش می‌آید تا روزی خود را از آن دریافت کند و هرکسی دنیا را بخواهد، آخرت به دنبالش است تا بمیراند و دنیا و آخرتش را بر او تباه کند.

﴿۳۱۳۲﴾ کسی که به بی‌ارزشی و نقص‌های دنیا آگاه است، سزاوار است که زاهدانه‌تر زندگی

کند.

﴿۳۱۳۳﴾ دور کردن نفس از لذت‌های دنیا همان زهد ستوده شده است.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

﴿٣١٣٤﴾ الرسول ﷺ: مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَنْثَمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَا يَسْكُنُ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عِشْرِينَ خِصْلَةً عَشْرُ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَعَشْرُ فِي الْآخِرَةِ أَمَّا فِي الدُّنْيَا فَالزُّهْدُ وَالْحِرْصُ عَلَى الْعَمَلِ وَالْوَرَعُ فِي الدِّينِ... وَ النَّاسِعَةُ بُغْضُ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٢٧، ص ٧٨

﴿٣١٣٥﴾ الرسول ﷺ: قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا هَامُ وَلِمَ كَانُوا هَؤُلَاءِ أَوْصِيَاءَ الْأَنْبِيَاءِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لِأَنَّهُمْ كَانُوا أَزْهَدَ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا وَ أَرْغَبَ النَّاسِ فِي الْآخِرَةِ... قَالَ فَهُوَ عَلَى وَهُوَ وَصِيٌّ وَ أَخِي وَهُوَ أَزْهَدُ أُمَّتِي فِي الدُّنْيَا وَ أَرْغَبُ إِلَى اللَّهِ فِي الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٩، ص ١٦٤

﴿٣١٣٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الزَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا كُلَّمَا زَادَتْ لَهُ تَحْلِيًّا زَادَتْ عَنْهَا تَخْلِيًّا؛

بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٨١

﴿٣١٣٧﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الزَّاهِدَ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ وَيُرِيحُ قَلْبُهُ وَ بَدَنُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ الرَّاعِبُ فِيهَا يَتَعَبُ قَلْبُهُ وَ بَدَنُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لِيَجِيَنَّ أَقْوَامُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَهُمْ حَسَنَاتٌ كَأَمْثَالِ الْجِبَالِ فَيَأْمُرُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ فَيَقِيلُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَ مُصْلُونَ كَانُوا قَالَ نَعَمْ كَانُوا يُصَلُّونَ وَ يَصُومُونَ وَ يَأْخُذُونَ وَهَذَا مِنَ اللَّيْلِ لَكِنَّهُمْ إِذَا لَحَ لَهُمْ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَتَبَّوْا عَلَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٨

﴿٣١٣٨﴾ العسكري عليه السلام: إِنَّ الزَّهَادَةَ فِي الدُّنْيَا يَا ابْنَ الْمَلِكِ مِفْتَاحُ الرِّغْبَةِ إِلَى الْآخِرَةِ وَ مَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ فَاصْطَبَّ بِأَبْهَاطِهَا دَخَلَ مَلَكُوتَهَا وَ كَيْفَ لَا تَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا وَقَدْ آتَاكَ اللَّهُ مِنَ الْعَقْلِ مَا آتَاكَ وَ قَدْ تَرَى أَنَّ الدُّنْيَا كُلَّهَا وَ إِنِ كَثُرَتْ إِنَّمَا يَجْمَعُهَا أَهْلُهَا لِهَذِهِ الْأَجْسَادِ الْفَانِيَةِ؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٤٠١

﴿٣١٣٩﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحِرْصِ عَلَيْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٩٥، ص ٤٢

﴿٣١٤٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الزَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا مُلُوكُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مَنْ لَمْ يَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَ رَغِبَ فِيهَا فَهُوَ قَبِيرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مَنْ زَهَدَ فِيهَا مَلَكَهَا وَ مَنْ رَغِبَ فِيهَا مَلَكَتْهُ؛

إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠

﴿٣١٤١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْعَاقِلُ مَنْ زَهَدَ فِي دُنْيَا فَانِيَةٍ دَنِيَّةٍ [دَنِيَّةٍ فَانِيَةٍ] وَ رَغِبَ فِي جَنَّةٍ

سَنِيَّةٍ خَالِدَةٍ عَالِيَةٍ [عَالِيَةٍ]؛ غرر الحكم، ص ٥٤

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

﴿۳۱۳۴﴾ هرکس خدا به او حبّ ائمه‌ی از اهل بیت من را روزی نماید، به خیر دنیا و آخرت رسیده و نباید شکّی داشته باشد در اینکه بهشتی است. همانا در محبّت اهل بیت من بیست امتیاز است، ده امتیاز آن در دنیاست و ده امتیاز در آخرت. اما امتیاز آن در دنیا: زهد، اشتیاق به عمل، ورع در دین،... بغض دنیا... [می‌باشد].

﴿۳۱۳۵﴾ رسول خدا ﷺ [پس از ذکر تعدادی از اوصیای پیامبران] به هام فرمود: «ای هام، چرا این‌ها اوصیای انبیا بودند؟» عرض کرد: «یا رسول الله، چون آن‌ها زاهدترین مردم از دنیا و راغب‌ترین مردم به آخرت بودند...» فرمود: «او همین علی است که وصی و برادر من است و او زاهدترین اُمّت من در دنیا و مشتاق‌ترین آن‌ها به خدا در آخرت است.»

﴿۳۱۳۶﴾ دنیا هرچه بیشتر برای زاهد جلوه کند، وی بیشتر از آن فاصله می‌گیرد.

﴿۳۱۳۷﴾ پیامبر ﷺ فرمود: «همانا پارسا در دنیا در آسایش است و دل و بدنش در دنیا و آخرت راحت است؛ طالب دنیا، دل و جسم او در دنیا و آخرت در زحمت است. روز قیامت گروهی می‌آیند که کردارهای نیک ایشان مانند کوه‌هایی است، پس آنان را به ورود به جهنّم فرمان می‌دهند.» عرض شد: «ای پیامبر خدا! آیا آن‌ها نماز گزار هستند؟» فرمود: «آری آن‌ها بودند که نماز می‌خواندند، روزه می‌گرفتند، ساعتی از شب را به عبادت می‌گذراندند، اما هرگاه چیزی از کار دنیایی برای آنان آشکار می‌شد به آن می‌پیوستند.»

﴿۳۱۳۸﴾ ترک دنیا کلید درهای سعادت اخروی است. هرکس طالب آخرت باشد و در آن را که ترک دنیاست، بیابد به زودی در آن سرا پادشاهی خواهد یافت و چگونه در این دنیا زهد نمی‌ورزی درحالی که حق تعالی عقلی این چنین به تو مرحمت فرموده است و تو می‌بینی که اهل دنیا آن را برای این اجساد فانی گرد می‌آورند.

﴿۳۱۳۹﴾ خداوند، از تو عدم تمایل به دنیا را خواهانم و از آزمندی به آن، به تو پناه

می‌برم.

﴿۳۱۴۰﴾ پارسایان در دنیا پادشاهان آخرت و دنیا هستند، آن که در دنیا پارسا نباشد و میل به دنیا کند، فقیر دنیا و آخرت است؛ هرکس در دنیا زهد ورزد، مالک دنیا می‌گردد و هرکس میل به دنیا کند، دنیا او را مالک می‌شود.

﴿۳۱۴۱﴾ عاقل کسی است که از دنیای پست و زودگذر بگذرد و به بهشت برین و ماندگار و جایگاه بلند، میل و رغبت نشان دهد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

﴿٣١٤٢﴾ الرسول ﷺ: قُلْتُ فَمَا تَفْسِيرُ الزُّهْدِ: قَالَ: يُحِبُّ مَنْ يُحِبُّ خَالِقَهُ وَ يُبْغِضُ مَنْ يُبْغِضُ خَالِقَهُ وَ يَتَحَرَّجُ مِنْ حَلَالِ الدُّنْيَا وَ لَا يَلْتَفِتُ إِلَى حَرَامِهَا فَإِنَّ حَلَالَهَا حِسَابٌ وَ حَرَامُهَا عِقَابٌ... وَ يَتَحَرَّجُ عَنْ حُطَامِ الدُّنْيَا وَ زِينَتِهَا كَمَا يَتَجَنَّبُ النَّارَ أَنْ يَعْشَاهَا؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ١٩٥

﴿٣١٤٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: رَبِّ مَا أَحْرَصَنِي عَلَى مَا زَهَّدْتَنِي [فِيهِ] وَ حَثَّنَنِي عَلَيْهِ إِنْ لَمْ تُعْنِي عَلَى دُنْيَايَ بِزُهْدٍ وَ عَلَى آخِرَتِي بِتَقْوَى هَلَكْتُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١١١

﴿٣١٤٤﴾ الكاظم عليه السلام: إِنْ أَجْزَعَكُمْ عِنْدَ الْبَلَاءِ لَأَشَدُّكُمْ حُبًّا لِلدُّنْيَا وَ إِنْ أَصْبَرَكُمْ عَلَى الْبَلَاءِ لَأَزْهَدُكُمْ فِي الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٤٥

﴿٣١٤٥﴾ الرضا عليه السلام: وَ لَا مَقَامَ مِنْ مَقَامَاتِهِ فَتَرَكَهُ زُهْدًا فِيهِ... وَ اطَّرَاحًا لِلدُّنْيَا وَ اسْتِصْغَارًا لَهَا وَ إِثَارًا لِلْآخِرَةِ وَ مُنَافَسَةً فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٩، ص ١٥٩

﴿٣١٤٦﴾ عيسى عليه السلام: وَ اجْعَلُوا قُلُوبَكُمْ يُبَوِّنَا لِلتَّقْوَى وَ لَا تَجْعَلُوا قُلُوبَكُمْ مَأْوَى لِلشَّهَوَاتِ إِنْ أَجْزَعَكُمْ عِنْدَ الْبَلَاءِ لَأَشَدُّكُمْ حُبًّا لِلدُّنْيَا وَ إِنْ أَصْبَرَكُمْ عَلَى الْبَلَاءِ لَأَزْهَدُكُمْ فِي الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٤٥

﴿٣١٤٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكَ لَنْ تُخْلُقَ لِلدُّنْيَا فَازَ هَدَفِهَا وَ أَعْرَضَ عَنْهَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٨

﴿٣١٤٨﴾ الصادق عليه السلام: وَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَثْبَتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَ انْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ وَ بَصَرَهُ غُيُوبَ الدُّنْيَا دَاءَهَا وَ دَوَاءَهَا وَ أَخْرَجَهُ مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤١٠

﴿٣١٤٩﴾ الصادق عليه السلام: فَاسْأَلْكَ... وَ زُهْدًا فِي الدُّنْيَا وَ رَغْبَةً فِيَمَا عِنْدَكَ وَ ثِقَةً بِكَ؛ تهذيب الأحكام، ج ٣، ص ١٢٦

﴿٣١٥٠﴾ السجاد عليه السلام: أَلَا وَ كُونُوا مِنَ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّغْبِينَ فِي الْآخِرَةِ أَلَا إِنَّ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا قَدْ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ بَسَاطًا وَ التُّرَابَ فِرَاشًا وَ الْمَاءَ طِيبًا وَ قُرْضُوا مِنَ الدُّنْيَا تَقْرِيبًا؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ١٤

﴿٣١٥١﴾ الصادق عليه السلام: جُعِلَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا يَجِدُ الرَّجُلُ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى لَا يُبَالِيَ مَنْ أَكَلَ الدُّنْيَا ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: حَرَامٌ عَلَى قُلُوبِكُمْ أَنْ تَعْرِفَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَزْهَدَ فِي الدُّنْيَا؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ١٢

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

- ﴿۳۱۴۲﴾ پیامبر ﷺ فرمود: به جبرئیل گفتم: «معنای زهد و پارسایی چیست؟» گفت: «پارسایی این است که هرکس را که خالقش او را دوست دارد، دوست بدارد و هرکس را که خدایش او را دشمن می‌دارد، دشمن دارد؛ از حلال دنیا دوری کند و توجه به حرام دنیا نکند، زیرا حلالش حساب دارد و حرامش عقاب و مجازات... و از مال دنیا و آرایش آن دوری کند، آن‌چنان‌که از آتش دوری می‌کند که مبدا آتش او را فرا گیرد».
- ﴿۳۱۴۳﴾ پروردگارا! چقدر بر آنچه مرا از آن برکنار و به دوری از آن وادارم کردی، حریصم؛ و اگر تو به زهد در دنیا و پرهیزکاری در امور آخرت کمک کنی، هلاک می‌گردم.
- ﴿۳۱۴۴﴾ و همانا بی‌تاب‌ترین شما هنگام بلا دنیادوست‌ترین شماست. و صبورترین شما بر بلا زاهدترین شما نسبت به دنیا می‌باشد.
- ﴿۳۱۴۵﴾ [ذو الریاستین] آن مقام را به خاطر پارسایی و همت بلند... و بی‌اعتنایی به دنیا و بی‌ارزشی آن در نظرش و توجه و گذشت و علاقه به عالم آخرت، نپذیرفت.
- ﴿۳۱۴۶﴾ دل‌های خود را خانه‌ی تقوا قرار دهید نه اینکه پناهگاه شهوات باشد. و همانا بی‌تاب‌ترین شما هنگام بلا دنیادوست‌ترین شماست. و صبورترین شما بر بلا زاهدترین شما نسبت به دنیا می‌باشد.
- ﴿۳۱۴۷﴾ تو برای دنیا خلق نشده‌ای! پس در آن زاهد باش و از آن روی بگردان.
- ﴿۳۱۴۸﴾ کسی که در دنیا زاهد باشد، خدا حکمت را در دلش پابرجا می‌کند و زبانش را به آن گویا و او را به عیب‌ها و دردها و دواهای دنیا بی‌نا می‌سازد و از دنیا به‌سوی بهشت به سلامت بیرون می‌برد.
- ﴿۳۱۴۹﴾ خداوند! از تو می‌خواهم... که به من در دنیا زهد عطا کنی و میل و رغبت مرا به آن چیزی قرار دهی که نزد توست و اعتماد مرا فقط به خودت جلب کنی.
- ﴿۳۱۵۰﴾ آگاه باشید که شما باید از زاهدان در دنیا باشید و به آخرت رغبت نشان دهید. زاهدان در دنیا، زمین را محل سکونت خود و خاک را فرش خود و آب را مایع طاهری برای خود قرار داده‌اند و از دنیا به‌قدری که نیاز دارند، استفاده کرده‌اند.
- ﴿۳۱۵۱﴾ خداوند همه نیکی‌ها را در خانه‌ای قرار داده و کلید آن زهد در دنیا می‌باشد، سپس فرمود: رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «انسان به حقیقت ایمان نمی‌رسد مگر اینکه توجهی به اهل دنیا نداشته باشد». چشیدن شیرینی ایمان بر شما حرام است مگر زمانی که در دنیا زاهد باشید.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

﴿٣١٥٢﴾ الصادق عليه السلام: وَ سَأْتَبُكَ بِهَوَا الدُّنْيَا وَ هَوَا شَرَفَهَا عَلَى مَنْ مَضَى مِنَ السَّلَفِ وَ التَّابِعِينَ؛ وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ٢٠٩

﴿٣١٥٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: رَغَبَ فِي الْآخِرَةِ وَ زَهَّدَ فِي الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ١٥٦

﴿٣١٥٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: إِزْهَدُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الزَّاهِدَةَ فِيكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٣٨، ص ٩٩

﴿٣١٥٥﴾ المجتبی عليه السلام: إِزْهَدْ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّكَ رَهِيْنٌ مَوْتٍ وَ غَرَضٌ بَلَاءٍ؛ بحار الأنوار، ج ٤٢، ص ٢٠٢

﴿٣١٥٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا وَ الرَّاعِبِينَ فِي الْآخِرَةِ أُولَئِكَ قَوْمٌ اتَّخَذُوا أَرْضَ اللَّهِ بَسَاطَةً وَ تُرَابَهَا فِرَاشًا وَ مَاءَهَا طِيبًا وَ الْكِتَابَ شِعَارًا وَ الدُّعَاءَ دِفْأً ثُمَّ تَرَكُوا الدُّنْيَا تَرَكًا عَلَى مَنَاجِ الْمَسِيحِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ عليه السلام؛ بحار الأنوار، ج ٥٠، ص ٣١٥

﴿٣١٥٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ عَلَامَةَ الرَّاعِبِ فِي ثَوَابِ الْآخِرَةِ زُهْدُهُ فِي عَاجِلِ زَهْرَةِ الدُّنْيَا أَمَّا إِنْ زَهَّدَ الزَّاهِدُ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَا يَنْقُصُهُ مِمَّا قَسَمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ فِيهَا وَ إِنْ زَهَّدَ وَ إِنْ حَرَصَ الْحَرِيصُ عَلَى عَاجِلِ زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لَا يَزِيدُهُ فِيهَا وَ إِنْ حَرَصَ فَالْمُعْبُونُ مَنْ حُرِمَ حَظُّهُ مِنَ الْآخِرَةِ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٢٩

﴿٣١٥٨﴾ الكاظم عليه السلام: يَا عَبِيدَ الدُّنْيَا بَحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ لَا تُدْرِكُونَ شَرَفَ الْآخِرَةِ إِلَّا بِتَرْكِ مَا تُحِبُّونَ... إِنْ أَجْزَعَكُمْ عِنْدَ الْبَلَاءِ لَا شَدُّكُمْ حُبًّا لِلدُّنْيَا وَ إِنْ أَصْبَرَكُمْ عَلَى الْبَلَاءِ لَا زَهْدَكُمْ فِي الدُّنْيَا... يَا عَبِيدَ الدُّنْيَا إِنَّمَا مَتَلِكُمْ مِثْلُ السَّرَاجِ يُضَيُّ لِلنَّاسِ وَ يُحْرِقُ نَفْسَهُ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٤٥

﴿٣١٥٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فَإِنَّ مَنْ رَغِبَ بِالتَّقْوَى زَهْدًا فِي الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٣٢٠

﴿٣١٦٠﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: فَأَخَذَ سَلْمَانُ الدَّرْعَ ثُمَّ أَتَى بِهِ إِلَى شَمْعُونِ الْيَهُودِيِّ فَقَالَ لَهُ يَا شَمْعُونُ هَذَا دِرْعُ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ ﷺ تَقُولُ لَكَ أَقْرَضَنِي عَلَيْهِ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ وَ صَاعًا مِنْ شَعِيرِ أَرْدَّةٍ عَلَيْكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ قَالَ فَأَخَذَ شَمْعُونُ الدَّرْعَ ثُمَّ جَعَلَ يَقْلِبُهُ فِي كَفِّهِ وَ عَيْنَاهُ تَذْرِفَانِ بِالْذُّمِّ وَ هُوَ يَقُولُ يَا سَلْمَانُ هَذَا هُوَ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا هَذَا الَّذِي أَخْبَرَنَا بِهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٣، ص ٧١

﴿٣١٦١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ خَصَّكَ بِأَمْرِ وَ أَعْطَاكَه لَيْسَ مِنَ الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيْهِ وَ لَا أَفْضَلَ مِنْهُ عِنْدَهُ، الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا، فَلَيْسَ تَنَالُ مِنْهَا شَيْئًا وَ لَا تَنَالُ مِنْكَ وَ هِيَ زِينَةُ الْأَبْرَارِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٣١، ص ٣١٨

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

﴿۳۱۵۲﴾ به زودی تو را به خواری و بی‌ارزشی دنیا و موقعیت و مقام دنیوی نسبت به گذشتگان و کسانی که بعد از آن‌ها آمده‌اند آشنا می‌کنم.

﴿۳۱۵۳﴾ خداوند مردم را به آخرت ترغیب نموده، و به زهد در دنیا فرا خوانده است.

﴿۳۱۵۴﴾ به این دنیایی که به شما رغبت ندارد، بی‌رغبت باشید.

﴿۳۱۵۵﴾ در دنیا پارسا باش که تو در گرو مرگ و هدف بلاها هستی.

﴿۳۱۵۶﴾ خوش به حال کسانی که در دنیا پارسا هستند و دل به آخرت بسته‌اند؛ کسانی که زمین را برای خود فرش قرار داده‌اند و خاکِ زمین بستر ایشان و آب گوارا بوی خوش آن‌هاست. کتاب خدا را شعار و دعا را شغل خود قرار داده‌اند. آنان مانند عیسی بن مریم علیه السلام از دنیا دل بریده‌اند.

﴿۳۱۵۷﴾ علامت کسی که به ثواب آخرت میل و رغبت دارد، زهد او در برابر زیبایی‌های زودگذر دنیاست. زهد زاهد در این دنیا موجب نمی‌شود که سهم و قسمتی که خداوند برای او در این دنیا مقدر کرده، ناقص به او برسد حتی اگر نسبت به سهمش زهد پیشه کند؛ و حرص فرد حریص بر زیبایی‌های زودگذر دنیا هرچه که بیشتر نیز حرص بزند، موجب دریافت زیاده بر سهم خودش از دنیا نمی‌گردد. پس با این اوصاف، زیان‌دیده کسی است که خودش را از بهره‌ی آخرت، محروم کند.

﴿۳۱۵۸﴾ ای دنیاپرستان، به حق برایتان می‌گویم به شرفِ آخرت، جز با ترک آنچه دوست دارید، نخواهید رسید... قطعاً بی‌تاب‌ترین شما هنگام بلا، دنیادوست‌ترین شماست، و صبورترین شما بر بلا، زاهدترین شما به دنیا می‌باشد... ای دنیاپرستان، شما همچون چراغی هستید که به مردم نور می‌دهد ولی خود را می‌سوزاند!

﴿۳۱۵۹﴾ هرکس خواستار تقوا باشد، از دنیا روی گردان می‌شود.

﴿۳۱۶۰﴾ سلمان پیراهن را از حضرت زهرا علیها السلام گرفت، نزد شمعون یهودی رفت و به وی گفت: «این پیراهن فاطمه دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. فاطمه علیها السلام می‌گوید: «این پیراهن را بگیر و در مقابل آن یک من خرما و یک من جو بده تا به خواست خدا بعداً دینم را به تو بپردازم». شمعون پیراهن را گرفت و همان‌طور که آن را با دو دستش زیر و رو می‌کرد، از چشمانش اشک سرازیر بود و می‌گفت: «ای سلمان! این همان زهد و تقوای واقعی در دنیا است! این همان زهدی است که تورات حضرت موسی علیه السلام به ما خبر داده است».

﴿۳۱۶۱﴾ ای علی! خداوند تو را مخصوص امری کرده و آن را به تو عطا کرده که هیچ عملی نزد وی از آن محبوب‌تر و برتر نیست و آن زهد در دنیاست که چیزی از دنیا عاید تو نگردد و دنیا هم چیزی از تو نکاهد و این صفت، زینت نیکوکاران در نزد خداوند عزّ و جل در روز قیامت است.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

﴿٣١٦٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ أَكْثَرُ ذِكْرِ الْآخِرَةِ وَ مَا فِيهَا مِنَ النِّعَمِ وَ الْعَذَابِ الْآلِيمِ فَإِنَّ ذَلِكَ يُزَهِّدُكَ فِي الدُّنْيَا وَ يُصَغِّرُهَا عِنْدَكَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٢٤

﴿٣١٦٣﴾ الباقر عليه السلام: قَالَ: مَا أَجْمَلَ عَبْدٌ ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا إِلَّا زَهَّدَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الدُّنْيَا وَ بَصَّرَهُ دَاءَهَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٦

﴿٣١٦٤﴾ الصادق عليه السلام: لَيْسَ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا بِإِضَاعَةِ الْمَالِ وَ لَا تَحْرِيمِ الْحَلَالِ بَلِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَا تَكُونَ بِمَا فِي يَدِكَ أَوْ تَقَ مِنْكَ بِمَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ الكافي، ج ٥، ص ٧٠

﴿٣١٦٥﴾ الرضا عليه السلام: لَا تَزَيِّنْ لِي الْمُتَزَيِّنُونَ بِمَثَلِ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا عَمَّا يَهْمُ الْغِنَى عَنْهُ... وَ أَمَّا الْمُتَزَيِّنُونَ لِي بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا فَإِنِّي أُبَيِّحُهُمُ الْجَنَّةَ بِحَذَائِيرِهَا؛ وسائل الشيعه، ج ١٥، ص ٢٢٦

﴿٣١٦٦﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ زَهَّدَ فِي الدُّنْيَا أَثْبَتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَ انْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ وَ بَصَّرَهُ غُيُوبَ الدُّنْيَا دَاءَهَا وَ دَوَاءَهَا وَ أَخْرَجَهُ مِنْهَا سَالِمًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ؛ وسائل الشيعه، ج ١٦، ص ١٠

﴿٣١٦٧﴾ الصادق عليه السلام: لَا يَجْمَعُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمُؤْمِنٍ الْوَرَعَ وَ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا رَجَوْتُ لَهُ الْجَنَّةَ قَالَ ثُمَّ قَالَ وَ إِنِّي لَأَحِبُّ لِلرَّجُلِ مِنْكُمْ الْمُؤْمِنَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ أَنْ يَقْبَلَ بِقَلْبِهِ إِلَى اللَّهِ وَ لَا (يَشْغَلُ قَلْبَهُ) بِأَمْرِ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ٤، ص ١٠٦

﴿٣١٦٨﴾ الباقر عليه السلام: مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا أَوْ قَالَ مَا أَجْمَلَ عَبْدٌ ذَكَرَ اللَّهَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا إِلَّا زَهَّدَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ بَصَّرَهُ دَاءَهَا وَ دَوَاءَهَا وَ أَثْبَتَ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَ انْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٥، ص ٢٩٥

﴿٣١٦٩﴾ الرسول ﷺ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِعَلِيِّ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ زَيَّنَكَ بِزِينَةٍ لَمْ يُزَيِّنِ الْعِبَادَ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْهَا وَ لَا أَتْلَعُ عَنْدَهُ مِنْهَا الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَدْ آغْطَاكَ ذَلِكَ وَ جَعَلَ الدُّنْيَا لَا تَنَالُ مِنْكَ شَيْئًا وَ جَعَلَ لَكَ سِيْمَاءً تُعْرَفُ بِهَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٤

﴿٣١٧٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الرَّاهِدُ [فِي الدُّنْيَا] مَنْ وُعِظَ فَاتَّعَظَ وَ مَنْ عَلِمَ فَعَمِلَ وَ مَنْ آيَقَنَ فَحَذَرَ فَالزَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا قَوْمٌ وُعِظُوا فَاتَّعَظُوا وَ آيَقَنُوا فَحَذَرُوا وَ عَلِمُوا فَعَمِلُوا إِنْ أَصَابَهُمْ يُسْرٌ شَكَرُوا وَ إِنْ أَصَابَهُمْ عُسْرٌ صَبَرُوا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٤

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

«۳۱۶۲» بسیار یاد آخرت باش، و نیز نعمت‌ها و عذاب‌های دردناکش را در نظر بیاور، چرا که این کار، دلت را از دنیا می‌کند و آن را در نظرت بی‌مقدار می‌سازد.

«۳۱۶۳» اگر بنده‌ای تا چهل روز به طور نیکو و صحیح به یاد خداوند عزّ و جل باشد، خداوند به پاداش این تمرین و مراقبت کامل، حالت زهد در دنیا و شناخت کامل دنیا را به او عنایت می‌فرماید؛ تمام دردها و درمان‌های دنیا را با بصیرت کامل به او نشان می‌دهد.

«۳۱۶۴» زهد در دنیا به معنای ضایع کردن اموال و حرام‌شمردن حلال‌ها نیست، بلکه زهد یعنی آنچه در دست توست، مورد اعتمادتر از آنچه نزد خداست، نباشد.

«۳۱۶۵» بهترین زینتی که من بندگان خود را به آن آراسته می‌بینم، پارسایی و زهد در دنیا است و چشم پوشی از آنچه که در واقع به آن نیازی ندارند... و اما آنان که با زهد و پارسایی در دنیا به من تقرّب می‌جویند، من تمام بهشت را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهم.

«۳۱۶۶» هرکس در دنیا زهد پیشه کند، خداوند متعال حکمت را در دلش جای داده و زبانش را به آن گویا ساخته و او را به عیوب دنیا و درد و درمانش بینا ساخته و او را از دنیا به سلامت به بهشت خارج می‌کند.

«۳۱۶۷» خداوند عزّ و جل برای مؤمن پرهیزکاری و زهد را در دنیا جمع نمی‌کند، مگر اینکه بهشت او را آرزو کند، و من برای مرد مؤمن از میان شما دوست دارم که وقتی به نماز فریضه می‌ایستد با قلبش به خدا روی کند و قلبش را به امور دنیا مشغول نسازد.

«۳۱۶۸» اگر بنده‌ای تا چهل روز ایمان خود را خالص و پاک کند، خداوند به پاداش این تمرین و مراقبت کامل، حالت زهد در دنیا و شناخت کامل دنیا را به او عنایت می‌کند؛ تمام دردها و درمان‌های دنیا را با بصیرت کامل به او نشان می‌دهد، دلش را منبع و سرچشمه‌ی حکمت و دانش می‌سازد و زبانش را به حقایق و بیان مطالب حکمت‌آمیز روان و گویا می‌فرماید.

«۳۱۶۹» رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود: «همانا خداوند، تو را به زینتی آراسته و هیچ بنده‌ای را به آن نیاراسته که نزد خداوند از آن محبوب‌تر و رساتر باشد؛ و آن زاهدبودن در [زندگانی] دنیاست که خدا بر تو ارزانی داشته و دنیا را به شیوه‌ای قرار داده که بر تو چیره نگردد؛ و نیز برایت چهره‌ای قرار داده که به وسیله‌ی آن شناخته می‌شوی».

«۳۱۷۰» افراد زاهد را در دنیا به این علامات بشناسید؛ آن‌ها کسانی هستند که وقتی موعظه می‌شوند، پند می‌گیرند. و هنگامی که از عذاب خدا ترسانده می‌شوند، می‌ترسند. از آنچه سبب عذاب می‌گردد دوری می‌کنند. و هرگاه علم را آموختند، به آن عمل می‌کنند. اگر آسانی و گشایشی به آن‌ها برسد شکر می‌کنند و اگر سختی به آن‌ها برسد صبر می‌کنند.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

﴿٣١٧١﴾ الرسول ﷺ: قَالَ اللَّهُ لِمُعَاذٍ لَمَّا بَعَثَهُ إِلَى الْيَمَنِ ادْعُهُمْ إِلَى الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا وَالرَّغْبَةِ فِي الْآخِرَةِ وَأَنْ يُحَاسِبُوا أَنْفُسَهُمْ وَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ ذَلَّنِي عَلَى عَمَلٍ يُحِبُّنِي اللَّهُ وَيُحِبُّنِي النَّاسُ فَقَالَ أَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُحِبَّكَ اللَّهُ وَأَزْهَدْ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ يُحِبَّكَ النَّاسُ؛

مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥١

﴿٣١٧٢﴾ الرسول ﷺ: لَيْسَ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا تَحْرِيمُ الْحَلَالِ وَلَا إِضَاعَةُ الْمَالِ وَلَكِنَّ الزُّهْدَ فِي

الدُّنْيَا الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَالصَّبْرُ عَلَى الْمَصَائِبِ وَالْيَأْسُ عَنِ النَّاسِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥١

﴿٣١٧٣﴾ امیرالمؤمنین (علیه السلام): طُوبَى لِلرَّاعِيَيْنِ فِي الْآخِرَةِ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا أُولَئِكَ قَوْمٌ اتَّخَذُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ بَسَاطًا وَتَرَابَهَا فِرَاشًا وَمَاءَهَا طَهُورًا وَالْقُرْآنَ شِعَارًا وَالدُّعَاءَ دِتَارًا ثُمَّ قَبَضُوا الدُّنْيَا

عَلَى مَنَهِاجِ عِيسَى (عليه السلام)؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥١

﴿٣١٧٤﴾ امیرالمؤمنین (علیه السلام): يَا شَيْخُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ خَلْقًا ضَيَّقَ عَلَيْهِمُ الدُّنْيَا نَظَرًا لَهُمْ فَزَهَّدَهُمْ فِيهَا وَفِي خُطَامِهَا إِلَى أَنْ قَالَ وَصَبَرُوا عَلَى الذُّلِّ وَقَدَّمُوا الْفَضْلَ فَأَحْبَبُوا فِي اللَّهِ وَابْتَعْضُوا فِي اللَّهِ أُولَئِكَ الْمَصَابِيحُ فِي الدُّنْيَا وَأَهْلُ النِّعَمِ فِي الْآخِرَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٢٢٦

﴿٣١٧٥﴾ امیرالمؤمنین (علیه السلام): انْظُرُوا إِلَى الدُّنْيَا نَظَرَ الزَّاهِدِينَ فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١١٨

٢٢-٨-عدم الأسى

﴿٣١٧٦﴾ الرضا (عليه السلام): قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَأْسُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ مِنْ دُنْيَاكُمْ إِذَا سَلِمَ دِينُكُمْ كَمَا لَا يَأْسَى أَهْلُ الدُّنْيَا عَلَى مَا فَاتَهُمْ مِنْ دِينِهِمْ إِذَا سَلِمَتْ دُنْيَاهُمْ؛

بحار الأنوار، ج ٦٩، ص ٣٢٧

٢٣-٨-عدم الحزن

﴿٣١٧٧﴾ امیرالمؤمنین (علیه السلام): إِذَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْءٌ فَلَا تَحْزَنْ وَإِذَا أَحْسَنْتَ فَلَا تَمُنْ؛

غررالحکم، ص ١٣٨

﴿٣١٧٨﴾ امیرالمؤمنین (علیه السلام): فَأَمَّا الزَّاهِدُ فَقَدْ خَرَجَتْ الْأَخْزَانُ وَالْأَفْرَاحُ مِنْ قَلْبِهِ فَلَا يَفْرَحُ

بشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا وَلَا يَأْسَى عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا فَاتَهُ فَهُوَ مُسْتَرِيحٌ؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٥٥

﴿٣١٧٩﴾ امیرالمؤمنین (علیه السلام): مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا لَمْ يَحْزَنْ لِلْبَلَوَى؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٧١

﴿٣١٨٠﴾ امیرالمؤمنین (علیه السلام): مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا لَمْ يَحْزَنْ عَلَى مَا أَصَابَهُ؛ غررالحکم، ص ١٣١

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

﴿۳۱۷۱﴾ پیامبر ﷺ هنگامی که می‌خواست معاذ را به یمن بفرستد به او فرمود: «آن‌ها را به زهد در دنیا و رغبت به آخرت و محاسبه‌ی اعمال خود دعوت کن». فردی پرسید: «ای رسول خدا! به عملی راهنمایی‌ام کن که مرا محبوب خدا و مردم کند». فرمود: «در دنیا زاهد باش تا خدا تو را دوست بدارد و نسبت به آنچه در دست مردم است بی‌رغبت و زاهد باش تا مردم تو را دوست داشته باشند».

﴿۳۱۷۲﴾ زهد در دنیا به معنای حرام دانستن حلال الهی و ضایع نمودن اموال نیست بلکه زهد یعنی راضی بودن به قضای الهی و صبر بر مصائب دنیا و چشم امید به مردم نداشتن [و فقط به خداوند چشم امید داشتن].

﴿۳۱۷۳﴾ خوشا به حال کسانی که به آخرت رغبت دارند و در دنیا زاهدند، آن‌ها گروهی هستند که زمین خود را مساجد و خاک آن را بستر خود قرار داده‌اند، آب آن را مایه‌ی طهارت خود و قرآن را شعار خود و دعا را لباس خود قرار داده‌اند و در نهایت مانند عیسی علیه السلام از دنیا بهره بردند.

﴿۳۱۷۴﴾ ای پیرمرد! خداوند گروهی را خلق کرد و دنیا را از سر لطف برای آن‌ها تنگ قرار داد و آن‌ها را نسبت به دنیا و کالاهای آن زاهد قرار داد... بر پستی‌ها صبر کردند و فضیلت‌هایی را برای قیامت خود پیش فرستادند، حبّ و بغضشان برای خدا بود. این‌ها چراغ‌های هدایت دنیا و در آخرت، غرق نعمت هستند.

﴿۳۱۷۵﴾ به دنیا با نگاه زاهدان نگاه کنید.

۸-۲-۲۲- غمگین نشدن

﴿۳۱۷۶﴾ حسن بن علی خزاز از امام رضا علیه السلام نقل کرده که فرمود: عیسی بن مریم علیه السلام به حواریون گفت: «ای بنی اسرائیل، اگر دیتان در امان بود به خاطر نعمت‌های دنیایی که از دست می‌دهید، غمگین نباشید؛ آن‌گونه که اهل دنیا اگر دنیایشان در امان باشد بر آنچه که از دینشان از دست می‌دهند، غمگین نمی‌شوند».

۸-۲-۲۳- غصّه نخوردن

﴿۳۱۷۷﴾ هرگاه چیزی از مال دنیا از دست رفت، غصّه نخور و وقتی به دیگران لطف کردی، منت نگذار.

﴿۳۱۷۸﴾ هرگونه حزن و سرخوشی از قلب زاهد بیرون می‌رود، هیچ‌چیز دنیا، آن‌ها را سرخوش نمی‌کند و بر چیزی از دنیا که از دستشان می‌رود، تأسّف نمی‌خورند. پس راحت زندگی می‌کنند.

﴿۳۱۷۹﴾ هرکس که دنیا را بشناسد، آشوب‌های دنیا او را غمگین نمی‌سازد.

﴿۳۱۸۰﴾ کسی که دنیا را بشناسد، آن را ترک می‌کند و نسبت به آن بی رغبت می‌گردد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

﴿٣١٨١﴾ السَّجَادَةُ: اجْعَلْ ثَنَائِي عَلَيْكَ، وَ مَدْحِي إِيَّاكَ، وَ حَمْدِي لَكَ فِي كُلِّ حَالَاتِي حَتَّى لَا أَفْرَحَ بِمَا آتَيْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا، وَلَا أَحْزَنَ عَلَيَّ مَا مَنَعْتَنِي فِيهَا؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ الدُّعَاءُ

٢١

﴿٣١٨٢﴾ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَخْزَنُ عَبْدِي الْمُؤْمِنُ أَنْ أَصْرِفَ عَنْهُ الدُّنْيَا وَ ذَلِكَ أَحَبُّ مَا يَكُونُ إِلَيَّ وَ أَقْرَبُ مَا يَكُونُ مِنِّي وَ يَفْرَحُ أَنْ أَوْسَعَ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَ ذَلِكَ أَبْغَضُ مَا يَكُونُ إِلَيَّ وَ أَبْعَدُ مَا يَكُونُ مِنِّي؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣١٧

٢٤-٢-٨- عَدَمُ الْفَرَحِ وَ السُّرُورِ

١-٢٤-٢-٨- عَدَمُ الْفَرَحِ

﴿٣١٨٣﴾ امير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَامَتِ الدُّنْيَا بِثَلَاثَةِ بَعَالِمٍ نَاطِقٍ مُسْتَعْمِلٍ لِعِلْمِهِ وَ بَغْيِيٍّ لَا يَبْخُلُ بِمَالِهِ عَلَى أَهْلِ دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بَقِيعٍ صَابِرٍ... فَأَمَّا الزَّاهِدُ فَلَا يَفْرَحُ بِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا أَتَاهُ وَ لَا يَخْزَنُ عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا فَاتَهُ؛ بحار الأنوار، ج ١٠، ص ١١٩

﴿٣١٨٤﴾ السَّجَادَةُ: اجْعَلْ ثَنَائِي عَلَيْكَ، وَ مَدْحِي إِيَّاكَ، وَ حَمْدِي لَكَ فِي كُلِّ حَالَاتِي حَتَّى لَا أَفْرَحَ بِمَا آتَيْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا، وَلَا أَحْزَنَ عَلَيَّ مَا مَنَعْتَنِي فِيهَا؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ الدُّعَاءُ

٢١

﴿٣١٨٥﴾ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَخْزَنُ عَبْدِي الْمُؤْمِنُ أَنْ أَصْرِفَ عَنْهُ الدُّنْيَا وَ ذَلِكَ أَحَبُّ مَا يَكُونُ إِلَيَّ وَ أَقْرَبُ مَا يَكُونُ مِنِّي وَ يَفْرَحُ أَنْ أَوْسَعَ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَ ذَلِكَ أَبْغَضُ مَا يَكُونُ إِلَيَّ وَ أَبْعَدُ مَا يَكُونُ مِنِّي؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣١٧

﴿٣١٨٦﴾ الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ اللَّهُ مَا يَسْرُنِي أَنْ لِيَ الدُّنْيَا بِمَا فِيهَا ذَهَبًا وَ فِضَّةً وَ إِنِّي عَلَى خِلَافِ مَا

أَنَا عَلَيْهِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٣٤٦

٢-٢٤-٨- الغربة

﴿٣١٨٧﴾ امير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: الدُّنْيَا دَارُ الْغُرَبَاءِ؛ غرر الحكم، ص ١٢٧

٣-٢٤-٨- الحزن

﴿٣١٨٨﴾ امير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلَكَ الْفَرِحُونَ بِالدُّنْيَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ نَجَا الْمَحْزُونُونَ بِهَا؛

غرر الحكم، ص ١٤١

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

﴿۳۱۸۱﴾ حمد و ثنای مرا مخصوص خود گردان، در همه‌ی حالات ستایش مرا مخصوص خودت کن تا جایی که به آنچه از دنیا به من می‌دهی سرخوش نگردم و به آنچه مرا از رسیدن به آن محروم کردی، محزون نگردم.

﴿۳۱۸۲﴾ خطاب خداوند به عیسی علیه السلام: بنده‌ی مؤمنم از اینکه دنیا را از او روی گردان کنم اندوهناک می‌گردد؛ درحالی که تهیدستی او در پیشگاه من محبوب‌تر است، و چنانچه در دنیا به او وسعت روزی دهم، شادمان می‌شود؛ درحالی که وسعت روزی او مبعوض‌ترین حالت او در پیشگاه من است و او را از من دور می‌سازد.

۸-۲-۲۴-عدم خوشحالی و شادمانی

۸-۲-۲۴-۱-عدم خوشحالی

﴿۳۱۸۳﴾ دنیا بر سه پایه استوار است: دانشمندی که گویا باشد و به علم خود هم عمل کند، ثروتمندی که از صرف اموالش در مورد دینداران خودداری نکند، مستمندی که مشکلات زندگی را با صبر و بردباری تحمل کند... اما زاهد اگر به حالی یا مقامی برسد، از این نظر هیچ‌گونه سرور و خوشحالی ندارد و اگر از این‌ها چیزی از دستش برود، حزن و اندوهی ندارد.

﴿۳۱۸۴﴾ حمد و ثنای مرا مخصوص خود گردان، در همه‌ی حالات ستایش مرا مخصوص خودت کن تا جایی که به آنچه از دنیا به من می‌دهی سرخوش نگردم و به آنچه مرا از رسیدن به آن محروم کردی، محزون نگردم.

﴿۳۱۸۵﴾ خطاب خداوند به عیسی علیه السلام: بنده‌ی مؤمنم از اینکه دنیا را از او روی گردان کنم اندوهناک می‌گردد؛ درحالی که تهیدستی او در پیشگاه من محبوب‌تر است، و چنانچه در دنیا به او وسعت روزی دهم، شادمان می‌شود؛ درحالی که وسعت روزی او مبعوض‌ترین حالت او در پیشگاه من است و او را از من دور می‌سازد.

﴿۳۱۸۶﴾ به خدا سوگند! خوش ندارم که دنیا و هر آنچه در آن از طلا و نقره است برای من باشد و من بر خلاف عقیده و مذهبی باشم که اکنون دارم.

۸-۲-۲۴-۲-احساس غربت

﴿۳۱۸۷﴾ دنیا خانه‌ی غریبان است.

۸-۲-۲۴-۳-اندوه

﴿۳۱۸۸﴾ کسانی که به داشتن دنیا شادند، در قیامت هلاک می‌گردند. و کسانی که از نداشتن دنیا محزونند، نجات خواهند یافت.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

﴿٣١٨٩﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ أَقْرَبَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ طَالَ جُوعُهُ وَعَطَشُهُ وَ حُزْنُهُ فِي الدُّنْيَا... وَ يَسْخَطُ اللَّهُ عَلَى بَلَدٍ لَيْسَ فِيهَا مِنْهُمْ أَحَدٌ لَمْ يَتَكَالَبُوا عَلَى الدُّنْيَا تَكَالَبَ الْكِلَابُ عَلَى الْجَيْفِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٣٥

٨-٢-٢٥- عَدَمُ الْإِلْتِفَاتِ إِلَى خَرَابِهِ

﴿٣١٩٠﴾ الرسول ﷺ: سَأَلَ النَّبِيُّ ﷺ عَنْ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ تَفْسِيرِ الزُّهْدِ قَالَ الزَّاهِدُ يُحِبُّ مَنْ يُحِبُّ خَالِقَهُ وَ يُبْغِضُ مَنْ يُبْغِضُ خَالِقَهُ وَ يَتَحَرَّجُ مِنْ حَلَالِ الدُّنْيَا وَ لَا يُلْتَفِتُ إِلَى حَرَامِهَا فَإِنَّ حَلَالَهَا حِسَابٌ وَ حَرَامِهَا عِقَابٌ وَ يَرْحَمُ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ كَمَا يَرْحَمُ نَفْسَهُ وَ يَتَحَرَّجُ مِنَ الْكَلَامِ كَمَا يَتَحَرَّجُ مِنَ الْمِثْنَةِ الَّتِي قَدْ اشْتَدَّ نَتْنُهَا وَ يَتَحَرَّجُ عَنْ حُطَامِ الدُّنْيَا وَ زِينَتِهَا كَمَا يَتَجَنَّبُ النَّارَ أَنْ يَغْشَاهَا؛ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣١٢

٨-٢-٢٦- لَمْ يُبَالِ الدُّنْيَا فِي يَدٍ مَنْ كَانَتْ

﴿٣١٩١﴾ الباقر عليه السلام: وَقِيلَ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْرًا قَالَ مَنْ لَمْ يُبَالِ الدُّنْيَا فِي يَدٍ مَنْ كَانَتْ فَمَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ صَغُرَتْ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ وَ مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ كَبُرَتْ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ؛ جامع الأخبار، ص ١٠٩

﴿٣١٩٢﴾ أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْرًا مَنْ لَمْ يُبَالِ بِالدُّنْيَا فِي يَدٍ مَنْ كَانَتْ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٥

٨-٢-٢٧- لَا يُبَالِي عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا

﴿٣١٩٣﴾ الرسول ﷺ: أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَ أَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَ بَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَ تَفَرَّغَ لَهَا فَهُوَ لَا يُبَالِي عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى عُسْرِ أَمٍّ عَلَى يُسْرٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ٨٣

٨-٢-٢٨- لَا يُبَالِي مَنْ أَكَلَ الدُّنْيَا

﴿٣١٩٤﴾ الرسول ﷺ: لَا يَجِدُ الرَّجُلُ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى لَا يُبَالِيَ مَنْ أَكَلَ الدُّنْيَا؛ مشكاة الأنوار،

ص ١١٦

٨-٢-٢٩- لَا يُبَالُونَ مَا انْتَقَصَ مِنْ دُنْيَاهُمْ

﴿٣١٩٥﴾ حذيفة: لَا يَزَالُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَرُدُّ غَضَبَ الرَّبِّ جَلَّ جَلَالُهُ عَنِ الْعِبَادِ مَا كَانُوا لَا يُبَالُونَ مَا انْتَقَصَ مِنْ دُنْيَاهُمْ إِذَا سَلِمَ دِينُهُمْ فَإِذَا كَانُوا لَا يُبَالُونَ مَا انْتَقَصَ مِنْ دِينِهِمْ إِذَا سَلِمَتْ دُنْيَاهُمْ ثُمَّ قَالُوا رُدَّتْ عَلَيْهِمْ وَقِيلَ كَذَبْتُمْ وَلَسْتُمْ بِهَا صَادِقِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ١٩٧

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

«۳۱۸۹» همانا نزدیک‌ترین مردم به خدا، در روز قیامت کسی است که گرسنگی و تشنگی و اندوهش در دنیا طولانی باشد و خداوند بر شهر و مکانی که مثل این افراد، در آن شهر و دیار نباشد خشمگین است. آن‌ها مانند سگانی که به لاشه‌ها هجوم می‌آورند به دنیا حمله نمی‌کنند.

۸-۲-۲۵- بی‌توجهی به خراب‌شدن دنیا

«۳۱۹۰» پیامبر ﷺ از جبرئیل درباره‌ی تفسیر زهد پرسید، جبرئیل فرمود: «زاهد کسی است که هر آنچه را که خالقش دوست می‌دارد، دوست بدارد و از هر آنچه که خالقش مکروه می‌دارد، کراهت داشته باشد و در بهره‌مندی از حلال دنیا احتیاط کند و از حرام دنیا به کلی اجتناب ورزد؛ چراکه برای حلال دنیا مورد حساب و کتاب قرار می‌گیرد و استفاده از حرام دنیا عذاب و عقاب را برای او به همراه دارد. و همان‌طور که به خود رحم می‌کند، به همه‌ی مسلمانان رحم کند و همان‌طور که از مردار متعفن و بدبو می‌پرهیزد، از سخن گفتن پرهیز می‌کند و همان‌طور که از آتش می‌ترسد و خود را از آن دور نگه می‌دارد، از زیور و زینت‌های دنیا خود را دور می‌کند».

۸-۲-۲۶- برایش مهم نیست که دنیا در دستان کیست

«۳۱۹۱» به امام باقر علیه السلام گفته شد: «جایگاه چه کسی بالاتر است؟» فرمود: «کسی که برایش مهم نیست که دنیا در دستان کیست. کسی که نفسش برایش مهم است، دنیا در چشمش کوچک و هرکسی که نفسش برایش بی‌ارزش است، دنیا در چشمش بزرگ جلوه می‌کند».

«۳۱۹۲» با عظمت‌ترین مردم از حیث منزلت کسی است که اهمیت ندهد دنیا در دست کیست.

۸-۲-۲۷- نسبت به زندگی دنیا بی‌تفاوت است

«۳۱۹۳» با فضیلت‌ترین مردم آن کسی است که شیدا و دلباخته‌ی عبادت باشد و با آن ملازم گردد، و از دل و جان شیفته‌ی عبادت باشد و با فکر فارغ، جسم خود را از انجام آن باز ندارد. چنین شخصی نسبت به زندگی دشوار یا آسان بی‌تفاوت است.

۸-۲-۲۸- برایش مهم نیست که چه کسی دنیا را می‌خورد

«۳۱۹۴» کسی شیرینی ایمان را در دلش نمی‌یابد مگر اینکه برایش مهم نباشد که چه کسی دنیا را می‌خورد.

۸-۲-۲۹- برایشان مهم نیست که نقصی به دنیایشان وارد شود

«۳۱۹۵» ذکر لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ غضب خداوندی را از بندگان دور می‌سازد، مادامی که سلامت در دین را بر امور دنیایی مقدم دارند؛ ولی اگر بیمی از نقصان در دین خود نداشته باشند و همّت آن‌ها فقط صرف امور دنیوی گردد، این ذکر از آنان مورد قبول درگاه الهی واقع نمی‌شود و به آن‌ها می‌گویند: «دروغ می‌گویید و در شهادت به یگانگی ذات خداوند راستگو نیستید».

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

٣٠-٢-٨- مَا لِي وَلِلدُّنْيَا

﴿٣١٩٦﴾ الرسول ﷺ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَامَ عَلَى حَصِيرٍ فَقَامَ وَقَدْ أَثَّرَ فِي جَسَدِهِ فَقَالُوا لَوْ أَمَرْتَنَا أَنْ نَبْسُطَ لَكَ وَ نَعْمَلَ فَقَالَ مَا لِي وَلِلدُّنْيَا وَمَا أَنَا وَالِدُّنْيَا إِلَّا كَرَائِبٍ اسْتَظَلَّ تَحْتَ شَجَرَةٍ ثُمَّ رَاحَ أَوْ تَرَكَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٦٨

﴿٣١٩٧﴾ الرسول ﷺ: مَا لِي وَلِلدُّنْيَا إِنَّمَا مَتَلَى وَمَثَلَهَا كَمَثَلِ الرَّائِبِ رُفِعَتْ لَهُ شَجَرَةٌ فِي يَوْمٍ صَائِفٍ فَقَالَ تَحْتَهَا ثُمَّ رَاحَ وَ تَرَكَهَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٤

٣١-٢-٨- لَمْ يُرِيدُوهَا

﴿٣١٩٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُوهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٨

﴿٣١٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ... فَقَسَمَ بَيْنَهُمْ مَعَاشِهِمْ وَ وَضَعَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا مَوَاضِعَهُمْ... أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُوهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٠، ص ١٨٦

﴿٣٢٠٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَهُمَامٌ فِي وَصْفِ الْمُتَّقِينَ أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا وَ لَمْ يُرِيدُوهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٨٣

٣٢-٢-٨- لَا يَحْسُدُ عَلَى الدُّنْيَا

﴿٣٢٠١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الزُّهْدُ قَصْرُ الْأَمَلِ... وَأَنْ لَا يَحْسُدَ عَلَى الدُّنْيَا وَأَنْ يُحِبَّ الْعِلْمَ وَ الْعِلْمَاءَ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥٠

٣٣-٢-٨- سَخَا النَّفْسُ الدُّنْيَا

﴿٣٢٠٢﴾ الرسول ﷺ: مَنْ خَافَ اللَّهَ سَخَتْ نَفْسُهُ الدُّنْيَا وَ مَنْ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يَكْفِيهِ كَانَ أَيْسَرُ مَا فِيهَا يَكْفِيهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٧١

٣٤-٢-٨- السَّلَامَةُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا

﴿٣٢٠٣﴾ الصادق عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ قَالَ هُوَ الْقَلْبُ الَّذِي سَلِمَ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٠

٣٥-٢-٨- السَّلَامَةُ مِنْ عِلَاقِ الدُّنْيَا

﴿٣٢٠٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِذَا وَقَعَ الْأَمْرُ بِفَضْلِ الْقَضَاءِ وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ شَهِدَ عَلَى ذَلِكَ الْعَقْلُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَسْرِ الْهَوَى وَ سَلِمَ مِنْ عِلَاقِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٤٨٤

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

۸-۲-۳۰- مرا با دنیا چکار؟!

«۳۱۹۶» از ابن مسعود روایت شده که رسول خدا ﷺ بر حصیری خوابید و آن حصیر بر بدن مبارک حضرت اثر گذاشت. مسلمانان گفتند: «ای کاش! به ما امر می‌کردی که برای شما فرشی بیندازیم و خدمت کنیم!» فرمود: «مرا با دنیا چه کار؟! مَثَل من و دنیا مانند شخص سواره‌ایست که در زیر آن درخت خواب قیلوله‌ی (کوتاهی) نموده، سپس کوچ کرده و درخت را وا گذاشته است.»

«۳۱۹۷» مرا با دنیا چه کار؟! مَثَل من و دنیا مانند شخص سواره‌ای است که در روز گرمی درختی برایش به پا شده و او در زیر آن درخت خواب قیلوله‌ی (کوتاهی) نموده، سپس کوچ کرده و درخت را وا گذاشته است.

۸-۲-۳۱- دنیا را نمی‌خواهند

«۳۱۹۸» [شیعیان ما]؛ دنیا در پی آن‌هاست ولی آن‌ها دنیا را نمی‌خواهند.

«۳۱۹۹» [روزی] پرهیزکاران... برایشان تقسیم و مقدّر شده و در جایگاه خودشان در دنیا قرار دارند [و زیاده‌طلبی نمی‌کنند]... دنیا آن‌ها را خواست ولی آن‌ها آن را نخواستند.

«۳۲۰۰» [خطبه‌ی متقین امام علی علیه السلام برای همام:] دنیا آنان (با تقوایان) را خواست ولی آنان دنیا را نخواستند.

۸-۲-۳۲- بر دنیا حسد نورزد

«۳۲۰۱» زهد کوتاه‌کننده‌ی آرزوهاست... انسان باید بر دنیا حسد نورزد و علم و عالم را دوست داشته باشد.

۸-۲-۳۳- دل‌بریدن از دنیا

«۳۲۰۲» هر کس از خدا بترسد، دلش از دنیا بریده می‌شود و هر کس از دنیا آنچه او را کفایت می‌کند، خشنود است، کمتر چیزی که در دنیا است او را از هرچه که در دسترس است، کفایت می‌کند.

۸-۲-۳۴- به سلامت گذشتن از حبّ دنیا

«۳۲۰۳» امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه‌ی «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» فرمود: «یعنی کسی که قلبش از حبّ دنیا سالم مانده [و گرفتار آن نشده] است.»

۸-۲-۳۵- به سلامت گذشتن از دنیاپرستی

«۳۲۰۴» آنگاه که فرمان داوری و قضاوت نهایی صادر شود، تبهکاران زیان خواهند دید؛ به این واقعیت‌ها عقل گواهی می‌دهد هرگاه از اسارت هوای نفس نجات یافته، و از دنیاپرستی به سلامت بگذرد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزَّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

٣٦-٢-٨- السَّلَوُ

﴿٣٢٠٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ سَلَا عَنِ الدُّنْيَا أَتَتْهُ رَاغِمَةٌ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

﴿٣٢٠٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ لِقَاءَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ سَلَا عَنِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤١

﴿٣٢٠٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ سَلَا عَنْ مَوَاهِبِ الدُّنْيَا عَزَّ؛ غرر الحكم، ص ٣٦٦

٣٧-٢-٨- الصَّبْرُ

﴿٣٢٠٨﴾ الانصاف عليه السلام: إِنَّ لِلَّهِ خَوَاصًّا مِنْ خَلْقِهِ يُسْكِنُهُمُ الرِّفْعَ الْأَعْلَى مِنَ الْجَنَانِ لِأَنَّهُمْ كَانُوا

أَغْلَقَهُمْ فِي الدُّنْيَا قِيلَ وَ كَيْفَ كَانُوا قَالَ كَانَتْ هِمَّتُهُمُ الْمُسَارَعَةَ إِلَى رَبِّهِمْ فِيمَا يُرْضِيهِ فَهَانَتْ

الدُّنْيَا عَلَيْهِمْ وَ لَمْ يَرْغَبُوا فِي فُضُولِهَا فَصَبَرُوا قَلِيلًا وَ اسْتَرَاخُوا طَوِيلًا؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢١٤

﴿٣٢٠٩﴾ الصادق عليه السلام: اصْبِرُوا عَلَى الدُّنْيَا فَإِنَّمَا هِيَ سَاعَةٌ فَمَا مَضَى مِنْهُ فَلَا تَجِدْ لَهُ أَلَمًا وَ لَا

سُرُورًا وَ مَا لَمْ يَجِئْ فَلَا تَذَرِ مَا هُوَ وَ إِنَّمَا هِيَ سَاعَتُكَ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا فَاصْبِرْ فِيهَا عَلَى طَاعَةِ

اللَّهِ وَ اصْبِرْ فِيهَا عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٥٤

﴿٣٢١٠﴾ الصادق عليه السلام: وَ يَقُولُونَ لَهُمْ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فِي الدُّنْيَا عَنِ اللَّذَاتِ وَ

الشَّهَوَاتِ الْخَلَالِ؛ بحار الأنوار، ج ٨، ص ١٤١

﴿٣٢١١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا يُنْعَمُ بِنَعِيمِ الْآخِرَةِ إِلَّا مَنْ صَبَرَ عَلَى بَلَاءِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم،

ص ٢٨٤

﴿٣٢١٢﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ لَوْ أَنَّ أَحَدًا مِنْهُمْ اشْتَهَى شَهْوَةً مِنَ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا فَيَصْبِرُ وَ لَا

يَطْلُبُهَا كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ بِذِكْرِ أَهْلِهِ ثُمَّ يَغْتَمُّ وَ يَتَنَفَّسُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ نَفْسٍ أَلْفَ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ

مَحَا عَنْهُ أَلْفَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ دَرَجَةٍ وَ إِنْ شِئْتَ حَتَّى أَزِيدَكَ يَا أَبَا ذَرٍّ قَالَ

حَبِيبِي رَسُولُ اللَّهِ زِدْنِي قَالَ لَوْ أَنَّ أَحَدًا مِنْهُمْ يَصْبِرُ مَعَ أَصْحَابِهِ لَا يَقْطَعُهُمْ وَ يَصْبِرُ فِي مِثْلِ

جُوعِهِمْ وَ مِثْلِ غَمِّهِمْ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ سَبْعِينَ مِئَّةً غَزَا مَعِيَ غَزْوَةَ تَبُوكَ؛

التحسين لابن فهد الحلبي، ص ٢٣

٣٨-٢-٨- الصَّرْفُ

﴿٣٢١٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حَارِبُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى الدُّنْيَا وَ اصْرِفُوهَا عَنْهَا فَإِنَّهَا سَرِيعَةُ الزَّوَالِ

كَثِيرَةُ الزَّلْزَالِ وَ شَبِيكَةُ الْإِنْتِقَالِ؛ غرر الحكم، ص ٢٤٢

﴿٨٣٦﴾

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

۳۶-۸۲-۸- خارج کردن فکر از سر

﴿۳۲۰۵﴾ هرکس فکر دنیا را از سرش خارج کند، دنیا با میل و رغبت به‌سوی او می‌رود.

﴿۳۲۰۶﴾ هرکس که لقاء خداوند را دوست دارد، فکر دنیا را از سرش بیرون می‌کند.

﴿۳۲۰۷﴾ هرکس از مواهب و بخشش‌های دنیا دست بکشد، عزیز می‌شود.

۳۷-۸۲-۸- صبر

﴿۳۲۰۸﴾ پیامبر ﷺ فرمود: «خداوند بندگان خاصی دارد که آن‌ها را در منازل ارجمند در بهشت اسکان می‌دهد، چون داناترین اهل جهان هستند». عرض شد: «چطور داناترین اهل جهان هستند؟» فرمود: «زیرا هم‌تشان، شتاب به‌سوی خداشان بود، تا خدا را [با اعمال خود] راضی کنند، پس دنیا در نظرشان سبک است و به زیادت آن راغب نیستند، و مدت کوتاهی صبر می‌کنند، و در پی آن به راحتی طولانی می‌رسند».

﴿۳۲۰۹﴾ در دنیا [بر معصیت] شکبیا باشید که آن ساعتی است، زیرا آنچه که از دنیا گذشته [اکنون] نه دردی از آن احساس می‌کنی و نه شادی، و آنچه نیامده که نمی‌دانی چیست! همانا دنیای تو آن ساعتی است که در آن هستی؛ پس در آن یک ساعت بر طاعت خدا صبر کن و از نافرمانی خداوند شکبیا باش [و خود را نگاه دار].

﴿۳۲۱۰﴾ سخن ملائکه به بهشتیان این است: «درود بر شما که در دنیا در برابر لذت‌ها و خواسته‌های حلال صبر کردید و خود را به آن‌ها نیالودید».

﴿۳۲۱۱﴾ به کسی نعمت‌های آخرت عطا نمی‌شود، مگر آنکه بر بلاهای دنیا صبر کند.

﴿۳۲۱۲﴾ ای ابوذر! اگر شخصی میل به یکی از شهوت‌های دنیا داشته باشد اما صبر نماید و آن را طلب نکند به خاطر آن که اهلش از او درخواست کند، پاداش می‌برد و چون غمگین شود و آهی کشد خداوند به ازای هر نفسی که می‌کشد، هزاران هزار حسنه می‌نویسد و هزاران هزار گناه را از نامه‌ی اعمالش محو می‌کند، و هزاران هزار درجه‌ی او را بالا می‌برد. ای ابوذر! اگر بخواهی بیشتر از این به تو می‌گویم. اباذر گفت: «ای دوست من! ای رسول خدا! بیشتر برایم بگو». فرمود: اگر کسی به همراه همراهانش [و اهلش] در برابر گناه صبر کند و از آن‌ها جدا نشود و در گرسنگی‌ها و غم‌های آن‌ها صبر کند، اجر و پاداش او معادل هفتاد برابر اجر کسی است که با من در غزوه‌ی تبوک شرکت کرده است.

۳۸-۸۲-۸- روگرداندن

﴿۳۲۱۳﴾ با نفس‌های خود بر سر دنیا جنگ کنید، و از دنیا روی برگردانید که دنیا زود به

پایان می‌رسد و بسیار پر لغزش است و پر از بلاهایی است که به شما منتقل می‌شود.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّرْكُ﴾

﴿٣٢١٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اَهْرُبُوا مِنَ الدُّنْيَا وَ اصْرِفُوا قُلُوبَكُمْ عَنْهَا فَإِنَّهَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ حَظُّهُ فِيهَا قَلِيلٌ وَ عَقْلُهُ بِهَا عَلِيلٌ وَ نَاطِرُهُ فِيهَا كَلِيلٌ؛ غررالحكم، ص ١٣٨

﴿٣٢١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الْأَكْيَاسَ هُمُ الَّذِينَ لِلدُّنْيَا مَقْتًا وَ أَغْنَيْهُمْ عَنْ [فِي] زَهْرَتِهَا أَغْمَضُوا وَ قُلُوبُهُمْ عَنْهَا صَرَفُوا وَ بِالْذَّارِ الْبَاقِيَةِ تَوَلَّوْهُا؛ غررالحكم، ص ٣٢٢

٣٩-٢-٨- الإطراحُ

﴿٣٢١٦﴾ الرضا عليه السلام: وَ لَا مَقَامَ مِنْ مَقَامَاتِهِ فَتَرَكَهُ زُهْدًا فِيهِ... وَ اطَّرَحَا لِلدُّنْيَا وَ اسْتَضْغَارًا لَهَا وَ إِثَارًا لِلْآخِرَةِ وَ مُنَافَسَةً فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٩، ص ١٥٩

٤٠-٢-٨- الإطفاءُ

﴿٣٢١٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ... رَفَعَ عَقْلُهُ عَنْ أَهْلِ الدُّنْيَا فَبَدَنَهُ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ قَلْبُهُ وَ عَقْلُهُ مُعَايِنَ الْآخِرَةِ فَاطْفَأَ بَضْوَاءَ قَلْبِهِ مَا أَبْصَرَتْ عَيْنَاهُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا فَقَدَّرَ حَرَامَهَا وَ جَانَبَ شُبُهَاتِهَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٦

٤١-٢-٨- الطَّلَاقُ

﴿٣٢١٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: طَلَّقَ الدُّنْيَا ثَلَاثًا وَ اتَّخَذَ زَوْجًا سِوَاهَا، إِنَّهَا زَوْجَةٌ سَوَاءٌ لَا تُبَالِي مَنْ آتَاهَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٣٢٨

﴿٣٢١٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ قَدْ طَلَّقَ الدُّنْيَا ثَلَاثًا وَ قَالَ لَهَا غُرِّي غَيْرِي لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ قَدْ طَلَّقْتُكَ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ لِي فِيهَا؛ إرشاد القلوب، ج ٢، ص ٢١٥

﴿٣٢٢٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنِّي طَلَّقْتُ الدُّنْيَا ثَلَاثًا بَتَاتًا لَا رَجْعَةَ لِي فِيهَا وَ أَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا؛ غررالحكم، ص ١١٩

﴿٣٢٢١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا مُطْلَقَةٌ الْأَكْيَاسُ؛ غررالحكم، ص ١٤٢

﴿٣٢٢٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: طَلَّقَ الدُّنْيَا مَهْرَ الْجَنَّةِ؛ غررالحكم، ص ١٤٧

﴿٣٢٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَقُولُ يَا دُنْيَا يَا دُنْيَا إِلَيْكَ عَنِّي أَيْ تَعَرَّضْتُ أَمَّ إِلَى تَشَوَّقْتُ لَا حَانَ حِينُكَ هَيْهَاتَ غُرِّي غَيْرِي لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ وَ قَدْ طَلَّقْتُكَ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ فِيهَا فَعَيْشُكَ قَصِيرٌ وَ خَطَرُكَ يَسِيرٌ وَ أَمْلَكَ حَقِيرُ آهٍ مِنْ فِلَّةِ الزَّادِ وَ طُولِ الطَّرِيقِ وَ بُعْدِ السَّفَرِ وَ عَظِيمِ الْمَوَرِدِ وَ خُشُونَةِ الْمَضْجَعِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ٢٨٤

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

﴿۳۲۱۴﴾ از دنیا بگریزید و دل‌هایتان را از آن منصرف کنید که دنیا زندان مؤمن است. بهره‌ای که می‌دهد اندک است و عقل [وقتی که به آن مشغول شود] در آن عاجز می‌شود و کسی که به آن نظر دارد، خسته خواهد شد.

﴿۳۲۱۵﴾ زیرکان کسانی هستند که بر دنیا خشم گرفته و چشمانشان را بر زیبایی‌های آن بسته‌اند و دلشان را از آن منصرف کرده و سرگشته‌ی آخرت شده‌اند.

۸-۲-۳۹ با بی‌اعتنایی دورانداختن

﴿۳۲۱۶﴾ [ذو الریاستین] آن مقام را به خاطر پارسایی و همت بلند... و بی‌اعتنایی به دنیا و بی‌ارزشی آن در نظرش و توجه و گذشت و علاقه به عالم آخرت، نپذیرفت.

۸-۲-۴۰ خاموش کردن

﴿۳۲۱۷﴾ کسی که تقوای الهی را پیشه کند، عقل خود را از اهل دنیا برمی‌دارد. جسمش همراه اهل دنیا اما دل و عقلش نگران آخرت است. پس به‌وسیله‌ی نور دلش آنچه چشمانش از دوستی دنیا می‌بیند، خاموش می‌کند. حرام دنیا را ناپاک می‌داند و از شبهه‌ناک آن دوری می‌نماید.

۸-۲-۴۱ طلاق

﴿۳۲۱۸﴾ دنیا را سه طلاقه کرده و همسری غیر از او را اختیار کن؛ چراکه دنیا همسر بدی است و به کسی که با او ازدواج می‌کند، توجهی ندارد.

﴿۳۲۱۹﴾ دنیا را سه طلاقه کرده و به آن فرمود: «دیگری را فریب ده که مرا نیازی به تو نیست و همانا من تو را سه بار طلاق داده و رها کرده‌ام؛ آن هم طلاق‌ی که برگشت و رجوعی برای من در آن نیست».

﴿۳۲۲۰﴾ به‌درستی که من دنیا را سه طلاق باین طلاق داده‌ام؛ به‌گونه‌ای که امکان بازگشت ندارد و افسارش را به پشتش انداخته‌ام.

﴿۳۲۲۱﴾ دنیا مطلقه‌ی صاحبان عقل و کیاست است.

﴿۳۲۲۲﴾ طلاق دنیا کابین بهشت است.

﴿۳۲۲۳﴾ ای دنیا! از من دور شو! به طرف من روی آورده‌ای و یا به من اشتیاق پیدا کرده‌ای؟! تو نمی‌توانی مرا فریب دهی. برو دیگری را گول بزن که من نیازی به تو ندارم و تو را سه طلاقه کرده‌ام و برگشتی هم نیست. ای دنیا زندگی در تو کوتاه و سودت اندک و آرزوهایت ناچیز است. آه که نتوانستم زاد و توشه‌ی زیادی تهیه کنم؛ راه بسیار دور است و سفر به درازا می‌کشد، باید برای روزی که نزدیک است خود را آماده ساخت و از سختی جا هراسید.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

﴿٣٢٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: طَلَّقِ الدُّنْيَا ثَلَاثًا وَ اتَّخِذْ زَوْجًا سِوَاهَا، إِنَّهَا زَوْجَةٌ سَوَاءٌ لَا تُبَالِي مَنْ أَتَاهَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٣٢٨

﴿٣٢٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا دُنْيَا أَيْ تَعَرَّضْتُ وَإِلَيَّ تَشَوَّقْتُ [تَشَوَّقْتُ] غُرِّي غَيْرِي لَا حَانَ حِينِكَ أَجَلُكَ قَصِيرٌ وَ عَيْشُكَ حَقِيرٌ وَ قَلِيلُكَ حِسَابٌ وَ كَثِيرُكَ عِقَابٌ فَقَدْ طَلَقْتُكَ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ لِي إِلَيْكَ أَهْ مِنْ بَعْدِ الطَّرِيقِ وَ قَلَّةِ الزَّادِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٢٥٠

﴿٣٢٢٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام إِذَا أَتَى بِالْمَالِ أَدْخَلَهُ بَيْتَ مَالِ الْمُسْلِمِينَ... ثُمَّ يُصَلِّي فِيهِ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ يُطَلِّقُ الدُّنْيَا ثَلَاثًا يَقُولُ بَعْدَ التَّسْلِيمِ يَا دُنْيَا لَا تَعَرِّضِينَ لِي وَ لَا تَشَوَّقِينَ إِلَيَّ وَ لَا تَغْرِينِي فَقَدْ طَلَقْتُكَ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ لِي عَلَيْكَ؛ بحار الأنوار، ج ٤١، ص ١٠٣

﴿٣٢٢٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: طَلَقْتُكَ يَا دُنْيَا ثَلَاثًا لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ؛ الفضائل، ص ١٣٨
٨-٢-٤٢- طيبُ النَّفْسِ عَنِ الدُّنْيَا وَ الْإِنْطَوَاءُ عَنْهَا

﴿٣٢٢٨﴾ يَا مُوسَى طِيبْ نَفْسًا عَنِ الدُّنْيَا وَ انْطَوِ عَنْهَا فَإِنَّهَا لَيْسَتْ لَكَ وَ لَسْتَ لَهَا مَا لَكَ وَ لِدَارِ الظَّالِمِينَ إِلَّا لِعَامِلٍ فِيهَا بِالْخَيْرِ فَإِنَّهَا لَهُ نِعَمُ الدَّارِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٤٧
٨-٢-٤٣- الظَّلْفُ

﴿٣٢٢٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ظَلَفَ النَّفْسَ عَنِ لَذَاتِ الدُّنْيَا هُوَ الزُّهْدُ الْمَحْمُودُ؛ غرر الحكم، ص ٢٧٦
٨-٢-٤٤- عَدَمُ الْإِطْمِئْنَانِ

﴿٣٢٣٠﴾ الباقر عليه السلام: يَا جَابِرُ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَطْمَئِنُّوا إِلَى الدُّنْيَا بِبَقَائِهِمْ فِيهَا وَ لَمْ يَأْمَنُوا قُدُومَهُمْ الْآخِرَةَ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٢
٨-٢-٤٥- عَدَمُ الْإِشْتِغَالِ

﴿٣٢٣١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْحَازِمُ مَنْ لَمْ يَشْغَلْهُ غُرُورُ دُنْيَاهُ عَنِ الْعَمَلِ لِأَخْرَاهُ [لِأَخْرَته]؛ غرر الحكم، ص ٤٧٥
٨-٢-٤٦- الْإِعْرَاضُ

﴿٣٢٣٢﴾ الصادق عليه السلام: ثَلَاثَةٌ هُنَّ مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ مُجَاهَدَةُ النَّفْسِ وَ مُغَالَبَةُ الْهَوَى وَ الْإِعْرَاضُ عَنِ الدُّنْيَا؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٢١

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

﴿۳۲۲۴﴾ دنیا را سه طلاقه کرده و همسری غیر از او را اختیار کن، چرا که دنیا همسر بدی است که به کسی که با او ازدواج می‌کند توجه‌ای نمی‌کند.

﴿۳۲۲۵﴾ ای دنیا! آیا برای من خودنمایی می‌کنی یا شیفته‌ی من شده‌ای تا روزی در دل من جای گیری، هرگز! غیر مرا فریب ده! مهلت تو کوتاه، دوران زندگانی تو حقیر، اندک تو مورد حساب و عقابت بسیار است. تو را سه طلاقه کرده‌ام تا بازگشتی نباشد. آه! از توشه‌ی اندک و درازی راه.

﴿۳۲۲۶﴾ امیرالمؤمنین علیه السلام هنگامی که مالی به او داده می‌شد، در بیت المال مسلمانان می‌گذاشت... و در آن دو رکعت نماز می‌خواند و دنیا را سه طلاقه می‌کرد و بعد از سلام می‌گفت: «ای دنیا بر من عرضه نشو و به‌سوی من متمایل نشو و مرا فریب نده که من تو را سه طلاقه کرده‌ام و برای من بازگشتی به‌سوی تو وجود ندارد».

﴿۳۲۲۷﴾ ای دنیا! من تو را سه طلاقه کرده‌ام و دیگر هیچ حاجت و نیازی به تو ندارم.

۸-۲-۴۲- پاک کردن نفس از آرزوهای دنیوی و دوری جستن از آن

﴿۳۲۲۸﴾ ای موسی، نفست را از آرزوهای دنیا پاک کن و از آن‌ها دوری کن چون تو متعلق به آن نیستی و آن هم برای تو آفریده نشده است. تو را با خانه‌ی ستمگران چه کار؟! مگر برای کسی که کار خیر بکند که برای او بهترین جایگاه است.

۸-۲-۴۳- دور کردن

﴿۳۲۲۹﴾ دور کردن نفس از لذت‌های دنیا همان زهد ستوده شده است.

۸-۲-۴۴- عدم اطمینان

﴿۳۲۳۰﴾ ای جابر، مؤمنین به ماندن در دنیا اطمینان نکردند و از ورود به آخرت ایمن نشدند.

۸-۲-۴۵- مشغول نشدن

﴿۳۲۳۱﴾ دوراندیش کسی است که فریب‌های دنیا او را از عمل برای آخرت مشغول نکند.

۸-۲-۴۶- پشت کردن

﴿۳۲۳۲﴾ سه عمل بافضیلت‌ترین اعمالند؛ مجاهده‌ی نفس، نبرد با هوی و هوس، و روی گرداندن از دنیا.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزَّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

﴿٣٢٣٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَدْ حَقَّرَ (رسول الله ﷺ) الدُّنْيَا وَ صَغَّرَهَا وَ أَهْوَنَ بِهَا وَ هَوَّنَهَا وَ عَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ زَوَّاهَا عَنْهُ اخْتِيَارًا وَ بَسَطَهَا لِغَيْرِهِ احْتِقَارًا فَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا بِقَلْبِهِ وَ أَمَاتَ ذِكْرَهَا مِنْ نَفْسِهِ وَ أَحَبَّ أَنْ تَغِيبَ زِينَتُهَا عَنْ عَيْنِهِ لِكَيْلَا يَتَّخِذَ مِنْهَا رِيَاشًا أَوْ يَرْجُوَ فِيهَا مَقَامًا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٧، ص ٢١٧

﴿٣٢٣٤﴾ الرسول ﷺ: الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ وَ مَنْزِلُ بُلْغَةٍ وَ عَنَاءٍ ... وَ الْفَائِزُ مَنْ أَعْرَضَ عَنْهَا وَ الْهَالِكُ مَنْ هَوَى فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٧

﴿٣٢٣٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ كَافٍ لَكَ فِي الْأُسُوءَةِ وَ دَلِيلُ عَلَى دَمِ الدُّنْيَا وَ عَيْبِهَا... فَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا بِقَلْبِهِ وَ أَمَاتَ ذِكْرَهَا مِنْ نَفْسِهِ؛ مكارم الأخلاق، ص ٨

﴿٣٢٣٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا أَتَتْهُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

﴿٣٢٣٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ظَفِرَ بِفَرَحَةِ الْبُشْرَى مَنْ أَعْرَضَ عَنِ زَخَارِفِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤٧

﴿٣٢٣٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ظَفِرَ بَجَنَّةِ الْمَأْوَى مَنْ أَعْرَضَ عَنْ شَهَوَاتِ [زَخَارِفِ] الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٦٨

﴿٣٢٣٩﴾ الرسول ﷺ: إِنَّمَا هُوَ خَيْرٌ يُرْجَى أَوْ شَرٌّ يُتَّقَى أَوْ بَاطِلٌ عَرَفَ فَاجْتَنَّبَ أَوْ حَقٌّ يَتَعَيَّنُ فَطَلَبَ وَ آخِرَةٌ أَظْلَمَ إِقْبَالَهَا فَسَعَى لَهَا وَ دُنْيَا عَرَفَ نَفَادَهَا فَأَعْرَضَ عَنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٤

﴿٣٢٤٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اغْرِضْ [أَعْرِضْ] عَنْ دُنْيَاكَ تَسْعُدْ بِمُنْقَلَبِكَ وَ تُصْلِحْ مَثْوَاكَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٨

﴿٣٢٤١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكَ لَنْ تُخْلُقَ لِلدُّنْيَا فَازَهُدَ فِيهَا وَ أَعْرِضْ عَنْهَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٨

٤٧-٢-٨- الإِعْتِزَالُ

﴿٣٢٤٢﴾ الكاظم عليه السلام: فَمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اعْتَزَلَ أَهْلَ الدُّنْيَا؛ تحف العقول، ص ٣٨٧

٤٨-٢-٨- الْعُزُوبُ

﴿٣٢٤٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا دُنْيَا إِغْزَبِي عَنِّي لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ؛ الصراط المستقيم، ج ١، ص ٢٣٠

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

﴿۳۲۳۳﴾ پیامبر ﷺ دنیا را کوچک شمرد و در چشم دیگران آن را ناچیز جلوه داد. آن را خوار می‌شمرد و در نزد دیگران خوار و بی‌مقدار معرفی نمود. و می‌دانست که خداوند برای احترام به ارزش او دنیا را از او دور ساخت و آن را برای ناچیزبودنش به دیگران بخشید. پیامبر ﷺ از جان و دل به دنیا پشت کرد و یاد آن را در دلش کشت. دوست داشت که زینت‌های دنیا از چشم او دور نگهداشته شود، تا از آن لباس فاخری تهیه نسازد، یا اقامت در آن را آرزو نکند.

﴿۳۲۳۴﴾ دنیا سرای بلا و جایگاه زندگی [در حدّ کفایت] و رنج است ... دنیا برای کسی که از آن دوری کند، بهره‌دهنده و برای کسی که میل به آن کند، تباہ‌کننده است.

﴿۳۲۳۵﴾ برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر اسلام ﷺ را در پیش‌گیری تا در شناخت بدی‌ها و عیب‌های دنیا و افزونی رسوایی‌ها و زشتی‌هایش برایت راهنما باشد... دل از دنیا برید و فکر آن را از صفحه‌ی دل زدود.

﴿۳۲۳۶﴾ هرکس از دنیا روی برگرداند، دنیا به سراغ او می‌رود.

﴿۳۲۳۷﴾ کسی که از زیورهای دنیایی اعراض کند، به سرور و شادمانی دست می‌یابد.

﴿۳۲۳۸﴾ کسی که از شهوت‌های دنیا روی برگرداند، موفق به کسب بهشت امن الهی می‌گردد.

﴿۳۲۳۹﴾ عبدالله بن عمر گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «همانا آن خیری است که به آن امید می‌رود، یا شرّی است که از آن پرهیز می‌شود، یا باطلی است که شناخته می‌شود؛ پس از آن دوری کن. یا حقّی مسلم است؛ پس آن را جستجو کن. و آخرتی است که رو آوردنش سایه افکنده؛ پس به‌سویش کوشش کن. و دنیا نابودیش شناخته شده؛ پس از آن دوری کن».

﴿۳۲۴۰﴾ از دنیا روی برگردان تا جایگاهت بالا رود و خانه‌ات در آخرت اصلاح شود.

﴿۳۲۴۱﴾ تو برای دنیا خلق نشده‌ای! پس در آن زاهد باش و از آن روی بگردان.

۴۷-۲-۸- دل‌بریدن

﴿۳۲۴۲﴾ هرکس که عقل و خردش به درجه‌ای رسید که شایسته‌ی دریافت علوم الهی گشت، از اهل دنیا و دنیاپرستان کناره می‌گیرد.

۴۸-۲-۸- دور شدن

﴿۳۲۴۳﴾ ای دنیا از من دور شو که احتیاجی به تو ندارم.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصَيَّبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزَّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

٤٩-٢-٨- العَزْفُ

﴿٣٢٤٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَ اعْرِضْ عَنْهَا وَ اِيَّاكَ اَنْ يَنْزِلَ بِكَ الْمَوْتُ وَ قَلْبُكَ مُتَعَلِّقٌ بِشَيْءٍ مِنْهَا فَتَهْلِكَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٨

﴿٣٢٤٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَزَفَ عَنِ الدُّنْيَا اَتَتْهُ صَاغِرَةٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٩

﴿٣٢٤٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا اَنْ يَزْهَدَ فِيهَا وَ يَعْرِضَ عَنْهَا؛ غرر الحكم،

ص ٢٧٥

﴿٣٢٤٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اَعْرِضْ [اَعْرِضْ] عَنْ دُنْيَاكَ تَسْعُدْ بِمُنْقَلَبِكَ وَ تُصْلِحْ مَشْوَاكَ؛

غرر الحكم، ص ١٣٨

٥٠-٢-٨- التَّعَقُّفُ

﴿٣٢٤٨﴾ الصادق عليه السلام: لِيَكُنْ طَلَبُكَ لِلْمَعِيشَةِ فَوْقَ كَسْبِ الْمُضَيِّعِ وَ دُونَ طَلَبِ الْحَرِيسِ الرَّاضِي بِدُنْيَاهُ الْمُطْمَئِنِّ إِلَيْهَا وَ لَكِنْ أَنْزِلْ نَفْسَكَ مِنْ ذَلِكَ بِمَنْزِلَةِ الْمُتَصِفِ الْمُتَعَقِّفِ تَرَفُّعُ نَفْسِكَ عَنْ مَنْزِلَةِ الْوَاهِنِ الضَّعِيفِ وَ تَكْتَسِبُ مَا لَا بُدَّ مِنْهُ؛ الكافي، ج ٥، ص ٨١

٥١-٢-٨- الْعُصْيَانُ

﴿٣٢٤٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَصَى الدُّنْيَا أَطَاعَتْهُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

٥٢-٢-٨- الْعَاقُ

﴿٣٢٥٠﴾ الصادق عليه السلام: الْمُؤْمِنُونَ لَا نَفْسَهُمْ مُتَّهَمُونَ وَ مِنْ فَارِطٍ زَلِيلُهُمْ وَ جُلُونَ وَ لِلدُّنْيَا عَائِفُونَ [عَاقُونَ] وَ إِلَى الْآخِرَةِ مُشْتَاقُونَ وَ إِلَى الطَّاعَاتِ مُسَارِعُونَ؛ غرر الحكم، ص ٩٠

٥٣-٢-٨- الْإِغْمَاضُ

﴿٣٢٥١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الْأَكْيَاسَ هُمُ الَّذِينَ لِلدُّنْيَا مَقْتًا وَ آغْنِيَهُمْ عَنْ [فِي] زَهْرَتِهَا أَغْمَضُوا وَ قُلُوبُهُمْ عَنْهَا صَرَفُوا وَ بِالْذَّارِ الْبَاقِيَةِ تَوَلَّوْهُ؛ غرر الحكم، ص ٣٢٢

٥٤-٢-٨- الْغِنَى

﴿٣٢٥٢﴾ الرسول ﷺ: مَنْ لَمْ يَكُنْ غَنِيًّا فِي الدُّنْيَا فَلَا دُنْيَا لَهُ؛ الجعفریات، ص ١٥٥

٥٥-٢-٨- الْفِرَارُ

﴿٣٢٥٣﴾ الرسول ﷺ: فَرُّوا مِنْ فُضُولِ الدُّنْيَا كَمَا تَفِرُّونَ مِنَ الْحَرَامِ وَ هَوِّنُوا عَلَى أَنْفُسِكُمُ الدُّنْيَا كَمَا تَهَوَّنُونَ الْجَيْفَةَ وَ تَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ مِنْ فُضُولِ الدُّنْيَا وَ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِكُمْ تَنْجُوا مِنْ شِدَّةِ الْعَذَابِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥٣

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

۸-۲-۴۹- دوری گزیدن

«۳۲۴۴» در دنیا زاهد باش و از آن دوری گزین و چنین نباشد که مرگ سراغت بیاید و دل تو هنوز مشغول چیزی از دنیا باشد که هلاک خواهی شد.

«۳۲۴۵» هرکس از دنیا روی بگرداند و به آن بی‌رغبت باشد، دنیا با حال خواری به نزدش می‌آید.

«۳۲۴۶» برای کسی که دنیا را شناخته، سزاوار است زاهدانه زندگی کند و از دنیا بپُرد.

«۳۲۴۷» از دنیا روی برگردان تا جایگاهت بالا رود و خانه‌ات در آخرت اصلاح شود.

۸-۲-۵۰- پاکدامنی

«۳۲۴۸» باید طلب تو برای روزی و گذران زندگی، بیشتر از انسان‌های اسراف‌کار و کمتر از اشخاص حریص، دنیادوست و دل به دنیا داده باشد؛ پس خود را در کار و کسب، در حدّ انسان منصف و پرهیزکار قرار ده و از اشخاص سست و ناتوان بالاتر ببر و به کسب آنچه که مورد نیاز شخص مؤمن است پرداز.

۸-۲-۵۱- نافرمانی

«۳۲۴۹» کسی که مخالفت دنیا را کند، دنیا از او اطاعت می‌کند.

۸-۲-۵۲- جلوگیری کردن

«۳۲۵۰» مؤمنان نفس‌های خویش را متهم می‌سازند و از گذشته‌ی لغزش‌های خود ترسان هستند و از دنیا کراهت دارند [از آن جلوگیری می‌کنند] و به آخرت مشتاق و به‌سوی فرمان‌برداری پروردگار شتابان هستند.

۸-۲-۵۳- چشم‌پوشی

«۳۲۵۱» زیرکان کسانی هستند که بر دنیا خشم گرفته و چشمانشان را بر زیبایی‌های آن بسته‌اند و دلشان را از آن منصرف کرده و سرگشته‌ی آخرت شده‌اند.

۸-۲-۵۴- بی‌نیازی

«۳۲۵۲» کسی که در دنیا بی‌نیاز نباشد، اصلاً دنیا ندارد.

۸-۲-۵۵- فرار

«۳۲۵۳» از زیاده‌ی دنیا (امور مباح که ضرورتی به آن‌ها نیست) همان‌گونه که از حرام‌های دنیا فرار می‌کنید، فرار کنید. و دنیا را در نظر خود مانند لاشه‌ی پست و بی‌ارزش، پست کنید. و از فضولات دنیا و اعمال بد خود به‌سوی خدا توبه کنید تا از شدّت عذاب نجات یابید.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

٥٦-٢-٨- التَّفَرُّغُ

﴿٣٢٥٤﴾ الرسول ﷺ: تَفَرَّغُوا مِنْ هُمُومِ الدُّنْيَا مَا اسْتَطَعْتُمْ فَإِنَّهُ غَيْرُ نَصِيبِهِ الْمَكْتُوبُ لَهُ وَمَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هِمَّتَهُ جَمَعَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَهُ وَجَعَلَ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا رَاغِمَةً؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٨

٥٧-٢-٨- الْإِفْلَاتُ

﴿٣٢٥٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً غَالَبَ الْهَوَى وَ أَفْلَتَ مِنْ حَبَائِلِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم،

ص ١٣٨

٥٨-٢-٨- الْقَبْضُ

﴿٣٢٥٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: طُوبَى لِلرَّاعِيَيْنِ فِي الْآخِرَةِ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا أُولَئِكَ قَوْمٌ اتَّخَذُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ بَسَاطًا وَ تَرَابِهَا فِرَاشًا وَ مَاءَهَا طَهُورًا وَ الْقُرْآنَ شِعَارًا وَ الدُّعَاءَ دِتَارًا ثُمَّ قَبَضُوا الدُّنْيَا عَلَى مِئْهَاجِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥١

٥٩-٢-٨- الْقَرَضُ

﴿٣٢٥٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا نَوْفُ طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِيَيْنِ فِي الْآخِرَةِ أُولَئِكَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ بَسَاطًا وَ تَرَابِهَا فِرَاشًا وَ مَاءَهَا طِيبًا وَ الْقُرْآنَ دِتَارًا وَ الدُّعَاءَ شِعَارًا وَ قَرَضُوا مِنَ الدُّنْيَا تَقْرِيبًا عَلَى مِئْهَاجِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ؛ بحار الأنوار، ج ٤١، ص ١٦

﴿٣٢٥٨﴾ السَّجَادُ عليه السلام: أَلَا وَ كُونُوا مِنَ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِيَيْنِ فِي الْآخِرَةِ أَلَا إِنَّ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا قَدْ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ بَسَاطًا وَ التَّرَابَ فِرَاشًا وَ الْمَاءَ طِيبًا وَ قَرَضُوا مِنَ الدُّنْيَا تَقْرِيبًا؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ١٤

٦٠-٢-٨- قَصْرُ الْأَمَلِ

﴿٣٢٥٩﴾ الرسول ﷺ: إَلَّا أَنَّهُ مَنْ رَغِبَ فِي الدُّنْيَا وَ طَالَ أَمَلُهُ فِيهَا أَعْمَى اللَّهُ قَلْبَهُ عَلَى قَدَرِ ذَلِكَ وَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا وَ قَصَرَ أَمَلُهُ فِيهَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عِلْمًا بَغَيْرِ تَعْلَمٍ وَ هُدًى بَغَيْرِ هِدَايَةٍ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣١

٦١-٢-٨- الْقَضْمُ

﴿٣٢٦٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى الْمُتَأَسِّي بِنَبِيِّهِ ﷺ وَ الْمُقْتَصِرُ لِأَثَرِهِ قَضِمَ الدُّنْيَا قَضْمًا وَ لَمْ يُعْرِهَا طُرْقًا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥٤

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

۵۶-۲-۸- فارغ کردن

﴿۳۲۵۴﴾ تا می‌توانید دل‌های خود را از اشتغال به [امور] دنیا فارغ نمایید، زیرا کسی که هم‌تَش صرف امور دنیا شود، سنگدل می‌گردد و [همیشه] فقر در مقابل چشمانش، مجسم می‌شود، در صورتی که بیشتر از مقدار مقرر به او نمی‌رسد. و کسی که هم‌تَش صرف آخرت شود، خداوند کارش را اصلاح می‌کند و دل او را بی‌نیاز می‌گرداند و ناخواسته دنیا به او روی می‌آورد.

۵۷-۲-۸- رهایی یافتن

﴿۳۲۵۵﴾ خدا رحمت کند کسی را که بر هوی و هوس خود غلبه کند و از دام‌های دنیا نجات و رهایی یابد.

۵۸-۲-۸- گرفتن و بهره‌بردن

﴿۳۲۵۶﴾ خوشا به حال کسانی که به آخرت رغبت دارند و در دنیا زاهدند، آن‌ها گروهی هستند که زمین خود را مساجد و خاک آن را بستر خود قرار داده‌اند، آب آن را مایه‌ی طهارت خود و قرآن را شعار خود و دعا را لباس خود قرار داده‌اند و در نهایت مانند عیسی علیه السلام از دنیا بهره‌بردارند.

۵۹-۲-۸- بریدن

﴿۳۲۵۷﴾ ای نوف! خوشا به حال زاهدان در دنیا و مشتاقان به آخرت. آنان کسانی هستند که زمین را فرش و خاکش را رختخواب و آتش را بوی خوش و قرآن را لباس زیر و دعا را لباس رو قرار دادند و از دنیا همانند عیسی بن مریم علیه السلام به کلی بریدند.

﴿۳۲۵۸﴾ آگاه باشید که شما باید از زاهدان در دنیا باشید و به آخرت رغبت نشان دهید. زاهدان در دنیا، زمین را محل سکونت خود و خاک را فرش خود و آب را مایع طاهری برای خود قرار داده‌اند و از دنیا به قدری که نیاز دارند، استفاده کرده‌اند.

۶۰-۲-۸- کوتاهی آرزو

﴿۳۲۵۹﴾ بدانید که هر کس شیفته‌ی دنیا باشد، و آرزوی طولانی داشته باشد خداوند به همان اندازه، او را کوردل می‌سازد و هر کس در دنیا زاهد باشد و آرزوی طولانی نداشته باشد، علمی از جانب خدا به او عطا می‌شود بدون آنکه چیزی آموخته باشد و هدایتی می‌یابد که پیش از آن به آن هدایت نشده بود.

۶۱-۲-۸- قناعت به حداقل‌ها

﴿۳۲۶۰﴾ محبوب‌ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبر او پیروی کند، و گام بر جای پای او نهد، از دنیا به کمترین‌ها قناعت کرد و گوشه چشمی به دنیا نکرد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

٢٠٨-٨-٢٠٦٢-الْقَطْعُ

﴿٣٢٤١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَقَطَّعُوا عِلَاقَتِ الدُّنْيَا وَ اسْتَظْهَرُوا بِزَادِ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٠،

ص ١٣٤

﴿٣٢٤٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: السُّجُودُ النَّفْسَانِي فَرَاغُ الْقَلْبِ مِنَ الْفَانِيَّاتِ... وَ قَطْعُ الْعِلَاقِ

الدُّنْيَوِيَّةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٤، ص ٤٨٦

﴿٣٢٤٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِذْفَعِ الدُّنْيَا بِمَا أُنْدَقَعَتْ، وَ أَقْطَعْ الدُّنْيَا بِمَا أُنْقَطَعَتْ؛ إرشاد القلوب،

ج ١، ص ١٩

﴿٣٢٤٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَتَيْنَ الْمُؤَقِنُونَ الَّذِينَ خَلَعُوا سَرَابِيلَ الْهَوَى وَ قَطَّعُوا عَنْهُمْ عِلَاقَتَ

الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ٦٢

﴿٣٢٤٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ إِنِّ لِلذِّكْرِ لَأَهْلًا أَخَذُوهُ مِنَ الدُّنْيَا بَدَلًا فَلَمْ تَشْغَلْهُمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ

عَنْهُ... يَتَنَاهَوْنَ عَنْهُ فَكَانَتْهُمْ قَطْعُوا الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَ هُمْ فِيهَا فَشَاهَدُوا مَا وَرَاءَ ذَلِكَ... فَكَشَفُوا

غِطَاءَ ذَلِكَ لِأَهْلِ الدُّنْيَا حَتَّى كَانَتْهُمْ يَرَوْنَ مَا لَا يَرَى النَّاسُ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١١، ص ٢١٧

﴿٣٢٤٦﴾ الصادق عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى بَعْضِ الْأَنْبِيَاءِ أَمَّا زُهْدُكَ فِي الدُّنْيَا فَيُجْعَلُكَ الرَّاحَةَ وَ أَمَّا

انْقِطَاعُكَ إِلَى فَيْعَزَّزَكَ بِي وَ لَكِنْ هَلْ عَادَيْتَ لِي عَدُوًّا أَوْ وَالَيْتَ لِي وَلِيًّا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٥٨

﴿٣٢٤٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَارْفُضِ الدُّنْيَا فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُغْمِي وَ يُبْصِمُ وَ يُبْكِمْ... فَانْقَطِعْ إِلَى

اللَّهِ بِقَلْبٍ مُتَّيِّبٍ مِنْ رَفْضِ الدُّنْيَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٦

٢٠٨-٨-٢٠٦٣-الْقُعُودُ

﴿٣٢٤٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ قَعَدَ عَنِ الدُّنْيَا طَلَبَتْهُ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

﴿٣٢٤٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ قَعَدَ عَنِ طَلَبِ الدُّنْيَا قَامَتْ إِلَيْهِ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

﴿٣٢٥٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ سَعَى لِلدُّنْيَا فَاتَتْهُ وَ مَنْ قَعَدَ عَنْهَا أَتَتْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٥١

٢٠٨-٨-٢٠٦٤-مَنْعُ اللَّذَاتِ

﴿٣٢٧١﴾ الصادق عليه السلام: وَ هَلْ فِيهِمْ مَنْ قَدْ أَذَابَ لَيْلَةً مِنْ طُولِ الْقِيَامِ وَ أَذَابَ نَهَارَهُ مِنَ الصِّيَامِ

أَوْ مَنَعَ نَفْسَهُ لَذَاتِ الدُّنْيَا وَ نَعِيمَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ وَ شَوْقًا إِلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَنِّي يَكُونُونَ لَنَا شِيعَةً...

لَا تَغُرَّنَا الدُّنْيَا وَ مَا تَرَوْنَ فِيهَا مِنْ نَعِيمٍ وَ زَهْرَتِهَا وَ بَهْجَتِهَا وَ مُلْكُهَا فَإِنَّهَا لَا تَصْلُحُ لَكُمْ فَوَ

اللَّهُ مَا صَلَحَتْ لِأَهْلِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٨٣

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

۸-۲-۶۲- قطع

﴿۳۲۶۱﴾ پس وابستگی‌های دنیا را قطع کنید و با توشه‌ای از پرهیزگاری مدد بگیرید.
﴿۳۲۶۲﴾ سجود نفسانی فارغ‌بودن دل از امور فانی... و بریدن پیوندهای دنیوی است.
﴿۳۲۶۳﴾ دنیا را با هرآنچه می‌شود دفع کن، دنیا را با هر آنچه بریده می‌شود از خود بتر.
﴿۳۲۶۴﴾ کجا هستند اهل یقین که لباس هوی و هوس را از تن جدا کردند و از علایق دنیوی خود بریدند؟!

﴿۳۲۶۵﴾ همانا مردمی هستند که یاد خدا را به جای دنیا برگزیدند و هیچ تجارت یا خرید و فروشی آن‌ها را از یاد خدا باز نمی‌دارد... از بدی‌ها نهی می‌کنند و خود از آن‌ها دوری می‌کنند. با اینکه در دنیا زندگی می‌کنند، گویا آن‌ها را رها کرده و به آخرت پیوسته‌اند. سرای دیگر را مشاهده می‌کنند... آنان پرده‌ها را از مقابل چشمان مردم دنیا برداشته‌اند، آنچه را مردم نمی‌بینند مشاهده می‌کنند.
﴿۳۲۶۶﴾ خداوند به یکی از پیامبران وحی فرمود: «اما نتیجه‌ی زهد و بی‌اعتنایی‌ات به دنیا، شتاب در آسودگی توست. و اما توجه و روی‌نمودنت به من موجب عزت و سربلندی توست. ولی آیا به خاطر من با دشمنی عداوت نموده‌ای و با دوستی از دوستان من دوستی کرده‌ای؟!»

﴿۳۲۶۷﴾ دنیا را واگذار که دوستی دنیا کور و کر و لال نماید... پس با دلی متوجه به خدا و بریده از دنیا و عزمی که شکستی در آن نیست، به‌سوی او رو کن.

۸-۲-۶۳- نشستن

﴿۳۲۶۸﴾ هرکس بنشیند و دنبال دنیا نرود، دنیا به دنبال او می‌رود.
﴿۳۲۶۹﴾ هرکس که بنشیند و دنبال دنیا نرود، دنیا می‌ایستد و به سمت او می‌آید.
﴿۳۲۷۰﴾ کسی که برای خانه‌ی دنیا بکوشد، آن را از دست می‌دهد و هرکس که رهایش ساخت، دنیا به‌سویش می‌شتابد.

۸-۲-۶۴- دوری از لذت‌جویی

﴿۳۲۷۱﴾ [وای بر آنان] آیا میانشان کسی هست که خود را در شب‌ها با شب‌زنده‌داری به عبادت و در روز با روزه به زحمت و رنج انداخته باشد؟ یا از ترس خدا و شوق به ما اهل بیت خود را از خوشی و نعمت دنیا محروم می‌دارد؟ کجا آنان شیعه‌ی ما هستند... مبدا این دنیا و آنچه از نعمت و شکوفایی و خوشی و ملک آن را که مشاهده می‌کنید شما را فریب دهد، زیرا مناسب و در خور شما نیست؛ به خدا سوگند، که شایسته‌ی اهل آن هم نیست!

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصَيَّبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

٢٠٦-٨-٢٠٦٥ إِمَاتَةُ ذِكْرِ الدُّنْيَا فِي النَّفْسِ

﴿٣٢٧٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قَدْ حَقَّرَ (رسول الله ﷺ) الدُّنْيَا وَ صَغَّرَهَا وَ أَهْوَنَ بِهَا وَ هَوَّنَهَا وَ عَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ زَوَاهَا عَنْهُ اخْتِيَارًا وَ بَسَطَهَا لِغَيْرِهِ اخْتِقَارًا فَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا بِقَلْبِهِ وَ أَمَاتَ ذِكْرَهَا مِنْ نَفْسِهِ وَ أَحَبَّ أَنْ تَغِيبَ زِينَتُهَا عَنْ عَيْنِهِ لِكَيْلَا يَتَّخِذَ مِنْهَا رِيَاشًا أَوْ يَرْجُوَ فِيهَا مَقَامًا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٧، ص ٢١٧
٢٠٦-٨-٢٠٦٥ النَّبَذُ

﴿٣٢٧٣﴾ الرسول ﷺ: أَنْ مُوسَى عليه السلام لَقِيَ الْخَضِرَ عليه السلام فَقَالَ أَوْصِنِي فَقَالَ الْخَضِرُ... وَ اعْلَمْ أَنَّ قَلْبَكَ وَعَاءٌ فَانْظُرْ مَاذَا تَحْشُو بِهِ وَعَاءَكَ وَ اعْرِفِ الدُّنْيَا وَ انْبِذْهَا وَ رَأَيْكَ فَإِنَّهَا لَيْسَتْ لَكَ بَدَارٌ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦
٢٠٦-٨-٢٠٦٧ النَّزْعُ

﴿٣٢٧٤﴾ الدَّعَاءُ فِي غُرَّةِ جُمَادَى الْأُولَى: اللَّهُمَّ انْزِعْ حُبَّ الدُّنْيَا وَ مَعَاصِيَهَا وَ ذِكْرَهَا وَ شَهَوَاتَهَا مِنْ قَلْبِي؛ بحار الأنوار، ج ٩٥، ص ٣٧٠
﴿٣٢٧٥﴾ السَّجَادَةُ عليه السلام: وَ انْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دَنِيَّةٍ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَ تَصُدُّ عَنِ اثْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَ تَذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام، ص ٢٢٤
٢٠٦-٨-٢٠٦٨ التَّنْزِيهُ

﴿٣٢٧٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي لِمَنْ عَلِمَ شَرَفَ نَفْسِهِ أَنْ يُنْزِهَا عَنْ دَنَاءَةِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٣٦
﴿٣٢٧٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُونُوا عَنِ الدُّنْيَا نُزَاهًا وَ إِلَى الْآخِرَةِ وُلَاهًا؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٣، ص ٢٣٧
٢٠٦-٨-٢٠٦٩ نِسْيَانُ الذِّكْرِ

﴿٣٢٧٨﴾ السَّجَادَةُ عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دُنْيَاهُمْ الْخَدَاعَةَ الْغُرُورَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام الدعاء ٢٧

﴿٣٢٧٩﴾ الباقر عليه السلام: قَالُوا: إِذَا كُنَّا عِنْدَكَ فَذَكَّرْتَنَا وَ رَغَّبْتَنَا وَ جَلَّنَا وَ نَسِينَا الدُّنْيَا وَ زَهَدْنَا حَتَّى كَانَا نَعَايِنُ الْآخِرَةَ وَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ نَحْنُ عِنْدَكَ فَإِذَا خَرَجْنَا مِنْ عِنْدِكَ وَ دَخَلْنَا هَذِهِ

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

۸-۲-۶۵- کشتن یاد دنیا در دل

«۳۲۷۲» پیامبر ﷺ دنیا را کوچک شمرد و در چشم دیگران آن را ناچیز جلوه داد. آن را خوار می‌شمرد و در نزد دیگران خوار و بی‌مقدار معرفی نمود. و می‌دانست که خداوند برای احترام به ارزش او دنیا را از او دور ساخت و آن را برای ناچیزبودنش به دیگران بخشید. پیامبر ﷺ از جان و دل به دنیا پشت کرد و یاد آن را در دلش کشت. دوست داشت که زینت‌های دنیا از چشم او دور نگهداشته شود، تا از آن لباس فاخری تهیه نسازد، یا اقامت در آن را آرزو نکند.

۸-۲-۶۶- پشت سر گذاشتن

«۳۲۷۳» موسی ﷺ با خضر ﷺ ملاقات کرد و گفت: «مرا نصیحت کن». خضر ﷺ گفت: «ای موسی! بدان که قلب تو ظرفی است، بنگر آن را با چه چیزی پر می‌کنی! دنیا را بشناس و پشت سر بگذار، زیرا دنیا خانه‌ی پایداری برای تو نیست.

۸-۲-۶۷- کندن

«۳۲۷۴» خدایا، دوستی دنیا و گناهان و یاد و هوس دنیا را از دلم بزدای. «۳۲۷۵» خدایا! حبّ دنیا را از قلب من خارج کن؛ همان حبّی که مرا از رسیدن به آنچه نزد توست، نهی می‌کند و از دسترسی به وسیله‌ها و واسطه‌های تو منع می‌کنند و مرا از نزدیکی به تو پایین می‌اندازد.

۸-۲-۶۸- تنزیه و پاکی

«۳۲۷۶» سزاوار است برای کسی که شرافت نفس خودش را می‌داند، از پستی دنیا بیرون بکشد.

«۳۲۷۷» از دنیا پاک و برکنار بمانید و شیفته‌ی آخرت باشید.

۸-۲-۶۹- فراموشی یاد

«۳۲۷۸» خدایا! بر محمد و آل او درود بفرست و به هنگام برخورد با دشمن یاد دنیای مگار فریبنده را از خاطر مرزدارانمان بزدای.

«۳۲۷۹» به رسول خدا ﷺ گفتند: «هرگاه نزد تو هستیم و یاد آخرت را برای ما زنده می‌کنی و ما را به آن ترغیب می‌کنی، جسممان به لرزه می‌افتد و دنیا را فراموش می‌کنیم و نسبت به آن زاهد می‌شویم تا جایی که گویا هم‌اکنون آخرت و بهشت و جهنم را می‌بینیم؛ اما این حالات مربوط به زمانی است که نزد تو هستیم، اما هنگامی که از نزد تو می‌رویم و به خانه‌های خود وارد

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزَّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

الْبُيُوتَ وَ شَمِمْنَا الْأَوْلَادَ وَ رَأَيْنَا الْعِيَالَ وَ الْأَهْلَ يَكَادُ أَنْ نُحَوَّلَ عَنِ الْحَالِ الَّتِي كُنَّا عَلَيْهَا عِنْدَكَ وَ حَتَّى كَانَا لَمْ نَكُنْ عَلَى شَيْءٍ أَ فَتَخَافُ عَلَيْنَا أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ نِفَاقًا فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كَلَّا إِنَّ هَذِهِ خُطُوبَاتُ الشَّيْطَانِ فَيَرِغْبُكُمْ فِي الدُّنْيَا؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٢٣
٧٠-٢-٨- لَا يَنْظُرُونَ إِلَيْهَا

﴿٣٢٨٠﴾ الباقر ﷺ: قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ ﷺ: إِلَهِي فَمَنْ يَنْزِلُ دَارَ الْقُدْسِ عِنْدَكَ؟ قَالَ: الَّذِينَ لَا يَنْظُرُونَ أَعْيُنُهُمْ إِلَى الدُّنْيَا وَ لَا يُدْبِعُونَ أَسْرَارَهُمْ فِي الدِّينِ وَ لَا يَأْخُذُونَ فِي الْحُكُومَةِ الرَّشَاءِ الْحَقُّ فِي قُلُوبِهِمْ وَ الصَّدَقُ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ فَأُولَئِكَ فِي سِتْرِ فِي الدُّنْيَا وَ فِي دَارِ الْقُدْسِ عِنْدِي فِي الْآخِرَةِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٠٤
٧١-٢-٨- الْهَرَبُ

﴿٣٢٨١﴾ امير المؤمنين ﷺ: اهْرَبُوا مِنَ الدُّنْيَا وَ اصْرِفُوا قُلُوبَكُمْ عَنْهَا فَإِنَّهَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ حِطَّةٌ فِيهَا قَلِيلٌ وَ عَقْلُهُ بِهَا عَلِيلٌ وَ نَاطِرُهُ فِيهَا كَلِيلٌ؛ غرر الحكم، ص ١٣٨
﴿٣٢٨٢﴾ الصادق ﷺ: يَا بَنِي آدَمَ اهْرَبُوا مِنَ الدُّنْيَا إِلَى اللَّهِ وَ أَخْرِجُوا قُلُوبَكُمْ عَنْهَا فَإِنَّكُمْ لَا تَصْلَحُونَ لَهَا وَ لَا تَصْلَحُ لَكُمْ وَ لَا تَبْقُونَ فِيهَا وَ لَا تَبْقَى لَكُمْ هِيَ الْخِدَاعَةُ الْفَجَاعَةُ الْمَغْرُورُ مَنْ اغْتَرَبَ بِهَا الْمَغْبُورُ مَنْ أَطْمَأَنَّ إِلَيْهَا الْهَالِكُ مَنْ أَحَبَّهَا وَ آرَادَهَا فَتَوَبُّوا إِلَى بَارئِكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٢٨٨
٧٢-٢-٨- الْوَحْشَةُ

﴿٣٢٨٣﴾ الباقر ﷺ: يَا جَابِرُ أَنْ أَهْلَ التَّقْوَى أَيْسَرُ أَهْلَ الدُّنْيَا مَثُونَةً... وَ إِنْ نَسِيتَ ذَكَرْكَ قَوْلًا بَأَمْرِ اللَّهِ قَوَامُونَ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ قَطَعُوا مَحَبَّتَهُمْ بِمَحَبَّةِ رَبِّهِمْ وَ وَحَشُوا الدُّنْيَا لِبَطَاةِ مَلِكِهِمْ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٢
﴿٣٢٨٤﴾ زيارة الحسين ﷺ: أَوْحِشْنِي مِنَ الدُّنْيَا وَ أَنْسِنِي بِالْآخِرَةِ فَإِنَّهُ لَا يُوحِشُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا خَوْفُكَ وَ لَا يُؤْنِسُ بِالْآخِرَةِ إِلَّا رَجَاؤُكَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٨، ص ٣٢٦
٧٣-٢-٨- الْوَدَاعُ

﴿٣٢٨٥﴾ الرسول ﷺ: وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ فَلْيَدَعْ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٦، ص ١٣١
﴿٣٢٨٦﴾ الرسول ﷺ: يَا ابْنَ مَسْعُودٍ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنْ مَنْ يَدْعُ الدُّنْيَا وَ يَقْبِلُ عَلَى تِجَارَةِ الْآخِرَةِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَتَجَرَّ لَهُ مِنْ وَرَاءِ تِجَارَتِهِ وَ يُرْبِحُ اللَّهُ تِجَارَتَهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٠٧

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

می‌شویم... نزدیک است که حال ما و آن حالی را که در حضور تو داشتیم، عوض شود». ... رسول خدا ﷺ فرمود: «این، از نقشه‌های شیطان است که نسبت به دنیا در شما رغبت ایجاد می‌کند».

۸-۲-۷۰ چشمی بر مال دنیا ندارند

«۳۲۸۰» موسی علی‌ه‌السلام گفت: «چه کسی به منزل قدس تو می‌رسد؟» فرمود: «کسانی که چشمی بر مال دنیا ندارند، اسرار الهی را فاش نمی‌کنند و در حکومت [و روابط اجتماعی] اهل رشوه نیستند، حق در قلب‌هایشان است و زبانشان راستگوست. آنان در دنیا در پرده‌ی امان من هستند و در آخرت در منزل قدس من جای خواهند گرفت».

۸-۲-۷۱ گریختن

«۳۲۸۱» از دنیا بگریزید و دل‌هایتان را از آن منصرف کنید که دنیا زندان مؤمن است. بهره‌ای که می‌دهد اندک است و عقل [وقتی که به آن مشغول شود] در آن عاجز می‌شود و کسی که به آن نظر دارد، خسته خواهد شد.

«۳۲۸۲» عیسی بن مریم علی‌ه‌السلام به اصحابش فرمود: «ای فرزندان آدم، از دنیا به‌سوی خدا بگریزید و دل از آن بردارید که آن را نمی‌توانید اصلاح کنید و آن هم شما را اصلاح نمی‌کند، در دنیا نخواهید ماند و دنیا نیز برای شما نخواهد ماند. و دنیا پر از فریب و خدعه است. کسی که به دنیا مغرور شود، فریب خورده است. آن که به آن دل دهد، مغبون است و آن که آن را دوست دارد و بخواهد، هلاک است. پس به‌سوی خدا توبه کنید.

۸-۲-۷۲ وحشت

«۳۲۸۳» ای جابر، پرهیزکاران کم‌هزینه‌ترین مردم دنیا بوده و بیشترین کمک را به تو می‌رسانند... اگر آن‌ها را فراموش کنی تو را به یاد دارند. به امر خدا حرف می‌زنند. و بر دستورات خداوند متعال پایدار هستند. به‌واسطه‌ی محبت خداوند دل از دیگران بریدند و برای اطاعت پروردگار از دنیا هراس دارند.

«۳۲۸۴» و هراس از دنیا را در دلم قرار ده و شوق به آخرت را به دلم افکن که به راستی جز بیم تو کسی را از دنیا هراسناک نمی‌کند و جز امید به تو کسی را مشتاق آخرت نمی‌کند.

۸-۲-۷۳ وداع

«۳۲۸۵» هرکس آخرت را طلب کند، باید زیور زندگی دنیا را رها کند.

«۳۲۸۶» ای پسر مسعود! قسم به خدایی که مرا برانگیخت آن که دنیا را رها کند و تجارت آخرت را در پیش گیرد، خداوند برای او تجارت می‌کند و به تجارتش سود می‌دهد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

﴿٣٢٨٧﴾ المجتبى عليه السلام: فَدَعَّ عَنْكَ ذِكْرَ الدُّنْيَا بِذِكْرِ فِرَاقِهَا وَ شِدَّةِ مَا يَرِدُ عَلَيْكَ لِرَخَاءِ مَا بَعْدَهَا؛ الكافي، ج ٨، ص ٢٠٦

﴿٣٢٨٨﴾ الرسول ﷺ: وَمَنْ أَرَادَ كَرَامَةَ الْآخِرَةِ فَلْيَدَعْ زِينَةَ الدُّنْيَا فَإِذَا كُنْتَ كَذَلِكَ أَصَبْتَ وَكَأَيَّةَ اللَّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٤
﴿٣٢٨٩﴾ الرسول ﷺ: دَعُوا الدُّنْيَا لِأَهْلِهَا فَمَنْ أَخَذَ مِنَ الدُّنْيَا فَوْقَ مَا يَكْفِيهِ أَخَذَ حَتْفَهُ وَ هُوَ لَا يَشْعُرُ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٥٦
٧٤-٢-٨- الوَضْعُ

﴿٣٢٩٠﴾ المجتبى عليه السلام: فَضَعَ عَنْكَ الدُّنْيَا بِتَذَكُّرِ فِرَاقِهَا وَ شِدَّةِ مَا اشْتَدَّ مِنْهَا بِرَجَاءِ مَا بَعْدَهَا وَ اصْبِرْ حَتَّى تَلْقَى نَبِيَّكَ ﷺ وَ هُوَ عَنْكَ رَاضٍ؛ بحار الأنوار، ج ٢٢، ص ٤١٢
٧٥-٢-٨- الْوُقُوفُ

﴿٣٢٩١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ كَنْزٍ إِنْ وَقَفَتْ وَقَفَ وَإِنْ طَلَبْتَهُ بَعْدَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠
٧٦-٢-٨- الْإِتِّقَاءُ

﴿٣٢٩٢﴾ الرسول ﷺ: الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ وَ مَنْزِلُ بُلْغَةٍ وَ عَنَاءٍ ... طُوبَى لِعَبْدٍ اتَّقَى مِنْهَا رَبَّهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٧
٧٧-٢-٨- التَّقْدِيمُ مِنَ الدُّنْيَا

﴿٣٢٩٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا قَدَمْتَ مِنْ دُنْيَاكَ فَلِنَفْسِكَ وَ مَا أَخَّرْتَ مِنْهَا فَلِلْعَدُوِّ؛ غرر الحكم، ص ١٤٩
٧٨-٢-٨- الْيَأْسُ

﴿٣٢٩٤﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا اسْتَقْبَلَتِ الْقَبِيلَةُ فَأَيُّسَ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا وَ الْخَلْقُ وَ مَا هُمْ فِيهِ وَ فَرَّغَ قَلْبِكَ عَنْ كُلِّ شَاغِلٍ يَشْغُلُكَ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى وَ عَايَنَ بِسِرِّكَ عَظَمَةَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ مصباح الشريعة، ص ٨٧
٧٩-٢-٨- الصَّوْمُ وَ الْجُوعُ
١-٧٩-٢-٨- الصَّوْمُ

﴿٣٢٩٥﴾ ابوذر رضي الله عنه: عَلَيْكَ يَا عُمَرُ بَثَلَاتُ أَرْضِ بَالِقُوتِ وَ خَفِ الْفُوتِ وَ اجْعَلْ صَوْمَكَ الدُّنْيَا وَ فِطْرَكَ الْمَوْتَ الْغَفَارَى؛ معدن الجواهر، ص ٣٥

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

﴿۳۲۸۷﴾ یاد دنیا را به یاد جدایی از آن فراموش کن و سختی‌های دنیا را به امید راحتی‌های آخرت بر خود آسان گیر.

﴿۳۲۸۸﴾ هرکس مقام عالی آخرت را بخواهد، باید زیور دنیا را رها کند که اگر چنین باشی به ولایت خدا نایل گشته‌ای.

﴿۳۲۸۹﴾ دنیا را برای اهلش واگذارید که هرکس دنیا را بیش از نیازش طلب کند، مرگش را طلب کرده و خود نمی‌داند.

۸-۲-۷۴-رهاکردن

﴿۳۲۹۰﴾ به یاد جدایی‌ات از دنیا آن را رها کن و سختی‌های دنیا را به امید راحتی‌های آخرت بر خود آسان گردان و بر بلاها صبر نما تا اینکه پیغمبر خود را ملاقات کنی درحالی‌که از تو خشنود و راضی است.

۸-۲-۷۵-ایستادن

﴿۳۲۹۱﴾ دنیا مانند سایه‌ی توست اگر بایستی می‌ایستد و اگر به دنبالش بروی، دور می‌شود.

۸-۲-۷۶-پرهیز

﴿۳۲۹۲﴾ دنیا سرای بلا و جایگاه زندگی [در حدّ کفایت] و رنج است ... خوشا به حال بنده‌ای که به خاطر تقوای خدایش از دنیا پرهیز کرده است.

۸-۲-۷۷-پیش‌فرستادن دنیا

﴿۳۲۹۳﴾ آنچه از دنیایت پیش فرستادی به نفع خودت خواهد بود و آنچه که باقی می‌گذاری به نفع دشمنت است.

۸-۲-۷۸-امیدبردن

﴿۳۲۹۴﴾ وقتی برای نماز رو به قبله ایستادی، از دنیا و مخلوقات و هرچه در آن است مأیوس شو [و چشم بردار]، دلت را از هر چیزی که تو را از خدا به خود مشغول می‌گرداند، خالی کن و در درونت عظمت خداوند عزّ و جل را ببین.

۸-۲-۷۹-روزه و گرسنگی

۸-۲-۷۹-۱-روزه

﴿۳۲۹۵﴾ [خطاب ابوذر رضی الله عنه به عمر:] ای عمر، سه خصلت را اختیار کن به قوت خود راضی شو و از مرگ بترس و دنیا را روز روزه‌ی خود و مرگ را وقت افطار از آن قرار ده.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

﴿٣٢٩٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: صَوْمُ النَّفْسِ عَنْ لَذَاتِ الدُّنْيَا أَنْفَعُ الصِّيَامِ؛ غررالحكم، ص ١٧٦

٢-٧٩-٨- الجوعُ و العطشُ

﴿٣٢٩٧﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ أَقْرَبَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ طَالَ جُوعُهُ وَ عَطَشُهُ وَ حُزْنُهُ فِي الدُّنْيَا... وَ يَسْخَطُ اللَّهُ عَلَى بَلَدٍ لَيْسَ فِيهَا مِنْهُمْ أَحَدٌ لَمْ يَتَكَالَبُوا عَلَى الدُّنْيَا تَكَالَبَ

الْكِلَابَ عَلَى الْجَيْفِ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٣٥

٣-٧٩-٨- الفِطَامُ

﴿٣٢٩٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَفْضَلُ الْجِهَادِ جِهَادُ النَّفْسِ عَنِ الْهَوَى وَ فِطَامُهَا عَنْ لَذَاتِ الدُّنْيَا؛

غررالحكم، ص ٢٤٢

٤-٧٩-٨- كَانَ رَسُولُ اللَّهِ أَهْضَمَ كَشْحًا وَ أَحْمَصَ بَطْنًا

﴿٣٢٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى الْمُتَأَسِّي بِنَبِيِّهِ ﷺ وَ الْمُقْتَصِرُ لِأَثَرِهِ قَضَمَ الدُّنْيَا قَضْمًا وَ لَمْ يُعْرِهَا طَرْفًا أَهْضَمَ أَهْلَ الدُّنْيَا كَشْحًا وَ أَحْمَصَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا بَطْنًا عَرِضَتْ

عَلَيْهِ الدُّنْيَا فَابْيَ أَنْ يَقْبَلَهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٦، ص ٢٨٤

٨-٢-٨٠- الْقَنَاعَةُ

﴿٣٣٠٠﴾ الرسول ﷺ: قُلْتُ فَمَا تَفْسِيرُ الْقَنَاعَةِ؟ قَالَ: يَقْنَعُ بِمَا يُصِيبُ مِنَ الدُّنْيَا يَقْنَعُ بِالْقَلِيلِ وَ

يَشْكُرُ الْكَثِيرَ؛ وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ١٩٥

١-٨٠-٨-٢- الْقَنَاعَةُ بِبَيْسِيرِ الدُّنْيَا

﴿٣٣٠١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ رَغِبَ فِي نَعِيمِ الْآخِرَةِ قَنَعَ بِبَيْسِيرِ الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ١٤٧

٢-٨٠-٨-٢- الْقَنَاعَةُ بِالْقَلِيلِ مِنْهَا

﴿٣٣٠٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِقْنَعُوا بِالْقَلِيلِ مِنْ دُنْيَاكُمْ لِسَلَامَةِ دِينِكُمْ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ الْبُلْغَةَ

الْبَيْسِيرَةَ مِنَ الدُّنْيَا تُقْنَعُ؛ غررالحكم، ص ٣٩٣

٣-٨٠-٨-٢- الْقَنَاعَةُ بِالْأَقَلِّ

﴿٣٣٠٣﴾ الرسول ﷺ: مَنْ أَصْبَحَ مُعَافًى فِي جَسَدِهِ آمِنًا فِي سَرْبِهِ عِنْدَهُ قُوَّةُ يَوْمِهِ فَكَانَ مِمَّا

خَيْرَتْ لَهُ الدُّنْيَا يَا ابْنَ جُعْشَمٍ يَكْفِيكَ مِنْهَا مَا سَدَّ جُوعَكَ وَ وَارَى عَوْرَتَكَ فَإِنْ يَكُنْ بَيْتٌ يَكُنُّكَ فَذَاكَ وَ إِنْ تَكُنْ دَابَّةٌ تَرْكَبُهَا فَبَيْحٌ وَ إِلَّا فَالْخُبْزُ وَ مَاءُ الْجَرِّ وَ مَا بَعْدَ ذَلِكَ حِسَابٌ

عَلَيْكَ أَوْ عَذَابٌ؛ الأمالي للطوسي، ص ٤٢٨

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

﴿۳۲۹۶﴾ سودمندترین روزه، نگه‌داشتن نفس از لذت‌های دنیاست.

۸-۲-۷۹-۲ گرسنگی و تشنگی

﴿۳۲۹۷﴾ همانا نزدیکترین مردم به خدا، در روز قیامت کسی است که گرسنگی و تشنگی و اندوهش در دنیا طولانی باشد و خداوند بر شهر و مکانی که مثل این افراد، در آن شهر و دیار نباشد خشمگین است. آن‌ها مانند سگانی که به لاشه‌ها هجوم می‌آورند به دنیا حمله نمی‌کنند.

۸-۲-۷۹-۳ جداکردن

﴿۳۲۹۸﴾ بافضیلت‌ترین جهاد، مبارزه با نفس در برابر هوی و هوس و جداکردن آن از لذت‌های دنیاست.

۸-۲-۷۹-۴ رسول خدا ﷺ دو پهلوی بیش از هر کسی فرو رفته بود و شکمش از همه خالی‌تر بود

﴿۳۲۹۹﴾ محبوب‌ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند، و گام بر جای پای او نهد، از دنیا به کمترین‌ها قناعت کرد و گوشه چشمی به دنیا نکرد، دو پهلوی بیش از هر کسی فرو رفته بود و شکمش از همه خالی‌تر بود. دنیا پیش رویش نهاده شد اما نپذیرفت.

۸-۲-۸۰ قناعت

﴿۳۳۰۰﴾ پیامبر ﷺ فرمود: به جبرئیل گفتم: «تفسیر قناعت چیست؟» گفت: «قناعت کردن به آنچه از دنیا به او می‌رسد، به کم قناعت کند و از اندک سپاسگزار باشد».

۸-۲-۸۰-۱ قناعت به مال اندک دنیا

﴿۳۳۰۱﴾ کسی که به نعمت‌های آخرت راغب باشد، به اندکی از دنیا قانع می‌شود.

۸-۲-۸۰-۲ قناعت به اندک دنیا

﴿۳۳۰۲﴾ به اندک بهره‌ای که از دنیا به دست می‌آورید، قانع باشید تا دینتان سالم بماند. زیرا مؤمن اندک بهره‌ای که از دنیا به او می‌رسد، او را قانع می‌کند.

۸-۲-۸۰-۳ قناعت به کمترین

﴿۳۳۰۳﴾ کسی که جسمش سالم و در مسیرش از ایمنی برخوردار و قوت روزانه‌اش همراهش باشد، دنیا به او لطف کرده است. ای جعشم! قدری از دنیا که جلوی گرسنگی تو را بگیرد و تنت را بپوشاند، کفایت می‌کند. حال اگر خانه‌ای داشتی که تو را جا دهد، بهتر! و اگر چهارپایی داشتی که سوارش شوی، خوش به حالت! اما اگر چنین نبود پاره‌ای نان و آب روان کافی است و در بیشتر از این حساب و کتاب و عذاب و عقاب است.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

٨١-٢-٨- الرضا

٨١-٢-٨- الرضا باليسير

﴿٣٣٠٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالْيَسِيرِ؛ مستدرک الوسائل،

ج ٢، ص ١٠٣

﴿٣٣٠٥﴾ الرضا عليه السلام: وَاللَّهِ مَا يَسُرُّنِي أَنَّ لِيَ الدُّنْيَا بِمَا فِيهَا ذَهَبًا وَفِضَّةً وَإِنِّي عَلَى خِلَافِ مَا أَنَا عَلَيْهِ... مَنْ رَضِيَ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْحَلَالِ خَفَّتْ مُتُونَتُهُ وَتَنَعَّمَ أَهْلُهُ وَبَصَّرَهُ اللَّهُ دَاءَ الدُّنْيَا وَدَوَاءَهَا وَآخَرَجَهُ مِنْهَا سَالِمًا؛ الكافي، ج ٨، ص ٣٤٦

٨١-٢-٨- الرضا بالدون

﴿٣٣٠٦﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ إِنَّ الْعَاقِلَ رَضِيَ بِالْذُّونِ مِنَ الدُّنْيَا مَعَ الْحِكْمَةِ وَلَمْ يَرْضَ بِالْذُّونِ مِنَ الْحِكْمَةِ مَعَ الدُّنْيَا فَلِذَلِكَ رِبَحَتْ تِجَارَتُهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٣٨

٨١-٢-٨- الرضا بما يُجزيه

﴿٣٣٠٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ كَانَ أَيْسَرُ مَا فِيهَا يَكْفِيهِ وَمَنْ لَمْ يَرْضَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ لَمْ يَكُنْ فِيهَا شَيْءٌ يَكْفِيهِ؛ الكافي، ج ٢، ص ١٤٠

٨١-٢-٨- الرضا بالقضاء

﴿٣٣٠٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: لَيْسَ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا تَحْرِيمُ الْحَلَالِ وَلَا إِضَاعَةُ الْمَالِ وَلَكِنَّ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَالصَّبْرُ عَلَى الْمَصَائِبِ وَالْيَأْسُ عَنِ النَّاسِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢،

ص ٥١

٨١-٢-٨- الكفاية

﴿٣٣٠٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَدَعُونِي أَكْتَفَى مِنْ دُنْيَاكُمْ بِمِلْحَى وَأَقْرَاصِي فَبَتَّقُوا اللَّهَ أَرْجُو خَلَاصِي مَا لَعَلِّي وَنَعِيمَ يَفْنَى وَلَذَّةَ تَنْحَنُّهَا الْمَعَاصِي؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٣٤٨

﴿٣٣١٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ أَكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيهِ وَمِنْ طَعْمِهِ بِقُرْصِيهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥٤

﴿٣٣١١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَأَعْلَمُ أَنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ أَكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيهِ يَسُدُّ فَوْرَةَ جُوعِهِ بِقُرْصِيهِ لَا يَطْعُمُ الْفِلْدَةَ فِي حَوْلِهِ إِلَّا فِي سَنَةِ أَضْحِيَّةٍ وَلَنْ تَقْدِرُوا عَلَى ذَلِكَ فَأَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ٣٠٠

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

۸-۲-۸۱- رضایت

۸-۲-۸۱-۱- راضی بودن به اندک

«۳۳۰۴» هرکس مرگ را بسیار یاد کند، به اندک دنیا راضی می‌شود.

«۳۳۰۵» به خدا سوگند! خوش ندارم که دنیا و هر آنچه در آن از طلا و نقره است برای من باشد و من بر خلاف عقیده و مذهبی باشم که اکنون دارم... هرکس به روزی اندک خدا خشنود شود، خداوند نیز عمل اندک او را می‌پذیرد و هرکس به روزی حلال اندک قانع باشد، هزینه‌ی او سبک است و خانواده‌اش در نعمت باشند. و خدا او را به درد دنیا و درمان آن بینا می‌سازد و او را سالم از آن بیرون می‌برد.

۸-۲-۸۱-۲- رضایت به بهره‌ی اندک

«۳۳۰۶» ای هشام، به راستی فرد عاقل به بهره‌ی اندکی از دنیا که همراه حکمت باشد، راضی و خشنود است، ولی به کمبود حکمت که همراه دنیا باشد راضی نمی‌شود، و به همین خاطر تجارت آن‌ها سود می‌دهد و فایده می‌بخشد.

۸-۲-۸۱-۳- رضایت از آنچه او را کفایت می‌کند

«۳۳۰۷» هرکس از دنیا به آنچه او را کفایت کند راضی باشد، کمترین چیزی که در آن است او را کفایت می‌کند و هرکس از دنیا به آنچه او را کفایت کند راضی نشود، هیچ چیز از دنیا او را کفایت نمی‌کند.

۸-۲-۸۱-۴- رضایت به قضای الهی

«۳۳۰۸» زهد در دنیا به معنای حرام دانستن حلال الهی و ضایع نمودن اموال نیست بلکه زهد یعنی راضی بودن به قضای الهی و صبر بر مصائب دنیا و چشم امید به مردم نداشتن [و فقط به خداوند چشم امید داشتن].

۸-۲-۸۲- در حدّ کفایت

«۳۳۰۹» مرا رها کنید تا از دنیای شما به نمک و نان‌های خودم اکتفا کنم. پس به پرهیزکاری خدا امید خلاصی دارم؛ علی را با نعمتهایی که نابود می‌شود، چه کار! و با لذّتی که آن را گناهان می‌تراشند، چه کار!

«۳۳۱۰» آگاه باشید! امام شما از دنیای خود به دو جامه‌ی کهنه و از خوراکش به دو قرص نان اکتفاء کرده است.

«۳۳۱۱» بدان که امام شما به دو لباس کهنه‌ی خود از دنیا اکتفا کرده و گرسنگی شدید خود را با دو قرص نان رفع کرده و به‌جز گوشت قربانی حج [که در سال یک‌بار است]، گوشت دیگری نخورده است. شما به چنین زندگی ساده‌ای قادر نیستید؛ پس با تقوا و تلاش [برای قرار گرفتن در این مسیر] مرا یاری کنید.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزَّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

٨٢-٢-١- الرِّضَا بِمَا يَكْفِيهِ

﴿٣٣١٢﴾ الرِّسُولُ ﷺ: مَنْ خَافَ اللَّهَ سَخَتْ نَفْسُهُ الدُّنْيَا وَمَنْ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يَكْفِيهِ كَانَ أَيْسَرُ مَا فِيهَا يَكْفِيهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٧١

٨٢-٢-٢- الْأَخْذُ بِقَدْرِ الْكِفَايَةِ

﴿٣٣١٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خُذْ مِنْ قَلِيلِ الدُّنْيَا مَا يَكْفِيكَ وَ دَعْ مِنْ كَثِيرِهَا مَا يُطْغِيكَ؛

غرر الحكم، ص ٣٩٧

٨٢-٢-٨٣- الْغِنَاءُ

﴿٣٣١٤﴾ أَسْأَلُكَ الْغِنَى فِي الدُّنْيَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ٩٥، ص ٤٢

٨٢-٢-٨٤- الْأَخْذُ بِقَدْرِ الْكَفَافِ

٨٢-٢-٨٤-١- يَفْتَاتُ الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا بِبَطْنِ الْاضْطِرَارِ

﴿٣٣١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَتَاعُ الدُّنْيَا حُطَامٌ وَ تَرَانِهَا كُبَابٌ بُلْغَتُهَا أَفْضَلُ مِنْ أَثَرَتِهَا وَ قُلْعَتُهَا أَرْكَنٌ مِنْ طُمَأْنِينَتِهَا... وَ إِنَّمَا يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الدُّنْيَا بِعَيْنِ الْإِعْتِبَارِ وَ يَفْتَاتُ مِنْهَا بِبَطْنِ الْاضْطِرَارِ وَ يَسْمَعُ فِيهَا بِأَذْنِ النُّفْثِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦٠

﴿٣٣١٦﴾ الْكَاسِمُ عليه السلام: مَا تَمَّ عَقْلُ امْرِئٍ حَتَّى يَكُونَ... وَ فَضْلُ قَوْلِهِ مَكْفُوفٌ نَصِيبُهُ مِنَ الدُّنْيَا

الْقُوتِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٠٢

٨٢-٢-٨٤-٢- بِقَدْرِ الْكَفَافِ

﴿٣٣١٧﴾ الرِّسُولُ ﷺ: اللَّهُمَّ اجْعَلْ قُوتَ آلِ مُحَمَّدٍ كِفَافًا فَلَمْ يَطْلُبْ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا يَتَمَحَّصُ

خَيْرُهُ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٥٩

٨٢-٢-٨٤-٣- خُذْ مِنَ الدُّنْيَا خِفَاً

﴿٣٣١٨﴾ الرِّسُولُ ﷺ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ فِي لَيْلَةِ الْإِسْرَاءِ: يَا أَحْمَدُ إِنَّ أَحَبِّتَ أَنْ تَكُونَ أَوْرَعَ

النَّاسِ فَارْزُقْ فِي الدُّنْيَا وَ ارْغَبْ فِي الْآخِرَةِ فَقَالَ إِلَهِي وَ كَيْفَ ارْزُقْ فِي الدُّنْيَا (وَ ارْغَبْ فِي

الْآخِرَةِ) فَقَالَ خُذْ مِنَ الدُّنْيَا خِفَاً مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ وَ اللَّبَاسِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٨

٨٢-٢-٨٤-٤- خُذْ مِنَ الدُّنْيَا بُلْغَةً

﴿٣٣١٩﴾ الْكَاسِمُ عليه السلام: يَا بَنِي خُذْ مِنَ الدُّنْيَا بُلْغَةً وَ لَا تَدْخُلْ فِيهَا دُخُولًا تُضِرُّ فِيهَا بِأَخْرَتِكَ وَ

لَا تَرْفُضْهَا فَتَكُونَ عِيَالًا عَلَى النَّاسِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ١٥

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

۸۲-۸۲-۱ رضایت به آنچه او را کفایت می‌کند

«۳۳۱۲» هر کس از خدا بترسد، دلش از دنیا بریده می‌شود و هرکس از دنیا آنچه او را کفایت می‌کند، خشنود است، کمتر چیزی که در دنیاست او را از هرچه که در دسترس است، کفایت می‌کند.

۸۲-۸۲-۲ دریافت به مقدار کفایت

«۳۳۱۳» از دنیا، همان قدر که تو را کفاف می‌دهد بردار و سهم بیشتری را که موجب طغیان تو می‌شود، واگذار.

۸۲-۸۳ بی‌نیازی

«۳۳۱۴» از تو بی‌نیازی در دنیا را خواهانم و از نیازمندی در آن به تو پناه می‌برم.

۸۲-۸۴ به قدر کفاف برگرفتن

۸۲-۸۴-۱ فرد مؤمن از دنیا در حدّ ضرورت بهره می‌گیرد

«۳۳۱۵» کالای دنیا همچون نشخوار و گیاهان خشکیده است. و میراث آن چون مشتی گوسفند و شتر! قناعت در حدّ کفافش برتر از انباشتن و ذخیره‌ی آن و دل‌کندن از آن مطمئن‌تر از اعتماد بر آن است... قطعاً فرد مؤمن دنیا را به دیده‌ی عبرت می‌نگرد و از آن در حدّ ضرورت بهره می‌گیرد و دشمنی و بغض [دنیا را] با گوشش می‌شنود.

«۳۳۱۶» عقل و خرد هیچ‌کس به کمال نخواهد رسید تا اینکه در او چند خصلت مختلف باشد... گفتار زایدش از بین برود. بهره‌اش از دنیا، کفاف و گذران زندگی باشد.

۸۲-۸۴-۲ به قدر کفاف

«۳۳۱۷» خدایا! قوت آل محمد علیهم‌السلام را برایشان کافی بگردان؛ به‌نحوی که چیزی از دنیا نطلبند مگر آنکه خیر محض باشد.

۸۲-۸۴-۳ از دنیا کم طلب کن

«۳۳۱۸» خداوند متعال در شب معراج به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «ای احمد! اگر دوست داری باتقواترین افراد باشی، در دنیا زاهد باش و تمام میل و رغبتت به آخرت باشد». گفت: «ای خدای من! چگونه در دنیا زاهد باشم و مشتاق آخرت باشم؟» فرمود: «از خوراک و پوشاک و نوشیدنی کمترین مقدار ممکن را از دنیا طلب کن و بگیر».

۸۲-۸۴-۴ از دنیا به اندازه‌ی نیاز طلب کن

«۳۳۱۹» ای پسر من! از دنیا به اندازه‌ی نیازت بردار و به اندازه‌ای که به ضرر آخرت باشد، وارد آن نشو، و آن را به گونه‌ای ردّ نکن که در دنیا، سربار مردم باشی».

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

٥-٨٤-٢-٨- لَمْ يُؤْتَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا قُوتًا

﴿٣٣٢٠﴾ الرسول ﷺ: مَا أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِي غَنَى وَلَا فَقِيرٌ إِلَّا وَهُوَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَنَّهُ لَمْ يُؤْتَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا قُوتًا [قُوتًا]: الجعفریات، ص ١٥٥

﴿٣٣٢١﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ مَا أَحَدٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ إِلَّا وَهُوَ يَتَمَنَّى يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَّهُ لَمْ يُعْطَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا قُوتًا؛ جامع الأخبار، ص ١٧٧
٦-٨٤-٢-٨- اقْتَصِرَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى مَا أَحَلَّ اللَّهُ

﴿٣٣٢٢﴾ الرسول ﷺ: مِنْهُوَ مَنْ لَا يَشْبَعَانِ طَالِبُ دُنْيَا وَ طَالِبُ عِلْمٍ فَمَنْ اقْتَصَرَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَهُ سَلِمَ وَمَنْ تَنَاوَلَهَا مِنْ غَيْرِ حِلِّهَا هَلَكَ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ أَوْ يُرَاجَعَ وَمَنْ أَخَذَ الْعِلْمَ مِنْ أَهْلِهِ وَعَمِلَ بَعْلَمَهُ نَجَا وَمَنْ أَرَادَ بِهِ الدُّنْيَا فَهِيَ حَظُّهُ؛ الكافي، ج ١، ص ٤٦
٧-٨٤-٢-٨- أَقَلُّ الْحَظِّ مِنَ الدُّنْيَا

﴿٣٣٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَوْفَرَ النَّاسِ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ أَقَلُّهُمْ حَظًّا مِنَ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ١٤٧
٨٥-٨٤-٢-٨- الإِسْتِعَاذَةُ

﴿٣٣٢٤﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الدُّنْيَا تَمْنَعُ الْآخِرَةَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٢٩٢
٨٦-٨٤-٢-٨- طَلَبُ الْعَوْنِ عَلَى الدُّنْيَا

﴿٣٣٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: رَبِّ مَا أَحْرَصَنِي عَلَى مَا زَهَّدْتَنِي [فِيهِ] وَ حَثَّنَنِي عَلَيْهِ إِنْ لَمْ تُعِنِّي عَلَى دُنْيَايَ بَزْهُدٍ وَ عَلَى آخِرَتِي بِتَقْوَى هَلَكْتُ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١١١
٨٧-٨٤-٢-٨- الإِسْتِرْجَاعُ

﴿٣٣٢٦﴾ يَا مُوسَى... إِذَا رَأَيْتَ الدُّنْيَا مُقْبِلَةً عَلَيْكَ فَقُلْ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ عَقُوبَةٌ عَجَلَتْ فِي الدُّنْيَا وَ إِذَا رَأَيْتَ الدُّنْيَا مُدْبِرَةً عَنْكَ فَقُلْ مَرْحَبًا بِشِعَارِ الصَّالِحِينَ؛ بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٣٦١
٨٨-٨٤-٢-٨- الْفَقْرُ

﴿٣٣٢٧﴾ الرسول ﷺ: الْفَقْرُ فَقْرَانِ فَقْرُ الدُّنْيَا وَ فَقْرُ الْآخِرَةِ فَقْرُ الدُّنْيَا غِنَى الْآخِرَةِ وَ غِنَى الدُّنْيَا فَقْرُ الْآخِرَةِ وَ ذَلِكَ الْهَلَاكُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٩، ص ٤٧
٨٩-٨٤-٢-٨- الدَّلَّةُ

﴿٣٣٢٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ذُلُّ الدُّنْيَا عِزُّ الْآخِرَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٠
﴿٨٦٢﴾

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

۸-۲-۸۴-۵ در دنیا جز به قدر خورد و خوراکشان به آن‌ها داده نمی‌شد

«۳۳۲۰» همه‌ی افراد امت من چه فقیر و چه غنی روز قیامت آرزو می‌کنند که ای کاش در دنیا جز به قدر خورد و خوراکشان به آن‌ها داده نمی‌شد.

«۳۳۲۱» ای علی! هیچ‌کس از اولین افراد تا آخرین آن‌ها نیست مگر اینکه در روز قیامت آرزو می‌کند که ای کاش در دنیا جز به قدر قوت و روزی ضروریشان، چیزی به آن‌ها داده نمی‌شد.

۸-۲-۸۴-۶ از دنیا بر حلال آن اکتفا کن

«۳۳۲۲» دو گرسنه هستند هرگز سیر نمی‌شوند: ۱. طالب دنیا ۲. طالب علم. کسی که بر حلال دنیا اکتفا کند، سالم می‌ماند و کسی که حرام دنیا را بخورد، هلاک می‌گردد، مگر توبه کند یا برگردد. و کسی که علم را از اهل فراگیرد و به آن عمل کند، نجات می‌یابد. و کسی که به وسیله‌ی آن علم، دنیا را بخواهد، فقط همان دنیا بهره‌ی اوست.

۸-۲-۸۴-۷ کمترین بهره از دنیا

«۳۳۲۳» کسی که در دنیا کمتر بهره برده، در آخرت بیشتر بهره خواهد برد.

۸-۲-۸۵ پناه بردن

«۳۳۲۴» خداوند! من از دنیا به تو پناه می‌برم؛ چرا که دنیا جلوی آخرت را می‌گیرد.

۸-۲-۸۶ درخواست کمک علیه دنیا

«۳۳۲۵» پروردگارا! چقدر بر آنچه مرا از آن برکنار و به دوری از آن وادارم کردی، حریصم؛ و اگر تو به زهد در دنیا و پرهیزکاری در امور آخرت کمکم نکنی، هلاک می‌گردم.

۸-۲-۸۷ گفتن **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**

«۳۳۲۶» ای موسی، اگر دیدی که دنیا به‌سوی تو روی می‌آورد، بگو که ما از خداوند هستیم و به‌سوی او بازمی‌گردیم، مجازات زودرس گناهی است که انجام دادیم و اگر دیدی که دنیا به تو پشت کرده، بگو: درود به شعار انسان‌های صالح.

۸-۲-۸۸ فقر

«۳۳۲۷» فقر دو نوع است: فقر دنیا و فقر آخرت. فقر دنیا، بی‌نیازی آخرت را در پی دارد؛ و بی‌نیازی دنیا، فقر آخرت را و چنین بی‌نیازی مایه‌ی هلاکت است.

۸-۲-۸۹ ذلت

«۳۳۲۸» خواری در دنیا، عزّت در آخرت است.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصَيَّبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّرْكُ﴾

٩٠-٢-٨- الضَّعْفُ

﴿٣٣٢٩﴾ عيسى عليه السلام: يَا ابْنَ آدَمَ الضَّعِيفَ اتَّقِ رَبَّكَ وَ أَلْقِ طَمَعَكَ وَ كُنْ فِي الدُّنْيَا ضَعِيفاً وَ عَنْ شَهْوَتِكَ عَفِيفاً؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٩
٩١-٢-٨- الْجَهْلُ

﴿٣٣٣٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُنْ عَاقِلاً فِي أَمْرِ دِينِكَ جَاهِلاً فِي أَمْرِ دُنْيَاكَ؛ غرر الحكم، ص ١٣٠
٩٢-٢-٨- الذَّمُّ وَ الْعَيْبُ

﴿٣٣٣١﴾ السَّجَّاد عليه السلام: وَقَدْ أَغْرَقَ فِي ذَمِّ الدُّنْيَا الْأَدِلَّةُ عَلَى طُرُقِ النَّجَاةِ مِنْ كُلِّ عَالَمٍ فَبَكَتِ الْعُيُونُ شَجْنَ الْقُلُوبِ فِيهَا دَمَاءٌ ثُمَّ دَرَسَتْ تِلْكَ الْمَعَالِمُ فَتَنَكَّرَتْ الْأَثَارُ وَ جَعِلَتْ فِي بُرْهَةٍ مِنْ مَحَنِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٥٧

﴿٣٣٣٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مِنَ الْوَالِدِ الْفَانِ الْمُقَرَّرِ لِلزَّمَانِ الْمُدْبِرِ الْعُمُرِ الْمُسْتَسْلِمِ لِلدَّهْرِ الذَّمُّ لِلدُّنْيَا السَّاكِنِ مَسَاكِنِ الْمَوْتَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٠٠

﴿٣٣٣٣﴾ العسكري عليه السلام: فَأَحَقُّ النَّاسِ بِذَمِّ الدُّنْيَا مَنْ بُسِطَتْ لَهُ الدُّنْيَا فَأَصَابَ حَاجَتَهُ مِنْهَا فَهُوَ يَتَوَقَّعُ كُلَّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ وَ سَاعَةٍ وَ طَرْفَةِ عَيْنٍ أَنْ يُعْدَى عَلَى مَالِهِ فَيَحْتَاجَ وَ عَلَى حَمِيمِهِ فَيُخْتَلَفَ وَ عَلَى جَمْعِهِ فَيُنْهَبَ وَ أَنْ يُؤْتَى بُنْيَانُهُ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَيُهْدَمَ وَ أَنْ يَدْبَ الْمَوْتُ إِلَى جَسَدِهِ فَيَسْتَأْصِلَ وَ يُفْجَعَ بِكُلِّ مَا هُوَ بِهِ ضَنِينٌ فَأَذْمُ إِلَيْكَ أَيُّهَا الْمَلِكُ الدُّنْيَا الْآخِذَةَ مَا تُعْطَى وَ الْمُوَرَّتَةَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٨٦

﴿٣٣٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ كَافٍ لَكَ فِي الْأُسُوءَةِ وَ دَلِيلٌ عَلَى ذَمِّ الدُّنْيَا وَ عَيْبِهَا؛ مكارم الأخلاق، ص ٨
٩٣-٢-٨- السَّمْعُ بِأَذْنِ النَّفْثِ

﴿٣٣٣٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَتَاعُ الدُّنْيَا حُطَامٌ وَ تَرَانِهَا كُبَابٌ بُلْغَتُهَا أَفْضَلُ مِنْ أَثَرَتِهَا وَ قُلْعَتُهَا أَرْكَنٌ مِنْ طَمَأْنِينَتِهَا... وَ إِنَّمَا يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الدُّنْيَا بَعَيْنِ الْإِغْتِبَارِ وَ يَقْتَاتُ مِنْهَا بِبَطْنِ الْإِضْطِرَارِ وَ يَسْمَعُ فِيهَا بِأَذْنِ النَّفْثِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦٠
٩٤-٢-٨- الْإِكْبَابُ

﴿٣٣٣٦﴾ عيسى عليه السلام: يَا مَعْشَرَ الْخَوَارِئِينَ إِنِّي قَدْ أَكْبَبْتُ لَكُمْ الدُّنْيَا عَلَى وَجْهِهَا فَلَا تَنْعَشُوهَا بَعْدِي؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٧

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

۸-۲-۹۰- ناتوانی

﴿۳۳۲۹﴾ ای فرزند ضعیف آدم! تقوای پروردگارت را پیشه کن و طمع خود را دور انداز، در دنیا ضعیف و در مقابل شهوت خویش عقیف و پاکدامن باش.

۸-۲-۹۱- نادانی

﴿۳۳۳۰﴾ در امور دینی خود عاقل و در امور دنیایی خود جاهل باش.

۸-۲-۹۲- نکوهش و عیب‌دانستن

﴿۳۳۳۱﴾ راهنمایان راه نجات در هر زمان سخت دنیا را سرزنش کرده‌اند. دیده‌ها از اندوه فراوان خون باریده‌اند، ولی این راهنمایی‌ها کهنه شد و آثار بی‌ارزشی دنیا ناشناخته ماند و پنداشتند که گرفتاری‌های دنیا تمام‌شدنی است.

﴿۳۳۳۲﴾ از پدری که عمرش به سر آمده و به گذشت زمان گردن نهاده، زندگی را پشت سر گذاشته، تسلیم روزگار گشته، نکوهش‌گر این سرا و ساکن سرای اموات است.

﴿۳۳۳۳﴾ و سزاوارترین مردم به مذمت دنیا کسی است که بساط دنیای او گسترده و حاجتش روا شده است، و هر ساعت و هر لحظه منتظر است مالش از میان برود و نیازمند شود و خویشاوندیش ربوده شود و آنچه گرد آورده، غارت شود و آنچه ساخته از بنیان منهدم شود و مرگ به جمع او راه یابد و مستأصل گردد و به همه‌ی عزیزان خود داغدار گردد. پس نزد تو ای پادشاه، دنیایی را مذمت می‌کنم که آنچه عطا کرد باز می‌گیرد و وبال آن برگردن آدمی می‌ماند.

﴿۳۳۳۴﴾ برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر اسلام ﷺ را در پیش گیری تا در شناخت بدی‌ها و عیب‌های دنیا و افزونی رسوایی‌ها و زشتی‌هایش برایت راهنما باشد.

۸-۲-۹۳- شنیدن با گوش خصم‌آلود

﴿۳۳۳۵﴾ کالای دنیا همچون نشخوار و گیاهان خشکیده است. و میراث آن چون مشتی گوسفند و شتر! قناعت در حد کفافش برتر از انباشتن و ذخیره‌ی آن و دل‌کندن از آن مطمئن‌تر از اعتماد بر آن است... قطعاً فرد مؤمن دنیا را به دیده‌ی عبرت می‌نگرد و از آن در حد ضرورت بهره می‌گیرد و با گوش خصم‌آلود در آن می‌شنود.

۸-۲-۹۴- به صورت بر زمین‌زدن

﴿۳۳۳۶﴾ ای جماعت حواریون، همانا من دنیا را برای شما به صورت به زمین زدم، پس آن را بعد از من دوباره احیا نکنید.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الزُّهْدُ وَ التَّوَكُّلُ﴾

﴿٣٣٣٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنَا كَابُ الدُّنْيَا لَوَجْهَهَا وَقَادِرُهَا بِقَدَرِهَا وَرَادُّهَا عَلَى عَقِبِهَا؛

غررالحكم، ص ١١٨

﴿٣٣٣٨﴾ عيسى عليه السلام: أَنَا الَّذِي أَكْبَيْتُ الدُّنْيَا لَوَجْهَهَا وَجَلَسْتُ عَلَى ظَهْرِهَا لَيْسَ لِي وَلَدٌ

يَمُوتُ وَلَا يَبُتُّ يَخْرُبُ عليه السلام؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٦

﴿٣٣٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنَا كَابُ الدُّنْيَا لَوَجْهَهَا وَقَادِرُهَا بِقَدَرِهَا وَنَاطِرُهَا بِعَيْنِهَا؛

بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٢٥٠

٩٥-٢-٨-الإفسادُ

﴿٣٣٤٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَفُورُ الْعَوَظِ بَانْتِذَالِ أَمْالٍ وَصَلَاحِ الدِّينِ بِإِفْسَادِ الدُّنْيَا؛

غررالحكم، ص ١٣٠

٩٦-٢-٨-الإخرابُ

﴿٣٣٤١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: طُوبَى لِمَنْ كَذَبَ مِنْهُ وَأَخْرَبَ دُنْيَاهُ لِعِمَارَةِ آخِرَاهُ؛ غررالحكم، ص ٣١٢

٩٧-٢-٨-البُغْضُ

١-٩٧-٢-٨-البُغْضُ

﴿٣٣٤٢﴾ الرسول ﷺ: يَا أَحْمَدُ هَلْ تَدْرِي مَتَى تَكُونُ الْعَبْدُ عَابِدًا قَالَ لَا يَا رَبَّ قَالَ إِذَا اجْتَمَعَ

فِيهِ سَبْعٌ خِصَالٍ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ الْمَحَارِمِ... وَيُبْغِضُ الدُّنْيَا لِبُغْضِ لَهَا وَيَحِبُّ الْآخِرَةَ لِحُبِّ

إِيَّاهُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٠

﴿٣٣٤٣﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ زَيْنَكَ بِزِينَةٍ لَمْ يُزَيِّنِ الْعِبَادَ بِأَحْسَنَ مِنْهَا، بَغْضَ إِلَيْكَ

الدُّنْيَا، وَزَهْدَكَ فِيهَا، وَحُبَّ إِلَيْكَ الْفُقَرَاءَ فَرَضِيَتْ بِهِمْ أَتْبَاعًا وَرَضُوا بِكَ إِمَامًا؛

شواهد التنزيل، ج ١، ص ٤٥٩

﴿٣٣٤٤﴾ السَّجَّاد عليه السلام: سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَقَالَ مَا مِنْ

عَمَلٍ بَعْدَ مَعْرِفَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَ مَعْرِفَةِ رَسُولِهِ ﷺ أَفْضَلَ مِنْ بُغْضِ الدُّنْيَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٠

﴿٣٣٤٥﴾ الرسول ﷺ: مَا مِنْ عَمَلٍ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ بَعْدَ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَ مَعْرِفَةِ رَسُولِهِ وَ أَهْلِ

بَيْتِهِ مِنْ بُغْضِ الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٦

﴿٣٣٤٦﴾ عيسى عليه السلام: وَقِيلَ لِعِيسَى عليه السلام عَلَّمْنَا عَمَلًا وَاحِدًا يُحِبُّنَا اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ أَبْغِضُوا الدُّنْيَا

يُحِبُّبِكُمُ اللَّهُ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٨

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / عدم رغبت و ترک»

﴿۳۳۳۷﴾ من دنیا را به صورت بر زمین کوبیده‌ام و مرتبه‌ی [پست] آن را می‌دانم [و در جایگاه خودش قرار داده‌ام] و آن را به پشت برگردانده‌ام. (به آن رو نکرده‌ام).

﴿۳۳۳۸﴾ من کسی هستم که دنیا را با صورت به زمین کوبیده و بر پشتش نشسته‌ام.

﴿۳۳۳۹﴾ من دنیا را به صورت بر زمین کوبیده و چهره‌اش را به خاک مالیده‌ام و بیش از آنچه ارزش دارد، به آن بهایی نداده‌ام. و با دیده‌ای که سزاوار است به آن نگریسته‌ام.

۸-۲-۹۵- فاسد کردن

﴿۳۳۴۰﴾ زیادشدن آبرو با بخشش زیاد مال و اصلاح دین با فساد دنیا به دست می‌آید.

۸-۲-۹۶- خراب کردن

﴿۳۳۴۱﴾ خوشا به حال کسی که آرزویش را تکذیب کند و دنیایش را برای آباد کردن آخرت خراب کند.

۸-۲-۹۷- دشمنی

۸-۲-۹۷-۱- دشمنی

﴿۳۳۴۲﴾ [خطاب خداوند به پیامبر ﷺ]: ای احمد! آیا می‌دانی بنده چه وقت عابد به حساب می‌آید؟ عرض کرد: «نه». فرمود: «وقتی که هفت خصلت در او جمع شود که عبارتست از: ورعی که او را از حرام‌ها بازدارد... وقتی من با دنیا دشمنی می‌کنم، او نیز دنیا را دشمن خود بداند؛ و وقتی من خوبان را دوست دارم، او نیز آن‌ها را دوست بدارد.

﴿۳۳۴۳﴾ یا علی، خداوند تو را با زینتی آراسته که هیچ کس از بندگان را با زینتی نیکوتر از آن نیاراسته است، دنیا را برای تو مبعوض کرده و تو را در آن زاهد نموده و فقرا را در نظر تو محبوب کرده و تو آنان را به عنوان پیروان قبول کردی و آنان تو را به عنوان رهبر پذیرفته‌اند.

﴿۳۳۴۴﴾ از امام سجّاد علیه السلام پرسیده شد: «کدام عمل نزد خداوند عزّ و جل برتر است؟» حضرت فرمود: «هیچ عملی پس از شناخت خداوند عزّ و جل و شناخت رسول خدا ﷺ برتر از نفرت از دنیا نیست.

﴿۳۳۴۵﴾ هیچ علمی در نزد خداوند بعد از معرفت خدا و معرفت رسول خدا ﷺ و اهل بیت او (علیهم‌السلام)، بافضیلت‌تر از متنفر بودن از دنیا نیست.

﴿۳۳۴۶﴾ به عیسی علیه السلام گفته شد: «فقط یک عمل صالح را به ما بیاموز که خداوند به خاطر آن ما را دوست بدارد». فرمود: «دنیا را دشمن بدارید تا خداوند شما را دوست بدارد».

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا﴾

﴿٣٣٤٧﴾ الرسول ﷺ: مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَنْثَمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَا يَسْكُنُ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عِشْرِينَ خَصْلَةً عَشْرُ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَعَشْرُ فِي الْآخِرَةِ أَمَّا فِي الدُّنْيَا فَالزُّهْدُ وَالْحِرْصُ عَلَى الْعَمَلِ وَالْوَرَعُ فِي الدِّينِ... وَالتَّاسِعَةُ بُغْضُ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٢٧، ص ٧٨

٢-٩٧-٨- الغضب

﴿٣٣٤٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُلُّ شَيْءٍ يَعْصِيكَ إِذَا أَغَضِبْتَهُ إِلَّا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا تُطِيعُكَ إِذَا أَغَضِبْتَهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٠٠

٣-٩٧-٨- المقت

﴿٣٣٤٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَكْبَسُ الْأَكْيَاسِ مَنْ مَقَتَ دُنْيَاهُ وَقَطَعَ مِنْهَا أَمَلَهُ وَمَنَاهُ وَصَرَفَ عَنْهَا طَمَعَهُ وَرَجَاهُ؛ غرر الحكم، ص ٣٢٢

﴿٣٣٥٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الْأَكْيَاسَ هُمُ الَّذِينَ لِلدُّنْيَا مَقْتًا وَأَعْيَنَهُمْ عَنْ [فِي] زَهْرَتِهَا أَغْمَضُوا وَقُلُوبُهُمْ عَنْهَا صَرَفُوا وَبِالدَّارِ الْبَاقِيَةِ تَوَلَّوْهُا؛ غرر الحكم، ص ٣٢٢

﴿٣٣٥١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ثَمَرَةُ الْعَقْلِ مَقْتُ الدُّنْيَا وَقَمْعُ الْهَوَى؛ غرر الحكم، ص ٥٣

٣-٨- الإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا

١-٣-٨- الإِغْتِنَامُ

﴿٣٣٥٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَارْعَبُوا إِلَيْهِ فِي الْعَافِيَةِ فَإِنَّ أَكْثَرَ النِّعَمَةِ الْعَافِيَةُ فَاعْتَنِمُوهَا لِلدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٩١

﴿٣٣٥٣﴾ الدُّنْيَا غَنِيمَةُ الْأَكْيَاسِ وَغَفْلَةُ الْجُهَّالِ لَمْ يَعْرِفُوهَا حَتَّى خَرَجُوا مِنْهَا فَسَأَلُوا الرَّجْعَةَ فَلَمْ يَرْجِعُوا؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٩، ص ٣٢٦

﴿٣٣٥٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ يَوْمٌ مَضَى بِمَا فِيهِ فَلَيْسَ بِعَائِدٍ وَيَوْمٌ أَنْتَ فِيهِ فَحَقُّ عَلَيْكَ اغْتِنَامُهُ وَيَوْمٌ لَا تَدْرِي أَنْتَ مِنْ أَهْلِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١١٠

١-٣-٨- الحِظُّ

﴿٣٣٥٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَاعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجِلِ الْآخِرَةِ فَشَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَلَمْ [يُشَارِكُهُمْ أَهْلُ] يُشَارِكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ سَكَنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَكِنَتْ وَآكَلُوا بِأَفْضَلِ مَا أَكَلَتْ فَحَظُّوا مِنَ الدُّنْيَا بِمَا حَظَّى بِهِ الْمُتَرْفُونَ؛ أعلام الدين، ص ٢٤٧

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا﴾

٨-٣-١-٢- عَدَمُ تَرْكِ الدُّنْيَا لِآخِرَتِهِ

﴿٣٣٥٦﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَلَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ؛ مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيرُ،

ج ٣، ص ١٥٦

٨-٣-١-٣- خُذْ مِنَ الدُّنْيَا مَا آتَاكَ

﴿٣٣٥٧﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): خُذْ مِنَ الدُّنْيَا مَا آتَاكَ؛ بِحَارِ الْأَنْوَارِ، ج ٧٤، ص ٢١٥

٨-٣-١-٤- اخْذُ الدُّنْيَا بِحَقِّهَا

﴿٣٣٥٨﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): الدُّنْيَا حُلُوءَةٌ خَضِرَةٌ فَمَنْ أَخَذَهَا بِحَقِّهَا بُورِكَ لَهُ فِيهَا؛

شرح نهج البلاغة، ج ١٨، ص ١٢٧

٨-٣-١-٥- لَا تَنْسَ صِحَّتَكَ وَقُوَّتَكَ وَشَبَابَكَ وَغِنَاكَ وَنِشَاطَكَ

﴿٣٣٥٩﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا قَالَ لَا تَنْسَ صِحَّتَكَ وَقُوَّتَكَ وَ

شَبَابَكَ وَغِنَاكَ وَنِشَاطَكَ أَنْ تَطْلُبَ الْآخِرَةَ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٥

٨-٣-١-٦- لَا يَفُوتَنَّكُمْ خَيْرُ الدُّنْيَا

﴿٣٣٦٠﴾ الكَاطِمُ (عليه السلام): وَلَا يَفُوتَنَّكُمْ خَيْرُ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْآخِرَةَ لَا تُلْحَقُ وَلَا تُنَالُ إِلَّا بِالدُّنْيَا؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٤٦

٨-٣-١-٧- الرَّجَاءُ بِاللَّهِ لِلدُّنْيَا

﴿٣٣٦١﴾ أعمال يوم الجمعة: وَلَسْتُ أَرْجُو لِآخِرَتِي وَدُنْيَايَ غَيْرَكَ؛ بحار الأنوار، ج ٨٦، ص ٣٣١

٨-٣-١-٨- اَعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا

﴿٣٣٦٢﴾ الْمُجْتَبَى (عليه السلام): اَعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ

غداً؛ مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيرُ، ج ٣، ص ١٥٦

٨-٣-١-٩- إِعْطَاءُ حَظِّ الدُّنْيَا

﴿٣٣٦٣﴾ الرضا (عليه السلام): اجْعَلُوا لِأَنْفُسِكُمْ حَظًّا مِنَ الدُّنْيَا بِإِعْطَائِهَا مَا تَشْتَهُ مِنْ الْحَلَالِ مَا لَمْ

تَنَلُمُ الْمُرُوءَةَ وَلَا سَرَفَ فِيهِ وَاسْتَعِينُوا بِذَلِكَ عَلَى أُمُورِ الدِّينِ فَإِنَّهُ نَرَوِي لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ

لِدِينِهِ وَدِينَهُ لِدُنْيَاهُ؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٢٢٣

٨-٣-١-١٠- ذَمُّ الْكَسَالَةِ فِي أُمُورِ الدُّنْيَا

﴿٣٣٦٤﴾ الْبَاقِرُ (عليه السلام): إِنِّي لَا أَبْغِضُ الرَّجُلَ أَوْ أَبْغِضُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ كَسَلَانًا [كَسَلَانًا] عَنْ أَمْرِ

دُنْيَاهُ وَمَنْ كَسِلَ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلُ؛ الْكَافِي، ج ٥، ص ٨٥

﴿روش‌های برخورد مناسب با دنیا / بهره‌مندی از دنیا﴾

۸-۳-۱-۲- عدم ترک کردن دنیا برای آخرت

﴿۳۳۵۶﴾ کسی که دنیای خود را برای آخرت رها کند، یا آخرت خود را برای دنیا از دست دهد، از ما نیست.

۸-۳-۱-۳- از دنیا آنچه به‌سوی تو می‌آید، بگیر

﴿۳۳۵۷﴾ از دنیا آنچه به سوی تو می‌آید، بگیر.

۸-۳-۱-۴- مطابق حق و جایگاه واقعی دنیا با آن برخورد کردن

﴿۳۳۵۸﴾ دنیا شیرین و سرسبز است و هرکس مطابق حق و جایگاه واقعی دنیا با آن برخورد کند، در دنیا برایش برکت حاصل می‌شود.

۸-۱۱-۱-۵- سلامتی و روزی و جوانی و بی‌نیازی از مردم و تلاش را فراموش مکن

﴿۳۳۵۹﴾ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا؛ یعنی سلامتی و روزی و جوانی و بی‌نیازی از مردم و تلاش را به بهانه‌ی اینکه به فکر آخرت هستی از دست نده.

۸-۳-۱-۶- مبدا خیر دنیا از دست شما برود

﴿۳۳۶۰﴾ مبدا خیر دنیا از دست شما برود زیرا به آخرت جز به‌وسیله‌ی دنیا نمی‌توان رسید.

۸-۳-۱-۷- برای کسب دنیا، امید به خدا بستن

﴿۳۳۶۱﴾ برای آخرتم و دنیایم... به غیر تو امید ندارم.

۸-۳-۱-۸- چنان در دنیا زندگی کن که گویا تا ابد زنده‌ای

﴿۳۳۶۲﴾ چنان در دنیا زندگی کن که گویا تا ابد زنده‌ای و چنان برای آخرت تلاش کن که گویا فردا خواهی مرد.

۸-۳-۱-۹- دادن سهم دنیا

﴿۳۳۶۳﴾ برای خویش بهره‌ای از دنیا قرار ده؛ طوری که به تمایلات نفسانی حلال خویش پاسخ دهی و چیزهایی که موجب شکست شخصیت شما نمی‌شود و اسراف نیست (یعنی به مقداری که به حرام کشانده نشوید و با شئون شما مخالف نباشد، از زندگی و لذت دنیا بهره‌مند شوید). با این کار [که از لذت‌ها بهره‌مند می‌شوید] برای امور دینی خود کمک بگیرید؛ زیرا روایت شده که از ما نیست کسی که دنیایش را برای دین رها کند یا دینش را برای دنیا.

۸-۳-۱-۱۰- نکوهش کسالت در امور دنیوی

﴿۳۳۶۴﴾ من از کسی که در کار دنیا کاهل باشد، نفرت دارم. آن که در امور دنیا کاهل باشد، در امور آخرت کاهل‌تر است.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا﴾

١١-٣-٨- الدُّعَاءُ

﴿٣٣٦٥﴾ الباقر عليه السلام: اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى الدُّنْيَا بِالْغِنَى، وَعَلَى الْآخِرَةِ بِالْعَفْوِ؛ كشف الغمة، ج ٢، ص ١٥٠

﴿٣٣٦٦﴾ الرسول ﷺ: وَأَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَتِي وَبَارِكْ لِي فِي دُنْيَايَ الَّتِي بِهَا بَلَاغِي وَاصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مَعَادِي وَاجْعَلْ دُنْيَايَ زِيَادَةً فِي كُلِّ خَيْرٍ؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ٣١٠

﴿٣٣٦٧﴾ زيارة الجامعة: اللَّهُمَّ وَمَا قَصُرَتْ عَنْهُ مَسَائِلِي وَلَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتِي مِنْ صَالِحِ دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَأَمِّنْ بِهِ عَلَيَّ؛ بحار الأنوار، ج ٩٩، ص ١٧١

﴿٣٣٦٨﴾ الرضا عليه السلام: اللَّهُمَّ نَوِّرْ عَلَيَّ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي؛ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٤٤١

١٢-٣-٨- الدُّعَاءُ لِلْبَرَكَةِ

﴿٣٣٦٩﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي دِينِي الَّذِي هُوَ مِلَاكُ أَمْرِي وَدُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعِيشَتِي وَآخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مُنْقَلَبِي وَبَارِكْ فِي جَمِيعِ أُمُورِي كُلِّهَا؛ بحار الأنوار، ج ٩٤، ص ١٧٥

١٣-٣-٨- السُّكُونَةُ بِأَفْضَلِ مَا سَكَنْتُ

﴿٣٣٧٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَاعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجَلِ الْآخِرَةِ فَشَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَلَمْ [يُشَارِكْهُمْ أَهْلُ] يُشَارِكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ سَكَنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَكَنْتُ وَآكَلُوهَا بِأَفْضَلِ مَا أَكَلْتُ؛ أعلام الدين، ص ٢٤٧

١٤-٣-٨- الْأَكْلُ

﴿٣٣٧١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنَّ الْمُتَّقِينَ شَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ ... سَكَنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَكَنْتُ وَآكَلُوهَا بِأَفْضَلِ مَا أَكَلْتُ؛ الأُمَالِي لِلْمَفِيد، ص ٢٦٣

١٥-٣-٨- طَلَبُ خَيْرِ الدُّنْيَا

﴿٣٣٧٢﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ اجْعَلْ قُوتَ آلِ مُحَمَّدٍ كِفَافاً فَلَمْ يَطْلُبْ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا يَتِمَحَضُّ خَيْرُهُ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٥٩

١٦-٣-٨- طَلَبُ الْحَلَالِ

﴿٣٣٧٣﴾ السجادة عليه السلام: اجْعَلِ الدُّنْيَا دِرْهَمَيْنِ دِرْهَمًا أَنْفَقْتَهُ عَلَى عِيَالِكَ وَدِرْهَمًا قَدَّمْتَهُ لِآخِرَتِكَ وَالثَّالِثُ يَضُرُّ وَلَا يَنْفَعُ لَا تُرِدُّهُ اجْعَلِ الدُّنْيَا كَلِمَتَيْنِ كَلِمَةً فِي طَلَبِ الْحَلَالِ وَكَلِمَةً لِلْآخِرَةِ وَالثَّالِثَةُ تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ لَا تُرِدُّهَا؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٢٨٢

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / بهره‌مندی از دنیا»

۱۱-۱-۸- دعا

﴿۳۳۶۵﴾ خدایا! مرا در دنیا با بی‌نیازی و در آخرت با عفو و گذشت مورد عنایت خود قرار ده.
﴿۳۳۶۶﴾ دینم را که عصمت کارم است شایسته بگردان و دنیایم را که در آن رشد می‌کنم، مبارک ساز و آخرتم را که بازگشت من است شایسته بگردان و دنیایم را موجب افزایش در هر خیری بگردان.
﴿۳۳۶۷﴾ خدایا! و هر آنچه از مصالح دین و دنیا و آخرتم را که درخواستم آن را فرا نگرفت. و هوشیاری‌ام به آن نرسید، به‌وسیله‌ی - برآورده‌ساختن - آن بر من منت بگذار.
﴿۳۳۶۸﴾ خدایا دنیا و آخرت مرا نورانی گردان.

۱۲-۱-۸- دعا برای برکت

﴿۳۳۶۹﴾ خدایا امر دینم را مبارک گردان که ملاک عمل و معیار دنیایم است و زندگیم در آن است. و ملاک آخرتم را که بازگشت به‌سوی آنجاست. و در تمام امور به من برکت بده.
۱۳-۱-۸- به بهترین شکل ساکن شدن

﴿۳۳۷۰﴾ آگاه باشید ای بندگان خدا! پرهیزکاران از دنیای زودگذر به سلامت گذشتند و آخرت جاودانه را پیش گرفتند. با مردم دنیا در دنیایشان شریک گشتند، اما مردم دنیا در آخرت آن‌ها شرکت نکردند، پرهیزکاران در بهترین خانه‌های دنیا سکونت کردند و بهترین خوراک‌های دنیا را خوردند.

۱۴-۱-۸- خوردن

﴿۳۳۷۱﴾ پرهیزکاران در دنیای اهل دنیا با آنان شریک شدند ... آنان به بهترین وجه در دنیا سکونت جسته و به نیکوترین صورت از آن بهره‌مند شده‌اند .

۱۵-۱-۸- درخواست خیر دنیا

﴿۳۳۷۲﴾ خدایا! قوت آل محمد ﷺ را برایشان کافی بگردان؛ به‌نحوی که چیزی از دنیا نطلبند مگر آنکه خیر محض باشد.

۱۶-۱-۸- طلب حلال

﴿۳۳۷۳﴾ دنیا را دو درهم قرار بده، درهمی که آن را برای خانواده‌ات خرج می‌کنی و درهمی که برای آخرت خود پیش می‌فرستی، درهم سوّم زیان می‌رساند و سودی ندارد، پس آن را طلب نکن. دنیا را در دو کلمه قرار بده. کلمه‌ای برای طلب حلال و کلمه‌ی دیگر برای آخرت؛ سوّمی نه سود می‌رساند و نه زیان؛ و خود را در آن وارد نکن.
﴿۸۷۳﴾

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا﴾

﴿٣٣٧٤﴾ الكاظم عليه السلام: اجْعَلِ الدُّنْيَا كَلِمَتَيْنِ كَلِمَةً فِي طَلَبِ الْحَلَالِ وَكَلِمَةً لِلْآخِرَةِ وَالثَّالِثَةُ تَضَرُّ وَ لَا تَنْفَعُ فَلَا تُرَدِّهَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٨، ص ٢٧٨
١٧-٣-٨- مَوْتُهُمْ مِنَ الدُّنْيَا عَظِيمَةٌ

﴿٣٣٧٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ... وَ أَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ وَ مَوْتُهُمْ مِنَ الدُّنْيَا عَظِيمَةٌ؛
بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ٣٤١
٢-٣-٨- الْإِتْعَازُ وَ الْمَعْرِفَةُ
١-٢-٣-٨- الْإِتْعَازُ

﴿٣٣٧٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الرَّاهِدُ [فِي الدُّنْيَا] مَنْ وُعِظَ فَاتَّعَظَ وَ مَنْ عَلِمَ فَعَمِلَ وَ مَنْ آتَقَنَ فَحَذَرَ فَالرَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا قَوْمٌ وُعِظُوا فَاتَّعَظُوا وَ آتَقَنُوا فَحَذَرُوا وَ عَلِمُوا فَعَمِلُوا إِنْ أَصَابَهُمْ يُسْرٌ شَكَرُوا وَ إِنْ أَصَابَهُمْ غُسْرٌ صَبَرُوا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٤
﴿٣٣٧٧﴾ الرسول ﷺ: أَغْفَلَ النَّاسُ مِنْ لَمْ يَتَّعِظْ بِتَغْيِيرِ الدُّنْيَا مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ؛ بحار الأنوار،
ج ٤٨، ص ٣٢٤

﴿٣٣٧٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الرَّاهِدُ [فِي الدُّنْيَا] مَنْ وُعِظَ فَاتَّعَظَ وَ مَنْ عَلِمَ فَعَمِلَ وَ مَنْ آتَقَنَ فَحَذَرَ فَالرَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا قَوْمٌ وُعِظُوا فَاتَّعَظُوا وَ آتَقَنُوا فَحَذَرُوا وَ عَلِمُوا فَعَمِلُوا إِنْ أَصَابَهُمْ يُسْرٌ شَكَرُوا وَ إِنْ أَصَابَهُمْ غُسْرٌ صَبَرُوا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٤٤
٢-٣-٨- الْبَصِيرَةُ

﴿٣٣٧٩﴾ الْيَوْمَ التَّاسِعَ عَشَرَ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ... وَ اسْتَقْبِلْ بِي... وَ بَصِيرَةً نَافِذَةً فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ؛ بحار الأنوار، ج ٩٤، ص ٢٥١
﴿٣٣٨٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَخَى قَلْبِكَ بِالْمَوْعِظَةِ وَ أَمْتُهُ بِالزَّهَادَةِ وَ قُوَّةُ بِالْيَقِينِ وَ ذَلِكَ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَ قَرَرُهُ بِالْفَنَاءِ وَ بَصَرُهُ فَجَائِعِ الدُّنْيَا؛ غرر الحكم، ص ٦٧
﴿٣٣٨١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ذَلَّلْ قَلْبَكَ بِالْيَقِينِ وَ قَرَرَهُ بِالْفَنَاءِ وَ بَصَرَهُ فَجَائِعِ الدُّنْيَا؛
غرر الحكم، ص ٦٧

﴿٣٣٨٢﴾ الصَّادِق عليه السلام: وَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَثْبَتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَ انْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ وَ بَصَرَهُ غُيُوبَ الدُّنْيَا دَاءَهَا وَ دَوَاءَهَا وَ أَخْرَجَهُ مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ؛ من لا يحضره الفقيه،
ج ٤، ص ٤١٠

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / بهره‌مندی از دنیا»

«۳۳۷۴» دنیا را در دو کلمه قرار بده. کلمه‌ای برای طلب حلال و کلمه‌ی دیگر برای آخرت؛ سوّمی نه سود می‌رساند و نه زیان و خود را در آن وارد نکن.

۱۷-۱-۳-۸- بهره‌ی آن‌ها از دنیا بزرگ است

«۳۳۷۵» پرهیزکاران در آن همان [کسانی هستند که]... نفس‌هایشان پارسا و دریافت کمک آن‌ها از دنیا بزرگ است.

۲-۳-۸- موعظه‌پذیری و شناخت

۱-۲-۳-۸- موعظه‌پذیری

«۳۳۷۶» افراد زاهد را در دنیا به این علامات بشناسید؛ آن‌ها کسانی هستند که وقتی موعظه می‌شوند، پند می‌گیرند. و هنگامی که از عذاب خدا ترسانده می‌شوند، می‌ترسند. از آنچه سبب عذاب می‌گردد دوری می‌کنند. و هرگاه علم را آموختند، به آن عمل می‌کنند. اگر آسانی و گشایشی به آن‌ها برسد شکر می‌کنند و اگر سختی به آن‌ها برسد صبر می‌کنند.

«۳۳۷۷» غافل‌ترین مردم کسی است که از دگرگونی احوال دنیا پند و عبرت نگیرد.

«۳۳۷۸» افراد زاهد را در دنیا به این علامات بشناسید؛ آن‌ها کسانی هستند که وقتی موعظه می‌شوند، پند می‌گیرند. و هنگامی که از عذاب خدا ترسانده می‌شوند، می‌ترسند. از آنچه سبب عذاب می‌گردد دوری می‌کنند. و هرگاه علم را آموختند، به آن عمل می‌کنند. اگر آسانی و گشایشی به آن‌ها برسد شکر می‌کنند و اگر سختی به آن‌ها برسد صبر می‌کنند.

۲-۲-۳-۸- بصیرت

«۳۳۷۹» خدایا بر محمّد و خاندان او درود بفرست و از جانب خود مرا هدایت کن... و بصیرتی عمیق در دین و دنیا عطا کن.

«۳۳۸۰» دلت را با اندرز نیکو زنده کن، هوای نفس را با بی‌اعتنایی به حرام بمیران، جان را با یقین نیرومند کن و با نور حکمت روشنایی ببخش و با یاد مرگ آرام کن، به نابودی از او اعتراف بگیر، و با بررسی تحولات ناگوار دنیا به او آگاهی بخش.

«۳۳۸۱» دل خود را به یقین رام کن و از او بر فانی‌بودنش اقرار بگیر و به فجایع و مصیبت‌های دنیا بینایش گردان.

«۳۳۸۲» کسی که در دنیا زاهد باشد، خدا حکمت را در دلش پابرجا می‌کند و زبانش را به آن گویا و او را به عیب‌ها و دردها و دواهای دنیا بینا می‌سازد و از دنیا به‌سوی بهشت به سلامت بیرون می‌برد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا﴾

﴿٣٣٨٣﴾ الباقر عليه السلام: قَالَ: مَا أَجْمَلَ عَبْدٌ ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا إِلَّا زَهَّدَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الدُّنْيَا وَبَصَّرَهُ دَاءَهَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٦
٣-٢-٨- الإِغْتِبَارُ

﴿٣٣٨٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَاعْتَبِرْ بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا مَا بَقِيَ مِنْهَا فَإِنَّ بَعْضَهَا يُشَبِّهُ بَعْضًا وَآخِرَهَا لَأَحَقُّ بِأَوَّلِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٥٠٨

﴿٣٣٨٥﴾ الصادق عليه السلام: وَالْمُؤْمِنُ يَعْتَبِرُ عِنْدَهَا أَنَّ الْخَالِصَ مِنْ طَعَامِ الدُّنْيَا كَذَلِكَ تَصِيرُ عَاقِبَتُهَا فَيَسْتَرِيحُ بِالْعُدُولِ عَنْهَا وَتَرْكُهَا وَيَفْرِغُ نَفْسَهُ وَقَلْبَهُ عَنْ شُغْلِهَا... وَأَنَّ الرَّاحَةَ فِي هَوَانِ الدُّنْيَا وَالْفَرَاغَ مِنَ التَّمَتُّعِ بِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٧، ص ١٦٥

﴿٣٣٨٦﴾ السَّجَّاد عليه السلام: وَانْظُرْ فِي تَصَرُّفِ الدَّهْرِ وَأَحْوَالِهِ فَإِنَّ مَا هُوَ آتٍ مِنَ الدُّنْيَا كَمَا وَلَّى مِنْهَا فَاعْتَبِرْ بِهَا... قَالَ أَوْ لَا حُرٍّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَازَةَ لِأَهْلِهَا يَعْنِي الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٤٤

﴿٣٣٨٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَتَاعُ الدُّنْيَا حُطَامٌ وَتُرَائِهَا كُبَابٌ بُلْغَتُهَا أَفْضَلُ مِنْ أَثَرَتِهَا وَقُلْعَتُهَا أَرْكَانُ مِنْ طُمَأْنِينَتِهَا... وَإِنَّمَا يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الدُّنْيَا بَعَيْنِ الْإِغْتِبَارِ وَيَقْتَاتُ مِنْهَا بِبَطْنِ الْإِضْطِرَارِ وَيَسْمَعُ فِيهَا بِأَذْنِ النَّفْثِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦٠

﴿٣٣٨٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا تَفَكَّرَ فَاعْتَبَرَ وَاعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ فَكَانَ مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الدُّنْيَا عَنْ قَلِيلٍ لَمْ يَكُنْ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٧، ص ١٠٢

﴿٣٣٨٩﴾ الصادق عليه السلام: مَا أُعْطِيَ عَبْدٌ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا اِغْتِبَارًا وَمَا زُوِيَ عَنْهُ إِلَّا اِخْتِبَارًا؛ الكافي، ج ٢، ص ٢٤١

﴿٣٣٩٠﴾ الرسول عليه السلام: الْمُعْتَبِرُ فِي الدُّنْيَا عَيْشُهُ فِيهَا كَعَيْشِ النَّائِمِ يَرَاهَا وَلَا يَمْسُهَا وَهُوَ يُزِيلُ عَنْ قَلْبِهِ وَنَفْسِهِ بِاسْتِقْبَاحِهِ مُعَامَلَاتِ الْمَغْرُورِينَ بِهَا مَا يُورِثُهُ الْحِسَابَ وَالْعِقَابَ وَيَتَبَدَّلُ بِهَا مَا يَقْرُبُهُ مِنْ رِضَا اللَّهِ وَغَفْوِهِ...؛ بحار الأنوار، ج ٦٨، ص ٣٢٦

﴿٣٣٩١﴾ الصادق عليه السلام: تَمَثَّلَتِ الدُّنْيَا لِعِيسَى عليه السلام فِي صُورَةِ امْرَأَةٍ زَرْقَاءَ فَقَالَ لَهَا كَمْ تَزَوَّجْتَ قَالَتْ كَثِيرًا قَالَ فَكُلُّ طَلْقِكَ قَالَتْ بَلْ كُلُّهَا قَتَلْتُ قَالَ فَوَيْحَ أَزْوَاجِكَ الْبَاقِينَ كَيْفَ لَا يَعْتَبِرُونَ بِالْمَاضِينَ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٣٠

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / بهره‌مندی از دنیا»

«۳۳۸۳» اگر بنده‌ای تا چهل روز به طور نیکو و صحیح به یاد خداوند عزّ و جل باشد، خداوند به پاداش این تمرین و مراقبت کامل، حالت زهد در دنیا و شناخت کامل دنیا را به او عنایت می‌فرماید؛ تمام دردها و درمان‌های دنیا را با بصیرت کامل به او نشان می‌دهد.

۳-۲-۸- عبرت‌گرفتن

«۳۳۸۴» از حوادث گذشته‌ی تاریخ، برای آینده‌ات عبرت بگیر که حوادث روزگار با یکدیگر همانند بوده و پایان دنیا به آغازش می‌پیوندد.

«۳۳۸۵» شخص مؤمن باید از موضوع مستراح عبرت بگیرد که عاقبت طعام خالص دنیا نیز این‌گونه است و با رویگردانی و ترک آن، خویش را آسوده می‌کند و نفس و قلب خویش را از اشتغال به آن فارغ می‌گرداند... راحتی، در آسان‌گرفتن و ارزش‌نهادن به دنیا و دوری از لذّت‌بردن از آن است. «۳۳۸۶» به تغییرات و دگرگونی‌های روزگار و حالات زمانه توجّه کن، زیرا از دنیا آنچه آید، همانی است که رفته و گذشته، پس از آن عبرت بگیر... آیا مرد آزاده‌ای نیست که این پس‌مانده‌ی [دنیا] را برای اهلش واگذار کند؟!

«۳۳۸۷» کالای دنیا همچون نشخوار و گیاهان خشکیده است. و میراث آن چون مستی گوسفند و شتر! قناعت در حدّ کفافش برتر از انباشتن و ذخیره‌ی آن و دل‌کندن از آن مطمئن‌تر از اعتماد بر آن است... قطعاً فرد مؤمن دنیا را به دیده‌ی عبرت می‌نگرد و از آن در حدّ ضرورت بهره می‌گیرد و دشمنی و بغض [دنیا را] با گوشش می‌شنود.

«۳۳۸۸» خدا بیامرز! کسی را که به‌درستی فکر کند، پند گیرد، آگاهی یابد و بینا شود. پس به زودی خواهید دانست که آنچه از دنیا وجود داشت از آن چیزی نمانده است. «۳۳۸۹» چیزی از دنیا به بنده عطا نشد، مگر برای عبرت‌گرفتن و چیزی از وی گرفته نشد، مگر برای آزمودن.

«۳۳۹۰» زندگی کسی که در دنیا عبرت گرفته مانند زندگی کسی است که در خواب باشد؛ اشیاء و مطالب را می‌بیند، ولی در حقیقت لمس و تماس با آن‌ها ندارد. و چون زشتی و رفتار و روش فریب‌خوردگان دنیا را می‌بیند، از دل و روح خود آنچه را که موجب حساب و کیفر اخروی است (عشق و علاقه به دنیا) جدا می‌سازد و به جای آن، آنچه را که موجب تقرّب به خدا و رسیدن به خشنودی و عفوش می‌شود، انتخاب می‌کند.

«۳۳۹۱» دنیا برای عیسی بن مریم علیه السلام به صورت زنی زاغ چشم ظاهر شد، عیسی علیه السلام به او فرمود: «چند بار شوهر کردی؟» گفت: «شوهر زیادی داشته‌ام». عیسی علیه السلام پرسید: «همه تو را طلاق داده‌اند؟» گفت: «خیر همه را کشته‌ام». عیسی علیه السلام فرمود: «وای بر شوهران تو! چگونه از سرنوشت گذشتگان عبرت نگرفتند».

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا﴾

- ﴿٣٣٩٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فِي تَصَارِيفِ الدُّنْيَا اَعْتَبَارٌ؛ غررالحكم، ص ٤٧٢
- ﴿٣٣٩٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اَعْتَبَرَ بِغَيْرِ الدُّنْيَا قَلَّتْ مِنْهُ الْاَطْمَاعُ؛ غررالحكم، ص ٤٧٣
- ﴿٣٣٩٤﴾ الصادق عليه السلام: اَحْكِمْ اَمْرَ دِينِكَ كَمَا اَحْكَمَ اَهْلُ الدُّنْيَا اَمْرَ دُنْيَاهُمْ وَ اِنَّمَا جُعِلَتِ الدُّنْيَا شَاهِدًا يُعْرَفُ بِهَا مَا غَابَ عَنَّا مِنَ الْآخِرَةِ فَاعْرِفِ الْآخِرَةَ بِهَا وَلَا تَنْظُرْ اِلَى الدُّنْيَا اِلَّا بِالْاَعْتِبَارِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٥٣
- ﴿٣٣٩٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اِنْ اَرَدْتَ الْعِبْرَةَ فَالدُّنْيَا تَكْفِيكَ وَ اِنْ اَرَدْتَ الْعَمَلَ فَالْعِبَادَةُ تَكْفِيكَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٢٤٤
- ﴿٣٣٩٦﴾ الكاظم عليه السلام: وَ اَنْظُرْ فِي تَصْرِفِ الدَّهْرِ وَ اَحْوَالِهِ فَاِنَّ مَا هُوَ اَتَمُّ مِنَ الدُّنْيَا كَمَا وَلَّى مِنْهَا فَاعْتَبِرْ بِهَا... قَالَ آ وَ لَا خُرُّ يَدُ هَذِهِ الْمَاطِظَةِ لِأَهْلِهَا يَعْنِي الدُّنْيَا... فَلَيْسَ لَأَنْفُسِكُمْ تَمَنُّ اِلَّا الْجَنَّةُ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٤٤
- ﴿٣٣٩٧﴾ الصادق عليه السلام: اَعْتَبِرُوا بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا هَلْ بَقِيَ عَلَى أَحَدٍ أَوْ هَلْ [أَحَدٌ] فِيهَا بَاقٍ مِنَ الشَّرِيفِ وَ الْوَضِيعِ... لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا اِلَّا بَلَاءٌ وَ فِتْنَةٌ وَ مَا نَجَا مِنْ نَجَا اِلَّا بِصِدْقِ الْاَلْتِجَاءِ... وَ جَدْتُ الدُّنْيَا كَيْتَبٌ لَهُ بَابَانِ دَخَلْتُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَ خَرَجْتُ مِنَ الْآخَرِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ١٨٥
- ﴿٣٣٩٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا بُنَيَّ اِنِّي قَدْ اَنْبَأْتُكَ عَنِ الدُّنْيَا وَ حَالِهَا وَ زَوَالِهَا وَ اَنْتِقَالَهَا وَ اَنْبَأْتُكَ عَنِ الْآخِرَةِ وَ مَا أُعِدَّ لِأَهْلِهَا وَ ضَرَبْتُ لَكَ فِيهِمَا الْأَمْثَالَ لِتَعْتَبِرَ بِهَا وَ تَحْذُو عَلَيْهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٦، ص ٨٢
- ٢-٣-٨- التفكر
- ﴿٣٣٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ اَمْرًا تَفَكَّرَ فَاعْتَبَرَ وَ اَعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ فَكَانَ مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الدُّنْيَا عَنْ قَلِيلٍ لَمْ يَكُنْ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٧، ص ١٠٢
- ﴿٣٤٠٠﴾ صحف ادریس عليه السلام: فَكَّرُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الَّتِي تَفْتِنُ بِزُجْرٍ زَخَارِيفِهَا وَ تَخْدَعُ بِحَلَاوَةٍ تَصَارِيفِهَا وَ لَذَائِهَا شَبِيهَةٌ بِنُورِ الْوَرْدِ الْمُخْفُوفِ بِالشَّوْكِ الْكَثِيرِ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٦٨
- ٢-٣-٨- التدبر
- ﴿٣٤٠١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ لَا خَيْرَ فِي دِينٍ لَا تَفْقَهُ فِيهِ وَ لَا خَيْرَ فِي دُنْيَا لَا تَدُبُّرَ فِيهَا وَ لَا خَيْرَ فِي نُسْكِ لَا وَرَعَ فِيهِ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٧٤

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / بهره‌مندی از دنیا»

﴿۳۳۹۲﴾ در دگرگونی‌ها و تغییرهای دنیا عبرت‌هایی وجود دارد.

﴿۳۳۹۳﴾ هرکس از غیر دنیا (آخرت) عبرت بگیرد، طمع‌ها در او کم می‌شود.

﴿۳۳۹۴﴾ همان‌گونه که اهل دنیا، دنیای خود را محکم و استوار می‌کنند تو نیز امر دینت را محکم کن. دنیا شاهی است که به واسطه‌ی آن از امور آخرت که از ما غایب است، اطلاع می‌گیرند. پس با دنیا، آخرت را بشناس و به دنیا جز به دیده‌ی عبرت نگاه نکن.

﴿۳۳۹۵﴾ اگر عبرت می‌خواهی، دنیا کافیت و اگر عمل می‌خواهی عبادت کافیت.

﴿۳۳۹۶﴾ در تغییرات و دگرگونی‌های روزگار و حالات زمانه نظاره کن، زیرا از دنیا آنچه آید، همانی است که رفته و گذشته، پس از آن درس و عبرت گیر... آیا مرد آزاده‌ای نیست که این پس مانده‌ی [دنیا] را برای اهلش واگذارد؟! که بهای جان شما جز بهشت نیست، آن را به غیر آن نفروشید.

﴿۳۳۹۷﴾ از گذشته‌ی دنیا عبرت بگیرید. آیا کسی را نگه داشت؟! همه رفتند. و آیا از رئیس و مافوق و زیردست، از ثروتمند و مستمند، از دوست و دشمن کسی باقی ماند؟!... پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «از دنیا جز فتنه و گرفتاری چیزی باقی نمانده است. و کسی جز از طریق پناه با صدق و صفا به خداوند، نجات پیدا نمی‌کند». حضرت نوح علی‌ه السلام فرمود: «دنیا را مانند یک خانه دو دری (در دخول و در خروج) دیدم که از یک در داخل و از در دیگر خارج شدم».

﴿۳۳۹۸﴾ فرزندانم، من تو را از دنیا و تغییراتش و از نابودی و دست به دست گردیدنش آگاه و باخبر ساختم؛ تو را از آن سرا و آنچه برای اهلش فراهم شده آگاه کردم و برای تو درباره‌ی هر دو مثل‌ها زدم تا از آن عبرت بگیری و آن را دنبال کنی.

۴-۲-۸- فکر

﴿۳۳۹۹﴾ خدا بیامرزد! کسی را که به درستی فکر کند، پند گیرد، آگاهی یابد و بینا شود. پس به زودی خواهید دانست که آنچه از دنیا وجود داشت از آن چیزی نمانده است.

﴿۳۴۰۰﴾ در این دنیا اندیشه کنید که به وسیله‌ی زینت زیبایی‌هایش می‌فریبد و به شیرینی حوادث و لذت‌ش نیرنگ می‌کند، همچون شکوفه‌ی گل سرخی است که با خارهای فراوان پیچیده شده است.

۵-۲-۸- تدبّر

﴿۳۴۰۱﴾ ای مردم دینی که در آن تفقّه نباشد، خیری ندارد. دنیایی که در آن تدبیر نباشد، خیری ندارد. عبادتی که در آن ورع نباشد، خیری ندارد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا﴾

٢-٣-٨- المعْرِفَةُ

﴿٣٤٠٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا لَمْ يَحْزَنْ عَلَى مَا أَصَابَهُ؛ غررالحكم، ص ١٣١

﴿٣٤٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا تَزَهَّدَ؛ غررالحكم، ص ١٣٩

﴿٣٤٠٤﴾ الرسول ﷺ: أَنَّ مُوسَى عليه السلام لَقِيَ الْخَضِرَ عليه السلام فَقَالَ أَوْصِنِي فَقَالَ الْخَضِرُ... وَاعْلَمْ أَنَّ قَلْبَكَ وَعَاءٌ فَإَنْظُرْ مَاذَا تَحْشُو بِهِ وَعَاءَكَ وَاعْرِفِ الدُّنْيَا وَانْبِذْهَا وَرَاءَكَ فَإِنَّهَا لَيْسَتْ لَكَ بَذَارٍ؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦

﴿٣٤٠٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا لَمْ يَحْزَنْ لِلْبُلُوَى؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٧١

﴿٣٤٠٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ جَمَعَ سِتَّ خِصَالٍ لَمْ يَدْعُ لِلْجَنَّةِ مَطْلَبًا وَلَا عَنِ النَّارِ مَهْرَبًا عَرَفَ اللَّهَ فَأَطَاعَهُ وَعَرَفَ الشَّيْطَانَ فَعَصَاهُ وَعَرَفَ الدُّنْيَا فَرَضَها وَعَرَفَ الْآخِرَةَ فَطَلَبَهَا وَعَرَفَ الْبَاطِلَ فَاتَّقَاهُ وَعَرَفَ الْحَقَّ فَاتَّبَعَهُ؛ جامع الأخبار، ص ١٠٨

﴿٣٤٠٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا تَزَهَّدَ؛ غررالحكم، ص ١٣٩

﴿٣٤٠٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا أَنْ يَزْهَدَ فِيهَا وَيَعْرِضَ عَنْهَا؛ غررالحكم، ص ٢٧٥

﴿٣٤٠٩﴾ المجتبي عليه السلام: مَنْ عَرَفَ اللَّهَ أَحَبَّهُ وَمَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا زَهَدَ فِيهَا؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ٥٢

﴿٣٤١٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَرَفَ خِدَاعَ الدُّنْيَا لَمْ يَغْتَرَّ مِنْهَا بِمُحَالَاتِ الْأَحْلَامِ؛ غررالحكم، ص ١٣٦

﴿٣٤١١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَحَقُّ النَّاسِ بِالزَّهَادَةِ مَنْ عَرَفَ نَقْصَ الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ٢٧٥

﴿٣٤١٢﴾ الرسول ﷺ: إِنَّمَا هُوَ خَيْرٌ يَرْجَى أَوْ شَرٌّ يُتَّقَى أَوْ بَاطِلٌ عَرَفَ فَاجْتَنَبَ أَوْ حَقٌّ يَتَعَيَّنُ فَطَلَبَ وَآخِرَةٌ أَظْلَمَ إِقْبَالَهَا فَسَعَى لَهَا وَدُنْيَا عَرَفَ نَفَادَهَا فَأَعْرَضَ عَنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٤

٢-٣-٨- الْعِلْمُ

﴿٣٤١٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي لِمَنْ عَلِمَ سُرْعَةَ زَوَالِ الدُّنْيَا أَنْ يَزْهَدَ فِيهَا؛ غررالحكم، ص ١٣٩

﴿٣٤١٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي لِمَنْ عَلِمَ شَرَفَ نَفْسِهِ أَنْ يُنْزِهَا عَنْ دَنَاءَةِ الدُّنْيَا؛ غررالحكم، ص ١٣٦

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / بهره‌مندی از دنیا»

۸-۳-۲-۶- شناخت

- «۳۴۰۲» کسی که دنیا را بشناسد، آن را ترک می‌کند و نسبت به آن بی رغبت می‌گردد.
- «۳۴۰۳» هرکس دنیا را بشناسد، زهد می‌جوید.
- «۳۴۰۴» موسی علیه السلام با خضر علیه السلام ملاقات کرد و گفت: «مرا نصیحت کن». خضر علیه السلام گفت:... «ای موسی! بدان که قلب تو ظرفی است، بنگر آن را با چه چیزی پر می‌کنی! دنیا را بشناس و پشت سر بگذار، زیرا دنیا خانه‌ی پایداری برای تو نیست.
- «۳۴۰۵» هرکس که دنیا را بشناسد، آشوب‌های دنیا او را غمگین نمی‌سازد.
- «۳۴۰۶» هرکس شش خصلت را در خود جمع کند، هیچ مطلوبی از بهشت و هیچ گریزی از دوزخ را وانگذاشته است: کسی که خدا را بشناسد و فرمانش برد و شیطان را بشناسد و نافرمانی‌اش کند دنیا را بشناسد و آن را دور افکند آخرت را بشناسد و آن را بجوید و باطل را بشناسد و از آن پرهیزد و حق را بشناسد و پیروی‌اش نماید.
- «۳۴۰۷» هرکس دنیا را بشناسد، زهد می‌جوید.
- «۳۴۰۸» برای کسی که دنیا را شناخته، سزاوار است زاهدانه زندگی کند و از دنیا بپُرد.
- «۳۴۰۹» هرکس خدا را بشناسد او را دوست دارد و هرکس دنیا را بشناسد، پارسایی در دنیا را پیشه می‌کند.
- «۳۴۱۰» کسی که مکر دنیا را بشناسد با آرزوهای محال آن، فریفته نمی‌شود.
- «۳۴۱۱» کسی که به بی‌ارزشی و نقص‌های دنیا آگاه است، سزاوار است که زاهدانه‌تر زندگی کند.
- «۳۴۱۲» عبدالله بن عمر گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «همانا آن خوبی‌ای است که به آن امید می‌رود، یا شرّی است که از آن پرهیز می‌شود، یا باطلی است که شناخته می‌شود؛ پس از آن دوری کن. یا حقّی مسلم است؛ پس آن را جستجو کن. و آخرتی است که رو آوردنش سایه افکنده؛ پس به‌سویش کوشش کن. و دنیا نابودیش شناخته شده؛ پس از آن دوری کن».

۸-۳-۲-۷- علم

- «۳۴۱۳» سزاوار است برای کسی که می‌داند دنیا چقدر زودگذر است، در دنیا زاهد باشد.
- «۳۴۱۴» سزاوار است برای کسی که شرافت نفس خودش را می‌داند، از پستی دنیا بیرون بکشد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا﴾

٨-٣-٢-٨- التَّقْدِيرُ

﴿٣٤١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الدُّنْيَا دَارُ تِجَارَةٍ وَرَبْحُهَا أَوْ خُسْرُهَا الْآخِرَةُ فَالسَّعِيدُ مَنْ كَانَتْ بِضَاعَتُهُ فِيهَا الْأَعْمَالُ الصَّالِحَةَ وَمَنْ رَأَى الدُّنْيَا بَعِيْنَهَا وَقَدَرَهَا بِقَدْرِهَا؛

شرح نهج البلاغة، ج ١٦، ص ١٣٣

٨-٣-٢-٩- الرُّؤْيَةُ وَالنَّظَرُ

﴿٣٤١٦﴾ السَّجَاد عليه السلام: وَانْظُرْ فِي تَصَرُّفِ الدَّهْرِ وَآخَوَالِهِ فَإِنَّ مَا هُوَ آتٍ مِنَ الدُّنْيَا كَمَا وَلَّى مِنْهَا فَاعْتَبِرْ بِهَا... قَالَ أَوْ لَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا يَعْنِي الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٤٤

﴿٣٤١٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الدُّنْيَا دَارُ تِجَارَةٍ وَرَبْحُهَا أَوْ خُسْرُهَا الْآخِرَةُ فَالسَّعِيدُ مَنْ كَانَتْ بِضَاعَتُهُ فِيهَا الْأَعْمَالُ الصَّالِحَةَ وَمَنْ رَأَى الدُّنْيَا بَعِيْنَهَا وَقَدَرَهَا بِقَدْرِهَا؛

شرح نهج البلاغة، ج ١٦، ص ١٣٣

٨-٣-٢-٩-١- النَّظَرُ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ

﴿٣٤١٨﴾ الرسول ﷺ: خَصَلْتَانِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ كَتَبَةُ اللَّهِ شَاكِرًا صَابِرًا مَنْ نَظَرَ فِي دِينِهِ إِلَى مَنْ فَوْقَهُ فَاقْتَدَى بِهِ وَنَظَرَ فِي دُنْيَاهُ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ فَشَكَرَ اللَّهُ فَإِنْ نَظَرَ فِي دُنْيَاهُ إِلَى مَنْ فَوْقَهُ فَاسْفَ عَلَى مَا فَاتَهُ لَمْ يَكْتُبْهُ اللَّهُ شَاكِرًا وَلَا صَابِرًا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ١٠١

٨-٣-٢-٩-٢- النَّظَرُ إِلَى الْبَاطِنِ

﴿٣٤١٩﴾ الرسول ﷺ: قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَنْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؟ فَقَالَ: الَّذِينَ نَظَرُوا إِلَى بَاطِنِ الدُّنْيَا حِينَ نَظَرَ النَّاسُ إِلَى ظَاهِرِهَا... خُلِقَتِ الدُّنْيَا عِنْدَهُمْ

فَمَا يُجَدِّدُونَهَا وَخَرَبَتْ بَيْنَهُمْ فَمَا يَعْمُرُونَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٣

٨-٣-٢-١٠- الْبَلَاغُ

﴿٣٤٢٠﴾ الرسول ﷺ: وَاصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عَصَمَتِي وَبَارِكْ لِي فِي دُنْيَايَ الَّتِي بِهَا بَلَاغِي وَاصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مَعَادِي وَاجْعَلْ دُنْيَايَ زِيَادَةً فِي كُلِّ خَيْرٍ؛ بحار الأنوار، ج ٨٧، ص ٣١٠

﴿٣٤٢١﴾ لقمان عليه السلام: خُذْ مِنَ الدُّنْيَا بَلَاغًا وَلَا تَرْفُضْهَا فَتَكُونَ عِيَالًا عَلَى النَّاسِ؛ بحار الأنوار،

ج ١٣، ص ٤١١

﴿٣٤٢٢﴾ السَّجَاد عليه السلام: الدُّنْيَا دُنْيَاءُ إِنْ دُنْيَا بَلَاغٍ وَدُنْيَا مَلْعُونَةٍ؛ الكافي، ج ٢، ص ٣١٦

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / بهره‌مندی از دنیا»

۸-۳-۲-۸- اندازه‌سنجی

﴿۳۴۱۵﴾ اما بعد! دنیا سرای تجارتی است که سود یا زیان آن آخرت است؛ پس سعادتمند کسی است که متاعش در آن اعمال صالح باشد و کسی باشد که دنیا را دقیق ببیند و اندازه‌ی آن را به میزان آن اندازه‌گیری کند.

۸-۳-۲-۹- دیدن و نگاه کردن

﴿۳۴۱۶﴾ به تغییرات و دگرگونی‌های روزگار و حالات زمانه توجه کن، زیرا از دنیا آنچه آید، همانی است که رفته و گذشته، پس از آن عبرت بگیر... آیا مرد آزاده‌ای نیست که این پس‌مانده‌ی [دنیا] را برای اهلش واگذار کند؟!

﴿۳۴۱۷﴾ اما بعد! دنیا سرای تجارتی است که سود یا زیان آن آخرت است؛ پس سعادتمند کسی است که متاعش در آن اعمال صالح باشد و کسی باشد که دنیا را دقیق ببیند و اندازه‌ی آن را به میزان آن اندازه‌گیری کند.

۸-۳-۲-۹-۱- نگاه به زیر دست

﴿۳۴۱۸﴾ دو خصلت است که اگر در کسی وجود داشته باشد، خداوند او را جزء شاکران و صابران می‌نویسد؛ کسی که در امور دینش به بالاتر از خود نگاه کند و او را مقتدای خود قرار دهد و در امور دنیوی خود به پایین‌تر از خود نگاه کند و خدا را شکر کند. و اگر در امور دنیوی به بالادست خود نگاه کند، بر چیزهایی که ندارد تأسّف می‌خورد و خداوند او را جزء صابران و شاکران نمی‌نویسد.

۸-۳-۲-۹-۲- نگاه به حقیقت

﴿۳۴۱۹﴾ به رسول خدا ﷺ گفتند: «اولیای خدا، آنان که نه بیم دارند و نه اندوه، کیستند؟» فرمود: «کسانی که وقتی نگاه مردم به ظاهر دنیا بود، به باطن دنیا نگاه کردند... دنیا نزد آن‌ها کهنه شده بود پس آن را تازه نمی‌کردند و دنیا در میان آن‌ها خراب شده بود پس آبادش نمی‌کردند.»

۸-۳-۲-۱۰- رساننده به آخرت

﴿۳۴۲۰﴾ دینم را که عصمت کارم است شایسته بگردان و دنیایم را که در آن رشد می‌کنم، مبارک ساز و آخرتم را که بازگشت من است شایسته و دنیایم را موجب افزایش در هر خیری بگردان.

﴿۳۴۲۱﴾ از دنیا به اندازه‌ی کفایت بخواه و آن را ردّ نکن تا سربار مردم شوی.

﴿۳۴۲۲﴾ دنیا بر دو قسم است؛ دنیایی که آدمی را به سعادت می‌رساند و دنیایی که ملعون

می‌باشد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا﴾

١١-٢-٣-٨- ذِكْرُ مَا خَصَّكَ اللَّهُ

﴿٣٤٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِذَا طَلَبْتَ شَيْئًا مِنَ الدُّنْيَا فَزَوِّ عَنْكَ فَادْكُرْ مَا خَصَّكَ اللَّهُ بِهِ مِنْ دِينِهِ وَمَا صَرَفَهُ عَنْكَ بغيرِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ آخَرَى أَنْ تَسْخُو نَفْسُكَ عَمَّا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا؛

بحار الأنوار، ج ٤٨، ص ١٤٥

٣-٣-٨- المشاركة، المعاونة

١-٣-٣-٨- المشاركة

﴿٣٤٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: [المتقون] شَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَلَمْ يُشَارِكْهُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ؛ الْأَمَالِي لِلْمَفِيد، ص ٢٤٣

٢-٣-٣-٨- المعاونة

﴿٣٤٢٥﴾ الرضا عليه السلام: وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَا تَشْكُرُونَ اللَّهَ بِشَيْءٍ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَبَعْدَ الْإِعْتِرَافِ بِحَقُوقِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنْ مُعَاوَنَتِكُمْ لِإِخْوَانِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى دُنْيَاهُمْ الَّتِي هِيَ مَعْبَرٌ لَهُمْ إِلَى جَنَّاتِ رَبِّهِمْ فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مِنْ خَاصَّةِ اللَّهِ؛

بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٣٥٥

٤-٣-٨- المعيشة

﴿٣٤٢٦﴾ الصادق عليه السلام: وَاصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عَصْمَةُ أَمْرِي وَاصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعِيشَتِي وَاصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مُنْقَلَبِي... وَاكْفِنِي أَمْرَ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي بِمَا كَفَيْتَ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَخَيْرَتَكَ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٨٣، ص ١٠٧

١-٣-٤-٨- الزوجة الصالحة

﴿٣٤٢٧﴾ الرسول ﷺ: الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَخَيْرُ مَتَاعِهَا الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ؛ بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٢٢٢

٢-٣-٤-٨- بَيْتُ يُظْلِكَ

﴿٣٤٢٨﴾ الرسول ﷺ: وَقَالَ ثَوْبَانُ: قُلْتُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مَا يَكْفِينِي مِنَ الدُّنْيَا قَالَ مَا سَدَّ جَوْعَتَكَ وَوَارَى عَوْرَتَكَ وَإِنْ كَانَ لَكَ بَيْتٌ يُظْلِكَ فَخُذْ بَيْتَكَ وَإِنْ كَانَ لَكَ دَابَّةٌ تَرْكُوبُهَا فَذَاكَ وَأَنْتَ مَسْئُولٌ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢١٥

﴿٣٤٢٩﴾ الرسول ﷺ: مَنْ أَصْبَحَ مُعَافًى فِي جَسَدِهِ آمِنًا فِي سَرْبِهِ عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمُهُ فَكَأَنَّمَا خَيْرَتْ لَهُ الدُّنْيَا يَا ابْنَ جُعْشَمٍ يَكْفِيكَ مِنْهَا مَا سَدَّ جَوْعَتَكَ وَوَارَى عَوْرَتَكَ فَإِنْ يَكُنْ بَيْتٌ

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / بهره‌مندی از دنیا»

۸-۳-۲-۱۱- یاد آنچه خدا به تو داده است

«۳۴۲۳» هرگاه چیزی از دنیا را طلب کردی و از تو دریغ شد، به یاد آور آنچه را که خدا از دین به تو داده و به دیگری نداده است. این برای تو سزاوارتر است تا خودت را مستحق آنچه از دست داده‌ای بدانی.

۸-۳-۳- مشارکت، همیاری

۸-۳-۳-۱- مشارکت

«۳۴۲۴» [پرهیزکاران] در دنیای اهل دنیا با آنان شریک شدند و اهل دنیا در آخرت آنان شرکت نکردند.

۸-۳-۳-۲- همیاری

«۳۴۲۵» بدانید که شما خداوند را بعد از ایمان به خدا و پیامبرش و اعتراف به حقوق اولیای خدا از آل محمد علیهم‌السلام به چیزی بهتر از کمک به برادران مؤمن خود در مسائل دنیا که راهی به سوی بهشت برین است، شکر نمی‌کنید. هرکس چنین کاری کند، از اولیای خاص خداست.

۸-۳-۴- معیشت

«۳۴۲۶» دینم را که عصمت کارم است شایسته بگردان و دنیایم را که زندگی‌ام در آن است، برایم سامان ده؛ و آخرتم را که بازگشتم به آن است، نیکو بنما... در کار دنیا و آخرتم، با آنچه که دوستداران و برگزیدگان از میان بندگان نیکت را کفایت کردی، مرا نیز بسنده باش.

۸-۳-۴-۱- همسر شایسته

«۳۴۲۷» دنیا چون متاعی است و بهترین متاع آن همسر صالح است.

۸-۳-۴-۲- خانه‌ای که سرپناه تو باشد

«۳۴۲۸» ثوبان گوید: به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عرض کردم: «ای رسول خدا! چه مقدار از دنیا مرا کفایت می‌کند؟» فرمود: «همان قدر که جلوی گرسنگی تو را بگیرد و تنت را بپوشاند و اگر خانه‌ای داشتی که سرپناه تو باشد چه بهتر و اگر چهارپایی نیز داشتی که سوارش شوی خوب است؛ اما هرچه بیشتر از این داشته باشی باید مورد حساب قرار گیری».

«۳۴۲۹» کسی که جسمش سالم و در مسیرش از ایمنی برخوردار و قوت روزانه‌اش همراهش باشد، دنیا به او لطف کرده است. ای جعشم! قدری از دنیا که جلوی گرسنگی تو را بگیرد و تنت را بپوشاند، کفایت می‌کند. حال اگر خانه‌ای داشتی که تو را جا دهد، بهتر! و اگر چهارپایی داشتی

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا﴾

يَكُنْكَ فَذَاكَ وَإِنْ تَكُنْ دَابَّةً تَرْكَبُهَا فَبِخْ وَإِلَّا فَالْحُبْزُ وَمَاءُ الْجَرِّ وَمَا بَعْدَ ذَلِكَ حِسَابٌ عَلَيْكَ أَوْ عَذَابٌ؛ الأُمَالِي لِلطُّوسِي، ص ٤٢٨
٨-٣-٤-٣ سِتْرُ الْعَوْرَةِ

﴿٣٤٣٠﴾ الرُّسُولُ ﷺ: يَكُونُ أُمَّتِي فِي الدُّنْيَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَطْبَاقٍ أَمَّا الطَّبَقُ الْأَوَّلُ فَلَا يُحِبُّونَ جَمْعَ الْمَالِ وَادِّخَارَهُ وَلَا يَسْعَوْنَ فِي اقْتِنَائِهِ وَاحْتِكَارِهِ وَإِنَّمَا رِضَاهُمْ مِنَ الدُّنْيَا سَدُّ جَوْعَةٍ وَسِتْرُ عَوْرَةٍ وَغِنَاهُمْ فِيهَا مَا بَلَغَ بِهِمْ آخِرَةُ فَأُولَئِكَ الْأَمْنُونَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٦

﴿٣٤٣١﴾ الرُّسُولُ ﷺ: وَقَالَ ثَوْبَانُ: قُلْتُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مَا يَكْفِينِي مِنَ الدُّنْيَا قَالَ مَا سَدَّ جَوْعَتَكَ وَوَارَى عَوْرَتَكَ وَإِنْ كَانَ لَكَ بَيْتٌ يُظْلُكَ فَبِخْ وَإِنْ كَانَ لَكَ دَابَّةٌ تَرْكَبُهَا فَذَاكَ وَأَنْتَ مَسْئُولٌ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢١٥

﴿٣٤٣٢﴾ الرُّسُولُ ﷺ: مَنْ أَصْبَحَ مُعَافًى فِي جَسَدِهِ آمِنًا فِي سَرْبِهِ عِنْدَهُ قُوتٌ يَوْمِهِ فَكَأَنَّمَا خَيْرَتْ لَهُ الدُّنْيَا يَا ابْنَ جُعْشَمٍ يَكْفِيكَ مِنْهَا مَا سَدَّ جَوْعَتَكَ وَوَارَى عَوْرَتَكَ فَإِنْ يَكُنْ بَيْتٌ يَكُنْكَ فَذَاكَ وَإِنْ تَكُنْ دَابَّةً تَرْكَبُهَا فَبِخْ وَإِلَّا فَالْحُبْزُ وَمَاءُ الْجَرِّ وَمَا بَعْدَ ذَلِكَ حِسَابٌ عَلَيْكَ أَوْ عَذَابٌ؛ الأُمَالِي لِلطُّوسِي، ص ٤٢٨
٨-٣-٤-٤ مَرْكَبٌ رَكِبْتَهُ أَوْ تَوْبٌ لِبَسْتَهُ أَوْ امْرَأَةٌ أَصَبَتْهَا

﴿٣٤٣٣﴾ الْبَاقِرُ ﷺ: يَا جَابِرُ مَا الدُّنْيَا وَمَا عَسَى أَنْ يَكُونَ إِنْ هُوَ إِلَّا مَرْكَبٌ رَكِبْتَهُ أَوْ تَوْبٌ لِبَسْتَهُ أَوْ امْرَأَةٌ أَصَبَتْهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٨٥
٨-٣-٤-٥ دَابَّةٌ تَرْكَبُهَا

﴿٣٤٣٤﴾ الرُّسُولُ ﷺ: مَنْ أَصْبَحَ مُعَافًى فِي جَسَدِهِ آمِنًا فِي سَرْبِهِ عِنْدَهُ قُوتٌ يَوْمِهِ فَكَأَنَّمَا خَيْرَتْ لَهُ الدُّنْيَا يَا ابْنَ جُعْشَمٍ يَكْفِيكَ مِنْهَا مَا سَدَّ جَوْعَتَكَ وَوَارَى عَوْرَتَكَ فَإِنْ يَكُنْ بَيْتٌ يَكُنْكَ فَذَاكَ وَإِنْ تَكُنْ دَابَّةً تَرْكَبُهَا فَبِخْ وَإِلَّا فَالْحُبْزُ وَمَاءُ الْجَرِّ وَمَا بَعْدَ ذَلِكَ حِسَابٌ عَلَيْكَ أَوْ عَذَابٌ؛ الأُمَالِي لِلطُّوسِي، ص ٤٢٨
٨-٣-٤-٦ سَدُّ الْجُوعِ

﴿روش‌های برخورد مناسب با دنیا / بهره‌مندی از دنیا﴾

که سوارش شوی، خوش به حالت! اما اگر چنین نبود پاره‌ای نان و آب روان کافی است و در بیشتر از این حساب و کتاب و عذاب و عقاب است.

۸-۳-۴-۳ پوشاندن عورت

﴿۳۴۳۰﴾ اَمّت من در دنیا بر سه دسته هستند: دسته‌ی اوّل کسانی هستند که جمع‌آوری مال را دوست ندارند، پس کسب و کارشان را وسعت نمی‌دهند و در نگهداری و احتکار آن سعی نمی‌کنند؛ همانا از دنیا به اندازه‌ی سدّ جوع و پوشاندن عورت راضی شده‌اند و از دنیا، جز به آنچه که آن‌ها را به آخرت برساند، بی‌نیاز شده‌اند. پس آن‌ها در امان هستند و از کسانی هستند که ترس و اندوهی ندارند.

﴿۳۴۳۱﴾ ثوبان گوید: به پیامبر ﷺ عرض کردم: «ای رسول خدا! چه مقدار از دنیا مرا کفایت می‌کند؟» فرمود: «همان قدر که جلوی گرسنگی تو را بگیرد و تنت را بپوشاند و اگر خانه‌ای داشتی که سرپناه تو باشد چه بهتر و اگر چهارپایی نیز داشتی که سوارش شوی خوب است؛ اما هرچه بیشتر از این داشته باشی باید مورد حساب قرار گیری».

﴿۳۴۳۲﴾ کسی که جسمش سالم و در مسیرش از ایمنی برخوردار و قوت روزانه‌اش همراهش باشد، دنیا به او لطف کرده است. ای جعشم! قدری از دنیا که جلوی گرسنگی تو را بگیرد و تنت را بپوشاند، کفایت می‌کند. حال اگر خانه‌ای داشتی که تو را جا دهد، بهتر! و اگر چهارپایی داشتی که سوارش شوی، خوش به حالت! اما اگر چنین نبود پاره‌ای نان و آب روان کافی است و در بیشتر از این حساب و کتاب و عذاب و عقاب است.

۸-۳-۴-۴ مرکبی برای سواری یا لباسی برای پوشیدن یا زنی برای تمتّع

﴿۳۴۳۳﴾ ای جابر! دنیا چیست؟ چه‌بسا که جز مرکبی برای سواری یا لباسی برای پوشیدن یا زنی برای تمتّع نباشد.

۸-۳-۴-۵ وسیله‌ی سواری

﴿۳۴۳۴﴾ کسی که جسمش سالم و در مسیرش از ایمنی برخوردار و قوت روزانه‌اش همراهش باشد، دنیا به او لطف کرده است. ای جعشم! قدری از دنیا که جلوی گرسنگی تو را بگیرد و تنت را بپوشاند، کفایت می‌کند. حال اگر خانه‌ای داشتی که تو را جا دهد، بهتر! و اگر چهارپایی داشتی که سوارش شوی، خوش به حالت! اما اگر چنین نبود پاره‌ای نان و آب روان کافی است و در بیشتر از این حساب و کتاب و عذاب و عقاب است.

۸-۳-۴-۶ رفع گرسنگی

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا﴾

﴿٣٤٣٥﴾ الرسول ﷺ: وَقَالَ ثَوْبَانُ: قُلْتُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مَا يَكْفِينِي مِنَ الدُّنْيَا قَالَ مَا سَدَّ جَوْعَتَكَ وَوَارَى عَوْرَتَكَ وَإِنْ كَانَ لَكَ بَيْتٌ يُظْلِكُ فَجِّ بَيْتٍ وَإِنْ كَانَ لَكَ دَابَّةٌ تَرْكُوبُهَا فَذَاكَ وَأَنْتَ مَسْئُولٌ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢١٥

﴿٣٤٣٦﴾ امير المؤمنين ﷺ: وَأَعْلَمُ أَنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ أَكْفَى مِنْ دُنْيَاهُ بَطْمَرِيهِ يَسُدُّ فَوْرَةَ جُوعِهِ بِقُرْصِيهِ لَا يَطْعُمُ الْفِلْدَةَ فِي حَوْلِهِ إِلَّا فِي سَنَةِ أَضْحِيَّةٍ وَلَنْ تَقْدِرُوا عَلَى ذَلِكَ فَأَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ٣٠٠

﴿٣٤٣٧﴾ الرسول ﷺ: يَكُونُ أُمَّتِي فِي الدُّنْيَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَطْبَاقٍ أَمَّا الطَّبَقُ الْأَوَّلُ فَلَا يُحِبُّونَ جَمْعَ الْمَالِ وَادِّخَارَهُ وَلَا يَسْعَوْنَ فِي اقْتِنَائِهِ وَاحْتِكَارِهِ وَإِنَّمَا رِضَاهُمْ مِنَ الدُّنْيَا سَدُّ جَوْعَةٍ وَسِتْرُ عَوْرَةٍ وَغِنَاهُمْ فِيهَا مَا بَلَغَ بِهِمُ الْآخِرَةَ فَأُولَئِكَ الْأَمْنُونَ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٦
٨-٣-٥- أَخْذُ الدُّنْيَا لِلْخَيْرِ
٨-٣-٥-١- الْعَمَلُ الصَّالِحُ

﴿٣٤٣٨﴾ امير المؤمنين ﷺ: أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الدُّنْيَا دَارُ تِجَارَةٍ وَرِبْحُهَا أَوْ خُسْرُهَا الْآخِرَةُ فَالْسَّعِيدُ مَنْ كَانَتْ بِضَاعَتُهُ فِيهَا الْأَعْمَالُ الصَّالِحَةَ وَمَنْ رَأَى الدُّنْيَا بَعِيْنَهَا وَقَدَرَهَا بِقَدَرِهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٦، ص ١٣٣

﴿٣٤٣٩﴾ الصادق ﷺ: الْعِلْمُ ثَلَاثَةُ آيَةٍ مُحْكَمَةٌ وَفَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ وَسُنَّةٌ قَائِمَةٌ النَّاسُ ثَلَاثَةٌ جَاهِلٌ يَأْبَى أَنْ يَتَعَلَّمَ وَعَالِمٌ قَدْ شَفَّهِ عِلْمُهُ وَعَاقِلٌ يَعْمَلُ لِدُنْيَاهُ وَآخِرَتِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٣٧

٨-٣-٥-٢- الْإِصْلَاحُ

﴿٣٤٤٠﴾ الصادق ﷺ: وَأَصْلَحَ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَأَصْلَحَ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعِيشَتِي وَأَصْلَحَ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مُنْقَلَبِي... وَأَكْفَى أَمْرَ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي بِمَا كَفَيْتَ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَخَيْرَتَكَ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٨٣، ص ١٠٧

﴿٣٤٤١﴾ الصادق ﷺ: اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ الْأَصْلَحُ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَعَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ فَعَلَّ مَا أَنَا عَازِمٌ عَلَيْهِ فَأَمْرُنِي وَإِلَّا فَأَنْهَنِي؛ مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٢٦٤

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / بهره‌مندی از دنیا»

﴿۳۴۳۵﴾ ثوبان گوید: به پیامبر ﷺ عرض کردم: «ای رسول خدا! چه مقدار از دنیا مرا کفایت می‌کند؟» فرمود: «همان قدر که جلوی گرسنگی تو را بگیرد و تنت را بپوشاند و اگر خانه‌ای داشتی که سرپناه تو باشد چه بهتر و اگر چهارپایی نیز داشتی که سوارش شوی خوب است؛ اما هرچه بیشتر از این داشته باشی باید مورد حساب قرار گیری».

﴿۳۴۳۶﴾ بدان که امام شما به دو لباس کهنه‌ی خود از دنیا اکتفا کرده و گرسنگی شدید خود را با دو قرص نان رفع کرده و به‌جز گوشت قربانی حج [که در سال یک‌بار است]، گوشت دیگری نخورده است. شما به چنین زندگی ساده‌ای قادر نیستید؛ پس با تقوا و تلاش [برای قرار گرفتن در این مسیر] مرا یاری کنید.

﴿۳۴۳۷﴾ امت من در دنیا بر سه دسته هستند: دسته‌ی اول کسانی هستند که جمع‌آوری مال را دوست ندارند، پس کسب و کارشان را وسعت نمی‌دهند و در نگهداری و احتکار آن سعی نمی‌کنند؛ همانا از دنیا به اندازه‌ی سدّ جوع و پوشاندن عورت راضی شده‌اند و از دنیا، جز به آنچه که آن‌ها را به آخرت برساند، بی‌نیاز شده‌اند. پس آن‌ها در امان هستند و از کسانی هستند که ترس و اندوهی ندارند.

۵-۳-۸- دنیا را برای خیر گرفتن

۱-۵-۳-۸- عمل صالح

﴿۳۴۳۸﴾ اما بعد! دنیا سرای تجارتی است که سود یا زیان آن آخرت است؛ پس سعادت‌مند کسی است که متاعش در آن اعمال صالح باشد و کسی باشد که دنیا را دقیق ببیند و اندازه‌ی آن را به میزان آن اندازه‌گیری کند.

﴿۳۴۳۹﴾ علم سه چیز است: ۱. آیه‌ی محکم ۲. فریضه‌ی عادلانه ۳. سنتی پابرجا. مردم سه دسته‌اند: ۱. نادان و جاهلی که از آموختن امتناع می‌کند و بیزار است. ۲. عالم و دانشمندی که علمش او را سست و ضعیف ساخته است. ۳. و خردمند و عاقلی که برای دنیا و آخرتش تلاش می‌کند.

۲-۵-۳-۸- اصلاح

﴿۳۴۴۰﴾ دینم را که عصمت کارم است شایسته بگردان و دنیایم را که زندگی‌ام در آن است، برایم سامان ده؛ و آخرتم را که بازگشتم به آن است، نیکو بنما... در کار دنیا و آخرتم، با آنچه که دوستداران و برگزیدگان از میان بندگان نیکت را کفایت کردی، مرا نیز بسنده باش.

﴿۳۴۴۱﴾ خدایا! اگر کاری که قصد انجام آن دارم به صلاح دین و دنیا و امور زودگذر دنیا و امور آینده‌ی آخرت من است، مرا به آن امر [هدایت کن] و گرنه مرا از آن دور کن.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا﴾

٨-٣-٥-٣- الإِسْتِعْفَافُ عَنِ الْمَسْأَلَةِ وَالْإِسْتِغْنَاءُ عَنِ النَّاسِ

﴿٣٤٤٢﴾ الرسول ﷺ: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالًا اسْتِعْفَافًا عَنِ الْمَسْأَلَةِ وَ سَعِيَ عَلَى عِيَالِهِ وَ تَعَطُّفًا

عَلَى جَارِهِ لَقِيَ اللَّهَ وَ وَجْهَهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ١٧

﴿٣٤٤٣﴾ الصادق ﷺ: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا اسْتِغْنَاءً عَنِ النَّاسِ وَ تَعَطُّفًا عَلَى الْجَارِ لَقِيَ اللَّهَ وَ

وَجْهَهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ؛ بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٨

﴿٣٤٤٤﴾ الباقر ﷺ: إِنَّ مُحَمَّدَ بْنَ الْمُكَدَّرِ كَانَ يَقُولُ... خَرَجْتُ إِلَى بَعْضِ نَوَاحِي الْمَدِينَةِ فِي

سَاعَةِ حَارَةٍ فَلَقِيَنِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ كَانَ رَجُلًا بَادِنًا ثَقِيلًا وَ هُوَ مُتَكِيٌّ عَلَى غُلَامَيْنِ

أَسْوَدَيْنِ أَوْ مَوْلَيْنِ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي سُبْحَانَ اللَّهِ شَيْخٌ مِنْ أَشْيَاحِ قُرَيْشٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ عَلَى هَذِهِ

الْحَالِ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا... فَقُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ شَيْخٌ مِنْ أَشْيَاحِ قُرَيْشٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ عَلَى هَذِهِ

الْحَالِ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا أَرَأَيْتَ لَوْ جَاءَ أَجْلُكَ وَ أَنْتَ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ مَا كُنْتَ تَصْنَعُ فَقَالَ لَوْ

جَاءَنِي الْمَوْتُ وَ أَنَا عَلَى هَذِهِ الْحَالِ جَاءَنِي وَ أَنَا فِي [طَاعَةٍ مِنْ] طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَكْفُ بِهَا

نَفْسِي وَ عِيَالِي عَنْكَ وَ عَنِ النَّاسِ؛ الكافي، ج ٤٦، ص ٣٥١

٨-٣-٥-٤- إِطْفَاءُ بَاطِلٍ وَ إِحْيَاءُ حَقٍّ

﴿٣٤٤٥﴾ امير المؤمنين ﷺ: وَ مِنْ كِتَابٍ لَهُ ﷺ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الْعَبْدَ

لَيَفْرَحُ بِالشَّيْءِ الَّذِي لَمْ يَكُنْ لَيَفُوتَهُ وَ يَحْزَنُ عَلَى الشَّيْءِ الَّذِي لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ فَلَا يَكُنْ أَفْضَلَ مَا

نَلْتُ فِي نَفْسِكَ مِنْ دُنْيَاكَ بُلُوغَ لَذَّةٍ أَوْ شِفَاءَ غَيْظٍ وَ لَكِنْ إِطْفَاءُ بَاطِلٍ أَوْ إِحْيَاءُ حَقٍّ وَ لِيَكُنْ

سُرُورُكَ بِمَا قَدَّمْتَ وَ أَسْفَكَ عَلَى مَا خَلَّفْتَ وَ هَمُّكَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣،

ص ٤٩٢

٨-٣-٥-٥- إِمَانَةُ الْبَاطِلِ

﴿٣٤٤٦﴾ امير المؤمنين ﷺ: لَا يَكُونَنَّ أَفْضَلُ مَا نَلْتُ مِنْ دُنْيَاكَ بُلُوغَ لَذَّةٍ وَ شِفَاءَ غَيْظٍ وَ

لِيَكُنْ إِحْيَاءُ حَقٍّ وَ إِمَانَةُ بَاطِلٍ؛ غرر الحكم، ص ٦٩

٨-٣-٥-٦- الْإِنْفَاقُ

﴿٣٤٤٧﴾ امير المؤمنين ﷺ: إِنَّمَا لَكَ مِنْ دُنْيَاكَ مَا أَصْلَحْتَ بِهِ مَثْوَاكَ فَانْفِقْ فِي حَقٍّ وَ لَا

تَكُنْ خَازِنًا لِغَيْرِكَ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢١٢

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / بهره‌مندی از دنیا»

۳-۵-۸- بی‌نیازی از درخواست از مردم، بی‌نیازی از مردم

«۳۴۴۲» هرکس به خاطر بی‌نیازی از مردم و به خاطر تلاش برای رفاه خانواده‌اش و عطوفت و مهربانی به همسایه‌اش دنیای حلال را طلب کند، در روز قیامت خداوند را در حالی ملاقات می‌کند که صورتش چون ماه شب چهارده می‌درخشد.

«۳۴۴۳» کسی که دنیا را برای بی‌نیازی از مردم و نیکی به همسایه طلب کند، در روز قیامت خداوند را در حالی ملاقات می‌کند که صورتش چون ماه شب چهارده می‌درخشد.

«۳۴۴۴» محمد بن منکدر گوید: در شدت گرما به خارج از مدینه رفتم. امام باقر علیه السلام را که مردی فربه بود و تکیه به دو غلام سیاه خود داشت، دیدم با خود گفتم، شخصی از بزرگان قریش در چنین ساعتی با این حال در جستجوی دنیاست... عرض کردم: «خدا خیرت بدهد! شخصیتی بزرگ از خاندان قریش در چنین ساعتی با این حال باید در طلب دنیا باشد! اگر در این حال مرگ تو را فرا بگیرد چه می‌کنی؟ خود را از دو غلام جدا نمود و تکیه کرده و گفت: «به خدا سوگند! اگر مرگ مرا در این حال فرا گیرد، من در حال انجام یک وظیفه‌ی دینی هستم که خود و خانواده‌ام را از نیاز پیدا کردن به تو و مردم نکه داشته‌ام!»

۴-۵-۸- خاموش کردن باطل و زنده کردن حق

«۳۴۴۵» نامه امیرالمؤمنین علیه السلام به عبدالله بن عباس: «پس از یاد خدا و درود! همانا انسان از به‌دست آوردن چیزی خشنود می‌شود که هرگز آن را از دست نخواهد داد، و برای چیزی اندوهناک می‌شود که هرگز به دست نخواهد آورد؛ پس بهترین چیز نزد تو در دنیا رسیدن به لذت‌ها یا انتقام گرفتن نباشد، بلکه هدف تو خاموش کردن باطل یا زنده کردن حق باشد؛ تنها به توشه‌ای که از پیش فرستادی خشنود باش و بر آنچه به جای می‌گذاری حسرت بخور و همت و تلاش خود را برای پس از مرگ قرار ده».

۵-۵-۸- از بین بردن باطل

«۳۴۴۶» آنچه از دنیا به دست می‌آوری، بیش از آنکه برای رسیدن به لذت‌ها و کنار گذاشتن خشم‌ها باشد باید برای احیای حق و از بین بردن باطل خرج شود.

۶-۵-۸- انفاق

«۳۴۴۷» همانا برای تو از دنیا آنقدر وجود دارد که آینده‌ات را شایسته کنی؛ پس در راه حق انفاق کن و خزانه‌دار دیگران نباش.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا﴾

﴿٣٤٤٨﴾ السَّجَادُ عليه السلام: اجْعَلِ الدُّنْيَا دِرْهَمَيْنِ دِرْهَمًا أَنْفَقْتَهُ عَلَى عِيَالِكَ وَ دِرْهَمًا قَدَّمْتَهُ لِأَخْرَجْتَكَ وَ الثَّلَاثُ يَضُرُّ وَ لَا يَنْفَعُ لَا تُرْذِئْ اجْعَلِ الدُّنْيَا كَلِمَتَيْنِ كَلِمَةً فِي طَلَبِ الْحَلَالِ وَ كَلِمَةً لِلْآخِرَةِ وَ الثَّلَاثَةُ تَضُرُّ وَ لَا تَنْفَعُ لَا تُرْذِئْهَا؛ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، ج ٢، ص ٢٨٢

﴿٣٤٤٩﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالًا اسْتَعْفَافًا عَنِ الْمَسْأَلَةِ وَ سَعْيًا عَلَى عِيَالِهِ وَ تَعَطُّفًا عَلَى جَارِهِ لَقِيَ اللَّهَ وَ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ؛ مُسْتَدْرِكُ الْوَسَائِلِ، ج ١٣، ص ١٧

﴿٣٤٥٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: أَعْجَبُ لِمَنْ يَبْخُلُ بِالدُّنْيَا وَ هِيَ مُقْبِلَةٌ عَلَيْهِ أَوْ يَبْخُلُ عَلَيْهَا وَ هِيَ مُدْبِرَةٌ عَنْهُ فَلَا الْإِنْفَاقَ مَعَ الْإِقْبَالِ يَضُرُّهُ وَ لَا الْإِمْسَاكُ مَعَ الْإِدْبَارِ يَنْفَعُهُ؛ الْأَمَالِيُّ لِلصَّدُوقِ، ص ١٦٩

٨-٣-٥٧-طَاعَةُ

﴿٣٤٥١﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَاجْعَلْهَا طَاعَةً وَ بَابُ ذَلِكَ كُلِّهِ مُلَازِمَةُ الْخُلُوعِ بِمُداوَمَةِ الْفِكْرَةِ وَ سَبَبُ الْخُلُوعِ الْقَنَاعَةُ وَ تَرْكُ الْفُضُولِ مِنَ الْمَعَاشِ وَ سَبَبُ الْفِكْرِ الْفَرَاغُ وَ عِمَادُ الْفَرَاغِ الزُّهْدُ وَ تَمَامُ الزُّهْدِ التَّقْوَى وَ بَابُ التَّقْوَى الْخَشْيَةُ وَ دَلِيلُ الْخَشْيَةِ التَّعْظِيمُ لِلَّهِ وَ التَّمَسُّكُ بِتَخْلِيصِ طَاعَتِهِ وَ أَوَامِرِهِ وَ الْخَوْفُ وَ الْحَذَرُ وَ الْوُقُوفُ عَنْ مَحَارِمِهِ وَ دَلِيلُهَا الْعِلْمُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ٦٧، ص ٦٨

﴿٣٤٥٢﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: مَنْ اسْتَوَى يَوْمَاهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ الدُّنْيَا دَارُ مِخْنَةِ الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَاجْعَلُوهَا طَاعَةً؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ٧٤، ص ١٦٦

﴿٣٤٥٣﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: رَبِّي دَعَتْنِي دَوَاعِي الدُّنْيَا مِنْ حَرِّ النَّسَاءِ وَ الْبَيْنِ فَاجْتَنِبْهَا سَرِيعًا... اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا سَعْيِي لَكَ وَ فِي طَاعَتِكَ؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ٩١، ص ٢٣٤

٨-٣-٥٨-الْخَيْرُ

﴿٣٤٥٤﴾ الْبَاقِرُ عليه السلام: إِنْ فِيمَا نَاجَى اللَّهَ تَعَالَى بِهِ مُوسَى عليه السلام أَنْ قَالَ: إِنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ بِشَوَابٍ لِلْمُؤْمِنِ بِعَمَلِهِ وَ لَا نَقِمَةٍ لِلْفَاجِرِ بِقَدْرِ ذَنْبِهِ هِيَ دَارُ الظَّالِمِينَ إِلَّا الْعَامِلُ فِيهَا بِالْخَيْرِ فَإِنَّهَا لَهُ نِعْمَتٌ الدَّارُ؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ١٣، ص ٣٥٣

﴿٣٤٥٥﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: وَ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَتِي وَ بَارِكْ لِي فِي دُنْيَايَ الَّتِي بِهَا بَلَاغِي وَ أَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مَعَادِي وَ اجْعَلْ دُنْيَايَ زِيَادَةً فِي كُلِّ خَيْرٍ؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ٨٧، ص ٣١٠

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / بهره‌مندی از دنیا»

﴿۳۴۴۸﴾ دنیا را دو درهم قرار بده، درهمی که آن را برای خانواده‌ات خرج می‌کنی و درهمی که برای آخرت خود پیش می‌فرستی، درهم سوّم زیان می‌رساند و سودی ندارد، پس آن را طلب نکن. دنیا را در دو کلمه قرار بده. کلمه‌ای برای طلب حلال و کلمه‌ی دیگر برای آخرت؛ سوّمی نه سود می‌رساند و نه زیان؛ و خود را در آن وارد نکن.

﴿۳۴۴۹﴾ هرکس به خاطر بی‌نیازی از مردم و به خاطر تلاش برای رفاه خانواده‌اش و عطوفت و مهربانی به همسایه‌اش دنیای حلال را طلب کند، در روز قیامت خداوند را در حالی ملاقات می‌کند که صورتش چون ماه شب چهارده می‌درخشد.

﴿۳۴۵۰﴾ تعجّب می‌کنم از کسی که دنیا به او رو کرده اما او بخل می‌ورزد و یا دنیا از او پشت کرده اما او مانع آن می‌شود حال آنکه وقتی دنیا به او روی آورده اگر انفاق کند ضرر نمی‌بیند و وقتی که دنیا به او پشت کرده اگر امساک کند، سودی نمی‌برد.

۷-۵-۳-۸- اطاعت

﴿۳۴۵۱﴾ زندگی دنیا چون ساعتی است. پس آن یک ساعت را در طاعت خدا صرف کن. و این متوقف در خلوت نشستن و فکرکردن است، خلوت قناعت می‌آورد و زیادی معاش را ترک می‌کند، فراغ موجب می‌شود که آدمی تفکّر کند و فراغ ستون زهد به شمار می‌رود و همه‌ی زهد هم تقوی می‌باشد. باب تقوی خشیت است، و خشیت موجب تعظیم خداوند می‌باشد، اخلاص در طاعت از اوامر خداوند می‌باشد و ترس و احتیاط و توقّف از محرّمات می‌باشد. و دلیل آن هم علم می‌باشد خداوند فرموده است: **إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ**.

﴿۳۴۵۲﴾ هرکس دو روزش مساوی باشد مغبون است. دنیا سرای اندوه است و دنیا یک ساعت است آن را هم اطاعت قرار دهید.

﴿۳۴۵۳﴾ پروردگار! انگیزه‌های دنیا از آمیزش زنان و نیز فرزندان مرا به‌سوی خود خواند و من به شتاب دعوتش را پذیرفتم... خدا یا! [از تو می‌خواهم] چنان مقرر داری که کوششم در این دنیا خالص برای تو و در راه اطاعت و فرمانبرداریت باشد.

۸-۵-۳-۸- خیر

﴿۳۴۵۴﴾ در نجوای خداوند با موسی **عليه السلام** آمده که خداوند فرمود: دنیا ثواب مؤمن در قبال عمل او نیست و عذاب بر گناهکار نیز به قدر گناهش نمی‌باشد. دنیا سرای ظالمان است؛ مگر کسی که در آن به خیر عمل کند؛ و چه خوب سرایی برای آنان است.

﴿۳۴۵۵﴾ دینم را که عصمت کارم است شایسته بگردان و دنیایم را که در آن رشد می‌کنم، مبارک ساز و آخرتم را که بازگشت من است شایسته بگردان و دنیایم را موجب افزایش در هر خیری بگردان.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا﴾

٩-٥-٣-٨- الصِّدِّيقُ الْمُسَاعِدُ

﴿٣٤٥٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: هُمُومُ رَجَالٍ فِي أُمُورٍ كَثِيرَةٍ، وَهَمٌّ مِنَ الدُّنْيَا صَدِيقُ مُسَاعِدٍ، يَكُونُ كَرُوحٍ بَيْنَ جَسْمَيْنِ قُسِمَتْ؛ دِيْوَانُ الْإِمَامِ عَلَى عليه السلام، ص ١٤٦

١٠-٥-٣-٨- التَّعَطُّفُ عَلَى الْجَارِ

﴿٣٤٥٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا اسْتِغْنَاءً عَنِ النَّاسِ وَتَعَطُّفًا عَلَى الْجَارِ لَقِيَ اللَّهَ وَوَجْهَهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ؛ بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٨

﴿٣٤٥٨﴾ الرُّسُولُ عليه السلام: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالًا اسْتِغْنَاءً عَنِ الْمَسْأَلَةِ وَسَعْيًا عَلَى عِيَالِهِ وَتَعَطُّفًا عَلَى جَارِهِ لَقِيَ اللَّهَ وَوَجْهَهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ١٧

١١-٥-٣-٨- إِطْعَامُ الضَّيْفِ وَالصَّوْمُ بِالصَّيْفِ وَالضَّرْبُ بِالسَّيْفِ

﴿٣٤٥٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حُبٌّ إِلَى مَنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثُ؛ إِطْعَامُ الضَّيْفِ وَالصَّوْمُ بِالصَّيْفِ وَالضَّرْبُ بِالسَّيْفِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ٢٥٩

١٢-٥-٣-٨- أَدَاءُ الْأَمَانَةِ

﴿٣٤٦٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ أَقْوَامًا كَانَتْ الدُّنْيَا عِنْدَهُمْ وَدَيْعَةً فَادُّوْهَا إِلَى مَنْ ائْتَمَنَهُمْ عَلَيْهَا؛ الجعفریات، ص ٢٤٠

٦-٣-٨- مَا يَرْتَبِطُ بِالنَّفْسِ

١-٦-٣-٨- اخْتِيَارُ النَّفْسِ عَلَى الدُّنْيَا

﴿٣٤٦١﴾ عِيسَى عليه السلام: بِمَاذَا نَفَعَ امْرُؤٌ نَفْسَهُ بِاعْتَابِهَا بِجَمِيعِ مَا فِي الدُّنْيَا ثُمَّ تَرَكَ مَا بَاعَهَا بِهِ مِيرَاثًا لغيرِهِ وَاهْلَكَ نَفْسَهُ وَلَكِنْ طُوبَى لِامْرِئٍ خَلَصَ نَفْسَهُ وَاخْتَارَهَا عَلَى جَمِيعِ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٩

٢-٦-٣-٨- مُحَارَبَةُ النَّفْسِ عَلَيْهَا

﴿٣٤٦٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حَارِبُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى الدُّنْيَا وَاصْرِفُوهَا عَنْهَا فَإِنَّهَا سَرِيعَةُ الزَّوَالِ كَثِيرَةُ الزَّلْزَالِ وَشَبِيكَةُ الْإِنْتِقَالِ؛ غرر الحكم، ص ٢٤٢

٣-٦-٣-٨- بَيْعُ النَّفْسِ

﴿٣٤٦٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ إِلَى دَارٍ مَقَرٍّ وَالنَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ رَجُلٌ بَاعَ نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا وَرَجُلٌ ابْتَاعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣٠

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / بهره‌مندی از دنیا»

۸-۳-۵-۹- دوست همراه

«۳۴۵۶» مردم در دنیا نیت‌ها و مقصدهای متعددی دارند؛ اما هدف من از دنیا یافتن دوست همراهی است که مانند یک روح می‌باشد که در دو جسم پخش شده است.

۸-۳-۵-۱۰- نیکی به همسایه

«۳۴۵۷» کسی که دنیا را برای بی‌نیازی از مردم و نیکی به همسایه طلب کند، در روز قیامت خداوند را در حالی ملاقات می‌کند که صورتش چون ماه شب چهارده می‌درخشد. «۳۴۵۸» هرکس به خاطر بی‌نیازی از مردم و به خاطر تلاش برای رفاه خانواده‌اش و عطوفت و مهربانی به همسایه‌اش دنیای حلال را طلب کند، در روز قیامت خداوند را در حالی ملاقات می‌کند که صورتش چون ماه شب چهارده می‌درخشد.

۸-۳-۵-۱۱- اطعام مهمان و روزه در تابستان و جنگ با شمشیر

«۳۴۵۹» از دنیای شما سه چیز را دوست دارم: اطعام مهمان، روزه در تابستان و جنگ با شمشیر.

۸-۳-۵-۱۲- بازگرداندن امانت

«۳۴۶۰» خداوند رحمت کند قومی را که دنیا در نزدشان چون امانتی بود که آن را به صاحبش بازگردانند.

۸-۳-۶- آنچه به نفس مربوط است

۸-۳-۶-۱- خود را بر همه‌ی دنیا ترجیح دادن

«۳۴۶۱» انسان با انجام چه کاری به نفس خود سود می‌رساند؟! نفس خود را به تمام آنچه در دنیا وجود دارد، فروخت؛ سپس آنچه نفس خویش را به آن فروخته بود، برای دیگران به‌جا گذاشت. و خود را هلاک ساخت، ولی خوشا به سعادت انسانی که نفس خود را رها ساخت و آن را بر تمام دنیا ترجیح داد.

۸-۳-۶-۲- جنگ با نفس بر سر دنیا

«۳۴۶۲» با نفس‌های خود بر سر دنیا جنگ کنید، و از دنیا روی برگردانید که دنیا زود به پایان می‌رسد و بسیار پر لغزش است و پر از بلاهایی است که به شما منتقل می‌شود.

۸-۳-۶-۳- فروختن نفس

«۳۴۶۳» دنیا خانه‌ای است که باید از آن عبور کرد و در جایی دیگر مستقر شد، مردم در دنیا دو نفر بیش نیستند، مردی که خود را فروخت و هلاک ساخت و مردی که جانش را خرید و آزاد نمود.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا﴾

٨-٣-٧- ما يَرْتَبِطُ بِالَّذِينَ

٨-٣-٧-١- مُعِينُ الدِّينِ

﴿٣٤٤٤﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى دِينِي بِالدُّنْيَا

وَعَلَى آخِرَتِي بِالتَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٩١، ص ٣١٥

٨-٣-٧-٢- تَحْصِينُ الدِّينِ

﴿٣٤٤٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: حَصِّنُوا الدِّينَ بِالدُّنْيَا وَلَا تُحَصِّنُوا الدُّنْيَا بِالَّذِينَ؛ غرر الحكم، ص ٨٥

٨-٣-٧-٣- إِحْرَازُ الدِّينِ

﴿٣٤٤٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ جَعَلْتَ دُنْيَاكَ تَبْعًا لِدِينِكَ أَحْرَزْتَ دِينَكَ وَدُنْيَاكَ وَ

كُنْتَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْفَائِزِينَ؛ غرر الحكم، ص ٨٥

٨-٣-٧-٤- صِيَانَةُ الدِّينِ

﴿٣٤٤٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: صُنِ الدِّينَ بِالدُّنْيَا يُنْجِكَ وَلَا تَصُنِ الدُّنْيَا بِالَّذِينَ فَتُرْدِيكَ؛

غرر الحكم، ص ١٣٠

﴿٣٤٤٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: صُنِ دِينَكَ بِدُنْيَاكَ تَرْبُحُهُمَا وَلَا تَصُنِ دُنْيَاكَ بِدِينِكَ

فَتُخْسِرَهُمَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٦

٨-٣-٧-٥- وَقَايَةُ الدِّينِ

﴿٣٤٤٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْمُؤْمِنُ مَنْ وَقَى دِينَهُ بِدُنْيَاهُ وَالْفَاجِرُ مَنْ وَقَى دُنْيَاهُ بِدِينِهِ؛

غرر الحكم، ص ٩٠

٨-٣-٧-٦- إِجْعَلْ دُنْيَاكَ تَبْعًا لِدِينِكَ

﴿٣٤٧٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ جَعَلْتَ دُنْيَاكَ تَبْعًا لِدِينِكَ أَحْرَزْتَ دِينَكَ وَدُنْيَاكَ وَ

كُنْتَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْفَائِزِينَ؛ غرر الحكم، ص ٨٥

٨-٣-٧-٧- دِينُكُمْ أَمَامَ دُنْيَاكُمْ

﴿٣٤٧١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّا وَاللَّهِ مَا ثَنَانَا عَنْ أَهْلِ الشَّامِ بِالسَّلَامَةِ وَالصَّبْرِ فَثَبَتَ

[فَسَلَبَتْ] السَّلَامَةُ بِالْعَدَاوَةِ وَالصَّبْرُ بِالْجَزَعِ وَكُنْتُمْ فِي مَبْدِئِكُمْ إِلَى صَفِينٍ وَدِينُكُمْ أَمَامَ دُنْيَاكُمْ

وَقَدْ أَصْبَحْتُمْ الْيَوْمَ وَدُنْيَاكُمْ أَمَامَ دِينِكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٠٦

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / بهره‌مندی از دنیا»

۸-۳-۷- آنچه با دین ارتباط دارد

۸-۳-۷-۱ کمک دین

«۳۴۶۴» از تو می‌خواهم بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام درود فرست، خدایا با امکانات دنیا مرا بر دینم و با تقوا بر آخرتم یاری کن.

۸-۳-۷-۲ نگهداری از دین

«۳۴۶۵» دین را با دنیا نگهداری کنید و دنیا را با دین حراست نکنید.

۸-۳-۷-۳ جمع کردن دین

«۳۴۶۶» اگر دنیای خود را پیرو دین خود کنی، دین و دنیایت را یکجا جمع می‌کنی و در آخرت از رستگاران هستی.

۸-۳-۷-۴ حفظ کردن دین

«۳۴۶۷» دین را با دنیا حفظ کن تا نجات یابی اما دنیا را با دینت حفظ نکن که هلاک می‌گردد.

«۳۴۶۸» دینت را با دنیایت حفظ کن تا در هر دو سود کنی اما دنیایت را با دینت حفظ نکن که در هر دو زیان خواهی کرد.

۸-۳-۷-۵ نگهداری از دین

«۳۴۶۹» مؤمن کسی است که دینش را با دنیایش حفظ کند و گناهکار کسی است که دنیایش را با دینش حفظ کند.

۸-۳-۷-۶ دنیای خود را پیرو دین خود کن

«۳۴۷۰» اگر دنیای خود را پیرو دین خود کنی، دین و دنیایت را یکجا جمع می‌کنی و در آخرت از رستگاران هستی.

۸-۳-۷-۷ دینتان جلوتر از دنیایتان

«۳۴۷۱» به خدا سوگند! آنچه ما را از [جنگ] شامیان بازداشت نه شک بود و نه پشیمانی، و جز این نبود که ما جمعیت، پیوسته با سلامت [فکر] و پایداری با شامیان در نبرد بودیم، ولی [امروز] سلامت دل‌ها به دشمنی تبدیل شده و پایداری به بی‌تابی و شما در حالی در مأموریت نبرد به صفین بودید که دینتان را مقدم بر دنیای خود می‌دانستید ولی امروز دنیا مقدم بر دینتان شده است.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا﴾

٨-٣-٨- ما يَرْتَبِطُ بِالْآخِرَةِ

٨-٣-٨-١- إِصْلَاحُ الْآخِرَةِ

﴿٣٤٧٢﴾ الرسول ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ أَقْبِلُوا عَلَى مَا كُفِّتُمُوهُ مِنْ إِصْلَاحِ آخِرَتِكُمْ وَأَعْرِضُوا عَمَّا

ضَمِنَ لَكُمْ مِنْ دُنْيَاكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٤

﴿٣٤٧٣﴾ الرسول ﷺ: إِنَّمَا لَكَ مِنْ دُنْيَاكَ مَا أَصْلَحْتَ بِهِ مَتَوَاكٍ؛ أعلام الدين، ص ٢٨٨

٨-٣-٨-٢- مُعَايَنَةُ الْآخِرَةِ بِالْقَلْبِ

﴿٣٤٧٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ... رَفَعَ عَقْلَهُ عَنْ أَهْلِ الدُّنْيَا فَبَدَنَهُ مَعَ

أَهْلِ الدُّنْيَا وَقَلْبُهُ وَعَقْلُهُ مُعَايِنُ الْآخِرَةِ قَاطِفًا بَصَوِّ قَلْبِهِ مَا أَبْصَرَتْ عَيْنَاهُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا فَقَدَّرَ

حَرَامَهَا وَجَانَبَ شُبُهَاتِهَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٦

﴿٣٤٧٥﴾ الرسول ﷺ: الزَّاهِدُ الَّذِي يَخْتَارُ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَالذَّلَّ عَلَى الْعِزِّ وَالدُّنْيَا... وَ

تَكُونُ نَفْسُهُ فِي الدُّنْيَا وَقَلْبُهُ فِي الْآخِرَةِ؛ مصباح الشريعة، ص ١٣٧

٨-٣-٨-٣- صِيَانَةُ الْآخِرَةِ

﴿٣٤٧٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ذَلَّ فِي نَفْسِكَ وَعَزَّ فِي دِينِكَ وَصُنَّ آخِرَتَكَ وَابْذُلْ دُنْيَاكَ؛

غرر الحكم، ص ٣٢٤

٨-٣-٨-٤- تِجَارَةُ الْآخِرَةِ

﴿٣٤٧٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْأَعْمَالُ فِي الدُّنْيَا تِجَارَةُ الْآخِرَةِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٧

﴿٣٤٧٨﴾ السَّجَادُ عليه السلام: وَالدُّنْيَا سُوقُ الْآخِرَةِ وَالنَّفْسُ تَاجِرَةٌ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٥٩

﴿٣٤٧٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الدُّنْيَا دَارُ تِجَارَةٍ وَرِبْحُهَا أَوْ خُسْرُهَا الْآخِرَةُ

فَالسَّعِيدُ مَنْ كَانَتْ بِضَاعَتُهُ فِيهَا الْأَعْمَالُ الصَّالِحَةَ وَمَنْ رَأَى الدُّنْيَا بَعَيْنِهَا وَقَدَّرَهَا بِقَدْرِهَا؛

شرح نهج البلاغة، ج ١٦، ص ١٣٣

﴿٣٤٨٠﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا سُوقٌ مِنَ الْأَسْوَاقِ مِنْهَا خَرَجَ قَوْمٌ بِمَا يَنْفَعُهُمْ وَمِنْهَا خَرَجُوا

بِمَا يَضُرُّهُمْ وَكَمْ مِنْ قَوْمٍ قَدْ غَرَّتْهُمْ بِمِثْلِ الَّذِي أَصْبَحْنَا فِيهِ حَتَّى أَتَاهُمُ الْمَوْتُ فَاسْتَوْعَبُوا

فَخَرَجُوا مِنَ الدُّنْيَا مَلُومِينَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ٣٢٦

﴿٣٤٨١﴾ السَّجَادُ عليه السلام: وَالدُّنْيَا سُوقُ الْآخِرَةِ وَالنَّفْسُ تَاجِرَةٌ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ٥٩

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / بهره‌مندی از دنیا»

۸-۳-۸- آنچه به آخرت مربوط است

۸-۳-۸-۱ اصلاح آخرت

«۳۴۷۲» ای مردم! به آنچه که برای اصلاح آخرتتان مکلف شده‌اید، روی بیاورید. از آنچه که دنیای شما برایتان ضمانت می‌کند، دوری کنید.
«۳۴۷۳» از دنیا همان برای توست که اصلاح آخرت کرده‌ای.

۸-۳-۸-۲ نگرستن به آخرت با چشم دل

«۳۴۷۴» کسی که تقوای الهی را پیشه کند، عقل خود را از اهل دنیا برمی‌دارد. جسمش همراه اهل دنیا اما دل و عقلش نگران آخرت است. پس به‌وسیله‌ی نور دلش آنچه چشمانش از دوستی دنیا می‌بیند، خاموش می‌کند. حرام دنیا را ناپاک می‌داند و از شبهه‌ناک آن دوری می‌نماید.

«۳۴۷۵» زاهد کسی است که آخرت را بر دنیا و گمنامی را بر مقام و جاه و عزت برمی‌گزیند... درحالی که بدنش در دنیاست، روح و دلش در آخرت و به فکر آن می‌باشد.

۸-۳-۸-۳ مراقبت از آخرت

«۳۴۷۶» نفس خود را خاضع نگه‌دار و دینت را عزیز کن، مراقب آخرت باش و دنیایت را ببخش.

۸-۳-۸-۴ تجارت برای آخرت

«۳۴۷۷» اعمال و کردارها در دنیا تجارت برای آخرت است.
«۳۴۷۸» دنیا بازار آخرت و نفس انسان تاجر است.
«۳۴۷۹» اما بعد! دنیا سرای تجارتی است که سود یا زیان آن آخرت است؛ پس سعادت‌مند کسی است که متاعش در آن اعمال صالح باشد و کسی باشد که دنیا را دقیق ببیند و اندازه‌ی آن را به میزان آن اندازه‌گیری کند.
«۳۴۸۰» دنیا بازاری از بازارهاست که بعضی از این بازار سود می‌برند و برخی زیان می‌بینند. چه بسا افرادی که این دنیا فریبشان داد؛ مثل وضعیتی که در آن هستیم تا اینکه مرگ گریبان آن‌ها را گرفت. و با سرزنش از دنیا خارج شدند.
«۳۴۸۱» دنیا بازار آخرت و نفس انسان تاجر است.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا﴾

٨-٣-٨-٥- تقديم الآخرة

﴿٣٤٨٢﴾ السَّجَّادُ عليه السلام: اجْعَلِ الدُّنْيَا دِرْهَمَيْنِ دِرْهَمًا أَنْفَقْتَهُ عَلَى عِيَالِكَ وَدِرْهَمًا قَدَّمْتَهُ لِآخِرَتِكَ وَالثَّالِثُ يَضُرُّ وَلَا يَنْفَعُ لَا تُرْذِهِ اجْعَلِ الدُّنْيَا كَلِمَتَيْنِ كَلِمَةً فِي طَلَبِ الْحَلَالِ وَكَلِمَةً لِلْآخِرَةِ وَالثَّانِيَةُ تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ لَا تُرْذِهَا؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٢٨٢

٨-٣-٨-٦- الأخذ من الدنيا للآخرة

﴿٣٤٨٣﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَلْيَأْخُذِ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ مِنْ نَفْسِهِ لِنَفْسِهِ وَمِنْ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَفِي الشَّيْبَةِ قَبْلَ الْكِبَرِ وَفِي الْحَيَاةِ قَبْلَ الْمَمَاتِ؛ الكافي، ج ٢، ص ٧٠

٨-٣-٨-٧- الذَّخْرُ لِلْآخِرَةِ

﴿٣٤٨٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا خَافَ امْرُؤٌ عَدَلَ فِي حُكْمِهِ وَأَطْعَمَ مِنْ قُوَّتِهِ وَذَخَرَ مِنْ دُنْيَاهُ

لِآخِرَتِهِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٥٥

٨-٣-٨-٨- التَّعَبُ فِي الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ

﴿٣٤٨٥﴾ السَّجَّادُ عليه السلام: كُلَّ مَا تَعَبَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا بَلْ تَعَبُوا فِي الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ؛

بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٩٢

٨-٣-٨-٩- جَعَلَ الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ

﴿٣٤٨٦﴾ الكَاسِمُ عليه السلام: اجْعَلِ الدُّنْيَا كَلِمَتَيْنِ كَلِمَةً فِي طَلَبِ الْحَلَالِ وَكَلِمَةً لِلْآخِرَةِ وَالثَّانِيَةُ تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ فَلَا تُرْذِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٦٨، ص ٢٧٨

٨-٣-٨-١٠- مَا بَلَغَ بِهِ الْآخِرَةُ

﴿٣٤٨٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَكُونُ أُمْتِي فِي الدُّنْيَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَطْبَاقٍ أَمَّا الطَّبَقُ الْأَوَّلُ فَلَا يُحِبُّونَ جَمْعَ الْمَالِ وَادِّخَارَهُ وَلَا يَسْعَوْنَ فِي اقْتِنَائِهِ وَاحْتِكَارِهِ وَإِنَّمَا رِضَاهُمْ مِنَ الدُّنْيَا سَدُّ جَوْعَةٍ وَسِتْرُ عَوْرَةٍ وَغِنَاهُمْ فِيهَا مَا بَلَغَ بِهِمْ الْآخِرَةُ فَأُولَئِكَ الْأَمْنُونَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛

بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٦

٨-٣-٨-١١- الْإِنْفَاقُ عَلَى الْآخِرَةِ

﴿٣٤٨٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَيْسَ لِأَحَدٍ مِنْ دُنْيَاهُ إِلَّا مَا أَنْفَقَهُ عَلَى أَخْرَاهُ؛ غرر الحكم،

ص ١٤٧

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / بهره‌مندی از دنیا»

۸-۳-۸-۵- مقدم داشتن آخرت

«۳۴۸۲» دنیا را دو درهم قرار بده، درهمی که آن را برای خانواده‌ات خرج می‌کنی و درهمی که برای آخرت خود پیش می‌فرستی، درهم سوّم زیان می‌رساند و سودی ندارد، پس آن را طلب نکن. دنیا را در دو کلمه قرار بده. کلمه‌ای برای طلب حلال و کلمه‌ی دیگر برای آخرت؛ سوّمی نه سود می‌رساند و نه زیان؛ و خود را در آن وارد نکن.

۸-۳-۸-۶- از دنیا برای آخرت توشه گرفتن

«۳۴۸۳» بنده‌ی مؤمن باید از تلاش خودش برای خودش کار کند و از دنیایش توشه‌ی آخرت بگیرد و در جوانی و قبل از پیری و در دوران حیاتش و قبل از مرگش تلاش کند.

۸-۳-۸-۷- ذخیره کردن برای آخرت

«۳۴۸۴» شخصی که در حکمش عادلانه برخورد کرده و به قدر قوت و روزی‌اش غذا خورده و از دنیایش برای آخرتش ذخیره کرده، ترسی ندارد.

۸-۳-۸-۸- به سختی افتادن در دنیا برای آخرت

«۳۴۸۵» آگاه باشید! اولیای خدا در دنیا برای دنیا کار نکردند بلکه آنان خود را در دنیا برای آخرت به سختی انداختند.

۸-۳-۸-۹- قراردادن دنیا برای آخرت

«۳۴۸۶» دنیا را در دو کلمه قرار بده. کلمه‌ای برای طلب حلال و کلمه‌ی دیگر برای آخرت؛ سوّمی نه سود می‌رساند و نه زیان و خود را در آن وارد نکن.

۸-۳-۸-۱۰- آنچه با آن به آخرت می‌توان رسید

«۳۴۸۷» امّت من در دنیا بر سه دسته هستند: دسته‌ی اوّل کسانی هستند که جمع‌آوری مال را دوست ندارند، پس کسب و کارشان را وسعت نمی‌دهند و در نگهداری و احتکار آن سعی نمی‌کنند؛ همانا از دنیا به اندازه‌ی سدّ جوع و پوشاندن عورت راضی شده‌اند و از دنیا، جز به آنچه که آن‌ها را به آخرت برساند، بی‌نیاز شده‌اند. پس آن‌ها در امان هستند و از کسانی هستند که ترس و اندوهی ندارند.

۸-۳-۸-۱۱- انفاق برای آخرت

«۳۴۸۸» کسی از دنیایش چیزی ندارد، مگر همان مقداری را که برای آخرتش انفاق کرده است.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا﴾

١٢-٨-٣-اختيار الآخرة

﴿٣٤٨٩﴾ الرسول ﷺ: وَمَنْ اخْتَارَ الْآخِرَةَ وَتَرَكَ الدُّنْيَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَغَفَرَ لَهُ مَسَاوِيَّ

عَمَلِهِ؛ وسائل الشريعة، ج ١٥، ص ٢٠٩

﴿٣٤٩٠﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ ﷺ مَنْ عَرَضَتْ لَهُ دُنْيَاهُ وَآخِرَتُهُ فَاخْتَارَ الْآخِرَةَ وَتَرَكَ

الدُّنْيَا فَلَهُ الْجَنَّةُ وَمَنْ أَخَذَ الدُّنْيَا اسْتِخْفَافًا بِآخِرَتِهِ فَلَهُ النَّارُ؛ جامع الأخبار، ص ١٠٨

﴿٣٤٩١﴾ الرسول ﷺ: الزَّاهِدُ الَّذِي يَخْتَارُ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَالدَّلَّ عَلَى الْعِزِّ وَالدُّنْيَا... وَ

تَكُونُ نَفْسُهُ فِي الدُّنْيَا وَقَلْبُهُ فِي الْآخِرَةِ؛ مصباح الشريعة، ص ١٣٧

﴿٣٤٩٢﴾ الرسول ﷺ: أَنَا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا... وَأَجُودَهُمْ كَفَاءً وَ

أَرْهَدَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَأَشَدَّهُمْ اجْتِهَادًا فَاسْتَبَشَرَتْ فَاطِمَةُ ﷺ؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١

﴿٣٤٩٣﴾ لقمان ﷺ: وَمَنْ يَكُونُ فِي الدُّنْيَا ذَلِيلًا وَفِي الْآخِرَةِ شَرِيفًا خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَكُونَ فِي

الدُّنْيَا شَرِيفًا وَفِي الْآخِرَةِ ذَلِيلًا وَمَنْ تَخَيَّرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ تَفْتِنَهُ الدُّنْيَا وَلَا نَصِيبَ لَهُ فِي

الْآخِرَةِ؛ عوالي اللآلي، ج ٣، ص ٥١٧

١٣-٨-٣-إِثَارُ أَمْرِ الْآخِرَةِ

﴿٣٤٩٤﴾ امير المؤمنين ﷺ: فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُؤْثِرَ مَا يَبْقَى عَلَى مَا يَفْنَى فَافْعَلْ؛ بحار الأنوار،

ج ٣٣، ص ٥٨٨

﴿٣٤٩٥﴾ الرسول ﷺ: ثَلَاثُ مَنْ كُنَّ فِيهِ اسْتِكْمَلَ إِيْمَانَهُ لَا يَخَافُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمَةً وَلَا يُرَائِي

بَشْيًءٍ مِنْ عَمَلِهِ وَإِذَا عَرَضَ عَلَيْهِ أَمْرَانِ أَحَدُهُمَا لِلدُّنْيَا وَالْآخَرُ لِلْآخِرَةِ آثَرَ أَمْرَ الْآخِرَةِ عَلَى

أَمْرِ الدُّنْيَا؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ٢٣٦

﴿٣٤٩٦﴾ الرسول ﷺ: وَلَوْ كُنْتُمْ تُوقِنُونَ بِخَيْرِ الْآخِرَةِ وَشَرِّهَا كَمَا تُوقِنُونَ بِالدُّنْيَا لَأَثَرْتُمْ

طَلَبَ الْآخِرَةِ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣٤

﴿٣٤٩٧﴾ امير المؤمنين ﷺ: قَوَامُ الدِّينِ بِأَرْبَعَةِ بَعَالِمٍ نَاطِقٍ مُسْتَعْمِلٍ لَهُ وَبَغْنَى لَا يَبْخُلُ بِفَضْلِهِ

عَلَى أَهْلِ دِينِ اللَّهِ وَبَفَقِيرٍ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ وَبِجَاهِلٍ لَا يَتَكَبَّرُ عَنْ طَلَبِ الْعِلْمِ؛ بحار الأنوار،

ج ٢، ص ٦٧

﴿٣٤٩٨﴾ امير المؤمنين ﷺ: مَنْ لَمْ يَسْتَغْنِ بِاللَّهِ عَنِ الدُّنْيَا فَلَا دِينَ لَهُ [مَنْ لَمْ يُؤْثِرِ الْآخِرَةَ عَلَى

الدُّنْيَا فَلَا عَقْلَ لَهُ]؛ غرر الحكم، ص ١٣٠

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / بهره‌مندی از دنیا»

۸-۳-۸-۱۲- برگزیدن آخرت

«۳۴۸۹» و هرکس آخرت را بر دنیا برگزیند، خداوند از او راضی شده و در برابر عملش از او راضی می‌شود.

«۳۴۹۰» ای علی! کسی که دنیا و آخرت به او عرضه شود و او آخرت را برگزیند و دنیا را ترک کند، بهشت از آن او خواهد بود و کسی که به قصد کوچک‌شمردن آخرت دنیا را برگزیند، جهنم از آن اوست.

«۳۴۹۱» زاهد کسی است که آخرت را بر دنیا و گمنامی را بر مقام و جاه و عزت برمی‌گزیند... درحالی که بدنش در دنیا است، روح و دلش در آخرت و به فکر آن می‌باشد.

«۳۴۹۲» [پیامبر ﷺ به دخترش فرمود:] «ما اهل بیتی هستیم که خداوند برای ما، آخرت را بر دنیا برگزیده... [علی علیه السلام] در جود و بخشش پشیمانی‌ترین و نسبت به تعلقات دنیوی زاهدترین و در کوشش و جدیت شدیدترین است. حضرت زهرا (ع) از آنچه پدرش فرمود، مسرور و خوشحال شد.

«۳۴۹۳» کسی که در دنیا ذلیل و در آخرت شریف است، بهتر از کسی است که در دنیا شریف و در آخرت ذلیل است. دنیا کسی را که آن را بر آخرت برگزیند، مورد بلا و فتنه قرار می‌دهد و بهره‌ای از آخرت نصیبش نمی‌شود.

۸-۳-۸-۱۳- ترجیح امر آخرت

«۳۴۹۴» پس اگر توانستی باقی را بر فانی ترجیح دهی، انجام بده.

«۳۴۹۵» سه چیز است که در هرکس باشد، ایمان او کامل است؛ مردی که در کار خدا از سرزنش سرزنش‌کنندگان بیم ندارد و در کار خویش ریا نمی‌کند و اگر دو کار پیش آید که یکی مربوط به دنیا و دیگری مربوط به آخرت است، کار آخرت را بر دنیا ترجیح می‌دهد.

«۳۴۹۶» اگر شما به خیر و شر آخرت باور داشتید، همان‌طوری که به دنیا باور دارید، هرآینه آخرت‌خواهی را بر دنیاجویی مقدم می‌داشتید.

«۳۴۹۷» قوام دین به چهار گروه است: به عالمی که دانش خود را بازگو کند و به آن عمل کند؛ به توانگری که بخل نوزد و بر متدینان انفاق کند؛ به مستمندی که آخرت خویش را به دنیا نفروشد؛ و به نادانی که در طلب دانش تکبر نکند.

«۳۴۹۸» کسی که با وجود خداوند در دنیا احساس بی‌نیازی نکند اصلاً دین ندارد و کسی که آخرت را بر دنیا ترجیح ندهد، عقل ندارد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا﴾

﴿٣٤٩٩﴾ الرضا عليه السلام: وَلَا مَقَامَ مِنْ مَقَامَاتِهِ فَرَّكَهُ زُهْدًا فِيهِ... وَاطْرَاحًا لِلدُّنْيَا وَاسْتِصْغَارًا لَهَا وَإِثَارًا لِلْآخِرَةِ وَنُفَاسَةً فِيهَا؛ بحار الأنوار، ج ٤٩، ص ١٥٩
٨-٣-٨-١٤- نَصِيبُ الْآخِرَةِ

﴿٣٥٠٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اجْعَلْ مِنْ نَفْسِكَ عَلَى نَفْسِكَ رَقِيبًا وَاجْعَلْ لِاخِرَتِكَ مِنْ دُنْيَاكَ نَصِيبًا؛ غرر الحكم، ص ٢٣٥
٨-٣-٨-١٥- بَيْعُ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ

﴿٣٥٠١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَازْمَعْ التَّرْحَالَ عِبَادُ اللَّهِ الْآخِرُ وَبَاغُوا قَلِيلًا مِنَ الدُّنْيَا لَا يَبْقَى بِكَثِيرٍ مِنَ الْآخِرَةِ لَا يَفْنَى؛ غرر الحكم، ص ١٤٧
٨-٣-٨-١٦- مَعْرِفَةُ الْآخِرَةِ

﴿٣٥٠٢﴾ الصادق عليه السلام: أَحْكِمْ أَمْرَ دِينِكَ كَمَا أَحْكَمَ أَهْلُ الدُّنْيَا أَمْرَ دُنْيَاهُمْ فَإِنَّمَا جُعِلَتِ الدُّنْيَا شَاهِدًا يُعْرَفُ بِهَا مَا غَابَ عَنْهَا مِنَ الْآخِرَةِ فَاعْرِفِ الْآخِرَةَ بِهَا وَلَا تَنْظُرْ إِلَى الدُّنْيَا إِلَّا بِالْإِعْتِبَارِ؛ الكافي، ج ٨، ص ٢٤٣
٨-٣-٨-١٧- الْعَمَلُ فِي الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ

﴿٣٥٠٣﴾ مواظب المسيح عليه السلام في الإنجيل: إِنَّمَا أَعْطَاكُمْ اللَّهُ الدُّنْيَا لِتَعْمَلُوا فِيهَا لِلْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣١٥

﴿٣٥٠٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: النَّاسُ فِي الدُّنْيَا عَامِلَانِ عَامِلٌ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا قَدْ شَغَلَتْهُ دُنْيَاهُ عَنْ آخِرَتِهِ يَخْشَى عَلَى مَنْ يَخْلُفُ الْفَقْرَ وَيَأْمَنُ عَلَى نَفْسِهِ فَيَفْنَى عُمُرُهُ فِي مَنَافِعَةِ غَيْرِهِ وَعَامِلٌ عَمِلَ فِي الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا فَجَاءَهُ الَّذِي لَهُ مِنَ الدُّنْيَا بَغِيرَ عَمَلٍ فَاحْرَزَ الْحَظَّيْنِ مَعًا وَمَلَكَ الدَّارَيْنِ جَمِيعًا فَأَصْبَحَ وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ لَا يَسْأَلُ اللَّهُ شَيْئًا فَيَمْنَعُهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣١
٨-٣-٩- التَّزَوُّدُ

٨-٣-٩-١- التَّزَوُّدُ

﴿٣٥٠٥﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الدُّنْيَا ثَلَاثَةَ أَجْزَاءٍ جُزْءٌ لِلْمُؤْمِنِ وَجُزْءٌ لِلْمُنَافِقِ وَجُزْءٌ لِلْكَافِرِ فَالْمُؤْمِنُ يَتَزَوَّدُ وَالدُّنْيَا يَتَزَيَّنُ وَالدُّنْيَا يَتَمَتَّعُ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣٧
﴿٣٥٠٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ عَرَفَ أَنَّهُ مُنْتَقِلٌ عَنْ دُنْيَاهُ كَيْفَ لَا يُحْسِنُ التَّزَوُّدَ لِأَخْرَافِهِ؛ غرر الحكم، ص ١٤٨

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / بهره‌مندی از دنیا»

﴿۳۴۹۹﴾ [ذو الریاستین] آن مقام را به خاطر پارسایی و همت بلند... و بی‌اعتنایی به دنیا و بی‌ارزشی آن در نظرش و توجه و گذشت و علاقه به عالم آخرت، نپذیرفت.

۸-۳-۸-۱۴- بهره آخرت

﴿۳۵۰۰﴾ مراقب خودت باش و از دنیایت بهره‌ای برای آخرت خود بردار.

۸-۳-۸-۱۵- خریدن دنیا با آخرت

﴿۳۵۰۱﴾ بندگان شایسته‌ی خداوند آماده‌ی کوچ کردن هستند و دنیای اندک و فانی را به آخرت بزرگ و باقی فروخته‌اند.

۸-۳-۸-۱۶- شناخت آخرت

﴿۳۵۰۲﴾ امر دینت را محکم کن همان‌گونه که اهل دنیا، کار دنیایشان را محکم می‌گیرند. دنیا شاهی قرار داده شده که به واسطه‌ی آن، اخباری از قیامت که از دیده‌ها غایب است، شناخته می‌شود، پس آخرت را به واسطه‌ی دنیا بشناس و به دنیا جز به دیده‌ی عبرت منگر.

۸-۳-۸-۱۷- کار در دنیا برای آخرت

﴿۳۵۰۳﴾ خداوند دنیا را فقط به خاطر اینکه در آن به انجام اعمالی بپردازید و آخرت را آباد سازید، به شما بخشیده است.

﴿۳۵۰۴﴾ مردم در دنیا دو دسته‌اند: کسی که در دنیا برای دنیا کار می‌کند. دنیای او، وی را از آخرتش مشغول کرده و باز می‌دارد. او بر بازماندگان نسبت به فقر می‌ترسد درحالی‌که خود را ایمن می‌داند. پس عمرش به سود دیگری کاملاً از دست می‌رود. و دیگری؛ کسی که در دنیا برای آخرت کار می‌کند. پس آنچه از دنیا قسمت اوست بدون کار کردن به او می‌رسد؛ پس سود دنیا و آخرت را با هم به دست می‌آورد و مالک خانه‌ی دنیا و آخرت می‌شود. پس در نزد خداوند آبرومند شده و از خداوند چیزی را نمی‌خواهد که دریغ شود.

۸-۳-۹- توشه برداشتن

۸-۳-۹-۱- توشه برداشتن

﴿۳۵۰۵﴾ خداوند دنیا را سه بخش قرار داده است: بخشی برای مؤمن و بخشی برای منافق و بخش دیگر برای کافر، اما مؤمن از دنیا توشه برمی‌دارد، منافق آن را می‌آراید و کافر از دنیا کامروایی می‌کند.

﴿۳۵۰۶﴾ در عجبم از کسی که می‌داند از دنیایش منتقل خواهد شد؛ چرا برای آخرت خود زاد و توشه‌ی خوبی بر نمی‌گیرد.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا﴾

﴿٣٥٠٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَلْتَكُنِ الدُّنْيَا أَصْغَرَ فِي أَعْيُنِكُمْ مِنْ خُثَالَةِ الْقُرْصِ... تَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تُحْرِزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٨

﴿٣٥٠٨﴾ الرسول ﷺ: فَلْيَتَزَوَّدِ الْعَبْدُ مِنْ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَمِنْ حَيَاتِهِ لِمَوْتِهِ وَمِنْ شَبَابِهِ لِهَرَمِهِ فَإِنَّ الدُّنْيَا خُلِقَتْ لَكُمْ وَأَنْتُمْ خُلِقْتُمْ لِلْآخِرَةِ؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣١

﴿٣٥٠٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ أَذْبَرَتْ وَأَذَنْتْ أَهْلَهَا بِوَدَاعٍ... فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تُحْرِزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا مِنَ النَّارِ؛ الغارات، ج ٢، ص ٤٣٥

﴿٣٥١٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ أَذْبَرَتْ وَأَذَنْتْ بِانْقِلَاعِ آلا وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ أَقْبَلَتْ وَأَذَنْتْ بِاطِّلَاعٍ... وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَتَزَوَّدُوا مِنَ الدُّنْيَا مَا تُحْرِزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٩٤

﴿٣٥١١﴾ السَّجَادِ عليه السلام: لِجَعْلِ تَقْوَاكَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي؛ الصحيفة السجادية عليه السلام الدعاء ٢١

﴿٣٥١٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَقَدْ نُودِيَ فِيكُمْ بِالرَّحِيلِ وَأَقِلُّوا الْعُرْجَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَانْقَلِبُوا بِصَالِحِ مَا بَحَضَرَتْكُمْ مِنَ الزَّادِ فَإِنَّ أَمَامَكُمْ عَقَبَةً كَثُودًا وَمَنَازِلَ مَخُوفَةً مَهُولَةً لَا بُدَّ مِنَ الْوُرُودِ عَلَيْهَا وَالْوُقُوفِ عِنْدَهَا وَاعْلَمُوا أَنَّ مَلَا حِظَ الْمَنِيَّةِ نَحْوَكُمْ دَانِيَةً وَكَأَنَّكُمْ بِمَخَالِهَا وَقَدْ نَشِبَتْ فِيكُمْ وَقَدْ دَهَمَتْكُمْ مِنْهَا مُفْطَعَاتُ الْأُمُورِ وَمُعْضَلَاتُ الْمَحْذُورِ فَقَطَّعُوا عِلَاقَ الدُّنْيَا وَاسْتَظْهَرُوا بَزَادِ التَّقْوَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣٤

﴿٣٥١٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَاعْمَلُوا لِلْجَنَّةِ عَمَلَهَا فَإِنَّ الدُّنْيَا لَمْ تُخْلَقْ لَكُمْ دَارَ مَقَامٍ بَلْ خُلِقَتْ لَكُمْ مَجَازًا لِتَزَوَّدُوا مِنْهَا الْأَعْمَالِ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ فَكُونُوا مِنْهَا عَلَى أَوْفَازٍ وَقَرَّبُوا الظُّهُورَ لِلزِّيَالِ؛ شرح نهج البلاغة، ج ٨، ص ١٣٢

﴿٣٥١٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُونُوا قَوْمًا... وَاعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ لَهُمْ بِدَارٍ فَاسْتَبَدُّوا... فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تُحْرِزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٥، ص ١٤٥

١-٩-٣-٨- التَّجْهِيْزُ

﴿٣٥١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَقَدْ نُودِيَ فِيكُمْ بِالرَّحِيلِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣٤

«روش‌های برخورد مناسب با دنیا / بهره‌مندی از دنیا»

«۳۵۰۷» ای مردم باید دنیا در چشمانتان از پر کاه خشکیده بی‌ارزش‌تر باشد... از دنیا و در دنیا [برای آخرت خود] توشه بردارید؛ توشه‌ای که فردا شما را حفظ کند.

«۳۵۰۸» بنده باید از دنیای خود برای آخرتش و از دوران حیاتش برای مرگش و از جوانی‌اش برای پیری‌اش توشه برچیند؛ زیرا دنیا را برای شما و شما را برای آخرت آفریده‌اند.

«۳۵۰۹» ای مردم، همانا دنیا پشت نموده و اعلان جدایی به اهل خود داده و آخرت روی آورده و اعلام فرارسیدن کرده است... از دنیا برای فردای خود توشه بگیرید تا بتواند شما را از آتش در امان نگه دارد.

«۳۵۱۰» آگاه باشید! دنیا روی گردانده و فنای خویش را اعلام داشته، سرای آخرت روی آورده و آمدنش آشکار شده است... و در راه خدا توسّط اموال و جان‌هایتان جهاد و کوشش کنید. از این دنیا زاد و توشه‌ای بردارید که خود را با آن حفظ کنید.

«۳۵۱۱» ای خدای بزرگ، توشه‌ی مرا از دنیا تقوای خودت قرار بده.

«۳۵۱۲» خدا رحمتتان کند، توشه بگیرید. ندای رفتن در میان شما داده شده و ماندن در دنیا را کم بدانید و با توشه‌ای از اعمال صالح که دارید، بازگردید. در مقابل شما گردنه‌ی دشوار و منازل ترسناک و هولناک است که ناچار به ورود در آن‌ها و توقّف در آن‌ها هستید. و بدانید که فاصله‌ی نگاه‌های مرگ بر شما کوتاه و گویا در چنگال‌هایش هستید و آن‌ها را در شما فرو کرده است. دشواری‌های امور دنیا و گرفتاری‌های سخت مرگ را از یادتان برده است. پس وابستگی‌های دنیا را قطع کنید و با توشه‌ای از پرهیزگاری مدد بگیرید.

«۳۵۱۳» برای رسیدن به بهشت جاویدان رفتاری متناسب با آن انجام دهید، زیرا دنیا برای زندگی همیشگی شما آفریده نشده؛ بلکه گذرگاهی است تا در آن زاد و توشه‌ی آخرت را بردارید. پس با شتاب آماده‌ی کوچ کردن باشید و مرکب‌های راهوار را برای حرکت مهیا کنید.

«۳۵۱۴» مانند گروهی باشید که... می‌دانند که دنیا برای آن‌ها خانه و مسکن نیست لذا آن را [با قیامت] عوض کردند... در دنیا و از دنیا برای آخرت زاد و توشه‌ای تهیّه کردند که فردا (قیامت) آن‌ها را [در برابر عذاب الهی] محافظت کند.

۱-۹-۳-۸- توشه‌چینی

«۳۵۱۵» خدا رحمتتان کند، توشه بگیرید. ندای رفتن در میان شما داده شده است.

﴿الْمَنَاهِجُ الْمُصِيبَةُ فِي الْمُوَاجَهَةِ بِالدُّنْيَا / الْإِسْتِمْتَاعُ مِنَ الدُّنْيَا﴾

٢-٩-٨٣- من ابتغى به وجه الله

﴿٣٥١٦﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ مَلْعُونٌ مَا فِيهَا إِلَّا مَنْ ابْتَغَى بِهِ وَجْهَ اللَّهِ؛

بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٨٠

﴿روش‌های برخورد مناسب با دنیا / بهره‌مندی از دنیا﴾

۲-۹-۸- به‌وسیله‌ی آن رضای خدا به دست آید

﴿۳۵۱۶﴾ ای ابوذر! دنیا و آنچه در آن است دور از رحمت خداست، مگر آنچه را که به‌وسیله‌ی آن رضای خدا به دست آید و برای خدا باشد.

الفصل التاسع: مَصَادِيقُ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الرَّاغِبِينَ عَنْهَا وَ راجع: كتابُ الْحَرِصِ؛ مَصَادِيقُ الْحُرْصَاءِ وَ كتابُ الزُّهْدِ؛ مَصَادِيقُ الزُّهَّادِ

٩-١- مَصَادِيقُ أَهْلِ الدُّنْيَا

٩-١-١- الْأَحْمَقُ

﴿٣٥١٧﴾ قَالَ فَأَيُّ النَّاسِ أَحْمَقُ قَالَ الْمُعْتَرُ بِالدُّنْيَا وَ هُوَ يَرَى مَا فِيهَا مِنْ تَقْلُبِ أَحْوَالِهَا؛

الأمالي للطوسي، ص ١٥

٩-١-٢- الْجَاهِلُ

﴿٣٥١٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا أَحْمَدُ إِنَّ عَيْبَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَثِيرٌ فِيهِمُ الْجَهْلُ وَ الْحُمْقُ لَا يَتَوَاضَعُونَ

لِمَنْ يَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ هُمْ عِنْدَ أَنْفُسِهِمْ عَقْلَاءُ وَ عِنْدَ الْعَارِفِينَ حَمَقَاءُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٤

٩-١-٣- الْكَافِرُ

﴿٣٥١٩﴾ زَيْنٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ يَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ وَ اللَّهُ يُرْزِقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ (البقرة / ٢١٢)

﴿٣٥٢٠﴾ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: وَ النَّاشِطَاتِ نَشْطًا قَالَ الْكُفَّارُ يَنْشَطُونَ فِي الدُّنْيَا...؛ بحار الأنوار،

ج ٧، ص ٤٦

٩-١-٤- الْمُكَذِّبُ

﴿٣٥٢١﴾ امير المؤمنين رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: يُكَذِّبُ بَيَانَتَنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ أَيُّ إِلَى الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٥٣،

ص ١١٨

٩-١-٥- الْمُلُوكُ

فصل ۹: مصادیق دنیاپرستان و دنیاگريزان و ر.به: کتاب حرص؛ مصادیق زياده‌خواهان و کتاب زهد؛ مصادیق زهدپيشگان

۹-۱- مصادیق دنیاپرستان

۹-۱-۱- احمق

﴿۳۵۱۷﴾ پيرمردی از امام علی (علیه السلام) پرسید: «کدام یک از مردم احمق هستند؟» فرمود: «آن که فریفته‌ی دنیا گردد، با وجودی که دگرگونی‌های احوال را در آن مشاهده می‌کند».

۹-۱-۲- نادان

﴿۳۵۱۸﴾ ای احمد! دنیاپرستان زشتی‌های بسیاری دارند، از جمله نادان و احمق هستند؛ به استاد خود احترام نمی‌گذارند و خود را عاقل و خردمند می‌دانند، حال اینکه از نظر عارفان، گروهی احمق هستند.

۹-۱-۳- کافر

﴿۳۵۱۹﴾ زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است، از این رو افراد باایمان را [که گاهی دستشان تهی است]، مسخره می‌کنند درحالی که پرهیزگاران در قیامت، بالاتر از آنان هستند [چرا که ارزش‌های حقیقی در آنجا آشکار می‌گردد، و صورت عینی به خود می‌گیرد] و خداوند، هرکس را بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد.

﴿۳۵۲۰﴾ وَ النَّاشِطَاتِ نَشْطًا؛ یعنی کفّاری که در دنیا به آرامی حرکت می‌کنند.

۹-۱-۴- تکذیب‌کننده

﴿۳۵۲۱﴾ آیات ما را تکذیب می‌کنند و محشور می‌شوند؛ یعنی رو به دنیا محشور می‌شوند.

۹-۱-۵- پادشاهان

﴿مَصَادِيقُ الرَّاعِبِينَ عَنِ الدُّنْيَا﴾

﴿٣٥٢٢﴾ الصادق عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَ مَوَائِدَ الْمُلُوكِ وَ هُمْ أَتْنَاءُ الدُّنْيَا فَإِنَّ لِدَٰلِكَ ضَرَاوَةً كَضَرَاوَةِ الْخَمْرِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ١٠٠
٩-١-٦- النساء

﴿٣٥٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ النِّسَاءَ هُمُّهُنَّ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْفَسَادُ فِيهَا؛ غرر الحكم، ص ٤٠٨

﴿٣٥٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ شَارَكَتِ النِّسَاءُ أَزْوَاجَهُنَّ فِي التِّجَارَةِ حِرْصاً عَلَى الدُّنْيَا؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٩
٩-١-٧- بَنِي إِسْرَائِيلَ

﴿٣٥٢٥﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُّ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ؛ (البقرة / ٨٦)
٩-١-٨- النَّاسُ

﴿٣٥٢٦﴾ زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْحَبْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ؛ (آل عمران / ١٤)
﴿٣٥٢٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: النَّاسُ أَتْنَاءُ الدُّنْيَا وَ لَا يُلَامُ الرَّجُلُ عَلَى حُبِّ أُمِّهِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٣١

٩-٢- مَصَادِيقُ الرَّاعِبِينَ عَنِ الدُّنْيَا

٩-٢-١- مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

﴿٣٥٢٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ كَافٌ لَكَ فِي الْأُسُوءَةِ وَ دَلِيلٌ عَلَى دَمِ الدُّنْيَا وَ عَيْبِهَا... وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأَسِّي بِنَبِيِّهِ وَ الْمُقْتَصِرُ لِأَثَرِهِ قَضَمَ الدُّنْيَا قَضْماً وَ لَمْ يُعْرِهَا طَرْفًا أَهْضَمَ أَهْلَ الدُّنْيَا كَشْحاً وَ أَحْمَصَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا بَطْنًا عَرْضَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا... وَ لَقَدْ كَانَ اللَّهُ ﷻ يَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ وَ يَجْلِسُ جَلْسَةَ الْعَبْدِ وَ يَخْصِفُ بِيَدِهِ نَعْلَهُ وَ يَرْقُعُ بِيَدِهِ ثَوْبَهُ وَ يَرْكَبُ الْحِمَارَ الْعَارِي وَ يَرْدِفُ خَلْفَهُ وَ يَكُونُ السُّتْرُ عَلَى بَابِ بَيْتِهِ تَكُونُ فِيهِ التَّصَاوِيرُ فَيَقُولُ يَا فَلَانَةُ لِإِحْدَى أَزْوَاجِهِ غَيْبِهِ عَنِّي فَإِنِّي إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ ذَكَرْتُ الدُّنْيَا وَ زَخَّارُهَا فَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا بَقْلِهِ وَ أَمَاتَ ذِكْرَهَا مِنْ نَفْسِهِ... وَ لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَا يَدُلُّكَ عَلَى مَسَاوِي

﴿مصادیق دنیاگریزان﴾

﴿۳۵۲۲﴾ از غذا و اکرام پادشاهان برحذر باشید که آنان فرزندان دنیا هستند و در اطعام آن‌ها لغزشی مانند لغزش شراب است.

۹-۱-۶- زنان

﴿۳۵۲۳﴾ به‌درستی که تمام تلاش زنان، کسب زینت‌های دنیا و ایجاد فساد در آن است.
﴿۳۵۲۴﴾ همسرانشان نیز از حرص به‌دست‌آوردن دنیا با آن‌ها در تجارتشان شریک می‌شوند.

۹-۱-۷- بنی اسرائیل

﴿۳۵۲۵﴾ این‌ها همان کسانی هستند که آخرت را به زندگی دنیا فروخته‌اند از این رو عذاب آن‌ها تخفیف داده نمی‌شود و کسی آن‌ها را یاری نخواهد کرد.

۹-۱-۸- مردم

﴿۳۵۲۶﴾ محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است [تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند ولی] این‌ها [در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند،] سرمایه زندگی پست [مادی] است و سرانجام نیک [و زندگی والا و جاویدان]، نزد خداست.
﴿۳۵۲۷﴾ مردم فرزندان دنیا هستند و کسی به سبب دوست‌داشتن مادرش سرزنش نمی‌شود.

۹-۲- مصادیق دنیاگریزان

۹-۲-۱- حضرت محمد ﷺ

﴿۳۵۲۸﴾ برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر اسلام ﷺ را در پیش‌گیری تا در شناخت بدی‌ها و عیب‌های دنیا و افزونی رسوایی‌ها و زشتی‌هایش برایت راهنما باشد... و محبوب‌ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبر او پیروی کند، و گام بر جای پای او نهد، از دنیا به کمترین‌ها قناعت کرد و گوشه چشمی به دنیا نکرد، دو پهلویش بیش از هر کسی فرو رفته بود و شکمش از همه خالی‌تر بود. دنیا پیش‌رویش نهاده شد اما نپذیرفت... بر روی زمین غذا می‌خورد و مثل بندگان دیگر می‌نشست و خود نعلینش را پینه می‌کرد و لباسش را وصله می‌زد، مرکبش الاغ بی‌پالان بود و دیگران را بر ترکش می‌نشاند. بر خانه‌ی یکی از همسرانش پرده‌ای با نقش و نگار آویخته شده بود؛ حضرت به او فرمود: «این پرده را بردار که چون به آن می‌نگرم به یاد دنیا و زیورهایش می‌افتم». دل از دنیا برید و فکر آن را از صفحه‌ی دل زدود... در اخلاق و روش حضرت رسول ﷺ چیزهایی هست که تو را به بدی دنیا و نواقص بی‌حد آن

﴿مَصَادِيقُ الرَّاعِينَ عَنِ الدُّنْيَا﴾

الدُّنْيَا وَغُيُوبَهَا إِذْ جَاعَ فِيهَا مَعَ خَاصَّتِهِ وَزُوِيَتْ عَنْهُ زَخَارُفُهَا مَعَ عَظِيمِ زُلْفَتِهِ فَلْيَنْظُرْ نَاطِرُ بَعْقَلِهِ
أَكْرَمَ اللَّهُ بِذَلِكَ مُحَمَّدًا أَمْ أَهَانَهُ فَإِنْ قَالَ أَهَانَهُ فَقَدْ كَذَبَ وَاللَّهِ الْعَظِيمِ وَآتَى بِالْإِفْكِ
الْعَظِيمِ وَإِنْ قَالَ أَكْرَمَهُ فَلْيَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهَانَ غَيْرَهُ حَيْثُ بَسَطَ الدُّنْيَا لَهُ وَزَوَّاهَا عَنْ أَقْرَبِ
النَّاسِ مِنْهُ... فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ مُحَمَّدًا ﷺ عَلَمًا لِلْسَّاعَةِ وَمُبَشِّرًا بِالْجَنَّةِ وَمُنْذِرًا بِالْعُقُوبَةِ خَرَجَ مِنْ
الدُّنْيَا خَمِيصًا وَوَرَدَ الْآخِرَةَ سَلِيمًا؛ مكارم الأخلاق، ص ٨

﴿٣٥٢٩﴾ الرسول ﷺ: أَنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَامَ عَلَى حَصِيرٍ فَقَامَ وَقَدْ أَثَّرَ فِي جَسَدِهِ فَقَالُوا لَوْ
أَمَرْتَنَا أَنْ نَبْسُطَ لَكَ وَنَعْمَلَ فَقَالَ مَا لِي وَلِلدُّنْيَا وَمَا أَنَا وَالِدُنْيَا إِلَّا كَرَائِبٍ اسْتَظَلَّتْ تَحْتَ
شَجَرَةٍ ثُمَّ رَاحَ أَوْ تَرَكَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٦٨

﴿٣٥٣٠﴾ الرسول ﷺ: لَيْسَتْ الدُّنْيَا مِنْ مُحَمَّدٍ وَلَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَلَوْ كَانَتْ الدُّنْيَا تَعْدِلُ
عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْخَيْرِ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ مَا أَسْقَى فِيهَا كَافِرًا شَرْبَةَ مَاءٍ؛ بحار الأنوار، ج ٤٣، ص ٢٠
﴿٣٥٣١﴾ الرسول ﷺ: مَا لِي وَلِلدُّنْيَا إِنَّمَا مَثَلِي وَمَثَلُهَا كَمَثَلِ الرَّائِبِ رُفِعَتْ لَهُ شَجَرَةٌ فِي
يَوْمٍ صَائِفٍ فَقَالَ تَحْتَهَا ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٤
٩-٢-٢- أَهْلُ الْبَيْتِ ﷺ

﴿٣٥٣٢﴾ الرسول ﷺ: أَنَا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا بحار الأنوار، ج ٢٨،
ص ٥٢

﴿٣٥٣٣﴾ الرسول ﷺ: مَا لَالِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَلِلدُّنْيَا فَإِنَّهُمْ خُلِقُوا لِلْآخِرَةِ وَخُلِقَتِ الدُّنْيَا لَهُمْ؛
بحار الأنوار، ج ٤٣، ص ٨٦

﴿٣٥٣٤﴾ الصادق ﷺ: قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا هَامُ وَلِمَ كَانُوا هَؤُلَاءِ أَوْصِيَاءَ الْأَنْبِيَاءِ فَقَالَ
يَا رَسُولَ اللَّهِ لَأَنَّهُمْ كَانُوا أَزْهَدَ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا وَارْغَبَهُمْ إِلَى اللَّهِ فِي الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٥،
ص ٥٤

٩-٢-٣- أمير المؤمنين ﷺ

﴿٣٥٣٥﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ خَصَّكَ بِأَمْرِ وَأَعْطَاكَه لَيْسَ مِنَ الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبَّ
إِلَيْهِ وَلَا أَفْضَلَ مِنْهُ عِنْدَهُ، الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا، فَلَيْسَ تَنَالُ مِنْهَا شَيْئًا وَلَا تَنَالُ مِنْكَ وَهِيَ زِينَةُ
الْأَبْرَارِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٣١، ص ٣١٨

﴿مصادیق دنیاگریزان﴾

دلالت می‌کند. وقتی که نبی اکرم ﷺ با آن مقام مخصوصی که نزد خدا داشت غالباً گرسنه به سر می‌برد و با آن همه مقام ارجمندی که نزد حق داشت زیورهای دنیا دامن از او برچید و هرگز به‌سویش نیامد، خردمند باید به دیده‌ی خرد بنگرد که خداوند با این کار می‌خواست رسولش را گرامی بدارد؟! و یا مورد اهانت و تحقیر قرار دهد! اگر بگویند که قصد توهین داشت که به خدا دروغ بسته و بهتانی بزرگ زده است. و اگر معتقد باشد که خداوند با این کار پیامبرش را مورد تکریم قرار داده، پس خدا کسی را خوار شمرد که دنیا را برای او گستراند و از نزدیک‌ترین مردم به خودش دور نگه داشت... خداوند محمد ﷺ را وسیله‌ی توجّه به قیامت و بشارت‌دهنده به بهشت و آخرت و ترساننده از عذاب و عقوبت قرار داد؛ از دنیا گرسنه بیرون رفت و به آخرت سالم وارد شد.

﴿۳۵۲۹﴾ از ابن مسعود روایت شده که رسول خدا ﷺ بر حصیری خوابید و آن حصیر بر بدن مبارک حضرت اثر گذاشت. مسلمانان گفتند: «ای کاش! به ما امر می‌کردی که برای شما فرش‌ی بیندازیم و خدمت کنیم!» فرمود: «مرا با دنیا چه کار؟! مَثَل من و دنیا مانند شخص سواره‌ایست که در زیر آن درخت خواب قیلوله‌ی (کوتاهی) نموده، سپس کوچ کرده و درخت را وا گذاشته است.»

﴿۳۵۳۰﴾ دنیا از محمد و آل محمد ﷺ نیست و ارزشی برای آن‌ها ندارد. اگر دنیا نزد خدا به قدر یک بال پشه ارزشی داشت، یک شربت از آب آن نصیب کافر نمی‌شد.

﴿۳۵۳۱﴾ مرا با دنیا چه کار؟! مَثَل من و دنیا مانند شخص سواره‌ای است که در روز گرمی درختی برایش به‌پا شده و او در زیر آن درخت خواب قیلوله‌ی (کوتاهی) نموده، سپس کوچ کرده و درخت را وا گذاشته است.

۹-۲-۲- خاندان پیامبر ﷺ

﴿۳۵۳۲﴾ [پیامبر ﷺ به دخترش فرمود: «ما اهل بیتی هستیم که خداوند برای ما، آخرت را بر دنیا برگزیده است.

﴿۳۵۳۳﴾ محمد و آل محمد را با دنیا چه کار؟! زیرا آنان برای آخرت آفریده شده‌اند و دنیا برایشان خلق شده است.»

﴿۳۵۳۴﴾ رسول خدا ﷺ فرمود: «ای هام! اینان (شمعون و یوشع و...) چرا اوصیاء این پیامبران بودند؟ عرض کرد: «چون زاهدترین مردم در دنیا بودند و مشتاق‌ترین آن‌ها به دیدار خداوند در آخرت.

۹-۲-۳- امیرالمؤمنین ﷺ

﴿۳۵۳۵﴾ ای علی! خداوند تو را مخصوص امری کرده و آن را به تو عطا کرده که هیچ عملی نزد وی از آن محبوب‌تر و برتر نیست و آن زهد در دنیا است که چیزی از دنیا عاید تو نگردد و دنیا هم چیزی از تو نکاهد و این صفت، زینت نیکوکاران در نزد خداوند عزّ و جل در روز قیامت است.

﴿مَصَادِيقُ الرَّاعِينَ عَنِ الدُّنْيَا﴾

﴿٣٥٣٦﴾ الصادق عليه السلام: قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا هَامُ وَلِمَ كَانُوا هَؤُلَاءِ أَوْصِيَاءَ الْأَنْبِيَاءِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَأَنَّهُمْ كَانُوا أَزْهَدَ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا وَارْغَبَهُمْ إِلَى اللَّهِ فِي الْآخِرَةِ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ فَمَنْ وَجَدْتُمْ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ فَقَالَ لَهُ هَامُ ذَاكَ إِلْيَا ابْنُ عَمِّ مُحَمَّدٍ فَقَالَ هُوَ عَلَى وَهُوَ وَصِيٌّ وَأَخِي وَهُوَ أَزْهَدُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا وَارْغَبَهُمْ إِلَى اللَّهِ فِي الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٥، ص ٥٤

﴿٣٥٣٧﴾ الرسول ﷺ: عَلَى لَا يَرْزَأُ مِنَ الدُّنْيَا وَلَا تَرْزَأُ الدُّنْيَا مِنْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٣١٩

﴿٣٥٣٨﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلَى إِنَّ اللَّهَ زَيْنَكَ بِزِينَةِ لَمْ يُزَيِّنِ الْعِبَادَ بِأَحْسَنَ مِنْهَا، بَعْضَ إِلَيْكَ الدُّنْيَا، وَزَهْدَكَ فِيهَا، وَحَبَّبَ إِلَيْكَ الْفُقَرَاءَ فَرَضِيَتْ بِهِمْ أَتْبَاعًا وَرَضُوا بِكَ إِمَامًا؛ شواهد التنزيل، ج ١، ص ٤٥٩

﴿٣٥٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا تُخَفِ عَنْ عَلَى شَيْئًا مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى تَجْعَلَهَا كُلَّهَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ مِثْلَ الْمَائِدَةِ الصَّغِيرَةِ بَيْنَ يَدَيْهِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٨، ص ٧٠

﴿٣٥٤٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنَا كَابُ الدُّنْيَا لَوَجْهِهَا وَقَادِرُهَا بِقَدْرِهَا وَنَاطِرُهَا بِعَيْنِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٢، ص ٢٥٠

﴿٣٥٤١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنَا كَابُ الدُّنْيَا لَوَجْهِهَا وَقَادِرُهَا بِقَدْرِهَا وَرَادُّهَا عَلَى عَقِبِهَا؛ غرر الحكم، ص ١١٨

﴿٣٥٤٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَقَدْ طَلَّقَ الدُّنْيَا ثَلَاثًا وَقَالَ لَهَا غُرِّي غَيْرِي لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ قَدْ طَلَّقْتُكَ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ لِي فِيهَا؛ إرشاد القلوب، ج ٢، ص ٢١٥

﴿٣٥٤٣﴾ عيسى عليه السلام: أَنَا الَّذِي أَكْبَيْتُ الدُّنْيَا لَوَجْهِهَا وَجَلَسْتُ عَلَى ظَهْرِهَا لَيْسَ لِي وَلَدٌ يَمُوتُ وَلَا يَبُتُّ يَخْرُبُ عَلَيْهِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٦

﴿٣٥٤٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنِّي طَلَّقْتُ الدُّنْيَا ثَلَاثًا بَتَانًا لَا رَجْعَةَ لِي فِيهَا وَالْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا؛ غرر الحكم، ص ١١٩

﴿٣٥٤٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَقُولُ يَا دُنْيَا يَا دُنْيَا إِلَيْكَ عَنِّي أَيْ تَعَرَّضْتُ أَمَّ إِلَى تَشَوَّقْتِ لَا حَانَ حِينَكَ هَيْهَاتَ غُرِّي غَيْرِي لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ وَقَدْ طَلَّقْتُكَ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ فِيهَا فَعَيْشُكَ قَصِيرٌ وَخَطَرُكَ يَسِيرٌ وَأَمْلَكَ حَقِيرٌ آه مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ وَطُولِ الطَّرِيقِ وَبُعْدِ السَّفَرِ وَعَظِيمِ الْمَوْرِدِ وَخُسُونَةِ الْمَضْجَعِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ٢٨٤

﴿مصادیق دنیاگریزان﴾

﴿۳۵۳۶﴾ رسول خدا ﷺ فرمود: «ای هام! اینان (شمعون و یوشع و...) چرا اوصیاء این پیامبران بودند؟ عرض کرد: «چون زاهدترین مردم در دنیا بودند و مشتاق‌ترین آن‌ها به دیدار خداوند در آخرت... رسول خدا ﷺ فرمود: «چه کسی را وصی محمد می‌دانید؟» عرض کرد: «او «الیا» پسر عموی محمد است». سپس پیامبر فرمود: «او «علی» است؛ وصی و برادرم و او پارساترین مردم و مشتاق‌ترین آن‌ها به دیدار خدا در آخرت است».

﴿۳۵۳۷﴾ علی علیه السلام چیزی از دنیا کم نمی‌کند و دنیا چیزی از علی علیه السلام کم نمی‌کند.

﴿۳۵۳۸﴾ یا علی، خداوند تو را با زینتی آراسته که هیچ‌کس از بندگان را با زینتی نیکوتر از آن نیاراسته است، دنیا را برای تو مبعوض کرده و تو را در آن زاهد نموده و فقرا را در نظر تو محبوب کرده و تو آنان را به عنوان پیروان قبول کردی و آنان تو را به عنوان رهبر پذیرفته‌اند.

﴿۳۵۳۹﴾ [خطاب امام علی علیه السلام به حذیفه:] چیزی از این دنیا را بر علی پوشیده نگذار و چنان کن که تمام دنیا در میان دو چشم او مانند سفره‌ی کوچکی در مقابلش باشد!

﴿۳۵۴۰﴾ من دنیا را به صورت بر زمین کوبیده و چهره‌اش را به خاک مالیده‌ام و بیش از آنچه ارزش دارد، به آن بهایی نداده‌ام. و با دیده‌ای که سزاوار است به آن نگریسته‌ام.

﴿۳۵۴۱﴾ من دنیا را به صورت بر زمین کوبیده‌ام و مرتبه‌ی [پست] آن را می‌دانم [و در جایگاه خودش قرار داده‌ام] و آن را به پشت برگردانده‌ام. (به آن رو نکرده‌ام).

﴿۳۵۴۲﴾ دنیا را سه طلاقه کرده و به آن فرمود: «دیگری را فریب ده که مرا نیازی به تو نیست و همانا من تو را سه بار طلاق داده و رها کرده‌ام؛ آن هم طلاقی که برگشت و رجوعی برای من در آن نیست».

﴿۳۵۴۳﴾ من کسی هستم که دنیا را با صورت به زمین کوبیده و بر پشتش نشسته‌ام.

﴿۳۵۴۴﴾ به درستی که من دنیا را سه طلاق باین طلاق داده‌ام؛ به گونه‌ای که امکان بازگشت ندارد و افسارش را به پشتش انداخته‌ام.

﴿۳۵۴۵﴾ ای دنیا! از من دور شو! به طرف من روی آورده‌ای و یا به من اشتیاق پیدا کرده‌ای؟! تو نمی‌توانی مرا فریب دهی. برو دیگری را گول بزن که من نیازی به تو ندارم و تو را سه طلاقه کرده‌ام و برگشتی هم نیست. ای دنیا زندگی در تو کوتاه و سودت اندک و آرزوهایت ناچیز است. آه که نتوانستم زاد و توشه‌ی زیادی تهیه کنم؛ راه بسیار دور است و سفر به درازا می‌کشد، باید برای روزی که نزدیک است خود را آماده ساخت و از سختی جا هراسید.

﴿مَصَادِيقُ الرَّاعِينَ عَنِ الدُّنْيَا﴾

﴿٣٥٤٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا رَوَاهُ الصَّادِقُ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام أَنَّهُ قَالَ: إِنِّي كُنْتُ بِفَدَكٍ فِي بَعْضِ حِطَانِهَا وَقَدْ صَارَتْ لِفَاطِمَةَ عليها السلام إِذَا أَنَا بِامْرَأَةٍ... قَالَتْ أَنَا الدُّنْيَا فَقَالَ عليه السلام ارْجِعِي فَاطِمَةُ زَوْجًا غَيْرِي فَلَسْتُ مِنْ شَأْنِي؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٣٢٨

﴿٣٥٤٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا دُنْيَا أَيْ تَعَرَّضْتُ وَإِلَيَّ تَشَوَّقْتُ [تَشَوَّقْتُ] غُرِّي غَيْرِي لَا حَانَ حِينِكَ أَجَلُكَ قَصِيرٌ وَعَيْشُكَ حَقِيرٌ وَقَلِيلُكَ حِسَابٌ وَكَثِيرُكَ عِقَابٌ فَقَدْ طَلَقْتُكَ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ لِي إِلَيْكَ آهٍ مِنْ بُعْدِ الطَّرِيقِ وَقَلَّةِ الزَّادِ؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٢٥٠

﴿٣٥٤٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا دُنْيَا فَحَبْلُكَ عَلَى غَارِبِكَ قَدْ انْسَلَكْتُ مِنْ مَخَالِبِكَ وَأَقْلْتُ مِنْ حَبَائِلِكَ وَاجْتَنَبْتُ الذَّهَابَ فِي مَدَاحِصِكَ أَيْنَ الْقُرُونُ الَّذِينَ غَرَّرْتَهُمْ بِمَدَاعِبِكَ أَيْنَ الْأُمَمُ الَّذِينَ فَتَنَتْهُمْ بِزَخَارِفِكَ هَا هُمْ رَهَائِنُ الْقُبُورِ وَمَضَامِينُ اللُّحُودِ وَاللَّهُ لَوْ كُنْتُ شَخْصًا مَرْتِيًا وَقَالِبًا حَسِبًا لَأَقَمْتُ عَلَيْكَ حُدُودَ اللَّهِ فِي عِبَادٍ غَرَّرْتَهُمْ بِالْأَمَانِيِّ وَأَمَمٍ أَلْقَيْتَهُمْ فِي الْمَهَاوِي وَمُلُوكٍ أَسْلَمْتَهُمْ إِلَى التَّلَفِ وَأَوْرَدْتَهُمْ مَوَارِدَ الْبَلَاءِ إِذْ لَا وَرْدَ وَلَا صَدَرَ هَيْهَاتَ مَنْ وَطِئَ دَخْصَكَ زَلَقَ وَمَنْ رَكِبَ لُجَجَكَ غَرِقَ وَمَنْ ازْوَرَ عَنْ حَبَالِكَ وَفَّقَ وَالسَّالِمُ مِنْكَ لَا يُبَالِي إِنْ ضَاقَ بِهِ مَنَاحُهُ وَالِدُنْيَا عِنْدَهُ كَيَوْمٍ حَانَ انْسِلَاخُهُ اغْزُبِي عَنِّي؛ بحار الأنوار، ج ٣٣، ص ٤٧٤

﴿٣٥٤٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: طَلَقْتُكَ يَا دُنْيَا ثَلَاثًا لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ فَعِنْدَ ذَلِكَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةَ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ١٣٤

﴿٣٥٥٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: طَلَقْتُكَ يَا دُنْيَا ثَلَاثًا لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ؛ الفضائل، ص ١٣٨

﴿٣٥٥١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَدَعُونِي أَكْفَيْ مِنْ دُنْيَاكُمْ بِمِلْحَى وَأَقْرَاصِي فَيَتَقَوَّى اللَّهُ أَرْجُو خَلَاصِي مَا لِعَلِّي وَنَعِيمٍ يَفْنَى وَلَذَّةٍ تَنْحَتُّهَا الْمَعَاصِي؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٣٤٨

﴿٣٥٥٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لَأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمٍ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا مَا لِعَلِّي وَنَعِيمٍ يَفْنَى وَلَذَّةٍ لَا تَبْقَى نَعُودُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ الْعَقْلِ وَقُبْحِ الزَّلَلِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ؛ بحار الأنوار، ج ٤١، ص ١٦٢

﴿٣٥٥٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيهِ وَمِنْ طَعْمِهِ بِقُرْصِيهِ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥٤

﴿مصادیق دنیاگریزان﴾

﴿۳۵۴۶﴾ امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام نقل کرده که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: من در یکی از بستان‌های فدک بودم که به فاطمه علیها السلام تعلّق داشت که ناگهان زنی را دیدم... آن زن گفت: «من دنیا هستم!» به او گفتم: «برو و همسری غیر من طلب کن که تو در شأن من نیستی!» ﴿۳۵۴۷﴾ ای دنیا! آیا برای من خودنمایی می‌کنی یا شیفته‌ی من شده‌ای تا روزی در دل من جای گیری، هرگز! غیر مرا فریب ده! مهلت تو کوتاه، دوران زندگانی تو حقیر، اندک تو مورد حساب و عقابت بسیار است. تو را سه طلاقه کرده‌ام تا بازگشتی نباشد. آه! از توشه‌ی اندک و درازی راه.

﴿۳۵۴۸﴾ ای دنیا از من دور شو! مهارت را بر پشت تو نهاده و از چنگال‌های تو رهایی یافتم و از دام‌های تو نجات یافته و از لغزشگاه‌های دوری گزیده‌ام. کجایند بزرگانی که به بازیچه‌ی خود فریبشان داده‌ای؟! کجایند امت‌هایی که با زر و زیور آن‌ها را فریفتی که اکنون در گورها گرفتارند! و درون لحد‌ها پنهان شده‌اند. ای دنیا به خدا سوگند! اگر شخصی دیدنی بودی و قالب حس‌کردنی داشتی، حدّ خدا را بر تو جاری می‌کردم؛ چراکه بندگان را با آرزوهایت فریب دادی و ملت‌هایی را به هلاکت افکندی و قدرتمندانی را تسلیم نابودی کردی و هدف انواع بلاها قرار دادی که دیگر راه پس و پیش ندارند. اما هیئات! کسی که در لغزشگاه تو قدم بگذارد، سقوط خواهد کرد و آن کس که بر امواج تو سوار شد، غرق گردید. کسی که از دام‌های تو رهایی یافت پیروز شد، آن کس که از تو به سلامت گذشت نگران نیست که جایگاهش تنگ است، زیرا دنیا در پیش او چونان روزی است که گذشت.

﴿۳۵۴۹﴾ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «ای دنیا! من تو را سه طلاقه کرده‌ام و هیچ حاجتی به تو ندارم». در این موقع این آیه: تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا، نازل شد.

﴿۳۵۵۰﴾ ای دنیا! من تو را سه طلاقه کرده‌ام و دیگر هیچ حاجت و نیازی به تو ندارم. ﴿۳۵۵۱﴾ مرا رها کن! تا از دنیای شما به نمک و نان‌های خودم اکتفا کنم. پس به پرهیزکاری خدا امید خلاصی دارم؛ علی را با نعمت‌هایی که نابود می‌شود، چه کار! و با لذتی که آن را گناهان می‌تراشند، چه کار!

﴿۳۵۵۲﴾ به‌راستی که دنیای شما نزد من از برگی در دم ملخی که آن را می‌جود، خوارتر است. علی را با نعمت نابودشدنی و لذّت ناپایدار چه کار؟! از بی‌هوشی خرد و زشتی لغزش به خدا پناه می‌بریم و از او یاری می‌جوییم.

﴿۳۵۵۳﴾ آگاه باشید! امام شما از دنیای خود به دو جامه‌ی کهنه و از خوراکش به دو قرص نان اکتفاء کرده است.

﴿مَصَادِيقُ الرَّاعِينَ عَنِ الدُّنْيَا﴾

﴿٣٥٥٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَاعْلَمْ أَنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيهِ يَسُدُّ فَوْزَةَ جُوعِهِ بِقُرْصِيهِ لَا يَطْعُمُ الْفِلْذَةَ فِي حَوْلِهِ إِلَّا فِي سَنَةِ أَضْحِيَّةٍ وَلَنْ تَقْدِرُوا عَلَى ذَلِكَ فَأَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ؛ مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ٣٠٠

﴿٣٥٥٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَاللَّهِ لَدُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَهْوَنُ فِي عَيْنِي مِنْ عِرَاقٍ خِنْزِيرٍ فِي يَدٍ مَجْذُومٍ؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٣٣٧

﴿٣٥٥٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَدَعُونِي اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاكُمْ بِمِلْحَى وَأَقْرَاصِي فَيَتَّقُوا اللَّهَ أَرْجُو خَاصِي مَا لِعَلِيٍّ وَنَعِيمٍ يَفْنَى وَلَذَّةٍ تَنْحَنُّهَا الْمَعَاصِي؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٣٤٨

﴿٣٥٥٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مِنَ الْوَالِدِ الْفَانِ الْمُقَرَّرِ لِلزَّمَانِ الْمُدِيرِ الْعُمُرِ الْمُسْتَسْلِمِ لِلدَّهْرِ الدَّامِّ لِلدُّنْيَا السَّاكِنِ مَسَاكِنَ الْمَوْتَى؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٠٠

﴿٣٥٥٨﴾ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِ ابْنِ دَاوُدَ قَالَ ... فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا مِيرَافَ الدُّنْيَا بَاقِيَةً... هَلْ تَدْرِي مَا نَزَلَ فِيكَ فَأَعْلَمَهُ بِمَا لَا عَوْضَ لَهُ لَوْ بَقِيَ فِي الدُّنْيَا مَا كَانَتْ الدُّنْيَا بَاقِيَةً... فَلَمْ يَتَعَجَّلْ شَيْئاً مِنْ ثَوَابِ الدُّنْيَا عَوْضاً مِنْ ثَوَابِ الْآخِرَةِ لَمْ يُفَضَّلْ نَفْسُهُ عَلَى أَحَدٍ لِلَّذِي كَانَ مِنْهُ وَتَرَكَ ثَوَابَهُ لِيَأْخُذَهُ مُجْتَمِعاً كَامِلاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَعَاهَدَ اللَّهُ أَنْ لَا يَنَالَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا قَدْرَ الْبُلْغَةِ... فَقِيلَ لَهُ فَمَا الرُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَالُوا لَبَسَ الْكَرَافِسَ وَقَطَعَ مَا جَازَ مِنْ أَنْامِلِهِ وَقَصَرَ طُولَ كُمِهِ وَضَيَّقَ أَسْفَلَهُ كَانَ طُولُ الْكُمِّ ثَلَاثَةَ أَشْبَارٍ وَأَسْفَلُهُ اثْنَى عَشَرَ شِبْرًا وَطُولُ الْبَدَنِ سِتَّةَ أَشْبَارٍ؛ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٠٠

﴿٣٥٥٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا دُنْيَا إِعْزِزِي عَنِّي لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ؛ الصراط المستقيم، ج ١، ص ٢٣٠

٩-٢-٤- السَّجَادُ عليه السلام

﴿٣٥٦٠﴾ السَّجَادُ عليه السلام: مَا عَرَضَ لِي قَطُّ أَمْرَانِ أَحَدُهُمَا لِلدُّنْيَا وَالْآخَرُ لِلْآخِرَةِ فَأَثَرْتُ الدُّنْيَا

إِلَّا رَأَيْتُ مَا أَكْرَهُ قَبْلَ أَنْ أُمْسِيَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ٩٢

﴿٣٥٦١﴾ السَّجَادُ عليه السلام: قِيلَ لِلزُّهْرِيِّ مَنْ أَرْهَدَ النَّاسَ فِي الدُّنْيَا قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام حَيْثُ

كَانَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٢، ص ٧٥

﴿مصادیق دنیاگریزان﴾

﴿۳۵۵۴﴾ بدان که امام شما به دو لباس کهنه‌ی خود از دنیا اکتفا کرده و گرسنگی شدید خود را با دو قرص نان رفع کرده و به‌جز گوشت قربانی حج [که در سال یک‌بار است]، گوشت دیگری نخورده است. شما به چنین زندگی ساده‌ای قادر نیستید؛ پس با تقوا و تلاش [برای قرار گرفتن در این مسیر] مرا یاری کنید.

﴿۳۵۵۵﴾ به خدا قسم! دنیای شما در نظر من، بی‌ارزش‌تر از استخوان خوک بدون گوشت است که در دست جذامی باشد.

﴿۳۵۵۶﴾ مرا رها کنید تا از دنیای شما به نمک و نان‌های خودم اکتفا کنم. پس به پرهیزکاری خدا امید خلاصی دارم؛ علی را با نعمت‌هایی که نابود می‌شود، چه کار! و با لذتی که آن را گناهان می‌تراشند، چه کار!

﴿۳۵۵۷﴾ از پدری که عمرش به‌سر آمده و به گذشت زمان گردن نهاده، زندگی را پشت سر گذاشته، تسلیم روزگار گشته، نکوهش‌گر این سرا و ساکن سرای اموات است.

﴿۳۵۵۸﴾ ابن‌دأب گوید: رسول خدا ﷺ خطاب به امام علی علیه السلام فرمود: «آیا می‌دانی در شأن تو، چه آیه‌ای نازل شد؟» و امام علی علیه السلام را از آیاتی مطلع ساخت که اگر تا پایان دنیا در دنیا باقی می‌ماند مقابلی برای آن نبود... پس علی علیه السلام ثواب دنیوی را به تعجیل با پاداش اخروی عوض نکرد و خود را بر کسی به خاطر آنچه داشت برتر ندانست و پاداش این دنیا را رها کرد تا آن را یکجا در قیامت دریافت کند و با خداوند عهد کرد تا از دنیا فقط آنچه را که نیاز دارد طلب کند... ابن‌دأب گفت: پرسیده شد: «معنای زهد در دنیا چیست؟» گفتند: «علی علیه السلام جامه پنبه‌ای سفید می‌پوشید و قسمت‌هایی از آن را که انگشتانش فراتر می‌رفت، می‌برید، طول آستین را کوتاه و پائین آن را تنگ می‌کرد. طول آستینش سه وجب و پائین آن دوازده وجب و قسمتی که روی شانه و کمر قرار می‌گیرد، شش وجب بود».

﴿۳۵۵۹﴾ ای دنیا از من دور شو که احتیاجی به تو ندارم.

۴-۲-۹- امام سجّاد علیه السلام

﴿۳۵۶۰﴾ هرگاه برای من دو قضیه پیش می‌آمد، یکی از آن‌ها به دنیا ارتباط داشت و دیگری به آخرت من؛ برای من دنیا اهمیتی نداشت و آن را فدای آخرت می‌نمودم و قبل از آنکه شب فرا رسد آن کار را انجام می‌دادم.

﴿۳۵۶۱﴾ به زهری گفته شد: «زاهدترین مردم در دنیا کیست؟» گفت: «علی بن‌الحسین علیه السلام» هر کجا که باشد.

﴿مَصَادِيقُ الرَّاعِينَ عَنِ الدُّنْيَا﴾

٥-٢-٩- الرضا عليه السلام

﴿٣٥٦٢﴾ الرضا عليه السلام: وَاللَّهِ مَا كَذَبْتُ مِنْذُ خَلَقَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَمَا زَهَدْتُ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا وَإِنِّي لَأَعْلَمُ مَا تُرِيدُ؛ وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ٢٠٤

﴿٣٥٦٣﴾ الرضا عليه السلام: وَاللَّهِ مَا يَسُرُّنِي أَنَّ لِي الدُّنْيَا بِمَا فِيهَا ذَهَبًا وَفِضَّةً وَإِنِّي عَلَى خِلَافِ مَا أَنَا عَلَيْهِ... مَنْ رَضِيَ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْحَلَالِ خَفَّتْ مَتُونَتُهُ وَتَنَعَّمَ أَهْلُهُ وَبَصَّرَهُ اللَّهُ دَاءَ الدُّنْيَا وَدَوَاءَهَا وَ أَخْرَجَهُ مِنْهَا سَالِمًا؛ الكافي، ج ٨، ص ٣٤٦

٥-٢-٩- فَاطِمَةُ عليها السلام

﴿٣٥٦٤﴾ ابن عباس عليه السلام: فَأَخَذَ سَلْمَانُ الدَّرْعَ ثُمَّ أَتَى بِهِ إِلَى شَمْعُونِ الْيَهُودِيِّ فَقَالَ لَهُ يَا شَمْعُونُ هَذَا دَرْعُ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ ﷺ تَقُولُ لَكَ أَقْرَضَنِي عَلَيْهِ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ وَ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ أَرَدَهُ عَلَيْكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ قَالَ فَأَخَذَ شَمْعُونُ الدَّرْعَ ثُمَّ جَعَلَ يَقْلِبُهُ فِي كَفِّهِ وَ عَيْنَاهُ تَذُرْفَانِ بِالدَّمُوعِ وَ هُوَ يَقُولُ يَا سَلْمَانُ هَذَا هُوَ الزُّهُدُ فِي الدُّنْيَا هَذَا الَّذِي أَخْبَرَنَا بِهِ مُوسَى بْنُ عُمَرَ؛ بحار الأنوار، ج ٤٣، ص ٧١

٧-٢-٩- عيسى عليه السلام

﴿٣٥٦٥﴾ عيسى عليه السلام: يَا مَعْشَرَ الْحَوَارِيِّينَ إِنِّي قَدْ أَكْبَبْتُ لَكُمْ الدُّنْيَا عَلَى وَجْهَيْهَا فَلَا تَتَعَشَّوْهَا بَعْدِي فَإِنَّ مِنْ خُبْتِ الدُّنْيَا أَنْ غَصِيَ اللَّهُ فِيهَا وَإِنْ مِنْ خُبْتِ الدُّنْيَا أَنْ الْآخِرَةَ لَا تُدْرِكُ إِلَّا بِتَرْكِهَا فَاعْبُرُوا الدُّنْيَا وَلَا تَعْمُرُوهَا وَاعْلَمُوا أَنَّ أَصْلَ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا وَرُبَّ شَهْوَةٍ أَوْرَثَتْ أَهْلَهَا حُزْنَ طَوِيلًا؛ بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٣٢٧

﴿٣٥٦٦﴾ عيسى عليه السلام: أَتَيْنَ الزَّهَّادُ فِي الدُّنْيَا هَلُمُّوا إِلَى عُرْسِ الزَّاهِدِ عَيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ عليه السلام؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥٠

٨-٢-٩- أولياء الله

﴿٣٥٦٧﴾ السجاد عليه السلام: كُلَّا مَا تَعِبَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا بَلْ تَعِبُوا فِي الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٩٢

٩-٢-٩- الشيعة

﴿٣٥٦٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُوهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٨

«مصادیق دنیاگریزان»

۹-۲-۵- امام رضا (ع)

«۳۵۶۲» [امام رضا (ع) به مأمون فرمود:] «به خدا قسم! از زمانی که خداوند مرا آفریده دروغ نگفته‌ام؛ و در دنیا به واسطه‌ی دنیا زهد پیشه نکرده‌ام. من می‌دانم منظور تو چیست».

«۳۵۶۳» به خدا سوگند! خوش ندارم که دنیا و هر آنچه در آن از طلا و نقره است برای من باشد و من بر خلاف عقیده و مذهبی باشم که اکنون دارم... هرکس به روزی اندک خدا خشنود شود، خداوند نیز عمل اندک او را می‌پذیرد و هرکس به روزی حلال اندک قانع باشد، هزینه‌ی او سبک است و خانواده‌اش در نعمت باشند. و خدا او را به درد دنیا و درمان آن بینا می‌سازد و او را سالم از آن بیرون می‌برد.

۹-۲-۶- فاطمه (ع)

«۳۵۶۴» سلمان پیراهن را از حضرت زهرا (ع) گرفت، نزد شمعون یهودی رفت و به وی گفت: «این پیراهن فاطمه دختر حضرت محمد (ص) است. فاطمه (ع) می‌گوید: «این پیراهن را بگیر و در مقابل آن یک من خرما و یک من جو بده تا به خواست خدا بعداً دینم را به تو بپردازم»». شمعون پیراهن را گرفت و همان‌طور که آن را با دو دستش زیر و رو می‌کرد، از چشمانش اشک سرازیر بود و می‌گفت: «ای سلمان! این همان زهد و تقوای واقعی در دنیا است! این همان زهدی است که تورات حضرت موسی به ما خبر داده است».

۹-۲-۷- عیسی (ع)

«۳۵۶۵» ای جماعت حواریون، همانا من دنیا را برای شما به صورت به زمین زدم، پس آن را بعد از من دوباره احیا نکنید، از جمله پلیدی‌های دنیا آن است که خداوند در آن نافرمانی شود، همچنین از جمله زشتی‌هایش این است که آخرت جز با ترک آن دست‌یافتنی نیست، پس از دنیا عبور کنید و به فکر تعمیر و آبادساختن آن نباشید، و آگاه باشید که سرچشمه‌ی هر گناهی حبّ دنیاست، و چه بسا شهوتی که اندوهی طولانی را برای صاحبش به ارث گذاشته است.

«۳۵۶۶» کجایند زاهدان در دنیا! بشتابید به سوی عروس زاهدان، عیسی بن مریم (ع)!

۹-۲-۸- اولیای الهی

«۳۵۶۷» آگاه باشید! اولیای خدا در دنیا برای دنیا کار نکردند بلکه آنان خود را در دنیا برای آخرت به سختی انداختند.

۹-۲-۹- شیعه

«۳۵۶۸» [شیعیان ما:] دنیا در پی آن‌هاست ولی آن‌ها دنیا را نمی‌خواهند.

﴿مَصَادِيقُ الرَّاعِينَ عَنِ الدُّنْيَا﴾

١٠-٢-٩- الْمُتَّقُونَ

﴿٣٥٦٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ... رَفَعَ عَقْلَهُ عَنْ أَهْلِ الدُّنْيَا فَبَدَنَهُ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا وَقَلْبُهُ وَعَقْلُهُ مُعَايِنُ الْآخِرَةِ فَأُطْفِئَ بَصُوءَ قَلْبِهِ مَا أَبْصَرَتْ عَيْنَاهُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا فَقَدَّرَ حَرَامَهَا وَجَانِبَ شُبُهَاتِهَا؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٦

١١-٢-٩- الْعُقَلَاءُ

﴿٣٥٧٠﴾ الكاظم عليه السلام: فَمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اعْتَزَلَ أَهْلَ الدُّنْيَا... يَا هِشَامُ إِنَّ الْعَاقِلَ رَضِيَ بِالْدُّنُونِ مِنَ الدُّنْيَا مَعَ الْحِكْمَةِ وَلَمْ يَرْضَ بِالْدُّنُونِ مِنَ الْحِكْمَةِ مَعَ الدُّنْيَا فَلِذَلِكَ رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ... يَا هِشَامُ إِنَّ الْعُقَلَاءَ تَرَكُوا فَضُولَ الدُّنْيَا فَكَيْفَ الذُّنُوبُ وَتَرَكُوا الدُّنْيَا مِنَ الْفَضْلِ وَتَرَكُوا الذُّنُوبَ مِنَ الْفَرَضِ يَا هِشَامُ إِنَّ الْعُقَلَاءَ زَهَدُوا فِي الدُّنْيَا وَرَغِبُوا فِي الْآخِرَةِ لِأَنَّهُمْ عَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا طَالِبَةٌ وَمَطْلُوبَةٌ وَالْآخِرَةُ طَالِبَةٌ وَمَطْلُوبَةٌ فَمَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَوْفِيَ مِنْهَا رِزْقَهُ وَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَتْهُ الْآخِرَةُ فَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ فَيُفْسِدُ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَآخِرَتَهُ؛

تحف العقول، ص ٣٨٧

١٢-٢-٩- الْعَالِمُ بِنَفْسِهِ

﴿٣٥٧١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَنْبَغِي لِمَنْ عَلِمَ شَرَفَ نَفْسِهِ أَنْ يُزْهَهَا عَنْ دَنَاءَةِ الدُّنْيَا؛

غرر الحكم، ص ١٣٦

١٣-٢-٩- الْأَبْرَارُ

﴿٣٥٧٢﴾ مَكْتُوبٌ فِي صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام: يَا دُنْيَا مَا أَهْوَنَكَ عَلَى الْأَبْرَارِ الَّذِينَ تَزَيَّنْتَ وَتَصَنَّعْتَ لَهُمْ إِنِّي قَذَفْتُ فِي قُلُوبِهِمْ بُغْضَكَ وَالصُّدُودَ عَنْكَ وَمَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَهْوَنَ عَلَى مِنْكَ كُلُّ شَأْنِكَ صَغِيرٌ وَإِلَى الْفَنَاءِ تَصِيرِينَ فَضِيتُ عَلَيْكَ يَوْمَ خَلَقْتُكَ أَنْ لَا تَدُومِي لِأَحَدٍ وَلَا يَدُومُ أَحَدٌ لَكَ وَإِنْ بَخَلَ بِكَ صَاحِبُكَ وَشَحَّ عَلَيْكَ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ١٣٠

١٤-٢-٩- مِنْ أُمَّةٍ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

﴿٣٥٧٣﴾ الرسول ﷺ: يَكُونُ أُمَّتِي فِي الدُّنْيَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَطْبَاقٍ أَمَّا الطَّبَقُ الْأَوَّلُ فَلَا يُحِبُّونَ جَمْعَ الْمَالِ وَادِّخَارَهُ وَلَا يَسْعَوْنَ فِي افْتِنَائِهِ وَاجْتِكَارِهِ وَإِنَّمَا رِضَاهُمْ مِنَ الدُّنْيَا سَدُّ جَوْعَةٍ وَسِتْرُ عَوْرَةٍ وَغَنَاهُمْ فِيهَا مَا بَلَغَ بِهِمُ الْآخِرَةُ فَأُولَئِكَ الْأَمْنُونَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛

بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٦

﴿مصادیق دنیاگریزان﴾

۱۰-۹-۲- پرهیزگاران

﴿۳۵۶۹﴾ کسی که تقوای الهی را پیشه کند، عقل خود را از اهل دنیا برمی دارد. جسمش همراه اهل دنیا اما دل و عقلش نگران آخرت است. پس به وسیله‌ی نور دلش آنچه چشمانش از دوستی دنیا می‌بیند، خاموش می‌کند. حرام دنیا را ناپاک می‌داند و از شبهه‌ناک آن دوری می‌نماید.

۱۱-۹-۲- عاقلان

﴿۳۵۷۰﴾ هرکس که عقل و خردش به درجه‌ای رسید که شایسته‌ی دریافت علوم الهی گشت، از اهل دنیا و دنیاپرستان کناره می‌گیرد... ای هشام، به راستی که فرد عاقل به بهره‌ی اندکی از دنیا که همراه حکمت و دانش باشد، راضی و خشنود است. ولی به نصیب اندکی از حکمت که همراه دنیا باشد راضی نمی‌شود. به همین خاطر تجارت آن‌ها سود داده و فایده می‌بخشد. ... ای هشام، همانا خردمندان اضافه بر احتیاج دنیا را کنار گذاشتند تا چه رسد به گناهان، با اینکه ترک دنیا فضیلت است و ترک گناه لازم. ای هشام، به راستی که خردمندان دل از دنیا کنده و به آخرت پیوسته‌اند؛ چراکه آن‌ها دانسته‌اند دنیا هم طالب است و هم مطلوب و آخرت نیز هم طالب است و هم مطلوب. در نتیجه هرکس که خواهان آخرت باشد، بهره‌ی خود را به طور کامل از دنیا می‌گیرد. و هرکس که جویای دنیا باشد، آخرت او را طلب می‌کند و مرگش فرا می‌رسد، و دنیا و آخرتش تباه می‌گردد.

۱۲-۹-۲- خودشناس

﴿۳۵۷۱﴾ سزاوار است برای کسی که شرافت نفس خودش را می‌داند، از پستی دنیا بیرون بکشد.

۱۳-۹-۲- نیکوکاران

﴿۳۵۷۲﴾ دنیا را آسان بگیرید تا بر شما آسان بگیرد، آن را پست بدارید تا آخرت برای شما بلندمرتبه گردد؛ دنیا را گرامی ندارید که آخرت در چشمتان پست می‌گردد. دنیا شایسته‌ی گرامی داشتن نیست که هر روز فتنه و خسارتی به بار می‌آورد. دنیا چون رؤیای فردی است که خوابیده و مردم در آن در حالت خواب و بیدارند.

۱۴-۹-۲- از امت رسول خدا ﷺ

﴿۳۵۷۳﴾ امت من در دنیا بر سه دسته هستند: دسته‌ی اوّل کسانی هستند که جمع‌آوری مال را دوست ندارند، پس کسب و کارشان را وسعت نمی‌دهند و در نگهداری و احتکار آن سعی نمی‌کنند؛ همانا از دنیا به اندازه‌ی سدّ جوع و پوشاندن عورت راضی شده‌اند و از دنیا، جز به آنچه که آن‌ها را به آخرت برساند، بی‌نیاز شده‌اند. پس آن‌ها در امان هستند و از کسانی هستند که ترس و اندوهی ندارند.

الفصلُ العاشرُ: مَنْ أَقْبَلَ الدُّنْيَا عَلَيْهِ وَ ثَمَرَةُ الإِقْبَالِ

١٠-١- لا تُنَالُ الدُّنْيَا بِحِيلَةٍ وَ لَا بِفِطْنَةٍ

١٠-١-١- لا تُنَالُ الدُّنْيَا بِحِيلَةٍ

﴿٣٥٧٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ لَكِنَّمَا الْأَرْزَاقُ حِطٌّ وَ قِسْمَةٌ، بِفَضْلِ مَلِكٍ لَا بِحِيلَةٍ طَالِبٍ؛

ديوان امير المؤمنين ، ص ٦٦

١٠-١-٢- لا تُنَالُ الدُّنْيَا بِفِطْنَةٍ

﴿٣٥٧٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَلَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا تُنَالُ بِفِطْنَةٍ، وَ فَضْلٍ وَ عَقْلٍ نَلْتُ أَغْلَى

المراتب؛ بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ٣٩٧

١٠-١-٣- كُلُّ الْعِبَادِ يَأْخُذُونَ مَا كُتِبَ لَهُمْ

١٠-١-٣-١- كُلُّ الْعِبَادِ

﴿٣٥٧٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ فَإِنَّهُ لَيْسَ لِعَبْدٍ إِلَّا مَا كُتِبَ لَهُ وَ لَنْ يُخْرِجَ عَبْدٌ

مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَأْتِيَهُ مَا كُتِبَ لَهُ فِي الدُّنْيَا وَ هِيَ رَاغِمَةٌ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٩، ص ١٦٣

١٠-١-٣-٢- الْبَرُّ وَ الْفَاجِرُ

﴿٣٥٧٧﴾ الرسول ﷺ: وَ اعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِي الدُّنْيَا الْبَرَّ وَ الْفَاجِرَ وَ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ الَّذِي

أَنْتَ فِيهِ إِنَّمَا يُعْطِيهِ اللَّهُ صَفْوَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ؛ كتاب سليم بن قيس، ص ٨٢٦

﴿٣٥٧٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا عَرْضٌ حَاضِرٌ يَأْكُلُ مِنْهُ الْبَرُّ وَ الْفَاجِرُ وَ الْآخِرَةُ دَارُ حَقٍّ

يَحْكُمُ فِيهَا مَلِكٌ قَادِرٌ؛ غرر الحكم، ص ١٤٨

١٠-١-٣-٣- مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ أَبْغَضَ

﴿٣٥٧٩﴾ الصادق عليه السلام: إِنْ الدُّنْيَا يُعْطِيهَا اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ وَ أَبْغَضَ وَ إِنْ الْإِيمَانَ لَا يُعْطِيهِ إِلَّا مَنْ

أَحَبَّ؛ مشكاة الأنوار، ص ٣٩

فصل ۱۰: کسانی که دنیا به ایشان رو می کند و نتیجه ی روکردن دنیا

۱۰-۱- دنیا با حيله و مکر و زرنگی به دست نمی آید

۱۰-۱-۱- دنیا با حيله و مکر به دست نمی آید

﴿۳۵۷۴﴾ اما رزق و روزی دنیا، نصیب و قسمتی است که با لطف خداوندی به افراد می رسد و حيله و چاره جویی تلاشگران نتیجه ای ندارد.

۱۰-۱-۲- دنیا با زرنگی به دست نمی آید

﴿۳۵۷۵﴾ اگر دنیا از راه زیرکی، دانایی و عقل به چنگ می آمد، من باید بیش از همه از روزی آن بهره مند می شدم.

۱۰-۱-۳- همه ی بندگان سهم مقدر خود را دریافت می کنند

۱۰-۱-۳-۱- همه ی بندگان

﴿۳۵۷۶﴾ زیبا طلب کنید؛ و برای بنده جز آنچه مقدر شده بیشتر نمی رسد و هیچ بنده ای از دنیا نمی رود مگر آنکه آنچه تقدیرش شده به او رسیده باشد اگرچه آن را دوست نداشته باشد.

۱۰-۱-۳-۲- هر نیک و بد

﴿۳۵۷۷﴾ بدان که خدای متعال دنیا را به نیک و بد می دهد، ولی این امر ولایت که تو بر آن هستی (امر ولایت اهل بیت علیهم السلام) خداوند آن را فقط به برگزیدگان از خلقش می دهد.

﴿۳۵۷۸﴾ دنیا سفره ای آماده است که نیک و بد از آن می خورند، اما آخرت خانه ی حق است و پادشاهی مقتدر در آن حکمرانی می کند.

۱۰-۱-۳-۳- هر که مورد حب و یا حتی مورد بغض خداوند باشد

﴿۳۵۷۹﴾ همانا خداوند دنیا را به هر دوست و دشمنی می دهد، اما ایمان را فقط به کسی که دوستش دارد، می دهد.

﴿أَعْدَاءُ اللَّهِ﴾

﴿٣٥٨٠﴾ الرسول ﷺ: إِنَّهُ سُبْحَانَهُ يُعْطِي الدُّنْيَا لِمَنْ يَحِبُّ وَيُبْغِضُ وَلَا يُعْطِي الْآخِرَةَ إِلَّا أَهْلَ صَفْوَتِهِ وَمَحَبَّتِهِ وَإِنَّهُ يَقُولُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لِيَحْذَرَ عَبْدِي الَّذِي يَسْتَبْطِئُ رِزْقِي أَنْ أَغْضِبَ فَأَفْتَحَ عَلَيْهِ بَاباً مِنَ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٨، ص ١٩٥

﴿٣٥٨١﴾ الصادق عليه السلام: إِنْ أَلَّهِ يُعْطِي الدُّنْيَا لِمَنْ يَحِبُّهُ وَيُبْغِضُ وَلَا يُعْطِي هَذَا الْأَمْرَ إِلَّا أَهْلَ صَفْوَتِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٢٧، ص ١٢٢

١٠-٢-١- أعداء الله

١٠-٢-١- المخالف لله

﴿٣٥٨٢﴾ العسكري عليه السلام: فَإِنَّ اللَّهَ لَيْسَ يَسْتَعْظِمُ مَالَ الدُّنْيَا كَمَا تَسْتَعْظِمُهُ أَنْتَ وَلَا خَطَرَ لَهُ عِنْدَهُ كَمَا لَهُ عِنْدَكَ بَلْ لَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا عِنْدَهُ تَعْدِلُ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ لَمَا سَقَى كَافِرًا بِهِ مُخَالَفًا لَهُ شَرْبَةَ مَاءٍ؛ بحار الأنوار، ج ٩، ص ٢٧٣

١٠-٢-٢- الكافر بالله

﴿٣٥٨٣﴾ الباقر عليه السلام: إِنْ أَلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يُعْطِي الدُّنْيَا مَنْ يَحِبُّ وَيُبْغِضُ وَلَا يُعْطِي الْآخِرَةَ إِلَّا مَنْ أَحَبَّ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَسْأَلُ رَبَّهُ مَوْضِعَ سَوْطِهِ مِنَ الدُّنْيَا فَلَا يُعْطِيهِ وَيَسْأَلُهُ الْآخِرَةَ فَيُعْطِيهِ مَا شَاءَ وَيُعْطِي الْكَافِرَ فِي الدُّنْيَا قَبْلَ أَنْ يَسْأَلَهُ مَا شَاءَ؛ مستدرک الوسائل، ج ٥، ص ١٩٤

﴿٣٥٨٤﴾ العسكري عليه السلام: فَإِنَّ اللَّهَ لَيْسَ يَسْتَعْظِمُ مَالَ الدُّنْيَا كَمَا تَسْتَعْظِمُهُ أَنْتَ وَلَا خَطَرَ لَهُ عِنْدَهُ كَمَا لَهُ عِنْدَكَ بَلْ لَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا عِنْدَهُ تَعْدِلُ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ لَمَا سَقَى كَافِرًا بِهِ مُخَالَفًا لَهُ شَرْبَةَ مَاءٍ؛ بحار الأنوار، ج ٩، ص ٢٧٣

١٠-٢-٣- أعداء الله

﴿٣٥٨٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَمْ يَصِفُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الدُّنْيَا لِأَوْلِيَائِهِ وَلَمْ يَضَنْ بِهَا عَلَى أَعْدَائِهِ؛

غرر الحكم، ص ٩٩

﴿٣٥٨٦﴾ الصادق عليه السلام: أَنْ أَلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبَالِ بَضْرُ الدُّنْيَا لَوْلِيَّهِ سَاعَةً... وَأَنَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَبَالِ بَنِيمِ الدُّنْيَا لِعَدُوِّهِ سَاعَةً وَلَوْ لَا ذَلِكَ مَا كَانَ أَعْدَاؤُهُ يَقْتُلُونَ أَوْلِيَاءَهُ؛ مسكن الفوائد، ص ١٢٦

﴿دشمنان خداوند﴾

﴿۳۵۸۰﴾ خداوند سبحان دنیا را به کسانی که دوستشان دارد و همچنین به کسانی که دشمنشان می‌دارد، می‌بخشد؛ ولی آخرت را جز به بندگان برگزیده و مورد محبت خویش نمی‌بخشد. خداوند سبحان می‌فرماید: «بنده‌ی من که رسیدن رزق و روزی‌ام را طلب می‌کند، از اینکه خشمگین شوم و دری از درهای دنیا را به روی او بگشایم، برحذر باشد».

﴿۳۵۸۱﴾ خداوند دنیا را هم به کسی که او را دوست می‌دارد و هم به کسی که با او دشمن است، می‌دهد؛ ولی مسأله‌ی ولایت را جز به برگزیدگانش نمی‌دهد.

۲-۱۰- دشمنان خداوند

۱-۲-۱۰ مخالف خداوند

﴿۳۵۸۲﴾ خداوند مثل شما، برای ثروت دنیا ارزشی قائل نیست. و برایش ثروت دنیا ارزش‌آفرین نیست، چنانچه در نزد شما هست. اگر دنیا در نزد خداوند به اندازه‌ی پر مگسی ارزش داشت، به کافر و مخالف خود شربت آبی نمی‌داد.

۲-۲-۱۰ کافر به خداوند

﴿۳۵۸۳﴾ خداوند دنیا را به هرکس که او را دوست دارد یا دوست ندارد، می‌دهد؛ اما آخرت را فقط به کسی که او را دوست دارد، می‌بخشد. مؤمن از خداوند [بدون آگاهی] چیزی از دنیا را می‌طلبد که مورد رضای خداوند نیست [و موجبات غضب خداوند را فراهم می‌کند] لذا خداوند خواسته‌اش را اجابت نمی‌کند اما آخرت را طلب می‌کند و خداوند هر میزان که بخواهد به او می‌دهد اما به کافر، حتی قبل از آنکه چیزی از دنیا بخواهد، دنیا را عطا می‌کند.

﴿۳۵۸۴﴾ خداوند مثل شما، برای ثروت دنیا ارزشی قائل نیست. و برایش ثروت دنیا ارزش‌آفرین نیست، چنانچه در نزد شما هست. اگر دنیا در نزد خداوند به اندازه‌ی پر مگسی ارزش داشت، به کافر و مخالف خود شربت آبی نمی‌داد.

۳-۲-۱۰ دشمنان خداوند

﴿۳۵۸۵﴾ خدای سبحان دنیا را برای دوستان خود توصیه نکرده و در دادن آن به دشمنانش بخل نورزیده است.

﴿۳۵۸۶﴾ خداوند حتی یک لحظه به ضرری که دنیا به دوستانش می‌زند، توجه نمی‌کند... و حتی لحظه‌ای به نعمتی که به دشمنانش می‌رسد اهمیتی نمی‌دهد و اگر چنین نبود، هرگز دشمنانش، دوستانش را نمی‌کشتند.

﴿مَنْ أَدْبَرَ عَنِ الدُّنْيَا﴾

١٠-٢-٤- أئمة الضلالة

﴿٣٥٨٧﴾ الصادق عليه السلام: صَبَرُوا النَّفْسَ عَلَى الْبَلَاءِ فِي الدُّنْيَا فَإِنْ تَتَابَعَ الْبَلَاءُ فِيهَا وَالشَّدَّةُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَوَلَايَتِهِ وَوَلَايَةِ مَنْ أَمَرَ بِوَلَايَتِهِ خَيْرٌ عَاقِبَةً عِنْدَ اللَّهِ فِي الْآخِرَةِ مِنْ مُلْكِ الدُّنْيَا وَإِنْ طَالَ تَتَابَعُ نَعِيمِهَا... وَهُمْ أئمة الضلالة الَّذِينَ قَضَى اللَّهُ أَنْ يَكُونَ لَهُمْ دُولٌ فِي الدُّنْيَا عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ؛ الكافي، ج ٨، ص ١٣

١٠-٢-٥- مَنْ أَرَادَ اللَّهُ عَذَابَهُ

﴿٣٥٨٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا أَخْرِجُ عَبْدًا مِنَ الدُّنْيَا وَآنَا أُرِيدُ أَنْ أَرْحِمَهُ حَتَّى أَسْتَوْفِيَ مِنْهُ كُلَّ حَاطِئَةٍ عَمَلَهَا إِمَّا بِسُقْمٍ فِي جَسَدِهِ وَإِمَّا بِضَيْقٍ فِي رِزْقِهِ وَإِمَّا بِخَوْفٍ فِي دُنْيَاهُ فَإِنْ بَقِيََتْ عَلَيْهِ بَقِيَّةٌ شَدَّدْتُ عَلَيْهِ عِنْدَ الْمَوْتِ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا أَخْرِجُ عَبْدًا مِنَ الدُّنْيَا وَآنَا أُرِيدُ أَنْ أَعَذِّبَهُ حَتَّى أَوْفِيَهُ كُلَّ حَسَنَةٍ عَمَلَهَا إِمَّا بِسَعَةٍ فِي رِزْقِهِ وَإِمَّا بِصِحَّةٍ فِي جِسْمِهِ وَإِمَّا بِأَمْنٍ فِي دُنْيَاهُ فَإِنْ بَقِيََتْ عَلَيْهِ بَقِيَّةٌ هَوَّنْتُ عَلَيْهِ بِهَا الْمَوْتَ؛ الكافي، ج ٢، ص ٤٤٤

١٠-٢-٦- مَنْ أَهَانَهُ اللَّهُ

﴿٣٥٨٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَ لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَا يَدُلُّكَ عَلَى مَسَاوِي الدُّنْيَا وَ عُيُوبِهَا إِذْ جَاعَ فِيهَا مَعَ خَاصَّتِهِ وَ زُوِيَتْ عَنْهُ زَخَارِفُهَا مَعَ عَظِيمِ زُلْفَتِهِ فَلْيَنْظُرْ نَاطِرٌ بِعَقْلِهِ أَعْزَمَ اللَّهُ بِذَلِكَ مُحَمَّدًا أَمْ أَهَانَهُ فَإِنْ قَالَ أَهَانَهُ فَقَدْ كَذَبَ وَاللَّهُ الْعَظِيمُ وَ أَتَى بِالْإِفْكِ الْعَظِيمِ وَإِنْ قَالَ أَكْرَمَهُ فَلْيَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهَانَ غَيْرَهُ حَيْثُ بَسَطَ الدُّنْيَا لَهُ وَ زَوَاهَا عَنْ أَقْرَبِ النَّاسِ مِنْهُ... فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ مُحَمَّدًا ﷺ عَلَمًا لِلْسَّاعَةِ وَ مُبَشِّرًا بِالْجَنَّةِ وَ مُنْذِرًا بِالْعُقُوبَةِ خَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا خَمِيصًا وَ وَرَدَ الْآخِرَةَ سَلِيمًا؛ مكارم الأخلاق، ص ٨

١٠-٢-٧- أَهْلُ الدُّنْيَا

﴿٣٥٩٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَالَتْ الدُّنْيَا بِأَهْلِهَا؛ بحار الأنوار، ج ٣٨، ص ٣٤

١٠-٣- مَنْ أَدْبَرَ عَنِ الدُّنْيَا

«کسی که به دنیا پشت کند»

۴-۲-۱۰- پیشوایان گمراهی

﴿۳۵۸۷﴾ نفس خود را بر بلاهای دنیا صبور دارید که صبر بر بلاهای آن و ثبات قدم در مسیر اطاعت خدا و ولایت او و ولایت کسی که امر به تبعیت از ولایت او شده، بهترین عاقبت را در آخرت و در نزد خداوند دارد و عاقبتی بهتر از مالکیت بر دنیا دارد؛ حتی اگر سال‌های زیادی از نعمت‌های دنیا بهره ببرد... آنان راهنمایانی به سمت گمراهی هستند که خداوند مقدر کرده تا در دنیا دولت و سلطنتی بر اهل حق و اولیای خدا داشته باشند.

۵-۲-۱۰- کسی که خداوند عذابش را اراده کرده است

﴿۳۵۸۸﴾ خدای عزّ و جلّ می‌فرماید: به عزّت و جلالم سوگند! بنده‌ای را که بخواهم به او رحم کنم، از دنیا بیرون نمی‌برم تا اینکه هر گناهی کرده [عوضش را] یا به‌وسیله‌ی بیماری جسمش، یا تنگی در روزی‌اش، یا با ترس و هراس در دنیایش می‌دهم؛ و اگر باز هم چیزی بماند، مرگ را بر او سخت می‌کنم و به عزّت و جلالم سوگند! بنده‌ای را که بخواهم عذاب کنم از دنیا بیرون نمی‌برم تا هر کار نیکی را که انجام داده [عوض کاملش] را یا با فراخی در روزی‌اش و یا به‌وسیله‌ی سلامتی جسمش و یا به‌وسیله‌ی آسودگی خاطر در دنیایش به او می‌دهم؛ و اگر باز هم چیزی باقی ماند مرگ را بر او آسان می‌کنم.

۶-۲-۱۰- آن را که خداوند خوار شمرد

﴿۳۵۸۹﴾ در اخلاق و روش حضرت رسول ﷺ چیزهایی هست که تو را به بدی دنیا و نواقص بی‌حدّ آن دلالت می‌کند. وقتی که نبی اکرم ﷺ با آن مقام مخصوصی که نزد خدا داشت غالباً گرسنه به سر می‌برد و با آن همه مقام ارجمندی که نزد حق داشت زیورهای دنیا دامن از او برچید و هرگز به‌سویش نیامد، خردمند باید به دیده‌ی خرد بنگرد که خداوند با این کار می‌خواست رسولش را گرامی بدارد؟! و یا مورد اهانت و تحقیر قرار دهد! اگر بگویند که قصد توهین داشت که به خدا دروغ بسته و بهتانی بزرگ زده است. و اگر معتقد باشد که خداوند با این کار پیامبرش را مورد تکریم قرار داده، پس خدا کسی را خوار شمرد که دنیا را برای او گستراند و از نزدیک‌ترین مردم به خودش دور نگه داشت... خداوند محمد ﷺ را وسیله‌ی توجّه به قیامت و بشارت‌دهنده به بهشت و آخرت و ترساننده از عذاب و عقوبت قرار داد؛ از دنیا گرسنه بیرون رفت و به آخرت سالم وارد شد.

۷-۲-۱۰- اهل دنیا

﴿۳۵۹۰﴾ زخارف دنیا به‌سوی اهل دنیا متمایل می‌شود.

۳-۱۰- کسی که به دنیا پشت کند

﴿مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ﴾

١٠-٣-١- مَنْ تَرَكَ الدُّنْيَا

﴿٣٥٩١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الدُّنْيَا لِمَنْ تَرَكَهَا وَ الْآخِرَةُ لِمَنْ طَلَبَهَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ٨١

١٠-٣-٢- مَنْ أَذْبَرَ عَنِ الدُّنْيَا

﴿٣٥٩٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّكَ إِنْ أَذْبَرْتَ عَنِ الدُّنْيَا أَقْبَلْتَ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

١٠-٣-٣- مَنْ قَعَدَ عَنِ الدُّنْيَا

﴿٣٥٩٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ سَعَى لِلدُّنْيَا فَاتَتْهُ وَمَنْ قَعَدَ عَنْهَا أَتَتْهُ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٥١

﴿٣٥٩٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ قَعَدَ عَنْ طَلَبِ الدُّنْيَا قَامَتْ إِلَيْهِ؛ غرر الحكم، ص ١٢٩

١٠-٣-٤- مَنْ غَضِبَ الدُّنْيَا

﴿٣٥٩٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُلُّ شَيْءٍ يَعْصِيكَ إِذَا أَغَضِبْتَهُ إِلَّا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا تُطِيعُكَ إِذَا

أَغَضِبْتَهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٠٠

١٠-٤-١- مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ

١٠-٤-٢- مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ

﴿٣٥٩٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكَ بِالْآخِرَةِ تَأْتِكَ الدُّنْيَا صَاغِرَةً؛ غرر الحكم، ص ١٤٤

١٠-٤-٣- مَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ

﴿٣٥٩٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ

النَّاسِ وَ مَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ وَ مَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعِظُ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ

اللَّهِ حَافِظُ؛ بحار الأنوار، ج ٦٨، ص ٣٦٧

١٠-٤-٤- مَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ

﴿٣٥٩٨﴾ الصادق عليه السلام: الدُّنْيَا طَالِبَةٌ وَ مَطْلُوبَةٌ فَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَهُ الْمَوْتُ حَتَّى يُخْرِجَهُ

مِنْهَا وَ مَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبْتَهُ الدُّنْيَا حَتَّى تُوفِّيَهُ رِزْقَهُ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤٠٩

﴿٣٥٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الرِّزْقُ رِزْقَانِ طَالِبٌ وَ مَطْلُوبٌ فَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَهُ الْمَوْتُ

حَتَّى يُخْرِجَ عَنْهَا وَ مَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبْتَهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَوْفِيَ رِزْقَهُ مِنْهَا؛ بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٣٨

«کسی که آخرت را بخواهد»

۱-۳-۱۰- کسی که دنیا را ترک کند

«۳۵۹۱» دنیا برای کسی است که ترکش کند و آخرت برای کسی است که آن را بخواهد.

۱-۳-۱۰-۲- کسی که به دنیا پشت کند

«۳۵۹۲» همانا اگر تو به دنیا پشت کنی، دنیا به تو روی می‌آورد.

۱-۳-۱۰-۳- کسی که از دنیا دست بکشد

«۳۵۹۳» اگر کسی برای خانه‌ی دنیا بکوشد، آن را از دست می‌دهد و هرکس که رهایش ساخت، دنیا به‌سویش می‌شتابد.

«۳۵۹۴» هرکس که بنشیند و دنبال دنیا نرود، دنیا می‌ایستد و به سمت او می‌آید.

۱-۳-۱۰-۴- کسی که از دنیا خشمگین باشد

«۳۵۹۵» به هرچه خشم‌گیری، دیگر به حرفت گوش نمی‌دهد و فرمان نمی‌برد جز دنیا که وقتی بر آن خشم می‌گیری، از تو اطاعت می‌کند.

۱-۴-۱۰- کسی که آخرت را بخواهد

۱-۴-۱۰-۱- کسی که آخرت را بخواهد

«۳۵۹۶» به‌سوی آخرت متوجه باش، دنیا خودش با خواری نزد تو خواهد آمد.

۱-۴-۱۰-۲- کسی که امر آخرت خود را اصلاح نماید

«۳۵۹۷» هرکس بین خود و خدا را اصلاح کند، خداوند بین او و مردم را اصلاح می‌کند، و هرکس امر آخرت خود را اصلاح نماید، خداوند دنیای او را اصلاح می‌نماید. و هرکس از باطنش واعظی داشته باشد، خداوند هم نگهبانی برای او می‌گذارد و او را از هر گزند حفظ می‌کند.

۱-۴-۱۰-۳- کسی که آخرت را می‌طلبد

«۳۵۹۸» دنیا چیزی است که هم طلب می‌شود و هم طلب می‌کند، [به این معنا که] هرکس طالب دنیا باشد، مرگ او را می‌طلبد و از دنیا خارجش می‌کند، اما هرکس طالب آخرت باشد، دنیا او را طلب می‌کند تا رزق و روزی او را به‌طور کامل به او بدهد.

«۳۵۹۹» روزی دو نوع است: طلب‌کننده (روزی‌ای که خود تو را طلب می‌کند) و طلب شده (روزی‌ای که تو آن را طلب می‌کنی)، پس هرکس به دنبال دنیا باشد، مرگ او را طلب می‌کند تا از دنیا برود، و هرکس به دنبال آخرت باشد، دنیا او را طلب می‌کند، تا روزی‌اش را به تمامی از آن دریافت نماید.

﴿أَهْلُ الدِّينِ وَالتَّقْوَى﴾

١٠-٤-٤- مَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هِمَّتَهُ

﴿٣٦٠﴾ الرسول ﷺ: تَفَرَّغُوا مِنْ هُمُومِ الدُّنْيَا مَا اسْتَطَعْتُمْ فَإِنَّهُ غَيْرُ نَصِيبِهِ الْمَكْتُوبُ لَهُ وَمَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هِمَّتَهُ جَمَعَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَهُ وَجَعَلَ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا رَاغِمَةً؛ إرشاد القلوب،

ج ١، ص ١٨

١٠-٤-٥- مَنْ بَدَأَ بِنَصِيبِهِ مِنَ الْآخِرَةِ

﴿٣٦١﴾ الرسول ﷺ: إِنَّهُ مَنْ بَدَأَ بِنَصِيبِهِ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّهُ نَصِيبُهُ مِنَ الْآخِرَةِ وَلَمْ يَذْرِكْ مِنْهَا مَا يُرِيدُ وَمَنْ بَدَأَ بِنَصِيبِهِ مِنَ الْآخِرَةِ وَصَلَ إِلَيْهِ مِنَ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٤

١٠-٤-٦- مَنْ كَانَ عَلَى نِيَّةِ الْآخِرَةِ

﴿٣٦٢﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الدُّنْيَا عَلَى نِيَّةِ الْآخِرَةِ وَلَا يُعْطِي الْآخِرَةَ عَلَى نِيَّةِ الدُّنْيَا اجْعَلِ الْآخِرَةَ رَأْسَ مَا لَكَ فَمَا أَتَاكَ مِنَ الدُّنْيَا فَهُوَ رِنَجٌ؛ إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٨٦

﴿٣٦٣﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِي الدُّنْيَا عَلَى نِيَّةِ الْآخِرَةِ وَلَا يُعْطِي الْآخِرَةَ عَلَى نِيَّةِ

الدُّنْيَا؛ مجموعة ورام، ج ١، ص ٧٦

١٠-٤-٧- مَنْ كَانَ عَمَلُهُ لِلْآخِرَةِ

﴿٣٦٤﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ وَلَا يُعْطِي الْآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا؛

بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٢٥

١٠-٥- أَهْلُ الدِّينِ وَالتَّقْوَى

١٠-٥-١- الْمُتَّقَى

﴿٣٦٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْمُتَّقُونَ... فَقَسَمَ بَيْنَهُمْ مَعَاشَهُمْ وَوَضَعَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا مَوَاضِعَهُمْ...

أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُوهَا؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٠، ص ١٨٦

﴿٣٦٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَهُمَّامٌ فِي وَصْفِ الْمُتَّقِينَ أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا وَلَمْ يُرِيدُوهَا؛ بحار الأنوار،

ج ٧٠، ص ٨٣

﴿٣٦٧﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ

مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ قَالَ فِي دُنْيَاهُ؛ مستدرک الوسائل،

ج ١٣، ص ٣٤

«اهل دیانت و پرهیزگاری»

۴-۱۰-۴-۴ کسی که همتش آخرت باشد

«۳۶۰۰» تا می‌توانید دل‌های خود را از اشتغال به [امور] دنیا فارغ نمایید، زیرا کسی که همتش صرف امور دنیا شود، سنگدل می‌گردد و [همیشه] فقر در مقابل چشمانش، مجسم می‌شود، در صورتی که بیشتر از مقدار مقرر به او نمی‌رسد. و کسی که همتش صرف آخرت شود، خداوند کارش را اصلاح می‌کند و دل او را بی‌نیاز می‌گرداند و ناخواسته دنیا به او روی می‌آورد.

۴-۱۰-۴-۵ کسی که شروع به دریافت بهره‌اش از آخرت کند

«۳۶۰۱» همانا کسی که به دریافت بهره‌اش از دنیا شروع کند، همان بهره‌ی آخرتش خواهد بود و از آن بهره‌ای که می‌خواهد، دریافت نخواهد کرد؛ و کسی که به دریافت بهره‌اش از آخرت شروع کند، در دنیا به آن بهره می‌رسد.

۴-۱۰-۴-۶ کسی که نیتش آخرت باشد

«۳۶۰۲» خداوند دنیا را به نیت [رسیدن به] آخرت، عطای می‌کند؛ اما آخرت را به نیت دنیا نمی‌دهد. آخرت را تمام سرمایه‌ی خود قرار ده که در این صورت هرچه که از دنیا به تو داده می‌شود، به سود توست.

«۳۶۰۳» همانا خداوند دنیا را به کسانی که در فکر آخرت هستند، عطا می‌کند. ولی آخرت را به کسانی که در فکر و اندیشه‌ی دنیایند، عطا نمی‌کند.

۴-۱۰-۴-۷ کسی که عملش به خاطر آخرت باشد

«۳۶۰۴» خداوند متعال به خاطر عمل اخروی، [بهره‌ی] دنیا را به بنده‌اش می‌بخشد، [اما] به خاطر عمل دنیوی [بهره‌ی] آخرت را به او عطا نمی‌کند.

۵-۱۰-۵ اهل دیانت و پرهیزگاری

۵-۱۰-۵-۱ پرهیزگار

«۳۶۰۵» [روزی] پرهیزکاران... برایشان تقسیم و مقدر شده و در جایگاه خودشان در دنیا قرار دارند [و زیاده‌طلبی نمی‌کنند]... دنیا آن‌ها را خواست ولی آن‌ها آن را نخواستند.

«۳۶۰۶» [خطبه‌ی متقین امام علیه السلام برای همام:] دنیا آنان [با تقوایان] را خواست ولی آنان دنیا را نخواستند.

«۳۶۰۷» محمدبن مسلم گوید: «از امام صادق علیه السلام درباره‌ی تفسیر این سخن الهی: «هرکه

تقوی پیشه کند، خداوند راه خروج بر او می‌گشاید و به او از آنجا که نمی‌پندارد روزی می‌دهد» پرسیدم. فرمود: «مقصود این است که [راه نجات و روزی را] در دنیا به او می‌دهد».

﴿أَهْلُ الْمُسَالَمَةِ وَالْإِحْسَانِ﴾

٢-٥-١٠-أهل الدين

﴿٣٦٠٨﴾ الرضا عليه السلام: مَنْ أُعْطِيَ الدِّينَ فَقَدْ أُعْطِيَ الدُّنْيَا؛ فقه الرضا عليه السلام، ص ٩٦

٣-٥-١٠-العامل بالدين

﴿٣٦٠٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَصْلَحَ سَرِيرَتَهُ أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ عِلَالَتَهُ وَمَنْ عَمِلَ لِدِينِهِ كَفَاهُ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ وَمَنْ أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ كَفَاهُ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ؛ بحار الأنوار، ج ٤٨، ص ٣٦٧

﴿٣٦١٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ عَمِلَ لِدِينِهِ كَفَاهُ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ؛ روضة الواعظين، ج ٢، ص ٣٧٢

٤-٥-١٠-المتوكل

﴿٣٦١١﴾ مَا يَنْقُلُ فِي الْمِيزَانِ إِلَّا النِّيَّةُ الصَّادِقَةُ وَالْأَعْمَالُ الطَّاهِرَةُ وَكَفُّ الْأَذَى وَالنَّصِيحَةُ لِجَمِيعِ الْوَرَى وَاجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَالْهَرَبُ مِنَ الْمَآثِمِ فَأَعْبُدُوا اللَّهَ الَّذِي فَطَرَكُمْ وَسَوَّى صُورَكُمْ وَانْبِئُوا إِلَيْهِ وَتَوَكَّلُوا عَلَيْهِ يُسَهِّلْ لَكُمْ فِي دُنْيَاكُمْ الْمَطْلَبَ وَيَجِرْكُمْ فِي مَعَادِكُمْ مِنَ الْمَعَاطِبِ وَاعْلَمُوا أَنَّ الْخَيْرَ بِيَدَيْهِ وَالْأُمُورَ كُلَّهَا إِلَيْهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلَّابُ؛ بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٤٦٤

٥-٥-١٠-خادم الله

﴿٣٦١٢﴾ الصادق عليه السلام: إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَطْلُعُ عَلَى الدُّنْيَا فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ فَيَقُولُ يَا دُنْيَا أَنْتِ دَنِيَّةٌ فَتَكْدِرِي عَلَى عَبْدِي الْمُؤْمِنِ وَلَا تَحْلِي لَهُ فَيُفْتِنَنَّ مَنْ خَدَمَكَ فَاسْتَخْدِمِيهِ وَمَنْ خَدَمَنِي فَاخْدُمِيهِ؛ مجموعة ورام، ج ٢، ص ٢٠٠

٦-٥-١٠-أهل المسالمة والإحسان

١-٥-١٠-حسن الجوار

﴿٣٦١٣﴾ الصادق عليه السلام: صِلَةُ الْأَرْحَامِ مَنْسَأَةٌ فِي الْأَعْمَارِ وَحُسْنُ الْجَوَارِ عِمَارَةٌ لِلدُّنْيَا وَصَدَقَةُ السَّرِّ مَثْرَاءٌ لِلْمَالِ؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٠٧

٢-٥-١٠-الأمين

﴿٣٦١٤﴾ الصادق عليه السلام: بُنِيَ آدَاءُ الْأَمَانَةِ تَسْلَمَ لَكَ دُنْيَاكَ وَآخِرَتُكَ وَكُنْ أَمِينًا تَكُنْ غَنِيًّا؛

وسائل الشيعة، ج ١٢، ص ١٥٦

«اهل آشتی و نیکوکاری»

۲-۵-۱۰- دین‌دار

«۳۶۰۸» هرکس که دین به او عطا شده، دنیا نیز به او عطا شده است.

۳-۵-۱۰- عامل به دین

«۳۶۰۹» هرکس نهانش را اصلاح کند، خداوند ظاهرش را اصلاح می‌کند. و هرکس برای دینش کار کند، خداوند امر دنیایش را کفایت می‌کند. و هرکس بین خود و خدا را اصلاح کند، خداوند بین او و مردم را اصلاح می‌کند.

«۳۶۱۰» کسی که برای دینش کار کند، خداوند امر دنیایش را کفایت می‌کند.

۴-۵-۱۰- واگذارنده‌ی امور به خدا

«۳۶۱۱» نیت صادق و اعمال پاک، خودداری از آزاررساندن و خیرخواهی برای مردم، دوری از حرام و فرار از گناهان است که ترازو را سنگین می‌کند. پس خدایی را بپرستید که شما را آفرید و صورت شما را متناسب گرداند. به‌سوی او باز گردید و بر او توکل کنید تا خواسته‌های دنیوی شما را آسان گرداند و به هنگام بازگشتتان شما را از دست‌اندازها در امان دارد. و بدانید که خیر به دست اوست و تمامی امور به او واگذار شده و او شکست‌ناپذیر چیره است.

۵-۵-۱۰- خدمت‌گذار خداوند

«۳۶۱۲» خداوند عزّ و جل روزی یک یا دو بار به دنیا سرکشی می‌کند و می‌فرماید: «ای دنیا! تو پست هستی، پس بر بنده‌ی مؤمن من مکدر [و سخت] باش و خود را برای او زینت نده که فریب نخورد. هرکس به تو خدمت کرد تو نیز به او خدمت کن و هرکس به من خدمت کرد من خودم به او خدمت می‌کنم».

۶-۱۰- اهل آشتی و نیکوکاری

۱-۶-۱۰- خوش‌رفتار با همسایگان

«۳۶۱۳» صله‌ی ارحام موجب فراموشی اجل و تأخیر آن و خوش‌رفتاری با همسایگان موجب آبادی شهرها و صدقه‌ی پنهانی موجب افزایش مال است.

۲-۶-۱۰- امانت‌دار

«۳۶۱۴» پسر! امانت را بپرداز تا دنیا و آخرت سالم بماند و امین باش تا بی‌نیاز شوی.

﴿أهل العبادة والذكر﴾

﴿٣٦١٥﴾ لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ عَلَيْكَ بَادَاءُ الْأَمَانَةِ تَسْلَمُ دُنْيَاكَ وَآخِرَتُكَ وَكُنْ أَمِينًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ؛ قصص الأنبياء للراوندي، ص ١٩٠
١٠-٦-٣- أهل المسالمة

﴿٣٦١٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سَأَلِمَ النَّاسَ تَسْلَمَ دُنْيَاكَ؛ غرر الحكم، ص ٤٤٥
١٠-٦-٤- المحسن

﴿٣٦١٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى وَزِيَادَةٌ وَالْحُسْنَى هِيَ الْجَنَّةُ وَ الزِّيَادَةُ هِيَ الدُّنْيَا؛ بحار الأنوار، ج ٧، ص ٢٦٠
١٠-٧- أهل العبادة والذكر

١٠-٧-١- مَنْ أَمَّ بَيْتَ اللَّهِ

﴿٣٦١٨﴾ الرسول ﷺ: مَنْ أَرَادَ دُنْيَاً وَآخِرَةً فَلْيُؤْمَمْ هَذَا الْبَيْتُ؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٢١٩
١٠-٧-٢- مَنْ سَأَلَ اللَّهَ فِي مَكَّةَ

﴿٣٦١٩﴾ الرسول ﷺ: مَنْ أَرَادَ دُنْيَاً أَوْ آخِرَةً فَلْيُؤْمَمْ هَذَا الْبَيْتَ مَا أَتَاهُ عَبْدٌ فَسَأَلَ اللَّهَ دُنْيَاً إِلَّا أَعْطَاهُ مِنْهَا أَوْ سَأَلَهُ آخِرَةً إِلَّا ذَخَرَ لَهُ مِنْهَا؛ مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٣٧
١٠-٧-٣- مَنْ قَرَأَ سُورَةَ «يَس»

﴿٣٦٢٠﴾ رَوَى أَنَّ يَسَ تَقْرَأُ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلِلْحِفْظِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَبَلِيَّةٍ فِي النَّفْسِ وَالْأَهْلِ وَالْأَمْوَالِ؛ مستدرک الوسائل، ج ٤، ص ٣٢٤
١٠-٧-٤- مَنْ قَالَ «مَا شَاءَ اللَّهُ»

﴿٣٦٢١﴾ الصادق عليه السلام: وَ عَجِبْتُ لِمَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ عَقِيبَهَا إِنَّ تَرَنَّا أَقْلَ مِنْكَ مَالًا وَكَدًا؛ فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ؛ المصباح للكفعمي، ص ١٩٥

١٠-٨- ثَمَرَةُ إِقْبَالِ الدُّنْيَا

١٠-٨-١- أَعْطَتْهُ مُحَاسِنَ غَيْرِهِ

«اهل عبادت و ذکر»

﴿۳۶۱۵﴾ پسر! بنده‌ی نیکان باش و فرزند اشرار نباش. پسر! امانت را به صاحبش برگردان تا در دنیا و آخرت در امان باشی و امین مردم باش چون خداوند متعال خیانتکاران را دوست ندارد. پسر! ریاکار نباش که جلوی مردم خود را با تقوا نشان بدهی و در قلبت گناهکار باشی.

۳-۶-۱۰- اهل مسالمت و آشتی

﴿۳۶۱۶﴾ با مردم آشتی کن تا دنیای تو سالم بماند.

۴-۶-۱۰- نیکوکار

﴿۳۶۱۷﴾ خدای عزّ و جل فرموده است: «کسانی که نیکی کردند، پاداش نیک و افزون بر آن دارند» پس پاداش نیک همان بهشت است و افزونی پاداشی است که در دنیا به آنان مرحمت می‌فرماید.

۷-۱۰- اهل عبادت و ذکر

۱-۷-۱۰- کسی که قصد خانه‌ی خدا کند

﴿۳۶۱۸﴾ کسی که دنیا یا آخرت را می‌خواهد، به‌سوی این خانه بیاید.

۲-۷-۱۰- کسی که در مکه از خدا درخواستی کند

﴿۳۶۱۹﴾ کسی که دنیا یا آخرت را می‌خواهد، به‌سوی این خانه بیاید که هیچ بنده‌ای در آن از خداوند دنیا نخواست مگر آنکه به او داد و آخرت نخواست مگر آنکه در توشه‌ی او قرار داد.

۳-۷-۱۰- کسی که سوره «یس» را بخواند

﴿۳۶۲۰﴾ روایت شده که سوره‌ی یس برای دنیا و آخرت خوانده می‌شود؛ و نیز برای حفاظت در برابر هر آفت و بلایی در جان و خانواده و مال مفید است.

۴-۷-۱۰- کسی که بگوید: «آنچه خدا خواسته»

﴿۳۶۲۱﴾ در عجبیم از کسی که قصد دنیا را دارد اما به این کلام الهی پناه نمی‌برد که فرمود: «ما شاء الله لا قوة الا بالله»؛ زیرا خداوند پس از این آیه می‌فرماید: اگر می‌بینی من از نظر مال و فرزند از تو کمترم [مطلب مهمی نیست] شاید پروردگارم بهتر از باغ تو به من بدهد.

۸-۱۰- نتیجه‌ی روکردن دنیا

۱-۸-۱۰- نیکی‌های دیگران را به او می‌دهد

﴿ثَمَرَةُ إِقْبَالِ الدُّنْيَا﴾

﴿٣٦٢٢﴾ الباقر عليه السلام: إِذَا أَقْبَلَتِ الدُّنْيَا عَلَى إِنْسَانٍ أَعْطَتْهُ مَحَاسِينَ غَيْرِهِ وَإِذَا أَدْبَرَتْ عَنْهُ سَلَبَتْهُ مَحَاسِينَ نَفْسِهِ؛ بحار الأنوار، ج ٦٩، ص ٦٤
١٠-٨-٢- أَعَارَتْهُمْ مَحَاسِينَ غَيْرِهِمْ

﴿٣٦٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِذَا أَقْبَلَتِ الدُّنْيَا عَلَى قَوْمٍ أَعَارَتْهُمْ مَحَاسِينَ غَيْرِهِمْ وَإِذَا أَدْبَرَتْ عَنْهُمْ سَلَبَتْهُمْ مَحَاسِينَ أَنْفُسِهِمْ؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٨، ص ١٠٥
١٠-٨-٣- كَسَتْهُ مَحَاسِينَ غَيْرِهِ

﴿٣٦٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِذَا أَقْبَلَتِ الدُّنْيَا عَلَى عَبْدٍ كَسَتْهُ مَحَاسِينَ غَيْرِهِ وَإِذَا أَدْبَرَتْ عَنْهُ سَلَبَتْهُ مَحَاسِينَ غَيْرِهِ؛ غرر الحكم، ص ١٣٤

«نتیجه‌ی روکردن دنیا»

«۳۶۲۲» هنگامی که دنیا به انسان روی می‌آورد، نیکی‌های دیگران را به او می‌دهد و چون پشت کند، نیکی‌های شخص را از او می‌گیرد.

۲-۸-۱۰- محاسن دیگران را به عاریت گرفته و به آن‌ها می‌دهد

«۳۶۲۳» وقتی دنیا بر گروهی رو کند، محاسن دیگران را به عاریت گرفته و به آن‌ها می‌دهد و وقتی از آنان پشت کند، محاسن آن‌ها را نیز خواهد گرفت.

۳-۸-۱۰- محاسن دیگران را گرفته و به او می‌پوشاند

«۳۶۲۴» وقتی دنیا به کسی رو کند، محاسن دیگران را گرفته و به او می‌پوشاند و وقتی از او رو برگرداند، آن محاسن را از او پس خواهد گرفت.

فهرست منابع

قرآن.

- الاحتجاج؛ ابو منصور احمد بن علی طبرسی، مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق.
- الاختصاص؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- الإرشاد؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- إرشاد القلوب؛ حسن بن ابی الحسن دیلمی، شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ ق.
- الإستبصار؛ شیخ طوسی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ ق.
- الإشراف؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- الإعلام؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- أعلام الدین؛ حسن بن ابی الحسن دیلمی، مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.
- إعلام الوری؛ امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، بی تا.
- الإفصاح؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- إقبال الأعمال؛ سید علی بن موسی بن طاوس، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۶۷ ش.
- أقسام المولی فی اللسان؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- الألفین؛ بن فهد حلّی، دار الهجرة، قم، ۱۴۰۹ ق.
- الأمالی؛ شیخ صدوق، کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲ هجری.
- الأمالی؛ شیخ طوسی، دارالثقافة، قم، ۱۴۱۴ ق.
- الأمالی؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- الأمان؛ سید علی بن موسی بن طاوس، آل البيت علیه السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
- الأنوار؛ احمد بن عبدالله بکری، شریف رضی، قم، ۱۴۱۱ ق.

﴿فهرست منابع﴾

- أوائل المقالات؛ شيخ مفيد، كنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- إيمان أبى طالب للفخار؛ سيد فخارين معد موسى، سيد الشهداء عليه السلام، قم، ۱۴۱۰ ق.
- إيمان أبى طالب للمفيد؛ شيخ مفيد، كنگره جهانی شیخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ ق.
- بحار الأنوار؛ علامه مجلسی، مؤسسة الوفاء، بيروت، ۱۴۰۴ ق.
- البرهان فى تفسير القرآن؛ سيد هاشم بن سليمان بحراني، تصحيح قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم، ۱۳۷۴ ش.
- بشارة المصطفى؛ عماد الدين طبرى، كتابخانه حيدريه، نجف، ۱۳۸۳ ق.
- بصائر الدرجات؛ محمد بن حسن بن فروخ صفار، كتابخانه آيت الله مرعشى، قم، ۱۴۰۴ ق.
- بلاغات النساء؛ ابن طيفور احمد بن ابى طاهر، شريف رضى، قم.
- البلد الأمين و الدرع الحصين؛ ابراهيم بن على عاملی، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بيروت، ۱۴۱۸ ق.
- بناء المقالة الفاطمية؛ سيد احمد بن موسى بن طاوس، مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم، ۱۴۱۱ ق.
- تأويل الآيات الظاهرة؛ سيد شرف الدين حسينى استرآبادی، جامعه مدرسين، قم، ۱۴۰۹ ق.
- التحصين لابن طاوس؛ سيد على بن موسى بن طاوس، مؤسسه دارالكتاب، قم، ۱۴۱۳ ق.
- التحصين لابن فهد الحلبي؛ بن فهد حلبي، مدرسه امام مهدي عليه السلام، قم، ۱۴۰۶ ق.
- تحف العقول؛ حسن بن شعبه حراني، جامعه مدرسين، قم، ۱۴۰۴ ق.
- التذكرة بأصول الفقه؛ شيخ مفيد، كنگره جهانی شیخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ ق.
- تصحيح الاعتقاد؛ شيخ مفيد، كنگره جهانی شیخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ ق.
- تفسير العياشي؛ محمد بن مسعود عياشي، علميه، تهران، ۱۳۸۰ ق.
- تفسير القمي؛ على بن ابراهيم بن هاشم قمی، دارالكتاب قم، ۱۴۰۴ ق.
- تفسير امام عسكري عليه السلام؛ امام حسن عسكري عليه السلام، مدرسه امام مهدي عليه السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
- تفسير فرات الكوفي؛ فرات بن ابراهيم كوفي، بى تا، ۱۴۱۰ ق.
- تفضيل أمير المؤمنين عليه السلام؛ شيخ مفيد، كنگره جهانی شیخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ ق.
- تقريب المعارف؛ ابوالصلاح حلبی، جامعه مدرسين قم، ۱۴۰۴ ق.
- التمحيص؛ محمد بن همام اسكافي، مدرسه امام مهدي عليه السلام، قم، ۱۴۰۴ ق.
- تنزيه الأنبياء عليه السلام؛ سيد مرتضى علم الهدى، شريف رضى، قم.

﴿فهرست منابع﴾

- تهذيب الأحكام؛ شيخ طوسي، دارالكتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۵ ش.
- توحيد المفضل؛ مفضل بن عمر جعفی کوفی، مكتبة الداوری^۱ قم، ۱۹۶۹ م.
- التوحيد؛ شيخ صدوق، جامعه مدرسين قم، ۱۳۹۸ ق، ۱۳۵۷ ش.
- ثواب الأعمال؛ شيخ صدوق، شريف رضى، قم، ۱۳۶۴ ش.
- جامع الأخبار؛ تاج الدين شعيرى، رضى، قم، ۱۳۶۳ ش.
- الجعفریات؛ محمد بن محمد بن اشعث کوفی، ج ۱، مكتبة نينوى الحديثة، تهران.
- جمال الأسبوع؛ سيد على بن موسى بن طاوس، رضى، قم.
- الحکایات؛ شيخ مفيد، كنگره جهانى شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ ق.
- الخرائج و الجرائح؛ قطب الدين راوندی، مؤسسه امام مهدي^{عليه السلام} قم، ۱۴۰۹ ق.
- خصائص الأئمة^{عليهم السلام}؛ سيد رضى، مجمع البحوث آستان قدس رضوى، مشهد، ۱۴۰۶ ق.
- الخصال؛ شيخ صدوق، جامعه مدرسين، قم، ۱۴۰۳ ق.
- خلاصة الإيجاز؛ شيخ مفيد، كنگره جهانى شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ ق.
- دعائم الإسلام؛ نعمان بن محمد تميمى مغربى، دارالمعارف، ۱۳۸۵ ق.
- الدعوات؛ قطب الدين راوندی، مدرسه امام مهدي^{عليه السلام} قم، ۱۴۰۷ ق.
- دلائل الإمامة؛ محمد بن جرير طبرى، دار الذخائر للمطبوعات، قم.
- ديوان الإمام على^{عليه السلام}؛ امام على بن ابى طالب^{عليه السلام}، پیام اسلام، قم، ۱۳۶۹ ش.
- روضة الواعظين؛ محمد بن حسن فتال نيشابورى، روضة الواعظين، ج ۱، رضى قم.
- رياض السالكين فى شرح صحيفة سيد الساجدين، سيد عليخان بن احمد كبير مدنى، تصحيح؛ محسن حسینی امینی، دفتر اسلامى، قم، ۱۴۰۹ ق.
- الزهد؛ حسين بن سعيد اهوازى، الزهد، ج ۱، حسينيان، بی جا، ۱۴۰۲ ق.
- سعد السعود؛ سيد على بن موسى بن طاوس، دارالذخائر، قم، بی تا.
- شرح الكافى - الأصول و الروضة، محمد صالح بن احمد، مازندرانی، تصحيح، ابوالحسن شعرانی، المكتبة الإسلامية، تهران، ۱۳۸۲ ق.
- شرح نهج البلاغه؛ ابن ابى الحديد، كتابخانه آيت الله مرعشى، قم، ۱۴۰۴ ق.
- شواهد التنزيل؛ حاكم حسانى، مؤسسه چاپ و نشر بی جا، ۱۴۱۱ ق.

﴿فهرست منابع﴾

- صحيفة الرضا عليه السلام: امام علي بن موسى الرضا عليه السلام، كنگره جهاني امام رضا عليه السلام، مشهد، ١٤٠٦ ق.
- الصحيفة السجادية: امام سجاد عليه السلام، الهادي، قم، ١٣٧٦ ش.
- الصراط المستقيم: علي بن يونس نباطي بياضي، كتابخانه حيدريه، نجف، ١٣٨٤ ق.
- صفات الشيعة: شيخ صدوق، اعلمي، تهران، بي تا.
- الصوارم المهرقة: قاضي نورالله شوشتری، ج ١، نهضت، تهران، ١٣٦٧ ق.
- طب الأئمة عليهم السلام: عبدالله و حسين بسطامي، شريف رضى، قم، ١٤١١ ق.
- طب الرضا عليه السلام: امام علي بن موسى الرضا عليه السلام، خيام، قم، ١٤٠٢ ق.
- طب النبي صلى الله عليه وآله: ابوالعباس مستغفرى، رضى، قم، ١٣٦٢ ش.
- الطرائف: سيد علي بن موسى بن طاوس، خيام، قم، ١٤٠٠ ق.
- العدد القوية: رضى الدين علي بن يوسف حلى، كتابخانه آيت الله مرعشى قم، ١٤٠٨ ق.
- عدة الداعي: بن فهد حلى، دارالكتاب الاسلامى، بي جا، ١٤٠٧ ق.
- علل الشرائع: شيخ صدوق، مكتبة الداورى، قم، بي تا.
- العمدة: بن بطريق يحيى بن حسن حلى، جامعه مدرسين قم، ١٤٠٧ ق.
- عوالى الآلى: بن ابى جمهور احسائى، سيد الشهداء عليه السلام، قم، ١٤٠٥ ق.
- العويص: شيخ مفيد، كنگره جهاني شيخ مفيد قم، ١٤١٣ ق.
- عين العبرة: سيد احمد بن موسى بن طاوس، دارالشهاب، قم، بي تا.
- عيون أخبار الرضا عليه السلام: شيخ صدوق، جهان، بي جا، ١٣٧٨ ق.
- الغارات: ابراهيم بن محمد ثقفى، مؤسسه دارالكتاب، قم، ١٤١٠ ق.
- غررالحكم: عبدالواحد بن محمد تميمى آمدى، يك جلد، دفتر تبليغات اسلامى قم، ١٣٦٦ ش.
- الغيبة للطوسى: شيخ طوسى، مؤسسه معارف اسلامى، قم، ١٤١١ ق.
- الغيبة للنعمانى: محمد بن ابراهيم نعمانى، مكتبة الصدوق، تهران، ١٣٩٧ ق.
- فتح الأبواب: سيد علي بن موسى بن طاوس، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ١٤٠٩ ق.
- فرج المهموم: سيد علي بن موسى بن طاوس، دار الذخائر، قم.
- فرحة الغرى: سيد عبدالكريم بن طاوس، رضى، قم.
- فضائل الأشهر الثلاثة: شيخ صدوق، مكتبة الداورى، قم.

﴿فهرست منابع﴾

- فضائل الشيعة؛ شيخ صدوق، اعلمی، تهران.
- الفضائل؛ شاذان بن جبرئیل قمی، رضی، قم، ۱۳۶۳ ش.
- فقه الرضا عليه السلام؛ امام رضا عليه السلام، کنگره جهانی امام رضا عليه السلام، مشهد، ۱۴۰۶ ق.
- فقه القرآن؛ قطب‌الدین راوندی، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم، ۱۴۰۵ ق.
- فلاح السائل سید علی بن موسی بن طاوس، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، بی‌تا.
- قرب الإسناد؛ عبدالله بن جعفر جَمیری قمی، کتابخانه نینوی، تهران، بی‌تا.
- قصص الأنبياء؛ سید نعمت‌الله جزائری، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- قصص الأنبياء؛ قطب‌الدین راوندی، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۹ ق.
- الکافی؛ ثقة الاسلام کلینی، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۵ ش.
- کامل الزیارات؛ ابن قولویه قمی، مرتضویه، نجف اشرف، ۱۳۵۶ ق.
- کتاب سلیم؛ سلیم بن قیس هلالی کوفی، الهادی، قم، ۱۴۱۵ ق.
- کتاب‌المزار؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید قم، ۱۴۱۳ ق.
- کشف الریبة؛ شهید ثانی، مرتضوی، مشهد، ۱۳۹۰ ق.
- کشف الغمة؛ علی بن عیسیٰ اربلی، بنی‌هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ ق.
- کشف الیقین؛ علامه حلی حسن بن یوسف، مؤسسه چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
- کفاية الاثر؛ علی بن محمد خزاز قمی، بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق.
- کمال‌الدین؛ شیخ صدوق، دارالکتب الإسلامية، قم، ۱۳۹۵ ق.
- کنز الفوائد؛ ابوالفتح کراجکی، دارالذخائر قم، ۱۴۱۰ ق.
- اللهموف؛ سید علی بن موسی بن طاوس، جهان، تهران، ۱۳۴۸ ش.
- المؤمن؛ حسین بن سعید اهوازی، مدرسه امام مهدی عليه السلام قم، ۱۴۰۴ ق.
- مئة منقبة؛ بن شاذان قمی، مدرسه امام مهدی عليه السلام قم، ۱۴۰۷ ق.
- متشابه القرآن؛ بن شهر آشوب مازندرانی، بیدار، بی‌جا، ۱۳۲۸ ش.
- مثیر الاحزان؛ بن نما حلی، مدرسه امام مهدی عليه السلام قم، ۱۴۰۶ ق.
- المجتنی؛ سید علی بن موسی بن طاوس، دارالذخائر، قم، ۱۴۱۱ ق.

﴿فهرست منابع﴾

مجمع البحرين، فخرالدين بن محمد طريحي، تصحيح احمد حسيني اشكوري، مرتضوى، تهران، ۱۳۷۵ ش.

- مجموعه ورام؛ ورام بن ابى فراس، مكتبة الفقيه، قم.
- محاسبة النفس؛ سيد على بن موسى بن طاوس، مرتضوى.
- المحاسن؛ احمد بن محمد بن خالد برقى، دارالكتب الإسلامية، قم، ۱۳۷۱ ق.
- مسائل على بن جعفر عليه السلام؛ على بن جعفر عليه السلام، مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
- مسار الشيعة؛ شيخ مفيد، كنگره جهانى شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ ق.
- مستدرک الوسائل؛ محدث نوري، مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.
- مستطرفات السرائر؛ محمد بن ادريس حلى، جامعه مدرسين، قم، ۱۴۱۱ ق.
- مسكن الفؤاد؛ شهيد ثانى، كتابخانه بصيرتى، قم، بى تا.
- مشكاة الأنوار؛ ابوالفضل على بن حسن طبرسى، كتابخانه حيدريه، نجف اشرف، ۱۳۸۵ ق.
- مصادقة الإخوان؛ شيخ صدوق، كرمانى، قم، ۱۴۰۲ ق.
- مصباح الشريعة؛ امام صادق عليه السلام، مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، بى جا، ۱۴۰۰ ق.
- مصباح المتهجد؛ شيخ طوسى، مؤسسه فقه الشيعة، بيروت، ۱۴۱۱ ق.
- المصباح؛ ابراهيم بن على عاملى كفعمى، رضى، قم، ۱۴۰۵ ق.
- معانى الأخبار؛ شيخ صدوق، جامعه مدرسين، قم، ۱۳۶۱ ش.
- معدن الجواهر؛ ابوالفتح كراچكى، كتابخانه مرتضويه، تهران، ۱۳۹۴ ق.
- مفتاح الفلاح؛ شيخ بهايى، دار الأضواء، بيروت، ۱۴۰۵ ق.
- المقام الأسنى؛ ابراهيم بن على عاملى كفعمى، مؤسسه قائم آل محمد عليه السلام، قم، ۱۴۱۲ ق.
- المقنعة؛ شيخ مفيد، كنگره جهانى شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ ق.
- مكارم الأخلاق؛ رضى الدين حسن بن فضل طبرسى، شريف رضى، قم، ۱۴۱۲ ق.
- المناقب؛ بن شهر آشوب مازندراني، ۴ ج، مؤسسه علامه، قم، ۱۳۷۹ ق.
- منتخب الأنوار المضيئة؛ على بن عبدالكريم نيلى نجفى، خيام، قم، ۱۴۰۱ ق.
- من لا يحضره الفقيه؛ شيخ صدوق، جامعه مدرسين، قم، ۱۴۱۳ ق.
- منية المريد؛ شهيد ثانى، دفتر تبليغات اسلامى، قم، ۱۴۰۹ ق.

﴿فهرست منابع﴾

- مهج الدعوات؛ سید علی بن موسی بن طاوس، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۱ ق.
- نزهة الناظر؛ یحیی بن سعید حلّی، رضی، قم، ۱۳۹۴ ق.
- نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، به کوشش ابو القاسم پاینده، دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- نهج البلاغة؛ امام علی علیه السلام، دار الهجره، قم.
- نهج الحق؛ حسن بن یوسف حلّی، دارالهجرة، قم، ۱۴۰۷ ق.
- النوادر؛ احمد بن محمد بن عیسی اشعری علیه السلام، مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.
- النوادر؛ سید فضل الله راوندی، مؤسسه دارالکتاب، قم.
- الهدایة الکبری، حسین بن حمدان خصیبی، البلاغ، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
- وسائل الشیعة؛ شیخ حر عاملی، مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
- الوسيلة؛ ابن حمزه طوسی، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۸ ق.
- وقعة صفین؛ نصر بن مزاحم بن سيار منقری، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۳ ق.
- اليقين؛ سید علی بن موسی بن طاوس، مؤسسه دارالکتاب، قم، ۱۴۱۳ ق.